



فہرست  
کتابخانہ مدرسہ عالیہ سیالکوٹ

جلد دوم  
کتاب خطی فارسی - عربی - ترکی

تالیف  
ابن سفيث پرازی

چاپخانہ مجلس



فهرست  
کتابخانه مدرسه عالی پهلایان

جلد دوم

کتاب خطی فارسی و عربی و ترکی

تألیف

صاحب

ابن یوسف شیرازی

در چاپخانه مجلس از خرداد ۱۳۱۶ تا دیماه ۱۳۱۸ چاپ شد

تهران



بنام خداوند بخشنده مهربان

یگانه خداوندی را سپاسگزارم که این کشور باستانی را

زیر سایه یگانه پیشوای توانا

اعلی حضرت همایون شاهنشاه رضا شاه پهلوی خلد الله ملک

رو به بزرگی برده و مردمان آنرا هم از خواری نادانی بسرافرازی دانائی  
رسانیده است.

یکی از گامهائیکه برای پیشرفت کارهای فرهنگی در پرتو دبستگی

شاهنشاهزاده و ولیعهد جوانبخت

والا حضرت همایون شاهپور محمد رضا

برداشته شده توجه بکتابخانه های کشور بوده که دربردارنده افکار عالی  
و آثار مهم نیاکان و موجب افتخار آیندگان میباشد و شاید بتوان با کمال  
جرئت گفت کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار از لحاظ دربرداشتن نسخه های  
کهن سال و کمیاب و ممتاز، از جهت خط و تذهیب و جلد در ردیف  
کتابخانه های خوب جهان قرار گرفته و نگارنده در مقدمه جلد نخستین تاریخچه  
آنرا نگاشته است.

کتابهای نفیس این کتابخانه در اثر نداشتن فهرست جامعی مانند

بهترین کتابخانه های کشورهای اروپا، بر دانشمندان پوشیده بود

و مسلم است که استفاده از کتاب و کتابخانه بدون وجود اینگونه فهرستها که در حقیقت کلید و راهنمای جویندگان و متبیین میباشد امکان پذیر نیست و گذشته از این، فهرستهایی که مشتمل بر شرح حال و آثار بزرگان علم و ادب است و تمام یا بیشتر آنان ایرانی بوده اند بهترین وسیله برای معرفی يك کشور باستانی بجهان میباشد.

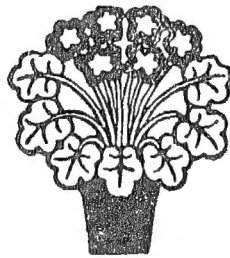
در این فهرست گذشته از اینکه خصوصیات کتب ادبی و نسخ آنها نگارش یافته شرح حال و آثار و مؤلفات دوستان و پنجاه نفر از ادبا و شعرا و دانشمندان نگاشته شده و تقریباً سه هزار مؤلفه دیگر را بمناسبت معرفی نموده و در آخر، چون اعلام و نام شهرها، آنها را بترتیب حروف تهجی مرتب نموده ایم.

این مجلد که شامل بخشی از کتب ادبی کتابخانه است با دقت زیاد تألیف گردیده مؤلف و یاران وی در تألیف و تنظیم آن رنجهای فراوان برده اند و بررسی و دقت در مندرجات آن، ادعا را ثابت میکنند و زبان حال نگارنده این بیت است:

بدانی چو نیمکو در او بنگری      که جان کنده ام تا تو جان پروری

در مجلد پیشین چند گراور از نسخ مهمه گذارده شد ولی در این مجلد چون بیشتر نسخه ها از حیث خط و کمیابی و تذهیب و نقاشی دارای اهمیت زیادی میباشند ترجیح هر يك را بر دیگری بدون مرجع دانسته و از این کار برکنار شدیم.

گذشته از مآخذیکه در مقدمه جلد اول یادآوری شده بیش از پنجاه مجلد  
از کتب تاریخ و رجال و ادب در هنگام نگارش این مجلد نیز مورد مراجعه  
بوده و عموماً در مواقع خود مآخذ نگارش مطالب را نگاشته ایم .  
در خاتمه متذکر میشود که نگارش این مجلد چون مجلد پیشین به معاونت  
و مساعدت و همراهی دانشمندان محترم آقای عبدالحسین امین عراقی و  
آقای محمد جعفر واجد که هر دو از بهترین دانشجویان و فارغ التحصیلان  
دانشکده معقول و منقول میباشند صورت گرفته و تصحیح آنرا هم آقای  
سید حسن نوربخش عهده دار بوده و بدین وسیله از ایشان شکرگزاری  
مینمایم . تهران ۵ دیماه ۱۳۱۸ ضیاءالدین حدائق - ابن یوسف شیرازی



## فهرست مندرجات

---

- |                 |  |
|-----------------|--|
| از صفحه تا صفحه | ۱ - مقدمه  |
| ۱۵۹ - ۲         | ۲ - خطب و منشآت (مشمول بر ۳۸ کتاب و ۶۷ نسخه است)         |
| ۲۰۲ - ۱۶۰       | ۳ - لغات و فرهنگها ( « ۴۸ » « ۹۹ » « )                   |
| ۴۰۰ - ۳۰۳       | ۴ - صرف و نحو ( « ۵۵ » « ۱۱۴ » « )                       |
| ۴۳۵ - ۴۰۱       | ۵ - معانی و بیان و بدیع (مشمول بر ۱۹ کتاب و ۴۸ نسخه است) |
| ۴۵۱ - ۴۳۶       | ۶ - عروض و قافیه ( « ۴۳ » « ۴۳ » « )                     |
|                 | ۷ - اشعار و تذکرها                                       |
| ۷۰۵ - ۴۵۲       | و دیوانها ( « ۱۱۳ » « ۱۹۸ » « )                          |
| ۷۱۲ - ۷۰۶       | ۸ - فهرست اماکن  |
| ۷۲۵ - ۷۱۳       | ۹ - فهرست کتب متفرقه                                     |
| ۷۷۱ - ۷۳۶       | ۱۰ - فهرست اعلام   |
| ۷۹۱ - ۷۷۲       | ۱۱ - فهرست کتب این مجلد                                  |
| ۷۹۵ - ۷۹۳       | ۱۲ - غاظمه   |

بنام خداوند بخشنده مهربان

## خطب و منشآت

چنانکه در مقدمه جلد اول نگاشته شد مجلد دوم فهرست این کتابخانه شامل کتب ادبی میباشد و نخستین فصل آن بنام « خطب و منشآت » نامیده شد .

### [ ۳۰۱ ] آداب المشق (فارسی)

مؤلف این کتاب میر عماد حسنی قزوینی (۹۶۱-۱۰۲۴) (۱) خطاط معروف میباشد که در عالم خوشنویسی مخصوصاً خط نستعلیق گوی سبقت از همه ر بوده و چنین معمول گردیده که هر کس را خواهند بخوبی خط تعریف نمایند گویند میر است و یا مثل میر مینویسد و گذشته از این صنعت زیبا دارای طبع شعر هم بوده و میرزای سنگلاخ در جلد اول از کتاب « تذکرة الخطاطین » یا « امتحان الفضلا » در ذیل شرح حال میر مذکور یاره ای از قطعات و ابیات وی را نقل کرده و در آخر مجلد دوم از کتاب نامبرده این کتاب یا رساله را که در طریقه نگارش خط نستعلیق و مقدمات آن تألیف نهوده با رساله « سر اصل السطور » (۲) سلطانعلی مشهدی و رساله « مداد الخطوط » خواجه میر علی هر وی که این دو نیز

(۱) ج ۱ تذکرة الخطاطین سنگلاخ ، بدایش خط و خطاطان ۱۶۳ و ۱۷۳ و نامه روحان اصفا .

(۲) نام این رساله را در جلد دوم تذکرة الخطاطین بدین طرز بهت نموده و در حاشیه نوشته شده : سر اصل همان صراط معروف است و این رساله نیز بنظم و آغاز آن این است :

بسمه با این همه بی حاصلی بوالهوسی درمانده به بارسائی و هیچ کسی .

از معاریف این فنّ میباشند و رساله آنها در طرز نگارش است ثبت نموده و به طبع رسیده و آداب المشق مستقلاً نیز چاپ شده است.

مؤلف نام این رساله را آداب المشق نهاده و بدیباچه و شش فصل مرتب گردانیده بدین تفصیل:

**فصل اول:** در اینکه کاتب از صفات ذمیمه باید احتراز کند. **فصل دوم:**

در بیان اجزای خط. **فصل سوم:** در تعریف مشق و آداب آن. **فصل چهارم:**

در بیان چگونگی قلم و تراشیدن آن. **فصل پنجم:** در آداب مرکب ساختن.

**فصل ششم:** در تربیت کردن کاغذ و اقسام آن و طریقه رنگ آمیزی و آهار و مهره کردن آنها. و این رساله در حدود (۲۰۰) بیت میباشد.

**آغاز:** بسمله صبا بعطر آمیزی رقم مشکین بسم الله که سردفتر ارقام مشکفام دیوان حمد و ثنای خالق بیچون است الخ.

**انجام:** و خوبی مهره آنستکه همچنان روشن شود که عکس روی در وی نماید والله اعلم تم.

(۷۴۷)

این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نگاشته شده، کاتب از **آداب المشق** خود و سال کتابت نام نبرده، در سال ۱۲۹۶ داخل در کتابخانه اعتضادیه شده و پشت صفحه اول بنام «رساله در قواعد خط از میر عماد» یاد داشت گردیده است.

جلد تیماج. کاغذ دولت آبادی. و افسس بهسا لار. قطع بغای. شماره اوراق (۲۵). صفحه (۹) سطر. طول (۱۱ سانتیمتر)، عرض (۶  $\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر) شماره کتابخانه (۶۴۸).

(۷۴۸)

این نسخه بخط نستعلیق خوب در سال ۱۲۹۱ نگاشته شده، کاتب از خود نام نبرده و جای عناوین و فصول را سفید گذاشته اند.

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچک . شماره اوراق ( ۱۱ ) . صفحه ( ۱۲ ) سطر . طول ( ۲۱ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۴ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۷۶۷ ) .

## [ ۳۰۲ ]      ادب الکاتب      ( عربی )

مؤلف این کتاب ابن قتیبہ دینوری ره است ( ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبہ کوفی ۲۱۳ - ۲۷۰<sup>(۱)</sup> ) که از علماء فقه و لغت و نحو بوده و بغرب قرآن و حدیث و معانی آن اطلاع کامل داشته ، مولدش کوفه است و غلو در طریقۀ بصریین داشته و اقوال کوفیین را در کتب خویش نقل نموده و در گفتار خویش راستگو و طرف اعتماد بوده و چندی مقام قضاوت دیور (۲) را داشته و بدین سبب مشهور به دینوری گردیده ، ابن الندیم که در قرن چهارم میزیسته پس از بیانی که عبارات گذشته ترجمه پاره‌ای از آنهاست مؤلفانیکه ذیلاً نام میبریم مدونسات داده و ابن خلکان نیز همین معانی را در کتاب وفیات خویش آورده و گوید که بمرگ ناگهانی در گذشت و اختلافات فوق را در سال وفات او وی نقل نموده و گوید که پسر وی **ابو جعفر احمد بن عبدالله** در سال ۳۲۱ قاضی مصر گردید و تمام مصنفات پدر را روایت نمود و بسال ۳۲۲ همانجا در گذشت و اینست مؤلفات ابن قتیبہ :

کتاب **معانی الشعر** ( کتابی بزرگ و مشتمل بر دوازده کتاب است ) ، کتاب **الفرس** ( در چهل و شش باب ) ، کتاب **الابل** ( در شانزده باب ) ، کتاب **الجرب** ( در ده باب ) ، کتاب **الغرور** ( در بیست باب ) ، کتاب **الدیار** ( در ده باب ) ، کتاب **الریاح** ( در سی و یک باب ) ، کتاب **السیاح والوحوش** ( در هفده باب ) ، کتاب **الهوام** ( در چهارده باب ) ، کتاب **الایمان والدواهی** ( در هفت باب ) ، کتاب **النساء والعزل** ( فقط در یک باب ) ، کتاب **النسب والابن** ( در هشت باب ) ، کتاب **تصحیف العلماء** ( در یک باب ) ، کتاب **عیون الشعر** ( این کتاب بگفته ابن الندیم مشتمل بر ده کتاب است و از آنها کتاب المراتب ، کتاب القلائد ، کتاب المحاسن ، کتاب المشاهد ، کتاب الشواهد ، کتاب الجواهر ، کتاب المراقب ، میباشد ) . ( در کشف الظنون بدین نام کتابی ضبط نگردیده ولی از این مؤلف کتابی بنام : طبقات الشعراء » نقل نموده که بقرائتی توان آرا همین کتاب ( عیون الشعر ) دانست ج ۲ کشف الظنون

( ۱ ) شرح حال این مؤلف از ابن خلکان ج ۱ ص ( ۲۵۱ ) و فهرست ابن الندیم ص ۱۱۵ د معجم المطبوعات ص ۲۱۱ تا ۲۱۳ گ گرفته شده .

( ۲ ) دینور یکی از شهرهای مغرب ایران و در نزدیکی کرمانشاهان فعلی بوده است .

ص ۹۳ و این خاکن طبقات الشعرا را از ابن مؤلف دانسته و در فهرست ابن الندیم این کتاب ذکر نشده است) ، **کتاب عیون الاخبار** (این کتاب مشتمل بر ده کتاب ذیل میباشد : کتاب السلطان ، الحرب ، الاستوداد ، الطبايع ، العلم ، الزهد ، الاخوان ، الحوائج ، الطعام و **کتاب النساء** ( بروکلمان آلمانی و مصریین بچاپ کتاب النساء پرداخته اند ) ، **کتاب الفقهیه** ( ابن ندیم گوید که سه جزو از این کتاب را در ششصد ورق بخط برك (۱) دیده ام و تقریباً دو جزء آن ناقص بود از جمعی که اهل خط بودند پرسش نمودم چنین گمان دارند که اینک موجود میباشد و از کتابهای **بنی نعیم** بزرگتر است ) ، و نیز ابن الندیم پس از این گوید که از بهترین کتابهای وی اینها است : **کتاب الحکایة و المحکمى** ، **کتاب ادب الکتاب** ( همین کتاب ) ، **کتاب الشعر و الشعراء** ( این کتاب در مصر چاپ شده و آنرا باطبقات الشعراء که از مؤلفات ابن مؤلف است صاحب معجم المطبوعات یکی دانسته است ) **کتاب البخل** ، **کتاب جامع النحو** ، **کتاب مخزن الحادیث** ، **کتاب اعراب القرآن** ، **کتاب دیوان الکتاب** ، **کتاب فرائد الدر** ، **کتاب خلق الانسان** ، **کتاب المراتب و المناقب** از عبود الشعر ، **کتاب التسویة بین العرب و العجم** ، **کتاب الانواء** ، **کتاب المشکل** **کتاب دلائل النبوة** ، **کتاب اختلاف تأویل الحادیث** ، ( ظاهراً همین کتاب است که بنام «تأویل مختلف الحادیث» چاپ شده ) ، **کتاب المعارف** ، **کتاب جامع الفقه** ، **کتاب اصلاح غلط ابی عید** در غریب حدیث ، **کتاب المسائل و الجوابات** ، **کتاب العلم** ( در حدود پنجاه ورق است ) ، **کتاب المیسر و القلاح** ، **کتاب حکم الاثمال** ، **کتاب الاشربة** ( این کتاب سال ۱۰۹۷ م در میانه المقتبس طبع گردیده ) ، **کتاب جامع النحو الصغیر** ، **کتاب الرد علی المشبهه** ، **کتاب آداب العشرة** و **کتاب غریب الحادیث** ، این خاکن در وفیات الاعیان پاره ای از مؤلفات فوق را ذکر نموده و کتابی بنام مشکل القرآن و اصلاح الغلط نام برده ظاهراً همان کتاب المشکل و اصلاح غلط ابی عید است که ابن ندیم ذکر نمود و کتاب طبقات الشعراء و کتاب غریب القرآن را نیز از مؤلفات ابن قتیبه دانسته و صاحب معجم المطبوعات کتاب الامامة و السیاسة و الرحل و المنزل و اللباء و اللان را که طبع شده اند از مؤلفات ابن قتیبه دانسته است .

ابن کتاب ( ادب الکاتب ) یکی از کتب مهمه ادب میباشد و ابن خلدون ( ۷۳۲-۸۰۸ ) در مقدمه تاریخ خویش ذیل علم الادب درباره آن چنین گفته : هنگام استفاده از مدرسین خویش چنین یاد دارم که میگفتند : اصول فن ادب و ارکان آن این چهار دیوان است : **ادب الکاتب ابن قتیبه** ، **کامل مبرد** ، **البيان و التبيين** **جاحظ** و **نوادیر ابوعلی قالی بغدادی** و جز این چهار کتب دیگر فرع و تابع اند . ( مقدمه ابن خلدون ص ۴۸۶ ) .

(۱) در فهرست ابن الندیم چاپ اروپا و مصر بهمین نحو ضبط گردیده است .



ابن قتیبه پس از آنکه شرحی در خطبه و دیباچه کتاب از روزگار خویش و کساد بازار علم و ادب و نارواچی فضل و دانش شکایت نموده گوید :  
چون کتاب و فضلاء معاصر از شرائط کتابت عاری و بری اند و اگر برین منوال پیش رویم از ادب جز نامی و از ادبا جز آثاری نخواهیم یافت ، ناچار گردیدیم برای اشخاصی که تاحدی تحصیل نموده و از دانش بی بهره نیستند کتابی تألیف کنم که آنها را در انجام وظائف خویش آگاه نماید و اغلاطی را که عامه استعمال میکنند بیاورم تا آنان از آن غلط در گفتار و کتابت محفوظ مانند و نیز در این خطبه آنچه را که ادیب و نویسنده بایستی بدانند از فقه و اصول و حدیث و نجوم و غیر ذلک بدانها اشاره نموده و طریقه نگارش را بدست میدهد .

این کتاب دارای مطالب بسیار مفید لغوی ، نحوی ، صرفی ، طبعی و دینی است و در ( ۱۲۷ ) باب میباشد ، بعضی از مطالب هم بدون عنوان باب مذکور گردیده و در تمام مطالب باشعار « فصحاً و بلغاً » استشهاد شده است .

مؤلف خود نامی برای این کتاب نگذاشته ولی چنانکه دانستیم ابن الدیم که قریب بیک قرن پس از ابن قتیبه زندگانی می نموده آن را « ادب الکاتب » معرفی کرده و تمام علماء سیر آنرا بهمین نام یاد کرده اند جز اینکه ابو محمد عبد الله بن محمد بن سید بطلموسی اندلسی ( ۴۴۴ - ۵۲۱ ) شرحی بر این کتاب بام « الافتضاب فی شرح ادب الکاتب » نگاشته و چنین وانمود کرده که نام این کتاب « ادب الکاتب » است ولی چنانکه دانستیم یک قرن پس از این شرح ، این کتاب به « ادب الکاتب » معروف بوده و تغییرش جائز نبوده و صاحب کشف الظنون در ذیل ادب الکاتب گوید ( ج ۱ ص ۷۳ ) :

بعضی گفته اند ادب الکاتب خطبه ای است بدون کتاب در صورتی که مشتمل بر همه چیز است و بر آن شرحی نوشته شده که از آنجا که الاقتضاب میباشد و این شرح مشتمل بر سه قسمت است اول شرح خطبه و بیان اقسام منسبان و آنچه ایشان را لازم است ، دوم اشعارهایی که مؤلف کرده ، سوم شرح ابیانی که در این کتاب آورده شده است . ( الاقتضاب بسال ۱۹۰۱ م . در بیروت چاپ شده ) .

کشف الظنون در ج ۱ ص ۷۳ و ۷۴ پس از اینکه ادب الکاتب ابن قتیبه را ذکر نموده شرح ذیل را بر آن یاد آور شده ( ۱ ) ، الاقتضاب که شرح آن داده شد ( ۲ ) شرح

ابی منصور موهوب بن احمد جوالقی متوفی سال ۴۶۰ - (۳) شرح سلیمان بن محمد زهرادی. (۴) شرح ابی علی حسن بن محمد بطایوسی متوفی سال ۵۷۶. (۵) شرح احمد بن داود جذامی متوفی سال ۵۹۸. (۶) شرح اسحق بن ابراهیم فارابی متوفی سال ۳۵۰.

و نیز گوید که بعضی فقط خطبه این کتاب را شرح نموده اند و از آنها (۱) ابوالقاسم عبدالرحمن بن اسحق الزجاجی متوفی سال ۳۳۹. (۲) مبارک بن فاخر نحوی متوفی سال ۵۰۰. (نام برده) علت اینکه بعضی فقط بشرح خطبه آن اکتفا کرده اند این است که بتفصیل دارای مطالب مهمه ای میباشد که اندکی از آنها را یاد کردیم و بهمن سبب بعضی بغلط افتاده و تصور نموده اند که ادب الکاتب خطبه ایست بدون کتاب) و بعضی فقط آیات این کتاب را شرح نموده و صاحب کشف الظنون از آنها احمد بن محمد خازن رجی متوفی سال ۳۴۸ را ذکر نموده است.

در ص ۷۴ ج ۱ کشف الظنون کتب ذیل بنام نیز ادب الکاتب بامؤلفین آنها

ثبت شده :

( ادب الکاتب ) تألیف امام ادیب ابو بکر محمد بن القاسم بن الانباری متوفی سال ۳۲۸.  
( ادب الکاتب ) تألیف ابو جعفر احمد بن محمد النحاس نحوی متوفی سال ۳۳۸.  
( ادب الکاتب ) تألیف ابو عبد الله محمد بن یحیی الصولی الکاتب متوفی سال ۳۳۵. (۱)

( ادب الکاتب ) تألیف ابن درید محمد بن الحسن اللغوی متوفی سال ۲۲۱.

( ادب الکاتب ) تألیف صلاح الدین خلیل بن ابیک الصفدی متوفی سال ۷۹۴.

ادب الکاتب ابن قتیبه در اروپا و اسلامبول و مکرراً در مصر چاپ شده است.

آغاز: بسم الله قال ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه رحمه الله تعالى اما بعد حمد الله بجمع محامده و الثناء علیه بما هو اهله و الصلوة علی رسوله المصطفی و آله فانی لما رأیت اکثر اهل زماننا الخ.

(۷۴۹)

این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۸۲ نگاشته شده ، کاتب از

خود نام نبرده و مشتمل بر تمام کتاب است و عناوین را با

سرخی نوشته و چند ورق نوشته در اول آن است .

ادب الکاتب

(۱) در فهرست ابن الندیم نام این کتاب را چنین ثبت نموده « ادب الکاتب علی الحقیقه » و گوید در اثر اینکه خبری درباره علی بن ابی طالب علیه السلام روایت نموده شیعه و سنی در صدد کشتن وی بودند پنهان شد و در بصره بحالیکه از نظرها مخفی بود بمرد و بهتر از هر کس شطرنج را بازی میکرد و تا سال (۳۳۰) زندگی میکرد انتهی . ( ص ۲۱۵ ) .

جلدهش ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۱۷۱ ) . صفحه ( ۱۷ ) سطر . طول (  $۲۲\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۱۵ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۷۹۳ ) .

( ۷۵۰ )

**ادب الکاتب** این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و مشتمل بر بیشتر از نصف از این کتاب میباشد ( از ابتداء کتاب تا آخر باب ماجاء غرکا و العامة تسکنة ) و آخرین سطر نسخه این است : ( الذبحه بالقسم واسکان الباء و ذهب دمه هدرأ بفتح الدال . ) از کاتب نامی در نسخه نیست به سال ۱۲۸۷ بنام « ادب الکاتبین » داخل کتابخانه اعتضادیه شده و پشت صفحه اول یادداشت گردیده و بر گهای آن مجدول بطلا و سرخی و کاغذ آن فرنگی و بر تمام اوراق شیر و خورشید بر آمده ایست .

جاء تیماجی . کاغذ فرنگی آبی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۱۸۰ ) صفحه ( ۱۱ ) سطر . طول (  $۲۲\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۱۵ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۷۹۲ ) .

[ ۳۰۳ ] **اطباق الذهب** ( عربی )

مؤلف این کتاب شرف الدین شفروه اصفهانی ره است ( شرف الدین محمد ( ۱ ) اصفهانی شفروه متوفی در حدود ۶۰۰ ) .

( ۱ ) در تعلیمات استاد علامه قزوینی ذکر شده که در فهرست اسیر نگر بنقل از تقی الدین کاشانی نام این مؤلف شرف الدین عبدالوہاب صبط گردیده ، پشت صفحه اول نسخه چاپ شده مؤلف نیز شرف الدین عبدالوہاب بن هبة الله مغربی اصفهانی صبط گردیده ، ولی با تتمع مقدور ندانستیم بچه مناسبت ایشان را مغربی معرفی کرده اند و در تذکره آتشکده آذر ذیل شعراء اصفهان نام ایشان شرف الدین فضل الله ثبت گردیده ولی در لباب الالماج ج ۱ ص ۲۶۸ و تذکره اوقات اقلیم در ذیل اصفهان شرف الدین محمود در تذکره دولتشاه نسخه خطی این کتابخانه ص ۹۷ شماره ( ۲۷۲۷ ) شرف الدین شفروه اصفهانی با سنین همله و در نسخه تاریخ گردیده صحیح قدیمی این کتابخانه شرف الدین شفروه اصفهانی و در مجمع الفصحاء ج ۱ ص ۳۰۲ بنام شرف صبط گردیده ولی جز آتشکده این کتاب را هیچیک از تذکره نویسندگان از الیفات و انشاءات او ندرده اند در ص ۱۶۵ صاحب دوم از جز و سوم فهرست دار الكتب المعسره نام مؤلف اطباق الذهب نیز شرف الدین عبدالوہاب بن هبة الله مغربی اصفهانی صبط شد و صاحب معجم المطبوعات ص ۱۳۰ وی را شرف الدین عبدالوہاب بن هبة الله مغربی اصفهانی المعروف بشقوره یا شفروه معرفی نموده و در ذیل آن گوید که در اواسط قرن دهم هجری معروف گردیده پشت نسخه خطی که اخیراً باین کتابخانه رسیده و بسال ۱۱۱۵ نگاشته شده نام مؤلف چون نسخ چاپی با حذف کلمه مغربی است و اطباق الذهب در مصر و بیروت و لاهور چاپ شده است

عوفی که نزدیکترین تذکره نویسان بمؤلف و معاصر با وی میباشد در لباب الالباب (ص ۲۶۸ ج ۱) وی را «از امثال اصفهان و اعیان جهان معرفی نموده و گوید که در علم تذکیر شهرتی داشت و مواعظ و نصایح او عقل را مرشد شافی و مصقله وافی بود فامّا لطف طبع مروی را باعث و محرّض آمد بر آنک گاه گاه نظمی چون آب زلال و شعری چون سحر حلال پیردازد و در غزل و مدح لطائف و ظرائف نظم مرتّب گرداند و دیوان اشعار او مشهور است» و شصت و هفت بیت از اشعار او را در ذیل شرح حال وی آورده و نامی از این کتاب نبرده و آذریگدلی در «آتشکده» ذیل شعراء اصفهان این شخص را نام برده و گوید که معاصر باریف الدین لبنانی (متوفی بسال ۶۰۳) و جمال الدین عبد الرزاق بوده و مجیر بیلقانی (۱) (متوفی سال ۵۹۴) راهجا گفته شاهد فضلش رساله اطباق الذهب کافیست که در مقابل اطواق الذهب غنشری مشتمل بر صد پند و موعظه و شرح حال اصناف خلائق نوشته. و در آتشکده ۲۵ بیت از اشعار این مؤلف نقل گردیده، در تذکره دولتشاه نام این دانشمند مذکور و اشعاری از مدیحه وی درباره سلطان طغرل بن ملکشاه نقل گردیده و در تاریخ گزیده در ذیل شعراء نام وی و چند بیتی از او هست، صاحب مجمع الفصحاء ایشان را بنام «شرف اصفهانی» و از اهالی شفروه از قراء اصفهان که اینک آنرا پژوه میگویند معرفی نموده ولی بر حسب تحقیق اسناد علامه آقای میرزا محمد خان قزوینی مدّ ظله در تعلیقات بر لباب الالباب (ج ۱ ص ۳۵۶-۳۵۹) شفروه باشین و فاء وراء مهمله و واو و هاء نا ضمّ دو حرف اوّل و سکون راء یافتح آن دو و سکون راء نام یکی از اجداد شرف الدین بوده و «شرف» تخلص مینموده و در حدود سال ۶۰۰ وفات یافته است.

برای شناسائی بیشتر از این دانشمند به تعلیقات مذکور که مفصل تر و جامع تر

(۱) مجیر الدین بگفته استاد معظم آقای بدیع الزمان بسال ۵۵۱ یا ۵۵۲ باصفهان آمده و مردمان آنجا راهجا گفته ایشان وی و استادش خاقانی را هجو کرده اند و بهمین جهت خاقانی فصیده معروف بر دین «صفاهان» در مدح اصفهان سروده و از کار مجیر الدین عذر خواسته است. (ج ۲ سخن و سخنوران ص ۲۶۴).

از همه نگاشته‌اند مراجعه شود و دیوان این شاعر در موزه بریتانیا موجود است.  
و چنانکه خود در مقدمه نگاشته تألیف اطباق الذهب بر حسب امر احمد بن  
محمود بن علی الخوی، زاده الله توفیقاً بوده و از ایشان چنین خواستار شده که  
صد مقاله (۱) در وعظ و نصیحت و خطب بهمان نهج که علامه زنجشیری در  
اطواق الذهب برداشت کرده‌اند بنگارد. و گوید که پس از زنجشیری کسی نتواند  
چون وی قلم بدست گیرد و عباراتی چنان نگارش دهد ولی چون امر معظم له  
واجب بود شروع نموده و این مقالات را نوشته و آنها را مرتب ساخته و از  
آن پس «اطباق الذهب» نام گذاردم و هر يك از مقالات را بآیه‌ای از قرآن  
اکریم ختم نمودم تا ختام آن مسك باشد.

از مطالعه مقالات اطباق الذهب قدرت مؤلف و منشی آن بخوبی واضح  
میگردد و آنرا توان بر اطواق الذهب ترجیح داد.

و در ص ۱۶۵ ملحق دوم از جزء سوم فهرست دار الكتب المصریه نسخه‌ای  
از شرح بر اطباق الذهب که سال ۱۱۰۰ تحریر یافته می‌باشد و آغاز آن این است:  
(اعلم ان فی التسمیه و البسمله مباحث الاول فی لغتها الخ) و در دیل آن  
نگاشته شده که شارح آن معلوم نشد.

شیخ یوسف افندی النبهانی الفاظ مشکله و لغات غریبه این کتاب  
(اطباق الذهب) را شرح و نسخه منطبعه در بیروت آنرا داراست.  
آغاز: بسمله اللهم انا بحمدك على اما اسبلت من جلايب نعمك الخ.  
انجام: و اذ انبلی ابراهیم ربّه بکلمات فاتمه.

(۱) اطباق الذهب چنانکه مؤلف در مقدمه تصریح نموده مشتمل بر صد مقاله است ولی در نسخه  
چاپ بیروت شماره مقالات را به (۱۰۲) رسانده باین طریق که مقاله دوم را دو مقاله ندوده  
و خاتمه را هم يك مقاله شمرده و ترتیب مقالات این نسخه یاد و نسخه خطی کتابخانه پادشاهی  
هذکور میشود اختلاف دارد. ۹۰ خطی = ۹۲ و ۹۳ چایی و ۹۱ = ۹۲، ۹۱ - ۹۳، ۹۵  
۹۱، ۹۴ = ۹۷ و ۹۵ = ۹۶، ۹۶ = ۹۷، ۹۸ = ۹۸، ۹۹ - ۹۸، ۹۰ - ۹۹، ۱۰۰  
۱۰۰ = ۱۰۱ و خاتمه خطی = ۱۰۲ چایی است.

(۷۵۱)

**اطباق الذهب** این نسخه را بخط نسخ خیلی خوب حسن بن عبد المجید واعط اصفهانی بسال ۱۲۷۶ نوشته و در دو صفحه پس از ختم کتاب بخط شکسته نستعلیق همین کاتب شرحی مبنی بر اینکه این کتاب را بر حسب امر سیف الملک برشته تحریر در آورده مرقوم داشته اند ، ترجمه پاره ای از لغات از کتب لغت نقل و در حاشیه صفحات ثبت گردیده ، صفحات نسخه بمجدول بطلا و لاجورد و شماره مقالات را با لاجورد و برخی را با شنجراف نگاشته ، بعضی از کلمات دو صفحه پیش از ورق آخر را آب ضایع کرده و پشت آخرین صفحه شرحی مقامه مانند نوشته شده و در حاشیه آن چند بیت عربی در مذمت معاویه از اینکه زیاد را برادر خود معرفی کرده است می باشد .

ضمیمه اطواق الذهب می باشد . کاغذ ترمه . واقف سیه سالار . قطع وزیری کوچک . شماره اوراق این کتاب ( ۱۰۱ ) . صفحه ( ۱۱ ) سطر . طول ( ۲۲ سانتیمتر ) عرض ( ۱۴ سانتیمتر ) . شماره کتا بخانه ( ۳۳۴۸ ) .

(۷۵۲)

**اطباق الذهب** این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، کاتب از خود نامی نبرده و سال کتابت را نگاشته ولی بقرینه قطع و اینکه ضمیمه مقامات بدیع الزمان است که بسال ۱۲۷۷ نوشته شده و نسخه اطواق الذهب که نیز ضمیمه این نسخه است چنانکه می آید ظاهراً از روی نسخه ای که بسال ۱۲۷۶ نگاشته شده تحریر یافته ، بنابر این تاریخ نگارش این نسخه سال ۱۲۷۷ بوده و اطواق الذهب ز محشری و مقامات را در جاهای خود شرح خواهیم داد . این نسخه دارای سر لوحی زیبا و صفحات آن بمجدول بطلا و شماره مقالات آن بخط ثلث بالاجورد و بعضی با شنجراف است .

جاد ساغری سوخته طلائی . کاغذ سمرقندی . واقف سیه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق اطباق ( ۴۴ ) اوراق اطواق ( ۱۸ ) مقامات ( ۱۲۰ ) صفحه ( ۱۵۹ ) سطر . طول ( ۱۹ سانتیمتر ) عرض ( ۱۲ سانتیمتر ) . شماره کتا بخانه ( ۳۳۵۰ ) .

[ ۳۰۴ ] **اطواق الذهب** ( عربی )

مؤلف این کتاب جبار الله زشتیری ره است ( ۴۶۷ - ۵۳۸ ) که در جلد اول فهرست

ص ۱۵۸ بشرح مختصری از حالات و مؤلفات ایشان پرداخته شده و این کتاب از آن جمله است.

اطواق الذهب کتابی است مشتمل بر یکصد (۱) مقاله که هر يك از مقالات مواعظ و نصایح سودمندی را در بر دارد و مؤلف میان هر دو جمله از مقالات سبع را رعایت نموده و با نهایت ایجاز و اختصار و فصاحت و بلاغت این کتاب را خاتمه داده و چنانکه مذکور گردید **اطباق الذهب** را مؤلف آن در اقتداء به جلاله زمخشری تألیف نموده است.

در خود کتاب نامی از مؤلف و اسم کتاب نیست ولی در مقدمه اطباق الذهب مؤلف آن تصریح نموده که صدمقاله زمخشری موسوم به اطواق الذهب میباشد و کشف الظنون در ذیل همین نام این مقالات را نسبت بزخشری داده و در آنجا است که مؤلف در ابتداء هر مقاله خود را مخاطب ساخته و پس از گفتن یا ابا القاسم مطالب و مواعظی را آورده است و مؤلف معجم المصنوعات تتبع او نیز این مصدب را در ص ۹۷۳ ذکر نموده در صورتیکه در دو نسخه خطی این کتابخانه و نسخه چاپ وین که بضمیمه ترجمه آن بزبان اطریشی است و در این کتابخانه در تحت شماره (۳۳۴۹) موجود است و نسخه چاپ بیروت چنین نیست و با مطالعه مقالات این کتاب ثابت میشود که طرز دخول در موضوع هم مشابهی ندارد جمله یا ابا القاسم و یا عبارت دیگری که بیان کند محتال این مقاله از آن خطاب بخود جامع باشد دارا بوده است و کشف الظنون آغاز این کتاب را این جمله نقل نموده: (احمد علی ما ادرج لی من الانهاه) (۲) در صورتیکه نسخ مذکوره فوق ابتدای عبارتیکه ذیل آن نقل میشود گردیده است. و این کتاب چنانکه در

(۱) در نسخه چاپ وین مقالات را ۹۹ دانسته ولی در نسخه چاپ بیروت و نسخ خطی این کتابخانه قدمت اخیر مقاله ۹۹ چاپ وین را محققان صدم دانسته اند واریانات مؤلف اطباق الذهب در مقدمه کتاب معلوم میشود که این کتاب هم صدمقاله بوده و کشف الظنون نیز آنرا صدمقاله دانسته است. (۲) این نیز از اشتباهات حاجی حلیقه در کشف الظنون است که مقالات زمخشری را که دارای پنجاه مقاله است به اطواق الذهب او اشتباه کرده و این آغاز را که نقل نموده آغاز مقالات پنجاه گانه او است و این مقالات است که ابتداء به یا ابا القاسم گردیده وجود زمخشری مقالات آنرا شرح کرده و با همین شرح دوبار در مصر بسان ۱۳۱۲ و ۱۳۲۵ چاپ شده است.

معجم المطبوعات است بزبان ترکی و آلمانی و اطریشی ترجمه گردیده و با ترجمها در اروپا طبع شده و چاپ بیروت آن مشتمل بر شرح لغات و کلمات مشکله آن بقلم شیخ یوسف افندی اسیر است و آقای دکتر رضا زاده شفق استاد معاصر درص ۱۹۳ تاریخ ادبیات نوشته اند که: شاعر شهیر و صال شیرازی (متوفی بسال ۱۲۶۲) اطواق الذهب را بفارسی ترجمه کرده اند.

آقای یوسف اعتصامی (اعتصام الملك) رئیس محترم کتابخانه مجلس شورای ملی ایران که از نویسندگان شهیر این دوره میباشد و نوشتههای ایشان سر مشق نویسندگان عصر است این کتاب را شرح و بنام «قلائد الادب فی شرح اطواق الذهب» مسمی گردانیده و بسال ۱۳۲۱ در مصر چاپ شده و طرز این شرح آنست که پس از نقل عبارات اطواق بشرح الفاظ و عبارات مشکله آن پرداخته و در تأیید مطالب به اشیار و کلمات بزرگان از ادبا و حکما متوسل شده و در بیشتر از صفحات عباراتی مناسب مقام از اطباق الذهب آورده اند.

آغاز: بسملة اللّٰه اَنّی اُحَدِّثُکَ عَلٰی مَا اَذَلَّتْ اِلَیَّ مِنْ نِعْمَتِکَ الْخ.  
انجام: فکیف رضیت لدینک بالقذی، والمؤمن لایرضی لدینه بذّا.

(۷۵۳)

این نسخه بخط نسخ خیلی خوب نوشته شده، و کاتب آن **اطواق الذهب** حسن بن عبد المجید الحسینی واعظ اصفهانی بسال ۱۲۷۶ میباشد و پشت آخرین صفحه و صفحه مقابل آن بخط شکسته نستعلیق خیلی خوب شرحی در معرفی از این کتاب و مؤلف آن و اینکه بر حسب امر سیف الملك بکتابت آن پرداخته نگاشته است.

مقاله ۴۳ و ۴۷ را کاتب دو قسمت نموده و دو مقاله معرفی کرده و چهار مقاله آنرا (از ۹۱ تا ۹۴) نوشته و پس از این کتاب نسخه اطباق الذهب مذکور تحت شماره (۷۵۱) درص ۱۱ این فهرست میباشد، صفحات آن جدول بطلو لاجورد است و بر ورق که پیش از ورق اول است اشعاری بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته اند.



جلد تیماجی . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچک . شماره اوراق دو کتاب (۱۳۹) اوراق این کتاب (۳۸) صفحه (۱۱) سطر . طول (۲۲) سانتیمتر . عرض (۱۴) سانتیمتر . شماره کتابخانه (۳۳۴۸) .

(۷۵۴)

این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده، کاتب نامی از **اطواق الذهب** خود و سال کتابت نبرده ، مقاله ۴۳ و ۴۷ را کاتب دو قسمت

نموده و دو مقاله معرفی کرده و چهار مقاله آنرا از ۹۱ تا ۹۴ چون نسخه سابق نگاهشته اند بقرائنی که در ص ۱۱ ذیل نسخه (۷۵۲) اطباق الذهب ندانستم در سال ۱۲۷۷ تحریر یافته ، دارای یک سر لوح زیبا میباشد و میان سطور صفحه اول تذهیب برگ موئی دارد ، تمام اوراق بمجدول بطلا و شماره مقالات بخط ثلث باله تجوید نوشته شده و کتاب اطباق الذهب مذکور و مقامات بدیع الزمان که در این فصل از آن نام خواهیم برد ضمیمه این نسخه است .

جلد ساغری سوخته طلائی . کاغذ سر قندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۱۸) صفحه (۱۵) سطر . طول (۱۹) سانتیمتر . عرض (۱۲) سانتیمتر . ضمیمه شماره (۳۳۵۰) کتابخانه است .

### [ ۳۰۵ ] ترجمه و شرح عهد نامه مالک اشتر ( فارسی )

مترجم این عهد نامه کسه از معروفترین انشآت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام میباشد و شروح بسیاری بر آن نگاشته شده و در ذیل شرح کتاب نهج البلاغه از آن نیز یاد خواهیم نمود ملا محمد صالح بن حاج شاد ناه و بن معروف بروغنی رحمة الله علیه میباشد که از علماء قرن نازدهم هجری بوده و ما در جلد اول این فهرست ص ۲۲۳ و ۲۲۵ دو مؤلفه ایشان را ذکر نموده و در آنجا متذکر شده که در سال ۱۰۸۰ بمترجمه موجوده مقبل بر نسخه اول آن کنون بمحقق بدست نباورده ایم که پس از آنسال چند نداد در این جهات و رسمه آن و در ذیل شرح نهج البلاغه همین مؤلف ، باره ای از مؤلفات ایشان که در کتاب نهج از آنها نام و نشانی نیافتد اشاره خواهد کرد دید و از دست موجود در آنجا که در نسخ این ترجمه چنین معلوم میشود که در سال ۱۰۹۴ بمجدول خط ثلث بر ساقین بهیچ نامه خاتمه یافته است .

مترجم این عهد نامه را که مشتمل بر دستور حکمفرمایی و فرمانرواست

با نهجی خوب و اسلوبی متین ترجمه و شرح نموده و در ضمن باشعار عربی و فارسی و حکایات مناسب تمثّل جسته و یدش از شروع بترجمه عهد نامه دیباچه‌ای مشتمل بر حمد و ثناء و علّت ترجمه این عهد نامه و شرح مختصری از حالات و مقامات مالک اشتر و معنی لغوی اشتر و لزوم تعیین حاکم و امام برای نگهبانی مردمان، انشاء و پس از آن شروع بترجمه و شرح نموده و در دیباچه نگاشته‌اند: این ترجمه و بیانی است از عهد نامه. و بنابر اینکه بیان عهد نامه باشد بایستی این کتاب را شرح عهد نامه معرفی نمود و با مراجعه بخود کتاب مسلم میشود که مؤلف کاملاً بشرح و بسط و بیان مراد حضرت م پرداخته و قناعت بترجمه عبارات ننموده است. این ترجمه و شرح عین آنست که مؤلف در شرح نهج البلاغه خویش که در همین فصل از آن یاد خواهیم نمود آورده جز اینکه در هر صفحه‌ای تقریباً دو یا سه بیت و در بعضی از صفحات بیشتر بر مطالب افزوده و مقدمه‌ای چنانکه مذکور شد بر آن نگاشته و در حدود پنجاه بیت نیز در آخر اضافه نموده و چنانکه از قرائن بدست می‌آید این ترجمه و شرح را مؤلف پس از شرح نهج البلاغه خویش مرتّب کرده و انتشار داده ولی در هیچ جا اشاره‌ای بدان ننموده است.

آغاز: بسمله سباسب و ثنا خداوندی را رواست که ذاتش از وصمت فنا و زوال [معراست] کذا الخ.

انجام: و آنکه ختم کند از برای تو سعادت و شهادت بدرستی که ما بسوی او تعالی را غییم و سلام بر رسول خدا ص (۱).

(۱) نسخه مدرسه ترجمه آخرین فقره عهد نامه را ندارد و کتاب پس از نقل عبارت آن دست از نگارش کشیده و ما عبارت فوق را از روی شرح عهد نامه که در شرح نهج البلاغه مؤلف میباشد نقل نمودیم ولی در نسخه‌ای که جناب آقای حاج محمدتقی السید الطیبه اسفندیاری از این ترجمه عهد نامه دارند و اینک نزد نگارنده است پس از عبارت فوق در حدود پنجاه بیت در شرح و توضیح فقرات مذکوره اضافه دارد و آخر آن این بیت میباشد: فارغت من تسوید هذا الکلمه مختصره فی اربعه یومان من اقبل الصفر ) و بحساب جل معراج اخیر سال ۱۰۹۴ را بیان مینماید و ظاهر این است که اینسال تاریخ تألیف این ترجمه نباشد، چرا که تاریخ کتابت نسخه شرح نهج البلاغه مؤلف که اینک در این کتابخانه است سال ۱۰۸۸ بوده و اگر تاریخ مذکور در این بیت از قلم و انشاء مترجم باشد نا آنسال در حیات بوده و در آن تجدید نظر کرده و از اسلوب عبارت اهل الامل که در سال ۱۰۹۷ تألیف شده (امل ج ۱ ص ۲۴) نیز حیات مؤلف را در این تاریخ میتوان استنباط نمود (امل الامل ج ۲ ص ۶۴)

(۷۵۵)

این نسخه بخط نستعلیق خوب نگاشته شده و کاتب از خود  
ترجمه و شرح و سال کتابت نامی نبرده ولی ظاهراً در اوایل قرن یازدهم  
عهدنامه مالک نوشته شده، ورق اول کتاب که مشتمل بر شش بیت بوده  
افتاده و صفحات جدول بطلا و زنگار میباشد و اولین سطر  
اشتر  
موجود آن این است:

(جز در تو قبله نخواهیم ساخت  
گر نه نوازی تو که خواهد نواخت)  
و در سال (۱۲۸۴) داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و کنار اولین صفحه  
موجود یاد داشت شده و از آخر هم موافق نسخه مذکور در فوق بیش از پنجاه  
بیت نوشته نشده و آخرین سطر نگاشته شده اینست: (انا الیه راعبون والاعلام  
علی رسول الله صلی الله علیه و آله).

جلد سوخته، کاغذ دولت آبادی، واقف سبهاالار، قطع ربعی، شماره اوراق (۱۵۰)، صفحه  
(۱۱) سطر، طول (۱۸ ۱/۴ سانتیمتر)، عرض (۱۲ سانتیمتر)، شماره پیمانه (۳۰۹۶).

[۳۰۶] ترجمه نهج البلاغه با تنبیه الغافلین (فارسی)

مترجم و مؤلف این کتاب ملافتح الله کاشانی ره مفسر مجرب و معروف سال  
۹۸۸ میباشد که شرح حال ایشان در (ص ۱۲۳ تا ۱۲۶ ج ۱) به چشمه شده،  
و چنانکه خود در مقدمه بدان تصریح کرده اند نام این ترجمه را تنبیه الغافلین و  
تذکره العارفین نهاده و از ترجمه های بسیار غنچه این کتاب بزرگ میباشد و  
بعضی این ترجمه را شرح گفته اند ولی از جهت ترجمه تجاوز نموده و از کتاب  
نهج البلاغه در این فصل مفعولات صحبت خواهم نمود. این ترجمه دو بار سال  
۱۲۷۵ و ۱۳۰۵ در طهران این چاپ گردیده است.

آغاز: بسم الله الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لہ لولا ان هدانا الله...

... اما بعد بر ذوی بصائر ثاقبه و خواطر باهره غنی نیست که ترقی بمدرج  
قرب الی الخ.

(۷۵۶)

این نسخه که مشتمل بر تمام کتاب است بخط نستعلیق در  
سال (۱۰۱۶) هجری نگاشته شده و پشت ورق اول یادداشت  
هائی است که کهنه ترین آنها مؤرخ بتاریخ (۱۰۲۷) هجری  
میشود و بخط عبدالواهب مشتهر بواعظ ملکی اصفهانی است ،  
حواشی ورق آخر از بین رفته و وصالی شده است .

ترجمه نهج البلاغه  
یا  
تذیبه الغافلین

جلد چرمی روغنی . کاغذ اصفهانی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۴۸۷ ) صفحه  
( ۲۵ ) سطر . طول ( ۳۰ سانتیمتر ) عرض ( ۱۸ سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۳۰۹۱ ) .

(۷۵۷)

این نسخه را بخط نسخ خوب صالح بن سعید بحرانی در سال  
( ۱۰۷۸ ) نگاشته و پس از ختم کتاب خطبه شقیقه را نیز  
همو نوشته ، متن نهج البلاغه با شجر ف تحریر گردیده و در  
حواشی صفحات تعلیقاتی بامضاء شیخ علی و بدون امضاء  
نوشته شده و بر دو ورق که پیش از نسخه است مطالب  
متفرقه ای یاد داشت و پاره ای از اوراق وصالی گردیده و مطالبی از پشت  
ورق اول محو شده است .

ترجمه نهج البلاغه  
یا  
تذیبه الغافلین

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۳۳۷ ) .  
صفحه ( ۲۷ ) سطر . طول ( ۲۷ سانتیمتر ) عرض ( ۱۶ سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۳۰۷۳ ) .

[ ۳۰۷ ] ترجمه نهج البلاغه یا شرح محمد باقر لاهیجی ( فارسی )

محمد باقر لاهیجی مشهور بنواب (۱) رحمه الله علیه که از علماء عصر فتحعلیشاه  
قاجار بوده و علوم معقول و منقول را در اصفهان تدریس مینموده و از علم  
نجوم نیز با خبر و در علم تفسیر دست مخصوصی داشته و قرآن کریم را بنام

(۱) در روایات درس (۱۲۲) ج ۴ و قصص العلماء در ذیل محمد علی نجفی فقط بمناسبت  
نام ایشان برده شده و از مؤلفات و سال وفات ایشان با کثرت خبر و اثری نیافته ام .

« تحفه خاقانی » بطرزی خاص تفسیر نموده ( در ج ۱ ص ۹۷ و ۹۸ شرح این کتاب گذشت ) کتاب نهج البلاغه را بامر پادشاه مذکور بفارسی ترجمه کرده و در مقدمه آن خود علّت شروع بترجمه را نگاشته و در بعضی از فقرات برخلاف بنا که فقط ترجمه کلمات و عبارات بوده بشرح و بسط پرداخته و از این جهت برخی این ترجمه را بنام شرح نیز ذکر و معرفی نموده اند و خود مترجم در مقدمه هم اشارتی بشرح بودن آن مینماید و آن اینست : ( بر ترجمه و جزوه مشتمله بر فوائد عالیّه و فرائد غالیّه که شروع مسووطه سائب خالی از آن بود اقدام نمود الخ ) و نیز در مقدمه گوید : ( چون کلام آن حضرت بر مشن مریدان و پیروان و بلغا میباشد برای اثبات فصاحت و بلاغت آن کلام معجز نظام باشعار معجز و کلمات بلغا استشهدا نگر دید ) .

مترجم چنانکه در آخر مجلد اوّل و دوّم تصریح نموده اند در سال ۱۲۲۵ ترجمه مجلد اوّل و سال ۱۲۲۶ ترجمه مجلد دوّم نهج البلاغه را انجام داده و از ترجمه های خوب یکی این ترجمه میباشد و در حدود ( ۲۷۵۰۰ ) بیت کلمات دارد و بسال ۱۳۱۷ در طهران چاپ شده است .

آغاز: بسم الله ساس موفور و ستایش المصنوع خصوصاً و در ذیل است که الخ  
انجام: باتمام رسید ترجمه این کلام معجز نظام در عصر روز جمعه غرّه شهر جمادی الاولی سنه یک هزار و دویست و بیست و شش نافه هجرتی و ما یوفیقی  
الابالله.... وانا.... الجانی محمد المدعوی باقر الازهیجانی عفی الله عن جراحته و ایحیه  
بالعالمین بمحمد و عترته الطاهرین صلوات الله و سلامه علیه و علیهم اجمعین .

( ۷۵۸ )

این نسخه که مشتمل بر خود اقل کتابست در سال ۱۲۳۰ بخط نسخ محمد باقر بن حسینی حسینی صاحب خاقانی نگاشته شده و عناوین خطب را کتابخانه حیرانی نوشته و از ابتداء ترجمه تا ترجمه کلامیست که حضرت در مدینه اهل کوفه انشاء فرموده و اوّل آن اینست : ( فقال غایه التزم بعداً

ترجمه نهج البلاغه  
یا شرح  
محمد باقر لاهیجی

لهم كما بعدت كهود).

جلد تیماجی . کاغذ رنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۲۱۷ ) . صفحه ( ۲۴ )  
سطر . طول  $۱۰\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر . عرض ( ۱۵ ) سانتیمتر . شماره کتابخانه ( ۳۰۹۵ ) .

### [ ۳۰۸ ] درة الغواص فی اوهام الخواص ( عربی )

مؤلف این کتاب حریری ره است ( ابو محمد قاسم بن علی بن محمد بن عثمان البصری ۴۶۶ - ۵۱۵ ) (۱) که از علماء علم ادب بوده و در فن انشاء سرآمد اقران و امثال خود شده و مقامات او بسرحد کمال اشتهار رسیده و شروخی چند بر آن نگاشته شده و دو شرح آن در این فمیل ذکر خواهد شد و نیز در حرف میم این فصل بشرح کتاب مقامات مفصلاً خواهیم پرداخت .

در وفیات الایمان ابن خلدکان مدکور است که حریری را مؤلفات نیکوئی است از آنها مقامات مشهوره او و ملحة الاعراب بنظم در علم نحو و شرح آن ، دیوان رسائل ، دیوان شعر و درة الغواص فی اوهام الخواص ( همین کتاب ) و سه کتاب اولیه و کتاب اخیر مؤلف چنانکه در ص ( ۷۴۸ ) معجم المطبوعات مدکور است مکرر در مصر و اروپا و غیره چاپ شده و نگارنده تا کنون بمؤلفات دیگری از حریری دست نیافته و در کتابی نام آنها را ندیده است .

ابن خلدکان آورده که حریری از اهالی مشان ( به میم مفتوحه و شین پس از آن الف ) بوده که شهر کوچکی در نزدیکی بصره است و حریری منسوب بحریر میباشد که ابن شخص یا اشتغال ساختن و عمل آوردن آن داشته و خود یا یکی از پدران او فروشنده آن بوده است .

درة الغواص کتابی است که اغلاط مستعملة در عبارات و کلمات و ابیات دانشمندان در آن جمیع آوری شده و مؤلف ادله خود را در غلط بودن آن الفاظ ذکر و پس از آن صحیح آن را نیز با ذکر ادله از اشعار بزرگان نقل نموده و تقریباً مشتمل بر تصحیح دو بیست و پنجاه کلمه از کلمات غیر صحیح در

(۱) ابن خلدکان ج ۱ ص ( ۴۱۹ ) ، روضات الجنات ص ( ۵۲۶ ) ، بقية الوعاة در حرف قاف ،

استعمال و کتابت میباشد و در حدود (۴۲۰۰) بیت کتابت دارد و از کتیب بسیار خوب ادب است.

نظام الدین حکیم الملک گیلانی این کتاب را مختصر نموده (۱) باین معنی که شواهد را انداخته و اقتصار بر کلمات مستعمله و صحیح آنها کرده و در مقدمه آن گوید که در کمتر از چهار ساعت این انتخاب را انجام داده و نیز اغلاط مستعمله دیگری که حریری بذکر آنها نبرداخته باخر آن افزوده و نسخه ای از آن را که در زمان حیات مؤلف تحریر گردیده بضمیمه دوازده رساله دیگر از آن مؤلف آقای تربیت (محمد علی) دارند و در این مجلد ذیل حکایات غریبه از مؤلفات این مؤلف نام خواهیم برد.

آغاز: بسم الله فال شیخ الرئيس ابو محمد القسم بن علی بن محمد بن عثمان الحریری البصری رضی الله عنه اما بعد حمد الله الذی عمّ عباده بو ثانی العوارف الشیخ.

(۷۵۹)

این نسخه را بخط نسخ در سال ۱۰۵۰ حاج بن منصور حسانی دره الغواص نوشته و نیز همین کتاب رساله ای که در ردّه بر دائرۃ و نجسمه و مشبهه است در حواشی کتاب نگاشته و پس از اتمام کتاب منظومه جزری در درایه که مسمی به «الهدایه» میباشد تحریر و چون منظومه سایر میرسد شرحی در طریق وصول بحق از شیخ نجم الدین کبری نگارش یافته و بعد از آن مطالب متفرقه ای نیز همین کتاب نگاشته ولی قسمت هایی از ضامنه و چند سطری از صفحات اخیر کتاب پاره شده و در حواشی نیز مطالب متفرقه ای موجود است.

جلد تیماج، کاغذ اصفهانی، واقف سیه سالار، قطع بیاضی، شماره اوراق (۹۷)، صفحه (۱۶) سطر، طول (۱۹ سانتیمتر)، عرض (۱۱ ۱/۴ سانتیمتر)، شماره کتبخانه (۲۸۸۲).

(۱) صاحب کشف الظنون جمعی از دانشمندان را که بر این کتاب حاشیه نوشته و یا آنرا ترح نموده و یا مختصر کرده و یا نظم بسته و یا بر آن تکمله نگاشته اند درج (۴۸۴ و ۴۸۵ ج ۱) نام برده ولی این اختصار حکیم الماک در آنجا ذکر نشده است.

(۷۶۰)

## درة الغواص

این نسخه را بخط نسخ خوب، محمد تقی بن شاه محمد در سال

۱۱۰۰ نگاشته، در حاشیه صفحات معنی بعضی از لغات متن

یاد داشت شده و پس از اتمام نسخه شرح قصیده برده تألیف مهلب بن حسین بن

برکات موجود است و شرح آن در فصل دواوین و اشعار مذکور خواهد شد،

پشت صفحه اول مطالب متفرقه و یاد داشتهائی موجود است.

جلد چرمی. کاغذ سمرقندی، واقف سپهسالار. قطع ربعی. شماره اوراق کل (۱۷۷) اوراق

دره (۱۲۷). صفحه (۱۹) سطر. طول (۱۲  $\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر). عرض (۹ سانتیمتر) شماره

کتابخانه (۲۸۸۸).

## [ ۳۰۹ ] دستور الکاتب فی تعیین المراتب (فارسی)

مؤلف این کتاب بنا بر تصریح در ابتدا و انتهای آن شمس منشی نخجوانی

پسر هندو شاه مؤلف تجارب السلف است که در دستگاه شیخ اویس بهادر خان

که از سال ۷۵۷ تا ۷۷۶ سلطنت داشته، منشی بوده و درک سلطنت پدرش شیخ

ابوسعید را نیز نموده است و بگفته ریودرذیل فهرست موزه بریتانیا ص ۱۲۳ این

مؤلف کتاب «صحاح العجم» را بنام خواجه غیاث الدین رشیدی تألیف نموده و یکی

از مطلعین گوید اینک نسخه ای از آن در کتابخانه حاج حسین آقای ملک در

طهران موجود و مانند سایر کتب آن کتابخانه راهی برای دیدن آن نیست.

در تعریف کتاب نویسنده خود در دیباچه گوید:

و چون در این عصر میمون و روزگار همایون، اکابر وقت بر تتبع فن انشا اقبال نموده اند و از

مجموع منشآت منشیان معاصر ترا کتب این ضعیف و هو الفقیر الی الله الغنی المغنی محمد بن

هندو شاه المشتهر بتمس المنشی النخجوانی غفر الله له ولوالدیه و احسن الیهما و الیه بنابر حسن

ظنی که در حق او دارند و الظن بخطی و یصیب ملحوظ نظر گردانیده اند و باستدعاء مسوّدات

عربی و پارسی او رغبت نموده و تسمیع بالمعیدی خیر من ان تراه و تمسک این معنی را ساخته

که ضابطه ترا کتب بر حسب هر عصر و زمان مختلف و متفاوت می شود و ترا کتب منشیان سابق و افضل

وجود و استادان جهان، رشید الدین و طوطا و بهاء الدین محمد بغدادی و نور الدین منشی و رضی الدین





طوائف و مهندسان و معماران و صدور و اعیان و القاب و ادعیه ایشان و اوساط الناس و غیر هم و این مرتبه مشتملست بر دو صنف و مضمونات که بعد از القاب و خطاب بدین دو صنف نویسند (صنف اول مشتمل بر سی و هشت فصل و صنف دوم مشتمل بر دوازده فصل است) **مرتبه چهارم:** در مکاتبات مقریان سلاطین و امراء و وزراء و خوانین و خدم و ارکان دولت و ملوک و ولایات و سادات و مشایخ و قضاة و غیر هم و مضمونات آن و عرضه داشت رعایا بسلاطین و جواب آن و محاضر و اجوبه و شرطنامه که نواب و عمال بسلاطین دهند و جواب و تذکره که بامراء و وزراء و اعظام مملکت نویسند و اجوبه آن (این مرتبه مشتمل بر بیست فصل و هر فصلی بر دو صورت مکتوب و جواب و هر صورتی مشتمل بر سه نوع است).

**قسم دوم:** در احکام دیوانی و تفویض اعمال بامراء مغول و وزراء و نواب و بواب سلطنت و استیفاء ممالک و الخ تبیغچی و نظارت و اشراف و حکمی و انشاء و نیابت وزارت و دفتر داری و حکومت و متصرفی ولایات و قانون یا سامیشتی و تبدیلی و خرز و تخمین و احصاء مواشی و اسقه سالاری و امارت عسس و مملکت التجاری و حکومت دارالضرب و معیری و صاحب جمعی اموال و مناصب قلمی و ولایت و عمارت بایران و کاروان سالاری و ریاست و تولیت قضایا شرعی از قاضی القضاة و ممالک و قضایا و ولایات و نقیب النقبائی و حکومت اوقاف سادات و اوقاف ممالک و امارت محمل و وفد حجاج و تدریس و خطابت و احتساب و اعادت و فقاهت و شیخی خانقاه و اثبات صوفی در خانقاه و ساغوری بیمارستان و کتات دارالقضا و امین آنجا و مورخین حجج و قبالات و عامل زکوات و حکومت بیت المال و متصرفی جزیه و تفویض امانت و اذان و احسان و رعایت مصالحین و تهدید و سیاست مجرمان و لوازم و لواحق آن (این قسم دوم مشتمل بر دو باب، باب اول آن در سه ضرب و مجموعاً در پنجاه و شش فصل و باب دوم در دو ضرب در بیست و دو فصل مرتب گردیده است).

مطالب فوق چون مشتمل بر بیان مندرجات و طرز کتات بود عیناً نقل گردید تا مطالعه کنندگان بخوبی دریابند که در این کتاب چه مباحثی هست و برای دانستن و پی بردن به کیفیت اشاء و القاب و اطلاع بر تشکیلات آن عصر و حتی حدود و ثغور دولت شیخ اویس از کتب خوب و نفیس میباشد و مؤلف در طی منشآت به اشعار عربی و فارسی بسیار تمثّل جسته و در خاتمه کتات قصیده ای در مدح شاه اویس از انشاء خویش ضبط نموده و این کتاب تقریباً در حدود (۲۳۰۰۰) بیت کتات دارد.

**آغاز:** بسمله تحمیدی که سار فهم دورین بمراحل و منازل آن راد نیابد الخ.

(۷۶۱)

این نسخه نستعلیق بد خطی است ، يك يا چند صفحه از آخر دستور الکاتب آن افتاده ، نام کاتب و سال کتابت در صفحات موجود

فی تعیین المراتب نیست ولی از رسم الخط چنین بر می آید که در قرن هشتم یا اوائل قرن نهم نگاشته شده و اوراق آن بدون ترتیب صحافی گردیده و چنانکه در آن مقاله شده بار دای از اوراق

هم افتاده است و از ابتداء و انتهاء آن هم پاره ای از بر کها و تصالیه دارد ، پشت

صفحه اول از حسن بن محمد مدعو بحکمی که از نویسندگان دستگاه سلطنتی بوده

یادداشتی بتاریخ سال ۱۰۱۲ نوشته شده و قسمت اولیه آن شوگردیده و فقط نام

نگارنده و سال تحریر خوانده میشود و نیز در ذیل آن یاد داشتی است که قسمتی از

آن را دست روزگار مخونموده و عبارات خوانای آن اینست : ( مآثره الدهر علی

افقر عباد الله ..... المدعو بمحسن احسن الله تعالى ..... ) و چنین بنظر میرسد

که نویسنده آن مرحوم ملاّ غسن فیض رده بوده و آخرین سطر نسخه این بیت

از قصیده ایست که مؤلف در مدح پادشاه در خاتمه نگذارده است :

بدخواه تست همچو خزان ای بهار ملک و زیاده سرخ خویش جوهر گست در خزان

جلد تیماجی مستعمل . کاغذ سمرقندی . واقف سیه سالار ، شماره اوراق ( ۲۲۸ ) . صفحه ( ۲۵ )

سطر . طول ( ۲۷ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۸ سانتیمتر ) شماره کتبخانه ( ۲۷۷۳ ) .

[ ۳۱۰ ] رسم الخط آخوند زاده ( فارسی )

این رساله یکی از نوشتههای آخوند زاده آذربایجانی رده میباشد ( میرزا فتحعلی بن

میرزا محمد تقی بن حاجی احمد ۱۲۲۷ - ۱۳۹۵ ) ( ۱ ) که یکی از دانشمندان

ایران و ساکن قفقاز بوده و همانجا وفات کرده ، چندی تحصیل علوم قدیم

( ۱ ) شرح حال آخوند زاده را فقط از ص ۲ تا ۸ دانشمندان آذربایجان تالیف آقای تربیت

گرفته ام و در مکتوب خود بوزارت علوم و معارف ایران که در حریف ( م ) همین فصل آن را

خواهم نگاشت خود را شیعه معرفی میکند و آن جماعه اینست : مکتوب من که از متوطنین خال

قفقازم و از جهت اسلامیت و مذهب با ملت ایران برادری دارم اینج .

جدید نموده و در اواخر عمر مترجم السنه شرقیه در پیشگاه جانشین قفقاز بوده و در همین اوقات چنانکه از ابتداء این رساله و کتاب معلوم میشود بدین خیال افتاده که ملت اسلام از سایر ملل مخصوصاً غربی ها عقب افتاده و بایستی آنها را آشنا بتمدن غربی نمود و در این خصوص شروع بنگارش کرد و آداب و اخلاق و رسوم ملل اسلامی را مورد بحث و انتقاد خویش قرار داد و نوشته های او بزبان فارسی و عربی و ترکی بود و از آنجمله یکی کتاب «تمهيلات» بزبان ترکی میباشد که مشتمل بر هفت نمایش یاداستان است و نسخه ای از آنرا که خود آخوند زاده در تفلیس باعتضاد السلطنه علیقلی میرزا اهداء نموده و پشت آن یادداشت کرده اینک در این کتابخانه در تحت شماره (۲۸۸۸) موجود است و چنانکه در «دانشمندان آذربایجان» نگاشته شده میرزا جعفر قرچه داغی آنرا بفارسی ترجمه و در سال ۱۲۸۸ در طهران چاپ شده و بزبان روسی و انگلیسی و فرانسوی و آلمانی نیز ترجمه گردیده است.

و دیگری از مؤلفات آخوندزاده خطابه هائی نظیر **صد خطابه** میرزا آقاخان کرمانی است که سرمشق کرمانی بوده و نسخه ای از آن بگفته آقای تربیت در کتابخانه مرحوم نصیرالدوله وزیر معارف در طهران موجود میباشد. و دیگری «**تلمیحین نامه**» بعبی که از منشآت سیاسی مؤلف در آخر عمر بوده و در قسمت فارسی روزنامه ارشاد در باکو (بادکوبه) چاپ شده و دیگری مکتوبی است که در نقد و انتقاد مطالب روزنامه ملتی در سال ۱۲۸۳ نوشته و نسخه ای از آن تحت شماره (۲۷۷۶) در این کتابخانه میباشد و نیز در حرف میم این فصل آنرا ذکر خواهیم نمود و دیگری رساله ایست که در انتقاد از انشاء مجلدات سه گانه روضة الصّقای ناصری در سال ۱۲۷۹ نوشته و نسخه ای از آنرا آقای تربیت دارند و دیگری همین رساله در معائب خط اسلام و مقدمه و مؤخره آنست که ذیلاً از آن نام میبریم و بهتر آن دیدیم که عین عبارت دانشمندان آذربایجان را که مطالب مذکور منحصراً از آنجا گرفته شده در اینجا بیاوریم و آن اینست:

زبدۀ آثار آخوند زاده الفباى اختراعى اوست که بجای الفباء حاضره اسلامى در سنه (۱۲۷۴)

از ترتیب و تألیف آن فراغت یافته و در ساله دیگری هم در تاریخ خطوط و علمای اعیان حنجره  
و محاسن العلماء اختراعی خود در سنوات ۱۲۸۰ و ۱۲۸۵ بر زبان ترکی و پارسی تصنیف نموده  
در اول رساله ثانی شماره ( ۷۶۳ ذیل ) چنین گفته است : « بنا بر قصور انعام السلام سباقیکه  
در دیباجة کتاب اول خود تصریح کرده ام من العلماء جدیدی بر وضع خط قدیم احتراع و نقطه هارا  
کلا ساقط و اعراب را در بهای حروف صامته مرقوم نمود ، اول این رسم جدید را بواسطه  
فارسول دولت علیه ایران در تقلیس میرزا حسین خان بنظر اولیا ، دولت علیه ایران مرقوم و مندرج شد  
و بعد يك جلد دیگر از آن رسم جدید برداشته در سنة ۱۲۸۰ عازم اسلامبول شدم . . . .  
آخوندزاده در تاریخ مزبور که بشهر اسلامبول سفر کرده است پیش نهادی در این باب کرده و در  
۲۰ صفر از همان سال می باشد به فؤاد پاشا صدر اعظم دولت عثمانی ، اعلام داشته ، این رسم را  
۱۴ مجموعه فنون جمعیت عثمانی منتشره در این تاریخ چاپ شده است ، از قول معلوم برزا  
حسین خان مرحوم که در آن وقت سفیر ایران در پایتخت عثمانی بوده است این افتاء را آورده  
زاده را در دربار عثمانی عقیم گذارده و آن مرحوم بدون اجتناب به فقرات سرگشته ، معلوم  
هجو آمیزی قریب بهشتاد بیت راجع باین مسافرت خود منظم ساخته و در آن مجموعه  
گفته است :

که ناگاه يك مردك زرد چهر      به نام مرادم بر آید دست دراز  
به پیش وزیران و راه بود      مرا دشمن دین و دولت نمود  
ازو هیچ شد رنج ده ساله ام      شنید آسمان از زمین زلزله  
بناچار برگشتم از حالك روم      که مانکن در کتب مرا بود شوم

از کتاب ثانی آخوند زاده چنان مفهوم میشود که پس از مراجعت از اسلامبول بواسطه فوت  
پسرش مدنی پریشان حال گشته و دیگر به پیشرفت العلماء خود اقدام نکرده و در  
آن اوان نسخه ای از العلماء اختراعی میرزا ملکم خان که در پاریس طبع و چاپ شده ، را به  
آخوند زاده فرستاده بوده است دو باره او را بخرکت انداخته و رساله انعام را پس از فوت  
با دو رساله دیگر که یکی از آنها پیشهاد اولی و صورت خط و نقطه است و در آن سلسله  
عبدالعزیز بوده و دیگری عبارت از تاریخ مختصر خطوط قدیم و معاصر است را  
او می باشد همه را با خط و امضای شخصی در سنة ۱۲۸۵ بوزارت معارف ایران تحویل داده است  
که الحال این نسخه ها عیناً در ضمن کتب و قفوف اعتضاد السلطنه موجود است که بکتابخانه  
( دانشکده معقول و منقول ) افزوده اند موجود بوده و قابل استفاده است . انتهى .

( کتب مرحوم اعتضاد السلطنه را مرحوم سید محمد باقر خراسانی و جواد انصاری

وقف کرده است و خصوصیات نسخ مذکور در جاسات که ذیل از آن است )

آغاز : بوزارت علوم اعلیحضرت شاهنشاهی ایران خدایتعالی و عظیم

شرقه در خدمت حضرت افخم جانشین قاقاز میرزا فخر علی آخوند زاده - هروشن -

نامه است بنابر قصورات الفباء اسلام بسیا قی که درد بیاچه کتاب اول خودم تصریح کرده ام الخ .

(۷۶۲)

این نسخه که بخط نستعلیق در سال ۱۲۸۵ نگاشته شده، از قرائن بدست می آید که خط خود آخوند زاده است و در آخر امضاء **آخوند زاده** اورا دارد و مشتمل بر کاغذ و مکتوبی است که آخوند زاده از تفلیس در خصوص تغییر خط بوزارت علوم آن عصر نگاشته ، چند ورق کاغذ نوشته در ابتداء و انتهاء نسخه میباشد و آغاز آن چنانست که در بالای این نسخه نقل گردیده است .

جلد مقوائی . کاغذ رنگی . واقف سیه سالار . قطع وزیری بزرگ . شماره اوراق ( ۲۰ ) . صفحه ( ۶ ) سطر . طول (  $۲۸ \frac{۱}{۴}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۱۹ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۷۷۸ ) .

(۷۶۳)

این نسخه مشتمل بر اشکال حروف جدید و ترکیبات آن میباشد ، **رسم الخط جدید** کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ولی پیداست که نویسنده **آخوند زاده** همان کاتب نسخه سابق میباشد و در سال ۱۲۹۲ داخل کتابخانه اعنضادیه شده و چند ورق کاغذ نوشته در اول و آخر دارد ولی این نسخه دارای مقدمه ای که در مقدمه نسخه فوق بدان اشاره نموده نیست و اگر چه بایستی این نسخه را مقدم ذکر نمود چرا که مؤلف این را کتاب اول معرفی نموده اما نظر باینکه نسخه فوق مقام مقدمه این نسخه را دارد مقدم گردید .

جلد مقوائی . کاغذ رنگی . واقف سیه سالار . قطع وزیری بزرگ . شماره اوراق ( ۷ ) . صفحه ( ۱۲ ) سطر . طول (  $۲۸ \frac{۱}{۴}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۱۹ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۷۷۹ ) .

(۷۶۴)

این نسخه که بخط نستعلیق نگاشته شده و کاتب آن نویسنده دو نسخه پیش است مشتمل بر سواد تقریر مطبوع جمعیت **رسم الخط جدید** علمیّه عثمانیه در خصوص الفباء و رسم الخط آخوند زاده **آخوند زاده**

و سواد فرمان سلطان عبدالعزیز پادشاه عثمانی و سواد شرحیکه مؤلف بجمعیت علمیه عثمانیه در جواز شرعی تغییر خط اسلام و تاریخچه غتصری از خطوط اسلامی است میاشد و در ذیل سواد تقریر مذکور سرتیب دوم علیخان ژنرال قسول دولت ایران در تفلیس مطابق بودن آنرا با اصل بخط خوب خود نگاشته و در آخر نسخه میرزا فتحعلی آخوند زاده امضاء کرده است .

جلد مقوائی . کاغذ رنگی . واقف سپهسالار . قطم وزیری بزرگ . شماره اوراق ( ۱۲ ) صفحه ( ۱۲ ) سطر . طول (  $۲۸ \frac{۱}{۴}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۱۹ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۷۷۷ ) .

### [ ۳۱۱ ] سفینه الانشاء یا تذکره الشهاب ( فارسی )

این کتاب پاره ای از انشآت فروغ اصفهانی ره است ( میر محمد مهدی بن محمد باقر اصفهانی نائینی ) که از شعراء و نویسندگان قرن سیزدهم هجری بوده ( از اوائل سلطنت فتحعلیشاه تا چندسال از سلطنت ناصرالدین گذشته ) و در دربار نویسندگی اشتغال داشته و از این کتاب معلوم میشود که شاگردی آقا محمد کاظم و اله اصفهانی متوفی بسال ۱۲۲۹ را نموده و از کتاب « صحائف العالم » وی معلوم میشود که با اصطلاحات حکما آشنائی داشته و پیرو مرحوم شیخ احسانی و مرحوم سید کاظم رشتی بوده است .

چنانکه در دیباچه کتاب نگاشته شده اسدالله منشی نائینی با اجازه خود فروغ بنظم و ترتیب نگارشات ایشان پرداخته و آنرا بفصول ذیل تقسیم و نام آنرا « سفینه الانشاء » گذارده و در اینجا نام فروغ را میرزا محمد منشی نائینی نوشته و در آخر اشعار تخلص وی فروغ ثبت شده ولی در ذیل کاغدی که فروغ بمیرزا محمد تقی فرزند خویش نگاشته ( ص ۲۵۷ سفیه ) اصفهان را وطن خود خوانده بنا بر این معلوم گردید که فروغ اصفهانی است و مرتب کتاب چون خود نائینی بوده اقتضای ایشان را بنائین که شاید وطن اصلی فروغ بوده نسبت داده است .

درص ۲۰۶ کتاب المآثر والآثار که فقط تاریخ چهل سال سلطنت ناصرالدین شاه از ( ۱۲۶۴ تا ۱۳۰۵ ) میباشد و مجمع الفصحاء ( ج ۲ ص ۳۹۶ ) ذیل شعرا و معاصر

متخلص بفروغ را فقط میر محمد مهدی اصفهانی دانسته و گویند با منصب استیفا بتألیف رسائل و نظم اشعار روزگار میگذرانند و در جمع الفصحا کتاب «صحائف العالم» (۱) را با داشتن در حدود دویست هزار بیت کتابت و «تذکره الشبّاب» را با اشتهال آن برنامهای تازی و پارسی و قصائد عربی و عجمی و محتوی بودن بر حالات او بوی نسبت داده و بعقیده نگارنده «سفینه الانشاء» مرّتب شده همین تذکره الشبّاب میباشد و جمله ذیل این اعتقاد را تأیید و اثبات مینماید (در ص ۲۰) در ذیل تاریخ فتحعلیشاه گوید: (اگرچه استیفاء تمام انواع نیز ممکن نیست بدگر بعضی این تذکره را مطرز میدارد الخ.) و کتاب دیگری را نگارنده از این فروغ بنام «فروغستان» در علم سیاق با مقدمات خوبی در مطالب متنوّعه با شرح و بسطی نیکو سراغ دارد که نسخه‌ای از آن در کتابخانه معارف و نسخه دیگر در کتابخانه این مدرسه موجود ولی دو نسخه اندک تفاوتی دارند باین معنی که نسخه مدرسه پس از نسخه اولی نوشته شده و در تقسیمات و مطالب آن تجدید نظر گردیده و تاریخ تألیف آن سال ۱۲۵۸ و بنام محمّدشاه قاجار میباشد و نسخه کتابخانه معارف بسال ۱۲۵۹ نوشته شده و مؤلف در آنجا خود را محمد مهدی بن محمد باقر اصفهانی متخلص بفروغ معرفی کرده است.

اسدالله مذکور نام فروغ را چنانکه گذشت در ابتداء کتاب میرزا محمدنوشته و پشت صفحه اول بسال ۱۲۹۷ بنام کتاب انشاء میرزا مهدی منشی و فف شده و این دو اختصار در ذکر اسم موجب شبهه در نام اصلی فروغ نخواهد بود و امثال این اختصار از نویسندگان بسیار و معلوم است که اگر در یک عصر دو شاعر

(۱) یک دفتر از دو دفتر (باستثناء یک قسمت از آخر آن) صحیفه پنجم از کتاب صحائف العالم فروغ در کتابخانه مجلس شورای ملی تحت شماره ۲۵۹ کتب خطی موجود است و از مطالعه این کتاب اطلاعات تاریخی و دینی و فلسفی مؤلف بدست میآید و از فجوی کلام معلوم میشود که از پیروان مرحوم شیخ احسائی ره بوده و از مرحوم سید کاظم رشتی مکرراً نقایمائی نموده است و نسبت بصوفیه ناخست آورده و در ذیل شرح حال بزرگان آن طریقه چون مولوی و شیخ عراقی و کرمانی مخالفت آنها را با ظواهر شرع یاد آور شده و در ابتداء کتاب ادیان و ملل غیر از اسلام و شیع مسلمانان را یاد آور گردیده و پس از فراغ از بیان فرق اسلام دو مناظره را که یکی مناظره فضال با ابوحنیفه امام اعظم اهل سنت و دیگری مناظره شیخ حسین بن عبد الصمد عاملی پدر حضرت شیخ بهائی را که با علماء حلب میباشد و بسال ۹۵۱ اتفاق افتاده نقل نموده است.



فروغ تخلص و هر دو اصفهانی و مستوفی دربار سلطنتی وجود داشت مورّخی چون صاحب‌المآثر و الآثار که مخصوصاً بنایش بر معرفتی از این گونه افراد می‌باشد و حتی دربانان و چراغچیان آندوره را نام برده و تذکره نویسی چون صاحب‌جمع‌الفصحاء که هر دو نیز درباری و معاصر بوده‌اند بدکار و بی‌انارزش می‌دانند و بسیار دور است که منشی توانائی چون فروغ را با وجود نامعری و نویسنده‌گی این دو نویسنده معاصرویی نام نبرند، بنا بر این میرزا محمد مهدی فروغ را که نام برده‌اند صاحب و منشی منشآت سفینه‌الانشاء است.

تذکری را که باید داد این است که در مجمع‌الفصحاء، تولد فروغ را سال ۱۲۲۳ نوشته در صورتیکه در این کتاب (سفینه‌الانشاء) اشاعتی سال ۱۲۱۴ و ۱۲۱۶ و ۱۲۱۹ درص ۳۴-۳۷، ۲۴۴-۲۴۶ و ۲۵۵ موجود و گذشته از آنها فروغ سال ولادت خود را در این بیت معین نموده:

شمار عمر ز هفتاد و شش گذشت و مرا <sup>۱۱</sup> نظر هنوز بخوان چهارده ساله است  
و پس از یکی دو بیت نیز گوید:

بما تمند خلاقی ز ناله‌های فروغ <sup>۱۲</sup> منیر به اتم فیه جعلی نهش المات  
و چون میدانیم که این پادشاه سال ۱۲۵۰ وفات یافته است معیار که تولد فروغ سال ۱۱۷۳ بوده است و دوم مؤلف مدکور فوق‌الوفات و بر اسم مدکور داده و ولی در مجمع‌الفصحاء این بیت که می‌رساند تا سال ۱۲۶۷ فروغ زنده بوده ثبت است:  
بنگاشت فروغ بهر تاریخ <sup>۱۳</sup> این کاخ لقا بشاد می‌مورد. ۱۲۶۷  
و تاریخ تحریر نسخه سفینه‌الانشاء سال ۱۲۶۹ می‌باشد و تقریباً اینکه کتاب در ابتداء کتاب پس از نام منشی آن (فروغ) مدخله الهالی تکلیف شده و پس از ختم کتابت چون خواسته که عناوین را با مرّخی حنائیکه مسئول کتابت می‌باشد بنگارد بیش از بسمله چنین نگاشته: (کتاب منشآت مرحوم حجت‌الاسلام میرزا محمد منشی نائینی.) و پس از این همه جا در عناوین مضارب را قوّه حمیمه در کتاب گنج‌شایگان که در تذکره شعرائی است که میرزا آقاخان صدر اعظم نوری را مدح گفته‌اند و سال ۱۲۷۲ تألیف در دیده نام این شاعر و شرح سال او باد و

قصیده فارسی و عربی در مدح صدر اعظم مذکور و تهنیت عید اضحی ذکر شده و قطعه ای هم در بنای عمارت نظامیه در شهر طهران سال ۱۲۷۲ که اینک مهمانخانه ای بنام «لقانطه» در آن دایر است از وی ثبت گردیده و ماده تاریخ آن این است:

تاریخ ز انجام گرفتیم خرد گفت <sup>۱۶</sup> از قصر نظامیه شکست اوج حنائی - ۱۲۷۲ .  
و در آن کتابست :

«از آنجا که آنجناب (مراد میرزا آقاخان است) مراتب فضل وی نیکو میدادست بحضرت خویش اخواست و پایه جاهش باندازه که شایست برافزود و رجوع خدمتی بزرگ و مهمی خطیر از دیوان مامور و سپرده جناب جلالت نصاب اجل امجد نظام الملک (پسر میرزا آقاخان صدر اعظم است) آمد و هم اکنون در آن درگاه در پناه نعمت و راحت و آسوده فراغت و استراحت است .»

سفیینه الانشاء یکی از کتب ادبی و تاریخی است و بعقیده نگارنده از نسخهای نفیس این کتابخانه میباشد و بسیاری از اطلاعات تاریخی را متضمن و قدیمترین انشاء با تاریخ فروغ در این کتاب اشائی است که سال ۱۲۱۴ نگاشته (ص ۳۴ - ۳۷ سفینه) و آخرین انشاء با تاریخ وی مقدمه ایست که بر وصیت نامه (ص ۱۵۴ - ۱۵۶ سفینه) میرزا ابوالحسن خان شیرازی وزیر دول خارجه سال ۱۲۶۰ نگاشته است و فهرست مطالب و فصول کتاب چنانکه مرتب در مقدمه گفته اند این است :

**فصل اول :** باره ای از وقایع بطرز تاریخ مرقوم داشته اند در این فصل شرح مبسوطی از تاریخ فتحعلیشاه و قسمتی از اشعار او و تاریخچه ایل قاجار و کیفیت سلطنت آنها تا مردن این پادشاه و وقایع مهمه و عهد نامه ها و بعضی از منشآت که در آن اوان انشاء کرده است ثبت شده .

**فصل دوم :** نامه ها و مراسلاتی است که از جانب سلاطین و اولیای دولت ابد مدت قاهره ایران بدول خارجه نگارش یافته .

**فصل سوم :** قبالحات و دیباجه و شروخی چند که در عنوان و طهر یاره ای کتب و غیره مرقوم شده .

**فصل چهارم :** رسائل و فرامین سلاطین دولت عالی (در این فصل فرمان ولیعهدی محمدشاه و ناصرالدین شاه که هردو از منشآت فروغ میباشد ثبت گردیده و جوابهایی که فتحعلیشاه بعلما اعلام معاصر خویش بquam فروغ نوشته نیز در این فصل است و از آنها جوابی است که به حذاب شیخ احسانیه ره برمی نوشته است (ص ۱۴۶ و ۱۴۷ سفینه) (از اینکه تاریخ بعضی

از فرامین که با انشاء فروغ نگارش یافته سال ۱۲۲۵ هجری باشد و از انشاء نیکه در فصل اول بود دانستیم که در سال ۱۲۲۴ در اصفهان بوده و از طرف مرحوم واله مراسله‌ای نگاشته معلوم میشود ابتداء ورود وی با انشاء در دستگاه سلطنتی سال ۱۲۲۵ بوده است .

**فصل پنجم :** مراسلات و عریضجات ( در این فصل آنچه از طرف خود و دیگران نگاشته مندرج است ) .

**فصل ششم :** اشعاری چند بر سبیل نمودار ( در این فصل اشعار تاریخی و ترجیع بند موشح باسم فتحعلیشاه و غزلیاتی که نیز در مدح و تعریف این پادشاه گفته و اشعار متفرقه دیگری است ) .  
از آثار شعری فروغ در دوره محمد شاه و ناصرالدین شاه چیزی در این کتاب نیست ولی در مجمع الفصحاء و گنج شایگان مختصری موجود است .

این کتاب در حدود (۱۱۰۰) بیت کنایت دارد (۱) .

**آغاز :** بسمله منشیان فصیح اللسان را فروغ ایچمن مر تیان سنایش فر ماندهی است الخ .

**انجام :** عروس ملک باقید رجعتش تاحشر

نشسته چشم بر راه خطیب و ندایه است (۲)

اللهم اغفر لی ولوالدی ولاخوانی المؤمنین والمؤمنات در روز رجعت به دوازدهم شهر ذی قعدة الحرام هزار و دویست و شصت و نه ۱۲۶۹ مسندت مجامع (۳) بدیده ذلیل اسدالله نائینی .

(۷۶۵)

این نسخه را بخط شکسته نستعلیق خیلی خوب جامع و مرتب سفینه الانشاء آن اسدالله نائینی در سال ۱۲۶۹ نگاشته و عداون مطالب بشنجر ف نوشته شده و با تفحص ممکن نسخه دیگری از آن را نیافتم .

جلد تیماجی . کاغذ مرغی مهر زده . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۱۲۹ ) .  
صفحه ( ۱۷ ) سطر . طول ( ۳۵۰ ) سانتیمتر . عرض ( ۲۱۰ ) سانتیمتر . شماره کتابخانه ( ۲۷۶۹ ) .

(۱) مطالب راجعه به فروغ از المائر والانار ص ( ۲۰۶ ) و مجمع الفصحاح ج ۲ ص ( ۳۹۶ ) و گنج شایگان ص ( ۳۵۲ - ۳۵۸ ) و خود سفینه الانشاء استعاده شده است .

(۲) این آخرین شعر غزلیست که دو بیت آن نیز در ص ( ۳۰ ) بقی گردیده است .

(۳) عین عبارت آخر نسخه است .

## [ ۳۱۲ ] شرح عهد نامه مالك اشتر (فارسی)

این شرح از ملاّ ابوالحسن عاملی رحمة الله علیه است (ابوالحسن بن محمد طاهر بن عبد الحمید بن موسی بن علی بن معتوق بن عبد الحمید عاملی اصفهانی نجفی) که از علمای و فقهاء امامیه در قرن دوازدهم هجری بوده و جدّ مادری صاحب جواهر میباشند و مادر ایشان خواهر امیر محمد صالح حسینی خاتون آبادی بوده و بدین سبب در اجازات و آخر مؤلفات خود را شریف معرفّی نموده اند و از مؤلفات این عالم جلیل یکی **فوائد غریبه** است که مشتمل بر دو مقصد و هریک دارای دوازده فائده از مسائل اصول دین و اصول فقه میباشد و قسمت دوم آنرا که بخط مؤلف بوده صاحب روضات داشته و تاریخ تألیف آن قبل از ظهر روز ۱۷ جمادی الثانیه سال (۱۱۳۱) (۱) ضبط شده است بنابراین معلوم میشود که تا این سال شارح در قید حیات بوده و دیگری کتاب «**مشکوة الانوار**» در تفسیر قرآن کریم میباشد که پس از مجلد اوّل آن که در مقدّمات تفسیر و علوم متعلّقه بقرآن میباشد جز اندکی از آن تألیف نگردیده و بنای مؤلف بر آن بوده که قرآن را بنحوی که در اخبار امامیه وارد شده تفسیر نماید و دیگری **رساله در رضاء** میباشد که صاحب حدائق بگفته خود ردّی بر آن نگاشته و شرحی بر کفایه سزواری نگاشته و این شرح از ابتداء کتاب متّاجر تألیف گردیده چنانکه در ذیل شرح کتاب کفایه در ص (۵۰۵) ج ۱ گذشت و شرحی بر مفاتیح فیض بنام «**شربة الشیعه** و دلائل الشریعه» نگاشته اند و بگفته صاحب لؤلؤتی البحرین که قسمتی از آنرا دیده بوده تاریخ تألیف آن سال ۱۱۲۹ میباشد و دیگری این شرح است (شرح عهد نامه مالك اشتر) که با بتصریح مؤلف در ص (۹) نسخه ذیل نام آن «**نصایح الملوك و آداب السلوك**» گذارده شده و آنرا بنام شاه سلطان حسین صفوی تألیف نموده و چنانکه از تاریخ کتابت نسخه ذیل نیز معلوم میشود سال

(۱) تاریخ تألیف راضا صاحب روضات در حاشیة ص ۱۱۹ ج ۴ از آخر نسخه چنین نقل نموده: فی الثالث النانی من الیوم الثانی من النصف البانی من الثالث الثانی من الشهر الثانی من الثالث الثانی من السنة الثانیة من بعد الثلاثة الثانیة من العشر الثانی من الالف الثانی من الهجره .

۱۱۱۸ یا پیش از آن تألیف گردیده و هیچیک از صاحب روضات (ج ۴ ص ۱۱۹) و صاحب لؤلؤ (ص ۷۳) که بشرح حال و مؤلفات ایشان پرداخته و مطالب فوق بامراجعه بآنها نگاشته شده از این شرح نام نبرده‌اند و مؤلف این شرح را در مقدمه‌ای و پنج باب مرتب نموده و هر یک از مقدمه و ابواب را در ذیل نصائحتی بانجام رسانده و فقط بترجمه فارسی عهد نامه آن هم قسمت کرده است و برای ایضاح مطالب گاهی حکایاتی آورده است و در حدود (۳۲۵۰) بیت کتابت این شرح میباشد.

آغاز: بسمله حمد یحید و ثنای ببعدد قادریرا رواست الخ.

انجام: و اگر نفعی از آن بر نداین عزم عاصی را بدعائی یاد آورند اند الفریب المجیب والحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقهم محمد و آله و سلم اجمعین وسلم تسلیماً کثیراً کثیراً فی ۱۱۱۸.

(۷۶۶)

شرح عهد نامه این نسخه بخط نسخ خوب در سال ۱۱۱۸ هجری قمری شده پشت صفحه اول و بر خود آن یادداشت‌هایی بوده آنها را مالک اشتر محو کرده‌اند، ورق اول و آخر و حوالی پاره‌ای پاره‌ای از کلمات سیاه و چرک شده و صفحات بخدول بطا می‌باشد.

جلد نیم‌ج. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع ربعی. شماره اوراق (۱۵۰) صفحه (۱۱) سطر. طول (۱۹ سانتیمتر) عرض (۱۲  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر) شماره کتبخانه (۲۹۴۶).

[۳۱۳] شرح غرر الحکم و درر الکلم (فارسی)

این شرح را بفارسی آقا جمال خونساری ره منوچی بسال ۱۱۲۵ که از عامه نامی امامت بوده و در ص ۱۸ و ۳۹۱ و ۵۶۴ ج ۱ این فهرست بترجیح حال خواندنی از ایشان و پاره‌ای از مؤلفاتشان پرداخته شد بر کتاب «غرر الحکم و درر الکلم» آمدی که در همین فصل از آن نام خواهیم برد و معرفی کامل از آن خواهیم کرد نگاشته‌اند.

بعضی این کتاب را ترجمه معرفی نموده و مؤلف خود نیز در خاتمه قسمت

دیگر این کتاب که ذیلاً از آن نام میریم آنرا ترجمه نامیده ولی در مقدمه مجلد اول گفته است:

« و در عبارات غامضه و فقرات مشکاکه آن که محتاج باشند بکشف و بیان اکتفا بترجمه نموده و بر وجهی که باید تقریر و تفسیر مراد و ایضاح و افصاح مقصود نماید ، لاجرم با وجود عدم استطاعت و قصور بضاعت بحکم المأمور معذور بشرح کتاب مزبور بر نهجی که منظور خاطر ملکوت ناظر والا و مطمح نظر اندیشه جهان پیما بود پرداخت » .

و گذشته از این چون بخود کتاب مراجعه می کنیم معلوم میشود که مؤلف پس از نقل عبارات و کلمات و ببارسی ترجمه کردن کلمات بشرح و بسط و تحقیق در آنها پرداخته و از کتب خوب فارسی است .

صاحب روضات در ص ۱۵۵ ج ۱ نگاشته اند که این شرح در دو مجلد است ولی در آنجا و جای دیگر نیافته ام که آیا شارح موفق باتمام این شرح شده اند یا نه فقط دو نسخه از این شرح را نگارنده دیده یکی نسخه ذیل است که متعلق باین کتابخانه است و دیگری متعلق باقای تربیت (محمدعلی) میباشد که از ابتداء شرح حرف الباء تا آخر حرف الکاف میباشد و در خاتمه آن چنین نگاشته شده :

وسيلة رستگاری و دست آویز رحمت کرد گاری نصیب شده باتمام این اجزا که مجلد ثالث (۱) ترجمه کتاب مسطور است کام تمنا یافته چون بنا بر عزم سفر حج بیت الله حرام از سعادت ادراک ما بقی که وجهه همت است بازماند رجاء واثق وامل صادق است که بعون الله و حسن تأییده ادراک هر يك از مقصودین میسر و محصل گردد کتب ذلك حامداً لله رب العالمین و مصلیاً علی خاتم النبیین و آله الطیبین الطاهرین فی اواخر شهر شعبان المعظم من شهر سنه ۱۱۱۳ من الهجرة النبویه علی هاجرها اکمل الصلوة و اشرف التحية . انتهى .

و بقرائن مذکوره فوق احتمال میدهم که شارح موفق باتمام این شرح نفیس نگردیده و کتب این دو مجلد موجود در حدود (۵۵۰۰۰) بیت کتابت دارد و ظاهراً کاتب نسخه آقای تربیت همین نویسنده نسخه مدرسه است .

- 
- (۱) در نسخه مذکور فوق مجلد ثالث نوشته شده ولی ظاهراً کاتب سهو کرده و صحیح آن مجلد ثانی باشد چرا که باتفحص بسیار در خود کتاب ابتداء مجلد دوم را نیافتم و صاحب روضات هم دو مجلد بودن آن را تصریح کرده اند .
- (۲) شماره ابیات مجلد اول تقریباً (۴۲۸۰۰) و مجلد دوم (۱۲۲۰۰) میباشد .

آغاز: بسمله غرر و درر الفاظ و معانی و سلسله آرای شاهد زیبای حمد و سباس الخ.

(۷۶۷)

شرح  
غررالحکم  
و درر الکلم

این نسخه مجلد اول و مشتمل بر شرح از ابتداء کتاب تا آخر حرف الف میباشد بقرینه اینکه در حاشیه پاره ای از صفحات آن حاشیه هائی از مؤلف بخط کاتب نسخه نگاشته شده و در ذیل آنها کلمه « منه سلمه الله تعالى » یا « منه مد ظله العالی » تحریر یافته مسلماً در زمان حیات مؤلف یعنی پیش از سال ۱۱۲۵ نوشته شده، ولی کاتب از خود و سال نگارش نام نبرده، عمارات غررالحکم (اصل کتاب) بخط نسخ و شرح آن بخط نستعلیق است، محمدحسین بن نورالدین موسوی حسینی جزائری در لکنو از شهرهای هند بسال ۱۱۴۸ شرحی مبنی بر اینکه این نسخه قسمتی از ترجمه غررالحکم آمدی و تالیف آقا جمال است بشت و رقبه که پیش از ورق اول کتاب است مرقوم داشته و نیز بر ورقبکه در آخر نسخه است شرحی مبنی بر تشرف بزیارت این کتاب بدون امضاء بسال ۱۲۸۹ نوشته شده و ششیه بخط مرحوم حاج فرهاد میرزا معتدالدوله است و نیز در بشت نسخه یادداشتی مورخ بسال ۱۲۷۳ بخط شکسمه نستعلیق ختیلی خوب و بامضاء نصرالله موجود است.

جلد تیماجی، کاغذ سمرقندی، واقف سیه سالار، قطع رحلی کوچک، شمارۀ اوراق (۳۴۱)، نسخه (۲۱ و ۲۲) سطر، طول (۲۷ سانتیمتر) عرض (۱۹ سانتیمتر) شمارۀ کتابخانه (۳۳۰۷).

[۳۱۴] شرح مقامات حریری - شریشی (عربی)

این شرح مقامات از شریشره است (ابوالعباس احمد بن عبد المؤمن بن موسی بن عیسی بن عبد المؤمن قیسی شریشی نحوی ۵۴۷ - ۶۱۹) (۱) که از مشاهیر علماء

(۱) معجم المطبوعات تولد این مؤلف را در سال ۴۵۷ و وفات را سال ۶۱۹ ضبط نموده بنا بر این عمر مؤلف ۱۶۲ سال خواهد بود ولی ظاهراً عدد چهار و پنج مقدم و مؤخر شده و سال تولد شارح ۵۴۷ بوده که بنا بر این عمر ایشان ۷۲ سال خواهد بود و این نزدیک تر بواقع است لذا بدینگونه آنرا ثبت نمودیم.

۱ - در صفحه بعد رجوع شود

ادب است و به شارح مقامات نیز در میان فضلاء معروف میباشد ، در نحو و لغت و ادب و عروض و انشاء دستی قوی داشته و مردی بلیغ و ثقه بوده از جمعی دانشمندان روایت نموده و بسیاری نیز از او روایت کرده اند و مؤلفات او عبارتست از سه شرح بر مقامات بزرگ و متوسط و کوچک که نسخه ذیل یکی از آنها و همانست که چندبار در مصر چاپ شده و شرح **الایضاح** و شرح عروض الشعر و **عدل القوافی** و شرح الجمل و **مختصر نوادر الفالی** و قصائد مشهوره عرب و **التعلیقات الوفیه** که شرح **الدره الاثیه** ابن معط میباشد و در آن تمام الفیه مذکور را نقل نموده و غیر از اینها .

و در شریش (۱) در ماء ذیحجه ۶۱۹ وفات نمود نمود این شرح چند بار در دو مجلد طبع گردیده است (۲) چنانکه از نسخه ذیل معلوم میشود شرح اول شریشی است و در حدود (۲۶۰۰) بیت کتابت دارد و مشتمل بر حکایات و اشعار خوب فصحاء عرب و بیان معانی لغات مشکه و کلمات مستعمله در مقامات است و مطلبی را که محتاج بشرح و بسط بوده از آن نگذشته و چنانکه خود اشاره نموده از شروع دیگر استفاده ها نموده و چون چاپ شده محتاج بتعریف بیش از این نیست .

صاحب کشف الظنون گوید مختصر شرح مقامات شریشی از شیخ شهاب الدین احمد بن محمد حجازی متوفی سنه ۸۷۵ است و میتوان گفت که این مختصر شرح بر شرح شریشی است (ج ۲ ص ۴۹۸) .

[ بقیه از ذیل صفحه قبل ]

و نیز شارح را احمد بن عبد المؤمن بن عیسی بن موسی بن عبد المؤمن ضبط نموده در صورتی که در نسخ بغیة الوعاة و روضات الجنات که نقل از بقیه نموده موسی بن عیسی ثبت شده ولی در نسخه ذیل عیسی مقدم بر موسی ثبت گردیده است - معجم المطبوعات ص ۱۱۲۱ ، بغیة الوعاة در حرف الف روضات ص ۸۴ ، کشف الظنون ج ۲ ص ۴۹۸ .

(۱) شریش که اول و آخرش شمین معجمه است بفتح اول و کسر راء مهمله و یاء مثناة تحتانیة شهر بزرگی است از کوره شدونه و مرکز آنست و اینک آنرا شرش گویند ، شدونه بفتح اول و یس از واو ساکنه آن نون شهری است در آندلس که متصل میشود اطراف آن بحدود موزور از توابع آندلس ، معجم البلدان ج ۳ ص ۲۶۷ و ۲۸۵ .

(۲) مطالب فوق فقط از بغیة الوعاة و معجم المطبوعات ترجمه گردید .



و صاحب کشف الظنون گوید که شرح متوسط این شارح بر مقامات مزجی و مشتمل بر شرح لغات غریبه آنست و آنرا بر حسب درخواست اهالی سبلماسه با عباراتی سهل نگاشته ، و آغاز آن این است : بسملة الحمد لله الذی عَدَمنا ما لم نَکُن نَعْلَمُ الخ . و از شرح سوّم نام و نشانی ذکر نکرده معلوم میشود که از نظرش نگذشته بوده .

آغاز : (۱) الحمد لله الذی اختص هَذَا الامه بافصح الالسنه الخ .  
 انْجَام: اِذَا فَكَّرْتُ فِي نَدَمِي عَلَيْهَا عَضُّتُ اَنَامِي وَقَرَعْتُ سِنَانِي  
 و هذا آخر شعر قاله ابو العتاهيه و آخر شعر ختمت به الشرح راجعاً من ربّي  
 صفحه و عفوّه و الحمد لله اَوَّلًا و آخراً كما يجب بجلاله غفرانك اللهم تبارك و تعاليت  
 و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سبّدها حمّده و آله و صحبه و سلّم .

( ۷۶۸ )

این نسخه که مشتمل بر تمام کتابست بخط نسخ خوب شرح مقامات حریری نگاشته شده ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ، پشت صفحه اول شرحی نظماً و نثراً بخط نسخسته مستعجبی خوبی شریشی مبنی بر تعریف و توصیف کتاب تحریر کرده ، کاتب خود را یکی از عمال دیوان و مساعدمین دولت معرفی کرده و در آخر شرح مهری بنام « موسی » زده شده و از تاریخ آن مهر معلوم میشود که از رجال قرن سیزدهم هجری بوده ، نسخه در سال ۱۲۸۱ داخل کتابخانه اعتقادات السلطنه نموده و پشت ورق اول یادداشت گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ رنگی مهره زده . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۴۲۶ ) .  
 صفحه ( ۲۵ ) سطر . طول ( ۳۱ سانتیمتر ) عرض ( ۲۱ سانتیمتر ) شماره کتب بجا ( ۳۲۵۵ ) .

( ۱ ) در نسخه ذیل پس از بسمله نگاشته شده : قال الشيخ الاستاذ الفخري النجوي ابو العباس احمد بن عبد المؤمن بن عيسى بن موسى بن عبد المؤمن القيسي الشريشي رحمه الله عليه و رضوانه الحمد لله الذی اختص الخ . و نسخه چاپ شده ابتداً آن عیفاً ابتداً . این نسخه است .

## [ ۳۱۵ ] شرح مقامات حریری - مطرزی (عربی)

## (الایضاح)

این شرح مقامات از مطرزی ره است (۱) (ابوالفتح ناصر بن ابی المکارم عبدالسید بن علی مطرزی  $\frac{۵۴۶}{۵۴۸}$  - ۶۱۰) که یکی از فقهاء حنفی مذهب بوده و از ادباء نامی و نحویین معروف و لغوئین مشهور می باشد و در اصول معتزلی است در خوارزم متولد و در همانجا بدروند زندگی گفته و او را خلیفه زنجشیری خوانند چرا که وفات او در سال ولادت این مؤلف یعنی سال ۵۳۸ بود و ابن خلکان گوید که مطرزی بضم میم و فتح طاء مهمله و راء مشدده مکسوره و راء و یاء منسوب به کسی است که لباس را طرح زند و آنرا نقاشی کند و نمیدانم آیا خود او بدین کار مشغول بوده یا یکی از اجدادش مطرّز بوده اند و خدا دانا است. ولی سیوطی در بغیه گوید علی پسر مطرّز علم است نه وصف و پاره ای مؤلفات او عبارت است از **الاقناع** لمأحوی تحت القناع در لغة، **المعرب** (لغة فقهی)، **المغرب** فی ترتیب المعرب و **مختصر اصلاح المنطق** (اصلاح المنطق تألیف ابن سکیت است) و **مصباح** (۲) در نحو و شرح مقامات حریری که آنرا **الایضاح** (۳) نام نهاده شارح پیش از آنکه شروع بشرح کلمات و عبارات مقامات نماید مقدمه ای در مطالب معانی و بیان و بدیع ذکر و برای هر یک از مطالب مثالهایی از کلمات فصحاء و بلغاء سابق آورده و خصوصاً مقبّد شده که از عبارات حریری

(۱) ابن خلکان چاپ طهران ج ۲ ص (۲۸۰)، **روضات الجنات** ج ۴ ص ۲۲۳، **الفوائد البهیة** ص ۲۱۸، **بغیة الوعات** ص (۴۰۲)، **معجم المطبوعات** ص ۱۷۶۰، **کشف الظنون** ج ۱ ص ۱۱۲ و ۱۳۲ ج ۲ ص ۴۴۸ و ۴۷۱ و ۴۹۷، کتبه و لقب شارح در نسخه کهنه این کتابخانه مخالف آنچه موافق با مؤلفین سابق ثبت گردیده نگاشته شده و در ذیل اولین نسخه آنرا نقل کرده ایم و صاحب **کشف الظنون** در دو جای مجلد اول اسم مؤلف را ناصر الدین و در سه جای از مجلد دوم مؤلف را ناصر بن عبدالسید ضبط نموده است.

(۲) فقط در بغیه نام این کتاب «مختصر المصباح» ثبت شده است.

(۳) **کشف الظنون** در ج ۲ ص ۴۹۷ در ذیل شرح مقامات حریری نام این شرح را «الافصاح» نقل نموده و مساماً غلط و تصحیف الایضاح است و در حرف الف بعده الفا و الف بعده الیاء از آن کتاب مراجعه گردید این نام را در آنجا نیاورده بود در نسخه چاپ شده نام شرح ثبت نگردیده است و در تاریخ آداب اللغة العربیه ج ۳ ص ۴۸ نیز نام این شرح **الایضاح** است.

در مقامات حتماً استشهد نماید پس از اتمام این مقصود چند سطرى در معنى مقامه نگاشته آنگاه شروع در شرح خطبه کتاب نموده و از آن پس بترج مقامات پرداخته (مقدمات کتاب که آنرا رساله خوبى در فصاحت و بلاغت توان دانست و در حدود (۱۰۰۰) بیت میباشد) و چون داخل در شرح مقامات شده کلمات مشکک را شرح کرده و امثال و حکایاتی را که حریرى بدانها تمثّل بسته و با بنقل آنها پرداخته تشریح نموده و برای توضیح کامل بعبارات صاحب صحاح و دیگر دانشمندان متوسل شده و بسیاری از اشعار و کلمات بزرگان عرب را برای تأیید نظریه خویش آورده است و کتبۀ این شرح در حدود (۸۸۰۰) بیت میباشد

سال تألیف را شارح در آخر کتاب سۀ (۵۶۳) معین نموده ، در معجمه المطبوعات چاپ شدن آن تذکر داده نشده ولى بسال ۱۲۷۲ در طهران چاپ گردیده است .  
**آغاز :** بسملة الحمد لله المحمود على جميع الاموال - المشكور بحسن البلاء الخ .  
**انجام :** فاحمد الله على الاله المتظاهره واصلنى على نعمته وعمرته الصاهره واسلم تسليمًا كثيرًا .

( ۷۶۹ )

این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، کتاب از خود  
 و سال کتابت نام برده و بدگر آخرین عبارت مصنف قناعت  
 نموده ولى در حاشیۀ آخرین صفحه نوشته شده : (بلغت  
 المقابله بخط المصنف) و از حروف آخر کلمه مصنف اندکی  
 محوشه و از طرز کتابت و کاغذ نیز بدست می آید که در قرن هفتم بخارتن بافته و پشت  
 صفحه آخر و بر اوراقی که در آخر کتاب است با داشته ها و مهرهای قدیمی و اشعاری  
 عربى بخط نسخ و نستعلیق تحریر بافته و یکی از یادداشتها را محو کرده اند و هیچیک  
 جز یادداشت اعتضاد السلطنه تاریخ نداشته و بیشتر از خطوط قدیرن هفتم هجرى است ،  
 و سجع مهر مدورى که بر دو مین ورق کتاب زده شده ایست . (حبيب الله محمود  
 است از جان غلام شیخ ابراهیم سلطان) یست صفحه اول کتاب نسخه چنین نوشته :  
 (کتاب الايضاح فى شرح المقامات الحریریه تصنیف الشیخ الامام العالم الاجل برهان الدین

شرح

مقامات حریری

مطری

ابی المظفر ناصر بن المطرزی رحمه الله تعالى علیه . ) و در آخر کتاب در آنجا که شارح میخواهد کلام خود را خاتمه دهد و میگوید قلت ، در این نسخه کاتب نوشته : قال الامام الاجل برهان الدین ابوالمظفر ناصر بن المطرزی رحمه الله قلت . و از اینجا معلوم میشود که یکی از پدران شارح به مطرزی مشهور بوده و در نسخه مطرزی بضم اول و فتح ثانی و کسر ثالث با تشدید وزای معجمه با یاء نسبت مشدد تشکیل شده است و در نسخه دیگر پس از بسمله اینست : يقول عبدالله المفتقر الیه ناصر بن ابی المکارم المطرزی تجاوز الله عنه ، الحمد لله المحمود الخ . و نیز یادداشتی است که بخط شکسته نستعلیق نگاشته شده و امضاء آن غیاث الدین بن محمد حسینی است و سجع مهر آن یا غیاث المستغیثین است و سال ۱۰۰۷ بر آن نقش شده و مسلماً غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی نیست چرا که بنص روایات ( ج ۴ ص ۱۲۹ ) وی بسال ۹۴۸ وفات یافته و سجع مهر او « ناصر الشریعه منصور » بوده بنا بر این صاحب این یادداشت و مهر دیگری است .

جلد چرمی کهنه . کاغذ حنائی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۱۶۹ ) ، صفحه ( ۲۱ ) سطر ، طول ( ۲۶ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۹ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۲۵۴ ) . ( ۷۷۰ )

شرح این نسخه در سال ۱۱۰۰ بخط نسخ احمد بن علی حسینی مقامات حریری نگارش یافته ، حاشیه دو ورق از اواسط کتاب پاره شده یکی را وصال کرده اند .

جلد چرمی . کاغذ اصفهانی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۲۰۹ ) . صفحه ( ۱۸ ) سطر . طول ( ۲۰ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۵ سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۳۲۵۳ ) .

[ ۳۱۶ ] شرح نهج البلاغه - ابن ابی الحدید ( عربی )

مؤلف این شرح ابن ابی الحدید است ( عز الدین عبد الحمید بن هبة الله ( ۱ ) بن

( ۱ ) نام پدر شارح در معجم المطبوعات ص ۲۹ و کشف الظنون ص ۳۹۳ و ۶۲۲ ج ۲ و فوات الوفيات ص ( ۲۱۷ ج ۱ ) هبة الله ضبط گردیده ولی در روایات بنقل از عبد الرزاق غوطی بها ، الدین ثبت شده و در اینجا نیز پس از محمد دوم جد مؤلف حسین بن ابی الحدید نقل شده در صورتیکه در کتب فوق نام حسین نیست و در تجارب السلف ( ص ۳۵۸ و ۹۵۹ ) شارح فقط بنام عز الدین عبد الحمید بن ابی الحدید ذکر گردیده و مطالب مر قومه از آن کتب گرفته شده است .

محمد بن ابی‌الحدید مدائنی معتزلی (۵۸۶ - ۶۵۵) که از معارف ادهام متکلمین قرن هفتم هجری و معاصر با آخرین خلیفه عباسی بوده و هنگام تصرف مغول شهر بغداد را گرفتار آمده و بجوانمردی ابن علقمی وزیر و شفاعت خواجه نصیرالدین او و برادرش موفق الدین از کشته شدن نجات یافتند (ذیلاً شرح قضیه ذکر می‌گردد). صاحب روضات (ص ۴۲۲ تا ۴۲۴) بشرح حالات و معرفی ایشان مفصلاً پرداخته و مؤلفات ذیل را بنقل از نوشته های نسخ ابوالمفضل عبدالرزاق الغوطی مورخ بایشان نسبت داده: از مؤلفات ابن اسیر الحیدر یکی کتاب **العقربى الحسن** میباشد که در آن قسمتی از کلام و تاریخ و آثار و باره‌ای از انشآت و مراسلات خود را جای داده و دیگری کتاب **الاعتماد** و این کتاب در سه مجلد و نظر مؤلف در آن بر کتاب **الدریه فی اصول الشریعه** سیدمرتضی ره میباشد و دیگری کتاب **الثلاث الدائر علی المثل السائر** (این کتاب چنانکه در ص ۳۰ معجم المطبوعات چاپ شده است و کتاب **المثل السائر** تألیف ضیاء الدین بن الاثیر جزری متوفی سنه ۶۳۷ می‌باشد و در فن انشاء و کتابت کشف الغاوت ص ۲۷۵ ج ۲) و دیگری شرح محقق امام فخر رازی است که در حقیقت انش و رد بر آن میباشد و دیگری کتاب **نقض المحصل** (محصل در کلام و نیز از امام فخر است) و دیگری شرح **مشکلات الغرر** مانند کتاب **غیر الادله** تألیف شیخ ابوالحسن محمد بن علی بصری متوفی سنه ۶۱۳ که از کتاب **معجم** او بوده اند میباشد (کشف الغاوت ج ۲ ص ۱۵۳) و دیگری شرح **یا قوت** ابن سبکت و قصائد **فنگاه** در مدح حضرت علی علیه السلام که بدست **ابن سبکت** در ص ۴۵ تبیح رضی استرآبادی و صاحب مدارک بنسب آن به **ابن سبکت** شرح **نهج البلاغه** (همین کتاب) میباشد که از معارف کتب و مروجب شهرت است. تاریخ ذی‌بده است. این شرح **نهج البلاغه** یکی از شروح معتبره و جامع در آن زمان است و فضیلت و تحقیق را داده و چون طریقه ادهام را استنباط کرده و در آنجا که مناسب است خطب و کلمات را شرح و تفسیر نموده، اهل سنت و جماعت را به استنباط و تامل از خود کتاب

بر می آید که سنی و معتزلی است ، بسیاری از اخبار و معتقدات شیعه را هم نقل و برد آنها پرداخته و بسیاری از مطالب بر خلاف عقائد امامیه دارد که آنها را صاحب حدائق جمع نموده و ذیلاً از آن نام می بریم ، ولی در دوستی حضرت علی و اولاد آن بزرگوار علیهم السلام بی اختیار بوده و ما ترجمه پاره ای از دیباچه این شرح را که شارح از روی راستی بی کم و کاست کتاب و اسلوب آنرا معرفی نموده در اینجا می آوریم :

چون امر حضرت وزیر بزرگوار محمد بن احمد بن محمد علقمی که خدایش مشمول عنایات کامله خویش دارد و او را ازین مقام ارجمند بالاتر برد بنام این بنده در گاه بر شرح کتاب نهج البلاغه که بر صاحب آن بهترین صاوات و پاکیزه ترین تحیات باد صادر گردیده ، مانند کسیکه خود پیش پیش بنا بر کاری داشته و فرمانی جازم او را ازجا برانگیزاند شروع در انجام خدمت نمود و بشرحی پرداخت که در آن بذکر غرائب لغات و اسالیب عبارات و بیان مرادقناعت نموده بود اما چون چندی بدین منوال گذشت اندیشیدم دانستم که این مختصر شسته حقائق را سیراب نمیکند و سرگردان را جز سرگردانی نمی افزاید بنا براین آن روش را گذاشتم و بشرحی مفصل پرداختم که مشتمل بود بر غریب لغات و اسالیب و قواعد معانی و بیانی و چون کامه ای ممکن باشد از لحاظ اعراب و تصرف اشکالی پیدا کند بیانی بر پرداخته و در موارد بسیار بنقل نظم و نثرهایی نظائر عبارات کتاب همت گماشتم ، حکایات و مطالب تاریخی را که در الفاظ اشارتی بدانها رفته بود آورده ، دقائق توحید و عدل که اشاره بدانها نموده تشریح کرده ، آنچه از انساب و اعمال نکتها و مواظ و زواجر دینی و حکم و آداب اخلاقی و مسائل فقهی بود شرح و بسط داده ، مقامات عارفین را که انحضرت در کلمات خویش بطریق رمز یاد فرموده بیان نمودم ، در صورتیکه همه کس توانائی بر آن ندارد و این کار را کسی نتواند جز دانشمندان و روحانیان مقرب ، یرده سائر مقاصد را از روی عباراتیکه حضرت علیه السلام بطریق کنایه و اختصار و اشاره و شکایت بیان فرموده برداشته و برهان اقامه کرده که بسیاری از فصول این کتاب داخل در معجزات محمدیه ص است چرا که مشتمل بر اخبار بغیب میباشد و از قوه بشر خارج است که اینگونه حقائق را در قوالب الفاظ در آورد

(بهمین جهت است ~~تسک~~ که در میان خاصه این کتاب **اخ القرآن** نامیده شده ) و چنانکه امید بود کتابی در فن خود کامل و یگانه در میان امثال گردید و هیچ شکفت نخواهد بود که بوسیله این کتاب که بهترین کتابها است کسی بسر پادشاهان تقرب جوید و بواسطه یگانه زهان به یگانه روزگار نزدیک شود چرا که همه چیز بمانند خویش بایستی متصل شود و هر چیزی نظیر خود را بخود می کشاند و نا آنجا که میدانم پیش از من کسی

بشرح این کتاب نپرداخته جز سعید بن هبة الله بن حسن فقیه معروف بقطب راوندی که یکی از فقهاء امامیه بوده لیک وی مرد ابن میدان نبوده چرا که همه عمر خویش را صرف فقه کرده و کجا فقیه‌ای که بس عالم ابن یک رشته است تواند بحقائق این کتاب که دارای فنون متعدده و عاوم متشعبه میباشد پی برد ، بنابراین حال شرح او بر دانا مخفی نیست و من در چند جا مطالب متناقضه آنرا در این کتاب نقل نموده و از بسیاری از آنها که چندان فائده‌ای در ذکر آن ندیده در گذشته‌ام ، و پیش از آنکه شروع بشرح کتاب نمایم اقوال اصحاب خودمان معتزله و رحمه الله را در باب امامت و تفصیل بغاة و خوارج و ذکر نسب و مختصری از فضائل حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام و شرح مختصری از نسب و حالات رضی ابی الحسن محمد بن حسین موسوی رحمه الله نقل پس از آن شروع بشرح خطبه کتاب که از منشآت سید رضی ره است می نمایم . **انتهی** .

سید هاشم بحرانی متوفی بسال ۱۱۰۷ که در ج ۱ ص ۸۹ ، ۲۲۱ ، ۲۸۶ ، ۳۰۳ و ۳۱۰ مؤلفاتی از ایشان را باشرح حال مختصری ذکر کرده‌ایم آنچه از فضائل حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام و سائر ائمه هدی در شرح ابن ابی الحدید بوده جمع آوری نموده و آنرا « **سلاسل الحدید** » نامیده است .

صاحب حدائق متوفی بسال ۱۱۸۸ ( ج ۱ ص ۳۹۹ ) ردی بر شرح مذکور نگاشته و نام آنرا « **سلاسل الحدید فی تقیید ابن ابی الحدید** » گذاشته و در آخر اولوتی البحرین ذیل مؤلفات خود در معرفی از این کتاب گوید :

این کتاب رد بر شارح نهج البلاغه است که بحیال خویش آنرا بر رأی معتزله و اصول مذهب ایشان نگاشته و در ابتداء آن مقدمه مفصلی در معنی امامت نوشته‌ام که او خود شایسته است کتابی مستقل باشد پس از آن آنچه راجع بامامت و احوال خاماء و مطالب مناسب باین مبحث بود از شرح مذکور نقل و خال و مفاصد هر یک را کاملاً تشریح نموده‌ام و مجلد اول آن خاتمه یافته و در حدود یک ثلث از مجلد دوم را نیز تالیف نموده ولی اشتغال بتالیف کتاب حدائق مرا از بیابان رسانیدن آن باز داشته است . **انتهی** .

این شرح ابن ابی الحدید را شمس بن محمد بن مراد در سال ۱۰۱۳ (۱) شرح

(۱) فقط در آخر شرح جزء اول نسخه این ترجمه نام مترجم و شارح ذکر شده آنهم بدینگونه که در اینجا ثبت میگردد : تمام شد ترجمه جزء اول از شرح نهج البلاغه که مترجم آن الفیض الی رحمة ربّه الحواد شمس بن محمد بن مراد فی یوم الاحد من شهر ربیع الموالود سنه ۱۰۱۳ : ۱۸ شهر مذکور و صلح تم .

و ترجمه فارسی نموده و نسخه‌ای از آنرا جناب حاج محترم السلطنه اسفندیاری رئیس دوره دهم مجلس شورای ملی دام ظلّه دارند و مدّتی نزد نگارنده بود از قرائن چنین بنظر میرسد که نسخه بخط شارح و مترجم میباشد و مشتمل بر ترجمه و شرح شش جزء از شرح ابن ابی‌الحدید و شرح جزو هفتم آن تا خطبه ای که آغاز آن این است میباشد: اَمَّا بَعْدُ حَمْدُ اللَّهِ وَ الثَّنَاءُ عَلَيْهِ اَيُّهَا النَّاسُ فَانِّي نَقَاتُ عَيْنِ الْفِتْنَةِ الْخ.

شارح و مترجم پس از نقل این خطبه از شرح ابن ابی‌الحدید چیزی نقل ننموده و شروع بنقل مطالب تاریخی راجع بمعامله عبّاسیین بامویّین و قبور اموات ایشان نموده پس از آن در تحت عنوان خاتمه احادیث و اخباری در فضائل حضرت مولی امیر المؤمنین علی علیه‌السلام پرداخته و قسمتی از آخر آن افتاده ولی ظاهراً بیش از يك ورق نبوده است.

این شارح و مترجم در بسیار از موارد نسبت بمخالفین امامیه و حتّی بزرگان آنها از طریق ملائمت و اخلاق خارج گردیده است.

ترجمه دیگری از این کتاب در زمان سلطنت ناصرالدّین شاه قاجار حاج نصرالله بن ملا فتحعلی دزفولی نموده و چنانکه در خاتمه آن مذکور است در سال ۱۲۷۸ بامر آن پادشاه شروع و در سال ۱۲۹۲ ترجمه کتاب را بانجام رسانیده و در سال ۱۲۹۵ تصحیح و پاکنویس شده است، مترجم پس از اینکه عبارات نهج البلاغه را قسمت قسمت نقل نموده بترجمه تحت اللفظی عبارات شرح ابن ابی‌الحدید پرداخته و چون خود در آن مورد نظریه ای داشته باشد پس از آن تحت عنوان اقول ذکر کرده و بانهی خاتمه میدهد و تمام ترجمه بیست جزء را در چهار مجلد گذارده و آنرا «مظهر البیّنات و مظهر الدّلالات» (۱) نامیده و اجزاء (۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰) این کتاب را در پنج مجلد استاد این دانشکده آقای مشکوة بیرجندی دارند و نگارنده آنها را دیده است و در حواشی آن مترجم خود مقابله

(۱) نام کتاب در آخر بعضی از اجزاء «و مظهر الایات» و در بعضی «و مظهر الدلالات» ثبت شده است.



و تصحیح را نوشته و مهر کرده و حواشی مفیدی هم بخط خود تعلیق نمود و سجع مهر مترجم اینست: ( لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده نصر الله ) و از سایر اجزاء این کتاب خبری بدست نیاوردم و از ترجمه های خوب و دارای مزایای زیاد و تحقیقاتی است .

در امل الاصل ج ۲ ص ۷ آورده که سلطان محمود بن غلامعلی ضابی که از معاصرین بود شرح ابن ابی الحدید را مختصر کرده است .

فخر الدین عبداللہ بن المؤید باللہ نیز این شرح را مختصر نموده و آنرا « العقد النضید یا الدر النضید المستخرج من شرح ابن ابی الحدید » نامیده و نسخه ای از آن که بسال ۱۰۸۰ نگاشته شده در کتابخانه مجلس موجود است ( فهرست کتب خطی مجلس ج ۱ ص ۱۶۷ ) .

هندو شاه نخجوانی در تجارب السلف مؤلفه بسال ۷۲۴ که ۶۹ سال پس از وفات ابن ابی الحدید است راجع باین کتاب و مؤلف آن شرحی نگاشته که نقل آنرا بی مورد نمیدانم و آن اینست :

و عزالدین عبدالحمید بن ابی الحدید نهج البلاغه بنام او شرح کرد و چون عرض رسانید بغایت بیستید و از مجلس برخاست و در خزانه کتب رفت و هزار و ده نعت جامه که لائق مردان و زنان باشد و کنیز کی ترک و خوب صورت و خادمی حبشی کوچک و فرش و زیبا و اوایی نقره کوفت حاضر گردانید و بفرمود تا بر در سرای استری زینی با آلات نیکو حاضر کردند و غلامی دیگر حبشی جامه های نو پوشیده جهت رکابداری بداشتند و چون این مجموع تمام شد عزالدین عبدالحمید را بخواند و خاتم بیوشانید و تمصیل احضار نمود و غلام تسامیم کرد ( در این کتاب مقدار نقدی معین نشده ولی درس ۲۲۲ و وصاف بنقل از کتب عبداللہ راقی غوطی نوشته شده که صد هزار دینار بوده است ) عزالدین چون این مکرمت و مروت بدید ، ران دوز را بوسه داد و گفت ای خداوند بنده را این همه توفیق نبود و بر کعبه ای که بنده داشت میراث وزیر باضعاف زائد است . وزیر گفت این سخن بگذار که منتهی بر گردن من نهاده ای که بشکرانه آن قیام نتوانم کرد و بخدای که تا زنده باشم این حق را رعایت کنم ، آنگاه عزالدین شاگرد و شادمان بیرون آمد و فرایشان اجناس را در خدمتش میبردند و او بر استر سوار شد و بخانه رفت و زبان روزگار میگفت :

آن خسروان که نام نیکو کسب کرده اند به رفتند و یادگار از ایشان جز آن نماند  
نوشیروان اگرچه فراوانش گنج بود ، جز نام نیک از پس نوشیروان نماند  
و در واقعه بغداد عزالدین مذکور و برادرش موفق الدین را بیرون آوردند تا بکشند

و این عالمی را پادشاه نواخته بود و مهمات عراق و بغداد باو تفویض کرده و در دل پادشاه مقامی تمام داشت ، چون حال عزالدین بن ابی‌الحدید بشنید دودبسر او در آمد در حال بخدمت خواجه افضل‌العالم **نصیرالدین طوسی** قدس‌الله روحه رفت و دامن او بگرفت و گفت دو کس از افاضل بغداد که بر بنده حقوق عظیم دارند خواهند کشت و التماس دارم که خواجه ببندگی پادشاه شتابد و بنده در خدمت باشد و در باب این دویز رک شفاعتی کند . خواجه بی توقف روان شد و وزیر هزار دینار بموکلان مغول داد و مهلت خواست و بدرگاه رفت چون پادشاه ایشان را بدید دانست که بکاری آمده اند وزیر برسم مغول زانو زد و گفت دو کس را از شهر بیرون آورده‌اند و برلیخ پادشاه نافذ شده است که ایشانرا بیاسا رسانند بنده کمترین را آرزو آن است که پادشاه مرا عوض ایشان بکشد و ایشان را آزاد کند . خواجه این معنی را در بندگی پادشاه بعرض رسانید پادشاه بخندید و گفت اگر من خواستی ترا بکشم تا این غایت نگذاشتمی و در حال عاطفت بفرمود و هردو را باو بخشید . وزیر بتعجیل بیرون آمد و ایشانرا خلاص داد و با عزالدین بن ابی‌الحدید گفت بخدای که اگر در قبولی شفاعت توقفی میرفت نفس خود را فدای تو خواستم کرد تا مکافات آن لطف باشد که تو با من کردی و نام مرا بسبب شرح نهج‌البلاغه مخلص گردانیدی .

و رغبت وزیر **ابن عالمی** در کتب بغایت بوده ده هزار مجلد کتب نفیس داشت چون از مهمات فارغ میشد بمطالعه مشغول می بود و در همان سال که از جانب پادشاه حاکم بغداد شد وفات یافت در جمادی‌الاولی سنهٔ ست و خمسين و ستمائه . ( نجارب‌الساف چاپ آقای اقبال آشتیانی از ص ۳۵۸ تا ۳۶۰ ) .

ابن ابی‌الحدید این شرح را در بیست جزء و چنانکه خود در آخر تصریح کرده در مدت چهار سال و هشت ماه از غره رجب ۶۴۴ تا سلخ صفر ۶۴۹ با تمام رسانیده و در آخر هر قسمت خاتمه هر جزء را تصریح نموده و تمام اجزاء در ایران و مصر مکرر چاپ شده و پس از شرح آخرین عبارت نهج‌البلاغه هزار کلمه از کلمات قصار که بسیاری از آنها مسلمانان حضرت امیر المؤمنین علی علیه‌السلام میباشند و برخی با احتمال چه مشابهت بکلمات آن حضرت داشته و سید رضی ره ذکر نکرده بدون شرح و بسط آورده است .

**آغاز :** بسم‌الله الواحد العدل ، الحمد لله الذي تفرّد بالكمال فكل کمال  
سواء منقوص الخ .

(۷۷۱)

شرح نهج البلاغه  
ابن ابی الحدید  
این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و مشتمل بر ده جزء اولیه کتاب است، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ولی در آخر جزء اول **شیخ صنعان** نام در سال ۱۰۳۳ چنین نگاشته اند: **مرندی** بوده است مقابله گردیده و در آخر بعضی از اجزاء آن نیز نوشته اند: در مکه معظمه است کتاب شده و این مطلب اخیر را شیخ مذکور بفارسی تحریر نموده است.

قسمتی از جزء ششم این نسخه افتاده و محمد تقی نام اسمر ابادی در سال ۱۲۹۴ پشت ورق اول و بر موضعی که از آنجا افتاده است یادداشت کرده اند و نیز پشت ورق اول یادداشتی بتاریخ سال ۱۰۴۳ حضرت **خليفة السلطان** (سلطان العلماء) مبنی بر مالکیت کتاب بخط خویش مرقوم فرموده اند، چند ورق آخر و اوراقی از اوائل کتاب وصالی شده است.

جلد میشن. کاغذ سمرقندی، واقف سپهسالار. قطع رحلی بزرگ. شماره اوراق (۶۹۷). صفحه (۲۵) سطر. طول (۳۷ سانتیمتر). عرض (۲۳ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۰۷۶).

(۷۷۲)

شرح  
نهج البلاغه  
ابن ابی الحدید  
این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و مشتمل بر جزء شانزدهم تا آخر کتاب میباشد (ربع چهارم)، دو ورق از آخر و یک ورق از اول آن را در سال ۱۲۳۳ نگاشته اند ولی خط اصلی ظاهر از خطوط قرن یازدهم هجری بوده و در آخر اولین جزء نسخه (جزء شانزدهم) عبارات ذیل نگاشته شده: (به تصحیح علی یدمالکه **لطف الله بن محمد بن عبدالمهدی البحرانی** و لکن علی نسخه غیر ظاهره الصححه و ذلك بخامس عشر من شهر شعبان المعظم سنه ۱۱۶۴).

ابتداء هر جزء سرسوره مطلقائی است که نام هر جزئی با سفید آب بر آن نگاشته شده و صفحات کتاب بمجدول بطلاولا وجود است، فهرست بعضی از مطالب مندرجه در آن جزء را با ذکر صفحات آن پشت ورق اول نگاشته اند و بعضی از صفحات وصالی شده است.

جلد میسن . کاغذ خانبالغ . واقف سیهسالار . قطع رحلی کوچک . شماره اوراق (۴۰۰) .  
صفحه (۲۵) سطر . طول (۳۰) سانتیمتر . عرض (۱۸) سانتیمتر . شماره کتابخانه (۳۰۷۸) .  
( ۷۷۳ )

این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و مشتمل بر جزء چهاردهم  
تا آخر کتاب است ، کاتب نامی از خود و سال کتابت در هیچ  
جای از کتاب نبرده ولی ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری  
است ، پشت ورق اول فهرست قسمتی از مطالب مندرجه در  
این نسخه نوشته شده و در حاشیه بعضی از صفحات حواشی مختصری نوشته اند .  
جلد چرمی . کاغذ سمرقندی . واقف سیهسالار . قطع رحلی بزرگ . شماره اوراق (۲۵۳) .  
صفحه (۳۵) سطر . طول ( ۱/۳۷ ) سانتیمتر . عرض (۲۵) سانتیمتر . شماره کتابخانه (۳۰۷۷) .  
( ۷۷۴ )

این نسخه بخط نسخ عبدالکریم بن معصوم در سال ۱۲۵۵  
نگاشته شده و شامل از ابتداء کتاب تا آخر شرح کلام حضرت  
علی علیه السلام در جنگ صفین ( در جزء ) ( ) از این  
ابن ابی الحدید ( شرح است ) و هنگام بازداشتن اصحاب معویه اصحاب آن  
حضرت را از آب فرات میباشند .

جلد میسن . کاغذ فرنکی مهر زده . واقف سیهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۲۹۲) .  
صفحه (۲۱) سطر . طول ( ۱/۲۶ ) سانتیمتر . عرض (۱۷) سانتیمتر . شماره کتابخانه (۳۰۷۹) .

### [ ۳۱۷ ] شرح نهج البلاغه - ابن میثم ( عربی )

این شرح بزرگ ابن میثم رحمه الله علیه است ( کمال الدین میثم بن علی بن  
میثم بحرانی متوفی بسال ۶۷۹ ) ( ۱ ) و مؤلف این کتاب یکی از علماء امامیه و حکماء

( ۱ ) مطابق راجعه باین مؤلف و این کتاب با مراجعه بروضات ص ( ۱۴۲ تا ۱۴۴ ) ولؤلؤص  
( ۱۶۱ تا ۱۶۶ ) ، امل الامل ج ۲ ص ( ۷۲ ) و کشف الطنون ج ۲ ص ( ۶۲۳ ) و مجالس المؤمنین  
و محبوب القلوب اشکوری نگاشته شده و در کشف الحجب سال وفات شارح ۶۹۹ ثبت گردیده  
در صورتیکه در کشکول شیخ بهائی و روضات ولؤلؤ و کشف الطنون و هدیه الاحباب سنه ۶۷۹  
معیّن شده و در کتب مذکوره دیگر سال وفات ذکر نشده و در آخر شرح صغیر ابن میثم  
چنانکه در کشف الطنون است ( و نسخه ای که متعلق به مجدالدین خواجه نصیری نیز چنانست ) فراغ از  
آن در سال ۶۸۱ بوده اگر این تاریخ را مُسَخَف ندانیم باید گفت که شارح در سال مذکور  
فوق وفات نیافته و قول صاحب کشف الحجب را که در اینگونه امور چندان اعتماد بصحت  
طبع نسخه آن نتوان نمود قبول کرد و یا در غیر این دو سال وفات ویرا فائل شویم .

و عارفین قرن هفتم هجری بوده و از محضر خواجه نصیرالدین طوسی ره استفاده علوم حکمت و کلام نموده و ایشان شهادت بر کمال فضل و بسط اطلاع وی در این دو رشته داده اند و گذشته از آن خود این شرح بهترین گواه بر مراتب علمی و اطلاعات گرانبهای این عالم جلیل میباشد و گویند خواجه از این مبتم مطالب فقهی را فرا می گرفته است. و در نزد علما این مبتم به «عالم ربانی» ملقب و مشهور میباشد. در بحرین شهرت فضائل ایشان پیچید و از آنجا بخارج سرایت نمود ولی آگوشه گیری را اختیار نموده و از مردم کناره میگرد، علماء حنبله که در آنوقت مرکز دانشمندان امامی مذهب بود چون بر این حال و فووف باقی نماند بوی نگاشته و او را بدین خوی و رفتار سرزنش نمود بدین شیوه در کتابش آمان نگاشت:

طَلَبْتُ فَنَوْنَ الْعِلْمِ ابْنِي بِهَا الْعَلِيَّ      قَهَّصَرَبِي عَمَّا سَمِعْتُ بِهِ الْقُلَّ

هر گونه دانشی را جستجو کردم تا بدانها      لیک بس چیز می شنیدم از آنجا که

به بزرگی رسم      من جسمه باز دانست

تَبَيَّنَ لِي أَنَّ الْمَحَاسِنَ كُلَّهَا      فَرُوعَ وَأَنَّ الْأَمَانَ فَيُهَا هُوَ الْأَصْلُ

و آشکار شد برایم آنکه تمام دانستها      فرع و شاخه اند و امان دانستن اصل

برای رسیدن بمقصود

آنها باز در جواب می نگاشتند که از چون تو دانشمندان پس نماند است  
که دارائی را اصل دانسته و دانش را فرع و شاخه دانستی، و می یار در نامه ای  
این ابیات را از شعرای سابق نگاشت و بدانها فرساده:

قَدْ قَالَ قَوْمٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ      مَا الْأَمْرُ إِلَّا بِأَكْبَرِ رِيَّةٍ

اگر و می بدون تحقیق گفته اند      که عقلت آدمی بدل دانایان گویا است

فَقُلْتُ قَوْلَ امْرَأِي حَكِيمٍ      مَا الْأَمْرُ إِلَّا بِأَكْبَرِ رِيَّةٍ

ولی من چون گفتار مردی فرزانه بیاسخ گفتم      مردکی مرد جز دارائی او نیست

مَنْ لَمْ يَكُنْ دِرْهَمٌ لَدَيْهِ      لَمْ تَلْتَفِتْ عِزُّهُ إِلَيْهِ

انکس که پول نداشته نباشد      حتی زن او توجهی بوی ننماید

پس از آن خود بعزم زیارت قبور ائمه هدی علیهم السلام بعراق حرکت نمود و وارد شهر حله گشت با لباس مندرس و ناشناس یکی از مدارس در آمد که جمعی از علماء و طلاب گرد هم بر آمده و مشغول بحث بودند سلام داد با کمال خونسردی بوی جواب گفتند و در پائین مجلس بشست اتفاقاً در فهم معنی و مطالبی ماندند، ابن میثم آنرا با نه وجه حلّ نمود ولی کسی بگفتارش گوش نداد، چون ناهار حاضر شد وی را بر سر سفره راه ندادند و خوردنی برایش جدا فرستادند، روز دیگر با لباس پاکیزه و عمامه بزرگ بهمان مجلس در آمد، همه از جای برخاسته وی را بسی احترام نموده و در صدر مجلس جای دادند، چون صحبت علمی بمیان آمد مطالبی بیهوده و بی معنی آغاز کرد، همه تصدیق بر صحت و درستی آن کردند و خوردنیهای نیکو مهیا ساختند، چون بر سر سفره نشستند، ابن میثم آستین خویش را در غذا فرو برد و همی گفت آستین نو تو بخور، که این پذیرائیها همه از بهر تو است، حاضرین از این رفتار و گفتار بشگفت آمدند، شیخ گفت آقایان من همان شیخ دیروزیم که بامن آن معامله را کردید و چون امروز با این لباس بمحفل شما در آمدم اینگونه احترام و تجلیل از من نمودید، در صورتیکه دیروز مطالب صحیح و درستی را حلّ نمودم همه منکر شدید و امروز آنچه مهمل گفتم همه تصدیق کردید، آیا این رفتار بواسطه لباس فاخر من نیست؟! و آیا آنچه را در آن کاغذها بشما نگاشتم و مال را اصل داستم خلاف حقیقت بود؟! حصار مجلس چون بر این مطالب آگاه گشته معذرت خواسته از قدوم ایشان اظهار خورسندی نمودند.

این عالم بزرگ گذشته از این شرح بر نهج البلاغه که پس از این از آن معرفی خواهیم نمود بنا بگفته بعضی از رجالین و اهل سیر دو شرح دیگری صغیر و دیگری وسیط بر این کتاب دارد و یکی از این دورا که بنا بگفته خویش در مقدمه آن برای دو پسر علاء الدین عطاء ملک جوینی از شرح بزرگ خود (همین کتاب) مختصر نموده در کتابخانه مدرسه فاضله خراسان بنام شرح متوسط ثبت گردیده و نسخه ای از آن در کتابخانه مدرسه مروی در طهران موجود و نسخه دیگر از آنرا عبدالدین خواجه نصیری و بعضی دیگر دارند و بامراجع و مطالعه این شرح مختصر بدست آمد که در حدود

دوثلث یا سه ربع متن (نهج البلاغه) کتابت دارد و بنگمان نگارنده از این مختصر تر شرحی بر نهج البلاغه تصور نشود در صورت وجود نتیجه‌ای نخواهد داشت و اینکه بعضی ابن میثم را دارای سه شرح بر نهج البلاغه دانسته‌اند شاید شرح مائة کلمه آنحضرت را (که در ذیل آن کتاب در این فصل بخصوصیات آن نیز تذکر داده خواهد شد) سومین شرح دانسته و شرح معروف را کبیر و مختصر آنرا متوسطه اراده کرده‌اند. و اینکه صاحب لؤلؤ البحرین (جز آنچه از رساله «السلافة البهية فی الترجمة الميمنية» نقل نموده) و کشف الظنون و جمعی دیگر جز دو شرح مذکور در انعام نبرده‌اند پیش از دو شرح نداشتن این شارح تأیید می‌شود و آغاز شرح که از شرح کبیر اختصار گردیده اینست: بِسْمِ اللَّهِ سُبْحَانَ مَنْ حُسِرَتْ أَبْصَارُ الْبُصَايِرِ عَنْ كُنْهِهِ مَعْرِفَتِهِ وَ قُصِّرَتْ أَلْسِنَةُ الْبُلَّغَاءِ عَنْ آدَائِهِ دَحْتِهِ الْخ

از مؤلفات ابن میثم شرح اشارات استادش شیخ علی بن سلیمان بحرانی ، قواعد الامرام در کلام ، شرح مائة کلمه ، البحر النخب ، نجات القیامه فی تحقیق امر الامامه ، استقصاء النظر فی امامة الاثمة الاثنی عشر . المعراج السماوی و غیر از اینها است و رسائل این عالم حلیل بسی بغیر از آنها . رساله‌ای در وحی و الهام ، رساله‌ای در علم و رساله‌ای در آداب بحث میباشد .

این شرح نهج البلاغه را ابن میثم در سال ۶۷۷ نام خواجه غزالی بن عطاء ملک جوینی وزیر متوقی بسال (۶۸۰) تألیف نموده و از شرح بسیار خوب این کتاب و بزرگترین شرح‌های این شارح میباشد . پیش از شروع شرح از باب مقدمه بسیار مفید و جامع و مفصّل در حدود (۳۳۸۰) بیت مشتمل بر مدح فاعله و بیان تفصیل نگاشته: **قاعده اولی** در مباحث الفاظ . **قاعده ثانیه** در بیان ذی‌القدر و موضوع خطابه **قاعده ثالثه** در آنکه دعای علیه السلام بعد از جمع دعوات کفایت نموده باشد و هر يك از قواعد فوق مسائل بر مباحث زیادی میباشد . و این شرح به پنج مجلد بدین طریق تقسیم شده: **مجلد اول**: متنازل بر مقتضای شرح خطبات اخیر شرح خطبه‌ای که پس از شنیدن اینکه طلحه و زبیر بیهوش او را کشته‌اند از آن فرموده است . **مجلد دوم**: پس از شرح خطبه مذکوره تا رساله ابن سلیمان که در حمد

و ثناء الهی است (نحمدہ علی ما کان ونستعینہ من امرنا الی مایکون) . **مجلد سوم** : از ابتداء شرح خطبہ مذکور تا ابتداء خطبہ ایکہ در هنگام دفن حضرت فاطمہ زہراء سلام اللہ علیہا انشاء گردیدہ است . **مجلد چهارم** : از ابتداء شرح خطبہ فوق تا ابتداء شرح وصیت آنحضرت بحضرت امام حسن علیہما السلام . **مجلد پنجم** : از ابتداء شرح وصیت مذکور تا آخر کتاب .

مؤلف بہ تقسیمات فوق در ابتداء کتاب و در آخر آن اشارہ ای نموده و نام خود را ہم جز در آخر کتاب ذکر نکرده و نامی ہم برای این شرح در مقدمہ و خاتمہ نیست ولی در آخر مختصر این شرح شارح گوید : و هذا اختیار مصباح السالکین لنتیج البلاغۃ من کلام امیرالمؤمنین . بنا برین نام این شرح را خود «**مصباح السالکین**» گذارده و طرز این شرح اینست کہ پس از نقل قسمتی از کلمات ، در تحت عنوان اقول ، معانی لغویہ آنہا را با اشارہ ای بقواعد صرفی و نحوی و معانی و بیانی بیان و قواعد و مطالب کلامی و حکمی راجعہ بآنها را ذکر نموده و بہمین نحو تا بآخر نتیج البلاغہ را شرح نموده و چون از کتب متداولہ و معروفہ و در دسترس عموم می باشد و بعلاوہ بسال ۱۲۷۶ در طهران چاپ شدہ محتاج بمعرفی بیش از این نیست .

نظام الدین گیلانی ملقب بحکیم الملک ہمین شرح کبیر ابن میثم را مختصر کردہ و بر آن اضافاتی نموده و نسخہ آن را کہ ظاہراً بخط مؤلف می باشد آقای تربیت (محمد علیخان) دارند و چندی نزد اینجانب بودہ و مؤلف نام آنرا «انوار الفصاحہ و اسرار البراعہ» گذارده و سال تألیف آن در آخر کتاب سنہ (۱۰۳۶) ضبط گردیدہ و آغاز آن اینست : الحمد للہ الذی دلّ علی ذاتہ بذاتہ و جلّ عن ملأئمۃ کفّیّاتہ ، توحدت فی ذاتک فلا یدرکک عارف و تقرّدت فی صفاتک فلا یبلغ مدّحتک واصف الخ .

صاحب امل الامل (ص ۴۰ ج ۲) در ذیل مؤلفات حضرت علامہ حلی کتابی ینام «مختصر شرح نتیج البلاغہ» ذکر کردہ و صاحب کشف الحجب (ص ۹۶) این مختصر را مختصر شرح ابن میثم تعیین نموده و مؤلف فہرست کتابخانہ معارف (ج ۱)



ص ۱۴۲) نسخه ای از آنرا نزد میرزا محمد باقر خونساری نشان داده و چنین بنظر می آید که این شخص در نجف اشرف اند.

آغاز: بسمله سبحانه اللهم و بحمدك توحید فی ذاتك فیحسر عن ادراكك انسان كل عارف الخ.

(۷۷۵)

این نسخه که مشتمل بر تمام کتاب است بخط نسخ خیلی خوب عبدالقادر بن محمد شریف مکی در سال ۱۰۴۰ هجری قمری نوشته شده، دارای پنج سر لوح زیبا است، دو صفحه اول کتاب سنواتی آن تذهیب گردیده تمام صفحات شعول به طلا و لاجورد است

شرح  
نهج البلاغه  
ابن میثم

عناوین مطالب باشعرف نگاشته شده، ورق اول خنجر و صالی در دو یادداشتی داشته بعضی از آنها را محو کرده اند و یکی از آنها ایست: کتبت الماعث علی است کتاب هذا الكتاب المبارك لنفسی و — الله — العقیبر الی الله العزیز بهاء الدین بن محمد العاملی، مهر بادامی (بهائی ۱۰۴۳) و بعضی از کلمات فوق هم از آثار خط نقل گردید و در امل الا مل نام این شخص نیست و مسلماً شیخ بهائی هجری و وفاتش خواهد بود.

جامد ساغری ضربی، کاغذ زرد، واقف سه سالار، قطع رحلی، شماره اوراق (۷۱۲)، صفحه (۲۳) سطر، طول (۳۳ سانتیمتر)، عرض (۲۰ سانتیمتر)، شماره کتبخانه (۳۰۶۹).

(۷۷۶)

این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و مشتمل بر جزء اول و تقریباً سه ربع از جزء دوم کتاب می باشد و حروف ثمرات آن ناقص مانده نام کتاب و سال کتابت معهود نیست ولی مشاهد از خطوط اوائل قرن سیزدهم هجری می باشد و آخرین خط سجده ایست:

شرح  
نهج البلاغه  
ابن میثم

(وقوله فانها لا تعمی الابصار ولكن تعمی القلوب التي فی الصدور - وقوله قد والله نعمت تحریک النفوس الی الاعتناء کبلا بعد التارک له).

جلد میشن طلا، کاغذ فرنگی مهره زده، واقف سه سالار، قطع وریزی، شماره اوراق (۳۳۵)، صفحه (۲۱) سطر، طول (۲۶ سانتیمتر)، عرض (۱۶ سانتیمتر)، شماره کتبخانه (۳۰۶۷).

## [ ۳۱۸ ] شرح نهج البلاغه - امام جمعه طهران (فارسی)

این شرح چنانکه بسال ۱۲۷۰ از طرف مرحوم اعتضاد السلطنه پشت نسخه ذیل نگاشته شده تألیف میر محمد مهدی امام جمعه طهران رحمه الله علیه است (میر محمد مهدی بن سید مرتضی بن میر محمد مهدی بن میر محمد حسین حسینی ۱۱۸۵ - ۱۲۶۳) (۱) که از خاواده‌های معروف و پدران ایشان بیشتر از علماء شهیر بوده و چنانکه در المآثر و الآثار (ص ۱۴۱) مذکور است سیب‌ابن حرم علامه مجلسی میرسند و منصب امامت جمعه در اصفهان و طهران تا کنون در این خانواده برقرار است و مرحوم فتحعلیشاه پس از اتمام مسجد شاه طهران امامت آنرا بمرحوم میر محمد مهدی برگذار و در تتمه روضه الصفا مذکور است که بدست و شش سال و دو ماه باین مقام منصوب و بوظائف آن اشتغال داشت و درج ۱ نامه دانشوران ص ۴۸۹ نگاشته شده که چون میرمذکور اولاد ذکور نداشت بامر فتحعلیشاه آقا میرزا ابوالقاسم برادر زاده خویش را که بسال ۱۲۳۷ باتفاق علمای اصفهان برای تعزیت پادشاه بغوت شاهزاده محمد علی میرزا بطهران آمده بود نائب امام مسجد شاه نمود و دختر خود رانیز بوی داد (مرحوم حاج میرزا زین العابدین متوفی بسال ۱۳۲۱) والد آقای حاج سید محمد امام جمعه فعلی طوران از آن دختر بوجود آمده است. نگارنده از مرحوم میر محمد مهدی مؤلفه دیگری تا کنون ندیده و از آقای امام جمعه طهران که نواده ایشان اند پرسش نموده مؤلفه‌ای سراغ نداشتند و از مطالعه این شرح بدست می آید که میر محترم در تاریخ دستی قوی داشته و بدبختانه چنانکه تحت خصوصیات نسخه خواهیم نگاشت این شرح ناقص و فقط بر سه چهار خطبه

(۱) در جلد دهم روضه الصفا در ذیل ذکر شهر مشهد مقدس و بنای آن نام و نسب و عمر و امامت ایشان چنانکه نگاشته شد ضبط گردیده است و در کتاب «نخبة التواریخ» تألیف مرحوم میرزا اسمعیل خان دبیر که یگانه نسخه خطی آنرا آقای ابوالقاسم سحاب دارند و از لحاظ اینکه در حدود دوهزار ماده تاریخ وفات در آن درج گردیده از کتب نفیس میباشد دو بیت ذیل که مصراع اخیر آن تاریخ وفات این عالم جلیل است درج گردیده:

رهمر خاق جهان حبر امام جمعه      گل باغ نبوی میر محمد مهدی  
گشت واصل چو بحق گفت بتاریخ دبیر      ز جهان رفت علوی میر محمد مهدی = ۱۲۶۳

از اوّل و اواسط نهج البلاغه یش نیست و شارح در موقع نوشتن این شرح بیشتر بشرح ابن میثم و ابن ابی الحدید مراجعه مینموده و در صفحات آن ترجمه عین عبارات آن دو کتاب مذکور دیده میشود و در قسمت های تاریخی از کتب تواریخ مخصوصاً تاریخ طبری بسیار نقل نموده و در بین شرح و بسط اشعار فارسی و عربی و آیات و اخبار تمثّل جسته اند و این قسمت موجود در حدود ( ۸۰۰۰ ) بیت میباشد و با تجسس نسخه دیگری از آنرا در کتابخانه ای سراغ نیافتیم .

آغاز : برضا میر صافیه اخوان الصفاّی خلاّان ایمانی و خواصّی را تذکیر بکتابه سرایان رموز بیان و معانی الخ . ( کاتب بسمله را ننداشته و نسخه بعمارت مذکور فوق ابتدا گردیده است ) .

( ۷۷۷ )

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نگاشته شده ، کاتب  
شرح نهج البلاغه  
امام جمعه  
طهران  
از خود و سال کتابت نام برده ، از قبل مرحوم اعضاء السلطه  
بسال ۱۲۷۰ پشت صفحه اذل شرحی مبنی بر اینکه این شرح  
تألیف مرحوم آقا میر محمد مهدی امام جمعه سابق طهران

میباشد نوشته شده و پس از دیباچه و شرح خطبه کتاب شروع بشرح نخستین خطبه  
نهج البلاغه گردیده و پس از شرح جمله : **وَالسَّيِّئَةُ إِلَى رَسُلِهِ كَلِمَةٌ** از حمل همان  
خطبه است ( درص ۷۵ نسخه ) کاتب از نوشتن بقیه شرح بازمانده و در ص ۷۶  
شروع بشرح کلامیکه در احتجاج بر خوارج اشعار نموده و اوّل آن اینست :

( **قَالَ آيَتُهُمْ أَنْ تَرْغُمُوا إِلَّا أَنْتَى أَخْطَأْتُ** ) کرده ولی قسمتی از شرح اوائل  
این کلام نیز در این نسخه نوشته نشده و چنین تصویر میروند که پس از این از  
مسوّدات بدست نیامده و پس از شرح بقیه این کلام شروع بشرح خطبه ای فرموده  
که در آن از وقایع جنگهای آئینه بصره اشاراتی است و ابتداء آن این است :

( **يَا أَحَنَفُ كَأَنِّي بِهِ** ) و میان آن قسمت اولی و این خطبه در حدود شرح ثلث  
خطب افتاده و شرح هفت بیت از این خطبه اخیر هم نوشته شده و در شرح این جمله :

(إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ) که تقریباً شش بیت بآخر خطبه مانده است خامه کاتب ایستاده و در شرح این خطبه کلیه وقایع تاریخی و مطالب راجعه بصاحب الزنج که حضرت در خطبه خویش از آن نام برده، از این طرف و آن طرف جمع آوری نموده و در حدود (۸۰۰) بیت شده و مدّعی گردیده اند که در هیچ جا جز تاریخ طبری و شرح ابن ابی الحدید آنهم باختصار این قضایا مرتباً نوشته نشده و مقصود من از این اطناب «کشف نقاب از عذار عذرای غطوبه فصل فضل خطیب منبر فصل الخطاب والی ملک ولایت دین بوتراب نه شرح حال زنگ ضلالت مآب است» و آخر نسخه این است: و شارح ابن ابی الحدید با قلمی چون حدید این امر تبذیر (کذا) بر این صفحه چنین تسوید میکند . . . . . و ما به چشم خود دیدیم و بدیده تعجب بر آن امور غرابت آثار و ظهور چنان حکایات عجائب دثار که وعده آنرا از کلام (۱). عبارات نهج البلاغه بخط نسخ نگاشته شده و پس از آخرین صفحه سه ورق و نیم نوشته می باشد و کاغذ نسخه فرنگی مهره زده است.

جلد بیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۹۷) . صفحه (۲۱) سطر . طول (۳۵ سانتیمتر) . عرض (۲۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۰۷۰) .

### [۳۱۹] شرح نهج البلاغه - عز الدین آملی (فارسی)

این شرح از عز الدین آملی رحمه الله علیه است (عز الدین بن جعفر بن شمس الدین آملی) (۲) که از علما و دانشمندان قرن دهم هجری و معاصر و همدرس محقق کرکی ره (متوفی بسال ۹۴۰) بوده اند، نگارنده نام ایشان را جز در تذکره هفت اقلیم ذیل شهر آمل و مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۵۱۴ بنقل از ریاض العلماء نیافتم، در امل الامل و روضات و رجال ممقانی و لؤلؤتی البحرین تفحص کامل شد نام و نشانی از عز الدین نبود در مستدرک این شرح و رساله حسینه را از مؤلفات ایشان نام

(۱) ترجمه از شرح ابن ابی الحدید می باشد و اصل عبارات آن تقریباً در یک خمس بآخر جزء (۸) آنست بدانجا مراجعه گردد .

(۲) در نسخه مدرسه کلامه ابن میان عز الدین و جعفر نگاشته نشده ولی در نسخه کتابخانه حضرت رضا علیه السلام و نسخه متعلقه باقای مشکوة استاد محترم این دانشکده عز الدین بن جعفر ثبت گردیده و در دو مأخذ مذکور فوق هم فقط مؤلف عز الدین آملی معرفی شده است .

برده و در هفت اقلیم فقط رساله حسنیه را یاد آور شده و این کتاب را ریاض العلماء در اصول دین و فروع عبادات معرفی کرده و هر دو مؤلفه را برای آقا حسن که نماینده و وکیل (۱) آقا محمد سلطان و وزیر مازندران بوده تألیف کرده اند.

این شرح را شارح در مقدمه « ترجمه نهج البلاغه » معرفی نموده ولی چون بدان مراجعه و مطالب آن مطالعه شود دانسته خواهد شد که از حدّ ترجمه تجاوز نموده و بشرح و بسط کلمات و عبارات پرداخته است و نهایت بهمین مناسبت صاحب ریاض و مستدرک بتبع ایشان سید هبة الدین نورستانی در « نهج البلاغه » و صاحب فهرست معارف این کتاب را شرح نهج البلاغه معرفی نموده اند.

بر نگارنده پس از مطالعه این شرح مسلم گردید که عزالدین بن علی شرح ابن هشام با کمی اختصار پرداخته و در بسیاری از موارد هم تعدیه اند که در شرح ابن هشام بحرانی چنین آورده شده (۲) و در بیشتر از مطالب دیگر هم که آورده نشده است ترجمه آن شرح است ولی در مقدمه و خاتمه خود اقل و متفاوتی کتاب تا حدّ بکلی مراجعه شد اشاره به اینکه تمام مطالب را از شرح ابن هشام ترجمه کرده اند و شاید تسمیه کتاب بترجمه بهمین لحاظ بوده که آذر چون علامه حسن ابن دققت را کند راه عدری باز باشد که من بدین جهت آنرا ترجمه معرفی کرده ام.

عزالدین قبل از شروع در شرح و ترجمه خطب نهج البلاغه مقدمه‌ای در معنی فصاحت و بلاغت و فروع و اجراء آن و غویات لغات و معانی و تعریف خطابه و شروط آن و شرحی در فضائل حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و معرفی از سید رضی ره جامع نهج البلاغه و شرح خصصه کتاب بخاشه و پس از مطالعه معلوم گردید که این مطالب نیز کلمه بخاشه ترجمه مقتضات شرح ابن هشام و آنرا با اندک تصرف واضحی در بعضی از مطالب آن میبایست و آخر این بحث آخر خواهد بود.

(۱) این معنی را عزالدین در ص ۶۹۴ و ۲ (از نسخه مدرسه) ذکر کرده است.

(۲) در صفحات ۴۸، ۶۳، ۶۶، ۱۷۰، ۲۰۲، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۶، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹، ۱۴۹۰، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۴، ۱۴۹۵، ۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴، ۱۵۰۵، ۱۵۰۶، ۱۵۰۷، ۱۵۰۸، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴، ۱۵۱۵، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۱۸، ۱۵۱۹، ۱۵۲۰، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶، ۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۵۲۹، ۱۵۳۰، ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۳، ۱۵۳۴، ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۳۹، ۱۵۴۰، ۱۵۴۱، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳، ۱۵۴۴، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۷، ۱۵۴۸، ۱۵۴۹، ۱۵۵۰، ۱۵۵۱، ۱۵۵۲، ۱۵۵۳، ۱۵۵۴، ۱۵۵۵، ۱۵۵۶، ۱۵۵۷، ۱۵۵۸، ۱۵۵۹، ۱۵۶۰، ۱۵۶۱، ۱۵۶۲، ۱۵۶۳، ۱۵۶۴، ۱۵۶۵، ۱۵۶۶، ۱۵۶۷، ۱۵۶۸، ۱۵۶۹، ۱۵۷۰، ۱۵۷۱، ۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۵، ۱۵۷۶، ۱۵۷۷، ۱۵۷۸، ۱

شرح ابن میثم است بنابر آنچه گفته شد این شرح چون اصل مترجم از آن شرحی خوب و مفید است و چنانکه از آخر نسخ مجلد اول آن بدست میآید شارح در سال (۹۴۴) (۱) از تألیف این مجلد فراغت یافته و تا کنون با تفحص زیاد از مجلدات دیگر خبری نیافته ام و شاید بیش از این هم از قلم مترجم صادر نشده باشد و این مجلد مشتمل بر شرح از ابتداء نهج البلاغه تا ابتداء خطبه حمد و ثناء میباشد که ابتداء آن این است: نَحْمَدُهُ عَلَيَّ مَا كَانَ وَنَسْتَعِينُهُ مِنْ أَمِيرِنَا عَلِيِّ مَا يَكُونُ الْخ. و مشتمل بر شرح کمتر از نصف خطب نهج البلاغه و در حدود (۱۶۰۰۰) بیت است.

آغاز: بِسْمِله راجیاً مِنْكَ الْإِعَانَةَ يَا كَرِيمٌ عَزَّ مِنْ عِلْمِ الْإِنْسَانِ نَهْجُ الْبَلَاغَةِ وَأَنْعَمُ.....  
اما بعد این کتابیست مشتمل بر لطائف فوائد محتوی بر ظرائف فرائد در ترجمه کتاب نهج البلاغه که در دریای الخ.

انجام: یعنی بد رستیکه حق سبحانه و تعالی از فضل خود اجر صابرانرا مستوفی خواهد داد بسی حساب تمّ بالخیر، تَمَّتِ الْكِتَابُ بِعَوْنِ الْمَلِكِ الْوَهَّابِ..... هذا آخر المجلد الاول من ترجمة كتاب نهج البلاغه ..... وقد اتفق الفراغ من كتيبه ظهيرة يوم الاثنين تاسع العشر الثالث من الشهر الحاد عشر في شهور السنة الرابعة الكائسة في العشر الخامس الواقع في المائة العاشره الداخلة في السنوات الهجرية صلوات الله على مشرفها على يد مترجمه العبد الفقير الحقير الرّاجي عبد الموالى عزّ الدين بن جعفر بن شمس الدين الاملى بدّل الله سيئاتهم حسنات و غفر لهم و لساير المؤمنين و المؤمنات اّنه بحبيب الدعوات و واهب العطيات .

(۷۷۸)

شرح نهج البلاغه این نسخه بخط نستعلیق و عبارات متن آن بخط نسخ و عناوین ناشنخرف نوشته شده، در حاشیه ص ۹۹۳ نوشته شده که در عزالدین آملی سال ۱۰۴۶ مقابله و تصحیح گردید، ولی بدبختانه با مراجعه

(۱) تاریخ تألیف و ترجمه را در مقابل انجام از خط مترجم و شارح نقل نموده ایم و در فهرست رضویه ص ۲۵ ح ۱ سال ۹۷۲ نوشته شده و ظاهراً بلکه مسلماً غلط و تاریخ مذکور سال کتابت نسخه آن کتابخانه است.

بآن دانسته شد که دقت کامل در تصحیح نشده .

صورت خطّ شارح بر آخر مجلد اوّل که قسمتی از آنرا در مقابل انجام نیز نقل نمودیم بقسمی نوشته شده که ممکن است در نظر اول تصویق شود که نسخه بخطّ خود شارح و با فقط این قسمت اخیر را ایشان نوشته اند ولی مسلماً خطّ شارح نیست و اغلاط نسخه نیز این نظریه را تأیید مینماید و پس از کلام **واهب العطايات** مذکور در فوق نوشته شده : **والسلام علی کاتبه بمحمد بن عثمان الطاهر بن آمین یارب العالمین** . و این قسمت در نسخه دیگر نیست ، ورق اوّل نسخه و ضالی و پشت آن یاد داشتهانی در معرفی از این کتاب و مطالب متفرقه نوشته شده و یکی از آنها را محور کرده اند .

جلد چرمی ، کاغذ سمرقندی ، و اقف سه سالار ، تصحیح رحیمی ، شماره ورق ( ۳۴۷ ) ، صفحه ( ۱۷ ) سطر ، طول ( ۳۰ سانتیمتر ) ، عرض ( ۱۹ سانتیمتر ) ، شماره کتابخانه ( ۳۰۹۳ ) .

[ ۳۲۰ ] شرح نهج البلاغه - علاء الدین گلستانه ( عربی )

### ( حدائق الحقایق )

این شرح از علاء الدین گلستانه رحمه الله علیه است ( علاء الدین محمد بن ابی شاه ابوتراب محمد علی الحسنی متوفی بساکن ۱۱۰۰ ) ( ۱ ) که از علماء و دانشمندان قرن یازدهم هجری بوده و صاحب تنقیح المقال ( ص ۲۵۸ ح ۲ ) معذالک ذیل ترجمه آن نگاشته میشود در تعریف شارح از جامع الرواه که مؤلف آن مباحث ایشان بوده نقل نموده : این عالم جلیل از سادات کسان و جدیل القدر و عطیه الشان و بزرگوار و ثقه و عادل و زاهد و پارساترین اهل زمان و دور و خورش است و جامع جمیع خصال پسندیده و علوم معقوله و مقوله اند و ارباب مدح و عداوت را بوی تکلیف کردند ، در اثر کمال خرد و نهایت زهد و بندگی ، خداوند سایه ایشانرا مستدام

( ۱ ) در هدیه الاحباب ص ۲۰۱ و در فهرست کتب معارف ص ۱ ص ۱۴۵ و در حاشیه ص ۱۹۸ و قایم الايام نقل از تاریخ ص ۱۰۱ و در شرح ص ۱۱۰۰ ضبط شد ولی در حاشیه ص ۳۸۳ ح ۳ و قایم الايام نوشته شده که وفات ایشان در حدود ۱۱۱۰ بوده است .

بدارد و از خطرها نگاهدارد، ایشان را تصنیفاتی است از آنها **حدائق الحقائق** (۱) (همین کتاب) و **بهجة الحقائق** که هر دو در شرح نهج البلاغه است و **روضة الشهداء** و **منهج الیقین** (۲) و غیر از اینها. انتهی. ایشان را نیز شرحی بر اسماء الله الحسنى است و نسخه آنرا آقای تنکابنی دارد.

برای معرفی از این شرح بجا است که بترجمه قسمتی از مقدمه آن بپردازم، شارح در مقدمه فرماید:

پیش از این بر نهج البلاغه شرحی مختصر که یاره‌ای از مشکلات آنرا حل مینمودنکاشته (بنابر این معلوم گردید که تألیف بهجة الحقائق شارح پیش از سال ۱۰۷۴ که تاریخ انعام لمحمد اول این شرح است، بوده و آن شرح مختصر بر تمام نهج البلاغه است) ولی چون دیدم که حقائق و انوار آن کتاب سستاب از بس پرده خفا ظاهر و آشکار نگردید و آن شرح ریزه کاری و مطالب دقیقه آن معدن فصاحت و بلاغت را هر یک آموذ، بر آن شدم که دگر باره بشرح آن پردازم ولی این لیاقت و قابلیت را در خود ندیدم و خویش را شایسته این بلند یروازی نمیدانستم، تا آنکه توفیقات و تأییدات ربانی شامل حال گردید و توسل بذیل عتره طاهره علیهم السلام را بهترین وسیله برای موفقیت دانسته بدامان آنها حنک زده و شروع بشرح با تفصیل کامل نموده و در مطالب مهمه مذاهب و اقوال را نقل و بیان و چون مقام اقتضا نموده از تفصیل و طول دادن باك نداشته و چون لازم شده برای ایضاح و اثبات مطالبی و محو باطلی چون ناچار باطناب در کلام گردیده از آن هم دریغ نشده و درمباحث امامت خصوصاً جستجوی کامل نموده و شبههای مخالفین را يك يك نقل و راه حق و راست را برای جویندگان واضح و آشکار نموده و بالمخالفین باخاریکه در نزد خود آنها صحیح و معتبر است احتجاج کرده و از نرس اینکه نهت افتراء بدامن نویسنده بندند به مأخذ هر يك در جای خود تصریح نمودم و چندان بذكر قصص و حکایات نپرداختم جز آنجائیکه مطلب مهمی مبتنی بر آن بوده و نیز از انشاد اشعار مناسب مقام خودداری کردم (گلدی ابیاتی در این شرح دیده میشود ولی خواسته اند بگویند که چون شرح ابن ابی الحدید نیست) و در درجا که مطلبی بنظر شارحین بیس ازمن رسیده و مرا استنباط دیگر بود آنها را با نظر خوش نقل نموده و امیدوارم که توفیق رفیق و در فهم کلمات مبارکات بر دیگران برتری داشته باشم و نام این شرح را «حدائق الحقائق فی شرح کلمات کلام الله الناطق»

(۱) بتصریح صاحب روضات در ص ۶۵ ح ۴ نام شرح نهج البلاغه قطب الدین کیدری «حدائق الحقائق فی قسر دقائق احسن الغلائی» می‌اسد و کتابی در فقه بنام «الاصباح» نیز تألیف کرده‌اند انتهی. و در مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۵۱۳ نام شرح نهج کیدری را الاصباح ضبط کرده‌اند و قول صاحب روضات ترجیح بر قول ایشان دارد چرا که نقلهای دیگری هم از آن شرح نموده و میرساند که از روی تحقیق و مراجعه بخود کتاب نام آنرا یاد داشت کرده‌اند.

(۲) این کتاب بفارسی و در بحث امامت است و نسخه‌ای از آنرا آقای مشکوه اسناد این مدرسه دارند.



گذارم و از نگاه کنندگان و خوانندگان امیدوارم که از نهج و ضریقه انصاف و عدالت تجاوز  
نمایند و از دیده کینه و رزی و دشمنی بر آن نکرند. **انتهی ترجمه ملخص کلام رحمة الله.**  
چون باین شرح مراجعه گردید آنچه را مؤلف و شارح در مقدمه بیان نموده  
بودند در آن یافتیم و بد لحاظ اثبات امامت چنانکه در مقدمه ثان اشاره نمودند خطبه  
نقشقه را بانهایت تفصیل تقریباً در (۱۶۸۰۰) بیت شرح و چنانکه در آخر مجلد  
دوم تصریح شده بسال ۱۰۸۰ تألیف آن خاتمه یافته و بعد از دوم را فقط بشرح این  
خطبه اختصاص داده اند و بعد از اول را که در حدود (۳۱۰۰) بیت میباشد مشتمل  
بر شرح از ابتداء کتاب تا ابتداء خطبه نقشقه قرار داده اند و صاحب روضات  
در ج ۴ ص ۶۵ نگاشته اند این شرح بهج البلاغه اساس آن بر اخبار گذارده شده  
چنانکه شرح ابن ابی الحدید بیشتر جنبه کلامی و شرح ابن مینم جنبه حکمی آن  
غالب است. ولی گذشته از اینکه جنبه اخباری دارد شارح جنبه ادبی آن هم  
توجه داشته و در بیان معانی لغات و مقصود از قول و عبارات بهج البلاغه بقل  
اقوال ائمه ادب مبادرت نموده و گذشته ازین آئینه کلمات و خطبات را که مستدری  
مختصر آنها را نقل نموده از کتب معتبره نقل و پس از شرح آن بعد در بهج البلاغه  
است نیز بشرح و بیان آنها پرداخته اند.

بدبختانه این شرح با تمام نرسیده زبده لایبی شارح آن به شرح رسد و از بعد از دوم  
پیش از (۱۲۰۰) بیت نوشته شده و چنانکه حضرت آقا محمد تقی بهبهانی در رسال  
۱۱۹۵ پشت نسخه ای که ایک متعلق حضرت آقا محمد تقی بهبهانی است  
دام ظلّه العالی می باشد نوشته اند فقط بشرح بهج البلاغه تا آخر حقه: (که هم چند المرنه  
و اتباع البهیمه) که در ممت اهل بصره می باشد توفیق بر شرح یافته اند و تمام این شرح  
بشماره نگارنده در حدود (۲۱۱۰۰) بیت است. و گویند این شرح در بیست مجلد است  
ولی در مقدمه نیست.

**آغاز:** بسم الله الذي رفع لنا اعلام المجد بولاء حامل لواء الحمد الخ.

**انجام:** فقال ابان بن تغلب لعبد الله بن شريك هذه ميرتان مختلفتان فقال اهل الجبل

قتل طلحة والزبير وان معاوية كان قائما بعينه وكان قائدهم.

(۷۷۹)

این نسخه قسمتی از جلد دوم این کتابست (مبحث اول و دوم) و بانسخه ذیل تمام جلد دوم را شامل و یک سطر از آخر مبحث دوم در ابتداء نسخه دیگر نوشته شده و کاتب هر دو نسخه یکی و در اینجا تاریخ را نگاشته است.

شرح  
نهج البلاغه  
حدائق الحقایق

جلد نیمه‌اجی . کاغذ اصفهانی . واقف سببسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۷۵) . صفحه (۲۳) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۳۴۲) .

(۷۸۰)

این نسخه بقیه جلد دوم است و در سال ۱۰۸۱ بخط نسخ تحریر یافته کاتب از خود نام نبرده و بانسخه پیش یکی بوده برای آنکه ضمیمه نشود بدینگونه تقسیم شده و معاون مطالب را با شنجرف نوشته است.

شرح  
نهج البلاغه  
حدائق الحقایق

جلد نیمه‌اجی . کاغذ اصفهانی . واقف سببسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۲۰۷) . صفحه (۲۳) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۳۴۳) .

[۳۲۱] شرح نهج البلاغه - محمد صالح روغنی (فارسی)

این شرح را فارسی محمد صالح روغنی ره که از علماء و دانشمندان قرن یازدهم هجری بوده اند و در مجلد اول این فهرست ص ۲۲۳ و ۲۲۵ و مجلد دوم ص ۳۳ سه مؤلفه با شرح مختصری از حالات و مؤلفات ایشان را ذکر کرده ایم ، بر کتاب نهج البلاغه نگاشته اند و راسنی بهترین شرح فارسی بر این کتاب است ، بعضی آنرا بنام « ترجمه نهج البلاغه » نامیده اند ، خود شارح و مترجم هم در ابتداء آنرا بنام ترجمه معرفی میکند : ( چون دبد که همت ..... و اندیشه خاطر بعضی از ارباب مآثر ترجمه کتاب نهج البلاغه .... معطوف است ، همت گماشت بتوفیق ملک و هاب بترجمه آن کتاب مستطاب به بیانی خالی از تکلف و تصلف الخ . ) ولی گذشته از اینکه مطالعه این کتاب بخوبی واضح و ثابت مینماید که شرح است نه ترجمه چرا که در تشریح جمل و عبارات تحقیقات بسیار خوب و لطیف کرده و آیات و اخبار و اشعار بزرگان عرب و عجم را به استشهد آورده و حکایات مناسبی

گذاوردم و از نگاه کنندگان و خوانندگان امیدوارم که از هیچ و ضریقه انصاف و عدالت تجاوز ننمایند و از دیده کینه و رزی و دشمنی بر آن نگردند. **انتهی ترجمه ملخص کلامه رحمه الله.** چون باین شرح مراجعه گردید آنچه را مؤلف و شارح در مقدمه بیان نموده بودند در آن یافتیم و بلحاظ اثبات امامت چنانکه در مقدمه بآن اشاره نمودند خطبه شقشقیه را بانهایت تفصیل تقریبا در (۱۶۸۰۰) بیت شرح و چنانکه در آخر مجلد دوم تصریح شده بسال ۱۰۸۰ تألیف آن خاتمه یافته و محدوده را فقط بشرح این خطبه اختصاص داده اند و مجلد اول را که در حدود (۲۱۰۰) بیت میباشد مشتمل بر شرح از ابتداء کتاب تا ابتداء خطبه شقشقیه قرار داده اند و صاحب روشنائی در ج ۴ ص ۶۵ نگاشته اند این شرح نهج البلاغه اساس آن بر اخبار گذارده شده چنانکه شرح ابن ابی الحدید بیشتر جنبه کلامی و شرح ابن میثم جنبه حکمی آن غالب است. ولی گذشته از اینکه جنبه اخباری دارد شارح جنبه ادبی آن هم توجه داشته و در بیان معانی لغات و مقصود از حمل و تعاریفات نهج البلاغه بقول اقوال ائمه ادب مبادرت نموده و گذشته ازین تذکره کلمات و خطبات را که مستدروی مختصر آنها را نقل نموده از کتب معتبره نقل و شرح کرده است. نتیجه در نهج البلاغه است نیز بشرح و بیان آنها پرداخته اند.

بدبختانه این شرح باتمام نرسیده زندگانی شارح آن باخبر برسد و از مجلد سوم پیش از (۱۲۰۰) بیت نوشته نشده و چنانکه حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده است: «بیت ۱۱۹۵ پشت نسخه ای که اینک متعلق بحضرت اسفند آقا میرزا محمد طاهر تنکابی دام ظلّه العالی میباشد نوشته اند فقط بشرح نهج البلاغه تا آخر خطبه: (کنتم جند المرء و اتباع البهیمة) که در مذمت اهل بصره میباشد توفیق بر شرح یافته است و تمام این شرح بشماره نگارنده در حدود (۲۱۱۰۰) بیت است. و گویند این شرح در دست مجلد است ولی در مقدمه نیست.

**آغاز:** بسم الله الذی رفع لنا اعلام المجد یومئذ. حامل لواء الحمد الخ.

**الجمام:** فقال ابان بن تغلب بعد الله بن شریک هد سیرتان غتلان فقال اهل الجمل

قتل طلحة والزیر وان معاویه کان قائما بعیه وکان قائدا هم.

(۷۷۹)

این نسخه قسمتی از جلد دوم این کتابست (مبحث اول و دوم) و بانسخه ذیل تمام جلد دوم را شامل و يك سطر از آخر مبحث دوم در ابتداء نسخه دیگر نوشته شده و کاتب هر دو نسخه یکی و در اینجا تاریخ را نگاشته است.

شرح  
نهج البلاغه  
حدائق الحقایق

جلد تیماجی . کاغذ اصفهانی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۷۵) . صفحه (۲۳) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۳۴۲) .

(۷۸۰)

این نسخه بقیه جلد دوم است و در سال ۱۰۸۱ بخط نسخ تحریر یافته کاتب از خود نام نبرده و بانسخه پیش یکی بوده برای آنکه ضخیم نشود بدینگونه تقسیم شده و عناوین مطالب را باشنجرف نوشته است .

شرح  
نهج البلاغه  
حدائق الحقایق

جلد تیماجی . کاغذ اصفهانی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۲۰۷) . صفحه (۲۳) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۳۴۳) .

[۳۲۱] شرح نهج البلاغه - محمد صالح روغنی (فارسی)

این شرح را فارسی محمد صالح روغنی ره که از علماء و دانشمندان قرن یازدهم هجری بوده اند و در مجلد اول این فهرست ص ۲۲۳ و ۲۲۵ و مجلد دوم ص ۳۳ سه مؤلفه با شرح مختصری از حالات و مؤلفات ایشان را ذکر کرده ایم ، بر کتاب نهج البلاغه نگاشته اند و راستی بهترین شرح فارسی بر این کتاب است ، بعضی آنرا بنام « ترجمه نهج البلاغه » نامیده اند ، خود شارح و مترجم هم در ابتداء آنرا بنام ترجمه معرفی میکند : ( چون دید که همت ..... و اندیشه خاطر بعضی از ارباب متأثرتر ترجمه کتاب نهج البلاغه .... معطوف است ، همت گماشت بتوفیق ملک و هاب بترجمه آن کتاب مستطاب به بیانی خالی از تکلف و تصلف الخ ) ولی گذشته از اینکه مطالعه این کتاب بخوبی واضح و ثابت مینماید که شرح است نه ترجمه چرا که در تشریح جمل و عبارات تحقیقات بسیار خوب و لطیف کرده و آیات و اخبار و اشعار بزرگان عرب و عجم را به استشهاد آورده و حکایات مناسبی

هم در بعضی موارد نقل کرده ، شارح خود در آخر باب خطب فرماید : ( تمت الخطب  
و شرحه حامداً لله تعالى و مصلياً على عبده و رسوله محمد المصطفى و آله ائمة الهدى  
و انا الفقير الى الله الغنى محمد صالح ابن محمد باقر الفزوبنى و پيش از من سه كس (۱)  
از علماء طاب الله لهم المئوى بفارسي شرح كردند و هر يك طرزى و اسلوبى آوردند  
و اميدوارم كه اين اسلوب و بيان از آنها نافعتر و در نظر دوستان صحيح تر و مقبول تر  
افتد و المرجو هو الله تعالى و عليه المعول فى كل حال ، عجب مدار اگر خداى عز و جبار  
كاربى بضاعتان راست آورد و دشوار به بيدست و پايان آسان سازد ) (۲) .  
و از اين كتاب بدست مي آيد كه سالك يكى از مسالك طريقت بوده و نسبت به دماه

ظاهر چندان خوش بين نبوده است

در مطالعه نسخه بسه مؤلفه از مؤلفات اين شارح كه در كتب سير نامى از  
آنها ديده نشده بر خورده ام يكى در ص ۱۲۱ در ابتدا ، شرح و حديث حضرت  
على بحضرت حسن عليهم السلام گويد :

و از اين پيش اين وصيت جامعه را شرحى كرده بودم مسووض مشتمل بر ۱۰ حديث و ۱۰  
تا رساله اى باشد بر آسه در باب خود جامع و عديم المثل مسمى به : مشهور بالادب ايسر و دستور العمل  
كار آگاهى « آنرا بانك تخفيف اينجا داخل كرده

و نيز در ص ۴۳ در ذيل نصائحيكه حضرت على عليه السلام ( اين استاف  
عليك من الفقر ) بفرزند خویش محمد حنفيّه رضی الله عنه فرموده است :  
و من در اين باب و محاكه ميان فقر و غنى كه کدام يك افضل است برسانى فرموده است .  
( با تفحص تا كنون بوجود اين دو نسخه آگاد نشدم )

و در ص ۲۱۶ تا ۲۹۳ ( از نسخه ذيل ) عين ترجمه و شرح عهد ناده آن حضرت ( ع ) به مالك  
اشتر كه در ص ۳۳ و ۳۴ همين مجلد بن كړ و توضيح آن بر داختم بدون هفتاد و پنج حديث  
آخر آن و با اختصار در بعضى از عبارات و اضافات در پاره اى ديگر آورده شده است .

( ۱ ) طاهرا مراد شارح ارسه نفر ۱ - ملا فتح الله كاشاني و ۲ - على بن حسن روارى و ۳ - خير الدين  
آملی مي باشد كه از علماء اماميه و پيش از اين شارح بوده اند و شرح فارسى موسوم به : شرح المؤلفه  
كه در ذيل نهج البلاغه در اين فصل از آن نام خواهم برد ، مسامحه است و روحى است كه پيش از اين شرح  
تأليف گرديده است .

( ۲ ) نسخه مدرسه اين قسمت را ندارد و از روى نسخه حضرت آقاى تقوى عدليه نقل كردند .

نسخی که نگارنده از این کتاب سراغ دارد از اینقرار است:

۱ - نسخه متعلقه بجناب آقای حاج سید نصرالله تقوی اخوی رئیس محترم این دانشکده که فقط مشتمل بر شرح خطب میباشد (۱) و سال تحریر ندارد ولی از قرائن بدست میآید که در همان قرن یازدهم نوشته شده و وجود این نسخه کمک خوبی به نگارنده نمود و مؤلف این شرح را که بقرائن شناخته بود گمانش به یقین پیوست.

۲ - نسخه متعلقه بجناب آقای حاج محشم السلطنه (حسن اسفندیاری) رئیس کنونی (دوره دهم) مجلس شورای ملی ایران که آن نیز مشتمل بر دو ثلث از شرح خطب میباشد و بسال ۱۲۷۰ نوشته شده است.

۳ - نسخه ایست که دانشمند محترم آقای جواهر کلام (عبدالعزیز) در ج ۱ فهرست کتابخانه معارف نوشته اند نجف اشرف در کتابخانه خونساری موجود است بوسیله دوست محترم و دانشمند معظم آقای ثقة الاسلامی تبریزی (میرزا عبدالله) خصوصیات آن نسخه را خواستم در پاسخ نگاشتند که درب آن کتابخانه بسته شده و بکتاب آن اینک دسترسی نیست.

۴ - نسخه این کتابخانه است که خصوصیات آن ذیلاً درج میشود و بانسخه آقای تقوی یک شرح کامل بدست میآید.

۵ - نسخه دیگری است که اخیراً باین کتابخانه وارد شده و در آن نام و نشانی از مؤلف نیست و پس از تحقیق معین شد که قسمت اخیر (شرح کلمات قصار یا باب سوم) از این شرح است و چون هنوز بتنظیم و ترتیب کتبی که این نسخه جزء آنها است پرداخته نشده خصوصیات آن نوشته نمیشود.

چنانکه در ابتدا نگاشته شده بعقیده نگارنده این شرح از بهترین شروع فارسی نهج البلاغه است و در آن گاهی نقل قول از شارح کاشی و شارح بحرانی و شرح ابن ابی الحدید و تحقیق در آنها شده و در حدود (۳۴۰۰۰) بیت کتابت دارد.

(۱) این نسخه و نسخه مدرسه آخرین مطلب باب خطب را خطبه ای که در ذکر آل محمد صلی الله علیه و آله و آغاز آن اینست: (هم عیش العلم و موت الجهل) دانسته و بشرح آن پرداخته و پس از آن شرح مذکور فوق (ص ۶۴) را نوشته اند ولی در نسخ چاپی و بعضی از نسخ خطی پس از این خطبه مطالب دیگری نیز موجود است.

و طرز این شرح اینست که پس از نقل جملی از نهج البلاغه بترجمه و شرح آن مبادرت شده و از اشعار مولوی رومی و سعدی و حافظ و قصص و حکایات در آن زیاده دیده میشود. **آغاز:** بسمله و به ثقتی الحمد لله علی ما اولینا من نعمائه و انعم علینا من الائه..... و بعد این فقیر بی بضاعت و حقیر بی استطاعت محتاج بر رحمت رب غنی محمد صالح ابن حاجی باقر قزوینی عفی الله عن سبائهما الخ.

**انجام:** بالجمله صحبت محشمان با مراعات حشمت ایشان موجب وحشت و ضجرت باشد نه الثیام و مودت حکیمی گفته: نصف غمهای دنیا در دل افکنند بمعاشرت دوستان که از ایشان حشمتی ندارم.

(۷۸۱)

**شرح نهج البلاغه** این نسخه را بخط نستعلیق خوب محمد رحیم بسال ۱۰۸۸ نگاشته، پشت صفحه اول عبارات ذیل نوشته شده: باب سوم محمد صالح روغنی شرح نهج البلاغه داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردید و از ورثه میرزا داود خان خریداری شده. بفارسی ترجمه شده و مترجم معلوم نشد. و نیز در همین صفحه است: بخشیدم بفرزندم وزیر لشکر میرزا داود خان شهر رجب ۱۲۷۹. و فقط بنام شرح نهج البلاغه بر این کتابخانه وقف شده و متضمن بر شرح خطبه همام تا آخر نهج البلاغه است (قسمتی از باب اول و تمام باب دوم و سوم) و عبارات اصل بخط نسخ و برخی از آنها با شنجرف نگاشته شده و دارای دو سرخ لوح بسیار زیبا در ابتداء نسخه و در اول باب سوم (ص ۲۲۱ نسخه) میباشد و صفحات آن بجدول بطلال و لاجورد است.

جلد سوخته. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۲۴۲). صفحه (۲۵) سطر. طول (۳۱ سانتیمتر). عرض (۱۹ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۰۹۳).

[۳۲۲] شیخ و وزیر (فارسی)

این رساله یکی از نوشتههای ملکم خان ارمنی اصفهانی ملقب به ناعظم الدوله است و چنانکه از مقدمه ربیعزاده مورخ سال ۱۳۲۵ و نگاشته شده بر رسائل این مؤلف که ذیلاً از آن نام میریم معلوم میشود مؤلف تا آن تاریخ در قید حیات بوده و بگفته آقای دبستانی کرمانی سال ۱۳۲۶ در کشور ایتالیا با مقام سفارت ایران

وفات نموده و این مرد یکی از رجال منورالفکر دوره سلطنت ناصرالدین شاه قاجار بوده و در راه آزادی و تمدن و اصلاحات، مقالات و رسائلی نگاشته و بهمین جرم از سفارت او را معزول کردند ولی در دوره مشروطیت مجدداً رونقی یافت و بانجام امور دولتی اشتغال داشت و مختصری از شرح حال او در ایام حیاتش نوشته شده و آن اینست: (المآثر والاثر ص ۱۹۷) **میرزا ملکم خان ناظم الدوله** در فن دیپلوماسی و شعب سیاسی مسلم است و در غالب فضائل مشرق زمینی و اروپایی مقام استادی دارد و برخی اعمال عجیب و علوم غریبه را بسر حد کمال رسانیده ترجمه او در این مختصرات کجا می‌گنجد **انتهی**. از نوشته‌های ملکم خان بر می‌آید که نسبت بعقائد و قوانین اسلام خوش بین بوده و در مقدمه گلستان که با حروف اختراعی خود در سال ۱۳۰۳ طبع نموده صریحاً این عقیده را اظهار کرده و معتقد بوده که قوانین دیانت اسلام بهترین قوانین است ولی یکی از علل انحطاط شرقها و عقب ماندن آنها از ملل غربی خصوصاً ایرانیان و مسلمین خط آنها است که خواندن و فهمیدن آن بسیار مشکل می‌باشد، چرا که اعراب جزء کلمات گذارده نمیشود و بدین جهت هر جمله و عبارتی بچندین قسم خوانده میشود و بایستی این خط را تغییر داد و یا اصلاح نمود و برای این مقصود چندین قسم الفباء خود اختراع نموده و آنها را باولیاء امور پیشنهاد کرده و گلستان سعدی و کلمات فقار حضرت علی علیه السلام (مائة کلمه الجاحظ) و ضروب امثال ترکی را در سالهای ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ در لندن با یکی از آن حروف طبع نموده و الفباء مطبوع او بنام «رسم الخط جدید ملکم» بشماره (۲۷۷۵) در این کتابخانه موجود است و همین رساله (شیخ و وزیر را) در بیان معائب و ادله بدی خط فعلی بزبان شیخ و وزیر انشاء کرده اما نامی از مؤلف در آن نیست و در تحت عنوان سه مجلس مذاکرات شیخ و وزیر خاتمه یافته و چنانکه از نسخه ذیل معلوم میشود تألیف آن پیش از سال ۱۲۸۷ بوده و چنانکه در ذیل «رسم الخط» آخوندزاده در ص ۵ نگاشته شده در این سالهای اخیر قرن سیزدهم هجری خیال اصلاح خط فعلی در دماغ بسیاری از افراد افتاده و در صفحه (۵) دانشمندان آذربایجان نام جمعی از آنها ضبط گردیده است.



از نوشته‌های ملک‌خان رساله‌های ذیل در تحت عنوان «کلیات ملک» سال ۱۳۲۵ در طهران چاپخانه مجلس چاپ نموده و ناشر آن (هاشم ربیع زاده) در آخر آن وعده داده که در مجلد دوم نگاشته‌های دیگر مؤلف را چاپ کند ولی جز این قسمت که نام میبریم و شامل رساله‌های ذیل است چاپ نشده :

حرف غریب ، رساله غیبیه ، رفیق و وزیر ، شیخ و وزیر (همین رساله است) ، پولتیکهای دولتی ، تنظیم لشکر و مجلس اداره ، سیاحی گوید ، توفیق امانت ، اصول آدمیت و اصول مذهب دیوانیان .

مقالاتی متوالی بنام قانون نیز خود ملک چاپ نموده و در مشروطیت آنها را باز طبع و منتشر کرده اند .

**آغاز:** وزیر - هرگاه دول خارجه بر دولت اسلام حمله بیاورند دفاع بر ما لازم خواهد بود یا خیر .

(۷۸۲)

**شیخ و وزیر** این نسخه بخط نستعلیق نگاشته شده و شرح ذیل را پشت صفحه اول آن نوشته‌اند: رساله ایست که در باب پیدا کردن معایب خط عثمانی و ایران در اسلامبول نوشته شده و این بنده تقی عبقری منشی ثملی نسخه آن را اینک برای تفنّن خاطر جناب آقائی منشی حضور همایون استکتاب کرده و پیشنهاد حضور ایشان کرده ام انشاء الله بمرور این نسخه خاطر خودشان را هر وقت مجال داشته باشند مشغول خواهند کرد ، در این نسخه شیخ و وزیر اشاره است بمعلم و معلم شیخ معلم است و وزیر معلم سه ۱۲۸۷ .

جلد تیماج . کاغذ فرنکی . قطع وزیری کوچک . واقف سیه سالار . شماره اوراق (۱۲) . صفحه (۲۷) . سطر . طول (۲۰  $\frac{۱}{۳}$  سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۲۷۹۱) .

[۳۲۳] صد کلمه یا ترجمه مائة کلمه (فارسی)

این ترجمه که بصد کلمه مشهور گشته ترجمه منظوم مائة کلمه الجاحظ است که در حرف میم از همین فصل آنرا ذکر خواهیم کرد و ناظم آن چنانکه در ذیل فقره افقر الفقر الحق بدان تصریح شده عادل نامی است :

(بدترین درویشی حق است ای جان جهان به بشنواز عادل کلام شاه مردان را بیان)

این شاعر هر يك از كلمات قصار را بیک بیت فارسی ترجمه نموده (۱) و در کتب تذکره شعر او سیر بنام عادل این چند نفر ضبط گردیده اند: ۱- شاه طهماسب صفوی (۲) (۹۱۹-۹۸۴). ۲- شاه عادل (۳) پادشاه لار فارس که بسال ۹۸۳ کشته شده. ۳- عادل نام یکی از شعراء خراسان است که در قاموس الاعلام ترکی (۴) نام آن برده شده. ۴- عادل بن علی که شرحی بر قصیده ابو الفتح بستی دارد (۵) (۵۰). ۵- عادل بن مراد اردستانی که از شاگردان مرحوم میر داماد بوده و آقای شهابی (محمود) استاد محترم این دانشکده در کتاب «مسرح الفؤاد» (۶) که در شرح حال مرحوم میر داماد ره نگاشته اند از او نام برده اند و جز این پنج نفر متخلص به عادل را تا کنون نیافته ام و همین عادل کتاب نثر الالالی را که نیز مشتمل بر قسمتی از کلمات قصار حضرت علی علیه السلام است و در همین فصل آنرا ذکر خواهیم نمود به نظم در آورده و نسخه آن بسال ۱۳۰۶ در طهران چاپ و منتشر شده و آغاز آن این است: هر که در هر کار بسم الله الرحمن الرحیم ✽ گوید ایمن گردد از وسواس شیطان رحیم گفتهای شاه مردان و امیر مؤمنان ✽ یاد گیر و مبد خویشت و معاد خود بدان

(۱) در فهرست رضویه این صدکلمه را با احتمال نسبت به عبداللّاقی صوفی تبریزی داده اند در صورتیکه ایشان باقی تخلص میکرده اند (دانشمندان آذربایجان ص ۱۴۴) و گذشته از این مذاقش عرفانی و حکمی بوده و این عادل ظاهری و مخالف با حکمت و فلسفه میباشد چنانکه در ذیل کلمه: **الحکمة ضالة المومن** . گوید:

حکمت و ایمان محرم شد بهم روز الست  
زان نهجویند حکمت مؤمنان حق پرست .  
(۲) در تذکره آتشکده آذر و مجمع الفصحاء ج ۱ ص ۳۹ در ذیل سلاطین شاعر، تخلص شاه طهماسب **عادل** تصریح شده و در تحفه سامی که سام میرزا برادر این پادشاه نوشته شعری از وی نقل کرده ولی تخلص او را ضبط نموده است .

(۳) در هفت اقلیم و تحفه سامی نام این پادشاه و ابیاتی از او ثبت شده .  
(۴) در قاموس الاعلام ترکی (ص ۳۷ و ۳۸) در حرف عین فقط یک نفر **عادل** را ذکر نموده که خراسانی و شاعر بوده و دو بیت فارسی از او نقل کرده است .  
(۵) نسخه ای از این شرح را که بسال ۹۰۳ نگارش یافته حضرت آقای حاج سید نصرالله نقوی مدظله دارند و در مقدمه شارح خود را اینگونه معرفی میکند: چون فقیر حقیر مقصر بتقصیر اصغر- العاد جرماً و اکثرهم جرماً **نظم** :

آنکه نعت نبی و مدح ولی ✽ بعبارات و اضحات جلی ✽ گوید ابر صدق نیت و اخلاص ✽ افر خالق **عادل** بن علی  
غفر الله ذنوبه الخ . و از مقایسه اشعار صدکلمه با اشعار این شرح بخوبی معلوم میشود که ناظم آنها یکی نیست .  
(۶) این کتاب تا بحال چاپ نشده و این نقل از نسخه خطی مؤلف محترم گردیده است .

و انجام آن این است :

میرسد از صدق مرد اندر مقام اولیاء ✽ ختم کن بر صدق ای عادل کلام اولیاء  
و نسخه چاپی این ترجمه متعلق به ۲۵۸ کلمه و ۲۶۰ بیت میباشد و هر کلمه ای را  
بیک بیت ترجمه نموده و از مراجعه باین اشعار معلوم میشود که ناظم مردی  
دین دار و مقدس مآب بوده ، و با قرآن سروکار داشته چنانکه در ذیل این کلمه  
شِفَاءُ الْجِنَانِ فِي قِرْآنَةِ الْقُرْآنِ . گوید : هر که قرآن خواندن او را ورد چون  
عادل شود ✽ عاقبت درد دل او را شفا حاصل شود . و نیز در ذیل این کلمه :  
كَلَامُ اللَّهِ دَوَاءُ الْقُلُوبِ . گوید : درد دل را از کلام حق تعالی جو دوا ✽ خود  
تورا در سینه محفوظ است قرآن عادل . و نیز از اسلوب اشعار بخوبی معلوم  
میشود که ناظم هر دو یکی و از شعراء دوره صفویه بوده است .

جز این عادل شعراء دیگر هم بترجمه این کلمات قصار پرداخته اند و مناسب  
است که در اینجا چندتن از آنها را که نگارنده تاکنون یافته و یاورد اول رشیدالدین  
و طواط متوفی بسال ۵۷۳ که از سخن سرایان شهر است ، بدواً این کلمات قصار را  
بشر عربی و پس از آن به نثر فارسی و از آن پس هر کلمه ای را بدو بیت فارسی ترجمه  
و شرح نموده و چنانکه آقای محمد علی تربیت درص ۱۰ شماره اول گنجینه معارف  
که بسال ۱۳۴۱ در تحت مدیریت ایشان در شهر تبریز منتشر میشده مرقوم داشته اند  
نسخه کامل این ترجمه و شرح در کتابخانه ولی الدین در اسلامبول بوده و شماره  
آن در آن کتابخانه (۲۶۳۹) است و آنرا « مطلوب کل طالب » نام گذارده و ریو  
در فهرست موزه بریتانیا سال این ترجمه و شرح را ۵۵۹ دانسته و آقای اقبال  
آشتیانی درص ند مقدمه حقائق السحر نگاشته اند که این کتاب در اروپا و ایران  
چاپ شده و ترجمه یکی از کلمات را بهمان سه نحو که گذشت عیناً نقل نموده چنانکه  
پیش از ایشان در همان شماره گنجینه معارف آقای تربیت ترجمه یکی از کلمات  
قصار دیگر را آورده اند و ترجمه نظم رشید مکرر در ایران چاپ شده و تاکنون  
در مکاتب قدیمه از کتب درسی بجهت است ولی چاپ شدن مطلوب کل طالب را که سه  
ترجمه رشیدالدین باشد تاکنون آگاهی نیافته ام .

**دوم :** در ص ۱۴۷ دانشمندان آذربایجان است که درویش اشرف در سال ۸۳۸ صد کلمه حضرت امیر علیه السلام را بقطعات فارسی ترجمه نموده است .

**سوم :** نیز آقای تربیت در گنجینه معارف نوشته اند که جامی ( عبدالرحمن متوفی بسال ۸۹۸ ) نیز این کلمات قصار را بفارسی ترجمه کرده .

**چهارم :** نیز در گنجینه معارف نگاشته تربیت است که بسال ۱۲۵۵ با ترجمه ترکی آن در بولاق مصر چاپ شده .

**پنجم :** فلایشرا این کلمات را بالمانی ترجمه نموده و با ترجمه فارسی رشید و طواط بسال ۱۸۳۷ م . در لایبزیك چاپ گردیده ( آقای اقبال در مقدمه حدائق السحر صند ) چون نسخه آن را بدست نیاوردم ندانستم که آیا آنچه در اروپا از ترجمه رشید چاپ شده همان ترجمه نظمی و یا تمام مطلوب کل طالب و یا ترجمه ثری او است .

**ششم :** ترجمه بنظم فارسی از عبدالواحد است که بگفته صاحب ریاض العلماء ( وقایع الایام در حاشیه ص ۳۹۳ ج ۳ ) عالمی متصوف و مفسر و متکلم در دوره صفویه بوده است . صد کلمه عادل بسال ۱۲۵۹ در تبریز و بسال ۱۲۷۲ در آخر شرح باب حادی عشر در طهران چاپ شده است .

**آغاز :** بسمله بهترین هر کلام ای نور چشم مردمان \* هست نام خالق بسیار بخش مهر بان

**انجام :** مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئًا إِلَّا ظَهَرَ فِي قَلْتَاتِ لِسَانِهِ وَصَفَحَاتِ وَجْهِهِ

گر نهان دارد کسی سَرّی توان دریافتن \* در کنار روی آنکس یا در اثنای سخن

اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنَا رِمَازَاتِ الْإِلْحَاطِ وَسَقَطَاتِ الْإِلْفَازِ وَهَفَوَاتِ اللِّسَانِ وَشَهَوَاتِ الْجَنَانِ

یا الهی بیرضایت گرزبان و چشم و دل \* زشت گوید یا ببیند یار و دجائی مهل .

( ۷۸۳ )

**صد کلمه** این نسخه ضمیمه مجموعه ایست که بسال ۱۰۷۴ نگاشته شده

**یا ترجمه** و کاتب هر یک از ابیات را بخط نستعلیق در مقابل اصل کلمات

که بخط نسخ نوشته شده نگاشته و ترجمه بسمله را که در

**آیه کلمه الجاحظ** مقابل آغاز نقل نمودیم نیاورده و ابتداء بترجمه لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ

مَا إِزْدَدْتُ يَقِينًا که نخستین کلمه از مائة کلمه و این بیت میباشد نموده :

(گراجل بردارد از پیشم حیات مستعار \* در یقین من نیفزاید بحق کردگار)  
و بترجمه این کلمه: لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ که این بیت میباشد: (بی تأمل دم مزن  
اول بدل اندیشه کن) تا نیندیشد بدل دانا نیاید در سخن) نسخه ۱ ختم کرده است.  
خصوصیات دیگر نسخه بمجموعه شماره (۲۷۹۹) این کتابخانه مزاجه گردد  
و این نسخه از ص ۳۱ تا ۳۹ این مجموعه را حائز است.

(۷۸۴)

صد کلمه این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب علی نائینی در سال  
۱۲۷۴ با طلا و لاجورد نگاشته و ترجمه کلمات را هر یک بیک  
یا ترجمه بیت در ذیل آنها تحریر نموده و ترتیب کلمات نسخه چاپی  
مائة کلمة الجاحظ این ترجمه و نسخ خطی آن با یکدگر مطابق نیست.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی مهره زده واقف سیه سالار. قطع خشتی. شماره اوراق (۱۸). صفحه  
(۹) سطر. طول (۲۳ ۱/۴ سانتیمتر) عرض (۱۷ ۱/۴ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۰۴۹).

[۳۲۴] الطراز الموشی فی الانشاء (عربی)

این کتاب مجموعه ای از مراسلات و انشآت رسمی و دوستانه است و چنان  
که پشت نسخه این کتابخانه نگاشته شده مؤلف و گردآورنده آنها شیخ شمس الدین  
محمد بن حسن نواجی رضی الله عنه است و صاحب معجم المطبوعات در ص ۱۸۷۲  
بمناسبت کتاب «حلیة الکمیت» وی که چاپ شده شرحی در معرفی ایشان از  
کتاب: حسن المحاضرة ۱ - ۲۷۴ و ابن ابیاس جزء ۲ ص ۳۲ و ۴۹ و طبقات الشافعیه  
اسدی ورق ۱۱۳ و الخطط الجدید ۱۷ - ۱۳ نقل نموده و در آنجا است:  
وَقَالَ الشَّعْرُ الْفَائِئِقُ وَالنَّشْرُ الْفَائِئِقُ وَجَمَعَ الْمَجَامِيعُ. ولی نام نبرده که یکی از  
آن مجموعهات موسوم به «الطراز الموشی» میباشد.

در کتاب شد ذات الذهب ص ۲۹۵ ج ۷ که ذیلاً شرح حال این مؤلف را  
از آنجا ترجمه خواهیم نمود نامی از مجامیع نیست و این کتاب را از مؤلفات نواجی  
نشموده ولی از قرآنی که از خود این مجموعه بدست می آید صححت انساب جمع  
این مؤلفه بدانشمند مذکور واضح میشود.

شمس‌الدین محمد بن حسن بن علی بن عثمان نواجی (۱) شافعی مصری بسال ۸۵۹ در گذشت علم ادب را امام و دانشمند فرزانه ای بوده ، در « عنوان الزمان » آمده که پس از سال ۷۸۵ (۲) در قاهره تولد یافته و در قرائت شاگردی ابن جزری (۳) معروف را نموده و علوم ادب و فقه و اصول و معقول را از اساتید آن عصر استفاده کرده و بعلوم ادبیّه توجه خاصی نمود و چنان در آن مستغرق شد که سرآمد اهل زمان گردید و از مصنفات وی **حاشیه توضیح** (۴)، **حاشیه جار بردی**، **کتاب تاهیل الغریب** (این کتاب مشتمل بر قصائد است)، **الشفاف فی بدیع الاکتفا**، **خلع العذار فی وصف العذار**، **صحائف الحسنات**، **روضة المجالس فی بدیع المجانسه**، **مرا تیع الغزلان** فی وصف الحسان من الغلمان و کتاب **حلیة الکمیت** فی وصف الخمر است انتهی . **الطراز الموشی** مشتمل بر انشآت رسمی و دولتی و شخصی است و بیشتر مکاتباتی را که سلاطین و امراء بمالك پیداشاهان مصر نگاشته اند در آنست و عهد نامه‌های آنها را نیز در آنست و انشآت شخصی و غیر رسمی آن هم از نویسندگان مصر میباشد و در این کتاب مراسلاتی از چنگیزیان خصوصاً احمد مورخ بسال ۶۸۱ و امیر تیمور گورکانی و شاه رخ پیداشاه مصر و جواب او بآنها موجود است و پاره ای از منشآت برهان‌الدین باغونی (۵) شافعی متوفی بسال ۸۷۰ را دارا میباشد و از انشآت زمان خلفاء بنی عبّاس و اعصار بعد نیز چند نسخه داراست و از مجموعات خوب ادبی و تاریخی بشمار میرود .

سه کتاب دیگر را نگارنده بنام الطراز می‌شناسد و ممکن است یکی از آنها باین کتاب

- (۱) نواج یکی از دهات کشور مصر و در ناحیه مدبریّه غربیه آن میباشد (معجم المطبوعات) .
- (۲) در معجم المطبوعات تولد نواجی بسال ۷۸۵ یا ۷۸۸ بتدرید ثبت شده .
- (۳) شرح حال ابن جزری در (ص ۱۹۱ ح ۱) این فهرست نوشته شده و در آنجا است که بسال ۸۳۳ وفات یافته و همین نواجی در رثاء او دو بیت گفته و آنرا در آنجا ثبت کرده ایم .
- (۴) توضیح تألیف ابن هشام بحوی معروف است که شرح حالش در فصول بعد نوشته میشود و این کتاب شرح الفیته ابن مالک مشهور است و نام اصلی آن « اوضح المسالك الى الفیته ابن مالک » میباشد ولی مشهور بتوضیح گردیده است .
- (۵) در ص ۳۰۹ ح ۷ شذرات الذهب ذیل وفیات سال ۸۷۰ گوید : در این سال برهان‌الدین ابراهیم بن احمد بن ناصر بن خلیفه مقدسی شافعی ناصری باغونی دمشقی وفات یافت و دانشمندی بزرگ و سال عمرش نزدیک بصد سال بود (عن بعض و تسعین سنه) و در حاشیه همین صفحه است که تولد وی در صقّه بوده و بشام آمده ، از متابع آن کسب فضیلت نموده و **کتاب الضوء** را تصنیف کرده است و در این نسخه الطراز الموشی باغونی با غین معجمه ضبط شده است .

اشتباه شود یکی «**الطراز**» در علوم بلاغت که تألیف یحیی بن حمزه العلوی ره امام زیدیه است و مؤلف آن در سال ۷۴۹ وفات یافته و درص ۱۰ کتاب «ما هو نهج البلاغه» جناب سید هبه الدین شهرستانی آنرا ذکر کرده و چاپ شده است. و دیگری «**الطراز الموشی**» فی صناعة الانشاء» تألیف شیخ محمد نجار معلم عربی در مدرسه محمدیه امیریه مصر میباشد که بسال ۱۸۹۴ م. چاپ شده و درص ۱۷۰۰ معجم المطبوعات ذکر گردیده و مسلماً غیر از این کتاب است. و دیگری «**الطراز فی الحقیقة والمجاز**» تألیف حجة الاسلام رشتی ره میباشد و نسخه آنرا آقای تذکابنی دارند.

الطراز الموشی نواجی در حدود (۷۵۰۰) بیت کتابت دارد.  
آغاز: بسم الله وصلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه اجمعين - نسخه کتاب  
ورد على الابواب الشريفة الملكية الظاهرية خشقند من الشيخ برهان الدين الباغوني  
الشافعي يقبل الارض التي يودّلو ظفر بقر بها وكحل جفونه بتربتها الخ.

(۷۸۵)

الطراز الموشی این نسخه بخط نسخ خوب نگاشته شده، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده، پشت ورق اول سید حسین نام مصری در

سال ۱۱۸۴ یاد داشتی مبنی بر اینکه این کتاب بتملك او در آمده نوشته است. جلد مقوایی. کاغذ قدیمی. واقف سیه سالار. قطع وزیری کوچک. شماره اوراق (۱۷۷). صفحه (۲۱) سطر. طول (۱۹ ۱/۴ سانتیمتر). عرض (۱۱ ۱/۲ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۷۹۵).

### [ ۳۲۵ ] عیون الحکم والمواعظ (عربی)

این کتاب که بتصریح مؤلف در مقدمه موسوم به «عیون الحکم والمواعظ و ذخیره المتعظ والمواعظ» میباشد، بنابر آنچه علامه مجلسی ره در باب مایع من کلمات علی علیه السلام (در مجلد ۱۷ ص ۱۳۶ چاپ کمپانی (۱)) نگاشته اند جامع

(۱) عین عبارت بحار الانوار اینست: و کذا الشیخ علی بن محمد اللیثی الواسطی فی کتاب عیون الحکم والمواعظ و ذخیره المتعظ والمواعظ الی قدس مناه بکتاب العیون والمحسن و هو یشتمل علی کثیر من کلماته و کلمات باقی الائمة عليهم السلام. چنانکه بنقل از مقدمه دانستیم و **ذخیره المتعظ** است و ذال آن در این نسخه افتاده و **ذخیره المتعظ** شده و مندرجات آن از حضرت مولی علی امیر المؤمنین است نه از ایشان و سائر ائمه عليهم السلام. صاحب کشف العجب درص ۳۸۹ این کتاب را بنام «**العیون والمحسن**» که اسم اختراعی علامه مجلسی برای این کتابست ذکر نموده است و علامه مجلسی در جلد ۱۷ ص ۱۱۲ نیز بنقل کلمات قصاری از نسخه قدیمی این کتاب مبادرت نموده است.

و مؤلف آن علی بن محمد المیشی الواسطی رحمه الله علیه است و از مقدمه آن بخوبی معلوم میشود که از علماء امامیه بوده و چنین بنظر میرسد که در قرن ششم یا هفتم هجری میزیسته اند ، در کتب سیر و رجال چون روضات و لؤلؤت البحرین و رجال ممقانی و امل الامل نامی از ایشان نیافتم .

این کتاب را در مجلد اول این نهرست (ص ۲۸۳-۲۸۶) در فصل اخبار بانقل قسمتی از دیباچه آن نام برده ام ولی در آن هنگام که مشغول بنگارش و معرفی آن بودم بنام مؤلف آن برنخورده و عدم اطلاع خویش را اظهار نمودم اخیراً که مؤلف و جامع آن را شناختم چون در این فصل کلمات قصار حضرت مولی علی امیر المؤمنین علیه السلام و خطب و منشآت آنحضرت و شروح آنها نقل گردیده و بشرح و معرفی آنها پرداخته شده و میشود مناسب آن دیدم که این کتاب را باز در اینجا بیآورم و نظر باینکه در شماره کتب مجلد اول اختلافی رخ داده و در ذیل صفحه ( ح ) از مقدمه آن مجلد بدان اشارتی رفته و شماره مسلسل را در این مجلد موافق آخرین شماره مجلد اول قرار داده ام لذا این تکرار بشماره مسلسل خللی وارد نمیسازد .

این کتاب ( عیون الحکم و المواعظ ) بتصریح جامع در مقدمه ۱۳۶۲۸ کلمه از کلمات قصار را که در سی باب بترتیب حروف تہجی مرتب گردیده شامل و در باب سی ام مختصراتی از بیانات توحیدی و وصایا و مواعظ و عباراتی در مذمت دنیا و ادعیه و مکاتبات آنحضرت را که بنظر جامع لطیف و فوق العاده تر از سایر کلمات بوده آورده ولی دو نسخه ذیل و نسخه صاحب وقایع الایام فاقد این باب میباشد و شاید تالیف نشده است و این بیست و نه باب در حدود ( ۶۸۰۰ ) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسم الله الحمد لله فالق الحبه و باری التسم ، موجد الاشياء بعد العدم الخ .  
انجام: فليحذر الذين يخالفون عن امره ان تصيبهم فتنة او يصيبهم عذاب اليم .

( ۷۸۶ )

این نسخه بخط نسخ خیلی خوب نوشته شده ، در سال ۱۰۷۹ محمد هادی نام مقابله شدن آنرا با نسخه دیگر نوشته و مطالبی که کاتب از متن انداخته بوده در حاشیه نگاشته شده است .

عیون الحکم  
و المواعظ و



جلد چرمی . کاغذ اصفهانی . واقف سیه سالار . قطع وزیری کوچک . شماره اوراق (۲۸۵) .  
صفحه (۱۴) سطر . طول (۲۰  $\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۷۸۵) .  
( ۷۸۷ )

عمون الحکم  
والمواعظ و  
ذخيرة المتعظ  
والواعظ

این نسخه را بخط خیلی خوب محمدقلی در سال ۱۰۸۵ بنا بدستور علم الهدی فرزند حضرت فیض رحیم الله نوشته و خود ایشان در آخر نسخه یادداشتی درشش سطر نگاشته اند.

جلد چرمی اعلا . کاغذ اصفهانی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۱۳۷) صفحه  
(۲۱) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض (۱۵  $\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۷۸۴) .

### [ ۳۲۶ ] غرر الحکم و دُرر الکلم (عربی)

جامع این کتاب که نیز مشتمل بر قسمتی از کلمات قصار حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام میباشد آمدی ره است ( ناصح الدین ابوالفتح عبدالواحد بن محمد بن عبد الواحد التمیمی الامدی ) که بتصریح صاحب روضات (درص ۶۴) معاصر سیدرضی ره متوفی (۴۰۶) و سیدمرتضی ره متوفی (۴۳۶) و شیخ طوسی ره متوفی (۴۶۱) بوده و نیز از ابن شهر آشوب نقل نموده که از علماء امامیه بوده و گوید روایتی در کتب امامیه بدو نمیرسد و هم از قاموس و تقویم البلدان نقل کرده است که آمد شهری است میان دجله و فرات از دیاربکر و دارای باغها و اراضی زراعتی است و بفتح و ضم و کسر میم قرائت شده . و صاحب معجم المطبوعات ( درص ۹۱ ) وفات این مؤلف را بسال ۵۱۰ ضبط نموده و مأخذ خود را هم نگاشته بنا بر آنچه نقل شد بسیار دور بنظر میآید که تا این تاریخ زندگانی کرده باشد .

آمدی در مقدمه ابن کتاب گوید :

آنچه مرا وادار بر جمع آوری این کتاب کرد افتخاری است که ابو عثمان جاحظ در جمع آوری  
مائة کلمه نموده است و بسی موجب تعجب میباشد که این مرد با اینکه علامه روزگار خویش بوده

و در دانش و بیش یگانه عصر خود شمرده میشود و بمبدء نزدیکتر بوده چگونه عظمت کلمات دیگر آنحضرت بر او مخفی شده و از آن همه کلمات ییشمار بدین شماره اندک قناعت نموده و من با اینکه شایستگی این مقام را ندارم بسیاری از کلمات آنحضرت را جمع نموده، گر چه در مقابل حکم و مواعظ و کلمات آنحضرت اندکی از بسیار و یکی از هزار است و آنرا بترتیب حروف معجم مرتب ساختم و اسانید آنرا برای اختصار انداختم و آخر کلمات را هم چون ذوق و طبع مائل بسجع بود بگوش خوشتر می آمدم سجع فرار دادم و آنرا «**غرر الحکم و درر الکلام**» نامیدم.

این کتاب بیش از چهار هزار بیت کتابت دارد و در مصر و بمبئی چاپ شده و عبدالکریم بن محمد یحیی قزوینی آنرا به نود و نه باب تقسیم و مطالب متفرقه را جمع و در ابواب مذکوره منظم کرده پس از آن بشرح وی پرداخته و آنرا «نظم الغرر و نضد الدرر» نامیده و در این فصل آنرا مفصلاً ذکر خواهیم و چنانکه در مقدمه مجلد دوم این کتاب نگاشته شده همین مؤلف «غرر الحکم» را نیز بفارسی ترجمه نموده و آنرا «اصداف الدرر» نام نهاده و آقا جمال خونساری بر غرر الحکم شرحی فارسی نگاشته که در ص (۳۴-۳۶) این فصل بتفصیل از آن نام برده شد. و نیز این کتاب را بر حسب خواهش آقامیرزا احمد تبریزی متوطن شیراز میرزا محسن خوشنویس (عماد الفقرا) متخلص بحالی که از اهالی اردبیل و فضلاء آن سامان اند بفارسی ترجمه نموده و قسمتی از آن ترجمه ذیل قسمتی از غرر الحکم در ضمن مجموعه ای که بنام «**انهار جاریه**» در شیراز میرزا احمد مذکور در مطبعه خویش بسال ۱۳۴۴ طبع نموده اند مندرج گردیده است.

آغاز: بسمله الحمد لله الذی هدانا لهذا بتوفیقه الی جادة طریقه الخ.

(۷۸۸)

این نسخه بخط نسخ خوب در مدینه طبعه سال ۹۹۵ نگاشته شده و در سال ۱۰۴۹ معزالدین مخاطب بمعزالملک بخط خود شرحی مبنی بر اینکه این کتاب را به سید امیر محمد زمان بنام یادگار داده نوشته و بنا بر این سید مذکور از علماء آنعصر بوده و در ذیل

غرر الحکم  
و درر الکلام

این شرح مهر مدووری است که بر آن چنین نقش گردیده: بنده شاه جهان پادشاه غازی معز الملک.

ورق اول و آخر کتاب و صالی گردیده، کلمات افتاده از متن در حاشیه نگاشته شده و نسخه در آب افتاده ولی خطوط آن سالم مانده است.

جلد تیماجی. کاغذ حنائی. واقف سپهسالار. قطع ربعی. شماره اوراق (۱۵۶). صفحه (۲۱) سطر. (طول ۱۹ سانیمتر) عرض. (۱۳ ۱/۴ سانیمتر). شماره کتابخانه (۲۸۴۲).

### [ ۳۲۷ ] مائة کلمه (عربی)

جامع و انتخاب کننده این کلمات جاحظ ره است (ابو عثمان عمرو بن بحر بن محبوب کنانی لیشی بصری متوفی بسال ۲۵۵) (۱) که از معاریف دانشمندان اسلام بوده و روش اعتزال داشته و خود در اصول دین دارای آراء و عقاید خاصی میباشد، شهرستانی در ملل و نحل بذکر برخی از آنها پرداخته و پیروان این مرد را جاحظیه مینامند.

جاحظ چون کتب فلاسفه را زیاد مطالعه مینموده افکار آنها در وی بسی اثر نموده و ابن الندیم در باره وی در فهرست خویش تحت عنوان «الفتح بن خاقان» چنین آورده: (ابوهفان گوید: ندیده و نشنیده ام کسی در دوستی بکتاب و علم بیایه جاحظ و فتح بن خاقان و اسمعیل بن اسحق قاضی برسد اما جاحظ هیچگاه کتابی بدست او نرسید مگر آنکه سرنا پا آرا خواند و گاهی دکان کتاب فروشها را اجاره میکرد و در آنجا می ماند و مطالعه مینمود الخ).

یکی از بر مکی ها گوید (ترجمه از ابن خلکان ج ۱ ص ۳۸۸):

وارد بصره شدم شنیدم جاحظ دچار بفلج گردیده، با خود گفتم وی را دیداری کنم، به درب خانه وی

(۱) مطالب راجعه بجاحظ از این کتب اقتباس شده: ابن خلکان ص ۲۸۸ و ۳۸۹ ج ۱، فهرست ابن الندیم ص ۵۷ و ۱۶۹، روایات ص ۵۰۲ و ۵۰۵، معجم المطبوعات ص ۶۶۶ - ۶۶۸ و بقیة الوعاة نسخه خطی مدرسه ورق ۴۷۹ ب. باتفاق همه مورخین وفات جاحظ در محرم سال ۲۵۵ بوده و ابن خلکان از وی نقل نموده که فلج و دردیکه بواسطه سئک مائه دارم مرا بر حمت انداخته است و عوارض نود و شش سالگی بد تر از همه میباشد و اگر فرض کنیم که در همین سال وفات کرده باشد تولد وی بسال ۱۵۹ یا ۱۵۸ خواهد بود و در معجم المطبوعات تولد جاحظ سال ۱۶۰ ضبط گردیده مآخذ آنرا ندانستیم و بنا بر آنچه گفته شده مسلماً پیش از سال ۱۶۰ تولد یافته است.

رفتم، در کوفتم، کنیزکی زرد رویامد، پرسید کیستی، گفتم مردی غریبم، میخواستم از دیدار صاحبخانه  
بهر مند شوم، کنیزك گفته مرا بجاحظ رساند، شنیدم بدرگفت او را بگوی چه میخواستی از دیدار  
کسی که یکطرف بدن وی بیحس شده و آب از دهانش فرو میریزد و رنگ رخسارش تیره گشته  
( مَا تَنْصُنَّ يَسَقُ مَائِلٌ وَأَعَابُ سَائِلٌ وَلَوْ نَحْنُ حَائِلٌ ) چون کنیزك باز گشت گفتم من آمده ام که  
جاحظ را به بینم و چاره ای از آن نیست، چون این بار کنیزك حاجت را عرضه داشت جاحظ گفت  
این مرد از بصره گذر میکرده و بیماری مرا شنیده تصور نموده خوبست پیش از مرگ او را دیدار  
کنم و بگویم که من هم درمرض موت جاحظ را دیده ام. پس از آن بارداد باطاق وی در آمدم سلام  
کردم با طرزی نیکو جواب داد و اصل و نسبم را پرسید خاندانم را گفتم گفت خدا رحمت کند  
پدران دست باز نورا که روزگار آنها بهشت بود و بواسطه آنها شکسته مردمان بسیاری بسته میشد  
و پروردگار آنها را از آب رحمت خویش سیراب کند و در آسرای آنها را دستگیری کامل نماید،  
من نیز ویرا دعا نمودم و گفتم خواهش مند چنانم که از شعر خویش اندکی برام بخوانی گفت:

لَنْ قَدِمْتُ قَبْلِي رَجَالٌ فَطَالَمَا      مَسْبُوبٌ عَلَى رَسْلِي فَكُنْتُ الْفَقْدَا  
وَلَكِنْ هَذَا الْقَهْرُ ثَانِي صُرُوفُهُ      فَتُبْرِمُ مَقْصُودًا وَ تَقْضُ مَرَمَا

مؤلفات ذیل منسوب بجاحظ است :: **البهلاء، الایان والتمیین، التاج فی**

**اخلاق الملوك، الحنین الی الاوطان، کتاب الحیوان** ( دمیری صاحب  
حیاء الحیوان از این کتاب بسیار نقل نموده ) **سداوة الحریف بمنظرة الربیع والخریف**  
**المحاسن والاضداد، و رسائل ذیل : حاسد و محسود، فضائل الاتراك،**  
**فیخر السودان علی الایضان، التریبع و التدویر، تفضیل النطق علی القصص،**  
**مدح التجار و ذم عمل السلطان، العشق و النساء، الوکلاء، استیجاز الاعداد، بیان**  
**مداهب الشیعه و طبقات المغنین،** ( رسائل فوق یکجا بسال ۱۳۲۴ در مصر چاپ شده  
و رساله دوّم آن جدا گانه نیز چاپ گردیده است ) و کتب مذکوره پیش از این  
رسائل نیز چاپ شده و نیز از مؤلفات جاحظ یکی **الاصنام** است که صاحب  
معجم المطبوعات گوید چاپ نشده و اینکه در اکتفاء القنوع نوشته شده بطبع رسیده  
غلط است و دیگری **نظم القرآن** میباشد که ابن ندیم بوی نسبت داده است  
( ص ۵۷ ) و دیگری کتاب **الهرجان و البرصان و القهرمان** میباشد که سیوطی بدو  
نسبت داده است .

و این مجموعه از کلمات قصار که عنوان این ترجمه است در ماخذ فوق بجاحظ نسبت داده نشده  
جز اینکه صاحب روضات گوید : در فصول الاثمه ذیل شرح حال او و صاف حضرت

علی بن ابیطالب علیه السلام مد کور است که آن بزرگوار را کلماتی است که جاحظ در بعضی از مؤلفات خود آنها را جمع آوری نموده و مشتمل بر مطالب حکمیست و هر کلمه از آن هزار کلمه میباشد الخ و در ذیل کتاب غرر الحکم (ص ۷۶) نگاشته شد که آمدی در مقدمه این کتاب گفته که سبب و باعث بر جمع این کلمات افتخاری است که جاحظ در جمع مائة کلمه از کلمات قصار آنحضرت نموده و بسی شگفت است که علامه روزگاری چون وی از یم به نمو از بسیار باند کفایت نموده است و نیز در مقدمه «عیون الحکم و المواعظ» (ص ۷۴ - ۷۶) از این انتخاب نام برده شده است. نگارنده با تفحص ندانست که این انتخاب را در کدام يك از نوشته‌های خود گنجایده است.

این کتاب یا کلمات قصار در طهران و سال ۱۳۴۱ در دمشق شام و در یکی از شهرهای هندوستان و در لندن با حروف اختراعی ملکم و در سال ۱۳۲۵ ضمیمه مقالات زغشری در مصر چاپ شده و شرحی ابن میثم در حدود (۵۴۷۰) بیت بر این کلمات نگاشته و نسخه ای از آنرا استاد محترم این مدرسه آقای مشکوة بیرجندی دارند و مشتمل بر سه قسم است **قسم اول** : در مبادی و مقدماتیکه بیان آنها لازم میباشد از قبیل تعریف نفس حیوانی و تحقیق در آن و برهان بوجود آن و غیر از اینها. **قسم دوم** : در شرح کلمات قصار (مائة کلمه الجاحظ). **قسم سوم** : در لواحق و متممات و در این قسم شطری از فضائل و کمالات حضرت علی علیه السلام و آنکه آنحضرت مستجمع جمیع صفات کمالیه انسانیه بوده اند میباشد.

و در ص ۵۶۶ کشف الحجب و الاستار نام این شرح را «منهاج العارفین فی شرح کلام امیر المؤمنین ع» معرفی کرده ولی در خود کتاب این نام نیست. آغاز این شرح این : بسم الله يا ذا الجلال والاكرام يا حي يا قيوم يا قدوس يا سلام الخ. و انجام آن اینست : اللهم وفقنا لفهم هذه الكلمات والعمل بمقتضاها كما تحب و ترضى واجعل عواقب امورنا خيرا و اعدنا من شرور انفسنا و سيئات اعمالنا و قبائح افعالنا بحق محمد و آله و عترته الطاهرين آمين يا رب العالمين.

قطب راوندی را نیز بر این کلمات قصار (مائة کلمه الجاحظ) شرحی میباشد.

این کلمات قصار مکرر بنظم و نثر فارسی ترجمه شده و در ذیل « صد کلمه » در ص (۶۸-۷۲) همین مجلد پاره ای از آنها را نقل نموده ایم .  
آغاز: بسمله لو كشف الغطاء ما ازددت يقيناً .

انجام: لسان العاقل وراء قلبه و قلب الاحق وراء لسانه . (۱) اللهم اغفر رمزات الالفاظ وسقطات الالفاظ وشهوات الجنان وهفوات اللسان .

(۷۸۹)

مائه کلمه این نسخه را بخط بسیار خوب آقا زین العابدین اصفهانی در سال ۱۲۷۶ نگاشته و پس از اتمام آن مناجات منسوب به حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام که اول آن این است: ( لك الحمد يا ذا الجود والمجد والعلی ) نیز همین کاتب نگاشته و در آخرین قسمت رقم کرده و اوراق نسخه متن و حاشیه است و دارای يك سر لوح كوچك می باشد .

جلد تیناجی . کاغذ متن حنائی ، حاشیه آبی فرنگی . واقف سیه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۲۷) . صفحه (۴) سطر . طول (۱۷¼) سانتیمتر . عرض (۱۱¼) سانتیمتر . شماره کتابخانه (۹۹۷) .

### [ ۳۲۸ ] مختصر تقویم اللسان (عربی)

تقویم اللسان کتابی است چون درة الغواص حریری که در ص (۱۹-۲۱) این مجلد بشرح و معرفی آن پرداخته ایم و موضوع آن تصحیح اغلاطی است که نویسندگان و گویندگان از خواص و عوام استعمال میکنند و مؤلف آن ابوالفرج ابن جوزی واعظ معروف بغدادی متوفی بسال ۵۹۷ ه (۲) می باشد و در نامه دانشوران (ج ۱ ص ۲۷۴) این کتاب در ذیل مؤلفات ابن جوزی آورده شده، شیخ بهائی ره در کشکول نیز این کتاب را بدون نسبت داده و از آن نقل کرده است

(۱) آخرین نسخه چنان است که نقل گردید ولی آخر نسخه ذیل این جمله است: البخیل مستعجل للفقر یمیش فی الدنیا عیش الفقراء و یتحاسب فی الآخرة حساب الاغنیاء اللهم اغفر رمزات الخ و آخر نسخه صد کلمه بیش از اللهم اغفر الخ ما اضر احد شیئاً الا ظهر فی وجهه و فلتات لسانه می باشد و در تقدیم و تاخیر سائر جمل با یکدیگر مختلف اند .

(۲) روضات ص ۴۲۷ و ۴۳۸ ؛ ابن خلکان ج ۱ ص ۲۷۹ - ۲۸۰ . نامه دانشوران ج ۱ ص ۲۶۲ - ۲۷۵ و شذرات الذهب در ج ۴ ص ۳۲۹ .

و صاحب روضات بنقل از کشکول مطالبی که ذیلًا ذکر خواهیم نمود از این کتاب آورده (۱) و در کشف الظنون (ج ۱ ص ۳۲۱) بنام تقویم اللسان سه کتاب ذکر شده: **اول** تقویم اللسان در نحو تألیف محمد بن ابی القاسم بقالی خوارزمی حنفی متوفی بسال ۵۶۲. **دوم** تقویم اللسان در نحو تألیف زین الدین قاسم بن قطلوبغا حنفی متوفی بسال ۸۷۹. **سوم** تقویم اللسان تألیف ابن قتیبه. در ص ۱۷۸۸ ج ۳ فهرست آصفیه نیز کتابی بنام «تقویم اللسان» تألیف محمد ذکاء الله نام برده شده و گوید که بسال ۱۸۹۳ م بچاپ رسیده و موضوع آن معین نگردیده است. در ص (۷-۴) این مجلد از فهرست مؤلفات ابن قتیبه ذکر شد و در کتب سیرو ماخذ نسبت کتابی بدین نام به ابن قتیبه دیده نشد، نگارنده تصور میکند که مؤلف ابن جوزی بوده و کاتب نسخه ای که مأخذ کشف الظنون چاپ اسلامبول بوده اشتباهاً ابن قتیبه نوشته و یا در چاپ غلط چیده شده و مصحح بدان متوجه نشده به نسخه کشف الظنون چاپ فلوگل مراجعه شد در آنجا نیز مؤلف ابن قتیبه ضبط گردیده، در مقدمه این کتاب که مختصر تقویم اللسان میباشد تقویم اللسان را تألیف ابن جوزی معرفی کرده و نامی از این مختصر در کشف الظنون و مأخذ دیگر نیافتیم، مختصر کتیده هم تا کنون شناخته شده و در مقدمه و خاتمه نسخه ذیل نیز نامی و اثری از او دیده نمیشود و چنانکه خود نیز بدان تصریح نموده و فقط کاری که کرده از آن کتاب جملی را انداخته و مقدمه ای بر آن نگاشته ولی بدان چیزی نبفزوده و ترجمه مقدمه نسخه این است:

بنام خداوند بخشنده مهربان: سیاس و ستایس مر خداوند را سزا است و درود پروردگار بر روان پاک سرور ما محمد و کسان با کیزه او باد، بکارنده جون «کتاب تقویم اللسان» را که از گرد آورده های پیشوای بزرگ و دانشمند فرزانه، جمال الدین ابوالفرح عبدالرحمن **بن جوزی** که خدایش بیامرود، نگارشی سودمند یافت و دید که در آن بسیاری از آنچه مردمان، «ادرست بر زبان یا خامه می آورند گرد آورده و بسیاری از نمونه های گفتار مردم را برای گواه خویش بر آن افزوده و در این آره سودی چندان جز بد نامی آنانکه بر زبان رانند ندید بر آن شد که آنرا

(۱) صاحب روضات الحنات در ص ۴۲۸ نام این کتاب را با استناد بکشکول شیخ بهاء الدین عاملی ره «تقویم غلط اللسان» معرفی نموده در صورتیکه در کشکول (در حدود ۱۳۰۰ بیت تا آخر مجلد سوم مانده) نام کتاب «تقویم اللسان» ضبط گردیده و در مقدمه همین مختصر و نامه دانشوران نیز «تقویم اللسان» نوشته شده است.

ار این پاره تَنَك سازد و از آن بیندازد و بس آنچه که سودی در دانستن آنست بگذارد، تا یادگیرنده اش باسانی بر درستی و نادرستی درگفتار و نگارش آگاه شود و خداوند یاری دهنده بر توانائی نیکو است.

بنا بر آنچه از مقدمه نسخه ذیل که بترجمه آن پرداختیم معلوم گردید ابن جوزی شواهد و امثله ای از کلمات و بیانات عوام را در تقویم اللسان آورده بوده و آنچه شیخ بهائی ره در کشکول از این کتاب نقل نموده اند بدون امثله و شواهد میباشد بنا بر این احتمال دارد که ایشان هم نسخه دیگر مختصر شده از تقویم اللسان را در دست داشته اند و از آن نقل نموده اند و اصل این کتاب مأخذ ایشان نبوده و گرنه یا در هنگام نقل بنام نقل باختصار از تقویم اللسان حمل راذکر میفرمود و یا اشاره ای مینمودند که من از آن کتاب این قسمت را انتخاب نمودم و ما برای تسجیل تصوّر خویش عین نقل ایشان را که در اواخر جلد سوم از کشکول است در اینجا میآوریم: من کتاب تقویم اللسان لابن الجوزی:

جَوَابٌ لَا يُجْمَعُ وَقَوْلُ الْعَامَّةِ أَجْوِبَةُ كُتُبِي وَجَوَابَاتُ كُتُبِي غَلَطٌ وَالصَّوَابُ جَوَابُ كُتُبِي \* حَاجَاتٌ وَحَاجٌ جَمْعُ حَاجَةٍ وَحَوَائِجٌ غَلَطٌ. يُقَالُ سَمِعْتُ الْمَرِيضَ لَا أَحْمِيَّتُهُ. يُقَالُ لِلْقَائِمِ أَقْعَدٌ وَلِلنَّائِمِ اجْلِسٌ وَالْعَكْسُ غَلَطٌ. يُقَالُ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَانَتْ كَذَا لَا الَّذِي كَانَتْ كَذَا. الْغَرَسُ يُقَالُ لِلرَّجُلِ وَالْمَرْءُ لَا لِلْمَرْءَةِ فَقَطْ. لَا يُقَالُ كَثُرَتْ عَيْلَتُهُ إِنَّمَا يُقَالُ كَثُرَتْ عِيَالُهُ وَالْعَيْلَةُ الْفَقْرُ. الْمَصْطَكِيُّ يَفْتَحُ الْمِيمَ وَالضَّمُّ غَلَطٌ.

این بود آنچه شیخ در کشکول از این کتاب نقل نموده اند و چون باین نسخه که مختصر تقویم اللسان میباشد مراجعه مینمائیم می بینیم که همین جمل با اندک تفاوت در وی موجود است و جمل فوق در این نسخه بدینگونه است:

وَجَوَابَاتٌ وَأَجْوِبَةُ كُتُبِكَ خَطَاءٌ فَلَا يُقَالُ إِلَّا جَوَابُ كُتُبِكَ لِأَنَّهُ لَا تُجْمَعُ وَجَمْعُهُ مُؤَلَّدٌ قَالَهُ سِيبَوِيهٌ وَجَمْعُ حَاجَةٍ حَاجَاتٌ أَوْ حَوَاجٌ وَحَوَائِجٌ



نَحْطَاءُ . وَحَمِيتُ الْمَرِيضَ بِغَيْرِ آفٍ وَتَقُولُ لِلْقَائِمِ أَقْعُدُوا لِلنَّائِمِ أَوِ السَّاجِدِ  
اجْلِسْ لِأَنَّ الْعُقُودَ دَانَتْ قَالُ مِنْ عُلُوٍّ إِلَى سِفْلٍ وَالْجُلُوسُ عَكْسُهُ وَ مِنْهُ قِيلَ  
لِنَجْدٍ جَلَسَ لِارْتِقَائِهَا . وَكَثُرَ عِيَالُهُ وَكَثُرَتْ عَيْلَتُهُ وَعَائِلَتُهُ نَحْطَاءُ .  
وَالْعُرُوسُ لِلْمَرْأَةِ وَالرَّجُلِ أَيَّامُ الْبِنَاءِ . وَالْمَضْطَكِيُّ وَحَبُّ الْمَحَلَبِ وَالْمَنَارَةُ  
وَالْمَرْفَأَةُ يَفْتَحُ الْمِيمُ .

بهر حال نگارنده تاکنون تقویم اللسان را ندیده و بمعجم المطبوعات هم مراجعه  
شد در آنجا نامی از این کتاب نبود از فضلاء طهران که دارای کتابخانه و اطلاع  
بکتاب میباشند پرسش شد آنها هم تاکنون ندیده و سراغ نداشتند و نسخه ذیل که  
بتصریح در آن «مختصر تقویم اللسان» است در حدود (۶۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسملة الحمد لله رب العالمين . . . . .

باب الالف: تقول أمتهميرَ فلانٌ بكذا يتائين الأولى منهما مضمومةٌ والأخرى  
مكسورةٌ على ما لم يُسمَّ فاعله الخ .

انجام : وَالْيَوْمَ فَعَلْتُ مَا دَامَتِ الشَّمْسُ طَالِعَةً فَادَا غَرُبْتُ فَأَمْسَى  
الْأَحَدُتْ (كذا) لِأَنَّ الْيَوْمَ انْقَضَى .

(۷۹۰)

مختصر  
تقویم اللسان  
این نسخه بخط نسخ بسیار خوب نوشته شده ، قسمتی از  
آخرین صفحه بریده شده و با کاغذی شبیه بکاغذ اصل و صالی  
کرده ، شاید بر آن قسمت نام کتاب و سال کتابت بوده ،  
بسیار شبیه بخط یاقوت مستعصمی خطاط معروف نگارش یافته و توان گفت از میان  
بردن رقم کتاب و سال کتابت برای آن بوده که بنام یاقوت قلم داد گردد ، بهر حال  
چنین بنظر میرسد که از خطوط قرن هفتم هجری باشد ، پشت صفحه اول این

عبارت نوشته شده: این کتاب تقویم اللسان خط مولانا صیرفی (۱) مجموع اوراق سی و هشت ورق است قیمت ..... پس از لفظ قیمت کلماتی بوده محو گردیده و مهر بادامی نیز داشته که آنهم محو شده است و پشت آخرین صفحه نیز یادداشتی بوده که قسمتی از آن محو گردیده و آنچه از آن خوانده میشود این است: تاریخ ولادت بنده درگاه شب یکشنبه نهم شهر ذی القعدة الحرام سنه ۱۱۳۱ و یادداشت‌های مختصر دیگر در دو جای مذکور موجود است. و چنانکه ترجمه گردید در مقدمه تصریح شده که این نسخه مختصر تقویم اللسان است، نه خود تقویم اللسان میباشد ولی کاتب پس از جمله **لَإِنَّ الْيَوْمَ أَنْقَضَ** که در مقابل انجام ذکر شد گوید: **نَجَزَ كِتَابَ** تقویم اللسان آخر نهار الخميس الخامس من شهر شعبان المبارك من سنه (تاریخ ندارد) جلد تیماجی منهب. کاغذ قدیمی حنائی. واقف سیه سالار. قطع ربعی. شماره اوراق (۳۸). صفحه (۱۱) سطر. طول (۱۸ سانتیمتر). عرض (۱۳ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۱۰۲).

### [ ۳۲۹ ] مقامات بدیع الزمان همدانی (عربی)

مؤلف و منشی این مقامات بدیع الزمان همدانی رحمه الله است (ابوالفضل احمد بن حسین بن یحیی بن سعید همدانی ۳۵۸ - ۳۹۸) (۲) که یکی از معاریف ادباء و شعراء و دانشمندان و در درجه اول نویسندگان و منشیان بزرگان عربی میباشد و این مقامات وی از آفتاب پیش اهل دانش شهرتش بیشتر وفائده آن در فن ادب کمتر از آن نیست و نخستین کس است (۳) که بدینگونه مطالبی را از زبان مرد مجهولی (ابوالفتح اسکندری) ساخته و پرداخته و بام راوئی که وی نیز ساختگی است

(۱) صیرفی چنانکه آقای نریت در ص ۲۳۸ و ۲۳۹ دانشمندان آذربایجان مرقوم داشته اند معروف بغواجه عبد الله و یکی از شاگردان ششگانه یاقوت مستعصمی است و از مشاهیر خطاطین میباشد و بسال ۷۴۲ وفات یافته و در مقبره جیرند اب که یکی از محلات تبریز میباشد دفن گردیده است. (۲) شیمة الدهر ج ۴ ص ۱۶۷-۲۰۴ جاب دمشق، معجم الادبا ص ۹۴ ج ۱، روضات ص ۶۶ ج ۱، شذرات الذهب ج ۳ ص ۱۵۰، کشف الظنون ص ۴۹۴ ج ۲، ابن خلکان ج ۱ ص ۳۹، معجم المطبوعات ص ۱۸۹۵ و ۱۸۹۶، امل آمل ص ۳۲ ج ۲، منتهی المقال ص ۳۴، هدیه الاحباب ص ۱۰۴ (۳) گویند نخستین کس که بانشاء مقامات پرداخته ابن فارس استاد همدانی است ولی در دست نیست (تاریخ الادب العربی ص ۳۹۶).

(عیسی بن هشام) (۱) روایت نموده و **حریری** چنانکه خود در دیباچه تصریح نموده باقتداء این دانشمند مقامات را ساخته و در آنجا نیز تصریح شده که بدیع الزمان همدانی نخستین کس می باشد که این روش را برگزیده و از من خواسته شد وی را پیروی کنم: (ذِكْرَ الْمَقَامَاتِ الَّتِي ابْتَدَعَهَا بَدِيعُ الزَّمَانِ وَ عَلَامَةُ هَمْدَانٍ .... اِلَى اَنْ اُنْشِئَ مَقَامَاتٍ اَتَلُو فِيهَا تَلَوُ الْبَدِيعِ الْخ).

و آخرین همدانی که تا امروز بانشاء مقامات پرداخته و مطالبی علمی و ادبی و اخلاقی و فکاهی را بزبان اهل ادب در آورده و تصنیف را در آن وارد نموده مرحوم میرزا جعفر **همدانی** متخلص بر **ریاض** می باشد (بنا بضبط آقای تربیت بسال ۱۲۶۸ وفات نموده و نیز از مقدمه یکسه آقای تقوی مد ظله بر غزلیات ریاض مرقوم داشته اند معلوم میشود که تا اندکی پس از عزل امیر کبیر (۱۲۶۸) حیات داشته است.) که چون بدیع الزمان مقاماتی ساخته و او نیز از عهدہ برآمده و مقامات وی بیست و یک مقامه است و آغاز آن این: (بسم الله الحمد لله مبدع الانسان و مودع اللسان انشاء السكام و علم بالقلم الخ.) و انجام آن این است: (او غار فی الماء او القى فی جنح الظلماء او ابتغى نفقا فی الارض او سلما فی السماء تمت المقامة بالخیر و العافیة) (۲) و در کشف الظنون (ج ۲ ص ۴۹۴ - ۴۹۹) آنانکه بدین سبب و بنام مقامه یا مقامات نگارشی دارند نام برده شده و آخرین مقامات نگارش یافته «له» مظفریه است (۳).

ثعالبی که از دانشمندان و مؤلفین معاصر با بدیع الزمان بوده در کتاب یتیمه الدهر

(ص ۱۶۷ - ۲۰۴ ج ۴) وی را بنیهایست و در اینجا بترجمه مختصری از آن میبرد ازیم:

« احمد بن الحسین، بدیع زمان و یگانه روزگار و معجزه همدان و نادره فلك و روشنائی زمانه، کسی بود که در هوش و قریحه نظیر نداشت، طبعی شریف و ذهنی با صفا و نفسی قوی داشت، درثر و نظم مانند وی را کس ندیده و نخواهد دید، گویا سحر میخورد و یا معجزه داشته، حالانته

(۱) مقامات بدیع الزمان چنین شروع شده: حد ثنا عیسی بن هشام قال ..... و در بیشتر از مقامات بدین گونه: فاذا هو والله شیخنا ابو الفتح الاسکندری و یا معارفتی نظیر این عبارت تصریح گردیده که مطالب از زبان ابو الفتح است.

(۲) نسخه ای از این مقامات که بخط منشی آن مرحوم میرزا جعفر ریاض و شامل ۲۰ مقامه می باشد و در سال ۱۲۶۹ نوشته شده است اینک نزد جناب آقای تقوی رئیس این دانشکده موجود و نسخه ای آقای تربیت (محمدعلی) دارند که بسال ۱۲۹۰ نگارش یافته و نسخه ای دیگر نیز آقای تقوی دارند که بسال ۱۲۹۷ نوشته شده است. (۳) نسخه این کتاب در کتابخانه منیر السلطنه می باشد.

بس شگفت انگیز داشت، از آنها این است: چون قصیده ای که بیش از پنجاه بیت داشت یکبار می شنید همه در حافظه اش جای گیرین میشد و از آغاز تا انجام آنرا بدون اینکه يك حرف از آن بس یا بیش شود میخواند، هرگاه چندین ورق از کتابی که هرگز ندیده بود یکبار بر آن گذر میکرد مقصود آنرا درک و عبارات آنرا نیز حفظ میشد و در آن بخت و تحقیق مینمود، در هر موضوع بشر یا نظم از وی پرسش یا درخواستی میکردید بی درنگ پاسخ و انجام آن مبادرت مینمود، بسیار از او دیده شد که کاغذی را از آخر شروع میکرد و با آغاز انجام میرسانید (۱) مشکلات نظم و نثر راوی حل میکرد و مرجع دانشمندان زمان و دوره خویش بود

در سال ۳۸۰ همدان را ترک گفت و از ابوالحسن بن فارس (از ایشان در فصل بعد ذیل کتاب مجمل اللغة که از مؤلفات نفیس ابن فارس است نام خواهیم برد) آنچه دانائی داشت فراگرفت و بسند سنیّه صاحب بن عباد در آمد و از آن بوستان پُر بر میوه ها حید، پس از آن بجران آمد و بای سعید **محمد بن منصور** اختصاص یافت و سرمایه خویش را عرضه داشت وی بنا به عادت دیرین که اهل فضل و دانش را میخواست وی را بهره ای زیاد بخشید و چون خواست که از آنجا رخت بزند و بشهر دیگر رود و سائل سفر وی را آماده ساخت و سال ۳۸۲ بشهر نسا بور رسید، در این شهر سرمایه خویش را کاملاً آشکار و قماش خود را پراکنده کرد و چهار صد مقامه (۲) که در آن آنچه دل میخواهد و چشم از آن لذت میبرد گذارده شده، از زبان ابوالفتح اسکندری بساخت و مبان وی و **ابوبکر خوارزمی** مکاتبات و مناظرات و مفاضلات زیاد رد و بدل گردید و دانشمندان معاصر آنها جمعی با خوارزمی و گروهی طرفدار بدیع الزمان شدند و هر دسته یکی را ترجیح میدادند و همین معارضات موجب شهرت کامل همدانی گردید و سلاطین و امراء معاصر نام و آوازه ویرا شنیدند و طالب

(۱) صاحب روضات درج ۱ ص ۶۶ گوید که در بحار الانوار از خط شهید اول ره نقل شده که از اصحاب ما امامیه ابو عبدالله حسین بن ابراهیم در اینکه از آخر کاغذی شروع و باول آن ختم میکرد نظیر بدیع همدانی است و نیز چون وی مقامانی یرداخته است. انتهی (نام این مقامات و منشی آن در کشف الظنون نیست).

(۲) در تیمه النهر اربعه نبت شده ولی چنانکه ذکر میشود نسخه ذیل و نسخه چاپ طهران مشتمل بر چهل مقامه است، دانشمند فقید سعید مرحوم شیخ محمد عبده رضی الله عنه که از افاضل عصر اخیر کشور مصر بوده در مقدمه ای که بر این مقامات نوشته گویند: مشهور است که شماره مقامات بدیع الزمان بچهار صد میرسد ولی امروز جز پنجاه و چند مقامه آن که در اسلامبول چاپ شده در دست نیست (لکن لم یظفر الناس منها اليوم بغير عدد قليل ینف علی الخمسین طبع مجموعه فی الاستانه) و در اقرب الموارد ج ۲ ص ۱۳۶۰ در ذیل لغت «نیف» از ابوالعباس نقل شده که آنچه ما از دانشمندان مسلم بصره و کوفه بدست آوردیم ینف از یک تا سه و بضع از چهار تا نه را گویند و نیف استعمال نشود و مکرر پس از عقدی چون «عشرة و نیف و مائة و نیف و الف و نیم» و بیش از این نقل صاحب اقرب الموارد گوید: نیف چون سیدو گادی بتخفیف خوانده میشود زیادتیی را گویند چون «عشرة و نیف» و آنچه از عقد تجاوز کند تا بمقد دیگر رسد نیف گویند. و شماره مقامات چاپ عبده (۵۱) میباشند و از مقدمه ایشان معلوم میشود که شماره چاپ اسلامبول (۵۲) بوده چرا که در آنجا است که بجتهی مقامه شامیه را که در آن نسخه بود من نقل نکردم.

دیدارش شدند، در این میان خوارزمی از میان برخاست و عرصه میدان و جولان در آن مخصوص بدیع الزمان شد و از آن پس سفرهای بسیار نمود و از شهرهای خراسان و سجستان و غزنین جایی نماند که بدآنجا نرود و بهرهای بسیار نبرد، پادشاه و امیر و وزیر نبود که از آسمان بخشش او بروی باران نعمتی نبارد، چون از این کار تا اندازه ای بهره کامل گرفت، بار اقامت را در شهر هرات انداخت و در آنجا اقامت گزید، خانواده ای جستجو نمود که دانش را با نجابت و شرافت جمع کرده باشند، توفیق باوی رفیق گردید و خداوند دامادی **ابوعلی حسین بن محمد خشنامی** را که فاضلی کریم و شریف بود نصیب وی نمود، از این پس حال وی بهتر از پیش شد و دیده و دل وی خنک و قوی و توانائی او افزوده گردید و بکمک و مشورت وی املاک بسیار مجلل و خوب تهیه نمود و با کمال خوشی زندگانی کرد و بسال ۳۹۸ در چهل سالگی دعوت حق را اجابت گفت و بجوار خدای شتافت و عالم علم و ادب را داغدار کرد و دانشمندان وی را مرثیه ها گفتند و در مفارقتش نالها نمودند و وی چون وی کسی که دارای چنین فضایل و کمالاتی بوده نمرده و هرگز نخواهد مرد. پس از بیاناتیکه ترجمه فوق مختصری از آنها بود ثعالبی قسمتی از منشآت و رسائل و اشعار وی را نقل نموده و از آنها چندین مکتبه شیرین و متین میباشد که میان بدیع و **خوارزمی** ردّ و بدل شده و کاغذی است که باستاد خویش **ابن فارس** نوشته و خود و اهل خراسان را نثرأ هجا کرده و یاقوت در معجم الادباء ج ۱ ص ۹۴ مطالبی را که ثعالبی در باره بدیع الزمان نگاشته مختصر کرده و آورده و قسمتی از آثاری که در آن کتاب است نیز در این کتاب میباشد و بر مطالب آن چندان چیزی نیفزوده جز اینکه گوید: در نقل حدیث ثقة بوده، و با شعری بودن متهم گردیده و اهل حدیث و سنت را متعصب بوده و همدان پس از وی چون او را بوجود نیاورده و در ۱۳ جمادی الاخر سال ۳۵۸ تولّد یافته است. و در این خلکان است که کویند بمرض سکنه دفن گردید و در قبر بهوش آمد ناله و افغان آغاز نمود چون قبر را شکافتند دیدند که دست بر ریش خویش گرفته و جان داده است.

و بعضی نوشته اند که آخر عمر دیوانه شد و در همان حالت بمرد. مؤلفاتی که از ایشان مشهور است یکی **دیوان اشعار** و دیگری رسائلی که بنام رسائل بدیع الزمان معروف میباشد (در ج ۱ کشف الظنون ص ۱۴۸ کتابی بنام «امالی بدیع الهمدانی» میباشد ظاهرأ همین رسائل باشد و اسمی از رسائل وی چون دیوان او در این کتاب نیست) و این مقامات است که همه را در مصر چاپ کرده اند.

مقامات بدیع الزمان چنانکه ذکر گردید قدیمترین مقاماتی است که انشاء شده (۱) و همه دانشمندان برتری آنرا ایمان دارند و مشتمل بر مقاماتی شیرین و روان و متضمن مطالب عالیّه و مضامین بسیار لطیف میباشد و در آنها اشعاری صاحب مقامات از خود آورده و نیز با شعار دیگران استشهاداتی نموده است و مکرّر در ایران و مصر و هندوستان و قسمتی از آن در اروپا چاپ شده و مرحوم شیخ محمد عبده که از افاضل قرن اخیر کشور مصر بوده بشرح کلمات و عبارات مشکله آن پرداخته و در ذیل اصل آن مکرّر چاپ شده و نیز با ترجمه انگلیسی آن بسال ۱۹۱۳ م. در مدرّس که یکی از شهرهای هندوستان میباشد چاپ گردیده است.

آغاز: بسملة المقامة الاولى حدثنا عيسى بن هشام قال دخلت البصرة وانا من سنّی فی فناء و من الزّیّ فی حبر و وشاء الخ (۲).

انجام: ان یقم یحك لنا خرطوم فیل فی انتصابه (۳).

(۷۹۱)

مقامات

این نسخه را بخط خیلی خوب علی محمد بن ابوالقاسم در سال ۱۲۷۷ بر حسب امر سیف الملک عباسقلیخان نوری نوشته ترجمه پارسی پاره‌ای از کلمات در ذیل آنها نیز بخط نسخ نگاشته شده، دارای سر لوح بسیار زیبائی میباشد و صفحات مجدول بطلا و شجر ف و زنگار گردیده و زیر سطور برای ترجمه با طلا سطر بندی شده و پیش از حد ثنائی مذکور در فوق

(۱) صاحب روضات الجنات در باره بدیع الزمان همدانی گوید: از اجله شعرا و نویسندگان امامیه بوده، در صورتیکه جز صاحب امل الامل و منتهی المقال و بس از ایشان صاحب هدیه الاحباب او را از این دسته و طائفه ندانسته و خود صاحب روضات هم چون ویرادر فصل علماء مخالفین ذکر کرده معلوم میشود باین مطالب ایمان نداشته و در کتابی دیگر هم این نسبت را ندیده ام حتی صاحب مجالس المؤمنین هم که با دقت و وسکافی از آثار اشخاص تشیع و امامی بودن آنها را بدست آورده و بر همه آقایان مقدم است اثری از تشیع بدیع الزمان نیافته و از این رو ویرا در عدد علماء شیعه ذکر نکرده است.

(۲) این آغاز را از روی نسخه خطی ذیل و نسخه چاپ طهران نقل نمودیم ولی آغاز نسخه در جاب شیخ محمد عبده اینست: اللقمة القریبة حدثنا عيسى بن هشام قال: طرحتی النوی مطارحها حتی اذا وطئت جرجان الاقصی الخ.

(۳) انجام نسخه مدرسه اینست: مقامة اخرى قال رای الحجاج اعرابياً واقفاً علی منرعة فقال تعیب و هذا الوجه فضحك و لولا ضیاعه بالطائف تم. و انجام نسخه جاب شیخ محمد عبده این عبارتست: (و حلف لارکب حصاناً ولا تزوج حصاناً. تم زوج ابنة عمه لابنه) و این آخرین جمله از مقامه بشرویه است و عبارتی که در مقابل انجام بالا نوشته شده از نسخه چاپ طهران نقل گردیده است.

این جمل نوشته شده: بسمله الحمد لله علی جزیل نعماته، ممّا املاهما الاستاد ابو الفضل احمد بن الحسين الهمدانی و رواها عن عیسی بن هشام عن ابو الفتح الاسکندری مقامة حد ثنا الخ. جلد ساغری سوخته طلائی. کاغذ سمرقندی. واقف سیه سالار. قطع ربعی. شماره اوراق (۱۲۰). صفحه (۹) سطر. طول (۱۹ سانتیمتر). عرض (۱۲ سانتیمتر). ضمیمه شماره (۳۳۵۰) کتابخانه است.

### [۳۳۰] مقامات حریری (عربی)

منشی این مقالات حریری ره است که در ص ۱۹-۲۱ بشرح حال ایشان پرداخته ایم و این کتاب یکی از کتب معروفه و با اینکه چندان بزرگ نیست مشتمل بر بسیاری از لغات و امثال و رموز و اسرار کلام عرب میباشد و جارالله زنجشیری مفسر و ادیب معروف در وصف این کتاب گوید:

أَقْسِمُ بِاللَّهِ وَ آيَاتِهِ  
وَمَشَعَرِ الْحَجِّ وَمِيقَاتِهِ  
إِنَّ الْحَرِيرِيَّ حَرِيٌّ بِأَنَّ  
تُكْتَبَ بِالْتَّبِيرِ مَقَامَاتِهِ

ابن خلکان در سبب تألیف کتاب گوید:

(ص ۴۱۹ ج ۱) فرزند حریری ابو القاسم عبدالله گفته روزی پدرم در مسجد بنی حرام ایستاده بود ناگاه پیرمردیکه خود را با دو پلاس کهنه پوشیده بود داخل گردید، بر او آثار سفر پیدا بود و آشفتگی احوال داشت ولی کلامش فصیح و نیکو بیانی داشت از او پرسیدند از کجائی گفت از سروج، گفتند کنبه نو چیست، گفت ابو زید، پس از این پیش آمد، پدرم مقامه معروفه بجرامیه را که مقامه چهل و دوم از این مقامات میباشد بنام ابو زید ساخت، در میان دانشندان خراسان منتشر گشت تا بگوش شرف الدین ابونصر افوشیروان بن محمد بن خالد بن محمد کاشانی وزیر المسترشد بالله رسید، چون آن مقامه را از نظر گذرانید در نظرش جلوه ای بسزا نمود و پدرم را وادار کرد که مقامات دیگری بر آن بیفزاید او امثال نمود و در پنجاه مقامه با تمام رسانید (اشاره به همین وزیر است که حریری خود در خطبه مقامات گوید: فَأَنَارَ مِنْ إِسَارَتِهِ حُكْمَ وَطَاعَتِهِ غُثْمَ إِلِيَّ أَنْ أُلْسِيْ مَقَامَاتٍ أَتْلُوْهَا تَلَوَّاتٍ بَدِيعٍ وَإِنْ لَمْ يَدْرِكِ الطَّالِعُ سَاوَأَ الصَّالِحِ). ابن خلکان گوید آنچه نقل کردید در چندین تاریخ دیده ام ولی در سال شمس و پنجاه و شش در شهر قاهره (مصر) نسخه ای از این کتاب مقامات را مشاهده نمودم که تمام آن بخط حریری بود و در پشت آن بخط خود نگاشته بود که این کتاب را برای جمال الدین عمید الدوله ابوعلی حسن بن ابو العز علی بن صدقه وزیر المسترشد تصنیف نمودم. و شکی در آن نیست که این مطلب راست تر از این است که برای افوشیروان وزیر تصنیف شده باشد چرا که این را مؤلف بخط خویش نگاشته است و جمال الدین وزیر مذکور در سال ۵۲۲ هجری وفات کرده است.

و در بعضی از مجموعهات دیده ام که مؤلف بدوا این کتاب را در چهل مقامه مرتب نمود و آنرا با خود بغداد آورد و برداشتمندان عرضه داشت، جمعی از اهل دانش و را منکر شدند که از تو نیست و تألیف یکی از فضلاء مغرب بوده و بدست تو اقتاده وی گفت نه چنین است و خود بتألیف

آن پرداخته ام، وزیر اورا خواست و از وی پرسید چه کاره ای گفت منشی ام، وی برای آزمایش قضیه ای را بدو گفت و خواست که آنرا انشائی کند، دوات و قلم را برداشت و بگوشه ای از عمارت رفت و آنچه قلم را گردانیده اهمیت مجلس اورا گرفت و توانست چیزی بنگارد.

آری چه نیکو گفته است سعدی :

اگر هر هفت سیم از بر بخوانی      چو آشتی الف از با ندانی).

چون بنصره برگشت ده مقامه دیگر بر آن چهل مقامه اضافه نمود و ببغداد فرستاد و از آن حادثه که در اثر مهابت مجلس برایش پیش آمده بود معذرت خواست و انوشیروان وزیر مذکور مردی دانشمند و بزرگ بود و بر کتابی در تاریخ بنام «صدور زمان الفتور و فتور زمان الصدور» میباشد و عماد اصفهانی در کتاب «نصرة الفترة وعصرة القطرة» که در تاریخ دولت سلجوقی میباشد از آن نقلهای بسیار نموده و این وزیر در سال ۵۳۲ وفات یافته است.

و بر این مقامات شروح بسیار نوشته شده که بعضی از آنها مختصر و پاره ای مفصل اند، انتهی کلام این خلکان، صاحب کشف الظنون (درص ۴۹۶ تا ۴۹۸ ج ۲) بذکر شروح این کتاب پرداخته و حضرت استادی آقای میرزا محمد طاهر تنکابنی دام ظلّه فرماید که در پاره ای از کتب نقلیهائی از شرح مقامات حریری تألیف مظهر الدین شیرازی معاصر قاضی عضدایجی (متوفی بسال ۷۵۶) دیده اند. صاحب کشف الظنون نامی از این شرح نبرده است.

صاحب بغیة الوعاة گوید که یکی از شاگردان در موقعیکه خدمت حریری مقامات را میخواند کلمه شعثامعبراً را در این شعر :

يَا أَهْلَ دَالَمَعْنَى وَقَيْتُمْ شَرًّا      وَلَا لَقَيْتُمْ مَا بَقَيْتُمْ ضَرًّا  
قَدْ رَفَعَ اللَّيْلُ الَّذِي اكْفَهَرَّا      إِلَى ذَرَاكُمُ شَعَثًا مُعْبَرَّا

بدین نحو «سقباً معتراً» خواند که معنی مصراع اخیر بطرز اصلی این است :  
بآستان مرتفع و بلند شما ژولیده حال گرد آلودی را آورد. و بطور تصحیف شده چنین است : گرسنه ای را که سؤال نمیکند بآستان بلند شما کشاند.

حریری مقداری اندیشه نمود پس از آن گفت حق باتو است و بدینگونه که تو تصحیف کرده ای بهتر از اصل است ولی چون تاکنون هفتصد نسخه از این کتاب را بر من خوانده اند و بر تمام آنها تصدیق نوشته ام آن را تغییر نمیدهم نخستین کس که بشرح مقامات حریری پرداخته ابو الحسن بیهقی میباشد و در فهرست مؤلفات او تذکر داده شده است.

و در ص ۲۳۹ تاریخ الآداب العربی نوشته شده که بیش از بیست نفر از مستشرقین فرانسوی و آلمانی و انگلیسی مقامات حریری را ترجمه کرده اند و ترجمه انگلیسی آن بسال ۱۸۵۰ و ترجمه لائینی



بسال ۱۸۳۲ م چاپ شده و بسال ۱۲۶۳ به فارسی (ویش از این سال ترجمه شده) و نیز بترکی ترجمه و در اسلامبول چاپ شده است و اینک با شرحی که رئیس مستشرقین سلف سلفستر (سیلستر) دسائی بسال ۱۸۲۲ بر آن نوشته در مدارس عالیّه اروپا تدریس میگردد.

مقامات حریری در مصر و ایران و اروپا و هندوستان با ترجمه فارسی آن مکرر چاپ شده  
آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم انما نحمدك على ما علمتنا من البيان والهمت من التبيان الخ.

(۷۹۲)

این نسخه که نیز مشتمل بر تمام کتابست بخط نسخ خیلی  
مقامات حریری خوب در سال ۱۲۳۶ نگاشته شده و ترجمه فارسی عبارات

در ذیل آنها بخط شکسته نستعلیق خیلی خوب باشعرف نیز در همان سال تحریر گردیده، کاتب از خود نام نبرده و نام کسیکه این نسخه بامر او نوشته شده در آخرین صفحه بوده آنرا محو کرده اند و در حاشیه پاره‌ای از صفحات مطالبی که شارح مشکلات کتابست بدون امضاء میباشد.

جلد روغنی زر افشان، کاغذ فرنگی مهره زده، واقف سیه سالار، قطع رحلی، شماره اوراق (۱۶۲). صفحه (۴۱ سطر). طول (۲۸ سانتیمتر). عرض (۱۹ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۲۵۸).

(۷۹۳)

این نسخه را که مشتمل بر تمام کتاب است در سال ۱۲۵۵  
مقامات حریری بخط نسخ خوبی عبدالله المحمّديه نگاشته، پس از آن در سال

۱۲۵۷ سید ابوالقاسم نائینی ترجمه فارسی آنرا در زیر هر سطر بخط نستعلیق تحریر نموده، پشت صفحه آخر و ورق بعد از آن آیاتی از قرآن کریم نقل گردیده و شرح قصیده برده که در فصل دواوین از آن یاد خواهیم نمود ضمیمه این نسخه میباشد.

جلد تیماجی، کاغذ فرنگی مهره زده، واقف سیه سالار، قطع رحلی، شماره اوراق ۳۱۵ (۱۶۳). اوراق مقامات (۱۴۹). صفحه (۱۲) سطر. طول (۳۰ ¼ سانتیمتر). عرض (۲۱) سانتیمتر. شماره کتابخانه (۳۲۵۷).

(۷۹۴)

این نسخه که مشتمل بر چهل مقامه میباشد بخط نسخ بدی در  
مقامات حریری سال ۱۲۶۷ نگاشته شده و کاتب نامی از خود نبرده، ترجمه

پاره‌ای از لغات و کلمات بخط نستعلیق در زیر آنها تحریر گردیده و پشت صفحه

اول کتاب شرحی بوده آنرا محو کرده اند .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۱۴۲) . صفحه (۱۵) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۲۵۶) .  
(۷۹۵)

این نسخه بخط نسخ و نستعلیق نوشته شده ، در حدود ده بیت مقامات حریری از آخر آنرا کاتب نوشته و پشت آخرین صفحه عباراتی نگاشته شده و چنین تصوّر می‌رود که جزء مقامات است ولی از آن نیست ، کاتب نام خود و سال کتابت را تذکر نداده ولی ظاهراً در قرن دوازدهم نوشته شده و بسال ۱۲۳۲ بر مدرسه صدر وقف گردیده و جزء (۳۲۱) شماره کتابهای استکه از آن مدرسه باین کتابخانه آورده شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف میرزا محمد شفیع . قطع وزیری . شماره اوراق (۱۳۸) . صفحه (۱۵) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شماره (۳۰۹) کتب مدرسه صدر .

### [۳۳۱] مقامات حمیدی (فارسی)

مؤلف این کتاب قاضی حمیدالدین محمودی مشهور بحمیدی بلخی ره است (ابوبکر حمیدالدین عمر بن محمودالمحمودی متوفی بسال ۵۵۹) (۱) که از قضات عالیجناب و نویسندگان شهیر نیمه اول قرن ششم بوده و عوفی در ابتداء فصل دوم از لباب الالباب ویرا بینهایت ستوده و در آنجا است :

« اشارات او مقبول و عبارات او منقول در فقه و اصول و نظر بی نظیر و در دقائق رموز فضیلت نافه بصیر و چند رسائل را وسائل حصول مقاصد ساخته است و هریک درمئات بمئاتی است که آب طراوت سحر برده است و بازار حلاوت عمل بدست کساد سپرده یکی از آن جمله مقامات است (همین کتاب) و دیگر « وسیلة العفاة الى الكفاة » و دیگر « حنین المستجير الى حضرة المجير » و دیگر « روضة الرضا فی مدح ابی الرضا » و دیگر « قدح المفنی فی مدح المعنی » و رساله « الاستفاهة الى الاخوان الثلاثة » و « منية الراجي فی الجوهر التاجی » و در هریک داد فضل بداده است و برهان هنر فرا نموده و اگرچه در سخن مراعات سجع کرده چنانکه اهوازی در نثر نازی و امام رشیدالدین و طواط در ترسل فاما جائی که سخن از حد تکلف میگذرد و لطافتی دارد بغایت و اشعار او بغایت لطیف است . »

عوفی پس از بیانات فوق و مختصر دیگری که در مقدم و مؤخر آنست چند

(۱) تاریخ وفات مؤلف در تاریخ ابن اثیر ج ۱۱ ص ۱۲۷ ثبت شده و اسم و لقب و کنیه مؤلف چنانکه نوشته شده در ص ۱۹۸ ج ۱ لباب الالباب چاپ اوقاف گیب مسطور است .

بیت از قصیده‌ای که در مدح **شرف‌الملک** رضی‌الدین ابوالرضا فضل‌الله گفته و چند بیت که در واقعه‌انهازام حشم سلطان سنجر از خطایان در سمرقند سروده آورده است و صاحب مجمع‌الفصحاء در ص ۱۹۷ ج ۱ قسمتی از اشعار سفرنامه مروراً که گفته حمیدی است با ابیاتی که در واقعه لشکر سنجر عوفی آورده بود نقل نموده و در مقامات اشعار عربی و فارسی از مؤلف دیده میشود.

مقامات حمیدی بیست و چهار مقامه (۱) و یکی از کتب نثر فارسی است که از بدو انشاء شهرتی بسزا یافته و نخستین کس که از آن معرفی نموده **نظامی عروضی** در چهار مقاله است که در مقاله اول خویش خواندن این کتاب را چون مقامات بدیع‌الزمان و حریری برای دبیر و نویسنده لازم شمرده (ص ۱۳ طبع برونت) و چنانکه از تحقیقات استاد **علامه قزوینی** دام ظلّه برمی آید تألیف چهار مقاله در سالهای ۵۵۱ و ۵۵۲ بوده و چنانکه پس از این خواهیم گفت در آن سالها هنوز این مقامات بآخر نرسیده بوده و دیگری **سعدورائینی** در مقدمه مرزبان‌نامه (ص ۲ چاپ طهران) است که آنرا کاملاً ستوده و بنا بر تحقیق **علامه قزوینی**

(۱) صاحب کشف‌الظنون در ص ۲ شماره مقامه‌های مقامات حمیدی را ۲۳ تعیین نموده در صورتیکه این کتاب مشتمل بر مقدمه و بیست و چهار مقامه و خاتمه‌ایست، در جمل و کلمات این مقامات رعایت سجع گردیده و در آخرین مقامه که اختصاص بذکر خلفا و جانشینان حضرت پیغمبر خانم صلی‌الله علیه و آله وسلم دارد قسمت اخیر آن نظم عربی و فارسی است خلیفه عصر خود را المستنجد بالله عباسی (از سال ۵۵۵ تا ۵۶۶ خلافت نموده) معرفی کرده و آن ابیات این است:

و مستنجد حرّ کریم خنامه  
إمام الانام الیوم اظهر مفتخر  
و نیز بیارسی گوید:

وز بعد آن رسید به مستنجد آن سریر  
و امروز هست عالم ازو یر جمال و فر  
و چون دانستیم که ابن‌الانیر وفات حمیدی را بسال ۵۵۹ ثبت نموده و در مقدمه مقامات شروع بتألیف را مؤلف خود جادی الاخری ۵۵۱ معین کرده بنا بر این از نقل فوق بدست می‌آید که فراغت از انشاء این مقامات میان سال ۵۵۵ و ۵۵۹ بوده است و اینکه نظامی عروضی در چهار مقاله که بنا بر تحقیق آقای قزوینی بسال ۵۵۲ تألیف شده نامی از این مقامات برده تولید اشکالی نخواهد نمود چرا که ممکن است عروضی قسمتی از مقامات را که تا آنوقت از قلم نویسنده بیرون شده بوده مشاهده نموده و چون آنرا چنانکه هست متین و شایسته تقلید دیده بآنکه طالب دبیری اند مراجعه بدانرا توصیه کرده و مؤلف پس از آن بعد سال مقامات را خاتمه داده است.

تاریخ این مقدمه و اصلاح مرزبان نامه در میان سال ۶۰۷ و ۶۲۲ بوده است (ص ۷۵) مقدمه قزوینی چاپ طهران) و دیگری شاعر مشهور انوری متوفی بسال (۵۷۵) است که این کتاب را چنین ستوده :

هر سخن کو نیست قرآن یا حدیث مصطفی

از مقامات حمیدی گشت اکنون ترهات

و نیز حمیدی را مدائح بسیار گفته چرا که وی انوری را پس از آن حکم نجومی معروف و عدم وقوع آن که مورد حمله عمومی گردیده نگاهداری کرده و از آزار مردمان نجات داده است .

مقامات حمیدی در حدود (۵۰۰۰) بیت کتابت دارد و چند بار در ایران و هندوستان چاپ شده و چون سائر مقامات حکایات آن جعلی و اگر چه بظاهر از دیگری نقل گردیده ولی همه از منشآت خود قاضی حمید الدین بلخی است .

آغاز: بسم الله الحمد لله الذی شرفنا بالعلم الراسخ . . . و سلم تسلیمات کثیرا کثیرا سباسب و ستایش حضرت خداوندی را که بیاراست ارواح ما را بوجود اصل و بییراست اشباح ما را الخ .

انجام: ایزد تعالی ما را و دوستان ما را از عیب جستن یاران و طعن و قدح همکاران نگاهدارد و هذیانات این افسانه های نابوده و سرگذشت های ناشنوده از ما در گذراناد بحق المصطفی محمد و آله الطاهرین و سلم تسلیمات کثیرا .

(۷۹۶)

**مقامات حمیدی** این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده و از ابتداء کتاب تا یک صفحه از مقامه نوزدهم گذشته میباشد و آخرین سطر موجود نسخه این است: (وهر که علّمانه من لدنا علما دانست داند که اساس علم از مدار عرش رفیعتر و از جدار فرش منبع تر .) صفحات بجدول بطلا و لاجورد و در ابتداء هر مقامه سرسوره ظریفی میباشد و ورق اول و آخر نسخه وصالی شده و ظاهراً از خطوط قرن سیزدهم هجری میباشد و بسال ۱۲۷۰ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۷۹) . صفحه (۱۶) سطر . طول (۱۸  $\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر) . عرض (۱۱  $\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۲۶۰) .

### [۳۳۲] مکتوب آخوندزاده (فارسی)

شرح حال آخوند زاده نویسنده این کاغذ را در ص (۲۴-۲۸) این مجلد نگاشته ایم، این مراسله چنانکه در ابتداء آن نگارنده آن تصریح نموده به نویسنده روزنامه ملت (۱) نوشته ، از مطالعه آن معلوم میشود که موجب نگارش آخوندزاده اعتراضی بوده که فیشر معلم اول السنه شرقیه در غرمانیا (ظاهراً مغرب جرمانیا است که مملکت جرمن یا آلمان باشد) بر یکی از آیات فصیده سروش شمس الشعرا داشته که در شماره اول این روزنامه درج شده و آن اینست :

(مطاوعان وی و پیروان عترت وی بمعنی آدمیانند و دیگران حشرات) و گفته است چرا سروش ما را حشرات دانسته و این اعتراض در آخوند زاده تأثیر کرده چون بخانه آمده روزنامه را مطالعه کرده و اعتراضات ذیل را بر روزنامه و نویسنده آن نموده است : اولاً چرا در ابتداء این روزنامه که ملی است عکس مسجد گذارده شده در صورتیکه مسجد شعار همه اهل اسلام است و بایستی شعار ملیت ایرانی یا نقوش تخت جمشید و یا تاج دوازده ترک که از یادگارهای سلاطین صفویه است بوده باشد. ثانیاً چرا در روزنامه ملی شرح حال شعرار می نویسی و مطالب

(۱) این روزنامه ملت اولین روزنامه ایست که بامر ناصرالدین شاه قاجار در طهران منتشر شده و تاریخ شماره اول آن چهاردهم ربیع الاول سال ۱۲۸۳ بوده و تا ۲۰ جمادی الاخری سال ۱۲۸۷ سی و چهار شماره آن انتشار یافته و در هر شماره شرح حال و ذکر بعضی از آثار شعرای معاصر یا گذشته پرداخته شده و مقارن همین تاریخ دو روزنامه دیگر انتشار داشته یکی نام روزنامه علمی و دیگری بنام روزنامه دولتی و بگفته دانشمند معاصر آقای تربیت در ص ۷ دانشمندان آذربایجان تحت نظر مرحوم اقتصاد السلطنه بوده است و مرحوم اقتصاد السلطنه پشت نسخه این مکتوب بسال ۱۲۸۵ نوشته اند : رساله ایست که ملا قاجار علی آخوند زاده بحر حرم حکیم سامانی نوشته داخل کتابخانه .... گردیده . و در ص ۲۰۲ مجمع الفصحاء و ص ۲۰۴ المآثر و الآثار سامانی را محمد حسن بن قآ آبی شبرازی معرفی کرده اند و گویند جوانی خوش قریحه و باذوق بود و در جوانی بسال ۱۲۸۵ بهار عمرش خزان گشت . و از مکتوب مرتضی قلیخان که پس از این مکتوب می آید چنین فهمیده میشود که مرتضی قلیخان هم جزء نویسندگان روزنامه ملت بوده است . نسخه ای از شماره های روزنامه ملت بشماره (۱۴۸۱) و شماره های روزنامه دولتی بشماره (۱۴۷۹) و شماره های روزنامه علمی بشماره (۱۴۸۰) در این کتابخانه موجود است .

عام المنفعة که موجب تشریح اذهان و دارای نتایج اجتماعی است نمی نگارید .  
**ثالثاً** چرا سر و شمس الشعر آء نسب خود را با میر نجم ثانی منتسب میدانند، و شرحی مبتنی بر عدم لیاقت امیر نجم با ستشهاد از تاریخ حبیب السیر و متمم روضة الصفا نگاشته .  
**رابعاً** در بیان اینکه اشعار این شاعر موافق قواعد علمی از جنبه اعتدال و صحت خارج است و دارای حسن مضمون و الفاظ نیست و بعلاوه دارای الفاظی است که در شعر آوردن آنها خوب نیست چون : عزّ وجلّ ، علیهم الصلوات ، عزّی ولات ، مرآت ، مابقی ، ترهات ، عقارب و حیّات ، خیرات ، تحرک ، حشرات ، دودو ، معترف ، هدیه و **بضاعت مزجات** و بعضی از ابیات قصیده سر و شمس را که بنظر او خلل وزنی داشته در ذیل این بیانات نقل نموده و در پایان این قسمت اعتراض کرده که چرا چنین شخصی را شمس الشعراء لقب دهند تا عصر و دوره را نگین کنند و آنانکه این آثار را مشاهده می کنند بگویند این که شمس شعراء است دیگران حالشان معلوم خواهد بود . اعتراض دیگر این بوده چرا روزنامه در چاپخانه سنگی چاپ شده و بایستی با حروف باشد و این مکتوب در حدود ( ۵۷۰ ) بیت کتابت دارد .

**آغاز :** قریتکا بمنشی روزنامه ملت سنیه ایران مکتوب است برادر مکرم من از تاریخ یوم جمعه چهاردهم ربیع الاول سنه ۱۲۸۳ در شهر تفلیس روزنامه ملت ایران و اصل شده بتقریبی که در ذیل ذکر خواهد شد الخ .

**انجام :** هم خودت بمنافع و افره نائل خواهی شد و هم بملت فوائد کثیره خواهی رساند خدا حافظ تو باد فی ۱۷ شهر رمضان پارس ثبل ۱۲۸۳ در تفلیس تحریر شد .

( ۷۹۷ )

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۸۳ نگاشته شده و با نسخه  
 اصل مقابله گردیده ، در سال ۱۲۸۵ چنانکه پست ورق اول  
 بادداشت گردیده داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و در  
 سال ۱۲۹۷ سبّه سالار آنرا بر این کتابخانه وقف کرده اند .

جلد مقوائی . کاغذ فرنکی . واقف سبّه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۲۵ ) . صفحه ( ۱۲ )  
 سطر . طول ( ۲۱  $\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۱۸ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۷۷۶ ) .

مکتوب  
 آخوندزاده

جلد نهمای . کاغذ فرنگی . واقف سهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۷۹) . صفحه (۱۶) سطر . طول (۱۸¼ سانتیمتر) . عرض (۱۱¼ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۲۶۰) .

### [۳۳۲] مکتوب آخوندزاده (فارسی)

شرح حال آخوند زاده نویسنده این کاغذ را در ص (۲۴-۲۸) این مجلد نگاشته ایم، این مراسله چنانکه در ابتداء آن نگارنده آن تصریح نموده به نویسنده روزنامه ملت (۱) نوشته، از مطالعه آن معلوم میشود که موجب نگارش آخوندزاده اعتراضی بوده که فیشر معلم اول السنه شرقیه در غربانیا (ظاهراً مغرب جرمانیا است که مملکت جرمن یا آلمان باشد) بر یکی از ابیات قصیده سروش شمس الشعرا داشته که در شماره اول این روزنامه درج شده و آن اینست:

(مطاولعان وی و پیروان عترت وی بمعنی آدمیانند و دیگران حشرات) و گفته است چرا سروش ما را حشرات دانسته و این اعتراض در آخوند زاده تأثیر کرده چون بخانه آمده روزنامه را مطالعه کرده و اعتراضات ذیل را بر روزنامه و نویسنده آن نموده است: **اولاً** چرا در ابتداء این روزنامه که ملی است عکس مسجد گدارده شده در صورتیکه مسجد شعار همه اهل اسلام است و بایستی شعار ملیت ایرانی یا نقوش تخت جمشید و یا تاج دوازده ترک که از یادگارهای سلاطین صفویه است بوده باشد. **ثانیاً** چرا در روزنامه ملی شرح حال شعرا را می نویسی و مطالب

(۱) این روزنامه ملت اولین روزنامه ایست که بامر ناصرالدین شاه قاجار در خیران منتشر شده و تاریخ شماره اول آن چهاردهم ربیع الاول سال ۱۲۸۳ بوده و ۲۰ تا ۲۰۰۰ جمادی الاخری سال ۱۲۸۷ سی و چهار شماره آن انتشار یافته و در هر شماره بشرح حال و ذکر بعضی از آثار شعری معاصر یا گذشته پرداخته شده و مقارن همین تاریخ دو روزنامه دیگر انتشار داشته یکی بنام روزنامه علمی و دیگری بنام روزنامه دولتی و بگفته دانشمند معاصر آقای تربیت در ۷۰ دانشمندان آذربایجان تحت نظام مرحوم اعتضاد السلطنه بوده است و مرحوم اعتضاد السلطنه بشت نسخه این مکتوب سال ۱۲۸۵ نوشته اند: رساله ایست که ملا فتحعلی آخوند زاده به مرحوم حکیم سامانی نوشته داخل کتابخانه .... گردیده و در ص ۲۰۲ ج ۲ مجمع الفصحاء و ص ۲۰۴ المآثر و الآثار سامانی را محمد حسن بن ق آبی شیرازی معرفی کرده اند و گویند جوانی خوش قریحه و با ذوق بود و در جوانی سال ۱۲۸۵ بهار عمرش خزان گشت. و از مکتوب مرتضی قلیخان که پس از این مکتوب می آید چنین فهمیده میشود که مرتضی قلیخان هم جزء نویسندگان روزنامه ملت بوده است. نسخه ای از شماردهای روزنامه ملت بشماره (۱۴۸۱) و شماره های روزنامه دولتی بشماره (۱۴۷۹) و شماردهای روزنامه علمی شماره (۱۴۸۰) در این کتابخانه موجود است.

عام المنفعة که موجب تشریح اذهان و دارای نتایج اجتماعی است نمی نگارید .  
**ناتشاً** چرا سروش شمس الشعر آنسب خود را با میر نجم ثانی منتسب میداند، و شرحی مبتنی  
 بر عدم لیاقت امیر نجم با ستشهاد از تاریخ حبیب السیر و متمم روضة الصفا نگاشته .  
**رابعاً** در بیان اینکه اشعار این شاعر موافق قواعد علمی از جنبه اعتدال و صحت  
 خارج است و دارای حسن مضمون و الفاظ نیست و بعلاوه دارای الفاظی است  
 که در شعر آوردن آنها خوب نیست چون : عز وجل ، علیهم الصلوات ، عزّی  
 ولات ، مرآت ، مابقی ، ترهات ، عقارب و حبّات ، خیرات ، تحرّك ، حشرات ،  
 دهودو ، معترف ، هدیه و **بضاعت مزجات** و بعضی از ابیات قصیده سروش را که بنظر او  
 خلل وزنی داشته در ذیل این بیانات نقل نموده و در پایان این قسمت اعتراض کرده  
 که چرا چنین شخصی را شمس الشعراء لقب دهند تا عصر و دوره را ننگین کنند  
 و آنانکه ابن آثار را مشاهده می کنند بگویند این که شمس شعراء است دیگران  
 حالشان معلوم خواهد بود . اعتراض دیگر این بوده چرا روزنامه در چاپخانه  
 سنگی چاپ شده و بایستی با حروف باشد و این مکتوب در حدود ( ۵۷۰ ) بیت  
 کتابت دارد .

**آغاز :** قریتکا بمنشی روزنامه ملّت سنّیه ایران مکتوب است برادر مکرّم من  
 از تاریخ یوم جمعه چهاردهم ربیع الاول سنّه ۱۲۸۳ در شهر تفلیس روزنامه ملّت  
 ایران واصل شده بتقریبی که در ذیل ذکر خواهد شد الخ .

**انجام :** هم خودت بمنافع و افره نائل خواهی شد و هم بملّت فوائد کثیره خواهی  
 رساند خدا حافظ تو باد فی ۱۷ شهر رمضان پارس ثیل ۱۲۸۳ در تفلیس تحریر شد .

( ۷۹۷ )

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۸۳ نگاشته شده و با نسخه  
 اصل مقابله گردیده ، در سال ۱۲۸۵ چنانکه پشت ورق اوّل  
 یادداشت گردیده داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و در

مکتوب  
 آخوندزاده

سال ۱۲۹۷ سبّه سالار آنرا بر این کتابخانه وقف کرده اند .

جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . واقف سبّه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۲۵ ) . صفحه ( ۱۲ )  
 سطر . طول ( ۲۱ - ۱ ) سانتیمتر ) . عرض ( ۱۸ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۷۷۶ ) .



## [ ۳۳۲ ] مکتوب مرتضی قلیخان (فارسی)

مرتضی قلیخان پسر میرزا علیمحمد خان نظام الدوله و از حفیده محمدحسینخان صدراعظم اصفهانی است که در طهران متوطن بوده و بسال ۱۳۰۶ در همانجا وفات نموده و در فنون ادبیه و علوم عربیه و نظم و نثر عربی و فارسی از دانشمندان و اساتید بشمار میآمده و کتاب **جمرات** و اشعه قدسیه از او است (المآثر والآثار ص ۲۲۶).

چنانکه مرحوم اعتضاد السلطنه پشت نسخه ذیل در ۱۲۸۵ که همان سال نگارش این مکتوب است نگاشته اند، این مکتوب بقلم مرتضی قلیخان است. و ما با تفحص و استعمال یقین کردیم که در او آخر قرن سیزدهم مرتضی قلیخان دانشمند و ادیب همین شخص است که ترجمه او را از المآثر والآثار نقل نمودیم. و این مکتوب جواب مکتوب آخوند زاده است که پیش از این بشرح آن پرداختیم و منشی این مکتوب برادر مندرجات آن اقامه دلیل و برهان نموده و ثابت کرده که آخوند زاده ندانسته اعتراض نموده و پس از جواب يك بیک اعتراضات وی را با دلیل و برهان دفع کرده و اغلاط مکتوب او را در جدولی با ذکر صحیح آنها مرتب نموده و این مکتوب در حدود (۵۰۰) بیت است.

آغاز: بسم الله عزّ سبحانه - در جواب مکتوب کاتب فائق از بر سبیل عجالت و ایجاز مرقوم شده، بتاريخ روز پنجشنبه دوازدهم شهر صفر ۱۲۸۵ **الْأَزَالُ مَقْرُونًا بِالْأَمْنِ وَالظُّقْرِ**، نگارش محبت گذارش حاوی مرانب مشفقانه و نصائح دوستانه که محض مودّت و خلوص طویّت از مخزن فکرت جلوه ظهور نموده برده و ورود گشود. الخ.

**انجام:** ولی داعی کلی بر این التزام و تطویل کلام هدایت حیرت زده صحرای لاغسرائی و ارشاد گم گشته بادیه خود نمائی است که من بعد گرد چنین کاری نگشته تحصیل علوم را الزام داشته خود و دیگران را از صرف عمر بادهوی فرهنگ و هوش باعتراض و طرد از تعمر شمس الشعراء سروش محفوظ و مصون داشته باشد،

هَذَا وَأَنَا أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الْعَظِيمَ أَلَوْ هَابَ مِنْ أَنْ أَكُونَ مِمَّا رَسَمْتَهُ فِي هَذَا الْبَابِ ..  
وَلَوْلَا مَا قَصَدْتُ بِهِ مِنَ الْإِرْشَادِ إِلَى نَهْجِ النَّجَاحِ وَالْإِصْلَاحِ مَا اسْتَطَعْتُ  
وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ لَسَرَّكْتُ إِرْسَالَ الْجَوَابِ عَنْ هَذَا الْكِتَابِ وَحَسَمْتُ  
الْكَلَامَ عَنْ مِثْلِ هَذَا الْمَرَامِ وَالسَّلَامُ عَلَى أَهْلِ السَّلَامِ .

(۷۹۸)

مکتوب

مر تفضی قلیخان

این نسخه بخط نستعلیق نگاشته شده ، کاتب از خود و سال  
کتابت نام نبرده ، در سال ۱۲۸۵ که همان سال انشاء آن است  
داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده ، قسمتی از شواهد  
مطالب نگاشته نشده و چنین بنظر میرسد که مخصوصاً برای مرحوم اعتضاد السلطنه  
این نسخه را نوشته اند .

جلد مقوائی . کاغذ روسکی . قطع خشتی . واقف سپهسالار . شماره اوراق (۲۳۱) . صفحه (۱۲)  
سطر . طول (  $20 \frac{1}{4}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۱۷ سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۲۷۸۰ ) .

[ ۳۳۴ ] مناظر الانشاء ( فارسی )

مؤلف این کتاب چنانکه خود در مقدمه بدان تصریح نموده محمود بن شیخ محمد  
گیلانی ره است که از فضلا و دانشمندان معاصر با عبدالرحمن جامی شاعر و ادیب  
و عارف معروف بوده و راجع باین مؤلف فقط شرحی ذیل شهر گیلان در تذکره  
هفت اقلیم یافت شد که مختصرش این است : خواجه نجم الدین مشهور بخواجه جهان  
در جوانی سیاحت را بر اقامت رجحان داده و بسیاری از شهرهای کشورها را گردش  
نموده تا در خدمت سلطان محمد لشکری که بر سریر سلطنت دکن متکی بود  
رسید ، در اندک روزی اعتبار بسیار بهم رسانیده بخطاب **خواجه جهانی** ممتاز  
گردید و بتدریج مهمش بجائی انجامید که محسود همگان گشت و بکاغذی ساختگی  
او را از نظر شاه انداخته و بکشتن دادند ،

از آن وزیر نیکو تقریر رساله ایست در انشاء که امروز بین الجمهور متداول  
و مشهور است و در طبقات اکبری آمده که خواجه محمود در ایام دولت خود

با فاضل عراق و خراسان همیشه هدیه و تحفه میفرستاده و قتی بجهت مولانا عبدالرحمن جامی ارمغانی چند فرستاده بود مولانا شکر عطیۀ او را بقصیده‌ای مقابله کرده که مطلعش این است :

مرحبا ای قاصد ملک معانی مرحبا      الصلاکین جان و دل نزل تو کردم الصلا .  
و بر اثر آن خواجه جهان غزلی برای جامی فرستاده که این دو بیت از آن جمله است :  
جامی اشعار دلاویز تو جنسی است نفیس  
بود از حسن ادا لطف معانی یارش  
همره قافله هند روان کن که رسد

شرف مهر قبول از ملک التجارش . انتهى .  
صاحب کشف الظنون ( ج ۲ ص ۵۲۵ ) این کتاب را نام برده و در باره وی و مؤلف آن گوید :

« مناظر الانشاء » فارسی مختصری است و مؤلف آن محمود بن شیخ محمد گیلانی معروف بخواجه جهان میباشد و آن را بر مقدمه و دو مقاله و خاتمه‌ای ترتیب داده و از کتابهای سودمند است صاحب آن از مشاهیر دبا و دارای مال و دارائی زیاد بوده و بخشش‌های او از هند بدانشمندان روم و ایران میرسید و در آنجا مقام وزارت داشته است . انتهى .

و جز در این دو مأخذ از این مؤلف نامی و ترجمه‌ای نیافته‌ام و از اینکه در این کتاب از جامی ( عبد الرحمن ۸۱۷-۸۹۸ ) مکرر با ترجمه بر وی نام برده و از رساله عروض و قافیه و حیددی تبریزی متوفی سال ۹۴۲ هم نقل نموده و مؤلف آنرا بنام « مولانا حیددی » بدون ترجمه بر وی ذکر نموده، معلوم میشود که نألف این کتاب در اوایل قرن دهم هجری و ظاهراً بیش از سال ۹۴۲ با انجام رسیده و از سید محمد عصار تبریزی متوفی سال ۸۹۲ نیز یاد نموده ( ص ۹۶ نسخه ذیل ) و ظاهراً خواجه جهان چنانکه از مطاوی این کتاب مستفاد میشود بر طریقه‌ای از طرق چهار گانه اهل سنت میرفته و تا اواسط این قرن حیات داشته است . ( در یادداشت‌های دانشمند محترم

و متبّع معاصر آقای تربیت (محمد علی) چنین دیدم که شیخ محمود معروف به  
خواجه جهان بسال ۹۶۲ وفات یافته و در جای دیگر این ضبط را نیافته‌ام).  
از سایر حالات و مؤلفات این مؤلف اطلاع کافی در دست نیست جز اینکه در  
ص ۲۲۴ نسخه این کتابخانه تفصیل مطالب را بکتاب «ریاض الانشاء» حواله  
نموده و صاحب کشف الظنون نیز این کتاب را از مؤلفات وی دانسته و از کیفیت  
عبارات صفحه مذکور این نسبت تأیید میشود. و نیز در ص ۱۸۹ همین نسخه  
مؤلف گوید: این فقیر در عنفوان شباب ابکار اشعار انوری و کمال اسمعیل و سلمان  
را حلال نشر پوشانیده است و طبع سقیم خود را از جام تشیر شعر ایشان صهبای قوت  
و قدرت انشا نوشانیده.

**مناظر الانشاء** چنانکه صاحب کشف الظنون بیان نمود بر مقدمه و دو مقاله  
و خاتمه‌ای مرتب شده و در فنّ انشاء است، مؤلف بمناسبت بسیاری از مطالب علم  
معانی و بیان و بدیع را ذکر نموده و با شعار و کلمات بزرگان گذشته و معاصر از  
عرب و عجم چون متنبی و حریری و سعدی و حافظ و ظهیر فاریابی و غیرهم استشهاد  
نموده و گاهی از شعر و نظم خویش آورده و این دوببت از اوست:

علم است چون حیات ابد ای پسر بکوش

وز چشمه حیات خود آب حیات نوش.

.....

از هر دو کون جانرا مأوی دهان اوبس

آری بلا مکان جان دارد همیشه منزل.

و فهرست مطالب این کتاب را از روی خود نسخه ذیلآ مینگارم: **مقدمه**: در  
بیان ماهیت علم انشاء و موضوع و نائدت آن و غیر از اینها و در آن هشت فصل است.  
**مقاله ولی**: در تقسیم کلام بنابر طریقه و روش منشیان و در آن چهار **منظر** است.  
**مقاله دوم**: در بیان اقسام ارکان و شرائط آنچه مردم بیکدیگر مینویسند و در آن  
پنج **منظر** است. **خانمه** در بیان ماهیت خطوط و قواعد نگارش کلمات و این مطالب را  
در ذیل هفت قاعده آورده است.

این کتاب در حدود (۵۰۰) بیت کتابت دارد و با اختصارش مشتمل بر مطالبی سودمند و از کتب نفیس این فن میباشد و چنانکه در مقدمه است مؤلف خود آنرا «مناظر الانشاء» نامیده و وحه تسمیه تقسیم دو مقاله آن بر منظری چند میباشد. آغاز: بسمله یا مبدء الانشاء بیسط نور الوجود... اما بعد چنین گوید فقیر جانی محمود بن شیخ محمد گیلانی که بر خاطر پاک و ضمیر درّ الک صدر نشینان محافل ادراک ظاهر و هویدا است که علم انشاء رسائل و خطب از جلائل اقسام اثنی عشر علم ادبست الخ. **انجام:** و لفظ قصص که در پارسی بسین مینویسند و بصاد نیز جائز است و در عربی بحرف صاد مینویسند و بسین (۱) قدّم. این کتاب بدون تاریخ در اسلامبول چاپ شده است.

(۷۹۹)

**مناظر الانشاء** این نسخه بخط نستعلیق خوب نگاشته شده؛ کتاب از خود و سال کتابت نام نبرده ولی ظاهر آن از خطوط قرن دهم هجری میباشد، بر کنار صفحه دوم محمد کاظم بروجردی بحرّی نوشته است: یکی از دوستان در سال (۱۲۴۰) این کتاب را بمن بخشید. برگ اول نسخه و صالی گردیده و بر ورقیکه پس از ختم کتاب سفید بوده اشعاری از صائب نوشته شده و بنام رساله در انشاء بسال ۱۲۷۰ داخل کتابخانه اعتضادیه شده و بهمین نام وقف بر این کتابخانه گردیده است.

جلد جرمی. کاغذ دولت آبادی. واقف سه سالار. قطع ربعی. شماره اوراق (۱۳۳) صفحه ای (۱۳) سطر. طول (۱۷  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر). عرض (۱۲ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۷۹۷).

[ ۳۳۵ ]      نثر اللّٰلی      (عربی)

این کتاب نیز منتخبی از کلمات قصار حضرت مولی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام میباشد و درسی باب بترتیب حروف تهجّی مرتب شده و هر يك از ابواب دارای چندین کلمه از کلمات حکمت آمیز است، جامع و مریّب آن چنانکه پشت نسخه چابی و در مقدمه بعضی از نسخهای خطی مشاهده میگردد حضرت شیخ ابوعلی (۱) در نسخه و بسین نوشته شده و ظاهر آن بلکه مسلماً «نه بسین» بوده و کتاب نالغ نوشته و در نسخه نظائری دارد و بنابراین واو «و در عربی» در عارت فوق بیر رائد است.

طبرسی صاحب **تجمع البیان** رحمة الله علیه است که بسال ۵۴۸ هـ وفات یافته و در ج ۱ ص ۱۰۸ این فهرست بترجمه و شرح بعضی از مؤلفات ایشان پرداخته شده ولی صاحب **روضات** (ص ۵۱۲) در ذیل شرح حال شیخ طبرسی گوید: و نیز از مؤلفات این عالم جلیل بنابر آنچه بایشان نسبت میدهند کتاب **نثر اللالی** است که رساله‌ای مختصر و چون غرر و در آمدی مرتب بترتیب حروف تهجی است و در آن کلمات حضرت علی<sup>ع</sup> جمع آوری شده ولی گمان من این است که این کتاب گرد آورده سید علی بن فضل الله حسینی را و ندی باشد و بر هر تقدیر با «**نثر اللالی**» مؤلفه شیخ محمد بن جمهور الاحسایی که موضوع آن مسائل فقهیه و اخبار می باشد نبایستی آنرا اشتباه نمود **انتهی**.

و صاحب **کشف الحجب و الاستار** این کتاب را (نثر اللالی - کلمات قصار) جزماً به عزالدین سید علی بن فضل الله را و ندی نسبت داده است و شرح حال این سید جلیل را فقط در **هدیه الاحباب** (ص ۱۴۰) در ذیل **راوند** و نام پدر وی یافتم و ترجمه آن این است: سید ابوالحسن عزالدین علی بن ضیاء الدین عالمی دانشمند و فقیهی راستگو و ادیبی اریب و شاعری ادیب است و صاحب تصنیفات زیاد می باشد و سبب علینخان در «**الدرجات الرفیعه**» وی را بدینگونه معرفی میکند: وی بچه شیرینست که شیر روش وی را پیروی میکند و دانش بوی پا برجا است و آنکس که بیدر خویش اقتدا نماید جای دوری نرفته. و نیز در آنجا نوشته شده وی را مدرسه‌ای بزرگ در کاشان است که بر روی زمین مانندی ندارد و در آن بسیاری از علما و دانشمندان و پرهیزکاران و عابدان مسکن دارند و این سید جلیل (سید علی بن فضل الله) تا سال ۵۴۸ هـ زندگانی میکرده است. **انتهی**.

صاحب **وقایع الایام** در حاشیه ص ۴۰۹ ج ۳ بنقل از **ریاض العلماء** گوید که جامع کلمات قصار موسوم به **نثر اللالی** قطب را و ندی است.

چنانکه در ذیل صد کلمه در ص (۶۹) گذشت این کلمات قصار را **عادل هریک** بیک بیت فارسی ترجمه نموده و آغاز و انجامش نیز در آنجا ثبت شده بدانجام راجعه شود. در تحفه سامی کتابی بنام «**نثر اللالی**» به **امیر علی شیر نوائی** نسبت داده شده و این امیر کلمات قصار (نثر اللالی) را **هریک** رباعی ترکی ترجمه نموده و آنرا «**نظام الجواهر**» نامیده و یک رباعی از آنرا در «**بدایع اللغه**» ذیل لغت «**ایلدام**» یافتم.

و نیز این کتاب بنثر فارسی ترجمه گردیده و نسخه خوبی که بخط سید محمد بقا بسال ۱۳۱۲ با سفیداب نوشته شده و اخیراً جزء کتب این کتابخانه گردیده دارای آن است و نامی از مترجم در آن نیست و چون هنوز نظم و ترتیب کتب اخیر تمام نشده خصوصیات آن نسخه را در اینجا نمی آوریم. و بسال ۱۳۱۸ با ترجمه فارسی آن که انشاء کاظم بن محمد گیلانی (فیاسوف الدوله) در همان سال میباشد در طهران چاپ شده است.

نثر اللائی بسال ۱۳۱۲ بضمیمه «اربعین شهید اول» و «شرح حدیث کسا» و «اربعین میر فیض الله حسینی تفرشی» نیز در طهران چاپ سنگی شده است (۱).

آغاز: بسمه حرف الالف. إِيْمَانُ الْمَرْءِ يُعَرِّفُ بِإِيْمَانِهِ .

انجام: يَا أَيُّهَا الْقَلْبُ رَاحَةُ النَّفْسِ، يَسْعَدُ الرَّجُلُ بِمَصَاحِبَةِ السَّعِيدِ (۲).  
(۸۰۰)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده، از اینکه جزء مجموعه ایست که بیشتر رسائل آن بسال ۱۰۷۴ نوشته شده بایستی این نسخه نیز در آن سال نگارش یافته باشد. خصوصیات دیگر این نسخه را بمجموعه شماره (۲۷۹۹) کتابخانه مراجعه نمائید و این کتاب در ص ۲۶ تا ۲۹ آن مجموعه نوشته شده است.

[ ۳۳۶ ] نصایح حضرت امیر (ع) (عربی)

کتاب یا رساله ای که بدین نام در این کتابخانه میباشد عبارت است از کلمات و عبارات منتخبه‌ای از نهج البلاغه و نثر اللالی و غرر الحکم که در نصیحت و موعظه از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام مأثور است و ظاهراً جامع آن همان

۱ - در کشف الحجب آغاز این کتاب پس از بسمله اینگونه نوشته شده: الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین هذا کتاب نثر اللالی الخ. و در نسخه حاشی پس از بسمله چنین است: الحمد لله رب العالمین والصلوة علی محمد خیر المرسلین و آله الطینین الطاهرین اما بعد فهذه کتاب نثر اللالی من کلام امیر المؤمنین و امام المتقین و یعسوب الدین و خلیفه رسول رب العالمین اسد الله القالب علی بن ابی طالب علیه السلام علی ترتیب حروف الهجاء حرف الالف ایمان المرء يعرف بإيمانه.

۲ - در نسخه حاشی ترجمه نثر اللالی عادل از کلمات قصاری که ابتداء برآشده فقط این کلام ذکر شده: ( یرفع المرء بالصدق منازل الکبار ) ولی انجام نثر اللالی چنان است که ملاحظه میشود.

محمد علی جراح نظام نویسنده نسخه است و در حدود ( ۲۰۰ ) بیت کتابت دارد .  
**آغاز :** نصائح حضرت امیر ع ، بسم الله خير الاسماء - اوصی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب ولده الحسین صلوات الله علیهما و علی الائمة الطهار من ذریتهما و سلامه فقال یا بنی اوصیک بتقوی الله الخ .

**انجام :** لایتم مرّو الرجل حتی لایبالی ای طعام اکل و ای ثوب لبس ، حرّره الفقیر الحقیر محمد علی جراح النظام خلف مرحوم عبدالله بیك جراح باشی نظام فی عشر الثالث من شهر رمضان المبارک سنة ۱۲۸۵ .

( ۸۰۱ )

**نصائح** این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب محمد علی جراح نظام بسال ۱۲۸۵ نوشته و در همین سال چنانکه بشت صفحه اول حضرت امیر (ع) یاد داشت گردیده داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و بهمین نام بر این کتابخانه وقف گردیده و مجدول بطلا و لاجورد و شنجراف است .

جلده مقواتی ، کاغذ ترمه . واقف سیه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق ( ۱۵ ) . صفحه ( ۸ ) سطر . طول ( ۱۸ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۲ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۰۵۰ ) .

[ ۳۳۷ ] **نظم الغرر و نضد الدرر** ( فارسی )

عالم جلیل عبدالکریم بن محمد یحیی (۱) قزوینی رحمه الله علیه که از دانشمندان دوره سلطنت شاه سلطان حسین صفوی بوده و بتهنات مندرجات این کتاب و تصریح خود در مقدمه مجلد دوم آن سالها بمطالعه و مباحثه و دقت در اخبار

(۱) بنا بصحط در مقدمه مجلد دوم و مجلد اول که در تبریز موجود است و صاحب وقایع الایام در حاشیه ص ۳۹۶ ج ۲ از آن نقل نموده و ضبط در مقدمه نسخه کتابخانه حضرت رضا سلام الله علیه و نسخه مجلس شورای ملی نام پدر عبدالکریم ، **محمد یحیی** بوده ولی در فهرست رخصویه ص ۱۰۱ ج افضل اخبار خطی **محمد بن یحیی** ثبت شده بنابر آنچه گفته شد کلامه ابن میان محمد و یحیی غلط است و با مراجعه بکتاب روایات و تنقیح المقال و لؤلؤتی الجرین و جامع الرواة و فیض القدسی و مستدرک الوسائل و غیره بنام و شرح حال این عالم و محدث بر نخوردیم . در حاشیه نظم الغرر نسخه مجلس رساله ای نیز از این مؤلف « راجع به ذوالقرنین » میباشد و دارای مطالب زیاد و افسانهائی در حدود ( ۲۵۰ ) بیت میباشد و آغاز آن اینست :

بسمله بدانکه خلافت در میان مفسرین و ارباب سیر که آبانو القرنین اسکندر رومیست یاغیر او الخ . انجام : و ملوک آفاق را مملوک ساخت چگونه خواهید که بیدار نمیکرد و جون خاموش شد که هیچگونه سخن نمیکوید .



ائمه اطهار عليهم صلوات الله في كل ليل و نهار اشتغال داشته ، هنگامیکه تشرّف بآستان حضرت مولی الموالی علی بن ابی طالب علیه سلام الله را یافته (۱) بر آن شده که کلمات قصار آنحضرت را که آمدی ره در غرر الحکم ( از این کتاب و مؤلف آن در ص ۷۶-۷۸ همین مجلد معرفی کرده ایم ) بترتیب حروف تہجی مرتب نموده و بترتیب و مناسبت معنوی میان آن کلمات مبارکات منظم نماید ، خوشبختانه بنا بگفته خویش در مقدمه های مجلدات موجوده موفقیت باین امر یافته و در نود و نه باب بشماره اسماء الله الحسنی این کتاب را تألیف و در ذیل پاره ای از کلمات آیه ای یا آیاتی از قرآن کریم و خبری یا اخباری را که از معصومین ع مناسب مقام بوده نقل نموده و پس از این کار برای استفاده فارسی زبانان بکفایت استفاده از کتب عربی نمیتوانند کرد بترجمه و شرح آن بزبان فارسی پرداخته و گذشته از بیان مراد و معنی آنها قصص و حکایات و آیات مناسبه ای آورده است و تا اینجا که نگارنده تحقیق نموده و بدست آورده پنج مجلد از این شرح و ترجمه که مشتمل بر (۲۰) باب میباشد مسلماً از قلم شارح خارج شده و ذیلاً مجلدات و ابواب آنها ذکر خواهد شد .

فهرست مجلدات و ابواب این کتاب تا حدّیکه پیش نگارنده مسلم است :

**مجلد اول** مشتمل بر سه باب و بدین تفصیل است : **باب اول** در علامات ثبات دول و بقای آن . **باب دوم** در منافع عدالت و مضارّ حور . **باب سوم** در آداب سلوک در خدمت ملوک .

این تقسیم از مقدمه مجلد دوم که اینک در اصفهان موجود است و مالک آن آقای محسن نعمت اللهی دامت نوفیقاته بنمايه آرا بخطّ خویش استنساخ نموده و برای نگارنده فرستاده و رهین امتنانم فرموده اند استعاده گردید و قسمتی که همین این ابواب است از مختصر مقدمه آن که ذیلاً نقل میگردم معلوم خواهد شد و بنابر این مسلم میشود که مجلد اول دارای این مطالب است و ابواب نسخه

( ۱ ) در مقدمه نسخه خراسان باین مطلب تصریح شده و چنانکه در صفحه بعد تذکر داده خواهد شد بعقیده نگارنده این مقدمه مجلد اول و خود نسخه یز مجلد اول از این کتابست و کتاب و مستنسخ اسمی ابواب را غلط نوشته است .

خراسان اگر چه بنام سادس و سابع و ثامن نامیده شده ولی پس از دقت معلوم میشود که نویسنده اول و ثانی و ثالث را تصحیف نموده و برای تأیید خویش فهرست ابواب نسخه خراسان را ذیلاً نقل مینمائیم :

الباب السادس: فی الدَّوْلِ وَ عِلَامَاتِ اِقْبَالِهَا وَ اِدْبَارِهَا وَ زَوَالِهَا وَ اِنْتِقَالِهَا وَ مَا قَارَبَهَا .

الباب السابع: فی مَنَافِعِ الْعَدْلِ وَ الْاِنْصَافِ وَ مَضَارِّ الْجَوْرِ وَ الْبَغْيِ وَ الْاِغْتِسَافِ .

الباب الثامن: فی تَعْلِيمِ السُّلُوكِ فِي خِدْمَةِ الْمُلُوكِ وَ الرِّيَاسَةِ وَ مَا يَتَّعَلَقُ بِالسِّيَاسَةِ .

و از آنچه صاحب وقایع الایام در حاشیه ص ۳۹۶ ج ۳ نگاشته اند بدست میآید که نسخه نبریز نیز قسمتی از مجلد اول و یا تمام آنست و در مرقومه ای که بنگارنده نگاشته اند تصریح نموده که تاریخ تحریر این نسخه سال ۱۱۴۱ و از کتب کتابخانه مرحوم حاج سید علی آقای ایروانی و اینک متعلق به آقای سید عبدالحجّه ایروانی دام عمره میباشد و عبارت وقایع الایام اینست :

و غانم جلیل میرزا عبدالکریم بن محمد یحیی القزوینی از علما عهد شاه سلطان حسین صفوی در کتاب نظم الفرر و نقد الفرر بعضی ارکلمات معجزات ( کنذا ) آیات آنحضرت را آنچه متعلق باستقرار دوات و استحکام معدات است با ذکر بعضی از حکایات مختصره و ابیات راقعه نقل کرده و حقیق در مجلد دوم منتخب المقاصد درج کرده ام انتهى .

مجلد دوم چنانکه مؤلف در مقدمه بدان تذکر داده اند این مجلد فقط مشتمل بر دو باب است : باب چهارم در خصائص و اسرار پیغمبر ( محمد ص ) و اهل بیت اطهر آنسرور علیهم صلوات الله الملك الاکبر . باب پنجم در علم و جهل و علامات عالم و جاهل و فضائل عالم عامل .

نسخه این مجلد را فقط در اصفهان نزد آقای محسن نعمت اللهی دام عمره و توفیقه سراغ دارم .

**مجلد سوم و چهارم** مشتمل بر باب ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم است و از این ابواب **بس باب دهم** که در منافع دوستی و آنانکه شایستگی آنرا دارند و آنانکه نبایستی بدانها دوستی کرد است و **باب یازدهم** که در خوشی و خوشروئی و خلق نیکو است و بضمیمه باب چهاردهم که ذیلاً از آن نام میبریم در کتابخانه مجلس شورای ملی در تحت شماره (۲۹۲) اکتب خطی (خارج از شماره جلد اول فهرست کتب خطی است) موجود است و بر وجود دیگر ابواب این مجلد و موضوعات آنها تا کنون اطلاعی نیافته ام و در ص (۱۰۶) این فهرست ذیل همین کتاب تذکر داده شد که آنچه در فهرست کتابخانه حضرت رضا علیه السلام (ص ۱۰۱ ج ۱ اخبار خطی) در ذیل خصوصیات نسخه آن کتابخانه نوشته شده که مشتمل بر باب ششم تا نهم میباشد، موافق با واقع نیست.

**مجلد پنجم** مشتمل بر هفت باب بتفصیل ذیل میباشد: **باب چهاردهم** در شجاعت و مدّت جبن و تهوّر و عجز و تعلیم آداب حروب و دستور بر گزیدن سرداران لشکر و علامات نیک و بد ایشان و طریق محافظت ثغور بمالکت و سلوک با سباه و رعیت و غیر آن. **باب پانزدهم** در جهاد اصغر و جهاد اکبر. **باب شانزدهم** در نیکوئی اقتصاد و حسن تدبیر و نهی از اسراف و تبذیر. **باب هفدهم** در تقدیر ارزاق عباد. **باب هیجدهم** در نهی از سؤال از خلوق و بیان مذمت آن و محو شدن رزق بسبب آن. **باب نوزدهم** در منافع قضای حوائج مؤمنین.

**باب بیستم** در مذمت تکبر و مدح تواضع و ثمرات آن | چون آمدی بعضی از فقرات خطبه فاصعه را که در موضوع تکبر بوده نقل کرده است مؤلف پس از نقل آن جمل بر آن شده که در این باب (باب بیستم) بشرح تمام آن خطبه ببردازد و پس از آن سائر کلمات و اخبار و آیات وارده در این باب را شرح نماید.

بدبختانه از این مجلد جز باب چهاردهم که اشارت رفت نسخه آن در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود است و این فهرست ابواب از آنجا استنساخ گردیده و باب بیستم آن که در این کتابخانه است و ذیلاً بتفصیلات آن خواهیم پرداخت بدست یاورده و از وجود سائر ابواب و حتی از فهرست آن خبری نداریم.

نگارنده تاکنون نام این کتاب را جزماً نمدانند چیست چرا که مؤلف خود در مقدمه مجلدات موجوده هر يك بنحوی آنرا معرفی کرده ولی از اسم کتاب و توجه بموضوع آن بنظر می‌رسد که بایستی «نظم الغرر و نضد الدرر» نام مرتب شده غرر الحکم آمدی در نود و نه باب باضافه اخبار و آیات مناسبه هر باب که بزبان عریسی است بوده باشد و این کتاب فارسی را که باب بیستم آن در این کتابخانه و ابواب دیگر آنرا نشان دادیم شرح یا ترجمه نظم الغرر و نضد الدرر نامید اما بمنابع فهرست کتابخانه رضویه و صاحب وقایع الايام ما نیز آنرا بنام نظم الغرر و نضد الدرر در این فهرست ذکر و ذیلاً بنقل عبارات مؤلف از مقدمه های مجلدات موجوده می‌برداریم .

در مقدمه نسخه کتابخانه رضویه که مسلماً مجلد اول است چنین

نگاشته شده :

اما بعد چون بمساعدت توفیقات ربانی و معاضدت تأییدات یزدانی دیده بصیرت خاك قدم شیعیان ائمه اطهار علیهم صلوات الله الملك الغفار المفتاح الی عفور به الفنی المعنی **عبدالکریم بن محمد یحیی القزوینی** بمطالع و تتبع کتاب مستطاب غرر و درر که منتخب حکم مختصره و مواعظ موحیه حضرت امیر المؤمنین ع . . . . . رسید و آن کنز رایگان و گنج شایگان که شمه آن (ازط) کنوز عالم غیبی و شریزه از معدن اسرار لاریست از نظر اکثر ابناي زمان خصوصاً ساکنان متوطنین عرصه وسیع فضای ایران جنت نشانرا که تکلم بلغت فارسی واقع میشود و هر يك از ایشانرا تعلم بلغت عرب مقدور نیست نهان و باین جهت بسیاری از شیعیان اخبار از ارتفاع . . . . . تصمیم عزیمت نمود که شرح واضحی بزبان فارسی بر فقرات اعجاز سمات آن نکارد . . . . . و بعون الله تعالی و حسن توفیقه يك مجلد آن شرح مذکور بروحه منظور سمت اختمام یافت . . . . . و چون جامع کتاب مستطاب غرر و درر بنا را بر ترتیب حروف هجا در اوائل آن فقرات اعجاز آیات گذاشته و تناسب معنوی را مرعی نداشته بود در طی مطالعه و مراجعه بهدایت الهام غیبی و دلالت توفیق لاریبی بخاطر قاصر رسید که در دیده بینش معنی شناسان بنای ترتیب آنها بر تناسب معنوی نظر بفضل معنی بر لفظ انسب و سهولت ارتفاع ناظرین و طالبین اقرب بنماید . . . . . متوکلاً علی الله مشغول باین نظم و ترتیب گردید و در اندک زمانی بعون عنایت سبحانی و امداد باطن فیض موطن ناظم درر غرر آن کلمات اعجاز سمات ربانی این کتاب مستطاب بر نود و نه باب بعد اسماء حسنی مرتب گشته بانجام رسانید و موسوم **بنظم الغرر و نضد الدرر** گردید و بعد از انجام و اتمام این مهم خیر اختتام بخاطر فاتر رسید که عجلاله ترجمه مختصری که قریب بفهم عام و خاص باشد علمی شود ناچنانکه منظور و مقصود است این نسخه شریفه موجب ارتفاع عموم مؤمنان خصوصاً اخوان دینی گردد و دعائی بجهت این سرایا تقصیر از مؤمنین بظنی و ورسد

و چون مطابقت فارسی با سیاق عربی موجب وحشت عبارت میگردد و مقصد ( مراد مقصود است و شاید غلط استنساخ شده است ) از آن قسم عبارتی بفهم هر کس نمیرسد لذا در ترجمه اکثر فقرات طیبات بحاصل معنی آگذا نمود و در ترجمه آیات و احادیث آنچه که مذکور شده یا بعنوان نقل از مفسرین و شارحین یا بطریق اظهار احتمالات نگارش پیرا گردید . . . . . و همت والا نهمت پادشاه جمجاه . . . . . شاه سلطان حسین الموسوی الصنوی . . . . . مصروف بر ترویج احادیث ائمه ع . . . . . لازم و واجب دانست که این مختصر را هدیه مجلس بهشت آئین و منظور نظر فیض مظهر استادگان یایه سریر معنات قرین گرداند امید که به جلایه استجسان خاطر ملکوت ناظر متجلی گشته ثواب آن بزرگوار فرخنده آثار واصل و متواصل و عامه ناس را انتفاع باین کلمات اعجاز سمات حاصل گردد و **من الله الاستعانه فی کل باب و علیه التوکل فی المبدء والمعاد .**

و نیز در حاشیة نسخه کتابخانه رضویه است :

توقع آنکه ارباب بصیرت نظر بر گهر گماسته صدف را در میان ده بینند و در مقام تدبیر و تفکر در آمده بر بساط اعتراض و اعتراض نشینند چه مترجم را در این تحریر نسیمی بجز منصب ترجمانی نیست و بهره غیر از شیوة سخن رانی نه .  
(از نقل این قسمت از مقدمه نیز بخوبی واضح و آشکار است که مقدمه مجلد اول کتاب است و الا چون در سائر مقدمات اشاره بمجلدات پیش آن مینمود.)

و در مقدمه مجلد دوم است :

الحال مدتی است که لای شاهوار کتاب در غرر را که حاوی کلمات موجزه حضرت امید اقدس و آذتاب انور و کلام ناطق خدا و مترجم آیات حضرت حقیقی حضرت امیر المؤمنین حیدر علیه صلوات الله الملك الاکبر و مشحون بدرازی سیبهر معرفت و ملامات زینل بحر دانش و حکمت است روشنی بحس سراجیه دل و وسیله انجلا در منکمل نموده و از مصالحه و تسبیح آن مقانیج باب مدینه علم نوری ابواب معرفت بر روی خاطر ناقص خود کسوده است و بعد از آنکه در ذیل شمه از فقرات آن کتاب مستطاب برای فارسی روان از ایران و اصحاب سرحی به لغت فارسی بقلم ضعیف نال این شکسته نال مرقوم و **باصداف الدرر** موسوم شد پس آنکه فنون حکمت بدون رعایت تناسب در ابواب آن کتاب منفرد بود آنرا به بود و به باب که در باب مشتمل بر کلمات متعلقه بقتی از فنون حکمت بالغه باشد با انضمام احادیث مناسب در باب ترتیب داد و این وضع و ترتیب در نظر علمای عصر کثر الله امثالهم مستحسن افاد و نهایتا در شرح آن کلمات اعجاز حرار بر ترتیب معروض شروع شده **بنضاد الدرر** موسوم گردید و بمیان توفیق ملک علاء و حدوچیه تمام یک مجلد آن که مشتمل بر علامات نبات دول و بقای آن ، و منافع عداات و مضار جور و آداب سلوک در خدمت ملوک بود بانمام رسید . . . . . رغبت طبع همایون بملاحظه تنهیه شرح مذکور بر زبان الهام بیان آن خسرو قضا فرمان گذشته . . . . . و در او ان فرمان قدر توامان مجلدی دیگر از **نضاد الدرر** چنانچه باید سمت انجام ذکر فته و حلیه تمامی بنیاد فته بود لهذا نسخه **اصداف الدرر** که سابقا در سلك انتظام آمده بود معروض سده سنیه والا شد و در در اینوقت که مجلد دیگر از **نضاد الدرر** مشتمل بر باب خصائص و اسرار پیغمبر و ائمه بیت

اطهار آن سرور عليهم صلوات الله الملك الاكبر و باب علم و جهل صورت انجام یافت الخ .

و در مقدمه مجلد پنجم چنین نگاشته شده :

و در این ایام چنانچه در مجلدات سابقه بعرض ناظرین رسانیده بالهام غیبی و اشاره لاریبی بعد از ترتیب معنوی مشغول ترجمه و شرح کتاب نظم الغرر و نصد الدرر گردید و چهار مجلد از آن بمولای الله الملك المنان صورت انجام پذیرفت و بنظر خیر منظر ایستادگان بایه سریر خلافت مصیر رسیده بذیرائی حسن قبول یافته و حسب فرمان قضا جریان باتمام سائر مجلدات و انفاذ آن بدرگاه عرش استنباه مأمور گشته و در این وقت یکمجلد دیگر از آن که مشتمل بر . . . . . ( فهرست ابواب را که قبلاً نقل نمودیم در اینجا ذکر نموده است ) صورت انجام پذیرفته بود واجب دانست که هدیه سده والا و درگاه معلی نماید الخ .

مقدمه مجلدیکه در تبریز است بوسیله آقای حاج ملا علی واعظ خیابانی دام علاه خواستم از شرحیکه مالک مذکور آن بایشان نوشته و عیناً آنرا برای نگارنده فرستاده بودند معلوم شد که آن نسخه را کسی عاریه گرفته و نداده لذا نقل مقدمه آن ممکن نشد ولی بقرینه نقلیکه صاحب وقایع الایام کرده و در ص ( ۱۰۷ ) گذشت در آنجا نیز نام این کتاب « نظم الغرر و نصد الدرر » ثبت شده است .

آغاز سه مجلد فوق را ذیلاً مینگاریم :

**آغاز مجلد اول :** بسمله حمد و ثنائیکه جمیع مخلوقین و ملائکه سموات و ارضین بامداد مداد بحار و اقلام اشجار از عهده نگارش برخی از آن عاجز آیند مالک الملکی را سزاوار الخ .

**آغاز مجلد دوم :** بسمله شکر و سیاس بیتیاس مخصوص حضرت قادرعلیم و صانع حکیمی است که نصد درر کواکب در اصداف افلاک بدست قدرت کامله او انتظام گرفته الخ .

**آغاز مجلد پنجم :** بسمله و به ثقتی حمد و سباسی که جنود نامعدود معتکفان معابد فلك و صاحبان مفاخر نحن نستبح بحمدك و نقدس لك از اقدام بآن عاجز آیند الخ .

**انجام مجلد پنجم :** اگر بر زللی یا خللی واقف شوند بر مترجم خرده نگیرند

و باصلاح آن منت نهند

شعر

نگیرند بر شارح یزبان

به بینند مهر علی درمیان

و علی الله التکلان .

( ۸۰۲ )

نظم الغرر  
و نضد الدرر

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، کاتب از خود  
و سال کتابت نام نبرده ، ورق اول را ندارد ، اوراق آن  
مجدول بطلا و زنگار میباشد ، چنانکه در ص ( ۱۰۸ )  
تذکره داده شد این نسخه باب پانزدهم از این کتابست و بجهتیکه نیز در همان صفحه ذکر  
شد مشتمل بر شرح خطبه قاصعه میباشد و بر اولین صفحه موجود از طرف مرحوم  
اعتضاد السلطنه این نسخه بنام « شرح خطبه قاصعه بانضمام صد کلمه و شرح آن »  
معرفی گردیده و بر حاشیه دومین صفحه بنام « شرح کلمات حضرت امیر ع »  
وقف و در دفاتر سابق کتابخانه نیز بدین نام ثبت گردیده و پس از اتمام شرح  
و ترجمه کلمات و عبارات این باب مؤلف و شارح خاتمه ای در حدود ( ۷۴ ) بیت  
در آخر آن گذارده و اتمام مجلد پنجم را ضمناً تذکره میدهد و نخستین سطر نسخه  
اینست :

و بهر کس که شریک سازد در عبادت بخدای برحق خدای دیگر را الخ .  
در کنار آخرین صفحه اشعاری در تعریف از این کتاب نوشته شده و  
ذیلاً بنقل آن پرداخته میشود

نگاهی ز عیرت گرفتم بوام	سرایای این نسخه دیدم تمام
عیان گشت در دیده اعتبار	محیطی پر از گوهر شاهوار
بملك سخن در جهان خیال	بآن باغبان باغبانی حلال
[ که بدن میوه کاخ این باغ چید ] کدا	بهر بلبل از سر نساخ چید
چنان خط و معنیش خوان افتاد	که هر کور فهمست روشن سواد
عروسی چنین چشم لیل و بهار	ندید است در حجله زور کار
خوشا رونق بخت آن جوهری	که دریا درش را شود مشتری

زنگار اوراق نسخه را پاره نموده و ورق اول و آخر و صالی شده است .  
جلد نهجی . کافه خان باغ . واقف . سه سالار . قطع ربی . شماره اوراق ( ۹۰ ) . صفحه ( ۱۲ )  
سطر . طول ( ۱۹ ۱/۲ سانیمتر ) . عرض ( ۱۳ سانیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۰۵۱ ) .

## [۳۳۸] نهج البلاغه (عربی)

کتابیکه بدین نام نامیده شده یکی از مشاهیر کتب اسلامی و منتخبی از خطب و مکاتیب و کلمات حضرت مولی الموالی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب سلام الله علیه است و دارای اهمیت علمی و ادبی و تاریخی میباشد، علماء امامیه رضوان الله علیهم اجمعین آنرا تالی قرآن میدانند و اخ القرآن مینامند و بسیاری از بزرگان علماء عامه نیز بعظمت آن معترف اند و اینک که این شرح در معرفی از آن نگاشته میشود ۹۵۶ سال تمام از جمع و تألیف آن گذشته و از بدو انشاء و تألیف تاکنون هماره مورد نظر و دقت و مطالعه فضلا و دانشمندان بوده و هست.

نهج البلاغه را در کتابخانهها و رستها بمناسبت اینکه منقول از امام علیه السلام است و اطلاق اسم حدیث و روایت بر آن صادق میباشد در عداد کتب اخبار و احادیث و بعضی در اثر اشتمال آن بر مواعظ و حکم در ضمن کتب مواعظ و اخلاق و پاره ای بواسطه دارا بودن دستورهای اجتماعی و سیاسی و مشتمل بودن بر مباحث اثبات مبداء و معاد در شمار کتب حکمت و کلام و برخی چنانکه اسم کتاب بر آن دلالت دارد، آنرا سر مشق فصحا و بلغا شناخته و از کتب ادب دانسته و در این ردیف و دسته گذارده و در اطراف آن بحث کرده اند.

نگارنده با اعتراف و تصدیق بر اینکه هر یک در نظریه و روش خویش راه صواب را پیموده، نتوانست یکی از آن روشهارا رجحان دهد و بنظر وی چنین رسید که در این فهرست فصلی مستقل بنام «خطب و منشآت» ایجاد و چون قسمت اعظم این کتاب منتخبی از خطب حضرت مولی ۴ میباشد و قسمت دوم آن مشتمل بر مکاتیب و دستورهای سیاسی و اجتماعی آنحضرت ۴ و قسمت سوم کلمات موجزه و حکم مختصره ایشانست آنرا در این فصل جای دهد و ترجها و شروح آنرا نیز چون اصل آنها در همین فصل گذارد و کتب دیگری که در این فن تألیف گردیده و نسخه ای از آن در این کتابخانه است بتبع نیز از آنها یاد شود، توفیق رفیق شد و کتب دیگر که فرع و فرع بودند لجاره وار در این فصل ثبت گردید اینک این کتاب که مقصود اصلی از این نظم و ترتیب بود شاه وار در آخر فصل قرار گرفت.



جامع این کتابیکه بنام نهج البلاغه معروف و مشهور گردیده با اتفاق تمام علماء امامیه و علماء عامّه جز چند نفر سیّد رضی (۳۵۹-۴۰۶) رحمه الله علیه است که پس از این بشرح حال ایشان خواهیم پرداخت ولی برخی از عامّه این جمع و ترتیب را برترید نسبت بسید مرتضی علم الهدی و یاسید رضی داده اند، نگارنده نخستین آنکس که این تردید را نقل نموده ابن خلّکان متوفی بسال ۶۸۱ را دید (وفیات الاعیان ج ۱ ص ۳۳۶) و با تفحص قائل آنرا هم بدست نیاورد و آنچه متأخرین این تردید را در کتب خویش آورده ابن خلّکان را اقتدا و از او پیروی کرده اند، چون یافعی ابو محمد عبدالله یمنی ۶۹۸-۷۶۸ در مرآت الجنان و حاجی خلیفه متوفی بسال ۱۰۶۷ در کشف الظنون و عبدالحی بن عماد متوفی بسال ۱۰۸۹ در شذرات الذهب و ادوارد فاندیک در ص ۳۵۶ اکتفاء القنوع مؤلفه و مطبوعه بسال ۱۳۱۳ هـ. و فرید وجدی در دائرة المعارف خویش ص ۲۶۰ ص ۴

بعضی از عامّه تردید را ترک کرده و این جمع و ترتیب را جزماً به سید مرتضی نسبت داده اند از آنها جرجی زیدان متوفی بسال ۱۹۱۴ م. در ص ۱۹۵ ج ۱ و ص ۲۸۸ ج ۲ تاریخ آداب اللغة العربیّه و کلمان هوار مستشرق فرانسوی (دانشمند مرحوم اعتصام الملک (یوسف اعتصامی) در ص ۳۴۸ ج ۱ فهرست کتب خطی مجلس شورای ملی این نسبت را باین مستشرق داده اند) میباشند و بعضی از عامّه اصلاً نسبت مطالب این کتاب را بحضرت علی بن ابی طالب ع منکر شده اند و ابن خلّکان نیز بدان اشاره نموده و صاحب کشف الظنون نیز گوید که ذهبی در میزان الاعتدال صریحاً گفته که این مطالب از آنحضرت نمیباشد و گویند جامع و نسبت دهنده آن بدان حضرت منشی و واضع آنست و جرجی زیدان نسبت قسمتی از نهج البلاغه را بحضرت ع تصدیق نموده است.

و بعضی از معاصرین سیدین (رضی و مرتضی) چون خطیب بغدادی متوفی بسال ۴۶۳ در تاریخ بغداد و برخی از مورخین چون ابی الفداء متوفی بسال ۷۳۲ در تاریخ خویش و ابن اثیر متوفی بسال ۶۳۰ در کامل التّواریخ و غیر از اینها باینکه نام هر دو برادر را برده اند از شدّت تعصب یا بعّلت دیگر نام این کتاب را نبرده اند.

در اینجا مناسب دیدم که این بحث را تشریح نموده و پس از آن ادله خویش را

در بطلان تردید و نسبت تألیف آن به سید مرتضی بنگارم :

عمده چیزیکه موجب و باعث شده که پاره‌ای از متعصبین اهل سنت و جماعت مطالب مندرجۀ در نهج البلاغه را از حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام ندانند مخصوصاً خطبۀ شقشقیّه است که حضرت در آنجا درد دل خود را اظهار و معامله صحابه را با خود با همه آن سوابق درخشان و خدمات نمایان در راه پیشرفت اسلام و وصایای حضرت پیغمبر ص نسبت بایشان، بیان کرده و گفتنیهارا گفته و استحقاق و اولوئیت خود را در خلافت و جانشینی پیغمبر ص ثابت نموده و بهترین شرحیکه حلّ رموز و کنایات و بیان مراد و مقصود آن حضرت را در این خطبه نموده « حدائق الحقائق » شرح بزرگ علاء الدین گلستانه است ( در ۶۰-۶۳ این مجلد از این کتاب معرفی کرده ایم ) و بهمین سبب بعضی از متعصبین که خجالت کشیده اند خطب و کلمات و مکاتیب نهج البلاغه را که چون آفتاب نسبت آنها بحضرت علی ع روشن و آشکار است فقط این خطبه را جعل و ساخته سید رضی دانسته اند و الا کدام منصف است که بتواند گفت فصیح و بلیغی جز علی بن ابی طالب نمیتواند اینگونه خطابه هارا القا کند و حقائق را بگوید ، جمعی دیگر از عامّه اعتراف نموده اند که سالها پیش از تولّد پدر و جدّ سید رضی این خطبه وجود داشته و در کتب مؤلفه پیش از وجود سید رضی مندرج گردیده و چون بادله منکرین نسبت مطالب نهج البلاغه به امام علیه السلام مراجعه نمائیم ادله و امارات و قرائن آنها را بسیار سست و او هن من بیت الغنکبوت مییابیم و سید جلیل هبه الدین شهرستانی در کتاب « ماهو نهج البلاغه » آنها را نقل و بردّ ایشان پرداخته و نیز تذکر داده اند که خطبۀ شقشقیّه در نهج البلاغه و سایر کتب که قبل از سبّد تألیف گردیده اندک تفاوتی در الفاظ دارد و آنها را عیناً از مآخذ آن نقل نموده اند .

در آخر شرح خطبۀ شقشقیّه ابن ابی الحدید مطالبی نگاشته و عین آنرا با اندک اضافه ابن میثم نیز در آخر شرح این خطبه از شرح نهج البلاغه خویش آورده و بی مناسبت نیست که در اینجا بترجمه عبارات ابن ابی الحدید پرداخته شود :

واما گفتار ابن عباس. ما آسف على كلام قط كما سفي على ذلك الكلام ألا يكون أمير المؤمنين بلغ منه حيث أراد، استادم ابوالخیر مصدق بن شیب واسطی (۱) بسال ۶۰۳ گفت که این خطبه را یش شیخ ابو محمد عبدالله بن احمد معروف به **ابن الخشاب** (۲) میخواندم چون بدینجا رسیدم چنین گفت: هر گاه در آن هنگام که ابن عباس این جمله را ادا کرد آنجا میبودم بوی میگفتم: آیا در دل بسرعمویت چیزی نگفته ماند؟ و آیا در این خطبه چیزی فروگذار نمود؟! تا تو متأسف باشی که چرا خاتمه داد و رازهای نهفته خود را نگفته گذاشت و ساکت شد، بخدا سوگند که از اولین و آخرین نگذشت و کسی در دلش باقی نماند که از او پادی نکرد مگر رسول الله صلی الله علیه و آله را

مصدق گوید ابن الخشاب مردی شوخ طبع و مزاح بود تصور نمودم که در این مورد هم شوخیش جنبدیده بود گفتم آیا این خطبه را ساختگی میدانی و از حضرت علی ع نمیدانی گفت: نی بخدا سوگند یقین دارم که این خطبه کلام خود آنحضرت میباشد چنانکه میدانم تو مصدق هستی

مصدق گوید: بوی گفتم بسیاری از مردم میگویند که از منشآت رضی میباشد. گفت: کجا رضی و امثال وی دارای چنین روح واسلوبی در نگارش توانند بود و من بر سائل رضی دست یافته و طریقه و روش او را در نثر می شناسم و میان این دو فرق بسیار میباشد، بخدا سوگند که این خطبه را در کتابهاییکه دو بیست سال پیش از آنکه رضی دنیا آید تالیف گردیده، یافته‌ام و نیز آنرا بخط جمعی از علما که خط آنها را می شناسم و بر آنها خطوط بسیاری از علماء ادب که نیز بدانها آشنا هستم دیده و زمان اینها نیز سالها پیش از تولد نقیب ابو احمد پدر رضی بوده است.

پس از این ابن ابی الحدید گوید: من خود نیز بسیاری از مطالب این خطبه را در مصنفات استاد ابوالقاسم بلخی (۳) امام بغدادیین که از معتزله بود یافتیم و این عالم جلیل در زمان خلافت المقتدر (۲۹۵-۳۲۲) بوده سالها پیش از آنکه رضی متولد شود و نیز بسیاری از آنها را

(۱) شرح حال ابوالخیر مصدق بن شیب واسطی را بدست نیاوردم.

(۲) ابو محمد عبدالله بن احمد بن احمد بن عبدالله بن نصر بغدادی معروف به ابن خشاب از علماء عامه بوده و در نحو و ادب دستی قوی داشته و در سائر علوم ادبی و ریاضی و فقهی و غیره توانا بوده و اشعاری از او بیاد گسار مانده و عبد الحی بن عماد در شذرات الذهب ج ۴ ص ۲۲۰-۲۲۲ بشرح حال و نقل اشعاری از ایشان پرداخته و گوید بسال ۴۹۲ متولد و در ۵۶۷ وفات کرده ولی صاحب المعجم المطبوعات در ص ۹۳ وفات ویرا بسال ۶۸ نقل کرده است.

(۳) شیخ ابو القاسم بلخی بسال ۳۱۷ وفات کرده است.

در کتاب « الانصاف » ابو جعفر ابن قبه ( ۱ ) که یکی از متکلمین امامیه و از شاگردان شیخ ابو القاسم بلخی رحمه الله بوده دیده ام و ابن قبه پیش از آنکه رضی در این جهان آید از این جهان رفته است .

### شارح بحرانی پس از نقل مطالب فوق گوید :

این خطبه را من نیز بخط ابوالحسن علی بن محمد بن الفرات ( ۲ ) وزیر المقتدر بالله که شصت و چند ( ۳ ) سال پیش از تولد رضی بوده دیده ام .

سید شهرستانی دام ظلّه در ص ۲۹ - ۳۱ « ما هو نهج البلاغه » بنقل عبارات ابن ابی الحدید راجع باین کتاب که در جزء ۱۰ ص ۵۲۶ پس از خطبه مشهوره به ابن ابی الشحاء میباشد و اظهار نظر خویش مبادرت نموده ، برای آنکه این مختصر جامع نظریات راجع باین کتاب باشد ملخص آنرا ذیلاً ترجمه مینمایم و مطالب ابن ابی الحدید اینست :

گروهی هوا و هوس داران گویند بسیاری از مطالب نهج البلاغه ساختگی و از کلمات حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام نیست و شیعیان فصیح آنها را ساخته و بدانحضرت نسبت داده اند و بسیاری از آنها را ریخته قلم سید رضی ابوالحسن میدانند ، اینان کسانی هستند که عصبیت چشم آنها را کور کرده و از نهج حق بر گشته اند ، چرا که اگر میگویند مطالب مقدّمه در نهج البلاغه همه ساختگی است و از آنحضرت نیست ، این نظریه و عقیده بضرورت باطل است برای آنکه میدانیم و بتواتر بمارسیده که بسیاری از این خطب و کلمات و مکاتیب از منشآت آنحضرت میباشد و بسیاری از علماء عامه و خاصه از محدثین و مورخین در کتب خویش از صدر اول تا زمان سید رضی ره با انتساب آنها بحضرت م بنقل آنها پرداخته اند و این ناقلین در میان عامه و خاصه موثق و قول آنها مقبول و حجت است

و اما میگویند که پاره ای از خطب و مطالب نهج البلاغه ساختگی و باقی آن از امام علی م میباشد ، این قول نیز مردود است چرا که هر کس بکتاب ادب اندک آشنائی و با ادبیات سر و کار داشته باشد بخوبی تشخیص تواند داد که در هر مؤلفه منسوب بنویسنده یا شاعری چه مطالب با بیانی از او و گفته وی و نوشته او است و کدام يك از عبارات یا ابیات از او نیست ، مثلاً چون دیوان ابونواس و یا ابوتام را مراجعه کنیم از خود افکار و اشعار بدست می آوریم کدام بیت از آنها

( ۱ ) ابن قبه ابو جعفر محمد بن عبد الرحمن بن قبه رازی فقیه و متکلم معروف شیعه و صاحب کتاب الانصاف در امامت میباشد و ابن قبه استاد شیخ محمد بن نعمان معروف به مفید متوفی بسال ۴۱۳ بوده است .

( ۲ ) ابو الحسن بن فرات وزیر المقتدر بوده و بسال ۳۱۲ وفات کرده است .

( ۳ ) بنابر آنکه وفات ابن الفرات بسال ۳۱۲ چنانکه در ص ۲۶ ج ۴ شذرات الذهب ضبط شده صحیح باشد بایستی عبارت شارح چهل و چند سال باشد نه شصت و چند سال .

و کدام يك از آنها نیست ولی چون نهج البلاغه مراجعه می کنیم تمام مطالب را در عرض یکدگر می یابیم و اختلافی در روح قائل و منشی آن نمی بینیم تا شک کنیم که خطبه یا کلام یا مکتوبی شاید از آنحضرت نباشد . انتهى کلام ابن ابی الحدید .

### وسید شهرستانی در این باب فرماید:

برادران شیعه ما معتقدند که خطب و کلمات و مکاتیب موجوده در نهج البلاغه پیش ما چون خطب مرویه از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میباشد که باره ای از آنها متواتر و قطعی الصدور و بعضی غیر متواتر و ظنی السنداند و با وجود این ما حکم نمیکنیم که آنها ساختگی است مگر پس از آنکه دلیل بر آن اقامه شود ، چنانکه بصحت آنها نیز حکم نمی نمائیم مگر آنکه دلیل و برهانی بر آن قائم گردد و هر کس جز این بما نسبت دهد برخلاف حقیقت گفته است .

و چگونه منصفی تواند نسبت به شیعه دهد که جز ما آنچه در نهج البلاغه است بدون شك و تردید از امام علیه السلام میباشد در صورتیکه در این کتاب آنچه مخالف با اصول ایشانست بسیار میباشد و از آنجمله است مدح فوق العاده ای که از خلیفه ثانی عمر بن الخطاب رض نموده (ظاهراً مراد سید شهرستانی دام ظلّه خطبه ایست که به **الله بلاد فلان** ابتدا شده و ابن ابی الحدید در شرح آن نوشته که در نسخه نهج البلاغه ای که بخط سید رضی بود در ذیل کلمه فلان نام « عمر » نوشته شده) و اگر مفسرین از شیعه میخواستند تصرفی در کلمات و آثار آنحضرت کنند و دستی در آنها برند و زیاد و کمی نمایند امثال این مقالات را از آن بر میداشتند

اعتدال و حقیقه شایسته پیروی میباشد اینست که برای نهج البلاغه همان قیمتیکه برای کتب صحاح و شائر کتب دینی معتبر قائل هستیم معتقد باشیم و بقدر و قیمت ادبی آن و برتریش بر هر کتابی پس از کتاب خدا (قرآن کریم) معترف گردیم انتهى .

در معرفی از نهج البلاغه شراح آن و علماء رجال و فهرست نویسندگان هر يك بیاناتی دارند، در اینجا بترجمه عبارات ابن مبثم ره در مقدمه شرح بزرگ خویش و اشعاری که ابو محمد بن شیخ صنعان کاتب نسخه شماره (۳۰۸۵) کتابخانه در آخر آن انشاء و تحریر نموده نیز مبادرت مینمائیم :

کلام حضرت علی بن ابی طالب م که در آن آثاری از کلام الهی و بوئی از بیانات نبوی ص میباشد ، همواره در سینه راویان پراکنده و در دست موافقین و مخالفین وجود داشت ، دشمنان وی بر آن شدند که آن کلمات مشهوره را پنهان کنند ولی خداوند نخواست که نور او را پنهان دارند ، از این رو اسلام را بوجود سید امام شریف رضی محمد بن الحسین الموسوی قدس الله سره و نور ضریحه تقویت فرمود و این بزرگوار کلمات جدش را که خورد و کهنه شده بود زنده کرد و آنچه از آنها در شرف پراکنده شدن بود جمع آوری نمود و در جمع بهترین آن کلمات با اندازه توانائی خویش کوشش فرمود و آنرا نهج البلاغه نامید و اسم باهمی و لفظ با معنی مطابق آمد **فجزاه الله عن العلماء خیر الجزاء** . انتهى .

## و آن اشعار اینست :

نهج البلاغه روضة ممتورة  
 او حكمة قدسية جللت بها  
 او نور عرفان تلالا هادياً  
 اولجة من رحمة قد اشرفت  
 خطب روت الفاظها عن لؤلؤ  
 و تهلت كلماتها عن جنة  
 و كانها عين اليقين تفجرت  
 حكم كامثال النجوم تبلجت  
 كشف الغطاء بيانها فكانها  
 وترى من الكلام القصار جوامعاً  
 لفظ تمد من الفواد سواده  
 و جلى عن المعنى السواد كانه  
 من كل عاقلة الكمال عقيلة  
 عن مثلها عجز البليغ واعجزت  
 و اذا تأملت الكلام رايته  
 و رایت نهراً بالحقائق طامياً  
 و رایت ان هناك برأ شاملاً  
 و رایت ان هناك عفو سماحة  
 و رایت ان هناك قدراً ماشياً  
 قدر الذى بصفاته و سماته  
 مصباح نور الله مشکوة الهدى  
 صنو الرسول و كان اول مؤمن  
 و به اقام الله دين نبیه

بالتور من سمحات وجه البارى  
 مرآة ذات الله للنظار  
 للعالمين مذهب الا برار  
 بالعالم فهى تموج بالانوار  
 من هائه بجر المعارف جار  
 حفت من التوحيد بالنوار  
 من فوق عرش الله بالانهار  
 من ضوء ماضمت من الاسرار  
 للسامعين بصائر الا بصار  
 يغنيك عن سفر من الاسفار  
 و القلب منه بياض وجه نهار  
 صبح تبليج صادق الاسفار  
 تشتتاف فوق مدارك الافكار  
 ببلاغة هى حجة الاقرار  
 نطقت به كلمات علم البارى  
 من موجه سفن العلوم جوارى  
 و سع الانام كديمة مدار  
 فى قدرة تعلو على الاقدار  
 عن كبرياء الواحد القهار  
 ممسوس ذات الله فى الاثار  
 فتاح باب خزائن الاسرار  
 عيد الاله كصنوه المختار  
 و انم نعمته على الاخيار

پیش از این گفته شد که جمعی جمع و تألیف نهج البلاغه را بسید مرتضیٰ نسبت داده اند و این نسبت بر خلاف حقیقت است و گویندگان حتیٰ یک دلیل و برهان هم بر مدّعی خویش ندارند ولی گذشته از اتفاق همه شراح در ازمان و اعصار مختلفه و تمام امامیه بر اینکه این جمع و انتخاب از سید رضی موسوی ره میباشد خود این سید جلیل در تفسیر قرآن کریم که « حقایق التأویل » نام دارد نظیر مطلبی را به کتاب نهج البلاغه مؤلفه خویش که موضوع آن خطب و مکاتیب و کلمات قصار حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام میباشد حواله نموده

(بصفحه ۱۶۷) این تفسیر که اخیراً در نجف اشرف چاپ شده مراجعه گردد) و نیز در کتاب «المجازات النبویه» مکرّر نظائری برای کلام مقدّس نبوی به این کتاب نهج البلاغه که مؤلفه خویش مییابد حواله نموده (بصفحه ۲۲، ۴۱، ۱۲۷، ۱۶۱، ۲۵۲ چاپ بغداد مراجعه شود) و از علماء رجال نخستین کس که تألیف نهج البلاغه را در ذیل شرح حال با مؤلفات دیگر سیّد رضی نسبت داده **نجاشی** متوفی بسال ۴۵۰ مییابد که خود معاصر ایشان بوده و در ذیل شرح حال علم الهدی سیّد مرتضی (ص ۱۹۳ چاپ هند) نگاشته که علم الهدی بسال ۴۳۶ وفات نمود و من متولّی غسل ایشان گردیدم و شیخ طوسی ره که نیز معاصر با این دو برادر بوده و بنقل روایاتی از آنها پرداخته در فهرست خویش فقط نام سیّد مرتضی علم الهدی را برده و شرح حال و مؤلفات ایشانرا نگاشته و ندانم چرا نامی از سیّد رضی نبرده و نامی هم از نهج البلاغه در مؤلفات سیّد مرتضی نیاورده و این نیز بهترین دلیل بر اینست که این کتاب تألیف این سیّد جلیل نیست و الا با اهمّیت زیادیکه دارد و توجهی که امامیه مخصوصاً باین کتاب دارند اگر از مؤلفات سیّد مرتضی بود ممکن نبود که شیخ آنرا یاد نماید و پس از نجاشی این شهر آشوب متوفی بسال ۵۸۸ در معالم العلماء (ص ۴۴ چاپ آقای اقبال آشتیانی) نیز سیّد رضی را نام برده و تألیف نهج البلاغه را بایشان نسبت داده است.

سیّد جلیل هبة الدین شهرستانی در «ماهو نهج البلاغه» نگاشته اند که سیّد (محمّد بن الحسین) رضی و سیّد (علی بن الحسین) مرتضی بمناسبت لقب جدّشان ابراهیم مرتضی هر دو به لقب مرتضی خوانده میشدند ولی چون عمده لقب به الرضی گردید علم الهدی بلقب مرتضی اختصاص یافت و بدان مشهور گردید و پیش از ایشان شیخ محمد عبده ره در آخر شرح خویش بر این کتاب این مطلب را ذکر کرده اند و این عبارت قسمی نگاشته شده که تصور میشود نقل از تاریخ ابوالفدا مییابد ولی در آنجا ذیل نام سیّدین این مطلب نیست و احمد بن مهنا متوفی بسال ۸۲۸ در ص ۱۷۵ عمدة الطالب و مامقانی در ص ۳۵ ج ۱ تنقیح المقال لقب ابراهیم جدّ رضی را مرتضی ضبط نموده اند.

چیزی که مناسبت دارد در اینجا تذکر داده شود اینست که ادوارد فاندیک مؤلف کتاب «اکتفاء القنوع عما هو مطبوع» در ص ۳۵۶ آن کتاب، تألیف

نهج البلاغه را به سید مرتضی یاسید رضی نسبت داده و تصوّر نموده (در ص ۱۰۸) که بنام نهج البلاغه دو کتابست یکی در خطب و مکاتیب و کلمات قصار حضرت مولی علی بن ابی طالب امیر المؤمنین علیه السلام که گرد آورده سید مرتضی علم الهدی متوفی بسال ۴۳۶ یاسید رضی میباشد و دیگری نهج البلاغه در احادیث امامیه تألیف سید رازی متوفی بسال ۴۰۶ در صورتیکه در میان مسلمین جز نهج البلاغه مشتمل بر خطب و مکاتیب و کلمات قصار مورد نظر و اهمیت نیست و حتی بدین نام کتاب دیگری نداریم و همین نهج البلاغه سید رضی است که علامّه مجلسی رحمه الله در مقدمه مجلد اول بحار الانوار تذکر داده که یکی از مآخذ اخبار کتاب ایشان بوده و پیش از فاندیک کسی دیگر سید رازی نام مؤلف نهج البلاغه در اخبار امامیه و متوفی بسال ۴۰۶ را نشان نداده و تا کنون هم چنین کس و چنین کتابی در میان امامیه و دیگران مشهور نبوده و نیست و با کمال جرئت میتوانم گفت که فاندیک در این نسبت اشتباه کرده و نهج البلاغه مشهوریکه این شروح در تحت عنوان آن نگاشته میشود همان خطب و منشآت حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است که بلحاظ کلام و بیان امام بودن اطلاق نام حدیث و خبر بر آن صادق میباشد و شیعه عبارات و جمل آنرا حدیث مأثور میدانند و بدان ترتیب اثر میدهند (فاندیک در ص ۱۸۰ نیز اشتباهاتی در مؤلفین کتب حدیث امامیه دارد و گوید که امامیه صحاح ست را قبول ندارند و خود پنج کتاب در حدیث دارند و از آن جمله نهج البلاغه را بنحو فوق ذکر نموده، در صورتیکه ما چهار کتاب مهم در اخبار داریم و در این چهار قرن اخیر چهار کتاب دیگر در اخبار جمع آوری شده که بنام اربعه متأخره معروف میباشد و در این موضوع در ص ۲۳۴ ج ۱ فهرست این کتابخانه شرحی نوشته ام.

دانشمند فقید فرید و جدی در «کنز العلوم واللغة» از اشتباه فاندیک با اشتباه افتاده و نهج البلاغه ای در حدیث امامیه به سید رازی متوفی بسال ۴۰۶ نسبت داده است.

عالم جلیل آقا شیخ علی اکبر نهاوندی دام عمره که اینک در مشهد مقدس حضرت رضا سلام الله علیه مجاور اند نیز در ص ۱۲۵ جزء اول کتاب «الجنة العالیه



والجعبة الغالية» نقل از «کنز العلوم» فرید وجدی دو نهج البلاغه قائل شده و از اشتباه ایشان باشتباه افتاده اند.

سید جلیل هبة الدین شهرستانی دام ظلّه در «ما هو نهج البلاغه» (ص ۲۸) از «کتاب علی علیه السلام» تألیف احمد صفوة المورخین نقل نموده: آنانکه پیش از سید رضی میزیسته اند گفته اند که چند صد خطبه از این امام (علی بن ابی طالب ع) مأثور است. و نیز گوید: مسعودی متوفی بسال ۳۴۶ نوشته که از حضرت علی ع چهار صد و هشتاد و چند خطبه منقول است.

و نیز در ص (۳) «ما هو نهج البلاغه» نوشته شده مطالبکه در نهج البلاغه جمع آوری گردیده عبارتست از (۲۴۲) خطبه یا منتخبی از آنها و بیاناتیکه بمنزله و نظیر خطبه میباشند. و (۷۸) مکتوب و وصایا. و (۴۹۸) کلمه از کلمات قصار. سید رضی در مقدمه نهج البلاغه چنین نگاشته اند: چون کتاب خصائص الائمه را تألیف و در انجام فصلی که راجع بحضرت علی بن ابی طالب علیه السلام بود کلمات قصار و حکم منتخبه ای از آنحضرت مندرج ساختیم، جمعی آنرا از نظر گذرانیده و خواستار شدند که به جمع آوری خطب و دیگر آثار آنحضرت ع نیز مبادرت نمایم، با استمداد و تکیه بخداوند شروع بجمع آوری شد و در سه باب بدین ترتیب مرتب گردید: **باب اول:** در خطب و آنچه نظیر آنست. **باب دوم:** در نامه ها و وصایای آنحضرت بعمال خویش و بدیگران. **باب سوم:** در کلمات قصار. و آنرا **فهیج البلاغه (۱)** نام نهاده و در آخر هر باب کاغذهای نوشته گذارده ام تا اگر پس از این بر آثاری از آنحضرت دست یابم در جای مناسب آن گذارم (۲). در آخر کتاب تاریخ این جمع و ترتیب را در ماه رجب سال ۴۰۰ هجری معین فرموده و این شرح راجع باین کتاب (نهج البلاغه) نیز در ماه رجب از

(۱) صاحب معجم المطبوعات در ص ۱۱۲۴ نام این کتاب را «نهج البلاغه و مشرع الفصاحه» ثبت نموده و ندانستم از کجا جمله «و مشرع الفصاحه» را بر نام اصلی کتاب افزوده است.  
(۲) نسخ شماره (۲۹۲ و ۲۹۳) کتابخانه رضویه که در ۹۷ و ۹۶ فصل اخبار ح ۱ فهرست آن کتابخانه خصوصیات آنها ذکر گردیده و اولی بسال ۹۴۸ و آخری بسال ۷۲۹ نوشته شده و نسخه شماره (۳۰۸۳) این کتابخانه دارای اضافاتی است که در نسخ دیگر نیست و کاتب آنها تصریح نموده که از روی نسخه ای که در زمان مؤلف نگارش یافته استنساخ گردیده است.

سال ۱۳۵۶ هـ. نگاشته شد.

چنانکه در ابتداء این بحث تذکر داده شد نهج البلاغه از بدو تألیف مورد نظر و دقت دانشمندان عامّه و خاصّه بوده و گروهی از آنان بشرح و بسط آن پرداخته اند اینک هنگام آن شد که شروح آنرا ذکر و شرح را نام ببریم.

در اینکه نخستین شارح نهج البلاغه کیست سه قول تا بحال بود و اینک قول چهارم را بنده افزود. ۱- ابن ابی الحدید در مقدّمه شرح خویش گوید که فقط پیش از من قطب راوندی بشرح این کتاب پرداخته و درص ۴۶۴۳ و همین مجلد ترجمه عین عبارات ایشانرا نقل کرده ام. ۲- محدّث نوری ره در ص ۵۱۳ ج ۳ مستدرک الوسائل بیهقی را نخستین شارح معرفی کرده و صاحب وقایع الايام و سید شهرستانی بایشان اقتدا کرده اند. ۳- سید اعجاز حسین در ص ۵۳ کشف الحجب علی بن ناصر معاصر سید رضی را نخستین شارح دانسته و آقای عبدالعزیز جواهر الکلام در ص ۱۴۴ ج ۱ فهرست معارف ایشانرا پیروی کرده اند.

نگارنده در کتب رجال و سیر شیعیه و مخصوصاً فهرست شیخ طوسی و رجال نجاشی که تا علماء قرن پنجم شیعیه را شامل میباشند و در سائر کتب رجال چون روضات، لؤلؤ، تنقیح المقال، امل الآمل، مجالس المؤمنین و غیره بدین نام عالمی را معاصر سید رضی نیافت ولی نزدیکاً بنعصر فقط بنام **علی بن ناصر** در طبقات الشافعیه سبکی (ج ۴ ص ۲۸۴) یکی را دیده که نامی از مؤلفاتشان برده نشده و ترجمه عبارات آن کتاب مبادرت میشود: **علی بن ناصر بن محمد بن ابی الفضل بن حفص النوقانی** (۱) متولّد بسال ۴۷۶ و متوفی بسال ۴۹۹ از فقههای شافعی مذهب و مدرّس در شهر مشهد بوده است.

۴- قول نگارنده است که نخستین شارح **امام وبری** میباشد که معاصر با بیهقی بوده و ایشان در شرح خویش از آن شرح نقلهائی دارند و عین عبارات بیهقی در شرح خود اینست:

وَمِمَّنْ سَمِعْتُ خَبْرَهُ وَعَايَنْتُ آثَرَهُ وَلَمْ أَرَهُ إِلَّا إِمَامَ أَحْمَدَ بْنَ مُحَمَّدٍ

الوبری الْمَلَقَّبُ بِالْشَيْخِ الْجَلِيلِ وَقَدْ شَرَحَ مِنْ طَرِيقِ مُشْكِلَاتِ

(۱) نوقان یکی از محلات شهر مشهد فعلی میباشد که پیش از بنای شهر یکی از دهات طوس بود و با قوت گروید نیز بدین نام دهی در نیشابور است.

نَهْجُ الْبَلَاغَةِ شَرْحًا أَنَا أوردُهُ وَأُنَسِبُهُ إِلَيْهِ وَأُنْشِئُ عَلَيْهِ وَاللَّهُ تَعَالَى وَلِيُّ  
التَّوْفِيقِ وَ مُعِينُ أَهْلِ التَّحْقِيقِ .

و از عبارات فوق برمیآید که شرح وبری بر تمام نهج البلاغه نیست و اختصاص به  
جمله مطالب مشکله آن دارد و این اختصاص موجب عدم ذکر آن در شمارش و شرح  
نخواهد بود و نظائری دارد.

پس از محدث نوری رحمه الله علیه عالم متبّع محمد محسن طهرانی ایدۀ الله تعالی مشهور  
به شیخ آقا برکات ساکن سامراء در «الذریعه الی تصانیف الشیعه» و سید جلیل هبة الدین  
شهرستانی و حاج ملاعلی واعظ تبریزی در وقایع الايام و جواهر الکلام در فهرست  
معارف شروع نهج البلاغه را نام برده و هر متأخری بر شروحی چند دست یافته که  
متقدّم بروی از آن خبری نداشته ما برای اینکه این شرح که در اطراف این کتاب  
نوشته میشود تا حدی جامع باشد تمام شروع را بترتیب تالیف نام مبریم و هر یک  
را که فقط در یکجا نام برده شده تصریح خواهیم نمود .

#### ۱ - شرح امام وبری

احمد بن محمد الوبری، چنانکه گذشت معاصر بیهقی بوده و در شرح وی و شرح  
ابن عتّاقی قسمتهائی از این شرح دیده میشود و فقط نگارنده به آن آگاهی یافته است .

#### ۲ - شرح بیهقی

ابو الحسن علی بن ابوالقاسم زید بن الحاکم متوفی بسال ۵۶۵ هـ و بنا بر تصریح شارح  
در آخر شرح در جمادی الاولی سنه ۵۵۲ از تألیف آن فراغت یافته و نسخه ای از این  
شرح اینک در کتابخانه فاضلیّه خراسان موجود و در معجم الادباء (ج ۵ ص ۲۱۱)  
نوشته شده : بیهقی در مشارب البحار گوید : و نیز از مؤلفات من «معارف نهج البلاغه  
و هو شرح الکتاب» میباشد الخ .

#### ۳ - شرح قطب راوندی

ابو الحسین سعید بن هبة الله متوفی بسال ۵۷۳ هـ، این شرح در دو مجلد و نام  
آن «منهاج البراعة» و نسخه ای از آن بگشتمه آقای جواهر الکلام در کتابخانه  
سلطنتی طهران موجود است .

#### ۴ - شرح قطب کیدری

ابو الحسن محمد بن الحسین بیهقی معروف به قطب الدین کیدری ،

این شرح بسال ۵۷۶ تألیف شده و نام آن « حدائق الحقائق فی فسر دقایق احسن الخلائق » میباشد و نسخه‌ای از آن نیز در کتابخانه فاضلیّه خراسان موجود و در مقدمه آن نوشته شده که این شرح را پس از دو شرح معارج و منهاج تألیف کرده‌ام، صاحب روضات در ص ۶۵ ج ۴ قسمتی از مقدمه این کتاب را نقل و این شرح را دوازده هزار بیت دانسته و گوید که این دو شرح (معارج و منهاج) از قطب را وندی است و کسی جز ایشان و مؤلف فهرست معارف تألیف دو شرح را بقطب را وندی نسبت نداده و صاحب مستدرک الوسائل معارج را با تصحیف بصورت «معارج» نقل نموده و فرماید که منهاج نام شرح قطب را وندی است و معارج را ندانم از کیست. چنانکه دانسته شد معارج نام شرح بیهقی است و جز سه شرح مذکور فوق مقدم بر قطب را وندی شرحی دیگر سراغ نیافته‌ایم که بتوان آنرا بنام «معارج» دانست.

#### ۵ - شرح فضل الله را وندی

ابو الرضا ضیاء الدین سید فضل الله را وندی که معاصر سمعانی مؤلف الانساب (۵۰۲ - ۵۶۲) بوده، ابن عتائقی در شرح خود عبارات و مطالبی از نهج البلاغه را از ایشان نقل نموده و صاحب روضات در ص ۳۰۲ در ذیل قطب را وندی از ریاض العلماء آورده که بعضی اشتباه کرده و تألیف شرح نهج البلاغه را به ابی الرضا فضل الله بن علی حسینی را وندی نسبت داده‌اند.

نگارنده معتقد است که ایشان را نیز شرحی بر نهج بوده و ابن عتائقی به تصریح خود مطالبی را از آن کتاب گرفته و نسبت اشتباه صاحب روضات راجع بوجود این شرح اشتباه است.

#### ۶ - شرح مهابادی

افضل الدین ابو الحسن بن علی بن احمد المهابادی، بنا بضمط مؤلف فهرست معارف مؤلف آن بسال ۵۸۵ وفات یافته است.

#### ۷ - شرح امام فخر رازی

قطعی در ص ۱۹۲ تاریخ الحکما بدین تألیف تصریح نموده و صاحب مستدرک و دیگران نیز آنرا ذکر و امام در سال ۶۰۶ وفات کرده است.

#### ۸ - شرح ابن ابی الحدید

از این شرح در ص ۴۱ تا ۴۷ همین مجلد معرفی کامل شده و بسال ۶۴۹ تألیف آن خاتمه یافته است.

## ۹ - شرح سید بن طاووس

رضی الدین علی متوفی بسال ۶۶۴ در کشف الحجب ذکر شده و حاجی نوری نیز در مستدرک آورده اند .

## ۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - شرح ابن میثم

کبیر ، متوسط و صغیر - از این شروح در ص ۴۹ تا ۵۴ همین مجلد معرفی کامل شده و آقای شیخ جواد عراقی که از واعظ معروف طهران میباشد مدعی اند که شرح صغیر ابن میثم را در بروجرود دیده اند ولی عقیده نگارنده همانست که در آنجا نگاشت و تألیف شرح کبیر بسال ۶۷۷ میباشد .

## ۱۳ - شرح علامه حلی

حسن بن یوسف بن مطهر حلی ره متوفی بسال ۷۲۶ ، در فهرست معارف آمده چنانکه از خلاصه الاقوال بر می آید شرحی است مختصر و در بعضی از نسخه های خلاصه بنام « مختصر شرح نهج البلاغه » ذکر گردیده و مؤلف کشف الحجب گفته که از شرح ابن میثم بحرانی مختصر شده . و بگفته آقای جواهر الکلام نسخه آن نزد میرزا محمد باقر خونساری موجود است .

## ۱۴ - شرح یحیی بن حمزه

سید شهرستانی این شرح را نام برده و گوید : یحیی بن حمزه العلوی امام زیدیه بوده و بسال ۷۴۹ وفات یافته و این شرح شامل تفسیر لغات نهج البلاغه است .

## ۱۵ - شرح بنام « نفائس »

این شرح از علماء عامه و نسخه های از آن که بسال ۷۵۹ نوشته شده در کتابخانه حضرت رضا م در مشهد موجود است ( ج ۱ فهرست ص ۹۹ فصل اخبار خطی ) .

## ۱۶ - شرح تفتازانی

سعد الدین مسعود بن عمر تفتازانی  $\frac{712}{791} - \frac{792}{793}$  ، که از علماء و ادباء معروف قرن هشتم هجری و عامی مذهب بوده اند .

## ۱۷ - شرح ابن عتائی

عبد الرحمن بن محمد بن ابراهیم المشهور به ابن عتائی ، که از علماء قرن هشتم هجری بوده و مذاق حکمی و عرفانی داشته و نسخه های از این شرح را که مشتمل بر شرح ثلث نهج البلاغه میباشد نگارنده دارد ( از ابتداء شرح خطبه ای که

در استسقاء ایراد فرموده و آغاز آن اینست: **أَلَا وَانَّ الْأَرْضَ الَّتِي تَحْمِلُكُمْ وَ** چند سطرى از شرح خطبه سابق بر آن خطبه را نیز دارا است تا آخر شرح وصية و دستوریکه به یکی از متصدیان صدقات مرقوم گردیده و بدین عبارت سید رضی ره آنرا شروع فرموده: **وَإِنَّمَا ذَكَرْنَا جَمَلًا هَهُنَا لِيَعْلَمَ بِهَا أَنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ (الخ).** شارح بمناسباتی در چند مورد از این قسمت سال شرح هر قسمت از این کتاب را تذکر داده و نخستین تاریخ آن سال ۷۷۷ و در ذیل کلمه « وانه سیأتی زمان » از خطبه ای که آغاز آن این عبارت: **«فَبَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ بِهِ عِبَادَهُ»** میباشد و آن اینست: **«فَانْخَفَاءَ الْحَقِّ وَظُهُورِ الْبَاطِلِ أَمْرٌ ظَاهِرٌ وَلَا سَيِّمَافِي زَمَانِنَا هَذَا وَ** هوسته سبع و سبعین و سبعمائنه فانه ظهر فيها الخ. و آخرین آنها سال ۷۸۶ میباشد و آن در ذیل شرح خطبه ایست که در ذکر ملاحم میباشد و آغاز آن خطبه اینست: **«الْأَبَاسِيُّ وَأُمِّي هُم مِّنْ عِدَّةِ الْخ»** و عبارت مشتمل بر تاریخ این: **«وَمِنْ سَنَةِ سَبْعٍ وَسَبْعِينَ وَسَبْعَائِهِ وَقَعَ فِي بِلَادِ الْعِرَاقِ وَالْعَجَمِ تَشْوِيشَاتٌ وَوُقُوعُ أَشْيَاءَ لَا يُعْبَرُ عَنْهَا وَلَا يُحْصَى كَثْرَةُ إِلَى هَذِهِ السَّنَةِ الَّتِي نَحْنُ فِيهَا وَهِيَ سَنَةُ سِتٍّ وَثَمَانِينَ فَإِنَّ الْحَرَامَ صَارَ خَالِصًا غَيْرَ مَمْزُوجٍ بِالْحَلَالِ الْخ.»**

نگارنده با مطالعه مکرر در بیشتر از صفحات آن چنین یافت که این دانشمند در هنگام تألیف این شرح شروحنی چند از نهج البلاغه را در دست داشته و گذشته از آنها کتب دیگر چون صحاح ست و الاستیعاب تألیف ابن عبدالبر و تاریخ کبیر محمد بن جریر طبری و کتاب شفا و مقامات العارفين از اشارات و رساله الاضحویه (رساله معادیه) از تألیفات شیخ الرئيس ابوعلی سینا و ربیع الابرار زنجشیری و کتاب المعارف و کتاب غریب الحدیث ابن قتیبه و مقاتل الطالبيين ابو الفرج اصفهانی و کتاب الحيوان جاحظ و غیر از این کتب در جلو چشم وی بوده و از آنها مطالبی را نقل و بدانها استشهاد کرده و از اخبار ائمه اثنی عشر علیهم سلام الله الملك الاکبر در آن یافت میشود و شرح هائیکه شارح از آنها مطالبی را نقل نموده عبارتند از شرح ابن ابی الحدید، شرح ابن میثم، شرح بیهقی، شرح امام وبری، شرح قطب کیدری، شرح قطب راوندی و شرح سید فضل الله راوندی، بنابر این تحقیق معلوم

گردید آنچه صاحب ریاض العلماء چنانکه در ص ۳۸۱ وقایع الایام از آنجا نقل شده از نوشته پشت نسخه ای از این کتاب که بدست ایشان رسیده نقل کرده و باستناد بآنجا تشکیل این شرح را از شروح ابن ابی الحدید و ابن میثم و قطب کیدری و قاضی عبدالجبار شیعی دانسته اند مقرون بصحّت و تحقیق نیست چرا که **اولاً** این شارح مطالبی را که از شروح و کتب مذکوره فوق نقل نموده کمتر از عشر کتاب میباشد و اقوال آنهارا بعنوان استشهاد و تأیید خویش آورده نه اینکه شرحی ساخته باشد که مطالب آن منتخبی از شروح مذکوره باشد چنانکه از آن عبارات نوشته شده بر نسخه صاحب ریاض بر میآید و ثانیاً اینکه در این نسخه نگارنده برای نمونه يك بار هم نامی از عبدالجبار نیست بنابر این تصوّر میکنم یادداشت کتبه بدون دقت در او راقی کتاب مراجعه مینموده و نام «ابن عبدالبر» مؤلف الاستیعاب را دیده در ابتداء نظر تصوّر نموده که عبدالجبار بوده و همان تصوّر خویش را نگاشته است و گر نه چرا در نسخه نگارنده که تقریباً ثلث شرح نهج البلاغه ابن عثامتی میباشد ابدانامی از این شرح و شارح آن (بادقت و مطالعه مکرر) دیده نشد ثالثاً اگر نویسنده پشت آن نسخه این شرح را مطالعه کرده بود بمطالیه که از شروح دیگر و کتابهای نام برده شده در این کتاب موجود است نیز خبری میداد.

بنا بر آنچه گفتیم و اینکه صاحب ریاض العلماء نوشته و صاحب روضات بایشان اقتدا نموده و محدّث نوری شهادت داده اند در کتب رجال و سیر نامی از عبدالجبار شارح نهج البلاغه نیست و مدرك آنها نیکه یکی از شروح را شرح عبدالجبار دانسته اند فقط نوشته پشت آن نسخه بود که آنرا رد کردیم بنابر این بر آنم که عبدالجبار شیعی نداریم تا او را شرحی بر این کتاب باشد و در اینجا نام از آن نخواهیم برد.

ابن عثامتی در این شرح تفصیل مطلبی را به کتاب تفسیر خویش که بنام «الوجیز» بوده حواله داده، شاید این تفسیر «مختصر تفسیر علی بن ابراهیم» باشد که صاحب روضات آنرا از مؤلفات ایشان دانسته و یا کتابی دیگر از مؤلفات ایشانست چنانکه ظاهر هم نظر دوم را تأیید میکند.

**۱۸ - شرح محمد بن حبیب الدین**

شرح محمد بن حبیب الدین احمد حسنی حسینی بگفته مؤلف فهرست معارف درص  
۱۴۶۱ سال ۸۸۱ تألیف آن خاتمه یافته (این تاریخ در الذریعه است) و نگارنده نسخه  
آنرا سراغ ندارد

**۱۹ - شرح الهی اردبیلی**

جلال الدین حسین بن خواجه شرف الدین عبدالحق اردبیلی معروف به آهی  
معاصر شاه اسمعیل صفوی بوده و نهج البلاغه را بسال ۹۰۵ بفارسی شرح و ترجمه نموده  
و بگفته آقای تربیت (ص ۴۸ دانشمندان آذربایجان) نسخه‌ای از این شرح در  
کتابخانه اسعدپاشا در شهر اسلامبول موجود و نام آن «نهج الفصاحه فی شرح  
نهج البلاغه» میباشد.

**۲۰ - شرح قوام الدین شیرازی**

قوام الدین یوسف شیرازی معروف به قاضی بغداد از شاگردان ملاّ جلال  
دوّانی متوفی بسال ۹۰۸ بوده و در اوائل سلطنت سلطان سلیم خان (۹۱۸-۹۲۶)  
وفات کرده و این شرح را صاحب وقایع الایام از شقائق النعمانیه نقل نموده و  
در ص ۳۵۳ کتاب شقائق مذکور نوشته شده که پس مرگ مؤلفات وی چون  
فرزندانش کوچک بودند از میان رفت.

**۲۱ - شرح عز الدین آملی**

معاصر شیخ عبدالعالی کرکی متوفی بسال ۹۴۰ میباشد که نیز بفارسی و در  
ص ۵۷ تا ۵۹ معرفی آن گردید.

**۲۲ - شرح زواری**

علی بن حسن زواری نهج البلاغه را بفارسی شرح و خود آنرا «روضه الانوار» نامیده  
و بسال ۹۴۷ در دو مجلد تألیف آن خاتمه یافته و نسخه آن در کتابخانه رضویه  
در مشهد مقدس و کتابخانه مدرسه مروی در طهران موجود است.

**۲۳ - شرح عماد الدین استرآبادی**

مولی عماد الدین علی قاری استرآبادی از معاصرین شاه طهماسب صفوی  
(۹۳۰-۹۸۴) بوده و مؤلف فهرست معارف از صاحب ریاض العلماء نقل نموده  
که این شرح مانند حاشیه و تعلیقه بر نهج البلاغه میباشد.



**۲۴ - شرح ملافتح الله کاشی**

این شرح بفارسی و آنرا ترجمه نیز خوانند و مؤلف بسال ۹۸۸ وفات یافته و در ص ۱۶ معرفی از آن شد.

**۲۵ - ترجمه شرح ابن ابی الحدید**

چنانکه در ص ۱۴ و ۱۵ گذشت شمس بن محمد بن مراد بسال ۱۰۱۳ بترجمه شرح ابن ابی الحدید پرداخته و بر آن اضافاتی نموده، صاحب وقایع الایام از صاحب ریاض العلما نقل نموده که وی گوید: شمس بن محمد بن مراد از علمای عصر ما بلکه در عصر خود ما بوده و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید را در زمان شاه سلیمان بامر **درویش بن مظفر** بفارسی ترجمه کرده و ترجمه مجلد اول آنرا در اصفهان دیده‌ام. از کیفیت عبارت نویسی صاحب ریاض نگارنده را بنظر میرسد که اطلاع درستی از این مؤلف نداشته و نسخه‌ای از این ترجمه را که در عصر سلطنت شاه سلیمان (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵) بامر درویش بن مظفر نویسانده بوده‌اند دیده و تصوّر نموده که مؤلف در همان زمان بوده و تاریخ تألیف فوق که نسخه آقای حاج عتشم السلطنه (حسن اسفندیاری) دارای آنست بهترین مؤید نویسنده است و نام این مترجم (شمس بن محمد بن مراد) را که مسلماً شیعه بوده در کتب رجال نیافتیم.

**۲۶ - شرح و ترجمه نور محمد**

نور محمد بن قاضی عبدالعزیز بن قاضی طاهر محمد محلی که از علماء عامّه بوده، چنانکه در آخر شرح خود تصریح نموده بسال ۱۰۲۸ نهج البلاغه را بفارسی شرح و ترجمه کرده و شارح بکتاب فلاسفه و آراء آنها آشنائی داشته و بمناسبت در ذیل شرح بعضی از فقرات از خطب و کلمات بنقل آنها پرداخته و با عرفان نیز سر و کار داشته و مطالبی عرفانی در این شرح جا داده و مطالبی از قطب راوندی نقل کرده و برد آن مبادرت نموده، نسخه‌ای از این شرح اخیراً جزء کتب این کتابخانه شده و قسمتی از اوائل آن افتاده و چون کتب دیگری که با این نسخه وارد شده، نظم و ترتیب آنها انجام نیافته، خصوصیات نسخه را در این جلد ذکر نمودیم.

## ۲۷- شرح نظام الدین گیلانی

این شرح چنانکه ذیل شرح ابن میثم درص ۵۳ گذشت نسخه آنرا آقای تربیت دارند و مختصر شرح ابن میثم بحرانی میباشد، نظام الدین گیلانی ملقب به حکیم الملک باختصار آن پرداخته و مختصر اضافاتی نیز از خود در شرح و بسط نهج البلاغه دارد و بسال ۱۰۳۶ این اختصار خاتمه یافته و آنرا «انوار الفصاحه و اسرار البلاغه» نامیده است.

## ۲۸- شرح عبد الباقي صوفی

این شارح از خطاط های معروف عصر شاه عباس کبیر بوده و بگفته آقای تربیت در ص ۱۴۴-۱۴۶ دانشمندان آذربایجان از اهالی تبریز و دانشمند تخلص میجسته و بسال ۱۰۳۹ وفات یافته و صاحب مستدرک الوسائل از ریاض العلماء نقل نموده که این شرح فارسی و مفصل میباشد ولی توفیق بر اتمام آن نیافته و مؤلف را میل زیادی بمسلك تصوف است.

در فهرست رضویه قسمتی از اوائل شرحیکه بنام «منهاج الولایه» نامیده شده موجود و باین دانشمند نسبت داده شده، نگارنده سه نسخه دیگر از این کتاب را دیده یکی از آنها که مشتمل بر یازده باب از این کتابست و اندکی از باب یازدهم و باب دوازدهم را ندارد، متعلق بحضرت آقای حاج میرزا عبدالحسین ذوالر یاستین شیرازی دام عمره قطب فعلی سلسله نعمت اللهی میباشد و نسخه دیگری که باب دوازدهم را که در ادعیه نهج البلاغه میباشد، بدون شرح دارا بود دیده و آنرا آقای امیری فیروز کوهی که جوانی صاحب ذوق و شاعر میباشد خریداری کرده اند و نسخه سوم را که مشتمل بر سه باب اولیه این کتاب میباشد دانشمند معاصر آقای سید عبدالرحیم خلخالی دارند و از لحاظ خط نفیس است.

شارح مطالب نهج البلاغه را دوازده نوع بتفصیل ذیل نموده و هر یک را در بابی قرار داده و بشرح آن پرداخته و در آن بنقل عین کلمات محققین از عرفا چون صدر المحققین (صدر الدین قونوی) و ابن العربی و سید علی همدانی مبادرت نموده و باشعار سعدی و حافظ و ابن فارض و قاسم (ظاهر آ قاسم انوار باشد) و عطار و گلشن راز تمثیل جسته و از تفسیر کشف و کتب عرفانی و غیره نقلهایی دارد.

فهرست ابواب این شرح اینست : ۱ - در توحید ذات و اسماء و صفات و تجمید الله .  
 ۲ - در مناقب حضرت پیغمبر و آل وی علیهم السلام . ۳ - در شرف علم و هدایت و اصناف علما .  
 ۴ - در تقوی و صفات متقین و شعار اولیاء و صالحین . ۵ - در خلائف حکم و لطائف امثال  
 آداب و شمیم . ۶ - در وصایا و نصایح شافیه و مواعظ و زواجر . ۷ - در اعراض از دنیای  
 فانی و اقبال به آخرت که باقی است . ۸ - در مذمت از تکبر و تفاخر و حسد و سرزنش متکبرین  
 و متفاخرین . ۹ - در بدگوئی از ستم و ستم کاران و هر کس که مخالف راه نمائی و آئین است .  
 ۱۰ - در قوانین عدالت و سیاست و مملکت داری . ۱۱ - در معادن و احوال مرگ و قبر و  
 حشر و قیامت و در آمدن به بهشت . ۱۲ - دعاها ایست که در نهج البلاغه از انشاء آنحضرت ع می باشد  
 و این شرح بدعا ختم گردیده است .

این شرح بفارسی است ولی شارح عباراتی که از کتب عرفا نقل نموده به عربی  
 است و در مقدمه نامی از مؤلف نیست، با مطالعه مختصری که در خود شرح گردید  
 آثاری دیگر از مؤلف بدست نیاوردم و بقرینه اینکه شرحی است موافق مذاق عرفان  
 و تصوف و باب آخر آنهم بدون شرح مانده و نشانه ای که صاحب ریاض العلماء  
 از شرح عبدالباقی داده بود، نگارنده احتمال مؤلف فهرست رضویه را در نسبت  
 این شرح ( منهاج الولاية ) به عبدالباقی صوفی قوی دانست و این شرح را که فهرست  
 ابواب آن گذشت از او میداند . ولی بر نسخه آقای امیری نوشته شده که این شرح  
 از کاشفی است و دلیلی بر این نوشته در خود نسخه نگارنده نیافت .

#### ۳۹ - شرح طبسی

سلطان محمود بن غلامعلی طبسی که از شاگردان مرحوم مجلسی ( ظاهرآ مجلسی  
 اول ) بوده و صاحب رساله در رجعت بفارسی میباشد شرح ابن ابی الحدید را  
 مختصر کرده است .

#### ۴۰ - شرح شیخ حسین عاملی

در امل الامل نگاشته شده که شیخ حسین بن شهاب الدین عاملی کرکی متوفی  
 بسال ۱۰۷۷ شرحی بزرگ بر نهج البلاغه نگاشته است .

#### ۴۱ - شرح فخرالدین

فخرالدین عبدالله بن المؤید بالله شرح ابن ابی الحدید را مختصر نموده و آنرا  
 « العقد النضید - یا - الدر النضید المستخرج من شرح ابن ابی الحدید » نامیده و  
 نسخه ای از آن که بسال ۱۰۸۰ نوشته شده در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران  
 موجود است .

**۳۲ - شرح محمد صالح روغنی**

این شرح در ص ۶۳ تا ۶۶ مفصلاً از آن معرفی شد و پیش از سال ۱۰۸۸ تألیف یافته و بهترین شرح فارسی بر نهج البلاغه است.

**۳۳ - شرح سید ماجد بحرانی**

سید ماجد بن محمد حسینی بحرانی ره از علمای عصر شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵) و معاصر صاحب امل الآمل بوده و از عبارات امل چنین برمیآید که پیش از اتمام امل الآمل (سال ۱۰۹۷) وفات یافته و ایشان گویند این شرح ناتمام مانده است.

**۳۴ - شرح کجکجی**

این شرح را شیخ محمد مهدی بن ابی تراب مشهدی کجکجی بفارسی تألیف و در سال ۱۰۹۷ خاتمه یافته و بگفته آقای جواهر الکلام در فهرست معارف نسخه آن در کتابخانه حضرت رضا م موجود است.

**۳۵، ۳۶ - دو شرح گلستانه**

سید علاء الدین محمد گلستانه متوفی بسال ۱۱۰۰ دو شرح بر نهج البلاغه نگاشته یکی مختصر و تمام که نام آنرا « بهجة الحقائق » گذارده و دیگری مفصل و ناتمام که نام آن « حقائق الحقائق » میباشد و در ص ۶۰ تا ۶۲ معرفی کامل از شرح بزرگ گلستانه گردید.

**۳۷ - شرح حرموزی**

سید حسن بن مطهر بن حسین حرموزی یمانی متوفی بسال ۱۱۱۰ نهج البلاغه را شرح نموده و سید شهرستانی آنرا از کتاب « الذریعة الی تصانیف الشیعة » بنقل از کتاب نسمة السحر نقل نموده است.

**۳۸ - شرح سید جزائری**

شرح سید نعمت الله جزائری متوفی بسال ۱۱۱۲ بگفته آقای جواهر الکلام در فهرست معارف، در سه مجلد میباشد.

**۳۹ - شرح محمد رفیع گیلانی**

رفیع الدین محمد بن فرج گیلانی متوفی بسال ۱۱۶۰ یکی از علما و زهاد بوده و در شهر مشهد مقدس تدریس مینموده و صاحب فهرست معارف نوشته اند که این شرح

جامع میان شرح ابن ابی الحدید و شرح ابن میثم بحرانی است .

#### ۴۰ ، ۴۱ - دو شرح شهر

سید عبدالله شبر متولد سال ۱۱۸۸ و متوفی سال ۱۲۴۲ از علماء امامیه و دانشمندان و مفسرین قرن سیزدهم هجری بوده و در کاظمین وفات یافته، دو شرح بر این کتاب نگاشته و گفته اند یکی چهل هزار بیت و دیگری سی هزار بیت کتابت دارد.

#### ۴۲ - شرح لاهیجی

این شرح از محمد باقر لاهیجی مشهور به نواب و بفارسی است ، تألیف آن سال ۱۲۲۶ خاتمه یافته و بنام ترجمه نیز خوانده میشود و درص ۱۷ و ۱۸ معرفی از آن گردید.

#### ۴۳ - شرح امام جمعه طهران

میر محمد مهدی امام جمعه طهران ره متوفی سال ۱۲۶۳ شرحی بر نهج البلاغه دارند و درص ۵۵ و ۵۶ معرفی از آن نمودیم .

اخیراً استاد محترم این دانشکده آقای سید محمد مشکوة پنج مجلد از شرح فارسی بر نهج البلاغه نزد نگارنده فرستاده اند که در آن دقت نموده و بگویم از کیست، پس از مدتی مطالعه از خود کتاب بدست آمد که مؤلف آن از طرف مادر بحضرت علامه مجلسی متناسب میباشد و از لحاظ اینکه بیشتر از مطالب ترجمه عین عبارت شرح ابن عتائقی میباشد بی اهمیت نیست و از مقایسه این مجلدات با قسمتی از شرح امام جمعه طهران که در این کتابخانه موجود است و نسبت ایشان از طرف مادر به مجلسی ثابت میشود که این مجلدات بقیه آن شرح میباشد و در یکی از این مجلدات دیدم که مؤلف گوید مرا کتابی در امامت و غزوات بنام «تکملة الحیات» میباشد و مطالبی را بدانجا حواله نموده ولی این کتاب و حتی نام آن را جایی نیافتم و این پنج مجلد در حدود (۱۸۰۰۰۰) بیت کتابت دارد .

#### ۴۴ - شرح سید محمد تقی

محمد تقی بن الامیر مؤمن قزوینی متوفی سال ۱۲۷۰ بر نهج البلاغه شرحی نوشته و مؤلف فهرست معارف گوید که سال ۱۲۶۸ مجلد اول آنرا با تمام رسانیده است .

## ۴۵ - شرح محمد صالح برغانی

حاجی محمد صالح برغانی قزوینی برادر ملا محمد تقی شهید ثالث و پدر قرّة العین معروفه است که پیرو میرزا علی محمد باب گردید، پدر و عمو را بکشتن داد و از این رو عمویش معروف به شهید ثالث گردید و صاحب روضات گویند که هر دو برادر در حدود سال ۱۲۷۰ بمردن و کشته شدن دعوت حق را اجابت گفته‌اند، مؤلف وقایع الایام فقط این شرح را نام برده و در جای دیگر نامی از آن نیست، آقای تربیت گویند که این شرح بفارسی می‌باشد و محمدعلیشاه قاجار در هنگام ولیعهدی خویش با حروف سربی در شهر تبریز آنرا چاپ و مجّاناً بعلماء و دانشمندان داده است، ولی بدبختانه با تفحص زیاد نگارنده در طهران نسخه‌ای از آنرا نیافت.

## ۴۶ - شرح خوئی (الدرة النجفیة)

مؤلف این شرح میرزا ابراهیم بن حسین بن علی خوئی می‌باشد که بسال ۱۳۲۵ در مشروطیت کشته شده و صاحب مستدرک از ایشان به «الفاضل المعاصر» تعبیر نموده و بسال ۱۲۹۱ تألیف آن خاتمه یافته و بسال ۱۲۹۳ در تبریز چاپ شده و نام آنرا «الدرة النجفیة» گذارده است. و کتابی این مؤلف در رجال بنام «تلخیص المقال فی تحقیق احوال الرجال» دارند.

## ۴۷ - شرح دزفولی

چنانکه در ص ۴۵ و ۴۶ گذشت حاج نصرالله بن ملا فتح الله دزفولی بامر ناصرالدین شاه قاجار شرح ابن ابی الحدید را بفارسی ترجمه نموده و پس از هر قسمت از ترجمه کلمات نظریه خویش را در شرح آن کلمات بیان نموده و بسال ۱۲۹۲ این ترجمه و شرح خاتمه یافته و در صفحات مذکوره این فهرست برخی از مجلّات این شرح را در کتابخانه استاد آفاسید محمد مشکوة نشان دادیم.

## ۴۸ - شرح شیخ محمد عبده

شیخ محمد عبده مصری متوفی بسال ۱۳۲۳ از افاضل عصر اخیر و از شاگردان سید جمال الدین اسدآبادی همدانی ایرانی معروف به افغانی بوده و این شیخ جلیل از مشاهیر علماء عامّه اند و شرح ایشان حلال الفاظ مشکله و لغات غریبه نهج البلاغه می‌باشد و نخستین بار بسال ۱۸۸۵ م در بیروت چاپ و تا کنون بارها در ذیل نهج البلاغه چاپ گردیده است.

## ۴۹ - شرح خوئی

سید حبیب‌الله بن محمد هاشم هاشمی علوی موسوی خوئی شرحی بر نهج البلاغه نگاشته و نام آنرا نیز «منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه» گذارده و شش مجلد از این شرح چاپ شده و مجلد ششم آن تا شرح دویست و نهمین کلام یا خطبه حضرت که باین جمله آغاز شده: (ان فی ایدی الناس حقاً و باطلاً) میباشد و تاریخ اتمام مجلد پنجم را مؤلف بسال ۱۳۱۷ ضبط نموده و مجلد ششم بسی تاریخ مانده و این مجلد در سال ۱۳۵۲ و مجلدات دیگر پیش از این تاریخ چاپ گردیده و از مجلدات دیگر این شرح خبر و اثری نیافتیم و این شرح یکی از شروح مفصله نهج البلاغه میباشد و ترجمه فارسی نهج البلاغه را نیز داراست.

## ۵۰ - شرح شیخ جواد طارمی

شیخ جواد بن محرم علی طارمی متوفی در زنجان بسال ۱۳۲۵ میباشد و صاحب وقایع الایام گویند که نام این شرح «شرح الاحشام علی نهج بلاغة الامام» است.

## ۵۱ - شرح جهانگیر خان قشقائی

قشقائی یکی از ایلات ترک ایران است که در فارس متوطن میباشند و جهانگیر خان از علما و حکمای اخیر ایران بشمار میرود و اصفهانرا برای تحصیل اختیار کرد و تا آخر عمر در آنجا بود و از اساتید حکمت در این عصر شمرده میشد و شیخ اسدالله گلپایگانی در کتاب «شمس التواریخ» وفات ایشانرا بسال ۱۳۲۸ ثبت کرده است.

## ۵۲ - شرح مرصفی

محمد حسن نائل مرصفی نیز از فضلاء اخیر کشور مصر میباشد و شرح ایشان بسال ۱۳۲۸ در مصر در ذیل نهج البلاغه چاپ شده و متکمل بیان و شرح لغات مشکله این کتابست و گاهی بمناسبت اشاره ای به قواعد علم معانی و بیان شده و اشعاری را بمناسبت مقام آورده اند و پیش از شروع بشرح، مقاله مختصری راجع بلغات مخصوصاً لغت عربی انشا نموده اند و چون دقت گردد بمطالب و عبارات این شرح عین عباراتی است که مرحوم شیخ محمد عبده مرقوم داشته اند، در معجم المطبوعات ص ۱۷۳۳ مؤلفات دیگر این مؤلف (مرصفی) که چاپ گردیده تذکر داده شده ولی نامی از این شرح در آنجا نیست.

## ۵۳ - شرح شهرستانی

عالم جلیل معاصر سید هبه‌الدین شهرستانی دام ظلّه وزیر سابق معارف عراق که از مفاخر عالم تشیع میباشند، چنانکه خود در «ماهو نهج البلاغه» آورده‌اند، بر نهج البلاغه شرحی بنام «بلاغ المنهج» نگاشته و پس از ایشان کسی را سراغ نداریم که بر تمام این کتاب شرح نوشته باشد.



شروح مذکوره چنانکه پیدا است بترتیب سالهای تألیف مرتب گردید اینک شروحی دیگر را که مؤلف آن شناخته نشده و یا زمان تألیف آنرا بدست نیاورده‌ایم مینگاریم:

## ۵۴ - شرح مختصر قدیمی

حاجی نوری ره در خاتمه مستدرک الوسائل نگاشته‌اند که شرحی بسیار کهنه و مختصر بر نهج البلاغه در مشهد مقدس ملاحظه فرموده ولی چون اوراقی از اول آن افتاده بوده مؤلف آنرا نشناخته‌اند.

## ۵۵ - شرح المولوی الهندی

این شرح را سید شهرستانی در «ماهو نهج البلاغه» و در فهرست معارف آقای جواهر الکلام ذکر فرموده‌اند، نام و زمان مؤلف را بدست نیاوردم.

## ۵۶ - شرح سید ذا کر الحسین

سید ذا کر الحسین اختر هندی دهلوی بتصریح مؤلف «الذریعه الی تصانیف الشیعه» بنام «نیر نلت فصاحت» (کذا) بر نهج البلاغه شرحی دارد و سید شهرستانی و عبدالعزیز جواهر الکلام نیز آنرا نقل کرده‌اند.

## ۵۷ - شرح (منهاج الولایه)

شرحی نیز بنام «منهاج الولایه» بر نهج البلاغه نگاشته شده و سید شهرستانی بنقل از «الذریعه» گویند که مؤلف آن خطب نهج البلاغه را سه دسته نموده **قسم اول** در توحید و اصول دین. **قسم دوم** در مواعظ و عبادات. **قسم سوم** در اخلاق. نگارنده نیز بر نام مؤلف و عصر ایشان دست نیافت و آقای جواهر الکلام در فهرست معارف ج ۱ ص ۱۴۴ ذیل شروحی که بر اجزاء نهج البلاغه نوشته شده



این شرح را نام برده و گویند که نسخه آن در کتابخانه نجف آبادی در نجف اشرف موجود است

#### ۵۸ - شرح مختصر

شرح مختصری که جامع جمل مفیده از شروح قدیمی نهج البلاغه میباشد و سید شهرستانی از «الذریعه» نقل کرده اند که نسخه آن در کتابخانه حضرت رضا علیه السلام موجود است ولی نگارنده در فهرست آنجا نیافت .

#### ۵۹ - شرح مزجی

سید شهرستانی از «الذریعه» نقل نموده که شرحی مزجی بر نهج البلاغه در کتابخانه حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام موجود است .

#### ۶۰ - شرح تحفة العلویه

فقط آقای جواهر الکلام در فهرست معارف این شرح را نام برده و گویند مؤلف آن افصح الدین میباشد تاریخ و زمان شرح و شارح بدست نگارنده نیامد .

#### ۶۱ - شرح ابن العنقاء

مؤلف وقایع الایام از ریاض العلماء نقل نموده که ابن عنقاء از علماء عامه بوده و این شرح را از چهار شرح جمع آوری کرده و در این جهت نظیر شرح ابن عتائق است . نگارنده بر نسخه آن و زمان و عصر مؤلفش دست نیافت .

#### ۶۲ - شرح اصفهانی

مؤلف وقایع الایام نیز از ریاض العلماء بنقل از کتاب «تحفة الابرار» تألیف سید حسین بن مساعد حائری گوید : اصفهانی را شرحی بر نهج البلاغه میباشد و او از علماء عامه بوده . عصر و زمان مؤلف و نام وی و این شرح نیز بدست نگارنده نیامد .

#### ۶۳ - شرح صنعانی

مؤلف وقایع الایام نیز از ریاض العلماء بنقل از «تحفة الابرار» مذکور گوید : صنعانی را شرحی بر نهج البلاغه میباشد و چنین معلوم میشود که از علماء عامه بوده است . نام مؤلف و زمان حیاتش را بدست نیاوردم .

### ۶۴- شرح علی بن ناصر

مؤلف کشف الحجب و محدث نوری ره و سید شهرستانی و مؤلف وقایع الایام و مؤلف فهرست معارف شرحی بنام «اعلام نهج البلاغه» به علی بن ناصر نام نسبت داده اند و نگارنده چنانکه درص ۱۲۳ نگاشت با تفحص و تجسس بزمان مؤلف و مکان نسخه این شرح دست نیافت ولی از اینکه در کشف الحجب آغاز آن نقل گردیده معلوم میشود که مؤلف آن نسخه ای از این شرح را در دست داشته اند.

### ۶۵- شرح محی الدین خیاط

محی الدین خیاط مطالبی را از شرح ابن ابی الحدید انتخاب و در بعضی از موارد نادراً اظهار نظر کرده و این شرح منتخب از شرح ابن ابی الحدید در ذیل نهج البلاغه در دو مجلد در بیروت بدون تاریخ چاپ شده است.

### ۶۶- شرح محمد محی الدین

محمد محی الدین عبدالحمید که یکی از مدرسین و اساتید فعلی جامع الازهر و فضلاء کنونی کشور مصر میباشد، نهج البلاغه را اخیراً (بدون تاریخ) با طرزی نیکو بضمیمه شرح مرحوم شیخ محمد عبده چاپ نموده و جمله هائی که سید رضی آنها را در نهج البلاغه نیاورده و ابن ابی الحدید در شرح خویش آورده، در این چاپ بر نهج البلاغه افزوده شده و این استاد محترم شرح و توضیحی که بعضی از جمل و کلمات لازم داشته و شیخ محمد عبده در شرح خویش از آنها صرف نظر نموده بآنها پر داخته اند.



اینک هنگام آن رسید که ترجمه ها و شروحیکه فقط بر بعضی از خطب یا اجزاء دیگر نهج البلاغه نوشته شده در اینجا یاد شود:

### دو شرح بر خطبة البیان

خطبة البیان یکی از خطب منسوبه بحضرت مولی علی بن ابی طالب سلام الله علیه است، سید رضی ره آنرا معتبر ندانسته و در نهج البلاغه نیاورده ولی بعضی از دانشمندان آنرا از آنحضرت میدانند، از آنها شیخ رجب برسی است که از علماء

قرن نهم هجری می باشد، نگارنده دو شرح بر این کتاب را دارد ۱ - بفارسی تألیف محمد بن محمود دهدار فارسی است که بچاپ نرسیده و نام آن « خلاصة الترجمان فی تأویل خطبة البیان » است - ۲ - نیز بفارسی و تألیف میرزا ابوالقاسم بن مجد الاشراف شیرازی متوفی بسال ۱۲۸۶ قطب سلسله ذهبیه می باشد و بسال ۱۳۴۳ در مطبعة احمدی شیراز چاپ شده و نام آن « معالم التأویل والتبیین فی شرح خطبة البیان » است .

### شرح خطبه شقشقیه

این خطبه چنانکه در اوائل بحث راجع به نهج البلاغه نوشته شد از خطب مهمه حضرت مولی سلام الله علیه است و عربی و فارسی شروح بسیار بر آن نوشته شده و نگارنده بر شروح ذیل دست و خبر یافته :

- ۱ - شرح سید محمد عباس شوشتری که از علماء قرن سیزدهم هجری و در هندوستان بوده و بفارسی می باشد و بسال ۱۲۸۷ چاپ شده است .
- ۲ - تعلیقات و حواشی همین مؤلف بر این خطبه و عربی است که در حاشیه نسخه چاپ شده نگاشته شده .

- ۳ - شرح سید مرتضی علم الهدی علی بن الحسین رحمه الله علیه متوفی بسال ۴۳۶ .

### شرح عهدنامه مالک اشتر

این دستور حکمفرمائی یا عهدنامه یکی از ابلاغ های تاریخی و مهمی است که حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام در حالیکه مالک اشتر نخعی را والی کشور مصر نموده انشاء فرموده و چون مشتمل بر مطالب سودمندی است و بعد از مدت نویسنده و منشی آن گواهی می دهد بسیاری از دانشمندان بترجمه و بسط و ترجمه آن پرداخته اند :

- ۱ - شرح سید ماجد بحرینی معاصر شیخ حر عاملی ره می باشد که پیش از سال ۱۰۹۷ وفات یافته و بفارسی و در تحت شخصت مقاله و بنام « تحفه سلیمانیه » می باشد و در سال ۱۳۰۱ در طهران چاپ شده است .

- ۲ - شرح یا ترجمه محمد صالح روغنی قزوینی از علماء اواخر قرن یازدهم هجری می باشد که نیز بفارسی است و درص ۱۴-۱۶ معرفی کامل از آن گذشت .

۳ - ترجمه و شرح میرزای وقار پسر مرحوم وصال شیرازی متوفی به سال ۱۲۷۴ که بنظم فارسی است و در شیراز چاپ شده .

۴ - در مؤلفات فارسی علامه مجلسی ( محمد باقر بن محمد تقی ) شرحی بر این عهدنامه نام برده شده است .

۵ - محمد باقر بن محمد تقی نام رارساله ای است که در سلوک و لایة از اخبار ائمة اطهار ع بفارسی تألیف شده و تمام این عهدنامه را که بفارسی ترجمه و شرح کرده اند در آن گذارده و نسخه آن اخیراً جزء کتب این کتابخانه گردیده، شاید این رساله همان شرح و ترجمه مجلسی ره باشد .

۶ - مرحوم شیخ محمد عبده مفتی دیار مصر متوفی به سال ۱۳۲۳ این عهدنامه را شرح نموده و « مقتبس السیاسیة » نام نهاده و بسال ۱۳۱۷ در مصر چاپ شده است .

۷ - مرحوم حاج شیخ محمد سلطان متوفی بسال ۱۳۵۴ که عالمی و اعظم و واعظی عالم بودند بر این نامه شرحی نگاشته و نسخه آن نزد فرزند خلف ایشان آقای ملک خلاقی در طهران موجود و نام آن « اساس السیاسیة فی تأسیس الریاسة » است .

۸ - شیخ محمد هادی بن محمد حسین قائنی بیرجندی که از شاگردان مرحوم میرزای شیرازی ( محمد حسن ) ره و از معمرین علمای فعلی ایران میباشند بسال ۱۳۲۳ این عهدنامه را بفارسی ترجمه و با ترجمه ادب الکبیر تألیف ابن مقفع که نیز خود ایشان ترجمه نموده اند بسال ۱۳۱۵ شمسی در طهران چاپ شده است .

۹ - محمد حسین بن علینقی همدانی این خطبه را بسال ۱۳۰۸ که زین العابدین خان حسام الملك والی ایالت کرمانشاهان بوده بنام وی بفارسی ترجمه و شرح نموده بدین مناسبت آنرا « هدايات الحسام فی عجائب الهدایات للحکام » گذارده و گوید که مجموع این اسم موافق با تاریخ کتاب است ، نسخه ای از این شرح را آقای اسفندیاری ( حاج محشم السلطنه ) رئیس محترم دوره یازدهم مجلس شورای ملی دارند و بسال ۱۳۱۱ نوشته شده و ضمیمه آن رساله ای از همین مؤلف بفارسی در علم فراست یا قیافه میباشد که بر حسب خواش شاهزاده عز الدوله عبدالصمد میرزا تألیف گردیده و آغاز این رساله اینست :  
بسم الله الحمد لله و سلام على عباده الذين اصطفى، فراست بر دو قسم است آلهیه نوریه و طبعیه من ارجیه اما فراست آلهیه الخ .

۱۰ - در المآثر والاثار ص ۱۸۶ نگاشته شده که میرزا ابراهیم بن محمد مهدی بدایع نگار را شرحی بر عهدنامه مالک اشتر مییابد که بچاپ رسیده و نسخه‌ای از شرح این عهدنامه در کتابخانه حضرت رضا (ع) موجود و مؤلف فهرست آنجا نوشته که بسال ۱۲۶۲ وقف گردیده و دیباچه و خطبه ندارد و محتمل است که همان ترجمه مذکور در المآثر والاثار باشد و آغاز آن این :

(هذا ما امر به عبد الله امير المؤمنين مالك بن الحارث الخ) و انجام آن اینست :  
(و درود فرستد خدای بر او درود فرستادن بسیار) .

۱۱ - نسخه‌ای از ترجمه این عهدنامه در کتابخانه مجلس موجود و در مقدمه آن مترجم خود را فقط بدایع نگار معرفی نموده و سال تألیف را ۱۲۷۳ معین کرده و فارسی بسیار سلیس و روانی است و آغاز و انجام آن با نسخه پیشین مختلف مییابد و آغاز نسخه این جمله : بسمله چون در سال چهلیم هجرت رسول صلوات الله و سلامه علیه مصر و اعمال مصر بر محمد ابی بکر بر آشفت و او را بدان صفت که در تاریخ مغازی عرب مسطور است بسوختند الخ .

و آغاز ترجمه عهدنامه این : بسمله این فرمان بنده خدا امیر المؤمنین علی است بسوی مالک بن حارث النخعی در آن عهد که بدو نبشت الخ . و انجام نسخه اینست : و در قبول این عهود و امضاء این حکم که یکان یکان بر تو شمردم و هر یک را دلیلی روشن و حجتی قاطع آورده سعی خویش بکاربری و شرط اجتهاد مرعی داری و انا اسئل الله بسعة رحمة و عظیم قدرته علی اعطاء کل رغبة ان یوفقنی و ایاک . . . . . و السلام علی رسول الله صلی الله علیه و آله الطاهرین، اللهم اغفر لرافقه الفقیر عبدالغفار التوسرکانی . . . . .  
فی سنة ۱۲۹۷ .

بنا بر اینکه آغاز و انجام این ترجمه با نسخه کتابخانه رضویه اختلاف دارد معلوم میشود که دو ترجمه است و شاید که ترجمه میرزا ابراهیم بدایع نگار نسخه مجلس باشد و ترجمه ای که در کتابخانه رضویه است از دیگری و تواند بود که عکس این باشد

و مانعی ندارد و نفر که ملقب به بدایع نگار بوده اند این عهدنامه را ترجمه کرده باشند و بدایع نگار مقام ولقی بوده و اکنون هم بدین نام و لقب دانشمندی در طهران می باشد .  
 ۱۲ - محمد جلال الدین این عهدنامه را برتر کی نظم بسته و بسال ۱۳۰۴ در اسلامبول چاپ شده .

### دو شرح بر خطبه همام یا خطبه المتقین

۱ - تألیف میر آصف قزوینی که در ایام فتنه افغانه در اصفهان وفات یافته است .  
 ۲ - تألیف آقا شیخ مهدی قمشه ای متخلص به الهی دام ظلّه است که اینک یکی از اساتید فلسفه در دانشکده معقول و منقول می باشد و از مفاخر این عصر شمرده میشوند و گذشته از فضائل صوری دارای معنویات بسیار پسندیده ای هستند و توان ایشان را خداوند اخلاق خواند و این شرح و ترجمه بنظم فارسی است چند بدیتی از آغاز آنرا در اینجا می آوریم :

بنام ایزد پیدا و پنهان	روان بخش تن، افروزنده جان
خداوندی که عالم آفریده	جهان در جان آدم آفریده

.....

شنیدم عاشقی پروانه خوئی	بآئین محبت راست گوئی
رفیق خلوت آن سلطان دین را	حریف صحبت آن عشق آفرین را

### شرح خطبه قاصه

چنانکه در ص ۱۰۸ گذشت عبد الکرم بن محمد یحیی قزوینی بمناسبت جمله ای از این خطبه که در مذمت کبر و حسد بوده در کتاب نظم الغرر و نضد الدرر تمام این خطبه را نقل نموده و بشرح و ترجمه آن پرداخته و نسخه آنرا فقط در کتابخانه مدرسه سپهسالار سراغ دارم .

### شرح خطبه طنجیه

خطبه ای که بنام طنجیه معروف گردیده در نهج البلاغه نیست و آنرا سید کاظم رشتی متوفی بسال ۱۲۹۵ که از شاگردان مرحوم شیخ احمد احسائی متوفی بسال ۱۲۴۰ و یکی از رؤسای شیخیه بوده اند، شرح نموده و بسال ۱۲۷۰ چاپ شده است .

### شرح و ترجمه بعضی از خطب و مکاتیب

۱ - در فهرست معارف نوشته شده که شیخ محمد علی بن سبیح ابی طالب زاهد جیلانی اصفهانی متوفی در بنارس بسال ۱۱۸۱ بعضی از خطب حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام را بفارسی شرح کرده اند .

۲ - محمد تقی لسان الملك در ذیل شرح حال و وقایع تاریخی حضرت مولی امیر المؤمنین علی علیه السلام از کتاب ناسخ التواریخ (مجلد دوم) خطب و مکاتیب از آن حضرت را نقل و بترجمه فارسی آنها پرداخته است .

۳ - میرزا جهانگیر خان ناظم الملك آذربایجانی متخلص به ضیائی متوفی بسال ۱۳۵۲ که از اهالی آذربایجان بوده بسال ۱۳۲۹ سه وصیت نامه حضرت مولی امیر المؤمنین ع خطاب به فرزند خویش حضرت حسن مجتبی علیه السلام را به نظم فارسی ترجمه و شرح کرده و در همان سال در اسلامبول در ذیل اصل وصیت نامهها چاپ گردیده است .



پیش از آنچه در اینجا نام برده شد نگارنده بر شروح و ترجمهای قسمتهائی از نهج البلاغه و خطب و مکاتیب حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام دست نیافت ، اینک بر آنچه از شروح و ترجمه های کلمات قصار آن حضرت دست و خبر یافته در اینجا تذکر میدهد که تاحدی این شرح و مطالب که در اطراف نهج البلاغه نوشته شده جامع باشد .



۱ - نخستین کس که بجمع کلمات قصار حضرت علی ع مبادرت نموده جاحظ متوفی بسال ۲۵۵ بوده که بنام « مائة کلمه » مشهور گردیده و در ص ۷۸ تا ۸۱ معرفی از آن و دو شرحی که دارد شد و نیز در ص ۶۹ تا ۷۱ ترجمه های آنرا نیز تذکر دادیم و مکرر با ترجمه و بی ترجمه چاپ گردیده است .

و در کشف الظنون ص ۷۸ ج ۲ آمده که مصطفی بن محمد معروف به خواجگی زاده صد کلمه امام علی بن ابیطالب ع را بنرکی شرح کرده است .

۲ - نثر اللالی است که مؤلف آنرا ابوعلی طبرسی یا علی بن فضل الله راوندی با قطب راوندی نوشته اند و راجع باین کتاب و ترجمه های آن در ص ۱۰۲ تا ۱۰۴

شرحی نگاشته شد و این مجموعه بترتیب حروف تهجی در سی باب مرتب شده و هر بابی مشتمل بر چندین کلمه از کلمات قصار میباشد و بسال ۱۳۱۲ چاپ شده است .  
 شیخ عبدالسلام احمد القویسی که از دانشمندان نیمه اول قرن چهاردهم هجری بوده اند در ص ۱۳ تا ۲۲ کتاب « مراقی النجابه فی قواعد الکتابه » کلمات قصاری از حضرت علی ع نقل و آنکلمات نثر الالائی میباشد و کتاب مذکور بسال ۱۳۲۸ در مصر چاپ شده است .

جز آنچه در صفحات مذکور بالا از شروح و ترجمه های این مجموعه نامبرده شده نثر الالائی ترجمه های ذیل را نیز دارد :

۱ - ابن ساوجی ابوالمحاسن محمد بن سعد بن محمد بن نخجوانی بسال ۷۳۲ هریک از کلمات قصار نثر الالائی را بیک بیت فارسی ترجمه نموده و مؤلف کتاب دانشمندان آذربایجان در ص ۲۱ آورده که نام آن « بدره المعانی فی ترجمه الالائی » میباشد و بسال ۱۳۱۵ در اسلامبول چاپ شده است .

۲ - در فهرست کتب عربی لندن نوشته شده که **یوسف نصیب** نثر الالائی را بترکی ترجمه نموده و نام آنرا « رشته جواهر » گذارده و بسال ۱۲۵۷ در اسلامبول چاپ شده است .

۳ - نیز در فهرست مذکور است که **معلم ناجی** کلمات قصار فوق را بترکی ترجمه نموده و بنام « امثال علی » بسال ۱۳۰۳ در اسلامبول چاپ گردیده است .

### سوم از کلمات قصار

غرر الحکم و درر الکلم آمدی است که نیز در ص ۷۶ تا ۷۸ معرفی از آن گذشت ، این مجموعه بیش از (۴۰۰) بیت کتابت دارد و آقا جمال خونساری (ره) بر آن شرحی فارسی نوشته و در ص ۳۴-۳۶ معرفی از آن گردید و آقا میرزا محسن خوشنویس (عماد الفقرا) متخلص بحالی که از معاصرین و فضلاء کنونی و از مردمان اردبیل و ساکن آن شهر میباشد آنرا بفارسی ترجمه کرده اند .

۴ - عیون الحکم و المواعظ و ذخیره المتعظ و الواعظ است که در ص ۷۴-۷۶ همین مجلد معرفی از آن گردید، این کتاب مشتمل بر (۱۳۶۲۸) کلمه از کلمات قصار میباشد



و در ج ۱ فهرست ص ۳۸۳-۳۸۶ مقدمه آنرا نقل نموده ام، لسان الملك سپهر در آخر یکی از مجلدات ناسخ التواریخ (جلد دوم - احوال حضرت امیر ع) با ترجمه فارسی پاره ای از آن کلمات بدون نام و اشاره به مؤلف، عیون الحکم را نقل نموده و این مجلد بسال ۱۲۸۹ چاپ گردیده است.

مؤلف عیون الحکم چنانکه پیش دانسته شد علی بن محمد الذیثی و الواسطی میباشد ولی مؤلف وقایع الایام تصور نموده اند که لسان الملك خود بجمع آن کلمات موفق شده و عباراتی که ناشر در ابتداء آن کلمات نگاشته نیز موهم این است - مؤرّسست ولی نگارنده آنرا شناخت و با نسخه این کتابخانه مطابقه و مقابله نمود، عین آن کتاب بود، و این خود موجب خورسندی است که این کتاب نفیس (عیون الحکم) بچاپ رسیده است.

۵ - عبدالکریم بن محمد یحیی قزوینی معاصر شاه سلطان حسین صفوی کلمات قصار موجوده در غرر الحکم را در تحت ۹۹ باب که هربابی راجع بیکی از مباحث و موضوعات خاص میباشد مرتب نموده و پس از آن بفارسی شرح کرده اند و در ص ۱۰۵-۱۱۲ بنام «نظام الغرر و نضد الدرر» معرفی از آن گذشت.

۶ - ابن ابی الحدید پس از شرح کلمات قصار موجوده در باب سوم نهج البلاغه هزار کلمه قصار از آن حضرت ع جمع و بدون شرح و بسط در آخر شرح خویش گذارده و جداگانه بسال ۱۳۲۹ در بیروت چاپ گردیده و خود جامع در مقدمه آن گفته اند که بسیاری از این کلمات مسلماً از آن حضرت و برخی هم گرچه کلام آنحضرت بودن آنها مسلّم نیست ولی چون مشتمل بر حکمی بود بنقل آنها مبادرت گردید.

محدث معاصر آقای حاج شیخ عباس قمی سّلمه الله صد کلمه از این کلمات را انتخاب و آنها را بفارسی شرح و ترجمه نموده، بسال ۱۳۵۳ بنام «صد کلمه» در طهران چاپ گردیده و در مقدمه آن مذکور است که تمام هزار کلمه را نیز بفارسی ترجمه و شرح کرده اند.

۷ - سید شهرستانی نگاشته اند که بر حسب خواست جمعی امین نخله که از فضلاء میباشند نیز صد کلمه از کلمات قصار حضرت (ع) را انتخاب کرده و در مقدمه

آن اظهار عجز نموده که متحیرم از این درر شاهوار کدام يك را برگزینم .

۸ - حسین بن یوسف هروی که بگفته مؤلف کتابخانه رضویه از علماء قرن دهم هجری بوده چهل کلمه از لطامات قصار حضرت ۴ راهريك يك رباعی فارسی ترجمه نموده و نسخه آن که بسال ۹۵۲ نوشته شده در آن کتابخانه موجود است .  
۹ - مکتبی شیرازی که لیلی و مجنون او مشهور است شصت کلمه از لطامات

قصار حضرت را بفارسی نظم بسته و پس از ترجمه، تمثیلی نیز بنظم برای توضیح هريك آورده و مجموع اشعار آن ( ۱۵۰۰ ) بیت میباشد و نسخه آن که بسال ۱۰۳۶ نگارش یافته در کتابخانه استاد معظم آقای ملک الشعراء بهار موجود و بنام « کلمات علیّه غرّا » بهمت آقای کوهی کرمانی بسال ۱۳۱۳ شمسی در طهران چاپ گردیده و نسخه چاپی آن در تحت شماره ( ۴۰۰ ) در این کتابخانه میباشد .

۱۰ - در وقایع الایام نوشته شده که مولی میرالقاری الکوکی الجیلانی از معاصرین شاه عباس بوده و کتابی بنام « زیدة الحقائق » دارد که مشتمل بر ابوابی چند بعربی و فارسی است و یکی از ابواب آن بنام « باب کلمات حضرت پیغمبر ص و الفاظ حضرت علی بن ایطالب » است و تألیف این کتاب برای سلطان احمدخان حاکم گیلان میباشد و قسمتی از آنرا مؤلف وقایع الایام در تبریز دیده اند .

۱۱ - الفرائد و القلائد نیز مجموعه ای از کلمات قصار حضرت علی ( ع ) میباشد و جامع آن چنانکه در مقدمه عیون الحکم و المواعظ ثبت گردیده قاضی ابویوسف یعقوب بن سلیمان الاسفرائینی است و نسخه آن در کتابخانه مدرسه مروی در طهران موجود و نگارنده آنرا زیارت نموده و باحتمال دانشمند فرزانه آقای امین عراقی رئیس محترم آن کتابخانه از خطوط اواخر قرن ششم هجری است .

۱۲ - کمال الدوله محمد حسن قاجار در زمان سلطنت مظفرالدین شاه فاجار پاره ای از کلمات قصار حضرت را که جنبه اخلاقی و اجتماعی داشته بفارسی ترجمه کرده و آنها را بحروف تهجی مرتب نموده و مجموع آن کلمات ( ۴۳۰ ) جمله میباشد و آنرا « ابواب الحکم » نامیده و بسال ۱۳۱۹ در طهران چاپ شده و در آخر برای تیمن و تبرک عین الفاظ یکی از کلمات حضرت ( ع ) را نقل نموده و آغاز آن جمله اینست : ثمانية ان اهینوا فلا یلوموا الا انفسهم الخ .

۱۳ - آقای حاج سید عبدالله بهبهانی دام عمره که از علماء فعلی ایران و ساکن بندر بوشهر میباشند نیز پاره‌ای از کلمات قصار را انتخاب و بترجمه فارسی آنها مبادرت نموده و نام آنرا «عقظه الانوار» گذارده و بوسیله دانشمند معظم آقا شیخ عبدالکریم سعادت بسال ۱۳۴۳ در شیراز چاپ شده است.

۱۴ - آقای مورخ الدوله (احمد علی سپهری) دسته‌ای از کلمات قصار را که جنبه عملی و اخلاقی داشته (در حدود ۵۷۰ کلمه) بنظر خویش انتخاب کرده، پس از آن بفارسی بسیار فصیح و روان و فرانسه ترجمه نموده و مقدمه شیوائی در معرفی از صاحب آن کلمات، آفتاب جهان دانش و پادشاه پرهیز کاران حضرت مولی الموالی امیر المؤمنین علی علیه السلام نیز بفارسی و فرانسه نگاشته و تاکنون در طهران بنام «کلمات قصار» چندبار چاپ گردیده است.

در خاتمه این قسمت لازم است نیز تذکر داده شود که حضرت سید رضی رضی الله عنه و اعلی الله مقامه چنانکه خود در مقدمه نهج البلاغه تذکر داده اند و در ص ۱۲۲ ترجمه آن گذشت قسمتی از کلمات قصار و آثار آن حضرت (ع) را در آخر بابی از ابواب کتاب خصائص الائمه که شامل حالات و فضائل حضرت میباشند نقل نموده و چنانکه گذشت در نهج البلاغه هم ۹۸ کلمه از کلمات قصار را با شرح موارد لازمه‌ای از آنها جمع آوری فرموده اند.

آقا شیخ احمد کاشانی که اینک در حدود شصت سال دارند و در مدرسه نجم آبادی و افعه در محله سنگلج طهران ساکن میباشند از بیست سال پیتس تا کنون فهرستی بر نهج البلاغه بنام «کشف الستاره عن نهج البلاغه» تألیف و آنرا در مقدمه‌ای و دو مقصد مرتب نموده و مقدمه را در تطبیق اصول ابن ابی الحدید با نهج البلاغه فعلی قرار داده و مراد از این تطبیق اینست که در شرح ابن ابی الحدید خطب و مطالب نهج البلاغه مقدم و مآخر است و از اینرو عی الدین خیاط در شرح خویش تصور نموده که ابن ابی الحدید بعضی از خطب را شرح نکرده، آقای کاشانی باین تقدیم و تأخیر برخورد و در این مقدمه تمام مندرجات نهج البلاغه و شرح حدیدی را با ذکر اینکه هر یک در کدام صفحه واقع شده تذکر داده اند و مقصد اول در مطالبی است که در اصول دین و مذهب (توحید و نبوت و معاد و عدل و امامت) در نهج البلاغه موجود است. مقصد دوم در سائر مطالب

از فروع و مواظ و غیره است که بترتیب حروف تهجی مرتب شده و نگارنده پاکنویس آنرا تا حرف ع دیده، و گذشته از تعیین صفحات نهج البلاغه در بسیاری از موارد عین عبارات نهج البلاغه و یا مختصری از آنرا نیز درج نموده‌اند.

نگارنده بیش از آنچه در اینجا مندرج گردید از شروع نهج البلاغه و اجزاء آن و کلمات قصار سراغ نیافت (در ذیل شروع عهدنامه مالک شرح ملاّ ابو الحسن عاملی که از علماء قرن دوازدهم بوده وجدّ صاحب جواهر اند و در ص ۳۳ و ۳۴ معرفی از آن گذشت بعلمت فراموشی تذکر داده نشد بنا براین، این شرح سیزدهمین شرح و ترجمه ایست که از این عهدنامه معرفی نموده ایم و چهاردهمین شرح و ترجمه بنام «دستور حکومت» است که بخواست میرزا محمود خان طباطبائی تبریزی (علاء الملک) شیخ احمد ادیب کرمانی مؤلف «سالار نامه» بفارسی نوشته و مرحوم محمد حسین فروغی (ذکاء الملک) آنرا انشاء و بسال ۱۳۲۱ در طهران چاپ شده است) امید است که این خدمت کوچک در نظر صاحب کلمات مورد قبول و در نظر دانشمندان مقبول افتد. اینک به وعده‌ای که در آغاز بحث داده ام وفا و شروع بنگارش شرح مختصری از حالات جامع محترم نهج البلاغه می‌گردد:

سید رضی رحمه الله علیه (ابو الحسن، ذو الحسین، الشریف الاجل، نقیب العلویین، محمد بن الطاهر ذو المناقب ابی احمد الحسین بن موسوی بن محمد بن ابراهیم المرتضی ابن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب سلام الله علیهم اجمعین) از اعظم سادات موسوی و مفاخر علم و ادب و از پرهیزکاران و نوابغ دوره و زمان خویش بوده، بسال ۳۵۹ در بغداد متولد شد، چند ماهی بیش از ده سالگی وی نگذشته بود، که زبان سرودن اشعار گشود، در اندک مدت گوی سبقت از گذشتگان ربود، دانشمند شهیر ثعالبی در ریتمة الدهر با اینکه در هنگام تألیف آن کتاب بیش از ۲۰ سال از عمر رضی نگذشته و در عنفوان جوانی بوده برای نخستین بار ویرانهایت ستوده و منتخبی از اشعارش را زینت بخش مؤلفه خویش نموده است و گوید: ابو الحسن الموسوی محمد بن حسین امروز برومند ترین جوانان این عصر و نجیب ترین سادات عراق میباشد و از همه طالبین گذشته و کنونی در شاعری برتری دارد با آنکه در آنها شعرای بسیار بزرگی بوده و اگر بگویم اشعر قریش می باشد از راستی برکنار نرفته‌ام الخ. تا کنون آنانکه بنوشتن رجال علم و ادب مبادرت نموده نام سید رضی (ره) را

در آن دفتر ثبت و بشرح مکارم اخلاق و صفات و عظمت روحی و ادبی و علمی این بزرگ پرداخته اند، جرچند نثری که بواسطه تألیف نهج البلاغه و نقل شکایات آن حضرت از معاصرین در آن کتاب، بر وی خشم ورزیده و کوچکترین یادی از او نکرده اند (مراجعه بصفحه ۱۱۴ همین فهرست شود).

سال ۳۸۰ (۱) مقام نقابت علو بین و اماره حاج و نظر در مظالم را که ار مشاغل پدر بود در زمان حیات او دارا شد و بگفته ثعالی بقصیده ای (انظر الی الایام کیف تعود) پدر را از این برگذاری شکر گزاری کرده و گوینداز هیچکس حتی از پدر خویش هدیه ای (۲) نپذیرفت و پیش خلیفه الطائع (۳۶۳-۳۸۱ هـ) و القادر (۳۸۱-۴۲۲ هـ) محبوب بود، فخر الملک و وزیر بهاء الدوله و دیگر اعیان دولت بنظر احترام و تجلیل بی نهایت بایشان می نگریستند، (بمقدمه شرح ابن ابی الحدید مراجعه شود) در حریت ضمیر و عظمت روحی نظیر نداشته با اینکه آل بویه الطائع را از خلافت معزول و تا بمرد محبوس داشتند در تأسف از عزل و رثاء او دو قصیده عالیجنابانه انشاء و از نکبت وی اظهار تأسف و تلهف کرده است (ص ۳۷۶ - ۳۷۹ دیوان مراجعه شود) و در قصیده ای که القادر خلیفه را مدح گفته و بدین شعر ابتداء کرده :  
لسمن الحدوج تهزهر الا نیق والركب یصفوفی السراب یرق (۳)  
علو همت و عظمت خویش را اظهار و چند بیت آخر آنرا که حاکی از آاست در این جا نقل میکنم :

عطفاً امیر المؤمنین فائدا	فی دوحه العلباء لا یتفرق
ما بیننا یوم الفخار تفاوت	ابدا کانا فی المعالی معرق
الا الخلافة میز تک فائنی	انا عاضل منها و انت معزق

نوشته اند چون خلیفه این شعر اخیر را شنید گفت : علی رغم انص الشریف .

(۱) در پیتمه الدهر و تمام کتب سال نقابت سید ۳۸۰ ثبت شده ولی جرچی زیدان در تاریخ الادب اللغة العربیه ج ۲ ص ۲۵۷ و ۲۵۸ و شمع وی فرید وجدی در دائرة المعارف ج ۴ ص ۲۵۱ نقابت او را بسال ۳۸۸ نوشته اند و ظاهراً ازوفیات الاعیان گرفته اند صحت تاریخ اول مسلم است .  
(۲) استاد وی بالطائف الحیل خانه ای بایشان هدیه کرد به مقدمه تفسیر سید و ابن ابی الحدید با روضات مراجعه شود

(۳) ابتداء این قصیده را جرچی زیدان در ج ۲ تاریخ آداب اللغة العربیه ص ۲۶۷ همین شعر که نقل گردید دانسته و در تاریخ آداب العربی ص (۲۷۹ - ۲۸۱) آغاز این قصیده این است : لله یوم اطاعت به الاملا علما یزاول بالعبون و یرشق

میان سید با ابواسحق صابی متوفی بسال ۳۸۴ که از پیر مردها و ادباء شهر بود دوستی فوق العاده برقرار و با اینکه صابی مذهب بود و آنچه دلیل و برهان افامه و وسیله انگیزه شده بود مسلمان نگردید و بدیانت اصلی خویش پایدار بود بیاس احترام دوستی و مقام علمی و ادبی ویرا رثائی بسیار فصیح گفته و ثعالبی در ذیل شرح حال صابی بسیاری از آن قصیده را آورده و چون بر قبر او گذر کرده ایاتی نیز انشاء نموده که در دیوان سید موجود است .

میان اشعار سید و مهیار دیلمی شاعر مشهور ایرانی متوفی بسال ۴۲۸ که از شاگردان سید بوده و بدست رضی از بحوسیت بقبول دیانت اسلام مفتخر گردیده (وفیات الاعیان ج ۲ ص ۱۴۹) مقایسه کنند و گویند که اشعار خوب مهیار بهتر از اشعار خوب سید رضی است جز اینکه اشعار سید همه خوب و یک نواخت است .

اگرچه سید رضی (ره) مشهور به ادب و شعر گردیده ولی بگفته یکی از دانشمندان : سید رضی عالمی است که شعر وی بر علمش غلبه نمود و سید مرتضی شاعر است که علمش بر شعروى چیره شد و هر يك بدان مشهور گشته اند .

تفسیر حقائق التأویل وی که جزء پنجم آن فقط تا بحال بدست آمده و بهمت انجمنی علمی بنام « منتدی النشر » در نجف اشرف منتشر شده بهترین گواه بر سعه اطلاع و معلومات غیر ادبی او نیز می باشد و چنانکه در کتب سیر نگاشته شده پیش حضرت شیخ مفید محمد بن نعمان ره متوفی بسال ۴۱۳ و جمعی دیگر از بزرگان که در تفسیر مذکور بمناسبت نام برده شده اند بتحصیل اشتغال داشته و چنانکه نیز نگاشته اند محفلی خاص و مدرسه شبانه روزی بنام « دار العلم » در خانه وی بوده که تمام احتیاجات مادی و معنوی طلاب آنرا سید خود متکفل بوده است . و چنانکه از این بیت سید بر می آید از اینکه بشعر و شاعری مشهور گشته خود راضی نبوده و آن اینست :

مالكَ ترضى ان تكونَ شاعراً      بعداً لها فى عدد الفضائل

بهر حال علو مقام و عظمت سید رضی بیش از آنست که نویسنده کوچکی چون نگارنده بتواند بزرگی ایشان را نگارش دهد و فصل ترین شرح حال و ترجمه ای که برای این عالم جلیل نگاشته شده بقلم دانشمند معاصر و عالم جلیل شیخ عبدالحسین

حلی بلغت عربی میباشد که در مقدمه تفسیر مذکور ایشان اخیراً در نجف اشرف در ۱۱۲ صفحه چاپ گردیده و در آنجا است که بهاءالدوله بسال ۳۸۸ سید رضی را « شریف اجل » لقب داد و در سال ۳۹۲ از واسط امر کتبی داد که وی را « ذی المنقبتین » بخوانند و در سال ۳۹۸ او را « الرضی ذی الحسین » لقب داد و سید رضی بهاءالدوله را بدان سبب در قصیده ای مدح گفته است .

پیش از آنکه یکی از القاب فوق ملقب گردد « موسوی » را پس از نام وی میآورده اند و مخصوصاً در تیمه الدهر بنام ابوالحسن الموسوی عمده بن الحسین نام برده شده اند .

مؤلفات سید رضی را نجاشی ، ابن شهر آشوب ، مؤلف تاریخ بغداد ، صاحب روضات ، صاحب لؤلؤ البحرین ، صاحب شذرات الذهب ، یافعی ، ابن خلکان و صاحب عمدة الطالب هر يك بعضی را ثبت نموده ولی دانشمند فرزانه شیخ عبدالحسین حلی همه را نام برده و بهمان ترتیب که ایشان نام برده اند مانیز در اینجا آنها را میآوریم :

- ۱ - نهج البلاغه (همه آنها را نام برده اند) - ۲ - خصائص الأئمة (بعضی آنها را نام خصائص نامیده اند) - ۳ - مجازات الآثار النبویه - ۴ - تلخیص البیان عن مجازات القرآن - ۵ - حقائق التأویل فی متشابه التنزیل (۱) - ۶ - سیره والده الطاهر

(۱) ابن شهر آشوب متوفی بسال ۸۸۵ این کتاب را بهمین نام در ص ۴۴ معالم العلماء (چاپ آقای اقبال آشتیانی) ذکر نموده و نجاشی متوفی بسال ۵۰۴ در رجال خویش (ص ۲۸۳ چاپ بمبئی) و صاحب روضات و امل الامل بنقل از نجاشی آنرا بنام « حقائق التنزیل » نامیده اند و در عمدة الطالب مؤلفه بسال ۸۰۲ نام این تفسیر نیست ولی در آنجا کتابی بنام « المتشابه فی القرآن » ذکر شده و صاحب لؤلؤ البحرین نیز آنرا ذکر نموده و صاحب روضات از آن دو پیروی نموده و گویند که سید رضی خود در کتاب مجازات الحدیث مطلبی راجع به عصمت انبیاء (ع) بتفسیر خود که بنام « متشابه القرآن » میباشد حواله داده است ، نگارنده را عقیده آنست که نجاشی نام تفسیر را مختصراً بحدف قسمت اخیر آن نقل نموده و « متشابه القرآن » نیز نام همین تفسیر است با تبدیلی کلمه « تنزیل » به « القرآن » و عدم ذکر قسمت اول اسم کتاب .

آقای شیخ عبدالحسین حلی در ص ۱۳ مقدمه این تفسیر که بسال ۱۳۵۵ در نجف اشرف چاپ شده تاریخ تألیف آنرا در حدود دوسال پیش از سال ۳۹۲ دانسته اند در صورتیکه مؤلف در همان تفسیر (ص ۱۶۷) مطلبی را حواله بکتاب نهج البلاغه که در خطب و مکاتیب و کلمات قصار حضرت (ع) میباشد حواله داده و میدانیم که نهج البلاغه بسال ۴۰۰ تألیف یافته بنابر این چون بر نسخه ای از این تفسیر که ماخذ خطب میباشد عبارتی از سید بن تاریخ ۴۰۲ نقل گردیده بدست میاید که تألیف آن تفسیر هیان سال ۴۰۰ و ۴۰۲ بوده ولی نگارش آن نسخه بسال ۵۳۳ میباشد .

(در عمدة الطالب و لؤلؤ ذکر شده) ۷۰- رسائل رضی (فقط آقای حلی در مقدمه تفسیر مذکور در ذیل شماره ۵) این مؤلفه را به سید رضی نسبت داده اند و در مؤلفات دیگر نامی از این کتاب نیافتم جز در شرح ابن ابی الحدید بنقل از ابن الخشاب در ذیل خطبه شفشقیّه که در ص ۱۱۶ ترجمه آن گذشت و شاید مراد ابن خشاب از «رسائل رضی» نسخه ذیل باشد) ۸۰- مدار بینة و بین ابی اسحق الصابی (در عمدة الطالب و لؤلؤ البحرین نگاشته شده که در سه مجلد است) ۹۰- کتاب الزیادات فی شعر ابی تمام (صاحب روضات این کتاب را ذکر نموده ولی کتابی بنام «الجید من شعر ابی تمام» از مؤلفات سید شمرده و شاید مرادش از این نام همین کتاب باشد) ۱۰۰- مختار شعر ابی اسحق الصابی ۱۱۰- منتخب شعر ابن الحجاج بنام «الحسن من شعر الحسین» ۱۲۰- اخبار قضات بغداد (این کتاب فقط در عمدة الطالب نام آن موجود است) ۱۳۰- تعلیق خلاف الفقهاء ۱۴۰- حاشیه بر ایضاح ابوعلی فارسی ۱۵۰- دیوان شعر (۱) ۱۶۰- معانی القرآن (۲).

(۱) چنانکه ابن خلکان و دیگران نوشته اند جمعی بجمع آوری اشعار سید رضی مبادرت نموده اند و بهتر از همه آنست که ابو الحکیم خبری در چهار مجلد جمع آوری کرده است خبری منسوب به خیر باخاء معجمه مفتوحه و باء موحده تحثانی و راه مهمله است و اصطخری در کتاب خود گفته که خبر نام دو جا است یکی جزء کوره استخر و دیگری تابع کوره دارا بجرد است. پس از معاشرت عرب با عجم باء فارسی به فاء بدل گردیده چون پارس = فارس. اسپهان = اصفهان. پسا = فسا و غیره و در فارسنامه ناصری گفتار ۲ ص ۹۶ نوشته شده که خفر واقع در نواحی اصطخر اصل آن خیر با باء فارسی است.

و بعقیده نگارنده آنکه جزء کوره دارا بجرد بوده بایستی قصبه «خیر» با باء هتائة تحثانی باشد که بگفته فارسنامه ناصری در گفتار ۲ ص ۱۷۸ در شمال اصطهبانات واقع شده و دهات شمالی اصطهبانات در او افتاده است.

شرح حال ابو الحکیم درج ۳ طبقات الشافعیه سمکی ص ۲۰۳ بدین نحو ذکر شده است: ابو الحکیم خبری عبد الله بن ابراهیم بن عبد الله فقه را از شیخ ابو اسحق شیرازی فرا گرفت و در فرائض و حساب بسیار دانا شد و در آنها تألیفهای خوب نموده و کاملاً آشنا بقواعد عربیت بود و خط بسیار خوبی داشت و املاش در کمال صحت و درستی بود بشرح حماسه و دواوین چندی چون دیوان بحتری متنبی و رضی موسوی و غیر از اینها پرداخت و احادیث بسیار استماع نمود و بوقایع تاریخی آشنا بود و آنها را نقل مینمود و سبط وی ابو الفضل محمد بن ناصر السامی الحافظ از ایشان روایت نموده و ابو الحکیم کتابت قرآن مینموده و گویند (تقیه در زیر صفحه بعد)



وفات سید رضی را ابن ابی الحدید و شیخ طریحی در مجمع البحرین در کتاب  
الالف باب الرء و شیخ محمد عبده و مؤلف تاریخ الادب العربی بسال ۴۰۴ و دیگران چون  
نجاشی معاصر رضی و تمام شراح و مورّخین در ششم محرم الحرام سال ۴۰۶ ثبت نهوده اند  
و این تاریخ اخیر صحیح و اشعاریکه با تاریخ در دیوان سید میباشد مؤید ما است.  
نهج البلاغه مکرر در ایران و مصر با شرح و بدون آن چاپ گردیده است.  
آغاز: بسمله اما بعد حمد الله الذی جعل الحمد ثمنا لعماثه و معاذنا من بلائه و  
سبیلا الی جنانه الخ.

**انجام:** و قال: اذا احتشم المؤمن اخاه فقد فارقه. يقال حشمه و احتشمه اذا اغضبیه  
و قيل اخجله و احتشمه طلب ذلك له و هو مغلّنه مفارقتهم و هذا حین انتهاء الغایه بنا الی

(بقیه از حاشیه صفحه قبل)

روزی چون آیهای از قرآن کریم را نوشت قام را از دست انداخت و گفت بخدا سوگند بدین طرز  
مردن بسیار خوب و گوارا است و همان وقت جان بحان آفرین تسلیم نمود و این در ذیحجه  
سال ۴۷۶ بوده انتهى.

و نیز در ص ۵۱۳ ج ۱ کشف الظنون نوشته شده که یکی از ادباء دیوان سید رضی را مختصر  
کرده و نام آنرا «انشرح الصدر» گذارده و چنانکه در ص ۲۰۸ ج ۴ فهرست کتابخانه  
خدایویه نوشته شده نسخه ای از این مختصر که بسال ۱۰۲۰ نگارش یافته در آن کتابخانه  
موجود و نام انتخاب کننده آن را بدست نداده اند و جرجی زیدان در ص ۲۵۷ - ۲۵۸  
ج ۲ تاریخ آداب اللغة گفته که سید رضی را کتابی بنام «انشرح الصدر» میباشد که  
نسخه آن در کتابخانه خدایویه است و نسبت این کتاب به سید رضی بی اشکال نیست و نیز  
در همان صفحات مذکوره نوشته اند که در کتابخانه اسکورال مجموعه اشعاری بنام  
«طیف الخیال» منسوب به سید رضی است. و ابو الحکیم را خیری با خاء معجمه بایاء مثناة  
تحتانی ضبط کرده چنانکه فرید وجدی و برادرش ابراهیم و یا مثناة تحتانی ثبت نموده است.  
(۲) آقای شیخ عبد الحسین حلی نام این کتاب را نبرده و در ذیل معرفی از «حقائق التاویل  
فی متشابه التنزیل» در ص ۸۴ مقدمه آن نوشته اند: و کلمی بقول معاصربه فیه: انه بتعذر  
وجود مثله و در معالم العلماء ابن شهر آشوب و شذرات الذهب و مرآت الجنان این عبارت  
راجع به «معانی القرآن» از ابن جتعی استاد سید رضی نقل گردیده و در معالم العلماء چنانکه  
گذشت حقائق التاویل فی متشابه التنزیل و معانی القرآن را بنام دو مؤلفه از سید رضی  
ذکر نموده است و صاحب لؤلؤ البحرین غیر از کتاب حقائق التاویل و کتاب المتشابه  
فی القرآن که گفتیم هر دو یکی است کتابی بنام «تفسیر القرآن» به سید نسبت داده  
و نگارنده را عقیده آنست که مراد ایشان از آن تفسیر همین «معانی القرآن» است.

قطع المختار من كلام امير المؤمنين عليه السلام وذلك في رجب سنة اربعمائه من الهجرة و صلى الله على سيدنا محمد خاتم الرسل والهادى خير السبل و آله الطاهرين واصحابه نجوم اليقين .

نهج البلاغه بر داخته و بدین سبب خود وی اول شارح است .

این بود آنچه نگارنده اینک توانائی یافت راجع باین کتاب بزرگ که مشتمل بر مطالب دنیوی و آخری است بنگارد و تا کسی آنرا با دقت مطالعه ننماید نخواهد دانست که در این گنجینه چه دُرر شاهوار و چه حقائق و اسرار بودیعت گذارده شده و فقنا الله و جمیع المؤمنین للاستئانة من انواره الباهره بحق صاحبه والعتره الطاهرة .

(۸۰۳)

این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و از نسخ قدیمی این کتاب نهج البلاغه میباشد ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ولی ظاهراً در قرن پنجم یا اوائل ششم نوشته شده و در آخر هر باب مطالبی که در نسخ دیگر موجود نبوده با ذکر اینکه این موضوع از روی نسخه‌ای که در زمان مصنف نگارش یافته نوشته شده است ، تحریر شده و برکنار صفحات و اوراقی که در بین آنها الصاق گردیده مطالب زیادی در شرح و توضیح عبارات کاتب نسخه نوشته است و بعضی از اوراق اوائل و اواخر کتاب و صالی گردیده است .

جلد تهاجی ضربی . کاغذ قدیمی حنائی . واقف سیه سالار . قطع رحلی کوچک . شماره اوراق ( ۳۳۰ ) . صفحه ( ۱۳ ) سطر . طول ( ۲۶ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۸ سانتیمتر ) . شماره کتا بخانه ( ۳۰۸۳ ) .

(۸۰۴)

این نسخه را بخط شکسته نستعلیق خیلی خوب ابو محمد بن شیخ صنعان در سه ( ۱۰۷۲ ) نگاشته و در حاشیه تمام صفحات مطالبی در توضیح مطالب کتاب از شرح ابن میثم بخط شکسته خیلی خوب و در بعضی از صفحات شکسته نستعلیق نوشته شده و بر کنار صفحه‌ای که مشتمل بر بیان معنی انصار است کاتب حواشی چنین رقم نموده است : ( کتبه هوشنگ بن ابوالملک بن فتحعلی شاه ) و پس از ختم اصل کتاب و اضافاتی که منقول از نسخه مکتوبه در

عهد مصنف است کاتب اشعاری در مدح نهج البلاغه عبری سروده و مرقوم داشته که در ص ۱۱۹ نقل گردید و پس از این بعضی از مطالبی که در شرح ابن ابی الحدید و کافی و بعضی از کتب دیگر راجع خطب و مطالب این کتاب بوده کاتب متن نقل نموده چنانکه قبل از شروع بکتابت اصل کتاب هم خطبی و مطالبی را که در کافی و غیره نقل شده کاتب متن نگاشته است. دارای یک سر لوح زیبا و تمام صفحات محمول بطلا و لاجورد و شجره می باشد و عناوین مطالب نیز با شجره نوشته شده است.

جلد تیماجی . کاغذ خانهاغ . قطع وزیری . واقف سیه سالار . شماره اوراق ( ۲۵۴ ) . صفحه ( ۱۵۰ سطر ) . طول ( ۲۷ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۵ ¼ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۰۸۵ ) .

( ۸۰۵ )

این نسخه را محمد رضا بن علیخان الطریشی بخط نسخ خوب نهج البلاغه در سال ( ۱۰۹۳ ) نگاشته و متحمل بر تمام کتاب است در ذیل تمام سطور ترجمه فارسی آنها بخط نستعلیق نگاشته شده و در حاشیه صفحات تعلیقاتی تحریر گردیده است و صفحه اول و دوم و صفحه آخر کتاب وصال شده . و بر ورق که بعد از ورق آخر است در سال ( ۱۲۷۵ ) نسخی از کتاب اقبال راجع باعمال اولین جمعه ماه رجب عبد الکریم بن میرزا محمد سعید اردستانی نوشته است .

جلد تیماجی . کاغذ دوات آمادی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۳۰۸ ) . صفحه ( ۱۴۰ سطر ) . طول ( ۲۶ ¼ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۶ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۰۸۶ ) .

( ۸۰۶ )

این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و متحمل بر تمام کتاب است نهج البلاغه پس از ختم کتاب کاتب کلمات و عباراتی نیز از حضرت علی (ع) نقل نموده و قسمتی از آن افتاده لذا نام کاتب بدست نیامد ولی کاتب پشت نخستین برگ شروع به تحریر را سال ( ۱۰۹۶ ) نوشته است . در حاشیه صفحات تعلیقات و حواشی بسیار بامضاء علاء الدین محمد که از معاصرین کاتب بوده از کتب لغه و تفسیر

و غیره نقل شده و ظاهراً امضا کننده سید گلستانه شارح نهج البلاغه (حدائق الحدائق) متوفی بسال ۱۱۰۰ می باشد بنابراین این نسخه نفاست دارد و آخرین سطر موجود آن اینست: (و قال اشد الذنوب ما استخف صاحبه و قال ما اخذ الله على اهله). جلد میشن . کاغذ اصفهانی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۲۸۳). صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۰۸۲).

(۸۰۷)

**نهج البلاغه** این نسخه بخط نسخ خوب نگاشته شده ، کاتب نامی از خود و سال کتابت نبرده مابین سطور آن بقسمی فاصله گذاشته شده که شرح و ترجمه ملا فتح الله کاشی زیر هر سطر آن نوشته شود و قسمتی از آن شرح هم بر اوراق اولیه این نسخه مرقوم گردیده و در صفحاتی که مطالب ترجمه و شرح جای بیشتری میخواست بر اوراق خارج نوشته و بکتاب ملحق شده و مقدمه این شرح را قبل از شروع بکتابت اصل کتاب در چهار ورق بخط نستعلیق کاتب شرح نگاشته ولی ورق اول را که ظاهراً مشتمل بر سرلوحی بوده پیش از سال (۱۲۷۷) که تاریخ دخول این کتاب در کتابخانه اعتضادیه است بیرون آورده اند . پس از ختم کتابت متن بعضی از مکاتبات حضرت در جواب معویه با نقل نامه او و داستان طرماح با ترجمه فارسی آنها کاتب نسخه نگاشته و ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری است . عناوین و بعضی از مطالب با طلا و شنجرف تحریر گردیده و صفحات مجدول بطلا و لاجورد است .

جلد میشن . کاغذ دولت آبادی . قطع وزیری . واقف سیه سالار . شماره اوراق (۴۶۵) . صفحه (۹ سطر) . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۰۸۱) .

(۸۰۸)

**نهج البلاغه** این نسخه را بخط نسخ خوب سید مرتضی بن نور الله کازرونی از روی نسخه که در سال (۵۸۷) به تصحیح محمد بن ابی نصر نام رسیده بوده بسال (۱۱۰۷) نگاشته و مشتمل بر تمام کتاب میباشد در حاشیه اوراق اولیه و بعضی از اوراق دیگر تعلیقاتی نگاشته شده و بر کنار صفحه اول شاهزاده

فرهاد میرزا در سال (۱۲۵۶) یادداشتی نموده . ورق اول و ورقی از اواسط و صالی گردیده کنار و پشت ورق آخر مطالب و ادعته ای بخط نسخ نگاشته شده و دارای يك سر لوح و تمام صفحات مجدول بطلا و لاجورد است .  
جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سیهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۱۶۴ ) .  
صفحه ( ۱۹ ) سطر . طول ( ۲۷ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۶  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۰۸۴ ) .

( ۸۰۹ )

این نسخه بخط نسخ خوب بمقدتی در سال ۱۱۱۲ هجری نگاشته شده و مشتمل بر تمام کتاب است در حاشیه بعضی از صفحات مطالبی از شرح ابن میثم نقل گردیده تمام صفحات مجدول بطلا است .  
جلد تیماجی مذهب . کاغذ سمرقندی . واقف سیهسالار . قطع رحلی کوچک . شماره اوراق ( ۱۷۱ ) . صفحه ای ( ۱۸ ) سطر . طول ( ۲۹ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۹ ) سانتیمتر . شماره کتابخانه ( ۳۰۸۹ ) .

( ۸۱۰ )

این نسخه کامل بخط نسخ نوشته شده ، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده ، پس از ختم کتاب عهد نامه حضرت ممالک اشتر و دعاهائی ، همان کاتب نگاشته ، در آغاز و انجام چند ورق کاغذ نوشته است پشت آخرین ورق تولد دختر یکه بسال ۱۲۶۳ بوده یادداشت شده ، و خود نسخه بسال ۱۲۶۲ نگارش یافته و بنام ختمانصر الانند بر این کتابخانه وقف شده و بر حاشیه نخستین صفحه کتاب تذکر دادند ولی مسلماً بهیچ البلاغه است .  
جلد تیماجی . کاغذ فرنکی . واقف سیهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۲۲۲ ) . صفحه ای ( ۱۹ ) سطر . طول ( ۲۰ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۳ سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۱۸۵۸ ) .

( ۸۱۱ )

این نسخه بخط نسخ در سال ۱۲۶۳ نگاشته شده و کاتب از خود نام نبرده و مشتمل بر تمام کتاب میباشد ، همان کاتب پس از اتمام کتاب عهد نامه حضرت را بمالك اشتر نخعی نوشته است .  
جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سیهسالار . قطع رحلی کوچک . شماره اوراق ( ۱۶۸ ) .  
صفحه ( ۱۷ ) سطر . طول ( ۲۹ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۹ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۰۸۷ ) .

(۸۱۲)

نهج البلاغه  
این نسخه کامل را بخط نسخ علی بن احمد حسینی بسال ۱۲۶۸  
بر حسب امر سلطان حسین میرزا نوشته و عناوین خطب و  
مطالب با شنجرف است.

جلد چرمی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۱۷۳) . صفحه ای  
(۲۰) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۰۹۴) .

(۸۱۳)

نهج البلاغه  
این نسخه بخط نسخ ابوالقاسم بن محمد در سال ۱۲۸۵ نگاشته  
شده و مشتمل بر تمام کتاب است .

جلد میشن . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچک . شماره اوراق  
(۲۰۳) صفحه (۱۵) طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شماره کتابخانه  
(۳۰۹۰) .



## فصل لغات

### [ ۳۳۹ ] بدایع اللغة (ترکی بفارسی)

مؤلف این کتاب چنانکه خود در مقدمه تصریح نموده ایمانی متخلص به طالع است، وی بر آن شده که لغات جغتائی و مغولی را که امیر علیشیر نوائی در اشعار خویش آورده بفارسی ترجمه نماید و در هنگام شروع تصمیم نموده که پس از ترجمه هر يك از لغات يك يا چند بیت ترکی با استشهاد آورد و تا بآخر چنین کرده و گذشته از این گاهی با شعار عربی تمثّل جستّه و این کتاب را خود « بدایع اللغة » نام گذارده و لغات را موافق حروف الفباء مرتّب نموده و در (۳۰۰) بیت خاتمه داده است.

در فهرستهای موجود نزد نگارنده و مجمع الفصحاء و آتشکده و تحفه سامی و کشف الظنون و کشف الحجب و دیگر کتابها نام این کتاب و مؤلف آن را نیافتم ولی چنین بنظر میرسد که در همان عصر و زمان امیر مذکور و سلطنت سلطان حسین میرزای بایقرا (۹۰۸-۹۱۱) تألیف گردیده و در مقدمه عبارت ذیل تصریح بدان دارد: خصوصاً در اوان عنفوان بهار سلطنت خلاصه خاندان گیتی ستانی و نقاوه دودمان صاحبقرانی بلکه اسم اعظم نگین خاتم سلیمانی . . . . . شهبی کزوی جهان رازیب و زین است . . . . . شهنشاه جهان سلطان حسین است

شه انجم حشم دارای دوران نخستین وارث ملک سلیمان

میرزا مهدیخان مذشی نادرشاه در مقدمه کتابیکه بنام « سنگلاخ » نیز در ترجمه فارسی لغات ترکی جغتائی و مغولی است که امیر علیشیر نوائی در اشعار خویش آورده، گوید: طالع نام هر وی نیز بجمع و ترجمه پاره ای از این کتاب پرداخته است

[ نسخه خطی « سنگلاخ » تحت شماره ( ۱۴۱۲۰ ) دفتر و ( ۷۰۰ ) پشت نسخه در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود و چاپ نشده است ] .

در ص ۳۶۷ ج ۲ فهرست رضویّه نسخه ای بنام « ترجمه لغات ترکی بفارسی » تألیف امیر علیشیر نوائی موجود است ، ولی مسلماً این کتاب ( بدایع اللغه ) نیست چرا که آغاز و انجام آن که در آنجا نقل گردیده با این کتاب موافقت ندارد و در تحفه سامی که بسیاری از مؤلفات امیر نام برده شده چنین کتابی به امیر علیشیر نسبت داده نشده است .

پشت نسخه ذیل ، از طرف مرحوم اعتضاد السلطنه بنام « لغت نوائی » معرفی گردیده ، و بهمین نام وقف بر این کتابخانه شده و با تصریح مؤلف بتسمیه آن به کتاب بدایع اللغه ، مسلماً این نام غلط است .

آغاز : بسمله طوطی شیرین مقال ، سخنی که از آشیان نیشکر قلم بال کشا گردد الخ .

انجام : ذاتی که خلاقه تیار فیض آندین عالم اهلی انچون سلامت بولسون .

( ۸۱۴ )

بدایع اللغه این نسخه بخط نستعلیق نگاشته شده ، نام کاتب و سال نگارش ذکر نگردیده ، پشت آخرین ورق صفحه ای مشتمل بر لغات ترکی و ترجمه آن بفارسی است ، از کلمه پائین صفحه ای که برای ربط کلام بصفحه بعد نوشته شده بر می آید که رساله ای در این قسمت ضمیمه بوده و آنرا برداشته اند ، بسال ۱۲۷۳ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و پشت صفحه اول یاد داشت گردیده است .

جلاد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۱۴۲ ) . صفحه ای ( ۱۲ ) سطر . طول ( ۲۱ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۵ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۱۴ ) .

[ ۳۴۰ ] برهان قاطع ( فارسی ) .

این کتاب یکی از فرهنگهای مشهور فارسی و مؤلف آن محمد حسین بن خلف تبریزی متخلص به « برهان » میباشد که از شعرای قرن یازدهم هجری بوده و متوطن



هندوستان گردیده و از دیگر آثار وی اثری نیافتیم، در این مؤلفه گذشته از لغات فارسی لغات ترکی و عربی و پهلوی و دری و غیره که در زبان فارسی استعمال میشوند آورده شده و نیز شامل کنایات و استعارات مستعمله در محاورات فارسی است و مؤلف در مقدمه تصریح کرده که لغات موجوده در فرهنگ جهانگیری و فرهنگ «مجمع الفرس» سروری و «سرمه صفاهانی» و «صحاح الادویه» حسین انصاری را که هر یک حاوی لغات چندین کتاب اند جمع آوری کرده و شواهد و مکررات آنرا انداخته و این کتاب را پرداخته و برهان قاطع نامید و این تألیف را بنام سلطان عبدالله قطب شاه بن قطب شاه، که از سلاطین قطبشاهی هند میباشد و شرح کرده است. پیش از شروع در اصل کتاب که در بیست و نه گفتار و هر گفتاری در چندین بیان میباشد مطالبی را در نه فائده ذکر نموده و فهرست آن فوائد این است: فائده اول در بیان معرفت زبان دری و پهلوی و فارسی فائده دوم در بیان چگونگی زبان فارسی. فائده سوم در بیان تعداد حروف تهجی و تفرقه میان دال و ذال و صیغهایکه در فارسی مقرر است. فائده چهارم در بیان تبدیل هر یک از حروف بیست و چهارگانه فارسی بحروف دیگر. فائده پنجم در ضمائر و آن در چند حرف بهم میرسد. فائده ششم در بیان حروف مفرده که در اوائل و اواسط و اواخر کلمات بجهت دریافت کلمات و معانی مقصوده بیاورند. فائده هفتم در ذکر حروف و کلماتیکه بجهت حسن و زیب کلام می آورند. فائده هشتم در معانی حروف و کلماتیکه در آخر اسماء و افعال بجهت حصول معانی گوناگون آورند. فائده نهم در بیان توصیف آنچه صاحبان املا را از دانستن آن گزیر نیست.

چنانکه هر مؤلفی را این بلا دست میدهد مؤلف برهان قاطع را اشتباهانی در این جمع آوری رخ داده و جمعی برد او پرداخته و جمعی هم بحمايت وی برخاسته و این دو دسته کتابها نگاشته اند و دانشمند متبّع معاصر آقای تربیت درص ۶۸ و ۶۹ دانشمندان آذربایجان آنها را ذکر نموده و مناسب این است که در اینجا بنقل عین عبارت ایشان مبادرت نمایم:

«برهان قاطع جامعترین فرهنگهای پارسی است مؤلف آن بعضی کلمات اجنبی و غیرپارسی را نیز که در نظم و نثر پارسی معمول بوده و هست همه را جمع آوری کرده و در این مجموعه مندرج ساخته است ولی مانند سایر فرهنگها محتاج به تنقیح و تصحیح است و لذا بعضی از ادبای نامی هند مانند غالب دهلوی و غیر او در خصوص این کتاب حواشی و تعلیقات عدیده بعنوان مختلفه مثل قاطع برهان و ساطع برهان و رافع هذیان (۱) و محرق قاطع برهان و تیغ تیز و تیغ تیزتر و غیر آنها مشتمل برود و انتقاد بکدبگر نوشته و نشر کرده اند

سید احمد عاصم عننابی از فضایی عثمانی نیز در اوایل قرن سیزدهم هجری این مجموعه را باسم تدبیران نافع نقل بترکی کرده و در ضمن ترجمه بفرهنگهای معتبر موجوده نیز رجوع نموده و پس از اصلاح اغلاط و رفع شبهات مبلغی از لغات بر آن افزوده است و این تالیف او در تاریخ ۱۲۵۱ در قاهره مصر چاپ شده است . انتهى .

شماره لغات و کنایاتی که در گفتارهای بیست و نه گانه برهان قاطع موجود است (۱۹۴۱۷) میباشد و بسال ۱۰۶۲ مؤلف از تألیف و جمع آوری آن فراغت یافته و خود در مقدمه تاریخ اتمام آنرا سروده و آن اینست :

چو برهان از سر توفیق یزدان      مر این مجموعه را گردید جامع

پی تاریخ اتمامش قضا گفت      کتاب نافع برهان قاطع = ۱۰۶۲

این کتاب مکرر در ایران و هندوستان چاپ شده و بهترین چاپهای آن چاپ سربسی است که با کمال دقت تصحیح و در کلکته بسال ۱۲۳۳ چاپ شده و ملحقاتی نیز دارد ، نسخه شماره (۶۹) این کتابخانه از روی آن نسخه نوشته شده در ص (۱۶۵) این فهرست خصوصیات آن نگاشته شده مراجعه شود .

آغاز : بسمله :

ای راه نما بهر زبان در افواه      یزدان و کرسطوس چو تکرری و آله

از نام تو بردند زبانها بتورا      لا حول و لا قوه الا بالله

انجام : یعقوب بفتح یای حطی و عین بینقطه و قاف بواو کشیده و بیای ابجد زده نام پیغمبری بوده مشهور و نام مردی بوده صاحب مذهب و مجتهد نصاری و کبگ نرا نیز گفته اند که جفت کبگ ماده باشد .

(۱) این کتاب را مرحوم اعتصام الملك در فهرست کتب خطی مجلس ج ۱ ص ۲۷۱ «دافع هذیان» ثبت نموده و این تصحیح است و مؤلف آنرا نجف علی خان جبری معرفی نموده . و نیز در همین صفحه مؤلف قاطع برهان را اسد الله غالب دهلوی و مؤلف ساطع برهان را شیخ رحیم هندی شناسانده اند .

(۸۱۵)

این نسخه بخط سید محمود بن یوسف در سنه ۱۲۰۵ نگارش  
برهان قاطع یافته، لغات با سرخی نوشته شده و دارای يك سر لوح و  
صفحات آن جدول بطلا میباشد.

جلد تیماجی مذهب. کاغذ فرنکی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۳۲۶).  
صفحه ای (۴۱) سطر. طول (۳۸ سانتیمتر). عرض ( $۲۱\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر). شماره کتابخانه (۷۶).

(۸۱۶)

این نسخه بخط نستعلیق عبدالحسین اصفهانی در سنه ۱۲۲۷  
برهان قاطع نوشته شده، کلماتی را از میان سطور آخر کتاب محو کرده اند  
و صفحات نسخه جدول سرخی و لاجورد و زردی میباشد.

جلد روغنی مستعمل. کاغذ فرنکی مهره زده. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شماره اوراق  
(۴۷۳). صفحه ای (۲۵) سطر. طول (۳۰ سانتیمتر). عرض ( $۲۰\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر).  
شماره کتابخانه (۶۸).

(۸۱۷)

این نسخه بخط نستعلیق در سنه ۱۲۳۴ نوشته شده، کاتب  
برهان قاطع نامی از خود نبرده و لغات را با سرخی نوشته است.

جلد مرغش. کاغذ فرنکی مهره زده. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۵۱۷).  
صفحه ای (۲۵) سطر. طول (۳۰ سانتیمتر). عرض ( $۲۱\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر). شماره کتابخانه (۶۶).

(۸۱۸)

این نسخه بخط نستعلیق محمد مهدی بن محمد علی در سنه ۱۲۴۲  
برهان قاطع نوشته شده، دارای يك سر لوح و صفحات آن جدول بطلا  
و لاجورد است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنکی مهره زده. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۳۵۷).  
صفحه ای (۲۶) سطر. طول (۳۰ سانتیمتر). عرض (۲۰ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۶۷).

(۸۱۹)

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، در آخر کتاب کاتب  
برهان قاطع نام خود را میرزا بابا ابن میرزا محمد معرفی نموده و سال کتابت را

سنه (۱۲۵۲) تعیین کرده است.

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ فرنکی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۷۲) .  
صفحه ای (۲۶) سطر . طول (۱۴  $\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر) . عرض (۲۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۷۴) .

(۸۲۰)

**برهان قاطع** این نسخه را بسال ۱۲۸۴ مراد علی قمشه ای بنا بخواست  
میرزا علی اکبر نام از روی نسخه ای که بسال ۱۸۱۸ میلادی  
در کاکته چاپ سربی شده و بهترین و جامعترین نسخ مطبوعه میباشد و نسخه آن  
بسیار کمیاب بوده و هست، بخط نسخ نوشته و آن نسخه چاپ شده نخستین چاپ  
این کتاب است و در مقدمه آن خصوصیات و امتیازات و شرح سیزده نسخه ای که از این  
کتاب در موقع تصحیح و چاپ در دست بوده و کتب دیگری که مورد نظر و دقت در  
تصحیح این نسخه بوده و اسامی آنان که متصدی تصحیح و تنقیح بوده اند و آنها: مولوی  
حیدر علی، مولوی نظام الدین حیدر، بابو تار بیخزن متر، مولوی غلام قادر، مولوی  
کاظم علی نصیر آبادی، منشی ادا علی خیر آبادی و مولوی محمد اکبر عظیم آبادی، میباشد  
**حسین الحسینی** بلگرامی که خود نیز از مصححین میباشد نوشته و پس از ختم  
کتاب، لغاتی که در فارسی استعمال میشود و در برهان نبوده از کتب لغت جمع و  
بنام ملحقات برهان قاطع نگاشته شده و این قسمت مشتمل بر (۳۷۱۷) لغت و  
کنایه مستعمله در زبان فارسی است و در مقدمه نیز گوید: پاره ای از لغات که در  
فرهنگها نبوده از زبان دانهای معاصر که عبارتند از: ۱ - سید علی شیرازی متخلص  
به نیاز، ۲ - فضل مولی خاں متخلص به فضل، ۳ - حاج میرزا شفیع شیرازی،  
۴ - نظام الدین حیدر متخلص به او باش، گرفته شده و بنام خود آنها ضبط گردیده است.  
این نسخه چون اصل مطبوع آن بسیار مطبوع و دارای یک سر لوح میباشد،  
صفحات آن بجدول بطلا و لاجورد و شنجرف و لغات آن نیز با شنجرف نگاشته  
شده است.

جلد ضربی . کاغذ فرنکی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۷۷) .  
صفحه ای (۳۱) سطر . طول (۱۴  $\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر) . عرض (۲۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۶۹) .

### [۳۴۱] تنقیح الصحاح (عربی)

محمود بن احمد زنجانی (۱) صحاح اللغه جوهری را که در همین فصل معرفی آن خواهد شد و از کتب مهمه لغت میباشد بدو از نظر گذرانیده و مطالب صرفی و نحوی و بعضی از مکررات و امثال و شواهد آن را که بمناسبت در آن ذکر شده بوده انداخته و آن را «ترویج الارواح فی تهذیب الصحاح» نامیده و پس از آن چون همت معاصرین را در حفظ و ضبط باقی کم دیده بقیه شواهد و امثال موجوده در آنرا حذف کرده «تنقیح الصحاح» نام گذارده و در مقدمه این کتاب گوید که مختصر اول در حدود خمس اصل و این مختصر عشر صحاح و بیش از عشری هم از اصل لغات صحاح اللغه حذف نشده است.

آغاز: بسملة الحمد لله حق حده والصلوة علی خیر خلقه محمد و آله و صحبه الخ.

(۸۲۱)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده، پشت صفحه اول نام کتاب **تنقیح الصحاح** و مؤلف آن و مطالب متفرقه نگاشته شده، در حاشیه بیشتر از صفحات تعلیقات مختصری تحریر گردیده، نسخه آب دیده ولی خطوط آن ضایع نگشته از آخر آن یکی دو صفحه افتاده و آخرین سطر نسخه که در معانی کلمه و قفا میباشد این است: فی ماضی و اما الیوم فی عشرة دراهم و خمسة اسباع درهم و الجمع الاواق. نسخه قدیمی و ظاهراً از خطوط قرن دهم هجری میباشد و در سنه (۱۲۸۷) داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده است.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سپه سالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۱۱۷)، صفحه ای (۲۱) سطر. طول (۲۶ سانتیمتر) عرض (۱۸ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۹۴).

### [۳۴۲] تهذیب اللغه (عربی)

این کتاب که یکی از مشاهیر کتب لغت میباشد تألیف ازهری رضی الله عنه است

(۱) در روضات الجنات و طبقات الحنفیه و طبقات الشافعیه سمکی و شذرات الذهب و فهرس موجوده و دانشمندان آذربایجان نام این دانشمند و شرح حال و سایر مؤلفات ایشان را نیافتیم در کشف الظنون ذیل صحاح اللغه (ص ۷۶ ج ۲) نام این مختصر و مختصر سابق و مختصر کننده آنها بدون ذکر سال وفات ثبت شده است.

(ابومنصور محمد بن احمد بن ازهر بن طلحة الازهری الشافعی الهروی ۲۸۲-۳۷۰) (۱) که از کبار فقه‌های این طایفه و از معتمدین و متوّرعین بشمار می‌رود، در فقه و حدیث مهارتی بسزا داشته و در زهد و عبادت انگشت نما بوده، بسیاری از علما از وی روایت نموده و جمعی هم پیش وی بتحصیل علم لغت اشتغال داشته‌اند، خود ازهری در مقدمه این کتاب گوید: در جنگ قرامطه بدست اعراب بدوی اسیر شده و مدتی بسیار در میان آنها زندگانی نموده و از آنها لغات و الفاظ فراوانی دریافتم و در خلال این کتاب گنجانیدم.

ازهری را مؤلفات بسیار است از آنها التّقریب در تفسیر قرآن کریم، شرح الفاظ المزنی، علل القراءات، کتاب الروح (در این کتاب آنچه راجع بروح در قرآن کریم و اخبار وارد شده جمع کرده)، شرح اسماء الله الحسنى، شرح اصلاح المنطق ابن سکیت، شرح دیوان ابی تمام و تهذیب اللغة (همین کتاب). تهذیب اللغة یکی از کتب مهمه لغت و نادره علم ادب می‌باشد و مؤلف در بیان لغات و تنظیم مفردات طریقه ای انتخاب نموده که خطا و خلل کمتر در آن راه یابد و از تصحیف و تحریف نسبتاً مصون باشد.

لذا «کتاب العین» خلیل را پیروی و از حرف عین شروع و بحرف الف و همزه خاتمه داده موافق مخارج حروف است که تمام آنها را به نه دسته به این طریق تقسیم و تسمیه کرده‌اند: حلقیه (ع ح ه خ غ)، لثویان (ق ک)، شجریه (ج ش ض)، اسلیه (ص س ز)، نطایه (ط د ت)، لثویه (ظ ذ ث)، زلقیه (ر ل ن)، شفویه (ف ب م)، هوایه (ی و ا). و در مقدمه این کتاب یکباب راجع باین تقسیم و وجه تسمیه آنها نگاشته‌اند.

سبکی در طبقات الشافعیّه گوید: تهذیب اللغة ده مجلد است (عشر مجلّات) ولی در نسخه کامل این کتابخانه با تفحص بسیار اثری از این تقسیم در مقدمه

(۱) طبقات الشافعیه سبکی ج ۲ ص ۱۰۶، طبقات الحنفیه حاشیه ص ۲۱۸، کشف الظنون ج ۱ ص ۱۱۲ و ۳۵۱.

و خاتمه و اواخر کتاب و مباحث و ابواب آن دیده نشده جز اینکه فقط در آخر کتاب الکاف ( نسخه شماره ۸۲۴ ) این فهرست ( این کتابخانه نوشته شده : تمّ الجزء الثانی عشر ویتلوه فی الثالث عشر کتاب الجیم .

در فهرست کتابخانه خدیویه مصر ( ج ۴ ص ۱۶۹ و ۱۷۰ ) و فهرست دارالکتب المصریه ( ج ۲ ص ۱۰ ) چند نسخه از این کتاب که مشتمل بر اجزائی از این مؤلفه است موجود و تاریخ نگارش یکی از آن نسخ سال ۶۳۳ و دیگری بسال ۶۸۷ و تاریخ کتابت يك جزء آن بسال ۷۵۳ میباشد و تقسیمات ذیل از آن دو فهرست استفاده گردید : جزء هشتم شامل قسمتی از حرف الهاء ( ظاهراً از ابتداء ماده مَهر ) تا ابتداء باب الخاء و الزای . جزء نهم از ابتداء باب الخاء و الزای تا باب الغین و الزای . جزء یازدهم تا ابتداء باب القاف و الیاء . جزء دوازدهم از ابتداء کتاب الکاف تا آخر . جزء شانزدهم از ابتداء باب السین و التاء تا ابتداء کتاب الطاء . جزء هفدهم از ابتداء کتاب الطاء تا ابتداء کتاب الذال .

بنا بر این از ابتداء کتاب تا قسمتی از کتاب حرف الهاء هفت جزء ( ۱ تا ۷ ) و از باب الغین و الزای تا ابتداء کتاب القاف ( ظاهراً ) يك جزء ( جزء ۱۰ ) و از ابتداء کتاب الجیم تا ابتداء باب السین و التاء سه جزء ( ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ ) و از ابتداء کتاب الذال تا آخر نیز مشتمل بر سه جزء ( ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ ) میباشد و بنا بر این تقسیم بایستی گفت شماره اجزاء تهذیب اللّغه راسبکی نیز در طبقات الشافعیّه عشرین نوشته بوده و در چاپ یا در نسخه ای که از روی آن این نسخه چاپ شده است به « عشر » تصحیف گردیده لیکن لفظ « مجلّدات » این احتمال را تزییف میکند جز آنکه آنرا نیز محرف بدانیم .

ازهری در این کتاب هر يك از حروف را بنام کتابی خوانده و در ابتداء آن بسمله گذارده و آنرا باین ابواب ( ابواب المضاعف ، ابواب الثلاثی الصّحیح ، ابواب المعتلّ ، ابواب اللّیف ، ابواب الرّباعی ، ابواب الخماسی و ابواب الملحق

بالخماسی تقسیم کرده و کلیّه لغاتیکه یکی از حروف حلقیه یا شغویه و یا غیر از آنرا دارد بمناسبت در یکی از ابواب مذکوره جای داده و ترتیب ابواب نیز موافق ترتیب کتب بر حسب اعتبار مخارج آنها است و چون بخواهیم لغتی را که از سه یا چهار حرف ترکیب شده بدست آوریم بایستی دانست که آن حروف از کدام يك از دسته های نه گانه میباشد و از آن پس در کتابی که شامل آن حرف بترتیب مذکور فوق میباشد جستجو نمود باین طریق که اگر آن کلمه شامل یکی از حروف حلقی است این لغت را در کتب راجعه باین حروف و اگر دارای یکی از حروف لہوی باشد در کتاب آن و بهمین طریق است سایر حروف ، و یکی از کارهای مهمّ مصنفّ این کتاب این است که کلیّه صور متصوّره از ترکیب چند حرف را با یکدیگر در جای خود متذکر شده و مهمل و مستعمل آنها را بیان نموده و در اکثر لغات شواهدی از آیات و اخبار و اشعار فصحا و کلمات لغویّین آورده است . مؤلف پیش از شروع در بیان لغات حرف عین که نخستین کتابی از کتب تهذیب است تحت عنوان **بابُ ذِکْرِ الْأُئِمَّةِ الَّذِینَ اعْتَمَدَتْهُمْ فِی مَا جَمَعَتْ** **فِی هَذَا الْکِتَابِ** ، شرح مفصّلی در معرفّی بسیاری از لغویّین سابق و معاصر نگاشته و پس از آن دو باب بنام : **باب القاب الحروف و مدارجها و باب ایجاز الحروف** . نیز تحریر نموده و تقسیمات حلقی و غیره حروف را مفصّلاً در این دو باب آورده و در اطراف آن بحث کرده اند .

تهذیب اللّغه در حدود (۱۳۵۰۰۰) بیت کتابت دارد و تاکنون چاپ نشده و نسخه کامل آنرا جز در این کتاب خانه سراغ نداریم ، جرجی زیدان در ص ۳۰۸ ج ۲ تاریخ آداب اللّغه گوید که نسخی از تهذیب در کتابخانه ایاصوفیا و نور عثمانیه و کوبرلی در آستانه و نسخه ای در کتابخانه احمدیه در حلب موجود است ، و از لباب الالباب عوفی برمی آید تاهنگام تألیف آن کتاب (در صفحه یط مقدمه چاپ اوقاف گیب آقای قزوینی نوشته اند که ظاهر آ میان این دو سال ۶۱۷ - ۶۲۵ تألیف شده است) نسخه اصل تهذیب وجود داشته و مناسبت دارد که در این جا عین عبارات عوفی را نقل کنیم و آن اینست :



عوفی در ص ۲۱۱ ج اول لباب الالباب در ذیل قطب الدین سرخسی که از معاصرین خویش بوده آورده است که قطب الدین در آغاز خوشی خویش گوید : بعد از مدت اندک شنیدم که بجهت کتابخانه سریل بازارچه (علامه قزوینی نگاشته اند که سریل یاسریل وزیران چنانکه از جهانگشا در حکایت خروج تاریخی معلوم میشود قریه ایست از نواحی بخارا بکمتر از سه فرسنگ با ازارباض بخارا ست) تهذیب از هری بخط مصنف از دار الکتاب مرو آورده اند و کاتبی بجمال فضل می طلبند چون هیچکس را آن قوت نبود که او را چه اگر فضلا بودند که آن را نیکو بدانستند از خط حظ ایشان وافر نبودی و اگر خط نیکو بودی اهلیت آن نداشتند بدو ارسال کردند و صدراجل مجیر الدین او را بخدمت خود خواند و از فضل و هنر او معلوم کرد و دانست که ذات او جهان علم و کان فضل است او را بخدمت صدر سعید عهد العزیز [بن] عمر بن سعید سادات بر دفرمودند تو این را دیده و از اینجا لغت استخراج توانی کرد او تبسم کرد چه او را فضل آن بود که مثل این تالیف کند فرمودند که صفحه از این کتاب بنویس تا خط تو صدر جهان مطالعه کند بر بدیهه فصلی در فضل این کتاب و استخراج لغات آن تحریر کرد و شعری بر ترتیب حروف که بناء استخراج آن بدانست انشا کرد و بخدمت فرستاد و چون این فضل وافر بدیدند آن کتاب بدو دادند و او را راتب نیکی مهیا گردانیدند و بتدریج محل او عالی و رتبت او سامی شد و کار او بالا گرفت و دبیر صدر جهان شد کتابخانه سریل بازارچه او را دادند و پیش از آن در بخارا اشتغال محصلان در شریعات بود و بفضلیات کس التفات نکردی و در آن خوض نکردی چون اقبال او بدیدند خلق بتحصیل آن شیوه اقبال نمودند و من در خدمت او تحصیلها کرده ام وقتی از سمرقند نامه نوشته بود به نزدیک خواجه امام ناصرالدین پسر خود (الخ) .

مؤلف در مقدمه بیان کرده که پس از آنکه هفتاد سال از عمر وی گذشت باین تألیف مبادرت نموده و چون دانستیم که تولد وی بسال ۲۸۲ بوده بدست می آید که اینک که سال هجرت ۱۳۵۷ قمری است بیش از هزار سال از تألیف این کتاب گذشته است .

چنانکه صاحب کشف الظنون در ص ۸۳ ج ۲ نوشته اند تاج الدین محمود بن ابی الحواری لغوی که تا سال ۵۸۰ زنده بوده کتابی بنام « ضالّة الادیب فی الجمع بین الصحاح و التهذیب » تألیف نموده و در آن بر جوهری انتقاداتی دارد . این کتاب را نبایستی بکتاب « تهذیب الاسماء و الکلمات » تألیف محیی الدین ابی زکریا یحیی بن شرف شافعی نوادی شامی (۶۳۱ - ۶۷۶ هـ) اشتباه نمود .

عبدالکریم بن عطاء اللہ اسکندری متوفی بسال ۶۱۲ تہذیب اللغہ ازہری را مختصر کرده است (کشف الظنون ج ۱ ص ۳۵۱) .

آغاز : بسملة الحمد لله بكل ما حمده به اقرب عباده اليه واكرم خلايقه عليه الخ .  
انجام : و اعلم ايها الناظر في كتابي اني لا ادعي اني حصلت لغات العرب كلها ولا طمعت في ذلك غير اني حرصت ان يكون مادونته مهذباً من آفة التصحيف مُنقّاه من فساد التّغيير ومن نظر فيه من ذوى المعرفة فلا يعجلنّ الى الردّ والانكار ..... و اياه اسئل مبدئاً و مُعيداً ان يُصَلّي على محمد النّبى و آله الطّيبين اطيب الصّلوات و ازكاهها وان يحلّنا دار كرامته و مستقر رحمته انه اكرم مسؤل و اقرب مجيب و الحمد لله ربّ العالمين حمداً كثيراً جليلاً مميّناً .

( ۸۲۲ )

تہذیب اللغہ این نسخه بخط نسخ خوب نگاشته شده ، نامی از کاتب و سال کتابت در این نسخه و سائر مجلّات نیست ، کتابت بیشتر از اوراق این نسخه بایستی در قرن نهم شده باشد اوراق دیگر هم که نو نویس میباشد بسیار شبیه با اوراق سابقه نگارش یافته و اوراق اوّلیّه متن و حاشیه است . پشت اوّلین ورق نسخه تقسیمات نه گانه حروف و لغاتیکه در این مجلّد است ( حرف العين من الحاء الى الياء و حرف الحاء مع القاف و الفاء ) تذکر داده شده و پشت اوّلین صفحه کتاب مطالبی راجع بترتیب تہذیب و کیفیت استفاده از آن نوشته شده و بنام مجلّد اوّل تہذیب بر این کتابخانه وقف گردیده و مشمل بر کتاب العين و قسمتی از کتاب الحاء میباشد و صفحات آن مجدول بشجره است . جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی و فرنگی . واقف سپہ سالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۴۱۰ ) صفحه ای ( ۳۳ ) سطر . طول ( ۳۰ سانتیمتر ) عرض ( ۱۹ سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۵۷ ) .

( ۸۲۳ )

تہذیب اللغہ این نسخه بخط نسخ نگارش یافته ، کاتب نامی از خود و سال کتابت نبرده ظاهراً در قرن دوازدهم نوشته شده ، و بنام مجلّد

دوم تهذيب بر این کتابخانه وقف گردیده و مشتمل بر بقیه لغات کتاب الحاء و تمام کتاب الحاء از غین تا سین (تاماده بخس) میباشد، فهرست مندرجات بر اولین ورق نسخه بخط نسخ نوشته شده و بر نخستین ورق کتاب مهراسمی بوده آن را محو کرده اند.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۴۲۵) . صفحه ای (۳۳) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۵۸) .

(۸۲۴)

تهذيب اللغة این نسخه چون نسخه اولی بخط نسخ خوب نوشته شده ، بعضی از اوراق آن کهنه و متن و حاشیه میباشد ، کنار سه ورق از آن سوخته ولی خطوط ضایع نشده ، پیش از شروع بماده قبو يك ورق کاغذ ننوشته گذارده شده و مطالب ورق پیش پیداست که نا تمام مانده و شاید بیش از همین يك ورق افتاده نداشته باشد ، بنام مجلد سوم بر این کتابخانه وقف گردیده و مشتمل بر کتاب الحاء ( از زاء تا آخر ) و کتاب الغین و کتاب القاف و کتاب الکاف میباشد و فهرست مندرجات بخط نسخ خوب پشت اولین ورق نسخه نگاشته شده و در آخر این نسخه تصریح شده که جزء دوازدهم تهذيب باینجا ختم گردید .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۵۲۵) . صفحه ای (۳۳) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۵۹) .

(۸۲۵)

تهذيب اللغة این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده و در آخر کتاب حرف الجیم تاریخ فراغ از کتابت سال ۵۷۵ تذکر داده شده چنانکه پیش از این نیز گفته شد از خود نسخه معلوم میشود که این تاریخ راجع بکتابت این نسخه نیست و بایستی تاریخ نسخه ای باشد که این نسخه را از روی آن نوشته اند و مشتمل بر کتاب الجیم و کتاب الشین و کتاب الصاد و قسمتی

از کتاب السین ( از حرف زاء تا میم ) میباشد و در کتاب الجیم از حرف اللام تا آخر کتاب ( ۵۰ ورق ) مکرر نوشته شده، این نسخه بنام مجلد چهارم تهذیب بر این کتابخانه وقف شده و تمام صفحات مجدول بشنجرف میباشد و فهرست موادیکه این نسخه مشتمل بر آنهاست بخط نسخ خوب پشت اولین صفحه نوشته شده است.

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۳۵ ) . صفحه ای ( ۳۳ ) سطر . طول ( ۳۰ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۹ سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۶۰ ) .

( ۸۲۶ )

تهذیب اللغه  
این نسخه که بر کنار صفحه اول بنام مجلد پنجم بر این کتابخانه وقف گردیده مشتمل بر کتاب السین ( بقیه نسخه پیش ) و کتاب الزاء و کتاب الطاء و کتاب الدال و کتاب الراء و کتاب الظاء و کتاب الذال و کتاب الاء و کتاب الراء و کتاب اللام و کتاب الزون و کتاب الفاء و کتاب الیاء و کتاب المیم و کتاب الجوف ( ی ، و ، ا ) میباشد و تهذیب بآخر این نسخه بانجام میرسد و بر نخستین ورق، فهرست مندرجات نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده و مهر اسمیکه در اولین صفحه کتاب بوده در اینجا نیز بوده و همچنان محو گردیده و پاره ای از اوراق متن و حاشیه و مجدول بشنجرف است ، نام نویسنده و سال نگارش ندارد و ظاهراً خط کاتب مجلدات پیشین میباشد .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۳۸۹ ) . صفحه ای ( ۳۳ ) سطر . طول ( ۳۰ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۹ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۶۱ ) .

[ ۳۴۳ ] خلاصه عباسی ( ترکی بفارسی )

این کتاب مختصر سنگلاخ تألیف میرزا مهدیخان منشی معروف نادر شاه میباشد . نسخه سنگلاخ را ( درص ۱۶۰ ) در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران نشان دادیم ، مؤلف و مختصر کننده در مقدمه خود را محمد خویی معرفی کرده و گوید :

چون خاطر ملکوت ناظر بندهگان اسکندرشان نائب السلطنة العلية والخلافة البهیه ولی النعم الجلیله (ن میخ الخلیله) الحلیله مجاهد کفار، غازی کرار، حافظ بیضه اسلام . . . . . السلطان ابن السلطان (۱) شاه عباس قاجار ادام الله عهده ومهد ممالك حکمه و مهد به بر آن متعلق بود که کتاب سنگلاخ که مرحوم میرزا مهدیخان در لغات ترکی نوشته و تار و پود آن نسج را مانند برهان قاطع در لغت فارسی رشته مشتمل است بر زیادات در بیان معانی اشتقاقات و بیان معانی بعضی لغات و حاوی بود بر ابحاث (ن میخ : بر نصیری) و غیره از شارحان لغت ترکی در فهم اشعار نوانی و غیره تصرفی در آن کتاب نظیر المحکم والعباب (۲) شود بطوریکه همه لغات که در آن کتاب است در آن مختصر درج لهذا کمتر بن دعا گوین و اقل منسوبان ؟ محمد خوئی برخی از اوقات را به آن خرج کرده مشتقات را حذف و معرا از شواهد ساخته و ابحاث و تکریرات از او انداخته اکتفا به بیان معانی مصدا در و جوامد نمود چه بعد از دانستن معنی النصر مثلا در لغت عربی معانی مشتقات آن بمقایسه معلوم گردد و معهدا برای غایت توضیح در ذیل يك مصدر کیفیت اشتقاقات را بیان نمود تا به آن قرار در همه مصادر معلوم شود و علاوه بر آن در مقدمه کتاب قواعد و ضوابط لغت ترکی بیان شده و از آن هم کیفیت اشتقاقات واضح است و بعد از اتمام مرام کتاب مختصری شد گذاشته شده در طرف تمام آن بحسب حجم و کثایت عشری از اشعار سنگلاخ نیست و همه لغات که در سنگلاخ است فعلا و قوفا در آن مختصر است و آن کتاب را بجهت تیمن و تبرک موسوم به خلاصه عجایبی نمود والاستعانه من الملك المعبود مقدمه .

از اینکه نسخه ذیل بسال ۱۲۴۰ نوشته شده و قرائنی که در عبارات مذکور بالا موجود میباشد تألیف آن در سال تحریر نسخه و یا کمی پیش از آن است . چنانکه گفتیم در این کتاب مؤلف خود را محمد خوئی معرفی کرده و در

- (۱) در نسخه این مدرسه بدین نحو که بالا نقل شد نوشته شده و در نسخه دیگری که بسال ۱۲۴۰ از این کتاب نگاشته شده و در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود است عبارت در اینجا چنین است : ابوالنصر شاه عباس ادام الله عهده ومهد ممالك حکمه به بر آن متعلق بود که کتاب سنگلاخ الخ . و این شاه عباس همان عباس میرزا ولیعهد فتحعلیشاه قاجار است که بسال ۱۲۴۹ پیش از پدر بمرد و بشاهی نرسید و پادشاه پسر وی محمد شاه را ولیعهد کرد و بسال ۱۲۵۰ در اصفهان بدرود زندگی کرد و نوه اش محمدشاه مزبور بر سلطنت رسید .
- (۲) محکم در لغت و تألیف ابن سیده و عیاب نیز در لغت و تألیف حسن ابن محمد الصنعانی متوفی بسال ۶۵۰ میباشد و در ص ۴۰۱ ج ۱ کشف الظنون است که تاج الدین المعروف بابن المکتوم متوفی بسال ۷۴۹ کتابی بنام « الجمع بین العباب والمحکم » تألیف و نیز آنرا مختصر نموده و نام آنرا « المشوق المعلم فی تلخیص الجمع بین العباب والمحکم » گذارده است .

مقدمه کتاب «جمع الحکمتین و جامع الطّیّین» (۱) و کتابیکه در علم تشریح و قواعد طبّیه بنام «انوار ناصریه» (۲) تألیف نموده خود را محمّد بن عبد الصبور معرفی کرده و در کتاب اوّل گوید مشهور به طبیب و پشت کتاب دوّم نوشته شده تألیف حکیم باشی است، آقای تربیت در ص ۱۲۲ دانشمندان آذربایجان ایشان را در تحت عنوان حکیم قبلی (۳) ذکر و در ص ۲۰۳ المآثر و الآثار این مؤلف بنام هلا محمد قبلی نام برده شده و در دو کتاب فوق سال وفات وی نگاشته نشده، از اینکه انوار ناصریه را بسال ۱۲۷۲ تألیف نموده و اینکه در المآثر و الآثار مؤلفه بسال ۱۳۰۶ نوشته شده: حکیم باشی حضور مبارک بود معلوم میشود که میان این دو تاریخ وفات یافته است و در دانشمندان نوشته شده کتاب «تعلیم نامه در عمل آبله زدن» تألیف دکتر کارمک انگلیسی را بفارسی ترجمه نموده و بسال ۱۲۴۵ در تبریز با حروف سربی چاپ شده است.

از مؤلفات فوق بر می آید که مردی جامع علوم قدیم و جدید بوده و در ادبیات دستی قوی داشته و در دستگاه عباس میرزا نائب السلطنه و محمد شاه و ناصرالدین شاه مقرب و طبیب رسمی بوده و بالاخره حکیم باشی شده است. برای معرفی از این کتاب عین عبارات قسمتی از دیباچه را نقل نمودیم و مؤلف مقدمه را که در حدود (۱۰۰۰) بیت کتابت دارد در قواعد و ضوابط متعلّقه بلغت ترکی و صرف و نحو آن زبان قرار داده و بر حسب تصدیق ترکان دانشمند با کمال اختصارش بسیار جامع نوشته شده است و این مختصر بشماره حروف

(۱) نسخه ای از این کتاب که بسال ۱۲۵۰ نوشته شده و از مقدمه آن بر می آید به امر عباس میرزا نائب السلطنه تألیف و در زمان محمد شاه خاتمه یافته و زبان انگلیسی را هیدانسته و از کتب طبی آنها ترجمه و در این کتاب آورده تحت شماره (۷۶۹) در این کتابخانه موجود است.

(۲) این کتاب بسال ۱۲۷۲ در زمان صدارت میرزا آقا خان نوری تألیف گردیده و همانسال در تبریز چاپ سنگی شده و نسخه آن تحت شماره (۷۹۷) در این کتابخانه موجود است.

(۳) دروجه تسمیه و لقب این طبیب دانشمند به قبلی آقای تربیت فرمایند که این طبیب برسم اعیان و اشراف آن روزگار با جلالی تمام در کوچه و بازار حرکت میکرد و بقلیان هم علاقه زیادی داشته و یکی از تمینات وی این بود که نوکری سوار با قبل و منقل که لوازم قلیان و آتش افروخته در آن گذارده میشود همراه ملازم داشت بدین سبب معروف به حکیم قبلی گردید.

تهجی بکتابهای تقسیم شده و از کتاب الالف شروع گردیده و حرف دؤم هم در ترتیب ذکر لغات معتبر و مشتقات را نخست و پس از آن جوامد را آورده است و تمام کتاب در حدود ( ۶۰۰۰ ) بیت کتابت دارد و در آخر کتاب اشعاری را از امیرعلیشیرنوائی که معانی آنها معلوم نشده بنام خاتمه نقل نموده است . آغاز : بسمله الحمد لله الذی جعل الناس شعوباً و قبائل الخ . . . . اما بعد چون خاطر ملکوت الخ .

( ۸۲۷ )

این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب محمد صادق سبزواری خلاصه عباسی سال ۱۲۴۰ بگفته میرزا محمد ابراهیم سبزواری که از القاب مرقومه معلوم میشود از رجال دربار بوده نوشته است و مراتب را در آخر نسخه تذکر داده و اصل لغات بخط نسخ نگاشته شده و اسامی کتب و عناوین دیگر را با شنجرف تحریر نموده و پشت نخستین برگ یادداشت شده که سال ۱۲۶۲ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطم وزیری . شماره اوراق ( ۱۰۹ ) . صفحه ای ( ۱۶ ) سطر . طول ( ۲۴ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۴ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۹۱ ) .

[ ۳۴۴ ] دستور اللغة ( عربی و فارسی )

مؤلف این کتاب ذواللسانین بدیع الزمان ابو عبدالله حسین بن ابراهیم نطنزی ( ۱ ) متوفی سال ۴۹۷ ( ۲ ) میباشد که یکی از ادباء نامی قرن پنجم هجری

( ۱ ) نطنز شهر کوچکی است میان اصفهان و کاشان و فاصله آن موافق همین اداره یست به اصفهان ( ۱۲۸۶ ) کیلومتر به کاشان ( ۶۰ ) کیلومتر میباشد و میوه جات مخصوصاً گلابی آنجا بخوبی معروف است .

( ۲ ) سمعانی ( ۵۰۲ - ۵۶۲ ) که معاصر و شاگرد سبط وی بوده وفات او را سال ۴۹۷ نوشته ( ص ۴۶۴ چاپ عکسی الانساب ) و یاقوت که در اوائل قرن هفتم زندگانی مینموده وی و دختر زاده اش ابوالفتح را که نیز از ادباء نامی و استاد سمعانی بوده نام برده ( ج ۴ ص ۷۹۳ معجم البلدان چاپ اروپا ) و گوید که ابوالفتح سال ۴۹۷ در گذشته و ابن قول غلط است چرا که سمعانی متولد ۵۰۲ در الانساب ابوالفتح را استاد خود معرفی نموده و در وقت نوشتن این کتاب زنده بوده است . و سیوطی در بغیة الوعاة ( ص ۲۳۱ ) وفات ذواللسانین را در جمادی الاخری سال ۴۹۹ ثبت نموده و گوید که ابن جماعه نوشته در مجرم سنه ۷ مرده و صاحب کشف الظنون ( ج ۱ ص ۴۹۲ ) قول سیوطی را معتبر دانسته در صورتیکه قول سمعانی مقدم میباشد چرا که نزدیک بعصر وی بوده است .

بوده و در ادب مؤلفانی داشته و عربی و فارسی شعر میگفته و سیوطی در بغیة الوعاة این سه بیت را از اشعار او آورده است :

أَلْعِزُّ مُخْصَوْصٌ بِهِ الْعُلَمَاءُ      مَا لِلْأَنَامِ سَوَاهُمْ مَا شَاءُوا  
إِنَّ الْأَكْبَابَ يَحْكُمُونَ عَلَى الْوَرِيِّ      وَ عَلَى الْأَكْبَابِ يَحْكُمُ الْعُلَمَاءُ

آسَوءُ الْأَمَّةِ حَالًا رَجُلٌ      عَالِمٌ يَقْضِي عَلَيْهِ جَاهِلٌ

در دستور اللغة نیز اشعاری که مشتمل بر قواعد صرفی و نحوی است از ایشان دیده میشود و در جای دیگر باشعار این دانشمند دست نیافته‌ام، چنانکه از مؤلفات دیگر ایشان هم اطلاعی بدست نیاوردم جز اینکه دانشمند فقید یوسف اعتصامی (اعتصام الملك) (۱) مؤلف فهرست کتب خطی مجلس شورای ملی درص ۲۷۲ - ۲۷۴ کتابی بنام «مرقاة» (۲) نیز باین مؤلف نسبت داده اند.

کتابی که اینک بنام مشهور آن (دستور اللغة) در این جا نام برده شده یکی از کتب خوب لغت میباشد و با اختصاریکه دارد بسیار مفید و دارای ارزش و اهمیت خاصی است، در پاره ای از موارد لغات عربی را بفارسی دری (۳) نیز

(۱) این دانشمند یگانه رحمة الله علیه شب یکشنبه ۲۹ شوال ۱۳۵۶ زندگی را بدرود گفت و قلوب دوستان عام و ادب را جریحه دار کرد.

(۲) در کشف الظنون (ج ۲ ص ۴۱۸) بدین نام سه کتاب نام برده شده: ۱ - مرقاة الادب لغتی است فارسی و منظوم از احمدی کرمانی متوفی بسال ۸۱۵ هـ - ۲ - المرقاة که نیز در لغت و دارای دوازده باب و فارسی است و آغاز آن این است: الحمد لله مبدع الاشياء بقدرته الخ. و مؤلف آن ذکر نشده بنا برصحت انتساب کتابی بدین نام باین مؤلف ممکن است همین نسخه که آغاز آنرا مؤلف کشف الظنون نقل کرده اند از نظری بدانیم و یا مؤلفه او را غیر از این بدانیم. ۳ - مرقاة اللغة مؤلف آن چهارده هزار لغت از صاحب جوهری و شانزده هزار از قاموس در آن جمع کرده و اصل آن عربی میباشد و مؤلف خود آنرا به ترکی ترجمه نموده است. بنابراین هساماً این کتاب از نظری نخواهد بود.

(۳) سروری در مجمع الفرس گوید: دری زبان پارسی است و محمد هندوشاه گفته که بواسطه آن این زبان را دری میگویند که در زمان بهمن بن اسفندیار چون مردم از اطراف عالم بدرگاه او می آمدند و زبان یکدیگر را نمیدانستند پادشاه فرمود تا دانشمندان زبان فارسی وضع کردند بمی زبانی که بر درگاه شاه به آن تکلم کنند و حکم کرد تا در جمیع ممالک به آن زبان سخن کنند، جهانیان را این وضع خوش آمد و برور ایام منقح و پاکیزه شد حکیم انوری گوید بیت: سمع بگشاید ز شرح بسط او جذر اصم چون زبان نطق بگشاید بالفاظ دری.



ترجمه نموده و گذشته از تفسیر لغات مهمه و مستعمله در کتب و اشعار و بیانات فصحا و بلغا در مقدمه آن قواعد مهمه صرفی و نحوی و اوزان زبان عرب را با بهترین طرز (با نظم بسیاری از آن قواعد (۱) و اوزان) آورده و گذشته از این در جداولی (۲) صیغ مشتقه از ابواب را ضبط نموده تا برای طلاب کار آسان گردد و در آخر مقدمه در چند بیت تصریح نموده که نام این کتاب را «الخلاص» گذارده و وجه تسمیه آنرا هم بیان کرده اند و در اینجا با قسمتی از ابتداء کتاب نقل میشود و آن این است:

و سَمَّيْتُهُ بِكِتَابِ الْخِلَاصِ      إِنْ خَلَصَ كُلُّ لَفْظٍ مُعَادٍ      وَكَلَامٍ  
مُعْتَصٍ بِمَا لَا بُدَّ      مِنْهُ الْعَامُّ وَالْخَاصُّ      ثُمَّ لِلتَّفَالِ بِخِلَاصِ  
نَفْسِي الْمُسَمَّيَةِ الْقُصَاصِ      كَمَا قَالَ الْقَائِلُ :

كِتَابُ الْخِلَاصِ كِتَابٌ بِهِ	خِلَاصُ النَّظْمِ يَوْمَ الْحِسَابِ
أَرَّاحَ بِهِ الْخَلْقَ عَنْ كَدِهِمْ	فَجَاءَ بِمَقْصُودِهِمْ فِي كِتَابِ
إِذَا مَا تَأَمَّلْتَ مَضْمُونَهُ	وَفَكَرْتَ فِي كُلِّ ... وَبَابِ
عَلِمْتَ حَقِيقَةَ مَا قُلْتَهُ	وَقُلْتَ احْفَظْهُ كَمَا فِي الْكِتَابِ
فَحَافِظُهُ عَنْ قَلِيلٍ بِهِ	يَعُودُ مَلِيًّا بِفَضْلِ الْخِطَابِ
جَزَى اللَّهُ خَيْرَ مَنْ تَأَمَّلَ صُنْعَتِي	وَقَابَلَ مَا فِيهَا مِنَ السَّهْوِ بِالْ... (۳)
وَأَصْلَحَ مَا أَخْطَأْتُ فِيهِ بِقُضَلِهِ	وَفِطْنَتِهِ وَاسْتَعْفَرَ اللَّهَ مِنْ سَهْوِي.

(۱) نظمی گوید: جمیع اصول الفعل سبعة اضرب. لها انا فی بیت علی الوجه واصلف. صحیح و هموز مثان و اجوف. لفیف و منقوص البناء مضاعف.

(۲) نویسنده نسخه این کتابخانه این اشتقاق را در جداول نگذاشته و بترتیب کتاب نگاشته ولی نگارنده نسخه کتابخانه مجلس بعضی از آنهارا در جداول گذارده و بعضی را هم نگذاشته است.

(۳) در نسخه دستورالافه متعلق بمجلس که عبارات فوق از آن استنساخ گردیده در این دو جا (سه سطر پیش و اینجا) جای کلمه ای را خالی گذاشته ولی از قریبه بدست می آید.

کتاب الالف من الاسماء الالف المفتوحه آس: مورد. آسان: للجبال (۱).  
آلاء: نیکبها. آل: خویشان، بالا، کوراب. آصره: خویشاوندی. [وللعاطفه] (۲)  
آصوت: [و] (۳) شجر مرّ. هو علی آسان و آسال من ایه ای شبه. هو آبل الناس:  
ای اشدّهم تأتقاً فی رعیة الابل... (۴) بیننا و بین مکّه عشر لیال. آنسات: ای  
مودعات. آسات: ای تارکات. آرک: یرعی الاراک. کبشی آذن و نعة آذناء:  
بزرگ گوش. آنسه زنی نیکو حدیث الخ. (۵)

از جمله ای که در مقدمه نسخه ذیل نگاشته شده: « حررها الشيخ الادیب  
ذواللسانین اسعده الله فی الدارين للمجلس الشریف النظامی (۱) لازال قصر عمره  
عامرا الخ ». بدست می آید که این کتاب بنام خواجه نظام الملک متوفی بسال ۴۸۵  
تألیف گردیده بنا بر این تألیف آن پیش از سال مذکور بوده است.  
مؤلف خود در مقدمه گوید: این کتاب را به بیست و هشت کتاب و هر  
کتابی را به دوازده باب تقسیم کرده. و ترتیب تنظیم و طریقه استفاده از آن را  
خود متدکّر شده اند.

دستور اللغة، یا کتاب « الخلاص » در حدود (۷۵۰۰) بیت کتابت دارد.  
آغاز: بسملة الحمد لله الذی ابدع العالم بقدرته و خصّ بنی آدم بکرامته الخ.  
انجام: جزى الله ذاللفظ يعاضد قائلاً - تطوّع آغث شخص الحسين برحمتك،

(۱) در نسخه ذیل للجبال باحاء مهمله نوشته شده ولی چنانکه در فهرست معارف ضبط شده  
در نسخه آن کتبا بخانه با جیم می باشد و در نسخه کتبا بخانه مجلس هم که این قسمت (از سمیته  
تا الخ.) از آنجا نقل گردیده للجبال با جیم ابجد است.

(۲) در نسخه ها این کلمه را نوشته اند و ما مراد آنرا ندانستیم.

(۳) واو، در اینجا زیاد بنظر می آید و در نسخه این کتبا بخانه اصلاً این لغت نوشته نشده است.  
(۴) در نسخه مجلس بجای سه نقطه ظاهراً کلمه بوده ولی در نسخه ذیل فاصله نیست، بنا بر  
این بایستی ترجمه لغت آبل باشد و یا کلمه ای بوده و نوشته نشده است.

(۵) برای نشان دادن طرز کتاب این مقدار از ابتداء آن نقل گردید و این نقل با نسخه ذیل  
تقدیم و تاخیر و اختلافی دارد.

(۶) در نسخه ذیل بهمین نحو نوشته شده ولی در ص ۳ ج ۲ فهرست دارالکتب العربیه مؤلف  
آن گوید: الفه لمجلس الاجل جمال الملك النظامی الخ. و بنظر نگارنده جمال الملك نظام  
الملک بوده و کاتب نسخه « دارالکتب العربیه » یا مطبعه آنرا تحریف کرده اند.

تمت و الحمد لله الخ (۱).

(۸۲۸)

دستور اللغة این نسخه بخط نسخ در سال ۱۲۶۲ نوشته شده و کتاب نامی از خود نبوده ، قسمتی از آخر کتاب ناقص بوده ، نویسنده بد خطی بسال ۱۲۷۱ آن را نوشته است ، عناوین مطالب کتاب و ابواب و پاره ای از لغات با سرخی نوشته شده و ورق اول و صالی گردیده است .  
جاء تیماجی ، کاغذ فرنگی . واقف آقای درخشان (۲) . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۶۸) .  
صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۷ -  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۴۴۵۶) .

### [ ۳۴۵ ] دیوان الادب (عربی)

مؤلف این کتاب ابو ابراهیم اسحق بن ابراهیم فارابی متوفی در حدود ۳۵۰ یا ۳۷۰ (۳) میباشد ، جوهری صاحب صحاح اللغة پسر خواهر این دانشمند بوده و درمآخذ قدیم و جدید بس در کتاب معجم الادباء (ارشاد الاریب الی معرفة الادیب) و بغیة الوعاة سیوطی و بنقل از آن دو ، در روضات الجنات نام ابو ابراهیم و مختصری از حالات او که ذیلاً نقل خواهیم نمود دیده شد .

(۱) در نسخه مجلس آخر نسخه چون عبارت بالا میباشد و در نسخه این کتابخانه قاتلاً و «یطوع» نوشته شده و در فهرست معارف آخر این نسخه را این بیت فارسی نقل کرده اند :  
گرچه ز خاک دست نطفزی شود تباه  
یک چند یادگار بود زو خط سیاه  
(۲) آقای محمد درخشان رئیس امور اداری مدرسه عالی سیه سالار بر حسب وصیت دانشمند مرحوم آقای شیخ محمدعلی کاتوزیان وصایت آن فقید را دارا و بایستی ثالث ایشان را در خیرات و مبرات مصرف نمایند ، ایشان هم بهترین مواردمصارف بریها تهیه کتب و اهداء بیکی از کتابخانه های مهم عمومی دانسته و کتب خود آن مرحوم را خریداری و موافق شروط مندرجه در وقفنامه مدرسه وقف و در شهر یور ۱۳۱۵ تحویل کتابخانه داده اند و در قفسه ای بنام خود آن مرحوم گزاردده شده و شماره این کتب ( ۱۳۴ ) مجلد و در دفتر کتابخانه از شماره ( ۴۳۳۰ ) تا ( ۴۴۶۴ ) ثبت گردیده است .

(۳) معجم الادباء ج ۲ ص ۲۲۶ تا ۲۲۹ ، بغیة الوعاة نسخه خطی مدرسه ص آ ورق ۲۴۶ و روضات الجنات ص ۱۱۱ ج ۱ مراجعه شود و سال تقریبی وفات مؤلف در معجم الادباء ۴۵۰ ثبت شده و ناشر در ذیل ۳۵۰ تصحیح کرده ولی در بغیة الوعاة ۳۵۰ و ۳۷۰ بتدریج نقل گردیده است .

اسحق بن ابراهیم فارابی (فاراب در نزدیکی خراسان و از شهرهای ترکستان است) میباشد و بنقل از قفطی بکشور یمن مسافرت نموده و در زید (۱) که از توابع آن است مسکن گزیده و دیوان الادب را در آنجا تألیف نموده ولی کسی توفیق نیافت که پیش وی آن را بخواند و مرگ او را در ربود.

یاقوت در ذیل بیانات قفطی مطالبی نگاشته که معلوم میشود بعضی پیش مؤلف توفیق بر خواندن این کتاب را یافته و از وی روایت نموده اند و کتاب بیان الاعراب و شرح ادب الکاتب را نیز از مؤلفات ابو ابراهیم نقل نموده است. سیوطی چیزیکه بر مطالب یاقوت افزوده تردید در سال وفات این مؤلف است که بسال ۳۵۰ یا ۳۷۰ بوده و از شرح مطالب دیگر هم بمختصری از نوشتههای یاقوت قناعت کرده است.

از دیباچه و مقدمه دیوان الادب نگارنده استفاده میکند که مؤلف آن شیعی مذهب بوده و مسافرت یمن و توقف در آنجا که از اوائل اسلام مرکز شیعیان بوده این احتمال را قوت میدهد و چون قسمت عمده ای از شیعیان یمن زیدی مذهب اند شاید این دانشمند هم بر این مذهب بوده و نبودن نام ایشان در کتب رجال امامیه و عامه ممکن است بهمین جهت اخیر باشد و عبارات مقدمه و طرز آن احتمال تشیع او را تأیید میکند و آن عبارات این است:

صَلَّى اللَّهُ عَلَي خَيْرِ الْبَرِيَّةِ الْمَخْصُوصِ بِالرَّفْعَةِ وَالْفَضِيلَةِ الَّذِي اقْسَمَ بِعَمْرِهِ  
و غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ مُحَمَّدٌ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَ عَلَي آلِهِ أَجْمَعِينَ أَمَّا بَعْدُ  
..... وَ كَانَ مِنْ قَضَائِهِ تَفْضِيلُ الْمُصْطَفِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَي الْخَلِيقَةِ أَذْخَرَهُ  
كُلَّ فَاضِلٍ وَ ابْتَدَأَ لَهُ كُلَّ نَفِيسٍ مِنْ زَمَانٍ وَ بَلَدٍ وَ أَصْحَابٍ وَ أَسْمٍ وَ تَرْكِيبٍ وَ خَلْقٍ  
وَ سَمْتٍ وَ نَسَبٍ وَ عِتْرَةٍ وَ أَمَةٍ وَ لِسَانٍ وَ أَمَّا الزَّمَانُ فَهُوَ زَمَانُ الْعِلْمِ .....  
(۱) زید بفتح اول و کسر ثانی بایاء مثناة تحتانی نام شهری است در یمن (معجم البلدان ج ۲ ص ۹۱۵). و قاموس در باب دال و فصل زاء.

..... واما العترة فهي السفينة التي من ركبها نجا ومن تباعد عنها تردي وهوى.

و نیز در آخر هر يك از كتب ششگانه چنین نگاشته : (اتقضي كتاب ...

والحمد لله رب العالمين وصلي الله علي محمد و آله الطيبين و سلم تسليمًا).  
و میدانیم که اهل سنت هماره در این موارد صحابه را هم عطف به آل مینمایند  
ولی شیعه و امامیه در صلوات نامی از صحابه نمیدهند و چون عموماً کتاب هم  
خلاف امانت نمیکند و در عبارت مؤلف تغییری نمیدهند بنابر این عبارت مذکور  
از خود مؤلف ودال بر تشیع او است .

مؤلف، دیوان الادب را به شش کتاب بدین طریق تقسیم نموده : ( الاول )  
كتاب السالم . ( الثاني ) كتاب المضاعف . ( الثالث ) كتاب المثال . ( الرابع )  
كتاب ذوات الثلاثه و هو ما كان في وسطه حرف من حروف العلة . ( الخامس )  
كتاب ذوات الاربعه و هو ما كان آخره حرف علة . ( السادس ) كتاب الهمزه .  
و در مقدمه پیش از شروع باصل کتاب مطالبی نافع نگاشته و طرز کتاب را  
هم تذکر داده است . اگر چه پیدا کردن لغات از دیوان الادب بسی زحمت نیست  
و تا کسی اصل و ریشه و باب و وزن هر کلمه را درست نداند نمیتواند آن را پیدا  
کند و بهمین جهت متروک مانده ولی بدین نظم و ترتیب خدمت بزرگی باد و  
ادبیات شده و مؤلف راه تحریف و تصحیف را بر کلمات بسته و نظر بکثرت اسماء  
در هر کتاب ذکر آنها بر افعال مقدم گردیده و میزان در ترتیب کلمات حروف  
اواخر بترتیب حروف ابث ( ا ب ت ث الخ ) میباشد و در موارد لازمه استشهاد  
بآیات قرآن کریم و احادیث و اشعار فصحا و کلمات بلغا و حکم و امثال گردیده و  
ما برای بصیرت کامل مراجعه کنندگان قسمتی از این کتاب را برای نشان دادن طرز  
و روش آن در اینجا نقل مینمائیم :

باب فعل بفتح الف و ضم العين . ث يقال رجل حُذث و حَدَثَ ای کثیر -

الحديث . ح يقال رجل فرح و فرح بمعني د العبد استعماله الشاعر في

موضع العبد قال الفرّا هو من ضرورة الشعر و هو قوله :

أَبْنِي لِمِني إِنْ أُمُكُمُ      أَمَةٌ وَإِنْ أَبَاكُمُ عَبْدٌ

و يقال رجل نُجْد ونُجْدای شجاع ر يقال رجل بكر في حاجته وبكرو  
رجل حذر و حذر و السمن من العضاه و يقال وظيف عَجْر و عَجْر للغليظ  
و يقال رجل نكرو نكر ز هو العجز يذكر و يؤنث س يقال رجل ندس و  
ندس ای فهم و نطس و نطس للمبالغ في الشيء ش يقال مكان عطش و  
عطش لقليل الماء ع هو السبع وهي الضبع و الضبع ايضاً السنة الجديه  
يقال اكتهم الضبع و ذلك اذا اجذبوا قال الشاعر : اباخرشة اما كنت (كذا)  
ذانغر : فان قومي لم تأكلهم الضبع . و يقال رجل طمع و طمع ل الرجل واحد  
الرجال و يقال رجل عجل و عجل بمعني ن يقال رجل فطن و فطن بمعني .  
ومما الحقت الها من هذا البناء : الصدقة الصدوق قال ابن الجريح و كان من  
افصح الناس قضی ابن عباس لها با الصدقة ل المثلثة العقوبه باب قعل بفتح  
الفا و كسر العين الخ.

صاحب كشف الظنون درس ۳۰۵ ج ۱ دیوان الادب را نام برده و در ذیل آن شرحی  
نوشته که مشتمل بر اغلاط فاحشی میباشد و در اینجا ترجمه آن عبارات با تذکر باغلاط و  
اشتباهات آن آورده میشود :

**دیوان الادب** در لغت تالیف اسحق بن ابراهیم فارابی دائی جوهری است که نزدیک  
بسال ۳۵۰ وفات یافته و این کتاب را برای اتساز بن خوارزمشاه تالیف و در خطبه آن نام وی  
را آورده کتابی معتبر و مشتمل بر پنج قسم است بدین تفصیل اول در اسماء دوم در افعال  
سوم در حروف چهارم در تصریف اسماء پنجم در تصریف افعال . قفطی گوید تالیف  
این کتاب در شهر زبید گردیده و مؤلف پیش از آنکه این کتاب از وی روایت شود برود  
و سیوطی آنرا که از وی روایت کرده اند نام برده ، بنابراین گفتار قفطی غلط است . دیوان  
الادب را حسن بن مظفر نیشابوری متوفی بسال ۴۴۲ ۴ تلخیص و تهذیب کرده و نیز گوید که  
یاقوت گوید امام ابوسعید محمد بن جعفر دیوان الادب فارابی را تهذیب نموده و  
مطالعی بر ابواب آن افزوده و جیزهاییکه مطالب را زینت میدهند نیز در آن گنجاییده و آنرا  
در ده مجلد بزرگ گذارده و کتابی مفید گردیده است انتهى .

صاحب کشف الظنون اولاً نسبت داده که در مقدمهٔ این کتاب نام اتسز بن خوارزمشاه موجود و تألیف آن بنام وی گردیده در صورتی که در مقدمهٔ چنین مطلبی نیست و بعلاوه چنانکه در کتب تواریخ ضبط گردیده اتسز بن خوارزمشاه مؤسس سلسلهٔ خوارزمشاهیّه متوفی بسال ۵۵۱ مییاشد و بنا بضمبط خود حاجی خلیفه و یاقوت و سیوطی مؤلف دیوان الادب در حدود سال ۳۵۰ وفات کرده و دوست سال مقدم بر اتسز زندگانی میکرده و بنام اتسز کسی را در قرن چهارم سراغ ندارم ولی در ص ۲۰۶ ج ۳ معجم الادبا نوشته شده: حسن بن محمد بن ابی الشجاء شکست خوردن اتسز بن اوق غزی را که بسال ۶۹۹ روی داده در مراسله ای پیداشاه عصر تهنیت گفته و این اتسز نیز غیر از اتسز مؤسس سلسله خوارزمشاهیّه مییاشد. و نیز در تقسیم مطالب کتاب چنانکه دانستیم مرتب ساخته و تقسیمات آن چنانکه گذشت غیر از تقسیمات این کتابست و نیز خود او گفته کسی که بسال ۴۴۲ وفات یافته باختصار آن پرداخته است.

نگارنده احتمال میدهد که بنام دیوان الادب در زمان اتسز نیز کتابی مشتمل بر پنج قسمت تألیف گردیده و حاجی خلیفه آنرا دیده و نام مؤلف در آن نبوده و با عدم توجه بخصوصیات تاریخ و زمان تصوّر نموده که همان دیوان الادب فارابی مییاشد و این کتاب را ندیده است بنا بر این اختصار فوق از دیوان الادب فارابی خواهد بود. دیوان الادب از کتابهای نفیس این کتابخانه مییاشد و در کتابخانههای ایران نسخهٔ کاملی از آن نیافتیم و قسمتی از ابتداء این کتاب در کتابخانه فاضلیه خراسان موجود است. در فهرست دارالکتب المصریه چند نسخه کامل و ناقص از این کتاب نام برده شده که تاریخ کتابت آنها یکی بسال ۵۷۴ و دیگری ۶۱۱ و دیگری ۶۱۷ هـ است و کیفیت خط (چنانکه ذیلاً ذکر خواهد شد) حاکم بر این است که نسخهٔ این کتابخانه پیش از کهنه ترین نسخ آن کتابخانه نوشته شده و در حدود (۱۸۰۰) بیت کتابت دارد و ظاهراً تألیف آن مقدم بر تهذیب اللغه ازهری است.

بنام «دیوان الادب فی نوادر شعراء العرب» کتابی است که «الحمونسیم» استاد دانشگاه صیدا از اشعار شرای عرب که در کتب معروفه موجود است انتخاب و جمع آوری نموده و بسال ۱۹۱۲ م در صیدا از کشور شام چاپ شده است.

آغاز: بسمله قال اسحق بن ابراهیم تولاہ اللہ بعصمتہ فی الدارین الحمد للہ رب العالمین حمداً یبلغ رضاه ویمتری المزیّد منه و یستوجب به ما عدّ من الکرامة الخ.

(۸۲۹)

**دیوان الادب** این نسخه بخط نسخ با شیوۀ مخصوصی نوشته شده. کاتب نامی از خود و سال کتابت نبرده و ظاهراً از خطوط اوائل قرن پنجم هجری میباشد بعضی از اوراق این نسخه و صالی و مطالب تصحیح شده و مشتمل بر کتاب اوّل (کتاب سالم) تا آخر باب تفعیل است، ورق آخر دارای قسمتی از باب مفاعله بوده با مهارت تمام آنرا دو پوسته کرده و اینقسمت را بر ورقی حنائی رنگ چسبانیده و در اوّل نسخه دوم که پس از این ذکر میشود گذارده اند، پشت ورق اوّل یادداشتی مؤرخ بسال (۶۰۸) میباشد و نیز در همانجا یادداشتی مبنی بر اینکه حسین بن حاجی محمد کاشانی این کتاب را وقف بر اولاد خود نموده، نوشته شده و بر تمام صفحات کلمه وقف نیز نگاشته شده، فهرست ابواب کتاب را بر سیزده ورق کاتب دیگری نوشته و در ابتدای کتاب گذارده و این نسخه ضمیمۀ نسخه بعد بوده، اوراق وسط و هر دو نسخه متوالی است و شاید مرحوم اعتضاد السلطنه که در سال (۱۲۷۰) دارنده این کتاب شده اند آن را در دو جلد گذارده اند.

جلد تیماجی. کاغذ قدیمی. قطع رحلی. شماره اوراق (۲۴۳) صفحه ای (۱۹) سطر. طول (۲۸) سانتیمتر عرض (۲۰) سانتیمتر شماره کتابخانه (۱۰۵).

(۸۳۰)

**دیوان الادب** این نسخه بخط کاتب نسخه پیش و تتمۀ آنست. و مشتمل بر قسمتی از کتاب سالم (از باب مفاعله تا آخر کتاب) و کتاب دوم و سوم و چهارم و پنجم و ششم میباشد ولی قسمتی از آخر کتاب ششم آن افتاده و پاره ای از اوراق آن و صالی شده و آخرین سطر موجود این است:

باب الفاعله ص بالاص الرجل ای قر ن طامن ظهره و طمان بمعنی. باب.

جلد تیماجی. کاغذ قدیمی. قطع رحلی. شماره اوراق (۲۳۳). صفحه ای (۱۹) سطر. طول (۲۹) سانتیمتر عرض (۲۰) سانتیمتر. شماره کتابخانه (۱۰۶).



## [ ۳۴۶ ] رساله در الفاظ مفرده ( عربی بفارسی )

این رساله در حدود ( ۵۰۰ ) بیت کتابت دارد ، مؤلف نامی از خود نبرده و با تفحص او را نشناختم ، و مرتب بحروف تهجی است .

آغاز : بسمله و به ثقی باب الالف « ابتداء و افتتاح » آغاز کار کردن ، « انتها » پایان بردن کار ، « انشاء » از خود پیدا کردن ، « التجا » پناه گرفتن ، « التقا » بهم رسیدن و یکدیگر را دیدن ، « احصا » شمردن ، « استقامت » راست ایستادن ، « استعانت » یاری خواستن ، الخ .

انجام : « یمامه » کبوتر ، « یقطین » درخت کدو ، والله اعلم بالصواب تمت الالفاظ .

( ۸۳۱ )

رساله در الفاظ مفرده  
این نسخه رابط خط نستعلیق خوب محمد امین بسال ۱۱۰۹ نگاشته و در حاشیه دو ورق اول آن لغات مثله که در حرف لام از همین فصل آنرا معرفی خواهیم نمود نگاشته شده و خود این رساله هم پس از کنز اللغه میباشد ، خصوصیات دیگر نسخه در ذیل کنز اللغه که در تحت شماره ( ۱۰۷ ) کتابخانه است ، ذکر خواهد شد .

## [ ۳۴۷ ] رساله در الفاظ مفرده و مرکبه ( عربی بفارسی )

این رساله نیز در حدود ( ۵۰۰ ) بیت کتابت دارد ، در خود کتاب نامی از جامع نیست و در جای دگر هم گرد آورنده آنرا نیافتم ، ولی در آخر نسخه کلمه « تراجمه » موجود است بنا بر این شاید محمد امین کاتب نسخه مؤلف باشد و مقصود وی از این تألیف از عبارت مقدمه معلوم میشود :

اما بعد بدانکه این الفاظ چند است از مفردات و مرکبات که بر زبانها متداولست و در نامه های تازی و پارسی مستعمل ، مبتدی چون اینقدر بخواند و یاد گیرد و در استعمال آرد عبارات او در محاورات و مکاتبات مهذب گردد انشاء الله تعالی فصل الخ .

این رساله در پنج فصل مرتب گردیده و مؤلف نظم و ترتیب صخیجی برای

آن در نظر نگرفته و فصل آخر آن در اعداد است برای نمونه قسمتی از یکی از فصول آنرا نقل میکنیم: **فصل «معزّز»** عزیزکننده، «مغیث و غیاث» فریادرس، «رکن» گوشه، «عضد» یار و بازو، «فلک» آسمان، «قطب» آنچه آسیا بر او گردد، «قیام» آنکه ایستادگی بدو بود، «عدّه» ساخته از جهت حوادث، «زین و زینت» آرایش، «مجد و شرف» بزرگواری، الخ.

**آغاز:** بسمله حمد و ثنا مبدع بی آلت و مخترع بیغرض و علت را و درود بسیار بر سید انبیا الخ.

**انجام:** «راجی و خاطی» امید دارنده و گناهکار، «میمون و همایون» مبارک و خجسته، «ابتدا و انتها» اوّل و آخر والله اعلم بالصواب و الیه المرجع و المآب تمت.

(۸۳۲)

**رساله در الفاظ** این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، کاتب نامی از خود و سال نگارش نبرده ولی از قرائن معلوم میشود که بخط محمد امین کاتب رساله پیش از اینست که بسال ۱۱۰۹ نگاشته شده است، خصوصیات دیگر بشماره (۱۰۷) کتابخانه مراجعه شود.

[۳۴۸] **شرح نصاب** (عربی و فارسی)

نصاب الصبیان یکی از منظومه هائی است که ترجمه لغات مهمه عربی را بهاری در بردارد و بسیار مشهور است و دارای شروح زیاد میباشد و ما در اواخر همین فصل از این کتاب و شروحی از آن معرفی کامل خواهیم نمود،

این شرح که خصوصیات نسخه آنرا پس از این خواهیم نگاشت یکی از شروح خوب نصاب است ولی بدبختانه صفحه اوّل و قسمتی از آخر آن افتاده و نسخه دیگری از آنرا هم سراغ نداریم، لذا نام مؤلف را نمیتوان بدست داد، از مطالعه نسخه هم مؤلف شناخته نشده، اما از قرائن معلوم میشود که هندی و حنفی مذهب بوده است.

این کتاب طرز خاصی دارد و آن اینست که مطالب مندرجه در دیباچه نصاب

را يك يك بنام سؤال ذکر نموده و در تحت عنوان جواب بشرح آن پرداخته پس از آن معانی حروف را در تحت سه باب و هر بابی را مشتمل بر فصولی چند بدینگونه ذکر نموده : **باب اول** در مفردات . **باب دوم** در مرکبات **باب سوم** در حروف عوامل . پس از این شروع بشرح قطعات کتاب يك بيت يك بيت نموده و پس از نخستین بيت هر قطعه بدو آنرا تقطیع میکند و آنوقت بشرح يك بيك لغات مندرجۀ در آن میپردازد و گاهی معادل هندی آنرا هم ذکر میکند .

بمناسبت شرح بيت نخستین که مشتمل بر نام خدا بآیه‌ای میباشد منظومه‌ای در (۱۰۲) بيت در بیان اسماء الله الحسنى از صدر المملاک نام نقل نموده و در ذیل بيت دوم (۵۰) بيت راجع بمعنی آسمان و زمین و خلقت آنها از پدر خویش آورده است .

برای نشان دادن طرز کتاب قسمتی از آنرا در اینجا می‌آوریم :

**بيت :** « عرش » سقف و « بيت » خانه « كحل » سرمه « رمل » ريك  
 « حسن » خوبی « قبح » رشتی « جاف » خشك و « رطب » تر .  
 العرش : بفتح العين المهملة وسكون الراء المهملة والشين المنقوطة تحت ملك كقوله تعالى : ايكم يا ائمنی بعرشها قبل ان ياتوني مسلمين وسعقف ، و « بيت » « خانه » بفتح الباء الموحدة و « عمال » را نیز بيت گویند و « دومصرع » را نیز بيت گویند و جمعه البيوت والايات و جمع الجمع الابيات والبيوتات وتصغيره بيت الضم وقد جاء بالكسرة وفس على هذا تصغير امثاله كالشيخ والشئ والعين . « الكحل » بضم الكاف وسكون الراء المهملة « سرمه و مال بسیار » و بفتح الكاف « سال قحط » و الرمل بفتح الراء المهملة وسكون الميم « ریگ » والرمله قليل منه وجمعه الرمال والرمل بالفتحین بهجری از عروض است و نوعی از رفتن شتر و اندکی از باران « الخ »

این شرح تقریباً دوازده برابر متن نصاب میباشد و چون اول و آخر آن افتاده و نسخه دیگری از این شرح بدست نیاوردم آغاز و انجام آن نقل نگردید .

(۸۳۳)

**شرح نصاب** این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، صفحه اول آن افتاده نویسنده‌ای قسمتی از ابتداء شرح نصاب محمد بن فصیح دشت بیاضی را استساخ و بآن ملحق نموده ولی بامطابقه با نسخه چاپ شده شرح دشت بیاضی دانسته شد که نویسنده تقلب نموده و این شرح غیر از آنست . آغاز ورق

اول اصل نسخه اینست: مشهور بکنیت بود و غرض از نام امتیاز است پس بچیزیکه سخت امتیاز حاصل شود اولی بود بذکر و دیگر آنکه نصر دلالت بر نصرت می‌کند (کذا) پس چنانستکه مصنف میگوید اللهم اجعلنی نصیراً للصّیّان النّخ. يك ورق پیش از ورق آخر نوشته مانده و آخرین بیت که در ورق آخر نسخه شرح شده هفت بیت بآخر قطعه ۳۸ میباشد و آخرین سطر نسخه این است: و النّخاض من باب نصر یعنی در آب شدن و در کاری شروع کردن و الغیل بفتح الغین المعجمه و سکون الیاء التّحتانیّه.

بسال ۱۲۶۱ بنام شرح نصاب دشت بیاض (۱) داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده و بهمین نام در دفاتر مدرسه ثبت شده است. جلد تیماج. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۱۱۹). صفحه‌ای (۲۱) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر). عرض (۱۳ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۹۲).

### [ ۳۴۹ ] شرح فنامه منیری (عربی و فارسی و ترکی)

مؤلف این کتاب چنانکه در مقدمه آن بنظم و نثر (و نیز در ذیل لغت دوستگانی) نگاشته شده ابراهیم قوام فاروقی ره است که شاعری متمتع بوده و از اشعار خویش در ذیل بعضی از لغات ایبائی آورده و بمناسبت لقب شرف الدین احمد منیری که از مشاهیر مشایخ هندوستان (ظاهراً مراد و مرشد مؤلف است) و صاحب مکاتیب مشهوره و شرح آداب المریدین و مؤلفات دیگرند که در ص ۱۰۸ نهج الخواطر ذکر شده و بسال ۷۸۲ جهانرا وداع گفته اند، این مؤلفه را

(۱) دشت بیاضی چنانکه در فرهنگ عباسی نوشته شده از توابع خراسان است و در ص ۵۰ ج ۲ مجمع الفصحا در ذیل نام ولی دشت بیاضی که از شعرای متأخرین بوده نوشته شده: دشت بیاض از توابع قائن است و بسبب سفیدی خاک آنجا را دشت بیاض گویند.

و از رساله ای خطی که متعلق به آقای صادق انصاری و در شرح حالات و اشعار ولی دشت بیاضی میباشد معلوم میشود که معاصر شاه طهماسب صفوی بوده و پس از وفات آن پادشاه (سال ۹۸۴) زنده بوده و با احتمال مالک محترم، این رساله جزئی از تذکره تقی الدین کاشی است و طرز نگارش هم این احتمال را تأیید میکند.

شرفنامه منیری (۱) نام نهاده و چنانکه در ذیل فرهنگ میرزا ابراهیم خواهیم نگاشت این شاعر شرفنامه را در دست داشته و در عبارات آن اندک تصرف و اضافاتی نموده و بنام خود جلوه داده است.

در کتب رجال و تذکره و سیر نامی از ابراهیم قوام فاروقی نیافتیم، از معاصر بودن با شرف الدین احمد منیری که این فرهنگ بنام وی تألیف گردیده و ایشان بتصریح در تذکره علمای هند طبع المکتھوص ۸۴ و نزھة الخواطر ص ۸ - ۱۰ پس از یکصد و بیست سال زندگانی بسال ۷۸۲ وفات یافته‌اند، عصر وی قرن هشتم هجری دانسته شد و از آنچه در ذیل پاره ای از لغات نگاشته شده نیز زمان مؤلف استفاده میشود ولی اشکالی که داریم اینست که نسخه ذیل در بیان معنی طهماسب گوید نام پادشاه ایران زمین که هفت سال خراج رعایا را بخشیده بود و پنجاه سال ملک رانده و میدانیم که شاه طهماسب صفوی معروف از سال ۹۳۰ تا ۹۸۴ یعنی پنجاه و چهار سال سلطنت کرده و جز این پادشاه طهماسب آنهم پنجاه سال سلطنت کرده ای در تاریخ نیافتیم (۲) و گذشته از آنچه گفته شد نسخه ای از شرفنامه که بسال ۸۷۹ یعنی پیش از تولد شاه طهماسب نوشته شده در کتابخانه آصفیه دکن موجود است و احتمال میدهم که این لغت از اضافات متأخرین باشد و در فرهنگ میرزا ابراهیم عین این الفاظ را در ذیل کلمه طهماسب می بینیم و خواهیم دید که وی اضافاتی بر شرفنامه دارد بنا بر این حکم میکنیم که این لغت جزء اصل کتاب شرفنامه نبوده و اشکال تقریباً رفع خواهد شد.

(۱) از این دو بیت که در دیباجه کتاب است :

مفیت جهان سرور منیر است      که خاک در روضه اش عنبر است  
سعی فبی احمد منیری      که دارد بدودین حق برتری

بدست آمد که مفیر نام محلی است، درص ۹ نزھة الخواطر آنرا بفتح میم و کسرون ضبط و درص ۵۲ معجم الا مکته نزھة الخواطر گوید که منیر از توابع ولایت بهار هندوستان است و عارف شهیر شیخ شرف الدین احمد بن یحیی المنیری بدانجا منسوب است.

(۲) در شاهنامه فردوسی زو یدر گرشاسپ را بسر طهماسب معرفی کرده و آن اینست :

ز تخم فریدون بجستند چند      \*      یکی شاه زیبای تخت بلند  
ندیدند جز پور طهماسب زو      \*      که زور گیان داشت فرهنگ او

مؤلف پس از دیباچه ای که بنظم در حمد و ثناء الهی و نعت حضرت رسالت پناهی و مدح شرف الدین احمد منیری و در ۸۶ بیت میباشد مقدمه‌ای بثر در بیان معنی حروف مفرده و مرکبه فارسی و ترکی باشواهد ذکر کرده پس از آن در بیان معنی لغات عربی و فارسی بفارسی پس از آن لغت ترکی بفارسی بترتیب حروف تہجی برآمده و حرف اول را باب و آخر را فصل قرار داده و برای معانی لغات باشعار قدما چون سعدی، حافظ، خاقانی، سلمان، ظہیر، نظامی، فردوسی، انوری، خواجو، سوزنی، کمال اسمعیل، سنائی، منصور شیرازی، عمادی، بدرشاهی، خجندی، عنصری، عبید الواسع جبلی، همایون، عماد فقیه، و باشعار کتاب تاج المآثر و مدخل منظوم و بسحق اطعمه و نگارشات فرهنگنامه اسدی طوسی و عجائب البلدان و لسان الشعراء و اداة الفضلاء و مسموعات از دانشمندان معاصر چون امیر شہاب الدین حکیم کرمانی و شیخ واحدی محقق و غیر از اینها مکرراً تمثیل جسته و در ذیل دوستانگی نام حسنخان امیر زین الدین هروی ملک الشعراء را که نیز معاصر وی بوده برده است.

این کتاب در حدود (۱۶۸۰۰) بیت کتابت دارد و نسخه ای از آنرا در طهران و سائر کتابخانه های ایران نیافتیم و در فرهنگهای موجوده فقط نسخه ای را در دکن یافته‌ام (ص ۶۱۶ ج ۳ فهرست آصفیہ مراجعه شود) و مؤلف کشف الظنون در ص ۵۸ ج ۲ گوید: شرفنامه در لغت فارسی و از منیری است.

و چنانکه دانستیم مؤلف آن منیری نیست و این نیز از اغلاط کشف الظنون است.

آغاز بسمله: بنام خداوند گیتی بهست سر آغاز هر نامه را که .....  
خداوند انس و خداوند جان خداوند جسم و خداوند جان

انجام: ترکی «یار کی» دارند «یخشی» نیکو و خوب و یغشی مثله، «تر نقچی» رحمت کننده، «یر تلی» گماه کار، «یلغی» بالا «یلقی» سجده کرد، «یلغی» که «یویری» از اینسوی. و پس از این در نسخه ذیل بعنوان باب بحور و اوزان اشعار و مطالبی در (۱۰۰) بیت میباشد که طاهر آخانه کتاب قرار داده شده و در مقدمه نامی از آن نیست.

(۸۳۴)

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، کاتب نام خود و سال شرفنامه منیری کتابت را نگاشته، لغات و مأخذ اشعار با شنجرف میباشد، پشت نسخه بسال ۱۲۶۱ بنام «منتخب شرفنامه» داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و در همانجا بهمین نام وقف گردیده ولی از دیباچه و مقدمه نسخه بدست نمیآید که منتخب شرفنامه باشد بلکه تصریح دارد که شرفنامه احمد منیری است، چند ورقی از اوائل نسخه و صالی گردیده و پس و پیش شده اوراقی هم از آن میان افتاده است از اینکه اشعار شواهد لغات بیشتر از متن خارج و در حاشیه نوشته شده احتمال میدهم که مرحوم اعتضاد السلطنه یا مالک پیش از ایشان تصور نموده اند که این کتاب منتخب شرفنامه میباشد و ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری است. جلد میشن. کاغذ دولت آبادی. واقف سیهسالار، قطع ربعی. شماره اوراق (۳۸۱). صفحه‌ای (۱۱) سطر. طول (۱۶ سانتیمتر). عرض (۱۱ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۸۶).

[۳۵۰] صحاح اللغة (عربی)

مؤلف این کتاب جوهری ره است (ابونصر اسمعیل بن حماد الفارابی الجوهری متوفی بسال ۳۹۳ (۱) این دانشمند (۲) با اینکه زبان مادری وی ترکی بوده از ائمه لغت عرب شمرده میشود و نخستین کس میباشد که لغات عربی را بترتیب حروف تهجی مرتب نموده و تا آنوقت تدوین لغت بطرز تهذیب اللغة

(۱) در تعیین سال وفات جوهری اختلاف کرده اند و صاحب روضات آنها را بدینگونه نقل کرده: جوهری چنانکه در کشکول و غیره است بسال ۴۳۳ یا ۳۵۳ وفات یافته و چنانکه در مجمع البحرین در باب ما اوله الجیم از کتاب الرآء تالیف طریحی نوشته شده مرگ وی در حدود سال چهارصد (۴۰۰) بوده و این قول مناسب است فاضل شمنی در حاشیه مغنی و سیوطی در طبقاتش بنقل از ابن فضل الله در مسالك وی نیز ذکر نموده اند. و از شیخ عبدالله یافعی مورخ مشهور (صاحب مرآت الجنان) نقل گردیده که جوهری بسال ۳۹۳ وفات یافته و این قول گویا راست باشد (در شذرات الذهب ج ۳ ص ۱۴۲ و کشف الظنون ج ۲ ص ۷۴ و فهرس مصر نیز این تاریخ ثبت شده) و با قوت در مجمع الادباء گوید آنچه تحقیق و تجسس نمودم بسال تولد و وفات جوهری دست نیافتم.

(۲) ابن شرح در اطراف جوهری با مراجعه به یتیمه الدهر ج ۴ ص ۲۸۹، شذرات الذهب ج ۳ ص ۱۴۲، روضات ص ۱۱۰ و ۱۱۱ و کشف الظنون ج ۲ ص ۷۴ تا ۷۶ و بغیة الوعاة و معجم المطبوعات ص ۷۲۳ نگاشته شده است.

و دیوان الادب (در صفحه ۱۶۷ و ۱۸۲ طرز آنها بیان گردید) معمول بوده و گذشته از تحصیل علوم ادب در نزد اساتید بزرگ چون ابوعلی فارسی و سیرافی و دائی خود ابو ابراهیم اسحق مؤلف دیوان الادب، و اتقان و تعمق در آنها چنانکه خود در مقدمه همین کتاب نگاشته و معاصروی ثعالبی در یتمه الدهر و دیگران در کتابهای دیگر شهادت داده اند بقائل عرب چون ربیع و مضر رفته و چندی در میان آنها زندگانی نموده و لغات و اصطلاحات آنها را دریافته و در این کتاب جاداده است. جوهری چون از عربستان برگشت و به دامغان رسید ابوعلی الحسن بن علی (۱) که از معاریف دانشمندان و نویسندگان بود ویرانخانه خود برد و او را پذیرائی شایان و همراهی نمایان نمود و از ادب و خط او بهره ای برداشت و با همراهی زیاد بنشأبور فرستاد و همواره در آنجا بتدریس و تألیف و نگارش قرآن کریم و کتب، روزگار میگذرانید تا زندگانی وی با آثار نیکو و نام نیک سپری گردید.

گاهی شعر میسروده و ثعالبی درباره وی گفته: **وَاللَّجَوَهْرِيُّ شِعْرُ الْعُلَمَاءِ لَا شِعْرَ مُفْلِقِي الشُّعَرَاءِ** و از اشعار وی آنچه را نقل نموده ما نیز در اینجا میآوریم:

لو کان لی بدّ من النّاس	قطعت حبل النّاس بالیاس
العزّ فی العزلة لیکنّه	لا بدّ للنّاس من النّاس

و از اوست

فها انا یونس فی بطن حوت	بنیسا بور فی ظلیل الغمام
فبیتی والفؤاد و یوم دجن	ظلام فی ظلام فی ظلام
رأیت فتی اشقراً ازرقاً	قلیل الدماغ کثیر الفضول
یفصل من حقّه دائماً	یزید بن هند علی بن البتول

و نیز از اوست

یا صاحب الدعوة لا تجز عن **فکلکنا ازهد من کرز**

(۱) در یتمه الدهر نام این راد مرد بدین نحو ثبت شده ولی صاحب روضات (ص ۱۱۰) و سیوطی در بغیة الوعاة این دانشمند را بنام ابوالحسن بن علی بنقل از معجم الادباء یا قوت معرفی کرده اند.



والماء كالغبر في قوس من عزة يجعل في الحرز  
فسقنا ماءً بسلا منة وانت في حل من الخبز  
در یتیمه الدهر و دیگر کتابها نوشته شده که جوهری خط را خوب مینوشته  
و در عرض ابن مقله و مهلهل و یزیدی شمرده میشود .

یاقوت در معجم الادباء ( ارشاد الاریب الی معرفة الادیب ) مؤلفات وی را  
کتابی در عروض ، و مقدمة النحو ، وصحاح اللغة دانسته و درروضات بنقل از  
بغیة الوعاة شرح ادب الکاتب و بیان الاعراب نیز بجوهری نسبت داده شده است  
و در نسخه خطی بغیة الوعاة که در این کتابخانه میباشد این نسبت موجود ولی  
مؤلف شذرات الذهب که مطالبی راجع بجوهری از بغیة الوعاة نقل نموده این دو  
کتاب را نام نبرده و چنانکه در ص ۲۸۱ گذشت دانستیم که این دو کتاب را  
یاقوت از مؤلفات ابو ابراهیم فارابی دایمی جوهری دانسته است .

صحاح اللغة که اینک مورد بحث ما میباشد یکی از کتب مهمه لغت عرب  
است و تعالی که خود از بزرگان ادب و شهبواران میدان دانش و صرافان سخن  
بوده یکچند سال پس از تألیف « صحاح » که یتیمه الدهر را تألیف نموده درباره  
آن گفته : جوهری را کتابی بنام « الصحاح » در لغت میباشد که بهتر از « جمهره »  
و دلنشین تر از « تهذیب اللغة » میباشد و از آن زودتر نتیجه توان گرفتن تا از  
« مجمل اللغة » و ابو محمد اسمعیل بن محمد نیشابوری که این کتاب صحاح بخط  
مؤلف نزد او موجود است در باره وی گفته :

هذا کتاب الصحاح سیّد ما صنّف قبل الصحاح فی الادب  
یشمل انواعه و یجمع ما فرّق فی غیره من الکتب

مؤلف معجم المطبوعات این کتاب را بنام « تاج اللغة و صحاح العربیة » نامیده  
و گوید در نسخه خطی کهنه ای که سال ۸۵۱ نوشته شده نام این کتاب بدینگونه  
نوشته شده : « تاج اللغة و سر العربیة » و يعرف بالصحاح ( او ) کتاب الصحیح  
فی اللغة رواة الشیخ ابی محمد اسمعیل بن محمد بن عبدوس النیشابوری .

چنانکه دانستیم در نیمه‌الدهر که تألیف آن بسیار نزدیک بسال تألیف صحاح بوده این کتاب بنام «صحاح» ذکر شده و ابو محمد آن را در نظم خویش با این نام تعریف کرده و یاقوت در معجم الادبایز آنرا بهمین نام آورده و آخر نسخه ایکه بسال ۸۴۳ هـ. نوشته شده و در این کتابخانه میباشد (شماره ۸۳۵ همین فهرست) کاتب تفسیریح نموده که نام این کتاب «الصحاح» میباشد. ندانم از کجا نام «تاج اللغه» بر این کتاب گذارده شده که نویسندگان بعضی از نسخ که پس از سال ۸۴۳ نوشته شده آنرا تذکر داده اند.

مؤلف خود در مقدمه و خاتمه نامی برای کتاب نگذارده و آن را بدین سبب صحاح گویند که مؤلف خود در مقدمه گفته: اما بعد فانی قد اودعت هذا الكتاب ماصح عندي من هذه اللغة الخ. و صاحب روضات گوید: ابن صلاح در «مشکل الوسيط» گفته: آنچه را صاحب صحاح تنها نقل نموده و همه اهل لغت آنرا انکار کرده‌اند نباید پذیرفت چرا که فقط جوهری بصحت آن معتقد است. و این قول ابن صلاح مردود میباشد چرا که تقریری و جوالی (در روضات جوالی نوشته شده ولی ظاهراً مراد جوالقی یا جوالیقی لغوی معروف باشد) و غیر از ایشان صحت لغات صحاح را گردن گرفته‌اند و خلاصه اینکه همه دانشمندان کتاب صحاح را باعتبار پذیرفته و بنوشته‌های در آن ترتیب اثر میدهند و بعضی از بزرگان بدین اعتبار تصریح کرده‌اند. جمعی از دانشمندان مطالب مدرجه در صحاح اللغه را دقت نموده و با غلاط آن پی برده‌اند و در اطراف آن کتابها نوشته‌اند، از آنجمله «الاصلاح للنخل الوافع فی الصحاح» تألیف علی بن یوسف بن ابراهیم قفطی متوفی بسال ۶۴۶ میباشد که سیوطی آنرا نام برده و دیگری «نور الصباح فی اغلاط الصحاح» میباشد و در معجم المطبوعات است که بسال ۱۳۲۸ در هندوستان در آخر «صراح اللغه» به چاپ رسیده و دیگری «ضالة الادیب» است که در جمع میان لغات صحاح و تهذیب میباشد و در آن اغلاط جوهری را تذکر داده است.

و بسیاری ابن کناب را (صحاح اللغه) مختصر نموده و یا بر آن اضافاتی نموده و یا بر آن حاشیه نگاشته و یا تکلمه ای آنرا تکمیل کرده‌اند و نام آنها درص ۷۴

تا ۷۶ ج ۲ کشف الظنون و ص ۱۱۰ و ۱۱۱ روضات و در بغیه و معجم الادبا و شذرات الذهب و امل الامل و دیگر کتب میباشد برای اختصار نام آنها را نیاوردیم یکی از اختصارات صحاح « ینایع اللغه » تألیف ابو جعفر احمد بن علی بیهقی معروف به جعفرک متولد و متوفی بسال ۴۷۰-۵۴۴ میباشد که شواهد آنرا انداخته و لغاتی از تهذیب ازهری و الشامل ابو منصور جهان و مقایس ابن فارس بر آن افزوده و حجم آن از صحاح بیشتر نشده است (معجم الادبا ج ۱ ص ۴۱۴-۴۱۶) و دیگری نام « الراموز فی اللغه العربیه » است و چنانکه در ص ۱۴ ج ۲ فهرست دارالکتب نوشته شده مؤلف آن سید محمد بن سید حسن است و نسخه ای از آن که بسال ۹۸۸ نوشته شده در کتابخانه یکی جامع در آستانه موجود است. و دیگری « صفو الراح من مختار الصحاح » تألیف عبدالرحمن بن عیسی است و نسخه ای از آن در کتابخانه خدیویه مصر موجود است (ج ۴ ص ۵ ۱۷ فهرست خدیویه). و در این کتابخانه دو منتخب و مختار و یک ترجمه از صحاح میباشد که در این فصل آنها را معرفی مینمائیم.

جمعی خواسته اند که از اغلاط و اشتباهات صحاح اللغه عذر خواهی کنند و گویند که تا باب ضاد معجمه این کتاب بر مؤلف خوانده شده در این هنگام و سوسه و جنونی عارض وی شد و بخیال پرواز در هوا افتاد (۱) و برای خویش دو بال از چوب بساخت و بر بام مسجد جامع نیشابور رفت و از آنجا بریز افتاد و بمرد و کتاب او پاکنویس نشده بماند، شاگرد وی ابراهیم بن صالح وراق بقیه را پاکنویس و صحاح را تمام نمود. این گفتار درست نیست برای آنکه اغلاط موجوده در این کتاب منحصر بابواب اخیر آن نیست و ثانیاً چنانکه صاحب روضات متذکر شده اند حضرت علامه حلی رحمه الله این کتاب را از اساتید خویش از مؤلف آن جوهری نقل و روایت نموده اند و ثالثاً چنانکه دیدیم ثعالی

(۱) جز این فکر و خیال مورخین برای جوهری آثاری از دیوانگی نشان نداده اند و آنانکه در قرن بیستم میلادی زندگانی میکنند و موقفیت پرواز در هوا را برای نوع بشر مشاهده مینمایند قطع خواهند یافت که وی دارای فکری صحیح بوده ولی روزگار و مسائل کار را برای وی چنانکه باید مهیا نمود و نادانی معاصرین بجنون رناندنیش متهم ساخت.

معاصر مؤلف صحاح نسخه آن را بخط مؤلف آن نزد ابو محمد اسمعیل بن محمد نیشابوری نشان داد.

صحاح اللغة بگفته صاحب روضات (۴۵۰۰۰) چهل و پنجهزار بیت کتابت دارد و چنانکه در اوائل این بحث گفته شد ترتیب تنظیم آن مخالف کتب لغتی است که پیش از آن تألیف گردیده و مؤلف لغات موجوده در آن را در بیست و هشت باب و هربابی را در بیست و هشت فصل بشماره حروف تهجی مرتب نموده و مناط در تنظیم ابواب را حرف آخر گرفته و فصول را حرف اوّل مثلاً لغت عشق را در باب القاف و فصل العین باید دید و دیگر لغات را بهمین طرز بایستی پیدا نمود و مؤلف در صحت معانی لغات با شعار فصحا و کلمات بلغا استشهاد کرده اند.

صحاح اللغة را مولی محمد بن مصطفی الوانی معروف به « وان قلی » متوفی بسال ۱۰۰۰ بترکی ترجمه نموده و بسال ۱۱۴۱ در قسطنطنیه در دو مجلد چاپ شده و نسخه آن در تحت شماره ۳۵ و ۳۶ در این کتابخانه موجود است و ترجمه فارسی صحاح بنام « صراح اللغة » میباشد که پس از این معرفی خواهد شد. و در ص ۲۹۲ جزء ۷ معجم الادبا نوشته شده زین الدین مغربی زواوی « یحیی بن معطی بن عبدالنور » که از معاصرین می باشد و بسال ۵۶۴ متولد شده مؤلفاتی دارد و از آنها نظم صحاح جوهری میباشد که ناتمام مانده است.

کتاب صحاح مکرر در مصر و ایران و هندوستان چاپ گردیده است. آغاز: بسملة الحمد لله شکرا علی نواله ، والصلوة علی محمد و آله ، اما بعد فاتی اودعت هذا الكتاب ماصح عندي من هذه اللغة الخ.

انجام: قال ذوالرّمه :

أَلَا يَا أَسْلَمِي يَا دَارَمِي عَلَيَّ الْبَلِيْ وَلَا زَالَ مُنْهَلًا بِجَرِّ عَائِكَ الْقَطْرِ. ۴.

(۸۳۵)

این نسخه بخط نسخ محمد بن مکرّم بن یحیی بن مکرّم در سنه (۸۴۳) نوشته شد، و شامل تمام کتاب است، دارای یک

صحاح اللغة

سرلوح و صفحات مجدول بطلا و لاجورد میباشد، بیشتر از صفحات را موریا نه سوراخ کرده و پاره از اوراق و صالی شده، حواشی صفحات آب دیده ولی خطوط آن سالم مانده است.

جلد تیماجی مستعمل. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۶۸۵) صفحه (۲۱) سطر. طول (۲۶  $\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر) عرض (۱۷ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۲۹).

(۸۳۶)

**صحاح اللغة** این نسخه که از نسخه های نفیس میباشد عبد الکریم بن علی کاتب حلبی بخط خوب در سال ۸۶۳ نگاشته و دارای يك سرلوح زیبا است، عناوین فصول و ابواب باطلا نوشته شده و ابتداء هر باب سرسوره ظریفی دارد، صفحات آن مجدول بطلا میباشد، پشت ورق اول تذهیب و مینا کاری بسیار زیبای مدوری است، نسخه کمی آب دیدگی دارد و بعضی از خطوط آنها ضایع گردیده، بنام مرحوم اعتضاد السلطنه در پشت صفحه اول یادداشتی مشعر بر اینکه این کتاب داخل کتابخانه ایشان گردیده نگاشته اند و برورقی که پیش از ورق اول کتاب میباشد نیز یادداشت هائی از مالکین سابق نسخه و اشعاری نوشته شده است.

جلد سوخته بسیار خوب. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۴۲۷). صفحه (۳۳) سطر. طول (۲۶ سانتیمتر). عرض (۱۷ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۳۴).

(۸۳۷)

**صحاح اللغة** این نسخه بخط نسخ بدی بسال ۸۶۷ نوشته شده، کاتب از خود نام نبرده و مشتمل بر تمام کتابست پشت صفحه اول شرحی بخط نسخ کهنه مبنی بر اینکه این نسخه را سید محمد بن سید حاج مصطفی بر مدرسه ای که پدرش ساخته و وقف کرده، نگاشته شده، بعضی از مطالب آن را محو کرده اند و بسال ۱۲۱۳ پشت همان نسخه شرحی بدین مضمون که مرحوم

شیخ محمد پسر حاجی محمد ابراهیم طهرانی این نسخه را نیز وقف کرده اند نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سید محمد مذکور . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۳۵۲ ) صفحه ای ( ۲۹ ) سطر . طول ( ۲۷ سانتیمتر ) . عرض (  $۱۸\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر ) . شماره ( ۲۳۹ ) قفسه مدرسه صدر .

(۸۳۸)

صحاح اللغة این نسخه بخط نسخ ابراهیم بن محمد حسین الغفاری بسال (۹۸۷) نوشته شده و شامل جلد اول (از ابتدای کتاب تا آخر باب عین) میباشد ، پاره ای از اوراق کتاب وصالی شده و پشت ورق اول یادداشت‌هایی بوده آنها را محو کرده اند و نیز اشعاری در تعریف کتاب و طریقه استخراج لغت از آن و نیز یادداشت‌هایی موجود است .

جلد جرمی مستعمل . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۲۴۶ ) . صفحه ( ۳۱ ) سطر . طول ( ۳۰ سانتیمتر ) . عرض (  $۲۱\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۱۳۱ ) .

(۸۳۹)

صحاح اللغة این نسخه بخط نسخ خوب درسنه (۱۲۴۱) نوشته شده ، در آخر نسخه کاتب خود را سنی امام سادس جعفر الصادق بن امام رابع علی بن زین العابدین علیهما السلام نام برده و شامل تمام کتاب است ، صفحات نسخه با سرخی جدول کشی شده و در پشت صفحه اول روایتی از ابن عباس نقل گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ هرنگی مهره زده . واقف سپهسالار قطع رحلی . شماره اوراق ( ۵۷۹ ) . صفحه ( ۲۵ ) سطر . طول (  $۳۰\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر ) . عرض (  $۲۱\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۱۳۲ )

(۸۴۰)

صحاح اللغة این نسخه جلد اول و بخط نسخ بد نوشته شده از ابتداء باب همزه تا اواخر فصل میم از باب ظاء میباشد ، آخر نسخه افتادگی دارد و آخرین سطر آن این است : (المظّر الرمان البری قال ابو ذویب

یصف عسلاً فجاء بمزج لم ير الناس) اوراقی از اوّل و آخر کتاب و صالی شده و نسخه قدیمی است .

جلد تیماجی . کاغذ حنائی قدیمی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۳۳۶ ) . صفحه ( ۲۷ ) سطر . طول ( ۲۹ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۸ سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۱۳۳ ) .

( ۸۴۱ )

این نسخه مجلد دوم و از ابتدای باب سین تا اواخر فصل عین صحاح اللغة . از باب لام می باشد و آخرین سطر آن این است : ( والعلة

واحدة العتل وهي القسی الفارسیه و جدیلة طی تقول للاجير عتیل والجمع عتلاء ) ، بخط نستعلیق نوشته شده و آخر آن افتادگی دارد ، اسم کاتب و سال کتابت معلوم نشد ، در آخر فصل هاء از باب غین عبارتی بوده ولی آنرا محو کرده اند ، دو ورق کاغذ نوشته در وسط کتاب می باشد و حواشی مختصری از کتب لغت با اشعاری فارسی در حاشیه دارد .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچک . شماره اوراق ( ۳۳۳ ) . صفحه ای ( ۱۷ ) سطر . طول ( ۲۰ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۳ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۱۳۵ ) .

[ ۳۵۱ ] صراح اللغة = الصراح من الصحاح ( عربی و فارسی )

مؤلف این کتاب جمال قرشی (۱) رضی الله عنه است (جمال الدین محمد بن عمر بن خالد قرشی (۲) که از دانشمندان اواخر قرن هفتم هجری بوده و ابن مؤلف یکی از مختصر کنندگان « صحاح اللغة » می باشد و آن مختصر را خود « الصراح من الصحاح » نامیده و دانشمندان آن را « صراح اللغة » خوانند و بدین نام مشهور گردیده .

(۱) قرش در معجم البلدان و آثار البلاد نام قرش نیست و در اکتفاء القنوع نوشته شده که جزء ماوراءالنهر است .

(۲) ترجمه و سایر مؤلفات و تاریخ تولد و وفات مؤلف را در کشف الظنون ، معجم المطبوعات ، بغية الوعاة ، شذرات الذهب ، طبقات سبکی ، العوائد البهیه نیافتم درص ۱۴۳۶ ج ۲ فهرست آصفیه و وفات مؤلف بسال ۶۸۱ که سال تألیف صراح می باشد ثبت شده و در فهرست معارف ج ۱ ص ۱۹۳ سال ۹۶۶ نقل شده و مسام این تاریخ غلط است چرا که عادة کسیکه بسال ۶۸۱ کتابی تألیف کرده باشد تا سال ۹۶۶ که ۲۸۵ میشود و شاید سی چهل سال هم هنگام تألیف داشته نخواهد ماند و شاید مؤلف محترم آن فهرست در مآخذی سال ۶۹۶ را دیده باشند و در چاپخانه شماره غلط چیده شده است .

این مختصر شامل تمام لغات صحاح اللغه میباشد و مختصر کننده آن فقط اشعاری را که جوهری برای استشهاد پاره ای از لغات آورده بود جز چند بیتی را انداخته ولی امثال و آیات و اخبار مستشهده را در این مختصر باقی گذارده و در این قسمت نیز تاحدّی که ممکن بود اختصار را مراعات کرده مثلاً از آیات موجوده در « صحاح » بس محلّ شاهد را نقل نموده و باقی را ترك کرده است .

گذشته از آنچه گفته شده مؤلف پس از بیانات صاحب صحاح در بیان مراد از لغات مذکوره برای استفاده آنانکه از عربیّت بهره وافی ندارند ترجمه فارسی آن لغات را نیز نقل و گذشته از این بواسطه علامات و آثاری که بر لغات و پس از آنها گذارده شده و زن و باب و جمع و مصدر هر يك از آنها را نیز بعلامات و شماره ها معین کرده اند .

این کتاب در حدود (۴۰۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۲۶۰ در کلکته و بسال ۱۲۸۶ در طهران و در سال ۱۲۷۹ طاهراً نیز در هند چاپ گردیده و در ص ۷۰۷ معجم المطبوعات نوشته شده که بسال ۱۳۲۸ در هند صراح اللغه چاپ شده و دارای دو ضمیمه است اول : « القراح بتکمیل الصحاح » . دوم « نور الصباح فی اغلاط الصحاح » .

آغاز: بسمله قال الفقير الى مولاه الغني عن سواه الواثق بالمتعالی عن الولد والوالد، ابوالفضل محمد بن عمر بن خالد المدعو بجمال القرشي جمل الله احواله وحمل آماله ، احمد الله وهو المحمود بكل اللغات وجلّها واشكره وهو المشكور على كثر الهبات وقلّها الخ .

انجام : قال ذوالرمه شهر .

الا يا اسلمی یا دارمی علی البلی ولا زال منها لا بجر عائلك القطر (۱)

(۱) ابن بیت چنانکه در ص ۱۹۷ گذشت در انجام کتاب صحاح اللغه میباشد که قرشی عیفا در اینجا آورده . در نسخه صراح اللغه شماره (۸۴۲) این فهرست که بسال ۱۰۶۰ نوشته شده نویسنده آن پس از این شعر شرحی مبنی بر نام خویش و سال نگارش نوشته و چنین وا نمود کرده که آخر کتاب همان بیت میباشد و نیز نسخه دیگری از این کتاب که بسال ۱۰۹۲ در لاهور هند نوشته شده و در ذیل شماره (۸۴۴) معرفی میشود بهمین شعر ختم گردیده (بقیه در ذیل صفحه بعد)



(۸۴۲)

این نسخه را بخط نسخ صدرالدین محمد بن ملا حسین سالکدهی  
 در سنه (۱۰۶۰) نوشته ، حواشی مختصری از بره‌ها در حاشیه  
 کتاب نگاشته شده و حاشیه یکی از صفحات وسط را پاره کرده اند .

خلد چرمی مستعمل . کاغذ سمرقندی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۴۲) .  
 صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۳۲ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۱۱) .

(۸۴۳)

این نسخه بخط نسخ در سنه (۱۰۷۳) ترقیم یافته ، کاتب نام  
 خود را در آخر کتاب احمد بن ملا حامد معرفتی کرده ،  
 حواشی مختصری بدون امضاء بندرت در کتاب مشاهده میشود ، تصحیح گردیده  
 و کلمات افتاده در حاشیه نوشته شده ، صفحات مجدول بسرخی ولاجورد میباشد ،  
 در صفحه آخر پس از اتمام تاریخ بیش از یک سطر نوشته بوده آنرا پاک کرده اند

( بیه از ذیل صفحه قبل )

و نسخه ای که در تحت شماره (۸۴۳) خصوصیات آن ذکر خواهد شد و بسال ( ۱۰۷۳ )  
 استنساخ شده پس از شعر مذکور این عبارت است : ( وکان الفراغ من تالیفه وتسویده بیمن  
 توفیق الله وحسن تائیده ظهر الثلاثاء السادس عشر من صفر سنة احدى وثمانین وستمائه بکاشغر  
 حر سهال الله تعالی و عمر . ) و در آخر نسخه خطی شماره ( ۸۴۵ ) این فهرست پس از شعر  
 مذکور عبارتی است که در آخر نسخه ای که در طهران بسال ۱۲۸۶ چاپ شده موجود  
 است و ذیلاً نقل می شود و قسمتی از آن در نسخ دیگر نیست و آن این است : [ تم الکتاب  
 والله نحمد الله ( کلمه دوم مکرر شده و درجایی نیست ) حمداً لا یجوبه المدو الحساب علی  
 تتمیم هذه النسخة استنساخاً ضحوة اثنين ( درجایی الاثنین ثبت شده ) الثالث والعشیرین من  
 ذی القعدة لسنة سبعمائه هجریه وکان ( درجایی واتفق الفراغ است ) الفراغ من تالیفه وتسویده  
 بیمن توفیق الله وحسن تائیده ظهر الثلاثاء السادس عشر من صفر سنة احدى وثمانین وستمائه  
 بکاشغر . ] و در ص ۱۴۳۶ ج ۲ فهرست آصفیه نسخه ای از صراح اللغة را نام برده که  
 دارای همین تاریخ تالیف میباشد و در مقابل آن نوشته شده که بخط مصنف است . بهر حال  
 از نقل عبارات فوق چنین بدست می آید که مؤلف تاریخ تالیف را در آخر کتاب تصریح  
 نموده ولی برخی از استنساخ کنندگان در نقل آن اهمال کرده اند و سال ۷۰۰ که در  
 آخر یکی از نسخ خطی این کتابخانه و نسخه چاپی تذکر داده شده سال نسخه برداری  
 نسخه ای است که این نسخه خطی وچایی از روی آن نوشته شده و شاید که چایی را  
 از روی همین نسخه خطی نوشته باشند .

وینجای آن شماره اوراق کتاب و نام آنرا نوشته اند.

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۵۰۳ ) .  
صفحه ای ( ۲۵ ) سطر . طول ( ۳۰ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۹ سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۱۳۰ ) .

( ۸۴۴ )

**صراح اللغه** این نسخه بخط نسخ محمد هاشم بن محمد قاسم درسنه ( ۱۰۹۲ )  
در شهر لاهور هندوستان در محله تبلیغه در عهد اورنگ زیب  
عالمگیر نگاشته شده ، دارای یک سر لوح و صفحات جدول بطلا و لاجورد ،  
لغات باشنجر ف نوشته شده ، اوراق او اخر کتاب را موریانه خورده و وصالی  
گردیده پشت ورق اول چند یادداشت و در حواشی اوراق حاشیه های مختصری  
فارسی و عربی نگاشته شده است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق  
( ۴۳۵ ) . صفحه ای ( ۲۴ ) سطر . طول (  $۳۴\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۲۴ سانتیمتر ) . شماره  
کتابخانه ( ۱۲۸ ) .

( ۸۴۵ )

**صراح اللغه** این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، کاتب نامی از خود  
و سال کتابت نبرده ، و بنگاشتن عباراتی که در حاشیه  
ص ۲۰۲ نقل گردیده اکتفا نموده تا آنکه بخطوط هر قرنی آشنائی ندارند آنرا  
از خطوط آخر قرن هشتم و کهنه پندارند ، در صورتیکه پر آشکار است که  
از خطوط اوائل قرن سیزدهم هجری میباشد و تدهیب سر لوح آنها دارای اهمیت  
نیست ، لغات باشنجر ف نوشته شده و صفحات جدول بطلا و لاجورد و شنجر ف است ،  
پشت صفحه اول یادداشتی بوده آنرا محو کرده اند ، اثر نام فتحعلیشاه قاجار  
و برخی از کلمات دیگر باقی و قابل دبدن است و تاریخ این نوشته سال ۱۲۳۳  
میباشد و چند یادداشت موجود است و پشت ورق آخر نیز یادداشتی بوده که  
جز سطر اول و آخر آن همه را محو کرده اند در حاشیه بعضی از صفحات مطالب  
سودمندی نگاشته شده است .

جلد تیماجی وسط یارجه . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق

(۳۴۳) . صفحه ای (۲۲) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۱۲) .

## [ ۳۵۲ ] طراز اللغة (عربی)

مؤلف این کتاب سید علی خان کبیر رحمة الله علیه میباشد ( صدرالدین علی بن الامیر نظام الدین احمد بن الامیر محمد معصوم الحسینی الحسنی (۱) دشتکی شیرازی معروف بمذنی متوفی بسال ۱۱۱۸ ) (۲) .

درج (۱) همین فهرست برخی از مؤلفات ایشان نامبرده شده (۳) ولی طراز اللغة و مؤلفات دیگر ایشان که ذیلاً نام میبریم در آنجا نیست .

سید علیخان که ویرا کبیر لقب داده اند و بهمین نام هم مشهور گردیده از مفاخر قرن یازدهم و دوازدهم هجری میباشد و شیراز هم بوجود چنین دانشمندی

(۱) در فارسنامه حسینی حسنی نوشته شده ولی در روضات حسینی ثبت گردیده و خود ایشان هم تصریح بتقدم حسینی بر حسنی دارند و ما در جلد اول قول روضات را اقتدا کرده ولی چون فرزند زاده ایشان بدین نحو خود را معرفی کرده اند ما نیز در این مجلد ایشان را پیروی نمودیم و جرجی زیدان در ص ۲۸۵ ج ۳ تاریخ آداب اللغة این دانشمند را بدین گونه معرفی نموده ( صدرالدین بن معصوم الحسینی المذنی علی خان المتوفی سنه ۱۱۰۴ ) چند نام از اجداد مؤلف را انداخته و سال وفات وی را هم غلط نقل نموده و از طراز اللغة او هم نامی نبرده است .

(۲) در ص ۲۸ ج ۱ فهرست سال وفات ابن عالم جلیل چنانکه در ص ۴۱۳ روضات و در ذیل صفحه ۸۳ آثار العجم تألیف مرحوم فرصت الدوله بدان تصریح شده در سال ۱۱۲۰ ضبط گردید ولی نمیره این بزرگ مرحوم حاج میرزا حسن مؤلف فارسنامه ناصری در ص ۸۶ گفتار دوم از فارسنامه وفات سید علی خان پدر جد خود را در ذیحجه سال ۱۱۱۸ نوشته و در ص ۲۹ از همان گفتار نوشته اند که محدث کامل شیخ یوسف بحرانی تاریخ وفات سید علیخان را در جمله « سرمقر شیراز » یافته است .

(۳) در ص ۲۸ ج ۱ فهرست ریاض السالکین یا شرح صحیفه سجاده این دانشمند و نیز در ص ۴۵ ج ۱ الکتم الطیب ایشان را معرفی کردیم و در ص ۲۸ بجای انوار الربیع که در علم بدیع می باشد و بسال ۱۳۰۴ در طهران چاپ شده است رهر الربیع در علم بدیع نوشته شده اصلاح گردد و زهر الربیع از مؤلفات سید نعمت الله جزائری است و در غاظرنامه هم بدین غلط تذکری نیست و دیگر مؤلفات ایشان که در آن صفحه تذکر داده ام سلافة العصر ، ومخاللة نظیر کشکول ، و سه شرح بر صمدیه است که صغیر و کبیر آن چاپ شده و شرح و سیط آن را آقای میرزا سید احمد مهذب خلف مؤلف فارسنامه ناصری و نواده مؤلف شرح دارند .

مفتخر بوده و هست ، این عالم جلیل از سادات عظیم القدر شیراز و معروف بدشتکی میباشند و اجداد ایشان همه اهل فضل و دانش بوده و از معاریف اند ، از آنجمله سید صدرالدین و فرزند ایشان سید غیاث الدین منصور هستند که از بسیاری اشتهار محتاج بمعرفی نیستند و در این فهرست بیاری خداوند شرح حال و مؤلفات این پدر و پسر نگاشته خواهد شد .

بمناسبت اینکه در مدینه طیبه متولد گشته اند بمدنی معروف شده و چندی هم در حیدر آباد دکن هندوستان مسکن گزیده و پیداشاه آنجا نزدیک بوده و در سال ۱۱۱۶ از مکه معظمه بشیراز مراجعت کرده و پس از دو سال بر حمت ایزدی پیوسته و در بقعه امامزاده بزرگ حضرت میر سید احمد بن موسی الکاظم علیه السلام که مشهور بشاه چراغ میباشند پهلوی قبر عالم جلیل سید ماجد مجتهد بحرینی که قاضی شیراز بوده بخاک سرده شده اند ولی در زلزله ای که در یک قرن پیش آمده و قسمتی از بقعه را خراب نموده قمر حوگر دیده است مؤلفات دیگر ایشان عبارتند از شرح ارشاد در نحو ( در روضات آمده که نام این شرح موضح الرشاد است ) ، الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه الامامیه ( جرجی زیدان در ص ۲۸۵ ج ۳ تاریخ آداب اللغه نسخه ای از این کتاب را در برلن نشان داده اند و در طهران آقای ارگانی نماینده خورستان در مجلس شورای ملی نیز نسخه ای از آنرا دارند ) ، سلوة الغریب و اسوة الادیب ( این کتاب مسافرت نامه سید بحیدر آباد می باشد و جرجی زیدان در ج ۳ تاریخ آداب اللغه نوشته که این مسافرت بسال ۱۰۶۶ بوده و نسخه آنرا نیز در برلن نشان داده و دانشمند معاصر آقای تربیت نسخه ای از این کتاب را دارند ) ، احوال الصحابه و التابعین ( صاحب روضات در ص ۱۳۴ بنقل از ریاض العلماء گوید این کتاب بآخر نرسیده و فقط یک مجلد آن در احوال بعضی از صحابه تألیف گردیده است ) ، رساله در اغلاط فاموس فیروز آبادی ( در روضات نیز بنقل از ریاض العلماء گوید که این رساله ای نیکو است ) ، الزهره ( صاحب روضات و فارس نامه گویند در نحو است ) ، التذکره

فی الفوائد النادرة (۱) (صاحب روضات گوید ظاهر آ این کتاب غیر از کتابی است که بنام بخلا و نظیر کشکول تألیف کرده اند و در فارسنامه فقط بنام کتاب تذکره نام برده شده است) نظم کافیه، دیوان شعر (نسخه ای از این دیوان در کتابخانه استاد معظم آقای تنکابنی موجود است)، رسائل متفرقه (این سه کتاب اخیر در فارسنامه ذکر شده است)، غنیمۃ الاغانی در معاشرت اخوان (نسخه این کتاب را صاحب فارسنامه داشته اند و از آن قسمتی را نقل نموده و این چند بیت از آنجا گرفته شد:   
 يقول راجی العمد علی بن احمد      حمداً لمن هدانی بالنطق والبيان  
 قال الصديق من صدق في حبه ومامدق      وقيل من لم يطعنا في قوله انت انا.)  
 و دیگر از مؤلفات گرانبهای این عالم جلیل طراز اللغه است.

**طراز اللغه** چنانکه مندرجات آن شهادت میدهد یکی از کتب بسیار ذقیمت میباشد و مصنف درد یباجه تصریح نموده اند که نام آن را «الطراز الاول» نهادم و در ص ۴۱۳ روضات بنقل از ریاض العلما نام این کتاب «الطراز الاول فیما علیه من لغة العرب معول» ضبط شده و در فارسنامه ناصری «الطراز اللغه» و در نسخه این کتابخانه در آخر باب الهمزه و باب الباء بدین نحو از خط مؤلف نقل گردیده:   
 تم باب الهمزه (باب الباء) من الطراز الاول والکناز لما علیه من کلام العرب المعول  
 نوشته شده، خلاصه اینکه پیش از این مؤلف بدینگونه کسی لغت ننوشته و صاحب

(۱) حضرت استاد آقای میرزا محمد طاهر تنکابنی دام ظلّه العالی ضمن مجموعه ای رساله ای از سید علیخان کبیر دارند که شامل پنج حدیث مسلسل به آباء میباشد و جامع گوید: در احادیث امامیه کم اتفاق افتاده که مسلسل به آباء به ۲۷ واسطه باشند و من توفیق یافته ام که این پنج حدیث را جمع نمایم و برای آن دیباجه و خانمه ای با تصریح باسم مؤلف بر آن اضافه کرده و از درایه شهید نقل نموده که در آنجا پس از حدیثی که مسلسل به ۱۴ پدر بوده فرموده: این حدیث بیشترین حدیث مسلسل به آباء است که بدست ما رسیده پس از آن سید گوید: و اتفاق توصیح ما لعله یحتاج الی التوضیح عجاله حالما رقم هذه الاخبار فی هذه النذکره ولم اقف علی شیئی من ذلك لاحد من السلف فان اصبت فیسر کات اهل البیت و الله يقول الحق و هو یهدی السبیل والیه المرجع و المآب. (بفطر نگارنده از کلمه فی هذه النذکره، محتمل است که این رساله جزء کتاب تذکره باشد و مانعی ندارد که خود رساله ای جداگانه باشد چنانچه ظاهر این را مقتضی نیست. و آغاز رساله این است: بسم الله الحمد لله الذی اکمل نبیه احمد نظام الدین و شرح بوصیه علی صدر الدین صدیق الله علیهما و علی ابناهما الهادین ائمة الامه و الخلفاء الراشدين الخ و رساله در حدود (۱۰۰) بیت است.

روضات در ص ۴۱۲ از ریاض العلما که مؤلف آن معاصر بامؤلف طراز اللغه بوده نقل نموده که تألیف طراز اللغه از نصف نگذشته و بآخر نرسیده بود که زندگانی مؤلف آن بآخر رسید و گوید که نزد ما از این کتاب نسخه ای است که گویا تا حرف صاد مهمله باشد **مراجعه گردد** انتهی . بدبختانه نمیدانم کتب کتابخانه صاحب روضات کجا رفت و از این کتاب نفیس که طرز آنرا زیر همین سطرها خواهیم گفت بیشتر از آنچه (تا حرف سین، مهمله) نسخه ای از آن در این کتابخانه است سراغ نداریم و در کتابخانه های عمومی ایران و مصر نسخ این کتاب نیست و در کتابخانه های شخصی بعضی از دانشمندان پاره ای از مجلدات آن یافت میشود از آنجمله مجلد اول آن در کتابخانه شخصی جناب آقای حکمت وزیر محترم معارف و اوقاف در طهران موجود و بسال ۱۱۱۳ از روی نسخه مؤلف نوشته شده و پشت صفحه اول بسال ۱۱۱۴ مقابله و تصحیح آن نوشته شده و ظاهر آن تصدیق بر تصحیح، خط مؤلف است و این نسخه از ابتداء کتاب تا آخر حرف ذال معجمه میباشد و مجلد دوم کتاب از حرف راء مهمله شروع شده است .

روش این مؤلف در تألیف این لغت این است که بدو لغات را موافق صحاح اللغه و قاموس بترتیب حروف اواخر قرارداد و ابتداء بحروف همزه بنام **باب الهمزه** نموده و هر یک از ابواب را بر فصولی بشماره حروف تهجی تقسیم نموده است و چون لغتی را نام برد معانی آن را در ذیل آن مینگارد و در بعضی موارد باشعار فصحاء و اقوال ائمه لغت هم استشهد میکند پس از آن اگر این لغت و یامشتقات آن در قرآن کریم استعمال شده و در ذیل عنوان **الکتاب** آن آیه یا آیات را نقل و بشرح و تفسیر آنها میپردازد و پس از آن اگر این لفظ یا مشتقی از آن در اخبار و احادیث آمده باشد در زیر عنوان **الاثر** آنها را نیز ذکر و بیان آنها مشغول و در مرتبه چهارم اگر این لغت یا یکی از مشتقات آن اصطلاح خاصی از قبیل فقهی با اصولی یا منطقی یا ریاضی یا حکمی و یا غیر از آنها شده باشد در ذیل عنوان **المصطلح** آنها را یاد میکند و چون آن لغت یا یکی از شاخه ها و یاریشه های آن در مثلی یا امثالی باشد در تحت عنوان **الأمثال** آنها را نیز نقل و مراد و معنی آنرا هم میگوید و چون

لغتی در یکی از عناوین پنجگانه نیامده باشد در ذیل آن لغت عنوان مذکور نوشته نشده است و چنانکه خود در مقدمه گفته اند بیشتر در ذکر لغات عرب توجیه بغریب آنها داشته و در موارد بسیاری با غلط فیروز آبادی در قاموس تصریح نموده است.

اگر این کتاب بهمین نحو که برداشت شده باخر میرسید توان گفت که دارنده آن گنجی بزرگ دارد ولی بمصدق مالایدرک کله لایترک کله و قاعده مسلم نزد عقلا که وجود ناقص بهتر از عدم صرف است این مؤلفه با همین نقص بسیار ذقیمت و نافع است و بقول شاعر باین شکستگی ارزد بصد هزار در بست و امید است که دوستداران دانش بچاپ آن همت گمارند و نسخ آنرا در دسترس دوستداران فضیلت گذارند.

این کتاب (تافصل عین از باب سین) که اینک در این کتابخانه موجود است در حدود (۷۲۰۰۰) (جلد اول ۴۵۰۰۰ دوم - ۲۷۰۰۰) بیت کتابت دارد و مقدمه آن یکی از شاهکارهای ادبی است و تاریخ تألیف آن در آخر باب الهمزه سال ۱۱۰۷ و در آخر باب الباء در سال ۱۱۰۹ یاد داشت شده است.

آغاز: بسمله ان ابلغ مناطق به البلغاء بادی بدا و افصح ما بدأت الفصحاء به الکلام ما بدا حمد الله الذی انطق العرب باعرف لسان الخ.

(۸۴۵)

طراز اللغة این نسخه بخط نسخ خوب در سال ۱۲۵۷ نوشته شده، از اول کتاب تاماده عبد از فصل العین از باب الدال را دارا میباشد، لغات و آیات و اخبار و مصطلحات با سرخی نگارش یافته و چند ورق از ابتداء نسخه مجدول بطلا و لاجورد و سرخی است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی مهره زده. واقف سیه سالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۲۴۲). صفحه ای (۳۷) سطر. طول (۳۱ سانتیمتر) عرض (۲۱ ۱/۲ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۹).

(۸۴۶)

## طراز اللغة

این نسخه بخط نسخ آقا باباشاه میرزائی در سنه (۱۲۸۳) نوشته شده و شامل از اول کتاب تا لغت عبد از فصل عین از باب دال میباشد، لغات را با سرخی نوشته اند و دانسته شد که از روی نسخه ای که پیش از این معرفی از آن کردیم نوشته شده و این نیز چون اصل آن بی غلط نیست.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۳۱۰ ) . طول ( ۳۶ سانتیمتر ) . عرض ( ۲۳ سانتیمتر ) شماره کتا بخانه ( ۲۳ ) .

(۸۴۷)

## طراز اللغة

این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده و شامل از باب حرف الراء فصل الالف ( جلد دوم ) و تا شرح لغت « عبقرس » که از باب السین و فصل العین میباشد و آخرین سطر موجوده آن این است : والعبقسی نسبة الى عبدالقیس و تعبقرس انتسب اليه والعبقس كعضنفر الثاعم الطویل .

شواهد و لغات را با سرخی نوشته اند و در آخر باب الراء سال تحریر راسنه ۱۱۲۴ معین نموده ولی نام کاتب نگاشته نشده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف میرزا محمد شفیع . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۵۸۳ ) صفحه ای ( ۲۱ ) سطر . طول (  $۲۹ \frac{1}{4}$  سانتیمتر ) . عرض (  $۱۸ \frac{1}{4}$  سانتیمتر ) شماره ( ۲۴۳ ) قفسه مدرسه صدر .

## [۳۵۳] فرهنگ بشیر خانی (فارسی)

این فرهنگ در حدود ( ۲۵۰ ) بیت کتاب دارد، شرح حال مؤلف را در تذکره ها و کتب رجال و نسخه این فرهنگ را در فهرستها نیافتیم، مناسب دیدم که قسمتی از مقدمه آن را که مشتمل بر نام مؤلف و غرض تألیف میباشد و چند سطر از ابتداء آن در اینجا بیاورم و آن این است :

« بنده ضعیف الى الرب القوى المجید الملقب ببشیر خان بر مزید غفر الله له ولوالديه واحسن اليهما واليه، چون دید که یاران با فرهنگ وقت قرائت دیوان خواجه حافظ و شرفانجامی و بوستان و گلستان سعدی و دیوان کمال و قاسم انوار و سلمان و مسعودی (کذا) و ساسانه الذهب و طوطی نامه و یوسعی و مغربی و شامی و خمسه نظامی و خسرو و شاهنامه و غیر هم از کلام اکابر قدس الله سرهم العزیز بسوی لغات حاجتمند میشوند و احضار کتا بها هر يك بنوعی



تعلیلر هینما یئند و چون بعضی یاران که مصاحب فقیر بودند بکرات و مرات برای جمع لغات علی فصل الغابات فوق الطاقات التماس نمودند بنا بر این رهی کتابهای مذکور و بعضی لغات متفرقه از کتابها و معنیها کتیبده بر ورقی مثبت کرده تا ادراک معانی به آسانی دست دهد و نام این مجموعه «فرهنگ بشیر خانی» نهاد و با الله التوفیق علی التطویق **فصل الالف استقفا** بالکسر طلب کشایش کردن و قوی خواستن . **ایجا** نگه داشتن چیزی . **انشا** بالکسر انگیختن از خود . **اصفا** شنیدن . **ایذا** بد خوئی و بیفرمانی الخ .

از مطالعه مندرجات این فرهنگ چنین بدست می آید که مؤلف ایرانی نیست و از روی قرائن موجوده در عبارات کتاب و نقل معانی لغات هندی احتمال قوی می رود که هندی و یا افغانی بوده و نام مؤلف هم خود یکی از مؤیدات می باشد .

از عبارات مندرجه ذیل لغات ری ، سیاهان ، ارمن ، باد صبا ، قم ، هیرمند ، قلاب **سازلان** و بسیاری دیگر و مطابقه کامل با عبارات شرقنامه منیری در ذیل آن لغات معلوم میشود که آن فرهنگ را در دست داشته است .

زمان تألیف این فرهنگ را نگارنده در اوائل قرن یازدهم هجری میداند چرا که در آن از شیخ فیضی که بگفته هفت اقلیم مؤلفه بسال ۱۰۰۲ در آن عصر **ملك الشعراء** بوده شعر نقل نموده (در شمس التواریخ و مجمع الفصحا و وفات شیخ فیضی بسال ۱۰۴۰ ضبط شده و آرد برون (ص ۱۳۲ ترجمه ادبیات ج ۴) بسال ۱۰۰۴ نوشته است) و نیز در ذیل لغت **محابا** گوید : از شیخ محمد خضری بمعنی دریغ مسموع است . و در تذکره خشکود در حرف خاء فقط خضری خوانساری و خضری لاری را نام برده و گوید هر دو معاصر و اکثر در ملازمت اما مقلیخان حاکم فارس می بودند . در تذکره های دیگر خضری نام با تخلص نیافتیم و از قرائن هم مسلم میشود که غرض بشیرخان یکی از این دو خضری است و نگارنده احتمال میدهم که چون شاه صفی بسال ۱۰۴۳ اما مقلیخان و پسرانش را در قزوین بکشت و فرمان داد که اولاد و نزدیکان او را هم که در شیراز بودند بکشند (۱) این دو شاعر که سمت ملازمت اما مقلیخان را داشته اند از ترس بهندوستان گریخته و بشیرخان بیکی از آنها رسیده و استفاده هائی کرده است .

طرز این فرهنگ این است که لغات را با ملاحظه حروف اول و آخر مرتب

(۱) در گفتار دوم ص ۳۸۷ فارسنامه ناصری خضری لاری نام برده شده و در ص ۱۴۶ گفتار اول شرح کشته شدن امام مقلیخان و پسران و کسانش مختصراً نگاشته شده است .

نموده و حرف اول را باب و حرف آخر را فصل قرار داده مثلاً لغت قباب رادر باب القاف و فصل الباء و لغت قنادر را در همین باب و فصل الدال ذکر نموده است و استشهداد باشعار در بعضی موارد کرده و در آن از شاهنامه فردوسی و گرشاسب نامه اسدی و دواوین سعدی و حافظ و جامی (متوفی بسال ۸۹۸) و خاقانی و فضولی و قاسم انوار (متوفی بسال ۸۳۷) و نظام استرآبادی (متوفی بسال ۹۲۱) و منصور شیرازی و ظهیر فارابی و غیر از اینها ابیاتی دیده میشود و از نقل لغات و جمل بسیار واضح بدست میآید که مؤلف آن چون نگارنده از علم و دانش بهره‌ای نداشته از آن جمله است: علم ریاضی علمی است در حکمت. عالم علوی آنجهان. لادری نمیدانم. مشاهیر مشهوران. قاض حاکم بود. قابض گیرنده و ترک کننده. لاینصرف نیست تصرف. صنادیق جمع صندوق. فویل ثم ویل للمساکین پس هلاکی و بسیار هلاکی بر مسکینان.

آغاز: بسمله حمد و بغایت و ثنای بی‌نهایت خالق را که طبیعت انسان را الخ. انجام یاد کی بحال و خجل و اندازه و زمره و مرتبه. یباهی فخر میکنند تمام شد کتاب فرهنگ.

(۸۴۸)

این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده، کاتب از خود و سال نگارش نام برده، ابواب و فصول و نام کتب و شعرا باشنجر ف بشارت بنوشت شده، صفحات مجدول بلاجورد و شنجر ف میباشد و پشت ورق اول از طرف مرحوم اعتضاد السلطنه جمل ذیل نگاشته شده: لغتی است موسوم ببلغت بشیر خانی که تازه جمع شده (گفته شد که بنظر نگارنده از مؤلفات اوائل قرن یازدهم است) نواب مستطاب اشرف والا معتمد الدوله حکمران مملکت فارس در شیراز استسماخ نموده و برسم هدیه از برای حضرت اشرف اجد والا اعتضاد السلطنه وزیر علوم و معادن دام اجلاله فرستاده و مبارکی داخل کتابخانه مبار که شد فی شهر رمضان سنه ۱۲۹۷.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی مهره زده. واقف سیه سالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۱۴۲). صفحه ای (۱۵) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر). عرض (۱۵ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۳).

فرهنگ

بشیر خانی

## [ ۳۵۴ ] فرهنگ جهانگیری (فارسی بفارسی)

مؤلف این فرهنگ جمال‌الدین حسین انجواست (عضدالدوله جمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن (۱) انجو (۲) ) و چنانکه خود در مقدمه این فرهنگ تصریح نموده سی سال بعضی اوقات و برخی از عمر خود را صرف تحقیق لغات پارسی و درسی و پهلوی و اصطلاحات و غیر آن نموده و از بسیاری تتبع و تفحص چندان لغات و مصطلحات بهم رسید که هیچ صاحب فرهنگی را دست نداده بود لیکن نظم و ترتیب آن بعللی چند بتأخیر می افتاد. و از بس در این رشته تتبع کرده و زحمت کشیده قول او پیش اهل فن مقبول و بیان او در معانی لغات و مصطلحات برهان قاطع و قاطع برهان بود و این شهرت بگوش جلال‌الدین محمد اکبر پادشاه کشمیر رسید در ذیقعدۀ سال ۱۰۰۵ باحضر مؤلف فرمان داد و فرمود از آن زمان که عرب بر بلاد عجم چیره گردید زبان پارسی با عربی آمیزش پذیرفته اکثر لغات پارسی و درسی و پهلوی متروک بل نابود گشته و معانی اشعاری که شعرای باستان

(۱) درس ۴ گفتار دوم فارسنامه ناصری در ذیل عنوان سادات انجو که در فارس میزیسته اند گوید : و از اعیان این سلسله جناب محمّد اکتساب شاه حسن انجوی شیرازی که بعد از تحصیل کمالات علمیه به هندوستان رفته در مملکت کجرات توقف نمود و در سال نهصد و بیست و هشت برهان نظام الدین شاه هندوی اورا از کجرات بولایت احمدنکر خواسته مسائل و احکام مذهب انئی عشریه را از او بیاموخت انتهی . شاید مؤلف فرهنگ فرزند این عالم جلیل باشد و صاحب فارسنامه از این مؤلف نام نبرده است .

(۲) نیز در ص ۴۱ و ۴۲ گفتار دوم فارسنامه ناصری است : انجو لغت مغولی و بمعنی املاک خالصه است و جدّ اول سادات انجو زید اسود از اولاد زاده های حضرت حسن هجتمی علیه السلام بوده و بسال ۳۵۲ که عضدالدوله دیلمی از مکه مراجعت می نموده بر حسب خوابیکه سید دیده و برایش نقل نموده و با خوابیکه چندی پیش در شیراز خواهرش دیده و برای او در همان هنگام نقل کرده بود (شرح این خواب در فارسنامه مراجعه شود) سید را از مدینه طیبه بشیراز آورد و خواهر خود را بوی داد پس از چندی چون خواهرش بمرد دختر خود را نیز بسید تزویج نمود و املاک زیادی را وقف کرد و تولیت آن را باولاد ذکر این سید جلیل که دختر زادگان او بودند برگذار نمود، در فتنه مغول این موقوفات خالصه دولت یا بزبان مغولی انجو گردید، متولی وقت سعی نمود و پس از سالها نیمی از آن ها را گرفت و چون نام انجو بران املاک گذارده بودند از آن پس این سادات را انجوی گفتند (تا بحال هم این طائفه در شهر شیراز مسکن دارند و بانجوی مشهور اند) .

بزبورنظم آراسته اند در پرده خفا وستر حجاب غفی و مستور مانده و پیش از این چند نفر از دانشمندان را بترتیب کتابی مشتمل بر جمیع لغات باستانی و مصطلحات امر فرمودیم هیچکدام چنانکه شاید و باید اداء این وظیفه را نمودند ، اینک تو بایستی این کار را در زمان من انجام دهی .

مؤلف بگفته خویش همگی همت خود را بر تصحیح و ترتیب لغات و مصطلحات پارسیان مصروف داشته در جمع کتب و نسخی که در این فن ساخته شده بیشتر از پیشتر مبالغه نموده ، از هر جائی کتابی و نسخه ای در لغت و تاریخ و غیره بدست آورده و از روی آنها بتألیف این فرهنگ پرداخت و نیز خود گوید که در این تألیف چهل و چهار فرهنگ که نام آنها را در مقدمه فرهنگ آورده و نه فرهنگ دیگر که نام نداشته و مؤلفین آنها معلوم نگردید مأخذ وی بوده و فرهنگهای نامدار که مأخذ لغات این کتاب بوده عبارتند از :

- ۱ - فرهنگ ابوالحفص سغدی ، ۲ - فرهنگ ابوالمنصور علی بن احمد بن منصور اسدی طوسی ، ۳ - فرهنگ ابراهیمی ، ۴ - فرهنگ اداة الفضلا تصنیف قاضی خان بدر محمد دهلوی المعروف به ۵ - فرهنگ استادی عبدالله نیشابوری ، ۶ - فرهنگ اسکندری ، ۷ - فرهنگ تحفة الاحباب تصنیف اوبهی ، ۸ - فرهنگ جامع اللغات منظوم نیازی حجازی ، ۹ - فرهنگ حسین وفائی ، ۱۰ - فرهنگ حسنی ، ۱۱ - فرهنگ حکیم فطران ، ۱۲ - فرهنگ دستور ، ۱۳ - فرهنگ دستور الافاضل ، ۱۴ - فرهنگ دستور الفضلاء ، ۱۵ - فرهنگ رساله النصیر ، ۱۶ - فرهنگ زبان گویا و جهان پویا مشهور بهفت بخشی تصنیف بدرالدین ، ۱۷ - فرهنگ سروری کاشی ، ۱۸ - فرهنگ سعید بن نصیر [ سعید بن نصیر طوسی نسخه ] بن طاهر تمیم الفزنوی که بنام خواجه نظام الملک نوشته و آن بکزار دو بیت و پنج لغت است و مسمی است بسخن نامه نظامی ، ۱۹ - فرهنگ شرفنامه احمد منیری مشهور (۱) باب - راهیم فاروقی ، ۲۰ - فرهنگ شیخ زاده عاشق ، ۲۱ - فرهنگ شیخ عبدالرحیم بهاری ، ۲۲ - فرهنگ شیخ محمود بهاری ، ۲۳ - فرهنگ ضمیر [ ضمیری نسخه ] ۲۴ - فرهنگ عاصمی ، ۲۵ - فرهنگ عالمی ، ۲۶ - فرهنگ عجائب ۲۷ - ، فرهنگ علی نیک بی ، ۲۸ - فرهنگ فوائد برهانی ، ۲۹ - فرهنگ قاضی ظهیر ، ۳۰ - فرهنگ فتنه الطالبین ، ۳۱ - فرهنگ فتنه الفتیان ، ۳۲ - فرهنگ لسان الشعراء ، ۳۳ - فرهنگ لغات دیوان خاقانی ، ۳۴ - فرهنگ لغات شاهنامه ،

(۱) در نسخه چنین ضبط شده و دانستیم که مؤلف فرهنگ ابراهیم فاروقی بوده و بنام شرف الدین احمد منیری که مراد وی بوده تألیف شده است .

۳۵ - فرهنگ محمد بن قیس ، ۳۶ - فرهنگ محمد بن هندو شاه منشی که بنام خواجه غیاث الدین رشید تصنیف کرده ، ۳۷ - فرهنگ مختصر ، ۳۸ - فرهنگ میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی ، ۳۹ - فرهنگ معیار جمالی ، ۴۰ - فرهنگ مولانا الهداد سرهندی [سرهدی نسخه] ، ۴۱ - فرهنگ منصور شیرازی ، ۴۲ - فرهنگ مولانا مبار کنشاه غزنوی [مشهور بفخر قواس نسخه] ، ۴۳ - فرهنگ مویدا الفضلاء تصنیف محمد لاد (دهلوی است) ، ۴۴ - فرهنگ فوائد الفؤاد .

مؤلف نیز در مقدمه تصریح نموده که نظم و ترتیب این فرهنگ بآخر نرسیده بود که زندگانی جلال الدین محمد اکبر بسال ۱۰۱۴ بآخر رسید و نوبت سلطنت بفرزند وی جهانگیر افتاد و در اوائل سلطنت این پادشاه این تألیف انجام پذیرفت و بنام نامی او مطرز گشت و آنرا فرهنگ جهانگیری نامیدم و ماده تاریخ اتمام تألیف آنهم : زهی فرهنگ نورالدین جهانگیر - ۱۰۱۷ یافتیم .

فرهنگ جهانگیری را مؤلف در بیست و چهار باب بترتیب حروف تهجی که نزد پارسی زبانان معمول می باشد مرتب نموده و مقدمه ای مشتمل بر مطالب مفیده در دوازده آئین که ذیلاً از آنها نام میبریم بر آن افزوده و خاتمه ای باخرش ملحق ساخته و کنایات و اصطلاحات و استعارات و لغات مر لبه از پارسی و عربی و لغات عربیه که دانستن آنها ضروری بود و از آن گریزی نبود و آنها را داخل اصل کتاب که مشتمل بر فرس قدیم است نمودن مناسب ننمود هر کدام را در درج علیحده درج نمودم و هر درج را بر چند جلوه مرتب گردانیدم و در خاتمه در را بجای باب و جلوه را بجای فصل استعمال کرده است ( در جهانگیری چاپی و سه نسخه از نسخ این کتابخانه خاتمه ذکر نشده و در حدود (۴۵۰۰) بیت کتابت خاتمه است ) و فهرست مطالب آئین ها این است :

آئین اول : در بیان اطلاق اسم فارس بر ماک ایران و آنکه در زمان قدیم و عهد باستان از کجاناتا کجارا فارس می نامیده اند و تعداد زبان فارسی که چند است و ذکر فصاحت و تعظیم آن بر دیگر زبانها . آئین دوم : در چگونگی زبان فارسی . آئین سوم : در تعداد حروف تهجی که نزد پارسی زبانان متداول است و بیان تفرقه حرف دال و ذال منقطه و تعیین صیغ آن که چند است . آئین چهارم : در ذکر ترتیب این کتاب که بر چسان و چند باب است . آئین پنجم : در بیان ذکر تفرقه میان حروف و علامات هر حرفی . آئین ششم : در بیان تجوز تبدیل هر يك از حروف بیست و چهار گانه بحروف دیگر در

بعضی از مواضع برای آسانی هنشیان و شاعران . آئین هفتم : در بیان ضمائر . آئین هشتم : در ذکر حروف و کلماتی که بجهت ترتیب و حسن کلام بیاورند و آن را در معنی مدخلی نباشد . آئین نهم : در بیان حروف و کلماتی که باواخر اسماء و افعال بجهت حصول معانی کونا کون در آورند و بدون ترکیب افاده معنی نکنند . آئین دهم : در بیان حروف مفرده ای که در اوائل و اواخر کلمات بیاورند بجهت در یافت معانی مختلفه . آئین یازدهم در املاء . آئین دوازدهم : در بیان عقد انامل .

فرهنگ جهانگیری بسال ۱۲۹۳ در دو مجلد در لکنهور (هندوستان) بدون خاتمه چاپ شده است .

تألیف و تنظیم فرهنگ جهانگیری بدینگونه است که حرف دوّم هر لغت را باب و حرف اوّل را فصل قرار داده مثلاً لغت دغل را در فصل دال از باب غین گذارده و عموماً برای معانی لغات باشعار فصحا و بلغای فارسی زبان استشهاد کرده است .

آغاز : بنام ایزد بخشاینده بخشایشگر

آنکه بر لوح زبانها حرف اوّل نام اوست

این همی گوید اله آن ایزدوآن تنگری

دیباچه فرهنگ خود از نام تو سازم

تا هر ورقی گیرد از آن قیمت دیباچ .

حمد بیحد و سپاس بیقیاس مرصاعی را سزا هست که کاخ دماغ صدر نشینان محفل سخندانی را بنقوش خیالات رنگارنگ رشک ارتنگ مانی ساخت الخ .

انجام : لغات فرهنگ بدون خاتمه یافته و پس از شعر ناصر خسرو که شامل لغت مذکور میباشد قطعه ای از مؤلف که ماده تاریخ تألیف فرهنگ جزء آن است شده و انجام خاتمه فرهنگ این است :

هبللاج با اول مفتوح بثانی زده این لغت یونانی است و معنی آن چشمه زندگانی است و آنرا منجمان فارس کدبانو گویند بسبب آنکه در برابر کدخدا واقع شده و شرح ابن درذیل لغت مرقوم گشت والله اعلم بالصواب . قدّم الکتاب بعون الملك الوهاب .

(۸۴۹)

**فرهنگ جهانگیری** این نسخه چنانکه در آخر لغات تصریح شده است بخط نستعلیق میرزا کاظم ولد میرزا صادق در سنه (۱۲۳۹) نگاشته شده و دارای خاتمه فرهنگ است که در نسخ دیگر خطی این کتابخانه و نسخه چاپی نیست. پشت ورق اول یادداشتی بقلم فخری قاجار میباشد در آن یادداشت ورود ناصرالدین شاه در تاریخ ۲۵ رجب سال ۱۲۶۷ بقریه آوه است و از گرمی هوا و ترس از حشرات گزنده راحت نبوده و این رباعی بنظم نویسنده یادداشت شده:

گویند قدیم آوه شهری بوده است  
جاری دروی بزرگ نهری بوده است  
هر کس که در آن شهر گرفته است وطن  
شک نیست که مستوجب قهری بوده است.

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سیهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۲۹۰) . صفحه (۲۶ و ۲۷) سطر . طول (۳۰  $\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۸) .

(۸۵۰)

**فرهنگ جهانگیری** این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، کاتب از خود و سال نگارش نام نبرده ، ظاهر از خطوط قرن دوازدهم هجری است ، پاره ای از اوراق نسخه و صالی گردیده است و لغات ناشنجراف نوشته شده و در آخر نسخه دو مهر بوده آنها را خو کرده اند و خاتمه کتاب را هم ندارد .

جلد نیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۳۰۱) . صفحه (۲۷) سطر . طول (۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱۶  $\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۷) .

(۸۵۱)

**فرهنگ جهانگیری** این نسخه را بخط نستعلیق بوسف بن شیخ اویس چشتی ساکن کول جلالی که از نقاط هندوستان

میباشد نوشته و خاتمه را چون سال نگارش ندارد، چهارده ورق ابتداء نسخه نوویس و اصل نسخه کهنه و آثار تصحیح و مقابله در آن مشاهده میشود و ورق اول بجلد چسبانیده شده است.

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۶۰). صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۳۳ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۵) .

(۸۵۲)

فرهنگ جهانگیری  
این نسخه بخط نستعلیق در سنه (۱۲۴۴) بقلم جمعی برای میرزا فضل الله مستوفی نوشته شده، محررین هیچیک اسمی از خود نبرده اند، از شیوه خط و شرحی که در آخر نسخه در حاشیه نگاشته شده معین میشود که ثلث اصل لغات این نسخه را با سرخی حسن نامی در سال (۱۲۵۴) تحریر نموده صفحات کتاب مجدول با سرخی و سیاهی است.

جلد تیماجی بیمضربی . کاغذ فرنگی آبی رنگ . واقف سپهسالار . قطع رحلی بزرگ . شماره اوراق (۴۹۴) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۳۶ سانتیمتر) . عرض (۲۲ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۲۵) .

[ ۳۵۵ ] فرهنگ رشیدی (فارسی بفارسی)

مؤلف این فرهنگ عبدالرشید بن عبدالغفور الحسنی مدنی تتوی (۱) ره میباشد و چنانکه خود در مقدمه تصریح نموده این کتاب در جمع میان فرهنگ جهانگیری و سروری است. این مؤلف استشهادات و توضیحات راجعه بلغات را که در آن دو فرهنگ موجود است زیاد دانسته و آنها را دارای نواقصی میداند چون عدم تصریح بضبط لغات و عدم تذکر فارسی نبودن پاره ای از آنها و يك لغت را که بواسطه تخفیف و اضافه و عدل دیگر بچند قسم خوانده میشود در چند جا ذکر

(۱) در حاشیه الطبع این فرهنگ عزیز الرحمن نوشته اند: عبد الرشید بن سید عبدالغفور تتوی در عهد سلطنت شاه جهان و عالمگیر از اجله فضلا بوده و در حضرت سلطان و حلقه علما و اعیان اعتبار تمام داشته، مولد او در بلده تته من مضافات سقذ است و اصلش از سادات کبار مدینه منوره، از اینجا است که حسنی و مدنی در لقب خود می آورد . . . . . الخ و در آنجا است که تاریخ جلوس عالمگیر را که بسال ۱۰۶۸ بوده آیه کریمه اطیعوا الله و اطیعوا الرسول الخ یافته است بنابراین تا سال ۱۰۶۸ در حیات بوده و پس از این از وی خبری نداریم .



نمودن و گذشته از اینها گوید در ضبط معانی و الفاظ لغات آنها را اشتباهاتی رخ داده که بهر يك در جای خود اشاره خواهد شد. و در آخر دیباچه این بیت را که شامل تاریخ تألیف کتاب است آورده: بیت

گشت تاریخ وی از روی قبول      باد فرهنگ رشیدی مقبول = ۱۰۶۴

و پس از این گوید این کتاب مشتمل است بر يك مقدمه و چند باب و خاتمه. مقدمه را در بیان جمیع حروف تهجی و بیان بعضی کلمات مرکبه و دیگر فوائد و ضوابط صرفی و غیره چون عقد انامل و وجه تسمیه کتاب لغت بفرهنگ و معنی و مراد از کلمه پارس و اقسام زبان فارسی قرارداد داده و اگر بگوئیم که این مقدمه مختصری از مقدمات فرهنگ جهانگیری میباشد که در دوازده آئین گذارده، بخط نرفته و مراجعه بهردو کتاب ما را بهترین مؤید است.

ابواب این کتاب بشماره حروف تهجی ۲۴ باب میباشد و در آخر هر فصل از هز باب اسنعاراتی که در آن فصل موجود است نیز درج گردیده و اثری از خاتمه در نسخ موجوده نیست (۱)

طرز پیدا کردن لغت را از این فرهنگ مؤلف خود در دو بیت نظم بسته و آن این است:

ای فهم کننده معانی      ترتیب لغات اگر بدانی  
از باب بگیر حرف اول      و از فصل بگیر حرف ثانی

از مؤلفات این مؤلف یکی منتخب اللغات شاهجهانی است که نیز در لغت و در همین فصل از آن معرفی میشود دیگر رساله مهر بات میباشد که در خاتمه الطبع این فرهنگ عزیز الرحمن مدرّس عربی و فارسی مدرسه عالی کلکته نوشته اند. نسخه ای از این فرهنگ که سه سال پس از تألیف نوشته شده در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود است، (ص ۲۷۱ و ۲۷۲) فهرست خطی مجلس ج ۲. این فرهنگ بسال ۱۲۹۲ در کلکته چاپ شده است.

(۱) در خاتمه الطبع این کتاب نوشته شده: اما در آخر هیچکدام از نسخهای هشتگانه که ممدار تصحیح بر آن بوده و دیگر نسخها که باوقات مختلف بنظر رسیده از خاتمه اثری نیست (نسخه این کتابخانه نیز خاتمه را ندارد).

آغاز: بسمله ستایشی که آرایش سرنامه هر سخن و پیرایش دیباچه هر نو و کهن و پروازش خامه و آینه خردمندان و تزارش نامه و خامه دانش پسندان تواند بود الخ.

(۸۵۳)

فرهنگ رشیدی این نسخه را بخط نستعلیق حاجی امامقلی در شهر لاهور در سنه (۱۱۳۳) نگاشته، آخرین صفحه نسخه مرحوم رضاقلیخان هدایت مؤلف مجمع الفصحاء نوشته اند که بسال ۱۲۵۶ آنرا خریداری و پشت صفحه اول نیز یادداشتی بسال ۱۲۵۸ کرده و بر ورق حائلی که پیش از ورق اول کتاب میباشد بسال ۱۲۸۱ یادداشتی نموده و بر ورق سعید رنگی که پیش از ورق حائلی است نیز نگاشته اند: هوالباقی حرکت از باغ شمال تبریز بجای چمن داش تپه رحمت آباد مشهور بمیان دواب از مراغه در رکاب ظفر مآب نواب مستطاب ولیعهد سلطان مظفر الدین میرزا ایدالله بقا در روز جمعه ۲۵ شهر ربیع الاولی سنه ۱۲۸۲ حرره رضاقلی هدایت. و نیز هدایت بر بسیاری از صفحات این فرهنگ حاشیه های سودمندی نگاشته اند و پشت ورق اول اشعاری ترکی و پشت ورق آخر اشعاری فارسی نوشته شده و چند ورق از نسخه و صالی گردیده.

جاذب تماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سیه سالار. قطع رحلی کوچک. شماره اوراق (۲۸۶). صفحه ای (۲۱) سطر. طول (۲۹ سانتیمتر). عرض (۱۸  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر) شماره کتاخانه (۵).

[ ۳۵۶ ] فرهنگ سروری - مجمع الفرس (فارسی بفارسی)

این فرهنگ از کتب مشهوره لغت میباشد و مؤلف آن محمد قاسم بن حاجی محمد کاشانی متخلص بسروری است که از شعرای اوائل قرن یازدهم هجری بوده و بگفته ریو در ص ۴۹۸ ج ۲ فهرست موزه لندن پس از سال ۱۰۳۲ به هندوستان رفته و نیز از «مرآت العالم» و «ریاض الشعراء» نقل نموده که بسال ۱۰۳۶ به لاهور رسیده و سید علی حسن در کتاب «صبح گلشن» (بسال ۱۲۹۴ تألیف و بسال ۱۲۹۵ در هند چاپ شده) که تذکره ایست مختصر در ص ۲۰۳ نام سروری و فرهنگ او را برده و گوید که در لاهور قیام نموده و در «سفینه خشگو» در

ذیل نام سروری معرفی از این شاعر متّبع و فرهنگ مجمع الفرس وی گردیده و گوید: از نوشته نصر آبادی مستفاد میشود که در ایران فرهنگی مختصر از اودر میان است چون در عهد جهانگیری بهندوستان رسید و فرهنگ جهانگیری که میر جمال الدین انجونوشته بنظر آورد فرهنگ مبسوطی نوشت و مؤلف کشف الظنون در حرف لام ج ۲ ص ۳۵۹ در ذیل علم لغت اسامی قاموس ها و فرهنگ هائیرا بترتیب حروف تهجی ذکر نموده و در ذیل حرف واو گوید: و چیز لغت سروری عجم (۱) فارسی و مرتب بر حروف است و قسمتی از ابتداء و مقدّمه آن را نقل و اسامی مأخذ شانزده گانه را نیز آورده است و این آغاز و خصوصیات مجمع الفرس را نشان میدهد و حاجی خلیفه بغلط نام این فرهنگ را و چیز گذاشته در صورتیکه مؤلف نام آنرا در مقدّمه مجمع الفرس معین کرده است.

دانشمند معاصر آقای سعید نفیسی یادداشت ذیل را بنگارنده داده اند:

سروری پس از مجمع الفرس که بسال ۱۰۰۸ بنام شاه عباس کبیر تألیف کرده چون در سال ۱۰۲۸ فرهنگ جهانگیری بایران آمده و شامل اللّغه تألیف قراحصاری که در لغت فارسی بترکی است و فرهنگ تحفة السّعادة تألیف ملا محمود بن شیخ ضیاء الدین محمد را مطالعه کرده تألیف سابق خود را کامل کرده است.

نگارنده فقط بنا بر اعتماد بقول دانشمند محترم شرح بالا را نگاشت و مدرک دیگری جز سفینه خشگو بر این ادعا نیافت.

سروری در مقدّمه فرهنگ مجمع الفرس نگاشته که بسال ۱۰۰۸ در اثر ممارست باشعار و دیوانهای شعرا و نبودن فرهنگی پارسی که جامع لغات و استعارات فارسی باشد این کتاب را از روی شانزده فرهنگ پارسی که هر یک خصوصیتی را دارا بوده که دیگران آنرا نداشته اند تنظیم و نام آن نسخه ها را بدین گونه ذکر کرده است:

۱ - شرف نامه احمد منیری تألیف ابراهیم قوام فاروقی (در ص ۱۸۹-۱۹۲ از این فرهنگ معرفی کامل گردید). ۲ - معیار جمالی افصح المتکلمین شمس فخری. ۳ - تحفة الاحباب

(۱) صاحب کشف الظنون سروری را هقید بعجم ذکر نموده چرا که مصطفی بن شعبان متوفی بسال ۹۶۹ نیز مختص بسروری و ترک نزاد بوده است.

حافظ اوبهی . ۴ - نسخه حسین وفائی . ۵ - رساله ابو نصر علی بن اسد الطوسی .  
 ۶ - نسخه میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی ( بنام فرهنگ میرزا ابراهیم  
 در این فصل معرفی میشود ) . ۷ - رساله محمد هندو شاه . ۸ - مؤید الفضلاء تألیف  
 محمدلاد . ۹ - شرح سامی فی الاسامی میدانی . ۱۰ - رساله ابو حفص سوزی ( کذا ) . ۱۱ -  
 اداة الفضلاء تألیف قاضیخان بدر محمد دهلوی . ۱۲ - جامع اللغات منظوم نیازی  
 حجازی و چهار رساله دیگر که اسم مصنف معلوم نبوده .

مؤلف در این فرهنگ لغات عربی را نیامورده و نیز لغات ساده فارسی را انداخته  
 و از اشعار قدما، بر معنی بیشتر از لغات شاهد آورده و برای طرز تلفظ لغات نظیر  
 مشهوری آورده مثلاً گوید :

رنبه چون دنبه و چون در معنی یا لفظ لغتی میان دانشمندان اختلاف باشد  
 آنرا که بنظر وی صحیح است بدو ذکر و پس از آن معانی یا تلفظات دیگر را  
 می آورد مثلاً در لغت **تکوک** گوید : ظرفی باشد که از زر یا نقره سازند بر صورت  
 شیر یا زسفال سازند و بدان شراب خورند رود کی گوید :

می گسار اندر **تکوک** شاهوار      خور بشادی روزگار نوبهار  
 و در نسخ این لغت مختلف واقع شده :      بلوک و بکوک و تکوک و تلوک .

در این فرهنگ **یک** لغت را که بیچند جور تلفظ شده در چندین باب ذکر  
 نموده مثلاً لغت اسپر غم را که سبر غم و شاهسرم و شاد اسپرم و خوش اسپرم  
 نیز گفته شده در باب الف وسین و شین می یابیم . ( چنانکه گذشت در فرهنگ  
 جهانگیری امثال این لغت فقط در **یک** باب باتذکر بسائر وجوه ذکر گردیده است . )  
 مجمع الفرس دارای دیباچه ای در ۸۷ بیت و بیست و چهار باب (۱) مشتمل بر (۶۰۰۰)  
 لغت و فصلی در آخر بنام باب استعارات مشتمل بر (۱۰۳) (۲) کلمه و معانی آنها  
 و خاتمه ای در ۱۸ بیت است .

(۱) چون حروف : ث ، خ ، ص ، ض ، ط ، ظ ، ع ، ق ، مختص به عربی است در این فرهنگ  
 لغاتی که ابتدا بیکی از این حروف شده باشد نیست و شماره لغاتی که در دو نسخه ذیل از این  
 فرهنگ است مطابق نیست و نسخه دیگر ۲۰۰ لغت کمتر دارد .  
 (۲) شماره استعارات نسخه دیگر از این فرهنگ ۸۶ میباشد .

طرز این فرهنگ این است که حرف اوّل را باب قرار داده و حرف آخر را فصل بنابر این چون لغت پرند را بنخواهیم بایستی در باب پاء فارسی و فصل دال بجوئیم و جز حرف اوّل و آخر ملاحظه سائر حروف نشده است. برای نشان دادن طرز کتاب، لغت نخستین و آخرین فرهنگ را نقل میکنیم:

افدستا بفتح همزه و دال مهمله و سکون فاوسین حمد خدای عزّوجلّ و ستایش شگفت و نیکو چه این کلمه سرگب است از اfd که بمعنی شگفت است و ستا که ستایش باشد مثالش استاد دقیقی فرماید: بیت

جز ز ایزد توام خداوندی      زان کنم بر تو از دل اfdستا

و صاحب معیار جمالی شمس فخری نیز فرماید:

بر این کتاب اعانت نمود طبع مرا      که جمله بندگی شاه راست اfdستا  
یزدادی بفتح یا و سکون زاء معجمه و کسر دال قیمه و تخم مرغ که باهم پرند (۱).

سروری خود بجمع الفرس را مختصر نموده و دیباچه آنرا بنام اعتمادالدوله حاتم بیك وزیر شاه عباس موشح کرده و نسخه ای از آنرا که بسال ۱۰۱۸ نگارش یافته جناب آقای اسفندیاری دام ظلّه العالی دارند و در مقدمه آنست: «بنده مدنب جانی سروری کاشانی چون از تألیف بجمع الفرس باز پرداخت دید که بعضی از یاران بواسطه اینکه ایجاز در کلام مطلوبست یا بجهت آنکه در اجرت کاتب تخفیفی شود در نوشتن آن ابیات استشهاد و اعراب که صحت لغت بدان منوط و مربوطست حذف میکنند و چهره شاهد این نسخه را از حلی ربط عاطل میسازند بنا بر تمهید این مقدّمات بخاطر این ضعیف رسید که با تصحیح حروف و مراعات (کذا) خلاصه بنویسم و بجملی مرقوم گردانم از آن نسخه که مؤلفست از شانزده کتاب که اسامی ایشان اینست (پس از این اسامی مآخذ شانزده گانه را ذکر نموده ۱۲ کتاب آن همان کتاب های نام برده بالا است و اسامی چهار نسخه دیگر را که در آنجا

(۱) آخرین لغت موافق یکی از دو نسخه این کتابخانه آنست که نقل گردید ولی در نسخه دیگر اینست: یتماقی یعنی یاسبان. و میان این لغت و لغت یزدادی دولت دیگر میباشد.

مجهول بوده اینجا بدینگونه ثبت کرده است : معجم البلدان، فرهنگ زفان گویا ، لسان الشعرا و ترجمه صیدنه ابی ریحان بیرونی . (۱) تا جمعیکه معانی آن لغات را مفصل و لغات را مستشهد خواهند به جمع الفرس رجوع فرمایند و بعضی که مجمل و محذوف الاستشهاد خواهند باین خلاصه توجه کنند و زبان قلم را از انتخاب و قلم زبان را از اعتراض قاصرو کوتاه سازند و این نسخه را موسوم به «خلاصه المجمع» ساختیم امید که الخ .

بدبختانه تا بحال این دو فرهنگ چاپ نشده و از نسخه خلاصه آن جز یکی سراغ نداریم .

آغاز : بسمله - ابتدای کلام هر دانشمند سخنور و انتهای سخن هر خردمند هنرپرور الخ .

انجام : از لطف عمیم و کرم جسیم جمعیکه کتابت این نسخه کنند آن است که تقصیر و تهاون در نوشتن دیباچه این نسخه نکنند که در نوشتن آن نه همین برای ضعیف ستم میکنند بلکه بر خود نیز جور کرده چه خود را محروم ساخته از کتاب توحید و نعت و منقبت و از مرتبه انصاف و مرحمت و شفقت من آنچه شرط بلاغ است باتومیگویم تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال تم بالخیر .

(۸۵۴)

این نسخه را بخط نستعلیق محمد صالح بن عبدالوهاب جوشقانی فرهنگ  
بسال ۱۰۴۷ که سی و نه سال پس از تألیف میشود ، نوشته ،  
سروری ابواب و لغات با شنجرف نگاشته شده ، در ذیل آخرین صفحه  
اخباری از حضرت رسول ص نقل گردیده ورق اول نسخه و صالی و دو ورق آخر  
وصالی لازم دارد .

(۱) ظاهراً مراد از معجم البلدان غیر از مؤلفه یا قوت است و در کشف الظنون جز آن کتابی بدین نام از سبکی نقل نموده ولی مؤلف و موضوع آن را تعیین نکرده و بنا بر سیاق عبارت در این دیباچه ، بایستی در لغت باشد و فرهنگ زفان گویا بافاء ثبت شده و مراد همان زبان گویا و جهان بویا است که از ماخذ فرهنگ جهانگیری بوده است .

جلد چرمی ضربی . کاغذ خان بالغ . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۱۷۰) .  
صفحه ای (۲۳) سطر . طول (۲۵  $\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر) . عرض (۱۸  $\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳) .

(۸۵۵)

این نسخه نیز بخط نستعلیق نوشته شده ، در حدود ۲۹ ورق  
از ابتداء کتاب که شامل ۲۸۸ لغت و دیباچه بوده افتاده و  
صفحه اول موجود لغت اسبرغم را بیان نموده و از آخر هم  
يك ورق افتاده که شامل دو سطر بوده و آن دو سطر از روی نسخه بالا در حاشیه  
آخرین ورق نوشته شد ، لغات و ابواب را با شجره نگاشته اند ، شماره لغات این  
نسخه بیشتر از دیگری میباشد و ظاهراً نو تر از آن نسخه است کنار ورق اول  
یادداشتی بوده قسمتی از آن محو گردیده و نیز یادداشتی از اعتضاد السلطنه است  
که بسال ۱۲۸۳ نسخه داخل کتابخانه ایشان شده است .

جلد تیماجی . کاغذ اصفهانی . واقف سیه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۴۰۷) . صفحه ای  
(۱۷) سطر . طول (۱۸  $\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر) . عرض (۱۱  $\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱) .

### [ ۳۵۷ ] فرهنگ عباسی (فارسی)

مؤلف این فرهنگ چنانکه در دیباچه بدان تصریح گردیده نایب الصدر تبریز  
ابن محمد رضا محمد المدعو بصدرالدین تبریزی میباشد ، دانشمند معاصر آقای  
تربت در ص ۳۷۰ دانشمندان آذربایجان گوید: «نایب الصدر خلف محمد  
رضا المدعو بصدرالدین تبریزی بوده کتاب لغتی در تاریخ ۱۲۲۵ برای عباس میرزا  
نائب السلطنه بعنوان فرهنگ عباسی تألیف کرده نسخه ای از آن در دانشکده  
معقول و منقول دیده ام .» جز آنچه نقل شد اطلاعی راجع باین شخص اظهار نداشته اند  
و در ص ۲۲۸ همان کتاب بنقل از نگارستان دارا گوید: «صدرالدین محمد تبریزی  
خلف ملا رضا قاضی عسکر متخلص بشعراء تبریزی است در علوم شرعیّه و فنون  
ادبیّه و لغت عرب ید طولائی داشت و تحصیل علم و ادب را اول در خدمت  
والد ماجد و بعد از آن در عتبات عالیات از آقا سید مهدی بروجردی و آقا سید  
علی مجتهد و سایر مجتهدین عظام کرده و در اطلاع از مسائل شرعیّه و آگاهی از

فنون ادبیّه بی نظیر است و طبعی موزون دارد و نظم و نثری باحلاوت بلغت پارسی و عربی دارد و له :

أَنِيسُ الصِّبِّ فِي الْحُبِّ الْعَنَاءُ      فَلَيْسَ عَنِ الْعَنَاءِ لَهُ الْبَاءُ  
فَإِنْ شِئْتَ أَحْيِنِي أَوْ شِئْتَ فَاقْتُلْ      فَعَيْشُ الصِّبِّ وَالْعَوْتُ سَوَاءُ  
أَيَا مَرَضَى الْهَوَىٰ مُوتُوا بِغَمِّ      فِدَاءُ الْحُبِّ لَيْسَ لَهُ دَوَاءُ

و نیز آقای تربیت در ص ۱۹۸ در ذیل شفا - ملا رضا ، پدر مرد نامبرده بالا گوید: در حوالی سنه ۱۲۰۸ بر حمت این دی پدوسته است . و میدانیم که وفات آقا؛ سید مهدی بروجردی (بحر العلوم) بسال ۱۲۱۲ و وفات آقا سید علی (صاحب ریاض) بسال ۱۲۳۱ بوده است بنا بر این معلوم میشود از علماء قرن سیزدهم هجری بوده و از تصریح خود مؤلف فرهنگ عباسی در دیباچه میدانیم که بسال ۱۲۲۵ شروع بتألیف این کتاب نموده و از اطلاع بر اینکه صدرالدین محمد بن ملا رضای مذکور در « لغت ید طولانی داشته » و « در اطلاع از مسائل شرعیّه بی نظیر است » گمان نزدیک بیتی پیدا میکنیم که مؤلف این فرهنگ همین صدرالدین محمد بن ملا رضا میباشد و مؤلف نگارستان از این فرهنگ وی خبر نداشته که در کتاب خود آنرا یاد نکرده و یا تألیف کتاب او پیش از این فرهنگ بوده است .

چنانکه نیز از دیباچه معلوم میشود تألیف این کتاب بامر نائب السلطنه عباس میرزا بوده و مشتمل بر لغات فارسی و موافق حروف آخر کلمات مرتب شده و لغات مترادفه را در ذیل یکی از مشاهیر آنها ذکر نموده و در ترتیب کتاب گوید :

ترتیب کتاب من چنین است      ای عدل تو در زمانه ظاهر  
از فصل بگیر حرف اوّل      و ز باب بگیر حرف آخر

برای لغات شواهدی نیآورده و کتاب را بر مقدمه و ابواب و خاتمه ای ترتیب داده است . مقدمه در کلیّات و قواعد حروف و زبان پارسی درش نمایش است  
باب اوّل - در رجحان زبان فارسی پس از عربی بر تمام لغات . باب دوم - در چگونگی زبان فارسی و شماره حروف . باب سوم - در بیان ضمایر لغت فارسی . باب چهارم -



در حروف زائده ای که در اوایل و اواخر کلمات آورند . **باب پنجم** - در الفاظ و حروفی که برای زینت کلام آورند . **باب ششم** - در بیان جواز تبدیل حروف بیکدیگر **ابواب** فرهنگ بشماره حروف تهجی است و **خاتمه** چنانکه در دیباچه نوشته شده مشتمل بر استعارات و کنایات و لغاتی که مشتمل بر حروف هشتگانه یعنی ث ، خ ، ص ، ط ، ظ ، ع ، ق ، که در اصل زبان فارسی نیامده است الا بندرت، میباشد ولی نسخه ذیل خاتمه را ندارد، چون نسخه دیگر از این فرهنگ تا بحال نیافته ام نمیدانم که مؤلف توفیق بر تألیف خاتمه نیافته یا نویسنده این نسخه آنرا نوشته است و این فرهنگ در حدود (۲۵۰۰۰) بیت کتابت دارد .

**آغاز:** آرایش گفتار دانشوران و پیرایش کردار سخن گستران ستایش خداوند جهان آفرین الخ .

**انجام:** يك روئي بروزن بد گسويي بمعني بي ريائي و يك جهتي باشد تحت الكتاب الخ .

(۱۸۵۶)

**فرهنگ عباسی** این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۱۳۰ نگاشته شده ، نویسنده از خود نام نبرده ، در پایان آخرین صفحه یادداشتی است که بسال ۱۲۶۰ این کتاب سه تومان ( سی ریال کنونی ) خریده شده ، مهر اسم یادداشت کننده را محو کرده اند و تمام لغات کتاب با شنجرف نوشته شده است .

جلد میشن نیم ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۳۲۱ ) . صفحه ای ( ۲۳ ) سطر . طول ( ۳۰ سانتیمتر ) . عرض ( ۲۱ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۶ ) .

[۳۵۸] **فرهنگ مثنوی = لطائف اللغات** ( فارسی و غیره بفارسی )

مؤلف این فرهنگ چنانکه در مقدمه تصریح شده عبداللطیف بن عبدالله کبیر (۱) میباشد که در تحصیل و تصحیح و مقابله مثنوی مولانا جلال الدین رومی رنج فراوان کشیده و دوازده سال این کتاب عالیجناب را بتلمذ و تتبع خوانده

(۱) در دیباچه مثنوی ترتیب داده خویش خود را عبداللطیف بن عبدالله العباسی معرفی نموده و در مقدمه فرهنگ بدانگونه که نقل گردید .

و نسخه ای از آن که تقریباً با هشتاد نسخه مقابله گردیده ترتیب داده (۱) و شرحی بنام لطائف المثنوی بر آن نگاشته و از مندرجات لطائف اللغات برمی آید که از علم نجوم و اصطلاحات آن با خبر بوده و بمناسبت بدان اشاره نموده و در هنگام تألیف این فرهنگ بقاموس و صراح و جهانگیری و کشف اللغات عبد الرحیم سوربهاری و مدار الافاضل شیخ الله داد سرهندی و مؤید الفضلاء و فرهنگهای دیگر مثنوی که پیش از وی نوشته اند مراجعه نموده است. (در ذیل لغت نبید و چاپلوس از فرهنگ میرزا فتح الله رازی نام برده ولی نام این فرهنگ در دیباجه نیست) و پس از لغات عربی رمز (ع) و فارسی (ف) و ترکی (ت) و سریانی (س) و پس از کلماتیکه میان فارسی و عربی مشترک است (عف) و آنچه میان ترکی و فارسی مشترک است (تف) و لغتی که میانه فارسی و هندی مختلط است (فه) و الفاطیکه میانه عربی و هندی است (عه) علامت گذارده که مراجعه کننده گذشمنه از معنی، بداند که این لفظ از چه لغت و زبان است.

از دیباجه ای که بر مثنوی مرتب کرده خویش بسال ۱۰۳۲ نگاشته معلوم میشود که پیش از آن تاریخ این لغت را ترتیب داده (۲) و از آنچه در مقدمه این فرهنگ آورده (۳) معلوم میشود که این لغت را مخصوصاً برای نسخه ناسخه مثنوی که

(۱) نسخه ای از این مثنوی که دفتر اول آن بسال ۱۰۸۳ و دفتر دوم آن بسال ۱۰۸۶ نوشته شده و در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود و نگارنده آنرا دیده شاملشش دفتر و هفت دیباجه و شش فهرست و مقدمه ای است که آنرا «مرآت المثنوی» نامیده و فهرستها هر يك مشتمل بر حکایات و مندرجات دفاتر بتفصیل میباشد مرحوم اعتصام المالك در ص ۲۸۰ و ۲۸۱ فهرست کتب خطی آن کتابخانه این نسخه را معرفی و قسمتی از مقدمه آنرا هم نقل کرده اند. نسخه ای از این مثنوی را نیز حضرت حاج سید نصر الله تقوی دارند.

(۲) از مندرجات مقدمه معلوم میشود که این تصحیح و ترتیب نسخه مثنوی در سال ۱۰۳۱ در برهانپور هندوستان خانمه یافته است.

(۳) در مقدمه فرهنگ است: هر چه در مثنوی واقع شده عموماً بتحریر در آمده با وجود آنچه بر مبطل و زبان زد عوام و خواص بود از آن احتراز نموده و میتواند بود که در این جمع بعضی لغات از این عالم داخل شده باشد که در نسخه ناسخه مثنوی که این فرهنگ بجهت آن ترتیب یافته یافته نشود اما چون در لغات مثنوی که بعضی از سلف نوشته اند داخل بود بملاحظه آنکه شاید درجائی نسخه ای باشد یا در کتاب دیگری یافته شود و بعد از تفحص درین فرهنگ نیابند ترك آن لایق ندانست الخ.

خود ترتیب داده تألیف کرده بنابراین تألیف این فرهنگ در سال ۱۰۳۱ بایستی خاتمه یافته باشد.

این فرهنگ بمناسبت اوّل لغات مشتمل بر ابواب و بمناسبت اواخر آنها منقسم بفصول میباشد و در بسیاری از موارد با شعار شعرای معروف استشهد گردیده و در حدود (۱۰۰۰۰) بیت کتابت دارد.

در ص ۱۴۵۸ ج ۲ فهرست آصفیه نسخه ای از این کتاب که بسال ۱۸۷۷ م. چاپ شده موجود است.

چنانکه مؤلف در مقدمه فرهنگ نوشته پیش از این فرهنگ برای مثنوی فرهنگ هائی تهیه شده و نسخه ای از یکی از آنها که آغاز آن این است: رَبِّ انعمت فردانت حبیبی اللهم اجعلنی فی الحقائق موجودا الخ، و تاریخ کتابت و تألیف و نام مؤلف را ندارد در کتابخانه مجلس موجود است (بفهرست کتب خطی ج ۲ ص ۲۷۷ مراجعه شود).

احمد بن مصطفی اللبایدی الدمشقی بسال ۱۳۲۱ کتابی در لغت بنام «لطائف اللغه» تألیف نموده و بدون تاریخ چاپ شده و آنرا از لغات دستگامی توان شمرد.

آغاز: بسمله این فرهنگ مشتمل بر حل لغات غریبه عربیه و الفاظ عجیبه عجمیه مثنوی مولوی معنوی الخ.

وابتداء لغات آن این است: باب الالف فصل الالف الله انشاء چیزی از جمله ای بیرون آوردن و انشاء الله گفتن.

انجام: «یوفی» ف بمعنی یافه گوی (است نسخه) یعنی بیهوده گوی.

(۸۵۷)

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۰۴۵ نوشته شده، کاتب نامی از خود نبرده، از کیفیت نگارش و رسم الخط معلوم است که لطائف اللغات نویسنده آن هندی بوده و از غلط هم بی بهره نیست، در مقدمه نام کتاب «لطف اللغات» ثبت شده ولی مسلماً لطائف بوده و کاتب غلط نوشته است، صفحه اوّل کتاب افتاده و نخستین سطر موجود آن این است: شیخ

لاددهلوی که الحق در حلّ لغات مؤید الفضلای و علما است الخ .

لغات و ابواب و فصول را باهـنجر ف نوشته اند و نسخه در آب افتاده ولی خطوط ضائع نشده، یادداشت اعتضاد السلطنه و وقف نامه در حاشیه ورق اول موجود است. جلد میشن مذهب . کاغذ دولت آبادی . واقف سیه سالار . قطع وزیر ی . شماره اوراق ( ۳۰۶ ) . صفحه ای ( ۱۵ ) سطر . طول (  $\frac{1}{4}$  - ۲۹ سانتیمتر ) . عرض (  $\frac{1}{4}$  - ۱۴ سانتیمتر ) . شماره کتبخانه ( ۴ ) .

( ۸۵۸ )

این نسخه بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۲۳۲ نوشته شده ،  
**فرهنگ مشنوی** کاتب نام خود را نگاشته ، لغات و ابواب و فصول باسرخ  
**لطائف اللغات** میباشد و برگ نخستین نیازمند حسابانیدن است .  
 جلد تیماج . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سیه سالار . قطع خفتی . شماره اوراق ( ۱۴۴ ) .  
 صفحه ای ( ۲۲ ) سطر . طول ( ۲۱ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۵ سانتیمتر ) . شماره کتبخانه ( ۸۹ ) .

[ ۳۵۹ ] **فرهنگ میرزا ابراهیم = نسخه میرزا** (فارسی و عربی و ترکی بفارسی)

میرزا ابراهیم، پسر میرزا شاه حسین اصفهانی (۱) است و در «عالم آرا» ذیل خوشنویسانی که در عهد شاه طهماسب شهره بوده اند، نام و شرح حال مختصری از ایشان ثبت گردیده و گوید: در شعر فهمی و تتبع لغات فارس دعوی انفراد نمود، رساله ای که در لغات فارس تصنیف نموده اکنون در عراق شایع است. و نیز در تذکره هفت اقلیم در ذیل نام پدر اسم این پسر و برادر و چند شعر از او موجود و این دو بیت از آن هاست:

رمدان گاهی ملک جهان میارند      گاهی بنگاهی دل و جان میبازند  
 اینقسم قمار را نه چند است و نه چون      هر نوع بر آید آنچنان میبازند

در دو جای دیگر نام این مؤلف و فرهنگ وی ثبت شده یکی در مقدمه فرهنگ سروری (مجمع الفرس) که بسال ۱۰۰۸ تألیف گردیده، و سروری یکی از مآخذ خود را بنام «نسخه میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی» معرفی نموده و دیگری (۱) میرزا شاه حسین اصفهانی وزیر شاه اسمعیل صفوی بوده و در سال ۹۲۶ مهتر شاه قلی در دیوانخانه او را کشته و وزیر کریم الطبع بوده است.

در مقدمه فرهنگ جهانگیری مؤلفه بسال ۱۰۱۷ می باشد که در آنجا بنام «فرهنگ میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی» در شماره مأخذ کتاب آمده است. دونسخه از این فرهنگ را نگارنده در این کتابخانه دید که بنام «رساله در لغات فارسی و عربی و ترکی و وقف و ثبت و ضبط گردیده و در مقدمه و خاتمه آن نامی از مؤلف نیست، پس از مطالعه و دقت زیاد بر آن شد که این فرهنگ همان شرفنامه منیری مدکور در ص ۱۸۹-۱۹۲ این فهرست می باشد ولی اندک تصرفی در آن شده و کتابی جداگانه معرفی گردیده است و مراد سروری از نسخه میرزا ابراهیم نیز همین رساله بوده از این رو برای اثبات مدعی خویش چند نمونه مختصر از آنهارا نقل مینمائیم:

عبارت شرفنامه : **انج** بوزن رنج بیرون روی و بیرون کشیدن .  
 عبارت رساله میرزا : **انج** بوزن رنج گردا گرد روی و بیرون کشیدن .  
 عبارت فرهنگ سروری : **انج** بوزن رنج بمعنی گردا گرد روی و بیرون کشیدن باشد . در نسخه میرزا .

عبارت شرفنامه : **کدست** بضم بکم و کسر دوم بدست که بتازی شهر و وجب گویند  
 عبارت رساله : **کدست** بضم کاف و کسر دال بدست و عربی شهر و وجب است .  
 عبارت فرهنگ سروری : **کدست** بضم کاف و کسر دال در نسخه میرزا بدست باشد که به عربی شهر و وجب گویند .

عبارت شرفنامه : **هوی** زرد آب و ریم .  
 عبارت رساله : **هوی** بفتح حیر کی که از زخم و غیره آید .  
 عبارت فرهنگ سروری : **هوی** بفتح ها در نسخه میرزا حیر کی باشد که از جراحت رود اما در سامی فی الاسامی آن باشد که آب در جراحت

افتد گویند که این جراحت **هوی** کرده است یعنی آب در اندروش رفته است .  
 با دقت مختصر در این سه نمونه که از سه کتاب نقل گردید دیگر جای تردید باقی نیست و بنظر نگارنده میرزا ابراهیم تا سال ۱۰۰۸ که سال تألیف فرهنگ سروری است زنده بوده و خود او تقاضا کرده که این فرهنگ را بام نسخه میرزا ابراهیم معرفی کند تا اگر اصل حقیقت واضح و آشکار شود خجل نگردد ولی سروری این رساله را در مقدمه تألیف میرزا ابراهیم دانسته و نیز در ذیل معنی کلمه ژاژ گوید : و میرزا ابراهیم بمعنی علفی آورده که تخمش نباشد و عبارت شرفنامه در ذیل لغت ژاژ این است : هر سبزه که تخمش نبود . و عبارت رساله این است : علفی .

که تهمت نبود. وبا تفحص ندانستم که میرزا ابراهیم تا چه سالی زنده بوده ولی ازطر عباراتی که اسکندربیک در عالم آرا بسال ۱۰۲۵ درباره وی نگاشته بدست می آید که در آنموقع زندگانی را بدروود گفته بوده است.

میرزا ابراهیم چندان تصرفی در عبارات شرفنامه ننموده و حتی قسمتی از مقدمات آنرا هم با تصرف کمی در مقدمه این فرهنگ کورده و لغاتی چند بر آن افزوده و از شرفنامه ابیاتیکه از مؤلف بوده نیآورده و شرح چند لغتی را چون دوستکازی و اصفهان باختصار آورده است و بقرینه اینکه در لغت طهماسب نوشته که پنجاه سال پادشاه بوده و در دو نسخه (۱) پنجاه نوشته شده و میدانیم که سلطنت این پادشاه از ۹۳۰ تا ۹۸۴ یعنی پنجاه و چهار سال بوده احتمال میدهیم که میرزا ابراهیم این رساله را بسال ۹۸۰ که پنجاهمین سال سلطنت شاه طهماسب بوده منظم نموده باشد. این رساله در حدود (۷۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله (۲) بدانکه عرب بچیم وبا و گاف و ژامثل چه و پا و گردن و گژ تنطق نذماید. الخ  
انجام: « یویه » بضم آرزو، « بوزه » بفتح تته درخت، « یزدادی » (۳) قیمه و تخم مرغ که درهم پزند.

( ۸۵۹ )

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده، کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده. پشت ورق اول یادداشت شده: میرزا ابراهیم اصفهانی  
هرالله تعالی شأنه در دارالخلافة طهران داخل دارالکتب گردید بتاريخ ربیع المولود ۱۲۷۲ و در ذیل آن مهری بدین

(۱) در نسخه شماره (۸۷) کتابخانه نوشته شده نام پادشاه ایران کسه هفت سال مال رعیت بخشید و پنجاه و چهار سال پادشاه بود.

(۲) آغاز دو نسخه این کتابخانه همین است که نقل گردید ولی تنظیم مطالب آن با شرفنامه پس و پیش شده و قواعد مختصره ای که از زبان ترکی در آنجا کارش یافته چون قسمت هائی از قواعد زبان فارسی که نیز در آنجا است در این نسخه نیست و آغاز لغات آن این است: آرا آرایش و آراینده و بمعنی دوم اسم فاعل مستعمل شود چون سخن آرا و بزم آرا.

(۳) در دو نسخه این کتابخانه یزدادی که در فرهنگهای دیگر بادو دال نوشته شده در یکی یزداری بادل و راه و در دیگری یزدارج بادل و راه و جیم در آخر نوشته شده و مسلما هر دو غلط از کاتب است.

سجع است: عبدالله بن غلامعلی آل محسن و نیز در همین صفحه نوشته شده که بسال ۱۲۹۶ لغت بزبان فارسی و عربی و ترکی داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردید. و بسال ۱۲۹۷ و ققیّت آن بر این کتابخانه بهمان نام مد کورنگاشته شده، کتابت نسخه پیش از قرن سیزدهم هجری نیست. صفحات بخدول بطلا و شنجر ف و لاجورد و لغات و فصول و ابواب با سرخی است.

شانزده ورق میان ورق اوّل و دوّم نسخه از چند جای کتاب است که صحّاف نادان جای خود نگذارده است.

جلد روغنی گل و بوته دار. کاغذ فرنگی مهره زده. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شماره اوراق (۱۲۲). صفحه ای (۱۸) سطر. طول (۲۰ سانتیمتر) عرض (۱۴ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۸۷).

### (۸۶۰)

این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۷۷ نوشته شده، فرهنگ میرزا ابراهیم کاتب از خود نام نبرده، بدبختانه مصداق این شعر میباشد: آدمی زاده نادان بچه ماند دانی؟ نسخه معتبر (محصّر) اصفهانی خوش خط بسیار غلط. لغات را با سرخی نوشته اند، و لغات جوك که در حرف لام همین فصل از آن نام خواهیم برد ضمیمه آن است و پشت ورق اوّل بنام فرهنگ زبان فارسی و عربی و ترکی داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه و این کتابخانه گردیده و در دفاتر کتابخانه بهمین نام ثبت شده، سه ورق کاغذ نوشته در آخر و میان دو نسخه است.

جلد نیماجی. کاغذ فرنگی مهره زده. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شماره اوراق کلیه (۱۰۵). اوراق این فرهنگ (۹۴). صفحه ای (۱۹) سطر. طول (۳۳ سانتیمتر). عرض (۲۱ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۱۷).

### [ ۳۶۰ ] قاموس المحيط (عربی)

مؤلف این کتاب که از معاریف کتب میباشد فیروز آبادی است (ابوطاهر

مجدالدین محمد بن یعقوب بن محمد (۱) شیرازی شافعی ۷۲۹ $\frac{۸۱۶}{۸۱۷}$  هـ. (۲) که نیز از مشاهیر دانشمندان و ادبا و لغویین قرن هشتم و نهم هجری بوده و شهرت ایشان بواسطه همین قاموس گسترده و مؤلفات دیگر در تفسیر و شرح احادیث دارند. دانشمند معاصر آقای سلطانی نماینده بهبهان در مجلس شورای ملی ایران در سال ۱۳۱۶ شمسی در دانشکده معتول و منقول خطابه مفصلی در حیات و خدمات این دانشمند ایراد و مجله مهر از شماره فروردین ۱۳۱۷ شروع به چاپ آن نموده و بهترین و جامع ترین شرح حال از این عالم جلیل مییابد و بیانات ایشان که در دسترس عموم گذارده شده ما را بی نیاز از تفصیل نموده و باختصار میکوشیم.

فیروز آبادی در کارزین که از توابع فیروز آباد فارس است و اینک نیز بدین نام مشهور مییابد در سال ۷۲۹ متولد شده و خود در ماده کرز قاموس متذکر گردیده که مولد مؤلف در آنجا بوده و سخاوی باینکه خود تصریح بدین موضوع نموده باز او را کازرونی (۳) و موالد او را در آن شهر دانسته و صاحب روضات و سیوطی فقط او را کازرونی ثبت کرده اند و سیوطی در بغیه از ابن حجر نقل نموده که گویند نسب خود را به ابواسحق شیرازی میرسانده باینکه گویند شیخ بلاعقب بوده است و از این انتساب هم بالا رفته و خود را به خلیفه اول ابوبکر صدیق منسوب نموده است.

- 
- (۱) در اول و آخر قاموس مؤلف خود را محمد بن یعقوب بن محمد معرفی نموده و مسلمانا کنیه او ابوطاهر و لقبش مجدالدین بوده و در منقول از «الضوء اللامع» نام و نسب ایشان بدینگونه است: محمد بن یعقوب بن محمد بن ابراهیم بن عمر بن ابی ابکر بن احمد بن محمود بن ادريس بن فضل الله بن الشيخ ابی اسحق ابراهیم الكازرونی المشتهر بمولانا الشيخ مجدالدین الفیروز آبادی الشیرازی اللعوی الشافعی. (صاحب شذرات الذهب بهی از آباء مجدالدین را ذکر نموده است و آنچه نقل گردید از روی ضمیمه دواسخه از قاموس ابن کتایبه است).  
 (۲) این شرح حال یا مراجعه به شذرات الذهب ج ۷ ص ۱۲۶ — ۱۳۱ و کشف الظنون و فهرستهای کتابخانههای ایران و هندوستان و مصر و معجم الطبوعات ص ۱۴۶۹ — ۱۴۷۱ و شقائق نعمانیه ص ۳۲ ج ۱ و روضات ج ۴ ص ۲۰۷ و بغیه ذیل محمد و تاج العروس غیره نگاشته شده است.  
 (۳) کاررونی شهری است در نزدیکی خرابیهای شاپور و میان شیراز و بوشهر واقع شده و تقریباً ۱۲۰ کیلومتر تا شیراز مسافت دارد.



سخاوی در کتاب «الضوء اللامع فی اعیان القرن التاسع» (۱) گوید در هفت سالگی قرآن را حفظ نمود و پس از اینکه هشت سال از عمر وی گذشت برای کسب معارف و علوم بشیر از آمده و در آنجا از پدر خویش و علما و دانشمندان کسب فضائل نموده و بعراق رفت و از بزرگان آنجا بهره هائی گرفت و مدرّس مدرسه نظامیه بغداد گردید و بسیاری از شهرهای ایران و شام و روم و مصر را گردیده و بادانشمندان هر جاهات ملاقات کرده و از آنها سودها یافت و پیش سلاطین و امراء و حکام هر جا محترم و مکرم بوده، امیر تیمور گورکانی و شاه منصور پسر شاه شجاع هر یک و را جائزه قابلی داده اند و در رمضان سال ۷۹۶ وارد زبیدین گردید و در آنجا مورد عنایت و توجه اسمعیل مشهور باشرف پادشاه یمن شد و بیست سال در آن شهر بود و مکرّر بمکه معظمه و مدینه منوره مشرف شده و در هر دو شهر مدرسه‌ای ساخته و آرزو داشت در مکه دعوت حق را اجابت گوید و تألیف قاموس را هم در آن شهر خاتمه داده و خود در آخر آن تصریح کرده است ولی بآرزوی خود نرسیده و در شب بیستم شوال سال ۸۱۷ در نودسالگی در زبید یمن باینکه حواس وی کاملاً بجا بود در گذشت.

و در سیره او نوشته اند که شبی بر او نگذشت که پیش از خواب دو بیت حفظ نماید و بفارسی و عربی شعر میسر و ده ولی از اشعار و آثار فارسی او اثری نیافتیم در مقدمه نسخه شماره (۵۷۸) مدرسه مشیر السلطنه ابیاتی از مؤلف قاهوس نقل گردیده و گوید اگر اشعار وی جمع آوری شود دیوایی میشود و این چند بیت از آنجا نقل گردید:

الّا انما القرآن تسعة احرف	اثبت به (۲) فی نظم شعر بلا خلل
حلال حرام محکم منشاب	بشیر نذیر فحصة عظمة مثل

(۱) در حاشیه صفحه ۱۰۱۲ معجم المطبوعات نسخه خطی این کتاب را که در پنج مجلد میباشد مصر در بیت السعاده و دمشق در کتابخانه ظاهر به نشان داده. و آقای محیط طباطبائی گویند اخیراً در مصر چاپ شده است.

(۲) نگارنده از مرحوم حاجی ملا محمد حسین عموی مادر خویش رحمه الله این دو بیت را در ایام صبا شنیده و بجای «اثبت به» کلمه «اینها» بخاطر دارم و این اصح و انسب بنظر می آید.

و نیز در آنجا است که قاضی علی بن محمد بن الناشری چون از ایشان اجازه طلب نمود نوشت :

يقول محمد المدعوّ مجداً      وملتجياً الى الحرم العزيز  
اجزت له روايه ما رواه      لنا الا شياخ بالشرط الوجيز  
وخيرت الاجازه بامتداح      فيما عجباً لممدوح بحيز  
و در شذرات الذهب بنقل از «الضوء اللامع» ابیاتی است و این دوبیت نیز در آنجا است :

احببنا الاما جدان رحلتهم      ولم ترعوا لنا ودأوالاً  
نودعكم ونودعكم قلوباً      لعسل الله يجهعنا والاً  
مؤلفات فیروز آبادی بسیار، سیوطی در بغیه و مؤلف شذرات الذهب بنقل از الضوء اللامع و صاحب روضات و دیگران بنقل آنها پرداخته و ما نیز در اینجا آنچه را بدو نسبت داده شده میآوریم :

تیسیم فائحه الاحاب تفسیر فائحه الكتاب (در يك مجلد بزرگ)، الدر المنظم الى فضائل القرآن العظيم (نسخه آن در كتابخانه مجلس است)، حاصل كورة الخلاص في فضائل سورة الاخلاص، شرح خطبة الكشاف، بصائر ذوی التميز في لطائف الكتاب العزيز، تنوير المقباس في تفسیر ابن عباس (در چهار مجلد)، ۱. منهج الباری بالسیح المسیح الجاری فی شرح صحیح البخاری. (در شذرات و كشف الظنون و دیگر كتابها از الضوء اللامع نقل گردیده که از این كتاب بس ریع عبادات، آلیف شده و در بیست مجلد است ولی در مقدمه نسخه ۸۹ ذیل از نمیس الدین ساجمان بن ابراهیم علوی نقل نموده که وی گوید : یادداشتی از قاضی صفی الدین احمد بن ابی بکر البریهی یافتیم که شیخ مجدالدین تاجب الصبام صحیح بخاری را در بیست و چهار مجلد شرح نموده و ندانستیم که دیگر چقدر از آن شرح کرده است)، ۲. شوارق الاسرار العلیه فی شرح مشارق الانوار النبویه (در چهار مجلد)،

(۱) در چند جا مقباس باباء ابجد ضبط شده ولی در معجم المطبوعات و كشف الظنون باباء خطی است و صحیح باباء موحده است و مؤلف معجم مذکور در ص ۴۷۰ گوید که نسبت این كتاب به مجدالدین غلط و مؤلف آن ابن عباس رضی الله عنه است. و علماء رجال این كتاب را از مؤلفات فیروز آبادی دانسته اند و از نام كتاب هم برمی آید که این كتاب غیر از تفسیر ابن عباس میباشد و نسخه ای که در هندی نام تفسیر ابن عباس چاپ شده عین آنست که بقم فیروز آبادی در مصر چاپ و مشهور گردیده، بنا بر این نگارنده واقفید اینست که فیروز آبادی اخباریکه ابن عباس رضی الله عنه در تفسیر سوره آیات قرآن کریم نقل نموده، جمع آوری کرده و آنرا «تنویر المقباس فی تفسیر ابن عباس» نام گذارده و خود ابن عباس رحمه الله تفسیری تدوین نکرده است.

المصطلحات والبشر في الصلاة على خير البشر، الوصل والمعنى في فضل منى، عمدة الحكم في شرح عمدة الاحكام (در دو مجلد)، حاسن اللطائف في محاسن الطائف، تجميع الموشين فيما يقال بالسمن والشين (۱)، الروض المسافر فيماله اسمان الى الوف، أم تضاؤ السهاد في اقراض الجهاد، المبلغه في تراجم ائمة النجاة والعه (۲)، الانبجحه العنبريه في مولد خير البريه، نزهة الاذهان في تاريخ اصبهان، الاممع المعام العجاب الجامع بين المحكم والعباب وزيادات المتلها الوطاب (مؤلف در مقدمه قاموس خود اين كتاب را نام برده و كويد تخميناً در شصت مجلد حواهد بود ولي چون مفصل ميشد طلاب ودانشجويان خواستار شدند كه مختصر بنويسم شواهد و زوائد آن را انداختم وهرسى جلدى را درمجلدى گنجايديم، ولي در شذرات و كشف الظنون و مقدمه هاى نسخ بنقل از سخاوى نوشته شده كه تمام آن صد مجلد تخمين زده شده كه هريك مجلد باندازه صحاح جوهرى باشد و پنج مجلد آن تاليف كردنده است، نگارنده اين اجتهاد مخالف نص مؤلف را ندانست علماء رجال بچه دليل كرده اند و مدرك آنها چيست)، الاسماء بالا صعاد الى درجة الاجتهاد (سه مجلد است)، المعانم المطابه فى معالم طابه، قهيج الزام الى بلد الحرام، اثار اللجون فى زيارة الحجون (۳) (كوبند در يك شب تاليف كردنده)، فصل الدر من الخزرة فى فضل السلامة على الخبزه (در يكى از نسخ است كه اين دو، نام دوقريه از طائف مى باشند)، روضة الناصر فى ترجمة الشيخ عبدالقادر، امر قاة الوفيه فى طبقات الحنفيه، الفضل الوفى فى المدل الاشرفى، تجميع الغرفات للمعين على عين عرفات، هنية السؤل فى دعوات الرسول، التجاريج فى فوائد متعلقة باحاديث المصابيح، تسهيل طريق الوصول الى الاحاديث الزائدة على جامع الاصول، الدر الغالى فى الاحاديث الغوالى، سقر السعاده، (۴) المةفق وضعا المختلف صقعا، مقصود ذوى الالباب فى علم الاعراب، المةلث الكبير (در پنج مجلد)، تحفة القمايل و يمن يسمى من الملائكة و الناس باسمعيل، اسماء السراح فى اسماء المكاح، الجاليس الانيس فى اسماء الخندريس (۵) انواع الغيث فى اسماء الليث، قرقينى الاسل فى تضييف العسل (چند جزو است)، زاد الميمك (بر وزن بانت سعادت است)، شرح زاد المعاد، الانبجح الطرائف فى المنك الشرائف، العصر اى المستقيم (اين كتاب در

(۱) در ص ۱۴۶۹ مجمع المطبوعات نوشته شده كه اين كتاب چاپ گرديده و نسخه اى خطى نيمس از آنرا در كتابخانه شخصى آقاى تربيت ديده ام.

(۲) دانشمند معاصر آقاى تربيت گويند: نسخه اى از اين كتاب را در برلن ديده ام و از بنيه سيوطى بهتراست.

(۳) اين كتاب در حديث مى باشد و از جمله كتب سيرة حضرت پيغمبر (ص) شمرده مى شود و نسخه اى از آن در كتاب خانه خديويه در ۲۰۰ صفحه موجود است (آداب اللغه).

(۴) خندريس شراب است و در اين كتاب آنچه درقر آن كريم واحاديث واقوال علماء در موضوع شراب آمده آورده شده و تاليف آن بنام ملك اشرف گرديده و نسخه اى از آن در كتابخانه خديويه در ۲۴۲ صفحه موجود است (آداب اللغه ج ۳ ص ۱۴۶).

آخر قاموسی که بسال ۱۲۷۰ بچاپ رسیده (ظاهر آذربایجان) از مؤلفات فیروز آبادی شمرده شده است)، **المروقات الارفعیه فی طبقات الشافعیه** (در کشف الظنون و مقدمه تاج العروس از مؤلفات این مؤلف شمرده شده)، **الاشارة الی مافی کتب الفقه من الاسماء** و **الاماکن واللغات** (این کتاب را جرجی زیدان نقل نموده و گوید نسخه ای از آن در کتابخانه دلاستر میباشد)، **تحفة الایمه فی من نسب الی غیر ایه** (نیز جرجی زیدان گوید نسخه ای از آن در کتابخانه الجزائر موجود است)، **مجموع السؤالات من صحاح الجوهری** (جرجی زیدان نسخه ای از آن را در کتابخانه کوپرلی نشان داده است)، **رسالة فی حکم القنادیل النبویه** (جرجی زیدان گوید نسخه ای از آن در کتابخانه الجزائر موجود است)، **الاهمال المتفق المعنی** (جرجی زیدان نسخه ای از آن را در خزانه تیموریه نشان داده)، **مقامات فیروز آبادی** (در مقدمه نسخه شماره ۵۷۸ مدرسه مشیر السلطنه بدین تصریح شده، **الفرار الیه** و **الدرالمشتبه**) نسخه ای از این کتاب را آقای تربیت بخط عبدالرحیم پسر فیروز آبادی دارند و بسال ۷۷۳ نوشته شده است)، **والقباوس المحيط فی جمیع لغات العرب الی ذبیت الله علیها** (۱) (همین کتاب که مشهور به **قباوس** است).

قاموس از مشاهیر کتب لغت میباشد و از هنگام تالیف تا کنون همواره مورد استفاده مراجعه کنندگان بکتاب عربی و ادبیات آن زبان بوده و از سال ۱۲۲۰ تا ۱۲۳۲ در چهار جزء در کلکته (ظاهراً برای نخستین بار) باحروف سربی چاپ شده و تا کنون مکرر در ایران و مصر و هندوستان چاپ شده است.

جمعی بردوان نقد قاموس پرداخته و آنچه بغلط نقل و ترجمه شده و یا بایستی ذکر شود و انشده است تذکر شده اند و جمعی دیگر هم بشرح و یا ترجمه آن پرداخته اند و ما آنان را که بنام مؤلفه آنها دست یافته ایم در اینجا میآوریم:

۱- «**إتجاه القباوس بذکر ما فات القاموس**» نسخه آن در کتابخانه خدیویه میباشد،  
 ۲- «**الدر اللقیمة فی اغلاط القاموس المحيط**» تالیف محمد بن مصطفی مشهور به داودزاده منوفی بسال ۱۰۱۷ و نسخه ای از آن در کتابخانه ایاصوفیا است، ۳- «**الجباسوس**

(۱) مؤلف خود در مقدمه گوید: **واسمیه بالقباوس المحيط** و در آخر کتاب جمله: **والقباوس الوسیط**. را بر نامند که و اضافه نموده و در آخر ماده وجود (به نسخه شماره ۵۶۳) این کتابخانه و شماره (۵۷۸) مدرسه مشیر السلطنه مراجعه شود) از کلمه فی **جمع** تا **شماطیط** نیز بنقل از نوشته مؤلف بر جمله های سابق اضافه شده، و قاموس چنانکه در قاموس نوشته شده بمعنی محل عمیق دریا و قابوس بمعنی مرد نیکو منظر است و مراد از وسیط معتدل القامه میباشد، و شماطیط بمعنی پراکنده شد ها است و طولانی بودن نام کتاب چون نظائر آنرا از مؤلف نقل نمودیم موجب انکار نخواهد بود.

علی القاموس» تألیف احمد فارس معروف به باق متوفی بسال ۱۸۸۶ م. که انتقادات خود را بر قاموس در ۲۴۰۰ مرتب نموده و کتابی مفید و شامل مطالب مهمه است، و بسال ۱۲۹۹ که ظاهراً همان سال اختتام تألیف آن است چاپ گردیده است، ۴- «اضاعة الادموس و رياضة الشموس من اصطلاح صاحب القاموس» تألیف عبدالعزیز حلی است و نسخه ای از این کتاب در کتابخانه الجزائری می باشد، ۵- «اضاعة الراموس و افاضة القاموس علی اضاعة القاموس» تألیف ابو عبد الله محمد بن الطیب بن محمد الفاسی المغربی می باشد و این کتاب شرح قاموس و در سه مجلد است و نسخه ای از آن در کتابخانه دارالکتب المصریه موجود است (ص ۳ ج ۲ فهرست دارالکتب مراجعه شود)، ۶- «اضاعة الادموس و رياضة النفوس من اصطلاح صاحب القاموس» تألیف ابوالعباس احمد بن عبدالعزیز بن الرشید الهاللی السجلماسی المغربی است و آن را ذیل کتاب خود که در شرح خطبة قاموس و بنام «فتح القدوس فی شرح خطبة القاموس» می باشد در سه رکن ترتیب داده و نسخه ای از آن در کتابخانه دارالکتب موجود است (ص ۳ ج ۲ فهرست دار)، ۸- «تاج العروس من جواهر القاموس» تألیف سید محمد مرتضی الحسینی الواسطی الزبیدی (۱۱۴۵ - ۱۲۰۵)، شرح قاموس و در ده مجلد می باشد و خود در آخر کتاب مدت تألیف را چهارده سال و چند روز معین نموده و از شروع بسیار خوب قاموس می باشد و گذشته از شرح قاموس مستدرکاتی را هم از لغات دار آن است و دوبار تا کنون در مصر چاپ شده است، ۹- «الاقیانوس البسیط فی ترجمة القاموس المحيط» ترجمه ترکیبی قاموس می باشد و مترجم آن احمد عاصم افندی است که بسال ۱۲۲۵ ترجمه شده و مکرر در آستانه و مصر چاپ شده است، ۱۰- «القابوس» ترجمه فارسی قاموس و تألیف محمد حبیب الله در زمان محمد شاه (ظاهراً یادشاه هند) ترجمه شده و دو مجلد است و نسخه ای از آن در دو مجلد که بسال ۱۲۲۲ و ۱۲۲۳ نوشته شده در کتابخانه آصفیه موجود است (ج ۳ ص ۶۱۸ فهرست آصفیه) و نسخه ای از آن نیز در موزه لندن است، ۱۱- و ۱۳- «القول المانوس فی تحرير القاموس» و «القول المانوس بشرح معانی القاموس» تألیف بدر الدین قرافی (۱۰۰۸-۹۳۹) و کتاب اول در حاشیه قاموس بسال ۱۳۴۴ در مصر چاپ شده و نسخه آن بخط مؤلف در کتابخانه خدیویه بگفته جرجی زیدان موجود است، ۱۲- «شرح خطبة - القاموس» تألیف مناوی تاج الدین عبدالرؤف بن علی المناوی القاهری الشافعی (۹۵۲-۱۰۳۱) می باشد و نسخه آن در دارالکتب العربیه موجود است، ۱۴- «رجل الطاوس فی اغلاط القاموس» صاحب روضات در ص ۱۱۱ نوشته اند: بعضی از متأخرین نوشته است (۱) - «رسالة در اغلاط قاموس» تألیف سید علیخان کبیر (متوفی بسال ۱۱۱۸) در مقدمه تاج العروس مؤلف آن جمعی که بشرح خطبة قاموس و خود کتاب پرداخته و با در اطراف مندرجات قاموس صحبت

(۱) مؤلف تاج العروس در ذیل آنهاییکه اعتراضاتی بر قاموس دارند «رجل الطاوس» را نام برده و گوید مؤلف آن سید محمد بن رسول البرزنجی است.

و بحث کرده اند یاد شده، جز آنها را که قبلاً نام برده ایم دیگران را در اینجا می آوریم :

۱۶. « شرح خطبه قاموس »، تالیف محب بن شحنه، ۱۷. « ایضاً تالیف ابوالروح عیسی بن عبدالرحیم کجراتی، ۱۸. « ایضاً تالیف علامه میرزا علی شیرازی، ۱۹. « شرح قاموس »، تالیف نور علی بن غانم المقدسی (حاجو) خلیفه گوید : نورالدین علی بن غانم مقدسی متوفی بسال ۱۰۰۴ بر قاموس حاشیه ای نوشته است )، ۲۰. « شرح قاموس »، تالیف سعدی آفندی، ۲۱. « شرح قاموس »، تالیف عبدالله بن الامام شرف الدین الحسنی پادشاه یمن متوفی بسال ۹۷۳ شارح « نظام الغریب » و این شرح قاموس موسوم به « کسر الزبائوس » است، ۲۲. « شرح قاموس »، تالیف یحیی القرافی نیز بر این کتاب شرحی بنام « بهجة النفوس فی المحاکمة بین الصحاح والقاموس » نوشته و این شرح را از نوشته های عبدالباسط بلقینی و سعدی آفندی و امام لغوی ابوالعباس احمد بن عبدالعزیز فیلالی که اینک (تاریخ تالیف تاج العروس ۱۱۷۴-۱۱۸۸) در قید حیات جمع کرده، و صاحب تاج العروس گوید : از همه شرح ها می که دیده و شنیده ام بهتر « شرح محمد بن الطیب بن محمد قاسی متولد بسال ۱۱۱۰ در فاس و متوفی بسال ۱۱۷۰ در مدینه منوره می باشد (نام آن درس ۳۸ گذشت) و این شرح در دو مجلد بزرگ گذارده شده و نسخه ای از آن در نزد من (صاحب تاج العروس) است

و وجهی آنچه از لغات را صاحب قاموس می آورده جمع نموده و در حقیقت بر آن ذیل نوشته اند از آنها ۲۳. « علی بن محمد معصوم حسینی قاسی، ۲۴. امام لغوی عبدالله بن المدی حوالی حمیری از علماء یمن متوفی بسال ۱۰۶۱ می باشد ۲۵. « الفاموس »، تالیف ملا علی بن سلطان الهروری، ۲۶. « ابو عبد الله محمد بن احمد المناوی بر قاموس ردی نیکو نوشته، ۲۷. ابن حجر مکی در « التحفه » با صاحب قاموس مناقشات و ایرادات خوب کرده، ۲۸. « شهاب الدین خفاجی در « العنایه » با مؤلف قاموس محاورات و مطارحات دارد، ۲۹. « صاحب تاج العروس گوید : شنیده ام که البرهان ابراهیم بن محمد الحلبی متوفی بسال ۹۰۰ قاموس را مختصر کرده است.

تا اینجا ترجمه مندرجات مقدمه تاج العروس بود و پس از این نام آنرا آنکه باختصار این کتاب پرداخته و با شرح و ترجمه آن مبادرت نموده اند و بیش از این نام آنها را نبرده ایم میرد ازیم ۳۰. « ترجمه ان اللغه » ترجمه قاموس بفارسی است و مترجم آن محمد یحیی قزوینی بنام شاه سلطان حسین صفوی می باشد و با دعاء خویش در آخر ترجمه سی و یکماه و ده روز این کار را با انجام رسانیده (دهم شعبان ۱۱۱۴ تا بیستم ربیع الاول ۱۱۱۷) و این ترجمه دوبار یکی مستقلاً بسال ۱۲۷۳ و دیگری در حاشیه قاموس بسال ۱۲۷۷ در طهران چاپ شده است، ۳۱. « مختصر قاموس » صاحب روضات ج ۴ ص ۲۰۷ تا ۲۰۸ از تقی الدین کرمابی نقل نموده که بر حسب خواهش پدرش، فیروز آبادی قاموس را در یک مجلد بزرگ مختصر کرده است ولی کشف الظنون در ج ۲ ص ۴۷ در ذیل کتاب « اللمع المعلم العجیب » این گفتار تقی الدین

را نقل نموده بنا براین اختصار کتاب مذکور یعنی تالیف قاموس اللغة برحسب خواهش پدر تقی‌الدین بوده است.

صاحب کشف الظنون گذشته از اینکه بعضی از مذکورات بالا را نام برده نسخ ذیل را هم یاد آور شده است :

۴۳. «حاشیه قاموس» سعدالله بن عیسی المنقی معروف به سعدی جایی بر قاموس تعلیقانی نگاشته شاگرد وی عبدالرحمن بن علی الاماس آنها را جمع آوری نموده و جامع بسال ۹۸۳ مرده است، ۴۴. جواب اعتراضات قاموس «مرج البحرین» ابویس بن محمد متوفی بسال ۱۰۳۷ جواب اعتراضات فیروز آبادی بر جوهری برداشته است، ۴۵. «البایوس» ترجمه ترکی قاموس و مترجم آن احمد بن مرکز میباشد، ۴۶. «حاشیه قاموس» بالقول المانوس تالیف شیخ عبدالماسط بن حایل حنفی متوفی بسال ۹۲۰، ۴۷. «مختصر القاموس» تالیف شیخ علی بن احمد الهیتی است و نسخه ای از آن در کتابخانه دارالکتب موجود میباشد (ج ۲ ص ۳۶ فهرست دار)، ۴۸. «سبوطی» لغاتیکه صاحب قاموس برصاحاف افزوده جمع آوری نموده و آنرا «الافصاح فی زوائد القاموس علی الصحاح» نامیده است، ۴۹. «القول المانوس فی صفات القاموس» تالیف مفتی محمد سعدالله مراد آبادی متوفی بسال ۱۲۹۳ میباشد که نگفته مؤلف فهرست آصفیه (ج ۲ ص ۱۴۴۰) بسال ۱۲۸۷ چاپ شده است، ۵۰. «عبدالکریم بن عبدالکریم صفی پوری» بسال ۱۲۵۲ قاموس را بفارسی ترجمه نموده و آن را برتیب حرف اول و دوم مرتب ساخته (۱) و چون لغت یا لغاتی در یکی از مواد در قاموس نموده از کتب معتبره چون صحاح و دیوان الادب و ناج المصادر و دیگر کتابها ترجمه نموده و بر آن افزوده و نام آن را «منتهی الارب فی لغات العرب» گذارده و بدو در کلکته و بسال ۱۲۹۸ در طهران چاپ شده است، ۵۱. محمد یحیی بن شفیق قزوینی رساله ای بنام الجموع والمصادر که در فصل بعد از آن نام نخواهیم برد تالیف و آنچه صاحب قاموس در مصادر و جموع احمال کرده و با اشتباه نموده تذکر داده شده است.

۵۲. «الوشاح و تنقیف الارواح فی رد نوهیم المجد علی الصحاح» تالیف ابوزید شیخ عبدالرحمن بن عبدالعزیز میباشد و بسال ۱۲۸۱ در بولاق مصر و بسال ۱۲۹۲ در حاشیه صحاح نیز در مصر چاپ شده است، ۵۳. ترجمه «فارس و شرح قاموس» نسخه ای از این کتاب را دانشمند معاصر آقای تربیت دارند که از قرائن بدست میاید خط مؤلف است و ناشر حاده قراح را شامل میباشد و آغاز آن اینست : باب الهمزه فصل الهمزه محضی نماناد که مؤلف در بضائر ذکر کرده که الف

(۱) کشف الظنون (ص ۲۱۵ ج ۲) گوید که شروح و حواشی قاموس را (که ما آنها را در اینجا ذکر خواهیم نمود) از «تلخیص القاموس» تالیف شیخ ابراهیم بن محمد حابی متوفی بسال ۹۵۶ نقل کرده ایم و در اینجا کلمه البرهان که ظاهراً مختصر برهان الدین میباشد نیست و سال فوت مؤلف هم با آنچه مؤلف ناج العروس ضبط کرده و در ص ۲۳۹ ذکر شده مخالف است.

اصل وهیولای سائر حروف است و جمله کلمات و لغات از آن متخالفند الخ. و با احتمال خود ایشان این ترجمه و شرح تألیف محمد بن حسن شیروانی مشهور به ملامیرزای شیروانی متوفی بسال ۱۰۹۸ میباشد و در ص ۳۳۲ دانشمندان هم یکی از مؤلفات این دانشمند را ترجمه و شرحی مبسوط بر قاموس شمرده اند. ۴۳- « حاشیه قاموس » بقلم مرحوم شمس العلماء گرکانی متوفی در اوائل دهه ششم از قرن چهاردهم هجری که از دانشمندان شهر طهران بوده و نسخه ای از قاموس که دارای آن حواشی بخط محشی است اینک در کتاخانه شخصی آقای حاج سید نصرالله تقوی اخوی رئیس محترم دانشکده معقول و منقول در طهران موجود است.

قاموس چنانکه مؤلف در دیباچه آن تذکر داده دو برابر صحاح اللغه دارای لغت میباشد و بعضی گفته اند که باندازه ثلث صحاح اضافه دارد و مؤلف تاج العروس گوید: قاموس مشتمل بر شصت هزار ماده لغت میباشد و بیست هزار بر صحاح اللغه افزوده است چنانکه ابن منظور الافریقی در لسان العرب بیست هزار لغت بر صحاح اللغه افزوده است (۱). فیروز آبادی در مقدمه قاموس گفته آنچه را که در صحاح نیست و در اینجا آورده شده با سرخی نوشته است.

این بود آنچه نگارنده برنام کتب راجعه بقاموس دست یافت و چون این کتاب مکرر چاپ شده و هر کس اندک آشنائی با دبئات عرب داشته باشد آنرا بخوبی میشناسد از بیان طرز آن خود داری و بنقل دو بیت از مقدمه تاج العروس که در طرز استفاده از قاموس میباشد قناعت میکنم:

إِذَا رُمِيتَ فِي الْقَامُوسِ كَشْفًا لِلْفِظَةِ فَأَخْرِهَا لِلْبَابِ وَالْبَدْءِ لِلْفَصْلِ  
وَلَا تَعْتَبِرْ فِي بَدَائِهَا وَآخِرِهَا مَزِيدًا وَلَكِنْ اُعْتَبِرْكَ لِلْأَصْلِ  
(۸۶۱)

قاموس المحيط این نسخه بخط نسخ خوب نگاشته شده و مشتمل بر تمام کتاب است. کاتب از خود و سال کتابت نام نبرده، اوراقی

از اوّل و آخر نسخه نو نویس میباشد و بعضی از اوراق دیگر کتاب و صالی شده،

(۱) یشت نسخه (۸۶۳) این فهرست از شهاب الدین خفاجی از خط فیروز آبادی نقل شده که صحاح مشتمل بر پنجهزار ماده لغت میباشد و من بر آن بهمین اندازه افزوده ام. و چون این بیان با نوشته مؤلف تاج العروس مخالفت زیاد داشت نگارنده مواد لغات صحاح را شماره نمود در حدود (۵۰۰) ماده لغت بود بنا بر این نقل خفاجی صحیح خواهد بود و وجه جمع این دو قول اینست که کلمه ماده در تاج العروس زیاد باشد.



پشت ورق اول از جزء دوم حاج فرهاد میرزا معتمدالدوله نوشته اند که در سنه (۱۲۵۶) در شیراز این کتاب خریده شد و در ذیل آن برعربی نگاشته اند که آنرا بمیرزا فضل الله نصیرالملک در روز غدیر سال مذکور بخشیدم و در چندین جای از نسخه جلال نام پسر خضر بن داود در سنه (۹۴۳) نوشته اند که این نسخه متعلق بایشان گردیده ، نسخه در آب افتاده ولی خطوط آن ضایع نگردیده و دارای يك سر لوح تازه است که از قرن سیزدهم می باشد و مجدول بسرخی است .  
جلد ساغری ضربی می باشد . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۸۲۲ ) . صفحه ای ( ۲۷ ) سطر . طول (  $۳۱ \frac{۱}{۴}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۲۰ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۵۲ ) .

( ۸۶۲ )

قاموس المحيط این نسخه بخط نسخ عبدالرزاق بن محمد الیمنی در سنه (۹۵۵) نوشته شده و بانسخه اصل مصنف مقابله گردیده و مشتمل بر تمام کتاب است ، صفحات مجدول بطلا و لاجورد و صفحه اول و آخر نو نویس می باشد ، تمام اوراق کتاب بانهایت مهارت متن و حاشیه شده و چند ورق از اول و آخر و صالی گردیده است .

جلد چرمی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۵۶۷ ) : صفحه ای ( ۳۵ ) سطر . طول (  $۲۷ \frac{۱}{۴}$  سانتیمتر ) عرض ( ۲۰ سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۵۶ ) .

( ۸۶۳ )

قاموس المحيط این نسخه بسال ۹۶۲ نگاشته شده ، کاتب نام خود را نگاشته و مشتمل بر تمام کتاب است ، در حاشیه بیشتر از صفحات حاشیه هائی از عبدالباسط وسعد مفتی و عمادالدین کاشی و قطب الدین حنفی مکی در توضیح مطالب کتاب می باشد و نیز مطالبی از کشاف و کشف الکشاف و شرح موجز و مغرب اللغه و عقد الفرید و مصباح المنیر و الفتن و الملاحم و دیگر کتابها نوشته شده ، پیش از شروع بنگارش کتاب نویسنده ای بر حسب امر یکی از قضات معاصر خویش که از وی چنین تعبیر نموده : ( نقل ذالک برسم القاضی العلام البحر الهمام زین الدین نسیمی بن صالح عامله الله تعالی بخفی لطفه و جعله من اهل محبته و الفقه بحقه علیه آمین ) ،

شرح حال فیروز آبادی را مفصل تر از آنچه در الضوء اللامع و دیگر کتابها میباشد از تاریخ شیخ عقیف الدین عبدالوهاب بن وجیه الدین عبدالرحمن بر بهی (از قرائن بدست میآید تاریخ راجع به علماء زیدیمین است) نقل نموده است ، از یادداشتیکه پشت صفحه اول قاموس میباشد و عبارت آن اینست : ( آخوند ملا صدراى مرحوم بخداوند گاری برسم هدیه دادند ) و مهر اسم مربعی که سجع آن اینست : ( المذنب محمد المدعو بصدرا الدین ) معلوم میشود که این نسخه متعلق بحضرت آخوند بوده و جمله هائی بخط شکسته نستعلیق پشت صفحه اول و آخر نسخه و در حاشیه بعضی از صفحات میباشد و با آشنائی بخط آخوند و قرائن بالا توان گفت جزماً نگاشته ایشانست ، یادداشتهای دیگر بر این نسخه نیز یافت میشود ، در ابتداء قاموس سرسوره موجود و صفحات مجدول بشنجر ف میباشند .

جلد نیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف مشیر السلطنه . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۵۲۱ ) . صفحه ای ( ۳۱ ) سطر . طول (  $\frac{1}{4}$  ۲۷ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۹ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۵۷۸ ) قفسه مدرسه مشیر السلطنه .

( ۸۶۴ )

قاموس المحيط این نسخه بخط نسخ نوشته شده و شامل تمام کتاب است . نویسنده ذکرى از نام خود و سال نگارش ننموده ، چند ورقى از فصل عین تالمیم از باب طاء جایجا شده ، صفحات مجدول بسرخی میباشد ، پشت برگ نخستین اشعاری در معرفی و مدح قاموس بسال ۱۰۵۲ نوشته شده ، ورق اول و آخر و صالى گردیده و بیشتر اوراق را موریا نه سوراخ کرده و ظاهر آن نسخه در قرن نهم نوشته شده است .

جلد نیماجی . کاغذ سر قندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۶۷۱ ) . صفحه ای ( ۳۳ ) سطر . طول (  $\frac{1}{4}$  ۳۰ سانتیمتر ) . عرض ( ۲۰ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۴۵ ) .

( ۸۶۵ )

قاموس المحيط این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده و از نسخ نفیسه این کتاب است ، نویسنده ذکرى از نام خود و سال نگارش ننموده ، پس از اتمام معانی لغت وجد عباراتی از نسخه مؤلف که حاکی از ختم جزو اول

کتاب است نقل نموده، و حاشیه صفحه اول و دوم گل و بوته طلائى دارد و تمام صفحات مجدول بطلا است. چند ورق از فصل تاه تاحاء از باب باء عرضاً پاره شده و قابل و صالحى است، پشت آخرين ورق شرح حال مؤلف را نوشته اند و اين قسمت برخى از مطالبى است که در الضوء اللامع ميباشد و دو ورق آخر مختصر و صالحى گرديده است. جلد نيماجى مذهب. کاغذ دولت آبادى. واقف سپهسالار. قطع وزبرى کوچک. شماره اوراق (۷۰۵). صفحه اى (۲۹) سطر. طول (۲۰ سانتيمتر). عرض (۱۳ سانتيمتر). شماره کتابخانه (۶۳).

(۸۶۶)

**قاموس المحيط** اين نسخه بخط نسخ يوسف بن خضر بحيرى در جامع الازهر مصر نوشته شده و شامل جزء اول کتاب تا آخر باب ضاد ميباشد. کاتب ذکرى از سال کتابت نکرده و ظاهراً از خطوط قرن دهم بنظر ميرسد، پشت صفحه اول نسخه تذهيب شده و مقابل صفحه آخر ترنجى است که بر آن اتمام جزء اول قاموس نگارش يافته، چهار صفحه از اول و يك صفحه از آخر کتاب مجدول بطلا و لاجورد و عنوان ابواب باطلا نوشته شده است.

جلد چرمى. کاغذ نباتى ضخيم. واقف سپهسالار. قطع رحلى. شماره اوراق (۳۲۴). صفحه اى (۲۵) سطر. طول (۳۰ سانتيمتر). عرض (۲۱ سانتيمتر). شماره کتابخانه (۴۱).

(۸۶۷)

**قاموس المحيط** اين نسخه بخط نسخ نوشته شده، صفحه اول و آخر آن نو نويس است، نويسنده کتاب را بدین ترتيب چهار قسمت نموده (۱) از باب همزه تا فصل زاء از باب راه. (۲) از فصل سين از باب راء تا فصل سين از باب عين. (۳) از فصل شين از باب عين تا فصل الظاء از باب اللام. (۴) از اين فصل تا آخر کتاب و فاصله هريك از اين قسمتها يك دو صفحه کاغذ نوشته ميباشد، کاتب از خود و سال کتابت در هيچيك از قسمتهاى کتاب نام نبرده، صفحات مجدول بسرخرى و لاجورد، نسخه قديمى و ظاهراً از خطوط قرن نهم است. جلد نيماجى. کاغذ سمرقندى. واقف سپهسالار. قطع رحلى. شماره اوراق (۴۰۵). صفحه اى (۳۱) سطر. طول (۲۵ سانتيمتر). عرض (۱۷ سانتيمتر). شماره کتابخانه (۴۷).

## ( ۸۶۸ )

**قاموس المحيط** این نسخه بخط نسخ در سال (۱۰۳۲) نوشته شده و مشتمل بر تمام کتاب است، پشت ورق اول تذهیب شده و باسفیداب نام کتاب و مؤلف را نوشته اند، در ابتدای کتاب بر ورق دویست در وصف قاموس در چهار سطر میباشد، نخستین برگ کتاب دارای دو سر لوح میباشد، صفحات مجدول بطلا و سرخی است، در حاشیه اوراقی که یکی از بابها در آن میباشد و برگ مقابل آن دوایر کوچک تذهیب شده ای رسم شده، هشت ورق کاغذ نوشته در آخر کتاب میباشد، و اوائل ابواب سرسوره ای میباشد و اول جزء دوم کتاب نیز دو سر لوح کوچک است.

جاد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۴۷۰ ) . صفحه ای ( ۲۵ ) سطر . طول (  $۳۰\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۲۱ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۴۲ ) .

## ( ۸۶۹ )

**قاموس المحيط** این نسخه بخط نسخ در سال (۱۰۵۸) در مکه معظمه نوشته شده و شامل تمام کتاب است، کاتب نامی از خود نبرده و پشت صفحه نخستین یادداشت هائی میباشد یکی از آنها سال ۱۲۵۱ بخط محمد کازم بروجردی است که نسخه را از محمد کاظم شروانی خریداری کرده است، مهری در آخر کتاب بوده آنرا محو کرده اند، صفحات مجدول و سرخی است، اولین و آخرین برگ نسخه وصالی شده و نویسنده ای پشت آخرین ورق شصتمری از شرح حال مؤلف را نگاشته است.

جاد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۴۴۳ ) . صفحه ای ( ۳۵ ) سطر . طول (  $۳۰\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۲۰ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۴۳ ) .

## ( ۸۷۰ )

**قاموس المحيط** این نسخه بخط نسخ خوب محمد یوسف بن محمد قاسم نطنزی در سال (۱۰۷۸) نوشته شده و در سنه (۱۰۸۱) مقابله و تصحیح کردن آنرا با نسخه ای که با نسخه مصنف مقابله شده پشت صفحه اول و در حاشیه آخرین صفحه تذکر داده اند، ورق اول کتاب بطرزی بد وصالی گردیده،

صفحات مجدول بطلا و سرخی و مشتمل بر تمام کتاب میباشد و در آخر کتاب عباراتی که می‌رساند این نسخه از روی نسخه ایکه بسال ۸۷۶ نگارش یافته ، نوشته شده و پس از ختم کتاب شرح حال مصنف از کتاب « الضوء اللامع » سخاوی ملخصاً در دو صفحه نوشته شده است .

جلد چرمی ضربی . کاغذ اصفهانی . واقف سیهسالار . قطع رحلی کوچک . شماره اوراق ( ۵۳۵ ) . صفحه ای ( ۲۶ ) سطر . طول ( ۳۶ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۹ . ۱/۲ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۵۵ ) .

### ( ۸۷۱ )

**قاموس المحيط** این نسخه که بخط نسخ نوشته شده مشتمل بر سه قسمت از قسمت های چهار گانه قاموس میباشد و از باب همزه تا فصل سین از باب عین مهمله است هر يك از قسمتهای سه گانه دارای يك سر لوح میباشد ، صفحات مجدول بطلاست ، سال کتابت و نام کاتب نگاشته نشده ولی پشت صفحه اول یادداشت‌هایی از مالکین این کتاب میباشد که قدیمی ترین آنها در سنه ( ۱۱۹۳ ) نگاشته شده ، فاصله بین سطور صفحه اول و دوم را باطلا خط کشیده اند . جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سیهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۴۰۱ ) . صفحه ای ( ۲۵ ) سطر . طول ( ۲۹ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۸ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۹ ) .

### ( ۸۷۲ )

**قاموس المحيط** این نسخه بخط نسخ نگاشته شده و بقبه نسخه قبل میباشد ( فصل سین از باب عین مهمله تا آخر کتاب ) سال کتابت و نام کاتب ذکر نشده ولی بقرینه معلوم میشود که خط کاتب نسخه سابق که تحت شماره ( ۸۷۱ ) این فهرست و شماره ( ۳۹ ) کتابخانه از آن نام بردیم میباشد و دارای يك سر لوح و صفحات مجدول بطلا است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سیهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۳۸۰ ) . صفحه ای ( ۲۵ ) سطر . طول ( ۲۹ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۸ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۴۰ ) .

### ( ۸۷۳ )

**قاموس المحيط** این نسخه را بخط نسخ فتح محمد بن محمد صالح لاهوری نگاشته ولی سال کتابت را ذکر نموده ، مشتمل بر تمام

کتاب است، قسمتی از اوّل کتاب تصحیح گردیده لغات باسرخى نوشته شده، قسمتی از اوراق را مورّیانه سوراخ کرده و صفحات آن مجدول بسرخى وزنگار است، پشت نسخه نوشته شده: این کتاب قاموس مبلغ هفتاد روپيه.

جلد چرمى، کاغذ دولت آبادى. واقف سیه سالار. شماره اوراق (۸۲۷). صفحه‌ای (۲۷) سطر. قطع رحلى کوچک. طول ( $۲۸\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر) عرض ( $۱۸\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر). شماره کتابخانه (۴۴).

(۸۷۴)

قاموس المحيط این نسخه در سال (۱۲۴۷) بخط نستعلیق نصرالله بن ابوالقاسم نوشته شده و شامل تمام کتاب است و صفحات آن بسرخى وزنگار مجدول شده.

جلد تیماجى. کاغذ فرنکى. واقف سیه سالار. قطع رحلى. شماره اوراق (۵۵۳). صفحه لى (۲۶) سطر. طول (۳۰ سانتیمتر). عرض (۲۱ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۴۶).

### [ ۳۶۱ ] قانون الادب (عربى بفارسى)

مؤلف این کتاب حبیش (۱) تفلیسى است (ابوالفضل حبیش بن ابراهيم بن محمد التفلیسى) که از دانشمندان قرن ششم هجرى و باقلج ارسلان بن مسعود (از سال ۵۵۹ تا ۵۸۸ سلطنت نموده) (۲) از سلاجقه روم معاصر بوده و بدبختانه شرح حالى از ایشان در کتابى نیافته ام، مؤلفاتى پیارسى و عربى دارد.

از آنها «بيان الطب» (۳) «ملحمة دانيال» (۴) «بيان الصناعات» (۵) «صحّة الابدان» (۶)

(۱) حبیش بضم حاء، خطى و باء ابجد مفتوح و باء آخر حروف و شین قرشت میباشد و در مقدمه فوافى همین مؤلف، نام وی بدین گونه تشکیل شده است.

(۲) تاریخ سلطنت و مختصرى از حالات قلج ارسلان در ص ۳۷ ج ۲ تاریخ کامل ابن اثیر است.

(۳) نسخه‌ای از این کتاب که بفارسى است در تحت شماره (۸۲۶) در این کتابخانه میباشد.

(۴) ملحمة دانيال که بنام اصول الملاحم نیز نامیده میشود، بفارسى است و ترجمه این مؤلف است نه تالیف.

(۵) در مقدمه بیان الطب تالیف این کتاب را بحدود نسبت داده است.

(۶) در مقدمه کامل التعمیر خود این کتاب را نام برده.

« کتاب القوافی » (۱) « کماله التعبير » (۲)، « کفایه الطب » (۳)، « بیان التصریف » (۴) و قانون الادب میاشد .

قانون الادب یکی از کتابهای نفیس و قابل مطالعه و مفید در معانی پارسی لغات عربی میباشد ، مؤلف در مقدمه آن سعه اطلاع ادبی خود را نشان داده و مآخذ خود را نام برده و قسمتی از مقدمه را که مبنی طرز کتاب و انشاء مؤلف و مطالب مندرجه در آنست ذیلاً مینگاریم :

اما ترتیب این کتاب چنان نهادم و ساختم که نخست حرف الف را به آغاز کتاب برد و نوع نهادم چنانکه دو نوع نخستین کلماتی که آخرش حرف الف بود مفتوح و فتنه ناقصه بود جمله را بترتیب حروف بر وزن قافیه بنسق یاد کردم و در نوع دوم کلماتی که آخرش حرف الف مملود بود جمله را هم بر طریق نوع نخستین باز نمودم چنانکه نخست اسما را در هر نوعی بنشتم بعدش جمع و حرف را بعدش افعال را و در مقدمه هر نوعی کلماتی که آن ثنائی بود یعنی دو حرفی بود معنی هریک بزیر کلمتش بیارسی شرح کردم بعد آن کلماتی ثلاثی را یعنی سه را بعدش رباعی را یعنی چهار حرفی را بعدش خماسی را بعدش سداسی را و باخر هر نوعی کلماتی که دو بهم جمع بودند این جمله را بیان کردم و بالای هر کلمتی که از افعال بود علامتی از حروف حساب همد سیاهی بکردم و این علامتها از تصریف افعال است مقصودم از این علامتها آن بود تا خواننده و آموزنده این کتاب تصریف هر فعلی را درست صرفی بتواند کردن الخ .

و در اواخر مقدمه گوید :

و نیز در اواخر کتاب سه فصل بنهادم یکی اندر دانستن نامها بزرگان و شعراء عرب از مرد و زن و آنچه در کتابهای لغت و در شعرهای شعراء عرب موجود یافتیم و دوم فصل در معرفت بنیاد مصادر و اوزانش که از هر بابی مصدر بر چند وزن حاصل شود و سیم فصل اندر دانستن وحدان جمعها قیاسی و طریق اوزان هریکی که استخراج آن را چگونه توان دانستن تا کتاب بنایت کمال باشد و خواننده از مقصود بازماند الخ .

از نقل عبارات بالا طرز این کتاب بدست آمد و بامراجعه بکتاب دیوان الادب معلوم خواهد شد که این مؤلف آن مؤلفه را پیروی نموده است .

(۱) نسخه آن در این کتابخانه است و پس از قانون الادب ذکر میشود .

(۲) نسخه از این کتاب در کتابخانه معارف موجود است ( ج ۲ ص ۴۱۳ ) و در فهرست آصفیه تذکر داده شده که بسال ۱۳۰۲ چاپ گردیده است .

(۳) بهر بی است و در مقدمه بیان الطب از آن نام برده و تفصیل مطالب را بدان حواله داده .

(۴) در مقدمه دیوان الادب از آن نام برده است .

قانون الادب تا کنون چاپ نشده، و در حدود (۲۸۰۰۰) بیت کتابت دارد و سعدالدین مستقیمزاده آنرا بترکی ترجمه نموده و نام آن را «السنه ثلاثه» گذارده و این نام خود ماده تاریخ شروع به ترجمه آنست = ۱۱۸۳.

آغاز: بسمله سپاس خدای را که قادر بر کمالست و درود بر محمد علیه السلام که برگزیده و خوب خصلتست و بریاران و اهل بیت و هر که مصطفی را قرابت و آلت الخ.

(۸۷۵)

قانون الادب  
این نسخه بخط نسخ نوشته شده، قسمتی از فصل سوم آن افتاده، نویسنده و سال نگارش در جای دیگر از نسخه تذکر داده نشده، ظاهراً خط قرن یازدهم هجری می باشد، پیش از کتاب فهرست انواعیکه این کتاب بر آنها مرتب شده، بوده، ولی ورق اول آن نیست و پشت ورق اول نسخه یادداشتی بوده آنرا محو کرده اند و یادداشت دیگری بسال ۱۲۳۳ بر همان صفحه موجود و یادداشت مرحوم اعتضاد السلطنه جای یادداشت نحو شده نگارش یافته، بعضی از اوراق نسخه وصالی شده و عناوین مطالب با شجره است. جلد تیماجی. کاغذ دولت آبادی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۹۶). صفحه ای (۲۵) سطر. طول (۲۵  $\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر). عرض (۱۸ سانتیمتر). شماره. کتا بخانه (۱۰).

(۸۷۶)

قانون الادب  
این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، خاتمه کتاب که در سه فصل می باشد نگاشته شده و آخر نسخه اینست: بمقیی کنتم باب پرورده، هو این عهد دنیا او پسر عم وی است نزدیک؛ قانون ادب تمام اولدی مشقه عهدی بن شمس البغدادی فی سنه ۹۶۸. و نیز این یادداشت در کنار آخرین برگ نسخه نوشته شده: الحمد لله والصلوة علی رسول الله ترجمت تلك النسخة المنقحة من اولها الى آخرها مع ابقاء معانيها فصارت السنة ثلاثة فسميتها بذلك فوق تاريخها السنة ثلاثة ۱۱۸۳ لانتد اثنا بترجمتها فاتممتها فی سبع سنين بعون القوى المعین تعالی



وبهمة الامير نوری نورالله قلبه وعمره مع اولاده الامجاد الذینهم للسلطان احمد الثالث احفاد ووفقه لامثالهما آمین بالنبی الامین حرره مترجمها الفقیر ابوالمواهب سعد الدین سلیمان امین الله العریف بمستقیمزاده زادالله زاده فی الدارین بالسعادة سنة ۱۱۹۱ . دارای يك سرلوح كوچك میباشد كه اندكى چرك شده و نسخه تصحیح گردیده و مجدول بطلا ولاجورد است .

جلد ضربی خوب طلائی . كاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۲۳۴) . صفحه ای (۲۷) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۷  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۱) .

### [۳۶۲] قوافی (عربی بفارسی)

مؤلف این کتاب حبیبش تفلیسی است (ص ۲۴۷) [۳۶۱] و بر حسب امر پادشاه عصر خویش بتألیف آن پرداخته و آن را بنام پسر وی قطب الدین ، موشح نموده ، مقدمه آن را كه مبین سبک نگارش آن روزگار بوده و كتاب را معرفی مینماید در اینجا می آوریم :

بسم الله الرحمن الرحيم رب تمم بالخير سياس وشكر خذايراه كه از علم ودانش مارا بهره داد و راه راست نمود و دین اسلام بارزانی داشت و درود خدای بر محمد باد علیه السلام و بر یاران و اهل بیته چنین گوید حکیم ابو الفضل حبیب بن ابراهیم بن محمد الکمالی التفلیسی كه ملك اجل عادل عالم كبير قطب الدین عماد الاسلام ونظامها ، جلال الملة وجمالها ، نجم الملة وتاجها ، شمس الملوك والسلطين ، ناصر جيوش المسلمين ، فخر الانام عز المجاهدين ، قاتل الكفرة والمشرکين ، قاهر المتمردين ، ابو شجاع قلیج ارسلان بن مسعود ، یمن امیر المومنین ، اطال الله بقاءه ، و ادام فی الدولة ارتقاءه ، و آباد حساده واعداه ، بحق محمد وآله ،

از آنجا كه بزرگ همتی و رغبت او بعلم و دانش بند ( کذا ) را اشاره فرمود كه باید كه ( کذا ) از بهره من کتابی سازی در قوافی چنانك كلامهای را ( کذا ) مشکل تازی كه شعر را ( کذا ) در قوافی شعرها بكار برند بیارسی شرح کنی ، و ترتیب کتاب خراسان نهی ، و در تصنیف کتاب اختصار نگاهداری ، تا کتاب دراز نکشد ، و خواننده را ملال نفرزاید ، و ما را یادگار بود ، پس بنده بر حسب طاقت خویش جهد کرد و فرمان بجای آورد و بر قدر دانش خویش این کتاب مختصر تصنیف کرد و آخر هر قافیه را بترتیب بر حروف معجم بیذا کرد ، چنانك اگر کسی را قافیه باید نگاه كند كه آخر حرف آن قافیه را ( کذا ) از جمله حروف معجم كند است و از كدام نوعست و از هر كدام كه بود وی را

طلب کند تا معنی آن بداند و هر قافیه که دو حرف بود وی را در اول هر حرفی مقدم کردم و بعدش سه حرفی را و علامتش حرف ج ۳ بکردم و بعدش چهار حرفی را ۴ و پنج حرفی را ۵ و شش حرفی را ۶ و هفت حرفی را ۷.

و اما قافیهائی (کذا) که بیارسی بود و آسان، در این کتاب یاد نکردم که کتاب درازش می بیارسی بر کس پوشید نبود و بجایی که قافیهای (کذا) بیارسی مشکل بکردم حرف س بالای او بنوشتیم، تا کسی گمان نبرد که بیارسی است (عبارت بی اشکال نیست) و بداند که هر کسی که شعر گوید و هوس شاعری دارد یا بخواهد که معنی قافیهای مشکل داند از دانستن اینقدر ناچار بود تا در علم قافیه شاعر جاهل نباشد و شعر گفتن بر وی آسان شود زیرا که اصل شاعری قافیه بود باید که قافیه (کذا) نیک بداند بس کتاب با سم قطب الدین زاده الله عمره تمام کرده شود انشاء الله تعالی تا هر کسی که بخواند و فایده بگیرد خداوند را و مصطفی را بدعا یاد آرد و حسبنا الله و نعم الوکیل

قوافی حرف اول یا ای، لا نه، ما نه، ما آب و جه، ما ای، دا درد، ذا آن الخ.

این کتاب در حدود (۳۰۰) بیت کتابت دارد.

(۸۷۷)

این نسخه بخط نسخ و ترجمه آن بخط نستعلیق بسال ۹۲۸ در شهر قوافی بروسه نگارش یافته، نویسنده در آخر این نسخه نام خود را نیاورده، ولی محمد بن عبدالکریم بیکسماتی نویسنده نسخه ای که ضمیمه این نسخه است نویسنده آنست، ترجمه فارسی قوافی در ذیل کلمات نوشته شده و عناوین باشجر ف است. خصوصیات نسخه به « مختصر الصحاح » شماره (۱۱۰) کتابخانه که در فصل میم همین فصل درص ۲۸۲ زیر شماره (۹۰۴) از آن نام میریم مراجعه شود.

[ ۳۶۳ ] کمنز اللغات (عربی بفارسی)

مؤلف این کتاب چنانکه در مقدمه تصریح شده: محمد بن عبد الخالق بن معروف میباشد که در قرن نهم هجری در زمان سلطنت کار کیا سلطان محمد پسر کار کیا ناصر کیا پادشاه گیلان (از سال ۸۵۱ - ۸۸۳ پادشاهی نموده) (۱) زندگانی میکرده و این کتاب را بنام آن پادشاه موشح کرده است.

(۱) تاریخ گیلان تألیف میر ظهیر الدین مرعشی ص ۲۶۰ - ۳۸۱ و مجالس المؤمنین ص ۴۱۱ مراجعه شود.

مؤلف، لغات قرآن کریم و احادیث شریفه را بترتیب حروف تهجی و اواخر آنها در بیست و هشت باب مرتب نموده و هر بابی را مشتمل بر فصولی چند قرار داده و از لغات مشتقه بذکر مصادر آنها قناعت کرده و پس از آن غیر مشتقه را ذکر نموده و در مقدمه گوید که این کتاب را بامراجعه به صحاح، بحمل، دستور، مصادر، اختیارات بدیعی، لغات القرآن و شرح نصاب تألیف کرده ام و کلیاتی را در بیان مطالب لغوی و صرفی در ۱۶ ماده بنام مقدمه آورده و گاهی بآیات و اخبار استشهد کرده است.

این کتاب در حدود (۲۵۰۰۰) بیت کتابت دارد و مکرر در ایران چاپ شده است.

آغاز: بسمله ابتدای هر سخن آن خوبتر در هر مقام  
 کوبود باحمد معبود خدای لاینام (۱)،

جواهر کنوز لغات حمد و سپاس نثار بارگاه حضرت مشکمی که زبان اصناف آدمیان را کلید گنج خانه سخن گردانید الخ.

(۸۷۸)

کسز اللغات این نسخه را بخط نستعلیق بامر محمد اکبریک، محمد سلمان بن عبدالباقی در سال (۱۰۷۹) نوشته، لغات را با سرخی نگاشته و صفحات بمجدول بطلا میبایند، پشت صفحه نخستین یادداشتی بخط آقا محمد علی پسر آقای بهبهانی موجود و سجع مهریکه در ذیل آن میبایند اینست: عبده محمد علی بن محمد باقر ۱۲۶۵. شعر نقل شده بالا ابتداء نسخه نوشته نشده و از عبارت: جواهر کنوز لغات حمد و سپاس الخ شروع شده است.

جلد ساغری ضربی. کاغذ دولت آبادی. واقف سیه سالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۲۱۴). صفحه (۲۶) سطر ۰ طول (۳۱ سانتیمتر). عرض (۱۹ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۰۸).

(۱) در بعضی از نسخه ها « نیک نام » و در بعضی « یاک نام » و در برخی « لاینام » نوشته شده است.

(۷۷۹)

## کنز اللغات

این نسخه را بخط نستعلیق خوب بسال ۱۰۹۷ محمد اشرف نوشته ، دارای سرلوحی زیبا میباشد ، میان سطرهای دو صفحه ابتداء نسخه تذهیب شده ، دیگر صفحات جدول بطلا و لاجورد و ابواب و فصول و لغات باشیخ. ف نوشته شده است .

جلد تیماجی نیم ضربی مستعمل . کاغذ دولت آبادی . واقف مشیر السلطنه . قطع رحلی . شماره اوراق ( ) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شماره قفسه مشیر السلطنه (۵۷۹) .

(۷۸۰)

## کنز اللغات

این نسخه بخط نستعلیق متوسط میر محمد امین نوشته شده ، سال کتابت را کاتب سنه ثمانمائه بعدالالف نگاشته و اعداد آنرا هم مغشوش رقم نموده ولی در آخر رساله که بلافاصله بعد از این نسخه بقلم آمده سال کتابت (۱۱۰۹) قید شده و معلوم میشود که سال نگارش این نسخه ثمان و مائه بعدالالف بوده (۱۱۰۸) و کاتب بغلط ثمانمائه بعدالالف نوشته دو رساله در الفاظ مفرده و مرکبه ضمیمه این نسخه میباشد که در ص ۱۸۶ و ۱۸۷ همین فصل از آنها نام برده شده .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سیهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق کلیه (۳۷۶) . اوراق این نسخه (۳۶۲) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۳۰ سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۰۷) .

(۷۸۱)

## کنز اللغات

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، صفحه اول و دوم کتاب باخط زیبا تری از بقیه کتاب نگارش یافته ، بنظر میآید که کاتب آن دیگری است ، در آخر نسخه کاتب نام خود را عبدالرراق الویری ابن محمد هاشم معرفی و سال کتابت را سنه (۱۲۴۵) معین نموده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنکی مهره زده . واقف سیهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۵۹) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۳۱ سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۰۹) .

### ۳۶۴ لغات ثلثه = ترجمان معارف (ترکی عربی و فارسی)

مؤلف این کتاب چنانکه در مقدمه آن بترکی نگاشته شده: **حاج حسن** میباشد که مقام مترجمی لغات سه گانه عربی و ترکی و فارسی را در بغداد داشته و این کتاب را در سه مجلد بدین ترتیب در آن شهر مرتب نموده که در هر یک از مجلدات یکی از لغات زبانهای مذکور را اصل قرار داده و موافق حروف تهجی هر یک از فصول آنها را مرتب نموده و بدوزبان دیگر مراد از آن لغت را بیان کرده و هر یک از مجلدات را در ده فصل بترتیب زیرین گذارده:

**فصل اول مصدر** ۲۰ - فعل ماضی. ۳ - فعل مضارع. ۴ - فعل امر. ۵ - فعل نهی. ۶ - در بیان اعضاء انسان و خویشان او و آلات جنگ و اسما. ۷ - در بیان حیوانات و طیور. ۸ - در اسامی و اشجار و نباتات. ۹ - در نامهای پیشه ها و اوزار آنها. ۱۰ - در نامهای افلاک و ستارگان و روزها و سالها و خواندن و نوشتن و آنچه بدین دو متعلق است و معادن و آنچه بدانها مربوط میباشد و غیر از اینها.

نام این کتاب را مؤلف «**ترجمان معارف**» گذارده تا سال تألیف هم از حروف نام کتاب بدست آید، بنا بر این سال ۱۰۸۵ تألیف گردیده و نیز مؤلف در مقدمه گوید که این لغات ثلثه را از کتابهای لغت: اختری، شاهی، حلیمی، نصاب، نعمة الله و سایر کتب معتبره انتخاب کرده ام و این مؤلفه نخستین کتابی است که در لغات ثلثه (عربی و فارسی و ترکی) تألیف گردیده (۱).

نسخه این کتابخانه فقط مشتمل بر دو مجلد (عربی بترکی و فارسی - ترکی بعربی و فارسی) میباشد و مجلد سوم را ندارد و این دو مجلد در حدود (۸۵۰۰) بیت کتابت دارد.

**آغاز:** بسمله حمد بقیاس و سپاس لایقاس، اول خالق ملکوت و آسمان، و آفریننده جهان و جهانبانه که فرمان کن بر له عالمی پیدا الخ.

(۱) در کشف الظنون ج ۱ ص ۲۷۹ نوشته شده: «ترجمان المترجم بمنتهی الارب فی لغة الترك والعجم والعرب» تألیف شهاب الدین احمد بن محمد بن عربشاه دمشقی حنفی متوفی سال ۸۵۴ میلادی. (بنا بر این کتاب مذکور مقدم بر ترجمان معارف تألیف گردیده و نام این کتاب هم در کشف الظنون نیست).

(۸۸۲)

لغات ثلثه  
یا  
ترجمان معارف

این نسخه بخط نسخ در سال ۱۲۴۴ و ۱۲۴۵ نوشته شده، کاتب نامی از خود نبرده، لغات و عناوین فصول و ابواب را با سرخی نگاشته، مرحوم رضا قلیخان هدایت در سال ۱۲۷۱ دارای این نسخه شده و پشت صفحه اول بنام لغت ترکی ترجمه بلغت عربی و فارسی آن را معرفی کرده و در زیر نوشته خویش مهربادامی رضا قلی زده شده و بسال ۱۲۹۰ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده است.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچک . شماره اوراق (۱۷۸) . صفحه ای (۳۰) سطر . طول (۳۰  $\frac{۱}{۲}$  ساقیمتر) . عرض (۲۱ ساقیمتر) . شماره کتابخانه (۳۴) .

### [۳۶۵] لغات جوک (سانسکریت بفارسی)

کتاب جوک چنانکه در مجلد سوم از آن معرفی خواهد شد یکی از کتب عرفانی و مؤلف آن پندت کشمیری می باشد و در زمان ولیعهدی سلطان سلیم از سلاطین عثمانی که از سال ۹۱۶ تا ۹۲۴ سلطنت کرده، بامر و خواست وی نظام الدین پانی پاتی (۱) آنرا بفارسی ترجمه نموده و حضرت میرفندرسکی از آن ترجمه انتخابی کرده و بر آن اضافاتی نموده و نسخه آن در آخر یکی از مجموعات (شماره ۶۴۰ فهرست خطی ج ۲) در کتابخانه مجلس شورای ملی می باشد.

نظام الدین مذکور پاره ای از لغات را بهمان نحو که در اصل سانسکریت بوده نقل، در بعضی از موارد، معنی آنها از تفسیر و بیانات وی معلوم میشود ولی پاره از مطالب را باجمال و ابهام گذاشته و گذشته است. مرحوم میرفندرسکی در ضمن منتخب خویش بشرح آن الفاظ و لغات پرداخته و یکی از دانشمندان که با تفحص زیاد بنام ایشان دست نیافتیم برخی از بیانات نظام و پاره از تفاسیر میر را جمع نموده، و نسخه ذیل را بنام «لغات جوک» ترتیب داده و بعضی از نویسندگان نسخ آن را ضمیمه ترجمه جوک کرده اند (۲).

(۱) یانی پت از نقاط مشهور هندوستان است و در هفت اقلیم نام چند نفر از مشاهیر آنجا ثبت است.

(۲) نسخه ترجمه جوک متعلق بدانشمند محترم آقای تربیت و نسخه مجلس شورای ملی این لغات را ضمیمه دارد ولی نسخه این کتابخانه ندارد.

این کتاب مشتمل بر (۴۶۰) لغت و در حدود (۵۴۰) بیت کتابت دارد .  
**آغاز:** بسمله باب الالف آتمان هستی مطلق و اصل آفرینش و آنچه همه را  
 آفریده الخ .  
**انجام:** « یاسدیو » پادشاه عالم ، « یرته » معبد ، « بشن دنار » اسم يك ذاتست  
 تم بالخير .

( ۸۸۳ )

**لغات جوك** . این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۷۷ نوشته شده ، لغات  
 باشنجر ف میباشد ، آخر نسخه را در بالا از روی نسخه ضمیمه ترجمه  
 جوك کتابخانه مجلس نقل کرده ام و اندك مخالفتی با انجام این نسخه دارد و پس از آخرین  
 لغت باین شعر ختم گردیده : عالم ضمند دوات ما ئیم در كنسه و سومات ما ئیم .  
 ضمیمه نسخه ( ۱۷ ) کتابخانه و شماره ( ۸۶۰ ) این فهرست میباشد خصوصیات  
 آن در ص ۲۳۲ گفته شد .

### [ ۳۶۶ ] لغات دساتیر ( فارسی )

این کتاب که بدین نام نامیده شده مشتمل بر معانی لغاتی است که در دساتیر  
 میباشد ، مؤلف از خود در مقدمه و خاتمه نامی نبرده ، از مطالعه کتاب هم مؤلف  
 بدست نیامد ، موجب آنهم آشکار است که چون در کشور مسلمانان باغلبه عوام  
 بر خواص اظهار فضل و اطلاع بر کتب ادیان دیگر موجب نقص بوده ، جامع خود  
 را نشانانده ، ولی از مندرجات کتاب بدست میآید که صوفی مسلک بوده و بکتاب  
 و اصطلاحات عرفا و حکما آشنائی داشته و از مزایای این کتاب یکی ترجمه لغات  
 و اصطلاحات حکمی میباشد ، از لغت برهان قاطع که بسال ۱۰۶۲ تألیف شده بسیار  
 نقل دارد ، عبارات آن بسیار سلیس و منین است برای نمودار پاره ای از آنرا در  
 اینجا می آوریم :

مهمین نامه یزدانی نزد عارفان واصل و محققان کامل تمام عالم کتاب حصرت حق است چه  
 پیوسته ایشان از اوراق ذرات موجودات احکام اسرار تحلیات الهی عزاسمه میخوانند و  
 مجموع عالم از غیب و شهادت را کتاب حق تعالی میدانند که مشتمل بر تمامی اسما و صفات  
 الهیت و مطابق این معنی یکی از عرفا منظوم فرموده ، رباعی :

از لوح جهان خط الهی خواندن خوشتر بود از حرف و سیاهی خواندن  
 در صفحه کائنات خطیست کز آن اسرار ازل توان کماهی خواندن ،  
 نشیب و یسار بهنج اول و کسر ثانی اسم مرتبه فرق است از مراتب ثلثه ایزد شناسی  
 باصطلاح هیربدان یعنی صوفیه صغیه که مشاهده کثرت باشد بدون وحدت و جدا دانستن وحدت  
 از کثرت و ویژه درونان فارس این مرتبه فرق را **فرچند شای** نیز گویند چنانکه در  
**باب الف** گذشت .

این لغت در حدود (۱۰۰۰) بیت کتابت دارد و شامل (۷۹۳) لغت است .  
**آغاز :** بسمله باب الف ممدوده **اب** بسکون بای ابجد نام یکی از عناصر  
 اربعه و بمعنی آبرو و عزت و دولت و قدرت الخ .  
**انجام :** والحق های هوژ در آخر بجهت حرکت حرف آخر است چه پیوسته  
 آخر کلمات فارسی ساکن میباشد .

(۸۸۴)

لغت دسالتیر این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، کاتب نام خود  
 و سال نگارش را نگاشته ، لغت زنده و پازند ضمیمه آن میباشد و  
 بسال ۱۲۷۵ داخل کتابخانه اعتضادیه تنیده است .  
 حاد نیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق کلیه ( ۴۲ ) .  
 این نسخه ( ۲۸ ) . صفحه ای ( ۱۵ ) سطر . طول ( ۲۱ ۱/۲ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۵ سانتیمتر ) .  
 شماره کتابخانه ( ۹۰ ) .

### [ ۳۶۷ ] لغات رامند قزوین (فارسی)

رامند (۱) یکی از بلوک قزوین میباشد و تقریباً ۱۸۰۰ کیلومتر مربع مساحت  
 دارد و از سی کیلومتری قزوین شروع و در ۴۸ کیلومتری خانمه میباشد ، اهالی آنجا  
 بیشتر فارسی گفتگو دارند ، بر حسب خواست مرحوم اعتضاد السلطنه و ریر علوم  
 آن عصر یکی از اهالی آنجا لغات مستعمله در آن بلوک را در شش مبحث گرد  
 آورده و از خود نام نبرده است : ۱ - لغات راجعه بانسان و اعضاء او . ۲ - در  
 (۱) دهات رامند عبارت از : سیاه دهن ، آک ، اسفرورین ، شال ، خیارج ، قرغه ، نرجه ،  
 خروزان ، تزرك ، شارین ، ولازیرگرد ، محمود آباد ، حسین آباد و دان اصفهان میباشد .



عمارات و بعضی ابزار خانه از لباس و ظروف و غیره . ۳ - در خوراکیهای انسان و حیوان . ۴ - در نامهای مرغها و حیوانات و حشرات . ۵ - در اسامی روزها و ماهها و سالها و اقسام حرفه ها و ابزارهای آنها . ۶ - در کلمات و افعال مفرده و مرکبه در هنگام گفتگو .

این رساله در حدود (۲۵۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم رب العالمين والصلاة والسلام على خير خلقه محمد و آله الطاهرين . اما بعد این شطری است از لغات و اصطلاحات فرس معمولی اهالی رامند که حسب الفرمایش نواب اشرف اجمد والاعتضاد السلطنه وزیر علوم و صنایع و تجار دام اجلاله العالی جمع آوری گشته هر چه در مقام خود نوشته و مختلف فیه هر قریه از قراء فارس (۱) را هم بسمت تحریر بر آورده و در مقام خود قلمی نموده و کلام درشش مبحث است .

انجام: مخفی نماند چیزهایی که نوشته نشده یکی آنکه گنجایش ندارد و یکی آنکه اکثر چیزها فارسی مصطلح است اللهم ا ختم بالخیر والسعادة بجاه محمد و آله صل علی محمد و آله وارزقنا زیارت الحسین تمام شد .

(۸۸۵)

لغات این نسخه بسال ۱۲۸۶ نگارش یافته ، در رمضان ۱۲۸۷ داخل کتابخانه اعتضادیه شده و پشت ورق اول یادداشت شده و رامند قزوین بنام لغات اهل قزوین در همان صفحه بر این کتابخانه وقف گردیده و پس از اتمام نسخه صورت صرف افعال بزبان فرس قدیم بامعادل آنها بفارسی کنونی در هفت ورق نوشته شده و این نگاشته شده بخط نسخ غیر از نویسنده نسخه است و هر دو نویسنده نام خود را نگاشته اند .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی مهر زده . واقف سیه سالار . قطع رزیری . شماره اوراق (۱۴) . صفحه (۱۸) سطر . طول (۲۳-۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴-۱/۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۹۶) .

(۱) دهات نام برده رامند بعضی ترك و برخی فارس اند و مراد از قراء فارس مذکور در مقدمه ، بعضی از دهات رامند است كه به فارسی گفتگو مینمایند و در رساله نام شال و سیا دهن و اسفرورین مکرر دیده میشود .

## [ ۳۶۸ ] لغات زند و پازند و اوستا (پارسی به فارسی)

این رساله چنانکه از عبارت ذیل که بر سر نخستین صفحه آنست، برمیآید، يك باب از کتابی میباشد ولی با تفحص ندانستم چه کتابی بوده و آن عبارت اینست: در چهارم مشتمل است بر لغات زند و پازند و اوستا (۱) جلوه الف از در الف.

مؤلف ظاهرأ بهمان سبب که در ذیل «لغات دساتیر» در ص ۲۵۶ گفته شد نامی از خود نبرده و پس از بیان معنی بیشتر از لغات اییاتی از «زاتشت بهرام» که متضمن آن لغت میباشد آورده و ترتیب تنظیم این لغت مراعات حرف اول و دوم میباشد و حرف دوم را باب و اول را فصل قرار داده است.

ابن رساله مشتمل بر (۴۳۶) لغت و در حدود (۵۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: (پس از عبارت بالا در چهارم تا از در الف) آبهی بابای مکسور نام رود آموست زراتشت بهرام گوید شعر.

در آنوقت نزدیک دریا رسید یکی ژرف دریای بن ناپدید  
بوستا درون نام آن آبهی که قعرش نبودست هر گز بهی.

(۸۸۶)

لغات  
این نسخه بخط شکسته نستعلیق بدون ذکر تاریخ و نویسنده نوشته شده و ضمیمه نسخه شماره (۹۰) کتابخانه میباشد  
پازند و پازند  
خصوصیات دیگر در ص ۲۵۷ ذیل شماره (۸۸۴) این فهرست  
واستا  
مراجعه گردد.

## [ ۳۶۵ ] لغت فارسی بترکی دقائق الحقائق (فارسی بترکی)

مؤلف در مقدمه نام خود را نبرده، مؤلف کشف الظنون در ص ۴۹۴ ج ۱ قائق الحقائق را نام برده گوید:

مؤلف این کتاب مولی احمد بن سلیمان مشهور به ابن کمال یا شامتوفی بسال ۹۴۰ میباشد الیف آن بترکی و بنام ابراهیم پاشای وزیر موشح گردیده و نام آن را «دقائق الحقائق»

(۱) زند و اوستا دو کتاب دینی زردشت و پازند شرح زند است.

گذاشته (۱) چرا که مشتمل بر دقیقه ای متعلق بلغات متشابهه میباشد  
 و احمد بن خضر اسکو بی شاعر معروف به علوی آنچه لغت مفرد و مرکب در آن کتاب  
 بوده بترتیب حروف تهجی مرتب نموده و اول آن اینست: حمد بیهمال و مدح بی مثال الخ.  
 ابن کمال پاشا یکی از تر کهای بسیار دانشمند و معروف میباشد و مؤلفات بسیار  
 دارد، شرح حال ایشان در شقائق النعمان ص ۲۰ - ۲۴ و شذرات ج ۸  
 ص ۳۸ و معجم المطبوعات ص ۲۲۷ نگاشته شده و در شقائق بسیاری از مؤلفات  
 وی نام برده شده و گوید مقام قضاوت داشته و در قسطنطنیه مقام افتاء یافته  
 و شعر بترکی و فارسی میسروده و بیش از صد کتاب و رساله تألیف نموده و تفسیری  
 بسیار خوب نوشته که مرگ اجازه اتمام آنرا نداد و کتابی بفارسی چون گلستان  
 بنام نگارستان تألیف نمود و تاریخ آل عثمان را بترکی ادبی نگاشته و کتابی در  
 لغت فارسی و حاشیه ای بر کشاف و حاشیه ای بر هدایه و کتابی در علم کلام و شرحی  
 بر آن بنام «نجرید التجرید» و کتابهای دیگر دارد.

اگرچه در کشف الظنون آغا را بن کتاب نقل نشده ولی بقرائنی که بدست داد  
 و تصریح در مقدمه ابن نسخه، که در زیر معرفی و خصوصیات آن ذکر خواهد شد نام  
 کتاب «دقائق الحقائق» میباشد و موضوع آن لغات مترادفه و متشابه و مقابله زبان  
 فارسی است و مؤلف چند لغت را بیکدیگر از جهات مذکوره بایکدیگر ذکر و بشرح  
 و ترجمه آنها بترکی پرداخته و شواهدی از مصرع ها و ابیات و رباعی های فارسی  
 بر مدعای خویش آورده مثلاً لغات سخن و گفتار، بوم و کوچ و جغد، چنگ و  
 چنگل و جنگال، روزن و پنجره، کلان و بزرگ و بزرگوار و سترگ، مردمک و مردم  
 و مرد وزن، سراسر و سرتاسر و سربسر، سخت و درشت و زفت، پادشاه و پادشای،  
 هما و همایون، خرگوش و خرچنگ، خار و خارا و خاشه و خاشاک و خس و خساک،  
 اسب و ستور؛ را بهمین نحو که نقل شد بیان و بشرح و ترجمه آنها پرداخته و نظم  
 و ترتیبی را در ذکر لغات نه از حیث ترتیب حروف اوائل یا اواخر و نه از حیث

(۱) نام کتاب «دقائق الحقائق» گذاشته شده و بایستی در حرف دال از این فصل از آن  
 معرفی نمود، چون غفلت شده بود و در آنجا ذکر نشد و در لغت فارسی بترکی بود از این و بدین  
 نام در اینجا معرفی گردید.

موضوع و غیره ملتزم نگردیده و بشرح لغت سخن و گفتار ابتدا و بشرح لغات اسب و ستور کتاب را خاتمه داده و لغات دیگر هم میان این دو عنوان شرح گردیده است .

این کتاب در حدود (۴۰۰) بیت کتابت دارد و بتهادت عبارت آن و تصدیق ترك زبانان ادیبانه نوشته شده است .

آغاز: سپاس بی قیاس خدای بی همتایه که گلزار بدیع الآثار بیاننده ازهار الخ .

(۸۸۷)

لغت  
فارسی بترکی  
دقائق الحقائق  
این نسخه بخط نستعلیق بسال ۹۷۱ نوشته شده ، نویسنده نام خود را نبرده ، از طرز خط معلوم میشود که ترك بوده ، رساله ای در اقسام یاء که در آخر کلمات زیاد میشود ، نیز بزبان ترکی موجود و در فصل نحو و صرف از آن معرفی خواهد شد ، و دارای سر لوح کوچک و دو صفحه اول بمعدل بطلای لغات باشنجر ف نگاشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق کایه ( ۱۰۶ ) این نسخه ( ۹۱ ) . صفحه ای ( ۲۱ ) سطر . طول ( ۱۸ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۲ سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۱۰۱ ) .

[ ۳۷۰ ] لغت فارسی و عربی ( بفارسی )

نسخه ای که خصوصیات آن در زیر این سطرها نگاشته خواهد شد مشتمل بر لغات عربی و فارسی میباشد که بترتیب اواخر آنها مرتب گردیده و فارسی و عربی آنان از یکدیگر مجزای و فرهنگ تازه ایست .

مؤلف پس از اینکه کلمات و لغات را از الف تا یا منظم نموده دوباره یا بابت آن لغات را ذکر و بشرح و بیان آنها پرداخته و برای اثبات معنی مذکور شعری از یکی از شعرائی معروف شام آورده و اشعار: ابن یمین ، خاقانی ، دقیقی ، فردوسی ، سید حسن غزنوی ، رشید و طواط ، آذری ، مجد همگر ، سعدی ، مولوی ، اسدی ، امیر معزی ، انوری ، عمادی ، کمال اسمعیل ، خواجو کرمانی ، حافظ ، اوحیدی ، امامی هر وی و بسیاری دیگر از متقدمین و متأخرین به استنباط در آن درج شده بشود و از اشعار صبا ملک الشعر امتوفی سال ۱۲۳۸ و میرزا ابوالقاسم قائم مقام متوفی سال ۱۲۵۱

و میرزا محمد تقی علی آبادی صاحب تخلص متوفی بسال ۱۲۵۶ و محمد حسین عندلیب تخلص پسر ملک الشعرا در آن مکرر دیده شد.

در اوّل و آخر کتاب مؤلف نامی از خود نبرده و در ذیل مطالب کتابها با جستجوی زیاد اثری از وی نیافتیم، بالای صفحه اوّل و دوّم نسخه نوشته شده: « این مسوده باطله کتابست خدمت قبله گاهی حکیم باشی دادم که اگر لفتی ضرور شود در اینجا پیدا کنند تا کتاب صحیح شود انشاء الله و این را در آب بشویند و صیحهش را نگاه دارند و شرط کردند که احدی از روی آن ننویسد که ناقص است و بدنامی کتاب صحیح». پشت صفحه نخستین از طرف اعتضاد السلطنه چنین نوشته اند:

« هو کتاب در لغت است شخصی جمع کرده است چون زحمتی در جمع کردن آن کشیده و گفته است به آب بشویند از بابت کثرت زحمت او شایسته نبود محو شود در کتابخانه مبارکه نواب مستطاب اشرف والا شاهزاده اعظم افخم اعتضاد السلطنه وزیر علوم و معادن دام اقباله ضبط شد فی شهر رجب ۱۲۹۷ ».

از قرائن بالا بدست می آید که تألیف این کتاب در اوایل قرن سیزدهم هجری و در هنگام پادشاهی ناصرالدین شاه انجام و در المآثر و الآثار چهار نفر بعنوان حکیمباشی معرفی شده اند:

۱ - درس ۲۰۳ گوید: میرزا محمد حسین طبیب کاشانی از حکیمباشیان مشهور این عهد جاوید مهد است.

۲ - ص ۲۱۰ نگاشته: میرزا ابوالفضل طبیب کاشانی مقیم دارالخلافه از حکیمباشیان معتبر بود الخ.

۳ - ص ۲۱۹ نوشته: میرزا محمد حکیمباشی شیرازی در ایران چنانست که ارسطو در یونان معالجاتش بتأیج دم عیسوی میماند الخ. ( این حکیمباشی جدّ پدری جناب آقای حکمت وزیر معارف است ) .

۴ - محمدقبلی که درس ۱۷۳ و ۱۷۴ در ذیل خلاصه عباسی بشرح حال وی پرداخته ایم. و نیز درس ۲۰۲ المآثر و الآثار نگاشته شده:

« میرزا عبدالمطلب کاشانی مشهور بادیب در شرب ادب و علم طب رنج بسیار برده و خون جگر خورده و در فن ادب و احاطه بلغت عرب و تفسیر و طب مسلم است.

و در کتاب مذکور که شامل حال دانشمندان چهل سال اوّل سلطنت ناصرالدین شاه میباشد جز عبدالمطلب در فن ادب و احاطه بلغت کسی معرفی نشده بنابراین

احتمال قوی میدهیم که این کتاب تألیف وی باشد و حکیم باشی مذکور که مؤلف نسخه، کتاب خود را پیش او فرستاده بایستی میرزا محمد حسین باشد که مقیم طهران و تاهنگام تألیف المآثر و الآثار زنده بوده است.

این کتاب هنوز ناقص بوده، شواهد بسیاری از لغات آن نگاشته نشده، نظم و ترتیب آنها چنانکه بایست، نیست و شامل دو قسمت است: قسمت اول لغات بترتیب حروف و اواخر از الف تا یا. قسمت دوم همان لغات با ترجمه و شواهد آنست و تمام آن در حدود (۱۰۷۰۰) بیت کتابت دارد.

قسمت اول: بسمله آلا، آسا، آوا، آشنا، آشنا، آسیا الخ.  
آغاز: قسمت دوم: بسمله اسا (۱) بکسر الف بمعنی خمیازه و بمعنی شبه و نظایر هم آمده.

انجام: یعنی دست راست و قسم و مبمنت، یتامی یتیمان، یتمطی خرامان میروند.

(۸۸۸)

لغت این نسخه بخط نسخ و نویسنده نام خود و سال نگارش را نگاشته، از قرائن بخوبی واضح میشود که خط مؤلف فارسی و عربی میباشد و تألیف آن خاتمه نیافته، لغات قسمت دوم باشنجر ف و بسیاری از شواهد در حاشیه صفحات نوشته شده است.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی. واقف سیهسالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۱۴۹). صفحه ای (۱۷) سطر. طول (۳۳ سانتیمتر). عرض (۲۲ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۶).

[ ۳۷۱ ] لغت کبیر اختری (عربی بترکی)

مصالح الدین مصطفی بن (۲) شمس الدین قره حصار مشهور به اختری از

(۱) مؤلف قسم دوم را بترتیب ذکر لغات در قسم اول نیاورده و آسارا بر آسا و آلا و غیره مقدم داشته و تا باخر هم بهمین نحو پیش رفته است.

(۲) در کشف الظنون و اول و آخر نسخه چایی نام پدر مؤلف شمس الدین ضبط شده ولی در مقدمه نسخه خطی این کتابخانه بدینگونه است: المحتاج الی رحمة ربه اللطیف الشهیر بالاختری مصطفی بن اختری بن شمس الدین القر حصار مولداً والکوتا هیوی محمداً الخ.

دانشمندان قرن دهم هجری بوده و بگفته کشف الظنون (ج ۱ ص ۶۳) دو کتاب در لغت عربی بترکی دارد یکی کبیر و دیگری صغیر و چنانکه در آخر همین لغت کبیر مؤلف خود تصریح نموده بسال ۹۵۲ (۱) تألیف آن خاتمه یافته و نیز در مقدمه کتابست که این کتاب را در لغاتی که مورد احتیاج عموم بود و درک معانی آنها مشکل مینمود از صحاح اللغة، دستور، بحمل، تکمله و المغرب گرفته و برای استفاده عام و خاص اهالی کشور خویش بترکی ترجمه کرده است.

در این کتاب فقط بترجمه لغات پرداخته شده و شواهد ندارد و بترتیب حرف اول و دوم مرتب گردیده و حرف اول باب و حرف دوم را فصل، موافق حروف تهجی قرار داده و در حدود (۲۶۷۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۲۴۲ در قسطنطنیه بنام «اختری کبیر» چاپ سرببی شده است.

آغاز: بسملة الحمد لله الذى شرفنا بالنطق والبيان، وفضلنا بالفصاحة والتبيان الخ.

انجام: اليه ما صحر افازه كبرى، اليه مورال رجل الكثير الكدويرى كوترن بالق.

(۸۸۹)

لغت کبیر  
اختری  
این نسخه بخط نسخ محمد بن حاج قرط بسال ۱۱۲۴ نوشته شده، فصول و ابواب باشنجر ف میاشد، پس از انمام نسخه محمد داود الحسینی قصیده انشاء و بخط خوش نگاشته و مطلع آن اینست: العین من فقد السباب تدمع - والقلب من تد کاره یتوجع. نسخه در آب افتاده ولی خطوط ضایع نشده برگ اول و آخر و صالی گردیده و پشت هر دو یادداشتها را است.

جلد چرمی ضربی. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع رحای. شماره اوراق (۳۹۸). صفحه ای (۳۱) سطر. طول (۲۹ سانتیمتر). عرض (۱۹ ۱/۲ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۶).

(۱) در آخر نسخه جایی این کتاب (شماره ۳۷ کتابخانه است) پس از آخرین لغت که در مقابل انجام نقل گردیده عبارتی از مصنف که حاکی از سال تألیف می باشد نگاشته شده ولی در آخر نسخه خطی نیست.

## [ ۳۷۲ ] لغت نعمة الله رومی (فارسی بترکی)

در مقدمه این کتاب مؤلف خود را « نعمة الله بن احمد بن مبارك رومی » معرفی نموده و گوید که این کتاب را با کوشش بسیار از چندین لغات جمع کردم، همچون اقنوم عجم و قائمه لطف الله حلیمی و وسیله المقاصد ولغة قره حصارى و صحاح عجم دیرینه مختصر و صحاح عجم جدید کبیر (۱) و جزاینها از بسیار کتب چیدم و بر سه قسم مرتب ساختم. اول مصادر آوردم که اصل است بعد از آن قواعد این زبان درى ایراد کردم بعد از آن اسماء جامده و مشتقه و ترتیب حروف را بر قاعده اقنوم عجم مرتب کردم اول بامفتوحه ثانیاً بامکسوره ثالثاً مضمومه تا یافتن لغت مطلوب آسان شود ..... و نامش را بنام خود اضافت کردم یعنی لغت نعمة الله نهادم.

در ص ۶۰۷ ج ۲ کشف الظنون وفات این مؤلف بسال ۹۶۹ ثبت گردیده و در ص ۱۲۵ « العقد المنظوم فی ذکر افاضل الروم » (۲) نوشته شده: مولی نعمة الله الشهير بپروشنی زاده پدرش قاضی پاره ای از قصبات بود، چون لیبك حق را اجابت گفت اموالی زیاد برای پسر گذاشت وی در اندك زمان در هوا و هوس آنها را صرف نمود، از آن پس در طلب دانش افتاد و بسیار از محافل درس را حاضر شد و مدرس مـارس روم گردید و بمرتبہ قضاوت حلب و بغداد و مدینه منوره رسید و در این شهر اخیر بسال ۹۶۹ جهان را وداع کرده گویند در علم کلام دستی توانا داشته و داستان زیرین را برخی از ثقات از وی نقل نمودند و آن اینست:

در روزگار قضاوت بغداد جمعی از اهالی یکی از محلات آنجا توسعه مسجد جامع خود را خواستار شدند خواهش آنها را بعرض پادشاه رساندم جواب مساعد رسید چون شروع بکار شد در اطراف جامع قبرهایی کهنه یافت شد که یکی از آنها قبر شریف مرتضی علی بن طاهر (۱) کشف الظنون گوید: اقنوم در لغت فارسی است و قائمه لطف الله حلیمی در توضیح کتاب بحر الغرائب وی در لغت فارسی بترکی است و وسیله المقاصد در لغت فرس تالیف خلیل رستم مولوی میباشد و صحاح العجم تالیف محمد هندو شاه و دوم مختصر است معروف بدیرینه و جدید. و لغت قره حصارى همان اختری مؤلفه بسال ۹۵۲ میباشد که در ص ۲۶۳، ۲۶۴ معرفى از آن گردید.

(۲) این کتاب در حاشیه وفيات الاعیان ابن خلکان (ج ۲ ص ۹۵ تا ۹۴) بسال ۱۳۱۰ چاپ شده و در حقیقت ذیل شقائق النعمانیه است.



بود، بر آن شدیم آنها را برداریم چون قبر شریف را گشودیم او را چنان دیدیم که گویا دیروز بخاک سپرده شده، یکی از همراهان کفن را بالا زد پیرمردی نیکو منظر آشکار شد که دارای ربشی زیاد بود وابدأ در او تغییری پیدا نشده و گویا زنده و خوابیده است، بر ماترس و هیبت حکم فرما شد و اقدام بر بیرون آوردن و نقل آن نمودیم قبر را پوشیده و او را و گذاشته و قبر او در مسجد شریف ماند و این مرد از فرزندان علی بن ابی طالب کرم الله وجهه میباشد که امام در کلام و ادب و شعر بوده الخ.

نظیر این حکایت و داستان را از معمر بن و موثقین طهران راجع به صدوق محمد بن علی بن بابویه متوفی بسال ۳۸۱ که اینک قبر وی در جنوب طهران در حوالی شهر ری میباشد نگارنده شنیده و حکایت نبش قبر حر بن یزید ریاحی رحمه الله نیز مشهور است. نگفته نماند که جز این نعمت الله در قاموس الاعلام ترکی و شذرات الذهب ج ۱ و شقائق نعمانیه و العقد المنظوم نعمت الله رومی نیافتیم و عدم ذکر نام پدر در این کتاب اخیر موجب شبهه در دونه فر بودن مؤلف باروشنی زاده نخواهد بود. بر مؤلفه دیگر از این مؤلف دست و خبر نیافته و این کتاب که مقدمه آن پیرسی و ترجمه لغات آن ترکی است در حدود (۱۰۵۰۰) بیت کتابت دارد و گاهی برای لغات شواهدی از اشعار فارسی آورده است.

آغاز: بسمله حمد بی قیاس و شکر با سباسباس آن مالک بی همتائی را که ملکش بی انبازست الخ.

انجام: «یویو» بویمل قوشی، «یویه» آرزومند، «یهه» مثله، «یهره» مثله.

(۸۹۰)

لغت این نسخه بخط نستعلیق فضل الله نام بسال ۱۰۵۸ نوشته شده، نام پدر کاتب را و نام شهریکه در آنجا نگارش یافته محو کرده اند، شرحی بسال ۱۲۸۴ رضاقلیخان هدایت در تبریز مبنی بر اینکه این نسخه را خریده اند بر ورق نوشته ایکه پیش از ورق اول نسخه میباشد یادداشت کرده اند.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شماره اوراق (۲۵۳). صفحه ای (۱۷) سطر. طول (۲۰ ۱/۴ سانتیمتر). عرض (۱۹ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۲).

## [ ۳۷۳ ] لغت نوائی ( ترکی )

امیرعلیشیر نوائی از وزرای دانشمند دانش گستر قرن نهم هجری بوده و گذشته از اینکه مؤلفات نظم و نثر از خود بیادگار گذارده ، مشوق تألیفهای گرانبھائی میباشد که در این فهرست بسیاری از آنها معرفی خواهد گردید ، در اشعار امیر مذکور لغات ترکی جغتائی بسیار وجود دارد ، جمعی بر آن شده که آنها را گرد آورند و بفارسی یا ترکی تفسیر نمایند ، میرزا مهدیخان منشی نادرشاه که خود یکی از علاقمندان باشعار امیر علیشیر میباشد لغات نام برده را جمع و بشرح آن پرداخته و نام آن را « سنگلاخ » گذارده و نسخه آن در کتابخانه مجلس شورای ملی میباشد ، در مقدمه آن اشاره بآنهاست که بتفسیر لغات امیر مبادرت نموده اند مذکور و عین آن را در اینجا می آوریم :

اما بعد چون بنده حقیر محمد مهدی غفر ذنوبه ، از مبادی حال بخواندن اشعار امیر نافذالامر کشور بلاغت گستری و سخن آرائی امیرعلیشیر نوائی ، شوقی تمام و بداندستن آن کلام میل مالا کلام داشت ، بعد از آنکه فی الجمله قنبری حاصل شد ، منوی خاطر گشت که لغات مشکله آنها را جمع سازد و بر مغانی آن لغات کتابی بیردازد ، اگرچه دونه روی که اسمشان در تالیفشان مذکور نیست و طالع نام هروی (۱) و فراغی و ندرعلی و میرزا عبدالجلیل نصیری از لغت فهمان این فن کتابها بر لغت نوائی مدون ساخته اند الخ .

نسخه ذیل فاقد نام مؤلف میباشد و از قرائن مؤلف شناخته نشد ، چون نسخه سال ۱۰۵۱ نوشته شده و امیر در سال ۹۰۶ وفات یافته تألیف کتاب میانه این دو سال بوده و در حدود (۱۶۸۰) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسمله عشق و محبت میخانه سپینوبک رند قدح بیمای و شعر و بلاغت کاشا سنوبک الخ .

انجام: « یولداماق » یول کوستر مک بیت:

اول زمان لطف پر لا قولدا قولوم و اخی اوز جانبکنه بولدا یو لوم .

تمت الکتاب بعون الملك الوهاب .

(۱) لغت این مؤلف بدایع اللعه نام دارد و در ص ۱۶۰ و ۱۶۱ شرح آن گذشت .

(۸۹۱)

لغت نوائی این نسخه را بخط نستعلیق رجب بن محب علی شاملو بسال ۱۰۵۱ بفرمان زال بیک قورچی خاصه نوشته ومهرزال بیک زیر آخرین سطر نسخه میباشد ودو صفحه اول تذهیب شده و لغات باشنجر ف و صفحات بجدول بطلا است، پشت آخرین صفحه و ورق سفیدیکه پس از آن بوده ایاتی از امیرنوائی ودیگران نوشته شده، بحال النفاث امیرعلیشیرورساله ای در معرفت تقویم از قاسمعلی ضمیمه دارد که هر یک در محل خود معرفی خواهد شد. جاد تیماجی. کاغذ کاهی. واقف سیهسالار. قطع ربعی. شماره اوراق نسخه (۴۰) تمام اوراق (۱۱۸) صفحه ای (۱۵) سطر. طول (۱۹ سانتیمتر). عرض (۲۰ ۱/۲ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۰).

### [ ۳۷۴ ] مبانی اللغة = مقدمه سنگلاخ (فارسی)

در ذیل « بدایع اللغة » در ص ۱۶۰ و ۱۶۱ و « خلاصه عباسی » در ص ۱۷۳ و ۱۷۴ و « لغت نوائی » در ص ۲۶۷ گفته شد که میرزا مهدیخان منشی نادرشاه لغات ترکی جغتائی را که امیرعلیشیر در اشعار و مؤلفات خویش آورده و آن را « سنگلاخ » نام گذارده و نسخه از آن در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود است (۱).

مؤلف در سنگلاخ پیش از شروع بنقل لغات و ترجمه فارسی آنان مقدمه ای در قواعد زبان ترکی به فارسی نگاشته و در ابتداء آن تصریح نموده که نام این مقدمه را مبانی اللغة نهادم، و موجب این تألیف آن بود که چنین مشهور گردیده و فراغی در مؤلفه خود نوشته که زبان ترکی دارای قواعد و نحو و صرف نیست. پس از تتبع و مطالعه بر آن شدم که آنچه از قواعد بدست آورده ام در این مقدمه بنگارم.

بنابر این بایستی این کتاب را در فصل صرف و نحو جای دهم ولی چون حقیقتاً جزء مقدمه کتاب سنگلاخ میباشد و آن کتاب در لغت است در این فصل گذارده شد. مؤلف مبانی اللغة میرزا مهدیخان منشی نادرشاه مؤلف دره نادری و جهانگشای

(۱) خلاصه عباسی مختصر همین کتابست و در ص ۷۳. و ۱۷۴ معرفی کامل از آن گردید.

نادری و منشآت معروف میباشد و این سه کتاب چاپ گردیده و بگفته آقای تربیت مبنای اللغه نیز در تبریز چاپ شده. و میرزا مهدیخان گذشته از مقام منشی گری در سال آخر عمر نادرشاه (۱۱۶۰) سفارت روم (ترکیه فعلی) رفته و نیز بگفته آقای تربیت که خود را از نواده های ایشان میدانند پس از مرگ نادر به تبریز آمده و با فاصله کمی در آنجا وفات یافته و تاریخ روزانه نادر را نوشته ولی نسخه آن در دست نیست.

این کتاب یا مقدمه سنگلاخ در حدود (۲۸۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسملة الحمد لله الذی لا یتقصر حده بلغات مختلفه والسنة شتی . . . .  
و صعوبت لغات آنرا سنگلاخ موسوم ساختیم و بعضی از اشتباهات سلف را . . .  
مقدمه اگر چه نظر بقاعده لغت نویسی بایست که همه جا حرف پ و چ و گ قید  
عجمی و عربی . . . . . از آنجا که دانستن آنها بر طالبان لازم بود آن ضوابط  
و قواعد را در ضمن یک ترجمه و نش مبنا مرقوم و بشواهد و حجج مبرهن و  
معلوم ساخته و آنرا به مبنای اللغه موسوم و چون الی الان کتابی بدین نحو بر سرف  
همت احدی بر صرف و نحو لغت ترک تألیف نگشته الخ.

مؤلف هم مبنائی را بر ابواب و هربابی را بر فصول با اقسام یا رسم هائی منقسم  
نموده است.

(۱۸۹۲)

مبنای اللغه  
یا  
مقدمه سنگلاخ  
این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده، نویسنده  
نام خود و سال نگارش را ننوشته، سال ۱۲۸۳ داخل کتابخانه  
اعتضاد به شده ورق اول و آخر و صالی گردیده و چند ورق  
کاغذ نوشته در ابتداء نسخه است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی مهره زده. واقف سه سالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۲۰).  
صفحه ای (۲۴) سطر. طول (۳۰ سانتیمتر). عرض (۲۰ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۸).

[ ۳۷۵ ] مثلثات قطرب با ترجمه فارسی (عربی و فارسی)

لغات عربی را که از حیث لفظ یکی و از لحاظ حرکات سه قسم خوانده میشود

و معانی آنها متعدد میشود مثلث گویند و نخستین کس که بجمع آن مبادرت نموده قطرب ابوعلی محمد بن المستنیر بن احمد بصری متوفی سال ۲۰۶ می باشد که شاگرد سیویه بوده و او ویرا از این رو که صبح بسیار زود بخانه استاد می آمده قطرب لقب داده است و این مثلثات را بسیاری شرح نموده اند ، نام جمعی از آنها درص ۳۷۶ ج ۲ کشف الظنون ثبت گردیده و فیروز آبادی صاحب قاموس نیز بر این کتاب شرحی دارد و نسخه آن در دارالکتب می باشد و پس از قطرب دانشمندان و لغویین دیگر بجمع بسیاری از لغات مثلثه پرداخته اند .

نسخه ذیل شامل (۱۰۷) لغت از لغات مثلثه بترتیب حروف تهجی بلحاظ اوائل کلمات می باشد و در ابتداء آن این عبارت نوشته شده : بسم الله قال الشيخ الامام قدوة الفضلاء سيد الادباء افتخار العلماء قطرب بن احمد البصري نور الله مضجعه هذا كتاب المثلث الفته على وجوه الثلاث من الفتح والكسر والضم والله التوفيق .

بنابر تصریح کشف الظنون و معجم المطبوعات و فهرست دارالکتب و جرجی زیدان در ج ۲ تاریخ آداب اللغة العربیة ص ۱۲۵ مثلثات قطرب بصری مشهور بنظم و چنین ابتدا شده : یا مولعاً بالغضب - فی الهجر والتجنب - فی جده واللعب . ولی در نوشته شده که مثلث قطرب بشر و بعضی آنرا نظم بسته اند و آغاز مذکور منظوم را نقل کرده اند این نسخه بشر می باشد و آغاز آنهم نقل خواهد شد و چنانکه نقل شد مؤلف در نسخه قطرب بن احمد بصری معرفی گردیده و بدین نام در کتب رجال کسی را نیافتم و بنظر نگارنده این کتاب مثلث نشر از قطرب نحوی مذکور فوق می باشد و کاتب باء قطرب را با نام پدر وی ذکر نموده و نام جدّ او را آورده است . در شذرات الذهب مؤلفات زیرین به قطرب نسبت داده شده : معانی القرآن الاشتقاق ، القوافی ، النوادر ، الازمته ، الصفات ، العلل فی النحو ، الاضداد ، خلق الانسان ، خلق الفرس ، غریب الحديث ، کتاب الهمز ، کتاب فعل و افعل ، الرد علی الملحد بن فی متشابه القرآن و مثلث و غیره است .

آغاز : الاثر ، الاثر ، الاثر ، الاثر ، الاسر ، الاسر .  
روایت کردن ، رفتن از بعد چیزی ، نشان . اسیر ، آفریدن ، بول بستن .

(۱) این شرح با مراجعه به ص ۳۷۶ ج ۲ کشف الظنون و ص ۱۵۱۶ و ۱۷۷ معجم المطبوعات و ص ۷۸ فهرست ابن ندیم و ص ۴۹۴ ج ۱ و فیات الاعیان و ص ۱۴ ملحق سوم جزء و دوم فهرست دارو بقیة الوعاة سیوطی در تحت عنوان محمد بن المستنیر نوشته شد .

انجام: الوجد ، الوجد ، الوجد . الورد ، الورد ، الورد .  
اندوه یافتن ، آفت ، فراخ دستی . گل ، نماز ودعا ، شیرسرخ .  
(۸۹۳)

مثلاث قطرب این نسخه ضمیمه کتاب « مختصر الصحاح » میباشد که بشماره (۱۱۰) در این کتابخانه میباشد و در حرف میم آنرا معرفی خواهیم نمود و نویسنده آن و این کتاب مثلث محمد بن عبدالکریم بسال ۹۲۸ است و ترجمه فارسی هر یک از لغات نیز در زیر آنها نگاشته شده ، مترجم نام خود را نبرده و خصوصیات دیگر در ذیل مختصر الصحاح در ص ۲۸۲ گفته خواهد شد .

### [ ۳۷۶ ] مثلث منظوم ( عربی بفارسی )

مثلاث قطرب را با ترجمه فارسی آنها بدیعی در (۹۸) بیت بنظم در آورده و مکرراً بانصاب الصیدان و بسال ۱۲۶۵ بانصاب مثلث چاپ شده است در تذکره هفت اقلیم بنام بدیعی دو نفر نام برده شده ، در ص ۱۱۵۳ نسخه خطی این کتابخانه در ذیل سمرقند گوید : بدیعی مشهور بمولانا زاده در وسعت مشرب و اطلاع بر علم تاریخ و وقوف در علوم غریبه از هنرمندان آن خطه بوده . و در ص ۱۰۲۶ نسخه مذکور در ذیل تبریز گوید : از شعرای غیر مشهور است و احوالش بنظر نیامده . در ص ۶۵ دانشمندان آذربایجان در تحت عنوان بدیعی حکیم گوید : دیوان غزلیات کوچکی از این بدیعی نزد نگارنده هست و باغلب احتمال منظومه مثلاث لغت نیز باید از آثار همین بدیعی باشد الخ .

آغاز : از پس حمد خداوند زمین و آسمان

در لغت نظمی سنم همچون لالی عمان

از یکی لفظ ارسه معنی خواهی ای صاحب کمال

اولش را فتح و کسر و ضم بدین ترتیب دان

رَبِّ دان پروردگار و رب دان جمعی ز خلق

رَبِّ آب خالص از انگور و سیب و ناردان

## انجام:

اینچنین نظم بدیعی را بدیعی کرد نظم تابود در روزگار از وی همی نام و نشان هست در وادی عصیان تشنه ز آب مغفرت ساز سیرابش الهی یا آله انس و جان .

(۸۹۴)

مثلت منظوم این نسخه در حاشیه کنزاللغة ایستکه بشماره (۱۰۷) در این کتابخانه میباشد و محمد امین بسال ۱۳۰۹ نویسنده آنست، نویسنده نسخه نام برده نوشته ، خصوصیات نسخه بشماره (۷۸۰) این فهرست در ص ۲۵۳ مراجعه شود .

## [۳۷۷] مجمع البحرين (عربی)

مؤلف این کتاب شیخ طریحی ره است (فخر الدین بن محمد بن علی بن احمد بن طریح النجفی متوفی بسال ۱۰۸۵) (۱) که از علماء امامیه در قرن یازدهم هجری و معاصر باشیخ حرّ عاملی بوده و او در امل الآمل نام وی را برده و گوید فخر الدین بن محمد . . . . طریحی مردی فاضل و پرهیزکار و عابد و فقیه و شاعر میباشد و دیگران همین صفات را در باره وی نوشته و مؤلفات او را ذکر نموده اند ، صاحب روضات اقوال علماء رجال را در باره وی نقل نموده و آنچه هر یک راجع بمؤلفات ایشان نوشته اند ذکر کرده و در آخر گویند که صفی الدین طریحی پسر فخر الدین در پاره ای از اجازات خود مؤلفات پدر را بدین تفصیل آورده : کتاب جامع المقال فی تمییز المشتَر که من الرجال (۲) و این کتاب برای رفع حاجت محدّثین بی مانند است ،

(۱) روضات ص ۵۱۰ ، لؤلؤ البحرين ص ۴۵ ، امل الآمل ص ۵۶ ج ۲ ، هدیة الاحباب ص ۱۹۴ برای نوشتن این شرح مراجعه شده و جز لؤلؤ که فقط ایشان را بنام فخر الدین طریح نام برده همه اجداد مؤلف را چنانکه ما نیز ذکر نموده ایم آورده اند ولی مؤلف در آخر جلد اول و دوم مجمع و دیگر مولفات خود را بدین نحو معرفی نمود : فخر الدین ولد محمد علی طریح النجفی .

(۲) در لؤلؤ بنام جامع المقال کتابی نام برده شده و گویند از مؤلفات وی کتاب تمییز المتشابه من اسماء الرجال میباشد و خالی از اجمال هم نیست .

و در روضات بنقل از صفی الدین پسر طریحی در رجال کتاب « جامع المقال فی تمییز المشتَر که من الرجال » بشیخ طریحی نسبت داده شده و بمصداق اهل البیت ادری بمافی البیت این نام صحیح و آنچه صاحب لؤلؤ نقل کرده اند مختصر این نام بالذک نصر فی در آنست .

کتاب فخریه کبری و فخریه صغری فتاوی راجعه بطهارت و صلوة است ، و الضوء الالامع فی شرح مختصر الشرايع ، شرح رساله شيخ حسن بن الشهيد الثاني ( صاحب روضات نقل نموده که شرح اثني عشریه در صلوة شيخ حسن بن الشهيد ثانی از او است ) ، حاشیه بر معتبر محقق حلی ، کتاب الالامع فی شرح الجمع ، اثني عشریه الاصول ، فوائد الاصول ، شرح المبادئ للعلاّمه ، الاحتجاج فی مسائل الاحتجاج ، كشف غوامض القرآن ، غریب القرآن (۱) ، جواهر المطالب فی فضائل علی بن ابیطالب ، الكنز المذکور فی عمل الساعات والایام واللیالی والشهور ، مرآة الحسین سه مجلد کبیر وصغیر ووسیط (۲) ، تحفة الوارد و عقال الشارد ، مجمع الشتات ، النکت اللطیفه فی شرح الصحیفه ، مستطرفات نهج البلاغه ، عواطف الاستبصار للشيخ الطوسی ، جامعة الفوائد ردّ بر محمد امین ، قرئیب خلاصة العلامة ، و مجمع البحرين و مطلع النیرین ( همین کتاب ) و غیر از اینها است . صاحب روضات کتابی بنام الاربعین بنقل از لؤلؤ البحرين بشیخ طریحی نسبت داده ولی در نسخه چاپی لؤلؤ نگارنده نیست و در امل الامل است که طریحی را رسائل و اشعار بسیار میباشد .

مجمع البحرين طریحی یکی از کتب مشهوره در لغت میباشد ، مؤلف در مقدمه آن گوید : چون توفیق بر تشرّف و محاورت مکّه معظمه و مشهد مقدّس حضرت رضا علیه آلاف التحية والثناء یافتم کتابهای بسیار در لغات غریب قرآن کریم و احادیث غیر امامیه یافتم و دیدم لغتی که مشتمل بر لغات غریبه احادیث (۱) صاحب روضات پس از نقل مؤلفات طریحی از اجازه صفی الدین ولؤلؤ و امل و ریاض العلماء گوید : و این مؤلف را مؤلفه دیگری بنام « نزهه الخاطر و سرور الناظر » در غریب قرآن می باشد که بیشتر از هفتاد هزار بیت کتابت دارد . و قسمتی از مقدمه آنرا هم ذکر نموده اند .

صاحب روضات تصور کرده اند که مؤلفه تازه ای از طریحی بدست آورده اند در سورتی که این کتاب همانست که صفی الدین بنام « غریب القرآن » آنرا معرفی نموده است (۲) در لؤلؤ کتابی بنام « المنتخب فی الزیارة والخطب » به این مؤلف نسبت داده شده و صاحب روضات گوید : بر این کتاب (المنتخب) دست نیافتم و تصور میکنم که این همان کتاب مقتل وی باشد چرا که آنرا « المنتخب فی جمع المراتی والخطب » نامیده است .



امامیه باشد تألیف نگردیده بر آن شدم در این موضوع تألیفی نمایم برای آنکه فائده آن اتم باشد لغات غریب القرآن را هم بآن اضافه نموده و آن را « مجمع البحرين و مطلع النیرین » نامیدم و ترتیب آنرا موافق صحاح جوهری که بهترین طریقه در تنظیم لغت میباشد مبتنی بر آخر حروف ساختم و الف و همزه را برای آنکه استفاده از آن آسان باشد يك باب قرار دادم. و در آخر کتاب خود تصریح نموده که بسال ۱۰۷۹ تألیف آن خاتمه یافته است.

صاحب روضات از ریاض العلماء نقل نموده که طریحی خود و پسرش بر مجمع البحرين حاشیه نگاشته اند.

و شیخ یوسف بحرینی در لؤلؤ گوید: مجمع البحرين و مطالع النیرین در تفسیر غریب قرآن و احادیثی است که در میان ما امامیه صحیح و معمول به میباشد جز اینکه چنانکه باید و شاید شامل تمام غریب نیست و این امر بر آنانکه در این کتاب تتبع کرده اند غفی و پوشیده نیست.

صاحب روضات گوید صفی الدین پسر مؤلف را گذشته از حواشی مجمع «ملحقانی» بر آن کتابست و فخر الدین پیش از مجمع کتاب « غریب الحدیث » را تألیف کرده و در آنجا که خود ایشان مؤلفات پدر را از پسر نقل نمودند دیدیم که بدین نام کتابی نبود و دیگری هم ندیدیم که تألیف چنین کتابی را بایشان نسبت داده باشد، نگارنده تصور میکند که عبارت طریحی در مقدمه مجمع که ترجمه پارسی آن گذشت ایشان را بدین تصور انداخته که اول غریب احادیث امامیه را جمع پس از آن غریب القرآن را بآن اضافه نموده. و نام آنرا مجمع البحرين گذاشته و ظاهر آن مقدمه این نتیجه گرفته نمیشود.

پشت نخستین صفحه نسخه ای از مجمع که بیست سال پس از تألیف نوشته شده و اینک در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود است آیات زیرین به پسر فخر الدین نسبت داده شده چنین مناسب دید که آنها را در اینجا نقل نمائیم:

دع کتاب الصحاح والقاموسا	و بهذا الكتاب كن مانوسا
فهو النور لم يشبه ظلام	اطلع الفكر في سماء شمسوا

کم حوی شرح آیه وحیث  
فخلیق ابن یبذل العلماء  
و حقیق ان یکتبوه بتبر  
بمعان تسر منها النفوسا  
العمر فیکرؤه دروسا  
ویشیوا به اللحن والرؤسا

لما رأینا بجمع البحرین تقدف بالدرر

و یحیط علماً بالکتاب والحديث والخبر

شرحاً وایضاحاً وجمعاً بالكلام المختصر

حقاً مؤلفه عرفنا انه بحر زخر

قد فاز بالقدح الرقیب و بالمعلی قد ظفر

فی کلّ حرف من مؤلفک الجزاء غداً یسرك

فقت الاوائل والاواخر یا ابی الله درك

بنام « مجمع البحرین » کتب زیادی در علوم مختلفه تألیف شده و نام جمعی از آنها در ص ۳۸۳ تا ۳۸۵ ج ۲ کشف الظنون ثبت است .

مجمع البحرین در حدود (۲۶۸۰۰) بیت کتابت دارد و مکرر در ایران چاپ شده و مؤلف آنرا در دو مجلد گذارده (جلد اول تا آخر حرف الراء جلد دوم از حرف الزاء تا آخر کتاب) و فوائدی در مطالب متفرقه در آخر بیشتر نسخ میباشد .  
آغاز : بسمله الحمد لمن خلق الانسان و علمه البیان و التبیان و اوضح له الهدی و الايمان الخ .

(۱۸۹۵)

این نسخه بخط نسخ سال (۱۱۶۰) نگارش یافته و مشتمل بر تمام کتاب بافوائد ملحقه بآنست ، کاتب در آخر کتاب و قبل از فوائد نام خود را بهاء الدین بن علی النجفی الشهیر بالغطاوی معرفی کرده و در آخر قسمت فوائد نیز تصحیح و مقابله آنرا تصدیق نموده است ، پشت صفحه اول سید عبدالله بن محمد رضا شبر متوفی سال ۱۲۴۲ شرحی بخط خویش مبنی بر اینکه این کتاب متعلق بشیخ احمد زین عاملی بوده و نزد ایشان عاریه است نوشته اند و خط شیخ مذکور و بعضی از علماء دیگر نیز در این صفحه موجود

و یکی از یاد داشتهای پشت صفحه را محو کرده اند ، چند ورق از اوّل و آخر نسخه وصالی شده است .

جلد میشن . کاغذ کاهی . واقف سیهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۳۱۸ ) . صفحه ای ( ۳۴ ) سطر . طول ( ۳۸ سانتیمتر ) . عرض ( ۳۴ سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۸۴ ) .

( ۸۹۶ )

این نسخه بخط نسخ نوشته شده و شامل تمام کتاب با قسمت « مجمع البحرین » فوائد آن میباشد ، کاتب نام خود و سال کتابت را نگاشته و فقط بتاریخ تألیف آن قناعت کرده پشت صفحه اوّل یادداشت هائی مشتمل بر اخبار و مطالب متفرقه نوشته شده و در آنجا است که بسال ۱۲۴۰ داخل کتابخانه یکی از شاهزادگان گردیده و مهری بدین سجع در ذیل آنست : ( الواثق الراجی محمد رضا ) . و در حاشیه چند ورق اوّل مطالبی بخط مرحوم اعتضاد السلطنه موجود وزیر بعضی را بعنوان « وزیر علوم » امضاء کرده است .

جلد چرمی روغنی مینا شده . کاغذ فرنگی . واقف سیهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۳۷۰ ) . صفحه ای ( ۳۱ ) سطر . طول ( ۳۰ سانتیمتر ) . عرض ( ۲۱ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۷۷ ) .

( ۸۹۷ )

این نسخه بخط نسخ محمد تقی بسال ۱۲۴۱ نوشته شده و شامل « مجمع البحرین » جلد اوّل کتابست ( از اوّل تا آخر حرف راء ) ورق اوّل وصالی شده و لغات آنرا با سرخی نگاشته اند .

جلد صری مینا شده . کاغذ فرنگی . واقف سیهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۱۹۴ ) . صفحه ای ( ۳۰ ) سطر . طول ( ۲۹ سانتیمتر ) . عرض ( ۲۰ -  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۷۹ ) .

( ۸۹۸ )

این نسخه بخط نسخ سید اسمعیل موسوی حسینی در سنه « مجمع البحرین » ( ۱۲۲۴ ) نوشته شده و شامل تمام کتاب ( بدون فوائد ) میباشد ، يك صفحه از اوّل کتاب افتاده و اوّلین سطر موجود این است : ( سواء علیهم استغفرت لهم ام لم تستغفر لهم وللانکار الابطالی فتقتضی بطلان ما بعد ها الخ ) . ورق اوّل و آخر وصالی شده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۳۵۶ ) .  
صفحه ای ( ۲۹ ) سطر . طول ( ۳۰ سانتیمتر ) . عرض ( ۲۱ سانتیمتر ) . شماره  
کتابخانه ( ۸۰ ) .

( ۸۹۹ )

این نسخه بخط نسخ سید اسمعیل موسوی حسینی در سنه  
مجمع البحرین ( ۱۲۵۹ ) تحریر یافته و شامل تمام کتاب بافوائد آن است ،  
در پشت صفحه اول یادداشت هائی از مالکین نسخه در هر وقت نوشته شده و قبل از  
آن سه ورق کاغذ نوشته است که بر روی صفحه اولی محاسبه باسیاق و صورت  
رحلی یادداشت گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۳۹۸ ) صفحه  
( ۳۱ ) سطر . طول ( ۳۵ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۹  $\frac{1}{2}$  سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۷۸ ) .

( ۹۰۰ )

این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۵۴ نوشته شده ، نویسنده نام  
مجمع البحرین خود را نبرده ، مجلد اول کتابست ، لغات در متن و حاشیه  
باشنجرف نگاشته شده و صفحات بخدول بدانست .

جلد تیماجی نیمضربی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره  
اوراق ( ۳۴۳ ) صفحه ای ( ۲۴ و ۲۰ ) سطر . طول ( ۲۱  $\frac{1}{2}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۱۵  $\frac{1}{2}$  سانتیمتر ) .  
شماره کتابخانه ( ۱۰۳ ) .

( ۹۰۱ )

این نسخه مجلد دوم و نگارش نویسنده نسخه بالا بسال ۱۲۵۶  
مجمع البحرین میباشد و نیز لغات در متن و حاشیه باشنجرف و بخدول بدانست .  
جلد تیماجی نیمضربی . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سیه سالار . شماره اوراق ( ۲۶۲ ) .  
صفحه ای ( ۲۴ ) سطر . طول ( ۲۱  $\frac{1}{2}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۱۵  $\frac{1}{2}$  سانتیمتر ) . شماره کتابخانه  
( ۱۰۴ ) .

( ۹۰۲ )

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال  
مجمع البحرین نگارش را نگاشته ، شامل تمام کتابست ( فوائد را ندارد ) ،  
لغات باشنجرف و ظاهراً از خطوط قرن سیزدهم هجری میباشد ، هفتاد و سه آن پشت

ورق اوّل نسخه است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنکی . واقف مشیرالسلطنه . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۲۹۰ )  
صفحه ای ( ۳۹ ) سطر . طول ( ۳۰ سانتیمتر ) . عرض ( ۲۰ سانتیمتر ) . شماره  
( ۵۸۱ ) مدرسه مشیرالسلطنه .

### [۳۷۸] مختار الصحاح (عربی)

این کتاب از آنهایی است که از صحاح اللّغه (در ص ۱۹۲-۱۹۷ معرفی شده) مختصر شده ، مختصر کننده زین الدّین محمد بن شمس الدّین ابی بکر رازی حنفی از علمای قرن هشتم هجری میباشد و تنظیم آن نیز بترتیب صحاح اللّغه مبنی بر حروف آخر لغات است .

در ص ۹۱۷ معجم المطبوعات بدون ذکر مأخذ نوشته شده : محمد بن ابی بکر رازی از علمای قرن هشتم هجری و تا سال ۷۶۸ زنده بوده و مؤلف کتاب « الذّهاب الابر یزفی تفسیر الکتاب العزیز » و « روضة الفصاحه » در علم بیان و « شرح مقامات حریری (۱) » میباشد و این اخیر چاپ نشده و نسخه ای از این شرح در کتابخانه دارالکتب المصریّه و نسخه ای در کتابخانه تیموریه میباشد و « انموذج جلیل فی اسئله واجوبه من غرائب آی التّنزیل » که در حاشیه تفسیر عکبری چاپ شده و « مختار الصحاح » میباشد که مکرر چاپ گردیده و محمود خاطر بیك آنرا بترتیب حروف اوائل مرتب نموده و آن نیز سال ۱۳۲۳ بچاپ رسیده است . مختار الصحاح یکی از کتب معروفه و مختصره لغت میباشد ، مؤلف در مقدمه آن بمعرفی کتاب پرداخته و گوید :

این مختصری است در علم لغت که از کتاب صحاح جوهری جمع گردیده ، چرا که صحاح بهترین و نافهترین کتب لغت میباشد و نام آنرا « مختار الصحاح » گذاردم و در این اختصار اقتصار بر لغاتی شده که هر فقیه و حافظ و محدث و ادیب ناچار بدانشستن و حفظ آن است و زبان زد ایشان میباشد و مراعات لغات مهمه مستعمله ، خصوصا در قرآن عزیز و احادیث نمویه ، گردیده و از ذکر لغات مشکله و غریبه برای اختصار خود داری شده و گذشته از آنچه در صحاح بوده از تهذیب اللغه ازهری و دیگر کتابهای مهمه لغت در این کتاب لغاتی نقل گردیده و آنچه پس از لفظ ؛ قلت ذکر شده از فوائدی است که بر اصل کتاب اضافه شده و از آنهایی است که خدای دامن آن را بمؤلف ارزانی داشته الخ .

(۱) این شرح مقامات حریری را حاجی خلیفه در کشف الظنون نام نهاده است .

پیش از شروع بذکر لغات مطالب مهمه ایکه دانستن آنها مراجعه کننده بلغت را لازم است در سه قاعده آورده شده و گذشته از آنچه در مقدمه ذکر شده شواهد صحاح را هم برای اختصار نیاورده و چنانکه در آخر کتاب تصریح کرده بسال ۷۶۰ این اختصار خاتمه یافته است .

آغاز: بسملة الحمد لله بجميع المحامد على جميع النعم والصلوة والسلام على خير خلقه محمد المبعوث الى خير الامم وعلى آله وصحبه مفاتيح الحكم ومصابيح الظلم قال العبد الفقير الى رحمة الله ومغفرته محمد بن ابی بکر بن عبد القادر الرازی رحمه الله عليهم هذا مختصر في علم اللغة ..... وسميته مختار الصحاح واقتصر فيه الخ .

(۹۰۳)

مختار الصحاح این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، کاتب از خود وسال نگارش نام نبرده ، از کیفیت خط معلوم میشود که نویسنده ترك نژاد بوده و در قرن یازدهم هجری نگاشته شده در حاشیه از کتب مجمل اللغة ، قاموس ، اختری ، مغرب ، صحاح ، و دیگر کتابها مطالبی نقل گردیده و بر چهار ورقیکه پیش ، و يك ورقیکه در آخر نسخه است مطالب متفرقه ای از تفسیر و اشعار ولغت و غیره یادداشت شده و پشت صفحه اول نسخه یادداشتهائی از مالکین نسخه پیش از وقف بر این کتابخانه میباشد و از آخر در حدود دو ورق افتاده و آخر سطر آخرین صفحه موجود که در ذیل لغت ما می باشد نوشته شده : قال ابو عبید تنسب القصیده التي قوافيها على ماماويه وقول الشاعر امانري يعني ان تری و تدخل تم الكتاب تم پس از لغت ما لغات چندی است که بیان راجع بآنها در این نسخه نیست

و با مراجعه نسخه چاپی مختار الصحاح دانستیم که قسمتی از آخر کتاب در حدود (۲۰۰) بیت این نسخه ناقص است و تم الكتاب هم در این نسخه الحاقی است . جلد مقوائی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار ، قطع وزیری . شماره اوراق (۱۹۱) صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۴ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۹۵) .

[۳۷۹] مختصر الصحاح (عربی)

نسخه ای که خصوصیات آن در زیر این سطور گفته خواهد شد یکی از مختصرات

صحاح اللغه جوهری است که معرفی از آن گذشت، در اوّل و آخر نسخه نامی از مختصر کننده نیست و جز مقدّمه‌ای در چند سطر بر مطالب صحاح چیزی زیاد نگردیده که در آن زوائد اشاره‌ای و دلیلی بر مختصر کننده باشد و چنانکه در مقدّمه تصریح شده آیات و احادیث و آیات استشهاد شده و قواعد صرفیه و نحویه را که صحاح شامل بود جز بسیار کمی از آنها در این مختصر نیست. و در حدود (۱۱۰۰۰) بیت کتابت این مختصر است.

مختصر کنندگان صحاح را که بر نام آنها دست و خبر یافته ام در اینجا می‌آورم و احتمال میدهم که این مختصر از آثار ابن صائغ دمشقی (شمس الدین محمد بن حسن بن سبع متوفی بسال ۷۲۰) بوده باشد ولی جازم بر آن نیستم و مختصر کنندگانیکه حاجی خلیفه در ص ۷۵ ج ۲ کشف الظنون یاد نموده اینانند :

- ۱ - شمس الدین محمد بن حسن بن سبع المعروف بابن الصائغ الدمشقی متوفی بسال ۷۲۰ و در این مختصر شواهد حدیثی گردیده است.
- ۲ - محمد بن ابی بکر بن عبدالقادر رازی متوفی پس از سال ۷۰۰ مختصر خویش را که بسال ۷۶۰ انجام یافته «مختار الصحاح» نامیده (این کتاب را در ص ۲۷۸ و ۲۷۹ معرفی کامل نمودیم).
- ۳ - مولی محمد معروف به العیسی متوفی بسال ۱۰۱۶ نیز از مختصر کنندگان میباشد و گفته میشود که اختصار وی سودمندتر و بهتر از مختار الصحاح است ولی این مؤلفه مشهور نشده.
- ۴ و ۵ - محمود بن احمد زنجانی متوفی بسال ۷۰۰ از مختصر کنندگان کتاب صحاح میباشد و در کشف الظنون عبارت مذکور در مقدمه «تفقیح الصحاح» را که در ص ۱۶۶ معرفی از آن نمودیم بدون ذکر ماخذ آورده و ما از مقدمه تفقیح نقل نمودیم که مؤلف آن بدو مختصری در حدود پنج يك صحاح بنام «ترویج الارواح فی تهذیب الصحاح» تألیف پس از آن باز آنرا مختصر نموده و نام آنرا «تفقیح الصحاح» گذارده و این مختصر ده يك اصل کتاب گردیده است.

۶ - و دیگر از مختصرات صحاح بنام «فجد الفلاح» و مانند مختار بحذف شواهد می باشد (نامی از مؤلف مختصر نبرده است).

و نیز در ص ۷۶ ج ۲ کشف الظنون نگاشته شده :

۷ - بیه محمد بن یوسف الانقروی صحاح اللغه را ترجمه کرده و در آن ذکر نموده که چون از کتاب «ملئقط الصحاح» فراغت یافتم گروهی را بترجمه آن مائل دیدم از اینرو بر آن شدم و آن را ترجمه کرده و «الترجمان» نامیدم

و در ص ۵۱۴ ج ۲ در حرف میم نوشته :

« ملقط الصحاح الجوهري و الملتحق بمختار الصحاح » تالیف پیر محمد بن یوسف القرمانی ( کذا فی النسخه و الصحیح الاقروی کما صرحنا به آنفا - ابن یوسف ) الارکلی اوله ، الحمد لله بکل ما حمده اقرب عباد الیه الخ :

و در ص ۲۷۹ ج ۱ گوید :

« ترجمان » تالیف پیر محمد بن یوسف الاقروی ، لغت ترکی و در سه مجلد میباشد و آنرا از جوهری و مغرب و جزاین دو جمع کرده و در بیست و هشت باب مرتب شده است . تناقض این بیان کشف الظنون با آنچه پیش از این درباره « المترجمان » از وی نقل گردید ، آشکار و محتاج بیان نیست .

صاحب روضات در ص ۱۲۷ ج ۴ بنقل از امل الامل « مختصر الصحاح » را به شیخ مفاح صیبری مؤلف شرح شرایع و شرح موجز و منتخب الخلاف و جواهر الکلمات فی العقود و الاقاعات که معاصر شیخ علی بن عبدالعالی کرکی بوده نسبت داده و نیز در ذیل آن گوید پسر وی حسین بن مفاح معاصر صاحب « مشایخ الشیعه » بوده و او را بی نهایت ستوده و گوید که از وی استفاده علمی نموده و بسال ۹۳۳ در حالیکه بیش از هشتاد سال عمر داشت جهان را وداع گفت .

بنابر این این مختصر در قرن نهم هجری تنظیم شده است و نیز صاحب روضات گوید : صیبر چون حیدر و گاهی هم آن را مضموم خوانند و صاحب قاموس در ماده صیبر پس از بیان بالا گوید و نیز نام رودخانه ایست که در بصره است که بر کنار آن دهاتی است و صیبره چون هیمنه شهری است در نزدیکی دینور و نیز نام بخشی است از بصره که در دهانه رود خانه معقل قرار گرفته و مردمان آنجا مودی عاصم نام و پس از وی پسران او را پرستش میکنند الخ . ۹ - در امل الامل « مختصر الصحاح » به علی بن یونس عاملی نباطی نسبت داده شده و مادر ص ۲۷۵ در ج ۱ فهرست این کتابخانه مؤلفات دیگر ابن مؤلف را نقل نموده و سال وفات ایشان را سنه ۸۷۷ پیدا کرده ایم .

با تفحص و تجسس در فهرس چاپ شده و استفسار از دانشمندان معاصر و فهرست های کتابخانه های شخصی که در دسترس نگارنده است مختصر دیگری برای صحاح بدست نیاورده ام .

آغاز : سَمَلَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَ لِسَانَ الْعَرَبِ عَلَى جَمِيعِ اللِّسَانِ الخ .

انچهام ؛ و قد یهدف حرف التداء نحو یوسف اعرض عن شدا اذا كان المراد معلوما و الحمد لله علی الاتمام بعون الملك العلام و العلوة و السلام علی رسوله الانام محمد و آله الکرام و صحبه العظام صلوة جامعة بین الاسم و المسمی و من لغة بین المكشوف و الممّی .



(۹۰۴)

این نسخه را بسال ۹۲۸ بخط نسخ محمد بن عبدالکریم بن مختصر الصحاح محمود مشهور به بکسماتی نوشته و پس از اتمام این مختصر مثلثات قطرب که درص ۲۷۰ و ۲۷۱ از آن معرفی شد و پس از آن قوافی تألیف حبیش تفلّیسی که نیز درص ۲۵۰ و ۲۵۱ آنرا معرفی کردیم نگاشته شده ، قسمتی از لغات نوشته نشده (بقیه تفسیر ماده رجز ناقسمتی از ماده مرز) دو ورق کاغذ ننوشته بجای آن گذارده شده و در حاشیه بسیاری از صفحات حاشیه هائی از کتب قاموس و صحاح و مغرب و کتب فقه و غیره نوشته اند لغات و ابواب و فصول را باشنجر ف نگاشته اند ، پشت ورق اول یاد داشتهائی از مالکین کتاب در هر عصر و مطالب متفرقه ای می باشد .

جلد مقوائی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۲۵۵ ) اوراق این مختصر ( ۲۰۶ ) . صفحه ای ( ۲۵ ) سطر . طول ( ۳۱ ) سانتیمتر . عرض ( ۲۱ ) سانتیمتر . شماره کتابخانه ( ۱۱۰ ) .

### [ ۳۸۰ ] المصادر زوزنی ( عربی فارسی )

مؤلف این کتاب ابو عبدالله حسین بن احمد زوزنی (۱) قاضی است و سیوطی در بغیة الوعاة بنقل از عبدالغافر گوید در لغت ونحو و عربیّت امام عصر خویش بوده و بسال ۴۸۶ زندگی را بدرود گفته است ( در کشف الظنون نیز همین تاریخ ثبت شده ) .

چنانکه در ابتداء دو نسخه زیر و در کشف الظنون ص ۴۴۵ - ۴۴۶ ج ۲ نگاشته شده کتاب «المصادر» از مؤلفات او میباشد و قصائد « سبعة معلّقه » را هم شرح نموده و این کتاب در ایران بسال ۱۲۸۲ و در مصر و لبنان مکرر چاپ شده و شرح

( ۱ ) در ص ۹۵۸ ج ۲ معجم البلدان نوشته شده : زوزن ( بضم و بعضی بفتح اول و سکون دوم و فتح سوم و سکون نون ) نام شهری است که میان نیشابور و هرات واقع شده و چون بسیاری از دانشمندان از آنجا برخاسته اند آنرا « بصرۃ الصغری » نامند و از بیهقی نقل نموده که زوزن نام رستاق و قصبه آن نیز زوزن نامیده میشود و مشتمل بر ۱۲۴ ده میباشد . ولی نام ابو عبدالله حسین بن احمد زوزنی مؤلف مصادر در این کتاب نیست و در کتابی دیگر جز بغیة الوعاة سیوطی و روضات در ص ۲۳۸ ذیل حسین ابن الحائک و معجم المطبوعات ص ۹۱۱ و ۹۱۲ و این دو بنقل از بغیه و تاریخ آداب اللغه جرحی زیدان ج ۳ ص ۴۴ نام زوزنی را نیافتیم و در ابتدا دو مؤلفه وی بلقب سید معرفی شده است .

قصیده امرء القیس آن سال ۱۸۲۰ م. در پاریس چاپ شده و جرجی زیدان در ص ۴۴ ج ۳ تاریخ آداب اللغه کتابی بنام «ترجمان القرآن» بعربی و فارسی، از زوزنی دانسته و نسخه‌ای از آنرا در غوطا نشان داده جز این سه مؤلفه از این مؤلف اثری نیافتیم.

### زوزنی مؤلف مصادر در مقدمه این کتاب گوید:

این مصداری است که آنها را ترجمه نموده و آنانرا را پیراسته‌ام و از اینرو آن را بی شواهد از حدیث و امثال و اشعار قرار دادم که اندازه آن کوچک شود و از بر کردن آن آسان گردد و در آغاز هر بابی مصادر افعال صحیحه آن را قرار دادم و پس از آن مصادر معتله را آوردم و تا آخر چنین کردم (مصادر مهموزه را پس از معناه ذکر نموده) و در ترتیب هر نوعی از مصادر صاحب دیوان الادب را اقتدا و متابعت نمودم الخ.

مصادر هر يك از فعلهای سالم و معتل و مهموز را بترتیب حروف تهجی و آخر آنها مرتب کرده و ابتدا بافعال ثلاثی مجرد نموده پس از آن ثلاثی مزید و از آن پس رباعی مجرد و در آخر مصادر رباعی مزید را آورده است.

این کتاب «مصادر» برای دانستن ترجمه فارسی کلمات عربی مفید و نگارنده بر آنم که ابوجعفر احمد بن علی المقرئ البیهقی معروف به جعفری متوفی بسال ۴۴۴ هـ همین مصادر زوزنی را تهذیب و تنقیح نموده و نام آنرا «تاج المصادر» گذارده ولی در مقدمه نامی از زوزنی و کتاب وی نبرده ولی بادقت این معنی را از عبارات آن توان دریافت و آن عبارت از مقدمه اینست: اما بعد فان هذا مصادر هدیت فارستتها و عرضت علی کتب الاثمة اعربتتها و جردتها عن الامثال و الاشعار الخ.

و گذشته از این بخش از آغاز و انجام لغات هر دو کتاب را در اینجا می آورم تا خود مؤید این ادعا باشد و آن اینست:

عبارت آغاز لغات تاج المصادر:

باب فعل يفعل من السالم بفتح العين فی الماضي و ضمها فی الغابر:

(۱) نسخه خطی کامل این کتاب در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود و بسال ۱۳۰۱ قسمتی از آن در هندوستان چاپ شده است.

ب « الثقب » سوراخ کردن . « الثقوب والثقاب » افروخته شدن آتش . « والثقوب » بسیار سیر شدن اشتر . « الجاب » گوسفند و اشتر و برده بجای بردن برای فروختن . « الجابریجب » و « الجلب » چیزی باخویشتن گرفتن و بانگ برستورزدن تا از پیش بشنود . « الجنابه » در میان بیکانگان فرود آمدن . « الجنب » کشیدن اسب و اشتر .  
عبارت آغاز لغات مصادر :

باب فعل يفعل بفتح العين في الماضي و ضمها في الغابر من السالم :

ب « الثقب » سوراخ کردن . « الثقوب » افروخته شدن آتش و جز آن . « الجلب » گوسفند و اشتر و برده از جای بجای بردن برای فروختن . « الجنب » دور کردن ( و برهلو زدن - نسخه ) . « الجنوب » دور شدن و باد جنوب آمدن يقال جنب الريح أي تحولت جنوباً « الجنب » کشیدن اسب .

عبارت انجام لغات تاج المصادر :

ن « الاقبنان » رمیدن پس بیارامیدن . « الاطمینان والطمأنينة » اسم اقیم مقام المصدر . « الاقبنان الاقبنان الاقسنان » سخت ناریک شدن شب ، افسان الرجل كبروعسا . « الاقبنان » واهم آمدن نوع منه . « الاقبنان » کوتاه شدن و اكون الشیخ ارض والله اعلم .

عبارت انجام مصادر زوزنی :

ن « الاقبنان » بیارامیدن . « الاطمینان » مثله . « الاقسنان » سخت شدن از پیری . « الاقبنان » باهم ( فاهم نسخه ) آمدن . تمت الكتاب بعون الملك الوهاب .  
مصادر زوزنی تاکنون چاپ نشده و در حدود ( ۵۰۰۰ ) بیت کتابت دارد .  
آغاز : بسملة الحمد لله على سوابغ الائه المتسابقه افواجا الخ .

( ۹۰۱ )

المصادر زوزنی این نسخه را بسال ۱۰۷۰ نظام الدین افضل بن قاضی محمد بخط نسخ نوشته ، ابواب و فصول آنهم باشنجر ف نگاشته شده و پشت نسخه بنام تاج المصادر بر این کتابخانه وقف گردیده ولی مسلماً مصادر زوزنی است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیمه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۲۲۲ ) .  
صفحه ای ( ۱۵ ) سطر . طول ( ۲۰ سانتیمتر ) عرض (  $۱\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۸۸ ) .

(۹۰۶)

المصادر روزنی این نسخه را بسال ۱۰۹۹ محمد کاظم بن عبدالغفور برای خود بخط نسخ استنساخ نموده و در آخر و پشت صفحه اول یادداشت‌هایی از مالکین این نسخه در هر عصر و زمان نوشته شده بر ورقیکه در آخر کتاب بوده مطالبی لغوی و نحوی نگاشته شده و نسخه در آب افتاده ولی خطوط آن محو نشده و دو ورق اول و صالی مختصری می‌خواهد و تصحیح گردیده و بهتر از نسخه پیش است.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیمسالار . قطع خشتی شماره اوراق (۱۲۲) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) عرض (۱۵ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۹۹) .

### [ ۳۸۱ ] مقایس اللغة (عربی)

مؤلف این کتاب ابن فارس میباشد (ابوالحسین) (۱) احمد بن فارس بن زکریا بن محمد بن حبیب القزوینی الهمدانی الرازی متوفی بسال ۳۱۵ (۲) که از معاریف لغویین و نحویین قرن چهارم هجری بوده و در حاشیه ص ۸۵ گذشت که بدیع الزمان همدانی شاگرد وی بوده و مقامات خود را در پیروی از او ساخته است .

(۱) کتبه ابن فارس در تمام ماخذ ابوالحسین ثبت شده ولی در نامه دانشوران ابوالحسن میباشد و مسلما این دومی غلط است .

(۲) این شرح با مراجعه به معجم الادباج ۲ ص ۶ - ۱۵ ، وفيات الاعیان ج ۱ ص ۳۵ و ۳۶ ، بغية الوعاة ذیل احمد ، تاریخ آداب اللغة العربیه ج ۲ ص ۳۰۹ ، روذات ج ۱ ص ۶۴ و ۶۵ ، معجم المطبوعات ص ۲۰۰ و ۱۹۹ ، شذرات الذهب ج ۳ ص ۱۳۲ و ۱۳۳ ، كشف الظنون ج ۲ ص ۷۳ ، نامه دانشوران ج ۲ ص ۵۱۱ - ۵۱۵ نوشته شده و در یتمه الدهر از ابن فارس معرفی نشده فقط در آخر قسم سوم بمناسبت نامی از او برده شده و وفات ابن فارس را یاقوت از ابن جوزی بسال ۳۶۹ و از خط حمیدی بسال ۳۶۰ نقل نموده و گوید این دو تاریخ را اعتباری نیست چرا که من خط ابن فارس را بر کتاب الفصیح که تالیف خود او بود مورخ بسال ۳۹۱ دیده ام و در آخر نسخه ای از مجمل اللغة دیدم که نوشته بود ابن فارس در راه صفر سال ۳۹۵ در ری وفات یافت (قبر او اینک در این شهر معروف نیست) .

در شذرات الذهب وفات ابن فارس در ذیل وفيات سال ۳۹۰ ثبت شده و سیوطی از ذهبی نقل نموده که بسال ۳۹۵ بدرود جهان گفته است و در كشف الظنون و معجم المطبوعات ابن قول پیروی شده است .

ابن فارس گذشته از اینکه در بسیاری از علوم امام و پیشوا بوده و در لغت و نحو تخصصی بسزا داشته و در مکارم اخلاق وسعۀ صدر و بسط ید هم مشهور مییاشد، یاقوت و سیوطی و دیگران درسیره او نوشته اند :

جوانمردی کریم بود، بسا میشد که لباس و فرش خانه خود را هم بکسی که از وی چیزی میخواست میبخشید .

ابن فارس را از همدان برای تعلیم ابوطالب بن فخرالدوله دیلمی به ری خواستند یاقوت گوید : چون بدین شهر آمد، مردم آنجا را شافعی یافت، از آن مذهب صرف نظر کرد و مالکی گردید و گفت دلم بحال امام احمد بن مالک سوخت که در چنین شهری پیرو نداشته باشد .

سیوطی نیز همین معنی را نگاشته ولی در نامه دانشوران مسطور است که چون به ری درآمد جمعی از مردم آنجا را شافعی و گروهی را حنبلی دید و عبارت مذکور را بر زبان برد و مالکی گردید و این روایت بهتر از روایت اولی بنظر میآید .

حدّث نیشابوری و بعضی دیگر را عقیده اینست که ابن فارس شیعه بوده و حکایتی را که صدوق در اکمال الدین و سبب بحرینی در غایة المرام و صاحب بن عبّاد در مؤلفه ای از خود راجع باینکه جدّ طائفه بنی راشد متوطن در همدان حضرت قائم آل محمد ص را زیارت نموده از وی نقل کرده اند، دلیل این مدّعی گرفته اند و ترجمه فارسی آن داستان در نامه دانشوران موجود است .

صاحب بن عباد نزد ابن فارس تحصیل نموده و گویند که در باره وی گفته است : استاد ما از اشخاصی است که تصنیف نیکو نصیب او گردیده و کریم و جوانمرد بود .

در مآخذ مذکوره اشعاری عربی به ابن فارس نسبت داده شده و از آنهاست :

اذا كنت في حاجة مرسلًا      وانت بها كلف مغرم

فارسل حکیماً ولا توصه      وذاك الحکیم هو الدرهم (۱)  
و نیز این اشعار که سه بیت آنرا درص ۵۰ ذیل شرح حال ابن میثم بحرینی  
نقل نمودیم بدین نحو به ابن فارس نسبت داده شده :

قد قال فیما مضی حکیم	ما المرء الاّ باصغریه
فقلت قول امرء لیبیب	ما المرء الاّ بدرهمیه
من لم یکن درهمه درهماء	لم تلتفت عرسه الیه
وكان من ذلّه حقیراً	تبول سنوره علیه

در معجم الادباء نوشته شده که ابن فارس دو روز پیش از مرگ این دوبیت  
را گفت :

یارب انّ ذنوبی قد احطت بها	علماً و بی و با علانی و اسراری
انا الموحد لکنّی المقربها	فهب ذنوبی لتوحیدی و اقراری

و در نامه دانشوران بنقل از سیوطی مصرع اوّل و آخر را بایکدگر جمع نموده  
و يك بیت ترتیب داده و به ابن فارس نسبت داده و در بغیه هم این بیت  
و نسبت نیست .

مؤلفات ابن فارس را که دانشمندان یاد نموده اند در اینجا می آوریم :

(۱) چندین سال پیش از این در یکی از کتب ادب ابن دوبیت را بدینگونه دیده ام .  
اذا كنت فی حاجة مرسله      فارسل حکیماً ولا توصه  
و ان باب امر عليك التوی      فشاور حکیماً ولا تعصه  
و نیز این دوبیت فارسی را که ظاهراً از فردوسی و یادگیری از قدما و تقریباً ترجمه آن  
میباشد بخاطر دارد :

فرستاده باید که دانا بود	بگفتن دلیر و نوانا بود
همه گفته خویش انشا کند	بدانسان که مجلس تقاضا کند

و بنظر نگارنده چنین میرسد که دوبیت عربی مذکور از یادگیری بوده و ابن فارس موافق  
نظریه حق و صواب : که یول حلال مشکلات است ، در آن تصرف نموده با بینه معنی که دو  
مصرع يك بیت از آنرا دو مصرع از دوبیت قرار داده و آن حکیم را در قول شاعر تفسیر  
کرده که یول است و در این معنی شاعری فارسی زبان گوید :

خواهی که دل دلیر تو نرم شود	از خانه برون آید و بی شرم شود
زاری مکن و زورهن زر بفرست	زر بر سر فولاد نهی نرم شود .

- ۱- فقه اللغة = الصحابي (۱)، ۲- الاتباع والمزاوجه، ۳- الحجر (۲)، ۴- مقدمة في النحو، ۵- ذم الخطاء في الشعر ( جرجی زیدان نسخه آنرا در برلن نشان داده )، ۶- فتاوی فقیه العرب، ۷- اختلاف النحویین (۳)، ۸- الانتصار لثعلب، ۹- اللیل والنهار، ۱۰- خلق الانسان، ۱۱- تفسیر اسماء النبی ص، ۱۲- حلیة الفقهاء، ۱۳- تقدمة دارات العرب، ۱۴- غریب القرآن، ۱۵- الفرق (۴)، ۱۶- تقدمة الفرائض، ۱۷- ذخيرة الکلمات، ۱۸- کتاب الثلاثه (فقط جرجی زیدان این کتاب را به ابن فارس نسبت داده و نسخه آنرا در اسکوریال نشان میدهد)، ۱۹- کتاب الحماسه المحدثه (۵)، ۲۰- شرح رساله زهری الى عبد الملك بن مروان، ۲۱- سیره النبی ص، ۲۲- کتاب

(۱) در معجم الادبا و نامه دانشوران صاحبی یافته دو کتاب شمرده شده در صورتیکه ابن هر دو يك کتابست و بسال ۱۳۲۸ از روی نسخه ايکه بسال ۳۸۲ نوشته شده و در قسطنطنيه میباشد چاپ شده است و چون این کتاب را بنام صاحب بن عباد تألیف کرده بصاحبی معروف شده و حاجی خلیفه در ج ۲ ص ۷۳ قسمتی از عبارت ابن فارس را از مقدمه فقه اللغة نقل نموده و آن نیز مؤید است که صاحبی و فقه اللغة یکی است و جرجی زیدان هم بدین معنی تصریح کرده است.

(۲) ثعالبی در یتیمه الدهر ذیل شرح حال صاحب بن عباد گوید: از ابوالحسنین ( در نامه دانشوران ابوالحسن ثبت شده ولی در یتیمه ابوالحسنین ) نحوی شنیدم که ابن فارس کتابی بنام « الحجر » از همدان برای صاحب فرستاد؛ چون ابن فارس از منتسبین به ابن العمید و متعصبین در باره وی بود او را بوی توجهی و عنایتی نبود و گفت حجر را بهمانجا که از آنجا آمده برگردانید ولی پس از آن گفتار طبعش حاضر نشد که رد احسان کند آنرا گرفت و مطالعه نمود و ابن فارس را صله فرستاد.

یاقوت در معجم الادباء نیز این کتاب را نام برده ولی در کشف الظنون ذکر نشده است.

(۳) نام این کتاب را یاقوت « کفایة المتعلمین فی اختلاف النحویین » ثبت نموده ولی سیوطی و حاجی خلیفه و دیگران بنام اختلاف النحویین خوانده اند.

(۴) در نسخه چاپی معجم الادبا این کتاب بنام « العراق » باعین مهمله و در نامه دانشوران « الفراق » یافته ثبت شده و حاجی خلیفه این کتاب را یاد نکرده است.

(۵) ابن ندیم با آنکه معاصر ابن فارس بوده از او و مؤلفاتش نام نبرده فقط در ذیل آنهاییکه در نحو مذهب کوفی و بصری را مخاوط کرده اند گوید: ابن فارس وله من الکتب کتاب الحماسه ( ص ۱۱۹ چاپ مصر ) و در کشف الظنون نام این کتاب نیست.

العم والخال، ۲۳- اخلاق النبی ص (۱)، ۲۴- الشیات والحلی، ۲۵- اصول الفقه، ۲۶- کتاب صغیر الحجیم (کذا)، ۲۷- جامع التأویل فی تفسیر القرآن (در چهار مجلد)، ۲۸- الفصیح (۲)، ۲۹- مجمل اللغه، ۳۰- نقد الشعر (جرجی زیدان گوید: در المزه نام آنرا برده ولی دیده نشده) ۳۱- مسائل فی الفقه (۳)، ۳۲- مقایس اللغه.

مقایس اللغه یکی از کتاب های بسیار خوب و کمیاب می باشد، باوجود این هیچیک از آنها یکی که بشرح حال و ذکر مؤلفات ابن فارس پرداخته اند این کتاب را از مؤلفات او ندانسته اند جز یاقوت در معجم الادبا که از این کتاب در دو جا نام برده یکی از نقلهای او را در ص ۱۹۶ این جلد آورده ایم و دیگر در ذیل

(۱) در معجم الادباء و نامه دانشوران سه کتاب بنام «تفسیر اسماء النبی ص» و «سیرة النبی ص» و «اخلاق النبی ص» نام برده شده، نام اخلاق النبی و سیرة النبی در کشف الظنون نیست و در حرف الف ذیل اسماء النبی گوید: ابن فارس کتابی در این موضوع تالیف نموده و آن را «المعنی» نام نهاده است سیوطی در بقیه فقط تفسیر اسماء النبی ص را نام برده که به احتمال قوی همان اسماء النبی مذکور می باشد و بایستی اخلاق النبی و سیرة النبی نیز هر دو یکی باشد.

(۲) کتاب «الفصیح» را یاقوت در ضمن شماره مؤلفات ابن فارس نیاورده ولی در ذیل شرح حال، این کتاب را بدونسبت داده و ترجمه آن گذشت و در کشف الظنون ج ۲ ص ۱۹۷ کتابی در لغت بنام فصیح ذکر شده و گوید در مؤلف آن اختلاف می باشد و واضح اینست که تالیف ثعلب باشد و بر آن شروخی زیاد نوشته شده الخ، و در ص ۱۱۱ فهرست ابن ندیم به ثعلب متوفی سال ۲۹۱ کتابی بدین نام نسبت داده شده است. و کتاب «الشیات والحلی» و «کتاب صغیر الحجیم» و «جامع التأویل فی تفسیر القرآن» و «متحیز الالماظ» و «العام والخال» را نیز یاقوت نام برده و در مآخذ دیگر مخصوصاً در کشف الظنون نام آنها نیست.

(۳) سیوطی پس از ذکر این جمله گوید: یقالی بها الفقهاء ومنه اقتبس الحریری صاحب المقامات ذلك الاسلوب ووضع المسائل الفقهیه فی المقامة الحریه وهی مائه مسئله. صاحب روضات نام این مقامه را طبعیه ذکر نموده و ظاهراً مراد مقامه ۳۲ حریری باشد که در نسخه چاپ ایران «مقامه فقیه» معرفی شده و در شرح مطرزی «مقامه حریه» نامیده شده و بنظر نگارنده چون در ابتداء آن تذکر داده که عزم مسافرت مدینه طبعیه داشته بعضی آن را طبعیه نامیده اند و آنها یکی این مقامه را «حریه» نه حریه، خوانده اند شاید بدین لحاظ باشد که بحث از حریمین مکّه معظمه و مدینه منوره در آن گردیده و احتمال دیگر که بنظر میرسد اینست که این مؤلفه (مسائل فی الفقه) با مؤلفه ای که بنام «فتاوی فقیه العرب» در مؤلفات ابن فارس نوشته شده یکی است چرا که حریری که در اقتداء به ابن فارس این مقامه را انشاء نموده و مطالب آنرا از زبان فقیه عرب بیان کرده بنابر این بایستی ابن فارس هم این مسائل را از زبان فقیه عرب ذکر کرده باشد و بنام «فتوی فقیه العرب» مشهور شده باشد.



شرح حال ابن فارس میباشد ودر اینجا گوید: **مقایس اللغة و هو کتاب جلیل** **لم یصنف مثله** ممکن است که بعضی تصور کنند که این کتاب و مجمل اللغة ابن فارس که از کتب مشهوره و ابن فارس بیشتر بدان مشهور میباشد يك کتاب است ولی بیانات یاقوت که حاکی از اینست که هر دو کتاب را در دست داشته این تصور را دفع میکند و ما برای توضیح و اثبات مدعی دیباچه آن را که مبین طرز کتاب و قدرت مؤلف در انشاء و مآخذ آنست می آوریم.

بسملة الحمد لله وبه نستعين وصلى الله على محمد وآله اجمعين، قال احمد اقول وبالله التوفيق ، ان اللغة العرب مقایس صحیحه واصولاً يتفرع منها فروع وقد اختلف الناس في جوامع اللغة ما اختلفوا ولم يعربوا في شيء من ذلك عن مقایس تلك المقایس ولا اصل من الاصول والذي او مانا اليه باب من العلم جلیل وله خطر عظیم وقد صدرنا كل فصل باصله الذي يتفرع منه مسائله حتى تكون الجملة الموجهة شاملة للتفصيل ويكون المجيب عما يسئل عنه بحیثاً عن الباب المبسوط باوجز لفظ واقربه وبناء الامر في سائر ما ذكرناه على كتب مشهوره عالية تحوی اكثر اللغة ، فاعليها واشعرها كتاب ابی عبدالرحمن الخلیل بن احمد المسمى بكتاب العين اخبرنا به علی بن ابراهیم القطان فيما قرأت عليه اخبرنا ابو العباس احمد بن ابراهیم المعدانی عن ابيه ابراهیم بن اسحق عن بندار بن لؤی الاصفهانی و معروف بن حسان عن الليث عن الخلیل ومنها كتاب ابی عبيد في غريب الحديث و مصنف الغريب حدثنا بهما علی عن عبد العزيز عن ابی عبيد ومنها كتاب المنطق و اخبرني به ابی فارس ابن زكريا عن ابی نصر اخذ الليث بن ادريس عن الليث عن بن السكيت ومنها كتاب ابی بكر بن دريد المسمى بالجمهره و اخبرنا به ابو بكر محمد بن احمد الاصفهانی و علی بن احمد السامی عن ابی بكر فهذه الكتب الخمسة معتمدنا فيما استنبطنا من مقایس اللغة وما بعد هذه الكتب فمحمول عليهما وراجع اليها حتى اذا وقع الشيء النادر نصصناه الى قائله انشاء الله فاول ذلك كتاب الهمزة باب الهمزة في الذي يقال له المضاعف الخ . مؤلف مقایس را چون کتب لغت متداوله امروز بترتیب حروف هجاء اوائل بامرعات حرف اول و دوم مرتب نموده و بدو لغات دو حرفی را ازاله

تا یا پس از آن لغات سه حرفی را نیز از الف تا یا و پس از آن لغاتی که از سه حرف بیشتر است ذکر نموده و شواهدی از اشعار و گاهی از آیات و اخبار بر آنها اقامه نموده و در حدود (۳۷۰۰۰) بیت کتابت دارد.

**انجام:** قال الشيخ الامام الاجل السعيد ابو الحسين احمد بن فارس رحمه الله عليه واجزل له الثواب قد ذكرنا ما شرطنا في صدر الكتاب ان نذكره وهو صدر من اللغه صالح فاما الاحاطه بجميع كلام العرب مما لا يقدر عليه الا الله تعالى او نبى من انبيائه عليهم السلام بوحي من الله تعالى وغير ذلك اليه والحمد لله اولاً و آخراً و باطناً و ظاهراً و الصلوة و السلام على رسوله محمد و آله اجمعين الطيبين الطاهرين .

(۹۰۷)

**مقایس اللغه** این نسخه را بخط نسخ علم الهدی بن صفی بسال ۱۰۹۴ بنا بخواست عبدالرضا بن محمد بن مبارك موسوی در شیراز نوشته و این معنی را عبدالرضای مذکور پشت صفحه نخستین و بر آخرین صفحه نسخه باتذکر به مقابله و تصحیح آن در تکیه نور از تکایای شیراز بخط خود بسال ۱۰۹۵ نگاشته (تکیه نام برده اینک در شیراز معروف نیست) و نیز پشت آخرین صفحه تولد فرزند خود را که عبدالله نام داشته بسال ۱۱۰۱ معین نموده و نویسنده نسخه پشت صفحه اول این کتاب را بنام **مجهل اللغه** ابن فارس معرفی نموده و بر صفحه اول شاهزاده فرهاد میرزا مختصری از شرح حال ابن فارس را از کتاب ابن خلکان بخط خویش نگاشته . و بر این صفحه نیز تصریح شده که این کتاب **مجهل اللغه** میباشد و بهمین نام نیز وقف نامه آن در همین صفحه نگارش یافته ، هر کس که در هر هنگام مالک این نسخه بوده یادداشتی بر این صفحه نموده و یکی از یادداشتهای محمد معصوم حسینی منصوری دشتکی بسال ۱۱۳۷ و دیگری از سید مفید استرآبادی است که بسال ۱۱۴۷ نگارش یافته و دیگری از محمد کاظم پسر سید مفید مذکور است که بسال ۱۱۶۴ نوشته شده و نیز قطعه ای در وفات پدر خویش که شامل ماده تاریخ آن میباشد و سال ۱۱۵۱ را معین میکند نگاشته و یادداشتی دیگری هم در این صفحه است .

نگارنده چون خواست خصوصیات این نسخه را در فهرست بنگار د بمقدمه مراجعه نمود و عبارات آنرا بادقت از نظر گذرانید دید که مؤلف گوید: وقد ألف الناس في جوامع اللغة ما ألفوا ولم يعربوا في شيء من ذلك عن مقياس من تلك المقاييس ونیز گوید:

فهذه الكتب الخمسة معتمدا فيما استنبطناه من مقاييس اللغة و ما بعد هذه الكتب الخ.

باهمه قرائن موجوده که بمجل اللغة بودن نسخه را ثابت مینمود بر آن شد که بمجل اللغة نیست و مقایس است خوشبختانه نسخه ای از کتاب مقایس را در کتابخانه مدرسه مروی در تهران سراغ داشت و در ایران ظاهراً تا کنون منحصر بفرد بود و چند سال پیش دانشمندان کشور مصر بوجود آن خبردار شده و نسخه ای از روی آن استنساخ نموده و بکشور خویش بردند و پانصد مجلد از کتابهای چاپ آن کشور را در عوض بان کتابخانه فرستادند و نسخه را بایکدگر مقابله نمود هر دو را یکی و از این کشف خویش مانند يك مخترع و کاشف مطلب و موضوع علمی خورسند شد برای اینکه کاملاً تردید او رفع شود و این تصور هم دور شود که گویند آن نسخه بمجل اللغة میباشد و بخلط مقایس ثبت و معرفی شده در جستجوی دلیلی بر ردّ این احتمال شد خوشبختانه نسخه ای از بمجل اللغة را در کتابخانه مجلس یافت و دو نسخه را بر یکدگر عرضه داد آنها را یکی ندید و نیز در فهرست کتابخانه رضویه ۴ (ج ۲ ص ۳۷۷ و ۳۷۸) نسخه ای از بمجل اللغة را نشان یافت که از ابتداء کتاب تا آخر باب الرأ بعده المیم بود و قسمتی از ابتداء دیباچه آن را نقل نموده و آن اینست: **أَمَّا بَعْدُ وَلَيْكَ اللَّهُ بِضَمِّهِ وَجَعَلَك مِّنْ عَلَمٍ (كذا في الفهرست والظاهر مِّنْ عَلَمٍ) فِي الْخَيْرِ.** و نیز قسمتی از آخر نسخه را نقل نموده و آن اینست: **وَأَمَّ رَمَالٍ فِيمَا ذَكَرَهُ ابْنُ السَّيْتِ الضَّمِّعُ تَمَّ الْمَجْلَدُ الْأَوَّلُ.**

و این هر دو عبارت را در مقدمه و دیباچه کتاب و در باب الرأ بعده المیم نیافت و با کمال جزم توانست بگوید که این کتاب مقایس است نه بمجل اللغة.

ابواب و فصول و لغات باشنجر ف نوشته شده است.

جلد تیماجی ظریف . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۳۱۹) .  
صفحه ای (۳۰) سطر . طول (۲۸ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۷۲) .

### [۳۸۲] منتخب اللغات شاهجهانی (عربی بفارسی)

مؤلف این کتاب عبدالرشید بن عبدالغفور حسنی مدنی تتوی است که در  
ص ۳۱۷ - ۲۱۹ بمناسبت فرهنگ رشیدی مختصری از حالات ایشان ذکر گردید  
و این منتخب را بنام شاهجهان (۱۰۳۷ - ۱۰۶۸) از پادشاهان هندوستان که از  
نواده های امیر تیمور گورکان بوده تألیف کرده و خود برای معرفی از کتاب در  
مقدمه آن گوید :

«این کتابی است در تحقیق بیان لغات ضروریه کثیره الاستعمال منتخب از کتب  
معتبره چون قاموس و صحاح و صراح بعبارت فارسی عام فهم خاص پسند و تحقیق  
الفاظ و تنقیح معانی و اعتبار حرف ملفوظ نه مکتوب در عنوان باب و فصل بارعایه  
حرف اول و دوم و آخر چنانکه حرف اول باب و حرف آخر فصل باشد بی رعایه  
مأخذ اشتقاق و اسقاط حروف زواید تاهرقاصی ودانی از آن بهره ور شود الخ» .  
و در آخر کتاب تاریخ اتمام تألیف را که سال ۱۰۴۶ بوده با ذکر مأخذ  
آورده و ان اینست :

نسخه جامع ز لغات عرب	از نسخ معتبره ، منتخب
نسخه قاموس و مذهب صحاح	کنز و اسامی و مصادر صحاح
یافته اتمام بعهد شهی	از حق و از خلق جهان آگهی
سلطنت آرای ممالك ستان	شاه جهان ، ثانی صاحبقران
از پی تاریخ اش بی قال و قیل	گفت خرد «منتخب بی بدیل»
منتخب اللغات بشماره حروف تهجی مشتمل بر ابواب و فصول میباشد .	

این کتاب بسال ۱۲۲۳ ه و ۱۸۰۸ م در کلکته با حروف سربی نستعلیق چاپ  
شده ، مقدمه نسخه چاپی بانسخ خطی مختلف و اضافاتی دارد و در حدود (۲۷۷۰۰)  
بیت کتابت این کتابست .

آغاز : بسمله ستایش و سپاس مالك الملکی که تذکار آلائی بی احصای بی  
منتهایش الخ .

(۹۰۸)

منتخب اللغات  
شاهجهانی  
این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۳۴ نوشته شده ، نویسنده نام خود را نبرده ، صفحات مجدول و ابواب و فصول باسری ولغات بخط نسخ نگاشته شده است .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ فرنگی : واقف سیهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۱۶۵ ) .  
صفحه ای ( مختلف السطور ) . طول (  $۳۰ \frac{۱}{۲}$  سانتیمتر ) . عرض (  $۲۱ \frac{۱}{۲}$  سانتیمتر ) . شماره -  
کتابخانه ( ۳۱ ) .

(۹۰۹)

منتخب اللغات  
شاهجهانی  
این نسخه بخط نسخ ابوالقاسم بن حسنقلی بسال ۱۲۴۹ نوشته شده ، قسمتی از مقدمه کتاب ( از ابتدا تا اما بعد ) را نویسنده نوشته و از اما بعد شروع کرده است ، پشت صفحه اول یادداشتی از عماد حسین بن فضل الله حسینی میباشد که در همان سال نگارش نسخه نوشته شده و از فرینه عبارت آخر نسخه که مقدمه برای نوشتن نام کسی است که نسخه را نویسنده برای وی نوشته و ناتمام مانده معلوم میشود که برای سید نام برده بالا که از علماء آن عصر بوده نگارش یافته و در آخرین صفحه مقابله و تصحیح آن نیز یادداشت شده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهر زده . واقف سیهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۱۹۱ ) .  
صفحه ای ( ۲۶ ) سطر . طول (  $۳۰ \frac{۱}{۲}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۲۱ سانتیمتر ) . شماره -  
کتابخانه ( ۳۲ ) .

[۳۸۳] مذهب الاسماء (عربی بفارسی)

مؤلف این کتاب چنانکه در دیباچه تصریح گردیده محمود بن عمر بن محمد بن منصور قاضی الزنجی السنجری العربی از قبیلہ شیخان میباشد .

در کتب سیور رجال نام و شرح حال این دانشمند را با تفحص نیافتیم ، در نسخ این کتاب ، مؤلف الزنجی بازاء معجمه و نون و جیم ثبت شده و نیز سنجرى باسین مهمله و نون و جیم وراء نگاشته شده ، دانشمند شهیر آقای علی اکبر دهخدا ( مؤلف کتاب مشهور «امثال و حکم» و نویسنده توانای ایران اند که اینک رئیس دانشکده

حقوق و سیاسی میباشند و در لغت توانائی زیادی دارند و در همین نزدیکی ها کتاب لغت بزرگ ایشان از چاپ بیرون خواهد آمد) دو نسخه که یکی بسیار کهنه و دیگری بر حسب احتمال از نسخه این کتابخانه کهنه تراست، دارا میباشند و در آن دو نام مؤلف نیز بهمین نحو که نقل گردید ضبط شده ولی ایشان را عقیده اینست که کلمه اوّل زنجی نیست و **ربنجی** (بارء مهمله و باء ابجد و نون و جیم و نون) است و کلمه دوّم هم سنجری نیست و **سجری** باسین مهمله و جیم ابجد و زاء معجمه که معرب سکر باشد.

در ج ۲ معجم البلدان ص ۷۵۲ نوشته شده: ریخن بفتح اوّل و دوّم و سکون سوم و خاء معجمه و نون و آریخن نیز گفته شده، شهر کوچکی از سغد سمرقند است و نامی از ربنجن یا اربنجن در این کتاب نیست.

و نیز در ج ۳ معجم البلدان ص ۳۹۴ در ذیل صغد (سغد) گوید گفته اند قصبه آن اشیخن است و نامی در اینجا از اربنخن یا ریخن نیست تصوّر میکنم که از زنجی مذکور در این مؤلفه مصحّف و محرف، ریخن یا اربنخن بوده است.

در الانساب سمعانی ص ب و ورق ۲۴۸ بنقل از تاریخ بغداد ربنجی باجیم میان دو نون ضبط شده و گوید شهری از سغد سمرقند است و آنرا اربنجن باهمزه نیز تلفظ میکنند و در حرف همزه گوید کلمه اربنجن با حذف نون دوّم یافت میشود و تصور میکنم که همان نام سابق است که در تاریخ بغداد کاتب آنرا این گونه نوشته است.

و در ص ۲۴۹ ج ۱ مجمع الفصحا در ذیل عنوان سنجری خراسانی نوشته شده از قدما و شعرا بوده، مدّاحی سلطان سنجر سلجوقی (این پادشاه چنانکه در کتب تاریخ ثبت شده در سال ۴۷۹ در سنجار شام متولّد شده و پدر بدین مناسبت او را سنجر نامیده، یس از اینکه بیست سال از طرف برادران خود (برکیارق و سلطان محمد) در خراسان حکومت کرده و چهل و یک سال در پنجنوبت در اکثر ممالک معموره جهان سلطنت کرده بسال ۵۵۲ وفات یافته است) مینموده، وی بنی النعرا مشهور و معروف است و در زمان سلطان نهایت جلالت داشته، چنانکه حکیم انوری (در ج ۱ ص ۱۵۲ و ۱۵۳ مجمع الفصحا وفات انوری بسال ۵۷۵ ثبت

شده است) در جائی از اشعار خود گوید :  
اینکه پرسد هر زمان اینکون خران ریش گاو

کانوری به یافتوحی ذر سخن یا سنجرى . اللهی .  
مسلماً در این شعر قافیه سنجرى است و احتمال سجزى بودن نمیرود زیرا که  
این بیت در قصیده ایست که نیز در شکایت از روزگار خویش سروده و مطلع آن اینست :  
ای برادر بشنوی رمزی ز شعر شاعری  
تا زما مشتی گدا کس را بمردم نشمری  
و سنجرى را با شاعری و نشمری و مستکبری و سرسری و پیغمبری و گستری و انگشتی  
و غیره هم قافیه نموده بنا بر این مسلم گردید که سنجرى است  
نه سجزى اما اشعار سنجرى از میان رفته این رباعی را بجهة آبله گفته :

اگر بر رخ چون ماه تو ای جان جهان  
از آبله چون ستارگان هست نشان  
حسن تو نهان نگردد ای ماه بدان

هرگز ز ستاره مه نگشته است نهان  
و جز این سنجرى در کتب سیرکسی را نیافتم از قرینه انشاء و مآخذیکه در  
مقدمه نقل شده احتمال اتحاد این مؤلف با این سنجرى شاعر تأیید میشود .

مذهب الاسماء شامل اسمائی از لغت عرب میباشد که به فارسی ترجمه شده و شواهد  
ندارد ، مؤلف خود گوید که آنرا از کتب ائمه ادب چون السامی فی الاسامی  
( تألیف ابو الفضل احمد بن محمد میدانی متوفی بسال ۵۱۸ می باشد ) ، الاسمی فی الاسما  
( تألیف سعید بن احمد بن محمد میدانی پسر میدانی نام برده بالا است و بسال ۵۳۹  
فوت کرده ) ، کتاب الاسامی موسوم به سعیدی ( در نسخه مدرسه بدینگونه که  
نقل شد ثبت شده و در کشف الظنون ج ۲ ص ۵۷۵ بنام «الشهاب السعیدی» نام برده  
شده و نگارنده تصور میکند که سعیدی نام کتاب لغت پسر میدانی مذکور است که سعید  
نام داشته ) ، بلغة المترجم فی اللغة ( درج ۱ ص ۲۰۲ کشف الظنون تألیف نوح بن  
مصطفی مفتی قونیه ثبت شده است ) ، کنز الاسامی ، ترجمان القرآن ، الروضه

(ندانستم این سه کتاب تألیف کیست) و کتابهایی که پیش از اینها تألیف گردیده چون اصلاح المنطق (تألیف ابن سکیت متوفی بسال ۲۴۴)، غریب المصنف (تألیف ابی عمر واسحق بن مراد الشیبانی متوفی بسال ۲۰۶)، دستور اللغه (تألیف نطنزی متوفی بسال ۴۹۷ می باشد که در ص ۱۷۶ تا ۱۸۰ معرفی از آن شد) و کتب مشاهیر و غیر از اینها گرد آورده ام و پیش از شروع بذکر اسامی اسماء الله الحسنی را موافق حروف تهجی بترتیب اوائل ذکر و بترجمه فارسی آنها پرداخته و پس از آن شروع در نقل لغات و اسامی نموده و کتاب در بیست و هشت باب منظم شده و هر يك بسه باب (مفتوح و مضموم و مکسور) تقسیم گردیده و پس از اتمام در آخر، بابی در اسماء متفرقه نیز بر آن افزوده و نام کتاب را خود «مذهب الاسماء فی مرتب الحروف والاشیاء» نامیده است و در حدود (۹۶۰۰) بیت کتابت آنست.

آغاز: بسمله الحمد لله الذی خلق الاسماء بقدرته و خصّ بنی آدم بعزّه الخ.

(۹۱۰)

**مذهب الاسماء** این نسخه که لغات آن بخط نسخ و ترجمه آنها بخط نستعلیق خوب می باشد آنرا عماد باقر نام بسال ۱۰۸۷ نوشته، اسامی کتابها و ابواب و فصول باشجره می باشد، در حاشیه صفحات مطالبی از کنز اللغه و فرهنگ ابراهیم شاهی که همه بفارسی بوده اند نوشته شده و حاشیه هائی در بیان معانی لغات بفارسی نیز تحریر یافته، ورق اول و آخر و صالی شده و پشت هر دو یادداشت هائی از مالکین سابق آن دیده میشود.

جلاد مقوائی. کاغذ فرنگی. واقف سیه سالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۱۵۹).  
صفحه ای (۱۹) سطر. طول (۲۹) سانتیمتر. عرض (۱۹) سانتیمتر (شماره کتابخانه (۳۳)).

[ ۳۸۴ ] **النهاية في غريب الحديث والخبر** (عربی)

مؤلف این کتاب ابن اثیر جزیری است (ابو السعادت عبد الدین مبارک بن



محمد بن عبدالکریم (۵۴۴ - ۶۰۶) (۱) که از مشاهیر علما و مفسرین و فقهای و لغویین قرن ششم هجری و در نحو شاگرد ابن الدهان و یحیی بن سعدون القرطبی بوده و برادر وی عزالدین ابن اثیر صاحب تاریخ کامل میباشد و او وفات برادر را در حوادث سال ۶۰۶ ثبت (ص ۱۲۰ ج ۱۲) و در باره وی گوید: در این سال برادرم محمدالدین ابوالسعادت المبارك بن محمد بن عبدالکریم کاتب بدرود زندگانی گفت و توگد وی در یکی از دو ربیع سال چهل و چهار بوده و در بیشتر از علوم دست داشت از آنجمله فقه و اصول دین و اصول فقه و نحو و حدیث و حساب، و او را رسائل زیاد است و نویسنده ای زبردست بود بدین پایه که در این فن بوی مثل میزدند و مردی بود در آئین استوار و ره رو راه راست خدای او را رحمت کنداد و ازو خوشنود باد و وجود او زیور زمانه بود، شاید هر کس این نوشته را بخواند مرا متهم کند که برادری وی مرا بر این گفتار و ادار نموده ولی آنانکه در این عصراند و او را دیده و معاشرت کرده بودند تصدیق خواهند نمود که آنچه در باره وی گفته ام اندکی از بسیار و یکی از هزار است.

شرح بسیار لطیف و مبسوطی در معرفی این دانشمند بنقل از مآخذی چند در ج ۱ نامه دانشوران (از ص ۶۳۴ تا ۶۳۹) نگاشته شده اگر از حدّ عادی در معرفی از مؤلفین بیرون نمی‌رفتیم همه آنها را در اینجا می‌آوردم و با همه آنها در نقل این قسمت از آن، چون شامل مطالبی سودمند میباشد خود را موظف میدانم: **ابناء اثیر الدین** بیاید دانست که عنوان این ترجمت نیز مانند عنوان بنی بابویه و ابنا طائوس از مشترکاتست چه فرزندان اثیر الدین ابوالکرم محمد بن محمد بن عبدالکریم بن عبدالواحد شیبانی هر سه مابین العلماء با این اثیر اشتها دارند و درالسنه از باب ادب جز بدین عنوان مذکور نیابند و لعل بسیاری از مبتدین و متوسطین محصلین آن سه دانشمند بی مانند را یکی پندارند و «نهایه ابن اثیر» و «کامل ابن اثیر» و «مثل السائر ابن اثیر» هر سه را تصنیف یک عالم

(۱) تاریخ کامل ابن اثیر ج ۱۲ ص ۱۲۰، نامه دانشوران ج ۱ ص ۶۳۴ - ۶۳۹، بغیة الوعاة در حرف مهم، معجم الادبا، ج ۶ ص ۲۳۸، کشف الطنون ج ۲ ص ۶۲۱ و معجم المطبوعات ص ۳۴ و ۳۵.

انکارند با آنکه هربك از آنها تصنيف يكی از ایشان است پس تعیین مراد و رفع اشتباه را گوئیم :

بنی اثیر سه محقق بی نظیر اند که در ادب و حسب و نسب و عصب برادراند، در فنون فضل و شجون کمال سرآمد دانشوران عهد خویش بودند، از معاصرین آن سه دانشور یگانه ستایشها در حق ایشان بنظر رسید شیخ شهاب الدین ابوالدر یاقوت حموی در ذیل جزیره ابن عمر گوید: **بنو الاثیر العلماء الفضلاء الادباء کل منهم امام** . قاضی شمس الدین احمد بن خلکان در ذیل ترجمت ابوالفتح نصرالله گوید: **و كان الاخوة الثلاثة فضلاء نجباء رؤساء لكل واحد منهم تصانیف نافعه** .

مهمتر ایشان ابوالسعادات مجدالدین مبارک است که در غریب حدیث کتاب نهایه تصنيف کرده و کهتر از وی ابوالحسن عزالدین علی است که در علم تاریخ کتاب کامل تالیف نموده و کهتر از ایشان ابوالفتح ضیاء الدین نصرالله است که در صناعت انشاء کتاب المثل السائر نوشت ولادت هر سه برادر در جزیره ابن عمر اتفاق افتاد چه ابو الکرم پدر ایشان در آنجا وطن و حکومت داشته و از ابفری هر سه را ابن اثیر جزری گویند و جزیره ابن عمر شهری است در سه هنزلی موصل بر کنار دجله از آنکه آب بشکل هلال از سه جانب بر آن محیط شده علی الاستعاره بنام جزیره اشتها یافته اکنون بشرح اخبار آن سه عالم لبیب علی الترتیب (ص ۶۳۹ تا ۶۵۷ ج ۱ نامه دانشوران شرح حال دو برادر ابن اثیر صاحب نهایه را در بر دارد.) اشتغال جوئیم و گوئیم مبارک بن محمد از ارکان اساتید واعیان مشایخ است الخ .

پس از شرح بسیار جالبی از حالات و سیره این دانشمند که از لحاظ انشاء نیز فوق العاده و حاکی از قدرت بیان و بنان مؤلفین نامه دانشوران میباشد مؤلفات این دانشمند بدینگونه نام برده شده است :

کتاب **جامع الاصول** فی احادیث الرسول و آن کتاب جامع احادیث صحاح سته اهل سنت است ، کتاب **المصطفی والمختار** فی الادعیه والادکار ، کتاب **الانصاف فی الجمع بین الکشف و اکشاف** (آنرا از تفسیر ثعلبی و تفسیر زخشری فراهم آورده ) ، کتاب **البیوع** فی شرح الفصول فی النحول ابن الدهان ، کتاب **الاشافی** فی شرح مسند الامام الشافعی ، دیوان الرسائل والمکاتیب و کتاب **النهایه** فی غریب الحدیث که پنج مجلد است و او را نیز رساله ایست سودمند در صنعت کتابت .

سیوطی در بغیه کتاب ۱ و ۳ و ۴ و ۵ نامبرده را از مؤلفات ابن اثیر نام برده و نیز کتاب **الباهر فی الفروق فی النحو، تهذیب فصول** (فصول از استادش ابن الدهان است)،

البینین والیان والا باوالامهات والاذواء والذوات را نام برده و گوید این کتاب را دیده ام و کتبه های آن را در کراسه ای ملخص کرده ام و در معجم الادباء (ج ۶ ص ۲۳۸) این کتاب بنام المرصع فی الالباء والامهات والبینین والبنات والاذواء والذوات ثبت شده و چنانکه در معجم المطبوعات نوشته شده جامع الاصول و کتاب المرصع وی چاپ شده است.

النهایه فی غریب الحدیث والاثرتألیف ابن اثیر شامل لغات غریب احادیث میباشد و مشهور به نهاییه اثیریّه، نهاییه اللّغه و نهاییه ابن اثیر شده است و در مقدمه آن بسیاری از آنانکه تا زمان و عصر وی غریب قرآن و احادیث را جمع آوری و تفسیر کرده اند نام برده شده و مختصری از خصوصیات و طرز هر یک بیان گردیده و در آخر گوید :

غریب القرآن والحديث ابی عبید احمد بن محمد بن محمد بن محمد هروی صاحب امام ابی منصور ازهری لغوی را و تتمه ای که ابو موسی محمد بن ابی بکر بن عیسی اصفهانی بر آن نوشته جامعتر از همه آن کتب دیدم ولی باز در این دو همه لغات غریبه کتب صحاح بخاری و مسلم و غیره را نیافتم، از اینرو بر آن شدم کتابی جامع آن دو کتاب و لغات دیگر تألیف کنم و آنها را بترتیب حروف تهجی مرتب ساختم و نشانه لغاتی که از هروی نقل شده «ها» و آنهایی که از لغت ابو موسی آورده شده «هنا» و آنهایی را که خود یافته ام بدون علامت آوردم و غریب لغات قرآن را که در آن دو کتاب بود در اینجا نیاوردم و این مؤلفه را مخصوص غریب الحدیث قرار دادم و آن را «النهایه فی غریب الحدیث والاثر» نامیده ام.

در ابتداء حرف صاد نهاییه اثیریّه که سال ۱۲۶۹ در طهران چاپ گردیده نوشته شده : القسم الثاني من نهاییه اللّغه. ولی در جاهای دیگر از آن نسخه ذکر دیگر قسمتهای این کتاب نشده و در مقدمه هم از آن نامی نیست اما از نسخه شماره (۹۱۲) این فهرست تقسیمات زیرین بدست می آید :

جزء اول : از اول کتاب تا آخر حرف الشین . جزء دوم حرف الصاد تا

آخر حرف الفاء . جزء سوم حرف القاف تا آخر حرف الكاف . جزء چهارم :  
از حرف لام تا آخر کتاب .

تألیف این کتاب چنانکه مؤلف در آخر تصریح کرده در اوائل قرن هفتم  
گردیده و بسال ۶۰۴ پاکنویس شده و تنظیم آن موافق حروف اوائل کلمات میباشد ،  
و مکرر در مصر و ایران چاپ شده و در حدود (۵۲۰۰۰) بیت کتابت دارد .  
در کشف الظنون ( ج ۲ ص ۶۲۱ ) ذیل این کتاب نوشته شده که صفی الدین  
عمود بن ابی بکر ارموی متوفی بسال ۷۲۳ نهاییه را تذیل نموده و عیسی بن محمد  
صفوی متوفی بسال ۹۵۳ و جلال الدین سیوطی متوفی بسال ۹۱۱ و شیخ علی بن  
حسام الدین هندی مشهور به متقی هریک نهاییه را مختصر نموده اند و از آن  
سیوطی بنام « الدرالنشر » میباشد و او را نیز بر این کتاب ذیلی است .  
آغاز : بسملة احمد الله على نعمه بجميع محامده و اثنى عليه بالامه الخ .

( ۹۱۱ )

این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، نام نویسنده و سال  
نگارش را از آخر محو کرده اند ، در آخر جزء دوم سال  
نگارش سنه ۱۰۷۰ ثبت شده و از اینجا نام کاتب نیز محو گردیده است و جزء اول  
نسخه هم در این مجلد نیست و مشتمل بر چند سطر پیش از حرف الصاد تا آخر حرف  
الياء ( آخر کتاب ) میباشد .

جاد هیشن . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۳۲۹ ) . صفحه ای  
( ۲۲ ) سطر . طول ( ۳۱ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۹ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۰ ) .

( ۹۱۲ )

این نسخه بخط نسخ نوشته شده و مشتمل بر سه جزء اخیر  
کتابست ( ۳۰۲ و ۴ ) کاتب نام خود و سال نگارش را ننکاشته ،  
مجدول بطلا و لاجورد و دارای سر لوح ظریف کوچکی میباشد ، لغات و ابواب  
باشیخرف نوشته شده ، میان سطرهای دو صفحه اول نسخه و حاشیه آنها تذهیب

برگ موی است ، ورق اوّل و آخر و صّالی شده و قفسنامه را هم پشت صفحه اوّل نوشته اند و ظاهراً تاریخ کتابت آن پیش از نسخه پیش است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف میرزا محمد شفیع . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۴۰۸ )  
صفحه ای ( ۲۱ ) سطر . طول ( ۲۸ سانتیمتر ) . عرض (  $۱۶\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر ) . شماره ( ۲۴۹ )  
قفسه مدرسه صدر .



## فصل نهم و صرف

[ ۳۸۵ ] الفیه ابن مالک = الخلاصه (عربی)

مؤلف و ناظم این کتاب ابن مالک نحوی مشهور است (جمال الدین ابو عبد الله محمد بن عبد الله بن مالك الطائي الجبائي (۱) الشافعي ۶۰۱-۶۷۲) (۲) که از مشاهیر علماء نحو و لغت میباشد و چنانکه خود در مقدمه این کتاب گفته پدش از ایشان ابن معط (یحیی بن عبد المعطی ۵۲۴-۶۲۸) الفیه ای در نحو انشاء نموده (نام آن «الدرة الالفیه فی علم العربیه» میباشد و بسال ۱۹۰۰ م. در لیمزیک چاپ شده است) و این کتاب، الفیه ابن معط را نسخ نمود و بر آن شروح و حواشی زیاد نوشته شده، در کشف الظنون (ج ۱ ص ۱۳۹-۱۴۲) و روضات درص ۲۰۲ ج ۴ ذیل ابن ناظم نام بسیاری از آنها ثبت شده و مشهورترین شرح وی شرح ابن ناظم و سیوطی و ابن عقیل و ابن هشام میباشد که در این فصل از آنها معرفی خواهیم نمود.

سیوطی سی و سه مؤلفه از ابن مالک را نام برده و ابن ناظم و سیوطی بنقل از ذهبی در تاریخ الاسلام شرحی بر الفیه بن خود ابن مالک نسبت داده اند و حاجی خلیفه نیز آنرا تذکر داده و نیز سیوطی و دیگران نوشته اند که ابن مالک شافعی مذهب بود و به این صفت و خصلت حسن خلق و کرم بامغریبها خالفت داشت.

---

(۱) جیانی منسوب به جیان بفتح جیم ابجد و یا تحتانی مشدد و نون میباشد که یکی از شهرهای اندلس بوده است.

(۲) بغية الوعاة ذیل محمد بن عبد الله، معجم المطبوعات ص ۲۳۲-۲۳۴، روضات ص ۱۴۶ ج ۴، شذرات الذهب ص ۳۳۹ ج ۵ و تاریخ آداب اللغة جرجی زیدان ح ۳ ص ۱۴۰-۱۴۱.

چنانکه در معجم المطبوعات نگاشته شده از مؤلفات ابن مالک الاعلام يك اكمال الاعلام بمثلث الکلام بسال ۱۳۲۹ در مصر و تحفة المورود فی المقصور والممدود نیز بسال ۱۳۲۹ ه یا ۱۸۹۷ م والخلاصه یا الفیه مکرر در ایران و مصر و بیروت و پاریس با شرح سلوستر دسالی بفرانسه و با ترجمه ایتالیائی مسیو ویتو Evitto قنصل ایتالیا در بیروت و با حواشی و تعلیقات بزبان فرانسه مسیو کوکه A. goguer نیز در بیروت چاپ شده جرجی زیدان در آداب اللغه العربیه گوید: بنتو مستشرق فرانسوی الفیه را بفرانسه ترجمه نموده و در آستانه چاپ شده است و شواهد التوضیح و التصحیح لمشکلات الجامع الصحیح (شرح احادیث مشکه و اعراب صحیح بخاری است) بسال ۱۳۱۹ در هند و لامية الافعال یا المفتاح بابنة الافعال در پترزبورغ (لنین گراد) بسال ۱۸۶۴ م چاپ شده است.

جرجی زیدان سیزده مؤلفه ابن مالک را در تاریخ آداب اللغه نام برده و محل وجود نسخ آنرا تذکر داده است. از هزار بیت الفیه (۹۱۳) بیت در علم نحو و (۸۷) بیت در علم صرف میباشد و مؤلف در این بیت که سه بیت بآخر کتاب مانده است تصریح بنام خلاصه نمود و آن اینست: اخصی من الکافیه **الخلاصه**.

آغاز: بسمله قال محمد هو ابن مالک احمد رب الله خير مالک

انجام: وآله الغرا کرام البرره وصحبہ المنتجبین الخیره

(۹۱۳)

**الفیه ابن مالک** این نسخه بسال ۱۱۸۷ بخط نسخ خوب نوشته شده، دو ورق، از اول آن که مشتمل بر سیزده بیت اول بوده افتاده و نخستین

بیت نسخه اینست: والا مران لم يك للنون محل، ترکیب ابیات اولیه نسخه در ذیل آنها نگاشته شده و تعلیقاتی مختصر در حواشی آنست.

جلد نیماج، کاغذ فرنگی، واقف سیه سالار، قطع خشتی، شماره اوراق (۹۹)، صفحه ای (۵) سطر، طول (۲۲ سانتیمتر)، عرض (۱۵  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر)، شماره کتابخانه (۳۱۸۷).

(۹۱۴)

**الفیه ابن مالک** این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده، نویسنده نام خود و سال نگارش را نگاشته، تمام سیوطی « بهجة المریضه ».

در حاشیه صفحات نسخه بخط شکسته نستعلیق نیز نوشته شده و پشت صفحه نخستین یادداشتی بوده آنرا محو کرده اند.

جلد تیماجی نیم ضری . کاغذ فرنگی . واقف سیهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۷۳ ) .  
صفحه ای ( ۷ ) سطر . طول (  $۱ - \frac{۱}{۲}$  ) سانتیمتر . عرض ( ۲۳ ) سانتیمتر . شماره  
کتابخانه ( ۳۲۱۱ ) .

## ( ۹۱۵ )

الفیه ابن مالک این نسخه را بخط نسخ خوب عبدالحمید موسوی بسال ۱۲۰۱  
نوشته ، سی و پنج بیت از اوائل الفیه بفارسی ترجمه و ترکیب  
شده و زیر آن نگاشته شده دو ورق از اوّل و دو ورق از آخر و صالی گردیده  
و بنام شرح الفیه فارسی وقف شده است .

جلد هیشن . کاغذ فرنگی . واقف سیهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۱۱۷ ) . صفحه ای  
( ۷ ) سطر و اوائل دو سطر . طول ( ۲۳ ) سانتیمتر . عرض (  $۱ - \frac{۱}{۲}$  ) سانتیمتر . شماره  
کتابخانه ( ۳۱۷۹ ) .

## ( ۹۱۶ )

الفیه ابن مالک این نسخه بخط نسخ ابوطالب نام بسال ۱۲۵۷ در مدرسه  
حاج محمد حسینخان مرونی در طهران نوشته شده و ترکیب  
ایات اولیه در ذیل آنها نگاشته شده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سیهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق ( ۷۱ ) . صفحه ای  
( ۱۴ ) سطر . طول ( ۲۱ ) سانتیمتر . عرض ( ۱۲ ) سانتیمتر . شماره کتابخانه ( ۳۱۸۶ ) .

## ( ۹۱۷ )

الفیه ابن مالک این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، نویسنده نام خود  
و سال نگارش را تذکر نداد و ولی مسلماً از خطوط اواخر  
قرن سیزدهم هجری میباشد ، پشت ورق اوّل را چسبانیده اند و دارای يك سر لوح  
و جدول بطلا و لاجورد و شنجرف است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سیهسالار . قطع بقالی . شماره اوراق ( ۵۳ ) . صفحه ای ( ۱۰ )  
سطر . طول ( ۱۳ ) سانتیمتر . عرض (  $\frac{۱}{۲}$  ) سانتیمتر . شماره کتابخانه ( ۳۱۸۱ ) .



(۹۱۸)

الفیه ابن مالک این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نام نویسنده و سال نگارش را ندارد ، قسمتی از اوّل آن افتاده کاغذ ننوشته گذارده اند ، در آب افتاده و محتاج وصالی است .

چاند تیماج . کاغذ اصفهانی . واقف سیهسالار . قطع ربی . شماره اوراق ( ۸۳ ) . صفحه ای ( ۱۰ ) سطر . طول ( ۱۹  $\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۱۲  $\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر ) . شماره کتا بخانه ( ۳۱۸۵ ) .

[ ۳۸۶ ] لوضح المسالك الى الفية ابن مالک ( عربی )

التوضیح = شرح الفیه

مؤلف این کتاب ابن هشام نحوی انصاری است ( جمال الدین ابو محمد عبدالله بن یوسف بن احمد بن عبدالله بن هشام انصاری نحوی حنبلی ۷۰۸-۷۶۱ ) ( ۱ ) که از علماء مشهور نحو و ادب بوده و سیوطی بنقل از الدرر الكامنه از ابن خلدون نقل نموده که چون در مغرب بودم خبر آوردند در مصر عالمی بعلوم عربیت ظهور کرده و او را ابن هشام نامند و از سیبویه نحوی تراست . و درباره وی نوشته اند که بابی حیّان بسیار مخالفت میکرد و از عقائد او منحرف بود و یگانه کس بود که فوائد غریبه و مطالب دقیقه و استدراکات عجیبه و تحقیق کامل و توانائی بر تصرف در کلام و ملکه بر ایراد آن را با بهترین طرز و روش پسندیده و فروتنی و احسان و مهربانی و نرمی اخلاق و رقت قلب جمع کرده بود .

مؤلفات ابن هشام نحوی عبارتند از : مغنی اللایب عن کتب الاعاریب ، قطر الندی و بل الصدی ، شرح قطر الندی ، الغاز نحویه ، شذور الذهب فی معرفة کلام العرب ، شرح شذور الذهب ، شرح بانث سعاد ، موقد الاذهان و موقد الوسان . که همه بچاپ رسیده و عمدة الطالب فی تحقیق تصریف ابن الحاجب در دو مجلد ،

( ۱ ) بغية الوعاة در حرف العين ، شذرات الذهب ج ۶ ص ۱۹۱ و ۱۹۲ ، تاریخ آداب اللغة العربیه ج ۳ ص ۱۴۳ و معجم المطبوعات ص ۲۷۳ - ۲۷۵ .

رفع الخصاصه (۱) عن قراء الخلاصه (در چهار مجلد)، الجامع الكبير، الجامع الصغير (۲)، شرح الشواهد الكبرى والصغرى (۳)، التحصيل والتفصيل لكتاب التكميل والتذيل (۴) (در چند مجلد میباشد و شرح كتاب تسهيل الفوائد وتكميل المقاصد تأليف ابن مالك است)، شرح الملحه (۵) تأليف ابی حیان، حواشی علی الالفیه، مسائل سفریه، الاعراب عن قواعد الاعراب (۶)، مسائل که سیوطی آنهارا در اشباه و نظائر درج نموده (۷) و اوضح المسالك الى الفیه ابن المالك و غیر از اینها است.

اوضح المسالك چنانکه از نام آن بر می آید شرح مشکلات و بسط مطالب مختصره الفیه ابن مالك و در نحو است و این نام را مؤلف خود بر آن گذاشته و چون در توضیح و تبیین مطالب الفیه میباشد مشهور بتوضیح نیز گردیده و بسال ۱۳۰۲ و ۱۳۱۶ در مصر و بسال ۱۸۳۲ م. در طبعته چاپ شده و در حدود (۲۵۰۰) بیت کتابت دارد و کتاب التصریح بمضمون التوضیح تألیف خالد ازهری که در همین فصل ذکر خواهد شد شرح بر این کتاب میباشد و چنانکه در ص ۴۲ و ۵۷۵ ج ۱ کشف الظنون نوشته شده کتاب «رفع الستور و الاراتك عن غیبات اوضح المسالك»

(۱) در بغیه و معجم المطبوعات رفع الخصاصه ضبط گردیده، ولی در ص ۱۴۲ و ۴۹۳ ج ۱ کشف الظنون دفع با دال مهمله است.

(۲) جرجی زیدان نسخه این کتاب را در یاریس نشان داده.

(۳) جرجی زیدان کتابی بنام «الروضة الادبیه فی شواهد علوم العربیه» را بن هشام نسبت داده و گوید نسخه آن در برلن میباشد. ولی بدین نام و نام شواهد کبری و صغری در کشف الظنون کتابی ذکر نشده، احتمال دارد که این کتاب موجود در برلن یکی از دو کتاب مذکور باشد.

(۴) سیوطی این کتاب را بنام «شرح تسهیل» ذکر نموده و گوید مسوده آن بالنویس نشده است. (۵) ملحه در نحو و تألیف ابو حیان محمد بن یوسف اندلی متوفی بسال ۷۴۵ می باشد (ظنون ج ۲ ص ۵۱۶).

(۶) سیوطی در بغیه «القواعد الكبرى والصغرى» را بن هشام نسبت داده و مؤلف خود در مقدمه یکی از آنها تصریح نموده که آنرا «الاعراب عن قواعد الاعراب» نامیده این کتاب الاعراب «قواعد الاعراب» نیز خوانده میشود و بایستی این کتاب یکی از دو قواعد مذکور باشد (قواعد کبری) و بر الاعراب شرحی از خالد ازهری در این فصل ذکر خواهد شد.

(۷) در معجم المطبوعات بدینگونه شرح داده شده: ۱ - مسائل فی النحو و اجوبتها. ۲ - مسالة لاعراض الشرط علی الشرط. ۳ - کتاب الشهاد فی احکام هذا. ۴ - شرح القصیده فی المسائل النحویه.

تألیف محیی الدین عبدالقادر بن ابی القاسم السعدی المالکی المکی متوفی بسال ۸۰۸ ثمان و ثمانمائۀ حاشیۀ بر اوضح المسالك میباشد .

تذکری که در اینجا بنظر لازم می آید اینست که نباید این ابن هشام نحوی انصاری را با ابن هشام بصری مؤلف سیرۀ رسول الله ص اشتباه نمود و صاحب کشف الظنون بر خلاف همة مأخذ سال وفات ابن هشام نحوی را بسال ۷۶۲ ضبط کرده است .  
آغاز : بسم الله الحمد لله رب العالمین .... قال الشيخ الامام .... اما بعد حمد الله مستحق الحمد و ملهمه و مدنی الخلق و مقدمه الخ

(۹۱۹)

اوضح المسالك این نسخه بخط نستعلیق نصیر بن فرج نوشته شده ، سال نگارش را نوشته ، پشت نخستین برگ یادداشتی بسال ۱۲۸۰ نوشته شده قسمتی از آن را محو کرده اند .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۹۸ ) . صفحه ای . ( ۱۸ ) سطر . طول ( ۲۰ - ۱/۲ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۵ سانتیمتر ) شماره کتا بخانه ( ۳۱۰۲ ) .

(۹۲۰)

اوضح المسالك این نسخه را بخط نسخ احمد بن محمد رضا بسال ۱۲۶۸ نوشته ، همین نویسنده « المقدمة الجزریه » را که منظومه ای در علم قرائت میباشد و در ص ۱۹۱ و ۱۹۲ ج ۱ فهرست از آن معرفی گردیده ، پیش از شروع بنگارش اصل کتاب نوشته است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۸۳ ) . صفحه ای . ( ۲۱ ) سطر . طول ( ۲۲ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۶ سانتیمتر ) . شماره کتا بخانه ( ۳۱۸۹ ) .

[ ۳۸۷ ] ترکیب کافیه ( عربی )

این کتاب در اعراب و ترکیب کافیه ابن حاجب میباشد که از آن در حرف کاف همین فصل معرفی کامل خواهیم نمود ، قسمتی از ابتداء نسخه ذیل افتاده از ابنرو نمیتوان گفت تألف کیست ، بنام « ترکیب کافیه » بر این کتابخانه وقف گردیده ، ما نیز بهمین نام از آن معرفی مینمائیم ، از مطالعۀ مطالب مندرجۀ هم نتوانستیم مؤلف را شناخت فقط در ورق چهاردهم نسخه این عبارت را یافتیم :

وهذا ما افاده الشيخ العلامة اسحق بن محمود القرشي رحمه الله . در مآخذ يکه در دست داشتيم اين دانشمند را هم شناختم و ندانستم که در چه عصری بوده است . در کشف الظنون ( ج ۲ ص ۲۵۱ و ۲۵۳ ) سه کتاب در اعراب کافیه نام برد شده آنها را در اینجا می آوریم :

۱- معرب الکافیه لمحمد بن ادریس بن الیاس المرعشی اوله : الحمد لله القدیم الباری الخ . ۲- ( در ذیل کافیه ابن حاجب ) وفي اعرابها کتاب مسمی بالافصاح لواحد من علماء الدولة المرادیة قدم فی اوله تفسیر سورة الفاتحه صنعه لولد الشيخ احمد بن يوسف السلائیکی باشارته ۴- اعراب حاجی بابا الطوسی المتوفی سنه . . . . ( در فهرست کتابخانه رضویه ج ۳ ص ۴ نسخه ای از اعراب کافیه موجود و به حاجی بابا الطوسی نسبت داده شده است ) .

و نیز در ص ۱۶۴۰ ج ۲ فهرست کتابخانه آصفیه کتاب زیرین در اعراب کافیه نام برده شده :

تعلیل الاعراب الشانیه فی حل التركيب الکافیه ، و در مقابل آن نوشته شده که بسال ۱۸۷۱ در اروپا چاپ شده و نامی از مؤلف و زمان حیات او نبرده است .

(۹۲۱)

ترکیب کافیه این نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۹۵ نوشته شده ، از ابتداء آن اوراقی افتاده ، اول موجود آن اینست ، ماهیة وهی واحدة وان کان الاسم العموم و ذلك عارض ولا ینافیہ تاء الوحده و لفظ خبرها وهو مصدر یستوی فیہ المدّ و المذکر و المؤنث وضع ماض مجهول و المستکن فیہ مفعول مالم یسم فاعله راجع الی اللفظ الخ .

جلد نیمای . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۱۰۱ ) . صفحه ای ( ۱۵ ) سطر . طول ( ۲۳ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۶ سانتیمتر ) ، شماره کتابخانه ( ۳۱۶۶ ) .

[ ۳۸۸ ] التصریح بمضمون التوضیح ( عربی )

این کتاب شرح اوضح المسالك الی الفیه ابن مالک میباشد که در ص ۳۰۶

معرفی از آن گردید و شارح آن خالد بن عبدالله ازهری است (زین الدین خالد بن عبدالله بن ابی بکر المصری الاذهری متوفی بسال ۹۰۵) که از علماء نحو معاصر با جلال الدین سیوطی و عبدالرحمن جامی آن دو عالم نحوی بزرگ بوده و صاحب شذرات الذهب (۱) در زیر مردگان در سال ۹۰۵ نام و نسب او را چنانکه نقل نمودیم ذکر نموده و گوید: کار وی روشن ساختن چراغهای یکی از مدارس بود، روزی فتیله وی بر جزوه یکی از طلاب افتاد، او را ناسزا گفت و بنادانی نسبت داد، این نسبت بر وی سخت آمد، باینکه سی و شش سال از عمرش گذشته بود، شروع بتحصیل نمود و در آن موقعیتی یافت و مردم را بخویشتن مشغول کرد و شرحی جامع بر توضیح نگاشت که مانند ندارد و دیگر از مؤلفات وی اعراب الفیه ابن مالک و شرح سودمندی بر جرومیه (۲) و شرحی بر قواعد الاعراب ابن هشام (۳) و شرحی بر مقدمه جزریه در تجوید (۴) و شرحی بر قصیده برده (۵) و مقدمه ازهریه و شرح آن (۶) میباشد و از مؤلفات او مردم بسیار سودمند میشوند چرا که بی زوائد و واضح و آشکار بدون تعقید تألیف گردیده است.

صاحب روضات گوید نسبتش به ابومنصور ازهری (صاحب تهذیب اللغة) میرسد و بسال ۸۹۶ تألیف تصریح خاتمه یافته و مشتمل بر سی و چند هزار بیت و مورد توجه و عنایت طلاب و مدرّسین در این زمان است.

در مقدمه آن خود گوید: ابن هشام را در خواب دیدم بوی گفتم کتاب توضیح شما محتاج بایضاح است تصدیق نمود و گفت بر آنم که در مشکلات آن

(۱) شذرات الذهب ج ۸ ص ۲۶، روضات ج ۱ ص ۲۷۰، معجم المطبوعات العربیه والمغربیه ص ۸۱۱.

(۲) بنام: شرح الاجرومیه دو بار در مصر چاپ شده.

(۳) در معجم المطبوعات بنام «موصل الطلاب الی قواعد الاعراب» که نام آنست ثبت شده و گوید در حاشیه تمرین الطلاب مکرر چاپ شده است.

(۴) بقام الحواشی الاذهریه فی حل المقدمه الجزریه دوبار چاپ شده.

(۵) بسال ۱۲۸۶ چاپ شده است.

(۶) بنام شرح الاذهریه این شرح دوبار چاپ شده است.

چیزی بنگارم چون بیدار شدم خواب خود را بدوستان و دانشمندان نقل نمودم گفتند که این خود تورا اجازه ایست که بدین کار اشتغال جوئی بالاستخاره از خداوند توانا شروع باین کار نمودم و نام آنرا «التصریح بمضمون التوضیح» گذاردم الخ. تصریح بسال ۱۲۸۴ در ایران چاپ شده است.

آغاز: بسملة الحمد لله الملهم لتحميده حمداً موافياً لنعمه مكافياً لمزيدة الخ.

(۹۲۲)

التصریح این نسخه را بخط نسخ محمد بن حسین بسال ۱۰۸۱ نوشته ، چند ورق از اوّل و آخر آن و صالی شده و پشت صفحه اوّل بمضمون التوضیح یاد داشتهائی و مطالب متفرقه ای نگاشته اند و این نسخه سال فراغت از تألیف را مطابق آنچه صاحب روضات نقل کرده بود داراست.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۲۸۴ ) . صفحه ای ( ۲۹ ) سطر . طول ( ۲۹ سانتیمتر ) . عرض ( ۲۲ ۱/۲ سانتیمتر ) . شماره کتا بخانه ( ۳۲۱۵ ) .

(۹۲۳)

التصریح این نسخه بخط خوب محمد باقر بن ملا ولی استرآبادی بسال ۱۰۹۶ نوشته شده ، عبارات متن را در همه صفحات بمضمون التوضیح باشنجرف نگاشته ، از کلماتیکه در حاشیه صفحات نوشته شده معلوم میشود که تصحیح و مقابله با نسخی گردیده و کتاب الجوهرة الثانية فی الشجر و علل القوافی تألیف ابوعمر و احمد بن محمد بن عبد ربّه که در این مجلد از آن معرّفی خواهم نمود ضمیمه آنست و فهرست مطالب تصریح در دو ورق اخیراً نوشته شده و پیش از کتاب گذارده اند .

جلد ساغری . کاغذ خان بالغ . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق کلیه ( ۳۰۵ ) . اوراق ضمیمه ( ۱۸ ) . صفحه ای ( ۲۱ ) سطر . طول ( ۲۸ ۱/۲ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۸ سانتیمتر ) . شماره کتا بخانه ( ۳۲۱۶ ) .

(۹۲۴)

التصريح  
بمضمون التوضيح  
این نسخه را بخط نسخ محمد شریف ابهری نوشته ، روی  
متن کتاب خطی باشنجر ف کشیده شده ، بقرینه یادداشتیکه  
پشت ورق سفیدیکه پیش از کتاب بوده و بسال ۱۱۸۶ محمد  
صالح بن محمد کاظم هزار جریبی نوشته معلوم میشود که پیش از آن تاریخ این  
نسخه نوشته شده ولی از قرن یازدهم پیشتر نیست . بر اوراق زیادی اول و آخر  
گذشته از فهرست مطالب کتاب مطالب متفرقه ای نگاشته اند .  
جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۲۱۶ ) صفحه ای  
( ۳۱ ) سطر . طول ( ۳۷ سانتیمتر ) . عرض ( ۲۴ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۲۱۲ ) .

(۹۲۵)

التصريح  
بمضمون التوضيح  
این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۲۶ نوشته شده ، کاتب نام  
خود را نبرده ، بر اوراقیکه پیش از ورق اول بوده فهرست  
مطالب کتاب را نگاشته و پشت ورق نخستین نسخه بخط  
شکسته نستعلیق بسیار خوب چند کلمه در بیان قضا و قدر تحریر یافته است .  
جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۲۲۸ ) . صفحه ای  
( ۲۳ ) سطر . طول ( ۲۱  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۱۵ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۲۱۷ ) .

(۹۲۶)

التصريح  
بمضمون التوضيح  
این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، کاتب آن محمد حسین  
استرآبادی میباشد ، از سال نگارش نام نبرده ، و ظاهراً از  
خطوط واسطه قرن سیزدهم هجری است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی مهر زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۳۹۸ ) . صفحه ای  
( ۲۵ ) سطر . طول ( ۳۱ سانتیمتر ) . عرض ( ۲۱ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۲۱۴ ) .

[ ۳۸۹ ] تصريف = العزى فى التصريف ( عربى )

مؤلف این کتاب عزالدین زنجانی است ( عزالدین عبدالوهاب بن ابراهیم بن  
عبدالوهاب بن ابی المعالی الخزر جی الزنجانی متوفی پس از سال ۶۵۵ ) ( ۱ ) که از  
دانشمندان قرن هفتم هجری بوده و این مؤلفه وی در علم صرف از مشاهیر کتب

( ۱ ) بغية ذیل عبدالوهاب ، كشف الظنون ج ۲ ص ۱۱۵ و ۲۲۲ و معجم السطوبات ص ۹۷۷ .

این فن میباید و شروح بسیار بر آن نوشته ، صاحب کشف الظنون ( ج ۲ ص ۱۱۵ ) بسیاری از شروح آن را نام برده و این مؤلف کتاب « هادی » (۱) مؤلفه خود را که در نحو و صرف بوده بنام « کافی فی شرح الیهادی » شرح نموده و « تصحیح المقیاس فی تفسیر القسطاس » در علم عروض ، که شرح قسطاس زنجیری است و بسال ۶۵۵ از تألیف آن فراغت یافته نیز از او و « المظنون به علی غیر اهله » (۲) را که مشتمل بر مجموعه اشعار منتخبه از جاهلین و مولدین تاروزگار خود او است و بسال ۱۹۱۳ م با شرح عبداللہ عبیدی که بسال ۷۲۴ بر آن نوشته چاپ گردیده ، تألیف نموده و مشهورترین مؤلفات وی همین کتاب تصریف اوست که بنام « العزی فی التصریف » نیز مشهور میباید .

تصریف در حدو ( ۳۰۰ ) بیت کتابت دارد و ریهموندوس آنرا به لاتینی ترجمه نموده و بسال ۱۶۱۰ م . چاپ گردیده و اصل متن هم مکرر در ایران و آستانه و مصر و تونس و غیره بیچاپ رسیده است .

آغاز : بسملة اعلم ان التصريف في اللغة التغيير الخ .

( ۹۲۷ )

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، آخر آن افتادگی دارد و تصریف انجام نسخه اینست : ( المرة من مصدر الثلاثي المجرد علی ) . در حاشیه صفحات تعلیقاتی از افتخارانی و غیره نوشته شده و چند برگ اول و صالی شده است . جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سیمسالار . قطع ربعی . شماره اوراق ( ۸۷ ) . صفحه ای ( ۴ ) سطر . طول ( ۱۹ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۳ - ۱۴ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۱۲۳ ) .

[ ۳۹۰ ] تمرین الطلاب فی صناعة الأعراب ( عربی )

این کتاب در بیان اعراب و ترکیب الفیه ابن مالک میباید و مؤلف آن خالد بن عبداللہ از هری است [ ۳۸۸ ] ص ( ۳۰۹ ) ، مشهور به ترکیب یا اعراب الفیه شده

( ۱ ) در ص ۲۵۴ و ۶۴۵ کشف الظنون و بغیه تصریح شده که هادی منتهی متوسط از عزالدین است و خود بر آن شرحی بنام کافی در دو جلد نوشته ولی درس ۳۷۱ کشف الظنون در ذیل « مبادی فی التصریف » نوشته شده که عزالدین زنجانی بر این مؤلفه خود شرحی نوشته و آن را الهادی نام نهاده و جابر بدی در شرح شافیه بسیار از آن نقل نموده و سیوطی نیز این نقل جابر بدی را تذکر داده و از مندرجات ص ۶۴۵ کشف الظنون خلاف این نوشته معلوم میشود . ( ۲ ) این کتاب در کشف الظنون نام برده نشده ولی بدین نام کتابی در مطالب حکمی منسوب به ابی حامد غزالی است و نیز در آنجا تذکر داده شده که نبایستی از او باشد .



صاحب روضات تألیف آنرا بسال ۸۸۶ دانسته و معجم المطبوعات ایشانرا پیروی کرده و این کتاب در حدود (۱۸۵۷۵) بیت کتابت دارد .  
بنام اصلی خویش مکرر در مصر چاپ شده است .  
آغاز: بسمله (۱) الحمد لله الذی رفع قدر من اعرب بالشهادتين الخ .  
(۹۲۸)

تمرین الطلاب این نسخه بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۲۲۱ نوشته شده ، کاتب نام خود را ذکر نکرده ، در صفحه آخر یادداشتی فی  
صناعة الاعراب نکاح نوشته شده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سیهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۰۵۰) . صفحه ای . (۱۶) سطر . طول . (۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱۰ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۹۹) .

[ ۳۹۱ ] الجمل = جرجانیه ( عربی )

مؤلف این کتاب مختصر عبدالقاهر جرجانی است (ابوبکر عبدالقاهر بن عبدالرحمن جرجانی متوفی بسال ۴۷۱/۴۷۴) (۲) که از علماء بزرگ نحو و مؤسس علم معانی و بیان بوده و شاگردی ابوالحسین محمد بن حسن فارسی پسر خواهر ابوعلی فارسی را نموده و مؤلفانی گرانها ببادگار گذارده ، در اصول اشعری و در فروع شافعی مذهب بوده ، گویند و رع و پرهیز کار و خرسند (قانع) بوده ، آورده اند که دزدی بخانه وی درآمد او در نماز بود آنچه بدستش آمد برداشت و برد ، جرجانی میدید و نماز خود را نشکست ، شعر میسروده و این دوبیت از او است :

کبر علی العلم لا ترمه (۳)  
ومل الی الجهل میل هائم

(۱) در نسخه ابن کتابخانه پس از بسمله چنین نوشته است : بقول الفقیر الی عفوره الفقی خالد بن عبدالله الازهری عامله الله بطلمه الخفی الحمد لله الذی رفع الخ .

(۲) شرح حال و مؤلفات جرجانی از طبقات سبکی ج ۳ ص ۲۴۲ ، شذرات الذهب ج ۳ ص ۳۴۰ ، بغیة الوعاة ص ۴۰۸ نسخه خطی ، معجم المطبوعات ص ۶۸۱ ، روضات الجنات ص ۴۴۳ ، تاریخ آداب اللغة العربیه ج ۳ ص ۴۴ و کشف الظنون ص ۴۰۲ و صفحات دیگر گرفته شد .  
(۳) در طبقات سبکی بدینگونه که نقل شد نوشته شده و در بغیه بجای لا ترمه ، یا خلیلی و در شذرات الذهب مصراع اول بدینگونه : کبر علی العقل لا ترضه نقل گردیده و بر دانشمندان پوشیده نیست که در مقابل جهل موجود در مصراع دوم علم اولی و لا ترمه بهتر از لا ترضه میباشد .

وعش حماراتعش سعیدا      فالتسعد فی طالع البهائم (۱)  
مؤلفات عبدالقادر، کتاب المغنی که شرح ایضاح ابوعلی فارسی (درسی مجلد)،  
المقتصد (۲)، اعجاز القرآن کبیر وصغیر (۳)، العمده در صرف، عوامل المائنه،  
التممه (۴)، المشتاح، تفسیر فاتحه الكتاب، دلائل الاعجاز، اسرار البلاغه (این  
دو کتاب در علم معانی و بیان می باشد و بسال ۱۳۲۰ و ۱۳۳۱ در مصر چاپ شده اند)،  
شرح الجمل، الجمل (همین کتاب) و غیر از اینها است.

جمل که بنام جرجانیه نیز مشهور می باشد یکی از مؤلفات مفیده و مختصره  
در علم نحو می باشد، در حدود (۶۰۰) بیت کتابت دارد، مؤلف خود بر آن  
شرحی نگاشته و دانشمندان نیز بشرح آن پرداخته اند در ص ۴۰۲ ج ۱ کشف الظنون  
نام جمعی از آنها ثبت گردیده و مشتمل بر پنج فصل بدین تفصیل می باشد: ۱ - در  
مقدمات. ۲ - در عوامل از افعال. ۳ - در عوامل از حروف. ۴ - در عوامل از  
اسماء. ۵ - در اشیاء منفرده.

بنام جمل در علم نحو جز این کتاب در کشف الظنون کتب ذیل نام برده شده:  
۱ - جمل در نحو تألیف ادیب فاضل حسین بن احمد معروف به ابن خالویه نحوی  
همدانی متوفی بسال ۳۷۰، ۲ - الجمل الکبیره نیز در نحو تألیف ابی القاسم عبدالرحمن بن  
اسحق الزجاجی نحوی متوفی بسال ۳۳۹. ۳ - جمل در نحو تألیف ابو عبدالله محمد بن

(۱) اشاره بقاعده ای نجومی است که چون کوکب اشخاص در برج حمل و ثور و از اینگونه  
مواقع باشد سعد است.

(۲) سبکی این کتاب را بنام المقصد فی شرح الايضاح در سه مجلد معرفی نموده و سبوطی  
پس از کتاب مغنی که شرح بزرگ ایضاح است گوید: المقتصد فی شرحه و کشف الظنون  
در ص ۱۷۷ ج ۱ در ذیل الايضاح گوید که جرجانی شرح بزرگ خویش بر ایضاح را در یک  
مجلد مختصر نمود و نام آن را المقتصد گذارده.

(۳) در ص ۱۲۰ ج ۱ کشف الظنون است که: اعجاز القرآن تألیف ابی عبدالله محمد بن زید  
واسطی متوفی بسال ۳۰۶ می باشد و عبدالقاهر جرجانی آن را دو شرح کرده و شرح بزرگ  
آن بنام المقتصد می باشد ولی در بقیه اعجاز القرآن کبیر و صغیر و سبکی فقط اعجاز القرآن صغیر را  
بجرجانی نسبت داده اند.

(۴) این کتاب را فقط جرجی زیدان بجرجانی نسبت داده و گوید نسخه آن در موزه لندن  
موجود است و در کشف الظنون بنام «تمة فی النحو» کتابی نام برده شده ولی مؤلف آن را  
معین نکرده است.

احمد بن هشام نحوی متوفی بسال ۵۷۰.

آغاز: بسملة الحمد لله حمد الشاکرین والصلوة علی نبیه محمد وآله اجمعین  
قال الشيخ الامام ..... هذه جمل ترتبها ترتيباً قريب الخ .

(۹۲۹)

## الجمال

این نسخه بخط نسخ نوشته شده، پیش از شروع باین کتاب  
همین نویسنده عوامل المائه جرجانی را که در همین فصل از آن  
یاد میکنم بدون ذکر تاریخ نگاشته، يك یا چند ورق از آخر کتاب جمل افتاده  
و آخرین سطر نسخه اینست: والمکسورة فی فعلت و فعلتما و فعلتم . در میان  
سطور و حواشی نسخه تعلیقاتی بفارسی بامضاء ح در توضیح و بیان مطالب کتاب  
نوشته شده و مطالب را گاهی بنظم فارسی ذکر نموده و در حاشیه یکی از صفحات  
همین محشی تولد فرزند خود محمد را بسال ۱۱۹ که یا ۱۰۱۹ و یا ۱۱۰۹ بوده  
یادداشت نموده و خط اصل نسخه پیشتر از سال ۱۰۱۹ کهنه تر بنظر میآید، پشت نسخه  
و در دفاتر کتابخانه بنام « مجموعه نحو در مقدمات » ثبت شده و اوراقی از آن  
و صالی شده است .

جلد تیماج . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق کایه (۱۱۱) :  
این نسخه (۹۸) . صفحه ای (۵) سطر . طول (۱۹ سانته متر) عرض (۱۳ سانته متر) . شماره  
کتابخانه (۳۱۱۲) .

## [ ۳۹۲ ] الجموع والمصادر (عربی)

این کتاب متضمن جموع و مصادر است که فیروزآبادی آنها را ترك نموده و  
در قاموس نیاورده است، مؤلف آن در مقدمه خود را محمد المدعو بیحیی بن الشفیع  
القزونی معرفی کرده و گوید: در هنگامیکه اشتغال به تصحیح قاموس داشتم دیدم  
که مؤلف پاره ای از جموع و مصادر را آورده و بسیاری را نیاورده، بر آن شدم  
که آنچه در آنجا نباشد گرد آورم . چنین کردم و آنرا در دو مقصد گذاردم و  
هر مقصدی را به ابوابی تقسیم نمودم که برای مراجعه کنندگان و جویندگان، کار  
آسان باشد .

در کتب سیور رجال این مرد را نیافتیم ، چنانکه در ص ۲۳۹ گذشت مؤلف « ترجمان اللغه » محمد یحیی قزوینی و نیز چنانکه در ص ۱۰۵ گذشت پدر مؤلف . نظم الغرر و نضال الدرر محمد یحیی قزوینی بوده و این دو مؤلفه در زمان شاه سلطان حسین صفوی تألیف گردیده و در ص ۶۰ و ۶۱ روضات ذیل میرزا رفیع النائینی ( محمد بن سید حیدر ) گوید: و این مرد غیر از مولی رفیع الدین محمد بن مولی فتح الله قزوینی معروف به واعظ مؤلف ابواب الجنان است که بسال ۱۰۸۹ وفات یافته و چنانکه از امل الامل برمی آید او را پسری بنام محمد شفیع بن رفیع الدین محمد و واعظ قزوینی است که فاضل و عالم و زاهد و صالح و واعظ جامع قزوین بوده و ابواب الجنان پدر را که ناتمام بوده تکمیل کرده است .

از قرائن موجوده در عبارات نقل شده بالا محتملاً بدست می آید که شفیع یا محمد شفیع پدر یحیی مذکور است این کتاب در حدود ( ۱۳۰۰ ) بیت کتابت دارد .

آغاز: بسم الله الحمد لله الذي جعل الجموع باطلا ليل بل جموع المفردات الخ .

( ۹۳۰ )

این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، کاتب نام خود و سال نگارش را نبرده ، بسال ۱۲۷۰ داخل اعتضادیه گردیده و دارای اغلاطی است .

الجموع  
والمصادر

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۵۶ ) . صفحه ای ( ۱۲ ) سطر . طول ( ۲۱ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۵ سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۳۱۱۰ ) .

[ ۳۹۳ ] حاشیه بر شرح تصریف تفتازانی . ( عربی )

دده جنگی

نسخه ای که خصوصیات آن زیر این سطرها نگاشته میشود بنام « حاشیه بر شرح تصریف » وقف و داخل در این کتابخانه شده ، در خود نسخه و پشت آن و در دفاتر کتابخانه نامی از مؤلف و خود کتاب نیست ، نگارنده چون بمطالعه آن پرداخت بسیاری از مطالب نحوی و تفسیری و ادبی و رجالی در آن دید ، در حاشیه بر شرح

تصريف بودن آن شك نمود، متن آنرا با شرح تصريف (از اين كتاب در ص ۳۱۲ و ۳۱۳ همين مجلد معرفى شد) مطابقه نمود عين آن بود بكشف الظنون مراجعه كرد، در ص ۱۱۵ و ۱۱۶ ج ۲ ذيل «العزى فى التصريف» شروح آن و حواشى و شروح بر شرح آنرا مطالعه نمود، در آن يازده شرح و حاشيه (۱) بر شرح تفتازانى يافت، و در آنجا نيز اين عبارات راديد: (و جمع كمال الدين دده خليفه المعروف بقره دده شيئاً كثيراً على شرح السعد بالاستطراد فصار مجموعة لطيفة مفيدة يقال لها دده جنگى توفى المذكور سنة ۹۷۳ ثلث وسبعين وتسعمائة .) و در شذرات الذهب (ج ۸ ص ۳۷۴) از آنهاييكه بسال ۹۷۳ مرده اند كمال الدين دده خليفه را نام برده

(۱) ۱ - سيموطى را حاشيه اى بر شرح تفتازانى بنام «التوصيف حاشية على شرح التصريف» ميباشد و در فهرست مؤلفات خویش بدان تصريح نموده . ۲ - حاشيه شمس الدين محمد بن على حلبى عرضى معروف به «ابن هلال نحوى» متوفى بسال ۹۳۳ بنام التطريف على شرح التصريف «(محمد بن ابراهيم حلبى معروف به «ابن الحنبلى» متوفى بسال ۹۷۱ حاشيه اى بر اين حاشيه نوشته و نام آن را «التعريف على تغايط التطريف» گذارده) . ۳ - حاشيه ابن الحنبلى مذکور بالا بنام «مستوجبة التشریف بتوضيح شرح التصريف» . ۴ - حاشيه شيخ ناصر الدين ابى عبدالله اللقانى (بر اين حاشيه شاگرد وى شهاب الدين احمد عبادى حواشى نوشته و شاگرد او احمد بن محمد خفاجى خطيب آنها را گرد آورده است) . ۵ - شيخ ابراهيم اللقانى متوفى بسال ۱۰۴۱ بر شرح تفتازانى حاشيه اى بنام «خلاصة التعريف بدقائق شرح التصريف» نگاشته . ۶ - كمال الدين خليفه معروف به قره دده مطالب زيادى را استطراداً بر شرح تفتازانى گرد آورده و مجموعه اى لطيف شده و آن را «دده جنگى» گويد و كمال الدين مذکور بسال ۹۷۳ مرده است . ۷ - شرحى بنام «شرح الشرح» نيز در ذيل «العزى فى التصريف» (ذيل همين شروح و حواشى) نام برده شده و ظاهراً اين شرح بر شرح تفتازانى باشد چرا كه مشهورترين شرح هاى تصريف اين شرح است و مطلقاً منصرف به فردا كمال ميگردد و مؤلف اين شرح را سعد الدين طبلاوى معرفى كرده است . ۸ و ۹ و ۱۰ - پس از شروح و حواشى نام برده بالا گويد ، و بر سعد الدين حاشيه اى از سعد الله بردعى و حاشيه اى از محمد بن قاسم غزى و حاشيه اى از قاسم بن قطلوبغا الحنفى متوفى بسال ۸۷۹ ميباشد ، (ممکن است كه مراد كشف الظنون از اين سعد الدين ، طبلاوى باشد كه بالا فاصله پيش از اين بيان، شرح او را نام برده و ممكن است كه مراد خود تفتازانى باشد به هر دو احتمال اين حواشى نيز بر تفتازانى خواهد بود) . ۱۱ - شرح شمس الدين محمد بن شيخ زين الدين قاسم بن على بنام «نزهة الناظر بالطرف فى شرح علم الصرف» ميباشد .

و گوید در ذیل شقائق النعمانیه (۱) از او معرفی گردیده و مؤلفات او عبارت است از: حاشیه ای بر شرح تفتازانی که در آن بسط کلام داده و منظومه ای در فقه و رسائل زیاد در فنون مختلفه نیز دارد و او را دستی توانا در فقه و تفسیر بوده است. در این حاشیه اقوال بسیاری از علما و دانشمندان از مفسرین و نحویین و صرفیین و ادبا و لغویین و عرفا و فقها دیده میشود و نزدیکترین آنها به این عصر ابن کمال پاشا متوفی بسال ۹۴۰ می باشد.

بقرائن و نشانه های نام برده بالا گمان نزدیک یقین بلکه قطع پیدا کردم که این حاشیه همان نگاشته دده خلیفه است که بگفته کشف الظنون به آن دده جنگی گویند و بامراجعه بآن چنانکه گفته شد جنگ بودن آن ثابت میشود.

طرز این حاشیه اینست که در تحت عنوان قوله قسمتی از عبارت تفتازانی را نقل مینماید پس از آن مطالبی از کتب سابقین را در فنون مختلفه بمناسبت ذکر و نام بسیاری از دانشمندان و مؤلفات ایشان در این حاشیه دیده میشود و بعضی از آنها را چون نام برده شرح حال مختصر و ذکر مؤلفات آنان نیز مبادرت نموده و از کتب تفتازانی نقل های بسیار دارد و بگفته دوست محترم آقای امین عراقی که این شرح بکمال فکری و تتبع ایشان نگارش یافته اگر نام مؤلفین و مؤلفات مذکوره در این حاشیه را گرد نمائیم خود رجال و فهرستی میشود و تمام حاشیه در حدود (۷۰۰) بیت کتابت دارد و شایسته است که بچاپ آن مبادرت شود.

آغاز: بسمله ابتدا بالبسمله اقتداء بکتاب الله العظیم و امتثالاً بقول رسولہ الکریم

کل امر ذی بال الخ .

(۱) مراد مؤلف شذرات از ذیل شقائق النعمانیه کتاب «العقد المنظوم فی ذکر افاضل الروم» میباشد که حقا ذیل شقائق النعمانیه میباشد و در حاشیه ج ۲ و فیات الاعیان از ص ۹ تا ۲۴۹ سال ۱۳۱۰ چاپ شده و در حاشیه ص ۱۶۴-۱۶۷ کتاب مذکور شرح حال این دانشمند بنام دده خلیفه بدون تصریح به لقب کمال الدین که مؤلف شذرات و حاجی خلیفه تذکر داده اند نوشته شده و مؤلفات وی در اینجا همانست که صاحب شذرات نقل نمود و در اینجا شرح مفصلی در سیره وی میباشد که مؤلف مذکور مختصر آنرا ذکر نموده و مطالعه آن برای تشویق دانشجویان بسیار سودمند و مشوق است و در اینجا است که دده خلیفه دباغ بود و در بزرگی اندیشه تحصیل را یافت و کوشش کرد تا بهره ای کافی یافت.

**انجام:** الطعم بالفتح والضم مصدر طعم الشيء اى اكل وذاق الا ان المفتوح هو المشهور بين الجمهور والفقهاء والله اعلم .

(۹۳۱)

**حاشیه بر شرح تصریف یا دده جنگی** این نسخه بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۲۲۰ نوشته شده ، نویسنده نام خود را نبرده ، در میان نسخه دوجا چند برگت کاغذ ننوشته دارد ولی رشته مطالب بایکدگر پیوسته است . و افتاده ندارد .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع ربعی تقریبا . شماره اوراق ( ۱۶۰ ) . صفحه ای ( ۱۶ ) سطر ۰ طول ( ۲۱ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۳ سانتیمتر ) . شماره : کنا بخانه ( ۳۱۱۹ ) .

[ ۳۹۴ ] **حاشیه بر شرح جامی از اسفرائینی ( عربی )**

این حاشیه نگارش عصام الدین اسفرائینی است (۱) ( عصام الدین ابراهیم بن محمد بن عربشاه حنفی اشعری متوفی بسال  $943/951$  (۲) ) که از شاگرد های جامی بوده . و در منطق و نحو و ادب دستی قوی داشته ، در جلد اول فهرست ( ص ۱۲۰ ) حاشیه ای از ایشان بر تفسیر بیضاوی معرفی گردید ، شذرات الذهب ویرا از اولاد ابواسحق اسفرائینی ( یا قوت در ص ۲۴۷ ج ۱ معجم البلدان وفات ابواسحق را بسال ۴۱۸ در روز عاشورا معین کرده ) معرفی نموده و در روضات جز حاشیه نام برده بالا مؤلفات زیرین بوی نسبت داده شده : **الاطول** در شرح تلخیص المفتاح در معانی

(۱) شرح حال این مؤلف با مراجعه به شذرات الذهب ج ۸ ص ۲۹۱ و روضات ص ۵۰ و معجم المطبوعات ص ۱۳۳۰ و کشف الظنون ج ۲ ص ۲۵۰ و فهرست دارالکتب ج ۲ ص ۹۹ نگاشته شد .

(۲) در روضات بنقل از تاریخ اخبار البشر و در کشف الظنون وفات عصام الدین بسال ۹۴۳ ثبت شده ولی در شذرات وفات وی در حدود سال ۹۵۱ معین گردیده و معجم المطبوعات و فهرست دارالکتب وی را پیروی کرده اند و صاحب شذرات گوید در اواخر عمر از باخ بسمرقند آمده و پس از بیست و دو روز ناخوشی در هفتاد و دو سالگی بدرود زندگانی گفت و آخرین کلمه ای که بر زبان راند الله بود و صاحب روضات از ریاض العلماء نقل نمود که عصام الدین در اواخر عمر ببلاد روم رفت و در آنجا بود تا بمرد .

اسفرائین یا اسفراآیین از فواحی نیشابور است و یا قوت اصل آن را اسپر آیین یعنی هر کب از کلمه « اسپر » و کلمه « آیین » دانسته است .

و بیان و بدیع ، شرح شمسیه در منطق ، حاشیه بر شرح شمسیه قطبی ، حاشیه بر حاشیه میر سید شریف بر شمسیه ، حاشیه بر کبری که تقریباً شرح فارسی بر آنست ، شرح آداب البحت قاضی عضد ایچی ، شرح رساله الاستعاره ابوالقاسم سمرقندی ، شرح عبارت قد جرت عادة المصنفین ، رساله در شرح کل ج ب (این دوم مؤلفه در شرح عبارت شارح شمسیه است) ، رساله در بیان نسب میان قضایا ، رساله در تحقیق محصورات اربع ، رساله در مبحث تقسیم قضیه ، رساله در استعارات بدیعیه و حقیقه و مجاز بفارسی ، حاشیه بر شرح عقائد نسفی تفتازانی و حاشیه بر شرح جامی (همین کتاب) . در معجم المطبوعات چاپ شدن کتاب ۱۳۰۱ و ۱۳۰۷ و ۱۳۰۹ عصام الدین تذکر داده شده و نیز در آنجا کتابی بنام میزان الادب مشتمل بر نحو و صرف و بیان به عصام الدین نسبت داده شده و گوید بسال ۱۲۸۶ در آستانه تمام آن و بسال ۱۲۹۰ در مصر باب صرف آن چاپ شده و نیز حاشیه بر رساله وضعیه که آن نیز بسال ۱۲۷۴ در آستانه چاپ شده و کتابی بنام شرح عصام بر فریده که بسال ۱۲۷۶ چاپ شده بایشان نسبت داده شده و مؤلف در حاشیه بر شرح جامی نامی از این کتاب برده است . این حاشیه بر شرح جامی بر کافیه ابن حاجب است و در نحو میباشد ، از شرح جامی و کافیه در همین فصل معرفی خواهد شد ، و فضلا حاشیه غفور را که پس از این معرفی میشود بر این حاشیه ترجیح میدهند و بر مطالب مهمه از اول تا آخر شرح جامی میباشد ، و بسال ۱۲۷۶ مستقلاً در آستانه چاپ شده و نیز در حواشی شرح جامی قسمتهائی از آن چاپ شده و در حدود (۱۰۶۰۰) بیت کتابت این حاشیه است .

آغاز : بسمله یا هادیا لسالك مسالك عمادك و یا سامعاً لجامع الخ .

(۹۳۲)

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، کاتب نام خود و سال حاشیه اسفراینی کتابت را نگاشته ، از خطوط قرن دهم هجری است ، در آخرین صفحه یادداشت مشعر بر نملک ابوالشرف بن صفی الدین بر شرح جامی محمد زواری که از علماء امامیه بوده موجود است .



و یادداشت دیگری نیز پشت صفحهٔ اوّل داشته زیر وصله صحاف رفته و تاریخ آن که سال ۹۹۵ را می‌رساند و برخی از عبارات آن قابل خواندن می‌باشد ، قسمتی از نسخه تصحیح گردیده ، پشت آخرین صفحه نیز مطالبی از تفسیر امام فخر بن خط ابوالشرف مدکور نوشته شده و پشت صفحهٔ اوّل یادداشتهای دیگری نیز بوده قسمتی از آنها محو شده است .

جلد مقوائی مستعمل . کاغذ سمرقندی . واقف سیهسالار . قطع خشتی . شمارهٔ اوراق ( ۲۱۴ ) . صفحه ای ( ۲۱ ) سطر . طول ( ۲۰ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۳ سانتیمتر ) . شمارهٔ کتابخانه ( ۳۱۶۹ ) .

### ( ۹۳۳ )

حاشیه اسفرائینی این نسخه بخط نسخ خوب مسیح شیرازی نوشته شده ، ظاهر آن از خطوط قرن یازدهم هجری می‌باشد ، یادداشتهای از علماء قرن دوازدهم و سیزدهم بامهرهای ایشان ( بعضی باتعین سال ) پشت ورق اوّل و آخر موجود و یادداشتی در آخرین صفحه بوده آنرا محو کرده اند ، دارای سرلوحی زیبا و صفحات آن مجدول بطلا است . جلد میشتن . کاغذ سمرقندی . واقف سیهسالار . قطع وزبری . شمارهٔ اوراق ( ۲۱۹ ) . صفحه ای ( ۱۹ ) سطر . طول ( ۲۴ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۵ سانتیمتر ) . شمارهٔ کتابخانه ( ۳۱۶۷ ) .

### ( ۹۳۴ )

حاشیه اسفرائینی این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، قسمتی از ورق آخر که ظاهر آن مشتمل بر نام نویسنده و سال نگارش بوده بریده شده و باورقی دیگر و صالی شده ، از نسخهٔ پیش از این نوتر می‌باشد ، پشت صفحه اوّل یادداشتهای بوده آنها را محو و بجای آنها یادداشتهای دیگری نگاشته شده درابتداء صفحه اوّل هم آثار محو موجود است . جلد چرمی مستعمل . کاغذ کاهی . واقف سیهسالار . قطع وزبری . شمارهٔ اوراق ( ۳۲۱ ) . صفحه ای ( ۱۷ ) سطر . طول ( ۲۴ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۳ سانتیمتر ) . شمارهٔ کتابخانه ( ۳۱۶۸ ) .

## [ ۳۹۵ ] حاشیه بر شرح جامی از عبدالغفور (عربی)

منشی این حاشیه ملا عبدالغفور لاری (۱) متوفی بسال ۹۰۵ یا ۹۱۲ (۲) میباشد که از شاگردان جامی بوده و شهرت وی بواسطه همین حاشیه شده، در مآخذیکه در دست نگارنده است شرح حال این دانشمند یافت نشد، صاحب روضات در ذیل عصام الدین اسفراینی (ابراهیم) فقط بهمین اندازه که ترجمه آن اینست در اطراف این دانشمند بحث نموده:

اسفراینی مذکور معاصر فاضل هوشیار مولی عبدالغفور لاری بوده که وی نیز شاگرد جامی است و سی و هشت سال پیش از وفات اسفراینی (پیش ازین وفات اسفراینی را سال ۹۴۳ رامعین کرده) وفات یافته و بعضی از دانشمندان حاشیه غفور را بر حاشیه اسفراینی ترجیح میدهند. انتهی در معجم المطبوعات در ص ۱۵۸۴ تحت عنوان *اللاری مصلح الدین* متوفی بسال ۹۷۹ را نام برده و حاشیه غفور را یکی از مؤلفات وی دانسته و در نگارش این بحث مآخذ خود را یکی *العقد المنظوم* و دیگری ذیل *شقائق نعمانیه* (بتصریح خود این مؤلف در ص ۱۳۵۷ معجم کتابی ترکی و مؤلف آن عطائی میباشد و از عطائی در معجم مؤلفه ای نیست) معرفی نموده در ص ۲۴۷ - ۲۵۲ *العقد المنظوم* شرح حال مصلح الدین لاری مذکور ثبت شده و همه مؤلفاتیکه در معجم نام برده شده دارا است ولی حاشیه بر شرح جامی آنها منسوب به غفور در آنجا نیست و مؤلف این حاشیه و آن مؤلفات مسلماً دو نفر اند، از عبدالغفور هم ابداً نامی نبرده است و در هفت اقلیم (ص ۲۱۴ نسخه خطی این مدرسه) در ذیل عنوان *لاری* این دو نفر را جداگانه نام برده و مؤلفه عبدالغفور را همین حاشیه و از مؤلفات مصلح الدین بس حاشیه بر شرح هدایه (۳) را نام برده است.

(۱) لاری در جنوب غربی شیراز واقع شده و بخایج فارس منتهی میشود و جزء فارس میباشد.

(۲) ۹۰۵ را صاحب روضات بنقل از تاریخ اخبار البشر نقل نموده و ۹۱۲ را صاحب *كشف الظنون* ضبط کرده و در فهرست دارالکتب (ج ۲ ص ۹۸) ثبت است و اگر وفات اسفراینی مذکور را بسال ۹۰۱ صحیح بگیریم و از آن ۳۸ را جدا سازیم ۹۱۳ میشود.

(۳) در *العقد المنظوم* تصریح شده که این حاشیه بر شرح هدایه اثریه میبیدی است.

این حاشیه برابتداء این شرح تا آخر مبحث اسماء افعال و اول مبحث اصوات شرح جامی است و عمر منشی آن بآخر رسید و تا آخر نرساند و مکرراً بسال ۱۲۸۲ و ۱۳۰۶ و ۱۳۰۹ در آستانه و بسال ۱۲۹۲ و ۱۳۱۳ در هندوستان و در حاشیه شرح جامی مکرراً چاپ شده ، عبدالحکیم سیالکوٹی متوفی بسال ۱۰۶۷ و مولی نور محمد علی بر این حاشیه حاشیه ای دارند و در آن اقوال علماء نحو خصوصاً شیخ رضی شارح کافیه را در بسیار از موارد نقل و برد آن پرداخته و شاید کمتر صفحه ایست که نامی از او نداشته باشد .

حاشیه غفور در حدود (۳۵۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسمله قوله الحمد مصدر معلوم واللام للجنس او للاستغراق ای کل حمد الخ .

انجام : قوله وجه الاكثرین ان ای ان وجه البناء فی ذی الراء قصد الاماله اذهی امر مستحسن والمصحح للاماله کسر الراء وهی لایتصل الا بتقدير البناء لانه اذا عرب منع الصرف لم یکسر .

(۹۳۵)

حاشیه عبدالغفور این نسخه بخط شکسته نستعلیق نوشته شده ، آخر ورق آخرین را که شاید مشتمل بر نام نویسنده و سال نگارش بوده ، پاره کرده اند و پس از آن وصالی گردیده ، ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری میباشد و ورق اول هم وصالی شده است .

شرح جامی جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق ( ۱۶۶ ) . صفحه ای ( ۱۹ ) سطر . طول ( ۱۸ سانتیمتر ) . عرض (  $۱۱\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر ) . شماره کتبخانه ( ۳۱۷۱ ) .

[ ۳۹۶ ] حاشیه بر شرح جامی از سید جزائری ( عربی )

سید نعمه الله جزائری (۱) یکی از مشاهیر علماء قرن یازدهم هجری و صاحب تألیف های زیاد میباشد ، وفات وی بسال ۱۱۱۲ در قریه جایدر اتفاق افتاده ،

(۱) شرح حال این سید جلیل با مراجعه به روضات ج ۴ ص ۲۲۰-۲۲۲ ، اولو ص ۷۵ ، هدیه الاحباب ص ۱۵۴ امل الامل ص ۷۲ و ۷۳ ج ۲ نگاشته شد .

صاحب روضات بعنوان السید السند المعتمد الجلیل الاواه نعمة الله بن عبد الله الحسینی الموسوی الجزائری الشوشتری معترفی کامل از ایشان ومؤلفاتشان نموده و گوید الجزائری در اطراف شط العرب واقع شده نخست در آنجا بکسب دانش مشغول گردید پس از آن بشیر از آمد و از دانشمندان آنجا بهره گرفت و باصفهان شتافت بشرف شاگردی آقا حسین خونساری و ملا محسن فیض کاشی و علامه مجلسی و بسیاری از معاصرین ایشان نائل شد و چنانکه نوۀ ایشان سید عبد الله بن نور الدین بن نعمة الله در یکی از اجازات خود گفته تولّد این سید جلیل در ده صباغیه از جزائر در حدود سال ۱۰۵۰ (۱) بوده ومؤلفات این سید عبارت است از : شرح تهذیب الاحکام کبیر و صغیر ، شرح صحیفه سجّادیه کبیر و صغیر ، شرح ملحقات صحیفه ، الانوار النعمانیة ، شرح غوالی اللالی ابن ابی جمهور احسائی ، رساله ای بنام التحفه در نماز ، شرح عیون اخبار الرضا ، شرح توحید صدوق ، شرح احتجاج بنام قاطع الحجّاج ، شرح کافیّه ابن حاجب ، شرح روضه کافی (در فهرست معارف ج ۱ ص ۶۷ نوشته شده که دو شرح یکی مختصر و دیگر مفصل بر این کتاب نگاشته) ، زهر الریبع ، غرائب الاخبار و نوادر الآثار ، شرح تهذیب شیخ بهائی در نحو ، قصص الانبیاء ، ریاض الابرار فی مناقب الائمة الاطهار ، شرح اسماء الحسنی (این شرح تاحرف ضاد تألیف شده و بسیار مفصل است) ، شرح استبصار (آقای جواهر کلام در ص ۵۵ ج ۱ فهرست معارف دو شرح بر استبصار بایشان نسبت داده اند یکی بنام «غایة المرام» در هشت مجلد و دیگری در دوازده مجلد و گویند از این شرح چند مجلد در کتابخانه امام جمعه کرمانشاهان دیده ام . ولی بتصریح در ص ۳۲۸ کشف الحجب غایة المرام شرح تهذیب الاحکام میباشد و نیز در ص ۳۲۲ تصریح شده که شرح استبصار بنام کشف الاسرار میباشد و در قصص العلماء نیز شرح تهذیب را در هشت مجلد و

(۱) در روضات تاریخ تولّد را فی حدود الخمسین والمائة بعد الالف نوشته و نیز در همین کتاب وفات ایشان را بسال ۱۱۱۲ ضبط نموده و اساتید او پیش از این تاریخ تولّد و وفات یافته اند بنابر این کلمه المائة زائد خواهد بود . و در ترجمه ج ۴ تاریخ ادبیات برون ص ۲۳۴ و کشف الحجب والاستار ص ۳۲۸ وفات سید جزائری بسال ۱۱۳۰ ثبت شده ولی در هدیه الاحباب نیز بسال ۱۱۱۲ تعیین شده است .

شرح استبصار را بنام کشف الاسرار در دو مجلد بنقل از نوشته سیّد مؤلف معرفی نموده است) ، شرح نهج البلاغه (ص ۵۱۴ مستدرک) حواشی و تعلیقات بر قرآن کریم یا تفسیر آن در سه مجلد بزرگ (حاجی نوری در ص ۵۱۴ ج ۳ مستدرک نام این تفسیر را «العقود والمرجان» معین کرده اند) ، حاشیه بر مغنی ، حاشیه بر استبصار و حاشیه بر شرح جامی (همین کتاب) و کتب و رسائل دیگر.

این حاشیه و تعلیقات بر ابتداء شرح جامی تا آخر مبحث اسم می باشد و بر مبحث افعال و حروف در نسخه چاپی شرح جامی حاشیه ای نیست و دو نسخه خطی زیرین این کتابخانه و نسخه خطی کتابخانه حضرت رضاع (بسال ۱۲۵۳ نوشته شده) نیز شامل همین اندازه حواشی بر شرح جامی است و در فهرست آن کتابخانه (ص ۹ ج ۳) نوشته شده که بیش از این را ننوشته اند و بقرینه اینکه صاحب امل الآمل متوفی بسال ۱۱۰۴ که معاصر سید نعمه الله بود در امل الآمل که بسال ۱۰۹۷ تألیف شده این حاشیه را در ضمن مؤلفات ایشان ذکر نموده تألیف آن پیش از سال مذکور بوده و محشی در این حاشیه اشاره ای باقوال شارح رضی نموده و برد آنها پرداخته است. کتابت نسخه ذیل در حدود (۶۶۰۰) بیت می باشد .

آغاز: بسملة الحمد لله الذي جعل علم النحو نوراً يهتدى به الى فهم القرآن المبين الخ .

انجام: (۱) هذا ما يتعلق بشرح الاسم كتبناه مع تفرق البال وتشتت الحال ونتبعه انشاء الله بشرح القسمين الاخيرين قاله بلسانه وحرره بينانه مؤلفه الحقير الفقير الى الله الغني نعمه الله بن عبد الله الحسيني الجزائري عفى الله عنهما .

(۹۳۶)

حاشیه جزائری این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، چهار ورق اول آن و ۲۸ ورق از آخر آن با کمال تناسب بخط اصلی نسخه بسال ۱۲۲۵ نوشته شده ، کاتب این قسمت نام خود را نگاشته ،  
 شرح جامی  
 در حاشیه دو صفحه از صفحات قدیمی اوائل نسخه حاشیه هائی

در توضیح و بیان محشی، تعلیقاتی بامضاء و خط محمد حسین بن محتشم موجود و مسلماً این نویسنده پسر محتشم معروف متوفی بسال ۹۹۲ یا ۱۰۰۰ نخواهد بود و حاشیه‌هایی بامضاء منه در قسمت قدیمی نسخه موجود و ظاهر این خط خودمه و تلف و محشی میباشد و بر ورقیکه پس از آخرین ورق نسخه است مطالبی نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی و فرنگی . واقف سیه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق ( ۱۹۴ ) . صفحه ای ( ۱۵ ) سطر . طول ( ۱۹  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۱۳ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۱۷۷ ) .

( ۹۳۷ )

حاشیه جزائری این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۵۷ نوشته شده ، نام نویسنده بر ندارد ، ورق اول و صالی شده ، پشت ورقیکه در آخر نسخه

بوده ، نسخه معجونی نوشته شده است . شرح جامی

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۱۲۱ ) . صفحه ای ( ۱۷ ) سطر . طول ( ۲۲ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۶ سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۳۱۷۶ ) .

[ ۳۹۷ ] حاشیه بر شرح کافیه ( عربی )

این حاشیه چنانکه در آخر آن تصریح شده و در فهرست رضویه ( ج ۳ ص ۸ ) نیز معین گردیده ، نگاشته ، ملا احمد ابی وردی میباشد ، در کتب سیر و رجال بنام و شرح حال وی دست نیافتیم ، بقرینه اینکه از محقق تفتازانی متوفی بسال ۷۹۱ یا ۷۹۲ یا ۷۹۳ در این حاشیه نقل نموده و خود نسخه بسال ۹۰۱ نوشته شده زمان تقریبی حیات و زندگانی وی معلوم میشود که میان ۷۹۳ و ۹۰۱ بوده و مسلماً توان او را از دانشمندان قرن نهم هجری دانست .

این نسخه دارای دیباچه و مقدمه نیست و پس از بسمله شروع بمطالب مینماید ، در آخر هم تصریح نشده که این تعلیقه بر چه کتابی میباشد ، پشت صفحه اول نسخه ذیل ، ابوالحسن نام اصفهانی نوشته اند که این حاشیه بر شرح جامی است . و در فهرست رضویه حاشیه ای از احمد ابی وردی موجود ( ۱ ) و بنام حاشیه بر شرح

( ۱ ) نسخه آن کتابخانه آغاز آن مطابق این نسخه میباشد و نقص آن از این نسخه فقط هفت بیت است .

متوسط برکافیه معرفی شده ، نگارنده چون بتحقیق آن پرداخت و ازاول تاآخر آنرا مطالعه نمود ازمندرجات آنهم نتوانست بدست آورد که حتماً این تعلیق برچه شرحی است چرا که بیشتر عناوین مطالب از متن (کافیه) نقل شده ، جز در جاهای بسیار معدودی که پس از لفظ قوله عباراتی از شرح متوسط کافیه نقل گردیده و در اطراف آن بحث نموده و در جاهای متعدد نیز پس از لفظ قوله عباراتی است که نه از متن (کافیه) و نه از شرح متوسط میباشد (۱) بنابراین احتمال میدهم که این حاشیه بر شرح کبیر کافیه تألیف سیدرکن الدین است و ما در همین فصل از شرح متوسط کافیه مفصلاً معرفی خواهیم نمود و از شرح کبیر هم بمناسبت نامی خواهیم برد .

این حاشیه در حدود (۲۰۰) بیت کتابت دارد و بر ابتداء کتاب (شرح کافیه) تا آخر آنست و بنای محشی بر آن نبوده که بر تمام مطالب تعلیق ای داشته باشد و در بسیاری از مباحث بیش از يك یاد و حاشیه نگاشته است .

آغاز : بسمله قوله ما یتلفظ به الانسان الاحسن ترك لفظ الانسان لانه قید لفائدة فيه الخ .

انجام : لا ثبات ما انتفی عن الاول للثانی (۲) .

(۹۳۸)

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۹۰۱ نوشته شده ، در آخر آن فضل الله بن ابراهیم انصاری نام ، بخط خود که بسیار شبیه بخط نویسنده نسخه است و شاید خود وی کاتب آن بوده مالکیت خویش را تصریح نموده و پائین دو ورق باخر نسخه مانده مهر اسم دائرة ایست که در وسط آن نوشته شده :	حاشیه بر شرح کافیه
--	--------------------------

(۱) در مبحث منع صرف این حاشیه حاشیه ای بر این مطالب است : قوله قدس سره و دل علی ان اصلها تا ان ثابت الخ و این عبارات در شرح متوسط و متن کافیه نیست ، و نیز در مبحث تنقیح و جمع ، حاشیه ای بدینگونه است که در شرح متوسط نیست : قوله المتن ما لحق الخ فيه ان هذا النوع لا یصدق علی المتن لان آخر المتن هو النون ولم یلحق باخره الف الخ .

(۲) پس از عبارت بالا در نسخه این کتابخانه نوشته شده : تمت الحاشیه لمولانا احمد ابی وردی فی خامس عشرین شهر رجب المرجب سنة احدى تسع مائة .

فضل الله بن الفقيه ابراهيم الانصاری . و در اطراف آن آیه الکرسی بخط نسخ نوشته شده است . از نوشته های در اطراف صفحات نسخه معلوم میشود که تصحیح گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سیهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق ( ۶۲ ) . صفحه ای ( ۱۲ ۱۶ و ۱۷ ) سطر . طول ( ۱۷ سانتیمتر ) . عرض (  $9\frac{1}{4}$  سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۱۰۵ ) .

[ ۳۹۸ ] حاشیه شرح سیوطی بر الفیه = ( عربی )

### حاشیه میرزا ابوطالب

نگارنده این تعلیقه و حاشیه حاج میرزا ابوطالب اصفهانی از علماء قرن سیزدهم هجری و معاصر با فتحعلیشاه قاجار بوده و بسال ۱۲۲۳ تألیف آن پایان رسیده ، و در مقدمه گوید که مطالب شرح الفیه جلال الدین سیوطی که مشهور به سیوطی گردیده در بسیاری از موارد مشکل و مندمج میباشد و فهمیدن مراد آن بسی دشوار است گروهی از دانش جویان خواستار شدند که من بحل مشکلات آن پردازم برای اجابت آنها بنگاشتن این حاشیه مبادرت نمودم .

در کتب رجال و سیر بشرح حال این مؤلف و مؤلفات ایشان دست نیافتم چیزی که لازم است در اینجا تذکر داد اینست که معاصر این مؤلف میرزا ابوطالب اصفهانی پسر میرزا علیرضا بن محمد علی بن میرزا کوچک بن حکیم داود است که اسلافش از مشاهیر حکما و اطباء بوده اند و از مقام طبابت بتولیت آستان قدس رضوی سلام الله علیه رسید و سی و هفت سال دارای این منصب بزرگ بوده و بسال ۱۲۱۶ بدروزدن گانی گفته بنابراین ، این دو را که هر دو اصفهانی و یک نام داشته و معاصر بوده اند یکی نباید دانست ( از ص ۴۱۶ ج ۲ مطلع الشمس نقل گردید ) . این حاشیه در حدود ( ۱۰۰۰۰ ) بیت کتابت دارد و بسال ۱۲۸۲ مستقلاً در طهران و در حواشی سیوطی مکرر چاپ شده است .

آغاز: بسمله ربنا ربنا لك الحمد لما ترفعنا نحوك الخ .



( ۹۳۹ )

حاشیه این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۶۰ نوشته شده ، کاتب نام میرزا ابوطالب خود را نگاشته ، تصحیح گردیده ، فقط چند حاشیه از مؤلف حاشیه بر سیوطی بر این تعلیقه در حاشیه صفحات نوشته شده است .  
جلد تیماجی نقاشی شده . کاغذ فرنگی . واقف مشیر السلطنه . قطع خشتی شماره اوراق ( ۱۱۷ ) .  
صفحه ای ( ۲۵ ) سطر . طول ( ۲۰ سانتیمتر ) عرض ( ۱۰ - ۱۱ سانتیمتر ) . شماره ( ۵۲۰ ) . قفسه مدرسه مشیر السلطنه .

## [ ۳۹۹ ] شافیه ( عربی )

این کتاب در علم صرف و مؤلف آن ابن حاجب است ( جمال الدین ابو عمرو عثمان بن عمر بن ابی بکر بن یونس مالکی ۵۷۰ - ۶۴۶ ) (۱) که از مشاهیر دانشمندان قرن هفتم هجری و معاصر ابن خلکان بوده و چنانکه دروفیات الاعیان نوشته مکرر برای اداء شهادت پیش وی آمده و او را در مسائل ادبی امتحاناتی نموده و بخوبی از عهده جواب بر آمده است ، و گوید او را ابن الحاجب گویند چرا که پدرش حاجب ( دربان ) امیر عزالدین موسک صلاحی بوده ، ابن حاجب در قاهره قرآن کریم را چون بخواند بدیدن فقه بر مذهب امام مالک پرداخت پس از آن علوم عربیه و قرآت را یاد گرفت و در همه آنها سرآمد اقران گردید ، پس از آن به دمشق مسافرت نمود و در جامع آنجا شروع بتدریس نمود ، بسیاری بروی گرد آمدند ، در بسیاری از علوم و فنون متبحر بود ولی عربیت و ادبیت وی بر سائر دانشها برتری داشت ، مصنفات وی عبارت است از : مختصری در مذهب خود ( مختصر فی مذهبه ) (۲) ، مقدمه ای مختصر در نحو بنام کافیه ، مقدمه ای مختصر در صرف بنام شافیه ( همین کتاب ) ، شرح هردو مقدمه و کتابی در اصول

(۱) شرح حال ابن حاجب را از ص ۳۱۴ ج ۱ و فیات الاعیان ابن خلکان ترجمه نموده و به ص ۵۳ ج ۳ تاریخ آداب اللغة جرجی زیدان و ص ۲۳۴ ج ۳ شذرات الذهب که مطالب آن عیناً نوشته های ابن خلکان با مختصر اضافه ای از یافعی است و بغیه الوعاة در حرف عین ( ذیل عثمان ) و معجم المطبوعات ص ۷۱ و ۷۲ و کشف الظنون در موارد متعدده مراجعه شده است .  
(۲) ابن خلکان بدین نحو این مؤلفه را نام برده و سیوطی گوید : ( و صنف فی الفقه مختصراً و فی الاصول مختصراً و آخر اکبر منه سماه المنتهی ) و ظاهراً مراد ابن خلکان اینست که مذهب امام مالک فقهی نگاشت .

فقه (۱) نیز دارد و همه تألیف های او در نهایت نیکوئی و خوبی است و بانحویین در مواردی مخالفت دارد و بر قواعد ایشان اشکال های مهم وارد نموده که جواب از آنها بسیار دور است .

جرجی زیدان این سه مؤلفه دیگر را بانشان دادن جای آنها از ابن حاجب دانسته : قصیده ای بنام : **القصيدة الجليل في علم الخليل** در عروض است و نسخه آن در لیدن و برلن و اکسفورد موجود و بر آن شرح هائی نوشته شده . **الامالی النجويه** که حاشیه هائی بر پاره ای از مطالب مفعّل و کافیه میباشد و در دمشق آنها رانگاشته و نسخه ای از آن در ۶۶۴ صفحه در کتابخانه خدیویه مصر و نسخه ای دیگر در پاریس میباشد . **القصيدة الموشحة** بالاسماء المؤنثة نسخه ای از آن در کتابخانه خدیویه است . و سیوطی شرح مفصل بنام « **الایضاح** » (نسخه کهنه ای از این کتاب در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود است) و نظم کافیه را گذشته از آنچه نام برده شد ، به ابن حاجب نسبت داده و تولّد ویرا بسال ۵۷۰ یا ۵۷۱ بتدرید دانسته و بنقل از ذهبی گوید قرآن را حفظ داشت . و در **كشف الظنون** هم این دو کتاب نام برده سیوطی ذکر شده است .

گذشته از اینکه وفات ابن حاجب پیش از فتح بغداد بوده از بیانات ابن خلکان معاصر ابن حاجب نیز بدست آمد که آنچه راجع بکشته شدن ابن حاجب در بغداد بسعایت حضرت خواجه نصیرالدین طوسی بعضی نوشته اند عاری از حقیقت است . شافیه مختصری در علم صرف و در آخر آن قسمتی از قواعد نگارش کلمات میباشد ، از بدو تألیف تاکنون مورد توجه و نظر دانشمندان و دانشجویان بوده ، بر آن حواشی و شروحنی عبری و فارسی و ترکی نگاشته اند ، حاجی خلیفه نام بسیاری از آنها را در ص ۴۴ ج ۲ ذکر نموده و ما نیز نام بعضی را در این مجلد بمناسبت خواهیم برد و از سه شرح آن که در این کتابخانه میباشد معرفی کامل مینمائیم . شافیه در حدود (۱۰۰۰) بیت کتابت دارد و مکرّر در ایران و هند و مصر و آستانه

(۱) این کتاب بنام : « **منتهی السؤل والامل في علمي الاصول والجدل** » میباشد و مختصر الاصول ابن حاجب از این کتاب مختصر شده و ما در ص ۸۶ ج ۱ این فهرست بمناسبت نام شروح مختصر و خود منتهی و مختصری از شرح حال ابن حاجب را داده ایم .

بدون شرح چاپ شده است .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على سيدنا محمد خاتم النبيين وعلى آله واصحابه اجمعين وبعد فقد سألني من لا يسعني مضايقته ولا يوافقني مخالفته الخ .

( ۹۴۰ )

این نسخه بخط نستعلیق خوب نگاشته شده ، نویسنده نام خود و سال نگارش را ننوشته ، ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری میباشد ، بنام حاشیه عصام الدین پشت نسخه معرفی ووقف گردیده و مجدول بطلاست .

جلد مقوائی ، کاغذ خان بالاغ . واقف سپهسالار . قطع ربعی شماره اوراق ( ۵۱ ) . صفحه ای ( ۱۱ ) سطر . طول ( ۱۸ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۰ ۱/۴ سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۳۱۲۵ ) .

[ ۴۰۰ ] شرح الاعراب عن قواعد الاعراب ( عربی )

این کتاب شرح بر « الاعراب عن قواعد الاعراب » ابن هشام میباشد و شارح آن خالد بن عبدالله ازهری است ص ۳۰۹ [ ۳۸۸ ] و شارح آنرا « موصل الطلاب الى قواعد الاعراب » نامیده و شرحی مزجی و در حدود ( ۱۸۰۰ ) بیت کتابت دارد و بسال ۱۲۹۹ در مصر در حاشیه تمرین الطلاب تألیف همین شارح چاپ شده است .

آغاز : الحمد لله والصلوة والسلام على سيدنا محمد رسول الله وعلى آله وصحبه وجنده وبعد فيقول العبد الفقير الى مولاه الغني خالد بن عبدالله الازهرى هذا شرح لطيف الخ .

( ۹۴۱ )

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال نوشتن را نگاشته ، ظاهراً از خطوط قرن دهم هجری میباشد ، ضمیمه شرح شافیه تألیف نظام الدین است که در همین فصل از آن معرفی خواهیم نمود خصوصیات دیگر در ذیل شرح مذکور ذکر ، به خصوصیات کتاب شماره ( ۳۱۲۶ ) کتابخانه درص ۳۵۰ ، ۳۵۱ مراجعه گردد .

شرح الاعراب  
عن

قواعد الاعراب

## [ ۴۰۱ ] شرح الفیه = شرح ابن عقیل ( عربی )

این شرح الفیه از ابن عقیل است ( بهاء الدین عبد الله بن عبد الرحمن بن محمد بن محمد بن عقیل القرشی الهاشمی العقیلی الهمدانی الاصل ثم الباسی (۱) المصری  $\frac{794}{798} - 799$  ) (۲) که از مشاهیر دانشمندان قرن هشتم هجری بوده و مقام قاضی القضاتی یافته و نسب وی به عقیل بن ابی طالب (رض) برادر حضرت مولی امیر المؤمنین علی علیه السلام میرسد، وی دوازده سال شاگرد ابوحنیفان نحوی معروف بوده و او در حق ایشان گفته : ( زیر خراگاه آسمان در نحو کسی برتر از ابن عقیل نیست . ) و فقه را از زین بن الکنانی و غیر از او و اصول فقه و دین را از علاء قونوی و قرآت را بر تقی صائغ خوانده و احادیث را از محدثین استماع نموده و در زاویه شافعی در مصر مدرس گشته و در جامع طولونی مدرس تفسیر شده و از اوّل تا آخر قرآن را با تفسیر در بیست و سه سال آنجا القا نمود و باز از اوّل شروع کرد و در اثنا این بار مرگ او را در آغوش گرفت ، دولت و امراء برای او خاضع بودند ، پیش کسی نمیرفت ، مردی پردل و دارای حشمة بود و مؤلفات وی عبارتست از تفسیر بزرگ بر قرآن که تا اواسط سورۃ نساء رسیده (۳) و تفسیر دیگری که آن را « التعلیق الوجیز علی الکتاب العزیز » نامیده و این نیز بآخر نرسیده است و شرح تسهیل بنام « المساعد » ( سیوطی گوید برای این شرح حاشیه ای بنام « السیف الصقیل » نگاشته ام ) ، مختصر الشرح الکبیر و الجامع النفیس و شرح الفیه ابن مالک ( همین کتاب ) .

این شرح را چنانکه سیوطی و دیگران نوشته اند برای فرزندان قاضی القضاة جلال الدین قزوینی نوشته ولی خود مقدمه ای بر آن ننوشته که در آنجا تذکر دهد و این شرح از شروع معروفه الفیه میباشد .

(۱) منسوب به بالس میباشد که بگفته یاقوت در معجم البلدان ( ج ۱ ص ۴۷۷ ) میان حلب و رقه واقع شده است .

(۲) ماخذ نگارش این شرح روضات ص ۴۵۸ ، شذرات الذهب ج ۶ ص ۲۱۴ ، بغیة نسخه خطی مدرسه ص ۳۶۲ ، تاریخ آداب اللغه العربیه ج ۳ ص ۱۴۰ و معجم المطبوعات ص ۱۸۷ میباشد .

(۳) کشف الظنون در ص ۳۰۴ ج ۱ تذکر داده که تا آخر آل عمرانست و نامی از تفسیر دیگر ابن عقیل نبرده است .

براین شرح ، سجاعی متوفی بسال ۱۱۹۷ شرحی بنام « فتح الجلیل علی شرح ابن عقیل » نگاشته و چاپ شده است و برشواهد مذکوره در شرح ابن عقیل دو شرح نوشته شده : ۱ - عبدالمنعم جرجاوی متوفی در حدود سال ۱۱۹۵ و ۲ - بنام « فتح الجلیل شرح علی شواهد ابن عقیل » تألیف محمد قطه العدوی متوفی بسال ۱۲۸۱ (۱) و این هر دو شرح بایکدگر چاپ گردیده است .

جرجی زیدان گوید : مشهورترین شروح الفیه شرح ابن عقیل میباشد که مکرر چاپ شده و به آلمانی ترجمه گردیده و این ترجمه بسال ۱۸۵۳ م. در برلن چاپ شده است .

آغاز : بسمله (۲) ش الکلام المصطلح علیه عند النحویین عبارة عن اللفظ المفید فایده الخ .

(۹۴۲)

شرح الفیه این نسخه مشتمل بر تمام این شرح میباشد ، سه ورق اول آن نونویس میباشد ، اوراقی از ابتداء آن نیز بخط نستعلیق و ( ابن عقیل ) قسمت عمده اخیر آن بخط نسخ است ، نویسنده نسخه نام خود و سال نگارش را نبرده احتمال دارد که از خطوط قرن یازدهم هجری باشد ، اوراق آبدیدگی دارد ولی خطوط آن ضایع نگردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سیه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق ( ۲۴۴ ) . صفحه ای ( ۱۵ ) سطر . طول ( ۱۸ -  $\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۱۲ -  $\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۱۱۵ ) .

(۹۴۳)

شرح الفیه این نسخه بخط نسخ علی نقی بن بهرام بسال ۱۱۰۸ نوشته شده ، یک در مرتبه آحاد هزار را محو کرده اند ، قسمتی از ابتداء ( ابن عقیل ) آن افتاده و چند برگ کاغذ نوشته در جلو آنست ، نخستین

(۱) نام این دو شارح و تاریخ وفات ایشان در ص ۱۰۰۷ و ۱۶۸۹ معجم المطبوعات مذکور است .

(۲) ابن عقیل پس از بسمله نه بیت از الفیه را نقل پس از آن در زیر عنوان « ش » که مختصر شرح میباشد بشرح مطالب پرداخته است .

سطر موجود آن اینست : وهو المنصرف كزید وعمرو والی متمكن . چند ورق اول و چندین برگ از آخر نسخه و صالی شده است .  
جلد میشن مستعمل . کاغذ کاهی . وائف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق ( ۲۷۸ ) .  
صفحه ای ( ۱۴ ) سطر . طول (  $۱۸\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۱۲ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۱۱۴ ) .

( ۹۴۴ )

این نسخه قسمت اول آن بخط نستعلیق و بقیه آن بخط نسخ  
شرح الفیه نگارش یافته ، قسمتی از آخر را ندارد ( در حدود ۱۲۰  
( ابن عقیل ) بیت ) عبارت آخرین سطر آن اینست : نقلت حركة الواو  
الى القاف ثم قلبت الواو الفالمجانسة الفتحه .  
جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۲۱۷ ) .  
صفحه ای ( ۲۰ ) سطر . طول ( ۲۴ سانتیمتر ) . عرض (  $۱۲\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر ) . شماره کتابخانه  
( ۳۱۱۶ ) .

[ ۴۰۲ ] شرح الفیه = شرح ابن ناظم ( به فارسی )

این شرح تألیف ابن ناظم میباشد ( بدرالدین محمد بن محمد بن مالک مشهور به ابن ناظم متوفی بسال ۶۸۶ ) ( ۱ ) که این پسر چون پدر از مشاهیر علمای نحو و امام در ادبیات ( معانی ، بیان ، بدیع ، عروض ، صرف ، لغت و منطق ) میباشد ، چندی از پدر استفاده علمی نمود و در او آخر او را ترك گفت و در بعلبک رحل اقامت انداخت و در آنجا بافاضه اشتغال داشت ، چون پدرش زندگی را بدرود گفت او را بجای پدر به دمشق خواستند ، و برمسند افاضه و تدریس برقرار گردید تا ششم محرم سال نام برده بدرود قولنج در گذشت .

سیوطی گوید : بازی و معاشرت کسانی که شایستگی نداشتند بروی غلبه داشت و توانای بر انظم يك بیت نبود . مؤلفات وی عبارتست از : شرح کافیه ، شرح لامیه پدرش در صرف ، تکمله در شرح تسهیل که ناتمام مانده ، المصباح المختصر

( ۱ ) روضات ص ۲۰۲ ج ۴ ، شذرات الذهب ص ۳۹۸ ج ۵ ، بغیة الوعاة ص ۱۳۱ نسخه خطی مدرسه و کشف الظنون در نگارش ابن شرح حال مراجعه شده .

مفتاح در علم معانی است (۱)، **روض الاذهان فی البیان** (۲) شرح ملحّة الاعراب، مقدّمه فی العروض، مقدّمه فی المنطق، شرح شافیه ابن حاجب (۳) و شرح الفیه پدرش (همین کتاب) و غیر از اینهاست.

شرح الفیه ابن ناظم که بنا بر اختصار از آن به ابن ناظم یا ابن المصنف نیز تعبیر می‌گردد چنانکه در ص ۱۹ ج ۳ فهرست رضویه تذکره داده بسال ۶۷۶ تألیف گردیده و در چند جای از مباحث کتاب بخطای مؤلف و ناظم الفیه اشاره نموده و بنظر نگارنده گذشته از شرح خود ابن مالک این شرح نخستین شرح الفیه می‌باشد و بسال ۱۲۷۶ در ایران و چاپ گردیده است.

آغاز: بسمله قال الشيخ الامام العالم الصدر الكامل حجة العرب لسان الادب افصح الفصحاء قدوة البلغاء بدر الدين ابو عبدالله محمد بن شيخنا جمال الدين ابي عبدالله محمد بن محمد بن عبدالله بن مالك الطائي رحمه الله سبحانه بما هو اهله وناله من المحامد الخ.

(۹۴۵)

**شرح الفیه** این نسخه را بخط شکسته نستعلیق خوب علی اکبر نام برای خود نوشته، صفحات اولیه نسخه حاشیه هائی علی اکبر نگاشته (ابن ناظم) و زیر یکی از آنها سال ۱۲۴۷ معین شده و پشت صفحه اول تاریخ تولّد پسر ی بسال ۱۲۴۵ یادداشت گردیده، از آخر کتاب قسمتی نگارش نیافته و آخرین سطر موجود آن اینست: (يقول بناء اسم الفاعل من الفعل الثلاثي على وزن فاعل فمثل ذلك ما كان على فعل او فعل او فعلا). و پشت صفحه اول بنام «کتاب

(۱) صاحب روضات نوشته اند که این مختصر را (المصباح) محمد بن یعقوب بن الیاس دمشق معروف به ابن النجوى شارح الفیه ابن معط شرح کرده است.

(۲) در بغیه بس از روض الاذهان کلامه فیه نوشته شده و صاحب روضات عینا آن را نقل نموده و در بغیه پیش از این کتاب، المصباح در معانی ذکر شده بنا بر این فیه راجع بمعانی خواهد بود ولی در کشف الظنون با اضافه البیان بان ذکر شده از اینرو ما آن را توضیح دادیم.

(۳) در بغیه این شرح بنام «شرح حاجبیه» نام برده شده و شرح کافیه هم جدا گانه ذکر گردیده و در شذرات بنام «شرح غریب تصریف ابن الحاجب» نامیده شده و روضات عین عبارت سیوطی را نقل نموده در کشف الظنون هم نام ابن شرح ذکر نشده است.

«ابن مصنف» داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه و بهمین نام که مرادف با ابن ناظم میباشد بر این کتابخانه وقف گردیده است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۱۰۱ ) . صفحه ای ( ۱۷ ) سطر . طول ( ۲۱ سانتیمتر ) عرض ( ۱۳  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۲۰۰ ) .

[ ۴۰۳ ] شرح الفیه = سیوطی = البهجة المرضیه ( عربی )

این شرح الفیه ابن مالک ( در نحو ) یکی از مؤلفات سیوطی است ( جلال الدین عبدالرحمن بن کمال بن ابی بکر الخضیری (۱) القاهری الشافعی السیوطی (۲) ۸۴۹-۹۱۱ ) (۳) که از مشاهیر علما و دانشمندان قرن نهم هجری بوده و در اوایل قرن دهم وفات یافته است ،

سیوطی در بسیاری از علوم و فضائل متبحر بوده مخصوصاً در تفسیر و حدیث و فقه و نحو و معانی و بیان و بدیع و لغة که همه بر آن شهادت داده اند و در این فنون و سائر علوم مؤلفات دارد ، جرجی زیدان بنقل از « حسن المحاضر » مؤلف مؤلفات او را از کتاب و رساله بیشتر از سیصد ( ۳۰۰ ) دانسته و تقسیم زیرین در تاریخ آداب اللغة میباشد : ۲۳ مؤلفه در تفسیر و متعلقات آنست و ۹۵ در حدیث و ۲۱ در لغة و ۴۳ در اجزاء مفردة و ۳۵ در علوم عربیه و ۲۱ در اصول و بیان تصوف و ۵۰ در تاریخ و آداب و غیر از این دو میباشد و خوشبختانه بیشتر از مؤلفات وی باقی است و صاحب معجم المطبوعات ۹۲ مؤلفه چاپ شده او را نام برده و از ظمان هوار شماره مؤلفات سیوطی را ۴۱۵ و از فلوگل ۵۶ و از جمیل بک در کتاب وی که بنام « عقد الجواهر » میباشد مؤلفات سیوطی را ۵۷۶ کتاب و رساله

(۱) جرجی زیدان گوید که سیوطی جداعلی خود را اعجمی معرفی کرده شاید بهمین جهت او را خضیری گویند که منسوب به « الخضریه » باشد که محله ای از بغداد است .

(۲) سیوطی منسوب به اسیوط یا سیوط است که یکی از نواحی کشور مصر میباشد و برودنیل واقع شده و دانشمندی بانجا منسوب اند صاحب معجم المطبوعات چهار نفر را بدین نسبت نام برده است .

(۳) این شرح با مراجعه به معجم المطبوعات ص ۱۰۷۳ تا ۱۰۸۵ و ج ۳ تاریخ آداب اللغة ص ۲۲۸-۲۳۳ و روضات ص ۴۳۲-۴۳۷ نگاشته شده .



دانسته و تذکره داده است که سیوطی در « حسن المحاضرہ » شماره مؤلفات خود را ۳۰۰ معین نموده است .

جرجی زیدان نام ۵۰ مؤلفه سیوطی را که مهم بوده اند از چاپ شده و نشده ذکر نموده و ما حیرانیم که از مؤلفات وی کدام یک را بردیگری ترجیح دهیم بدین سبب نامی از مؤلفات وی نمیبریم و در این فصل و این مجلد از این فهرست چندین مؤلفه از ایشان معرفی خواهد شد .

این شرح الفیه را مؤلف خود « البهجة المرضية فی شرح الالفیه » نامیده و میان طلاب و دانشجویان بمناسبت اشتها را مؤلف و شارح، به نام « سیوطی » مشهور گردیده و از شروح مزجی بسیار مفید میباشد و از بد و تألیف تا کنون تدریس و تعلیم آن معمول و بر آن حواشی متعدد نوشته شده و با حواشی و بدون آن مکرر در ایران و مصر و هندوستان چاپ شده است .

آغاز: بسملة احمدك اللهم على نعمك و آلائك واصلی واسلم على محمد خاتم انبيائك و على آله و صحبه و التابعين الى يوم لقاءك اما بعد الخ .

(۹۴۶)

شرح الفیه این نسخه بخط نسخ حیدر علی بسال ۱۲۰۱ نوشته شده ، در حاشیه بیشتر از صفحات حاشیه هائی از میرزا ابوطالب ( سیوطی ) و کتاب تصریح و جامع الشواهد و ابن عقیل و چلبی و بدون امضاء موجود است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۱۲۷ ) . صفحه ای ( ۱۶ ) سطر . طول ( ۲۲ سانتیمتر ) . عرض (  $15 \frac{1}{4}$  سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۳۱۹۶ ) .

(۹۴۷)

شرح الفیه این نسخه اوائل آنرا بخط نسخ و اواخر آنرا بخط نستعلیق محمد بن محمد شریف بسال ۱۲۰۷ نوشته ، در حاشیه بعضی از صفحات حاشیه هائی از جامع الشواهد نیز نگاشته است . ( سیوطی )

جلد تیماجی مستعمل . کاغذ فرنگی آبی رنگ . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۸۲) . صفحه (۱۵) سطر . طول ( ۲۱ سانتیمتر ) . عرض (  $۱۶ \frac{۱}{۴}$  سانتیمتر ) . شماره کتابخانه (۳۱۹۶) .

(۹۴۸)

شرح الفیه  
(سیوطی)  
این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، کاتب از خود و سال نگارش نام نبرده ، ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری میباشد ، بر صفحه اول نسخه دومهر یکی بادامی باین سجع « عبده محمد سنجر . الحسینی » . و دیگری مربع باین سجع : « عبده سنجر الحسینی ۱۱۰۶ » زده شده ، چندین حاشیه هم بر صفحات اولیه میباشد احتمال دارد که نویسنده آن صاحب دومهر مذکور باشد و متن ( الفیه ) با سنجر ف نوشته شده است .  
جلد تیماج . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربی . شماره اوراق ( ۱۳۵ ) .  
صفحه ای (۱۵) سطر . طول (  $۱۵ \frac{۱}{۴}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۱۱ سانتیمتر ) شماره کتابخانه (۳۱۸۴) .

(۹۴۹)

شرح الفیه  
(سیوطی)  
این نسخه بخط نسخ محمد بن میر ذوالفقار کرمی بسال ۱۲۳۸ نوشته شده ، قسمتی از اشعار الفیه بر صفحات اولیه نیز نگارش یافته و کاغذ نسخه ساخت سال ۱۸۱۵ م میباشد .  
جلد تیماج . کاغذ فرنگی آبی رنگ . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۹۶) .  
صفحه ای (۱۸) سطر . طول ( ۱۲ سانتیمتر ) . عرض (  $۱۶ \frac{۱}{۴}$  سانتیمتر ) شماره کتابخانه (۳۱۹۴) .

(۹۵۰)

شرح الفیه  
(سیوطی)  
این نسخه بخط نستعلیق علی بن حسین کرازی بسال ۱۲۴۴ نوشته شده ، در حاشیه صفحات اولیه مطالبی از ابن عقیل و ابن ناظم و خالد ازهری و جامی و بدون امضاء نگاشته شده و اوراق اولیه نسخه و صالی گردیده است .  
جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۹۹) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (  $۲۱ \frac{۱}{۴}$  سانتیمتر ) . عرض (  $۱۵ \frac{۱}{۴}$  سانتیمتر ) شماره کتابخانه (۳۱۹۵) .

(۹۵۱)

### شرح الفیه (سیوطی)

اصل این نسخه ظاهرآ در قرن یازدهم نگارش یافته ، چند ورق از اوّل و آخر آن افتاده بسال ۱۲۲۴ آنرا نوشته اند و در حاشیه بیشتر از صفحات مطالبی از شرح تسهیل و ابن ناظم و ابن عقیل و ابوطالب و انموزج و کشاف و رضی و تصریح و اشباه و نظائر و غیر از اینها در توضیح مطالب کتاب نگاشته شده است .

جلد میسن . کاغذ سمرقندی . واقف سیهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق ( ۱۳۶ ) . صفحه ای ( ۱۵ ) سطر . طول ( ۱۶ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۲ سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۳۱۹۳ ) .

(۹۵۲)

### شرح الفیه (سیوطی)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده کتاب را باآخر نرسانده و در شرح کلمه و آله الغر تاجمله و « یجوز ان یکون » دست نگاه داشته است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۱۹۶ ) . صفحه ای ( ۱۳ ) سطر . طول ( ۲۲ سانتیمتر ) . عرض (  $۲۵\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۳۱۹۲ ) .

(۹۵۳)

### شرح الفیه (سیوطی)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، قسمتی از ابتداء آن افتاده و اوّل موجود اینست : ( بما ذکر وقتدقی التسهیل اللحم وهو قریب الزوج ) و نیز از آخر آن يك ورق افتاده و آخر موجود اینست : ( اذا ماللیل جت متحریرا اوجز العبارة ) . و شش ورق کاغذ فرنگی سفید در اوّل نسخه گذارده شده است .

جلد تیماجی مستعمل . کاغذ سمرقندی . واقف سیهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۱۰۶ ) . صفحه ای ( ۱۷ ) سطر . طول ( ۲۱ سانتیمتر ) . عرض (  $۱۵\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۱۹۱ ) .

(۹۵۴)

### شرح الفیه (سیوطی)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، در حدود خمس کتاب را از آخر ندارد ، باین معنی که در او آخر مبحث جمع تکثیر نگارش آن خاتمه می یابد و آخرین سطر موجود آن اینست : ( مع ماضاهما ککوز

و کیزان و تاج و تینجان و قل فی غیرهما کغزال و غزلان و فعلان بفتح ف سکون ) ،  
نسخه آبدیدگی دارد ولی خطوط آن ضایع نشده پشت صفحه اول و در حاشیه  
بیشتر از صفحات مطالب سودمندی از شرح لباب و حاشیه هائی بامضاء سید محمد  
و از ابن ناظم و جامی و غیره نگارش یافته است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۶۴ ) . صفحه ای  
( ۱۹ ) سطر . طول ( ۲۳ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۷ سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۳۱۹۰ ) .

( ۹۵۵ )

**شرح الفیه**  
( سیوطی )  
این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال  
نگارش را ننوشته ، چند ورق از اول کتاب افتاده و نخستین  
سطر نسخه که در شرح این بیت ( بالجرّ والتّونین والدّداوال  
و مسند الاسم تمیز حصل ) میباشد اینست : الرّحمن الرّحیم و زید و صه بمعنی طلب  
سکوت ما و مسلمات و حینث و کل و جوار .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف نامعلوم . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۱۱۴ ) . صفحه ای  
( ۱۹ ) سطر . طول ( ۲۱ سانتیمتر ) . عرض (  $14\frac{1}{4}$  سانتیمتر ) . شماره ( ۲۷۲ )  
نفسه مدرسه صدر .

### [ ۴۰۴ ] شرح الفیه توسرکائی ( فارسی )

این شرح چنانکه در مقدمه آن تصریح گردیده تألیف محمد علی بن مولانا  
بابای توسرکائی ( ۱ ) میباشد ، از کیفیت دخول و خروج معلوم میشود که شیعی مذهب  
بوده ، در کتب سیر که در دست بود نام ایشان را نداشتیم ، از طرز و روش انشاء  
بایستی مؤلف از دانشمندان قرن یازدهم هجری باشد ، مطالعه و خواندن این شرح  
مبتدیان را سودمند است .

این شرح در حدود ( ۸۰۰۰ ) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسم الله الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین و صلی الله علی سیدنا الاولین  
والاخرین محمد و اهل بیته الطّیّین الطّاهرین اما بعد بر ضمائر اصحاب سخن و ابصار

( ۱ ) در نسخه کلمه باین قسم ( سِر کائی ) نوشته شده و ظاهراً توسرکائی بوده و نویسنده  
نسخه ، کلمه «تو» را از عبارت انداخته است . و گویند که «تو» و «سِر کائی» نام دو محل میباشد

ثاقبه (۱) ارباب حکم پوشیده نیست که اساس علوم دینیّه علم صرف و نحو است الخ .

(۹۵۶)

شرح الفیه  
توسر کانی  
این نسخه را بخط نسخ سال ۱۱۲۲ محمد زمان بن حاجی  
عبد اللطیف تبریزی نوشته ، برگ هائی از اوّل و آخر نسخه  
وصالی گردیده ، پشت ورق اوّل و آخر و ورقیکه پیش و پس  
نسخه میباشد حواشی و یادداشت هائی بنظم و نشر موجود است .

جلد میشن نیم ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۸۰ ) .  
صفحه ای ( ۲۵ ) سطر . طول ( ۲۸ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۸ سانتیمتر ) . شماره  
کتابخانه ( ۳۱۷۸ ) .

[ ۴۰۵ ] شرح الفیه = ترجمه الفیه ( فارسی )

نسخه ای که زیر این سطور خصوصیات آن را خواهم نگاشت شرحی فارسی  
و یا ترجمه ایات الفیه ابن مالک میباشد ، شارح یا مترجم نامی از خود در آغاز  
و انجام کتاب نبرده و پس از بسمله نخستین شعر الفیه را نقل و ترجمه آن پرداخته  
و در آخر هم چون از ترجمه آخرین بیت الفیه فراغت یافته قلم را از دست  
انداخته است .

از مندرجات نسخه نتوانستیم قرینه ای بر مؤلف و زمان و عامی و خاصی بودن  
او بدست آوریم ، در کشف الظنون که شروح الفیه را ناهبرده شرحی فارسی تذکر  
نداده ولی در کشف الحجب والاستار دو شرح فارسی از علماء امامیه بر الفیه  
ابن مالک نام برده شده :

۱ - شرح عبدالله بن شاه منصور قزوینی طوسی که معاصر شیخ حرّ عاملی بوده  
( نسخه ای از این شرح در کتابخانه حضرت رضا ۴ موجود و در ص ۴۹ ج ۲  
امل الاصل مؤلفه سال ۱۰۹۷ نام این دانشمند برده شده و از معاصرین بود و شرحی  
فارسی بر الفیه و رساله ای در اثبات خلافت حضرت علی بن ابیطالب ۴ بنام  
« غدیریّه » تألیف کرده است ) .

( ۲ ) در نسخه ثاقبه نوشته شده ولی بایستی ثاقبه باشد .

۲ - شرح محمد بن سلیم گیلانی که بسال ۱۱۸۵ از تألیف آن فراغت یافته است .  
و در فهرست کتابخانه حضرت رضام ( ج ۳ ص ۱۹ ) شرحی فارسی بر الفیه  
تألیف سلطان محمد بن علی کاشانی موجود و در آنجاست که آنرا بنام پسر خود  
محمد جعفر تألیف نموده است .

این شرح مسلماً شرح قزوینی و شرح کاشانی و شرح توسرکانی که پیش از این  
از آن معرفی شد نیست ، شاید شرح محمد بن سلیم و یا شرح دیگری باشد .  
این شرح بامتن در حدود ( ۳۸۰ ) بیت کثابت دارد و گذشته از ترجمه ابیات  
متن توضیح ها و مثالهایی برای بیان مقصود آورده است .

آغاز : بسم الله قال محمد هو بن مالك احمد رب الله خير مالك گفته پسر مالك است  
حمد میگویم پروردگار خود را که این صفت دارد که بهترین مالکان است الخ .

انجام : و بر صحابه او که این صفت دارند که برگزیده شده اند یا این صفت  
دارند که اختیار کرده شده اند و این صفت دارند که مختار اند تم .

( ۹۵۷ )

شرح یا ترجمه  
الفیه  
این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال  
نگارش را ننگاشته ، از اینکه بسیاری از مطالب در حاشیه  
نگاشته شده و در متن هم اصلاحاتی شده احتمال میدهم که  
خط شارح باشد ، چند ورق از اول و آخر و صالی گردیده ، از مبحث منع صرف  
و نواصب هر يك در حدود دو ورق افتاده و پشت ورق اول دعاهائی نوشته  
شده است .

جامد تیماج ، کاغذ کاهی . واقف سیه سالار . قطع بغلی . شماره اوراق ( ۱۱۸ ) . صفحه ای  
( ۱۶ ) سطر . طول ( ۱۴ سانتیمتر ) . عرض ( ۸ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۱۸۰ ) .

[ ۴۰۶ ] شرح انموذج - شرح اردبیلی ( عربی )

مؤلف این شرح جمال الدین محمد بن عبدالغنی اردبیلی است انموذج کتابی  
مختصر در علم نحو و تألیف جارا لله زه خشری متوفی بسال ۵۳۸ می باشد ، صاحب  
معجم المطبوعات در ص ۴۲۳ گوید بسال ۶۴۷ این اردبیلی وفات یافته و این

شرح وی در ضمن مجموعه ای در ایران چاپ شده و مرادش از مجموعه آنستکه بنام «جامع المقدمات» مشهور و مکرر چاپ گردیده، در مآخذ دیگر نامی از این شارح و زمان وی بدست نیاوردم و معجم مذکور مأخذ خود را در نقل تاریخ وفات وی معین ننموده است، حاجی خلیفه در کشف الظنون زیر عنوان انموذج فی النحواين شرح و مؤلف آنرا بدینگونه معرفی میکند: و شرحه الفاضل الشهير بزين العرب و جمال الدين محمد بن عبد الغنى الاردبيلي المتوفى سنة (سال وفات را ذکر نکرده است) اوله الحمد لله الذى جعل العربية مصباحاً (در نسخه خطی ذیل و نسخ چاپی مفتاحاً میباشد و این صحیح است) للبيان الخ و چنانکه در مقدمه مذکور است که این شرح برای علاء الدین احمد ابن اقصی القضاة عماد الملة والدين مفضل کاشانی تألیف شده و شرحی قولی است.

آغاز: بسملة الحمد لله الذى جعل العربية مفتاح البيان و صيورها آلة يحترز بها عن الخطاء فى اللسان الخ.

(۹۵۸)

این نسخه را بسال ۱۰۸۳ مراد علی فومنی بخط نسخ نوشته، شرح انموذج (اردبیلی) در حاشیه بیشتر از صفحات ترجمه عبارات شرح بفارسی نگاشته شده و اعراب بعضی از جمل و عبارات شرح نیز نگارش یافته، پشت ورق اول و آخر مطالبی علمی عربی و فارسی تحریر یافته و چند ورق از اول و آخر وصالی شده است.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی و چند برگ سمرقندی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شماره اوراق (۱۴۰). صفحه ای (۱۰) سطر. طول (۲۰ ۱/۴ سانتیمتر). عرض (۱۵ سانتیمتر). شماره کتا بخانه (۳۱۰۷).

[ ۴۰۷ ] شرح تصریف (عربی)

این شرح نخستین مؤلفه تفتازانی است (سعد الدین مسعود بن عمر التفتازانی الشافعی) که مختصری از شرح حال و مؤلفات ایشان را در ذیل کتاب «التلویح» در فصل اصول فقه در ص ۵۵۹ ج ۱ فهرست این کتابخانه تذکر داده ایم

و تصریف که از آن به العزى فی التصریف نیز تعبیر میشود و در ص ۳۱۲-۳۱۳ همین مجلد از آن معرفی گردید ، مختصری است در علم صرف تألیف عزالدین زنجانی و تفتازانی بر آن این شرح را نگاشته و صاحب کشف الظنون در ص ۱۱۵ ج ۲ تاریخ تألیف این شرح را بسال ۷۳۸ معین نموده و نام حاشیه هائیکه بر این شرح و بر آن حواشی نوشته شده نیز در این صفحه از کتب موجود و این شرح نیز در ضمن مجموعه ای که بنام « جامع المقدمات » نامیده میشود مکرر چاپ شده است .

آغاز : بسملة ان اروى زهر تخرج فی ریاض الکلام من الاکمام الخ .

( ۹۵۹ )

شرح تصریف این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۰۳۰ نوشته شده ، حواشی صفحات بسیار چرکین شده ، بر بعضی از صفحات حاشیه هائی موجود و بعضی را هم محو کرده اند ، باب حادی عشر ( متن شرح معروف به « النافع يوم الحشر » در فن کلام از آن نام برده خواهد شد ضمیمه به اول این نسخه است و شش ورقیکه در میان این نسخه رنگ آنها بارنگ کاغذ سائر اوراق نسخه مختلف است از این نسخه نیست .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شماره اوراق کلیه ( ۱۰۹ ) . این شرح ( ۹۹ ) . صفحه ای ( ۱۸ ) سطر . طول ( ۱۸ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۰ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۱۲۰ ) .

( ۹۶۰ )

شرح تصریف این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، پنج ورق از اول و سه ورق از آخر آن نو نویسی و اصل نسخه از خطوط فرن یازدهم هجری است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۱۴۲ ) . صفحه ای ( ۱۰ و ۱۷ ) سطر . طول ( ۲۰ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۴ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۱۲۱ ) .

( ۹۶۱ )

شرح تصریف این نسخه بخط نسخ محمد صادق نام نگارش یافته ، سال نگارش نام برده نشده ، حاشیه سعدالله چلبی بر تمام اوراق



وجود دارد و ظاهراً از خطوط قرن دوازدهم هجری میباشد و بورقیکه پیش از این شرح است و پشت ورق آخر، مطالب متفرقه ای نوشته اند .  
جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۰۸) . صفحه ای (۱۱) سطر . طول (۲۱  $\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شماره کتا بخانه (۳۱۲۲) .

(۹۶۲)

**شرح تصریف** این نسخه بخط نسخ و چند ورق آخر آن بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده نام خود و سال نوشتن را نبرده ولی واضح است که در قرن سیزدهم هجری نگاشته شده و کتاب « الفوائد الصمدیه » که در همین فصل معرفی خواهد گردید پیش از این تشرح گذارده شده است .  
جلد تیماجی مستعمل . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق کلیه (۱۲۸) .  
این نسخه (۱۰۶) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۱  $\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شماره کتا بخانه (۳۱۴۶) .

[ ۴۰۸ ] شرح جمع الجوامع = جمع الهوامع ( عربی )

این شرح و متن آن ( جمع الجوامع ) هر دو تألیف جلال الدین سیوطی میباشد که در ص ۳۲۷ و ۳۳۸ همین مجلد شرح حال ایشان نگاشته شد .  
**جمع الجوامع** مختصری است در نحو و صرف و تألیف آن بطرزی مخصوص شده و آن اینست : مقدمات در مباحث کلیه چون معنی کلمه و کلام ، اعراب و بنا منصرف و غیر منصرف ، انواع اعراب ، تشبیه و جمع ، ضمائر ، موصولات ، حرف تعریف و غیر از اینها ( این قسمت در حدود ربع کتاب است ) . **کتاب اول** در عهد و آن مرفوعات و آنچه مشابه آنهاست از منصوبات نواسخ میباشد . **کتاب دوم** در منصوبات است و از آن به فضیلات تعبیر می نماید . **کتاب سوم** در مجرورات و آنچه بر آن حمل میگردد از مجرورات و توابع آنست . **کتاب چهارم** در عوامل انواع مذکوره است و آن فعل و ملحقات آنست و در این کتاب بحث اشتغال و نازع ذکر شده است . **کتاب پنجم** در توابع انواع نامبرده بالا و عوارض ترکیب از تغییر اعراب است ماسداخبار بحکایت و تسمیه و ضرورت شعر و این کتابهای پنجگانه در نحو است . **کتاب ششم** در انبیه است . **کتاب هفتم** در تغییر کلمات مفرد و چون زیادت

يك يا چند حرف و حذف و ابدال و نقل و ادغام . خاتمه در خط و طرز نگارش همزه و غيره است .

شارح در مقدمه شرح گوید: « که جمع الجوامع را بدین طرز بدیع تألیف نموده ام و مطالب آن را از یکصد کتاب گرد آورده ام و بهمین مناسبت آن را « جمع الجوامع » نامیده ام و بر آن بودم که بر این کتاب شرحی مبسوط و مفصل که حاوی اقوال و ادله موافقین و مخالفین و شرح شواهد و توضیح کامل بوده باشد نگارش دهم ولی روزگار را برای این مقصود تنگ دیدم و دانشجویان همواره خواستار شرح این مؤلفه میشدند لذا این شرح را که راهنمای بمقاصد کتابست و ایشان را بر مسائل و مطالب غریبه و مشکله آگاه مینماید تألیف نموده و آنرا « معجم الجوامع فی شرح جمع الجوامع » نامیدم .

بر این شرح احمد بن امین شقیطی متوفی بسال ۱۳۳۱ بنام « الدرر اللوامع علی معجم الجوامع » شرحی نگاشته و بسال ۱۳۲۸ دوبار چاپ گردیده است (ص ۱۴۸ مطبوعات) این شرح در حدود (۳۱۰۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۳۲۷ در مصر در دو مجلد چاپ شده و طرز آن اینگونه است که بدو قسمتی از عبارت جمع الجوامع نقل گردیده پس از آن شروع بشرح و بسط مطالب آن نموده تا بآخر این قسمت میرسد و باز قسمتی دیگر متن را نقل نموده و بشرح آن پرداخته تا بآخر کتاب میرسد .

جمع الجوامع بگفته مؤلف معجم المطبوعات نیز بسال ۱۳۲۷ در دو مجلد چاپ شده و آغاز آن اینست : بسملة احمدك اللهم ما لبغت من النعم الخ .  
آغاز : ( شرح جمع الجوامع ) : بسملة بقول عبدالرحمن بن ابی بكر السیوطی الشافعی لطف الله به تعالی سبحانه لا احمى نأ عليك انت كما انيت على نفسك واصلی اسلام علی محمد افضل من خصیصته بروح قدسك و بعد فان لنا تألیفا فی العربیة جمع دناها و اقصاها الخ .

(۹۶۳)

این نسخه را بخط نسخ خوب جلال الدین ابن شریف حسن عباسی  
نجفی شهیر به آل ظفر بسال ۱۰۷۸ نگاشته ، متن کتاب با  
شجر ف نوشته شده ، صفحات بجدول بطلا و لاجورد و شجر ف  
میباشد و درابتداء نسخه سر لوح زیبایی است ، ورق آخر و  
اوراقی از اول نسخه و صالی گردیده و چند یادداشت از آنهاییکه پشت ورق نخستین  
بوده محو گردیده است .

جلد میشن نیم ضری . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۲۸۸ ) .  
صفحه ای ( ۲۷ ) سطر . طول ( ۲۶ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۷ سانتیمتر ) شماره کتابخانه  
( ۳۱۵۲ ) .

[ ۴۰۹ ] شرح شافیه = شرح جاربردی ( عربی )

این کتاب شرح شافیه ابن حاجب در علم صرف میباشد که در ص ۳۳۰-۳۳۲ معرفی  
از آن گذشت ، این شرح یکی از معروفترین شرح های آن کتاب و شارحش  
جاربردی (۱) است ( فخر الدین احمد بن حسن بن یوسف جاربردی متوفی بسال  
۷۴۶ ) (۲) که از معاریف علماء شافعی مذهب و ادباء در قرن هشتم هجری بوده  
و میانه وی باقاضی عضدایچی ( بسال ۷۵۶ مرده و شرح حال و مؤلفات او را در  
ص ۵۸۶ ج ۱ فهرست نگاشته ام ) مکاتبات در مسائل علمی رد و بدل شده (یکی  
از مکاتبات این دو دانشمند در ص ۱۰۸ تا ۱۱۱ ج ۶ طبقات سبکی موجود  
است ) و بریکدگر ردهائی نوشته اند ، پس از مرگ جاربردی پسرش محقق فاضل  
ابراهیم بن احمد نیز کتابی بر رد قاضی عضد در حل بعضی از مشکلات کشاف  
نوشته و نام آنرا « السیف الصارم علی عنق عضد الظالم » گذارده است ، جاربردی  
رامو لقاتی دیگر چون شرح منهاج قاضی بیضاوی در اصول فقه و شرح الیهادی الصغیر  
تألیف عبدالغفار بن عبدالکریم قزوینی شافعی متوفی سال ۶۶۵ در فقه ( صاحب

(۱) در ص ۴۱۶ ج ۱ و ص ۴۴ ج ۱ کشف الطنون جاربردی باجم و باء پارسی نوشته  
شده ولی در جاهای دیگر همه باجم و باء عربی ثبت کرده اند .

(۲) با مراجعه به روضات ص ۹۱ و شذرات ج ۶ ص ۱۴۸ و بغیه ص ۱۷۶ نسخه خطی و  
معجم المطبوعات ص ۶۷۰ این شرح نوشته شده .

کشف الظنون در ص ۴۱۶ ج ۱ گوید بآخر نرسیده و آنرا الیهادی نامیده و آغاز آن را ذکر نموده است ( و حواشی و تعلیقات بر کشف و رساله در نحو بنام المصنفی در نحو میباشد ) [ این کتاب را بسال ۸۰۱ بدرالدین محمد بن عبدالرحیم العمری البلالی بگفته کشف الظنون ( ص ۴۷۳ ج ۲ ) شرح کرده و صاحب روحدات شارح را شاگرد مؤلف و او را میلانی بدون ذکر لقب وی ذکر نموده است ]. شرح شافیه جاربردی از کتابهای درسی در علم صرف میباشد و از بدو تألیف تاکنون همواره مورد مراجعه علما و استفاده دانشجویان بوده و از همه شروح برتری دارد ، شارح در هنگام شرح به شرح مصنف بر شافیه نظر داشته و مشکلات شافیه و شروح پیشین آن را بدون اطناب ممل و ایجاز مختل حل نموده و تألیف آن بنام سعدالدین (۱) ابی المکارم محمد بن تاج الدین علی ساوی وزیر و برای تقرب بوی گردیده و دارای مطالبی است که در کتب دیگر کمتر یافت میشود . و در حدود ( ۱۲۰۰ ) بیت کتاب دارد ، بسال ۱۲۷۱ در ایران و ۱۳۱۰ در آستانه ضمن مجموعه ای چاپ گردیده است .

آغاز : بسملة نحمدك يا هادي بیده الخیر والجود و ليس في الحقيقة غیره بموجود الخ .

(۹۶۴)

این نسخه بخط نسخ بدون نام نویسنده و تاریخ نوشته شده ، شرح جاربردی ظاهراً از خطوط قرن یازدهم هجری میباشد ، بسال ۱۲۶۱ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده و تجلید شده ، متن شافیه بالای صفحات نسخه نوشته شده و در حاشیه بیشتر از صفحه ها حاشیه هائی بخط نویسنده نسخه و غیر او موجود است .

جاء میسن مطلا کاغذ کاهی . واقف سه سالار . قطع خشتی بزرگ . شماره اوراق ( ۱۳۰ ) . صفحه ای ( ۱۹ ) سطر . طول ( ۲۸-۱/۴ ساقیمتر ) عرض ( ۲۰ ساقیمتر ) شماره کتابخانه ( ۳۱۱۷ ) .

(۱) در روحدات اسعدالدین نوشته شده ولی در نسخه سعدالملة والدین میباشد .

| ۴۱۰ | شرح شافیه شرح نظم ( ۱۰۰ )

این شرح نیز از مشاهیر شیوخ تصوف معروفه است ( ۲۳۳ ) [ ۲۳۴ ] و خارج  
آن نظام انوارچ نیشابوری است ( نظام الدین احمد بن محمد بن حسین المشهور به  
نظام الانوارچ النیشابوری ) ( ۱ ) که از مشاهیر فیلسوفان و کاتبان ( معروفین  
مستوفی سال ۷۰۱ ) بودند و در این کتاب تصوف را شرح داده است و در  
حاشیه بر این شرح شریف خود شرحی در بعضی از کلمات و عبارات و تفهیم و تفسیر  
سال ۷۰۱ و نظام و معانی آن و در سال ۷۰۲ از تصوف و در سال ۷۰۳ از مشهور به  
تفسیر المشاهیر و در سال ۷۰۴ از مشاهیر و در سال ۷۰۵ از مشاهیر و در سال ۷۰۶  
از شرح المشاهیر و در سال ۷۰۷ از مشاهیر و در سال ۷۰۸ از مشاهیر و در سال ۷۰۹  
صاحب روضه که این شرح را در سال ۷۰۹ از مشاهیر و در سال ۷۱۰ از مشاهیر  
و در سال ۷۱۱ از مشاهیر و در سال ۷۱۲ از مشاهیر و در سال ۷۱۳ از مشاهیر  
الذین مشاهیر است و در سال ۷۱۴ از مشاهیر و در سال ۷۱۵ از مشاهیر

1.  $\frac{1}{x^2} = x^{-2}$   
 $\frac{d}{dx} x^{-2} = -2x^{-3} = -\frac{2}{x^3}$   
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^2} = -\frac{2}{x^3}$   
 2.  $\frac{1}{x^3} = x^{-3}$   
 $\frac{d}{dx} x^{-3} = -3x^{-4} = -\frac{3}{x^4}$   
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^3} = -\frac{3}{x^4}$   
 3.  $\frac{1}{x^4} = x^{-4}$   
 $\frac{d}{dx} x^{-4} = -4x^{-5} = -\frac{4}{x^5}$   
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^4} = -\frac{4}{x^5}$   
 4.  $\frac{1}{x^5} = x^{-5}$   
 $\frac{d}{dx} x^{-5} = -5x^{-6} = -\frac{5}{x^6}$   
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^5} = -\frac{5}{x^6}$   
 5.  $\frac{1}{x^6} = x^{-6}$   
 $\frac{d}{dx} x^{-6} = -6x^{-7} = -\frac{6}{x^7}$   
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^6} = -\frac{6}{x^7}$   
 6.  $\frac{1}{x^7} = x^{-7}$   
 $\frac{d}{dx} x^{-7} = -7x^{-8} = -\frac{7}{x^8}$   
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^7} = -\frac{7}{x^8}$   
 7.  $\frac{1}{x^8} = x^{-8}$   
 $\frac{d}{dx} x^{-8} = -8x^{-9} = -\frac{8}{x^9}$   
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^8} = -\frac{8}{x^9}$   
 8.  $\frac{1}{x^9} = x^{-9}$   
 $\frac{d}{dx} x^{-9} = -9x^{-10} = -\frac{9}{x^{10}}$   
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^9} = -\frac{9}{x^{10}}$   
 9.  $\frac{1}{x^{10}} = x^{-10}$   
 $\frac{d}{dx} x^{-10} = -10x^{-11} = -\frac{10}{x^{11}}$   
 $\frac{d}{dx} \frac{1}{x^{10}} = -\frac{10}{x^{11}}$

[illegible]

(۱) شرح قوله: «وَمِنْهُمْ مَن يَخُصُّهُمْ لَعَنَ كَيْدِهِمْ»  
از ایشان است که به کینه و دشمنی خاص به ایشان  
است و این را در حدیثی از امام باقر علیه السلام

1)  $\text{CH}_3\text{COOH} + \text{C}_2\text{H}_5\text{OH} \rightleftharpoons \text{CH}_3\text{COOC}_2\text{H}_5 + \text{H}_2\text{O}$  (esterification)

[illegible]

برمیآید تألیف آن در شیراز بنام وکن الدین ابو محمد یحیی شده که از علماء آن شهر در آن روزگار بوده است ، و شرح نظام مکرر در ایران چاپ گردیده و در حدود (۵۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : احمـدك اللّـهم علی ان وفقتنی لصرف ربـعان الشـباب فی اقتناء العلوم والاداب الخ .

(۹۶۵)

این نسخه را بسال ۱۱۱۵ محمد بن حاجی جمال اردستانی بخط شرح شافیه  
نسخ نوشته ، شامل تمام شرح میباشد ، روی عبارات متن (شرح نظام)  
باشن جرف خط کشیده شده و از شرح جدا گردیده ، ورق اول و دوم و حالی شده و نویسنده حمد و صلوة را از اول نسخه انداخته و از جمله و بعد شروع کرده است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . وائف سیه سالار ، قطع بغلی . شماره اوراق ( ۱۵۸ ) . صفحه ای ( ۱۷ ) سطر . طول ( ۱۵ ۱/۲ ) ( ۱۵۱ سانتیمتر ) . عرض ( ۹ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۱۳۲ ) .

(۹۶۶)

این نسخه را بسال ۱۱۱۲ امامقلی استرآبادی نوشته ، ورق اول کتاب که شامل قسمتی از دیباچه بوده افتاده ، و نسخه در (شرح نظام)  
آب افتاده و بعضی از کلمات آن غور گردیده است .  
جلد میشن . کاغذ سمرقندی . واقف سیه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق ( ۲۱۴ ) صفحه ای ( ۱۵ ) سطر . طول ( ۱۸ ۱/۲ ) ( ۱۸۱ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۲ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۱۳۷ ) .

(۹۶۷)

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، دیباچه را ندارد و از ابتداء شرح عبارات شافیه شروع گردیده و دو ورق از آخر (شرح نظام)  
آن افتاده و آخرین سطر موجود آن اینست : ( ونحو الدین  
فی التثبیه نسباً و جراً بالامین للمفرق بینہ و بین الجمع لنقله اولی . ،

شرح قواعد الاعراب یا موصل الطلاب که در ص ۳۳۲ و ۳۳۳ معرفی از آن گردید حتماً این شرح میباشد ، در حاشیه بیشتر از صفحات تعلیقاتی بامضاء



جلد میشن مستعمل . کاغذ کاهی . واقف سید سالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۱۸۸ ) .  
صفحه ای ( ۲۲ ) سطر . طول ( ۲۵ سانتیمتر ) . عرض (  $۱۸\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر ) شماره کتابخانه  
( ۳۱۱۸ ) .

### [ ۴۱۲ ] شرح شرح جامی ( فارسی )

نسخه زیرین که خصوصیات آن نگاشته خواهد شد ، شرحی فارسی بر شرح  
جامی برکافیه است که آنرا پس از این معرفی خواهیم نمود ، ورق اول نسخه  
افتاده لذا نام مؤلف و شارح بدست نیامد از مطالعه نسخه هم شارح شناخته نشد  
ولی دانستیم که شرح قولی بر شرح جامی است و در حدود ( ۴۰۰ ) بیت کتابت  
آنست .

( ۹۶۹ )

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۰۵۵ ( در آخر نسخه چنین  
نوشته شده : ۱۵۵ ) نوشته شده ، از قرائن چنین بدست میآید  
شرح جامی که خط شارح میباشد ، ورق اول آن افتاده و نخستین سطر  
نسخه اینست : خاصه خدای تعالی است الحال جواب مگوئیم که شما این راه را  
قبول دارید که جنس حمد خاصه خدای تعالی است الخ .  
اوراق نسخه بواسطه آبدیدگی بعضی از سطور آن محو شده و برخی وصالی  
گرفته است .

جلد نیماج مستعمل . کاغذ کاهی . واقف حاج سید محسن و آق سید ابدالله . قطع وزیری  
کوچک . شماره اوراق ( ۷۹ ) . صفحه ای ( ۱۹ ) سطر . طول ( ۲۱ سانتیمتر ) . عرض  
(  $۱۴\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر ) . شماره ( ۲۱۸ ) : فقه مدرسه فخر علیخان .

### [ ۴۱۳ ] شرح فوائد الصمدیه ( عربی )

الحقائق الندییه فی شرح الفوائد الصمدیه شرح کبیر سید علیخان  
چنانکه درص ۲۰۴ - ۲۰۸ زیر شرح حال سید علیخان کبیر گفته شد ایشانرا  
سه شرح بر فوائد الصمدیه شیخ بهاء الدین عاملی ره میباشد و در همین فصل از صمدیه  
و شرح آن معرفی خواهد شد ، شرح کبیر سید این کتابست که خصوصیات آن  
در اینجا نوشته میشود و بسال ۱۰۹۹ تألیف آن باخر رسیده و پس از این شرح صغیر



خود را انگاشته و چون زیاد شواهد بر آنست که سنیان این کتاب نوشته و نسخه شرح مکتوب را نواده شایسته این مذهب شده و عیب دارند، مؤلف نام این شرح (کبیر) را «الحدائق النذریه فی شرح القواعد الصمدیه» گذاشته و شرحی مزجی و چون سایر مؤلفات این مؤلف در حدیث و احادیث و روایات و بیانات و مسائل ۱۲۷۴ در تفسیر این حدیث آمده است.

آغاز: «الحمد لله الذی هدانا لهذا الذی کنا علی غایت من الغایت»  
 نبوده غرض از این حدیث آنست که هر کس در حدیث و احادیث و روایات و بیانات و مسائل ( )

شرح صمدیه ( )  
 (الحدائق النذریه) ( )  
 و در تفسیر این حدیث ( )  
 حاشیه ای که در این حدیث آمده است ( )  
 ( )

| ۱۴ | شرح فوارید الصمدیه ( )

( )  
 ( )  
 ( )  
 ( )  
 ( )  
 ( )

آغاز: «الحمد لله الذی هدانا لهذا الذی کنا علی غایت من الغایت»  
 ( )

(۹۷۱)

**شرح** این نسخه بخط نسخ محمد جعفر بسال ۱۲۴۴ نوشته شده ،  
 صغیر صمدیه شامل تمام کتابست ، در حاشیه اوراق اولیه نسخه حاشیه ها  
 (الفرائد البهیة) و تعلیقاتی در مطالب نحوی از شارح و دانشمندان متقدم  
 و متأخر بروی و مؤلفات ایشان موجود است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنکی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۱۱۷ ) .  
 صفحه ای ( ۲۱ ) سطر . طول ( ۲۳ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۵ سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۳۱۴۵ ) .

(۹۷۲)

**شرح** این نسخه را محمد هادی بن معصوم بروجردی بسال ۱۲۵۹  
 صغیر صمدیه بخط نسخ نوشته ، رساله مختصر بحر بی در علم معانی و بیان  
 (الفرائد البهیة) و بدیع که اوراقی از اول و آخر آن افتاده ضمیمه آنست .

جلد میشن . کاغذ فرنکی . واقف سیه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق کلیه ( ۱۷۶ ) .  
 این نسخه ( ۱۶۱ ) . صفحه ای ( ۲۰ و ۱۶ ) سطر . طول ( ۱۸ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۱ سانتیمتر ) .  
 شماره کتابخانه ( ۳۱۴۹ ) .

(۹۷۳)

**شرح** این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نگارش آن خاتمه نیافته  
 و شامل از ابتداء کتاب تا قسمتی از بحث مبنیات میباشد و آخرین  
 صغیر صمدیه خط نسخ اینست : ( فیکتب الیاء وهو للعاقل غالباً و د )  
 (الفرائد البهیة) غیره قوله والعیش فی اولائك الایام و قدیق ) . متن این شرح

( الفوائد الصمدیه ) ضمیمه این نسخه است و در این فصل آن را ذکر خواهم نمود .  
 جلد تیماج . کاغذ فرنکی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق کلیه ( ۱۰۲ ) . این  
 شرح ( ۶۱ ) . صفحه ای ( ۱۱ و ۱۶ ) سطر . طول ( ۲۱ ۱/۴ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۴ سانتیمتر ) .  
 شماره کتابخانه ( ۳۱۴۷ ) .

۴۱۵ | شرح فوائد الصمدیه شرح صمدیه عبدالعظیم ( عربی )

این شرح نیز بر فوائد الصمدیه و در نحو میباشد ، مؤلف خود را در دیباچه  
 « محمد بن عبد الغنی المستظهر بهد العظم الحسنی » معرفی نموده ، در مأخذیکه در دست

نگارنده است نامی از مؤلف و مؤلفه یافت نشد، از محتاطان است که در کتاب هم عصر  
و زمان وی بدست نیامد، بقرینه اینکه پس از نیم قرنست متن معروف سال ۱۰۳۰  
رحمه الله واسکه الله فی اعلا عتقین گذارد و نسخه هم سال ۱۱۰۲ یا ۱۱۵۲  
نوشته شده تالیف آن مسدود میان دو تاریخ من گور خواهند بود، شرح نام مخصوص  
برای این شرح نگذاشته و از دانشمندان کمالی مدعی شده است.

این شرح عربی و در حدود (۳۵۰۰) بیت است که در کتاب در دسترس  
بافغان علماء ادب چون رشتی و سراج و غیره منقوش شده است.

آغاز: بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و الصلوة علی محمد و آله الطاهرین

(۱۶۴)

شرح  
فوائد الصمدیه

شرح  
(عبد العظیم)

این نسخه را خط سید محمد باقر در سال ۱۲۰۳ هجری قمری در کابل  
شهرت هم در این نسخه و تصحیح و مقابله که در دسترس است  
مجلس از صفحینت خط سید محمد باقر و مقابله و تصحیح با مقابله  
منه رحمه الله شریف و در دسترس است و در دسترس است که گفته  
و این عنوان در خط سید محمد باقر و در دسترس است که گفته  
تألیف خود کرد و این را در دسترس است که گفته است.

حاج شیخ، کاتب و نگارنده و تألیف و تصحیح و مقابله که در دسترس است  
(۱۶۵) - در کابل و این را در دسترس است که گفته است.

| ۱۶۴ | شرح قطعه (۱۶۵)

در کتاب در دسترس است که در دسترس است که گفته است  
و بل الصمدی و شرح آن در دسترس است که گفته است  
ابن هاشم انجوتی و شرح آن در دسترس است که گفته است  
تألیف و تصحیح و مقابله که در دسترس است که گفته است  
این را در دسترس است که گفته است که در دسترس است  
فردوس انجوتی معروف است که در دسترس است که گفته است

شرح قطر و بابه نجیب‌النندی الی شرح قطر النندی « (۱) در مصر چاپ شده و این شرح قطر ابن هشام در حدود (۳۶۰۰) بیت کتابت آنست .

حاجی خلیفه در ص ۲۳۸ ج ۲ کشف الظنون قطر النندی را نام برده و چند شرحی که بر آن نوشته شده ذکر نموده است .

آغاز : بسم الله قال الشيخ الامام . . . جمال الدین ابو محمد عبدالله بن هشام الانصاری  
فشرح الله فی قبره الحمد لله رافع الدرجات لمن انخفض بجلاله و فاتح البركات لمن انتصب لشكر افضاله الخ .

(۹۷۵)

این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۵۷ نوشته شده ، طرز نگارش  
صفحات آن يك نواخت نیست و نویسنده نام خود را  
نبرده است .

جاء تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۱۵) مختلف السطور .  
طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۰۴) .

[ ۴۱۷ ] شرح کافیه : شرح جامی - ( عربی )

( الفوائد الغنیائیة )

این شرح یکی از مؤلفات جامی است ( نورالدین عبدالرحمن بن احمد ۸۱۷-۸۹۸ ) (۲) که از مشاهیر شعرای قرن نهم هجری بوده و برخی را عقیده ایست که از آن قرن تا کمون بیایه وی شاعری یافت نشده و در عرفان و ادب دست داشته و مؤلفات وی بهترین شاهد و گواه بر این مدعی است ، جدّ وی شمس الدین محمد

(۱) « مجیب‌النندی الی شرح قطر النندی » تألیف جمال الدین یا عقیف الدین عبدالله بن احمد بن علی الفاکهی المکی الشافعی النحوی (۸۹۹-۹۷۳) میباشد و بسال ۱۲۶۴ در بولاق مصر چاپ شده است (ص ۳۱ معجم المطبوعات) .

(۲) برای اطلاع بر شرح حال جامی به ص ۴۳۸ روضات ، ص ۸۶ الفوائد البهیة ، ص ۲۹۳-۲۹۶ شقائق نعمانیة ، ص ۳۶۰ ج ۷ شذرات الذهب ، شرح حال جامی تألیف آقای تربیت ضمیمه تقویم ۱۳۰۸ تر بیت ، ص ۵۶۹ هفت اقلیم نسخه خطی مدرسه ، تکمله نفحات الانس نسخه خطی مجلس شورای ملی و معجم المطبوعات ص ۶۷۱-۶۷۲ مراجعه شود .

[illegible][illegible][illegible][illegible]

مناقب، ولانای روم، مناقب، خواجه عبدالله انصاری، الدرۃ الفاخره، تحقیق مذهب الصوفیه (۱) رساله در وجود، مناسک حج، رساله در کلمه لا اله الا الله، رساله در عروض، رساله در موسیقی، سه رساله در معما، تفسیر آیه فارهبون، تفسیر قرآن کریم (این تفسیر بطریقه عرفانی و بیش از یک حزب آن پاک نویس نشده است)، دیوان قصائد و شواهد النبوه بفارسی، شرح کافیه ابن حاجب (همین کتاب) و غیر از اینها.

این شرح از مشاهیر شروح کافیه میباشد و توان گفت که آنچه نکات شروح پیش دارا بوده با اضافاتی در این کتاب میباشد و از بدو تألیف تا کنون در مدارس قدیمه کتاب درسی بوده و خواننده آن از کتب دیگر در علم نحو بی نیاز میگردد و بر آن حواشی و ترویح زیاد نوشته شده (ص ۲۵۰ و ۲۵۱ ج ۲ کشف الظنون) و شیخ محمد بن عمر معروف به قورده آفندی متوفی بسال ۹۹۶ این شرح جامی را بترکی ترجمه نموده و شارح این شرح را به نسبت نام پسر خویش ضیاء الدین «الفوائد الضیائیه» نامیده و بنا بر تصریح در آخر در ۱۱ رمضان سال ۸۹۷ (سال پیش از مرگ) تألیف آن خاتمه یافته و مکتور چاپ شده است.

آغاز: بسم الله الحمد لله والصلوة علی نبیه و علی آله و اصحابه المتتابعین  
بآدابہ الشیخ.

(۹۷۶)

شرح جامی این نسخه را بخط نستعلیق بسال ۹۷۵ محمد بن کمال الدین حسین انصاری مسجعی نوشته و رساله ای در صرف بفارسی که بنام «صرف فارسی» در این فصل از آن معرفی میشود ضمیمه آنست، دو کتاب دارای دو سر لوح زیبا و صفحات خود دل بطلا و لاجورد و زنگار میباشد و زنگار برخی از اوراق را باره کرده و در حاشیه بعضی از ورقها تصحیحاتی شده است. حامد تیماج. کاغذ متن و حاشیه خان بالغ و سمرقندی. واقف سیه سالار. قطع رحلی. شماره اوراق کتبه (۶۹). شرح جامی (۶۴) صفحه ای (۲۷) سطر. طول (۳۵ ۱/۴ سانتیمتر). عرض (۲۳ ۱/۴ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۱۵۴).

(۱) این کتاب بسال ۱۳۳۸ چاپ شده است.



## [ ۴۱۸ ] شرح کافیه . شرح رضی ( عربی )

این شرح از رضی استرآبادی است ( نجم الاثمه رضی الدین محمد بن حسن استرآبادی متوفی بسال ۶۸۷ ) (۱) که از مشاهیر علماء امامیه بوده و در نحو مخصوصاً توانائی زیاد داشته و این شرح کافیه وی خود شاهدهی بزرگ بر این مدعی است ، چنانکه در آخر شرح شارح خود تصریح نموده بسال ۶۸۶ (۲) تألیف این شرح در جناب غروی ( نجف اشرف ) خاتمه یافته و سیوطی که از مشاهیر ائمه نحو میباشد در بغیه بنام الرضی این شارح را نام برده و گوید: امام مشهور و صاحب شرح کافیه این حاجب میباشد که مانند آن نه شرحی بر کافیه نوشته شده و نه در علم نحو کتابی تألیف گردیده و مورد اعتماد علماء معاصر و پیشین بوده و هست و در مؤلفات خویش بر مطالب این شرح اعتماد نموده و روی آن بحث کرده و بر نام و ترجمه حال وی دست نیافته ام انتهى .

شیخ رضی در اثر همین تشرح معروف به شارح رضی گردیده و صاحب روایات گویند نخستین کس که ملقب به لقب نجم الاثمه گردید این دانشمند بود این شرح وی بیش از سی هزار بیت ( ۳۰۰۰۰ ) کتابت دارد ، مؤلفات دیگر این شارح نیز شرحی بر شافیه این حاجب در علم صرف و شرحی بر قصائد سبعه ابن ابی الحدید در فضائل حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام میباشد .

شرح رضی بر کافیه مکرر چاپ شده و مؤلف خود آنرا در دو مجلد گذارده ( جلد اول در معربات دوم در مبنیات ) و پس از اینکه شارح از شرح کافیه فراغت یافته و تاریخ تألیف را تدکیر داده در حدود دویست بیت راجع به : هاء السکت ، حرف التذکر ، حیرف الانکار ، شین الکشکمه و حین الکسکسه باین شرح ملحق نموده است .

(۱) مجالس المؤمنین ص ۲۴۴ ، اعلالامل ج ۲ ص ۶۱ ، روایات ص ۲۸۷ ، کشف الحجب ص ۳۴۸ ، بغیة الوعاة در حرف الراء ، فهرست رضویه ج ۳ ص ۱۲ کشف الظنون ج ۲ ص ۲۴۹ در ذیل کافیه .

(۲) در مجالس المؤمنین و روایات و کشف الظنون و معجم المطبوعات تاریخ تألیف این شرح سال ۶۸۳ ثبت شده ولی در آخر نسخه خطی این کتابخانه و نسخه چاپ ایران ( در سال ۱۲۷۰ ) سال ۶۸۶ نوشته شده است .





و قسمت دوم آن که از طرز و روش خط از خطوط اوائل قرن هشتم بنظر میآید، از مبحث عدد شروع و تا آخر شرح آنرا داراست و میان مبحث اسماء اشاره تا عدد که در حدود ۵۰۰ بیت میشود افتاده دو ورق کاغذ نوشته میان این دو قسمت گذارده شده و تمام قسمت دوم متن و حاشیه است.

جلد میشن نیم ضربی. کاغذ فرنگی و خان بالغ. واقف سیه سالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۲۴۹). صفحه ای (۳۱) سطر. طول (۳۰ سانتیمتر) عرض (۲۰ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۲۰۷).

(۹۸۴)

**شرح رضی** این نسخه و نسخه زیرین شامل تمام شرح (دو جلد) بوده، بر این اینکه از زیادی حجم آن کاسته شود در دو جلد گذارده شده، بخت نسعلیق نگارش یافته و ظاهر از خطوط قرن دهم هجری میباشد، ورق اول این نسخه افتاده و نخستین سطر آن اینست: وقیل ان اشتقاق الکلمة والکلام من الکنم الخ. و تا قسمتی از مبحث ضمیر متصل و منفصل که جزء قسم دوم شرح است در این نسخه گذارده شده و بیشتر از صفحات آب دیدگی دارد و متن کتاب (کافی) باشد چنانکه در نگارش یافته و بر باره ای از صفحات تعلیقاتی نوشته شده است. جلد نیمایی. کاغذ سمرقندی. واقف سیه سالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۷۸). صفحه ای (۲۰) سطر. طول (۲۵ سانتیمتر) عرض (۱۸ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۲۰۳).

(۹۸۵)

**شرح رضی** این نسخه بقیه نسخه پیشین میباشد، یک ورق پیش از آخرین ورق موجود و یکی پس از آن نسخه افتاده، اوراق او آخر و صالی شده و نیز آثار آئیندگی در اوراق نسخه موجود است.

جلد نیمایی. کاغذ سمرقندی. واقف سیه سالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۷۹). صفحه ای (۲۰) سطر. طول (۲۵ سانتیمتر) عرض (۱۸ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۲۰۴).

[ ۴۱۹ ] شرح کافیہ شرح متوسط رکن الدین = (عربی)

الوافیه فی شرح الکافیہ

این کتاب تألیف ... رکن الدین ... است (و رکن الدین حسن بن محمد بن ...)



شارح این شرح را **که** پس از شرح مفصل و مختصر خویش تألیف نموده «الوافیه فی شرح الکافی» نام نهاده و شامل بسیاری از مطالب سودمند میباشد و تاکنون مورد عنایت و توجه دانشمندان و اعتماد ایشان بوده و تاکنون چاپ نشده و در حدود (۷۵۰۰) بیت کتابت دارد و بنام وزیر، یحیی بن ابراهیم بن یغرش بیلکا پادشاه ختن آنرا موشح نموده، و بر آن حاشیه‌هایی نوشته شده، صاحب کشف الظنون، چند حاشیه آنرا نام برده و گوید شرح کبیر آن البسیط نام دارد و ایات شواهد شرح متوسط را اسمعیل بن علی شرح نموده و اوّل آن اینست: لك الحمد يامن صرف قلوبنا في بحر المعاني والبيان الخ.

باید دانست که سید رکن الدّین استرآبادی صاحب این شرح غیر از رکن الدّین محمد بن علی استرآبادی است که فصول نصیریه را تعریب نموده و در ص ۷۰ ج ۴ روضات نام برده شده و مؤلف روضات درباره وی گوید که زمان و حیوة وی نزدیک بزمان و عصر خواجه بوده است.

(۹۸۶)

شرح متوسط این نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۵۰ نوشته شده، کاتب نام خود را نگاشته، ورق اوّل که شامل چند سطر از مقدمه بوده افتاده و نخستین سطر نسخه اینست: (الكبير العالم الفاضل الكامل سلالة الامراء الوزراء... يحيى بن المخدوم المعظم... ابراهيم بن يغرش بيلك ملك الجثنى الخ) در حواشی صفحات آثار تصحیح و گاهی حاشیه‌هایی در توضیح مطالب دیده میشود، ورق اوّل و صالی شده و بعضی از اوراق آن آثار آبدیدگی دارد. جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سه سالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۴۹). صفحه ای (۱۵) سطر، طول (۲۴ سانتیمتر). عرض (۱۴ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۱۶۴).

(۹۸۷)

شرح متوسط این نسخه بخط نسخ نوشته شده، متن کتاب (کافی) باشنجرف میباشد، از اوّل کتاب تا قسمتی از مبحث عدول از بحث غیر منصرف آن افتاد و نخستین سطر موجود آن اینست: (صحراء الوافیه)

علی صحاری او صحراوات فقیاس جمعاء ان یجمع علی جماعی الخ .) ورق آخر نسخه  
نویس است و در حاشیه بیشتر از صفحات مطالبی از شرح رضی ، شرح خبیبی ،  
شرح کبیر مؤلف و تعلیقاتی بامضاء سعیدی ، نعمة الله ، کمال الدین ، عصمت و حاشیه  
هائی از خود شارح دارد و بعضی از اوراق و صالی گردیده و پشت آخرین ورق  
نسخه (نویس) یادداشتی بامضاء محمد حسن حسینی مورخ سال ۱۲۴۵ و مطالب  
متفرقه ای از دیگران میباشد و خود نسخه ظاهراً در قرن نهم هجری نگارش یافته است .  
جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۱۵۰) . صفحه ای  
(۲۵) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۱  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۶۵) .  
(۹۸۸)

**شرح متوسط (الوافیه)**  
این نسخه بخط نسیمعلیق بد خطی نوشته شده ، اوراق اول  
نسخه (۷ ورق) مشوش گذاشته شده پس از دقت روی آنها  
صفحه گذاری شد ، چند سطر از دیباچه را ندارد و از این  
عبارت : (ترکیاته و مبانیه الا نادراً مع ذکر عدل اکثرها و جعلته لرسم خدمه الامیر الکبیر  
سلالة الامراء الخ .) دیباچه نسخه شروع شده و از آخر هم ناقص و ناقصی از مبحث  
حروف جارها دارد ، ورق آخر باطرز بسیار بدی و صالی گردیده بر ورق اول فعلی  
نسخه بنام : **باب بر کافیه** بر این کتابخانه وقف گردیده و در دفاتر هم بهمین نام ثبت  
شده ولی مسلماً شرح متوسط کافیه است .  
جلد تیماج . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۲۲۱) . مختلف السطور .  
طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۷۲) .

[ ۴۲۰ ] شرح کافیه : شرح میر سعید شریف (فارسی)

### شرح گیبائی

بفرانسیسکه زیر این سطرها نگاشته میشود این شرح تألیف میر سعید شریف  
جر جانی است (علی بن محمد بن علی جر جانی حقیقی یا شیبی استرآبادی ۷۴۰-۸۱۶هـ) (۱) که

(۱) این شرح با مراجعه به بغیة الوعاة ص ۲۵۹ نسخه خطی مدرسه ، مجالس المؤمنین ص  
۳۴۵ - ۳۴۷ در مجلس هفتم ، روضات ص ۴۹۷-۴۹۹ ، کشف الطنون ، فهرست رضویه  
و معجم المطبوعات ص ۶۷۸-۶۸۱ نوشته شده .

از مشاهیر علماء علم ادب و دانشمندان و حکما بوده و صاحب معجم المطبوعات از او به عالم اهل المشرق تعبیر کرده اند، بسال ۷۷۹ (۱) که شاه شجاع در قصر زراسترا باد بود، سید بخدمت پادشاه رسید و مورد عنایت و توجه گردید، باخود بشیرازش آورد و تدریس مدرسه دارالشفاء مؤسسه خویش را بدو تفویض نمود و چون امیر تیمور گورکان شیراز را فتح نمود فرمان داد که سید بسمرقند رود و با سعدالدین تفتازانی مناظرات داشته و تا مردن این پادشاه در آنجا بود و پس از آن بشیراز آمد و در آنجا بدانسر اشتافت و قبر وی در جائیکه آنرا اکنون دارالشفاء گویند مزار دانشمندانست. صاحب مجالس المؤمنین و روضات بادله ایکه از مؤلفات این سید بیرون آورده اند تشتمع او را ثابت کرده ولی مشهور به حنفی بودن است و مؤلفات وی عبارت از: شرح موافق قاضی عتدایجی در کلام، شرح مفتاح العلوم (قسمت بلاغت در حدود ده هزار بیت)، تعریفات العلوم، رساله در تحقیق معنی حرف، کتاب در معما (در حدود پانزده هزار بیت است)، حاشیه بر کنشاف (۲)، حاشیه بر شرح متوسط کافیه (این حاشیه نافص ماند و پسرش با تمام آن پرداخت)، حاشیه بر شرح رضی بر کافیه، حاشیه بر شرح اصفهانی بر تجرید (سیوطی شرحی بر تجرید بوی نسبت داده و شاید مراد وی همین حاشیه است)، حاشیه بر مطول، حاشیه بر شرح مطالع، حاشیه بر شرح شمسنامه امین الدین رازی، شرح تفسیر العزیز، شرح مختصر الاصول عضدی، شرح حکمة العین، حواشی بر فوائد شیخ میثم بحرانی، رساله در فن اصول الحدیث، شرح فرائض سراجیه، الاصول المطلقیه، الرسالة الشریعیه (در آداب بحث است)، «مغنی الثمانی فی مختصر الجرجانی»، و مؤلفات فارسی وی عبارت از صرف میر که از کتب معتبره و مشهوره در علم صرف میباشد و کتاب کبری و صغری (۳) در علم منطق و جواب مسائل امیر اسکندر خان و ترجمان القرآن در

(۱) این تاریخ در مجالس المؤمنین ثبت شده ولی در روضات این تاریخ را ۷۸۷ سیع و ثمانین و سبعه مانده نوشته است.

(۲) در ص ۱۲۳ ج ۱ فهرست این کتابخانه معرفی از این کتاب گذشت.

(۳) شمس الدین محمد پسر سید شریف متوفی بسال ۸۳۸ کبری و صغری را بنام «الدرة» و «الفره» تعریب نموده است.

ترجمه فارسی لغات قرآن کریم (۱) و غیر از اینهاست .

این شرح مشهور به **گیپائی** است و گپیا در زبان فارسی بمعنی کله پز است و در وجه تسمیه این شرح بدین نام در فهرست رضویه نوشته شده که سید در اوائل جوانی که مدرسه نشین بوده بتعلیم پسر کله پزی مشغول بود و پدرش هر روز ناهار استاد فرزند را تهیه مینمود و سید این شرح را برای او نگاشت بنابراین مشهور بشرح گپپائی شد و در حدود (۶۰۰۰) بیت کتابت آنست .

در اینجا مناسب است که گفته شود جز سید جر جانی بر کافیه شروح فارسی نوشته اند و از آنها شرح محمد امین هروی (ج ۲ کشف الظنون ص ۲۵) میباشد .  
آغاز: بسمله (۲) **الكلمه** معنی کلمه در اصل لغة يك سخن است و معنی وی در اصطلاح نحوی الخ .

**انجام:** آنکه اعراب فعل جاری بر حرف شود **كه** کلمه دیگر است حقیقه تمّت الکتاب .

(۹۸۹)

**شرح کافیه** این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۰۲۰ نوشته شده ، از خود نسخه مؤلف و نام شرح معلوم نشد ، پشت صفحه اول بنام **شرح گپپائی** « شرح گپپائی » معرفی شده و آغاز و انجام آن با شرحیکه در ص ۱۵ ج ۳ فهرست رضویه بنام شرح گپپائی از آن معرفی گردیده یکی است ، متن کافیه در ۸۲ ورق بیش از این شرح گداورده شده و در همین فصل خصوصیات آن ذکر خواهد شد .

جلد تیماجی ، کاغذ کاهی ، واقف سیه سالار ، قطع ربعی ، شماره اوراق کلیه ( ) (این شرح ۱۷۶) صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۱۹ ۱/۲) سانتیمتر . عرض (۱۳ ۱/۲) سانتیمتر . شماره کتابخانه (۳۱۶۳) .

(۱) نسخه ای از ترجمه لغات قرآن کریم بشماره (۲۰۱۵) در این کتابخانه میباشد ، چنانکه در ص ۱۸۵ ج ۱ فهرست گفته شد بایستی همین کتاب باشد و از مؤلفات نام برده بالا اول و ۳ و ۶ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ آن چاپ شده است .  
(۲) نسخه کتابخانه رضویه و این کتابخانه بدون مقدمه و دیباچه است و شاید که مؤلف بدون مقدمه شروع بشرح کرده باشد .

## [ ۴۲۱ ] شرح لب الالباب = العباب ( عربی )

این شرح تألیف نقره کار است (سید جمال الدین عبدالله بن محمد بن احمد (۱) الحسینی متولد و متوفی بسال ۷۰۶-۷۷۶) (۲) که از علماء قرن هشتم هجری بوده و بسال ۷۳۵ از تألیف این شرح فراغت یافته و شرحی نیز بر شافیه ابن حاجب بسال ۷۷۲ نگاشته و شرح اخیر مکرر در آستانه چاپ شده است .

لب الالباب یا الباب در علم نحو و تألیف تاج الدین محمد بن محمد بن احمد بن السیف معروف به فاضل اسفراینی متوفی بسال ۶۸۴ می باشد و در ص ۳۷۲ بشرح حال ایشان پرداخته میشود و از کتب مشهوره در این علم می باشد و شرح چندی بر آن نوشته شده و مشهور ترین آنها همین شرح نقره کار است .

صاحب معجم المطبوعات در ص ۷۷۵ زیر عنوان : الحسینی «عبدالله» گوید : عبدالله بن محمد بن احمد الحسینی النیسابوری الشریف . جمال الدین . المعروف بنقره کار : ابن حجر گوید : در اصول و عربیة سرآمد اقران بود و در اسدیه حلب تدریس مینمود و یکی از ائمه معقول میبود و ریش وی سفید و نبکو و شیعی مذهب بود (۳) . و این عبارت با اسقاط جمله المعروف بنقره کار و مأت سنة ۷۷۶ و تغییر مختصری در او آخر عبارت که در زیر این سطور نقل میشود عیناً در بغیة الوعاة موجود و در شذرات الذهب در ذیل و فیات سال ۷۷۶ نیز عبارات بغیه با اضافه اینکه چندی در دمشق و مصر نیز اقامت نموده و مقام شیخی بعضی از خانقاه ها را یافته و هفتاد سال زندگانی نموده و گوینده این سه بیت زیرین میباشد آورده شده :

(۱) در کشف الظنون و فهرست دارالکتب العربیه فقط نام پدر نقره کار نقل گردیده ولی در بغیه و معجم المطبوعات نام جد او احمد نیز ذکر شده و در شذرات ابن جد او محمد نامیده شده است .  
(۲) بغیة الوعاة در ذیل عبدالله بن محمد ، کشف الظنون ج ۲ ص ۴۰۴ و ۳۵۱ ، شذرات الذهب ج ۶ ص ۲۴۲ ، معجم المطبوعات ص ۷۷۵ ، فهرست دارالکتب العربیه ج ۲ ص ۱۳۴ و فهرست خدیویه ج ۴ ص ۷۹ و ۷۸ .

(۳) عبارت منقول در معجم المطبوعات اینست : «حسن الشیبة یتشیع» و عبارت بغیه اینست : «حسن الشیبة یتشیع مات سنة ۷۷۶» . و عبارت شذرات بدینگونه میباشد : «وكان یتشیع وكان احداً من العقول حسن الشیبة» .



هَذِبِ النَّفْسَ بِالْعُلُومِ لِتَرْقَى وَ تَرَى الْكُلَّ وَ هُوَ لِلْكُلِّ بَيْتٌ  
 إِنَّمَا النَّفْسُ كَالزُّجَاجَةِ وَالْعَقْلُ سِرَاجٌ وَ حِكْمَةُ اللَّهِ زَيْتٌ  
 فَإِذَا أَشْرَقَتْ فَأَنْتَ حَيٌّ وَ إِذَا أَظْلَمَتْ فَأَنْتَ مَيِّتٌ  
 چنانکه در مقدمه شرح نقره کار (همین شرح) تذکره داده شده و در کشف الظنون  
 نقل گردیده شارح تصور نموده که لباب اسفراینی پیش از وی شرح نشده در صورتیکه  
 محمد بن مسعود (سعید) بن محمود بن ابی الفتح السیرافی القالی بسال ۷۱۲ در شیراز  
 بر این کتاب شرحی نوشته و دو نسخه از آن که هر دو بسال ۷۳۲ نگاشته شده اند  
 در دارالکتب العربیه در مصر موجود (ج ۲ فهرست دارد ص ۱۳۴) و نسخه ای  
 از آن که بسال ۷۶۴ نوشته شده در کتابخانه حضرت رضا ع نیز وجود دارد و  
 آغاز آن اینست: الحمد لله الذی هدانا الى معرفة اعجاز القرآن الخ. و بنابر دو تاریخ  
 نام برده بالا ۲۳ سال این شرح مقدّم بر شرح نقره کار تألیف گردیده است.  
 در کشف الظنون تصریح گردیده که نام این شرح **الاعباب** میباشد و در فهرست  
 خدیویه بنام: «**الاعباب فی شرح اللباب**» نام برده شده ولی شارح در مقدمه نامی  
 برای این شرح نگذاشته و در آخر نسخه این کتابخانه هم نامی برای آن دیده نمیشود  
 و تاکنون چاپ نشده و از شروح بسیار نافع و سودمند میباشد و در حدود (۴۰۰) بیت  
 کتابت دارد.

در کشف الحجب و الاستار (ص ۳۷۹) کتابی بنام «**الاعباب فی علم الاعراب**»  
 تألیف سید محمد تقی بن سید حسین نصیر آبادی که از علماء او آخر قرن سیزدهم  
 و معاصر با مؤلف کشف الحجب بوده یاد شده و گوید که مرتّب بر پنج باب میباشد  
 و آغاز آن اینست: الحمد من حمید ما ازهر اسمہ واعز شأنه الخ.

آغاز: بسم الله الحمد لله فاشع غمام الغموم وقاصع هموم الهموم الخ.

**انجام:** بخلاف المتمدّن کفر فانه لا یقصد الوقف و انما عرض له ما اوجب قطع کلامه

من النسیان.

(۹۹۰)

شرح  
لب الالباب  
(العباب)

این نسخه را بخط نسخ خوب عبدالجلیل بن حسن بسال ۷۹۰ نوشته ، مقابله و تصحیح گردیده ، در حاشیه پاره ای از صفحات تعلیقاتی مفید بخط نسخ و بیشتر بخط شکسته نستعلیق تحریر یافته و پشت صفحه نخستین فهرست مطالب با تصد کر باینکه

در چه صفحه ای میباشد نگارش یافته و در همین صفحه میرزا آقا خان صدر اعظم نوری بسال ۱۲۷۳ بخط خود نوشته که بفرزند مکرّم نظام الملک هبه کردم و بنام «لب الالباب» در علم نحو داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده است .

جلد مقوایی مستعمل . کاغذ حنائی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۲۱۱ ) . صفحه ای ( ۱۹ ) سطر . طول ( ۲۱ سانتیمتر ) عرض ( ۱۶-۱۰ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۱۷۳ ) .

[ ۴۲۲ ] شرح مراح الارواح = المفراح (عربی)

مراح الارواح مختصری معروف در علم صرف میباشد و در همین فصل از آن بحث و معرفی خواهد شد ، این شرح که بنابر تصریح در آخر بنام « المفراح فی شرح مراح الارواح » نامیده شده تألیف حسن پاشا بن علاء الدین اسود است که از علماء عصر سلطان بایزید بن سلطان مراد ( ۷۹۱-۸۱۶ ) از سلاطین عثمانی میباشد و شرحی هم بر مصباح در نحو بنام الافتتاح دارد ( ۱ ) .

این شرح مراح شرحی قولی و چون اصل آن مختصر میباشد و در حدود ( ۶۵۰۰ ) بیت کتابت دارد و در معجم المطبوعات چاپ شدن آن تذکر داده نشده تصور نمیکند که چاپ شده باشد .

آغاز : بسم الله الذي صرف افكار قلوبنا الى صراط المستقيم الخ .

انجام : هذا آخر ما اردنا بيانه من كتاب المفراح في شرح مراح الارواح فمن وصل اليه من علماء الاصحاب و فضلاء الاحباب . . . . . والحمد لله على الاتمام يا الله انت المستعان .

(۹۹۱)

المفراح  
شرح  
مراح الارواح  
این نسخه بخط نسخ سال ۱۱۷۸ نوشته شده ، پشت ورق  
نخستین انعام عوامل ملا محسن که اوراق این نسخه ضمیمه آن بوده  
بسال ۱۱۲۲ یادداشت گردیده ، عبارات متن را از شرح بخطیکه  
در بالای آن کشیده شده تمیز داده اند ، چند برگ آخرین  
و صالی گردیده و آثار آبدیدگی در نسخه پیدا است .

جلد تیماج ، کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۷۸ ) . صفحه ای  
( ۲۱ ) سطر . طول . ( ۲۰ سانتیمتر ) . عرض (  $۱۴\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۱۰۹ ) .

### [ ۴۲۳ ] شرح المصباح الضوء ( عربی )

مصباح مختصری در علم نحو و تألیف ناصرالدین مطهری متوفی بسال ۶۱۰  
میباشد و در ص ۳۹ و ۴۰ همین مجلد بشرح حال و مؤلفات ایشان پرداخته ایم و  
این کتاب مشتمل بر پنج باب میباشد : ۱ - در اصطلاحات نحویه . ۲ - در عوامل  
لفظیه فیاسیه . ۳ - در عوامل لفظیه سماعیه . ۴ - در عوامل معنویه . ۵ - فصولی  
چند در مطالب راجعه به ربوبیت ( در این فصل از معرفه ، نکره ، تذکیر ، تأنیث ، توابع  
پنجگانه ، اعراب اصلی و غیر اصلی ، اضماع معمول و عامل و غیره بحث گردیده است ) .  
بر این کتاب ( مصباح ) شروع و حواشی زیاده نوشته شده و در ص ۴۴۸ و ۴۴۹ ج ۲  
کشف الظنون نام بسیاری از آنها دیده میشوند .

این شرح مصباح تألیف تاج الدین محمد بن محمد بن احمد بن سید معروف به  
فاضل اسفرائینی متوفی بسال ۶۸۴ است ( ۱ ) و مختصری از شرح برگ وی میباشد  
که نام آن « المفتاح » بوده و این مختصر را « الضوء » نامیده و در حدود ( ۵۰۰ )  
بیت کلمات دارد و بسال ۱۸۵۰ م در لکنوهندوستان چاپ شده و در ص ۳۶۹ گذشت که  
« الباب فی علم الاعراب » یا « لب الالباب » نیز از مؤلفات ایشاست .

بر حواشی و تعلیقاتی نوشته شده و در ص ۴۴۹ ج ۲ کشف الظنون نام  
آنها موجود و سودی ضوء را بترکی ترجمه کرده است .

( ۱ ) سیوطی در بغیه گوید شرح حال و ترجمه این دانشمند دست نیافتیم و در کشف الظنون هم  
سال وفات وی معین نشده و ما این تاریخ را از فهرست خطیویه ( ج ۴ ص ۷۸ و ۹۰ ) و معجم المطبوعات  
ص ۴۳۶ نقل نموده ایم .

آغاز: بسمله (۱) ان احق ما تتوشح بذکره صدورالکتب والدفاتر الخ .  
 آغاز کتاب پس از خطبه: بسمله اما بعد حمدالله اما کلمة فیها معنی الشرط  
 فلذلك كانت الفاء لازمة لها قال سیبویه اما زید فمنطلق معناه الخ .

(۹۹۲)

الضوء این نسخه بخط نستعلیق بد خطی بسال ۱۱۲۷ نوشته شده ،  
 در حاشیه صفحات مطالبی از شروع مصباح چون : اصباح  
 (شرح المصباح) وافتتاح و مفتاح و حواشی و تعلیقات بر خود این کتاب و مطالبی  
 از شرح جامی و شرح لباب و غیره نگاشته شده و پشت نسخه بنام « ضوء سیبویه »  
 وقف گردیده و در دفاتر کتابخانه هم بهمین نام ثبت شده ، پس از تحقیق و تتبع  
 بدست آمد که شرح مصباح و تألیف تاج الدین اسفراینی است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۲۶) .  
 صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۱۰۱) .

[ ۴۲۴ ] شرح مغنی اللیبب = اغناء الادیب (عربی)

این شرح یا حواشی را بر مغنی اللیبب ابن هشام که درهمین فصل معرفی خواهیم  
 نمود محمد مهدی بن علی اصغر قزوینی (۲) که از معاصرین شیخ حرّ عاملی  
 (۱۰۳۳-۱۱۰۴) و از دانشمندان شعبی و امامی مذهب بوده تألیف نموده و بنا بر تصریح  
 در امل الامل ، مؤلف با ایشان مکاتبه داشته و مؤلفات دیگر ایشان عین الحیوة  
 در ادعیه الانتقاد در نحو شرح جمل ملاّ خلیل ، شرح شواهد الانتقاد ، رساله در  
 تحقیق لفظ جلاله و علم نبودن آن ، رساله غنیة الطلاب در اباحه و تخییر فهرست کانییه  
 بدیهیه صفی حلی ، رساله در مؤنثات سماعی و احکام آن ، حاشیه بر شرح عربی توحید

(۱) نسخه این کتابخانه خطبه ندارد و از ابتداء شرح کتاب شروع شده و ابن آغاز از فهرست  
 حدیویه نقل شد و در کشف الظنون آمده که بر خطبه صوة رضی الدین خوارزمی شرحی بنام  
 « درة النوء فی شرح خطبة الضوء » در دو ورق نوشته است .

(۲) فقط شرح حال ابن دانشمند را درص ۶۹ ج ۲ امل الامل و بنقل از اینجا درص  
 ووضات یافته ام و بقرینه اینکه نخستین نسخه زیرین بسال ۱۱۲۲ نوشته شده و در حاشیه نیمه  
 اول آن حاشیه هائی موجود و در زیر آنها نوشته شده مه دام ظله بدست میاید تا این تاریخ  
 تقریباً زندگانی میکرده است .

ملاّ خلیل قزوینی است و در مقدمه این شرح مغنی گوید: پدرم (۱) حماد الله عن المکاره والمکاید (معلوم میشود تاهنگام تألیف این کتاب حیوة داشته) بر نسخه مغنی اللیب خویش که بر آن درس خوانده بودم و نیز بر آن درس میگفتم تا اواسط جهت دوم از باب پنجم آن منتخباتی از شرح شمنی و زبده ای از شرح شواهد خدیصی و مطالب مناسبه ای از کتب لغت و تفاسیر و تحقیقاتیکه در حلّ مشکلات بر خاطر خطیر خود ایشان گذشته بود نگاشته بودند و من نیز در هنگامیکه این کتاب را درس میگفتم آنچه در بیان مراد و شرح مطالب آن بنظم رسید در حواشی نگاشتم و از سخنان پیشینیان نیز در آنجا آوردم و چون بآخر رسید بر آن شدم که همه آن مطالب مندرجۀ در حواشی را باقید باینکه هر یک از کی و کجا است در جدولی مرتب نمایم و این کار شد و آنرا «اغناء الادیب فی فهم مغنی اللیب» (۲) نامیدم. و پیش از شروع در مطلب، مختصری از تاریخ نحو و شرح حال ابن هشام را بیان و اشارات و رموزیکه در این کتاب آورده شده ذکر و پس از آن فهرست شواهد مغنی را که پدرم مؤلف بترتیب حروف اوائل موافق ترتیب حروف تهجی مرتب نموده گذارده و در هنگام یافتن آن در کتاب کمک بزرگی میباشد و چون این بخش پایان میرسد اصل کتاب شروع میشود و در حدود (۱۳۵۰۰) بیت کتابت تمام این کتابست.

آغاز: بسملة الحمد لله الذی رفع لواء الکلام و الخطب الخ.

(۹۹۳)

شرح مغنی اللیب این نسخه را محمد نبی بسال ۱۱۲۲ بخت شکسته نستعلیق نوشته، طرز نگارش صفحات آن بر خلاف عادت حمائی میباشد، (اغناء الادیب) حاشیه ای بر «شرح مختصر تلخیص الممتاح» که در همین جلد از آن معروفی خواهد شد و مطالب متفرقه از احادیث و غیره و شرح ترجمه فارسی

(۱) در امل الاملا ج ۱ ص ۱ شرح حال و مؤلفات این عالم نقل گردیده و گوید از معاصرین میباشد و در ص ۴۱۴ روایات ذیل ترجمه دیگری نیز نقل از آن کتاب نام و شرح حال ایشان موجود است.

(۲) در نسخه کهنه این کتابخانه نام کتاب اغناء الادیب نوشته شده چون موافق قواعد اغناء مقصور است نه معدود و در اینجا همزه گذارده شده و در نسخه دیگر کتابخانه صریحا اغناء ضبط شده و بمناسبت تمة نام کتاب که کلمه مغنی را داراست اسب و اقرب واقع اینست که نام کتاب را «اغناء الادیب فی فهم مغنی اللیب» بدانیم از این و بهمین نحو از آن معرفی گردید.

زیارت رجبیه ائمه اطهار علیهم السلام الله فی کل لیل ونهار تألیف میرزا محمد بن محمد رضای مشهدی را نیز در آخر این نسخه ، همین نویسنده نوشته است .  
جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سیهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۱۸۶ ) . صفحه ای ( ۳۰ ) سطر . طول ( ۲۹ سانتیمتر ) . عرض ( ۲۰ ۱/۴ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۲۳۱ ) .

( ۹۹۴ )

شرح مغنی اللیب این نسخه را بخط نسخ محمد بن عبدالرحیم حسینی بسال ۱۲۶۸ نوشته ، و بسال ۱۲۷۰ بنام اغناء الادیب فی فهم ( اغناء الادیب ) مغنی اللیب « داخل کتابخانه ایشان شده و بالای نام کتاب

پس از الادیب نوشته شده : عن کتب الاعراب و پیدااستکه از الحاقات نویسنده است و در مقدمه نسخه نام کتاب چنین نیست .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیهسالار . قطع ربعی بزرگ . شماره اوراق ( ۲۲۱ ) . صفحه ای ( ۲۱ ) سطر . طول ( ۲۱ ۱/۴ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۲ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۲۳۰ ) .

[ ۴۲۵ ] شرح مغنی اللیب = تحفة الغریب ( عربی )

این شرح از معاریف شروح مغنی اللیب میباشد و مؤلف آن دماهمینی است ( بدرالدین محمد بن ابی بکر بن عمر بن ابی بکر قرشی غزوی مالکی ۷۶۳-۸۲۷ ) ( ۱ ) ( ۲ ) که نیز از مشاهیر ائمه ادب و علماء قرن هشتم و نهم هجری بوده و تدریس بسیاری از مدارس مصر و یمن و هند و غیره را دارا شده و مقام تدریس نحو در الازهر را یافته و بقضای مصر معین گردید ولی عملی نشد ، از راه کسب روزگار میگذرانید و شرکت بافندگی بزرگی در قاهره تأسیس نمود ، ولی آتش

( ۱ ) در نسخه خطی بقية الوعاة این کتابخانه و تاریخ آداب اللغة و معجم المطبوعات تولد دماهمینی بسال ۷۶۳ معین گردیده ولی در روایات و شذرات بنقل از بغیه سال ۷۶۴ معین شده و قول اول ترجیح دارد و سال وفات وی را سیوطی مرده بسال ۸۲۷ و ۸۲۸ دانسته و حاجی خلیفه در تمام موارد ۸۲۸ و صاحب شذرات و حرجی زیدان جزما " بسال ۸۲۷ گفته اند .

( ۲ ) این شرح با مراجعه به بقية الوعاة در ذیل محمد بن ابی بکر و شذرات الذهب ج ۷ ص ۱۸۱ و روایات ج ۴ ص ۲۰۹ و تاریخ آداب اللغة ج ۳ ص ۱۴۳ و ۱۴۴ و معجم المطبوعات ص ۸۷۹ و ۸۸۰ و کشف الظنون در ذیل مغنی اللیب در ص ۴۷۴ ج ۲ و دیگر صفحات وی نگاشته شد .

گرفت و زیان بسیاری بدو رسید از آنجا به صعید (ظاهراً همین پرت سعید فعلی باشد) گریخت طلبکاران در پی وی رفتند و بخواری او را بقاهره برگردانیدند، شیخ تقی الدین بن حجه با وی مساعدت کرد و باناصرالدین بارزی سرأ مکاتبه نمود و کار او اصلاح شد.

سیوطی در بغیه مؤلفات زیرین را بدین مؤلف نسبت داده و دیگران چون شرح حال وی آنها را از کتاب بغیه نقل نموده اند: شرح بخاری، شرح تسهیل، شرح خزرجه (۱)، جواهر البهور فی العروض (ابن لؤلؤ زرکشی بر این کتاب شرح نوشته و نسخه از آن در الجزائر موجود است)، الفواکه البدریه (منتخبی از اشعار و منظومات اوست)، نزول الغیث (این کتاب رد بر شرح لامیه العجم صفدی میباشد و نسخه آن در کتابخانه خدیویه موجود است. تاریخ آداب اللغه)، مقاطع الشرب (۲) مختصر حیاة الحیوان دمیری بنام عین الحیاة، و تحفة الغریب (همین کتاب) و جرجی زیدان این کتابها را نیز از مشاهیر مؤلفات دهمینی معرفی کرده است کتاب القوافی (ابن عمر بلخی بر آن شرح نوشته و نسخه ای از آن در لیدن و مکتب هندی موجود است) الفتح الربانی فی الرد علی البلبانی (این کتاب رد بر منهای بنیانی میباشد و نسخه آن در لیدن است)، شمس المغرب فی المرقص والمضرب (نسخه آن در برلن موجود است).

مؤلف کشف الظنون در ذیل معرفی از کتاب مغنی گوید: دهمینی بدرالدین محمد بن ابی بکر شرعی بر مغنی اللمیب در مفسر تألیف نمود و چون بهند رفت در آنجا نیز شرحی قولی بزرگتر از شرح پستین بر این کتاب نکاتمت و بسال ۸۱۸ (۳) از

(۱) این شرح در معجم المطبوعات بنام «العیون الفاخر: الفامز» علی خیایا الرمز» و در علم عروض معرفی شده و بسال ۱۳۰۲ چاپ گردیده است.

(۲) در کشف الظنون این کتاب «مقاطع الشرب» بایام میان طاء و عین صمط شده ولی در بغیه و سائر ماخذ که همه از بغیه گرفته اند بدون یاء میباشد.

(۳) از مندرجات بغیه بدست میاید که پس از سال ۸۲۰ دهمینی بهند رفته و از مقدمه خود شارح بدست میاید که چون عازم بر کشتن بوطن خویش بوده پادشاه از او خواسته که چندی دیگر توقف نماید و بتدریس مشغول باشد و در آن هنگام بتالیف این شرح پرداخته و تصور میکنم که مراد کشف الظنون سال ۸۲۸ بوده و بیست آن ده نقل شده و در آخر نسخ این کتابخانه سال فراغت از تألیف نیست.

آن فراغت یافت و پس از آن بشرحی مزجی بر مغنی اشتغال یافت و تاحرف الفاء آن تألیف گردید ولی باخر نرسید و اگر تمام آن از قلم وی بیرون آمده بود بهترین شروح بود.

شرح دمامینی ( تحفة الغریب ) در میان دانشجویان بسیار مشهور و بر سائر شروح آنرا ترجیح میدهند و این همانست که مؤلف در هندوستان بتألیف آن مبادرت نموده و مقدمه آنرا بنام احمد شاه بن محمد شاه بن مظفر شاه از سلاطین هندوستان موشح کرده و شمنی در مقدمه شرح خویش از آن تجلیل نموده و در حدود ( ۳۲۰۰ ) بیت کتابت دارد .

صاحب معجم المطبوعات در ۸۸۰ نوشته شده که تحفة الغریب بشرح مغنی اللیب سال ۱۳۰۵ در حاشیه شرح شمنی در مصر چاپ گردیده و آغاز آن اینست : الحمد لله الذی لا افتقار الی مغن سواه الخ .

ولی چنانکه می بینید آغاز این کتاب غیر از عبارت بالا میباشد و نسخه چاپ مصر هم در دست نگارنده نیست تا با آن مقابله شود ولی گمان میکنم که نسخه چاپ شده شرح مختصر دمامینی باشد که در مصر تألیف گردیده و در ص ۱۳۵ ج ۲ فهرست دارالکتب العربیه در ذیل عنوان شرح دمامینی بر مغنی اللیب نوشته : شرح مصری است و مؤلف تاحرف فاء رسیده و اول آن اینست : اما بعد حمد الله علی افضاله . و چنانکه میدانیم این جمله ابتداء مغنی اللیب میباشد و معلوم میشود که خطبه و دیباچه شرح را آن نسخه ندارد لذا نمیتوانیم حکم کنیم که این نسخه موجود در دارالکتب کدام يك از شروح ابن مؤلف است ولی بهرینه گفته کشف الظنون شاید شرح سوم وی باشد .

آغاز : بسم الله الحمد لله الذی منح من لسان العرب الایادی (۱) الحسنه الخ .

انجام : ولیکن انفصالی من الکلام فی الشرح علی هذا الوجه الحسن ولتکف القلم عن شوطه ..... والصلوة علی خاتم النبیین ..... محمد ص بدر التمام ومسک الختام وآله وصحبه مصابیح الظلام والتحیات الطبیات واصله الیه والیهم السلام .

(۱) این کلمه در دو نسخه ذیل الایادی نوشته شده و در دیگری که بنظر نگارنده اصلی است الادیان ضبط شده است .



(۹۹۵)

شرح مغنی اللیب این نسخه بخط نسخ عمر بن بهاء الدین بشیطی شافعی بسال ۱۰۱۱ از روی سه نسخه با کمال دقت استنساخ گردیده، متن (تحفة الغریب) و حاشیه شده و عناوین متن و شرح با شنجرف میباشد و مجدول به زنگار و سرخی است و پشت صفحه اول اردشیر قاجار بسال ۱۲۶۸ یاد داشت نموده که این کتاب را فرمانفرما فریدون میرزا به علیقلی میرزا (اعتضاد السلطنه) داده است.

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی و سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۲۴۳) . صفحه ای (۳۳) سطر . طول (۳۳  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر) . عرض (۲۱ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۲۲۵).

(۹۹۶)

شرح مغنی اللیب این نسخه بسال ۱۰۹۹ بخط شکسته نستعلیق نوشته شده ، پشت صفحه اول یادداشت‌هایی بوده آنها را نحو کرده اند و (تحفة الغریب) یادداشت‌های دیگری اینک میباشد ، ورق اول و دو ورق آخر و صالی شده و از نسخه پیشین صحیح تر میباشد .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۲۸۴) . صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۲۵  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر) . عرض (۱۷  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۲۲۶).

(۹۹۷)

شرح مغنی اللیب این نسخه بخط نسخ خوب بسال ۱۰۹۲ نوشته شده ولی شامل از ابتداء شرح تا اول مبحث مسرعات ابتداء بنکره (اواسط تحفة الغریب) باب چهارم مغنی) میباشد و در حاشیه ۱۸۴ صفحه آن مغنی اللیب تا آخر حرف لام همین نویسنده نوشته و یادداشتی از پشت صفحه نخستین نحو شده است .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۲۲۰) . صفحه ای (۲۵) سطر . طول (۲۵  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر) . عرض (۱۹  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۲۲۷) .

[ ۴۲۶ ] شرح مغنی اللیب = شرح ابن ملا = ( عربی )

( منتهی امل الادیب من الکلام علی مغنی اللیب )

مؤلف این شرح ابن ملا است ( احمد بن محمد بن علی بن احمد مشهور به ابن ملا متوفی سال ۹۷۴ یا در حدود ۹۹۰ ) ( ۱ ) که از علما و ادباء قرن دهم هجری بوده و شاگردی رضی الدین ابوالبقا محمد بن ابراهیم بن یوسف بن عبدالرحمن بن حسن حلبی حنفی متوفی سال ۹۷۱ ( ۲ ) را نموده و از این شرح او معلوم میشود که در علم ادب دستی قوی داشته و بکتاب سابقین آشنا بوده و در این شرح خویش مطالب مهمه ای از دانشمندان پدشین گرد آورده و مخصوصاً مطالب دماغینی و شمس در شرح مغنی و شرح شواهد سیوطی را بر آن کتاب ذکر نموده و تحقیقاتی از خود دارد و گذشته از شرح مطالب مغنی اللیب بمناسبت نام اشخاص، شرح حال و مؤلفات ایشان را نیز بیان نموده و صاحب روضات گوید که شرح ابن ملا بزرگ است و من بر محمد اول آن که بخط مؤلف بود دست یافتم .

نگارنده پیش از این از مؤلف و مؤلفه او در کتب اطلاعی بدست نیامده و در فهرس موجوده هم نسخه ای از این شرح را نیافت و نمیداند که مؤلف موفق باتمام شرح شده و یا بیش از این مقدار که نسخه زیرین شامل آنست و در حدود ( ۱۷۰۰ ) بیت کتابت دارد از قلم او بیرون نیامده و این شرح مزجی میباشد و در مقدمه آنرا « منتهی امل ( ۳ ) الادیب من الکلام علی مغنی اللیب » نامیده است .

آغاز: بسمله حمدا لمن شرح صدورنا لفهم اسرار العربیه الخ .

( ۱ ) در ص ۹۳ روضات نام مؤلف و اجداد وی چنانکه نقل گردید ضبط شده و گوید که بروفات او دست نیافته ام و صاحب کشف الظنون در ص ۴۷۵ ج ۲ ذیل مغنی اللیب گوید : و این کتاب را احمد بن محمد حلبی معروف به ابن ملا متوفی در حدود ۹۹۰ شرح نموده و شش سطر پس از این نیز گوید : و از شرح این کتاب شرح عالم احمد بن ملا محمد حلبی متوفی سال ۹۷۹ میباشد . نگارنده احتمال قوی میدهد که این هر دو یکی میباشد و در نسخه زیرین و روضات ابن ملا بدون نون ضبط گردیده و تاریخ وفات غلط ثبت شده است .

( ۲ ) صاحب روضات این تاریخ را از شرح ابن ملا نقل نموده است .

( ۳ ) در نسخه زیرین نام کتاب « منتهی اصل الاریب من الکلام علی مغنی اللیب » ثبت گردیده ولی صاحب روضات بدینگونه که در اینجا عنوان شده ضبط کرده اند، گذشته بر اینکه این تسمیه بهتر بنظر میاید و چون نقل از نسخه خط مؤلف کرده اند مورد قبول بیشتر از نامی است که در این نسخه است .

(۹۹۸)

شرح مغنی اللیب این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده بر عبارات متن باشیجرف خط کشیده شده و از شرح ممتاز گردیده ، شامل شرح از (منتهی امل الادیب) ابتداء مغنی تا اواخر مبحث امای مفتوحه میباشد ، از آخر افتادگی دارد و آخرین سطر آخرین ورق نسخه اینست : و اما الباء ففی متعلقه نظر لایکون حالا من الشرای بتقدیر کائنا لانه مبتداء والمبتداء چند ورق کاغذ نوشته در اول و آخر نسخه میباشد .

جانب تیماجی مذهب ، کاغذ فرنگی ، وائف سیه سالار ، قطع رحای ، شماره اوراق (۱۷۰) .  
صفحه ای (۲۵) سطر ، طول (۲۸ ۱/۲ سانتیمتر) ، عرض (۱۸ ۱/۲ سانتیمتر) ، شماره کتابخانه (۳۲۲۹) .

[ ۴۲۷ ] شرح مغنی اللیب شرح شمنی (عربی)

(المصنف من الکلام علی مغنی ابن هشام)

این شرح از شمنی است (تقی الدین احمد بن محمد بن محمد بن حسن بن علی بن یحیی بن محمد بن خلف الله بن خلیفه الشمسی القسطنطنینی الحنفی ۸۰۱-۸۷۲) (۱) که از مشاهیر شراح مغنی اللیب میباشد و استاد جلال الدین سیوطی بوده ، وی او را در بغیة الوعاة تجلیل بسیار نموده و قسمتی از اشعار او را نقل و قصائد و اشعاریکه در مدح و رثاء او ، خود سروده بود (سبوطی) و یاد بگزینانشاء کرده بودند آورده و گوید مؤلفات شمنی عبارتست از شرح مختصر الوقایه ، شرح انظم الایضیه هر دو در فقه ، حاشیه بر شفا و شرح بر مغنی اللیب و او را مقام تضاروت دادند نمیدررفت و در تفسیر و فقه و اصول و حدیث و معانی و بیان و غیره امتداد بود ، قسمت زیادی از مطول سعد الدین و توضیح ابن هشام را با دقت بیس ایشان خوانده ام و بر شرح الفیه و جمع الجوامع تألیف من تقریظ نگاشته و به آن بنظر لطیف و نعمت نگاه میکردند .  
شارح گوید : در هنگام تدریس مغنی و مراجعه بشرح شمامینی (تحفة الغریب)

(۱) بغیة الوعاة ذیل احمد بن محمد (نسخه خطی مدرسه ص ۲۱۲-۲۱۷) ، روذات (عبارات بغیه باختصار) ص ۹۲ و معجم المطبوعات ص ۱۱۴۳ .

دیدم که اعتراضات زیاد در آنست و اشکالاتی داراست که حل نگردیده و خداوند بر من منت گذارد و آن مطالب مشکله بر من کشف شد و اعتراضات را وارد ندیدم مطالب نام برده متفرق بود یکی از اصحاب خواستار شدند که آنها را در کتابی گذارم و شرح شواهد مذکوره در مغنی را بر آن افزایم و مشکلاتی را هم که دیگران شرح نکرده اند شرح نمایم ، خواهش ایشان را پذیرفتم و با کمال انصاف بتألیف این کتاب پرداختم و آنرا « المنصف من الکلام علی مغنی ابن هشام » نامیدم و از خداوند راه راست را خواستارم .

شرح یا حاشیه شمنی بسال ۱۲۷۳ در طهران و بسال ۱۳۰۵ در مصر چاپ شده و میان طلاب و دانشجویان بسیار مشهور میباشد و سید علیخان کبیر که از مشاهیر ادباء قرن دوازدهم هجری بوده بر نسخه زیرین شهادت داده اند که این حاشیه بسیار مفید و سود مند است . و در حدود (۲۶۵۰۰) بیت کتابت دارد . آغاز : بسمله الحمد لله الذی خصّ کتابه بعدم المعارضة و بالا عجز تیناً لکل شیء فهو مغنی الیبیب بالحقیقه لا بطریق الهجاء الخ .

(۹۹۹)

شرح مغنی الیبیب این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، پشت صفحه اوّل المنصف این عبارت نوشته شده : استکتبه لنفسی ولهن شاء الله من بعدی و کتبه الفقیر علی صدر الدین بن احمد الحسینی عفی عنهما من الکلام آمین . و در ذیل آن آقا محمد مهدی عبدالبابادی بخط خویش بحر بی نوشته اند که احتمال قوی میدهم که این خطّ شارح صحیفه سجادیه سید علیخان میباشد . نگارنده با آشنائی بخط مرحوم سید این احتمال را تصدیق مینمایم و در این کتابخانه چند قطعه خط ایشان میباشد بنابراین باشهادت خط و کاغذ این نسخه در اواخر قرن یازدهم یا اوائل قرن دوازدهم هجری نوشته شده است .

بر ورقیکه پس از کتاب سفید بوده ابوالحسن جهرمی چند غزل از خود نوشته  
و مطلع یکی از آنها اینست :

عشق آمد و عقل نکته دان رفت      شمس آمد و شمع از میان رفت  
جلد تیماجی کهنه . کاغذ سمرقندی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۵۰۹ ) .  
صفحه ای ( ۲۶ ) سطر . طول ( ۲۶ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۵ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه  
( ۳۲۲۸ ) .

### [ ۴۲۸ ] شرح مفصل = المحصل ( عربی )

این شرح بر کتاب المفصل زنجشیری در علم اعراب و نحو میباشد که در همین  
فصل از آن معرفی خواهد شد و مؤلف آن اندلسی است ( ابوالقاسم یا ابوعمد  
علم الدین قاسم بن احمد بن موفق بن جعفر المرسی المورقی الاندلسی ۵۷۵-۶۶۱ ) (۱)  
که از قراء و نحویین و متکلمین قرن ششم و هفتم هجری بوده و آشنائی کامل به اصولین  
و عربیّت و قرائت داشته ، شاگردی تاج الدین کندی ( ۵۲۰-۶۱۳ ) (۲) را نموده  
و ریاست قراء شام را دارا بوده و در آنجا بتدریس و تصنیف اشتغال داشته و  
شاطیبه را شرح نموده و این شرح مفصل که المحصل (۳) نام دارد نیز از او است .  
نسخه ذیل شرح بر ۱/۴ مفصل میباشد و ( ۸۶۸۰ ) بیت کتابت آنست و در آخر آن  
تصریح شده که مجلد اول این کتاب خاتمه یافته و پس از این مجلد دوم شروع خواهد شد ،  
بنابر این بایستی تمام شرح در حدود ( ۱۴۰۰۰ ) بیت کتاب داشته باشد از سائر  
(۱) شرح حال این شارح از ص ۳۰۷ ج ۵ شذرات الذهب نقل گردید و در اینجا لقب شارح  
فقط العلم ذکر شده و در کشف الظنون ص ۴۸۹ ج ۲ علم الدین تصریح گردیده و شذرات  
گفته که ورقه منسوب به لورقه بافتح دو حرف اول و سکون سیم نام شهری در اندلس است  
و یا قوت برخلاف این تشکیل گفته .

(۲) این تاریخ از ص ۴۴ ج ۵ شذرات نقل شد و شرح حال ایشان در آن صفحه و صفحه  
۵۵ نگاشته شده است .

(۳) در نسخه ذیل که نزدیک زمان شارح نوشته شده نام این شرح با کمال وضوح و آشکارائی  
« المحصل فی شرح المفصل » ضبط گردیده ولی در ص ۴۸۹ ج ۲ کشف الظنون موصول  
معین گردیده و نیز در ۴۸۹ ج ۲ همین کتاب در ذیل مفصل گوید از شروح آن شرح  
مفتخب الدین محمد بن سعد المروری الدبیاجی متوفی بسال ۶۰۹ بنام المحصل شرحی بر مفصل  
نوشته و فخر اسفندری ( ابو عاصم علی بن عمر بن خلیل بن علی فقیهی ) متوفی بسال ۶۹۸ نیز  
شرحی بر مفصل بنام « المقتبس فی توضیح ما التبس » نگاشته و طالب آن مقتبس از شروح  
منصل میباشد و از آنجمله این محصل دیباجی است .

مجلدات آن در فهرسیکه در دست نگارنده است نامی و نشانی نیافتیم ، مؤلف در مقدمه تصریح نموده که این تألیف را به پیشگاه پادشاه دانشمند شرف الدین عیسی بن ملک العادل ابی بکر بن ایوب تقدیم داشته و در ص ۱۱۵ ج ۵ شذرات الذهب در زیر مردگان سال ۶۲۴ نام این پادشاه را برده و گوید بسال ۵۷۶ در مصر متولد شده و قرآن را حفظ نموده و در فقه عالم شده و جامع کبیر را در چند مجلد شرح نموده و اشعار بسیار دارد و حنفی متعصبی بود ، هر کس که مفصل ز غمخشی را حفظ مینمود صد اشرفی و خلعتی باو جائزه میداد بدین سبب بسیاری آن کتاب را حفظ نموده اند ، و این شارح درست گفته که هیچکس را شایسته تر از ایشان ندیده که شرح خود را بوی تقدیم نماید .

شارح پیش از شروع بشرح مفصل مختصری از شرح حال ز غمخشی را نگاشته پس از آن بشرح خطبه پرداخته و در این شرح اقوالی از تاج الدین کندی متوفی بسال ۶۱۳ و صدر الافاضل قسم بن حسین خوارزمی که گفته کشف الظنون (ص ۴۸۹ ج ۲) بسال ۶۱۷ مرده و سخاوی و ابوالبقا و سیبویه و جرجانی و سیرافی و ابن جنی و مشاهیر دیگر آورده و شرحی بسیار روان و شامل مطالب سودمندی است و چون نام تاج الدین را بالفظ ترحیم ذکر نموده و شرف الدین عیسی بسال ۶۲۴ مرده تألیف این شرح میان سال ۶۱۳ و ۶۲۴ بوده است .

آغاز: (۱) شرح مافی الخطبة من الغریب افتتح رحمه الله خطبته بقوله الله احمد مقدماً لاسم الله تعالى تبرکاً و اهتماماً علی عادة العرب فی تقدیم ما هو الا هم الخ .

(۱۰۰۰)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، اگر خط مؤلف نباشد از آن عصر هم چندان دور تر نگارش نیافته ، و تا ابتداء شرح جواز حذف مبتدا یا خبر را دارا میباشد ، ورق نخستین آن افتاده و اولین سطر موجودش اینست : کتاب المحصل فی شرح المفصل (این قسمت بالای صفحه نگاشته

شرح مفصل  
(المحصل)

(۱) چون ورق اول نسخه افتاده آغاز اصل شرح پس از بسمله بدست نیامد بدین سبب ما آغاز شرح را در اینجا آوردیم .

شده) ثم لم ازل اجوب به الى البلاد وانفق الطارد والتلاد واطلب عالماً يعرف قدر ماتحمله في تحصيله الخ. برور قیقه پیش از برگ نخستین میاشد یادداشت‌های است. جلد تیماجی. کاغذ قدیمی حنائی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۳۶) صفحه ای (۲۳) سطر. طول (۲۵ سانتیمتر). عرض (۱۶ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۱۵۱).

### [ ۴۲۹ ] شرح شواهد سیوطی (عربی)

این کتاب که خصوصیات نسخه آنرا زیر این سطرها مینگاریم مشتمل بر شرح شواهد ایامی است که در شرح سیوطی بر الفیه ابن مالک (بهجة المرصیه) بآنها استشهدا گردیده، بسیاری از مطالب و عبارات آنرا با عباراتی که از شرح شواهد عینی در حاشیه سیوطی های چاپ ایران نوشته شده مطابقه نمودم عین آن عبارات بود با حذف جملی از آنها، بابر این توان این کتابرا «مختصری از شواهد عینی» دانست باین معنی که آنچه از ابیات سیوطی در شرح خود بر الفیه شاهد آورده در شروح چهارگانه (۱) ای که عینی شواهد خود را برای ابیات مستشهده در آنها ترتیب داده وجود داشته و این انتخاب کننده که نام آن در خود کتاب نیست و در جای دیگر هم بدان آگاهی نیافته ایم بقریبیکه ابیات در سیوطی قرار گرفته مختصراً آورده و خود کتابی مستقل گردیده است.

طرز کتاب اینست که شعر استشهدا شده را ذکر و گوینده آنرا در صورت امکان معین نموده و در بعضی موارد مقدم و مؤخر آنرا هم بیان نموده و پس از آن محل شاهد را نشان داده و گاهی بترکیب بیت هم می‌پردازد و در حدود (۲۵۰۰) بیت کتابت آنست.

(۱) کشف الظنون درص ۱۴۲ ج ۱ و ۷۱ ج ۲ نوشته که بدرالدین محمود بن احمد مشهور به عینی متوفی بسال ۸۵۵ شواهد شروح چهارگانه الفیه را (شرح ابن عقیل، شرح ابن ناظم، شرح ابن هشام و شرح ابن ام قاسم) جمع نموده و بسال ۸۰۶ شرح بزرگی بر آن بنام «المقاصد النجوه فی شرح شواهد شروح الالفیه» نگاشته پس از آن بر حسب خواست جمعی آنرا مختصر نموده و نام آنرا «فوائد القلائد فی مختصر شرح الشواهد» نامیده (بسال ۸۱۷ تالیف آن تمام شده) و ابن ام قاسم را شیخ شمس الدین حسن بن قاسم المرادی النجوی متوفی بسال ۷۴۹ معرفی کرده است.

آغاز: بسمله اقا ئلن احضرو الشهودا قاله رؤبه وقبله: اريت ان جأت به املودا  
مرجلاً ويلبس البرودا اقا ئلن الخ اريت اصله اريت والا ملود بضم الهمزة الناعم  
والمرجل بالجيـم المزین و قيل بالحاء المهملة وهو برد يصور عليه الرّحال والشاهد  
فی قوله اقا ئلن حيث ادخل فيه نون التأكيد وهو اسم الفاعل وهذا اندر الخ.

(۱۰۰۱)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، قسمتی از اواخر کتاب  
شرح  
شواهد سیوطی (چهار پنـج ورق) افتاده ، ظاهراً نسخه از قرن یازدهم هجری  
یادگار مانده ، پشت نخستین صفحه ایاتی در بحور اشعار  
نگارش یافته ، بسال ۱۲۷۰ بنام شواهد سیوطی داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه  
گردیده وبهمن نام براین کتابخانه وقف و در دفاتر آن ثبت شده ، اوراقی از  
اوائل و اواخر نسخه و صالی شده ، آثار مقابله وتصحیح بر صفحات موجود ، در  
حاشیه بیشتر از صفحات تعلیقاتی نوشته شده و آخرین سطر آن اینست :

( الحق بهمزین الاولی للاستفهام والثانیة همزة اداة التعریف وفيه الشاهد فانه ) .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف سیهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق ( ۸۲ ) . صفحه ای ( ۱۵ )  
سطر . طول ( ۱۹ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۲-۱۳ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۱۸۸ ) .

[ ۴۳۰ ] شرح شواهد مغنی اللیب ( عربی )

جلال الدین سیوطی که درص ۳۳۷-۳۳۸ بشرح حال و بیان مؤلفات ایشان پرداخته ایم  
اشعاریکه ابن هشام در مغنی اللیب بآنها استشهاد نموده گرد آورده و پس از آن  
بشرح آنها پرداخته و در مقدمه همین شرح گوید در حاشیه ایکه بر مغنی اللیب  
بنام « الفتح القریب » نگاشتم شواهد آنرا نیز شرحی مختصر کرده ام پس از آن  
بر آن شدم که جداگانه در شرح شواهد کتابی سازم که مشتمل بر تمام قصائدی باشد  
که يك بیت یا ایاتی از آن استشهاد گردیده وفوائد ولطائف دیگری بر آن افزایم  
و شرح حال گوینده و محل شاهد از آن بیت و بیان معانی کلمات مشککه آنها را متکفل  
باشد، چون بتألیف آن دست زدیم که در حدود چهار مجلد میشود و اتمام



این کار بسیار طول خواهد کشید و خوانندگان ملول خواهند شد، از بانجام رسانیدن آن گذشتم و طرزی میانه شرح نخستین و شرح دومین برگزیدم و در اینجا پس از اینکه بیتی را عنوان مینمایم بقیه ابیات آن اگر از ده نگذرد همه را می آورم و اگر بیش از ده باشد ابیاتی که در این کتاب مؤلف بآنها استشهاد نموده و یا از لحاظ ادبیت و عربیت و محسنات لفظی و معنوی از دیگران پیشتر باشند می آورم و بشرح کلمات و لغات مشکله آنها می پردازم و محل شاهد را هم معین مینمایم و مینگارم که این ابیات از کیست و شرح حال او چیست و در چه مورد و هنگام آن را سروده است.

مؤلف در مقدمه نیز مأخذ خود را نام برده و تا آخر بهمین نهج که گفته بود پیش رفته و این مؤلفه او نیز گنجینه ای ادبی و بسی گیرا بهاست و در حدود (۱۸۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۲۷۱ در ایران و بسال ۱۳۲۲ در مصر چاپ شده است (۱).

آغاز: بسم الله الحمد لله الذي فتح السن العرب العاربة بالفصاحة الخ.

(۱۰۰۲)

این نسخه را بخط نسخ عبد العلی بن ملا علی زرنوزی بسال ۱۲۸۴ نوشته، عناوین ابیات در اوراق اوله باستخرف نوشته شده و در اواخر جای آنها باز مانده و برگ نخستین آن شرح شواهد مغنی و صالی گردیده است.

جلد تیماجی نیم ضربی. کاغذ فرنگی. واقف سیه سالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۵۲). صفحه ای (۲۰) سطر. طول (۲۴ سانتیمتر). عرض (۱۶ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۲۴۴).

[ ۴۳۱ ] صرف منظوم = رساله در صرف (فارسی)

چنانکه در ص ۳۵۹ زیر شرح جامی شماره (۹۷۶) این فهرست گفته شد

(۱) در ص ۱۰۸۱ معجم المطبوعات نام این کتاب «الفتح القریب بشواهد مغنی الغیب من کتب الاعراب» ثبت شده ولی در خود این شرح این نام نیست تصور میکنم که نام حاشیه مؤلف که در مقدمه برده شده مؤلف معجم مذکور را بخط انداخته است.

کتاب یا رساله ای در صرف بفارسی ضمیمه آنست و بر وسط سر لوح زیبای آن نوشته شده: **رسالة في الصرف**. مؤلف مطالب مهمه صرفی را که برای فارسی زبانان نوآموز، یاد گرفتن آنها لازم است در تحت عناوین مختلفه بنظم آورده و مطالبیکه بیان آنها بنظم مقصود را چنانکه باید و شاید ادا نمینموده چون صیغ افعال ماضی و مستقبل و غیره آنها را به نثر بیان کرده و مؤلف در آغاز و انجام نام خود را نیاورده نگارنده هم باجسته جو نگارنده آن را نشناخت، از طرز تألیف و انشاء آن بایستی در قرن نهم تألیف شده باشد و کتابت آن در حدود (۲۵۰) بیت است.

**آغاز:** بسمله و به ثقتی صرف اللسان نحو ثنائک اولی و عطف الیان الی نعمت خاتم انبیائه اجزی یتغی گردانیدن آلت زبان بشای خداوند جهان بهتر می آید و تافتن عنان بیان بنعت خانم پیغمبران سزاوارتر مینماید **تقسیم کلمات عرب:**

کلمات عرب سه قسم بود      نامشان حر و فعل و اسم بود  
همچو بالله اقسام ای فرزند      بخداوند میخورم سوگند

(۱۰۰۳)

**صرف منظوم** این نسخه بمسال ۹۷۵ بخط نستعلیق محمد بن کمال الدین

حسین انصاری طسوجی نوشته شده و ضمیمه شرح جامی است

رساله

که خصوصیات آن را یاد نمودیم، دارای یک سر لوح

(**فی الصرف**) زیبا و صفحات آن بمجدول بطلا وزنگار است.

خصوصیات دیگر نسخه شماره (۹۷۶) این زهرست درص ۳۵۹ همین مجلد

و شماره (۳۱۵۴) کمابخانه مراجعه شود.

[ ۴۳۲ ] **عوامل جرجانی = التواریل المائه** (عربی)

شیخ عبدالقادر نحوی جرجانی که از معاریف علماء علم ادب میباشد و در

ص ۳۱۴ - ۳۱۶ همین مجلد بشرح حال و معرفی ایشان پرداخته ایم مؤلف این

کتابست و این مؤلفه باکمال اختصاریکه دارد دارای فوائدیست که در کتابهای

بزرگ بافت نمیشود و بر آن شروحی بسیار بفارسی و عربی و ترکی بنظم و نثر

نگاشته شده و برخی از آنها در ص ۱۴۰ ج ۲ کشف الظنون نام برده شده و در

حدود ( ۴۰۰ ) بیت کتابت دارد و بسال ۱۶۱۷ م. درلیدن و ۱۸۰۳ م. درهلکته و ۱۲۴۷ درمصر چاپ شده است .

( ۱۰۰۴ )

این نسخه بخط نسخ نگاشته شده ، نویسنده نام خود و تاریخ نگارش را ننوشته ، ظاهراً از خطوط قرن دهم هجری میباشد ، عوامل جرجانی (العوامل المائه) درحاشیه اوراق نسخه و میان سطرهای آن تعلیقاتی بفارسی در ترکیب و توضیح جمل کتاب نوشته شده است و ضمیمه باوّل کتاب جمل همین مؤلف است که در ص ۳۱۶ زیر شماره ( ۵۲۹ ) خصوصیات آن بیان شد بدانجا یا کتاب شماره ( ۳۱۱۲ ) کتابخانه مراجعه گردد .

( ۱۰۰۵ )

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، ضمیمه سوم عوامل جرجانی (العوامل المائه) مجموعه ایست که بشماره ( ۳۱۱۳ ) در این کتابخانه ثبت شده و هیچیک تاریخ ندارد ولی از قرائن پیدا است که در اوائل قرن دهم هجری نگارش یافته است .

[ ۴۳۳ ] عوامل ملا محسن ( عربی )

این کتاب تألیف ملا محسن فیض کاشانی است ( محمد بن مرتضی بن شاه محمود کاشانی ۱۰۰۷-۱۰۹۱ ) که از مشاهیر علماء امامیه و محدثین و عرفاء قرن یازدهم هجری بوده اند و درص ۲۴ و ۸۰ و ۱۳۴ و ۳۲۳ و ۳۳۱ و ۳۳۳ و ۳۳۵ و ۳۵۱ و ۵۲۵ و ۵۴۹ ج ۱ همین فهرست ده مؤلفه ایشان را معرفی کرده ایم .

بعضی تألیف این کتاب را به ملا محسن بن محمد طاهر قزوینی نسبت داده اند ، از مطالبی که صاحب قصص العلماء در آخر شرح حال و مؤلفات فیض نگاشته اند بطلان این نسبت واضح میشود و ایشان گویند که ملا محسن قزوینی فرزند محمد طاهر قزوینی است که مؤلف شرح الفیه ابن مالک در چهار جلد بنام « زینت المسالك » میباشد و عوامل ملا محسن فیض را تا آخر عوامل سماعته شرح کرده و من (صاحب

قصص العلماء) شرحی بفارسی در نه روز بر عوامل فیض و شرحی بر شواهد عوامل و بر فقرات چند بیتیکه در آخر مبحث عوامل سماعبه آن کتاب میاشد نگاشته ام و آقای عبدالعزیز جواهر کلام در ص ۱۲۱ ج ۲ فهرست کتب خطی کتابخانه معارف نوشته اند که ملا محسن از اجداد طائفه نحویّه قزوین بوده و در اواسط قرن دوازدهم هجری وفات یافته است و ایشان نیز تصور نموده اند که عوامل از این ملا محسن قزوینی است و در آن کتابخانه ترجمه و شرح شواهد آنرا بقلم عبدالرزاق بن شیخ داود نشان داده اند.

عوامل ملا محسن فیض (همین کتاب) در ضمن مجموعه ایکه بنام «جامع المقدمات» نامیده شده مکرر چاپ شده و این نام (عوامل) در مقدمه و خاتمه آن زیست.

آغاز: بسمله احمدك یامن یرفع صالح العمل واصلی علی نبیک محمد صم الخ.

(۱۰۰۶)

عوامل ملا محسن این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۳۷ نوشته شده، در حواشی صفحات و میان سطرهای آن تعلیقاتی بامضاء شرح ملا محسن و نظر علی و دیگران و ترکیب فارسی شواهد دیده میشود، مراح الارواح و تعلیقه ای بر آن که در همین فصل از آنها معرفی میشود ضمیمه آنست.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی. واقف سبها لار. قطع خشتی. شماره اوراق کلیه (۱۲۲). اوراق عوامل (۴۸) مختلف السطور. طول (۲۲ سانتیمتر). عرض (۱۷ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۰۹۹).

[ ۴۳ ] الفوائد الصمدیه = صمدیه (عربی)

این کتاب یکی از مؤلفات شیخ بهائی است (بهاء الدین محمد بن حسن بن عبدالصمد حارثی جبائی عاملی ۹۵۳-۱۰۳۰) که از مشاهیر علماء امامیه و فقهاء اثنی عشریه بوده و در بیشتر از علوم و معارف دست داشته و در آن کتاب و رساله ای پرداخته و شیخ الاسلام ایران بوده و در نظر شاه عباس کبیر مقام و مرتبتی بزرگ داشته و موفق بتربیت دانشمندانی بسیار گردیده و در ص ۷۱ و ۱۱۷ و ۱۹۹ و ۲۴۸ و ۲۵۱ و ۳۷۷ و ۴۱۹ و ۵۰۲ و ۵۲۲ و ۵۶۹ و ۵۷۸ جلد اول فهرست یازده مؤلفه ایشانرا معرفی کامل کرده ایم.

این کتاب را برای برادرش عبدالصمد در نحو بنام « الفوائد الصمدیة » تألیف و آنرا بر پنج حدیقه بدین تفصیل: ( ۱ - در مقدمات ۲۰ - در آنچه متعلق باسم میباشد ۳ - در آنچه متعلق بافعال است ۴ - در جمل و توابع آن ۵ - در مفردات ) تألیف نموده و بنام صمدیه مشهور گردیده و بر آن شروحی نوشته شده از سه شرح آن در ص ۳۵۳-۳۵۶ معرفی شد و جز آنهادر فهرست کتب خطی معارف ج ۲ ص ۱۲۰ آقای جواهر کلام چهار شرح دیگر را هم نام برده اند .

الفوائد الصمدیة از کتب مختصره و مفیده در علم نحو میباشد و در میان آنانکه علم نحورا خواستار شده اند بسی مشهور و مکرر بدون شرح و با شرح در ایران چاپ گردیده است . آغاز : بسم الله احسن کلمة یتمده بها الکلام و خیر خبر یختتم به الدرام حمدك اللهم الخ .

( ۱۰۰۷ )

این نسخه را بسال ۲۲۲ بخط نسخ نوشته اند و با شرح تشریف الفوائد الصمدیة که در ص ۳۴۶ معرفی خصوصیات آن گردید در یک مجلد میباشد خصوصیات دیگر به کتاب شماره ( ۳۱۴۶ ) کتابخانه که زیر شماره ( ۱۶۲ ) در این فهرست معرفی گردیده ، مراجعه شود .

( ۱۰۰۸ )

این نسخه را بخط نستعلیق محمد صالح بن محمد رفیع طبیب رشتی بسال ۱۲۶۱ نوشته و با شرح صغیر صمدیه « الفوائد البهیة » در یک مجلد میباشد بشماره ( ۳۱۴۷ ) کتابخانه مراجعه شود و خصوصیات آنها در زیر شماره ( ۹۷۳ ) در صفحه ۳۵ گذشت .

[ ۴۳۵ ] کافیه ابن حاجب ( عربی )

مؤلف این کتاب که از مشاهیر کتابهای نحو میباشد ابن حاجب نحوی معروف است که در ص ۳۳۰ - ۳۳۲ همین مجلد معرفی از ایشان گردید و این کتاب بنام « مقدمة فی النحو » نیز نامیده میشود و مؤلف خود بر آن است . حنی نوشته و بر این شرح حسن بن محمد البورینی شافعی متوفی بسال ۱۰۳۴ شرحی نگاشته و نیز مؤلف

کافیه را بنام « الوافیه » منظوم نموده و بر کافیه شروح و حواشی بسیار نوشته شده ، شماره زیادی از آنها را حاجی خلیفه در ص ۲۴۹ - ۲۵۴ ج ۲ کشف الظنون نام برده ، چندین شرح و حاشیه آنرا در این جلد فهرست معرفی کرده ایم . کافیه در حدود (۶۰۰) بیت کتابت دارد و نخستین بار بسال ۱۵۹۲ م. در رم و مکرر در هند و روسیه و اروپا و مصر چاپ شده است .

آغاز: بسملة الكلمة لفظ وضع لمعنى مفرد وهى اسم وفعل وحرف الخ .

(۱۰۰۹)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، کاتب نام خود و سال نگارش را ننکاشته ، ظاهر آن از خطوط قرن دهم هجری و نزدیک بزمان ملا جامی متوفی بسال ۸۹۸ می باشد ، در حاشیه و میان سطور نسخه مطالبی از شرح جامی و ابیاتی از این شاعر و تعلیقاتی از چلبی و از شرح هندی ( در ص ۲۵۰ ج ۲ کشف الظنون شهاب الدین احمد بن عمر هندی متوفی بسال ۸۴۹ شارح کافیه معرفی شده است ) و از وافیه و بدون امضاء نقل شده ، سه ورق از اواخر نونویس و دو ورق اول و اوراقی از آخر و صالی گردیده ، پشت صفحه اول یادداشتی بوده آنرا محو کرده اند و بر ورقیکه پس از آخرین برگ کتابست يك رباعی در تعریف از قصر احمد بهمن شاه و يك دو بیت دیگر نوشته اند .

جلد میشن نیم ضربی مستعمل . کاغذ دولت آبادی . واقف سیه سالار . قطع وزیرى . شماره اوراق (۱۷۶) . صفحه ای (۵) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۲ ۱/۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۶۰) .

(۱۰۱۰)

این نسخه بخط نسخ محمد تقی ابن حاجی باقر بسال ۱۱۲۷ نوشته شده ، در کنار بیشتر از صفحات تعلیقاتی از شرح جامی و بدون امضاء ننکاشته شده ، پشت صفحه اول و آخر مطالبی متفرقه نگارش یافته است .

جلد تیماجی مستعمل . کاغذ فرنکی . واقف مشیر السلطنه . قطع وزیرى . شماره اوراق (۹۳) . صفحه ای (۶) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) عرض (۱۴ سانتیمتر) . شماره (۵ = ۵) . قفسه مدرسه مشیر السلطنه .

کافیه

(۱۰۱۱)

کافیہ

این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، در حاشیه بیشتر از صفحات مطالبی از شرح جامی و شرح گیپائی و بدون امضاء موجود و در آخر یادداشتی بسال ۱۲۶۰ عبدالصانع ابن حاج علی خونساری نوشته و مهر مربعی که سجع آن عبده محمد صانع میباشد زیر آن زده شده ، ظاهراً اصل نسخه در قرن دوازدهم هجری نوشته شده ، اوراقی از اوّل نسخه و برگ آخر آن وصالی گردیده و پشت آخرین ورق یادداشت‌هایی است که یکی از آنها دارای تاریخ ۲۲۹ میباشد .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۱۱۲ ) . صفحه ای ( ۶ ) سطر . طول ( ۲۱ سانتیمتر ) . عرض (  $۱۲\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۱۶۱ ) .

(۱۰۱۲)

کافیہ

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، پس از آن شرح گیپائی بر کافیہ که در صفحه ۳۶۸ همین مجلد از آن معرفی شد گذارده شده ، پشت صفحه نخستین مطالبی بوده آنها را عمو کرده اند و یادداشت و قیّمت آن از طرف سپهسالار برجای آنها نگارش یافته است ، بایستی در قرن دوازدهم نوشته شده باشد .

خصوصیات دیگر زیر شماره ( ۹۸۹ ) در صفحه ۳۶۸ نوشته شده و بسا ضمیمه آن در کتابخانه دارای شماره ( ۳۱۶۳ ) میباشد .

(۱۰۱۳)

کافیہ

این نسخه بخط نستعلیق بدخطی نوشته شده ، حاشیه ای از مصلح الدین لاری بر هدایه ضمیمه آنست ( از این حاشیه در فصل حکمت و فلسفه معرفی میشود ) ، و نویسنده این نسخه اخیر که نیز نویسنده نسخه پیشین میباشد محمود بن سلیمان است و سال نگارش را نگاشسته و طرز نوشتن میرساند کاتب از ترکان عثمانی بوده ، همین کاتب در حاشیه بیشتر از صفحات آخر تعلیقات و حواشی بر کافیہ را از دانشمندان نوشته است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۲۰) . صفحه ای (۹) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ ۱/۴ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۱۶۲) .

## [ ۴۳۶ ] مراح الارواح ( عربی )

این کتاب ، مختصری در علم صرف و بنا بر تصریح در مقدمه آن تألیف احمد بن علی بن مسعود میباشد ، سیوطی در بغیه ذیل این نام گوید مؤلف مراح بوده که مختصری در تصریف و کتابی مشهور است و بر شرح حال وی دست نیافتیم (۱) . و صاحب روضات در ص ۵۱ ج ۱ احتمال داده اند که مؤلف مراح همان احمد بن علی بن مسعود بن عبدالله معروف به ابن السقا باشد که بسال ۶۱۳ مرده و شاگرد ابن خشاب بوده و درباره وی نوشته اند (۲) که مردی ادیب و فاضل و در نحو دستی نیکو داشته ولی سیره اش ممدوح نبوده است .

مؤلف در مقدمه نام این کتاب را « مراح الارواح » گذارده ، در حدود (۹۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۱۲۳۳ در آستانه و ۱۲۴۴ و سالهای دیگر در مصر چاپ گردیده ، بر آن شروح چندی نوشته شده ، بعضی در ص ۴۱۵ ج ۲ کشف الظنون نام برده شده و در ص ۳۷۱-۳۷۲ یکی از شروح آن معرفی گردید و در ص ۹۰۶ معجم المطبوعات ذکر شده که شرح مراح تألیف شمس الدین احمد معروف به دیکنقوز که از علماء قرن نهم هجری بوده و شرح ابن کمال پاشا بنام « الفلاح لشرح المراح » بسال ۱۳۰۹ چاپ شده است .

آغاز: بسم الله قال المفتقر الى الله الودود احمد بن علي بن مسعود غفر الله له ولوالديه واحسن اليهما واليه اعلم ان العرف ام العلوم والنحو ابوها الخ .

(۱) در حاشیه ص ۳۷۴ معجم المطبوعات نسخه ای از مراح الارواح که بسال ۸۴۰ نوشته شده در دارالکتب المصریه نشان داده شده و مؤلف آن فهرست روی آن حدت زده که بایستی مؤلف از دانشمندان قرن هشتم یا نهم هجری باشد ولی از این راه این احتمال بسیار ضعیف است .  
(۲) سیوطی ابن السقا را در ذیل مؤلف مراح در بغیه نام برده و شرحیکه عبارات بالا ترجمه آنست درباره وی نوشته و احتمال یکی بودن این دو نفر را نداده است .



(۱۰۱۴)

**مراح الارواح** این نسخه بخط نسخ سال ۱۱۷۵ نوشته شده ، ورق اول نو نویس میباشد ، در حاشیه بعضی از صفحات مطالبی از یکی از شروح آن نوشته شده و مقابله و تصحیح گردیده است .  
جلد نیماج . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع ربعی بزرگ . شماره اوراق ( ۲۷ ) .  
صفحه ای ( ۱۷ ) سطر . طول ( ۲۰ سانتیمتر ) . عرض (  $۱۲\frac{1}{۲}$  سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۱۰۸ ) .

(۱۰۱۵)

**مراح الارواح** این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، ضمن مجموعه ایستکه مشتمل بر چندین کتاب فارسی و عربی است و هیچیک تاریخ ندارد ، ظاهراً از خطوط اوائل قرن دهم هجری میباشد .  
این مجموعه بشماره ( ۳۱۱۳ ) در این کتابخانه ثبت گردیده است .

(۱۰۱۶)

**مراح الارواح** این نسخه بسال ۱۲۳۷ بخط نسخ نوشته شده ، در حاشیه بعضی از صفحات مطالبی از دو شرح مراح (المفراح و الملاح) و تعلیقاتی بدون امضاء یافت میشود و پس از این کتاب تعلیقات و حواشی ملا نظر علی جیلانی بر عوامل ملا محسن و مطالب متفرقه دیگر از او ، یکی از شاگردان وی در ( ۱۸ ) ورق در او اخر قرن سیزدهم نوشته و ضمیمه آنست .  
خصوصیات دیگر بشماره ( ۳۰۹۹ ) کتابخانه و شماره ( ۱۰۰۶ ) این فهرست در ص ۳۸۹ مراجعه شود .

[ ۴۳۷ ] **معنی البیاب عن کتب الاعراب** ( عربی )

مؤلف این کتاب که از کتابهای مشهور و مفید در علم اعراب و نحو میباشد این هشام نحوی معروف استکه در ص ۳۰۶-۳۰۸ شرح حال و معرفی ایشان پرداخته شد ، مؤلف در مقدمه تألیف آنرا بسال ۷۵۶ در مکه معظمه پس از کتاب «الاعراب عن قواعد الاعراب» که در همین موضوع و همین شهر بسال ۷۴۹ تألیف نموده معین کرده است .

طرز این کتاب چون کتب نحویّه متقدّمین و متأخرین نیست و مؤلف آن را به هشت باب تقسیم نموده و مطالب آنرا باشواهد از آیات و اخبار و اشعار فصحا و بلغا توأم نموده ، بر آن شروح و حواشی زیاد نوشته شده ، مؤلف کشف الظنون در ص ۴۷۳ - ۴۷۶ ج ۲ بسیاری از آنها را نام برده و ابن هشام خود برشواهد این کتاب دو شرح نوشته (کبیر و صغیر) و سیوطی را نیز بر آنها دو شرح است که در ص ۳۸۵ و ۳۸۶ معرفّی گردید و چون مغنی اللیب مکرّر در ایران و مصر و هندوستان چاپ شده و از کتابهای بسیار مشهور و متداول میان دانشجویان و طلاب علوم ادبیّه میباشد یدش از این از آن معرفّی جاندارد .

در ص ۴۷۵ ج ۲ کشف الظنون نیز تذکر داده شده که شیخ شمس الدّین محمد بن ابراهیم بیجوری متوفی سال ۸۶۳ بنام « قراضة الذهب فی علم النحو و الادب » و شیخ محمد بن عبدالمجید السامولی الشافعی السعودی سال ۹۶۱ بنام « دیوان الاریب فی مختصر مغنی اللیب » مغنی اللیب را مختصر کرده اند .

آغاز : بسملة قال شيخنا وسيدنا . . . . . اما بعد حمد الله على افضاله والصلوة والسلام على محمد وآله واصحابه فانّ اولی ما تقرحه القرائح الخ .

(۱۰۱۷)

این نسخه بخط نسخ سال ۹۰۵ نوشته شده ، در حاشیه بیشتر **مغنی اللیب** از صفحات تعلیقاتی بدون ذکر مأخذ نگارش یافته و تقرینه جمله ای که بهمین خط زیر آخرین سطر اصل کتاب نوشته نگارش تعلیقات سال ۱۰۹۸ بوده (در نسخه چنین : ۱۹۸ نوشته شده است) ، برگ نخستین کتاب اغتاده و سطر اوّل موجود اینست : و ترصیف و تتبعته فیه مقفلات مسائل الاعراب فافتتحتها الخ .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۳۲۹ ) . صفحه ای ( ۱۷ ) سطر . طول ( ۲۷ ۱/۲ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۸ سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۳۲۳۲ ) .

(۱۰۱۸)

مغنی اللیب این نسخه را بخط نسخ محمد امین نجفی بسال ۱۱۲۱ نوشته  
و فقط باب اول کتابست و در حاشیه برخی از برگها مطالبی  
از شرح شمنی نگارش یافته است.

جلد تیماج. کاغذ کاهی. واقف سیه سالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۹۴). صفحه ای  
(۲۵) سطر. طول (۲۵ سانتیمتر). عرض (۱۴ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۲۴۰).

(۱۰۱۹)

مغنی اللیب این نسخه بخط نسخ نوشته شده، کاتب نام خود و سال نگارش  
را نبرده، ظاهراً در قرن دهم یا یازدهم نوشته شده، در آخر

نسخه محمد علی نام بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۱۸۱ چنین نوشته: (بنابر رسم پیشینیان  
که صفر را میان اعداد نمیگذاشته اند بایستی یا ۱۰۱۸ یا ۱۱۰۸ یا ۱۱۸۰ باشد) مالکیت  
نسخه را یادداشت نموده، منتخبی از شرح شواهد سیوطی بر مغنی که در ص ۳۸۵ و ۳۸۶  
معرفی آن گذشت (از این منتخب پس از این معرفی میشود) ضمیمه این نسخه  
میشود، در حاشیه اوراق و بر کاغذ هائیکه میان آنها گذاشته شده مطالبی از  
دمامنی و شمنی و غیره نقل گردیده و یادداشتهائی که از مالکین نسخه، پشت ورق اول  
و آخر و بر اوراقیکه پیش از کتاب و پس از آن سفید بوده، نگارش یافته است.

جلد تیماجی نیم ضربی. کاغذ کاهی. واقف سیه سالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۲۳).  
صفحه ای (۲۳) سطر. طول (۲۵ سانتیمتر). عرض (۱۷ سانتیمتر). شماره کتابخانه  
(۳۲۳۰).

(۱۰۲۰)

مغنی اللیب این نسخه را بخط نسخ محمد عسکر سال ۱۱۲۴ نوشته، در  
حاشیه صفحات تعلیقاتی از کتب نحو و دانشمندان بخط شکسته

نستعلیق نگارش یافته، پشت برگ اول و آخر یادداشتهائی موجود است.

جلد میشن وصالی شده. کاغذ کاهی. واقف سیه سالار. قطع خشتی. شماره اوراق (۱۹۰).  
صفحه ای (۲۱) سطر. طول (۲۵ سانتیمتر) عرض (۱۸ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۲۳۶).

(۱۰۲)

مغنی اللیب اصل این نسخه ظاهراً از خطوط قرن نهم هجری بوده، دست  
روزگار بسیاری از اوراق آنرا پراکنده نموده، ظاهراً در

اوائل قرن سیزدهم هجری اوراق گمشده آن نگارش یافته و بآن ضمیمه شده ، نام نویسنده و سال نگارش در آن نیست ، پشت ورق اول یادداشتی بوده محو گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ قدیمی و فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۲۲۴ ) . صفحه ای ( ۲۳۰ و ۲۳۱ ) سطر . طول ( ۲۱ سانتیمتر ) عرض (  $۱۵\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۲۳۹ ) .

### ( ۱۰۲۲ )

این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، نویسنده نام خود و **معنی اللیبیب** سال نگارش را نگاشته ، یادداشتی بتاریخ ۱۲۴۱ بر کاغذ یکه پیش از ورق اول نسخه است نوشته شده و پشت ورق اول نیز یادداشت هائی موجود است و یکی از آنها را محو کرده اند ، بایستی نسخه را نیز در قرن سیزدهم نوشته باشند و در حواشی صفحات اوراق اولیه تعلیقاتی بخط شکسته نستعلیق نگارش یافته است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۲۵۵ ) . صفحه ای ( ۲۱ ) سطر . طول (  $۲۴\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۱۵ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۲۳۳ ) .

### ( ۱۰۲۳ )

این نسخه بخط نسخ میباشد ، ظاهراً در قرن دوازدهم نگارش یافته ، برگ آخر کتاب افتاده بوده بسال ۱۲۶۲ نوشته شده ، **معنی اللیبیب** پشت ورق نخستین یادداشت هائی موجود ، کهنه ترین آنها که دارای تاریخ میباشد سال ۱۲۳۱ را داراست ، در حاشیه بیشتر از صفحات تعلیقاتی از شروح این کتاب و غیره نگاشته شده و محتاج بصحافی است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۳۱۱ ) . صفحه ای ( ۱۷ ) سطر . طول ( ۲۵ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۹ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۲۳۴ ) .

## [ ۴۳۸ ] فصل ( عربی )

این کتاب تألیف جار الله زنجشیری و چون مؤلف از معاریف کتب نحو میباشد ( درص ۱۵۸-۱۶۰ ج ۱ فهرست مختصری از شرح حال زنجشیری ذکر گردیده و درص ۱۱-۱۴

همین مجلّد زیر عنوان اطواق الذهب ایشان را نیز معرفی کرده ایم) صاحب کشف الظنون در ص ۴۸۸ - ۴۹۰ ج ۲ گوید در رمضان ۵۱۳ تألیف آن شروع و در غره محرم ۵۱۴ خاتمه یافته و شروح این کتاب و چند نفر را که باختصار آن مبادرت نموده و یا آنرا نظم بسته و یا برشواهد آن شرح نوشته اند نام برده و خود مؤلف نیز آنرا مختصر نموده و انموزج نامیده است.

مفصل مکرر در مصر و اروپا و هندوستان چاپ گردیده و ترتیب آن بدینگونه است: قسم اول در اسماء، قسم دوم در افعال، قسم سوم در حروف، قسم چهارم در مشترکات میان اسم و فعل و حرف (در این قسم از اماله، وقف، قسم، تخفیف همزه، التقاء دوساکن و نظائر اینها که مشترک میان هر سه یا دو تای از اقسام کلمه میباشد ذکر گردیده است).

آغاز: بسم الله (۱) احمد الله على ان جعلني من علماء العربيه وجبلي على الغضب للدرج والعصبيه و ابي ان انفرد عن صميم انصارهم الخ.

(۱۰۲۴)

این نسخه را بخط نسخ بسال ۱۰۹۶ معصوم بن ابراهيم الخادم الحسينی برای فرزند خویش نوشته، در تاشیه صفحات اولیه تعلیقاتی از اقلید و موصل که دو شرح مفصل اند و بدون امضاء و ذکر مأخذ، نگارش یافته، بر سه ورق کاغذ نوشته ای که در آخر کتاب بوده رساله ای نخستین در محل اعراب جمله بعربی بدون تصریح باسم منشی آن و نسخه ساختن مرآب، بدو طریق، نگاشته شده و یادداشتی پشت صفحه نخستین بوده نحو گردیده است.

جلد میشن مذهب، کاغذ سمرقندی، و اف سیه سالار، قطع رسمی، شماره اوراق (۱۹۳)، صفحه ای (۱۴) سطر، طول (۱۹ ۱/۴ سانتیمتر)، عرض (۱۳ سانتیمتر)، شماره کتابخانه (۳۱۵۰).

[ ۴۳۹ ] منتخب شرح شواهد سیوطی (عربی)

شرح شواهد سیوطی را بر مغنی در ص ۳۸۵ و ۳۸۶ ج ۲ معرفی نمودیم، یکی از علماء قصائدیکه به يك يا چند بیت آن در مغنی استنبهات شده، و سیوطی آن قسمیده را. (۱) در نسخه این کتابخانه پس از سمله این جمله است: قال جاز الله الامام الزاهد العلامة استاد الافاضل (الزمان خ د) شیخ العرب والعجم فخر حوازم ابوالقاسم محمود بن عمر الرمشری رضی الله عنه احمد الله الخ.

در شرح شواهد خویش نقل نموده (این انتخاب کننده که نام خود را در این منتخب نبرده) با تصریح باینکه محل شاهد در معنی کدام بیت و کدام کلمه بوده از آن شرح مذکور انتخاب کرده و پس از آن مجدداً تجدید مطلع نموده و شواهد معنی را موافق ترتیب آنها در آن کتاب باتذکر باینکه این بیت از قصیده یا غیر قصیده میباشد نقل نموده و پس از این، فهرست آیات شواهدیکه از قصائد شعراست با نام گوینده آنها معین کرده و جز جمع و ترتیب از خود تصرفی در آن ننموده و این کتاب با دو ضمیمه ای که دارد در حدود (۲۶۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله شواهد الهمزة طربت وما شوقاً الى البیض اطرب. هذا مطلع قصیده.  
للكمیت یمدح بها اهل البیت علیهم السلام وبعده ولا اجباً منی وذوالشیب یلعب الخ.  
(۱۰۲۵)

این نسخه که ظاهر آن نسخه اصل و منتخب آن همان نویسنده آنست  
منتخب شرح ضمیمه معنی اللیب شماره (۳۲۳۵) این کتابخانه میباشد که  
شواهد سیوطی در ص ۳۹۶ خصوصیات آنرا زیر شماره (۱۰۱۹) این فهرست  
ذکر نمودیم.

### [ ۴۴۰ ] یائیه ابن کمال پاشا (ترکی)

این رساله در اقسام یاء زائده ایست که در آخر کلمات فارسی بافت میشود، مؤلف در مقدمه نام خود را نبرده، در یکی از ضمائیم کشف الظنون چاپ فلوگل این کتاب یا رساله بنام یائیه ضبط گردیده و به این که مال یائیه نسبت داده شده، در کشف الظنون نام آنرا نیافتیم، ضمیمه بودن با دقائق الحقائق این مؤلف که در ص ۲۵۹-۲۶۱ معرفی و شرح حال مؤلف آن گذشت و شباهت کامل انشاء این نسبت را تأیید مینماید. مؤلف در مقدمه گوید: (۱) در محفلی حاضر بودم بحث از یاء زائده در آخر کلمات فارسی بمیان آمد، یکی از حضار آنرا منحصر در پنج قسم میدانست یکی از آن معانی را رد کرده و گفتم که انحصار در این اقسام که گفتی ندارد، در همان

(۱) مطالب مقدمه را دوست داشتمند آقای جلال محدث ارومی که از فارغ التحصیلای سال (۱۳۱۷) حورشیدی این دانشکده میباشد ترجمه نموده و نگارنده را متشکر کرده اند.

هنگام ده مورد از موارد اصلی یاء زائده را باشواهد از اشعار فصحا بیان نمودم، از من خواستار شدند که در این موضوع نگارشی نمایم. بخواست آنها بتألیف این مختصر پرداخته و پس از تمهید مقدّمه ای ادیبانه اقسام اصلی یاء زائده را باشعبات آن به بیست قسم رسانیده و يك بيك را بیان و باشعار شعرای بزرگ فارسی زبان استشهاد کرده و در دیباچه تفاخر نموده و گوید همانقسم که ز غشری فائق را در مگه معظمه بیرون آورد و خطاب به اعراب کرد و گفت بیائید و لغت خود را از مردی غیر عرب گیرید من نیز بفارسی زبانان میگویم که بیائید لغت و قواعد زبان خویش را از من یاد گیرید (از این عبارات معلوم میشود که طرف صحبت و بحث وی در آن محفل ایرانی بوده است).

این کتاب یارساله در حدود (۶۵۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله بوصحایف پر لطایفك تسویدننه داعی و باعث مضمون  
مکنوننده الخ.

(۱۰۲۶)

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۹۷۱ نوشته شده، ضمیمه  
دقائق الحقائق میباشد که در ص ۲۶۱ ختصر صبات آن گذشت  
در ابتداء این نسخه نیز يك سر لوح کوچکی است، خصوصیات  
دیگر آن به کتاب شماره (۱۰۱) کتابخانه که زیر شماره (۸۸۷) در این فهرست معرفی  
شده مراجعه شود.



## مبدائی و بیان و بدیع

### [ ۴۴۱ ] انوار الربیع فی انواع البدیع ( عربی )

این کتاب شرح بدیعه سید علیخان کبیر می باشد که درص ۲۰۴ - ۲۰۹ معرفی کامل از ایشان شد، و این کتاب از معاریف کتب در این فن است، شارح بسال ۱۰۷۷ در دوازده شب قصیده ای در مدح حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله وسلم در ۱۴۷ بیت انشاء نموده و آن قصیده مشتمل بر ۱۵۳ نوع از صنایع بدیعه می باشد و در هر يك از ابیات که مشتمل بر صنعتی است نام آن نوع تصریح گردیده.

سید خود بشرح این قصیده بدیعه پرداخته و نام آنرا «انوار الربیع فی انواع البدیع» گذارده و در ذیل هر يك از ابیات بشرح و بسط کامل آن مبادرت کرده و به ابیاتی از شعرا و ادباء معروف استشهاد نموده و در بعضی از موارد شرح مختصری از سیره و تاریخ آن شاعر نگاشته و در حقیقت این کتاب را مجموعه ای ادبی یا گلستانی که گلهای آن همیشه تازه و معطر می باشد، باید دانست.

در مقدمه آنهایی که پیش از ایشان بدیعه تألیف و یا انشاء کرده اند نام برده شده و زیر شرح بیت مطلع آن، مطالع سابقین را نقل نموده است.

درص ۱۹۰ ج ۱ کشف الظنون تاریخ پیدایش و تنظیم علم بدیع و مؤلفین در این موضوع نام برده شده و انوار الربیع بسال ۱۳۰۴ در هند و ۱۳۰۴ نیز در طهران چاپ شده است.

آغاز: بسم الله الحمد لله بدیع السموات والارض والصلوة علی نبیه و آله الهادین....

حسن ابتدائی بذکر جیره الحرم له براعة شوقی یستهل دمى الخ.



(۱۰۲۷)

این نسخه را بخط نسخ خوب بسال ۱۲۴۴ عبدالله خونساری  
 انوارالریع خواست یکی از بزرگان که او را سمی امام کاظم ۶ معرفی  
 نموده نوشته ، و در همین سال محمد کاظم بر و جردی بر کنار برگ دوم تملک خویش  
 را یاد داشت کرده اند ، بنابراین برای ایشان بوده ، عناوین باشند جرف نگاشته شده  
 و برگ آخر و صالسی گردیده است .

جلد میشن ضریب مینا شده . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق  
 ( ۴۲۰ ) . صفحه ای ( ۲۵ ) سطر . طول ( ۳۰ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۹ سانتیمتر ) شماره  
 کتابخانه ( ۳۲۴۸ ) .

### [ ۴۴۲ ] حاشیه چلبی بر مطول ( عربی )

مطول شرح بزرگ تفتازانی بر تلخیص المفتاح خطیب قزوینی است که در همین  
 فصل از آن معرفی خواهیم نمود ، یکی از حاشیه ها و تعلیقاتیکه بر آن نوشته شده  
 حاشیه زیرین و از چلبی است ( حسن بن محمد شاه بن محمد بن حمزه الفزاری الجلبی (۱)  
 ۸۴۰ — ۸۷۹/۸۸۶ ) (۲) که از علما و زهاد قرن نهم هجری بوده و عمر خویش را میان علم  
 و عمل تقسیم نموده و مردی منصف بوده ، چون حاشیه ای بر تلویح تألیف کرده  
 و مقدمه آنرا بنام سلطان بایزید بن سلطان محمد و شرح نموده ، مورد غضب سلطان محمد  
 واقع گردید ولی چون از مصر برگشت نسبت بوی مهر بان شده و تدریس در یکی  
 دو مدرسه را بدو برگزار نمود و پس از آن سلطان بایزید روزانه هشتاد درهم بر ای ایشان  
 معین نمود و دیگر از مؤلفات او حاشیه ای بر مختصر تفتازانی و حاشیه بر تفسیر بیضاوی

(۱) درص ۶۴ الفوائد البهیة نوشته شده که سخاوی در «الصواعق الممعة» این دانشمند را نام  
 برده و گوید چلبی یعنی آقا و او را فزاری گویند بدین مناسبت است که یکی از اجداد او  
 برای پادشاه روم فزرائی هدیه آورده و پادشاه چون میخواست از او سؤال کند میگفت  
 فزری کجاست و صاحب معجم المطبوعات گوید در یکی از مؤلفات خطی وی که بسال ۸۷۳  
 نوشته شده نام او را چنین : (ملاحسن الفزری) یافتیم .

(۲) این شرح با مراجعه به ص ۲۰۸ - ۲۱۱ شقائق ، ص ۷۵۷ و ۷۵۸ معجم المطبوعات ،  
 شذرات الذهب ج ۷ ص ۳۲۴ و ص ۴۶ الفوائد البهیة فی طبقات الجنفیه و کشف الظنون نوشته شد  
 و فقط در شذرات وفات وی بسال ۸۷۹ ثبت گردیده است .

وحاشیه بر شرح مواقف سید شریف جرجانی است و جز حاشیه مختصر و حاشیه تفسیر بیضای او مؤلفات دیگر وی چاپ شده است .

این حاشیه مطول مشتمل بر فوائد بسیاری میباشد دانشمندان و دانشجویان بانظر اهمیت بدان نگاه مینمایند ، و در حدود ( ۱۹۵۰۰ ) بیت کتابت دارد و بر مطالب مشکله هر سه قسمت ( معانی و بیان و بدیع ) مطول تعلیق گردیده و در حاشیه مطول و مستقلاً مکرر چاپ شده است .

آغاز: بسملة الحمد لله الذى شرح صدور ارباب الازهان لايضاح معان الكلمه  
ببدیع الی بیان . . . . . قوله الحمد لله الذى الهمنا . . . . . الاقرب الى الفهم ان المراد بالالهام  
فى هذا المقام الخ .

انجام: قوله والتذكير للاحكام المذكورة فى علمى المعانى والبیان انها لم يتعرض  
للبدیع لكونه خارجاً عن البلاغه .

( ۱۰۲۸ )

این نسخه را بخط نسخ حافظ مصطفی القونوی بسال ۱۰۵۸  
نوشته و از دیباچه تا آخر کتابست ، صفحات باشنجر ف جدول  
کشی شده ، آبدیده و ای خطوط آن ضایع نشده و برخی از  
برگهای آن وصالی گردیده است .

حاشیه چلبی  
بر مطول

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۳۹۵ ) .  
صفحه ای ( ۲۱ ) سطر ۰ طول ( ۲۰ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۴ - ۱۳ سانتیمتر ) شماره کتابخانه  
( ۲۹۷۰ ) .

( ۱۰۲۹ )

این نسخه را بخط شکسته نستعلیق علی بن احمد سینکی رازی  
بسال ۱۰۱۳ نوشته ، دیباچه را ندارد ، پشت صفحه اول  
یادداشت هائی مالکین مختلف که پیشتر آنها پدرو پسر بوده اند  
بخط خود باتاریخ و مهر نگاشته اند و بیشتر از اوراق دارای حاشیه ای از خود چلبی  
بر این حاشیه است .

حاشیه چلبی  
بر مطول

جلد تیماجی وصالی شده . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۳۱۹ ) .  
صفحه ای ( ۲۱ ) سطر . طول ( ۲۱ سانتیمتر ) . عرض (  $۱۲\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر ) . شماره کتا بخانه  
( ۲۹۷۱ ) .

( ۱۰۳۰ )

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده و سال نگارش  
نگاشته نشده ، ظاهر از خطوط قرن یازدهم و نگارنده آن هندی  
میباشد ، برگت نخستین نونویس و نیز دیباچه را ندارد .

حاشیه چلبسی  
برمطول

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۲۶۵ ) .  
صفحه ای ( ۲۰ ) سطر . طول ( ۲۷ سانتیمتر ) . عرض (  $۱۶\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر ) . شماره کتا بخانه  
( ۲۹۷۲ ) .

( ۱۰۳۱ )

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده  
نام خود و سال نگارش را نگاشته ، ظاهر از خطوط قرن  
سیزدهم هجری میباشد ، بسال ۱۲۷۵ بکتابخانه اعتضاد السلطنه

حاشیه چلبسی  
برمطول

در آمده و پشت نخستین صفحه یادداشت گردیده ، صفحات مجدول بطلا و لاجورد  
میباشد ، برگکنار اوراق حاشیه هائی وجود دارد ، دیباچه را نیز ندارد و عبارات مطول  
باشجرفی است .

جلد رو پارچه و داخل نرکس روغنی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره  
اوراق ( ۲۷۲ ) . صفحه ای ( ۲۶ ) سطر . طول (  $۳۰\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۱۸ سانتیمتر ) .  
شماره کتا بخانه ( ۲۹۷۳ ) .

( ۱۰۳۲ )

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، فقط قسمتی از اول این  
حاشیه میباشد ( اوائل حاشیه تا حواشی شرح دیباچه تلخیص  
المفتاح ) ورق اول آنهم افتاده و نخستین سطر نسخه اینست :

حاشیه چلبسی  
برمطول

( والبدیع علم البیان فیجوز ان یکون دقائق الخ ) و آخرین سطر نسخه این : ( ولما  
کان الحمل مفیداً فی الفن الثانی والثالث لبعده العهد اجرى الفن الاول محرهما سوقاً  
للفنون الثلاثه علی نسق واحد و ) . ظاهر از خطوط قرن سیزدهم است .

جلد ندارد . کاغذ آبی فرنگی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۳۲ ) .  
صفحه ای ( ۲۳ ) سطر . طول ( ۲۱ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۷ سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۳۹۷۴ ) .

### [ ۴۴۳ ] حاشیه حامد بر خطائی ( عربی )

این حاشیه بر حاشیه خطائی بر مختصر تفتازانی است که از هر دو کتاب در این فصل معرفی خواهیم نمود ، محشی خود را حامد بن برهان بن ابی ذر الغفاری معرفی نموده ، در کتب سیرو فهارس موجوده ، این مؤلف و مؤلفه را نیافتیم ، چنانکه خواهیم دید خطائی در نخستین سال قرن دهم مرده و حاشیه او در این قرن زیاد مورد بحث بوده و بر آن حواشی نوشته شده و نسخه زرین بسال ۱۰۲۷ نگارش یافته و نویسنده مؤلف را بدینگونه : ( تمت هذه الحاشية التي صنفها الفاضل الكامل حامد الغفاري في حاشية خطائي بعون الملك الغفاري . ) معرفی نموده و از طریق وی استفاده میشود که تاهنگام نگارش این نسخه ( اوائل قرن یازدهم ) زنده بوده و مسلم نیست که از دانشمندان قرن دهم هجری بوده و چنانکه در دیباچه مختصر همین حاشیه گفته تألیف آن در دو هفته بوده و اشاره نموده پیش از این نیز حاشیه ای بر حاشیه خطائی بر مطول نوشته و در آن خطائی را تأیید و میرسد شریف را رد کرده است .

این حاشیه حامد چون حاشیه خطائی بر مطالب خمس اول مختصر تفتازانی است . در ص ۵۸ ج ۳ فهرست رضویه حاشیه ای بر حاشیه خطائی ( بنابر تصریح در مقدمه آن ) به حامد نسبت داده شده و آغاز آنرا : الحمد لله المنزه عن تنزيه المتهزهين الخ وانجام آنرا : ان الوضع فيها تعيين بالقريته لانعين بنفسه فقامل تمت . معین نموده و در ذیل آن گفته شده احتمال دارد که حامد همان حمید الدین بن افضل الدین الحسین مذکور در کشف الظنون باشد . ولی محتمل است که این احتمال در اثر تصور تحریف نام محشی بوده و چنانکه دانستیم پدر حامد بنابر تصریح خود او برهان بن ابی ذر غفاری بوده است و چون آغاز این نسخه با نسخه مدرسه مختلف است اگر احتمال ما هم چون احتمال مؤلف فهرست رضویه نباشد حاشیه حامد بر حاشیه خطائی بر مطول است که در مقدمه

حاشیه بر خطائی مؤلف بدان تصریح نموده است.

این حاشیه حامد در حدود (۲۳۵۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: حامد امصلیا مستمسکا بلطفه العیم و بعد فیقول المتکمل علی الله الباری  
حامد بن برهان بن ابی ذر الغفاری جعل الله سعیه سعیا مشکورا الخ.

(۱۰۳۳)

حاشیه حامد این نسخه بخط نسخ سال ۱۰۲۷ نوشته شده، حاشیه ملا عبد الله  
یزدی که نیز بر خطائی میباشد و در همین فصل از آن معرفی  
میشود ضمیمه آنست، بر ورق دوم بنام حاشیه خطائی بر این  
کتابخانه وقف گردیده پاره ای از برگها چسب شده و موریانه بعضی را سوراخ  
کرده است.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سیه سالار. قطع ربعی. شماره اوراق کلیه (۱۳۶).  
این نسخه (۵۶). صفحه ای (۲۲) سطر. طول (۱۸ سانتیمتر). عرض (۷ سانتیمتر) شماره  
کتابخانه (۲۹۶۵).

[ ۴۴۴ ] حاشیه خطائی یا خطابی (عربی)

بر مختصر تفتازانی

حاشیه خطائی (خطابی) مشهورترین حواشی بر شرح مختصر تفتازانی بر  
تلخیص المفتاح میباشد، در کشف الظنون تصریح گردیده که این حاشیه فقط بر اوائل  
مختصر میباشد و مؤلف آن نظام الدین عثمان خطابی متوفی سال ۹۰۱ است که نیز حاشیه ای  
بر مطول دارد (۱) و آغاز حاشیه مختصر اینست: لك اللهم الحمد والمنه الخ. و در  
ص ۴۸۴ ج ۲ گوید که بر شرح سید شریف بی مفتاح حاشیه ها نگاشته شده، از  
آنها یکی حاشیه مولانا زاده خطائی است که اول آن اینست: لك اللهم الحمد  
والمنه الخ. نسخه هائیکه از حاشیه خطابی بر مختصر در دست میباشد آغاز آن  
چنانست که زیر این سطر ها می آوریم و آغاز یکم مؤلف کشف الظنون برای این حاشیه

(۱) نسخه ای از این حاشیه در کتابخانه مدرسه مروی در طهران موجود و آغاز آن اینست:  
لك الحمد والمنه وعلى رسولك وآله واصحابه الصلوة والسلام والنبحه افتتح كتابه بعد التبعين بالنبحه الخ.

نقل نموده آغاز حاشیه مولانا زاده خطائی بر شرح مفتاح سید شریف است که نسخه خطی آن در کتابخانه مدرسه مروی در طهران می باشد و در ص ۱۴۶ و ۱۴۷ ج ۱ فهرست آصفیه تذکر داده شده که حاشیه مولانا زاده دو بار بسال ۱۲۵۶ و ۱۲۶۵ در کلکته چاپ شده است .

در ص ۲ ج ۸ شذرات الذهب نوشته شده که در حدود سال ۹۰۱ شهاب الدین احمد بن عثمان مشهور به منلا زاده سمرقندی خطابی که امام و علاّمه و فقیه و قاری عالی السند بوده وفات یافته و او را کتابی در جمع میان کتاب هدایه و محرر ( این دو کتاب از معاریف کتب فقه شافعی و حنفی می باشد، به صفحه ۳۹۱ و ۶۴۷-۶۵۴ ج ۲ کشف الظنون مراجعه شود ) و شرح هدایه در حکمت است و خطابی منسوب به خطاب جدّ اوست .

و جز این خطابی دیگری را در کتب سیر بدین نام یا بنام خطائی نیافتم و در فهرست آصفیه وفات همین خطائی را بسال ۹۰۱ ثبت کرده است .

در ص ۵۷ ج ۳ فهرست رضویه زیر عنوان ابن حاشیه نوشته شده : از نظام الدین عثمان خطابی باباء موحده چنانکه در کشف الظنون است یا از جلال الدین اوبهی از تلامذه مولانا سعدتفتازانی است چنانکه معروف است و او را خطائی باهمزه گویند ولی آنچه در کشف الظنون آورده اقرب به قبول است و او به قریه ایست از توابع هراة . در فهرست آصفیه نظام الدین عثمان را خطائی باهمزه معرفی نموده بهر حال این حاشیه عثمان خطائی یا خطابی بر تمام مختصر نیست و تا مبحث تعریف مسند الیه بضمیر (۱) ( تقریباً پنج يك مختصر ) را بیشتر حاشیه نگاشته و در حدود ( ۲۵۰۰ ) بیت کتابت دارد .

در ص ۱۴۶ و ۱۴۷ ج ۱ فهرست آصفیه نسخه از این حاشیه خطائی که بسال ۱۲۵۶ در کلکته چاپ گردیده نشان داده شده و در ص ۶۹ ج ۳ فهرست رضویه

(۱) آخرین حاشیه خطائی بر این جمله از مختصر است : وقد يترك الخطاب مع معين . که در شرح این جمله از تلخیص المفتاح می باشد : و اصل الخطاب ان يكون لمعين وقد يترك الى غيره الخ .

نسخه ای از این حاشیه که بسال ۱۲۸۶ نیز در هندوستان چاپ شده نشان داده شده است .

بر حاشیه خطائی بر مختصر حاشیه ای از ملاّ عبدالله یزدی و حاشیه ای از حامد غفاری است که در ص ۴۰۵-۴۰۶ و ۴۱۱-۴۱۳ این فصل نام برده شده و میشود .  
آغاز : بسمله نحمدك اللهم على ما اعطيتنا من سوايغ النعم وبوالغ الحكم ....  
قوله نحمدك، أثر الحمد على الشكر لان الحمد يعم الفضائل والفواضل الخ .

(۱۰۳۴)

این نسخه بخط نستعلیق در مدرسه خواجه تاج الدین حسین حاشیه خطائی در کاشان نوشته شده، پیش از این حاشیه، حاشیه ای بر شرح کتابی در کلام همین نویسنده که بسال ۱۰۰۹ نوشته شده موجود و از آن بیاری خداوند توانا در جلد سوم فهرست معرفی خواهد شد، در حواشی صفحات تعلیقاتی از حامد و ملاّ عبدالله نگاشته شده است .

جلد مقوائی . کاغذ اصفهانی . واقف سیه سالار . قطع بغلی . شماره اوراق کلیه ( ۱۴۳ ) این نسخه ( ۷۲ ) . صفحه ای ( ۱۷ ) سطر . طول ( ۱۶ سانتیمتر ) . عرض ( ۹ ۱/۲ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۹۶۴ ) .

(۱۰۳۵)

این نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۹۳ نوشته شده ، بر اوراق اولیه حاشیه خطائی تعلیقاتی از ملاّ حامد نگاشته اند ، اوراق آن آبدیده ولی خطوط محو نگردیده و بنام حاشیه بر خطائی ثبت شده است .

جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف سیه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق ( ۱۱۰ ) . صفحه ای ( ۱۲ ) سطر . طول ( ۱۹ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۳ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۹۶۲ ) .

(۱۰۳۶)

این نسخه را بخط نسخ خوب، محمد مؤمن قاننی بسال ۱۰۹۹ حاشیه خطائی نوشته ، بر کنار صفحات تعلیقات ملاّ حامد و ملاّ عبدالله یزدی بر این حاشیه نگاشته شده و حاشیه ملاّ عبدالله بر خطائی را که پس از این معرفی

خواهد شد همین نویسنده بسال ۱۰۹۷ نوشته و در این مجلد پس از این حاشیه (حاشیه خطائی) گذارده شده.

پشت نسخه و در دفاتر کتابخانه بنام «حاشیه خطائی برمطول» وقف و ثبت شده است.

جلد مقوایی دور تیماج. کاغذ کاهی. واقف سپهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق کلیه (۱۸۶). این نسخه (۹۳). صفحه ای (۱۵) سطر. طول (۲۵ سانتیمتر). عرض (۱۳ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۹۶۱).

(۱۰۳۷)

حاشیه خطائی این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، ظاهرآ از خطوط قرن یازدهم هجری است، برگ اول و دو برگ از آخر نو نویس، در اثر آبدیدگی بعضی از اوراق ضایع شده و محتاج ترمیم و وصالی میباشد و در این کتابخانه بنام حاشیه میر برمطول وقف و ثبت شده است.

جلد تیماج. کاغذ کاهی. واقف سپهسالار. قطع بغلی. شماره اوراق (۱۰۷). صفحه ای (۱۲) سطر. طول (۱۷ سانتیمتر). عرض (۱۰ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۲۹۶۳).

[ ۴۴۵ ] حاشیه زیباری بر شرح سمرقندیه (عربی)

این حاشیه بنا بر تصریح در مقدمه از حسن بن محمد زیباری (۱) بر شرح عصام الدین اسفراینی بر رساله استعارات سمرقندی (الفرائد و الفوائد = سمرقندیه) است که پس از این معرفی از آن شرح خواهد شد، پشت نخستین صفحه نسخه زیرین و در آخر آن نویسنده در هنگام درس گرفتن آن، تعلیقات و حواشی بر این حاشیه نگاشته و تصریح نموده که این حاشیه معروف به «ملا حسن» میباشد.

در معجم المطبوعات نام این حاشیه و مؤلف آن نیست و در فهرست هائیکه زیر دست نگارنده است فقط در فهرست دارالکتب (ج ۲ ص ۱۸۹) نسخه ای

(۱) در کشف الظنون (ج ۲ ص ۱۷۹) زیر عنوان «فرائد الفوائد» که همان رساله استعارات سمرقندی است که بنام «سمرقندیه» معروف گردیده، نام این حاشیه و محشی آن بدون ذکر تاریخ تألیف یا وفات مؤلف ثبت است و مؤلف صریحاً برای این رساله نامی نگذاشته فقط گوید: فقهات فرائد عوائد. و عصام الدین در شرح آن گوید: تیکوئی اضافه فوائدها در این کتاب به عوائد مخفی نباشد ولی اگر گفته بود فرائد فوائدها آینه بهتر میبود. و حاجی خلیفه این تسمیه بهتر را در کشف الظنون ذکر نموده است.



از این حاشیه که بدون تاریخ کتابت است نگاشته شده موجود، در آنجا از زمان مؤلف معرفی نشده ولی ظاهراً از دانشمندان قرن یازدهم بوده و در حدود (۱۰۰۰) بیت کتابت این حاشیه است.

آغاز: بسمله الحمد لله الذی خلق الانسان علمه البیان وجعله ذریعة الی معرفة دقائق القرآن الخ.

(۱۰۳۸)

حاشیه زیباری این نسخه را محی الدین بن عبدالحی بسال ۱۱۰۷ هجری میکه پیش استاد بخواندن آن مشغول بوده بخط نسخ نوشته،  
بر تعلیقاتی از کاتب وملا عبدالله کردی الحسینی و خان احمد حریری

شرح سمرقندی بر شرح عصام الدین و بر همین حاشیه نگاشته شده ورق اول و آخر و صالی گردیده است.

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۴۷) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۰-۱/۴ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) شماره کتا بخانه (۳۱۷۰) .

[ ۴۴۶ ] حاشیه سمرقندی بر مطول و بر ( عربی )

حاشیه میر سید شریف

این حاشیه بنابر تصریح در دیباچه تألیف ابو القاسم بن ابی بکر لشی سمرقندی بر مشکلات مطول بر حاشیه میر سید شریف میبایستد و آنرا بنام امیر کبیر امیر علیشیر نوائی موشح نموده و نیز تصریح نموده که این مؤلفه نخستین اثر اوست و در آخر فراغت از تألیف را بسال ۸۷۵ (۱) معین مینماید ، بدین نام در دانشمندان این قرن در روضه الصفا و حبیب السیر و کتابهای دیگر دانشمندی را نیافتیم ، در فهرست دارالکتب ج ۲ ص ۲۰۲ زیر نام سمرقندی که همان رساله استعارات یا فرائد العوائد (۲)

(۱) وقع الفراغ عن جمع هذه الفوائد و نظم هذه الفرائد و ضبط ما افتتحت له موارد الشهرة في ظلم الدجاجر و احتمات له مكابد الفكر في ظماء الهواجر في يوم الاربعاء التاسع عشر من حاس عشر النان من تاسع ما في سنن الهجرة والحمد لله على نعمه العظام ومنحه الاجسام والصاوة على نبيه محمد واسجابه البررة الكرام ومن تمهم الى يوم اقيام .

(۲) بحاشیه شماره (۱) در صفحه ۴۰۹ مراجعه شود و عصام الدین اسفراینی را این کتاب ترحی گفته و در ص ۴۲۳ از آن معرفی میشود .

میباشد، نوشته شده تألیف ابوالقاسم بن ابی بکر الیشی السمرقندی است که از علماء نیمه دوم قرن نهم هجری بوده است.

صاحب کشف الظنون درص ۳۲۴ ج ۱ در ذیل « تلخیص المفتاح » نام این حاشیه و محشی آنرا برده ولی سال وفات و زمان او را معین نکرده است.

محشی در این حاشیه داد اطلاع و استعداد خود را داده و در آن نقلهای بسیاری از کتب و دانشمندان سابق دارد و دارای مطالبی سودمند میباشد، در حدود (۱۰۵۰۰) بیت کتابت دارد، فقط حاشیه بر معانی و بیان است و پاره ای از مطالب این حاشیه در حاشیه بعضی از چاپهای مطول چاپ شده است.

آغاز: بسملة الحمد لله الذی انعمنا بتلخیص دقائق المعانی والبیان الخ.

(۱۰۳۹)

حاشیه سمرقندی این نسخه چنانکه پشت صفحه نخستین سید علیخان کبیر (علی صدر الدین بن احمد نظام الدین) بخط خویش نوشته اند باس ایشان نوشته شده، تاریخ تحریر در خود نسخه و این یادداشت حاشیه میر شریف نیست، بنابر این وشهادت رسم الخط و مرکب و کاغذ مسلماً در قرن یازهم یا اوائل دوازدهم نگارش یافته، یادداشتی از پشت صفحه نخستین و مهری از آخر نسخه محو گردیده است.

جلد میشن ضربی. کاغذ دولت آبادی. واقف سیه سالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۱۹۲). صفحه ای (۲۷) سطر. طول (۲۳ سانتیمتر) عرض (۱۴ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۲۹۶۹).

[ ۴۴۷ ] حاشیه ملا عبدالله یزدی بر خطائی ( عربی )

ملا عبدالله بن شهاب الدین حسین شهابادی یزدی از علماء امامیه قرن دهم هجری و همدرس مقدس اردبیلی و ملا میرزا جان باغزوی شیرازی پیش جمال الدین محمود شاگرد ملا جلال دوانی بوده و چنانکه در ص ۳۲۱ و ۴۵۰ ج ۱ فهرست گفته شد صاحب معالم و صاحب مدارك پیش ایشان تحصیل منطق و معانی و بیان مینموده اند.

این دانشمند دو حاشیه بر تهذیب المنطق تفتازانی نوشته که یکی از آنها بسیار معروف و از کتب درسی می‌باشد و مکرر چاپ شده و دیگری نسخه آن در کتابخانه رضویه موجود است (ج ۱ ص ۱۱ فصل منطق خطی)، حاشیه بر حاشیه خطائی (همین کتاب)، حاشیه بر حاشیه ملاّ جلال بر تهذیب (در ص ۱۵ فصل منطق خطی فهرست رضویه و نسخه از این حاشیه معرفی شده)، حاشیه بر بحث موضوع از حاشیه ملاّ جلال (نسخه ای از این حاشیه در ص ۲۶ فصل منطق ج ۱ فهرست رضویه نشان داده شده)، حاشیه بر مختصر شرح تلخیص، حاشیه بر شرح شمسیه و حواشی دیگر بر کتب کلامی و ادبی است

بعضی گویند که این عالم در علوم شرعیّه دستی نداشته، امین احمد رازی در هفت اقلیم (ص ۱۳۴ نسخه خطی کامل مدرسه) این مؤلف (ملاّ عبدالله) را نام برده و گوید: و مهارتش در فنون علم فقه بغایتی بوده که می‌گفته: اگر متوجه بدان علم کردم بتوفیق الله تعالی برهان و دلائل عقلی بر مسائل فقهی گفته (کذا) چنان فقه را مدلل سازم که بحال چون و چرانا ماند.

صاحب روضات بنقل از امل الآمل به نقل از سلافة العصر گوید: شرحی بر قواعد علاّمه نوشته ولی صاحب روضات احتمال داده اند که شرح قواعد از ایشان نباشد و ملاّ عبدالله شوشتری شارح قواعد باین ملاّ عبدالله اشتباه شده باشد و ایشان از تاریخ حسن بیک روملو (احسن التواریخ) وفات ملاّ عبدالله یزدی را در عراق عرب در سال ۹۸۱ ضبط کرده اند.

علاّ عبدالله بسال ۹۶۲ در مدرسه منصوریه شیراز از تألیف این حاشیه بر حاشیه خطائی فراغت یافته و سائر مباحث از مختصر را که خطائی حاشیه نمود ایشان نیز متعرض نشده اند و در حدود (۳۰۰۰) بیت کتابت این حاشیه است.

آغاز: بسمله حمدا لمن خلق الانسان وعلمه البيان وشكر آلمن علمه بدایع المعانی الخ.

(۱۰۴۰)

حاشیه ملا عبدالله این نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۲۷ نوشته شده ، ضمیمه حاشیه حامد برخطائی است که زیر شماره (۱۰۳۳) در ص ۴۰۶ برخطائی معرفی از آن شد و در کتابخانه شماره (۲۹۶۵) شامل این دو نسخه است خصوصاً دیگر بصفحه نام برده بالا مراجعه شود .

(۱۰۴۱)

حاشیه ملا عبدالله این نسخه را بخط نسخ خوب بسال ۱۰۹۷ محمد مؤمن قائی نوشته ، ضمیمه حاشیه خطائی است که زیر شماره (۱۰۳۶) در ص ۴۰۸ و ۴۰۹ معرفی گردید ، و در کتابخانه شماره (۲۹۶۱) شامل این دو نسخه است ، خصوصاً دیگر بصفحه نام برده بالا مراجعه شود ، پشت صفحه نخستین محمد مهدی عبدالرب آبادی شرحی در معرفی این حاشیه و مؤلف آن ملا عبدالله بنقل از « احسن التواریخ » حسن بیگ روملو نگاشته اند .

[ ۴۴۸ ] حاشیه میر سید شریف بر طول ( عربی )

این حاشیه بر طول نیز یکی از مؤلفات میر سید شریف جرجانی است که در ص ۳۶۸-۳۶۹ معرفی از ایشان گردید ، از طول نیز در همین فصل معرفی مینمائیم ، پیش دانشمندان این حاشیه شهرتی بسزا دارد و مورد بحث و نظر گردیده و در تأیید ورد آن تعلیقاتی نگاشته شده و چند بار در آستانه و ایران مستقلاً و در حاشیه طول چاپ گردیده و در حدود (۷۰۰۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسم الله الحمد لله رب العالمین والصلوة علی سید المرسلین محمد و آله وصحبه اجمعین اما بعد فهذه حواش علی الشرح المشهور لتلخیص المفتاح کنت قد قیدتها علیه بجملة حال مآقره علی بعض احبتي الخ .

(۱۰۴۲)

حاشیه میر  
بر طول  
این نسخه را بسال ۸۳۶ محمد قاری رود آوری بخط نسخ خوب نوشته ، در حاشیه بیشتر از بر گها حاشیه هائی بخطوط مختلف از اشخاص متعدد نگاشته شده ، تمام اوراق متن

وحاشیه گردیده و مجدول بطلاست ، يك سر لوح كوچك دارد ، باطلا بر آن نوشته شده : حاشیه میرسید شریف برمطول . قسمت پائین تمام بر گها و صالحی شده و بر آنها مطالبی نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی و خان بالغ . واقف سیهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق ( ۱۳۱ ) . صفحه ای ( ۲۳ ) سطر . طول (  $۱۹\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۱۱ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۹۶۸ ) .  
( ۱۰۴۳ )

### حاشیه میر

### برمطول

این نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۲۷ نوشته شده ( سال نگارش رانویسنده اینگونه : ( ۱۲۷ ) نوشته ، از طرز نگارش و کاغذ مسلم است که ۱۰۲۷ بوده و موافق رسم قدما صفر در مرتبه مات را نگذارده است ) سه ورق اول نو نویس میباشد ، بر کنار پاره ای از صفحات حاشیه هائی نوشته شده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سیهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق ( ۱۳۰ ) . صفحه ای ( ۲۳ ) سطر . طول . ( ۱۹ سانتیمتر ) . عرض (  $۱۲\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۹۶۷ ) .

( ۱۰۴۴ )

### حاشیه میر

### برمطول

این نسخه را بسال ۱۰۷۰ محمد شریف بن حاجی حسن آملی بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته ، ورق اول و صالحی گردیده در حاشیه بعضی از اوراق تعلیقاتی باهضاء ابن وردی ، چلبی ملا میرزا جان ، و غیره دیده میشود .

جلد تیماج . کاغذ کاهی و دولت آبادی و رنگی . واقف سیهسالار . قطع بغلی . شماره اوراق ( ۱۹۲ ) . صفحه ای ( ۱۶ ) سطر . طول ( ۱۵ سانتیمتر ) . عرض ( ۹ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۹۶۶ ) .

## [ ۴۹ ] رساله در مجاز و استعاره ( عربی )

این رساله چنانکه در آخر آن نگاشته شده تألیف جلال الله زنجیری است که در ص ۱۵۸ - ۱۶۲ ج ۱ و ص ۱۱ - ۱۴ همین مؤلف معرفی ایشان گردیده ولی در هیچیک از مآخذ تألیف رساله ای در این موضوع صریحا بایشان نسبت داده

نشده ولی هیچکس تمام مؤلفات وی را نام نبرده و عموماً پس از نام برخی از آنها گویند و غیر ذلک بهر حال این نسخه رساله ای مختصر و پس از مقدمه ای که در بیان معنی حقیقت و مجاز میباشد در یک باب سیزده قسم مجاز مرسل و در باب دیگر چهارده قسم استعاره را بیان نموده و تمام این رساله (۱۵۰) بیت کتابت دارد .

آغاز : بسملة الحقیقة ان یثبت لفظ فیما وضع له بعرف کائن من کان الخ .

(۱۰۴۵)

رساله در مجاز و استعاره این نسخه بخط شکسته نستعلیق بدون تاریخ نوشته شده ، مجموعه ایکه بشماره (۹۶۸) در این کتابخانه ثبت شده از ص ۱۶۱-۱۶۴ شامل این رساله میباشد ، فهرست این مجموعه در ص ۶۱۹ ج ۱ فهرست ذکر شده است .

[۴۵۰] رساله در معانی و بیان و بدیع = الانموزج = موجز البیان (عربی) مؤلف در این رساله از خود نامی نبرده ، با مطالعه اجمالی تمام آن جز بنام صاحب مفتاح و صاحب ایضاح بر نخوردم ، بقرینه و طرز حمد و صلوة در ابتدا و انتهاء مسلماً تألیف یکی از علماء امامیه میباشد و بسیار سلیس و روان است و در حدود (۳۵۰) بیت کتابت دارد .

مؤلف الذریعه الی تصانیف الشیعه در ص ۴۰۲ ج ۲ آن کتاب زیر عنوان الانموزج عباراتی دارد که مختصراً ترجمه آن اینست : تألیف عبدالوهاب بن علی استر اباد الحسینی است و نسخه اصلی آنرا که مؤلف بخط خوش نوشته و تاریخ تألیف آن سال ۸۷۹ بود به ضمیمه شرح وی بر فصول تفسیری و حاشیه او بر شرح میرک بر هدایه اثریه دیده ام و مرتب بر مقدمه و فنونی چند و خاتمه ایست و نویسنده ای غیر از مؤلف بر این نسخه انموزج نوشته بود که نام آن « موجز البیان » میباشد .

گذشته از اینکه آغاز منقول در الذریعه با آغاز این رساله مطابق است این عبارت (و بعد فهد انموزج من علم البلاغه الخ) که پس از حمد و صلوة این رساله میباشد مؤید کاملی است که این رساله همان انموزج استر ابادی یا موجز البیان است .

و تفسیر آیه الکرسی تألیف عبدالوهاب حسینی استر ابادی را آقای تربیت دارند .

آغاز : بسملة الحمد لله الذی خلق الانسان علمه البیان واسمخ له الاحسان الخ .

(۱۰۴۶)

رساله در معانی این نسخه بخط نسخ نوشته شده، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده، ضمیمه مجموعه ایستکه در کتابخانه شماره (۹۶۸) و بیان و بدیع را دارد و ص ۲۰۲-۲۱۴ آن مجموعه این رساله است.

[ ۴۵۱ ] شرح تلخیص المفتاح = مختصر (عربی)

این کتاب نیز یکی از کتب مؤلفه تفتازانی (ملاّ سعد) استکه در ص ۳۴۴-۳۴۶ بشرح حال و مؤلفات ایشان پرداخته ایم.

این شرح را پس از شرح بزرگ خود که مشهور به محلول گردیده، بر تلخیص-المفتاح بسال ۷۵۶ در غجدوان (۱) تألیف و گذشته از اینکه آن شرح اول را مختصر نموده، مطالبی تازه نیز دارد و مشهور به مختصر گردیده و دانشمندان بر این و آن حواشی و تعلیقات متعدد نوشته اند.

تلخیص المفتاح یکی از مختصرات قسم سوم مفتاح العلوم سکاکی میباشد و خطیب چنانکه خود در مقدمه آن (تلخیص) تذکر داده، گذشته از اختصار در توضیح و بیان مطالب آن اضافاتی نموده و ترتیب آنرا هم بطریقه بهتر از روش اصل بوده قرار داده و آنرا بر مقدمه ای و سه فن (معانی و بیان و بدیع) تقسیم کرده و دانشمندان بحفظ و تدریس آن پرداخته و چندین شرح بر آن نگاشته شده است (۲).

خطیب قزوینی (جلال الدین محمد بن عبدالرحمن بن عمر بن احمد عجلای قزوینی دمشقی شافعی ۶۶۶-۷۳۹) (۳) در موصل تولد یافته و جدی در روم مسکن گزیده و بتحصیل انواع علوم پرداخته پس از آن مدرس شده و مقام نیابت قضاوت یافته و خطیب و قاضی دمشق گردیده و یازده سال قضاوت مصر را دارا شده و از آنجا

(۱) غجدوان بضم غین معجمه و جیم ابجد و دال مهمله مضمومه نام دهی از بخارا میباشد (ص ۷۷ ج ۳ معجم البلدان).

(۲) کشف الظفون ج ۱ ص ۱۷۶ و ۳۲۳ - ۳۲۷.

(۳) به ص ۱۲۳ و ۱۲۴ ج ۶ شذرات الذهب و ص ۱۰۰۸ معجم المطبوعات و ص ۱۲۸ ج ۴ تاریخ ابوالفداء و طبقات الشافیه ص ۲۳۸ و ۲۳۹ ج ۵ و روضات الجنات ج ۴ ص ۲۰۳ مراجعه شود.

قضاوت شام را گرفته و آنجا آمد و در این هنگام تلخیص المفتاح و شرح آنرا که الایضاح نام دارد تألیف نمود .

این شرح (مختصر) در حدود (۸۰۰) بیت کتابت دارد، نخستین بار در کلکته سال ۱۸۱۵ م. و پس از این در آستانه و بیروت چاپ شده است .

آغاز: بسملة نحمدك يا ذن شرح صدورنا لتلخيص البيان في ايضاح المعاني الخ .

(۱۰۴۷)

این نسخه را بخط شکسته، سعید بن محمد ابراهیم رازی، مسلماً در قرن یازدهم نوشته [در آخر سال نگارش اینگونه: (۱۰۶) نگاشته شده شاید هزار و ده (۱۰۱۰) باشد]، بیشتر از اوراق دارای تعلیقات میباشد و پشت صفحه نخستین یادداشت‌هایی موجود و بعضی را هم محو کرده اند . جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۱۲۲) . صفحه ای (۲۴) سطر . طول (۲۵  $\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر) . عرض (۱۳  $\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۶۰) .

مختصر

(۱۰۴۸)

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۰۴۵ نگارش یافته ، بر خود نسخه بنام مطول وقف گردیده و در دفاتر کتابخانه بهمین نام ثبت شده ، پس از اتمام این کتاب « منظومه ابن الشحنة » در معانی و بیان و بدیع که درص ۴۳۲-۴۳۴ این فصل معرفی خواهد شد، نوشته شده ، چهار برگ نخستین نسخه از او اسط کتابست ، برگ اول کتاب و اوراقی از او اسط آن افتاده و برگ‌هایی هم از آن و صالی گردیده و تعلیقاتی بر کنار صفحات نگاشته شده است .

مختصر

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۱۴۳) . صفحه ای (۲۳) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۷۵) .

(۱۰۴۹)

این نسخه بخط نسخ بسال ۱۰۷۴ نوشته شده و بسال ۱۰۷۵ مقابل و تصحیح گردیده ، بر کنار صفحات تعلیقاتی موجود ، دو یادداشت از پشت برگ نخستین نسخه محو گردیده و نیز بنام مطول بر این کتابخانه وقف شده است .

مختصر



جلد تیماجی . کاغذ نباتی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۲۵۹ ) . صفحه ای ( ۱۸ ) سطر . طول ( ۲۳ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۲ سانتیمتر ) . شماره کتبخانه ( ۲۹۵۸ ) .  
( ۱۰۵۰ )

این نسخه را بخط نسخ، محمد مهدی بن حاج محمد یوسف، بسال  
مختصر ۱۰۸۸ نوشته، بر صفحات آن تعلیقاتی میباشد و برخی از اوراق  
آن وصالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۲۱۵ ) .  
صفحه ای ( ۱۷ ) سطر . طول (  $24\frac{1}{4}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۱۳ سانتیمتر ) . شماره کتبخانه  
( ۲۹۵۵ ) .

( ۱۰۵۱ )

این نسخه را بخط نسخ، علی نقی بن اسمعیل موسوی، بسال ۱۲۲۱  
مختصر نوشته، بر کنار صفحات آن تعلیقاتی موجود، مقابله و تصحیح  
گردیده پشت ورق اول و آخر و برگه که در ابتدا و انتهای نسخه میباشد مطالب  
متفرقه ای نگارش یافته و از آنجمله این مطالب است :

ابجد هوز حطی کلمن سغفص قرشت ثخذ ضطغ  
انکار کرد دریوست واقف کرد سخن کرد زود پیاموخت تربیت کرد نگاه داشت تمام کرد .  
جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۱۳۵ ) . صفحه ای  
( ۲۱ ) سطر . طول ( ۲۱ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۵ سانتیمتر ) شماره کتبخانه ( ۲۹۵۴ ) .

( ۱۰۵۲ )

این نسخه بخط نسخ، عباس بن نجف، بسال ۱۲۳۳ نوشته شده  
مختصر و پاره ای از صفحات دارای تعلیقاتی بخط شکسته میباشد .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار ، قطع وزیری . شماره اوراق ( ۱۵۵ ) . صفحه ای  
( ۲۰ ) سطر . طول ( ۲۶ سانتیمتر ) . عرض (  $15\frac{1}{4}$  سانتیمتر ) . شماره کتبخانه ( ۲۹۵۶ ) .

( ۱۰۵۳ )

این نسخه بخط نسخ نوشته شده، نویسنده از خود و سال  
مختصر نگارش نام نبرده، در حاشیه صفحات ( از اول تا آخر ) شرح

بزرگ تفتازانی (مطول) را جعفر بن عباس مورانی (۱) بسال ۱۲۴۳ نوشته و ظاهر

اینست که نویسنده مختصر هم همین شخص میباشد.

جلد نیم ضربی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۳۰۶ ) .  
صفحه ای ( ۱۴ ) سطر . طول ( ۲۵ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۷ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه  
( ۲۹۵۹ ) .

( ۱۰۵۴ )

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده موفق بنوشتن نام  
مختصر خویش و سال نگارش نگردیده ظاهراً در قرن یازدهم آن را  
نگاشته اند، بر کنار برگها بیشتر از نسخه های دیگر پیشین تعلیقاتی از شیخ الاسلام  
میباشد و از دیگران نیز حاشیه هایی موجود و پاره از اوراق و صالی گردیده  
جلد میشن . کاغذ سمرقندی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۲۱۷ ) .  
صفحه ای ( ۱۶ ) سطر . طول ( ۲۶ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۳  $\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر ) شماره  
کتابخانه ( ۲۹۵۷ ) .

( ۱۰۵۵ و ۱۰۵۶ )

این نسخه بخط نسخ نوشته شده، ورق آخر آن افتاده، حاشیه هایی  
از شیخ الاسلام و خطائی و دیگران بر کنار برگها نگارش یافته،  
برگ اول و صالی گردیده، منظومه مؤنثات سماعی در علم صرف که در ص ۳۳۱ در  
ذیل مؤلفات ابن حاجب نام برده شد پشت صفحه اول نوشته شده و آغاز آن اینست:  
نفسی الفداء لسائل وافانی بمسائل فاحت کروض جنانی .

و ۲۳ بیت میباشد .

و آخرین سطر نسخه اینست : و کونها بین ادعیه و وصایا و مواعظ و تحمیدات .  
جلد میشن . کاغذ دولت آبادی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۲۱۸ ) .  
صفحه ای ( ۱۳ ) سطر . طول ( ۲۰  $\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۱۵ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه  
( ۲۹۵۳ ) .

(۱) در ص ۶۷۹ ج ۴ معجم البلدان نوشته شده که موریان بضم میم وراء مهمله و پس از آن  
یاء حطی نام دهی از نواحی خوزستان میباشد و نسبت بدان موریا نی است و ابوایوب موریا نی  
که وزیر منصور و نام وی سلیمان بن ابی سلیمان بن ابی مجالد بوده و منصور او را کشته  
بدینجا منسوب است .

(۱۰۵۷)

## مختصر

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، در حدود پانزده برگ  
از اوّل و قسمتی از فن بیان و تمام بدیع آن افتاده و آغاز نسخه  
اینست : خارج عن حدّ الاعتدال نافر<sup>۱</sup> کل التنافر فائنی علیه الخ . و آخر آن این :  
(وقد یکون حقیقه کما فی انبت الربیع ، فصل فی شرائط حسن الاستعاره .) بر کنار بعضی  
از صفحات تعلیقاتی بامضاء خلخالی و نورالدین و میرسید شریف و دیگران وجود دارد .  
جلد تیماجی ، کاغذ کاهی ، واقف سیه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۱۷۳) صفحه ای  
(۱۲) سطر . طول ( ۱۹ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۳ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۹۵۲ ) .

## [ ۴۵۲ ] شرح تلخیص المفتاح مطول ( عربی )

این کتاب چنانکه گفته شد نیز تألیف تفتازانی است (۱) و بنابر ضبطی که در آخر  
نسخه شماره ( ۱۰۶۱ ) این فهرست و شماره ۲۹۷۷ کتابخانه گردیده ، در دوم  
رمضان سال ۷۴۲ تألیف آن شروع و در بیست و یکم صفر سال ۷۴۸ در هراة خاتمه یافته (۲)  
و از مشاهیر کتب در این موضوع میباشد ، و دانشجویان و دانشمندان با استفاده و افاده  
آن شوقی تمام داشته و دارند ، حواشی و تعلیقات بسیار بر آن نگاشته شده  
( ص ۳۲۳ - ۳۲۷ ج ۱ و ص ۴۸۰ - ۴۸۴ ج ۲ کشف الظنون ) و از چند حاشیه  
آن در ص ۴۰۰ و ۴۱۲ و ۴۹۶ این مجلّه معرفّی گردیده و مکرّر با حواشی در  
ایران و مصر و هندوستان چاپ گردیده .

آغاز : بسمله الحمد لله الذی الهمنا حقائق المعانی ودقائق البیان الخ .

(۱۰۵۸)

## مطول

این نسخه را سید احمد بن شیخ حمزه ( کدا ) بن شیخ ( کذا )  
منصور ، بخط نستعلیق بد ، سال ۸۶۰ نوشته ، بر کنار برگها  
تعلیقاتی از منلا زاده ، چلبی ، خطائی ، میرسید شریف و دیگران و مطالبی از شرح  
خطیب ( الايضاح ) و صحاح و غیره نگارش یافته ، پیش از ورود باین کتابخانه برگ  
(۱) در ص ۳۴۴ - ۳۴۶ همین مجلد شرح حال تفتازانی مؤلف این کتاب نگارش یافته .  
(۲) در ص ۲۲۴ ج ۱ کشف الظنون تاریخ اتمام این شرح مطابق آنچه در بالا یاد شده  
ضبط گردیده است .

نخستین نسخه افتاده و اولین سطر آن اینست : سطر منه عقد من الدرر و کان یعوقی عن ذالك الخ.

جلد تیماجی مستعمل . کاغذ دولت آبادی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۱۶۹) . صفحه ای (۲۷) سطر . طول (۱ - ۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱ - ۱۸ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۸۲) .

(۱۰۵۹)

این نسخه را بخط نسخ، صادق بن امین، بسال ۱۰۵۰ در مدرسه مطول جعفریه اصفهان نوشته، در حاشیه بر گها تعلیقاتی از مؤلف ابوالقاسم سمرقندی، چلبی، جمال الدین، شیخ الاسلام، سید شریف و غیر از اینها موجود و محتاج و صالحی و صحافی است.

جلد تیماجی . کاغذ اصفهانی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۳۱۱) . صفحه ای (۲۲) سطر . طول (۲۶ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۷۸) .

(۱۰۶۰)

این نسخه را بخط نسخ، عبدالله بن عبدالعلی جزائری، بسال ۱۰۸۱ نوشته، بر حاشیه بیشتر از اوراق تعلیقاتی از چلبی، ابوالقاسم سمرقندی، میرزا جان، سید شریف، جمال الدین، شرح مفتاح سید (الاطول)، صحاح و کشاف و غیر از اینها نگاشته شده، یادداشتی پشت برگ نخستین بوده آنرا محو کرده اند و برخی از برگها جرب شده است.

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۲۱۸) . صفحه ای (۲۴) سطر . طول (۱ - ۳۲ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۸۸) .

(۱۰۶۱)

این نسخه را بخط نسخ بسال ۱۰۸۲ در مدرسه مقیمیه شیراز (۱) نویسنده ای نوشته، تعلیقات و حواشی زیادی از مصنف و از

(۱) این مدرسه در جنوب غربی مسجد جامع عتیق (مسجد جمعه) شیراز متصل بمسجد مذکور واقع و در یکی از زلزله های سخت شیراز منهدم شده بتشویق بدرنگارنده آقای حاج شیخ بوسف دام ظلّه العالی و آقای حاج سید ابراهیم انوار (حاج مدرس) دام عمره مرحوم حاج میرزا علی محمد تاجر دهبشتی آن را در حدود سی سال پیش مجددا ساخت و نخستین سنگ بنای نوین آن را دو نفر عالم نام برده بدست خویش گذاردند و اینک از مدارس قدیمه آباد این شهر است.

شرح مفتاح میرسیّد شریف، چلبی، شرح کشاف مصنّف، صحاح اللغة، ابوالقاسم سمرقندی و غیر از اینها بخط شکسته نستعلیق بر اوراق آن نگارش یافته، پشت برگ نخستین یادداشتی بوده محو گردیده، و قفنامه کتاب جای آن نوشته شده و بر دو ورق کاغذیکه در آخر نسخه بوده مطالب متفرقه ای نگاشته اند.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سیه سالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۸۶). صفحه ای (۲۱) سطر. طول (۲۳  $\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر). عرض (۱۳ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۹۷۷).

(۱۰۶۲)

این نسخه را بخط نسخ، محمد ولی بن علی اصغر، بسال ۱۲۴۹ م مطول نوشته، پاره ای از برگها دارای تعلیقاتی از چلبی، شیخ الاسلام، ابوالقاسم سمرقندی، ابوتراب و خود مصنّف میباشد و بعضی از آنها هم محو گردیده است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سیه سالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۲۲۱). صفحه ای (۲۱) سطر. طول (۳۲ سانتیمتر). عرض (۲۲ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۹۸۳).

(۱۰۶۳)

این نسخه را محمد هادی بن محمد صادق حسینی، بسال ۱۲۵۹ م مطول بخط نسخ نوشته، بر کنار آخرین برگ و پشت برگ نخستین یادداشتی بوده محو گردیده، بعضی از صفحات حواشی بسیاری از چلبی، میر سیّد شریف، خواجه و خود مصنّف و غیره دارد.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سیه سالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۵۴). صفحه ای (۲۲) سطر. طول (۲۵ سانتیمتر). عرض (۱۵ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۹۸۰).

(۱۰۶۴)

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، نویسنده نام خود و سال نگارش را تذکیر نداده، ظاهراً در قرن دهم نگاشته شده و برخی از برگها دارای تعلیقاتی از عوشین نام برده بالا میباشد.

جلد میشن. کاغذ سمرقندی. واقف سیه سالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۹۱). صفحه ای (۲۰) سطر. طول (۲۵  $\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر). عرض (۱۷ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۹۷۹).

(۱۰۶۵)

مطول

این نسخه بخط نستعلیق بد خطی نگارش یافته، نام خود و سال نوشتن را معین ننموده، پشت نخستین صفحه قسمتی از آخر رساله سمرقندیه که پیش از وارد شدن این نسخه باین کتابخانه، بدان پیوسته بوده، موجود و تاریخ نگارش آن سال ۱۰۵۸ (۱۵۸ کذا) می باشد و خط این نسخه بدان تتمه شباهت دارد، بنابراین نویسنده هر دو یکی و از خطوط قرن یازدهم هجری می باشد، برگ آخر کتاب افتاده و آخرین سطر آن اینست: وفیه تهگم ولهدا وصفه بالرشید و اراد به القوی. بر کنار صفحات حاشیه های زیاد از عشین وجود دارد. جلد مقوایی. کاغذ کاهی. واقف سیه سالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۰۳). صفحه ای (۲۵) سطر ۰ طول (۲۵) سا نتمتر) ۰ عرض (۱۷) سا نتمتر) شماره کتابخانه (۲۹۷۶).

(۱۰۶۶)

مطول

در حاشیه شرح مختصر تفتازانی بر تلخیص المفتاح (مختصر) که در زیر شماره (۱۰۵۳) در ص ۴۱۸ و ۴۱۹ آنرا نام بردیم و دارای شماره (۲۹۵۹) کتابخانه می باشد و سال ۱۲۴۳ هجری بن عباس مورانی آنرا بخط نسخ و نستعلیق نوشته است، این کتاب نگارش یافته خصوصیات دگر نسخه در آن صفحه مراجعه گردد.

[ ۴۵۳ ] شرح سمرقندیه (عربی)

این شرح را بر رساله استعارات ابوالقاسم بن ابی بکر لیثی سمرقندی (۱) که به «سمرقندیه» مشهور است عصام الدین اسفراینی که در ص ۳۲۰ و ۳۲۱ بشرح حال و معرفی ایشان پرداخته ایم، تألیف نموده، چندین حاشیه نیز بر آن نگاشته اند (ج ۲ کشف الظنون ص ۱۷۹) و این شرحی مزجی و چون اصل آن مرتب در سه عقد و هر عقدی مشتمل بر فرائدی می باشد و در حدود (۶۰۰) بیت کتابت دارد و تا کنون چاپ نگردیده است. آغاز: بسم الله يقول العبد . . . ان احسن ما ي زاد به النعم الوافيه و يدفع به البليّة الخ.

(۱) در ص ۴۱۰ و ۴۱۱ «حاشیه مطول» که یکی از مؤلفات ایشان می باشد معرفی گردید و زمان حیات مؤلف نگاشته شد.

(۱۰۶۷)

شرح سمرقندیه این نسخه را محمود بن سلیمان بخط بد خویش بدون تاریخ نوشته، ظاهر آذر قرن یازدهم نگارش یافته، بر برگ سفیدیکه در آخر نسخه بوده چند دعاء بنقل از احیاء العلوم در دفع بلاء طاعون و غیره نوشته شده است.

جلد مقوایی. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع خشتی. شماره اوراق (۱۴) مختلف السطور. طول (۲۱ سانتیمتر). عرض (۱۵-۱۰ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۱۲۴).

[ ۴۵۴ ] شرح شواهد التلخیص (عربی)

(معاهد التنصیص)

مؤلف این شرح عباسی است (بدرالدین (۱) ابوالفتح عبدالحییم بن عبد الرحمن احمد شریف قاهری اسلامبولی شافعی  $۹۶۳\frac{۸۶۷}{۸۶۸}$ ) (۲) که از دانشمندان و ادباء نامی قرن نهم و دهم هجری بوده، در مصر متولد شده، نزد دانشمندان آنجا علوم ادبیه و حدیث و تفسیر را فراگرفت، بایکی از سفرای پادشاه آن هنگام مصر، به اسلامبول آمد، شرحیکه بر صحیح بخاری نوشته بود بسلطان بایزید خان پادشاه عثمانی اهدا نمود پادشاه جائزه خوبی بوی عطا فرمود و مدرسه ای که در قسطنطنیه خود بنا نموده بود بوی برگذار نمود، که در آنجا بتدریس حدیث اشغال ورزد، شریف نیز برفت و بوطن خویش برگشت چون سلسله پادشاه مصر منقرض گردید دوباره به اسلامبول آمد و تا آخر عمر آنجا بود، و روزی پنجاه درهم حقوق تقاعد بوی میدادند، در علوم ادبیه و حدیث و تفسیر توانا بود و آشنائی کامل بتاریخ و حضرات و قصائد عربی داشت و خطی نیکو و انشائی بلیغ و نظام خوبی دارا بود در شذرات استکه شرحی مفصل بر صحیح بخاری شروع کرد ولی ظاهراً بآخر نرسید و شرحی بر مقامات حریری دارد [خود مؤلف هم در معاهد التنصیص در ذیل شرح حال حریری

(۱) در نسخه شماره (۲۹۸۶) این کتابخانه لقب مؤلف زین الدین ثبت شده ولی در شذرات و معجم المطبوعات بدرالدین است.

(۲) شقائق الهمانیه ج ۵ ص ۴۵۹-۴۶۱ ج ۱ وفيات الاعیان، شذرات الذهب ج ۸ ص ۳۳۵ و ۳۳۶ و معجم المطبوعات ص ۱۲۶۷ ماخذ نگارش این شرح است.

(ص ۳۴۶ از نسخه خطی شماره ۱۰۶۸ این فهرست و شماره (۲۹۸۷) کتابخانه) بتألیف آن تصریح کرده [و حاشیه‌ای بر قسمتی از ارشاد در فقه شافعی و شرح خزر جیه در علم عروض و معاهد التنصیص (همین کتاب) تألیف نموده و این کتاب اخیر را خود وی اختصار بسیار خوبی کرده است .

این کتاب را مؤلف خود « معاهد التنصیص علی شواهد التلخیص » نامیده و در مقدمه گوید: « از جمله متن‌هایی که بخاطر سپرده بودم تلخیص المفتاح است که در باب خویش راحت روح میباشد و خداوند مؤلف آنرا بیامرزد و در آن از شواهد شعریه اشعاری است که بقدماء و مولدین نسبت داده میشود ولی بسیاری از آنها مجهول مانده و برخی بغلط بدیگری نسبت داده شده ، آنچه را که بر شواهد تلخیص تا کنون شرح نوشته اند ادا کننده حق آن ندیدم ، جز آنرا که جلال الدین سیوطی رحمه الله نوشته که آنهم پاک نویس نشده ، هماره میخواستیم که باینکار مبادرت نمایم ولی خویشان را شایسته آن نمیدیدم تا اینکه بالاخره تصمیم گرفته و بتألیف آن پرداخته و در انجام آن کوشش نمودم و در ذیل هر یک از شواهد آنچه مناسب بود از نظائر آن نیز آوردم و با تحقیق و تفحص بشرح حال و ترجمه گوینده ابیات شواهد پرداختم ، جز در مواردی که بترجمه آنها دست نیافتیم ( در این کتاب شرح حال ۹۹ شاعر دیده میشود و گذشته از مقام ادبیت تذکره بسیار مفید خوبی است ) و جد را باهزل توأم نموده ام .

مقدمه این کتاب را بنام سلطان سلیمان موشح نموده (۱) ( از سال ۹۳۶ تا ۹۷ سلطنت نموده است ) و پس از نقل هر یک از شواهد ، گوینده و مورد آنرا معین کرده و قسمتی از تتمه آنرا ذکر نموده و محل شاهد را در آن بیت معین کرده و نظائر آنرا هم می آورد ، پس از آن بشرح حال و ترجمه گوینده آن پرداخته و باخر میرساند و بهمین

(۱) دیباچه دو نسخه این کتابخانه با یکدیگر مختلف و نسخه شماره ( ۲۹۸۷ ) باسم سلطان سلیمان موشح گردیده و دیباچه نسخه دیگر بنام ابوالبقا محمد بن شا کر بن جیعان موشح شده و تصریح گردیده که برای کتابخانه ایشان تألیف گردیده و آغاز این دیباچه اینست : بسمه قال - الشیخ الامام . . . . . زین الدین عبد الرحیم بن وجیه الدین عبد الرحمن بن احمد العباسی القا هری الشافعی . . . . . الحمد لله الذی اطاع فی سماء البیان اهالة المعانی الخ .



نحو تا آخر کتاب رفته است و بسال ۱۲۷۴ و ۱۳۱۶ دوبار در مصر چاپ شده است .  
**آغاز :** بسملة الحمد لله الذی جعل العقل مفتاح العلوم و مدرك معانی المنطوق  
 و المفهوم الخ .

(۱۰۶۸)

**شرح شواهد تلخیص**  
 این نسخه بخط نسخ خوب بسال ۱۲۶۵ نوشته شده ، شواهد  
 و اسامی شعر او عناوین مطالب را با شنیچرف نوشته اند و بر ورقیکه  
 پیش از برگ نخستین کتاب میباشد نام شعرائیکه در این کتاب  
**(معاهد التنصیص)** شرح و ترجمه حالات آنها نگارش یافته با تعیین صفحات مندرجه  
 در آنها ثبت گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۲۳۱) . صفحه ای  
 (۲۹) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۸۷) .

(۱۰۶۹)

**شرح شواهد تلخیص**  
 این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، کاتب نام خود و سال  
 نگارش را معین نموده ، ولسی مسلماً در قرن سیزدهم هجری  
 بوده و اسامی شعرائیکه شرح حالشان در این کتاب میباشد ،  
**(معاهد التنصیص)** بر درون جلد کتاب نگارش یافته است .

جلد تیماجی . کاغذ رنگی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۲۳۱) . صفحه ای  
 (۲۸) سطر . طول (۳۴ سانتیمتر) . عرض (۲۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۸۶) .

[ ۴۵۵ ] **شرح شواهد مطول ( عربی )**

این شرح را کمال الدین محمد بن معین الدین محمد فدشکوئی (۱) فسائی (۲)  
 مشهور به میرزا کهالا که یکی از فضلا و علماء امامیه در قرن یازدهم و دوازدهم (۳)  
 هجری بوده و داماد علامه مجلسی میباشد ، بر ایات و شواهد موجوده در مطول

(۱) فدشکو یکی از دهات فسا می باشد که از شهرهای کوچک فارس است .

(۲) روضات ص ۱۷۰ ج ۳ ، فارسنامه ناصری گفتار دوم ص ۲۳۰ و الفیض القدسی در ذیل نام  
 (و مختصر احوال) چهارمین دختر مرحوم مجلسی .

(۳) صاحب فارسنامه که خود نیز فسائی بوده وفات ایشان را صریحاً معین نموده و گوید در حدود  
 هزار و صد و اند وفات کرده و صاحب روضات گوید از علماء اوائل سده دوم پس از هزاره میباشد .

تفتازانی بسال ۱۰۹۶ (۱) نوشته و نظیر « معاهد التنصيص » مذکور در ص ۴۲۴-۴۲۶ میباشد، باین معنی که پس از نقل بیت یا مصراع استشهاد شده مختصری از شرح حال گوینده آن نگاشته شده و پس از آن تتمه بیت یا مصراع و اینکه در چه مورد انشاء گردیده و معانی لغات و الفاظ مشککه در آنها بیان گردیده است.

در روایات و فارسانه ناصری و الفیض القدسی شرح شافیه ابن حاجب (۲) و در دو مأخذ اول شرح قصیده دعبل خزاعی نیز به ایشان نسبت داده شده و هیچیک این کتاب (شرح شواهد مطول) وی را تذکر نداده اند و در مقدمه این کتاب حواشی و تعلیقاتی بر مطول، بخود نسبت داده اند.

فهرست کلیه ابیات اصلی و فرعی این شرح را دانشمندی (از خود نام نبرده) بترتیب حروف تهجی مرتب نموده و نسخه زیرین دارای آنست.

این شرح تا کنون چاپ نشده و در حدود (۲۵۰۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسملة الحمد لله الذی نظم سلسلة الوجود نظماً کاملایس فیه انشلام الخ.

(۱۰۷۰)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده، کاتب نام خود را نبرده، ظاهر از خطوط قرن سیزدهم هجری میباشد، بسال ۱۲۹۲ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده، فهرست نام برده بالا در ده برگ پیش از اصل کتاب گذارده شده و برگهائی ننوشته اول و آخر نسخه و میان دو قسمت مذکور میباشد.

جلد نیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سیه سالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۲۱۷). صفحه ای (۲۵) سطر. طول (۳۰.۱/۴) سانتیمتر. عرض (۱۸) سانتیمتر. شماره کتابخانه (۲۹۸۹).

[ ۴۵۶ ] شرح معانی و بیان و بدیع مختصر (عربی)

این رساله یا کتاب شرحی مختصر بر یکی از متون مختصره در علم معانی و بیان

(۱) این تاریخ در آخر نسخه این کتابخانه میباشد و نویسنده بان قناعت نموده و تاریخ کتابت را نگذارده ولی مسلماً نسخه در قرن سیزدهم نگارش یافته است.

(۲) نسخه ای از این شرح در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران موجود است.

و بدیع میباشد ، بادقت زیاد نام متن و شرح و مائن و شارح بدست نیامد مسلماً متن تلخیص المفتاح و میزان البلاغه و دور ساله ای که ضمیمه مجموعه شماره (۹۶۸) کتابخانه میباشد نیست ، چنانکه از نقل قسمتی از آن بدست می آید متن و شرحی لطیف و متین میباشد ، علم معانی را در چهار باب ذکر و هر يك از معانی و بیان و بدیع را بنام علم معرفی کرده ، برای نمونه پاره ای از ابتداء علم بیان را با امتیاز متن از شرح در اینجا می آوریم : العلم الثانی علم بیان :

التشبيه في اللغة والاصطلاح تشريك امر وهو المشبه لآخر وهو المشبه به فإيما في وصف له اختصاص بهما ليخرج زيد كالاسد في الحيوانية وغيرهما من الصفات العامة ويق له وجه الشبه بإداة أي الكاف وكان ومثل وشبه وغيرهما من الاسماء المشتقة منها وإليها الثاني وهو المشبه به غالباً قيد به ليخرج ما إذا كان المشبه مركباً لم يعبر عنه بمفرد كقوله تد واضرب لهم مثل الجبوة الدنيا كماء انزلناه من السماء فاختلط به نبات الأرض فاصبح هشيماً تذروه الرياح. فان المشبه به ليس هو الماء وحده بل حالها من انه اذا نزل نماء الأرض وانبتت حتى يختلط بعضها مع بعض لكثرة ما تم يقف الغلات سرباً مع انه ولي الكاف بخلاف قوله تم مثل الذين حملوا النورية ثم لم يحملوها كمثل الحمير يحمل اسفاراً فان المشبه به وان كان مركباً ولكن عبر عنه بمفرد وهو المثل فكل من الاولين وهو المشبه والمشبه به إما مفرد حقيقي الخ .

قسمتی که نسخه زیرین شامل آن میباشد در حدود (۷۰۰) بیت و شاید تمام آن (۱۵۰۰) بیت بوده است .

(۱۰۷۱)

این نسخه در آخر شرح صغیر صمدیه سید علیخان کبیر میباشد  
 که سال ۱۲۵۹ نگارش یافته و در ص ۳۵۵ زیر شماره  
 معانی و بیان و بدیع (۹۷۲) معرفی از آن شد و در کتابخانه زیر شماره (۳۱۴۹) میباشد ،  
 مختصر قسمتی از علم معانی ( تقریباً دو باب از چهار باب ) و پاره ای  
 از علم بدیع آن افتاده و آغاز نسخه اینست : اهل الدنيا والمتعسر للكثرة نحو  
 علماء العراق اول الزوم النرجیح .

وانجام این : ثم اعلم ان الطباقي اما ان يكون اللفظين متوافقين في التسمية والفعلية .

[ ۴۵۷ ] مفتاح المفتاح = شرح مفتاح العلوم (عربی)

این کتاب تألیف قطب الدین شیرازی است (ابوالثناء محمود بن مسعود بن مصلح شیرازی الشافعی ۶۳۴-۷۱۰) (۱) که از مشاهیر حکما و اطباء قرن هفتم هجری بوده و شاگردی حضرت خواجه نصیر الدین طوسی را نموده و در دستگاه هولاکو و اعقاب وی راه یافته و بنام سفارت او را بمصر و روم فرستاده اند، مردی ظریف و خوش ادا بوده، صاحب روضات از سلم السموات ابوالقاسم کازرونی و صاحب هفت اقلیم نقل کرده اند که روزی اتابک سعد زنگی در عنقوان جوانی خویش بتمشایی ساختمان مسجد جامع (۲) که خود او بانی آن بود، رفت علما هم آنروز در آنجا جمع بودند، قضا را ادک گلی از دست بنا دررفت و بر رخسار سعد نشست، قطب الدین فوراً گفت: يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا. سعد رو بسعدی کرد که پسر خواهر قطب الدین بود و نیز از حصار و پرسید که چه گفت، شیخ نیز بی درنگ گفت: وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا. سعد از این سرعت انتقال و حاضر جوابی سعدی بسیار مشعوف شد و بر آن جسارت ترتیب اثر نداد. و نیز در روضات است: که چون قطب در شهری غریب بود و روز گارش سخت میشد خود را کافرو طالب دین اسلام و دارای نورایمان معرفی میکرد، مردم اطراف وی گرد می آمدند و هر يك تحفه ها میدادند که دین مقدس اسلام را بپذیرد و از این رهگذر دارائی خوبی بدست میآورد، یکبار پسر خواهرش شیخ سعدی گذارش بشهری افتاد که قطب در آنجا این نیرنگ را ریخته بود و آنچه از وی شنیده بود بچشم خویش بدید، بزبان دهاتی شیراز، که مردمان ندانند چه گفته شد، بدو گفت، قَطُّبُو تُو هرگز مسلمان نمی به. یعنی ای قطب تو هرگز مسلمان نمیشوی.

(۱) در روضات ج ۳ ص ۱۸۳ ذیل قطب رازی و ص ۷۱ ج ۴ ذیل خواجه نصیر طوسی و ص ۲۱۴ بنام محمود بن مسعود، طبقات الشافعیه ج ۶ ص ۲۴۸، هفت اقلیم نسخه خطی مدرسه ص ۷۹ و ۷۸، طبقات الحنفیه در حاشیه ص ۱۲۶، بغیة الوعاة زیر نام محمود بن مسعود و تاریخ گزیده زیر نام قطب الدین محمود در فصل پنجم از باب پنجم شرح حال این دانشمند نگاشته شد.

(۲) این مسجد ایستاد از مساجد معموره شیراز و معروف بمسجد نو در مقابل مسجد جامع عتیق (مسجد جمعه) میباشد.

سیوطی در بغیه و دیگران بنقل از وی نوشته اند که قاضی سیواس و ملطیه گردید و از آنجا بشام آمده و به تبریز رفته و در آنجا بتدریس علوم عقلیه و حدیث پرداخته و جامع الاصول را از صدرالدین قونوی از یعقوب هندیانی از مصنف آن روایت نموده و با آنکه با پادشاهان آمد و رفت داشت از زیّ درویشی دست برنداشت و بازی شطرنج را بسیار دوست میداشت و چنگ را خوب می نواخت و شعبده را بخوبی میدانست و از هوشمندان جهان و دانشمندان دوران بود و فقها را فروتنی مینمود و نماز جماعت را ترك نمیگفت و چون کتابی تألیف مینمود روزه می گرفت و شبی را احیاء میداشت و هر چه مینوشت منقح بود و پاکیزه و محتاج به پاك نویس نبوده انتهی (عجب مرد عجیبی بود و چگونه میان لهو و لعب و علوم و فضائل و عبادت و ریاضت که ضدان مُفترِّقانِ آئی تفرّق میباشند جمع کرده است) صاحب روضات گوید گاهی شعر میگفته و از اشعار عربی و فارسی وی چند بیت زیرین را نقل نموده:

ایا ربّ تَخْلُقْ ما تَخْلُقْ	وَتَنْهِي عِبَادَكَ أَنْ يَمُشِقُوا
خَلَقْتَ الْمِلَاحَ لَنَا فِتْنَةً	وَقُلْتَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَاتَّقُوا
إِذَا كُنْتَ أَنْتَ خَلَقْتَ الْمِلَاحَ	قُلْ لِلْمِلَاحِ بِنَا يَرْفُقُوا



يك چند بیاقت تر آلوده شدیم      يك چند پی زمرد سوده شدیم  
 آلودگی بود ولیکن تن را      شستیم بآب توبه و آسوده شدیم

و از مندرجات در مقدمه شرح کلمات قانون معلوم میشود که در بیمارستانهای شیراز و فارس و دیگر جاها بتحصیل علم طب و عمل کجالی اشتغال داشته است .

گذشته از لقب قطب الدین، این دانشمند در میان فضلاء به علامه شیرازی معروف میباشد و درباره وی نوشته اند که در آخر عمر از مرادۀ بالمرآه خودداری نموده بفکر خویش افتاد و بعبادت و تلاوت قرآن کریم و تدریس آن و تفاسیر و امثال این امور پرداخت و در رمضان سال ۷۱۰ به تبریز در گذشت و در همانجا بخاك سپرده شد .

مؤلفات قطب الدین شیرازی بدین تفصیل میباید : شرحی بر کلمات قانون ابوعلی سینا (۱) که جامع مطالب چندین شرح میباشد و مقدمه ای بسیار نفیس دارد و در آنجا نسبت به حضرت خواجه نصیر تجلیل فراوان نموده و دیگر شرح حکمت الاشراق (۲) و شرح مختصر الاصول ابن حاجب، درة التاج لغرة الدیاج (۳)، نهاية الادراک، تحفة الشاهیه (۴)، شرح رساله ای در هندسه (۵)، شرح مفتاح العلوم (همین کتاب) و غیر از اینهاست (۶).

مفتاح العلوم یکی از معارف کتب ادبیه و مؤلف آن سراج الدین ابویعقوب یوسف بن محمد بن علی السکاکی الخوارزمی (۵۵۵-۶۲۶) است که نیز از مشاهیر علما و ادبا بوده و مفتاح العلوم وی مشتمل بر دوازده علم میباشد، قسم سوم این

(۱) نسخه ای بسیار نفیس از این شرح آقای استاد معظم تنکابنی دارند و نسخه ای از آن در این کتابخانه بشماره (۸۴۵) موجود است.

(۲) این کتاب در تهران بسال ۱۳۱۵ هجری قمری در طهران چاپ گردیده است.

(۳) در تاریخ گزیده و ص ۱۸۳ ج ۲ روضات نام این کتاب « غرة التاج » ضبط گردیده ولی در مقدمه خود نسخه تصریح گردیده که آنرا « درة التاج لغرة الدیاج » نام نهاده و این کتاب را که شامل بسیاری از علوم معقوله و منقوله بر زبان فارسی است وزارت معارف از سال ۱۳۱۶ شروع به چاپ نموده و امید است که بسال ۱۳۱۸ منتشر گردد.

(۴) نسخه این کتاب را استاد معظم آقای تنکابنی هد ظله العالی دارند.

(۵) نسخه ای از این مؤلفه در کتابخانه مجلس شورای ملی در مجموعه ایست که در ج ۱ فهرست خطی زیر شماره (۶۴۲) معرفی گردیده است.

(۶) صاحب روضات « رساله ای در تصور و تصدیق » بایشان نسبت داده و گوید که مطالب آن دال بر کمال اطلاع و احاطه مؤلف بر مباحث عقلی است ولی در این نسبت منفرداند و ظاهراً این رساله تالیف قطب الدین رازی معاصر قطب شیرازی است نه از این اخیر و حاجی خلیفه در ص ۵۴۴ ج ۱ این رساله را نام برده و گوید مؤلف آن مؤلف شرح مطالع است و مؤلف الفوائد البهیه در حاشیه ص ۱۲۶ تالیف آنرا نسبت بقطب رازی داده و گوید آنرا مطالعه کرده ام. و نسخه ای از این رساله در ابتداء مجموعه ایست که بشماره (۳۸۷۸) در این کتابخانه میباشد و نویسنده صریحاً تألیف آنرا به قطب رازی نسبت داده است.

(۷) بصفحه ۲۳۱ الفوائد البهیه و ص ۱۲۲ ج ۵ شذرات مراجعه شود و در مآخذ اول وجه نسبت و معروفیت سراج الدین به سکاکی تصریح شده و ترجیح داده که از ماده سکه باشد.

کتاب در علم معانی و بیان است، چند نفر این قسم سوم را تلخیص نموده و یکی از آن خلاصه ها تلخیص خطیب قزوینی است و بسیاری از علما و دانشمندان بشرح آن پرداخته و جمعی نیز بر آن شروح و حواشی و تعلیقات نگاشته اند (ص ۳۲۳-۳۲۷ ج ۱ و ص ۴۸۰-۴۸۴ ج ۲ کشف الظنون مراجعه شود).

قطب الدین شیرازی فقط بر قسم سوم آن شرحی مزجی نگاشته و آن را «مفتاح المفتاح» نام گذارده و از شروح بسیار مفید و سودمند میباشد در حدود (۳۰۰۰) بیت کتابت دارد و تا کنون چاپ نشده، حاجی خلیفه گوید بهترین شروح بر این قسم سوم سه شرح است اول شرح قطب الدین شیرازی و دوم شرح تفتازانی (مطول) سوم شرح سید شریف جرجانی است که بنام «مصباح» میباشد و سال ۸۰۳ در ماوراءالنهر تألیف آن بانجام رسیده و نیز گوید که پشت نسخه ای از شرح مفتاح نوشته شده نخستین کس که مفتاح العلوم را شرح کرده شمس الدین معزی متوفی سنه ۷۰۰ بود و پس از آن شیرازی است.

آغاز: بسم الله الذي اختص نوع الانسان بالنطق والفصاحة الخ.

(۱۰۷۲)

این نسخه بخط نسخ نوشته شده، نویسنده نام خود و سال نگارش را معین ننموده، بقرینه کاغذ و خط از نسخ قرن هشتم هجری میباشد، حاشیه بعضی از برگها دارای ثمر طوبت و موریانه ضایع و سوراخ گردیده و یاد داشتهائی بخط عماد بن قطب الدین که ظاهر از علمای اوائل قرن نهم هجری بوده، پشت صفحه نخستین موجود و متن کتاب باشیخرف نوشته شده است.

جاء تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۴۴۸ ) . صفحه ای ( ۲۵ ) سطر . طول ( ۲۶ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۸ سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۲۹۹۱ ) .

[ ۴۵۸ ] منظومه معانی و بیان و بدیع ( عربی )

این منظومه قسمتی از الفیه ابن الشیخیه است که در ده علم میباشد، و با کمال استادی و مهارت مطالب مهمه علم معانی و بیان و بدیع را در یکصد بیت جا داده،

ناظم از خود نام نبرده ولی در «مجموع المتون الکبیر» که بسال ۱۳۴۰ در مصر چاپ گردیده این منظومه باتصریح باینکه ناظم آن ابن الشحنة است درص ۳۶۳-۳۶۹ آن گذارده شده و بدین کنیه چهار نفر مشهوراند (درص ۱۳۴-۱۳۷ معجم المطبوعات نام و مؤلفاتی از ایشان که چاپ گردیده تذکر داده شده است و در شذرات الذهب ج ۷ ص ۱۱۳ و ص ۳۴۹ دو نفر از ایشان و در ج ۸ ص ۹۸-۱۰۰ یکی از آنها را نام برده و با تفحص در این دو مجلد که بایستی نام چهارمی از اینها باشد آنرا نیافتم) و در اینجا شرح حال صاحب این منظومه را از شذرات (ص ۱۱۳ ج ۷) ترجمه مینمائیم:

محب الدین ابو الولید محمد بن محمد بن محمود بن غازی بن ایوب بن الشحنة محمود مشهور به ابن الشحنة ترکی الاصل و حلبی الموطن و حنفی المذهب، بسال ۷۴۹ متولد شده و قرآن و بسیاری از متون را حفظ نموده و در فقه و اصول و نحو و ادب برجستگی داشته .... و خط نیکو مینوشته و شعر خوب میگفته (چهار بیت وی را نقل کرده) و نیز گوید که قاضی علاء الدین در ذیل تاریخ حلب گوید: او را الفیه ای در رجز است که مشتمل بر ده علم میباشد و او را الفیه دیگر است که منظومه نسفی را در آن مختصر کرده و مذهب امام احمد را بدان ضمیمه نموده و او را تألیف دیگری در فقه و اصول و تفسیر میباشد و بسال ۸۱۵ (۱) مرده است انتهى . چنانکه درص ۹۸-۱۰۰ ج ۸ شذرات گفته شده: عبد الله بن محب الدین محمد بن محب الدین معروف به ابن شحنة که نوه ابن شحنة مؤلف الفیه میباشد این الفیه وی را که در ده علم انشاشده، شرح کرده است .

گذشته از اینکه این منظومه در «مجموع المتون الکبیر» در مصر چاپ شده

(۱) در حاشیه ص ۵۱ الفوائد البهیة فی تراجم الحنفیه وفات ابن مؤلف (ابن الشحنة) را بسال ۸۱۷ معین نموده و گوید که ابن حجر گوید او را تصنیفی در سیره پیغمبر اکرم و تاریخی لطیف میباشد، مؤلف الفوائد گوید که تاریخ وی تا حوادث سال ۸۰۶ را دارد و در حوادث سال ۸۰۳ سؤال و جوابهاییکه میان ادو امیر تیمور گورکان در هنگام غلبه وی بر حلب رد و بدل شده ضبط گردیده است (ابن تاریخ بنام «روضة المناظر فی اخبار الاوائل والاواخر» میباشد و بسال ۱۲۹۰ در بولاق در حاشیه تاریخ کامل ابن اثیر چاپ شده است).



سال ۱۳۱۹ شیخ احمد شیرازی در طهران آنرا با چند رساله دیگر چاپ نموده و در فهرست آن نوشته که ناظم آن مجهول است .

آغاز: بسمه الحمد لله و صلی الله علی رسوله الذی اصطفاه (۱)

انجام: براءة استهلال و انتقال حسن الختام انتهی المقال .

(۱۰۷۳)

این نسخه بخط نسخ و بعضی ابیات آن بخط نستعلیق نوشته منظومه معانی شده و ملحق بآخر نسخه‌ای از مختصر تفتازانی است که در این و بیان و بدیع کتابخانه دارای شماره (۲۹۷۵) میباشد و در ص ۱۷ زیر شماره (۱۰۴۸) از آن معرفی گردید.

[ ۴۵۹ ] میزان البلاغه و تبیان الرشاقه ( عربی )

این کتاب که بدین نام نامیده شده مختصری در معانی و بیان و بدیع میباشد و بسیار ادبیانه است ، و بزرگ مقدمه و سه باب و خاتمه ای تقسیم گردیده و هر یک از ابواب نیز خاتمه ای دارا و تمام کتاب (۱۰۰) بیت کتابت دارد، مؤلف در مقدمه خود را چنین معرفی کرده: فبقول العبد الودود للعلماء الربانیة . . . (۲) المدعو با کبریا بنه الله عن الهمزة الشیطانیة الخ . و در آخر کتاب تاریخ تألیف را چنین معین نموده: و اتفق الفراغ فی الرابع من الثاني من الرابع من الثاني من الرابع من الثاني من الثاني (۳) من الهجرة النبویه صلی الله علیه و آله خیر الیرید بعدما القانا ایادی القضا و حبال الهوی

(۱) زیر این بیت بخط شکسته نستعلیق که ظاهر آن خط «ختم آن قوام الدین فروغی» (در ج ۱ فهرست ص ۶۱۸ شرح حال مختصر ایشان نوشته شده) است این بیت نگاشته شده: الحمد لله الذی هدانا الی سبیل الحق والایمانا و یس از بیت دوم نیز بهمان خط بکارش بافته: و بعدا لعبد قوام الدین یقول للمستعصر الزامن .

(۲) در نسخه بجای این سه نقطه حالی مانده که با شرحی نوشته شود و از قرینه معلوم می شود که علی بوده بنا براین مؤلف علی اکبر نام می باشد ولی بدین نام و نشان در عالم کسی را نیافتم و بنام محمد اکبر در تذکره خوشگور کسی نام برده شده و گویند که در زمان شاه عباس ماضی مستوفی الممالک بوده . ولی بکارشده تصور نمیکند که این شخص مؤلف این کتاب باشد .

(۳) بنا براین در ساعت ۴ روز ۲ هفته ۴ ماه صفر ۱۱۳۴ تألیف گردیده است .

ایاماً الی الی الی الی : لوسئلو اعنکم متی قد صنفنا انانئیت فی الی الی الی (۱).  
از مقدمه و آخر کتاب بخوبی معلوم میشود که مؤلف از علماء امامیه بوده  
و خود نام آنرا « میزان البلاغه و تبیان الرشاقه » گذارده است .  
آغاز : بسمله الحمد لمن اخبرنا دقائق حقائق التبیین والشکر لمن ارادنا الخ .

(۱۰۷۴)

میزان البلاغه این نسخه بخط نسخ نوشته شده، شاید خط مؤلف باشد، زیرا بیت  
نام برده بالا شماره ای روی کلمه سنه نوشته شده که ۱۱۱۴  
خوانده میشود و پائین صفحه این بیت بخط نویسنده نسخه است :

در آن مدت که مسارا وقت بد بود ز هجرت ده صدوده چار و صد بود (۲)  
و بنا بر اینکه مراد از ده چهار چهل باشد میتوان آنرا ۱۱۴۰ بحذف صفر  
مرتبه آحاد آن ( چنانکه در میان نویسندگان گذشته بسیار شایع بوده است ) دانست  
و يك در مرتبه آخر را چنانکه اندکی هم ظاهر است دنباله هاء سنه تصور نمود .  
جلد مقواتی . کاغذ سمرقندی . واقف سیمسالار . قطع بغلی . شماره اوراق ( ۱۹ ) . صفحه ای  
( ۱۶ ) سطر . طول ( ۱۶ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۰ سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۲۹۵۱ ) .



(۱) هرگاه الف انا و دوایه در نیت و فی را بحساب در نیاوریم ۱۰۳۴ و اگر نه ۱۰۵۵ خواهد  
شد و بنا بر آنچه ذکر نمود پس از این تاریخ تالیف شده است .  
(۲) ظاهر اینست که مراد از ده چهار در این بیت چهل میباشد بنا بر این احتمال دومین مذکور  
بالا درست خواهد بود و اگر بگوئیم مراد از ده چهار ، چهارده میباشد چنانکه منوچهری در  
قصیده ایکه مطلع آن اینست :

ای لعبت حصاری کاری دیگر بدای  
مجلس چرانسازی باده چرانباری  
گفته : من کیستم که بر من نتوان دروغ گفتن  
نه قرص آفتابم نه ماه ده چهری  
بنابرین تاریخ یکسال ۱۱۱۴ را میسازند درست ولی تاریخ مذکور بمبارتیکه مؤلف در تاریخ  
تالیف انشاء نموده درست در نمی آید « بنا برین جمع میان این دو را بدانشمند ان بزرگوار  
بر گذارمینماید .

## عروض و قافیه

کتاب عروض و قافیه از بهتئی بایستی در فصل پیشین گذارده شود و از لحاظ اینکه راجع باشعار میباشد بایستی آنها را در ضمن فصل بعد گذارد ولی بهتر آنستکه آنها را چنانکه در مقدمه جلد نخستین پیش بینی کرده ایم، در فصل جداگانه و میان دو فصل نام برده جاداد، نسخ عروض و قافیه این کتابخانه (جز یکی دونسخه آن) در چند مجموعه میباشد، و بنابر آنچه در مقدمه نام برده گفته ایم بایستی مجموعهات را در مجلد چهارم معرفی نمود ولی در این فصل این چند مجموعه را استثناء در زیر عنوان «مجموعه عروض و غیره» معرفی مینمائیم.

### [ ۶۰ ] الجوهرۃ الثانیة فی اعار یض الشعر (عربی)

این کتاب یکی از اجزاء (۱) کتاب «العقد الفرید» (۲) میباشد که از معاریف کتب ادبی و مؤلف آن ابن عبد ربّه است (ابوعمر احمد بن محمد بن عبد ربّه بن حبیب حدیر بن سالم قرطبی) (۳) اندلسی ۲۴۶-۳۲۳ (۴)، این دانشمند از آنهایی است که

(۱) در ابتداء جزء چهارم العقد الفرید میباشد و از چاپ سال ۱۳۴۶ آن صفحات ۳۴-۸۷ شامل آنست.

(۲) و این کتاب تا کنون پنج بار در مصر چاپ شده و چاپ سال ۱۳۴۶ آنرا که در چهار مجلد میباشد این کتابخانه دارد و در بیروت مختصر آن دوبار چاپ شده است.

(۳) قرطبی بنا بقصر یح ابن خلکان بضم قاف و سکون راء مهمله و ضم حاء مهمله و در آخر آن باء موحده باهاء، منسوب به قرطبه است که شهر بزرگ و پای تخت اندلس میباشد.

(۴) این شرح حال با مراجعه به ص ۳۲ ج ۱ و فیات الاعیان و بغیه الوعاة زیر نام احمد و شذرات ص ۳۱۲ ج ۲ و معجم المطبوعات العربیه ص ۱۶۲ نگاشته شده.

محفوظات بسیار داشت و بر حالات و اخبار مردم اطلاعی بی شمار بدست آورده و از آنها در عقدالفرید نمونه هائی بیادگار گذارده و او را دیوان شعر خوبی است، ابن خلکان ابیاتی از ایشان در وفيات الاعیان آورده و خود در العقدالفرید نیز ابیات زیادی از خود نقل نموده و ارجوزه ای در فرش عروض دارد که در همین کتاب (الجوهرة الثانیة) آنرا جای داده است.

این کتاب را که در عروض وقافیه میباشد در (۱۶) باب مرتب نموده و پس از هر مطلب مهمی بشرحی از پیشینیان که خلیل بن احمد (متوفی بسال ۱۶۰ یا ۱۷۰ یا ۱۷۵ هـ) باشد و اولین کس است که در علم عروض تألیف نموده) بدان استشهاد نموده و یا از گفتارهای بزرگان ادب چون امرء القیس و دیگران آن تمثیل جسته و خود در مقدمه آن گوید: تمام قواعد عروضی را در این کتاب که آنرا در دو جزء قرار داده ام، گذارده شده، باین معنی که قسمت اول در فرش (۱) و دوم در شمال است.

این کتاب یار ساله در حدود (۱۶۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: (فرش کتاب الجوهرة الثانیة فی اعاریض الشعر و علل القوافی) قال ابو عمر احمد بن محمد بن عبدربه قدمضی قولنا فی فضائل الشعر و مقاطعه و مخارجه و نحن قائلون بعون الله و توفیقه فی اعاریضه و علمله و ما یحسن و یقبح و زحافه و ما الخ.

(۱۰۷۵)

الجوهرة الثانیة این نسخه ضمیمه نسخه ای از کتاب تصریح میباشد که محمد باقر بن ملا ولی استرآبادی بسال ۱۰۹۶ نگاشته و درص ۳۱۱ زیر شماره (۹۲۳) از آن معرفی گردید و در این کتابخانه دارای شماره (۳۲۱۶) است و ظاهر آنکه مسلماً این نسخه نیز خط همان نویسنده است.

[ ۴۶۱ ] حدائق الحقائق (فارسی)

این کتاب تألیف شرف الدین رامی است (حسن بن محمد رامی تبریزی متوفی

(۱) فرش نیز از اصطلاحات قرآن کریم میباشد و چنانکه از قاموس اللغة استفاده میشود (باب الشین فصل الغاء) درست تلفظ کردن و ادا نمودن کلمات است.

بسال ۷۹۵) (۱) که از شعرای نام دار و نثر نویسان بالشتهار قرن هشتم هجری بوده و ملك الشعرای شاه منصور (بسال ۷۹۵ در جنگ با امیر تیمور کشته شده) (۲) آخرین پادشاه آل مظفر گردیده و کتاب لطیف انیس العشاق را که از نفائس کتب فارسی میباشد و اوصاف سر تاپای دلبرها را بیان نموده، نیز از مؤلفات اوست و مداح خواجه فخر الدین ماستری بوده و قصائدی در مدح وی گفته و نیز يك رباعی که نام و لقب وی از آن بدست می آید انشاء نموده (۳).

این کتاب که بنا بر تصریح در مقدمه آن و کتب تذکره بنام «حدائق الحقائق» (۴) نامیده شده و شرح حدائق السحر رشید و طواط شاعر معروف میباشد و بفره‌ان سلطان اویس ایلکانی (۵) تألیف گردیده (بنا بر این پیش از سال ۷۷۶ تألیف گردیده است) ولی شرح بر تمام مندرجات آن کتاب نیست فقط از هر موضوعی بخشی از آن را با تغییر برخی از الفاظ و عبارات آن ذکر و پس از آن در توضیح آن بیانی نموده و شواهدی

(۱) ص ۱۷۸ و ۱۷۹ تذکره دولتشاه سمرقندی نسخه خطی این کتابخانه ص ۱۸۹-۱۹۱ دانشمندان آذربایجان مراجعه شود و در این کتاب اخیر قسمتی از قصیده وی که در مدح فخر الدین ماستری میباشد نقل گردیده است.

(۲) این تاریخ را دولتشاه سمرقندی در تذکره خویش تصریح نموده (ص ۱۷۹ نسخه خطی این کتابخانه).

(۳) رباعی نام برده اینست:

خارست جهان یش نوال بکسر      فخر است ز القاب تو دین را و خطر  
تو کان محامدی و از فرط کهر      زالماس ضمیرت سپری شد خنجر

(۴) در مقدمه نسخه این کتابخانه و در تذکره دولتشاه و دانشمندان و مقدمه استاد دانشمند آقای اقبال آشتیانی بر حدائق السحر نام این کتاب، حدائق الحقائق، ثبت گردیده ولی در مقدمه نسخه مجلس «حقائق الحدائق» نامیده شده و در ص ۴۶۱ ج ۱ کشف الظنون نیز بدین نام نامیده شده و در ص ۴۲۱ ج ۱ نیز همین کتاب را معرفی نموده ولی نام آن را «شقائق الحقائق» ضبط کرده و گذشته از این اغلاطی چند دارد که بی اهمیت نیست و در رساله «کشف العیون فی اغلاط کشف الظنون» آنها را تذکر داده ام.

(۵) در ص ۲۴۱ ج ۶ تذرات الذهب در شمار مردگان سال ۷۷۶ گوید از آنها اویس بن شیخ حسین بن حسن میباشد که پادشاهی عادل و باشهامت و شجاع و خیر و دوستدار کارهای نیک بود، نوزده سال سلطنت کرد و سی و هشت سال زندگانی نمود الخ.

از اشعار پارسی خود و شعرای متقدم و معاصر آورده و در تمام آن بیتی عربی نیست و مطالبی هم بر مطالب رشید در اصطلاحات متأخرین در این فن اضافه نموده و در قسم اول گفته‌های رشید را در پنجاه باب شرح داده و در قسم دوم اصطلاحات متأخرین را در ده باب گذارده و در حدود (۱۲۰۰) بیت کتابت دارد.

آغاز: بسمله بعد از حمد و صلوات بیعت چنین گوید اقل شعرا شرف بن الخ .  
انجام: همیشه تابود افلاك وانجم - معز الدین اویس بن حسن باد .

(۱۰۷۶)

**حدائق الحقائق** این نسخه بخط نسخ نوشته شده، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده، ظاهراً نگارش نزدیکتر از قرن یازدهم هجری نیست، در ص ۳۸ یاد داشتی بتاریخ ۱۱۵۴ دارد، عناوین با شنجرف میباشد، برگ نخستین این کتاب افتاده و نخستین سطر آن اینست:

مرصعت و بدان مفاخرت نموده که در عرب و عجم کس چنین قصیده انشاء نکرده الخ .  
جلد تیماج . کاغذ کاهی . واقف حاج میرزا محمد تقی وصی میرزا علیمحمد حکمی . قطع ربعی .  
شماره اوراق کلیه (۶۷) . این نسخه (۳۸) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) .  
عرض (۱۲ -  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر) . شماره (۲۶۸) . قفسه مدرسه صدر .

[ ۴۶۲ ] **حدائق السحر فی دقائق لشعر** (فارسی)

این کتاب از مشاهیر کتب ادبی فارسی و مؤلف آن شاعر شهیر رشید و طواط است (۱) (رشیدالدین محمد بن محمد بن عبدالجلیل عمری بلخی متولد میان سال ۴۸۰ و ۴۸۷ و متوفی بسال ۵۷۳ یا ۵۷۸ (۲)) که در فن انشاء عربی و فارسی نیز شهرتی بسزا داشته و در عصر و زمان خویش در استادی این دو فن به دوزبان مسلّم بوده و این کتاب وی که در صنایع شعر به ساخته شده مورد قبول دانشمندان گردیده است.

(۱) گذشته از مقدمه بسیار نفیس حدائق السحر (۷۳ صفحه) که دانشمند محترم آقای اقبال نگاشته اند، به همت اقلیم ص ۴۸۳، تذکره دولتشاه سمرقندی ص ۵۲ - ۶۰ مجمع النصح ج ۱ ص ۲۲۲، معجم المطبوعات ص ۱۹۲۱، تاریخ گزیده ص ۶۵ و آتشکده آذر ص ۳۱۵ و معجم الادباج ص ۷۹۱ - ۹۵ مراجعه شود.

(۲) در تولد و وفات این شاعر نیز اختلاف میباشد، آقای اقبال با ادله ای تولد وی را میان این دو سال و وفات او را بسال ۵۷۳ ترجیح داده اند.

از آثار رشید آنچه باقی مانده یکی همین کتابست که بفارسی است ولی گذشته از شواهد فارسی که در آنست بنظم و تشرعربی در آن نیز استشهاد گردیده و دیگری شرح صد کلمه از کلمات قصار حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام بنظم فارسی و تشرعربی و فارسی بنام «مطلوب کل طالب من کلام علی بن ابی طالب» است که در اروپا چاپ شده (۱) و رسائل عربی اوست که بسال ۱۳۱۵ در مصر چاپ گردیده است. آغاز: بسم الله الحمد لله علی ما افاض ..... چنین گویده وOLF کتاب ..... کی روزی الخ. (۱۰۷۷)

این نسخه را محمد حسین بخت خوب بسال ۱۲۶۷ برای پیش کش حدائق السحر به اعتضاد السلطنه نوشته و تزووک تیموری را نیز برای همین مقصد بسال ۱۲۶۸ بهمین خط نوشته و پیش از این نسخه گذارده شده است. جلد تیماجی، کاغذ تزووک سمرقندی و حدائق السحر فرنگی. واقف سیه سالار. قطع وزیری. شماره اوراق کلیه (۱۹۱). این نسخه (۹۰). صفحه ای (۱۱) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر). عرض (۱۴ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۵۰۲).

### [ ۴۳ ] عروض وقافیه وحیدی تبریزی (عربی)

وحیدی چنانکه معاصر وی سام میرزا در تحفه سامی (ص ۴۱۰-۴۱۱) نسخه خطی این کتابخانه (نگاشته از یارو گویان قم بوده و تازه ده بود با حیرتی معارضه داشته و یکدیگر را هجوهای رکیک میگردند.

و صاحب خلاصه الاشعار که از عبارات وی برمی آید او را ندیده ولی بدیدار آنانکه او را دیده اند موفق گردیده (۲)، درباره وی گوید: اصل وی از تبریز است اما در قم ساکن بوده و بیشتر مردم او را قمی میدانند. .... رساله ای در عروض وقافیه نوشته، در اکثر بلاد عراق و آذربایجان مشهور است. و بعضی از ابیات او در این رساله جهت مثال مذکور و در دو مأخذ تصریح شده که بطمع بگیلان رفت و بسال ۹۴۲ جرحه مرگت را در آنجا نوشید.

(۱) حاجی خلیفه گوید (ص ۱۵۶ ج ۱): محمد بن محمد شهریه و طواط متوفی بسال ۵۵۲ صد کلمه از کلمات قصار هر یک از خدای چهار گانه را شرح نموده و برای آنها نامی مخصوص گذارده و همه آنها را در مجلدی دیده ام و بترتیب نام هر یک آنها اینست، تحفة الصدیق، فصل الخطاب، انیس الالهان و ۴. مطاوب کل طالب. (۲) به ص ۳۹۳ و ۳۹۴ دانشمندان آذربایجان نگاه کنید.

واشعاری بنام شهرانگیز در مدح تبریز و تبریزیان گفته و چند بیت از آن در تحفه سامی ضبط و در دانشمندان آذربایجان از آنجا نقل گردیده و در تحفه مطلع دو غزل وی نیز نقل گردیده است.

آقای تربیت در دانشمندان آذربایجان ص ۳۹۳ و ۳۹۴ نیز این مؤلف را بنام وحیدی تبریزی نام برده و گویند که نام این رساله عروض و قافیه وی «مختصر وحیدی» میباشد و کتابی در لغت پارسی بنام «مفتاح البدائع» تألیف نموده و دیوانی دارد که نسخه آن در کتابخانه اسعد پاشا در اسلامبول هست.

در مقدمه نسخه زیرین نویسنده آن نگاشته :

بسمه شکر و سپاس واجب التعظیمی را که بتشریف نطق انسا ترا مشرف ساخت و کلام موزون و عام اوزان موهبت فرمود و درود فراوان بر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و اولاده این مختصر است از منشآت وحید ( ۱ ) تبریزی در عام عروض و قافیه و صنایع شعری که از برای برادرزاده خود تألیف کرده تا بدین مقدمه در اوزان مدخل کند و حدود قافیه و صنایع شعر را بداند و این را «جمع مختصر» نام نهاد و بالله التوفیق اکنون بدانکه شعر کلامیست موزون الخ . و این قسمت در نسخه دیگری از این رساله که در ص ۷-۳۲ و ۵۰-۵۱ مجموعه شماره

(۲۶۸) این کتابخانه که در ص ۴۹ از آن معرفی میشود، نیست و بدینگونه شروع میشود:

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد و آله الطاهرين اما بعد بر ضمایر ارباب فصاحت و بلاغت و عنایم کاشن سخنوری و داستان سرايان داستانهای زبان آوری که انتظام نظم کلام بترکیب حروف سنجیده اند [ مخفی ] و پوشیده نماند ، آنچه باوزان در آید آنرا نظم خوانند و آنچه در اوزان در نیاید آنرا اثر نامند بدانکه شعر کلامیست موزون الخ .

این کتاب در حدود (۱۰۰۰) بیت کتابت دارد.

(۱۰۷۸)

عروض و قافیه این نسخه بدون تاریخ و نام کاتب بخط نسخ نوشته شده و پیوسته به نسخه ای از کتاب «حدائق الحقائق» است که در ص ۳۹ معرفی

وحیدی گردید ، صورت شجره اخرب از آخر عروض و ۳۳ بیت از اول قافیه این نسخه افتاده ، خصوصیات دیگر آن بصفحه نامبرده بالا و یا بشماره

(۲۶۸) قفسه مدرسه صدر مراجعه گردد .

(۱) در نسخه وحید بدون یاء نسبت ضبط گردیده در کشف الظنون هم ( ج ۲ ص ۴۷۹ ) نیز چنین است ولی در تحفه سامی و دانشمندان بایاء است .



(۱۰۷۹)

عروض و قافیه این نسخه از این کتاب در ص ۷-۳۲ و ۴۵-۵۱ مجموعه ای که بسال ۱۲۴۱ نوشته شده موجود و این مجموعه بشماره (۳۸۶) و حیدی در این کتابخانه ثبت و در ص ۴۹-۴۵۰ معرفی از آن میگردد.

[ ۴۶۴ ] عروض محمد مؤمن حسینی (فارسی)

این رساله بنابر تصریح در ابتداء آن تألیف محمد مؤمن بن علی حسینی و موشح بنام محمد قلی، قطب شاه میباشد که فرمانفرمای مملکت دکن و معاصر با اکبر شاه بوده و در آخر آن سال تألیف سنه ۱۰۰۷ معین گردیده، با تفتحص در کتب سیر و فهرستها بشرح حال مؤلف و نسخه دیگری از این مؤلفه دست نیافتیم، از مطالعه این نسخه و مقدمه تعلیقه ای که بنام « لعل قطبی » معاصر وی نصیرای همدانی بر آن نوشته بدست میآید که از دانشمندان قرن دهم و اوائل قرن یازدهم هجری بوده و گذشته از مراتب عالیّه علمیّه مقام رسمی دولتی داشته و تا سال ۱۰۲۱ در قید حیات بوده است. در آتشکده آذر (ص ۱۵۹) گوید: میر محمد مؤمن از سادات و اکابر علماء استرآباد بوده و مدتی معلّمی حیدر میرزای صفوی را نموده و در آخر عمر بهندوستان رفته (در تاریخ عالم آرا ج ۱ است که تا این سال (۱۰۲۵ - ۱۰۲۶) زنده است - مؤلف) از اوست:

ایکه گفتی عشق را در مان بهجران کرده اند

کاش مینگفتی که هجرانرا چه در مان کرده اند

نگارنده احتمال قوی میدهد که مؤلف این کتاب همین محمد مؤمن است. این مؤلفه در یک مقدمه و دو فصل و خاتمه ای بدین تفصیل تألیف گردیده: مقدمه در بیان فائده ای چند (۱۲ فائده است) که بجهت دانستن این فن معرفت بعضی ازین فوائد ضروری و بعضی ناخر و معین است. فصل اول در بیان بعضی از بحرهای شعر که بطبیاع سلیمه و اذهان مستقیمه قرب و نزدیکی آن بیشتر است و ازین جهت اشعار شعرای مشهور مقتضی در همدان بلکه بر بعضی از آن بحورهاست. فصل دوم: در بعضی از بحور که نه بر مباح مذکور است. خاتمه: در بیان بعضی از اصطلاحات و مقررات اهل این فن. و در حدود (۱۵۰۰) بیت کنایات دارد.

آغاز: بسمله بعد حمد و سپاس بقیاس و صلوة و درود تا حدود چنین گوید راقم این سطور الخ.

(۱۰۸۰)

## عروض

این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده، نویسنده خود و سال نگارش را معین ننموده، ظاهر آن از خطوط قرن محمد مؤمن حسینی یازدهم هجری میباشد، پشت صفحه نخستین یادداشتی بوده آنرا محو کرده اند و بجای آن یادداشت اعتضاد السلطنه بسال ۱۲۸۵ نوشته شده و در ابتداء آن کلمه «عیون الشرف» نوشته شده و بدین نام در همین صفحه بر این کتابخانه وقف گردیده، در خود کتاب و تعلیق بر آن (لعل قطبی) که ضمیمه این نسخه است این نام نیست و ندانم از کجا پیدا شده است و ضمیمه را جداگانه معرفی خواهم نمود. جلد تیماجی دور گرفته. کاغذ حنائی. واقف سیه سالار. قطع ربعی. شماره اوراق کلیه (۱۵۵). این نسخه (۶۹). صفحه ای (۱۴) سطر. طول (۲۰ -  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر). عرض (۱۱ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۸۷).

## [ ۴۶۵ ] لعل قطبی - حاشیه بر عروض محمد مؤمن (فارسی)

این کتاب حاشیه و تعلیق ای بر عروض محمد مؤمن حسینی میباشد که در صفحه گذشته معرفی از آن گردید، و خود مؤلف آنرا «لعل قطبی» نامیده و چون اصل کتاب موشح باسم محمد قلی قطب شاه (۱) است، مؤلف این کتاب نصیرای همدانی (محمد الشهیر بنصیر الهمدانی) است که از این مؤلفه و نامه ای که در طلب اسطرلاب (۲) به دانشمندی نوشته و مثنوی وی (۳) معلوم میشود از دانشمندان و شعرا و ریاضی دانهای اوائل قرن یازدهم هجری بوده و نثر وی چون نظم منظم

(۱) شرح حالی از محمد قلی قطب شاه اینک بدست نیاوردم، فقط در تذکره خوشکوا نشانرا معاصر اکبر شاه معروف و فرمانفرمای دکن معرفی نموده و دو بیت از وی نقل کرده و از این مؤلفه معلوم میشود تا سال ۱۰۲۱ که سال تالیف آن میباشد در حیات بوده و فرمانفرمائی داشته است. (۲) نسخه ای از این نامه درص ۲۵۲ - ۲۵۳ مجموعه شماره (۲۹۱۳) این کتابخانه موجود و بسیار استادانه نگارش یافته است.

(۳) نسخه ای از این مثنوی که آغاز آن اینست: (کیم دیوانه از خود هر اسان.) در کتابخانه مجلس در مجموعه ایست که درج ۱ فهرست خطی زیر شماره (۴۴۲) از آن معرفی گردیده است.

و متین و امامی مذهب بوده و گذشته از اینکه بشرح و بسط مطالب مختصره مؤلفه نام برده پرداخته، قواعد و مطالب زیادی از خود در این اثر بیادگار گذارده و مدعی شده که در جای دیگر این مطالب یافت نخواهد شد و انصاف توان داد که رساله و مؤلفه ای جامع است و چنانکه در آخر آن تصریح گردیده تألیف آن بسال ۱۰۲۱ (۱۱) خاتمه یافته و تألیف آن هنگامی بوده که جمعی عروض محمد مؤمن را پیش وی میخوانده اند و مؤلف آن در قید حیات بوده و در دیباچه با شرح و بسطی باتجلیل زیاد از ایشان یاد کرده و تمام این تعلیقه در حدود (۲۰۰۰) بیت کتابت دارد.

درص ۱۶۶-۱۶۷ تذکره نصر آبادی است که نصیرای همدانی بسال ۱۰۳۰ مرده و دیوان وی موافق نامه‌های الهی هزار و یک بیت است.

آغاز: بسمله گوهری غریب بدیع که بدستیاری غوامس فکر سریع از بحر ضمیر کاملان اقلیم معنی متواتر مکشوف گردد سپاس صانع بی ابتداست الخ.

(۱۰۸۱)

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده، نویسنده **لعل قطبسی** از خود و سال نگارش نام نبرده و آخرین عبارت مؤلف آنرا خاتمه داده و ظاهراً از خطوط اوائل قرن یازدهم هجری است، در کنار آخرین صفحه یادداشتی بدون تاریخ نوشته شده و ضمیمه کتاب شماره (۲۸۷) این کتابخانه است که در صفحه ۴۳ زیر شماره (۱۰۸۰) معرفی گردید.

[۴۷۷ - ۴۶۶] مجموعه عروض و غیره (عربی و فارسی)

- ۱ - عروض نجاتی ۲ - عروضه العروضیتین ۳ - مصادر مخالف قیاس
- ۴ - عروض حیدری ۵ - قصیده همای تبریزی در مدح حضرت ختمی مرتبت ص
- ۶ - قصیده حرباویه ۷ - سلوة الشیعه ۸ - قصیده از بدرالدین خورشانی ۹ - این قصیده ای از همو ۱۰ - بدایع الاسرار ۱۱ - عروض اندلسی ۱۲ - القاب العروض و دوائر پنجگانه آن.
- ۱ - محمود بن عمر نجاتی بخواش محمد بن علی مشهدی معروف به سیواک

(۱) عین عبارت آخر رساله که حاکی از سال تألیف میباشد اینست: فارغ شد کلاک جواهر سلک از گردآوری این در عزیز در تاریخ روز سه شنبه دوم عشر سیوم ماه اول از سال اول از عشر سیوم از مائة اول از الف دوم من الهجرة النبویه المصطویه علی الهاجر و آله الف الف صلو و سلام و تحیه.

مختصری بفارسی در عروض و قافیه نوشته و آنرا « الکافیة فی العروض و [الصنعة القافیة] » نام نهاده و مثالهای آنرا از اشعار پارسی آورده و در آن از متأخرین نام جمال الدین محمد عبدالرزاق اصفهانی و شعری از وی و نام یوسف عروضی نیشابوری دیده میشود و از هر دو بعنوان استاذ یاد کرده و در مقدمه خود تصریح نموده که برای شناسائی صنایع شعریّه از کتاب حدائق السحر انتخابی نموده است.

در کتب رجال و تذکره نام و نشانی از نجاشی نیافتم جز اینکه در ص ۱۸۸ ج ۱ کشف الظنون زیر عنوان بدائع الاسحار نوشته شده که محمود بن عمر نجاشی نیشابوری آنرا شرحی فارسی نموده و به غیاث الدین وزیر اهداء کرده است و در حاشیه ص ۲۳۰ شماره ۳ مجله مهر سال پنجم (مرداد ۳۱۶) آقای تربیت نگاشته اند که « بساتین الفضلاء و ریاحین العقلا » در شرح تاریخ عتبی تألیف حمیدالدین ابی عبدالله محمود بن عمر النجاشی نیشابوری است که در سنه ۷۰۹ در تبریز خاتمه یافته است. و در اصل ص ۲۳۰ مجله نام برده عبارتی عربی از بساتین نقل نموده و می‌رساند که آن شرح عبری و نسخه آنرا آقای تربیت در دست داشته اند.

و بقرینه گذشته و اینکه نسخه این عروض سال ۷۳۸ نوشته شده و نویسنده پشت صفحه نخستین گوید: عروض نجاشی نیشابوری اصلح الله احواله و حقق آماله. بایستی تا اواخر نیمه اول قرن هشتم در قید حیات و زندگانی بوده باشد و این رساله در حدود (۵۰۰) بیت کتابت دارد و نام این کتاب در کشف الظنون نیست.

این نسخه را در ۱۴ ورق محمد بن یوسف ابی عقیل بیهقی و حیدری سال ۷۳۸ بخط نسخ خوب نوشته و بیهقی مدکور در حاشیه صفحات تعلیقاتی بر آن نگاشته و سال ۷۳۹ آنرا مقابله نموده است.

آغاز: بسملة ربّ تمّم بالخیر الحمد لله كما هو امله والصلوة والسلام علی نبیّه محمد وآله چنین گوید محرر این اوراق نجاشی الخ.

۲ - عراضة العروضیین تألیف ابو الفضل قرشی (محمد بن خالد) این رساله نیز بفارسی و مؤلف خود آنرا بدین نام نامیده و در آن گذشته از ابیات فارسی انوری و فردوس و خاقانی و غیره با اشعار عبری استشهدا نموده و در آن آورده که استاذ

کامل فاضل یوسف عروضی نيسابوری قدس الله روحه این شانزده بحر را در پنج دایره وضع کرده است و آن پنج دایره را هم در آخر رساله خویش رسم نموده ، از طرز انشاء و اینکه نویسنده که همان نویسنده پیشین میباشد پس از ذکر نام جمله نور مضجعه نگاشته بنا بر اینها مسلماً قرشی مؤلف در این سال (۷۳۸) زنده نبوده است .  
این رساله در حدود (۵۵۰) بیت کتابت دارد و این مجموعه از ص ۲۸ - ۶۹ شامل آنست و در کشف الظنون نام آن نیست .

آغاز : بسملة الحمد لله . . . . . چنین گوید . . . . . محمد بن خالد قرشی . . .  
بذل ان اسعدك الله کی عروض الخ .

۳ - مصادر مخالف قیاس را ابوعلی طبری در نه بیت عربی جمع نموده ، در حاشیه و پشت این ابیات ترجمه فارسی مصادر و تعیین ابواب آنها نوشته شده و بخط نویسنده دو رساله پیش است و صفحه ۷۰ و ۷۱ مجموعه شامل آنست .  
آغاز : شفاعة رجعی شروع ظعن ذکرى مال لمعان معذره .

۴ - عروض وحیدی بیهقی چنانکه در ابتداء رساله تصریح شده مؤلف آن محمد بن یوسف بن محمد بن یوسف ابی عقیل نوقارزی بیهقی ملقب به وحیدی میباشد و این شخص نویسنده سه رساله پیشین میباشد و در این رساله مکرر از رساله عروض ادیب صابرو اشعار وی و دیگر شعرا ( در ص ۹۳ ) دو بیت از خواجه نصیر الدین طوسی متوفی بسال ۶۷۲ دارد ) استشهدا گردیده و در آخر آن تصریح نموده که بسال ۷۳۵ تألیف آن خاتمه یافته است .

این رساله بفارسی و در حدود ( ۴۰۰ ) بیت کتابت دارد ، بخط مؤلف میباشد و صفحه ۷۲ - ۹۶ مجموعه شامل آنست .

آغاز : بسملة الحمد لله رب العالمین والسلام علی سید المرسلین محمد و آله الطیبین  
الظاهرین چنین گوید مقرر این مقاله و محرر این رساله محمد بن یوسف . . . الملقب بالوحیدی الخ .

۵ - قصیده ای در مدح حضرت خیر المرسلین ص از همام الدین تبریزی متوفی بسال ۷۱۳ یا ۷۱۴ که مشتمل بر ۲۳ شعر فارسی و ۸ بیت عربی

آغاز: اَنِّی امرء لا یطیِّبُنِی الشَّـنَادُ النِّجَاسِ القَوَامِ.

این نسخه که در ص ۱۰۰ - ۱۱۱ این نسخه نگاشته شامل ۱۳۸ بیت از این کتابست و چنانکه گفته شد از اول افتاده دارد بنابر آنچه گذشت ۶۲ بیت آن افتاده است .

۸ و ۹ - دو قصیده از بدرالدین خوشانی است که در اول (۲۸ بیت است)  
چهار طبع را ردیف آورده و آغاز آن اینست:  
بمحمد صدر جهان خاک و باد و آتش و آب

و دیگرى شامل ۳۰ بيت و از اول تا باخر به صنعت تجنیس آراسته است و آغاز آن انشیت :

برخیز جام می ز کف دلستان ستان      چون غافلان چه خسبی در بوستان ستان  
این دو قصیده در ص ۱۱۲-۱۱۵ مجموعه می باشد و قصیده اخیر ناقص و تسمیه آن بر اوراقی بوده که از نسخه برداشته اند.

۱۰ - ص ۱۱۶ این مجموعه شش بیت از قصیده بدایع الاسحار را که بخط نسخ خوب عبدالله بن الحسن بن عبدالجبار بسال ۷۴۰ نوشته شامل است و قسمت اول این قصیده افتاده و « بدایع الاسحار فی صنایع الاشعار » که از مشاهیر فصاحت فارسی و مشتمل بر صنایع بدیعیه میباشد، منشی آن جمال الدین محمد بن ابی بکر قوامی مطرزی میباشد و نجاتی چنانکه گفته شد بر آن شرحی بفارسی نوشته است.

۱۱ - عروض اندلسی این کتاب عربی و مؤلف آن ابو عبدالله محمد بن انصاری اندلسی معروف به ابی الجیش میباشد و مؤلف کشف الطنون در ص ۱۱۲ و ۱۱۳ ج ۲ زیر عنوان « عروض اندلسی » آنرا نام برده و چند شرحیکه بر آن نوشته شده تذکر داده و قسمتی از مقدمه این کتاب را هم نقل نموده و این عروض در ص ۱۱۷-۱۲۹ این مجموعه میباشد و نویسنده آن بیهقی و حیدری مذکور در ماه صفر سال ۷۴۰ میباشد و در ماه رمضان همین سال در بحر آباد جوین شرحی زیر همین رساله نوشته که مدتی چند در این کتاب بدقت مطالعه میکردم تا اینکه طریقه تحلیل و استخراج رموز و کشف اسرار و گنجینههای آنرا بدست آورده و در شاهوار آنرا بیرون آوردم و در آخر گوید: والسلام علی محمد و آله خیر الامم و الفرقان من التمسح الخ.

و این عروض در حدود (۲۰۰) بیت کتابت دارد.

۱۲ - پس از اتمام شرح بالا از بیهقی زیر عنوان القاب العروض ۴۵ نام با شرح مختصر آنها در ص ۱۳۰ و ۱۳۱ و نیز در ص ۱۳۲-۱۳۶ صورت پنج دائرة عروضی که بگفته بیهقی مذکور در عروض خویش تألیف یوسف عروضی میباشد و شانزده بحر علم عروض را در پنج دائرة وضع نموده و آخر عروض خود (بیهقی) آورده است و در اینجا همان دو اثر ولی بزرگنیز با تریح و بسط بیشتر و تریح گردیده و در ص ۱۳۷ مجموعه مطالب منفرقه عروضی و تریجها بفارسی چند لغت عربی نگاشته شده و با مقابله نسخ پیش مسدود شد که خط بیهقی مذکور میباشد و ظاهر اینست که اینها نیز از انشآت اوست.

(۱۰۸۲ تا ۱۰۹۳)

مجموعه

این نسخه چنانکه بیان گردید شامل دو ازده نسخه میباشد، و قسمتهایی از آن افتاده و از سال ۷۳۵ تا ۷۴۰ بقدر پنج نگارش

عروضی و غیره یافته و کتاب آن فقط در یکجا عبدالله بن عبدالجلیل بوده

و باقی بخط وحیدی بیهقی است که مؤلف یکی دو نسخه آن می باشد ، رطوبت در برگها اثر نموده و اندکی از عبارات را محو کرده و پشت صفحه اول بخط بیهقی ایاتی چند نگاشته شده است .

جلد تیماج ، کاغذ حنائی . واقف حاج میرزا محمد تقی طهرانی ( جارالهی ) وصی آقامیرزا علی محمد حکمی اصفهانی ( از ترکیه وی ) . قطع ربعی . شماره اوراق ( ۶۹ ) . صفحه ای ( ۱۵ ) سطر . طول ( ۱۶ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۲ سانتیمتر ) . شماره ( ۳۱۳ ) قفسه مدرسه صدر .

### [ ۴۷۸-۴۸۰ ] مجموعه عروض وقافیه و غیره (فارسی و عربی)

قافیه جامی - عروض وقافیه وحیدی تبریزی - تحفه الشعراء - قسمتی از کتابی در اصول فقه .

۱ - قافیه جامی ، عبدالرحمن جامی که درص ۳۵۷-۳۵۹ مختصری در شرح حال و مؤلفات ایشان نگاشتیم ، این رساله را در قافیه نگاشته اند و بسال ۱۸۷۲ م. در پاریس بضمیمه عروض سیفی چاپ گردیده و در حدود ( ۱۶۰ ) بیت کتابت دارد و این مجموعه از ص ۱ تا ۷ شامل آنست .

آغاز : بسمله بعد از تیمن بموزون کلامی که قافیه سنجان انجمن فصاحت بدان تکلم کنند الخ .

۲ - عروض وقافیه وحیدی تبریزی است که درص ۴۴۰-۴۴۱ معرفی گردید و چنانکه گفته شد این نسخه دارای دیباچه مختصری می باشد و صفحه ۷-۳۲ این مجموعه شامل عروض و صفحه ۴۵ - ۵۱ در بردارنده قافیه آنست .

۳ - تحفه الشعراء این رساله شرح ایاتی است که در علم عروض انشاء گردیده و در آخر منشی خود را جوهری معرفی کرده است : جوهری دریای معنی سفته است - شانزده بیت آخرینش گفته است . و در حرف جیم تذکره خوشگو زیر نام : جوهری سمرقندی نوشته شده : « از شعرای امیرعلیشیر نوائی بوده عروض وقافیه را نیکو میدانست از اوست : « شور پروانه ز بلبل طلبی شرمت باد - آتش از دور بهشت است تماشائی را » . شارح در ابتداء کتاب از صاحب ایات نام نبرده فقط گوید : یکی از فضلاء و علماء عصر بروایت مسجله چند بیتی در بیان القاب علل



که در فن عروض بود الخ . بگمان نزدیک بیقین این آیات از همین جوهری سمرقندی است و شارح بنا بر تصریح خود صفی الدین علاء بن صفی الدین علی بسطامی میاشد و دیباچه را بنام شمس الدین علی که حاکم و زمامدار بسطام بوده موشح کرده است و ظاهر اینست که شارح از اهل سنت و در اواخر قرن نهم زندگانی میکرد است

این رساله در حدود (۴۰۰) بیت و ص ۳۳-۴۵ این مجموعه شامل آن میباشد .  
 ۴ - قسمتی از کتابی در اصول فقه است و این قسمت در بحث اصالة حجیت ظن و ظاهراً انشاء یکی از شاگردان شریف العلماء رحمه الله میباشد و در حدود (۷۰۰) بیت کتابت دارد و از صفحه ۵۴ - ۶۹ مجموعه را اشغال نموده است .  
 (۱۰۹۶-۱۰۹۴)

این مجموعه شامل چهار قسمت مذکور میباشد و همه را یکفر  
 بسال ۱۲۴۱ بخط نستعلیق نوشته و بر صفحه ۵۲ اشعاری در  
 اختیارات نجومی و بر صفحه ۵۳ مطالب متفرقه ای نگارش  
 یافته و پشت صفحه اول مطالبی از کتاب عروضی میباشد که پیش ازین ضمیمه این  
 نسخه بوده است .

جلاد مقوایی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۳۵) . صفحه ای  
 (۲۲ و ۱۷) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۸۶) .

### [ ۴۸۱ ] مطلع (فارسی)

این کتاب تألیف رضی الدین محمد بن محمد شفیع میباشد که بتصریح خواهرزاده  
 ایشان محمد شفیع طباطبائی که نویسنده نسخه زیرین میباشد، از مستوفیان خاّصه بوده  
 و از عبارات مذکور در دیباچه کتاب نیز مسلم میشود که مؤلف از مستوفیان توانای  
 قرن یازدهم و امامی مذهبی بوده و باقرینه سال تألیف بدست میآید که در دربار شاه  
 عباس ثانی که از سال ۱۰۵۲ تا ۱۰۷۷ سلطنت داشته، مستوفی بوده است .  
 مؤلف آنرا به دو مصرع تقسیم و هریک از آنها را به چهاررکن تقسیم نموده  
 و عین عبارات کتاب راجع به این تقسیم بدین تفصیل است :

**مصرع اول :** متضمن عروض وقوافی براسلوب ارباب عروض و وزن مشتمل بر چهار رکن هر رکنی از ارکانش محتوی برسه حرف و هر حرفی را ح روح پرور معانی را ظرف .  
**رکن اول :** در تعریف شعر و تفصیل اقسام آن و حد عروض و وزن و تعداد اسباب و اوتاد و شرح حروف و حرکات معین برسه حرف . **رکن دوم :** در حد تقطیع و بیان ازاحیف و تعداد فروعی که از استعمال ازاحیف متولد کردند مقرر برسه حرف . **رکن سیم :** در شرح بحوریکه از ترکیب ارکان منبعت کردند و ثبت دوائر و فلك بحور و تفصیل بحور اصلی و فرعی معین برسه حرف . **رکن چهارم :** محتوی بر علم قوافی مشتمل برسه حرف .

**مصرع دوم :** در صنایع و بدایع . **رکن اول :** در بیان آنچه بفن معانی و بیان اختصاص دارد . **رکن ثانی :** در صنایع معنوی که کلك بلاغت کیستان از فن بدیعش می شمارند . **رکن ثالث :** در ذکر صنایع مخصوصه بفن بدیع . **رکن رابع :** در ذکر سایر آنچه ضرور است در درانام این بنای رفیع .

این کتاب بتصریح مؤلف در آخر آن بسال ۱۰۶۳ تألیف گردیده و در این موضوع مؤلفه ای جامع و در حدود (۵۰۰۰) بیت کتابت دارد .

**آغاز :** بسمله ظلماء کامل غبار کلمات فصاحت سمات که در معادن خواطر خورشید نظائر الخ .

(۱۰۹۷)

این نسخه را بسال ۱۱۰۶ بخط شکسته نستعلیق محمد شفیع طباطبائی نوشته و در حاشیه برخی از صفحات تعلیقاتی در

مطلع

توضیح مطالب از قاموس و صحاح و بدون امضاء موجود است .  
 جلد تیماجی مذهب . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع خستنی . شماره اوراق (۱۴۸) .  
 صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴  $\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۸۸) .



## اشعار و تذکیره‌ها و دیوانها

### [ ۴۸۲ ] آتشکده آذر (فارسی)

آتشکده آذر یکی از تذکره‌های مشهور و مؤلف آن حاج اطفای بیگدلی شاملو (۱) متخلص به آذر و پسر آقاخان است، متولد بسال ۱۱۳۴ و متوفی بسال ۱۱۹۵ میباشد (۲)، مؤلف آنرا آتشکده نامیده و در آن از اشعار پیشینیان و معاصرین انتخابی بسلیقه خویش کرده و مختصری از شرح حال آنها را هم بیان نموده و در آخر آن شرح حال مختصری باپاره ای از اشعار خود را گذارده و خصوصاً از «یوسف و زلیخا» (۳) (بنقل الذریعه از «تحفة العالم» سید عبداللطیف تستری مشتمل بر دوازده هزار بیت است) انشائی خود بخشی زیاد نقل نموده و این تذکره را بدو مجمر تقسیم نموده. **مجمر اول** : در ذکر انوار و اشعار شعرای متقدمین مشتمل بر یک شعاعه : (در ذکر اشعار شاهان و شاهزادگان و امرای که منسوب بولایی نیستند) و سه **اخگر** : (در ذکر شعرای ایران و توران و هندوستان و هراخگری

(۱) بنا بر تصریح خود در همین آتشکده بیگدلی‌ها طایفه ای از ترکان هستند که بایران کوچ داده شده اند و قسمتی از آنها را بشام برده اند و امیر تیمور آنها را بایران آورده و بمناسبت بودنشان در شام بنام شاملو نیز خوانده میشوند.

(۲) شرح حال این مؤلف با مراجعه به آتشکده آذر و ص ۷۳ ج ۲ مجمع الفصحا و ص ۴۱ ج ۱ الذریعه الی تصانیف الشیعه نوشته شده و خود وی گوید که در فتنه افغان متولد شده و از اصفهان با خویشان یقم هجرت کردیم و در ابتداء سلطنت نادرشاه بدرم بحکومت لار و بنادر خلیج فارس منصوب گردید، باوی بشیر از رفتم وی پس از دو سال بدروود زندگانی گفت الخ.

(۳) تاریخ اتمام یوسف و زلیخا را در آخر کتاب بسال ۱۱۷۶ معین نموده است.

بچند شماره که اسم ولایت اقتضا کند تقسیم شده . ) و يك فروغ : ( در حالات و مقالات زنان دانشمندان دیار . ) و مجمر دوم : در بیان حالات و خیالات شعرای معاصرین مشتمل بر دو پرتو اول در افکار یاران معاصر و پرتو دوم در حالات و آثاری از مؤلف . و در الذریعه است که « دفتر نه آسمان » را که مخصوص به شعرای معاصر خود اوست و دیوان شعریکه در حدود ده هزار بیت کتابت دارد نیز از مؤلفات آذر است و خود وی در زیر شرح حالش گوید که دیوان شعرم که هفت هزار بیت بوده در نهب و غارت اصفهان از میان رفت و مدتی طبعم گویا نشده و در انجمن خاقان است که بطرز بوستان شیخ سعدی کتابی پرداخته که معروف به « گنجینه الحق » میباشد و شامل نصایح و حکایاتی است .

این تذکره در حدود ( ۲۲۰۰۰ ) بیت کتابت دارد ، تألیف آن پیش از سال ۱۱۸۵ بوده چرا که وفات اسحق بیک متخلص به عذری که تذکره اسحق را از اشعار نقل شده در آتشکده ترتیب داده بدین سال بسوده است ولی مسلماً مؤلف تا آخر عمر بر آن اضافاتی نموده چرا که وفات آنهائیکه پس از اسحق بیک بوده چون عبدالمجید درویش خطاط معروف متوفی بسال ۱۱۹۰ و دیگران در آتشکده درج گردیده و بسال ۱۲۹۹ در بهمنی چاپ سنگی شده است .

آغاز : بسمله در طوف حرم دیدم دی مغیبه ای میگفت

این خانه بدین خوبی آتشکده بایستی

فروغ آتشکده دل و زبانه اخگر زبان سپاس بی قیاس قدیمی است الخ .

( ۱۰۹۸ )

آتشکده آذر این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب درمتن و حاشیه نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده ، مرحوم اعتضادالسلطنه پشت صفحه نخستین نوشته اند « از خطوط خوب میرزا کوچک اصفهانی است که از شاگردان معتبر درویش عبدالمجید علیه الرحمه بوده و این کتاب داخل قطعات است الخ » . و میدانیم که درویش ( عبدالمجید ) استاد معروف خط شکسته بسال ۱۱۹۰ وفات یافته است بنابراین نگارش این نسخه در اواخر قرن

دوازدهم یا اوائل سیزدهم بوده ، سرلوحی بسیار زیبا دارد و اطراف صفحه اول و دوم نسخه باظرافت تمام تذهیب و نقاشی شده و صفحات مجدول بطلا و عناوین را باشنجرف نگاشته است .

جلد ساغری ضربی . کاغذ خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۲۲۹ ) .  
صفحه ای ( ۱۷ ) سطر . طول ( ۲۸ سانتیمتر ) . عرض (  $۱۸ \frac{۱}{۲}$  سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۷۲۶ ) .

( ۱۰۹۹ )

**آتشکده آذر** این نسخه نیز بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده خود را علی اصغر معرفی کرده و سال نگارش را چنین نوشته ( ۱۲۷ ) . از آثار و علائم ظاهر است که صفر در مرتبه عشرات را نگذاشته نه صفر در مرتبه آحاد را بنا بر این ، در سال ۱۲۰۷ نگارش یافته ، عناوین مطالب برخی باطلا و پاره ای باشنجرف نگاشته شده ، دارای یک سرلوح زیبا میباشد ، اطراف دو صفحه نخستین و میان سطرهای آن دو تذهیب و نقاشی شده و عناوین مطالب و اشعار در وسط سرسوره هائی نوشته شده و تمام صفحات مجدول بطلا است .

جلد روغنی بسیار ظریف دورو ، یک طرف شامل تصویر حضرت مریم و حضرت زکریا و حضرت عیسی عایشه السلام هنگام ولادت و پس از آن و بعضی از یاران و دیگران و تصویر کایسا و طرف داخل حضرت مریم و حضرت عیسی علیهما السلام در وسط و اطراف آن نقاشیهای ظریف میباشد . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۲۸۶ ) . صفحه ای ( ۲۱ ) سطر . طول ( ۲۹ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۹ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۶۷۴ ) .

( ۱۱۰۰ )

**آتشکده آذر** این نسخه نیز بخط شکسته نستعلیق نگاشته شده ، نویسنده خود را محمد رضا کاتب اصفهانی معرفی نموده ، ماه و روز نگارش را نوشته ولی سال را معین ننموده ، ولی مسلماً در نیمه اول قرن سیزدهم بوده ، سال ۱۲۷۹ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و پشت صفحه نخستین یادداشت گردیده و در اینجا تذکر داده شده که دارای ( ۸ ) صفحه صورت است ، اما با تفحص کامل بیش از هفت ( ۷ ) صورت ندارد ، در حاشیه برگ ( ۶۹ ) اعتضاد السلطنه یادداشتی بخط خویش مبنی بر اینکه در کتاب رجال و بلدان که در بلبو فرانسوی

بفرانسه تألیف نموده در شرح حال خواجوی کرمانی گوید: « لقب وی ملک الفضلا بوده و چون اشعارش آبدار و سلیس بوده مردم وی را نخلبدالشعرا می گفته اند. و نیز گوید صاحب تذکره هفت اقلیم گوید: چون در اشعار خود همه تلاش الفاظ غیر متعارفه کرده است بدانجهت ویرا نخلبدالشعرا گفته اند ».

اسامی شعرا گذشته از اینکه در متن نوشته شده در حاشیه بر روی برگهائی طلائی با شنجرف نیز نگاشته شده و دارای يك سر لوح است و اطراف دو صفحه اول تذهیب و نقاشی بر كٹ موی گردیده و تمام صفحات مجدول بطلاست.

جلد روغنی دورویك طرف كل و بونه و بابل و در اطراف روی دوجلد غزل دویارزبرك و از باده کهن دومنی، خواجه حافظ بخط نستعلیق خوب نوشته شده و در طرف درون یکی تصویر بسته که شاید از یوسف و زلیخا باشد و دوزن بالا و پائین این تصویر نیز ترسیم شده و درون دیگری در وسط تصویر لیلی و مجنون و نیز تصویر دوزن بالا و پائین آنست. کاغذ فرنگی. واقف سپهسالار. قطع رحلی. شماره اوراق (۲۶۳) صفحه ای (۲۱) سطر. طول (۲۹ - ۱/۲ سانتیمتر). عرض (۲۰ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۶۷۶).

(۱۱۰۱)

آتشکده آذر این نسخه نیز بخط شکسته نستعلیق و بسال ۱۲۲۹ نوشته شده، نویسنده از عباراتی که در آخر کتاب نوشته مردی ادیب بوده ولی نام خود را تصریح ننموده و شرحی که در بیان علت نگارش این کتاب عباراتی ادیبانه مینوشته بانجام نرسیده، حرکت دست وی در نگارش آن بسکون مبدل گردیده، پس از نام ابوالقاسم هجری و شرح حال مختصر و آثار منتخبه از او که آخرین کس از معاصرین مؤلف میباشد، نویسنده نسخه بشرح حال محمد صادق متخلص به زری و اخیراً به زیور که در هنگام نگارش نسخه ۱۸ سال داشته بانقل قصائد و مقطعات و غزلیات و رباعیاتی از او در ص ۵۸۶ تا ۶۱۱ نسخه پرداخته و بنابر آنچه گذشت تولد این محمد صادق ۱۶ سال پس از فوت آذر مؤلف آتشکده بوده و کاتب الحاق نموده است.

در حاشیه ص ۱۶۶ مقابل نام خواجوا اعتضاد السلطنه عین یادداشت نام برده در اول این صفحه را نوشته اند، دارای يك سر لوح و چهارده مجلس نقاشی میباشد،

کنار دو برگ نخستین تذهیب گردیده ، و میان سطر های آن طلا اندازی شده و تمام صفحات بجدول بطلا و عناوین باشنچرف نگاشته شده است .

جلد روغنی دورو ، برون یکی حرکت فتحه امپشاه قاجار برای شکار نقاشی شده و برون دیگر جلد حالت شکار او را نشان داده و درون جلد اول شیرین و فرهاد را رسم نموده و درون دیگری ملاقات فرهاد شیرین را در هنگام شستشو نشان داده و برون جلد محتاج باصلاح است . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۳۴۰ ) . صفحه ای ( ۱۹ ) سطر . طول ( ۳۰ سانتیمتر ) . عرض ( ۲۰ ۱/۴ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۶۸۲ ) .

### [ ۴۸۳ ] الايات الحسان المجردة من ( عربی )

#### و فیات الاعیان

وفیات الاعیان تألیف ابن خلیکان و شامل شرح حال جمعی از دانشمندان تا قرن هفتم هجری میباشد و چنانکه دیده اید یکی از مأخذ مطالب این فهرست میباشد ، مؤلف در ذیل نام بعضی از آنها تیکه بشرح حال و معرفی آنها پرداخته ایات و اشعاری از منشآت ایشان را آورده ، دانشمندی که از خود نام نبرده ( بنابر تصریح در مقدمه ) بنا برخواست مصطفی آغا پسر قاسم آغا ( ۱ ) نام از اشعار مذکور ( بترتیب وقوع آن در وفیات ) انتخابی نمود و خاتمه آنرا دوبیت از امام شافعی که در ذیل شرح حال ابو موسی یونس بن عبدالاعلی در وفیات میباشد قرار داده است و در حدود ( ۶۴۰۰ ) بیت شعر میباشد و نامی صریحاً برای این مجموعه نگذارده ، ولی از عبارات مذکور در انجام نسخه که زیر این سطرها نقل میشود نام کتاب برمی آید ، از اینرو بدان نام معرفی گردید ، بنام « اشعار و فیات الاعیان » داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و بهمین نام بر این کتابخانه وقف گردیده و یادداشت این دو موضوع پشت صفحه نخستین نگاشته شده و تاکنون در کتابی نام جامع آنرا نیافته ام ، بقرینه اینکه کتاب را به شعر امام شافعی خاتمه داده احتمال دارد که شافعی مذهب بوده است .

( ۱ ) با مراجعه به دانشمندان آذربایجان و قاموس اعلام ترکی و روایات هفت اقلیم و شقائق نعمانیة و العقد المنظوم بنام این پسر و پدر برنخوردم و زمان و دوره آنها را هم ندانستم .

آغاز: بسمله حمداً لمن شرح لمن تجلی بالبلاغه صدراً و منح اهل الفصاحة عز الخ .  
 ما حکّ جلدک مثل ظفرك فتسول انت جميع امرک  
 و اذا قصدت لحاجة فاقصد لمعترف بقدرک .

انجام:

(۱۱۰۲)

الایات الحسان این نسخه بخط نسخ بسال ۱۲۵۲ نوشته شده ، نویسنده نام خود را معین نموده و جای بعضی از موارد که بایستی با سرخی نوشته شود سفید مانده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق (۲۰۰) . صفحه ای (۱۹) سطر . طول ( ۳۰ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۸-۱۷ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۳۱۴ ) .

## [ ۴۸۴ ] الاسعاف ( عربی )

این کتاب که مؤلف آن خضر بن عطاء الله موصلی متوفی بسال ۷۰۰-۱۰ می باشد ، شرح آیات استشهاد شده در تفسیر کشاف و تفسیر قاضی بیضاوی است (۱) و مؤلف آنرا « الاسعاف فی شرح آیات القاضی و الکشاف » نامیده و یکی از گنجینه های ادبی و کتابهای پر بها میباشد و بدبختانه تا کنون چاپ نشده است .

تألیف آن چنانکه در مقدمه آن و سلافة العصر (۲) و قاموس الاعلام ترکی (۳) ثبت شده بنام ابوعلی حسن (۴) بن ابی نمی بن برکات که شریف مکه معظمه بوده ، بسال ۱۰۰۳ (۵) انجام یافته و صاحب سلافة بعبار آنیکه ترجمه مختصری از آنها درج میگردد این کتاب را ستوده :

« این مؤلفه کتابی است که دیده روزگار به مانند آن روشن نگردیده و گلستانی مانند گلها و شکوفه های الفاظ و میوه های معانی آن بار نداشته و نخواهد داشت » .

(۱) از این دو تفسیر درص ۹۰-۹۴ و ۱۵۸-۱۶۷ ج ۱ معرفی کرده ایم .

(۲) ص ۳۸۵-۳۸۸ چاپ اول مصر مراجعه شود .

(۳) ج ۳ ص ۴۸۰-۴۸۱ مراجعه گردد .

(۴) در قاموس الاعلام حسین بن نمی ضبط شده ولی چنانکه در مقدمه این کتاب و سلافة ثبت گردیده حسن بن ابی نمی صحیح است .

(۵) مؤلف خود جمله : قد انتهى کتابی را که سال ۱۰۰۳ را معین مینماید ماده تاریخ ختم کتاب معین نموده است .



مؤلف ایبات دو تفسیر نام بردہ را موافق ترتیبیکہ در دو تفسیر مذکور میباشند  
(از سورۃ حمد تا سورۃ ناس) ذکر و بشرح آنها پرداختہ و خود در طرز این  
کتاب گوید :

« در این شرح چند چیز را گردن گرفته ام، نخست آنکہ ہر بیت کہ فقط صاحب کشف آنرا  
استشہاد نمودہ بہ سرخی و آنچه را فقط بیضای شہاد آورده بہ زردی و آنچه ہردو بدانہا  
استشہاد کردہ اند بہ رنگ سبز نویسم تا از یکدگر ممتاز باشند و چون بینی را ذکر نمایم  
اول محل شہاد را بیان پس از آن لغات و اعراب و آنچه متعلق باین دواز قواعد ادبی و قواعد  
عروض و قافیہ میباشند بایمانی شافی و کافی ذکر و بعد از اینہا گویندہ بیت را نام بردہ و تہمہ  
آنرا ہم نقل می نمایم و بشرح حال گویندہ و سبب انشاء آن با عباراتی مختصر و لطیف پردازم .  
مؤلف این گنجینہ ادب را بہمین نحو کہ امید داشتہ و ملتزم شدہ باندازہ ایکہ  
مقام و موقع اجازہ دادہ توفیق بر تالیف یافتہ و بشرح و بسط پرداختہ و در حدود  
(۲۲۰۰۰) بیت کتابت این شرح است .

خضر بن عطاء اللہ موصلی بشہادت این کتاب از علماء امامتہ بودہ و بتصریح  
مؤلف قلموس الاعلام (ترکی) ارجوزہ ای ہم در فضائل اہل بیت علیہم السلام  
تالیف نمودہ ولی نام این ارجوزہ و این شرح (الاسعاف) در کشف الظنون نسبت (۱)  
و در سلافة العصر مقامات علمی و دینی و اخلاقی این مؤلف ثبت گردیدہ و در آنجاست  
کہ شریف مکہ حسن بن ابی علی بن برکات جائزہ تالیف الاسعاف را ہزار اشرفی  
(دینار) بدو داد و بہ او بمنہی درجہ آرزویس اقبال و توجہ نمود و تا در مکہ معظمہ  
بود مورد عنایت و لطف بود ، وزیر شریف تقی معروف بہ ابن عتیق کہہ مردی  
ظالم و بی باک بود خضر را خواست و او را بشہادت مطلبی باطل و دروغ ، برای بردن  
مالی بدون حق و ادا نمود ، خضر از این کار خود داری کرد ، وزیر کینہ او را بدل گرفت  
و در بد گوئی وی خود داری نداشت ، بدین پایہ کہہ ویرا نصرانی لقب داد و پیش  
شریف او را متہم کرد و فرمان بیرون کردن او را از مکہ گرفت و بدون تأخیر  
ہمانوقت کہ اجازہ گرفت (سال ۱۰۰۷) او را بیرون فرستاد ، شیخ خضر ہم رو بمدینہ  
طیبہ آورد ہنوز از مکہ دو منزل دور نشدہ بود کہ وزیر فرمان داد بخانہ وی ریختند

(۱) فقط درس ۳۱۴ ج ۲ گوید : و شرح شواہد الکشاف فی مجادات الخضر بن محمد الموصلی  
نزہل مکة المکرمہ ذکر الشہاب .

و آنچه نمائش داشت خود برداشت و بقیه را چون اموال مردگان حراج کردند  
این خبر که بخضر رسید هماندم جان بجان آفرین داد .

آغاز: بسم الله يا كشاف صباة الاوهام بشموس شواهد العلوم الخ .

(۱۱۰۳)

**الاسعاف** این نسخه را بخط نسخ محمد حسین نیریزی بسال ۱۲۷۷ (۱)  
نوشته و شامل تمام کتابست ، اوراقی جدول کشیده پیش از  
کتاب گذارده اند که اسامی شعرای مذکور در این نسخه در آنها ثبت شود ولی  
توفیق بر این کار حاصل نگردیده و بر یکی از برگهای نوشته ای که آخر کتاب بوده  
عبدالله منشی طبری اسامی جمعی از شعرائیکه شرح حالشان در این کتابست با قید  
صفحه آنها بسال ۱۲۷۸ ثبت کرده است .

جلد تیماجی ، کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی بزرگ . شماره اوراق ( ۵۳۶ ) .  
صفحه ای ( ۲۵ ) سطر . طول ( ۳۵ سانتیمتر ) ، عرض (  $۲۱ \frac{۱}{۲}$  سانتیمتر ) . شماره کتابخانه  
( ۳۳۱۸ ) .

### [ ۴۸۵ ] انجمن خاقان ( فارسی )

این کتاب یکی از تذکره های کاملی است که در زمان فتحعلیشاه قاجار نوشته  
شده و مؤلف آن **راوی گروسی** بایندری است ( محمد ملقب به فاضل و متخلص به  
راوی متولد در گروس از توابع همدان و از طائفه بایندری ترکمان متولد بسال  
۱۱۹۸ و متوفی بسال ۱۲۵۳ ) (۲) چنانکه خود وی در آخر همین کتاب گفته شانزده

(۱) نویسنده نسخه این کتابخانه و نسخه کتابخانه معارف ( کتابخانه ملی ) : بنا بر تصریح در  
آخر و شهادت سبک هر دو یکنمرات ولی نسخه آن کتابخانه از لحاظ جدول کشی و نظم و ترتیب  
کامل تر از نسخه این کتابخانه است و آن نسخه بسال ۱۲۷۴ خانم یافته و کاتب در آخر نسخه متعاقب  
به این کتابخانه دو غلط در آخر نوشته یکی اینکه سال انعام را که ۱۰۰۳ بوده سبع و ثمانون ماه بعد  
الف ( کنذا ) و سال نگارش نسخه را : سبع و سبعون بعد الالف نوشته و مسلما هر دو غلط و  
در سال ۱۲۷۷ نوشته شده و بسال ۱۰۰۳ تالیف گردیده است و در اصل کتاب هم سقط و غلط دارد .  
(۲) این شرح با مرآة بختنامه خود کتاب و ج ۹ روضة الصفا و مجمع الفصحا ج ۲ ( ص ۱۴۲ ) و الذریعه  
ج ۲ ص ۳۶۵ نگاشته شد و تاریخ فوت نام برده از مجمع الفصحا و روضة الصفا نقل گردیده  
ولی مولف الذریعه در حدود سال ۱۲۶۰ نقل کرده اند .

سال داشته که پدرش بدرود زندگانی گفته او نیز در آن سال گروس را بدرود کرده و در شهرهای ایران گردش نموده و در هنگام پادشاهی فتحعلیشاه بطهران آمده، بوسیله ملك الشعرا فتحعلیخان صبا حضور پادشاه چنین معرفی گردیده که جوانی است راوی اشعار دانشمندان و او را جا حظ عجم توان دانست و دارای استعداد و لیاق است. اجازه باریافتن یافته و مورد لطف و مرحمت گشته و بروایت اشعار (بگفته صاحب مجمع الفصحا: راوی مدائح خاقانی شده) اختصاص یافت و در سلك غلامان دربار منسلک و در حضر و سفر ملازم بوده و مأمور به تکمیل تحصیلات ادیبانه گردیده و بسال ۱۲۳۴ بنگارش این تذکره مشغول و بگفته خود در پنج ماه آنرا تمام نموده و پس از فتحعلیشاه قاجار خانه نشین گردید و آقا محمد شاه ماهیانه ای بدو می‌رسانید. مؤلف خود این تذکره را که در حدود (۱۱۰۰۰) بیت کتایب دارد «انجمن خاقان» نام گذارده و دارای مقدمه و چهار انجمن و خاتمه ای بدین تفصیل میباشد: مقدمه در ذکر شمه ای از آثار شهریار گردون اقتدار. **انجمن اول:** در شرح حال فتحعلیشاه و اجداد وی و ایل قاجار و شمه ای از اشعار و آثار وی و شماره کتب نفیسه دربار ایران و بیان چیزهای نفیس و گرانها. **انجمن دوم:** در خلاصه احوال و افکار ملکزادگان و معدودی از نویینان (۱) عظام این سلسله و بعضی از بزرگان سلسله قاجار (در این انجمن شرح حال ۱۶ نفر و منتخباتی از اشعار آنان درج شده). **انجمن سوم:** در شرح حال و منتخبی از اشعار شعرائیکه به دربار این پادشاه بار یافته اند (در این انجمن نام ۴۳ نفر و اشعاری از آنها درج شده و درباره ملك الشعرا فتحعلیخان صبا که ولی التعمه وی بوده شرحی مبسوط نگاشته است). **انجمن چهارم:** در ذکر نام شعرای شهرهای ایران که معاصر یا نزدیک بعضر مؤلف بوده اند (در این انجمن بشرح حال ۱۱۹ (۲) نفر شاعر (۱) نویینان: نویین باثانی مجهول بر وزن موئین بمعنی اول نویین است که پادشاه زاده باشد و ملوک و سلاطین را که خویش و قوم و قرابت باشد نیز بدین نام خوانند (برهان قاطع). (۲) در الذریعه نوشته شده که این تذکره شامل حال پنجاه و پنج نفر از معاصرین مؤلف میباشد در صورتیکه از نقل شماره های بالا بدست آمده که با اضافه شرح حال پادشاه و مؤلف این تذکره شامل شرح حال و آثار ۱۷۸ شاعر است.

و نقل آثاری از آنها پرداخته (خاتمه در شرح مختصری از حالات مؤلف و ۲۷ بیت از اشعار اوست).

آغاز - بسمله زیب انجمن خاقان که زینت بزم زمان باد، نام بدیعی است جل شأنه الخ.

(۱۱۰۴)

**انجمن خاقان** این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۳۶ نگارش یافته، دو صفحه نخستین تذهیب شده و نیز آغازم. انجمن سرلوح و تذهیبی موجود و پیش از آن نام های آنانکه در آن انجمن نام برده میشوند در جدولهایی باشنجر ف نوشته شده و در حاشیه صفحه ای که شامل پاره ای از شرح حال و آثار سلیمان بیدگلی کاشانی متخلص به صباحی میباشد بسال ۱۲۸۳ اعتضاد السلطنه بخط خود یادداشتی مبنی بر اینکه آنچه صاحب این تذکره و صاحب در تاریخ خود درباره سال وفات این مرد نوشته اند (سال ۱۲۰۷) درست نیست چرا که وی در قصیده ای که در خود این کتاب هم ثبت شده فتحعلشاه را با تصریح بشاهی وی مدح نموده و جلوس این پادشاه بسال ۱۲۱۲ بوده و اگر بگوئیم در زمان حیات آغا محمد خان ویرا با خطاب شاهی مدح نموده زیاد مستبعد است.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع وحلی . شماره اوراق ( ۲۶۴ ) . صفحه ای ( ۱۷ ) سطر ۰ طول ( ۳۱ - ۱ ) سا ( ۳۱ - ۱ ) عرض ( ۲۱ - ۱ ) سا ( ۳۱ - ۱ ) شماره کتابخانه ( ۲۹۵ ) .

### [ ۴۸۶ ] تحفه سامی (فارسی)

سام میرزا پسر شاه اسمعیل و برادر شاه طهماسب صفوی میباشد (متولد بسال ۹۲۳ و متوفی بسال ۹۷۵) (۱)، شاهزاده ای دانشمند و دانش دوست بوده، طبعی لطیف داشته، حکومت قندهار یافته و بر برادر بارها خروج نموده و بخشیده شده، بار آخر که خروج نمود در قلعه قهقهه زندانی شد و در آنجا با اولاد خویش بسر میبرد در سال مذکور در هنگامیکه باد و پسر القاص میرزا (سلطان احمد و سلطان فرخ) در آن قلعه نشسته بودند در اثر زمین لرزه بسیار سخت منزل بر سر ایشان فرود آمد و روحشان از بدن پرواز نمود.

بسال ۹۵۷ تذکره‌ای بنام « تحفه سامی » (در دیباجة ادبیانه آن که حاکی از قدرت کامل برثر نویسی وی میباشد بدین تسمیه تصریح شده) تألیف نمود و آنرا بر هفت صحیفه قسمت نموده :

**صحیفه اول :** در ذکر شمه‌ای از احوال شاه اسمعیل و اولاد و احفاد او و پادشاهان معاصروی . **صحیفه دوم :** در ذکر سادات عظام و علمای افادت اعلام (در این فصل سادات از علما معاصر نامبرده شده‌اند) . **صحیفه سوم :** در ذکر علماء اگر چه شاعر هم نبوده‌اند . **صحیفه چهارم :** در ذکر روزراء مکرم و سائر ارباب قلم . **صحیفه پنجم :** در ذکر شاعران مقرر و فصیحای بلاغت گستر (در این فصل از عبدالرحمن جامی متوفی بسال ۸۹۸ که درك حیات شاه اسمعیل را کرده شروع و معاصرین خود را نام برده است) . **صحیفه ششم :** در ذکر طبقه ترکان و شعرای مقرر ایشان (در این فصل از امیر علیشیر نوائی متوفی بسال ۹۰۶ شروع نموده) . **صحیفه هفتم :** در طرفه گویان مقبول الکلام و ایراد سائر عوام (در این صحیفه کارگران و خنیاگران و دیگران از معاصرین خود را که گاهی بیتی گفته‌اند نام برده است) .

چنانکه در دانشمندان آذربایجان (ص ۱۷۷) بنقل از « احسن التواریخ » و « تکملة الاخبار » نقل گردیده این تذکره شامل ترجمه احوال ۶۶۶ نفر از شعرای معاصر مؤلف میباشد و دیوانی هم نزدیک به شش هزار بیت از ایشان دیده شده است . این تذکره را آقای وحید دستگردی مدیر و مؤسس مجله ارمنان بسال ۱۳۱۵ خورشیدی در طهران چاپ کرده‌اند .

آغاز : بسملة الله الحمد قبل كل كلام  
بصفات الجلال والاکرام  
حمد او تاج تارك سخن است  
صدر هر نامه نو و کهن است .

(۱۱۰۵)

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده از خود **تحفه سامی** و سال نگارش در آخر این نسخه نام برده ولی همین نویسنده « شبستان خیال » فتاحی را (در فصل ادبیات از آن معرفی میشود) بسال ۹۸۳ در

ماه صفر المظفر نوشته و پیش از این تذکره در یک جلد گذارده شده و جای هیچگونه تردیدی نیست در اینکه تحفه نیز خط نویسنده نام برده است، دارای یک سر لوح کوچک زیبا و صفحات مجدول بطلا و لاجورد و عناوین باشنجر فیه باشد و زیر آخرین سطر نسخه آثار محو جمله ایست.

جلد چرمی ضربی. کاغذ خان بالغ. واقف سپهسالار. قطع وزیری کوچک. شماره اوراق دو کتاب (۲۶۱). تحفه سامی (۱۷۴). صفحه ای (۱۵) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر). عرض (۱۴ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۷۲۱).

### [ ۴۸۷ ] تحفه العراقین (فارسی)

این مثنوی یکی از منشآت خاقانی شیروانی شاعر شهیر می باشد، کمتر کسی است که اندک سروکار به ادب و ادبیات داشته باشد و بخوبی این حکیم دانشمند و شاعر سخن سنج را نشناسد، قصیده ای که در اثر تأثر از مشاهده آثار مدائن و اظهار روح ایرانی خویش انشا نموده (۱) هر کودک دبستانی آنرا بخاطر سپرده و بدین اثر او را میشناسد، عرفا و دانشمندان او را بدیوان قصائد و غزلیات و تحفه العراقین میشناسند و اطلاع بر لغت فارسی و عربی و مباحث فلسفی و طبیبی و ملل و نحل (۲) و فنون ادب و قدرت طبع وی از اشعار او بخوبی ظاهر و هویداست.

هر کس که تذکره های نوشته در خور فهم خویش در باره این دانشمند چیزی نگاشته و بنا بر اطلاعی که این نگارنده یافته نزدیکترین آنها بعضی وزمان وی عوفی در باب الالباب (ج ۲ ص ۲۲۱) و پس از آن قزوینی در آثار البلاد ذیل شروان و حمد الله مستوفی در تاریخ گزیده (ص ۶۳۵ نسخه کهنه این کتابخانه) و دولت شاه سمرقندی در طبقه دوم از تذکره خود (ص ۵۱ - ۵۴ نسخه خطی این کتابخانه) و جامی در نفحات الانس و امین احمد رازی در هفت اقلیم (ص ۱۰۵۸ - ۱۰۷۳ نسخه خطی این کتابخانه)

(۱) مطلع این قصیده اینست:

هان ای دل عبرت بین از دیده نظر کن هان ایوان مدائن را آئینه عبرت دان

(۲) در قصیده ای که مطلع آن اینست:

فلک کج و تراست از خط ترسا مرا دارد مسلسل راهب آسا

بسیاری از اصطلاحات نصارا را ذکر نموده و بسیار خوب سروده و بر آن شرح نوشته شده و از سائر اشعار وی اطلاعات دینی او بخوبی ظاهر است.

و قاضی شوشتری در مجالس المؤمنین (مجلس ۱۲ ص ۵۰۸) و آذر در آتشکده (ص ۳۹) و هدایت در مجمع الفصحا (ج ۱ ص ۲۰۰) و آقای تربیت در مجله گنجیه فنون (شماره دوم سال ۱۳۴۱) و در دانشمندان آذربایجان (ص ۱۲۹-۱۳۲) و آقای محمد علی ناصح کارمند کنونی وزارت فرهنگ در مقاله مفصلی و آقای میرزا محمد خان قزوینی در حواشی چهارمقاله عروضی (ص ۱۵۱) و آقای بدیع الزمان در سخن و سخنوران (بخش اول از جلد دوم ص ۳۰۰-۴۰۳) و در سال گذشته نیز آقای تربیت در مجله مهر (شماره ۷ سال پنجم، آذرماه ۱۳۱۶ ص ۶۵۶-۶۶۱) در زیر عنوان «مثنوی و مثنوی گویان» آخرین کس اند که در باره این شاعر بزرگت شرح نگاشته اند. اینک نگارنده غتصری درباره این دانشمند بزرگت در خور لیاقت و استعداد خویش مینگارد:

خاقانی چنانکه خود در همین کتاب (تحفة العراقرین) تذکره داده بدیل (۱) نام داشته و پدر وی چنانکه خود تصریح نموده شیخ علی نجار شروانی است (در اواخر تحفه گوید «از سر خلا یقم سبک بار - بر مائده علی نجار - و پس از چند بیت گوید: آیا پدری بود بدین سان - کز بهر جگر فدا کند جان»). و بر حسب تحقیق تولد وی بدست نیامده ولی مسلماً در اوائل قرن ششم بوده و در سال وفات وی اقوال زیاد است (۵۳۲ و ۵۷۴ و ۵۸۱ و ۵۸۲ و ۵۹۵) عتقین سال ۵۹۵ را ترجیح داده اند، در این موضوع بماخذ نام برده بالا مراجعه شود که غریب سالی را معین کرده اند. و نیز بنا بر تصریح تذکره نویسان و اشاره خود در دیباجة تحفه، بیش از آنکه خاقانی

(۱) خود در اوائل مقابله پنجم گوید:

بس من نه بدیل بوالعزیم

ور جز در تست سجده جایم

و نیز در جای دیگر گوید:

از آن سبب پدرم نام من بدیل نهاد

بدل من آمدم اندر جهان سنائی را

در سخن و سخنوران مصرع دوم: بدان دلیل پدر نام من بدیل نهاد - ثبت شده، جامی و امین احمدی رازی نیز خاقانی را بنام بدیل معرفی کرده اند ولی بعضی او را ابراهیم و باره ای عثمان نامیده و دسته ای جمع میان بدیل و ابراهیم کرده اند.

تخلص کند حقایقی تخلص میکرده و چون بوسیله پدرزن خویش ابوالعلاء گنجه‌ای (۱) بخدمت خاقان منوچهر شروانشاه (۲) پیوسته خاقانی تخلص نموده (۳) و سالها در این دربار بمدّاحی اشتغال داشته و چون از این کار خسته شد و روح عرفانی بروی چیره گردید، پروانه گوشه نشینی و پرداختن بخویشتن خواست، پادشاه نپذیرفت از شروان به بیلقان فرار کرد، چاکران پادشاه او را گرفته و باستان آوردند، خاقان او را در قلعه شابران زندانی نمود، هفت ماه در آنجا بسر برد، چون از زندان درآمد رو به کعبه نمود. مادرش عیسوی مذهب بوده و اسلام (۴) اختیار کرده، خاقانی در اواخر تحفه اطلاعات سودمندی از خانواده خویش بدست میدهد و در اینجا ست که عمویم مرا احسان العجم لقب داده و در اواخر تحفه زیر عنوان تشکر از الطاف عموی خویش گوید:

چون دید که درسخن تمام حسان عجم نهاد نام.

معاصرین وی و عموم تذکره نویسان او را به لقب افضل الدین ستوده و نام برده اند و در زمان خویش شهرت زیاد یافته و معاصرین بروی حسد ها برده و او را بزحمت و رنج فکری و جسمی انداخته اند.

باین خصوصیات اسنادی وی پیش همه مسلم و سبک او ممتاز و تاداد و ادبیات درجهانست وی چنانکه خود گفته پادشاه سخن است.

(۱) این شاعر نیز از مشاهیر شعرای قرن ششم هجری میباشد و چنانچه در ص ۳۳۹ بخش اول ج ۲ سخن و سخنوران نوشته شده سال ۵۰۴ ه قات یافته است.

(۲) راجع به نسب این پادشاه که بمقیده بعضی از مورخین به بهرام جوینده میرسد و برخی او را از اولاد انوشیروان میداند، در هفت اقلیم شرحی نگارش یافته، و پدران او را تا انوشیروان نام برده و گوید دوازده نفر از اولاد وی نیز در آنجا سلطنت کرده اند و نام آنها را نیز برده است. (۳) چنانکه از قطعه ابوالعلاء در هجو و شکایت خاقانی بر هیای این تخلص را او به خاقانی داده:

چو شاعر شدی نزد خاقان مردم لقب نیز خاقانیت بر نهادم  
و در هفت اقلیم و تذکره دولتشاه زیر شرح حال ابوالعلاء گوید در هجو خاقانی گفته:

تو ای افضل الدین اگر راست گوئی بجان عزیزت که از تو نه شادم  
دروگر بسر بود نامت بشروان بخاقانیت من لقب بر نهادم

(۴) در اواخر تحفه در مدح و ستایش مادر خود گوید:

بس کرده گزین بمقل و الهام بر کیش کشیش دین اسلام.



از آثار وی دیوان قصائد و غزلیات اوست که در حدود بیست و دو هزار بیت (۲۲۰۰۰) در آنست و دیگری همین مثنوی است که بنام «تحفة العراقین» مشهور می‌باشد و مثنوی دیگری بنام ختم الغرائب دارد که از آن معرفی می‌شود و مکاتیبی از او در دست است. (چند مکتوب ضمیمه شماره ۶۰ کتابخانه می‌باشد و برخی در مجله ارمان چاپ گردیده).

**تحفة العراقین** بوزن مثنوی ساخته شده، و چنانکه از خود کتاب و قرائن خارجی بدست می‌آید (۱) بسال ۵۵۱ انشاء گردیده و مسلماً خاقانی در سفری که از راه همدان به حجاز رفته در موصل بسرودن آن پرداخته و خود گوید چهل روز (۲) نظم آن طول کشیده و آنرا به شش مقاله (هریک بنامی) بدین تفصیل مرتب نموده: ۱ - عرائس الفکر و مجالس الذکر. ۲ - معراج العقول و منهاج الفحول. ۳ - سمجة الاوتاد، در وصف بلاد عراق و همدان و بغداد و وصف مردمان بزرگ و دانشمند این شهرها. ۴ - شواردا الاوراد و خزانه الاوتاد، در شرح کوفه و مکه معظمه و غیر اینها. ۵ - هدیة المهتدی الی الهادی در وصف مدینه طیبه و نعت حضرت رسول ص - (بدون نام است) در مدح شام و موصل و مدح جمال الدین وزیر و در این مقاله نیز بمدح جمعی از دانشمندان پرداخته و از خاندان خویش اطلاعاتی سودمند بدست می‌دهد و در ابتداء هر یک از مقالات مقاله ای در وصف آفتاب انشا نموده و روح تصنیف خود را هم در تمام این مقالات جاداده ولی چنانکه امید بلکه گمان داشته (۳) بسنائی و شاید چند مرحله پائین تر هم نرسیده است.

خاقانی در مقدمه این تحفه دیباچه ای به نشر با کمال قدرت ادبی انشاء نموده و ابیات تحفه در حدود (۳۲۷۱) شعر می‌باشد و سال ۱۸۵۵ ه در هندوستان چاپ شده است.

**آغاز:** بسمله خیر ما اعتمسم المراء بحباله کلمة العجز لقصور الاله ..... اما بعد

این تحفه تذکره ایست بل تبصرة عقلاء عهد ازین مجنون الیهی .....  
 دایم نظار گات غمدان زین سحرة سحر و مبهرة خاک الخ.

(۱) به متن وحاشیه ص ۳۲۷ بخش اول جلد دوم سخن و سخنوران مراجعه گردد.

(۲) در اواخر تحفه گوید: من اینهمه کوهر از سر کاک راندم بجهن صباح از کک.

(۳) این بیت خاقانی این آرزو را می‌رساند:

بدل من آمدم اندر جهان سنائی را از آن سبب پدرم نام من بدیل نهاد.

انجام: این دعوات را بگاہ تهلیل آمین آمین کناد جبریل .

(۱۱۰۶)

**تحفة العراقین** این نسخه در ابتداء دیوان خاقانی گذارده شده ، بسال ۱۰۱۳ بخط نستعلیق خوب نگارش یافته ، نویسنده نام خود را رقم نموده ، در ابتداء دیباچه سرلوح زیبایی است ولی قسمتی از آن ضایع گردیده و نیز در ابتداء مقاله اولی سرلوح ظریفی میباشد و دیوان خاقانی راضیمه دارد و آن نیز دارای دوسرلوح میباشد و خصوصیات آن پس از این نگاشته خواهد شد ، پشت برگ نخستین یادگار های بچه گانه و غیره است ، برگ هائی از اوّل و برگ آخر تحفه و صّالی شده و اوراق آن مجدول بطلا و زنگار و شنجرف است . جلد روغنی گل و بوته دورو و مستعمل . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق کلیه ( ۲۸۴ ) این نسخه ( ۶۲ ) . صفحه ای ( ۲۰ ) سطر . طول (  $۱\frac{۱}{۲}$  ) سانتیمتر . عرض (  $۵\frac{۱}{۲}$  ) سانتیمتر . ضمیمه شماره کتابخانه ( ۴۱۰ ) .

(۱۱۰۷)

**تحفة العراقین** این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب محمد مسیح ابن مولانا نویدی شیرازی بسال ۱۰۶۳ نوشته و همین نویسنده « لیلی و مجنون » مکتبی را که در همین فصل معرفی خواهیم نمود ، نوشته و بدین نسخه پیوسته است ، در ابتداء دیباچه و اصل تحفه هر یک سرلوحی زیبا ترسیم گردیده و اطراف صفحه سرلوح دار و صفحه مقابل نیز تذهیب ظریفی شده ، صفحات مجدول بطلا و لاجورد و عناوین مطالب باطلا نگارش یافته و پشت برگ نخستین و برگیکه پیش از آنست دو یادداشت بخط شاهزاده فرهاد میرزا بامهر و امضاء وی موجود است . جلد روغنی ظریف و در دو طرف خارج آن ترسیم لیلی و مجنون و دو طرف داخل گل و بوته ، است . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شماره اوراق کلیه ( ۱۷۱ ) این نسخه ( ۱۰۴ ) . صفحه ای ( ۱۷ ) سطر . طول ( ۱۶ ) سانتیمتر . عرض ( ۸ ) سانتیمتر . شماره کتابخانه ( ۴۶۳ ) .

(۱۱۰۸)

**تحفة العراقین** این نسخه را بسال ۱۰۳۲ قادرک آقا بیوری ( کذا ) بخط شکسته نستعلیق نوشته ، دیباچه و ۸۵ بیت از ابتداء آن افتاده ،

نویسنده عناوین را نگاشته، حواشی نسخه آب دیده ولی خطوط آن چندان از میان نرفته، یکی دو برگ آن وصالی گردیده، پشت آخرین ورق این اولغ خان بك غمدم ابراهیم طسوجی که بقرینه تاریخ مهر اسم وی (۱۱۱۶) از دانشمندان قرن دوازدهم هجری بوده، مالکیت خود را یادداشت نموده و نویسنده دیگری قسمتی از عوامل جرجانی منظوم را پس از ختم کتاب نوشته است.

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق ( ۹۰ ) .  
صفحه ای ( ۱۷ ) سطر . طول ( ۱۸ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۰ سانتیمتر ) شماره کتبخانه ( ۲۶۷ ) .

( ۱۱۰۹ )

این نسخه را بخط شکسته نستعلیق محمد بن عبد الله آشتیانی تحفه العراقین بسال ۱۲۳۷ نوشته و پس از آن شروع نوشتن « عبرت نامه » فتحعلیخان صبا نموده ( در همین فصل از آن معرفی خواهند شد ) و برگزینا آخرین ورق تحفه و چندین ورق نوشته پس از آن و اوراق آخر عدت نامه ابیات و مطالبی بسال ۱۲۹۲ نگارش یافته و ظاهر آن نویسنده آنها اعتضاد الساعده است .

صفحات نسخه مجذول بطلال و لا جوید و شنجرف و دارای یک سر لوح در ابتداء دیدارچه میباشد و عناوین را با شنجرف نوشته است .

جلد تیماجی ضربی . کاغذ ترمه . واقف سه سالار . قطع وزیری . شماره کتبه اوراق ( ۹۶ ) . این نسخه ( ۸۳ ) . صفحه ای ( ۲۱ ) سطر . طول ( ۲۳ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۳ سانتیمتر ) . شماره کتبخانه ( ۴۱۱ ) .

( ۱۱۱۰ )

این نسخه بخط نستعلیق در همین و حاشیه نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده . ظاهر آن خط اوراق قرن سیزدهم هجری است ، مقاله ای موزن مشوی و نام ختم الغریب همین نویسنده نوشته و آنرا ضمیمه تحفه قرار داده و در ص ۲۰۳ و ۲۰۴ از آن معرفی میشود ، پشت صفحه نخستین بخط شکسته نستعلیق شرح حال از خاندان کدواری بافته اشراف دو صفحه اول نسخه بازنگار نقاشی شده و عناوین را با خوشنویس نوشته است .

جلد تیماج . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق کلیه ( ۱۰۰ )  
این نسخه ( ۸۸ ) . صفحه ای ( ۱۰ ) سطر . طول (  $۲۰\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۱۰ سانتیمتر ) .  
شماره کتابخانه ( ۲۷۲ ) .

( ۱۱۱۱ )

این نسخه بدون تاریخ و نام نویسنده است ، دیباچه ۳۵ بیت  
از ابتداء نسخه افتاده و آغاز کنونی آن اینست :

تحفة العراقین

زرپاشی و ناکشاده گنجی . تب داری و ناکشیده رنجی . فقط چند عذران و اوائل نسخه با سرخی  
نوشته شده و برور قیکه پیش از برگ نخستین نسخه است ، یادداشت شده که بسال  
۱۲۸۱ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده ، اصل نسخه ظاهراً در قرن یازدهم  
هجری نگارش یافته ، برخی از اوراق و صالی شده و در تمام آنها آثار موریا نه است .  
جلد قوائی . کاغذ اصفهانی . واقف سیه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق ( ۱۳۳ ) .  
صفحه ای ( ۱۲ ) سطر . طول ( ۱۸ سانتیمتر ) . عرض (  $۱۱\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر ) . شماره کتابخانه  
( ۲۶۸ ) .

[ ۴۸۸ ] تذکره اسحق ( فارسی )

اسحق بیك ، برادر کوچکتر حاج لطفعلی آذریبگدلی شاملو ، مؤلف آتشکده بوده و در  
جوانی در گذشته ، در غزل سرائی سلیقه خوبی داشته و عذری تخلص میجسته و بسال  
۱۱۸۵ وفات یافته ، راوی گروسی که نزدیک بعصروی بوده در انجمن چهارم از  
انجمن خاقان زیر عنوان عذری ایشان را نام برده و گوید : « گویند آدمی منش  
و سلیم النفس صبیح الوجه کریم الطبع بوده ..... وقتی یکی از اصدقای او را  
بولایت خود اندر ، ادراك صحبت کردم ، گفתי بروز تشییعش که از خاص و عام  
پیرامن تابوت را ازدحامی بود ، مرا با حضرت آذر ضیق بمقرب معبر داد ، شنیدم  
که با انین خفیف و حنین حزین این شعر برادر را که در قافیه لازم مذکور است  
همیخواند فرد

کدامین ماه را یارب درین عمل بود منزل

که محمل می رود از شهر و شهری از پی محمل !

رحمة الله علیهم جمیعاً جناب صباحی تاریخ وفاتش را گفت :

بادا در بهشت جاودان اسحاق بیك . = ۱۱۸۵ ( ۱ ) . «

( ۱ ) آتشکده آذر ص ۴۲۱ ، مجمع الفصحا ج ۲ ص ۴۵ و انجمن چهارم انجمن خاقان دیده شود .

آذر پیش از راوی نیز در آتشکده عذری را نام برده و ۴۶ بیت از او را هم انتخاب نموده و راوی ۲۵ بیت و هدایت در مجمع الفصحا ۱۸ بیت از منتخب آذر را در تذکره خویش (آتشکده) نقل نموده‌اند.

راوی و هدایت در دو کتاب خود نگاشته‌اند که اسحق بیک اشعار آتشکده را بترتیب قافیه آنها فقط با ذکر نام شاعر بدون شرح حال آنها مرتب نموده (مراد همین تذکره است) و تذکره ای ساخته است.

اسحق بیک این تذکره را چهاربخش نموده: ۱ - قصائد. ۲ - مقطعات. ۳ - غزلیات. ۴ - رباعیات. و در هر یک از بخشها ابیات شعرای نام برده در آتشکده را با مراعات حروف و اواخر آنها بترتیب حروف تهجی (از الف تا یاء) مرتب نموده و تقریباً در این تذکره (۷۲۰۰) بیت شعر وجود دارد و بدقتیکه نگارنده نمود بسیار کم اتفاق افتاده که شعری از آتشکده در این تذکره نباشد و برای اعتماد باینکه این تذکره مرتب شده از اشعار آتشکده میباشد اشعار منتخبه از حافظ شیرازی را از آن تذکره در این تذکره اسحق جستجو کرده بدون نقص یافته‌ام.

آغاز: بسمله عاشق اصفهانی:

تاجر عشقم بکف مایه سودم وفا      تا که شود مشتری تاجه دهد در بها  
انجام: مهستی گنجه:

آنی که بهیچ کس تو چیزی ندهی      صاحب خوب مغول خوری مویزی ندهی  
سنگی که از آن روغن کنجد گیرند      کبر بر شکمت نهان تیری ندهی.

(۱۱۱۲)

تذکره اسحق      این نسخه بخط مستعرب خوب نوشته شده. نویسنده از خود و سال نگارش نام برده، سال ۱۳۶۴ و ارد کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده، از طرز خط و تذهیب و مور و لوح زیبایی که در ابتداء تذکره و آغاز بخش غزلیات میباشد، احتمال قوی میدهد که در اوائل نیمه دوم قرن سیزدهم هجری برای کتابخانه همین شاهزاده نگاشته شده و اطراف دو صفحه

اول نسخه و اول بخش غزلیات تذهیب برگ موی گردیده و تمام صفحات مجدول بطلا و لاجورد است.

جلد تیماجی مذهب . کاغذ ترمه . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۲۳۲ ) .  
صفحه ای ( ۱۷ ) سطر . طول ( ۲۴ سانتیمتر ) عرض ( ۱۵ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۷۱۶ ) .  
( ۱۱۱۳ )

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده از خود و سال  
تذکره اسحق نگارش نام نبرده ، پیش از شروع نگارش تذکره ساقی نامه  
( همنوی ) انشائی فتحعلیشاه را ( ۹۶ بیت ) که آغاز آن :

چمن تازه شد باز چون روی یار      بده ساقی آن باده خوش گوار  
و آخر آن این بیت میباشد :

( زجان و دلت هست خاقان غلام      سخن ختم کردم بدین و السلام )  
نویسنده تذکره نوشته و پس از این دیگری چهار بیت از منوچهری نگاشته ،  
پشت صفحه نخستین تذکره دخول این نسخه به کتابخانه یکی از شاهزادگان ( نام او را  
نبرده است ) سال ۱۲۲۷ یادداشت گردیده ، و در حاشیه بسیاری از صفحات اشعاری از  
آزاد کشته میری و میرزا اسمعیل خان متخلص به خرمند شیرازی و ولی محمد بهرزا  
متخلص به خسته و محمدعلی خان متخلص به مهر که ظاهراً بخط خود آنهاست نوشته  
شده و گوشه اوراق نسخه سوخته و وصالی گردیده و پشت صفحه نخستین نسخه نیز  
سال ۱۲۵۷ که تاریخ ورود آن به کتابخانه یکی دیگر از شاهزادگان ( نام وی  
و مهر او را محو کرده اند ) را میسراند ، نگاشته شده و از بخش رباعیات قسمتی  
از ردیف الف و قسمتی از ردیف حرف یاء و تمام قسمتهای حرف باء تا حرف هاء  
افتاده است .

جلد تیماج . کاغذ آبی رنگ فرنکی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۲۵۲ ) .  
صفحه ای ( ۱۳ ) سطر . طول ( ۲۱ سانتیمتر ) عرض ( ۱۶ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۷۲۳ ) .

( ۱۱۱۴ )

این نسخه سال ۱۲۲۷ بخط شکسته نستعلیق نوشته شده ،  
تذکره اسحق برورقیکه پس از آخرین صفحه تذکره میباشد نویسنده خود را

عبدالمحمد همدانی معرفی کرده و گوید که این تذکره را بنخواست شاهزاده شیخعلی میرزا در هنگام حکومت ملایر ایشان در سال نامبرده بالا نوشته و قسمتی از برگ نخستین پاره شده و برگ دوم و صالی گردیده است .  
جلد نهمای. کاغذ فرنگی آبی رنگ . واقف سیهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۱۸۹ ) .  
صفحه ای ( ۱۹ ) سطر . طول ( ۳۳ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۹ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۷۳۲ ) .

### [ ۴۸۹ ] تذکره حسن چلبی = تذکره قتالی زاده ( ترکی )

مؤلف این تذکره حسن چلبی مشهور به قتالی زاده است ( حسن بن علی بن امرالله متوفی بسال ۱۰۱۲ ) ( ۱ ) که از ادبا و شعرای قرن دهم هجری بوده و این مؤلفه بهترین گواه بر علو مقام ادبی اوست ، حاجی خلیفه گوید : در این تذکره آنچه دیگران در تذکره های خویش نوشته اند بالنداختن زوائد آنها و اضافه لطائف و فوائدی ، بالانشائی لطیف تألیف گردیده و بهتر از همه شده . مؤلف فهرست کتابخانه خدیویه عین عبارت کشف الظنون را در معرفی این تذکره نقل نموده و آغاز آنرا که در کشف الظنون نیست ذکر کرده است .

در آخر مقدمه این تذکره ( برگ ۲۵ نسخه زیرین ) مؤلف گوید این تذکره را بدین ترتیب مرتب کرده ام : فصل اول در بیان حالات پادشاهان گذشته ( از سلطان مراد بن سلطان محمد ۸۲۵ - ۸۵۵ شروع نمود ) . فصل دوم در اوصاف شاهزادگان . فصل سوم در شرح حال علما و شعرای بترتیب حروف تهجی .

و مقدمه ای در معرفی از خود و این کتاب و پادشاه عصر ( سلطان مراد ثالث ) با کمال قدرت ادبی ( بشهادت دانشمندان ترک نژاد ) در ۲۰۰ بیت بیش از شروع به فصل نخستین ، حاوی ایبانی عربی و ترکی از خود و دیگران اشاء نموده و تمام این تذکره در

( ۱ ) مؤلف فهرست کتب ترکی کتابخانه خدیویه ( ص ۱۸۱ ) نام این مؤلف و پدر و جد او را بدینگونه که نقل نمودیم بانصریح شهرت وی به قتالی زاده و سال وفات وی ضبط نموده و چهار نسخه که بسال ۱۰۱۰ و ۱۰۱۲ و ۱۰۱۳ و ۱۰۸۷ نوشته شده اند در آن کتابخانه نشان داده شده ولی چنانکه می بینید نسخه این کتابخانه که نه تر از آنهاست و در قاموس الاعلام ترکی ( ج ۳ ص ۱۹۵۰ ) مؤلف را فقط بنام حسن چلبی معرفی و سال وفات وی را ۱۰۱۳ نوشته و در کشف الظنون ( ج ۱ ص ۲۷۵ ) نام و شهرت وی نوشته شده و سال وفات او را نیز ۱۰۱۲ معین کرده است .

حدود (۲۸۵۰۰) بیت کتابت دارد و چنانکه در آخر آن تصریح شده بسال ۹۹۴ تألیف این تذکره خاتمه یافته است.

آغاز: سرنامۀ صحائف انّ هذه تذکرة که مفتاح خزائن تبصره در الخ .  
(۱۱۱۵)

تذکره  
این نسخه را بخط نستعلیق ، اولان رمضان نام سال ۱۰۰۲  
نوشته ، دارای يك سرلوح ظریفی است که در میان ترنج آن  
حسن چلبی تذکرة الشعر الحسن چلبی قتالی زاده نگارش یافته ، برگ  
نخستین و چندین برگ از او آخر و صالی شده ، کنار بسیاری از اوراق آبدیده و مجدول  
بطلاست ، عناوین و اسامی اشخاص با طلا نگاشته شده ، پشت نخستین برگ  
یادداشت‌هایی است و بخشی از یکی از آنها را محو کرده اند .  
جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۳۴۴ ) .  
صفحه ای ( ۲۱ ) سطر . طول ( ۲۲ سانتیمتر ) . عرض (  $۱۲ \frac{1}{4}$  سانتیمتر ) . شماره کتاخانه  
( ۲۷۲۰ ) .

[ ۴۹۰ ] تذکرة خوشگو = سفینه خوشگو ( فارسی )

این تذکره چنانکه جامع و مرتب کننده اخیر آن درّی شوشتری تصریح نموده و از  
خود آن نیز برمی آید سفینه نام داشته و قسمت دوم از چهار قسم تذکره ای بوده که مؤلف  
آن شاعری خوشگو تخلص ، شاگرد میرزا محمد افضل متخلص به سرخوش ( متولد  
بسال ۱۰۵۰ و متوفی بسال ۱۱۲۶ ) بوده و ابن تخلص را ایشان بوی داده و آنرا  
در عصر محمد شاه هندی ( مغلوب نادر شاه ) در هندوستان تألیف نموده و در همان هنگام  
بدست قشون نادر شاه افشار افتاده و نصیب یکی از بختیارها گردیده و بسال ۱۲۲۸  
که در اثر باران سیلی بزرگ در کوه های بختیاری جاری و بسیاری از خاندانها را  
بی خانمان کرده ، در شوشتر این کتاب روی اسبابهایی که سیل با خود می آورده جای  
گرفته و بدست یکی از اهالی آنجا رسیده ، بالاخره بدست درّی رسید و بر حسب  
خواست مرحوم سید محمد بن سید عبدالکریم موسوی که از تعبیرهای درّی معلوم  
میشود از علمای بزرگ آن شهر بوده و در هنگام ترتیب و تنظیم این نسخه ( سال ۱۲۴۰ )



زندگانی را بدرود کرده بود ، نخستین بار بجمع و ترتیب آن پرداخته و بار دوم بفرمان علیقلی خان گروسی که حاکم خوزستان گردیده مشغول تهیه فهرست و مقدمه ای بر آن شده ولی بواسطه فوت شاهزاده محمدعلی میرزای دولتشاه (۱۲۳۷) این کار بانجام نرسید ، بسال ۱۲۴۰ حکومت خوزستان بشاهزاده محمد حسین میرزا (حشمةالدوله) پسر دولتشاه بر گزار و شوشتر را محل اقامت خویش قرار داد و در آنجا بجمع آوری اشعار و بحث در آنها مشغول گردید ، میرزا اسمعیل خان و میرزا احمدخان که از سادات بزرگوار و در خدمت شاهزاده خدمت گذار بودند ، نسخه اصل آب آورد این تذکره را خدمت شاهزاده برده و داستان آنرا معروض داشتند ، پسند خاطر اگشت و گفت : دور از مروست که چنین کتابی را بچنین وضع گذاریم الخ. آن دو عالیجناب درّی را معرفی کامل کردند بعدی که فرمودند گذشته از وضع فهرست و ترتیب و تنظیم آن بایستی تصرفهاییکه لازم بداند نیز در آن بنماید و آنرا بنام ما مطرز و موشح گرداند .

تصرفهاییکه درّی در تذکره نموده چنانستکه بخوبی در همه جا از اصل ممتاز است و در این مجلد از تذکره نام (۷۷۰) شاعر مرتب بحروف تهجی از الف تا یا ثبت گردیده و فهرست هریک نوع از حروف پیش از آن گذارده شده و این تذکره شامل شرح حال و آثار شعرای گذشته و معاصر میباشد و در حدود (۱۳۵۰) بیت کتابت آنست .

آغاز : بسمله - در این زمانه رفیقی که خالی از خلل است - صراحی می نابسفینه غزل است ، کشتی حیات را ناخدا حمد خدا نیست که بنی نوع انسان را الخ .

(۱۱۱۶)

تذکره خوشگو این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، از شرحی که یوسف نام هنظر تخلص در حاشیه آخرین صفحه نسخه بسال ۱۲۴۴ نوشته بدست می آید که درّی تا آن زمان زندگانی نموده و این نسخه متعلق بخود وی بوده ، در حاشیه بعضی صفحات مطالبی بخط درّی جامع و مرتب کننده تذکره است و در صفحه ای که شامل شرح حال نویدی شیرازی است تصریح باسم خود کرده و مطالب

هم گواه است ، در صفحه ايکه شرح حال امير ابو تراب رازی ميباشد ميرزا محمد حسن بروجردی شرحی بخط خویش در بيان احوال ميرزا اشراق ، اشراق تخلص و نیز در حاشیة صفحه ايکه حرف بهما باآخر رسیده و شرح حال ميرزا تنها در آن شروع شده همو شرحی راجع به احوال بيدل (ميرزا حسن بروجردی) بر حسب خواهش دري در شوال سال ۱۲۴۳ در شوشتر نوشته و پاره ای از برگهای نسخه حواشی آنها وصال گردیده است .

جلد تيماجی . کاغذ فرنگی . واقف سيه سالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۳۲۳ ) . صفحه ای ( ۲۰ ) سطر . طول ( ۲۹ - ۱/۲ ) سانتيمتر . عرض ( ۲۱ ) سانتيمتر . شماره کتابخانه ( ۲۷۲۴ ) .

### [ ۴۹۱ ] تذکرة دولتشاه سمرقندی (فارسی)

دولتشاه بن علاء الدین بختشاه سمرقندی که از ادباء قرن نهم هجری بوده (۸۴۲-۹۰۰) (۱) بسال ۸۹۲ تذکرة ای مشتمل بر شرح حال جمعی از دانشمندان عرب و عجم گذشته و معاصر ، با انتخابی از اشعار آنها و بسیاری از وقایع تاریخی زمان هر يك ، پرداخته و چنانکه در دیباچه کتاب نگاشته تصور نموده که پیش از وی کس بدین کار مبادرت نموده و او مبدع چنین تألیفی بوده ، در صورتیکه لباب الالباب عوفی تقریباً سیصد سال پیش از وی فن تألیف شده است و نیز در دیباچه چندین بار تصریح نموده که در هنگام این تألیف پنجاه سال داشته (۲) و از آثار نظمی خویش بمناسبت ابیاتی آورده و پدران خود را هم به مقام ادب ستوده و این تألیف را بنام امیر کبیر امیر علیشیر نوائی همان وزیر دانشمند دانش پژوه

- 
- (۱) در تحفه سامی و هفت اقلیم که نزدیک ترین تذکرة بزمان دولتشاه میباشد و آتشکده آذر و مجمع الفصاح شرح حالی از دولتشاه نیست ، فقط در مجالس النفاث امیر علیشیر ختصری مذکور و از آنجا بدست می آید که پیش از وفات اهریسن کور ( بسال ۹۰۶ مرده ) جهان را بدرد گفته و در ۳۶۴ ج ۲ فهرست موزر به بتانیا است بنقل از «مرآت الصفا» وفات دولتشاه را بسال (۹۰۰) ضبط کرده و در ۳۶۴ ج ۳ قاهوس الاعلام ترکی از دولتشاه معرفی شده ولی تاریخ تألیف تذکرة را بسال ۹۹۵ معین نموده و مسلماً غلط است و در شماره شعرای آن هم اشتباهی است .
- (۲) بنا بر این و تصریح در آخر تذکرة که بسال ۸۹۲ تألیف آن خاتمه یافته و شهادت مندرجات مقدمه که پس از اتمام نگارش یافته ، مؤلف بسال ۸۴۲ متولد شده است .

موشح نموده و امیرمذکور در مجالس النفائس خویش دولت‌شاه را نام برده و اورا ستوده و از مندرجات تذکره دولت‌شاه معلوم می‌شود که مؤلف بعرفان و عرفا علاقه داشته است. این تذکره به يك مقدمه و هفت طبقه و خاتمه ای تقسیم گردیده و شامل شرح حال ۱۵۰ نفر میباشد، در مقدمه چند نفر از معاریف شعرای عرب را معرفی و در طبقات هفت‌گانه، از شعرای گذشته و در خاتمه چند تن از شعرای معاصر خود را نام برده و تذکره را بمختصری از تاریخ سلطان حسین میرزا بایقرا ختم نموده و این تذکره نخستین بار بسال ۱۳۰۵ در هندوستان و بسال ۱۳۱۸ باتصحیح و مقدمه فارسی و انگلیسی مستشرق شهیر آدوارد برون انگلیسی در اروپا چاپ شده و چنانکه در قاموس الاعلام ترکی و مقدمه برون نوشته شده در سفینه الشعراء ترکی که بسال ۱۲۹۵ در اسلامبول چاپ شده بسیاری از مطالب این کتاب بترکی نقل گردیده است. آغاز: بسمله تحمیدیکه شاهباز بلند پرواز اندیشه بساحت و فضای آن نتواند رسید الخ.

(۱۱۱۷)

تذکره دولت‌شاه این نسخه را بخط نستعلیق بسال ۱۰۴۲ دوست علی بن قنبر نوشته، در حدود ۲۵ بیت از ابتداء آن افتاده و نخستین سطر قندی سطر آن اینست: و غفران از دل و جان روشن را و بان ایمان نثار روضه منور الخ. عناوین کتاب با شجرف نوشته شده، چند برگ از اول و برگ آخر و صالی گردیده و برگ آخر یادداشت‌هایی مورخ بسالهای اخیر قرن یازدهم و بدون تاریخ میباشد.

جلد نیمایی. کاغذ چهار بغل اصفهانی. واقف سیه سالار. قطع خشتی بزرگ. شماره اوراق (۱۲۹) ۰ صفحه‌ای (۱۶) سطر. طول (۲۵ سانتیمتر). عرض (۱۹ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۲۲۷) ۰

(۱۱۱۸)

تذکره دولت‌شاه این نسخه کامل ولی دو سه از آخر سطر آن نداردش نیافته، بخط نستعلیق نوشته شده، ظاهر آن خطوط او اواسط قرن سیزدهم هجری میباشد، بسال ۱۲۸۳ داخل کتبخانه اعتضاد السلطنه گردیده

سمرقندی

و عناوین را با جوهر قرمز نگاشته اند .

جلد نیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار ، قطع وزیری . شماره اوراق ( ۱۹۱ ) . صفحه ای ( ۱۸ ) سطر . طول ( ۳۱ سانتیمتر ) . عرض (  $۱۷\frac{1}{4}$  سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۷۲۵ ) .

( ۱۱۱۹ )

**تذکره دولتشاه** این نسخه از اوّل و آخر افتاده دارد ، ظاهراً از خطوط قرن

دهم هجری و نو بسنده آن هندی است ، آغاز نسخه بخشی از

سمرقندی شرح حال خاقانی شروانی و انجام آن پاره ای از حالات سید

ذوالفقار میباشد ، بسیاری از برگهای آن نیازمند وصالی و برخی در حواشی آن

اشعار و مطالبی بدون تاریخ نگارش یافته است .

جلد نیماجی . کاغذ آبی . واقف سیه سالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۲۲۴ ) . صفحه ای ( ۱۵ ) سطر . طول ( ۲۵ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۷ سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۲۷۱۷ ) .

( ۱۱۲۰ )

**تذکره دولتشاه** نسخه ای از این تذکره ضمیمه ( جزء ۱۱ ) مجموعه شماره

( ۲۹۱۴ ) این کتابخانه میباشد که بسال ۱۲۳۴ نوشته شده ،

سمرقندی خصوصیات دیگر نسخه زیر معرفی آن مجموعه می آید .

[ ۴۹۲ ] **تذکره السلاطین - بزم خاقان ( فارسی )**

جامع این تذکره چنانکه خود تصریح نموده **سلطان محمد پسر فتحعلیشاه**

**قاجار** میباشد که ملقب به **سیف الدوله** و متخلص به **سلطان** بوده و بسال ۱۲۲۸ ( ۱ )

متولد شده و در سال ۱۲۴۰ بحکومت و فرمانروائی عراق منصوب و ده سال در

اصفهان اقامت گزیده و باد انشمنان شهر آنجا معاشرت نموده و از خرم هریک

( ۱ ) در ناسخ التواریخ ( آخر جلد اول قاجاریه ) زیر عنوان **یسر سی و هشتم فتحعلیشاه گوید :**

**سلطان محمد ملقب به سیف الدوله در شب پنجشنبه بیست و ششم جمادی الاولی سال هزار و دو بیست**

**بیست و هشت تولد یافته و او را فرزند نباشد . و درص ۳۱ - ۳۴ ج ۱ مجمع الفصحای معرفی**

**نسبتاً کاملی از این شاهزاده شده و چنان بدست می آید که در هنگام نگارش این تذکره زنده بوده**

**و تولد او را بسال ۱۲۲۷ ضبط کرده و مطالب بالا از آنجا نقل شده و در این کتاب**

**( مجمع الفصحای ) ۱۳۷ بیت از اشعار میخانه شاهزاده ثبت گردیده است .**

خوشه چینی نموده و پس از وفات فتحعلیشاه بطهران آمده و مقام میرپنجه ای یافته و بسال ۱۲۷۹ بسعادت تشریف به مکه معظمه و سیروساحت قسمتی از جهان نائل آمده و مسلماً یکی دوسال پس از این زندگانی مینموده و از بیانات صاحب مجمع الفصحا برمی آید که تاهنگام تألیف این تذکره بزرگ (بسال ۱۲۸۸ خاتمه یافته) در حیات بوده و هدایت مؤلف مذکور گوید از مؤلفات او *ملوک الکلام* شامل نظم و نثر عربی و فارسی در علوم مختلفه و *تحفة الحرمین* و *سیف الرسائل* از مثنویات اوست و نامی از این تذکره وی در آنجا نیست.

چنانکه در دیباچه این تذکره تصریح کرده نام آنرا «تذکره السلاطین» گذارده (۱) و بسال ۱۲۴۵ (۲) در اصفهان تألیف گردیده و بربك مقدمه و سه باب بدین تفصیل تقسیم شده است: مقدمه در وصف سرتاپای خوب (این مقدمه انیس العشاق شرف رامی است و مؤلف ابد اشاره ای باین کتاب و مؤلف آن نموده است). باب اول در اسامی شاهان و شاهزادگان و اشعاری از ایشان. باب دوم در مختصری از شرح حالات فتحعلیشاه و اشعاری از او. باب سوم در شرح حال و اشعار مؤلف. نسخه زیرین باب سوم را ندارد و باقی آن در حدود (۱۶۰۰) بیت کتابت دارد. آغاز: بسمله: حمد و ثنای افزون از حد شکر و سپاس بیرون از عدد پادشاهپرا سزاست الخ.

(۱) نسخه دیگری که از این تذکره در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود است در مقدمه بجای «تذکره السلاطین» که در این نسخه است «بزم خاقان» نوشته شده و عین این کتابست جز اینکه تقسیمات آن برخلاف آنچه در این نسخه تعیین شده، میباشد باین معنی که مقدمه را (چنانکه انیس العشاق تقسیم شده) در بیست و یکمین مرتب نموده و مطالب کتاب را در پنج انجمن بدین تفصیل: انجمن اول در بعضی از اشعار و حالات السلاطین و یاد شاهزادگان پیشین دوم: در مناقب پادشاه عصر (فتحعلیشاه) و اشعاری از او. سوم: در اشعار و حالات شاهزادگان. چهارم: در اشعار و احوال میرزادگان. پنجم: در ذکر اشعار و حالات مؤلف و این نسخه فقط شرح حال مؤلف را بدون اشعار او داراست.

(۲) در نسخه مجلس سال تألیف چنین ثبت گردیده ولی نسخه این کتابخانه ۱۲۵۰ و چهل و پنج هر دو قسم نوشته شده است.

(۱۱۲۱)

تذکره السلاطین این نسخه بخط نستعلیق بسیار خوب نوشته شده ، دارای يك سر لوح خیلی زیبا میباشد ، میان سطر های دو صفحه

یا

نخستین طلا اندازی شده و حواشی این دو نقاشی و تذهیب

بزم خاقان

گردیده ، عناوین دیباچه و مقدمه و باب اول باطلا نگارش یافته ، تمام صفحات آنقسمت نیز مجدول بطلاست ، باب دوم ناتمام مانده ولی نویسنده ای ، دزد ، يك بیت بعنوان اینکه تلمه اشعار پیش است در آخر نوشته و پس از آن تمام شدن تذکره را بسال ۱۲۲۲ ، بنحویکه تصور شود نویسنده اصل نسخه نوشته ، نگاشته ولی گذشته از اینکه مسلماً این خط ، از غیر از نویسنده نسخه است تاریخ تألیف کتاب چنانکه در دیباچه تصریح شده بسال ۱۲۵۰ یا ۱۲۴۵ میباشد و چنانکه گذشت تولد مؤلف بسال ۱۲۲۸ بوده ، این دزد را ثابت میکند و از اینکه از اول باب دوم صفحات جدول کشی نشده و عنوان باب واسم پادشاه و تخلص ویرا که در اوائل کتاب باطلا می نوشت ، دیگر ننوشته ، معلوم میشود که در همان سال ۱۲۵۰ که فتحعلیشاه زندگانی را بدروغ گفته این نسخه را می نوشته اند و چون مؤلف در همان وقت بطهران آمده نسخه این تذکره ناتمام را همراه آورده و دیگر موفق باتمام آن نگردیده ، پشت نسخه بنام انیس العشاق و تذکره السلاطین از رشید و طواط بسال ۱۲۸۵ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و بهمدین نام بر این کتابخانه وقف گردیده است .

جلد تیماج . کاغذ ترمه . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۳۹ ) . صفحه ای ( ۱۵ ) سطر . طول ( ۲۵ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۷ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۷۳۱ ) .

[ ۴۹۳ ] تذکره نصرت = خلاصه لطائف الخیال ( فارسی )

امیر محمد صالح نواب رضوی پسر میرزا محسن نواب میباشد که بنابر تحقیق مرحوم آقا محمد باقر مدرس رضوی در کتاب « شجره طیبه » ( ۱ ) ، بانی مدرسه صالحیه ( بسال

( ۱ ) این کتاب در معرفی افرادی از سادات رضوی خصوصاً آنهاییکه در شهر مشهد مقدس بوده اند ، میباشد و نسخه منحصراً در آن نزد پسر دانشمند مؤلف آقای محمد تقی ( مدرس رضوی ) میباشد و ماخذ نگارش این شرح بوده است .

(۱۰۸۶) است که اینک مشهور به مدرسه نواب و درب آن مقابل ضریح مبارک حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه و علی آبائه و ابائیه الکرام آلاف التحیه و الثناء در صحن قدیم باز میشود و نیز بانی مصلاهی ارض اقدس رضوی ( بسال ۱۰۷۸ ) است که بیرون دروازه پائین خیابان واقع گردیده و بر کتیبه آن مدرسه، بانی را بنشر، میرزا صالح و بنظم میرزا ابو صالح معرفی نموده و در کتاب نام برده است که به لقب صدرالممالک مشتهر و مصدر خیرات و مبرات بود و گذشته از املاک بسیار برای مصارف آن مدرسه، کتابهای زیادی بر ضراب آن وقف نمود و رساله ای شامل رباعیاتی از شعرای متقدمین و متأخرین بترتیب قوافی موافق ترتیب حروف تهجی مرتب و هر رباعی را بنام گوینده آن ثبت نموده و آنرا « دقائق الخیال » نامیده و گذشته از آثار گذشته ایاتی لطیف از این سید جلیل بیادگار مانده است .

در مقدمه کتابیکه **لطائف الخیال** نامیده شده و شامل انتخابی از اشعار متقدمین و متأخرین نیز بترتیب قوافی بر ترتیب حروف تهجی میباشد، منشی آن محمد نصیر متخلص بنصرت نوشته که این انتخاب از امیر محمد صالح رضوی است . و چون این مقدمه دارای صنعتی ظریف میباشد، بخشی از آنرا در اینجا می آوریم :

اعفی جناب مقدس القاب خلف الصدق دودمان مصطوی و سلاله امجاد خاندان مرتضوی امیر محمد صالح الرضوی ادام الله تعالی ظلال اقباله الی يوم الدين با وجود کثرت مشاغل دنیوی و صرف همت عالی نهمت بکسب معارف حقّه اخروی در فواصل اوقات بقدر انتهاز فرصت از هر گشمتی کالی شکفته و از هر مرغزاری ستملی ناز و رسته و از هر نهالی ثمر نارس حالی فراهم آورده گلدسته بسته بودند بخاطر دقائق ذخائر خدام و الامقام معزی الیه رسید که آن گلدسته های رنگین را که هر برگ گش آئینه بدن نمای صورت احوال انیسی و هر شاخ سنباش نمودار رشته مواصات صحبت جایجی است یکجا جمع و ترمیمی خاص که هر آینه باعث تسهیل شناختن مقام هر يك از آنها تواند بود و در رب و **لطائف الشیخان** منتخب سازند لهذا جهت تبیین این مرام حسب الاشارة خدام و الامقام معزی الیه این فقیر حقیر بی بضاعت این محمد جعفر البصری محمد نصیر متخلص بنصرت این شکسته بسته را که بطریق براعت استهلال محتوی است براسامی و تخلصات شعرائی که در این مجموعه انراج یافته مقدمه بیان ترتیب آن نموده بمضمون الاطاعة فوق الادب بقدم جرات و حسارت بساط بیمای این گشتن نشاط و سرور شد امید از لطافت ار باب استعداد آنکه باستی کرانک اصلاح غبار ذلت و فساد از چهره مقاصد آن پاک و منظور نظر عنایت اثر میساخته با عتد الله الموفق المصواب .

نصرت که خود از شعرای معاصر مؤلف بوده و ابیات زیادی از وی در لطائف‌الخیال مندرج است پس از مقدمه دو فهرست برای بدست دادن شعرائیکه در این کتاب از آنها شعر نقل گردیده ترتیب داده یکی مبنی بر نام آنها بترتیب حروف تهجی و در ذیل نام هر يك تخلص او را نیز ثبت نموده و دیگری مبنی بر تخلص آنها با ذکر نام آنها بطرز فهرست اول.

تاکنون بر نسخه کامل لطائف‌الخیال دست نیافته ام، از آثاریکه بر نسخه ناقص کتابخانه مجلس شورای ملی میباشد، بدست می آید که این کتاب در حدود (۲۶۰۰۰) بیت بوده است و از مقدمه نسخه ایکه در کتابخانه مملی ملک (در طهران است) موجود است معلوم میشود که همان نصرت نام برده باختصار لطائف‌الخیال پرداخته و آنرا «خلاصه لطائف‌الخیال» نامیده است و گذشته از این دو رساله دیگر نیز موافق قوافی حروف تهجی از لطائف‌الخیال انتخاب نموده و دیباچه کوچکی بر آن نگاشته :  
۱ - در اشعاریکه دارای مصرعهای نفیس میباشد و گفتن مانند آنها مشکل و دارای معانی بلند است . ۲ - ابیاتی که دارای معانی لطیف و مشکل میباشد .

نسخه کتابخانه مملی ملک گذشته از مقدمه نثری نصرت و دو فهرست نام برده دارای مقدمه ای منظوم از شاعر خالص تخلص میباشد که در آن تعریف و تمجید زیاد از این انتخاب شده و تاریخ انتخاب را هم که بسال ۱۰۴۱ بوده و می‌رساند که امیر محمد صالح تا آن هنگام زنده بوده دارد و در آخر آنست :

نسخه با کمال رنگینی	تحفه این چنین که می بینی
سعی بنمود میرزا صالح	جمع فرمود میرزا صالح
آنکه او را بوصف حاجت نیست	هیچ وصفی به از سیادت نیست
خالص این تحفه تمام عیار	هست مجموعه بهشت و بهار
خواهی از زین کتاب تاریخش	شد گل انتخاب تاریخش

این انتخاب یا خلاصه لطائف‌الخیال بر حسب شماره ایکه نگارنده نموده در حدود (۱۰۰۰۰) بیت میباشد و مانند لطائف‌الخیال گوینده هر يك از ابیات در مقابل آنها معین گردیده است .

نسخه این کتابخانه که زیر این سطرها خصوصیات آنرا خواهیم نگاشت قسمتی



از همین خلاصه میباشد جز اینکه مقدمه مختصر نثری و دیباچه منظوم نام برده بالا را ندارد و اوائل آنهم با اوائل نسخه کتابخانه ملک اختلاف دارد ولی مسلماً همین خلاصه است و چنانکه از آثار نسخه کتابخانه ملک بدست می آید نسخه اصل خلاصه میباشد و جامع خود در آن تجدید نظر کرده است.

آغاز: این نسخه پس از مقدمه مفصل و دو فهرست نام برده اینست: **خالصا** (۱)  
ای شده نام توزیب هر کتاب گویم از حسن تو دارد هر که تاب

(۱۱۲۲)

**تذکره نصرت** این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، نویسنده  
**یا خلاصه** از خود و سال نگارش نام نبرده ، مسلماً در اوائل قرن دوازدهم  
هجری نگاشته شده ، نام شعرا با لاجورد و شنجراف نوشته شده  
**لطائف الخیال** و صفحات مجدول بظلا و لاجورد و شنجراف و رنگاراست ،  
اوراق فهرست پیش و پس گذارده شده و اوراق نسخه متن و حاشیه میباشد ،  
دوسر لوح یکی در ابتداء مقدمه و دیگری در آغاز کتاب میباشد و حاشیه دو صفحه  
اول کتاب تذهیب و نقاشی شده ، دارای مقدمه و دیباچه مفصل نصرت و دو فهرست  
نام برده است ، پشت ورق نخستین نسخه یادداشتی بتاریخ ۱۱۲۸ موجود و بنام  
« تذکره نصرت » بر این کتابخانه وقف گردیده و در اینجا یادداشت دیگری بوده  
آنها محو کرده اند .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ سمرقندی . وائف سیه سالار . قطاع رحلی . شماره اوراق  
( ۳۴۷ ) . صفحه ای ( ۱۱۱۰ ) سطر . طول ( ۳۱ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۹ سانتیمتر ) .  
شماره کتابخانه ( ۲۷۳۰ ) .

[ ۴۹۴ ] **تذکره هفت اقلیم هفت اقلیم** (فارسی)

این کتاب یکی از تذکره های بزرگ و کتابهای نفیس فارسی است که گذشته  
از شرح حال و آثار شعری ۱۴۵۰ نفر از دانشمندان جهان شامل اطلاعات سودمند

(۱) الف در خالصا چون الف در شفیما و صائباً و رهیما برای تعظیم و تکریم میباشد و در فهرست  
لطائف الخیال دو نفر بتخلص خالص نام برده شده : ۱- خالص استرآبادی که نام وی نجیبا بوده و ۲-  
خالص مشهدی که نام وی محمد رضا و اوراق ناظر و نورات معرفی کرده و ظاهراً در اینجا دومی مراد است.

تاریخی و جغرافیائی موافق تقسیمات جغرافی نویسی های پیشین ( مراد تقسیم بندی شهرها به اقلیم های هفتگانه است ) میباشد .

مؤلف آن امین احمد رازی در مقدمه گوید که بر حسب میل خویشتن و اظهار دوستان بنقل آثار نظم و نشر دانشمندان مبادرت نموده ، در مدت شش سال از خرمن هر کس دانه ای چیده و آنها را در یکجا گرد کرده و این بیت را در وصف آن در دیباچه مندرج ساخته :  
بدانی چو نیکو دراو بنگری \* که جان کنده ام  
تا تو جان پروری . و پس از این گوید :

« اگر چه بنظر گیان از کل زمین آن بوستان دماغ جان را معطر و منور میگردانند اما از لذات ثقل آن ثمرات بنا بر افزونی عبارات و زیادتی کتابت بی منفعت و محروم می مانند لاجرم بخاطر رسید که از هر خرمن آن دانه و از هر کیلش پیمانه جمع سازد ، کتابی علیحده تصنیف نماید تا هر کس را از نقل و مطالعه آن حظی وافر و نفعی متکثر باشد . . . . .  
و چون ماحصل این تذکره ذکر هفت اقلیم است هر آینه این نسخه را موسوم به هفت اقلیم گردانید تا اسمی بامسمی باشد و تاریخش از این رباعی که بکر فکر است معلوم میشود رباعی :  
این نسخه که هست همچو فردوس بکو      تا هو نشوی در او نه بشکافی مو  
گر از تو کسی سؤال تاریخ کند      تصنیف امین احمد رازی گو »

بنابر این اتمام این تذکره بسال ۱۰۰۲ بوده و کلمه گو را نبایستی در حساب آورد ، چرا که گذشته از حکم ذوق سلیم وجود نسخه زیرین که بسال ۱۰۲۵ نگاشته خود بهترین مؤید است و دانشمند فرزانه شادروان ادوارد برون ( حاشیه ص ۲۹۷ ترجمه تاریخ ادبیات چاپ تهران دیده شود ) و مؤلف فهرست آصفیه کلمه گورا را در حساب آورده و بدین سبب تاریخ تالیف را بسال ۱۰۲۸ گفته اند .

بدبختانه تاکنون از وجود نسخه اولی این تذکره و شرح حال و آثار دیگر مؤلف این کتاب ( امین احمد ) اطلاعی بدست نیاورده ام و نمیدانم تا چه سالی زنده بوده و از دانستن تاریخ این تألیف معلوم شد که در اوائل قرن یازدهم هجری زندگانی مینموده .

خوشبختانه خود مؤلف در این مؤلفه ( از ص ۹۰۰ تا ۹۱۰ نسخه کامل این کتابخانه ) در میان دانشمندان شهر ری گروهی از خویشان خویش را نام برده و از آثار شعری آنها هم اندکی آورده است ، پدر خود را خواجه میرزا احمد معرفی

نموده ( بنابر این نام خود مؤلف امین بوده و چنانکه در زبان فارسی معمول است کلمه ابن میان نام پدر و پسر نگاشته و تلفظ نمیشود و بجای آن حرف آخر نام پسر را با کسره میخوانند نه اینکه نام وی مرکب از امین و احمد باشد ) و از عبارات وی استفاده میشود که در زمان سلطنت سلطان محمد پسر شاه طهماسب ( از سال ۹۸۶ تا ۹۹۶ سلطنت داشته ) جهان را بدروود گفته و در زمان شاه طهماسب ( ۹۳۰ - ۹۸۵ ) مورد مرحمت وی بوده و در زمان هردو پادشاه کلانتری ( حکومت ) شهر ری و تصدی املاک خالصه را داشته و مردی کریم و خیرخواه و مهمان نواز بوده و در ایجاد کاریزها و باغها دارای میلی زیاد و گذشته از مقام رسمی، بازرگانی باجرأت و حوصله بوده است و عموی وی خواجه محمد شریف است که بسال ۹۸۴ وفات یافته و هجری تخلص داشته و در خراسان چند سال بوزارت قانارسلطان و اعقاب او اشتغال داشته و پس از آنها مورد نظر شاه طهماسب قرار گرفته و هفت سال وزارت یزد و ابرقو و بیابانک را دارا و چون در انجام این خدمت امتحان خوبی داده مورد عنایت پادشاه شده و دارای وزارت اصفهان شد و در همین مقام بمقام ابدی شتافت ( ص ۹۰۰ - ۹۰۲ نسخه کامل همین کتاب از نسخ این کتابخانه دیده شود ).

جای بسی تأسف است که تاکنون این تذکره که شامل مطالب خوب و اشعار دلکش ( در ۳۰۰۰ بیت ) میباشد چاپ نشده ولی از آغاز این کتاب تا شرح حال شیخ امین الدین که از علماء کازرون و جزء افلیح سوم میباشد ( در ۲۰۸ ص در دو مجلد ) در هندوستان بسال ۱۹۱۸ م چاپ شده و نسخه چاپی آن در کتابخانه مجلس موجود است و امید است که در این عصر درخشان که نهضت معارفی ایران شروع شده این گنجینه گرانبها چاپ و منتشر گردد .

آغاز: بسمله خرد هر کجا گنجی آرد دید  
بنام خدا سازد آنرا کاید .....  
حمد مرخدای را جل جلاله که غنای زبان در قفس دهان بد کر او رطب اللسان  
است الخ .

(۱۱۲۳)

تذکره

هفت اقلیم

این نسخه را بسال ۱۰۲۵ سیر کمال نهرندی در هندوستان نوشته ، برگهائی از نسخه افتاده و (ظاهرآ) در اواسط قرن دوازدهم هجری نگاشته شده ، در صحافی اخیر که در تحت نظر نگارنده انجام یافت برگه های جدول داری برای نوشتن فهرست دانشمندان نام برده در این کتاب تهیه شده امید است که توفیق بر اتمام نگارش آن را دریابم ، در حاشیه و برگار صفحه نخستین نسخه دو یادداشت است یکی بتاریخ ۱۲۵۴ و دیگری بسال ۱۲۸۶ و در ذیل دو می مهر محمدالدوله زده شده و در این یادداشت نویسنده یادداشت اول ، مرحوم رکن الدوله معرفی گردیده است و برگار برگ دوم یادداشت اعتضاد السلطنه بسال ۱۲۹۲ و صورت وقف آن از طرف مرحوم سپهسالار بسال ۱۲۹۷ نگارش یافته ، پست برگ نخستین و برگ یکم پیش از آنست نیز یادداشت هائی است ، اوراق جدول به لاجورد و شنجرف و زنگار ، عناوین نیز با شنجرف میباشد و بسیاری از آنها وصالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع رحلی کوچک . شماره اوراق با فهرست ( ۶۶۹ ) . صفحه ای ( ۲۳ ) سطر . طول (  $۲۸\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر ) عرض ( ۱۹ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۷۳۳ ) .

(۱۱۲۴)

تذکره

هفت اقلیم

این نسخه که شامل سه اقلیم از هفت اقلیم میباشد بسال ۱۰۷۱ در شهر کشمیر بخط نستعلیق نوشته شده ، در حاشیه آخرین صفحه بسال ۱۲۰۳ مقابله آن یادداشت شده ، پیش از شروع بکتاب فهرست رجال و شهرهای سه اقلیم را بخط شکسته نستعلیق نظام الدین محمد نام نوشته ، سرلوحی ظریف داشته ولی اندکی محو شده ، جدول بطلا و لاجورد و زنگار ، اوراق متن و حاشیه میباشد ، عناوین با شنجرف و دوبرگ از اول و یک برگ آخر وصالی شده است .

جلد ساغری ضربی دورو . کاغذ کشمیری . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ٣٢٠ ) . صفحه ای ( ١٧ ) سطر . طول ( ٢٤ سا ) تیمتر . عرض ( ٣١ سا ) تیمتر ( شماره کتبخانه ( ٢٧٢٨ ) .

( ١١٢٥ )

این نسخه را اشخاص مختلف بخط نستعلیق نوشته اند ، تاریخ ندارد ، ظاهر اینستکه در اوائل قرن یازدهم نگارش یافته ، هفت اقلیم اوراق آن پیش و پس گردیده ، و اوراقی از آن افتاده ( شاید ده پانزده برگ ) و برخی از آنها وصال شده و صفحه نخستین کنونی آن در معرفی از قفرش استکه از اقلیم چهارم میباشد و بدین سطر آغاز گردیده : از چشمه و کاریز است و همه وقت در آن ولایت ارزانی بود و از میوه و انگور و امرود و شفتهالو خوب میشود الخ .

و برگ آخر نسخه در معرفی شهر دکن ( از اقلیم دوم است ) و پادشاهان آنجا میباشد و آخرین سطر آن اینست :

اهل حرش بدست مردم دکن گرفتار گردید سوار کرده بمندو فرستاد و در سال هشتصد و سی و هشت مرضی بر ذات سلطان طاری گردید که بعزم درست و نیت صادق از جمیع .

جلد تیماجی . کاغذ کاهی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ٣٢٤ ) . صفحه ای ( ٢٣ ) سطر . طول ( ٣٢ سا ) تیمتر . عرض ( ١٩ سا ) تیمتر . شماره کتبخانه ( ٢٧٣٤ ) .

[ ٤٩٥ ] جام جم ( فارسی )

این کتاب یکی از مثنویهای مشهور و ناظم آن اوحدی مراغی اصفهانی است [ چنانکه بر لوح مزار وی ثبت گردیده پدر اوحدی حسین نام داشته و نام خود ایشان بدست نیامده ( آقای تربیت اوحدی را بقلب رکن الدین معرفی کرده اند ) و بمناسبت ارادت به اوحدالدین کرمانی ( ١ ) که از مشایخ معروف طریقت و مؤلف

( ١ ) آقای تربیت درداشمندان آذربایجان ( س ٥٥ ) و آقای اقبال آشتیانی در تاریخ مفصل ایران ( تاریخ مغول ) وفات ایشانرا بسال ٦٣٦ هجری قمری داده اند و در مجمع الفعجا ( س ٩٤ ) بسال ٥٦٢ ثبت گردیده و در هفت اقلیم و اشف الضنون و نفحات الانس و تاریخ کریمه و آتشکده سال وفات اوحدالدین کرمانی معین نگریخته است .

« مصباح الارواح » (۱) میباشد، اوحدی تخلص میجسته و بهمین تخلص اشتهار یافته (آقای تربیت از صحف ابراهیم نقل کرده اند که پیش از اینکه اوحدی تخلص گیرد « صافی » تخلص میگرفته است). و چنانکه از این کتاب جام جم بدست میآید بسال ۶۷۲ یا ۶۷۳ (۲) متولد شده و بسال ۷۳۷ (۳) در مراغه که مولانوی بوده وفات یافته است [ (۴) اوحدی از مشاهیر شعر اوعرفا و کتاب جام جم وی بهترین معرف مقام و مرتبه اوست و از ایات جام جم (۵) بر تشیع او میتوان گواه گرفت .

گذشته از جام جم اوحدی را دیوانی که تقریباً شامل ۱۵۰۰ (۶) بیت قصیده و غزل میباشد، پیادگار مانده و جامی درباره آن گوید: ویرا دیوان شعر است در غایت لطافت و عذوبت. و شهادت کسی چون جامی آشکار است که تا چه حد ارزش دارد .

و کتابی بنام « منطق العشاق » که نیز از آن « ده نامه » تعبیر میشود و آنرا بنام خواجه ضیاء الدین یوسف بن خواجه اصیل الدین بن خواجه نصیر الدین طوسی بسال ۷۰۶ (۷) پرداخته و موشح نموده تألیف و جامی گوید: صاحب ترجیعات مشتمل

(۱) در هفت اقلیم (ص ۲۲۰) و کشف الظنون (ج ۲ ص ۴۴) و نفحات الانس (ص ۶۹۳) و تذکره آتشکده (ص ۱۲۳) این کتاب بدین نام نامیده شده و در کتاب اول و سوم و چهارم ابیاتی از آن نقل گردیده و آقای وحید دستگردی در مقدمه جام جم که بهمت ایشان چاپ گردیده نوشته اند نسخه آن در دست نیست .

(۲) در جام جم که بنا بر تصریح خود بسال ۷۳۲ (در بعضی از نسخه ها ۷۳۳) تألیف گردیده (جون زتاریخ بر گرفتار فال هفصد رنه بودوسی و (دوسال) سه سال) گوید:

( اوحدی شصت سال سخنی دید / تاشی روی نیک سخنی دید )

بنابر این ۶۰-۷۳۲ یا ۷۳۳=۶۷۲ یا ۶۷۳ .

(۳) این تاریخ را حاجی خلیفه درص ۳۵۷ ج ۱ و جامی در نفحات از نقش بر قبر وی در مراغه نقل نموده و آقای وحید نیز عین عبارات سنگ قبر را در مقدمه جام جم نقل کرده اند و در تذکره دولتشاه و صاحب هفت اقلیم ندانسته بتقلید وی و کشف الظنون درص ۴۹۶ و ۵۰۵ ج ۱ وفات اوحدی را بسال ۶۹۷ نوشته اند و مسلماً غلط است .

(۴) شرح حال اوحدی سراغی را در نفحات جامی (نسخه خطی مدرسه) و هفت اقلیم (ص ۷۲۳-۷۲۸) و تذکره دولتشاه (ص ۱۲۹-۱۳۲) و کشف الظنون در ص ۵۶۵ نام برده و مجمع الفصحا درج ۱ ص ۹۴ و آتشکده ص ۵۶ و دانشمندان آذربایجان ص ۵۵-۵۶ نگاه کنید که مأخذ نگارش این شرح میباشد . (بقیه در صفحه ۴۸۸)

آغاز: بِسْمِ اللّٰہِ قُلْ ہُوَ اللّٰہُ لَمْ یَرُقْ قَدْ قَالَ مِنْ لَہِ الْحَمْدُ دَائِمًا مَتَوَالٍ .

(1127)

این نسخه را بخط نستعلیق خوب عمود کاتب سال ۱۰۱۳  
نوشته ، از یادداشتها ، یک پشته نخستین برگ نسخه میباشد

جام جم

(بِقِيَّةِ حَاضِرَةٍ صَدَقَهُ قَبْلُ)

(۵) در اوایل جامجم در بحث خطاب به پیغمبر صلی الله علیه و آله که آغاز آن اینست :  
( ای بهر تو آسمان بلند  
بجسدت حیوة پیوندد  
بشهیدان کربلا ز نفوس  
بچهل مرد و چار مردانه  
یاد من آن حویدم سوگند ) گوید :

(۶) شماره ابیات دیوان اوحدی را هدایت در مجمع الفصحاء گوید شش هفت هزار بیت از قصیده و غزل و قطعه و رباعیات دیده شده و حاجی خلیفه (ص ۵۰۵ ج ۱ ضنون) و آقای وحید دستگردی در مقدمه جامجم نه هزار و دوازده هزار بیت و آقای تربیت در دانشمندان آذربایجان یازده هزار بیت ضبط کرده اند ، نگارنده دوسه از دیوان وی را در کتابخانه مجلس شورای ملی دیده ام که هر یک دارای ۷۰۰۰ هفت هزار بیت بیشتر نیست .

(۷) این بیت را از انجم منصف العشاق یا ده نامه آقای تربیت و آقای دستگردی نقل کرده اند :  
سال ذال وواو از سال هجرت  
بمان برده این در حال هجرت .

و آقاي تربيت آغاز اين كتاب را اين بيت نقل نموده است :

بنام آنکه ما را سالم بخشید  
و آقای وحید این چند بیت را از اول آن کتاب در مقدمه آورده اند :

وجه دوات و دین شاه یوسف  
بصیر الدین طوسی را نبیره  
زمین را از شکو و غش زب و وزین است  
و انجام آنرا این بیت معین گردانید :

دین را در فصاحت تمام بخشید  
که دارد رتات رجاء یوسف  
که عقل از فصاحت او گشت خیره  
سرور خفق و سرالوالدین است

جو دیدیم در سخن خبر الکلامش  
و حاجی خلیفه فقط در حریف دار بنام ده نامه این  
بیمانه و محقق العشق شافش  
کتاب را نام برده و همه گفته اند که این  
کتاب يك هزار است .

بدست می آید که از کتب پادشاهان صفویه بوده، یک سر لوح ظریف در آغاز کتاب می باشد و میان سطرهای دو صفحه نخستین تذهیب گردیده و تمام صفحات مجدول بطلا و لاجورد است.

جلد ساغری ضربی طلا پوش و طرف داخل سوخته. کاغذ کشمیری. واقف سپهسالار. قطع ربعی. شماره اوراق (۱۳۱). صفحه ای (۱۸) سطر. طول (۱۷ سانتیمتر). عرض (۸ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۱۳۹).

### [ ۴۹۶ ] جنات الوصال (عربی)

این کتاب یکی از مثنوی های عرفانی و شامل مطالبی آسمانی است و ناظم آن نور علی شاه عارف مشهور است (محمد علی بن میرزا عبدالحسین بن محمد علی رقی طوسی متوفی بسال ۱۲۱۲) (۱) که شهرت بی نهایت دارد و از بزرگان سلسله صوفیه نعمت الهی است و طبع و قادی در انشاء نظم و نثر بسی توانا بوده، پدرش میرزا عبدالحسین ملقب به فیض علی شاه و جدش محمد علی امام جمعه تون (فردوس کنونی) بوده، پدر برای تحصیل علوم شرعیّه باصفهان آمده و نور علی شاه در این شهر بدین جهان پای گذارده، بگفته صاحب طرائق: «فرزند را پس از سن بلوغ و اكمال فنون و علوم بشرف حضور سید (مرادش از سید سید معصوم علی شاه است) مشرف ساخت و در مقام طریقت والد و ولد برادر و همقدم یکدیگر شدند، والد و مولود گشته در طریق یکدیگر را هم برادر هم رفیق».

نور علی شاه در هر شهر و دیار که قدم می گذاشت هنگامه ها بر میخواست دسته ای بر او و گروهی برای او قیام مینمودند، از آثار وی: دیوان غزلیات و قصائد و مقطعات (در این فصل از آن معرفی میشود)، رساله در اصول و فروع (۲) جامع الاسرار نظیر گلستان (۳)، تفسیر سوره مبارکه بقره منظوماً (۴)، روضة الشهداء منظوم در احوال حضرت امام حسین ع، ترجمه و شرح خطبة البیان (۵)، رساله در

(۱) در طرائق الحقایق ج ۳ ص ۸۹ نگارش یافته: و در اینجاست که تاریخ وفات او را که در موصّل اتفاق افتاده کامه غریب یافته اند و نزدیک قبر یونس بن عمر ع دفن گردیده و در تذکره دلگشا وستان السیاحة از ابن عارف دانشمند نام برده شده و معرفی گردیده است.

(۲) و ۳ و ۴ و ۵) نسخه ای از اینها در نسخه شماره (۱۷۸) این کتابخانه موجود است و شماره ۲ نیز در کتابخانه مجلس بنام رساله در عشق میباشد (ص ۲۱۶ ج ۱) فهرست کتب خطی مجلس مراجعه شود.



پند و موعظه ، (۱) نظم کبری منطق (۲) ، مشکوة النجات ( در رساله اصول و فروع از آن نام برده و چنین می نماید که در فروع است ) .

نورعلیشاه بناداشته که این مثنوی را در هشت مجلد بشمار درهای بهشت تألیف نماید و بهمین مناسبت نام آنرا اجنات الوصال گذارده ولی توفیق بر اتمام آنرا نیافته و چنانکه در ص ۹۱ ج ۳ طرائق است از مجلد سوم بخشی بیشتر را انشاء ننموده و رونقعلیشاه ( بسال ۱۲۳۵ وفات یافته است ص ۹۲ ج ۳ طرائق ) که از خلفای ایشان بوده دو مجلد زیاده بر آن افزوده (۳) و نظامعلیشاه که از خلفای معجذوبعلیشاه بوده يك جلد دیگر بر آن افزوده است و در آخر مجلد دوم تصریح شده که در بغداد ( دارالسلام ) تألیف آن انجام یافته است .

و نیز صاحب طرائق در ص ۱۱۹ ج ۳ بنقل از بستان السیاحه گوید :

«عارف معارف دین و سالک مسالك يقين مولی احمد بن الحاح عبدالواحد الکرمانی المنقب بنظامعلیشاه که از خاندان فضل و کمال و از کبرای اصحاب وجد و حال بود . . . . . آخر الامر در سه هزار و دوست و چهل و دو (۴) داعی حق را اجابت فرمود . . . . . و طبع کرامش موزون بود بگفتن

(۱) نسخه ای از این رساله ضمیمه دیوان وی در کتابخانه محس موجود است .

(۲) بسال ۱۲۷۰ در طهران چاپ شده و پس از آن کتب صغری در منطق و افاداتی از آقا علی حکیم در منطق و فلسفه است و نسخه آن بشماره ۲۰۳۷ در این کتابخانه میباشد .

(۳) از نسخه شماره ۱۷۹ این کتابخانه که زیر شماره ۱۱۲۷ از آن معرفی میشود شامل پنج دفتر یا مجلد از جنات الوصال میباشد قسمتی ناقص است و در آخر محمد پنجم از نسخه کتابخانه مجلس ایبائی است که صریح است از غیر از رونقعلیشاه میباشد و آن ایست : بعد منه نور علی سلطان دین - آمده رونق علی شه جانشین - آنکه مرا آن خدا ییسی بود - آنکه رونق بخش بزم جان بود . آنکه آمد شیخ راه این فقیر - آنکه کشف در ره حق دستگیر - نام با کش بد محمد با حسین - عاشقان را خاک راهش کجی عیب . بنا بر این بدست می آید که رونقعلیشاه نیز مجلد پنجم را تمام نکرده بدرود زندگانی کفیه و بقیه این مجلد را نظامعلیشاه تمام کرده است و این مجلد شامل شرح حال و مقامات ائمه ظاهرین علیهم صلووات الله و السلام است .

(۴) صاحب طرائق در ص ۱۲۰ ج ۳ نقل نموده که بر قبر وی که در ترکیه مشایقه کرمان است این بیت نوشته شده :

یکی مصرع از بهر تاریخ گفت بجان از علی دیده احمد نظام - ۱۲۴۰ و رضا قلی هدایت صاحب ریاض المعارفین نیز وفات و در این سال ثبت کرده است .

مثنوی رغبت مینمود ناآنکه دو مجلد مثنوی جنات الوصال (۱) را بانجام رسانیده .  
و نیز صاحب طرائق از اصول الفصول نقل نموده : « در نظر داشت که بر مثنوی  
جنات الوصال که مرحوم نور علیشاه و رونق علیشاه بانجام رسانیده اند بیفزاید  
تابهشت بهشت برسد » .

نگارنده در جایی ندید که از مجلد سوم چند بیت انشاء نور علیشاه می باشد ولی  
پس از مطالعه و مراجعه و مقایسه ابیات بایکدیگر بر آن شد که ۴۲۲ بیت از ابتداء  
مجلد سوم را نور علیشاه گفته و رونق علیشاه متوفی سال ۱۲۲۵ آنرا تکمیل (۲) و مجلد  
چهارم و پنجم را نیز او ساخته است و دو نسخه زیر شامل آنهاست و مجلد ششم  
و هفتم را نظام علیشاه انشاء نموده در کتابخانه مجلس موجود است .  
آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم افتتاح کنز اسماء عظیم .

(۱۱۲۷)

جنات الوصال این نسخه را بخط نستعلیق خوب سال ۱۲۷۶ صفا نام شاعر  
نوشته و در آخر هر يك از مجلدات اتمام را بایستی ادا نموده  
و سال نگارش فقط در آخر مجلد سوم نگاشته شده و دارای پنج سر لوح بطرزهای

(۱) نسخه جنات الوصال که شامل دو مجلد نیز می باشد در کتابخانه مجلس موجود و مجلد ششم در شرح  
و ترجمه مصباح الشریعه و مفاح الحقیقه منسوب بحضرت جعفر صادق امام ششم علیه السلام در صد  
لعمه می باشد و در مجلد هفتم مدح فتحعلیشاه قاجار و ابراهیم خان حاکم کرمان برداشته و در بیت ۲۸۰  
ج ۷ گوید : در سنة تاریخ آتیه بخیر کش بود هر سال آتیه بخیر غرقه امن و امان زان یافتم  
جانب باغ جهان بشانم و بر کلمه سنه شماره ۱۲۲۸ نوشته شده و جمله آتیه بخیر همین سال را  
(۱۲۲۸) معین می نماید بنا بر این تاریخ نظم این مجلد در این سال بوده و از عبارات پسان السیاحة  
بدست می آید که ابراهیم خان او را از کرمان دور کرده بوده و پس از مرگ وی باز بکرمان آمده است .  
(۲) نگارنده این بیت ( گفت ای یاران مرا یاری کنید میل جانم جانب باری کنید )  
را که شعر ۴۳۰ از مجلد سوم می باشد از نور علیشاه و آغاز شعر رونق علیشاه را این بیت :  
( هر چه کردم سب در وادی میل هر طرف بود از هوا و میل سیل )

تصور میکند و در آخر مجلد سوم ساقی نامه ایست و در مجلد چهارم این دوبیت  
( جنت سوم جو آمد زوبه با صفا و با بها و با ضیا چند بیتی چونکه آمد در مقال  
خوش روان شد سوی جنات الوصال ) که نیز مؤید نقص مجلد سوم و عدم اتمام آن می باشد  
موجود است .

کونا کون میباشد ، صفحات مجداول بطلا و لاجورد و ایاتیکه عناوین مطالب را حاکی است با سرخی نوشته شده ، مجلد پنجم افتاده دارد و ظاهر آیک برک بیشتر نباشد و آخرین شعر نسخه اینست :

چونکه بنمودند غصب حقشان این عداوت شد پدید اندر میان  
جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سبسالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۱۰۸ ) صفحه ای ( ۳۵ ) سطر در متن و حاشیه . طول (  $۱۸ - \frac{۱}{۲}$  ) سانتیمتر . عرض (  $۲۹ - \frac{۱}{۲}$  ) سانتیمتر . شماره کتابخانه ( ۱۷۹ ) .

( ۱۱۲۸ )

**جنات الوصال** این نسخه شامل چهار جفت از جنات الوصال و آثار دیگری از نورعلیشاه میباشد و در جای دیگر از آنها معرفی خواهد شد ، بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده و کتابت آن ناقص مانده ، سال ۱۲۸۰ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و پشت برک نخستین یاد داشت گردیده .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سبسالار . قطع وزیری . شماره اوراق کلیه ( ۴۲۷ ) . صفحه ای ( ۱۵ ) سطر . طول (  $۱۵ - \frac{۱}{۲}$  ) سانتیمتر . عرض (  $۲۲ - \frac{۱}{۲}$  ) سانتیمتر . شماره کتابخانه ( ۱۷۸ ) .

( ۱۱۲۹ )

**جنات الوصال** این نسخه شامل دو مجلد اول و قسمتی از مجلد سوم میباشد ، نام نویسنده و تاریخ نگارش نداشته ، طاهر ا در اوائل قرن سیزدهم نوشته شده ، پیش نگارنده شامل تا آخرین بیت انشائی نورعلیشاه است ، پیش از این کتاب رساله ای عرفانی است ( تصور میکنم ترجمه ای از جوک باشد و در مجلد بعد این فهرست معرفی خواهد گردید ) و این دو نسخه سال ۱۲۹۲ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه گردیده و پشت برک نخستین یاد داشت شده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سبسالار . قطع خشتی . شماره اوراق کلیه ( ۱۵۳ ) . این نسخه ( ۱۰۲ ) . صفحه ای ( ۲۹ ) سطر . در متن حاشیه . طول (  $۲۱ - \frac{۱}{۲}$  ) سانتیمتر . عرض (  $۱۴ - \frac{۱}{۲}$  ) سانتیمتر . شماره کتابخانه ( ۱۷۶ ) .

## [ ۴۹۷ ] حقیقة الحقیقه (فارسی)

این کتاب یکی از مثنویهای مشهور و از آثار گرانبهای حکیم سنائی (ابوالمجد مجدود (۱) بن آدم غزنوی متولد بسال ۴۶۴ (۲) و متوفی بسال ۵۲۵ (۳)) (۴) است که نیز از مشاهیر شعرا و عرفا میباشد و مندرجات این کتاب مقام و مرتبه و پراچون

(۱) در نسخ هفت اقلیم نام سنائی مجدالدین ثبت شده در صورتیکه در تمام دیوان و آثار او این نام یالقب برای وی دیده نشده و ندکره نویسان به تبع خود وی و معاصرین او را مجدود معرفی کرده اند بنابراین نام مجدالدین برای او مسلماً غلط خواهد بود .

(۲) تاریخ تواد سنائی را تا کنون کسی تعیین نکرده ، نگارنده تاریخ مذکور بالا را از این بیت سنائی ، عمر دادم بجمگی بر باد بر من آمد زسخت صد بیداد که در اوائل باب غفلة ( بنجم ، حقیقه ، نسخه چایی ) زیر عنوان **فی تبدیل الحال بعد الکمال** میباشد استفاده نموده چرا که میدانم سنائی بسال ۵۲۴ مشغول بنظم حقیقه بوده و بنابر تصریح در این بیت در این هنگام سخت سال داشته ( ۶۰ - ۵۲۴ = ۴۶۴ ) بنا بر این بسال ۴۶۴ منولد گردیده است .

تذکری که در اینجا زوم دارد اینست که در بعضی از نسخه های خطی و نسخه چایی حقیقه بجای **شخصت** کلمه **شعیب** نگارش یافته ولی مسلماً این کلمه اخیر مصحف شخصت میباشد چرا که بیت دیگری از سنائی که در آغاز همین مبحث میباشد گذشته از اینکه در نسخ کهنه و صحیح حقیقه صریحاً شخصت نوشته شده ، نیز شخصت سالگی و پیرامین میکند و آن اینست : شیریک سالگیم کرد اثر \* پس چل سال گرد عارض و سر . و مراد شاعر اینست که یکسال شبر سفیدیکه خورده ام موی سیاهی که از بیست سالگی در اطراف صورت داشتم چون رنگ خود سفید کرده است .

( ۳ ) در سال وفات این شاعر شهر چندین قول است ( ۵۲۵ و ۵۴۵ و ۵۷۶ و ۵۹۰ ) ، متبعین و دانشمندان ، بیشتر همین سال ( ۵۲۵ ) را که نگارنده مقدمه ، حقیقه و مرتب کننده آن محمد بن علی الرقا معاصر وی ( بامر نادر شاه عصر بهرام شاه بن مسعود ) تعیین نموده سال مرگ سنائی میدانند و علامه نحیر آقای قزوینی در متن و حاشیه خاتم الطبع تفسیر شیخ ابوالفوج رازی ( ص ۶۳۵ ج ۵ ) در این باب شرحی نگاشته و اختلافات و دلیل تأیید این تاریخ را هم تذکر داده اند ( ۴ ) شرح حال سنائی را در تاریخ گزیده ( ورق ۲۹۴ و ۳۱۹ نسخه مدرسه ) ، تذکره دولتشاه سمرقندی ( ص ۶۲ - ۶۴ نسخه مدرسه ) ، نفحات الانس ( ص ۷۰۶ - ۷۰۷ نسخه مدرسه ) ، هفت اقلیم ( ص ۲۵۳ نسخه مدرسه ) مجالس المؤمنین ص ۲۸۸ - ۲۹۶ ( در مجلس ششم ) ، حبیب السیر ص ۳۳ - ۳۴ جزء چهارم از مجلد دوم چاپ هند ، کشف الظنون ج ۱ ص ۴۲۷ - ۴۲۸ ، تشکده آذر ، مجمع الفصحا ، ج ۱ ص ۲۵۴ - ۲۷۴ ، ریاض العارفین ص ۱۹۶ - ۲۱۰ ، سخن و سخنوران ج ۱ ص ۲۶۷ - ۲۲۷ و مقاله مفصل دانشمند معاصر آقای ربیت بنام مثنوی و مثنوی گویان ایران ( ص ۵۴۱ - ۵۴۴ شماره ششم سال بنجم مجله مهر ( سال ۱۳۱۶ شمسی ) نگاه کنید که مأخذ این نگارش میباشد .

آفتاب جهانتاب بر عالمیان آشکار نموده و هر کس بقدر لیاقت و استعداد خویش از آن بهرور میگردد ،

عارف شهر مولانا جلال الدین رومی با آن مقام و مرتبه که در عرفان دارد خود را تابع و پیرو سنائی خوانده ( عطار روح بود و سنائی دو چشم او مازپی سنائی و عطار آمدیم ) و مثنوی بی مانند خویش را بواسطه آوردن و عنوان قرار دادن ابیاتی از سنائی در آن ، در حقیقت شرح بیانات ایشان معرفی نموده است .

سنائی در اوان جوانی بمذاحی و هجو گوئی و غزلسرائی که لازمه این بخش از زندگانی و نا آزمودگی میباشد میپرداخته ولی نور عرفان چنانکه از آثار وی هویدا است در اواخر عمر بردل وی تابیده و او را زنده جاوید ساخته است .

از آثار این حکیم یکی دیوان قصائد و غزلیات است ( در زیر عنوان دیوان سنائی معرفی میشود ) و دیگری این مثنوی که « حدیقة الحقیقه و شریعة الطریقه » (۱) نامیده شده و دیگر « طریق التحقیق » (۲) و رساله « سیر العباد الی المعاد » (۳) ، عشق نامه ، حکایت بهروز و بهرام (۴) غریبانه و عقل نامه (۵) و کار نامه

(۱) در خود کتاب تصریحی از مؤلف در تسمیه این کتاب بدین نام نمانده ولی در نزد دانشمندان بدین نام معروف و نیز آنرا فخری نامه میگویند و محمد بن علی الرضا در ص ۹ مقدمه حدیقه ( نسخه حاب هند ) این کتاب را بدین دو نام معرفی کرده است .

(۲) طریق التحقیق با بر تحقیق آقای تربیت ( در مقاله محله مهر ) موسوم به زاد السالکین میباشد و بسال ۱۳۰۹ و ۱۳۱۸ در طهران و بمبئی چاپ شده و آقای قزوینی بیت آخرین کتاب را که درباره ای از نسخ موجود و سال ۵۲۸ را معین میباشد بحرف یا معمول دانسته و دلیلی بر صحت آن نیافته اند .

(۳) این کتاب نظیر حدیقه میباشد و هدایت در ح ۱ مجمع الفصحا ص ۲۶۲ - ۲۷۴ تمام آنرا درج و مسلماً بر حسب شماره دقیق هفتصد ( ۷۰۰ ) بیت است با مقدمه ای بقمه دانشمند محترم آقای سعید نفیسی بهمت کوهی گرمای بسال ۱۳۱۶ نیز در طهران جداگانه چاپ شده ، در این نسخه شماره ابیات ۷۷۵ میباشد . و بنام کفر الموز نیز نامیده میشود و در هفت اقلیم کفر الموز از مؤلفات سنائی شمرده شده ولی از سیر العباد الی المعاد نامی نبرده و اتحاد این دو نام را هم تذکره نداده است .

(۴) آقای تربیت در شماره ۶ محله مهر سال پنجم ( ص ۵۴۳ ) چند بیت از این مثنوی را نقل کرده اند .

(۵) نسخه ای از این کتاب در حرف عین همین فصل معرفی خواهد شد .

بلخ است (۱) و نیز از آثار نثری این حکیم مقدمه ایست که بر دیوان خود نوشته و فهرست مطالب مندرجۀ در آنرا آخر آن گذارده و نسخه ای از آن در کتابخانه ملّی ملک در طهران موجود و نگارنده آنرا دیده و ظاهراً خیلی نزدیک بزمان سنائی آن نسخه نگارش یافته است .

و دیگر مکتوبیست که به بهرامشاه نوشته و از علمای غزنین شکایت نموده که نفهمیده این کتاب او را برخلاف دین دانسته ، چرا که علی بن ابن ابی طالب ع را بر دیگر اصحاب ترجیح داده و دشمنان خاندان رسالت ص را بدگوئی نموده و از این پادشاه استدعای عدل و توجه کرده و دو نسخه ( شماره ۳۴۵ و ۱۹۶ ) این کتابخانه آنرا شامل میباشد و دیگر از آثار نثری وی دیباچه حدیقه است که بنا بر تصریح محمد بن علی الرّقا سنائی در بامداد روز یکشنبه ۱۱ شعبان سال ۵۲۵ که پس از نماز شام آن روز رحلت نمود آنرا انشاء و ابوالفتح فضل الله بن طاهر حسینی آنرا املاء نموده است .

جای تردید و شک نیست که تمام این دیباچه و مقدمه حدیقه انشاء سنائی نیست چرا که گذشته از طرز مطالب و معانی آن که خود شاهد بزرگی بر مدعی میباشد در سطر ۶ از ص ۶ و ص ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۲ ( نسخه چاپی ) محمد بن علی الرّقا تصریح نموده که وی منشی آنست ، نگارنده بر اینست که از آغاز دیباچه تا اینجا که گوید : روزی من که محمد بن علی الرّقا . انشاء سنائی و املاء سیّد مذکور است .

از قطعه ای که در دیوان سنائی موجود است ، بدست می آید که در زمان حیات مسعود سعد سلمان متوفی بسال ۵۱۵ (۲) سنائی بجمع و ترتیب دیوان وی مبادرت نموده و از اینکه در اثر غفلت اشعاری از دیگران را نیز در آن دیوان آورده

(۱) آقای تربت این منظومه را مطایبه نامه سنائی معرفی کرده و گوید شبیه بمنظومه مسعود سعد در همین موضوع میباشد ولی کمی بیشتر از آن که همه در وصف درباریان سلطان مسعود ثالث گفته شده است .

(۲) آقای قزوینی وفات این شاعر را در حواشی چهار مقاله نظامی عروضی ( ص ۱۴۵ ) محققاً در این سال دانسته و گویند رساله ای در شرح حال این شاعر تألیف و ادوارد برون آنرا بانگلیسی ترجمه و بسال ۱۹۰۵ و ۱۹۰۶ در مجله انجمن همایونی آسیائی منتشر کرده است .

پوزش خواسته و آقای قزوینی در حواشی چهارمقاله (ص ۱۴۲ - ۱۵۰) این کار سنائی را تذکر داده اند.

سنائی حقیقه الحقیقه را که شامل اشعار توحیدی و عرفانی و اخلاقی است و بنابر تعیین محمد بن علی الرقا در مقدمه حقیقه و تصریح خود وی شماره ابیات آن دو هزار (۱) میباشد، بسال ۵۲۵ بآخر رسانید و انشاء آن ۱۳ ماه (۲) طول کشیده و در ده (۳) باب گذارده است.

نسخه چاپی حقیقه با چهار نسخه خطی از آن که در دست نگارنده است در تنظیم ابواب بایکدیگر مخالف و نگارنده نمیتواند یکی از آنها را ترجیح دهد و آنرا اصل قرار دهد، در آخر مقدمه نفیسیکه نسخه مجلس شورای ملی دارد و غیر از مقدمه محمد بن علی الرقا میباشد (۴) و در فهرست آنجا خصوصیات آن نگارش خواهد یافت و ظاهراً آن نسخه در قرن نهم هجری نگاشته شده و در حاشیه برگ ۴ نسخه این کتابخانه که بسال ۹۲۰ نوشته شده فهرست ابواب حقیقه بدینگونه که زیر این سطرهای آوریم تعیین گردیده، ابیاتی در حقیقه موجود که دلیل بر موافقت این ترتیب باخیال ناظم آنست و خود این ابیات میرساند که از سنائی میباشد:

مخصّص تنزید و صرف توحید است

باب اول بیان تحمید است

(۱) در ذیل باب دهم در معرفی از کتاب گوید:

عدد بیت ده هزار آمد

آنچه زین نظم در شمار آمد

(۲) در آخر حقیقه است:

که در آذر نکرده آن را پی

شد نام این کتاب در مه دی

با صد و بیست و پنج کشته مدام

با صد و بیست و چار رفته زعام

(۳) حاجی خلیفه درس ۴۲۷ ج ۱ کشف این کتاب را شامل بیست باب معرفی و انشاء آن را بسال ۵۲۴ معین نموده و مؤلف فهرست کتابخانه معارف در س ۱۵۰ ج ۱ عیناً اشتباه مذکور را نقل کرده اند.

(۴) بعضی تصور کرده اند که مقدمه سری موجود در نسخه حاجی هند املا خود سنائی میباشد در صورتیکه نگارنده آن محمد بن علی الرقا در چند حاشی از مقدمه تصریح بنده خود کرده و گذشته از این طرز انشاء آن بخوبی میرساند که متشی آن غیر از سنائی ناصح است و در این موضوع شرحی در س ۴۹۵ نگاشته شد.

و آن بهر چار یار گشته قبول	باب ثانی ثنا و نعت رسول (۱)
ز آنکه گنجد در و بحال سخن	باب ثالث (۲) ز عقل گویم من
گفت خواهم ز روی دانش و حلم	باب رابع (۳) ز علم و خواندن علم
کز کجا تا کجا است تأثیرش	باب خامس (۴) ز عشق و تعبیرش
گر چه مستولست بر انسان	باب سادس (۵) ز غفلت و نسیان
که ییابی هر آنچه سیرت اوست	باب سابع (۶) ز حال دشمن و دوست
که چنین جایز است و ناپاک است	باب ثامن (۷) ز گشت افلاک است
آنکه دشمن ز تیغ اوست نهان	باب تاسع (۸) ثنای شاه جهان
که نه بینی دیگر چنین تألیف	باب عاشر (۹) صفات این تصنیف

(۱) در نسخه مجلس و نسخه شماره (۳۴۷) این کتابخانه باب دوم در اوصاف قرآن معرفی گردیده در صورتیکه در آخر این باب این بیت : ( چون بگفتی ثنای حق زاول بس بگو نعت احمد مرسل ) است که خود مؤبد اتمام باب اول میباشد و در این باب بس از نعت و ثنای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بمدح و ثنای خلفای چهار گانه ( رض ) و حسن بن علیهما السلام و امام شافعی و ابوحنیفه ( رض ) و برخی دیگر از اصحاب برداشته و در عین حال که از اظهار عقائد مذهبی خویش تقیه میکرد مطالبیکه موافق عقیده امامیه میباشد مندرج ساخته و بابت بودن خود را بآنها آنکار نموده است .

(۲) نسخه چاپ هند و شماره (۳۴۵) این کتابخانه موافق این تقسیم و در نسخه (۳۴۷) این کتابخانه باب ۵ و در نسخه خطی مجلس باب چهارم در عقل است .

(۳) نسخه چاپ هند و شماره (۳۴۵) این کتابخانه موافق این تقسیم در علم میباشد ولی نسخه مجلس بعلم مذکور علم را در باب پنجم ذکر نموده و در نسخه شماره (۳۴۷) این باب چهارم را در مدح بهرامشاه که موافق تقسیم بالا باب نهم میباشد قرار داده است .

(۴) در نسخه شماره (۳۴۷) این کتابخانه باب هفتم در عشق و صفت روح و در جاب قلب معرفی گردیده و در نسخه حایبی باب ۸ در این موضوع میباشد و در نسخه مجلس بخشی از این باب در آخر باب اول نگارش یافته است .

(۵) در نسخه حایبی و شماره (۳۴۵) این کتابخانه این موضوع در باب پنجم و در نسخه شماره (۳۴۷) این کتابخانه در باب هشتم و در نسخه مجلس در باب ۶ گذارده شده و این دو نسخه ابیات زیادی که در آن دو نسخه در آخر باب علم گذارده شده در آغاز این باب دارد .

(۶) در نسخه حایبی این باب در حکم و امثال و زیر عنوان باب هفتم بب شده و در نسخه شماره (۳۴۵) این کتابخانه نیز چون نسخه حایبی بس از باب نسیان است ولی در نسخه شماره (۳۴۷) (بقیه حاشیه در صفحه ۴۹۸)



چنانکه از مکتوب حکیم سنائی به بهرامشاه غزنوی و مکتوب منظومی که به برهان‌الدین به بغداد نوشته و راجع باین کتاب و صحت مندرجات آن استفتاء کرده و آنچه محمد بن علی الرقا در مقدمه حدیقه نگاشته، برمی آید، پس از اتمام حدیقه و اطلاع جمعی بر مندرجات آن (تصور میکنم که اطباء و منجمین و علماء که در دربار بوده و بیانات سنائی را در باب نهم در ذیل ثنائی شاه مخالف منافع خود دیده، تمایل به تنسیع و علاقمندی سنائی را بخاندان حضرت پیغمبر ص که از اشعار حدیقه آشکار است بهانه نموده و خواسته اند که او را آزار کنند، مکتوب و منظومه وی به بهرامشاه و برهان‌الدین کاملاً صریح در این مطلب نباشد) ناچار شده که نظر پادشاه و رئیس علماء اسلام (در آن دوره) را بخود جلب نماید، نسخه ای از حدیقه را پاکنویس و به بغداد پیش ابوالحسن علی بن ناصر غزنوی (برهان‌الدین) مشهور به بریان فرستاد تا فتوی بر صحت مندرجات آن دهد.

نگارنده از مقدمه محمد بن علی الرقا استفاده میکند که در همین روزها که سنائی این کار را انجام داد و نسخه را به بغداد فرستاد تب کرده و از این جهان (تقریباً ۷ ماه پس از انجام تألیف کتاب) بسرای باقی شتافت و در این مقدمه است که بامر بهرامشاه رقا از روی مسوده‌ها بجمع و ترتیب حدیقه پرداخته است.

(بقیه ادامه از صفحه ۴۹۷)

این کتابخانه و نسخه کتابخانه جنس این موضوع بعنوان باب ذکر نشده و در آخر باب افلاک (نسخه مجلس نهم صفحه شماره ۳۴۷) این نسخه (کتابخانه) گذارده شده و بن تمام آن آیات نیست. (۷) در نسخه حابی و شماره (۳۴۵) این کتابخانه در این موضوع میباشد و در نسخه مجلس باب افلاک حائست که در شماره (۶) گفته شد.

(۸) در نسخه حابی باب دهم و در نسخه شماره (۳۴۵) این کتابخانه باب نهم و در نسخه شماره (۳۴۷) باب چهارم و در نسخه مجلس باب هشتم در این موضوع معین گردیده و در این باب گذشته از مدح پادشاه و نصائح و اندرزهای سوده‌مند بمدح و ثنائی پادشاه پس بهرامشاه و صدور و امراء و بعضی از علماء و عارفان در داخه و برخی از علماء و شعرا و منجمین و اصحابی دروغی را هم مذمت و سرزنش و هجاء کرده است.

(۹) در نسخه حابی این موضوع در باب نهم و در نسخه شماره (۳۴۷) با قسمی از موضوع باب نهم (هجاء شعرا و اصحاب و منجمین) بعنوان باب دهم و در نسخه مجلس همین قسمت (معرفی از کتاب) بنام باب دهم معرفی گردیده است.

سنائی خود از حدیقه انتخابی کرده و مجدداً بر حسب خواست دوستان از آن انتخابی دیگر نموده و این منتخب دوم بشماره نامهای الهی ۱۰۰۱ بیت میباشد و شاید مراد حضرت مولوی از الهی نامه سنائی همین منتخب باشد و بنابر تصریح خود وی در ماه مرداد که بر حسب احتمال همان ماه آخر عمر وی بوده این انتخاب بانجام رسیده و بسال ۱۳۱۶ قمری علینقی ملقب به مؤتمن دیوان این منتخب را بنام جعلی «لطیفة العرفان» که بسلیقه خویش بر آن گذارده در طهران چاپ نموده و دیباچه نثری بر آن نگاشته است.

تمام حدیقه بسال ۱۲۷۵ در بمبئی و باب اول آن بسال ۱۹۱۰ م با ترجمه انگلیسی آن بقلم : Magor. g. Stephenson. در کلکته چاپ گردیده است.

آغاز: بسمله ای درون پرور برون آرای ۞ ای خرد بخش بی خرد بخشای الخ.

(۱۱۳۰)

این نسخه را بخط نستعلیق خالص بن کمال الدین بن محمود کرمانی حدیقه الحقیقه

بسال ۹۲۰ نگاشته ، نویسنده ای در حاشیه ص ۷۳۶ - ۷۴۱

شرح حال سنائی را از تذکره دولتشاه سمرقندی و در حاشیه ص ۷۴۶ تا آخر عقل نامه سنائی را که در همین فصل از آن معرفی خواهد شد نوشته ، پشت صفحه نخستین و چند برگبکه پیش از آنست ایاتی از سنائی و غیره و یادداشتهائی از مالکین سابق نسخه بفارسی و عربی و ترکی نگارش یافته و صفحات جدول بطلا و عناوین باشنجرف و دارای يك سرلوح طلائی است .

جلد تیما حی . کاغذ سمرقندی . واقف سیهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق ( ۳۷۹ ) . صفحه ای ( ۱۵ ) سطر . طول ( ۱۸ سانتیمتر ) . عرض (  $12 \frac{1}{4}$  سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۳۴۷ ) .

(۱۱۳۱)

این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب بخواست خواجه بیک حدیقه الحقیقه

در شهر هرات ، عبد الرشید دیلمی بسال ۱۰۱۷ نوشته

و از خطوط ممتاز میباشد ، میان دو سطر آخر چند کلمه ای را محو کرده اند ، مکتوب سنائی به بهرام شاه در آخر نسخه نگاشته شده ، تمام صفحات جدول بطلا و لاجورد و غیره میباشد و میان سطرها طلا اندازی شده و عناوین مطالب بامر کبهای

تمام برگها متن و حاشیه میباشد و بسیاری از آنها جابجا شده و پاصفحه ها هم اگر چه مطابق میباشد نظم و ترتیب آن درست نیست و نیازمند ترتیب و تنظیم درستی است .

(1134)

حاجد میشن . کاغذ دولت آبادی . واقف سوسائٹرز . قرضع وزیریں . شمارہ اوراق ( ۲۷۲ ) .  
صفحہ ای ( ۱۹ ) سفر . ضول ( ۲۳ ) سوسائٹرز ( غرض ( ۱۲ سوسائٹرز ) شمارہ  
کتابخانہ ( ۳۴۵ ) .

مؤلف این کتاب نواجی است که در ص ۷۲ - ۷۴ بشرح حال و مؤلفات ایشان پرداخته ایم .

(۱) حبه را (با حاد، حَضی ویرا، اِجَد) نَرَه مَوس دِه دای ترا بِیشتی حَاحِر بَرای مَیْقَه مَعین موده و عبارت آن اینست :

الحمله بالفج الدقه من الغيل في الزمان وخير جميع النقب . و انت است سرخ رنگ را گویند  
که مثل پشاهی باشد و قاع خود در او انبساط آرد در دلت که لفظ است در آمنت گوید  
(توضیح : ص ۵۰)

مخالفت وی او را میسر نبوده تألیف گردیده و شامل بیست و پنج باب و خاتمه‌ای  
بمفصیل زیرین بشر و نظم می‌باشد :

**باب اول - در نامه‌های شراب . ۳ -** در وصف شراب و نخسین کس که آنرا درست کرده  
و موجب ساختن آن . ۳ - در طبایع و خواص آن . ۴ - در استعمال آن موافق رأی حکما .  
۵ - در آنچه براستعمال کتمه آنست از حقوق منادمه و ادب ندیم . ۶ - در ندمائیکه مؤلف آنها  
را می‌بستند و مختصری از لطیفه‌گویی‌های آنها . ۷ - در احسان به ندما و حائزه‌ها و صله‌های  
آنها . ۸ - در اشعار نیکو و افکار بلند ندما . ۹ - در آنهائیکه بآشامیدن شراب اصرار دارند .  
۱۰ - در شر و نظم هائیکه ادبا در خواستن شراب انشاء کرده‌اند . ۱۱ - در وصفهائیکه از آن  
باعتبارت نصبح و بلیغ و شبیه‌های تازه و خوب گردیده . ۱۲ - در وصف ساقی و ادب او . ۱۳ -  
در وصف مجلس بزم و آلات و ادوات آن . ۱۴ - در وصف نواها و آلات و ادوات آن .  
۱۵ - در وصف سماع و قانوس و اقسام جرائنها . ۱۶ - در وصف مجلس انس پس از اتمام و  
ترتیب و انضام آن و منجقت بیان . ۱۷ - در وصف هریک از اقسام گلها و ریاحین و میوه‌ها .  
۱۸ - در وصف عمومی از آنها و بحث در اطراف بهار . ۱۹ - در وصف جوی‌ها و گودالهای  
آب و جریخهای جاه و استخرها و فواره‌ها . ۲۰ - در وصف رود نیل مصر و گردش گاههای  
آن بنظم و نشر . ۲۱ - در مناظر طبیعی شهرها . ۲۲ - در سیم و لطافت آن . ۲۳ - در آواز  
کبوترها و کبوتران حبابار . ۲۴ - در وصف ابر و رعد و برق و آفتاب و ماه و ستاره و بامداد  
و جز اینها . ۲۵ - در اشعار مضبوطه در اوصاف گلها و بهار و غیر از اینها .  
**خاتمه در نوبه و اخلاص و مدمت شراب و دور کردن طبایع از آن .**

این کتاب در حدود (۱۰۰۰۰) بیت کتابت دارد و بسال ۸۲۴ تألیف آن باخر

رسیده و ابن حجه حموی ( تقی الدین ) بر آن تقریظی نوشته و دوبار بسال ۱۲۷۶

(بقیه حاشیه از صفحه ۵۰۰)

در لفظ کسبت اینجا بوریه است و از همنجا نام کتاب را حلیه الکسبت گذارده ام چرا که میدان  
مسابقه ای ( اسدیس ) برای شعرای رشد است ( اما کان مضمارا لفحول الشعراء و مجری سوابق  
افکارهم فی التشابه الخمریه ) و در شدرات و کشف الظنون نوشته شده که مؤلف نام این کتاب را  
العبور والسرور فی وصف الخمر گذارد ، دوسنان را این نام خوش نیامد و گویند که مؤلف  
دچار مرض و محنت گردید از اینرو نام آنرا بر کردانید و بدین نام نامید ۱۴ .

و در کشف الظنون از الضوء الالام نقل گردیده که در این تألیف یکی از شعرا زنده و مرده  
وی را هجاء نمود و نام آنرا قبح الالهجی فی النواجی گذارد و هنگامیکه نواجی در بازار  
کتاب فروشها نشسته بود بدست یکی از دلایهای کتاب داد بر همه عرضه داشت نابه نواجی رسید  
در آن مطالعه نمود و خواست که آنرا نگاهدارد صاحب آن از دلال آنرا بازخواست و نزدیک  
بود از این بیش آمد نواجی هلاک شود .

و ۱۲۹۹ چاپ گردیده و از لحاظ ادبیّت مجموعه ای نفیس است .  
آغاز : بسملة الحمد لله الذی ادار کؤس الادب علی اهل الادب الخ .

(۱۱۳۳)

این نسخه را بسال ۱۰۷۹ بخط نسخ علی یحی علی (کذا) حدید  
حلیة الکمیت حسینی نوشته و تقریظ نامبرده پشت آخرین صفحه نسخه میباشد  
و چند برگ اول نسخه و صالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . قلع وزیری . شماره اوراق (۲۱۶) . صفحه ای  
(۲۵) سطر . طول (۲۴ - نیمبر) . عرض (۱۴ ۱/۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۸۹۰) .

(۱۱۳۴)

این نسخه بخط نسخ خوب نوشته شده ، کاتب نام خود و  
حلیة الکمیت سال نگارش را نگاشته از طرف خط و کاغذ مسلم است که در

اواخر قرن سیزدهم نگارش یافته و صفحات مجدول بظلا و لاجورد است .  
جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سیه سالار . وضع وزیری . شماره اوراق (۲۹۳) . صفحه ای  
(۲۲) سطر . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۶ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۸۹۱) .

[ ۴۹۹ ] ختم الغرائب (فارسی)

حکیم خاقانی شروانی که در ص ۴۶-۴۶۶ بمعرفی وی و آثارش پرداخته ایم ،  
بنابر نسبت دادن نویسنده نسخه زیرین منظومه ای بوزن مثنوی بنام ختم الغرائب  
انشا نموده و جز نسخه زیرین و نسبت دادن نویسنده آن با جستجوی زیاد در  
کتب سیر و تذکرة ها و فهرستها چنین نسبت و آثاری از نسخه ای از آن نیافتیم  
جز اینکه مجموعه ای که بسال ۱۰۳۵ نگارش یافته در این کتابخانه زیر شماره (۶۰۰)  
موجود است و بمناسبت اینکه در ابتداء آن دیباجة تحفة العراقرین را کاتب بنام  
دیباجة ختم الغرائب معرفی نموده در دفاتر مدرسه بنام ختم الغرائب ثبت و بهمین  
نام وقف گردیده است و مسلماً این نام بنام بر این نسخه گذارده شده و باتبعیکه  
در این موضوع نگارنده نموده تحفة العراقرین بدین نام ( ختم الغرائب ) نامیده نشده  
و این جمله غلط احتمال را قوی میکند که خاقانی بدین نام اثری داشته و گذشته

از این راه طرز فکر و انشاء این منظومه که در تقلید حدیقه سنائی میباشد. صحت انتساب آنرا بخاقانی تأیید میکند:

برای اثبات مدعی چند بیت از آنرا در اینجا می آوریم:

### فی حدوث العالم

اینها همه محدث اند و مجبور	در قبضه قهر اسیر و مقهور
خلاق همه یکی قدیم است	رزاق همه یکی عظیمست
جبار مهیمن روان بخش	قهار قدیم ذات جان بخش
معبود جهان خدای بی عیب	بل جاعل عین و خالق غیب
از علت نافس است صنعت (کذا)	پس مردم کاملست عایت (کذا)
تا که ملکی که آرد از خاک	زینگونه هزار آدم پاک
سبحان الله چه جای این است	کو ایزد ایزد آفرین است
کر ایزد نافریده بودی	کی آدم بر گزیده بودی
کر دست تو را خدای عالم	در عالم کدخدای آدم
نه خانه نه کدخدای ماند	کد نیست شود خدای ماند
چون خانه کدخدای دیدی	کد نیست شد و خدای دیدی
چون خانه و کدخدای خود نیست	در خانه بجز خدای خود نیست

بدبختانه فقط قسمتی از این مثنوی به نسخه ای از تحفة العراقین (درص ۶۸ از این نسخه زیر شماره ۱۱۱۰ معرفی گردیده) پیوسته و (۶۴۴) بیت بیشتر نیست.

آغار: بسمله بر کره خاک تنگ میدان کم باش چو گوی اسیر چو گان.  
انجام نسخه: آب از تشنگی روانست و رگرسنه شفات نانست  
از پاصفحه آخرین صفحه معلوم میشود که در این نسخه بر گهای دیگری بوده و از میان رفته است.

(۱۱۳۵)

ختم الغرائب این نسخه پیوسته به کتاب شماره (۲۷۲) کتابخانه میباشد که ظاهراً در اوائل قرن سیزدهم هجری نوشته شده و درص ۶۸ و ۶۹ زیر شماره (۱۱۱۰) آنرا معرفی کرده ایم، خصوصیات دیگر را بآن صفحه مراجعه فرمائید.

## [ ۵۰۰ ] خريدة القصر و جريدة اهل العصر ( عربی )

مؤلف این کتاب عماد کاتب اصفهانی است ( ابو عبدالله عماد الدین محمد بن محمد بن حامد بن محمد ۵۱۹ - ۵۹۷ ) ( ۱ ) که از مشاهیر ادباء نامدار و وزرای و اعتبار و در فقه شافعی صاحب اجازه بوده و در علوم ادبیّه و خلاف دستی قوی یافته ، تولّد وی در اصفهان شده و در بغداد کسب کمال نموده و در دمشق مورد توجه و عنایت نورالدین قسار گرفته و او را برسالت به بغداد پیش المستنجد فرستاده و چون بدمشق برگشته تدریس مدرسه ای که بنام خود او ( مدرسه عمادیه ) مشهور میاشد بوی داده شد و پس از آن عماد را در شرف دیوانیان و وزراء وارد نمود و پس از نورالدین اسمعیل پسر وی بجای پدر نشست رقبا یا شاه را بدو بدگمان کردند عماد ناچار شد ، همه مقاماتیکه داشت ترک کرد و روی به بغداد آورد چون بموصل رسید در آنجا ناخوش شد در همین ایام شنید که صلاح الدین پادشاه مصر برای تسخیر دمشق حرکت نموده ، عماد از رفتن به بغداد منحرف شد و بطرف دمشق برگشت ، در ماه شعبان سال ۵۷۰ در هنگامیکه سلطان صلاح الدین در حلب بوده و قلعه حمص را تصرف کرده پادشاه نزدیک شد و قسیده ای طولانی انشا و بعضی رسائل ، مورد عنایت و قبول گردید و در حضور و سفر مسالزم و مدّاح شد و بالاخره پس از نزدیک شدن زیاد به این پادشاه مقام وزارت یافت و تا آخر زندگانی صلاح الدین خوشی و عظمت عماد الدین هم باآخر رسیده و ابن خلکان گفته « پس از مرگ وی دری را بر خود باز ندید و گوشه خانه نشست و بتالیف و تصنیف مؤلفات ممتاز پرداخت ، و از مؤلفات او است : البرق الشامی ( این کتاب بنا بر معرفی ابن خلکان ، در تاریخ و همت خند است و در ابتدا شرح حال مؤلف و کیفیت حالات وی و انتحال خود را از عراق بتمام تا اواخر زندگانی و ادبار روزگار وی پس از صلاح الدین مندرج ساخته و از کتب تواریخ منسوخ است ) ، دیوان رسائل فارسی ، دیوان رسائل عربی دیوان شهر در چهار خنّده ، دیوان دویینی ( رباعی ) ،

( ۱ ) ویات الاعیان ج ۲ ص ۷۴ - ۷۶ ، خزانة الادب ج ۴ ص ۳۳۲ - ۳۳۳ ، معجم المطبوعات ص ۱۲۷۵ ، مأخذ فارسی این مطالب است .

نصرة الفتره و عصرة القطره (۱) (در اخبار و تاریخ سلجوقیان میباید و مختصر آن بنام زبدة النصرة و نخبة العصر در لیden بسال ۱۸۸۹ م چاپ شده و حاجی خلیفه در ج ۲ کشف ص ۷ و ص ۶۰۲ این مختصر را نیز تألیف خود عمادالدین کاتب معرفى نموده و در مصر بسال ۱۳۱۸ بنام تاریخ دولة آل السلجوق تألیف عماد الکاتب اختصار شیخ امام فتح بن علی بن محمد بنداری اصفهانی چاپ شده است)، الفتح القدسی فی الفتح القدسی (ابن خلکان در وفیات الاعیان نام این کتاب بدینگونه که نقل شد ثبت گردیده و گوید که در دو مجلد و شامل شرح فتح بیت المقدس می باشد و حاجی خلیفه در ص ۲۱۹ ج ۲ کشف گوید: «القدس القسی فی فتح القدسی در دو مجلد تألیف عماد کاتب... می باشد و در خطبه آن مدح ناصر الدین احمد بن المستنصر بالله عباسی و صلاح الدین یوسف را نموده و این نام بر پشت نسخه نوشته شده لیکن خود وی گفته که آنرا الفتح القدسی نامیدم و بر قاضی فاضل آنرا عرضه داشتم مرا گفت آنرا «الفتح القسی فی الفتح القدسی» نام گذار.

و دیگر از مؤلفات وی خریده القصر و جریده اهل العصر است.

این کتاب که مؤلف آنرا خریده القصر و جریده اهل العصر نامیده یکی از مشهور و شامل شرح حال و آثار ادبا و شعرای قرن ششم هجری (از سال ۵۰۰ تا ۵۷۲) (۲) که مؤلف آنها را دیده و یا بیک واسطه از آنها شعر بلیغ و یا اثر سلیم شنبه) می باشد و مؤلف در حقیقت آنرا ذیل «زینة الدهر و عصرة اهل العصر» تألیف ابی المعالی سعد بن علی و راق خطیری متونی بسال ۵۶۸ که آن نیز ذیل بر دمه القصر

(۱) در وفیات الاعیان نام این کتاب بدین املا و در کشف الطنون فتره و قتره با ناء و در معجم المطبوعات فتره و قتره ضبط گردیده و این آخیر صحیح بنظر می آید.

(۲) ابن خلکان تصریح نموده که این کتاب شرح حال دانشمندی است که در سالهای ۵۰۰ تا ۵۷۲ وفات یافته و یا در قید زندگانی بوده اند، مراجعه به سعه این کتابخانه هم مؤید ایشانست و از عبارت زیرین که در ذیل معرفى و شرح حال ابوالمحاسن شنجی نوشته معلوم میشود که تألیف این کتاب هم بسال ۵۷۲ بوده و آن جمله اینست: «وسمعت الان فی سنة اثنتین و سبعین ایه موسوم بالعله الخ. مؤلف کشف الطنون در ص ۴۶۱ ج ۱ گوید ناسال ۵۹۲ اثنتین و تسعین و خمسة را در این کتاب ثبت نموده و ابی حنانکه دانشمیزم جلد اول را مسلماً در سال ۵۷۲ مینوشته و مکرر تصریح بسالهای بیش از سال مذکور (۵۷۲) را در این مجلد کرده است.



و عصره اهل العصر (۱) باخرزی متوفی بسال ۴۶۱ که این نیز ذیل یتیمه الدهر ثعالبی متوفی بسال ۴۲۹ یا ۴۳۰ میباشد، قرار داده و یتیمه الدهر ذیل البارع تألیف هارون بن علی منجم متوفی بسال ۲۸۸ میباشد و این کتاب اخیر، نخستین مؤلفه بدین طرز است که نسخه ای از آثار نظمی و نثری گروهی در آن گرد شده و نویسندگان و مؤلفین نام برده بالامؤلفات خود را بتقلیدوی ساخته اند. و نیز بر خریدة القصر ذیل هائی نوشته شده است. چنانکه ابن خلکان تصریح نموده مؤلف خود نخستین کس میباشد که بنام «السیل علی الذیل» (۲) بر خریدة القصر ذیلی نگاشته و ما در ذیل معرفی از «سلافة العصر» از آنانکه بر این کتاب ذیلی نگاشته اند و از آن مؤلفات نام خواهیم برد.

خریده القصر چنانکه ابن خلکان و پس از وی حاجی خلیفه گفته اند درده مجلد تألیف گردیده و صاحب شذرات الذهب (ج ۲ ص ۳۳۳) گوید که چون عماد کاتب این کتاب را در هشت مجلد تألیف نمود آنرا پیش قاضی فاضل (عبدالحیم بن علی بن حسن لخمی میسانی عسقلانی مصری ۵۲۹-۵۹۶) فرستاد قاضی بدان وقعی نگذارد و گفت دو جلد دیگر آن کجاست چرا که مؤلف، آنرا خری ده نامیده و باین تعبیر کتاب را و آنانکه در وی نام برده شده اند تحقیق کرده است.

بنابر اینکه این داستان راست باشد این کتاب در هشت مجلد تألیف گردیده و چون تا اینجا که نگارنده تحقیق کرده ام نسخه کاملی از آن در دست نیست نمیتوان تقسیمات آنرا از روی قطع و یقین تعیین نمود ولی از اینکه «عود الشباب» که مختصر خریدة القصر میباشد و زیر این سطرها مختصراً بمعرفی آن خواهم

(۱) حاجی خلیفه درس ۴۶۰ - ۹ شذرات الذهب معنی شده که خریدة القصر ذیل بر رتبة الدهر فی عصره اهل العصر تألیف ابی المعانی سعد بن عمر و راوی العنصری متوفی بسال ۵۶۸ (نام مفصل کتاب و مؤلف و تاریخ فوت او را درس ۱۷ - ۲۳ معنی کرده و درس ۴۶۰ مختصر آنرا نام برده است) میباشد که آن ذیل بر دمه القصر و آن ذیل البارع تألیف هارون منجم است ولی مؤلف در مقدمه رتبة الدهر را نام برده و اسامی مؤلفین است دارالکتاب وارد نیست.

(۲) ابن خلکان گوید: نسخه بوده که ابن کاتب را عمادالدین ذیل این کتاب تألیف ابن السمعانی که ذیل تاریخ بغداد خطیب میباشد، تصحیف نموده ولی چون آنرا دیده دانستم که ذیل بر کتاب خریدة القصر خود مؤلف است.

(۳) شرح حال این دانشمند را در ص ۳۲۴ - ۳۲۷ ج ۴ شذرات الذهب

پرداخت، شامل چهار قسمت میباشد و در مقدمه خریده مؤلف گفته که آنرا به اقسامی چند تقسیم نموده ام: (وقد قسمت هذا الكتاب اقساماً) و قسم اول در فضلاء بغداد و نواحی آن میباشد، چرا که که آن شهر مرکز و دار الخلافه است (و بهمین مناسبت در ابتداء آن بشرح حال و آثار چند تن از خلفاء عباسی که معاصرویانزدیک بعصر مؤلف بوده اند مبادرت گردیده). و چنانکه از نسخه این کتابخانه برمی آید قسم اول در دو جزء بوده و جزء اول از قسم اول در اواسط شرح حال و آثار ابو عبدالله البارع بن الدباس النحوی باخسر میرسد و اول جزء دوم قصیده ضادیه البارع نحوی مدکور میباشد. ظاهراً اینست که هر يك از اقسام چهارگانه را به دو جزء تقسیم نموده، بنابراین تمام کتاب در هشت جزء خواهد بود و این موافق آنست که صاحب کشف الظنون و شذرات الذهب تعیین کرده اند.

علی بن محمد معروف به رضائی رومی متوفی بسال ۱۰۳۹ خریده القصر را مختصر نموده و بنام عودالشباب معروف میباشد و حاجی خلیفه در ص ج ۲ کشف زیر عنوان عودالشباب گوید که بنابر تسمیه خود وی این مختصر خریده «الشهاب بطردالذباب» نام دارد و آغاز آن اینست: الحمد لله الذي حمده عنوان كل جریده الخ.

دو نسخه از عودالشباب در کتابخانه برلین موجود و درص ۴۸۹ - ۴۹۱ ج ۶ فهرست کتب عربی آن کتابخانه معرفی کامل از آن گردیده و فهرست اقسام و ابواب آنرا مفصلاً معین کرده اند و ما مختصری از آنرا در اینجا می آوریم:

قسم اول: در فضلاء بغداد و توابع آن (در ۱۲ باب). قسم دوم: در فضلاء عجم و فرس (در ۲ باب). قسم سوم: در فضلاء معاصر و نزدیک بزمان مؤلف در دمشق (در ۵ باب). قسم چهارم: در فضلاء مصر و توابع آن و بلاد مغرب (در ۱۰ باب).

بنابر این عودالشباب در ۲۹ باب میباشد و چون این کتاب مختصر خریده القصر است بایستی ابواب خریده القصر نیز ۲۹ بوده باشد.

چنانکه بالای این سطرها نگاشتنیم نسخه کاملی از خریده القصر در دست نیست

و چنانکه از مندرجات ص ۹۳ ج ۳ فهرست دارالکتب العربیه بدست می آید نسخه آن کتابخانه عکس نسخه ایستکه در کتابخانه اهلّیه پاریس وجود دارد و فهرست آن اجزاء را از آنجا نقل کردن کمکی به شناختن تقسیمات کتاب و مندرجات آن مینماید و آن اینست :

( نسخه عکسی دارالکتب شش جزء و در شش مجلد است )

**مجلد اول** شامل نحاس شعراء عراق : بغداد ، واسط و بصره میباشد و در شرح حال حریری صاحب مقامات بآخر میرسد ( از این عبارت معلوم میشود که از آخر این مجلد نقص دارد ) .

**مجلد دیگر** شامل نحاس شعراء مصر میباشد و از اول افتاده دارد .

**دومجلد دیگر** که پشت سر یکدیگر میباشد شامل نحاس شعراء شام و فلسطین و موصل و حجاز و یمن است و در آخر آنها اتمام قسم سوم کتاب یادداشت گردیده ( از فهرست عود الشباب نیز استفاده شد که قسم سوم شامل نحاس شعراء شام است ) .

**دومجلد دیگر** که اول آنها نوشته شده : **الباب الاول من القسم الثانی من القسم الرابع** « در نحاس شعراء جزیره صقلیه استکه جزء مغرب ( اندلس ) میباشد و در نحاس شعراء مغرب نزدیک : ( قیروان و افریقا ) و گروهی از اهالی مغرب استکه بشام آمده اند و گروهی از ایشان را اسمعانی در ذیل اصحاب حدیث نام برده و دسته ای از آنها که بمصر وارد شده اند و ذکر اعیان مغرب اقصی و اندلس و شعرائیکه در کتاب فتح بن خاقان ( فلائد العقیان ) نام برده شده اند و غیر از اینها .

و در فهرست نام برده این دو مجلد اخیر را بنام : **المجلد الحادی عشر والثانی عشر وهو آخر الكتاب** معرفی کرده و ظاهر اینستکه این عبارت عین آنستکه بر نسخه اصل موجود در کتابخانه پاریس نوشته شده و با آنچه پیش گذشت این تعبیر را نمیتوان درست دانست .

**آغاز : بسم الله (۱) الحمد لله مودع ارواح المعانی اشباح اللفاظ الخ .**

(۱) در نسخه این کتابخانه پس از بسم الله است و قال الشیخ الامام امامه الفضل رئیس الاوحد الامجد صدر الشام والعراق ذوالبلاغین عماد الدین محمد بن محمد بن حامد الاصفهانی کتاب رحمه الله تعالی الحمد لله مودع ارواح الخ .

(۱۱۳۶)

خریده القصر این نسخه شامل قسم اول کتاب (در عاقل شعراء بغداد و نواحی آن) بوده، برگهائی از میان و آخر آن افتاده، در جاهای

افتاده دار بر گهای نوشته ای گذارده شده، از طرز کتابت و کاغذ احتمال میدهم که در قرن نهم هجری نگارش یافته، پشت صفحه نخستین یادداشتهاى از مالکین پیشین نسخه موجود و پیش ترین تاریخی که ثبت گردیده سال ۱۰۹۹ بوده و از یادداشت دیگر یک سال ۱۱۳۲ مرقوم گردیده معلوم میشود که در آن سال این نسخه در دمشق بوده و اوراق نسخه آب دیده و لی خطوط آن محو نگردیده است.

جلد تیماجی. کاغذ سمرقندی. واقف سه سالار. قطع خشتی. شماره اوراق (۲۴۸). (۱۲ ورق نوشته است). صفحه ای (۲۵) سطر. طول (۲۰  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر). عرض (۱۴  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۸۳).

[ ۵۰۱ ] **خمسہ حسینی = اشتر نامه و و اقم و عذرا (فارسی)**

این مثنوی از آثار حسینی است (حاج محمد حسین بن محمد حسن بختهد ۱۱۸۴ (۱) - ۱۲۴۹ (۲) که اصل ایشان از قزوین ولی در کربلاء معلی متولد شده و چون پدر (۳) ایشان در شیراز رحل اقامت انداخته و به بحث و تحقیق اشتغال

(۱) در مآخذیکه برای نگارش این شرح در دست نگارنده بود تصریحی برای سال تولد حسینی نیافتیم ولی در آلهی نامه (۱۰۰ بیت بآخرمانده) که سال ۱۲۲۹ مظلوم گردیده گوید:  
جل و پنجسالت بیاطل گذشت

بنا بر این تولد وی سال ۱۱۴۸ بوده است.

(۲) با مراجعه به مقدمه خمسہ حسینی چاپ شده که نگارش خلیفه و برادر زاده ایشان آقای حاج میرزا عبدالحسین ذوالریاسین قطب کنونی سلسله نعمت الهی دام عمره میباشد و طرائق الحقائق ج ۳ ص ۱۶۰ و مجمع الفصحا ج ۲ ص ۹۵ - ۹۸ این شرح نگاشته شده است.

(۳) در ص ۵۶۱ ج ۱ این فهرست شرح حال مختصری از حاج محمد حسن اصولی یدر حسینی را بمناسبت یکی از مؤلفات وی نگاشته ام و در آنجا بتقلید صاحب روضات وفات ایشان سال ۱۲۳۰ (و کانت وفاته فی العشر الثالث من هذه المائه) ثبت گردیده ولی آقای ذوالریاسین در مقدمه خمسہ حسینی و مرحوم نائب الصدر درس ۱۵۳ ج ۳ طرائق الحقائق وفات اصولی را سال ۱۲۴۰ ثبت نموده اند و چون این دو نویسنده از خوششان و نزدیکان آن مرحوم میباشد و گفته اند اهل البیت ادری بما فی البیت قول ایشان متبع است بنا بر این آن تاریخ مسنفاذ از روضات غلط و بایستی اصلاح شود و تذکر دیگر اینکه غلط در صفحه گذاری روضات موجب شده که درس ۵۶۱ ج ۱ فهرست بجای ص ۱۸۰ ص ۱۰۸ ثبت گردد، بایستی این غلط نیز اصلاح شود.

یافت و آنجا را وطن ساخت ، خانواده را از عراق عرب خواست ، این فرزند نیز بشیر از آمد و بابهره هائیکه از معلومات معقولی و منقولی داشت بسیر و سلوک راغب گشت و در طلب کاملی که او را دستگیر شود این طرف و آن طرف و باین دیار و آن دیار رفت ، دستش بدامن بزرگی که او را دستگیر شود ، نرسید ، بشیر از باز گشت ، در این هنگام حاج میرزا ابوالقاسم متخلص به سکوت او را ارشاد و دستگیری نمود . پس از وفات پدر که در شیراز عالم و مقتدا بود ، رئیس اهل شریعت و طریقت گشت و ذوالریاستین حقیقی گردید .

افکاری بلند و قریحه ای سرشار داشته و بنظم قصائد و مثنویها مبرداخته و **حسینی** (۱) تخلص میجسته و خسته وی که شامل مطالب عرفانی میباشد عبارت است از : الهی نامه ، اشتر نامه ، مهر و ماه ، واق و عذرا و وصف الحال و شرحی بفارسی بردیباچه دفاتر ششگانه مثنوی مولوی رومی (۲) نگاشته است .

از این خسته اشتر نامه ، واق و عذرا و مهر و ماه آن از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۸ در شیراز چاپ شده و در حدود ۲۰۰۰ بیت است . و نسخه ای از الهی نامه (۳) و وصف الحال که تاکنون چاپ نشده در کتابخانه آقای ذوالریاستین ( حاج میرزا عبدالاحسین ) موجود و در حدود ۹۲۰۰ و ۷۰۰۰ بیت شعر دارند .

در مجمع الفصحا از هریك از این خسته انتخابی گردیده و مؤلف ملاقات خود را باحسینی تذکر داده و گوید فصائد و غزلیاتش مفقود گردیده است .

آغاز : اشتر نامه : بسم الله الرحمن الرحيم قادر غفار و قدیم و قدیم . تا که نشان از دل و از دلبر است نام خدا زینت هر دفتر است .

(۱) این خانواده انساب بحضرت امام حسن علیه السلام مدار و احسن حسینی به مناسبت نام خانوادگی است که محمد حسین بوده .

(۲) شرح دفاتر ششگانه مثنوی بیس از خسته حسینی پس از مقدمه آن چاپ گردیده است .

(۳) در آخر الهی نامه نویسنده : از ارجح آثار بیست و یک کتابت بحسبم بدار القرار و این مصرع اخیر سال ۱۲۲۹ را معین میکند در صورتیکه نامه یادش را از حساب نیم چرا که اگر آنرا در حساب ناوبریم سال ۱۲۰۱ بدست می آید و معلوم میگردد که در این سال بدرحسینی از عراق به ایران نیامده بوده و اشعار الهی نامه در وصف میرزا ابوالقاسم سکوت به زمین ساعد است که پس از آمدن به شیراز و شرف خدمت به پسر و جویو گردیده است .

آغاز الهی نامه : بنام خداوند بالا و پست که خمخور او بنده شیار و مست .  
 « و امق و عذرا : ای بنامت افتتاح نامها ای بیادت گرمی هنگامها .  
 « مهر و ماه : خداوند ادلی ده سوز در سوز بطور عشق بازی آتش افروز .  
 « وصف الحال : لله الحمد خالق المتعال بر خلایق رؤوف در همه حال .

(۱۱۳۷)

(خمسسه حسینی) این نسخه بخط نسخ بدون تاریخ و نام نگارنده نگارش یافته ،  
 ظاهراً در نیمه اول قرن سیزدهم هجری نوشته شده ، بسال  
 ۱۲۹۵ بنام دیوان شاه نعمت الله ولی داخل کتابخانه اعدا ضد السلطنه  
 و اشتر نامه شده و بهمین نام وقف بر این کتابخانه و در دفاتر ثبت شده  
 و پشت صفحه نخستین یادداشت گردیده و مسلماً و امق و عذرا و اشتر نامه حسینی است  
 ولی در حدود ۱۰۰۰ بیت از اول اشتر نامه ص ۱۸۰ - ۲۰۲ خسه چاپی از سطر ۵)  
 و در حدود ۱۳۰ بیت از آخر اشتر نامه موافق نسخه چاپی (ص ۲۶۳ سطر ۱۸ تا آخر  
 کتاب) افتاده دارد و پس از آخرین بیت نسخه (صدره اگر طی کنی این رحله ✱  
 باز بجوئی پس این قافله) مناجات نامه ای که آغاز آن : الهی برندان دردی کشت ✱  
 که مستند از باده بی غشت . و انجام آن : دهد تاتن من ز در ماندگی ✱ بدر خواندگی  
 یاز در راندگی . میباشد موجود و مسلماً نیز از حسینی میباشد .

جلد میشن . کاغذ فرنگی . واقف سبها لار . قطع وزیری کوچک . شماره اوراق ( ۱۸۷ ) .  
 صفحه ای ( ۱۵ ) - حفر . ضو ( ۲۰ - ۱ ) - سانیمتر ) . عرض ( ۱۳ - ۱ ) - سانیمتر ) . شماره  
 کتابخانه ( ۳۸۵ ) .

(۱۱۳۸)

(خمسسه حسینی) این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۳۲ نوشته شده ،  
 اشتر نامه آن عیناً نسخه پیشین از اول و آخر ناقص و پس از  
 آن مناجات نامه نام برده موجود و مسلماً نسخه بالارا از روی  
 و اشتر نامه این نسخه نوشته اند ، برگ نخستین نسخه که شامل هشت (۸)  
 بیت از و امق و عذرا بوده بواسطه داشتن سر لوح برداشته شده ، در اول اشتر نامه

سرلوح مختصر زیبایی مییابد، اطراف صفحه نخستین فعلی و دو صفحه اول  
اشترنامه نقاشی شده، تمام برگها مجدول به اکلیل و لاجورد و پشت آخرین برگ  
این نسخه را بنام و امق و عذرا معرفی و سال ۱۲۸۴ در ذیل آن ثبت گردیده است.  
جلد میشن. کاغذ فرنگی. واقف سیه سالار. قطع ربعی. شماره اوراق (۱۸۹). صفحه ای  
(۱۵) سطر. طول (۱۵ سانتیمتر). عرض ( $9\frac{1}{4}$  سانتیمتر). شماره کتابخانه (۱۳۶).

### [ ۵۰۲ ] خمسه خواجو (فارسی)

کمال الدین ابوالعطا محمود بن علی کرمانی متخلص به خواجو (۱) (۶۸۹-  
۷۵۳) از اکابر شعرا و سخن سنجان زبان فارسی بوده و چنانکه خود در اواخر  
«گل و نوروز» معین نموده در ۲۰ ذیحجه سال ۶۸۹ (۲) در کرمان متولد شده

(۱) تاریخ گزیده که در حدود سال ۷۳۰ تألیف گردیده و بنا بر این مؤلف آن معاصر خواجو  
بوده در فصل ششم از باب پنجم (۸۱۸ چاپ عکسی) در زیر عنوان مشاهیر شعرای فارسی گوید:  
خواجو کرمانی شعر نیک دارد مذهبها را ز دود دل بر آتش ما می نالد. «تو میبندار که از باد هوا مینالد  
البح. و از آثار و حالات او چیزی بدست نداده و در هفت اقدیم (ص ۲۲۶ مدرسه) و مجالس المؤمنین  
(ص ۵۱۹-۵۲۳) و تاریخ مفصل ایران (قسمت مغول) آقای اقبال ص ۵۴۸-۵۴۹ و مقدمه  
دیوان خواجو (صنایع الکمال) و مقدمه روضه الانوار بقیم آقای حسین مسرور و شمع انجمن ص ۱۳۹  
و هفت آسمان ص ۷۶ و تذکره دولتشاه و مجمع الفصحاء ج ۲ ص ۱۵ و ریاض العارفین ص ۷۲ و  
طرائق الحقائق ج ۳ ص ۲۹۲ و فهرست کتب خطی مجلس تألیف مرحوم اعصاب ص ۲۴۷ و ۲۴۲  
مقدمه آقای سعید نفیسی بر منتخب اشعار خواجو (کوهی کرمانی سال ۱۳۰۷ ش منتشر کرده)  
و خمسه خواجو مأخذ نگارنده بوده اند.

(۲) خواجو در اواخر گل و نوروز تولد خود را چنین معین نموده:

شب روز الف از مه شده کاف	نکنده آهوی شب ناله از ناف
رسیده ماه ذوالحجه بعشرین	بسم آورده گردون خشت زرین
زهجرت ششصد و هشتاد و نه سال	سده نجاه روز از ماه سوال
من از کسبم علم برداشتم راه	سمن راز وجود شد حیرا گاه

بنابر این تصریح و اینکه در ابیات دیگر میان نویسنده آخر این - سال را مطابق ۶۱۰ ارومی  
و ۶۵۹ یزد جردی و ۲۱۲ مطابق زیج منکشاهی دانسته مسما بوالد وی - سال ۶۸۹ و در ماه  
ذیحجه بوده نه در نهم ماه شوال و سال ۶۷۹ که در فهرست ریو ثبت گردیده و مراد از نجاه  
روز از ماه سوال گذشته باقریه بیت سابق و ضرر تعبیر نیز ۲۰ ذیحجه خواهد بود. «نجم سوال»  
و بر حسب بوجه دانشمند مجتهد آقای جلال همایی استاد دانشگاه طهران این سنوات مطابق ۱۶۰۲  
رومی است و نویسندگان ۵۵ را ۵۵ نوشته اند.

(در کاهنامه طهران سال ۱۳۰۸ تألیف سید - لال الدین طهرانی در ص ۶۷ - ۸۰ در بیان  
مبدء این نواریخ شرحی سودمند نگارش یافته است).

و در آن شهر بکسب کمال اشتغال ورزیده و مدّاحی تاج الدّین عراقی (احمد بن محمد بن علی) وزیر امیر مبارالدین مظفری را نموده و مشوی «سَل و نوروز» را بنام وی ساخته و در باره وی قصائد و مدائح انشا نموده و این وزیر نسبت بوی عنایت و توجه زیاد داشته و گروهی از نویسندگان را بجمع و تدوین دیوان وی وادار کرده و مجموعه ای که شامل ۲۵۰۰ بیت (۱) گردیده از آثار او مرتب و آنرا صنایع الکمال نامیده اند و در آخر دیباچه این دیوان تذکر داده شده که آنچه پس از این طبع و قادی طراوش نماید بنام بدایع الجمال (۲) نامیده خواهد شد. در اواخر عمر خواجو بشیراز آمده و در دربار شیخ ابواسحق انجو بار یافته و بمدّاحی مشغول و کتابهای را بنام این پادشاه موشح نموده و گویند که در جشن ختّان علی سهل بن شاه ابواسحق قصیده ای گفته پادشاه طبقی پراز زر بوی بخشید از مشاهده آن نعمت فراوان در هماندم جان تسلیم نمود (۳).

خواجه حافظ از معاصرین وی بوده و در اشعار متابعت از خواجو مینموده و او را باستادی می ستوده و دیوان این دو شاعر در الفاظ و معانی و افکار بایکدگر بسیار نزدیک است.

(۱) در فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی از این دیوان و سخنی از آن که در دست میباشد مرفی خواهد شد و این شماره در مقدمه نسخه مجلس است بدانجا مراجعه گردد.  
(۲) بدین نام در آخر دیباچه دیوان اوّل خواجو (نسخه مجلس شورای ملی) تصریح گردیده ولی، در کشف الظنون نامبرده نشده، بخشی از آن در کلیات خواجو کتابخانه ملی ملک موجود و نسخه کامل آنرا ناکنون سراغ نیافته ام.

(۳) در سال مرگ این شاعر بزرگ میان تذکره نویسان اختلاف است، دولتشاه و صاحب طرائق و مجالس المؤمنین بسال ۶۴۲ نوشته اند و بطلان این قول را مسلم بودن تاریخ تألیف و انشاء منظومه های وی تأیید مینماید و هدایت در مجمع الفصحا سال ۵۰۳ و در ریاض العارفین ۸۴۲ نوشته و مرحوم اعصام و آقای اقبال و مواوی آغا احمد علی احمد در کتاب هفت آسمان (در این کتاب نوشته شده که در ریاض الشعر سال ۸۴۲ و در مرآت العالم سال ۷۴۲ وفات خواجو دانسته شده) و در شمع انجمن و فهرست ریوس ۶۲۰ ج ۲ بسال ۷۵۳ نوشته اند و ما این قول را نزدیک بصواب میدانیم و مردن وی از شادی صله زیاد در شمع انجمن مذکور است.



خواجورا نخلبند شعرا (۱) و ملك الفضلا ميگويند و آثار او كه اينك در دست ميباشد عبارت از سام نامه (۲) و كليّات (دو نسخه از آن در كتابخانه ملي ملك موجود يكي از آنها بسال ۷۵۰ در زمان حيوة خواجو نوشته شده ، مندرجات آن در فهرست مجلس نوشته ميشود) اوست .

خواجو پس از امير خسرو بتقليد نظامي پنج مثنوي ببحر هاي مختلف نظير خسه نظامي انشا نموده و هريك را بنامي ناميده و نيز بمدوح وي در هريك از كتب پنجگانه يكي از بزرگان بوده و ما يكا يك آنها را بترتيب سال انشاء در اينجا مي آوريم :

۱ - همای و همایون، اين كتاب را چنانكه خود تصريح نموده در بغداد انشا و تقريباً شامل (۳۲۰۳) بيت ميباشد و بسال ۷۳۲ (كم بذل برهر كه دارد هوس) كه تاريخ اين نامه بذل است و بس) بانجام رسيده و در مقدمه آن ابو سعيد بهادر خان و خواجه غياث الدين محمد وزير امدح گفته و در خاتمه آن از تاج الدين عراقی تشكر نموده كه اين مؤلفه را در هنگاميكه خدمت پادشاه مشرف ميشده بعرض رسانيده و در اين هنگام خواجو در كرمان بوده است .

همای و همایون بسال ۱۲۸۹ در هندوستان چاپ گرديده و آغاز آن اينست :

بنام خداوند بالا و بسمت <sup>الله</sup> كه از هستيش هست شد هر چه هست .

۲ - گل و نورو، اين كتاب را در معاشقه نورو ز يسر پادشاه خراسان با گل دختر پادشاه روم بوزن خسرو شيرين نظامي بسال ۷۴۲ (بروز جيم و از مه دال رفته) ز هجرت باو ميم و ذال رفته) انشا و بنام تاج الدين عراقی موشح کرده و در حدود (۲۶۱۵) بيت ميباشد و آغاز آن اينست :

(۱) در ص ۴۵۵ اين فهرست در اين موضوع يادداشي است ديده شود ، خواجو در غزاليكه در وصف حضرت علي بن ابيطالب عليه السلام سروده و اين بيت از آنست : ( وصي نفس محمد علي است آنكه بشيخ - جواهر از كمر تو امان فرو ريزد . ) از خود نخلبند تعبير كرده :

چون نخلبند كل مدحت شود خواجو بسا كه گل بر بانش چنان فرو ريزد .

(۲) نسخه اي از اين كتاب كه از اول و آخر ناقص ميباشد در كتابخانه مجلس شورای ملي موجود و در ص ۲۳۲ فهرست كتب خطي آنجا مرحوم اعصم شريحي در معرفتي از آن نوشته اند و گذشته از اينكه سبك آن حا كم بر اينست كه انشاء خواجو ميباشد در زير عنوان رفتن سام بشكار و ديدن يسر عم خود تخلص خواجو ديده شد و با همای و همایون نامه خواجو هر كز اشتباه نخواهد شد و در اوائل كتاب كه ميخواهد شروع بمطلب نمايد كويد :

نه اكنون كه دور سبهری گذشت سه ده سال از عمر من در نوشت .

بنابر اين نظم اين كتاب بسال ۷۱۹ بوده است .

بنام نقش بند صفحه خاك عذار افروز مه رويان افلاك

۳ - روضة الانوار، برابر غزن الاسرار در بيست مقاله مرتب گردیده و شامل مطالبی عرفانی میباشد، بنام شمس الدين محمد بن صائين وزير شاه شيخ ابواسحق بسال ۷۴۳ برشته نظم کشيده شده و در تاريخ وی گوید: جيم زيادت شده برميم و ذال ۲۲۰۰ و آمده چون عين منعل هلال. بسال ۱۳۰۶ خورشیدی در طهران چاپ شده و در حدود (۲۲۰۰) بيت میباشد و آغاز آن اينست:

زينت الروضة في الاول باسـم اله الصمد المفضل.

۴ - کمال نامه، نیز مشنوی عرفانی و نظير هفت پيکر نظامی انشا و بنام شاه شيخ ابواسحق موشح گردیده و در تاريخ او گوید: شد بتاريخ هفتصد و چل و چار کار اين نقش آذری چونگار. و در حدود (۱۸۷۹) بيت میباشد و آغاز آن اينست:

بسم من لا اله الا الله صيغ لفظی وزين معناه

۵ - گهر نامه، اين کتاب اصولاً بوزن مشنوی میباشد ولی در آت غزلهايی را مندرج و بنام بهاء الدين وزير (محمود بن عز الدين يوسف) که از نواده های خواجه نظام الملک طوسی بوده موشح ساخته و بیشتر مطالب آن در مدح اجداد بهاء الدين مذکور میباشد و در تاريخ انجام آن گوید:

مه تير و ز مه يك نيم رفته ز هجرت ذال و واو و ميم رفته

(۷۴۶) و شماره ايات آن را موافق اسم نظام الملک باستثنای حرف نون و لام (۱۰۳۱) دانسته

حسابی از نظام الملک بر ساز و زآن مجموع لام و نون بينداز

و بر حسب شماره دقيق نگارنده نسخه ذيل (۱۰۰۹) بيت میباشد و آغاز آن اينست:

بنام نام دار نام داران گدای در گه او شهر ياران

خواجو در یکی از مسافرتها خدمت شيخ علاء الدوله سمنانی متوفی بسال ۷۳۶

رسیده و در تحت تربيت ایشان در آمده و از آنوقت اثر عرفان در آثارش پديدار

گشته و روح دیگری یافته است.

نمسه خواجواز کتابهای پربها و دارای وقع و اهميت میباشد و در حدود (۱۰۹۰۶)

بيت شعر میباشد و جز همای و همایون و روضة الانوار آن، تا کنون چاپ نگردیده

و ترتیب آن بر حسب سال انشاء چنانستکه بالای این سطرها آوردیم ولی نسخه های  
خمس را که نگارنده دیده ، هر يك بطرزی جز این ترتیب منظم گردیده اند .

( ۱۱۳۹ )

**خمس** این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب مرشد کاتب شیرازی  
بسال ۹۵۳ نوشته ، دو صفحه نخستین که شامل چند بیت از  
**خواجوی کرمانی** روضه الانوار میباشد طلاً اندازی و نقاشی زیبایی گردیده ،  
چهار سر لوح ظریف که هر يك بطرزی خاص ترسیم گردیده در ابتدای کتابهای  
دیگر خمس میباشد و ترتیب این نسخه اینست : ۱ - روضه الانوار . ۲ - کهر نامه .  
۳ - کمال نامه . ۴ - همای و همایون . ۵ - کل و نوروز .

عناوین مطالب بالا جور و صفحات جدول بطل و لاجورد میباشد و مهر اسمی  
که در چند جای نسخه بوده نحو گردیده و پشت صفحه نخستین یادداشت  
اعتضاد السلطنة مبنی بر اسامی کتابهای خمس و دخول آن در کتابخانه ایشان ثبت  
گردیده است .

جلد نیاجی نیم ضربی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۲۲۶ )  
صفحه ای ( ۱۷ ) سطر . طول ( ۲۸ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۷ - ۱۰ سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۴۱۵ )

[ ۵۰۳ ] **خمس دهلوی ( امیر خسرو ) ( فارسی )**

### [ هشت بهشت ]

امیر خسرو دهلوی بنابر تصریح در تاریخ فرشته نام وی ابوالحسن بوده ولی  
تا حدیکه نگارنده آثار ویرام مطالعه نموده ، تصریح بدین نام از خود وی نیافته ام ،  
پدر او امیر سیف الدین محمود از امیرزاده های هزاره بلخ میباشد ، در فتنه مغول  
بهند رفته و در آنجا نیز مقام امارت و ریاست یافته و امیر خسرو در قصبه مؤمن آباد  
هند که به بیتالی شهرت یافته بسال ۶۵۱ (۱) متولد شده و تا هفت سال در دامن پدر

(۱) در تذکرة دولتشاه سمرقندی است که سال عمر او معلوم نیست ولی در تاریخ فرشته گوید هفتاد و  
چهار سال عمر نموده بنا بر این بسال ۶۵۱ متولد شده و در تأیید این قول خود امیر خسرو در  
دیباچه غرة الکمال گوید : بناریخ سه خمس و نمانین و سمانه که سی و چهار ساله بودم الخ . و نیز  
در آینه اسکندری که بنص خود وی بسال ۶۹۹ کفنه شده گوید :

به پنجاه نزدیکم آمد جهان      هنوزم نشد تو به زین تر جهان .

تریت گردیده و چنانکه در دیباچه غرة الکمال یاد آور شده در این سن از این نعمت محروم شده است .

پس از پدر برادران وی تاج الدین زاهد و علاء الدین علی شاه در تربیت تعلیم وی کوشیده و او را تربیت علمی و عملی کردند در دیباچه غرة الکمال (ص ۷۰-۸۰ نسخه کتابخانه) که سومین دیوان این شاعر است اطلاعات سودمندی از تاریخ حیوة و زندگی امیر خسرو و سلاطین معاصر و ممدوح وی و استادان و مربیان او دیده میشود و چنانکه در تمام مآخذ ثبت گردید بسال ۷۲۵ در شب جمعه ۲۹ ذی قعدة الحرام که ششماه پس از مرگ مراد و مرشد وی نظام الدین اولیا باشد بسرای جاودانی شتافته و در جوار نظام الدین اولیا دفن گردید .

این شاعر در تمام آثار خود خسرو تخلص دارد ، گویند روزی بحضرت نظام اولیا عرضه داشت که خسرو نام بزرگانست خوش ندارم در آن سرا بدین نام نامیده شوم ، نامیکه صلاح میدانید بر این بنده گذارید ایشان هم وعده دادند که در هنگام مناسبی نامی تقاضا میکنم . پس از چندی ویرا محمد کاسه نمیس خطاب فرمود و از آن از امیر خسرو برمی آید که مراد او را **قرئ الله** نیز خطاب کرده و به این عنایت افتخار دارد .

امیر خسرو باشیخ سعدی معاصر بوده و شیخ آذری نوشته که شیخ در پیری برای دیدار امیر خسرو بهند رفته و از آثار امیر برمی آید که ویرا بسعدی اعتقادی تمام بوده ، در قرآن سعدین گوید : نوبت سعدی که مبادا کهن **شرم** نداری که بگوئی سخن . و در جای دیگر گوید : خسرو سرمست اندر عاشقی معنی بر یخت **شیر** شیر از خنخاه مستی که در شیراز بود . و نیز از اوست : جلد سخنم دارد شیراز شیرازی .

گویند امیر خسرو نودونه کتاب تألیف نموده و از وی نقل کرده اند که اشعار او از پانصد هزار کمتر و از چهارصد هزار بیشتر است ، سلطان سعید بایسنقر متوفی بسال ۸۳۸ (ص ۱۳۱ جزء سیم از جلد سیم حبیب السیر) را ارادتی زیاد نسبت باین شاعر بوده و خمه او را بر نظامی ترجیح میداده ، چنانکه **الغ یلک** متولد بسال ۷۹۶ و متوفی بسال ۸۵۳ (ص ۱۵۱ جزء سیم از جلد سیم حبیب السیر) را عقیده ای کامل نسبت به نظامی بوده و میان این دو بر سر این دو عقیده همواره مشاجره بوده و بهمین مناسبت بایسنقر بجمع اشعار امیر پرداخته و یکصد و بیست هزار بیت

جمع کرده پس از آن دوهزار بیت از غزلیات خسرو را درجائی یافتند که در دیوانهای وی نبود، از آن پس دانستند که جمع آوردن اشعار او متعذر است.

امیر خسرو پنج دیوان برای خود مرتب نموده و از همه آنها هم انتخابی کرده و مجلّدی ساخته، در همین فصل زیر عنوان دیوان امیر خسرو از آنها معرفی خواهد شد و آثار دیگر وی عبارتند از: تاریخ دهلی، خزائن الفتوح (در تاریخ سلطان علاءالدین محمد شاه خلجی (۶۹۵-۷۱۰) از سال جلوس تا سال ۷۱۱ و آنرا «تاریخ علائی» نیز گویند)، قانون استیفا، رساله در موسیقی و پنج رساله بنام اعجاز خسروی که بسال ۱۸۷۶ م در دو مجلد در هند چاپ گردیده و همه اینها بشر میباشند و آثار منظوم او عبارتند از: خمسه بتقلید نظامی، قران سعدین (در همین فصل آنرا معرفی خواهیم نمود)، نه سپهر (در فهرست کتب خطی مجلس ج ۱ ص ۲۶۸ معرفی شده)، تعلق نامه (در سه هزار بیت)، عشقیه یا عشیقه (در چهار هزار بیت و مسلماً غیر از قران سعدین میباشد و در کتابخانه آصفیه موجود است ص ۱۴۸۸ ج ۲)، اشک و آه (مثنوی است و در آصفیه موجود است ص ۱۴۸۶ ج ۲)، دول رانی خضر خانی (در فهرست مجلس معرفی میشود)، لالی عمان موسوم به جواهر خسروی بن بان اردو میباشد و بسال ۱۳۳۶ چاپ شده (ص ۶۳۶ ج ۳ فهرست آصفیه) و غیر از اینها.

در اینجا بترتیب سال انشاء هر يك از کتابهای پنجگانه این خمسه را معرفی مینمائیم:

۱ - مطلع الانوار، این کتاب را نظایر غزن الاسرار در بیست مقاله تنظیم نموده و خود شماره ایات آنرا ۳۳۱۰ و انشاء را بسال ۶۹۷ معین نموده و مولوی محمد ابوالحسن که از ادباء اوائل قرن چهاردهم هجری در هندوستان بوده شرح و حاشیه‌ای در توضیح مطالب کتاب نوشته و با این حواشی بسال ۱۳۰۲ در هند چاپ گردیده است.

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم ۱ خطبه قدس است بملك قدیم.

۲ - شیرین و خسرو، در مقابل خسرو شیرین نظامی است و دومین مثنوی

امیر خسرو میباشد و شماره ایات آنرا در آخر کتاب ۴۱۲۴ و سال انشاء آنرا ۶۹۸ معین نمود.

آغاز: خداوندا دلم را چشم بگشای ✽ به معراج یقینم راه بنمای.  
 ۳ - بحنون و لیلی، این مثنوی را در داستان بحنون و لیلی انشاء و نام آنرا چنانکه خود گفته بعکس اول (یعنی لیلی بحنون نظامی) گذارده (نامش که زغیب شده سلسل ✽ بحنون لیلی بعکس اول) و شماره ایات آنرا در آخر کتاب ۲۶۶۰ و سال انشاء را ۶۹۸ ثبت نموده و در فهرست ریو تذکر داده شده که بسال ۱۲۴۴ در کلکته و بسال ۱۲۸۶ در لکنهاو چاپ شده است.

آغاز: ای داده بدل خزینۀ راز ✽ عقل از تو شده خزینۀ پرداز.  
 ۴ - آئینه اسکندری، این مثنوی را چون اسکندر نامه نظامی ساخته و شماره ایات آنرا خود در آخر تصریح نموده و بر حسب شماره دقیقیکه این نگارنده نموده ۴۲۳۵ بیت میباشد و بر حسب تصریح خود مؤلف بسال ۶۹۹ انشاء آن خاتمه یافته است.

آغاز: جهان پادشاه خدائی تراست ✽ ازل تا ابد پادشاهی تراست.  
 ۵ - هشت بهشت، این کتاب را امیر خسرو در اوصاف بهرام گور برابر هفت گنبد نظامی ساخته و نیز بر حسب تصریح خود وی در آخر کتاب بسال ۷۰۱ انشاء آن بآخ رسیده و شماره ایات آن ۳۳۵۰ میباشد و پس از حمد و ثنای آلهی و نعت حضرت رسالت پناهی صم بمدح نظام اولیا و بعد از آن بمدح علاء الدین محمد شاه پرداخته است.

آغاز: ای گشاینده خزائن جود ✽ نقش پیوند کارگاه وجود.  
 امیر خسرو در اواخر این کتاب که مثنوی پنجم وی میباشد گوید:  
 شکر حق را که از خزانه غیب ریخت چندان جواهرم از جیب  
 که از آن نقد قیمتی بسه سال کردم این پنج گنج مالا مال.  
 چنانکه دیدیم مطلع الانوار را بسال ۶۹۷ و هشت بهشت را بسال ۷۰۱ بآخ رسانیده و با تصریح باینکه در سه سال این خمسه را ببایان رسانیده جمع میان این

دوقول اینستکه در آخر سال ۹۷ شروع و اول سال ۷۰۱ با آخر رسانده و سه سال میان این دو سال را مشغول نظم این پنج کتاب بوده و بنا بر محاسبه بالا تمام آن ۱۷۵۷۹ بیت میباشد.

(۱۱۴۰)

**هشت بهشت** این نسخه را یکی از اساتید خط نستعلیق نوشته ، از خود و سال نگارش نام نبرده ، ظاهر آ در اواخر قرن دهم نگاشته شده، دارای يك سر لوح زیبا و هفت مجلس نقاشی ظریف چینی میباشد، تمام صفحات متن و حاشیه و اوراق حاشیه برنگهای مختلف و زرافشان و برگها جدول بطلا و غیره و عناوین مطالب بر قسمتهائی که از طلا پوشیده شده با سفیداب نگارش یافته، بسال ۱۲۷۰ بنام « بهرامیه امیر خسرو دهلوی » داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و پشت برگ نخستین که نیز وقفنامه آن نگارش یافته یادداشت شده ، در اینجا و بر برگیکه پیش از آنست یادداشت هائی بوده محو کرده اند ، چند جای نسخه در اثر آب دهان ضایع و مرکب سطرهای دو صفحه اوّل آن بخودی خود محو شده و آثار کمی از آن مانده و با وجود این از نسخ بسیار نفیس شمرده میشود.

جلد تیماجی مذهب . کاغذ متن خان بالغ حواشی الوان رنگی . واقف سبسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۱۲۶) . صفحه ای (۱۳) سطر . طول ( ۲۵ ۱/۲ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۷ سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۲۷۴ ) .

[ ۵۰۴ ] **خمسه فیضی - نلدمن و مرگزادوار** (فارسی)

ابوالفیض بن شیخ مبارک ناگوری از شعرای نامدار و دانشمندان و لاتبار میباشد، چنانکه خود در اواخر نلدمن گوید (۱) بسال ۹۵۴ متولد شده و پیش پدر چندسالی درس خوانده و بشهادت آثار وی و نگارش تذکره نویسان در علوم تفسیر و لغت و ریاضی و طب و تاریخ و معما و عروض و قافیه و خط و انشاء و غیره (۲) مهارت

(۱) شد مهدمن این بلند طارم : در نصد و پنجه چهارم .

(۲) نیز در اواخر نلدمن گوید : از درك ریاضی و طبیعی : شد طبع حذیقہ ربیعی :  
نه طاق رصد نظاره کردم : تقویم و مه ستاره کردم : خط بصرم بظل ممدود :  
نه دائره راست قصر و صعود : در هفت مطب نشست دارم : تشریح ناک بدست دارم :  
سبابه کلکم از خط ژرف : شد نبض شناس معنی حرف .

یافته و بسال ۹۷۴ ملك الشعرای اکبر شاه گردیده و گذشته از این مقام، مرتبه امیری یافته و خود در اواخر نلدن گوید: (هم با امران نظیر گشتم \* هم بر شعرای امیر گشتم). و چنانکه از خاتمه مرکز ادوار که برادر فیضی ابوالفضل مؤلف تاریخ اکبری نوشته و نگارش بدوانی که نیز با وی معاصر و نسبت بوی بی عقیده بوده و نیز از ضبط دیگران بدست می آید در دهم صفر سال ۱۰۰۴ جهانرا بدرد گفته است.

در هفت آسمان مؤلفه بسال ۱۲۸۵ در کلکته، مؤلف آن، احمد علی احمد، گوید صدویک کتاب تألیف کرد. نگارنده تا کنون جز سواطع الالهام (۱) که تفسیر بی نقطه بر تمام قرآن کریم میباشد و راستی مؤلف قدرت ادبی و اطلاع کامل خود را بر لغت و توانائی زیاد بر انشاء را بواسطه تألیف آن نشان داده و موارد الکلام که نیز بزبان عربی و از حروف بی نقطه ترکیب یافته و لیلادقی (۲) و دیوان شعر (۳) و دو ترجمه فارسی از دو متن هندی (۴) و این دو قسمت از خسه ای که بتقلید نظامی انشاء نموده بر نام مؤلفات وی دست نیافته ام.

(۱) بسال ۱۳۰۶ در هندوستان چاپ گردیده و نسخه آن در مجلس شورای ملی موجود است.  
(۲) درس ۸۲۰ ج ۱ فهرست آصفیه در ذیل کتب ریاضی فارسی این کتاب نام برده شده و گوید بسال ۱۲۷۱ چاپ شده است.

(۳) از دیباجة دیوان فیضی که خود وی نگاشته و نسخه ای از آن در اوائل مجموعه خطی شماره ۶۲۱ کتابخانه مجلس موجود و بسال ۱۰۸۶ نگارش یافته بدست می آید که این دیوان از منتخبی از اقسام اشعار تشکیل یافته و نه هزار و کسری بیت میباشد و ازقرینه نسخه ای که در کتابخانه موزه برینانیا موجود و شرح آن در ص ۶۷۰ و ۶۷۱ ج ۲ فهرست ریو نگاشته شده و شامل قصائد و ماده تاریخها و ترکیب بند و غزلها و قطعات و رباعیها و بلندمن و مرکز ادوار و غیره میباشد و در هفت آسمان بنقل از بدوانی اسکه دیوان و مثنوی او از بیست هزار بیت زباده است و نیز از خاتمه مرکز ادوار که بقلم برادر فیضی (ابوالفضل) میباشد نقل نموده که از شعر بیشین پنجاه هزار بیت از صفحه هستی سترده و بسال چهل و دوم آلهی (چنانکه در تاریخ اکبری مفصلاً نگاشته شده سال جلوس اکبر شاه که نزدیک نور دین ماه بوده مبداء تاریخی بنام آلهی قرار داده شده و چهل و دومین سال آلهی مطابق سال ۱۰۰۶ هجری است) این برادر بر آن شده که برادرزادگان خویش را در یکجا گرد آورد و پنجاه هزار بیت از نثر و نظم وی جمع گردید (در ص ۲۹۴ ج ۲ فهرست آصفیه نسخه ای جایی از دیوان فیضی نشان داده شده و در ص ۳۰۲ نسخه ای بنام کلیات فیضی که بسال ۱۰۳۴ نوشته شده و در ص ۷۳۰ ج ۱ آن فهرست، غزلیات فیضی که بسال ۱۲۱۷ نوشته شده و در ص ۷۴۸ ج ۱ نسخه ای بنام «متفرق اشعار فیضی» که نیز بسال ۱۲۱۷ نوشته شده، نشان داده شده است).

(۴) در تذکره علماء هند نیز نام این دو کتاب برده شده است.



ابوالفیض در آغاز شاعری فیضی تخلص میکرد و ولی در اواخر تخلص خود را  
فیاضی قرار داده (۱) و در پایان نلدن خود بدین موضوع تصریح نموده :

زین پیش که سکه ام سخن بود      فیضی رقم نگین من بود  
اکنون که شدم بعشق مرتاض      فیاضیم از محیط فیاض .  
از مطالعه اشعار فیضی و نگارش مورخین و تذکرة نویسان معلوم شد که اکبر شاه  
در سال ۹۹۳ ویرا بنظم خمسة ای بسبك نظامی مأمور فرمود وی از همان هنگام  
شروع در طرح ریزی هر پنج کتاب نمود و از هر يك بخشی انشا کرد و آنها را :  
مرکزادوار، سلیمان و بلقیس، نلدن، هفت کشور و اکبر نامه (بدین ترتیب موافق  
پنج گنج نظامی) نام گذارد ولی تا سال ۱۰۰۳ هیچیک از آنها بانجام نرسید در این سال امر  
اکید بر انجام آن صادر و مقرر گردید که اول نلدن را که از داستانهای قدیم هندی  
و عشق بازی فل نام با دهن را شامل است بآخر رساند وی امثال امر نمود و در مدت  
چهار ماه این کتاب را در ۴۲۰ بیت بانجام رسانید و خود در تاریخ انجام آن گوید :  
این جاو هزار گوهر ناب      کانگیخته ام با آتشین آب      پذیر که آب گوهر تست      \*  
از بهر نثار افسر تست      گر بدیشتی نثار کردم      نی کسر در او شمار کردم      \*  
سی و نهم از جلوس شاهی      تاریخ مجدد الهی      چون سال عرب شمار کردم      \*  
الف و سه الف نگار کردم      اکنون که جل و نهم درین دیر      \*  
هفتاد و دو (سه) شعبه کرده ام سیر .

درص ۱۴۹۲ ج ۲ فهرست آصفیه ثبت گردیده که نلدن چاپ گردیده است .

آغاز : بسمله ای در لك و پوی توز آغاز      عنقای نظر بلند پسرواز .

(۱) تاریخ این تغییر تخلص مسلمانان معلوم نیست در هفت آسمان از مرآت العالم و دیوانی نقل نموده که  
سالها فیضی تخلص میکرد و در اواخر فیاضی تخلص نمود ولی سارکار نیامد و بعد از يك دوماه  
رخت حیات از این عالم بر بست و این قول گذشته از اینکه گوینده آن دیوانی معاصر وی بوده  
قرینه دیگر دارد که امین احمد راری در هفت اقلیم که سال ۱۰۰۲ تألیف گردیده فقط او را فیضی  
نامیده است و نیز در هفت آسمان از مرآت العالم نقل شده : در آخر بواسطه موافقت وزن کلمه  
علامی که خطاب شیخ ابوالفضل برادرش بود فیاضی تخلص کرد .

در هنگام مرأه بدیوان فیضی یا فیاضی نگارنده بدین دو بیت بر خورد :

شنیدم درخراسان فیضی بود      که کفنی بلبل این بوستانم      اگر او بود بلبل درخراسان      \*  
کنون من طوطی هندوستانم .      بدین دلیل علت تغییر دادن تخلص را این اشتراک میدانند و بنابراین  
در سال ۱۰۰۳ که نلدن را بآخر رسانیده این تغییر را هم داده است .

۲ - مرکز ادوار چنانکه دانستیم فیضی بدواً بنظم این کتاب شروع کرده ولی حسب الامر نلدمن را پیش از آن باخر رسانیده و ظاهرآ این کتاب را تمام نکرده عمرش تمام گشت و برادر وی در تاریخ اکبری تصریح نموده که مأثور بود مرکز ادوار را در سه هزار بیت بانجام رساند ، نسخه ای که از این کتاب در دست نگارنده است در حدود (۱۴۶۲) بیت دارد و در زیر عنوان : **پیرایه آغاز گوید :**

چون شود این پنج گهر تابناک غوطه خورد پنجه قلزم بخواک  
آنکه چنین جنبش پرکار داد نام و را مرکز ادوار داد .  
و ریو دویست زیرین را که سال تألیف و عمر ناظم را میرساند از این کتاب نقل نموده :

این می بیخش که کشیدم بغور دور نخستین بود از پنج دور  
شوق کزین نامه پروبال داشت عقل کمال بچهل سال داشت .

**آغاز :** بسم الله الرحمن الرحیم ☆ گنج ازل راست طلسم قدیم (۱)  
باتفحص وجستجو از سه کتاب دیگر این خسته آثاری بدست نیاوردم قطعاً  
در کلیات فیضی که نشان داده شد بخشهایی از آنها را خواهیم یافت .

معاصرین فیضی باوی میانه خوبی نداشته و بدینجهت او را بی دین معرفی کرده و ماده تاریخهای بدی برای مرگ او ساخته اند ولی از مراجعه بتفسیر فیضی و مطالعه این دو مثنوی و قسمتی از دیوان وی و دیباچه آن که در دست نگارنده است جز فصل و دانش و طبع روان نقضی در او نمی یابم و از این آثار اگر

اَنْ اَثَارَنَا تَدُلُّ عَلَیْنَا ☆ فَانْظُرُوا بَعْدَنَا اِلَى الْاَثَارِ

درست باشد اعتقاد وی بمبدء و معاد ظاهر و بی عقیدگی از آن بر نمی آید .

(۱) فیضی دیباچه دیوان خود را به سه بیت از مرکز ادوار افتتاح نموده و بس از آن گوید :  
وصلی الله علیه وآله و عترته و مدارج مرقات علمه و جواهر مرادات فطرت این ذره چند نیست از ریک  
بیابان خیال که سراب جهان معنیست چون بادیه بیمایان نشنه لب و آبله بایان . . . . . سبحان الله  
کجا پایه من هندوستانی با انهمه کج معج زبانی لاف بهلوانی و بهلوی دانی هانا سحر جادو کران  
هند تواند . . . و این رطب و یابس که بر طبق عرض نهاده ام نه هزار و کسریست نمونه ای از  
اقسام شعر من الخ .

علاقه مندی فیضی را به سگ بعضی از تذکره نویسان تذکر داده اند ( این هم که امروز می بینیم از علائق و آثار تجدید است و تنگی ندارد ) و گویند روزی عرفی شاعر شیرازی بر فیضی وارد شد دید سگ بچگانی چند در اطراف وی گرد آمده اند از روی شوخی گفت : **مخدوم زادگان چه نام دارند** . فیضی جواب داد : **عرفی** . عرفی گفت : **مبارک باشد** . و این جواب با بودن مبارک نام پدر فیضی لطفی دارد و این بیانات عرفی موجب تألم فیضی گردید .

(۱۱۴۱)

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده ، ظاهراً نویسنده هندی و در اوائل قرن یازدهم هجری نگاشته شده ، یادداشت هائی بسال ۱۱۶۲ و ۱۱۷۱ و نلدن و مرگ زادوار ۱۱۷۲ پشت هر يك از بخشهای آن دیده میشود ، پیش از این دو مثنوی ، بخشی از قطعات و ماده تاریخ ها و رباعیات فیضی میباشد که زیر عنوان **دیوان فیضی** معرفی خواهد شد .

جلد تیماج . کاغذ دولت آبادی . واقف سبسالار . قطع ربعی . شماره اوراق کلیه ( ۲۱۲ ) این دو نسخه ( ۱۶۳ ) . صفحه ای ( ۱۷ ) سطر . طول (  $18\frac{1}{4}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۱۰ سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۳۲۰ ) .

### [ ۵۰۵ ] **خمسّه نظامی** (فارسی)

این کتاب **که** چون ناظم آن در کمال شهرت میباشد از آثار بزرگ استاد عالم مقام امام و پیدشوی مثنوی گوین نظامی گنجوی است (۱) ( ابو محمد (۲)

(۱) گویند نظامی گنجوی اصلاً از قریه تا از توابع نفرش از محال قم میباشد و ایانی در این باب در برخی از نسخ خطی و جابی نظامی دیده میشود و شهرت وی به کتبه است ، بعضی تصور کرده اند که لقب وی نظام الدین بوده و به همین مناسبت نظامی تغلق می گرفته ولی نگارنده دلیلی بر این مدعی از ابیات **خمسّه** نیافت و حاجی خلیفه درس ۴۷۵ ج ۲ لقب وی را جمال الدین معین نموده و در این باب منفرد است .

(۲) ابیاتی چند دال بر اینکه نظامی فرزندی بنام محمد داشته در **خمسّه** موجود و نزدیکترین کس که او را ابو محمد نظامی معرفی نموده قزوینی در آثار البلاذری که سال ۶۷۴ تألیف گردیده و در ( بقیه - حاشیه ۲ و ۳ در صفحه ۵۲۵ )

ویس (۱) بن یوسف (۲) بن زکی (۳) بن مؤید مطنزی (که از شعر او حکمای نیمه دوم قرن ششم هجری بوده و مسلماً پس از سال ۶۰۷ (۴) وفات یافته و در فن مثنوی کس بیایه

(بقیه حاشیه از صفحه ۵۲۴)

ذیل **جنزه** که معرب گنجه میباشد (در اقلیم پنجم ص ۳۰۴ نسخه خطی این کتابخانه) فقط ویرا بدین نام نامیده و ستوده است.

(۱) نظامی خود در لیلی مجنون در آخر مدح و ستایش شروانشاه (ص ۳۵ چاپ آقای وحید) گوید:

یا رب تو مرا که **ویس** نامم      در عشق محمدی تمام  
زان شه که محمدی جالست      روزیم کن آنچه در خیالست

و در چند نسخه **کاویس** نامیم نوشته شده ولی در نسخ کهنه که **ویس** نوشته شده و جای تعجب است که دانشمند محترم آقای وحید هم **کاویس** ضبط کرده اند و در حاشیه نوشته اند « یعنی من که در عشق محمد اویس وار مشهور شده ام » اگر با دقت نظر کنیم خواهیم دید که بیان ایشان اجتهاد مقابل نص است و نظامی صریحاً گفته نامم ویس است اگر میخواست بگوید مانند اویس عشق دارم کسیکه اینگونه مطالب دقیق و رقیق را برشته نظم کشیده توانا بود این معنی را هم بدان گونه بیان کنند که معنی دیگر از آن استفاده نشود.

**نظامی** در تذکره دولتشاه سمرقندی نظام الدین ابو محمد بن یوسف (در ص ۱۲۸ چاپ اروپا: ابی یوسف) میباشد ولی در نسخه خطی کتابخانه یوسف است) بن مؤید و دکتر اسپرنگر نظام الدین احمد بن یوسف و در کشف الظنون جلال الدین یوسف بن مؤید و هدایت ابو محمد احمد الیاس بن ابی یوسف بن مؤید و آقای تربیت ابو محمد نظام الدین الیاس بن یوسف بن مؤید معرفی گردیده و در اشعار نظامی اشاره ای بنام **الیاس** نیز شده است.

(۲) نظامی خود در لیلی مجنون (ص ۴۸ چاپ وحید) گوید:

گر شد پدرم به نسبت (سنت) جد      یوسف پسر زکی مؤید

بنا بر این پدر وی یوسف و پدر پدر او زکی نام داشته و از این بیت استفاده میشود که **یوسف** بنام جد خود یعنی **مقیله** معروف بوده، چنانکه ابن سینا، شیخ الرئیس بنام جدش **سینیا** به ابو علی **ابن سینیا** مشهور گردیده و نظائر بسیار دارد، پس باید کلمه را نسبت خواند و سنت نسخه بدل معنی ندارد.

(۳) از تاریخ انشاء و نظم چند کتاب از خمه که مسلماً آن نواربخ از خود نظامی میباشد و قرائن حاکم است که الحاقی نیست و ما آنها را نقل میکنیم و دانستن زمان ممدوحین وی در این کتاب زمان و عصر او بخوبی واضح و هویداست.

(۴) قزوینی در آثار البلاد و وفات نظامی را در حدود ۵۹۰ نوشته و دولتشاه سمرقندی در تذکره خود بسال ۵۷۶ و هدایت نیز سرگ نظامی را در همین تاریخ نوشته و مؤلف هفت آسمان از تقی الدین کاشی سال ۶۰۶ و از خبر الواصلین سال ۶۰۲ را وفات نظامی نقل نموده و حاجی خلیفه در ص ۵۲۴ ج ۱ بسال ۵۷۶ و در ص ۴۶۲ و ۴۷۵ ج ۱ بسال ۵۹۶ و در ص ۲۰۳ ج ۱ ظنون بسال ۵۹۹ نوشته و آقای تربیت در دانشمندان آذربایجان (ص ۳۸۱-۳۸۵) بنقل از نتایج الافکار و صبح صادق وفات نظامی را بسال ۶۰۲ نوشته اند.

بطالان وفات نظامی بیش از سال ۵۷۹ را تاریخ انشاء مثنویات وی که در برخی مسلماً

(بقیه حاشیه در صفحه ۵۲۶)

وی نرسیده و او را در تشبیه و استعاره و تمثیل و خلق الفاظ و معانی دست بزرگی است.

(بقیه حاشیه از صفحه ۵۲۵)

خود نظامی بدانها تصریح نموده و بعضی هم از تاریخ وزمان مدح و تحسین وی بدست می آید ، بخوبی واضح و محتاج باقامه دلیل و برهان نیست و نیز بطلان تعیین سال ۶۰۲ و ۶۰۶ را هم انشاء اقبال نامه وی که بنام عزالدین مسعود پادشاه موصل انشاء گردیده ثابت میکند [در اقبال نامه است :

سر سر فرازان و گردنکشان      ملک عزدین قاهر شه نشان  
طرف دار موصل بفرزانشکی      قدیر خان شاهان بفرزانشکی

و در آخر کتاب گوید :

جو نام شش نام مسعود باد      وزین داستان شاه محمود باد

و بنا بر ضبط در شنزرات الذهب ( ج ۵ ص ۶۲ ) عزالدین ابوالفتح مسعود بن سلطان نورالدین ارسلان شاه بن مسعود صاحب موصل بسال ۵۹۰ م ولاد شد و پس از پدر در ۱۷ سالگی بسلطنت رسید و گویند در ربیع الاول سال ۶۱۵ وفات یافت و چون پادشاهی عادل و خوش قیافه و سخی بود مراک و وی بر رعیت کمران آمد .

و در این کتاب اشاره به کشته شدن نورالدین ارسلان نموده ( در ابتداء اقبال نامه است :  
چو شاه ارسلان رفت و در خون بخت      سخن خون توان اندرین حال گفت  
بطغرای دولت جو طغرل تکین      ابوالفتح مسعود بسن نور دین)  
و میدانیم این پادشاه بسال ۶۰۷ کشته شده ، بنابراین انشاء اقبال نامه میان سال ۶۰۷ و ۶۱۵ بوده و شاید در میان هفت دو سال نظامی نیز وفات یافته باشد .  
در اواخر اقبال نامه است :

بشمت آمد اندازه ضار من      بکشت از خود اندازه حال من

بنابر این ناظم ۶۰ ساله بوده که این کتاب را بآخر رسانیده و در تمام نسخ خطی و چاپی چند صفحه بیش از این بیت در زیر عنوان انجامش ناز نظامی این چند بیت میباشد :  
نظامی چو این داستان شد تمام      بعزم شدن تیر برداست کلام  
نه بس روز کاری برین برگذشت      که ناربغ عمره ورق در نوشت  
فزون شش آمد ز شصت و سه سال      که بر عزم ره بر دهل رد دوال

و چون بیت بالا که در آخر نسخه است صریح در شصت سالگی شاعر میباشد و بطرز انشاء چند بیت بیش حاکی است که از دیگری میباشد و خواننده وفات شاعر را در نیمه سال شصت و چهارمین معین نماید نگارنده تصور میکند که این چند بیت از دیگری است و از خود نظامی نیست و صاحب هفت آسمان عمر نظامی را از دگر اسپر بکر شصت و سه سال و شش ماه و از مباح الواریخ ۸۴ سال نقل کرده است .

از اینکه در اوائل شرح نامه ( ص ۳۶ حاد وحید ) که بر حسب ضبط در بعضی از نسخ خطی و چاپی بسال ۵۹۷ انشاء گردیده گوید :

جو تاریخ پنجه برآمد بسال      دگر گونه شد بر شتابنده حال

و در اقبال نامه خود را شصت ساله معرفی نموده ، معلوم میشود که انشاء این کتاب اخیر بسال ۶۰۷ بوده و اگر وفات او را در شصت و سه سال و شش ماه ای بدانیم وفات او بسال ۶۱۱ خواهد بود و تولد او بسال ۵۴۷ بوده است .

معرفی از چنین دانشمندی درخور هر کس نیست، بهتر آنست در اینجا شرحیکه عوفی معاصر وی چند سالی پس از این حکیم سخنور در لباب‌الالباب (ص ۳۹۶ ج ۲ چاپ اروپا) نوشته عیناً نقل نماییم:

« نظامی گنجیه که گنج فضائل را بدست بیان بریاشید و خزانه لطائف را برفق جهان‌بان تشار کرد ابرار لطائفی که وراء استار مخزن اسرار و متواری اند اگر رخ نمانند دلهاء عشاق بر بایند و تنگ چشمان معانی که در تر کستان نظم مجنون و لیلی اندا گرفته از رخ بر اندازند عقول عقلاء روزگار را شکار کنند چون در شیرین سخنی بر سر پر فضل خسرو بود قصه خسرو و شیرین چنان نظم کرد که روان عنصری تلخ کام شد و چون مالک مالک بلاغت بود قصه سکندر چون آئینه در چشم سامعان نمود خطبه و سکه فضائش (کذا و الظاهر فضائل) بنام او ختم شد و جز این مثنویات از وی شعر کم روایت کرده اند (۱) در نيسابور از بزرگی شنیدم که از وی نقل کرد الخ . (پس ازین ۱۵ بیت شعر از نظامی نقل نموده و از سال تولد و مرگ وی نامی نبرده و چنانکه دیده میشود گویا از کتاب هفت پیکر وی پی خبر بوده که در شرح بالا اشاره‌ای بدان نکرده در صورتیکه چهار مثنوی دیگر او اشاره‌ای کرده است).

چنانکه زیر این سطرها نگارش خواهد یافت هر يك از این کتابهای پنجگانه را که سالها (۲) پس از مرگ نظامی از یکد گردور و جدا بود و اینک برادر وار پهلوی یکد گرد قرار گرفته و بنام «خمس» نامیده شده، بنام پادشاهی موشح نموده و همه آنها موافق شماره زیرین که زیر هر يك از کتابهای پنجگانه نگاشته میشود در حدود (۲۶۰۰۰) بیت شعر میباشد ولی تذکره نویسان شماره ابیات آنرا (۲۵۰۰۰) معین کرده اند.

۱ - مخزن الاسرار، این کتاب بنام بهرامشاه بن داود رومی، موشح گردیده و در حدود (۲۲۰۲) بیت میباشد و در بیست مقاله مرتب شده و شامل نصائح و حکم و امثال و مواعظ میباشد، تاریخ نظم آنرا در آخر نسخه چاپ سال ۱۹۰۸ م.

(۱) از این بیان عوفی معلوم میشود که در آنوقت اشعار دیوان نظامی زیاد شیوع و انتشار نداشته ولی در آخر این قرن قزوینی در آثار البلاد (مؤلفه سال ۱۲۷۴) وجود دیوانی از نظامی و خوبی او را بصریح نموده و دولتشاه سمرقندی شماره ابیات دیوان او را بیست هزار بیت نموده و جامی در بهارستان گوید که جز خمس شعر از نظامی کم نقل کرده اند، در هفت اقلیم از دیوان وی ۷۹ بیت نقل گردیده و آقای وحید اینک مشغول چاپ دیوان غزلیات و قصائد و اشعار دیگر نظامی اند.

(۲) از مطالب مندرجه در آثار البلاد قزوینی معلوم میشود که تاهنگام تألیف آن کتاب (سال ۱۲۷۴) این پنج گنج نظامی در یک مجلد نبوده است.

هند ۵۸۲ و چاپ آقای وحید ۵۷۲ و آقای تربیت بسال ۵۵۹ معین نموده اند ولی در نسخ کهنه خطی تاریخ وجود ندارد و ظاهر این تاریخها الحاقی و از خود نظامی نیست . بر غزن الاسرار شروحنی نوشته شده : ۱ شرح محمد بن قوام بن رستم بلخی ( در کتابخانه مجلس موجود و در فهرست آنجا معرفی کامل میشود ) .

۲ - شرح ابراهیم تتوی . ۳ - شرح امان الله ( این دو شرح را مؤلف هفت آسمان در کتابخانه دهلی نشان داده و در کتابخانه آصفیه دکن از شرح تتوی نسخه ای که بسال ۱۰۶۸ نوشته شده نیز موجود است ، ص ۱۴۸۲ ج ۲ فهرست آصفیه ) . ۴ - شرح محمد رضا که در حاشیه نسخه چاپ سال ۱۹۰۸ م در هند چاپ شده و ۵ - شرحی که بدون نام مؤلف در مقدمه شرح بلخی اشاره شده است . آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم هست کلید در گنج حکیم .

۲ - خسرو شیرین، این کتاب را که از شاهکارهای نظامی باید شمرد و در آن داد قدرت و ادبیت داده شده بنام طغرل بن ارسلان شاه سلجوقی که از سال ۵۷۱ (۱) تا ۵۹۰ سلطنت داشته موشح گردیده و پس از مدح وی به مدح اتابک محمد جهان پهلوان پرداخته و کنیه او را ابو جعفر معین نموده و در تواریخ ثبت است که در زمان طغرل رشته کارها در دست وی بوده و چون بسال ۵۷۱ وفات یافت برادر وی قزل ارسلان جای او را گرفت و او نیز بسال ۵۸۷ در رختخواب کشته شد و شروع بنظم این کتاب را سال جلوس طغرل (ص ۱۵ چاپ وحید دیده شود) و انجام آن را بسال ۵۷۶ معین نموده و بر حسب شماره دقیق در حدود (۴۹۱۴) بیت شعر می باشد و خواهر دانشمند نگارنده (رضیه - حدائق) این کتاب را بنام « افسانه شیرین » نشر کرده اند . ۳ - لیلی مجنون، این داستان از حکایت های عاشقی اعراب می باشد و در ایران پس از نفوذ آنها انتشار یافته و نظامی چنانکه در ابتداء این کتاب تصریح نموده ، انشاء و نظم آن بر حسب امر کتبی شروانشاه اخستان بن منوچهر (جلال الدین ابوالمظفر) (۲)

(۱) در روضة الصفا ( ج ۴ ) مرکک ارسلان بن طغرل بسال ۵۷۱ ثبت گردیده و در شذرات الذهب ( ج ۴ ص ۲۴۴ ) بسال ۵۷۳ ضبط شده است .

(۲) در ص ۲۳۲ ج ۲ سخن و سخنوران وفات وی میان سال ۵۹۰ و ۵۹۷ معین گردیده است .

بوده و نیز خود وی شماره ایات آنرا بیش از چهار هزار و سال نظم را بسال ۵۸۴ (۱) معین نموده و بر حسب شماره دقیق نگارنده در حدود (۴۴۵۰) بیت است.

**آغاز:** ای نام تو بهترین سر آغاز بی نام تو نامه کی کنم باز  
 ۴ - هفت پیکر این کتاب در شرح حالات رزمی و بزمی بهرام گور میباشد و بنام علاءالدین گرب ارسلان (۲) پادشاه مراغه موشح گردیده و چنانکه در آن کتاب تصریح شده بسال ۵۹۳ بانجام رسیده

( از پس پانصد و نود سه فزان گفتم این نامه را چو ناموران )  
 و شماره ایات آن با محاسبه دقیق در حدود ( ۵۷۷ ) شعر میباشد .

**آغاز:** ای جهان دیده بود خویش از تو هیچ بردی نبوده پیش از تو  
 ۵ - اسکندرنامه این کتاب در داستان اسکندر و دوجزء میباشد ، بخش اول را چنانکه در اوائل کتابست شرفنامه نامیده (از آن خسروی می که در جام اوست) شرف نامه خسروان نام اوست . و نیز گوید : شرف نامه را فرخ آوازه کرد حدیث کهن را بدو تازه کرد ) و آنرا به اتابک نصره الدین ابوبکر پسر محمد جهان پهلوان تقدیم داشته و درج ۴ روضه الصفا در آخر سلاجقه روم این اتابک را معرفی نموده و گوید پس از عموی خویش قزل ارسلان ( در ص ۲۸۹ ج ۴ شذرات نوشته شده

شد کفنه بچار ماه و کمتر  
 در سلخ رجب به ن و ف دال  
 هشتاد و چهار بعد پانصد

(۱) این چار هزار بیت و اکثر  
 آراسته شد به بهترین حال  
 تاریخ عیان که داشت با خود

(۲) از این بیت  
 رسمی کز فلک سواری رخس  
 هم بزرگ است وهم بر رکی بخش  
 که در ذیل دعای پادشاه و زیر نام گرب ارسلان در ابداء کتاب میباشد ( ص ۲۲ چاپ وحید ) و این بیت :

تا رساند پناه من رسم

نامه بر مرغ نامه بر بسم

که در اواخر کتابست ( ص ۳۶۶ چاپ وحید ) معلوم میشود که نام گرب ارسلان رسنم بوده ، تا کنون بتاريخ حیوة وی دست نیافته ام فقط در دانشمندان آذربایجان نوشته که هفت پیکر را به علاءالدین گرب ارسلان فرمانفرمای مراغه تقدیم داشته و آقای وحید در ص ۳ مقدمه هفت پیکر نوشته اند که نامه هفت پیکر را حکیم نظامی بنام سلطان علاءالدین گرب ارسلان افسنتری منظوم داشته و افسنقر غلام سلطان ملکشاه سلجوقی بوده و نه نن از فرزنداناش در حدود موصول و شامات حکمرانی کرده اند .



که بسال ۵۸۷ در رختخواب خود کشته شد) بیست سال بحکومت اران و آذربایجان  
قیام نمود و در سنه ۶۰۷ در گذشت انتهى .

آغاز شرفنامه : خدایا جهان پادشاهی تراست ز ما خدمت آید خدائی تراست .

در آخر بعضی از نسخ خطی و نسخ چاپی ( جز چاپ هند ) این دو بیت :

( بتاریخ پانصد نود هفت سال      که خواننده را زو نگیرد ملال

نوشتم من این نامه را در جهان      که تادور آخربود جاودان )

که سال نظام را معین میکند موجود و در اواخر شرفنامه ناتمام بودن آنرا نیز تذکر  
داده ( چو از نیمه نامه پرداختم      سریری بیالین او ساختم ) .

و بخش دوم به اقبال نامه و خرد نامه مشهور گردیده ، تسمیه آن بخرد نامه ظاهرأ  
اینست که بیت اول از خرد صحبت داشته ولی اقبال نامه بودن آن ناشی از بیانی است که  
در آخر این کتاب در ذیل مدح عزالدین ابوالفتح مسعود بن نورالدین ارسلان  
شاه ( بنوبت که شه دو هندوی بام      یکی مقبل و دیگر اقبال نام      فرستاده ام هر دورا  
نزد شاه      که یاقوت را درج دارد نگاه ) ولی چنانکه داستیم بخش اقبال را خود  
شرفنامه نام گذارده و مکرر از آن بدین نام تعبیر نموده از جمله در همین بخش دوم  
گوید : شرف نامه را تازه کردم نورد      سپید آب را ساختم لاجورد

و چنانکه پیش از این در حاشیه گفته شد تاریخ انشاء این بخش دوم میان سال ۶۰۷ (۱) و  
۶۱۵ بوده و بر حسب شماره دقیق در حدود (۳۴۸۸) بیت است .

آغاز اقبال نامه : نثر در هر کجا گنجی آرد پدید      ز نام خدا سازد آنرا کلید .

(۱) از اینکه دانستیم شرفنامه را بسال ۵۹۷ انشاء نموده و در آنجا پنجاه سالگی خود را تذکر داده  
و در اواخر اقبال نامه شصت سالگی خود را اعلام نموده معلوم میشود که انشاء این کتاب بسال ۶۰۷  
که سال اول سلطنت ابوالفتح عزالدین مسعود بن نورالدین ارسلان بوده پنجاه رسیده و بودن  
این دو بیت :      جو شاه ارسلان رفت و در خون بخت      سخن خون توان اندرین حال گفت  
مگردول سه کند یارئی      در آرد بمن تازه کفرائی . نیز مؤید است که در همان سال ۶۰۷ شروع  
بنظم شده که مردن بدر بادشاه را مانع از بکار آمدن فریجه و طبع خویش معرفی نموده و بدینسان  
میخواسته بدین وسیله خود را به این پادشاه معرفی نماید و از عباد خوئی که گاهی از او به نام نظام الملک  
تانی معرفی میکنند و بدینسانکه وزیر عزالدین بوده مدح کرده و از آنهاست :

( عباد خوی آن خواجه ارچند      که شد قدر قابل بادو سر بهند ) .

سخن بدینجا که رسید بران شدم که چند کلمه دیگر در اطراف این دانشمند  
بزرگوار بیان نمایم :

از جمله غلطها یکی نسبت کتاب ویس و رامین به نظامی گنجوی میباشد و  
این قول را پیش از دولتشاه سمرقندی از کسی سراغ ندارم و این شخص هم در  
ذیل نظامی عروضی آنرا بتردید نسبت بوی یا گنجوی داده و در ذیل گنجوی جز ما  
گوید این کتاب تألیف اوست و مدرکی برای گفتار خویش و این نسبت اظهار  
نموده بلکه آنچه را هم مؤید این نسبت ذکر نموده اشکال دارد و در سخن و  
سخنوران راجع به رد این نسبت شرحی نگارش یافته ، معاصر دولتشاه جامی در  
بهارستان فخرالدین گرجانی را نام برده و کتاب ویس و رامین تألیف ویرا  
ستوده و گوید در این روزگار مهجور و نایاب است و چند بیت از آنرا هم در  
آنجا نقل کرده .

قزوینی در آثار البلاد که در اواخر قرنیکه در اوائل آن نظامی وفات یافته  
تألیف گردیده در ذیل جرجان فخرالدین را نام برده و این کتاب را بوی نسبت  
داده و گوید: نظامی گنجوی خسرو شیرین خود را بتقلید وی انشاء کرده .  
حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده نیز فخرالدین جرجانی و این کتاب او را نام برده است و  
گذشته از آنچه گفته شد طرز فکر و روحیه این دو کتاب با یکدیگر مخالف  
باین معنی که ویس و رامین داستان عشقی است که در آن چندان عفت را ملحوظ نداشته  
ولی نظامی داستان خسرو شیرین را با کمال عفت و پاکدامنی آغاز و بانجام میرساند .  
نظامی چنانکه همه تذکره نویسان اشاره کرده اند در سیر و سلوک بوده و صاحب  
مجمع الفصحا نوشته که مرید اخی فرج زنجانی است .

حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده (فصل شعرای فارسی زبان) گوید: نظامی  
عروضی معاصر نظامی گنجهای بوده و پیش از معرفی از عروضی گنجهای را معرفی  
کرده و کتابی بنام حدیقه نیز بدو نسبت داده و طاهرا بلکه مسلماً این نسبت  
غلط محض است و پس از عروضی عنوان نظامی دیگر را هم نوشته ولی در نسخه  
کهن سالی که در این کتابخانه میباشد و بنظر این نگارنده پس از وفات مؤلف از

روی نسخه خود وی که هنوز ناتمام بوده نگاشته شده و بسیاری از موارد را که تحقیق میخواست نوشته گذاشته و در حاشیه آن مقابله و تصحیح شدن آن تصریح گردیده بجای آن کلمات نوشته نشده نقطه گذاری شده و از آن جمله یکی جای نام نظامی گنجیه است و دیگری نام و نشان از نظامی سوم میباشد.

حمد الله مستوفی تصور نموده که مراد از نظامی عروضی از آن شعر که در مجلس یزم ملک الجبال (قطب الدین محمد) انشاء نموده (در جهان سه نظامیم ای شاه) یکی نظامی گنجوی است و بهمین دلیل ویرا معاصر عروضی دانسته و دیگری را هم تاهنگام تألیف تاریخ گزیده بدست نیآورده در صورتیکه این اندیشه نا درست میباشد چرا که عروضی خود تصریح نموده (ص ۵۲ چاپ اروپا) که این سه نظامی یکی نیشابوری است که او را نظامی ائیری گویند و دیگری سمرقندی است که او را نظامی منیری گویند و در شعر خود هم تصریح نموده که این دو در مرو پیش پادشاه اند و کسی نظامی گنجیه را در مرو نیافته و در آن روز گار اگر نظامی گنجوی هم بحد شاعری رسیده بوده ابدأ شهرتی نداشته و نظامی عروضی او را نمیشناخته والا میگفت چهار نظامی در این عصریم (۱).

پنج گنج یا خمسة نظامی مکرر در ایران و هندوستان و اسلامبول و اروپا تمام یا بعضی از آنها چاپ گردیده و انتخاباتی از آن گردیده است.

(۱۱۴۲)

این نسخه را که از نسخ نفیسه و گرابهای بن مانند میباشد،  
خمسہ نظامی  
بسال ۹۵۶ مرشد (۲) کاتب شیرازی بخط نستعلیق خوب نوشته،

(۱) مأخذ نگارش این شرح راجع به نظامی گذشته از مندرجات خود، گنابهای زیرین است:  
چهار مقاله نظامی عروضی ص ۵۲ متن و ۱۹۲ حاشیه (جانب اروپا)، لباب الالباب عوفی ص ۳۹۶-۳۹۷ ج ۲، آثار البلاد و قریب ص ۳۰۵ (نسخه خطی این کتابخانه)، تاریخ گزیده فصل شعرای فارسی زبان، تذکره دولتشاه سمرقندی ص ۱۲۸-۱۳۱ (جانب اروپا)، بهارستان امی (آخر روضه هفتم) نفحات الانس، آتشکده آذر ص ۲۴۲-۲۴۴، هفت آسمان ص ۵۳-۶۳، مجمع الفصحا ج ۱ ص ۶۳۷-۶۵۴، ضرائق الحقائق ج ۲ ص ۲۷۹، قاموس الاعلام ترکیبی ص ۴۵۸ ج ۶ سخن و سخنوران ج ۱ ص ۹۰۸

(۲) بی انصافی نام نوبسته را که مرشد بوده نحو کرده ولی از اثر آن این نام بدست می آید و پس (بقیه - تابه در صفحه ۵۲۳)

خاور شناسانی که باین کتابخانه آمده و آنرا دیده اند هر يك بهای زیادی برای آن معین نموده که اظهار آن سودی ندارد، دارای سی مجلس بسیار ظریف نقاشی و صورت سازی میباشد، اگر نویسنده توانائی که از صنعت نقاشی هم بهره ور باشد بخواهد در اطراف خصوصیات مزایای هر يك از مجالس آن مختصری بنویسد، بایستی مطولی انشاء نماید، اگر ایرانی هیچگونه دلیل و برهانی بر لیاقت و شایستگی زیاد خود نداشت جز سلیقه و صنایعیکه در این نسخه بکار برده از مینا کاریها و جدول کشی ها و طلا اندازها و نقاشی ها و ترنجها و رنگ آمیزی های مجالس و طرز نقاشی هر يك از آنها که بخودی خود بانگاه کننده صحبت مینمایند، نیازمند بگواه دیگر نبود، نگارنده معترف است که در معرفی از چنین نسخه ای که چشم بیننده را خیره و عقول متفکرین را حیران مینماید، ناتوان، چرا که بنابر اصطلاح دانشمندان حسن و زیبایی را آدمی، می یابد ولی نمیتواند آنرا بزبان در آورد (یدرء ولا یوصف) و بقول یکی از یاران: چه گویمت تو که نادیده ای بیا و بین.

گذشته از مجلس نقاشی که هر يك بطول و عرض صفحه کتاب میباشد پیش از شروع بکتاب دو صفحه مینا کاری ظریف میباشد که در وسط آنها مرغهای ماهی خوار چندی بشکلهای گوناگون رسم شده و در میان این مرغها در هر صفحه ترنجی است که در میان آن که از لاجورد پوشیده شده این رباعی:

کنچینه کشای کنجه، آن مؤید راد      کآمد ز ازل سخن و رانرا استاد

بقیه حاشیه ارسده ۵۳۶

از کلمه شیرازی شهرت خود را تذکره داده بوده همان بی وجدان نیز محو کرده است، نسخه ای از خمه خواجه که سال ۹۵۳ هجری نویسنده نوشته در این کتابخانه موجود و زیر شماره (۱۱۳۹) در ص ۵۱۶ معرفی گردیده، در ص ۶۱ تحفه سامی در صفحه چهارم (جاب آقای وحید) زیر نام **خواجه مرشد** گوید: پسر خواجه مبرک شیرازیست که سالها صاحب توجیه دئرا علی بود، علم سیاق را با صورت خط نستعلیق جمع کرده، لوند و لا ابالی واقع شده طبعش در شعر خوبست این مطلع ازوست: بهلوی سگ، و جاست مارا      جایی به اذین کجاست مارا.

بقریه اینکه مرشد شیرازی نسخه خمه خواجه را نوشته و خط آن نسخه با این نسخه شباهت کامل دارد (اگرچه این نسخه را بهتر نوشته) و مطابقت زمان خواجه مرشد با زمان نگارش این نسخه بایستی نویسنده هم باشد و در آخر این نسخه است:

درین کتابت من کمر نظر کنی روزی      بگو که کاتب این خط غریق غفران باد.

دریای معانی از گهر کرد تپی روزی که بنای پنج گنجینه نهاد.  
وبرترینج دیگر نیز این رباعی :

نخسه که به غزنش بود زیب تمام از خسرو شیرینش فزودست نظام  
لیلی بجنون و هفت پیکر ز عقب تاریخ سکندرش دهد ختم کلام.  
بخط ثلث نگارش یافته و تمام دو صفحه اول نسخه که هر يك شش بیت از غزن الاسرار  
را شامل میباشد ، با کمال ظرافت نقاشی و مینا کاری گردیده ، میان سطر های  
دو صفحه بعد از این دو صفحه و هر صفحه ای که مقابل یکی از بحال نقاشی میباشد  
و دو صفحه اول هر يك از کتابهای خسرو شیرین تا اقبال نامه که نیز دارای سرلوح  
های ( پنج سرلوح ) زیبایی است ، طلا اندازی و نقاشی شده و دو صفحه آخر نسخه  
بطرز جالب توجه و نظر مینا کاری و طلا اندازی و نقاشی گردیده و گذشته از اینها  
دو صفحه آخر خسرو شیرین و يك ورق از میان لیلی و بجنون و دو صفحه آخر آن  
و دو صفحه آخر هفت پیکر مینا کاریهای ظریف دارد .

تمام صفحات با کمال استادی و مهارت متن و حاشیه گردیده و مجدول بطلا  
و لاجورد و شنجرف و غیره میباشد ، عناوین مطالب کتابهای پنجگانه بر سر سوره  
هائیکه از طلا پوشیده شده با سفید آب نگارش یافته و اطراف آن نگارش هم برگ  
و گل نقاشی شده است .

بر حسب یادداشتی که پشت نخستین برگ نسخه گردیده بسال ۱۲۸۴  
مرحوم اعتضاد السلطنه مالك این نسخه بود و دیگری بسال ۱۲۹۲ نوشته :  
در این کتاب سی و يك صفحه بحال سازی شده . ولی باشماره دقیق مکرر اینجانب  
سی مجلس بیشتر ندارد و در دفاتر کهنه کتابخانه هم سی مجلس قید گردیده است .  
دو یادداشت دیگر در این صفحه بوده آنها را خو کرده اند ، بواسطه دقیق شاید  
بتوان از آثار آن بدست آورد که موضوع نگارش چه بوده است و وقف نامه نسخه  
در حاشیه صفحه سوم غزن الاسرار نوشته شده است .

جلد سوخته دورو بسیار اعلی . باغ متن خان بلع حاشیه بخارائی . و اصف سه سالار قطع  
خشی . شماره اوراق ( ۴۱۲ ) . صفحه ای ( ۱۹ ) سطر . طول ( ۳۳ سانتیمتر ) .  
عرض ( ۲۰ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۴۰۰ ) .

(۱۱۴۳)

این نسخه نظامی  
 این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب ..... (۱) شیرازی  
 بسال احد ..... (۲) تسعمائه نوشته ، پیش از شروع نگارش  
 کتاب دو مجلس نقاشی که هر يك تمام صفحه را شامل میباشد ، موجود و اندکی  
 ریختهگی دارد ، سی و پنج مجلس نقاشی چینی ظریف دارد که هر يك نصف صفحه  
 را فرا گرفته و بخوبی ظاهر و هویداست که در اوائل عصر صفوی کشیده شده  
 و برخی از آنها کمال نفاست را دارد ، بر چند مجلس نقاشی آن جمله : السلطان  
 العادل . نوشته شده و یکی از آنها را که در خسرو شیرین است اندکی دست زده شده  
 و قسمتی از آنرا محو کرده اند ، اطراف دو صفحه نخستین کتاب که هر يك هفت بیت  
 در آن نوشته شده ، با کمال لطافت و ظرافت نقاشی شده ، دارای پنج سر لوح  
 زیباست که بسیار بایکدیگر شبیه اند و نام کتاب های پنجگانه با سفیداب بر آن  
 نگاشته شده ، پشت صفحه اول نسخه ترنجی ظریف میباشد که وسط آن از طلا  
 پوشیده شده و با سفید آب این بیت بر آن نگارش یافته :

طبع نظامی و دلش را ستند      عالم از آن راستی آراستند .

تمام صفحات مجدول بطلا و لاجورد و همه عناوین باطلا نوشته شده است  
 جلد تیماجی مذهب . کاغذ سمرقندی . واقف سبه - الار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۳۰۶ ) .  
 صفحه ای ( ۲۱ ) سطر . طاول ( ۱/۳۳ سانتیمتر ) . عرض ( ۲۱ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۷۵ ) .

(۱۱۴۴)

این نسخه نظامی  
 این نسخه بخط نستعلیق خوب نگارش یافته ، دست حوادث  
 بر گهای آنرا ضایع و قسمتی از ایات آنرا هم از میان برده ،  
 در حاشیه آخرین صفحه محمد علی بن محمد رضی بسال ۱۲۲۱ نوشته : بسعی میرزا

(۱) باز هم بی وجدانی نام نویسنده و بخشی از تاریخ کتابت را محو کرده ولی احتمال قوی دارد  
 که نویسنده همان مرشد بن میرک شیرازی باشد و بقرین اینکه شاه طهماسب عادل تخلص میکرده  
 و بر مجالس جندی از آن جمله ، السلطان العادل نگارش یافته بایستی برای آن پادشاه نگارش یافته  
 باشد ولی خط آن بمایه نسخه پیشین نمیرسد .

(۲) میان این دو کلمه نیز محو گردیده و بایستی و دشمن باواریمین باشد .

محمد هادی طبیب پسر میرزا ابوالفضل طبیب این نسخه که در اثر موربانه منهدم و اوراق شده بود اتمام و اختتام پذیرفت .

راستی بحدی خوب و صالی و ابیات آن تکمیل شده کسه فقط با دقت توان آنها را از اصل تمیز داد ، در آخر هفت پیکر تاریخ اتمام نگارش نسخه ذیقعه سنه ۹۹۷ نوشته شده و قسمتی از عبارات بالای تاریخ محو گردیده ، کتابهای آن بترتیب معمولی نیست و بدینگونه در این مجلد گذارده شده : غزن الاسرار ، لیلی و بخون ، هفت گنبد ، خسرو شیرین ، اسکندرنامه ( شرف نامه و اقبال نامه ) ، کتاب اول و دوم و چهارم دارای سر سوره ظریفی است که مسلماً از نقاشیهای قرن دهم میباشد و در آغاز کتاب سوم و پنجم در هنگام صحافی مد کور تذهیب مختصری شده ، اشعار در متن و حاشیه نوشته شده و عموماً عناوین مطالب نگارش نیافته ، بسال ۱۳۵۶ نیز در این کتابخانه صحافی گردیده و صفحات آن جدول است . جلد تیماجی . کاغذ من خان بالغ ، حاشیه نرنگی . واقف سیه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق ( ۲۷۶ ) . صفحه ای ( ۳۴ بیت در متن ۱۹ در حاشیه ) . طول ( ۳۰ سانتیمتر ) . عرض ( ۲۰ سانتیمتر ) شماره کتابخانه ( ۳۵۵ ) .

( ۱۱۴۵ )

**خمسه نظامی**  
این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش اثری نگذاشته ، ظاهر آدر قرن یازدهم هجری نگاشته شده ، پنج سرلوح دارد ، اول و آخر آنها نازه و ظاهر آ از کارهای قرن سیزدهم هجری میباشد ولی سه سرلوح دیگر از همان قرن یازدهم و بسبک هندی است ، عناوین باشندجرف و صفحات جدول بطل است .

جلد ساغری مدبب . کاغذ سمرقندی . واقف سیه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق ( ۳۰۵ ) صفحه ای ( متن ۲۰ حاشیه ۲۹ بیت شعر ) . طول ( ۱۸ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۱ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۷۱ ) .

( ۱۱۴۶ )

**خمسه نظامی**  
این نسخه را بخط شکسته نستعلیق محمد رضا بن حاج بیگلر بسال ۱۲۶۲ در قزوین ( در آخر خسرو شیرین و لیلی بخون

و اقبال نامه تصریح باین مطالب شده ( بانجام رسانیده ، ایات الحاقی در آن زیاد دیده میشود ، در متن و حاشیه نوشته شده و صفحات مجدول به جوهر سرخ و آبی است ، پس ازدخول در این کتابخانه پسر کتابدار آن هنگام پشت صفحه نخستین یادداشتی بسال ۱۳۱۲ نوشته است .

جلد تیماجی . کاغذ رنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۳۷۴ ) . صفحه ای ( درمن ۲۰ در حاشیه ۱۸ ) بیت . طول ( ۳۲ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۹ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۵۶ ) .

( ۱۱۴۷ )

این نسخه بخط نستعلیق خوب ظاهر آ در اوائل قرن سیزدهم  
**خمسه نظامی** هجری نگارش یافته ، غزن الاسرار رادر صحافی ، آخر کتاب  
 قرار داده اند از آخر خسرو شیرین واسکندر نامه هریک در حدود ۴۰۰ بیت افتاده و  
 آخرین بیت از خسرو شیرین اینست :

پس آنکه کردشان در پهلوی یاد که احسنت ای جهان پهلود و همزاد  
 و آخرین بیت از شرفنامه این :

کس از خاصگان پیش دارا نماند از او در دل کس مدارا نماند  
 ( در این نسخه این بیت چنین ضبط گردیده و در نسخ دیگر بطرز دیگری است ) ،  
 لیلی و مجنون و هفت پیکر را هم بدون نقص دارد ولی اقبال نامه اصلاً در این نسخه  
 نیست ، میان صفحات قسمتهای چندی برای ترسیم محاسن نقاشی باز گذارده شده ولی  
 توفیق کشیدن را نیافته اند .

بنام منتخبی از خمسہ نظامی وقف گردیده و بهمین نام در دفاتر کتابخانه ثبت شده  
 ولی مسلماً منتخب نیست و خمسہ ای ناقص میباشد . بسال ۱۳۴۱ متعلق به محمد محسن  
 نام مرسوی بوده و پشت صفحه نخستین بخط خود یادداشت کرده و مهر اسم وی  
 در چندین صفحه زده شده است .

جلد تیماجی . کاغذ برمه . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۲۲۴ ) صفحه ای  
 ( ۱۹ ) سطر . طول ( ۲۵ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۶ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۷۳ ) .



(۱۱۴۸)

خمسۀ نظامی این نسخه فقط هفت پیکر از خمسۀ نظامی میباشد ، برگ آخر آن که شامل ۱ بیت بوده افتاده و آخرین بیت نسخه اینست :  
(هفت پیکر) تا در آری بحسن او نظری جلوۀ دادمش بهر هنری .  
نویسنده آن ظاهر آهندی و در اواخر قرن نهم هجری بوده ، در آغاز نسخه سرلوحی بسبک هندی است که باسفید آب نام کتاب بر وسط آن نگاشته شده ، و میان سطرهای دو صفحه اول نسخه طلائاندازی شده و همه عناوین مطالب بر سر سوره هائیکه از طلا پوشیده شده نیز باسفید آب نگارش یافته و تمام صفحات جدول بطلا و لاجورد و غیره است ، پشت صفحه اول یادداشتی بوده نحو "گردیده و یادداشت اعتضاد السلطنه مورخ بسال ۱۲۹۱ نیز در اینجا است .

جلد ضربی و سوخته (منعمل دور گرفته) . کاغذ دوات آبادی . و اف سبب لار . قطع وزیری کوچک . شماره اوراق ( ۱۳۰ ) . صفحه ای ( ۱۴ بیت در من و ۵ در حاشیه ) . طول ( ۲۳ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۴ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۷۲ ) .

### [ ۵۰۶ ] خمسۀ نوائی ( ترکی )

امیرعلیشیرنوائی (علی شیرین کجک) (در خوشگو ثبت شده) (۸۴۴-۹۰۶) (۱) از مشاهیر درباریان سلطان حسین میرزای بایقرا میباشد و بنابر نوشته منی در مجالس العشاق از روزگار بچگی در مکتب باوی دوستی و مودت داشته ، چون بساطنت رسید او را از ماوراءالنهر که مسکن امیر شده بود به راه خواست و کارهای بزرگی را بتدریج بوی برگدار فرمود .

(۱) دولشاه در زمان خود امیر در آخر تند کرده خویش شرحی از حالات او را نوشته و سلطان حسین بایقرا در مجلس ۷۴ مجالس العشاق بس ارم کوی باغبینی ریاد او را معرفی کرده و گوید بسال ۹۰۶ وفات یافت و سام میرزا در تحفه سامی شرحی بیکو در حالات و آثار و مؤلفات امیر نگارش داده ، و نصیریج صکرده که تولد وی بسال ۸۴۴ بوده و گوید مولانا صاحب دارا قصیده ای در مرثیۀ امیر گفته که یکی از مصرعهای آن سال نواد را مسامد و دیناری سال وفات را چند بیت از آن را هم نقل نموده و مطلع آن اینست :

ای فلک بیداد و بی رحمی بدیشان کرده ای ای اجل مذلّ جبار بار و بران کرده ای ولی چنانکه دیده میشود مصرع دوم سال ۹۰۶ را که مسامد امیر در آن سال وفات یافته نمیرساند و دیگر ابیات هم که محاسبه شد درست در می آیند این اخلاف شاه در اثر تحریف و تصحیف ابیات باشد .

مقام فضل و دانش و علم دوستی امیرعلیشیر به پایه ایست که هر کس در این موضوع چیزی نگارش دهد چنانست که بخواهد آفتاب را بشناساند، بنابراین جز توضیح واضح چیز دیگر نخواهد بود، در این مؤلفه ناچیز و فهرست های دیگر (۱) و کتب سیر و تواریخ بسیاری از مؤلفات که در عصر و زمان و تشویق و ترغیب این راد مرد بزرگ تألیف شده، معرفی گردیده و خواهد گردید و نیز مؤلفین و شعراء و علماء نامداریکه از یمن تربیت این بزرگ، عالم علم و ادب را روشن کرده، مستقلاً یا بمناسبت در اینجا نام برده شده و میشوند، این امیر دانشمند، پس از انجام وظائف اجتماعی بمطالعه و تألیف کتب زیادی پرداخته، و بزبان ترکی و فارسی اشعاری انشاء نموده و تخلص وی در ترکی نوائی و در فارسی فانی میباشد و کتابهای تألیف نموده، و چهار دیوان ترکی (۱- غرائب الصغر ۲- نوادر الشباب ۳- بدائع الوسط ۴- فوائد الکبر) و یک دیوان فارسی دارد (نسخه ای از این دیوان در کتابخانه مجلس موجود خصوصیات آنرا بفهرست آنجا تألیف نگارنده مراجعه نمایند) و مؤلفات دیگر چون: خمسة المتحیرین، اربعین منظوم، قصه شیخ صنعان، منشآت، تاریخ ملوک عجم (۲) بترکی، مفردات در فن معما و عروض بترکی، محبوب القلوب، تاریخ انبیا، فارسی شر الالائی (۳)، خمسة ای در تقلید نظامی بترکی (همین کتاب)، نسائم الهجبه و غیر از اینها از قلم توانایش ریخته شده است.

- (۱) در صفحات ۴۰ و ۱۳۹ و ۳۲۲ و ۳۳۲ و ۳۶۰ و ۳۷۰ و ۳۷۳ ج ۱ فهرست کتب خطی مجلس کتابهای اسکنه بنام امیرعلیشیر تألیف گردیده است.
- (۲) امیرعلیشیر در ابتدا، سد سکندری پس از حمد خدا و نعت رسول ص و تعریف بطایفه و جامی و سلطان حسب مجرزا و فرزندی و بدیع الزمان تاریخ ایران را مختصراً در چهار طبقه (۱- پیشدادیان ۲- کیان ۳- اسکانیان ۴- ساسانیان) بنظم در آورده و مسلماً تألیف تاریخ ملوک عجم که در سیره وی نوشته اند غیر از این میباشد که بیش از داسان اسکندر در این کتاب گذارده، چرا که مجرزا مهدیخان در مقدمه سنکلاخ این کتاب را در ذیل مؤلفات نثری امیرعلیشیر معرفی کرده است.
- (۳) در نسخه خطی تحفه سامی منعلق باین کتابخانه و نسخه جاب آقای وجد - نظم الجواهر و فارسی شر الالائی بدون واو عطف و خنان نوشته شده که تصور میشود فارسی صفت نظم الجواهر است و نگارنده درس ۱۰۳ زیر معرفی از شر الالائی تذکر داده ام که نظم الجواهر برجه ترکی شر الالائی میباشد بنا بر این برجه فارسی شر الالائی نیز از امیراست و در آن صفحه موجه این معنی نگردیده بودم و تصور شده بود که بنام شر الالائی امیر کتابی داشته است.

بنابر ادعای دولتشاه در تذکرة خویش پیش از این امیر کسی بانشاء خمسة ای  
بتر کی (۱) در جواب نظامی مبادرت نموده و کتابهای این خمسة عبارتند از :  
۱ - حیرت الابرار . ۲ - لیلی و مجنون . ۳ - شیرین و فرهاد . ۴ - سبعة سیاره .  
۵ - سد سکندری . و خود امیر تاریخ انجام حیرت الابرار را بسال ۸۸۸ و سبعة سیاره  
و فرهاد و شیرین را بسال ۸۸۹ معین کرده و بر حسب شماره این جانب در حدود  
(۲۵۸۰۲) بیت اشعار این خمسة میباشد و تذکرة نویسان و دانشمندان ترك نژاد از  
لطافت مضامین این کتاب در حیرت و در مقابل آن خاضع اند و تاکنون چاپ  
نگردیده است .

آغاز حیرت الابرار : بسم الله الرحمن الرحيم رشته غه چکشی پنجه در یتیم  
در (۳۹۸۴) بیت .

آغاز لیلی و مجنون : ای یخشی آتیک بیله تر آغاز انجام میغه کم تیار هر آغاز  
در (۳۶۵۰) بیت .

آغاز فرهاد و شیرین : بحمدك فتح ابواب المعانی نصیب ایت کونک لوما فتح اولماغ آنی  
در (۵۸۱۶) بیت .

آغاز سبعة سیاره : ای سپاسینک دیما کدمل انلی لیل ایلکاتین سپیدن اولدی بیلکامقال  
در (۵۰۰۰) بیت .

آغاز سد سکندری : خدا یا مسلم خدا لیت سنکا بر او شه که دابن کدالیق سنکا  
در (۷۳۵۲) بیت .

( ۱۱۴۹ )

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، نویسنده از خود و سال  
نگارش نام نبرده ، ظاهراً در اوایل قرن دهم نگاشته شده ،  
خمسه نوائی

(۱) جامی در آخر روضه هفتم از بهارسان که بد ک و وصف و سایش امیر درخنده در وصف  
خمسه وی گوید : منویات که در مقابل خمسة نظامی وقوع یافته به هزار نود و یک ( مسمی این شماره  
غلط نسخ است و سابد سی هزار و تعیین تقریبی نه تحقیقی بوده است ) همانا بآن زبان بیش از  
وی به از وی بیش از وی کسی شعر نگفته است . و نیز گوید که بهر دو نوع فارسی و ترکی شعر  
میگفته ولی میل طبع وی بر ترکی از فارسی بشر است و غزایات از ده هزار زیادت خواهد بود .

برگ نخستین و يك برگ از اوآخر نسخه نونویس میباشد، در آخر فرهاد و شیرین مهر گردیکه بدین سیج میباشد: ( محترمه سلطان بیگم بنت السلطان الغازی سلیمان. ) و اطراف آن در دوازده کنگره دوازده اسم از اسماء الله نوشته شده و میرساند که نسخه متعلق بکتابخانه دختر سلطان سلیمان بن سلطان سلیم ( ۹۲۶ - ۹۷۴ ) عثمانی بوده موجود و بر مجلدات دیگر این کتاب هم همین مهر بوده ولی آنها را کرده اند.

برخی از برگهای نسخه وصالی گردیده و عناوین مطالب باشندجرف نگاشته محو شده است.

جلد نیماجی . تاغند سمرقندی . واقف سیهالار . قطع خشتی بزرگ . شماره برگها ( ۳۲۵ ) . صفحه ای ( ۲۱ ) سطر . طول (  $24 \frac{1}{4}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۱۷ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۶۹ ) .

( ۱۱۵۰ )

این نسخه را سال ۱۰۱۲ و ۱۰۶۵ و ۱۰۷۷ ( در آخر کتاب  
خمسه نوائی این تاریخ اخیر است ) بخط نستعلیق نوشته اند ، در آخر سبعة ستاره نویسنده ای که ظاهر آن بنویسنده همه پنج کتاب میباشد خود را صالحی خراسانی معرفی نموده و در اینجا مهر بادامی که بدین سیج میباشد زده شده : غلام شاه عباس است مرجان . و میرساند که متعلق بیکی از امراء آن عصر که مرجان نام داشته بوده است .  
عناوین مطالب باشندجرف میباشد .

جلد نیماجی . تاغند سمرقندی . واقف سیهالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۲۷۴ ) . صفحه ای ( ۲۵ ) سطر . طول (  $32 \frac{1}{4}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۲۱ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۶۶ ) .

( ۱۱۵۱ )

این نسخه که در این کتابخانه بنام « اشعار ترکی » معرفی شده  
خمسه نوائی « سدسکندری » یا پنجمین کتاب خمسه نوائی است ولی ۱۸۰ بیت  
( سدسکندری ) از اول و ۲۷۸ بیت از آخر آن افتاده ، ظاهر آن در قرن دهم  
هجری نگارش یافته و بر گهائیک از آن وصالی شده است .

جلد نیماجی . تاغند سمرقندی . واقف سیهالار . قطع خشتی بزرگ . شماره اوراق ( ۹۸ ) . صفحه ای ( ۱۸ ) سطر . طول ( ۲۳ سانتیمتر ) . عرض (  $18 \frac{1}{4}$  سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۱۷۲ ) .

[ ۵۰۷ ]      **خمسۀ هاتفی (فارسی)**

( لیلی و مجنون ، هفت منظر ، تمرنامه یا ظفرنامه هاتفی )

یکی از شعرائیکه خسه نظامی را جواب گفته‌اند هاتفی است (ملا عبدالله هاتفی خبوشانی جامی متوفی بسال ۹۲۷) (۱) که از نزدیکان (۲) عبدالرحمن جامی بوده و گویند مبادرت باین کار را از جامی اجازه گرفته ، وی برای امتحان قدرت طبع وی جواب گفتن شعر فردوسی : درخنیکه تلخ است ویرا ، تحت الخ ، را از او خواست ، هاتفی گفت :

اگر بیضه زاغ ظلمت سرشت	نهی زیر طائوس باغ بهشت
دهی آبش از چشمه سلسبیل	در آن بیضه دم دردمد بنبرئیل
بهنگام آن بیضه پروردش	ز انجیر جنت دهی ارزش
شود عاقبت بیضه زاغ زاغ	کشد رنج بیهوده طائوس باغ .

جامی طبع او را شایسته این تار دید و بدو اجازه داد و مشهور است که بوی گفته است بد نگفتی ای ولی چهار جا تخم گذاردی ، هاتفی استدعا نمود که افتتاح لیلی و مجنون را جامی نماید وی این درخواست را اجابت نمود باین بیت نخستین از جامی است .

از خمسۀ هاتفی فقط این چهار کتاب انشاء کرده : ( لیلی مجنون ، شیرین

(۱) در حبيب السیر جزء سبع از حدیث ص ۳۴۶ ، تحفه سامی ص ۹۷-۹۸ و جزء هفت اقلیم ص ۵۷۲ ، تذکره خوشگو ، ریحۀ تاریخ ادبیات انوار دبرین ص ۱۰۳-۱۰۴ ، هاتفی مبرده شده و سراجیه که دید و در حبيب السیر است اندر ما بحر موفات بدو و تاریخ فوت او حیم بالله مهر آف کویده ، تاریخ فوت او ضمیمه زعفران گفت

از شاعر شهان و شه شاعران طب .

وجه جامی ثانی را زمرده تاریخ وفات وی بنا بر

(۲) در اوایل هفت منظر آلود :

نیست این دعوی که خویش ترا	یا زبیران بهک و بهش ترا
عمرها شد کینه از سگان دره	خاک این در آنست و باغ سره
دارم امید آینه آخر حصار	دهم در حصار نوشتن بار

و خسرو، هفت منظر و تمرنامه یا ظفرنامه (۱) و از کتاب پنجم وی نامی درجائی و اثری در کتابی نیست، شاید توفیق بمبادرت جواب غزن الاسرار را نیافته باشد، سام میرزا در تحفه سامی گوید بسال ۹۱۷ که شاه اسمعیل پس از فتح بلاد خراسان متوجه عراق بودند در حوالی قصبه خرچرد جام جهت زیارت تربت شاه قاسم انوار نزول فرموده بودند، بر سبیل گشت بدر باغ هاتفی رسیدند مولانا خبردار شد و باستقبال شتافت، مورد عنایت واقع شد و طالب چند بیت از اشعار او شدند مطلوب شد و مورد تحسین واقع گردید و مأمور به نظم فتوحات شاهی شد، در حدود هزار بیت از آنرا بنظم آورد اما توفیق اتمام نیافت و چند بیت از این مثنوی نیز در تحفه سامی نقل گردیده است.

گذشته از این پنج مثنوی آثار دیگری از هاتفی در دست نیست و تذکرة نویسان تذکر نداده اند که جز مثنوی هم شعر داشته ولی دیوان قصائد و غزلیات داشته و خود وی در تمرنامه پیش از شروع بداستان گوید:

نگوئی هسی در فن مثنوی	سخن را دهم زینت خسروی
بهر شیوه گیر نظم کردم علم	ستانم ز دست عطارد قلم
بلند آستانی اگر همچو میغ	بدانم گهر ریزدم بی دریغ
دهم در قصائد بدانسان ندا	که خاقانی آنجا کند جان فدا
بجلوه در آید گران دلفریب	که ازدل برد هوش از جان شکیب
طریق غزل را بداند که چیست	کدامست خسرو حسن نیز کیست

(۱) در آخر تمرنامه گوید:

من آنروز که طبع کنجینه سنج	نسنم بصرفای سنج کنج
کردم زایی و محزون نخست	وزان صورت دعوبم شد درست
شد آن نقش رخ جو کیسی بسند	ز شیرین و خسرو شدم بهره مند
جو آن کسان را بیاراسم	از آن خوشتر آمد که میخواستم
جو باز آمده ران هجابون سفر	سوی هفت منظر فکندم نظر
تماشا کنی صبردم آراسه	که شد رخ از رشک آن کاسه
شدم خون ز انسا که فن نخوس	هوای سکندر ز دل برد هوش

بجز بنده

شدند آن حریفان فرخنده رای  
بسوی تمرنامه ام رهنمای  
و خود در اینجا تصریح نموده که عین ضفر نامه سرف الدین علی یزدی را که تاریخ صحیح است نه  
انسانه و خیالی بنظم کشیده.

بود بحر و کان سخن ملک من      درو لعل ریزد سرکک من  
 یکی از مختصات هائقی اینست که در این کتابهای چهار گانه خویش بمدح کسی نپرداخته  
 و اشاره ای بزمان و عصر خود نکرده و تاریخ نظم هیچیک از کتابهای چهار گانه را  
 معین ننموده و پس از حمد و ثناء و نعت و بیان مراجع حضرت رسالت پناه ص و منقبت  
 حضرت مولی علی بن ابی طالب ع شروع بمطلب نموده ، در تحفه سامی است که  
 تمر نامه را در چهل سال بنظم آورد ، و در کشف الظنون نیز همین مطلب نگارش  
 یافته ولی این قول را نگارنده از قرائن موجوده در کتاب منکر است ، ارادت خود را  
 به سید قاسم انوار در لیلی و بخنون تصریح نموده و این مشنویات را از برکات آن  
 مرشد کامل دانسته و در همین کتاب تشیع خود را اظهار داشته و در اینجاست :  
 یارب که کنی خجسته نسام      در دین دوازده امام  
 بختسای بهائقی ز کوثر      یک جرعه بحق آل حیدر  
 گردد چو زبان بگفت گویم      مداح علی و آل اویم .  
 آغاز لیلی و بخنون : این نامه که خامه کرد بنیاد توفیق قبول روزیش باد  
 ( در حدود ۲۰۰۰ بیت است ) (۱) .

آغاز شیرین و خسرو : خداوند ابعشقم زندگی ده بفرقه تاج عز بندگی ده  
 ( در حدود ۱۷۰۰ بیت است ) (۲) .  
 آغاز هفت منظر : ای نگارنده صلیف غیب نام تو صدر صفحہ لاریب  
 ( در حدود ۲۴۶۶ بیت است ) .  
 آغاز تمر نامه : بنام خدائی که فکر خرد زیارت که تا کنه او پی برد  
 ( در حدود ۴۶۵۶ بیت است ) (۳) .

(۱) لیلی و بخنون هائقی بسال ۱۷۸۸ ه در تکه چاپ شده .

(۲) نسخه شیرین خسرو هائقی زیر شماره ۳۳۲ در نسخه شمس شورای می نام خسرو شیرین  
 هائقی موجود در صورتیکه خود این کتاب را شیرین و خسرو نام گذارده .

(۳) تمر نامه بسال ۱۸۶۹ ه در اکندو چاپ شده و بر حسب تصریح خطه سب طبع شده ناموری است .

(۱۱۵۲)

خمسه هاتفی این نسخه بخط نستعلیق خوب (ظاهرأ در اواسط قرن دهم  
هجری) نوشته شده، نویسنده از خود و سال نگارش نام  
نبرده، دو صفحه نخستین لیلی بجنون نقاشی و میناکاری و تذهیب  
هفت منظر و تمر نامه ظریفی گردیده، در ابتداء دو کتاب دیگر دوسر لوح ظریف  
کوچک میباشد، صفحات جدول بطلال و لاجورد است، پشت برگ نخستین مرحوم  
رضافلیخان هدایت شرحی در معرفی از نسخه و مؤلف آن بسال ۱۲۸۳ در تبریز  
نوشته و یادداشت ورود بکتابخانه اعتضاد السلطنه نیز در همین صفحه است.  
در آخر نسخه آثار شو چندین سطر وجود دارد.

جلد سماجی، ناغد بخارا ئی، واقف سیسالار، قطع وزیری کوچک، شماره اوراق (۳۱۴)،  
صفحه ای (۱۵) سطر، طول (۲۲ سانتیمتر)، عرض (۱۲ سانتیمتر)، شماره کتابخانه (۲۸۰).

(۱۱۵۳)

خمسه هاتفی این نسخه نیز بخط نستعلیق خوب (ظاهرأ در اواسط قرن  
دهم هجری) نوشته شده، دارای یک سرلوح زیباست،  
(تمر نامه) صفحات جدول بطلال و لاجورد، عناوین باشعرف میباشد،  
بخشی از ورق نخستین پاره و وصالی گردیده، سطرهایی از صفحه دوم محو شده،  
۱۳۲ بیت از آخر کتاب افتاده و آخرین بیت نسخه که جمله ای از اول مصرع دوم  
آن نیز محو گردیده اینست:

ستابند در پیشگاه بنده وار . . . . . بی خداوند گار

جلد سماجی، ناغد خان بالغ، واقف سیسالار، قطع وزیری کوچک، شماره اوراق (۱۳۱)،  
صفحه ای (۱۵) سطر، طول (۲۲ سانتیمتر)، عرض (۱۵ سانتیمتر)، شماره کتابخانه (۳۹۴).

(۱۱۵۴)

خمسه هاتفی این نسخه را بسال ۹۸۰ زین العباد شریف بخط نستعلیق  
نوشته، بسال ۱۰۳۵ اندریس ابن حاج سلیمان مشهور به  
(تمر نامه) ابن البهلوان آنرا خریده و در آخر نسخه خود یادداشت کرده،  
دو برگ از ابتداء نسخه که شامل ۵۰ بیت بوده افتاده و نخستین بیت موجود اینست:



معنی بیاران نو آئین نوا دل درد مند مراده نوا .

و عناوین با سرخی نوشته شده است .

جلد تیماجی مذهب . کاغذ فرنکی . واقف سیه سالار . قطع وزیری کوجت . شماره اوراق ( ۹۷ ) .  
صفحه ای ( ۱۷ ) سطر . طول ( ۲۱ سانیمتر ) . عرض ( ۱۳ سانیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۱۵۰۱ ) .

### [ ۵۰۸ ] دیوان ابن التعاویذی ( عربی )

ابن التعاویذی ( ۱ ) ( ابو الفتح محمد بن عبید الله ( ۲ ) بن عبدالله ۵۱۹ - ۵۸۳ ) ( ۳ ) از  
نویسندگان و شعرای قرن ششم هجری بوده و معاصر وی عماد کتاب اصفهانی در  
جلد اول خریده القصر زیر عنوان : مناقب برخی از معاصرین . او را با تجلیلی زیاد  
نام برده و اشعاری که بسال ۵۶۱ ازوشنیده در این کتاب آورده و نیز کاغذیکه  
با کمال بلاغت و فصاحت از بغداد بشام فرستاده و از و پوستان خواسته ( ۴ )  
در اینجا است .

در دیوان مقاطعات بغداد نویسنده بوده ، این خلکان منوید با حدی که من  
میدانم تادویست سال پیش از وی کسیکه مانند وی فصیح و بلیغ باشد وجود نداشته ،  
و بسال ۵۷۹ که شصت سال از عمر وی گذشته بود از هر دو چشم نابینا شده و در  
رثاء چشم خویش و نأسف از رفتن جوانی اشعاری فصیح دارد .

پیش از این مصیبت بجمع دیوان خود مبذول کرده و آنرا اچهار فصل بدین  
تفصیل که زیر این سطر ها نگارش مییابد منقسم نموده و دیماچه ای ضریف و زیبا  
بشهر بر آن نگاشته و آنچه پس از این ترتیب از نسخ هر يك از فصول و انشاء نموده  
بنام زیادات بر آن اضافه کرده و از این رو در باره ای از نسخ دیوان اینگونه اشعار  
نیست و فصول چهار گانه این دیوان ایست : فصل اول در مدح خفا ، عباسی است

( ۱ ) « مؤید دعا و طاسم و بی است » ، گویند این شاعر دارای این شعر بوده و از این حیث - بدان مشهور  
شده و این شاعر بدان نسبت داده شده است .

( ۲ ) در نسخه خطی خریده القصر این کتابخانه و شذرات المذهب در این شعر عبدالله ولی در  
ونیات الاعیان و معجم المصنوعات عبید الله ثبت گردیده است .

( ۳ ) خریده القصر ( نسخه خطی این کتابخانه ) ورق ۱۴۸ - ۱۵۲ ، و من الاغان - ج ۲ ص ۱۹ - ۲۲  
معجم المصنوعات ص ۵۱ مراجعه شود .

( ۴ ) در و نیات الاعیان ، این کاغذ از خریده القصر نقل گردیده است .

و ابتداء بقصیده ای نموده که در مدح الناصر لدين الله عباسی در سال ۵۷۵ در هنگام خلافت وی انشاء گردیده . **فصل دوم** در مدائح وزراء و بزرگان و اماثل و اقران و دیگران از معاصرین . **فصل سوم** در مدائح بنی المظفر میباشد که شاعر خود و جد مادریش **ابو محمد بن التعاویذی** ( بنابر تصریح خود وی ) در تحت تربیت این خاندان بوده و از نوال احسان آنها روزگار میگذرانیده و بمدح و ثنای ایشان متغول بوده اند . **فصل چهارم** در اقسام شعر از قبیل مرثیه و غزل و هجاء و نصایح و قصاید و مقطعات و غیر از اینهاست .

این دیوان بسال ۱۹۰۳ در بیروت تحت نظر مرکلیوٹ مستشرق چاپ شده ولی ترتیب آن موافق تقسیمیکه شاعر خود نموده نیست و تمام اشعار را موافق حروف قوافی آنها از الف تا یاء مرتب نموده است .

آغاز : خطبه بسمله قال ابو الفتح . . . اما بعد حمد الله على نعمائه السابغة الخ .  
آغاز دیوان موافق نسخه اصل :

طاف يسعى بها على الجلاس كفضيب الأراكة المياس (۱) الخ .

(۱۱۵۵)

**دیوان ابن التعاویذی** این نسخه ظاهراً در اواخر قرن هفتم نگاشته یافته ، اوراقی از اول و آخر آن افتاده ۶۰ برگ آخر آن نونویس و ظاهراً از خطوط اوائل قرن سیزدهم هجری و نویسنده آن سید عمران بن سید عزیز میباشد ، این نویسنده در تمام بودن دیوان تردید کرده ، اشعار این قسمت اخیر موافق تقسیم مذکور بالا از فصل چهارم میباشد ولی شاید تمام آن فصل را شامل نباشد و گذشته از این احتمال دارد از میان فصول پیشین هم اوراقی افتاده باشد و این نسخه موافق همان ترتیبی است که ناظم خود دیوان را بدانگونه ترتیب داده و شامل اشعاریکه پس از کوری انشاء نموده نیز میباشد و این نسخه بنام «دیوان ابن التعاویذی و قصائد بعضی از شعراء عرب و تذکرة الشعراء» داخل کتابخانه گردیده

(۱) این آغاز قصیده ایست که در ابتداء خلافت الناصر لدين الله در آخر سال ۵۷۵ انشاء نموده است .

و بر کنار نخستین برگ یادداشت گردیده ولی مسلماً شامل غیر از دیوان نام برده نیست.

از مقدمه نثری شاعر بخشی (ظاهراً يك صفحه) افتاده و نخستین سطر آن اینست: *الاسن المتناسیه وعطفت علیها القلوب القاسیه وشملنی من یرها المتواتر الخ*. و قسمتی از اشعار اصل نسخه در اثر پوسیدگی اوراق از میان رفته و وصالی گردیده است.

جلد تیماجی، کاغذ خانای و فرنگی، واقف سیسالار، وضع خدنی، شماره اوراق (۱۴۳)، صفحه ای (۱۷)، سطر، طول (۲۴ سانتیمتر)، عرض (۱۷ سانتیمتر)، شماره اجزاء (۲۷۱۹).

### ۵۰۹ | دیوان ابن خفاجه (عربی)

ابن خفاجه (ابو اسحق ابراهیم بن ابی الفتح بن عبدالله بن خفاجه، ۴۵۰-۵۳۳هـ) (۱) از شعرای اندلس میباشد، فتح بن خاقان گوید: در غید فطر سال ۵۱۰ او را در شاطیبه دیده ام و از آثار او نقلهایی نموده، دیوانی بسیار نیکو دارد، در جزیره شقر که از توابع بلنسیه است متولد شده و از پادشاهان محاصره خویش که اردربای بی پایان آنها ادبا بهره مند میشدند هرگز بهیزی نخواست و این سخن را گوید: *شقر* بضم شین و سکون قاف و را، همه لهجه برکم چکن است و این شاطیبه و بلنسیه و آنرا بدین سبب جزیره گویند که احرام آنرا آب فدان نامه بنامه بنامج بهاء موجوده و فتح لثم و سکون نون و کسر دال و همزه و فتح دال و منقلبه است و اندلس بنامج همزه و سکون نون و منج دال و ضم لثم و همزه و این (اندلس) جزیره ایست که متصل است به *بر الطویل* و *بر الطویل* جسمیده به قسطنطنیه بر آن است و او را جزیره گویند چرا که دریا از اطراف بر آن احاطه دارد و بحر از آن شمال و مثلث شکل است و در کن شرقی آن متصل بکوهی است که راه فرنگ از آنجا است و هر گاه بود دو دریا یک دیگر متصل میشدند و گویند نخستین کسی که اینجا را آباد کرده اندلس بن نوح علیه السلام بوده است (تمام تذکرات ابن خلکان).

(۱) وفیات الاعیان ج ۱ ص ۱۴، تلخیص العقیان ص ۲۳۰-۲۴۱، معجم البلدان ج ۱ ص ۳۷۵-۳۸۸ و معجم المصنوعات ص ۹۵ مراجعه شده است.

( اندلس جزء کشور اسپانیا می‌باشد و کوه نام برده « پیرنه » است که میان فرانسه و اسپانیا می‌باشد ) .

ابن خفاجه در مقدمهٔ ادبیانهٔ ایکه خود بر این دیوان نوشته گوید : در آغاز جوانی عشقی بخواندن دیوان سید رضی موسوی و مهیار دیلمی و عبدالمحسن صوری داشتم و از مطالعهٔ آنهار قتی که مناسب روزگار جوانی بود نصیب گردید ، در اقتدای ایشان بنظم اشعار مشغول شدم ، چون روزگار جوانی سپری شد و صبح پیری دمید از این کار دست کشیده و روزگار درازی بگفتن شعر مبادرت ننمودم ، در این روزگار که عمرم نزدیک به تمامی بود امیر اجل ابواسحق زامدار جزیرهٔ اندلس گردید و مقبر شد برای تهنیت امارت شرفیاب حضورش گردهم ، الطاف و مرحامه و عطایا و احسان پاپی امیر مدکور طبع خمول و افسرده امرا بانشاء نظم و نشر وادار نمود ،

دوستان گردآوری آثارم را خواستار شدند با آنکه پیری مانع بزرگی بود و بسیاری از گفته‌های پیمینم یوسید و برخی فقط جز در سبهای اشخاص یافت نمیشد ، چون آنهار را بررسی کردم پاره ای را نابستهٔ نحو و برخی را بانذک اصلاح و تصرفی لایق اثبات یافتیم ، برای آنکه مطالعه کننده از یک نواخت بودن آن خسته نشود قسمتهای تشری را که آثارم همراه داشت در اینجا نیز گذاردم الخ .

در این دیوان چند تاریخ یافت میشود که نزدیکترین آنها به ما ، سنهٔ ۱۰۱۴ هـ را که شاعر در آن هنگام ۶۴ سال داشته معین نموده و گذشته از مکاتیب و عناوین مطالب و مقدمات آنها شامل قصائد و غزلیات و مرثی و غیره میباشد و ترتیب صحیحی ندارد ، در مقدمه و عده داده اگر عمر بیایان نرسد خود وی این دیوان را بترتیب قوافی مرتب نماید ولی معلوم نیست که موفق شده یانه .

این دیوان بسال ۱۲۸۶ در چاپخانه جمعیه المعارف در مصر چاپ شده و در حدود ( ۳۷۰۰ ) بیت از نظم و نثر است .

آغاز : بسم الله قال الوزیر (۱) ابواسحق ابراهیم بن ابی الفتح بن خفاجه . . . . .

(۱) در اول و آخر این نسخه و بر این عنوان وزیر نام برده ولی در مآخذ نام برده این مقام برای وی تذکر داده نشده است .

الحمد لله الذي عمّ بفضلله ومن بعد وفقتك اللسان برحمته الخ .

(۱۱۵۶)

دیوان

این نسخه بخط نسخ (ظاهراً در قرون نهم) نوشته شده ،

ابن خفاجه

نویسنده از خود نام برده و باین جمله ختم میشود: کذل

شعر الوزير الفقيه الجليل ابن اسحاق ابن ابراهيم بن ابي الفتح بن

خفاجه اعزه الله وذلك في اليوم السابع عشر من شهر شعبان المكرم عام ست وتسعين و  
خمسة رحمة الله تعالى آمين .

ولی نگارنده تصور میکند که این تاج بن کلمات نسخه نیست و این تاج بخ ظاهرأ

آخر نسخه ای بوده که این نسخه را از روی آن نوشته اند و تاج نگارش نوع  
و کاغذ او این احسنه الرامه میباشد .

گذشته از یادداشت اعتناء السلفه که سال ۱۳۱۵ هـ و اندک بعد از وقفنامه

کتاب بر ورقیکه پیش از بر آب نخستین نسخه میباشد این نوشته است نوشته شده

من کتب الفقير الحاج محمد بنان سنة ۱۱۹۷ هـ اوله تقریر و اوله من غفر الله لهما .

و پشت بر آب نخستین یادداشت است که در این نسخه است و این تاج بخ

وجود دارد .

یادداشت فراموشی . و آب بر این نسخه در حدود ۱۳۱۵ هـ و اندک بعد از وقفنامه

(۲۵) دفتر . مؤلف (۱۳۱۵ هـ) . و در این نسخه ۱۳۱۵ هـ و اندک بعد از وقفنامه (۱۳۱۵ هـ) .

| ۵۰ | دیوان ابن فارض ( ۱۳۱۵ هـ )

ابن فارض ( شرف الدین ابو الفتح محمد بن علی بن الحسن بن علی بن محمد بن

علی الجموی المصربی ۵۷۶ هـ ( ۱۱۳۰ - ۱۱۹۱ ) از مشهور و نامدار شاعران سلفه است

(۱) در مآخذ معتبره دیده میشود که این شعر و تاج بخ در این نسخه و در نسخه دیوان

(مردود) است این تاج بخ در ۷۷۷ هـ و اندک بعد از وقفنامه

(۲) در نسخه افزوده این دیوان (عنوان آن) که در نسخه معتبره است و در این نسخه ابن فارض

میباشد این شرح با عنوان «تاج بخ» در ۱۳۸۲ هـ و اندک بعد از وقفنامه ۲۷۶-۲۷۹ هـ

تألیف الفزونی ج ۱ ص ۴۹۹ و در ۱۳۸۲ هـ و اندک بعد از وقفنامه ۱۵۳۰ هـ و اندک بعد از وقفنامه ۵۰۶

معجم الطیوب ج ۱ ص ۲۰۰ و ۲۰۱ هـ و اندک بعد از وقفنامه

(۳) ابن حاتم کوبک در این نسخه و در نسخه معتبره و در نسخه معتبره و در نسخه معتبره و در نسخه معتبره

حیات مشهور به فارض است و این شعر و تاج بخ در این نسخه و در نسخه معتبره و در نسخه معتبره و در نسخه معتبره

دیوان وی بهترین گواه بر مراتب فضل و ادب و سیر و سلوک او میباشد ، تائیه وی بسیار مشهور میباشد و شروع زیاد بر آن نوشته شده ، این قصیده موجب شد که جمعی ظاهر بینان ذر عقائد وی شبهه ناک شوند و بعضی بی باکانه او را تکفیر و تفسیق کردند ولی گروهی در این قصیده با دقت و امعان نظر نگاه کردند و بیشتر بوی گرویدند و برخی هم میانه را گرفته و در نفی و اثبات وی چیزی نگاشتند و چنانکه از اشعار او استفاده میشود امامی مذهب بوده و قاضی در بخالس او را بدین وصف معرفی کرده است .

سبط ایشان که علی نام داشته مقدمه ای بر دیوان ابن فارض بنام «عنوان الدیوان» نوشته و در آن بشرح حال و مقامات جدّ خویش پرداخته و چند مکاشفه او را نقل نموده و از تاریخیکه در این مقدمه بمناسبت یاد شده معلوم میشود که انشاء آن مقدمه پس از سال ۷۱۰ بود و در اینجا است که نسخه بردارندگان از دیوان تصحیف و تحریفهای زیاد کرده اند و من این دیوان را از روی نسخه ای که بخط ابن فارض پیش خودم بود و نزد پدرم شیخ کمال الدین نعمد آنرا یاد گرفته و با کمال دقت در تصحیح و یاد گرفتن مطالب آن کوشش نمودم و ایشان از پدرش این دیوان را (مگر يك قسمیده که در مکه انشاء فرموده) شنیده و بروی خوانده بود و این دیوان را خود وی (ابن فارض) پس از ایام تجرید خویش در مصر مرتب کرده است .

شیخ بهائی ره در جلد سوم کشکول تائیه ای بام تائیه صغری از ابن فارض نقل نموده است .

بر این دیوان شروع چندی نوشته شده و بعضی از آنها چاپ شده و در این کتابخانه شرحی است که معرفی از آن خواهد شد و خود این دیوان مکرر در مصر و بیروت و اروپا با ترجمه لاتینی و آلمانی چاپ گردیده است .

آغاز مقدمه (عنوان الدیوان): بسم الله الحمد لله الذی اختص حبیبه الاسبی بمقام قاب قوسین او ادنی الخ .

آغاز دیوان: سائق الاطمان یطوی البید طی      منعما عرج علی کتبان طی .

(۱۱۵۷)

دیوان

ابن فارض

این نسخه را بخط نسخ سال ۱۰۵۹ خ لوق بن عبد الله بن سلام نوشته ، پس از اتمام نیز همین نویسنده دو قصیده که نیز بوی نسبت داده شده نگاشته و پشت صفحه نخستین مهر معتمد الدوله که مسلمان از فرهاک میرزا نیست زده شده و مقدمه ای را که سبط وی نگاشته شامل می باشد . جلد تیماجی . کاغذ کشمیری . واقف سه سالار . قطع ربی . شماره برآورد ( ۱۱۹ ) . صفحه ای ( ۱۳ ) سطر . طول ( ۱۹ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۲ سانتیمتر ) . شماره ثبت ( ۳۱۲ ) .

(۱۱۵۸)

دیوان

ابن فارض

این نسخه را بخط نسخ سال ۱۰۷۴ طاهرا بن خاتم نوشته ، چهارده بیت در آخر از نسخه بالا بیشتر دارد و مقدمه نام برده را نیز داراست ، پشت صفحه نخستین یادداشت هایی می باشد و نیز پشت آخرین صفحه یادداشتی شیرین مینی بر روی کتابچه ای چوبه مهمانی بسیار کمی است .

جلد میش نیم شربی . کاغذ سمورمندی . واقف سه سالار . قطع ربی . شماره برآورد ( ۱۰۵ ) صفحه ای ( ۱۳ ) سطر . طول ( ۲۰ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۴ سانتیمتر ) . شماره ثبت ( ۳۱۰ ) .

۵۱۱ | دیوان ابو تمام طائی ( ۱۰۵۸ )

ابو تمام طائی (۱) (منه ب بن اوس بن الحداد الطائی . ۱۵۸۲-۱۲۳۳) از مشاهیر شعرای عرب می باشد از قبله منی ابو تمام در تبعه و حاکم طائی در بغداد و در شیر طائی در زهد شهره آفاق می باشد ، قاضی نور الله در بحواله المصنف . ابن کثیر رحمت الله علیه . کتاب الحیوان «جامعاً تشیع ویرا نقل نموده و توفیق قدس دهنی در شرح المصنف . السلام از حضرت علی بن ابی طالب . حضرت ابو جعفر محمد بن تقی بن موسی الرضا علیه السلام

(۱) وفیات الاعیان ج ۱ ص ۱۲۱-۱۲۳ . شرح المصنف ج ۲ ص ۱۲-۱۷۴ . بحواله المصنف ص ۴۷۸-۴۷۹ . کشف الصنون ج ۱ ص ۵۰۱ و بحواله المصنف ص ۲۹۶ و ۲۹۷ . در حواله نوشتن این شرح مراجعه گردیده است .

(۲) ابن خلدکان تولد ورا آینه از سال ۱۷۲۳ و ۱۹۲۲ . برآورد نموده است .

(۳) ابن خلدکان وفات ورا آینه از سال ۲۲۸ هجری قمری و ۲۲۹ و ۲۳۲ نیز نقل نموده است .

که امام زمان وی بوده انشاء نموده ، در شذرات الذهب شرح مفصّلی در شرح حال و معرّفی مقامات علمی و ادبی ابوتمام و مقایسه او بامتنبی و بحتری بنقل از المثل السائر و بیانات ابن الاهدل نگارش یافته ، برای شناختن این شاعر مطالعه آن بسیار سودمند و ابن خلّکان در باره وی پیش از صاحب شذرات شرحی مفصّل نگاشته ، گویند که چهارده هزار ارجوزه غیر از قصائد و قطعات در حافظه خویش جا داده و در آغاز جوانی در یکی از مساجد شام سقائی مینموده و پدرش نصرانی بوده است .

از ابوتمام چهار کتاب بیادگار مانده که هر يك شامل نفایسی میباشد : ۱ - دیوان حماسه ( در همین فتمل زیر یکی از شروح آن (شرح ابن فارس) معرّفی خواهد شد ) ، ۲ - فحول الشعر ( در این کتاب جمعی از شعراء جاهلیّین و مخضرمین (۱) و اسلامیین را ذکر نموده ) ، ۳ - الاختیارات من شعر الشعراء و ۴ - دیوان اشعار خود وی .

ابوتمام دیوان خود را جمع نکرده و پس از وی دو نفر بدین کار مبادرت کرده اند : ۱ - ابوبکر صولی ( ابوبکر محمد بن یحیی بن عبدالله معروف بشطرنجی مؤلف « ادب الکتاب » متوفی بسال ۳۳۵ یا ۳۳۶ (۲) .

۲ - علی بن حمزه اصفهانی (۳) است و اوّلی آنرا در هشت باب ( ۴ ) بشفصیل

زیرین بترتیب حروف تهجی موافق قوایی اشعار مرتب نموده :

- (۱) مخضرمین شعرائی را گویند که درک زمان جاهلیت و اسلام را کرده اند .
- (۲) ابن تاریخ از س ۱۲۱۸ معجم المطبوعات نقل گردیده است .
- (۳) در کتب سیر و رجال بشرح حال و زمان این دانشمند دست نیافتم فقط در ص ۴۸۰ روضات در ذیل ابونعم بصری ( علی بن حمزه ) گویند: و این شخص غیر از علی بن حمزه بن عمار بن حمزه اصفهانی است که صفدی او را نام برده و گویند از ادباء مشهور و مؤلف « کتاب الشعر و فقر البغداد و ولایت الشرف میباشد . و در کشف الظنون این سه کتاب نام برده نشده است .
- (۴) در وفیات الاعیان و کشف الظنون مذکور است که ابوبکر صولی این دیوان را مرتب بترتیب حروف نموده و علی بن حمزه اصفهانی آنرا بحروف مرتب نکرده ولی به انواع تقسیم کرده ولی در ابتداء ابواب نسخه این کتابخانه که مرتب به انواع هشتگانه موافق تقسیم بالا میباشد تصریح گردیده که ابوبکر صولی مرتب این دیوان بدین ابواب میباشد بنا بر این وجه جمع میان دو اینست که گوئیم ابوبکر صولی آنرا مرتب با ابواب مرتبه بحروف چنانکه نسخه این کتابخانه است نموده ولی علی بن حمزه مرتب با انواع و ابواب کرده و مرتب قوافی را موافق ترتیب حروف تهجی منظور نداشته و اختلاف تنظیم مطالب ابواب در نسخه چاپی با آنچه پشت صفحه نخستین آن تذکر داده شده و نسخه این کتابخانه ، مؤید مرتب بودن هر دو به انواع است .





نظامی عروضی ، مسعود سعد سلمان و معاصرین اینها بوده و مرتبی وی ابوالقاسم  
بجدالدین علی بن جعفر بن حسین قدومه موسوی بوده که او را رئیس خراسان  
مینوشته اند و ادیب بدین نام و کنیه و لقب از وی نام برده :

حمایت و کفایت بنجدالدین      ز شرم عادت او دین بنجد را مامن  
جلال آل پیمبر علی بن جعفر      که ذات کامل او چون علی است در هر هنر  
ابوالقاسم علی تاج المعالی      که چرخ فضل و خورشید و تبار است  
و در مغربی است

ابر سخی حدیث و حکایت به بحر و بر      از مجلس رئیس خراسان کند همی ،  
نزد سلطانات سنجر ( ۵۱۱-۵۵۲ )      تقرب و احترام داشته ، گویند صابر  
را بنام رسالت بیش اتسار خوارزمشاه ( ۵۲۱-۵۵۱ )      فرستاد ، اتسار او را در  
خوارزم نگاه داشت ، چون ادیب صابر مستحقتر گردید که برای کشتن سنجر دو  
نفر را اتسار بمر و فرستاد ، سنجر را آگاهی داد ، بدین واسطه از کشتن رهائی  
یافت و آن دو نفر را کشت ، اتسار چون بدین کار ادیب آگاهی یافت فرمان داد  
تا او را در شب بجزایح انداخته و غرق کردند .

نخایص ادیب چون نامش صابر میماند ( و گرچه در حوادث صبر بهتر بود )  
نیم بی تو چو نام خویش صابر ( ولی عموما در قصائد و غزلیات تخلص خود را  
نیاورده و بیشتر از اشعار وی در مدح ابوالقاسم موسوی و محمد بن طاهر الحسینی  
( اجل محمد بن طاهر الحسینی کوسست      بحسن و حمد و جلالت زمانه را منهای )  
بوده و بعدی در اظهاراتش این دو بزرگ به حضرت حیدر گرا ( ۱ ) علیه السلام

( ۱ ) در مدح سیادت و در مدح هنر      کوئی درست حد در کار دیگری  
خیبر علی گرفت و گرفت دشمنان      خواری ز عز و جودان خبری

شاد و بدی که از عالم و در عالم      ز حذر از بیم یار کار است  
و نیز این ابیات دال بر تتبع ادیب است :  
مهدی بود که دفع کند صام را بدلی      مهدی توئی بدین صفت اندر دیار خویش  
و در یکی از ترکیب آمده است :

هم مصطفی نسب بود و مرتضی حسب      جز مرتضی حسب بود مصطفی نسب  
و نیز در ترکیب دیگری است :      ای رفعت و علو علی مرتضی تو را      عالم و وفا و فضل علی الرضا تو را .

بی اختیار بوده که بدین سبب توان جزم داشت که امامی مذهب بوده و در این بیت هم تصریح به تشیع خویش نموده :

ز روز کار بدردم زدوستان محروم      چو مرتضی بامامت چو فاطمه ز فداك (۱)

از آنکه معتقد مرتضی و فاطمه ام      کزین حصول درج باشد و خلاص درك  
چندین مدیحه درباره آتش خوارزمشاه دارد و سلطان سنج را هم مدح گفته  
و قصیده ای غرا در ستایش وی سروده و از اینکه سنجر خود را برادر مرشد و مقتدای  
ادیب ( ابوالقاسم علی بن جعفر ) خوانده او را تحسین و ترحیم کرده است .

در مقدمه نسخه زیرین تذکر داده که ادیب صابر را دیوان به رنگی است و این  
قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات افتاد ( ظاهر آگاه بدست از قلم نویسنده  
افتاده است ) و بر حسب شماره نگارنده نسخه این کتابخانه در حدود ( ۵۲۰۰ )  
بیت شعر میباشد در لباب الالباب ( ۹۴ ) و در هفت اقلیه ( ۵۶ ) و در مجمع الفصحاء  
( ۷۰۰ ) و در سخن و سخنوران ( ۱۷۲ ) بیت ( بعضی ابیات هم در دو کتاب تکرار  
شده ) از این ادیب انتخاب و چاپ گردیده است .

قصائد ادیب صابر موافق قوافی مرتب بحر و فیهی میباشد و این غزلیات  
و قطعات و رباعیات وی مرتب نیست ، نسخه این دیوان سر دار معظم  
خراسانی ( خصوصیات آن در فهرست کتابخانه خودسر نگارنده خوانده شود ) تهیه  
نموده شامل ۵۳۳۴ بیت و تمام مباحث آن مرتب بحر و فیهی موافق قوافی است  
و نسخه دیگر آن کتابخانه که ۵۲ سال پیش از آن نوشته شده شامل ۴۹۱۴  
بیت میباشد .

آغاز: (۲) نو بهار بدیع بی همتا      همتن بذل کرد در صحرا

(۱) در ص ۱۲۳ ح ۲ ابیات امامت در این بیت خلافت میباشد ولی در هیچ نسخه ای است .  
(۲) بسملة ملك الشعر ا حلال البین ادب صابر شاعری است و بدو در از افاضل مشهور مردم و در تاریخ  
غزالی خوانده که خون الخ .

(۱۱۶۰)

دیوان

این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۶۰ (۱) نوشته شده ، پیش

از شروع بنوشتن دیوان ، شرح حال مختصری از ادیب که

آغاز آن در حاشیه صفحه پیشین نقل گردید ، ( در ۱۴ بیت )

ادیب صابر

نگارش یافته است .

جلد نهمایی ، کاغذ فرنگی ، واقف سیه سالار ، قطع وزیری کوچک ، شماره اوراق ( ۱۸۷ ) .  
صفحه ای ( ۱۶ ) سطر . طول ( ۲۲ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۴ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۷۸ ) .

[ ۵۱۳ ] دیوان ازرقی ( فارسی )

ابوبکر بن اسمعیل و راق هروی متخلص به ازرقی (۲) یکی از شعرای مشهور

ایران میباشد ، حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده لقب او را افضل الدین و هدایت

در مجمع الفصحاء زین الدین ثبت کرده اند و عوفی و امین احمد رازی او را بدین

عنوان : الاجل الحکیم شرف الزمان ابوالمحاسن الازرقی الهروی معرفی نموده و او

را از مخصوصان طغان شاه خوانده و زمان او را بر معزی سابق دانسته و گویند :

« دیوان او خود بتمامت غریب و عجیب است و تشبیهات و نوادر او دل فریب »

گذشته از دیوان دو کتاب منظوم دیگر به ازرقی نسبت داده شده یکی الفیه

و شلفیه (۳) و دیگری سند باد میباشد (۴) و خود بدین مؤلفه خویش در این بیت

( هر که بیند شهر یارا پند های سند باد نیک داند کاندراودشوار باشد شاعری )

(۱) تاریخ نگارش این نسخه مسأله در این سال میباشد و نویسنده عبارت عربی غلط نوشته و سال دیگر از آن استفاده میشود .

(۲) از این شاعر درس ۸۶-۱۰۴ ح ۲ باب الباب و ۳۱۸ و ۳۱۹ (حواسی) آن و ص ۴۳ و ۴۴ چهار

مقاله و ۱۷۱-۱۷۸ (حواسی آن) و تاریخ گزیده ص ۸۱۴ (عکسی) و ص ۱۳۹ ح ۱ مجمع الفصحاء

و ص ۵۳۶-۵۴۲ هفت اقلیم معرفی کردند و در نگارش این شرح بدانها مراجعه شده است .

(۳) الفیه و شلفیه و سندباد گویند دو کتاب از کتابهای باستانی میباشد درس ۸۱۱ و ۸۴۴ تاریخ

گزیده (حباب عکسی) نیز از سندباد و ترجمه ترکی آن یاد شده و آقای قزوینی در معرفی از آنها

و ترجمه های تشریح و نظم که از این دو گردیده درس ۳۱۸ و ۳۱۹ جلد اول باب الالباب (قسمت

حواسی) و در ص ۱۷۱-۱۷۴ چهار مقاله نظامی عروضی (در تعلقات) شرح مفصل و مفیدی

نگاشته اند .

اشاره نموده است وفات ازرقی در جمیع الفصحا بسال ۵۲۶ و در فهرست کتابخانه مجلس (ج ۱ خطی) سال ۵۲۶ یا ۵۲۷ ضبط گردیده ولی علامه تحریر آقای قزوینی در حواشی چهارمقاله وفات ازرقی را پیش از سال ۶۵ که سال جلوس ملک‌شاه است دانسته اند و در اینجا نیز تذکر داده اند که طغانشاه ابن ارسلان از طرف الب ارسلان حاکم هرات بوده ولی کاملاً مجهول است و بعضی که مدوح ویرا سلطان‌شاه ابن مؤید دانسته و بهمین جهت بیت او را که شامل مدح آن پادشاه بوده بام این پادشاه کرده اند راه غلط پیموده اند و این پادشاه اخیر از سال ۵۶۹ تا ۵۸۱ سلطنت داشته و پدر ازرقی اسماعیل وراق است که فردوسی را در هنگام فرار از سلطان محمود رشش ماه جای داده و بر حسب عادت مشکل است پس راویان این شاه‌شاهان ذکر کرده باشند. دیوان ازرقی که شامل قصائد و رباعیات می‌باشد، موافق نسخه ای که در کتابخانه مجلس موجود است در حدود (۲۴۰۶) بیت شعر (قصائد و ۲۱ قطعه شامل ۱۵۲ بیت و ۷۷ رباعی) می‌باشد، ۷۶۲ بیت از آن در جمیع الفصحا و ۲۲ بیت در باب الالباب چاپ گردیده ولی تمام آن تا کنون چاپ نگردیده است.

آغاز: بسم الله، چه جر مست این که هر ساعت زهر موج نملکون بر زبان

زمین را سایمان بندد بد پیش کبیر خضر الان

(۱۱۶۱)

دیوان این نسخه فقط شامل قصاید ازرقی می‌باشد و در ۱۱۶۹ بیت می‌باشد،

بخش شکسته نسخه تعلیق بسال ۱۲۶۱ نوشته شده و در ۱۱۶۹ بیت و ۷۷ رباعی

ازرقی هروی معانی برخی از واژه‌های مذکور این یادداشت گردیده است.

جلد مقوای، لغت فرانکی، واقف سیه سالار، قطع وزیری، نوع - - - - - نور و (۵۵).  
صفحه ای (۱۷) - - - - - طول (۲۴ سانتیمتر) - عرض (۱۵) - - - - - نور و (۴۷۶).

| ۵۱۴ | دیوان اسمیری (فارسی)

شیخ شمس الدین محمد بن یحیی (۱) بن علی لاهیجی متوفی بسال ۱۲۵۱ (۲) که یکی

از خلفای سید محمد نور بخش (۷۹۵-۸۶۹) (۳) مؤسس سلسله نور بخشیه است که

(۱) درس ۹۵۹ هفت اتیم در ذیل لاهیجان زبیر توان مانی یحیی گوید: - - - - - ضعیف عبدالله

(نور بخشیه ۱۵۹۹-۱۶۰۰)

شرح گلشن راز و مثنوی اسرارالشهدود وی (در همین فصل از این دو کتاب معرفی میشود) حاکی از مراتب فضل و کمال علم و ادب و عرفان ایشان میباشد، پس از مراد خویش در شیراز رحل اقامت انداخته و بدستگیری مشغول و خانقاهی بنام فوریه ساخت و در همانجا ب خاک سپرده شد.

گذشته از ادله ای که قاضی نورالله بر تشیع وی نقل کرده در دیوان وی ابیات زیادی میباشد و از آنها این بیت: (مرتضی آن منبع صدق و صفاء آن وصی و جانشین مصطفی) صریح در تشیع اوست.

دیوان لاهیجی (اسیری) شامل غزلیات و رباعیات است که بترتیب قوافی مرتب بحروف تهجی بوده و غزلیات نسخه این کتابخانه اوراق آن جابجا گردیده چندورقی هم از آن افتاده و تمام دیوان موافق نسخه ای که در یکی از مجموعات کتابخانه مجلس موجود است در حدود (۴۳۹۰) بیت میباشد و نسخه این کتابخانه در حدود (۳۰۰۰) بیت است و قاضی نورالله گفته اند که «دیوان او مشهور و شطری از اشعار ایشان در شرح گلشن راز موجود است».

در آخر نسخه (دیوان) این کتابخانه دو رساله کوچک که یکی در شرح این رباعی: از پنجه پنج ششدرشش بدرآی و زکش مکش سپهر سرکش بدرآی خواهی که چشی ذوق خوشیهای عدم از ناخوشی وجود خوش خوش بدرآی. و آغاز آن اینست: بسم الله... حمد و سباس و ثنای بیقیاس حضرت واجب الوجودی را که اعیان ممکنات الخ (در ۷۷ بیت)

و دیگری که ناقص است و از آن ۸۹ بیت مانده در شرح این بیت است: ز دریای شهادت چون نهنگ لا برآرد هو تیمم فرض گردد نوح را در وقت طوفانش (نسخه کامل این رساله در کتابخانه مجلس موجود است)

(بفیه حاشیه از صفحه ۵۵۸)

بقینی (بیش از این بقینی را نام برده و گوید از جانب پدر بسلسله نوربخشیه می پیوسته) است و گذشته از شاعری بزی اهل نصوص درآمد و ریاضات زیاد کشید. و ظاهر این قاضی بدراسیری است (۲) شرح حال این مرد را درس ۳۱۶ و ۳۱۹ مجالس المؤمنین و درس ۱۴۳ ج ۲ طرائق و ص ۴۰ ریاض المعارفین (حاج اول) و مختصری درس دانشمندان آذربایجان نگاه کنید.

(۳) از ص ۳۰ ج ۳ طرائق و ص ۳۱۲ و ۳۱۵ مجالس المؤمنین که شامل شرح حال آنجناب میباشد بن تاریخ نقل گردیده.

و آغاز آن اینست بسمله . . . . . حمد و سپاس بپسند بر حضرت احد صمد  
و درود و ثنای بی عدد بر پیغمبر ما محمد ص متواتر و متوالیاً الی الابد الخ. و در  
مجموعه کتابخانه مجلس رساله ای ( در حدود ۱۲۰ بیت ) در شرح دو بیت از مولوی:  
چونکه بی رنگی اسیر رنگ شد الخ بفارسی موجود و آغاز آن اینست: بسمله الحمد لله  
الذی کان احادیته الخ.

گذشته از طرز عبارت این رساله و تصریح بر ارادت به سید محمد نور بخش در آن، که دلیل  
بر نسبت به اسیریست، بر نسخه مجلس صریحاً این دور رساله به اسیری نسبت داده شده است.

(۱۱۶۲)

دیوان اسیری این نسخه بخط نستعلیق ( در اوائل قرن یازدهم هجری نوشته

شده ) در آخر مثنوی اسرار الشهود تاریخ اتمام سال ۱۱۸۲

یادداشت گردیده ولی این تاریخ اصل کتاب نیست بلکه هنگام تکمیل نقص و افتاد های

آن کتاب میباشد و طرز کاغذ و نگارش مؤید است )، مثنوی اسیری که آنرا

« اسرار الشهود » نامیده و در همین فصل از آن نام خواهیم برد بیش از غزلیات

گذارد شده و دو رساله که در معنی یک رباعی و یک بیت میباشد و مختصر معرفی

از آن گردید پس از رباعیات اسیری است، و اوراق غزلیات چهارم آمده و برخی از

آنها افتاده و دو مکتوب دوستانه در حاشیه چند صفحه آن نگارش یافته و رساله

دوم ناقص و آخرین سطر آن اینست: عزم سرادقات حضرت الهی خواهد بود بیت:

ز من جان بدر این پند بپذیر  
برود امان صاحب دولتی کبیر

که قطره تا صدف را در نیابد  
نکسند گوهرو رویش نسابد.

آغاز نسخه: ای اسیری چون گرفتار شدی دانه خون دل از دیده ببار

انجام نسخه: مامست شراب وصل یارید از درد و حیلان خبر ندارم.

پشت صفحه نخستین رساله اوله کلمی با مناد قریبه شده و ظاهر اثر فضلعلی

قاجار است که در آخر اسرار الشهود نیز کلمی سال ۱۲۲۳ ترسیه کرده و در آنجا رقم

کرده است.

حلد تیماجی، کاغذ سمرقندی، و اوقف سمسار - قطع ربعی، شماره اوراق ثانی (۱۸۹) دیوان

(۹۱). صفحه ای (۱۷) سطر (۱۹) - طرز (۱۲) - شماره کتابخانه

(۲۴۶).

## [۵۱۵] دیوان اظهري (فارسی)

اظهري يکي از شعراي بسيار عاليجناب عصر صفوي مي باشد ، در کتب تذکره و سائر مآخذ که در دست نگارنده مي باشد نام و اثری از وی نيافته ام ، در آخر اين ديوان خود تصريح نموده که نامش بوداق بوده (در يکي از ابیات ديوان نيز تصريح باین نام کرده ) و تولدش را بسال ۹۹۱ اشاره نموده قصائد ، غزلیات و مقطعات و مثنوی و رباعیات وی هر يك دارای روحی لطیف و عباراتی دلنشین مي باشد و در ابتداء ديوان بسال ۱۰۳۰ ديباچه ای بثر ، چون آب زلال انشا نموده و در آغاز غزلیات نيز ديباچه ديگری دارد و از مندرجات در متن و حواشی نسخه زیرين که نخستين نسخه ديوان اين شاعر مي باشد بدست می آید که تا سال ۱۰۶۱ زنده بوده و پس از اين سال که شاعر هفتاد سال داشته از او خبری ندارم و اشعاري که در حاشیه صفحات از انواع نام برده بالا نوشته شده ، پس از اتمام نسخه مي باشد که بسال ۱۰۵۴ نگارش یافته است .

اظهري از اينکه ديگری در اصفهان تخلص ويرا برداشته شکایت نموده و گوید:  
 قريب پنجه سال است کين تخلص من      به اظهري شده در روزگار افسانه  
 ز حال غره بی دانشی ابوجهلی      که در فرائض اسلام هست بيگانه  
 بخود تخلص من بسته از تهی مغزی      که تابگويند او نيز هست فرزانه الخ  
 و در اين ديوان نظمی بتاريخ سال ۱۰۱۲ که شاعر ۲۱ سال داشته وجود دارد ، و در اين دوبيت تصريح نموده که اصلش از شیراز است:

گر نیم يونانی اما اصلم از شیراز بس      کو حکیمی تا ز فضل مایه حکمت برد  
 شد مزاجم منقلب با آنکه در اين روزگار      ارطیون طبعم از يك نسخه صد جان پرورد  
 برای هر يك از قصائد خویش نامی بدین گونه گذارده ، وردالابرار ، ضياء القلوب ، منتخب النفائس ، تحفة الخيال ، امواج العباد ، فخر السالكين ، افتخار الملوك ، تحفة الاغنياء و انوار العيون .

و چون نام و آثاری از اين شاعر در تذکره ای نيست خواستم از اشعار وی انتخابی نموده و نمونه ای از آثار اين شاعر را بنظر خوانندگان گرام برساند ، بهر



قسم از اقسام اشعاروی توجه نموده نقل آنرا ترجیح بلا مرجح یافته برای رفع تردید

بخود دیوان تفأل زدم

این قصیده که آنرا «سويداءالضمير» نامیده آشکارا شد :

هر چند که شایسته شمشیر بلایم	یکباره مدارای فنک این ظلم روایم
در پای میفکن که گرانایه مناعم	در دام میازار که فرخنده همایم
بر تخت فراغت کهر اسر شاهم	در هیچ قناعت دُرر گوش گدایم
در زیر لب خسته دلان نکه مهرم	بر اوج دن سیمبران حرف وفایم
چون کلک قضا چهره گل گشت نگارم	حون باد سحر طره شیرنک گشایم
در محفل نازک بدانان نوکل حسنم	بر مشهد خونین افغان مهر گشایم
ذوق دل اطفال گلستان چو نسیم	زات رخ کنیز انکوئی حو حجابم
در ناصیه کینه ورن عقده گذارم	از آینه تیره دلان زنگ زدایم
در زب گلستان کهر آمیز مسایم	در بزم ریاحین ضرب انگیز صبایم
چون یاد رخ شمع و شان شعله فروزم	چون درد دل غمزدگان ناله نازایم
چون بیک غم ماه رخان سیئه نوردم	حون دست دل درد کسان جیب کشایم
افلاک برد فیض ز سیاره فکرم	خورشید کشد شرم ز آئینه رایم
طوطی رود از هوش ز شیرینی نطقم	ببن آمد از ناله ز گیسایک نویم
طاوس ارم بر تن خود جامه زند جاک	از غمت این خیره صد رنگ نمایم
ازبال طبیعت بوده جمده که آن موج	کز جان ملائک نرود ذوق هوایم
آندم که باقلب تخیل قدمم سر	حون سایه دود روح عطارد ز قفایم
بر خاک نازدست ازان بر تو خورشید	تا عارض خود سوده اندر ته رایم
ای چرخ نکوئی که به آن کرمی بازار	با این کهر ضبع حد دندی به بهایم
یکبار بنه کوش رضا بر سخن من	بی مصاحبی نیست با کرم هرزه سرایم
از سستی آیین تو شد ورته نمودی	کنج دو جبین بختش ایام ندایم
من با بدم مرث برای تو دویدم	هرگز تو رفی سر موئی بر ضایم
ای سنگدل آخر جو توئی راحه سرایت	کرم که سر سراز از جیب دعایم
و سیر اندازی رزم توازین بس	دبیر دگر نیست تو دای و خدایم

قصائد وی مرتباً در توحید و نعت پیغمبر اکرم ص و مناقب ائمه اثنی عشره و مدح

شاه عباس کبیر و شاه صفی و شاه عباس ثانی و امراء آن عصر و دیگر مطالب عرفانی

و وصف فصول و غیره است .

و در این دیوان ماده تاریخهای زیاد موجود و از اشعار وی برمی آید که تا آخر  
 عمر جوانی را ترك نگفته و خود مکرر اظهار خجلت نموده از آنهاست :  
 کار تو اظهري همه لهو و لعب بود آسوده دل ز زلف پریشان نمیشوی  
 مویت سفید گشت ازین کار های بد رویت سیاه باد پشیمان نمیشوی  
 برای اینکه نمونه ای از نثر این شاعر را هم نشان داده باشیم بنقل این بخش  
 که در آخر دیوان ( نسخه زیرین ) نوشته مبادرت کردید :  
 ناظمه و کاتبه العبد العاصی بوداق اظهري

خود بعضیان خود از شرم گواهی دارم تکیه بر مرحمت عفو الهی دارم  
 لله الحمد که در سن شصت و سه سالگی بهوا داری عینک که معاون دیده روزگار دیدگانست  
 بترتیب و تحریر این نسخه مبادرت نمود و آنچه از حوادث دوران و تطاول زمان از جمله دوشیزگان  
 طبیعت بازمانده بود بقلم شکسته رقم خود بصورت ترقیم در آورد و بعضی اشعار مقطعات و منویات  
 و غیره که زیاده از ترهات نسخه مرقومه به کسوت رسوائی ملبس و بعبارات هذیان ملوث بود و  
 موافق گفتگوی این سن و نوشتن این روزگار نبود از دیوان اخراج نمود با وجود مهر پدر  
 فرزندی طبیعت لائق ندانست و بجهة اضافه و نقصان کلک کاتبان بنوشن ایشان قائل نشده مابقی  
 ذخیره مردم دیده را بدین صحیفه مصروف ساخت فرموده قدوة المحققین مصلح الدین سعدی شبر از  
 را بکار آورد

کهن جامه خویش بیراستن به از جامه عاریت خواستن  
 چون بعضی ترددات و اشتغال اشتغال داشت اگر سهوی و خطائی بدین جهت رو داده باشد  
 بابلان گلشن بلاغت و طوطیان شکرستان فصاحت بنکته عیب او مترنم و مترنم نگرندند و بدین  
 عجز عذر خواهی معذور فرمایند در مقام زکم قرا باغ بناریخ هفدهم شهر ربیع الاول سنه  
 پیچی این ۱۰۵۴ قلمی شد .

این دیوان در حدود ( ۱۱۰۰ ) بیت شعر میباشد و تاکنون نسخه دیگری از  
 آنرا در کتابخانه ای سراغ نیافته ام .

آغاز : بسمله ای زیور رخساره جان از کرمات سرمایه گردش زبان از کرمات  
 آرایش دیوان بیان از کرمات احیای زمین و آسمان از کرمات  
 از افق ابواب خزائن سخن بمفتاح دلگشای ثنای یگانه که شیرازه بند  
 مجموعه کاینات و چمن پیرای سرابستان حیاتست و انجلای ابصار شواهد معانی بمصباح  
 جهان آرای انوار عنایت الخ .

(۱۱۶۳)

دیوان اظهري این نسخه بخط نستعلیق خوب اظهري شاعر و منشی آنست و گذشته از تصریح در آخر دیوان (۷ برگ باخر نسخه مانده) طرز نگارش و اشعاریکه پس از این تاریخ اشاء گردیده و در حاشیه نگارش یافته و تصریح در چندین جای از عناوین مطالب به اینکه: بنده اظهري در جواب این قطعه گفته ام. و نظائر اینها، مؤید این ادعاست، میان برگ اول و دوم کنونی نسخه، برگهائی افتاده و کنار بعضی از اوراق کسه بقرینه اوراق بعد معلوم میشود بر آنها نیز ابیاتی بوده پاره شده و وصالی گردیده و قسمت بیشتر از برگ آخر پاره شده و از میان رفته است، ۷ برگ آخر نسخه رباعیاتی است که پس از تنظیم دیوان در مسودات مؤلف یافت شده و پیش از نگارش آنها خود وی نیز نوشته اند: «بعد از تحریر نسخه بعضی رباعیات که در میان سیاهیهای اشعار پیدا شد و صورت تنظیم یافت همچنین مرقوم شد».

جلد مرغش. کاغذ کاهی. واقف سه سالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۲۴۳) صفحه ای (۱۵) سطر. طول (۲۴ سانتیمتر). عرض (۱۵ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۷۷).

### [۵۱۶] دیوان انوری (فارسی)

انوری (ابوحدالدین محمد بن محمد (۱) ابیوردی (۲) خاورانی متوفی بسال ۵۸۳ (۳) (۴) از شعرای قصیده سرا و غزل گوی قرن ششم هجری میباشد، قصائد (۱) عوفی نام وی و پدرش را محمد ثبت نموده ولی صاحب مجمع الفصحاء بنام عوفی بن اسحق معرفی کرده و خود وی جد خود را اسحق نامیده

زند اسلاف تو بو جو بن جمیع اسحق و بیت سمعیل است

(۲) ابیورد یا باورد شهری است از خراسان میان سرخس و نسا (مجمع البلدان ج ۱ ص ۴۸۰) میباشد، در تذکره دولتشاه و مجمع الفصحاء و سخن و سخنوران انوری ابیوردی و در آثار البلاد و تاریخ گردیده و هفت اقیه خاورانی (و گویند که خاوران ناحیه ایست از خراسان) معرفی گردیده است.

(۳) در تذکره دولتشاه و فات انوری بسال ۵۴۷ و در هفت اقیه بسال ۵۸۳ و در مجمع الفصحاء بسال ۵۷۵ ثبت گردیده و چون در تاریخ گردیده و هفت اقیه قرآن کوکب سبزه بسال ۵۸۱ و در کامل التواریخ در ذیل حوادث سال ۵۸۲ ثبت گردیده بنا براین و شهرت نسبت این استخراج نجومی بانوری و شهادت اشارات تاریخی در اشعار انوری که مسمی است از سال ۵۴۷ بوده تاریخ آخر که (درجعه - - - - - در صفحه ۵۶۵)

و مقطعات وی بسیار مشهور و گذشته از نگارش تذکرة نویسان از اشعار وی ظاهر و هویداست که سالها در راه کسب فضائل و علوم معقول و منقول رنج برده و در نجوم و هندسه و حساب دستی قوی داشته و دولت‌شاه گوید چند رساله در نجوم نوشته (۱) و معاصر سلطان سنجر سلجوقی بوده و بمداحی وی و وزراء و امراء او پرداخته و زبانش بهجو باز بوده و حتی گفته اند که انوری خود و مادرش را نیز هجا گفته و بهمین جهت بدزبانی بلخیان قصد آزارش کرده و قاضی حمیدالدین صاحب مقامات اورانجات داده (۲) و بدین سبب حمیدالدین را مدح ها کرده است

در نخستین نسخه ذیل که نسخه ای کهن سال از دیوان انوری میباشد پیش از مثنوی در هجو قاضی عم زاده بلخی، شرحی نوشته و ظاهر آن نویسنده این شرح معاصر شاعر بوده و چون شامل بخشی از شرح حال انوری است در اینجا عیناً آورده میشود: « حکیم او حدالدین انوری در انج ( کذا ) هنوز در او ان شباب بود و اکتساب علم و حکمت میکرد پدر او و حمیدالدین محمد بجوار رحمت حق پیوست و مال و اسباب بسیار گذاشت، انوری دست بدان مال دراز کرد و بای در خرابات نهاد و بمدت اندک آن میراث بشراب و شاهد آخر رسانید چون مفلس شد هیچ نماند شعر و شیوه مدح بگزید و بوقت حاجت قصیده میگفت و بدان روزگار نامرادی بسر میبرد ناگاه تاج الدین ( در نسخه دیگر - تاج الدین عم زاده بلخی ) او را تشنیع

( بقیه حاشیه از صفحه ۵۶۴ )

قول صاحب هفت اقلیم باشد بر اقوال دیگر ترجیح دارد و حمد الله مستوفی در تاریخ گزیده (ص ۴۷۴) عکسی و نزهت القلوب محاسبه انوری و اثر قران را درست دانسته و گوید این سال مطابق با سالی است که جنگیز خان به سرداری برقرار و شروع به پیشرفت در خرابی جهان نموده است. ( نه تولد وی که بعضی نوشته اند )

(۴) لباب الالباب ج ۲ ص ۱۲۵-۱۳۸، حواشی ج ۱ لباب الالباب از آقای قزوینی ص ۳۴۳، آثار البلاد در ذیل خاوران (ص ۲۰۷ نسخه مدرسه)، تاریخ گزیده ص ۴۷۴، ۴۸۸، ۸۱۳ و ۸۱۵، تذکرة دولت‌شاه سمرقندی ص ۸۳-۸۶، هفت اقلیم ص ۲۴۹-۲۵۲، مجمع الفصحا ج ۱ ص ۱۵۲-۱۶۷ و سخن و سخنوران ج ۱ ص ۳۵۶-۳۸۶ مختصراً و مفصلاً از انوری بحث کرده‌اند و این شرح با مراجعه بآنها نگارش یافت.

(۱) تا کنون به نسخه ای از این رسائل دست نیافته ام.

(۲) در ص ۶۵ همین مجلد از فهرست در ذیل معرفی از حمیدالدین بلخی نگاهداری او از انوری را در اثر عدم وقوع اثر قران دانسته‌ام و این غلط است و علت این بود که بلخیها چون سنییده بودند انوری آنها را هجا گفته در غضب شده و در خیال آزار وی بوده اند.

کرده و بی رمینت (کذا) معائب او را (بروی او - در نسخه دیگر) گفتن گرفت انوری را این نوع دشوار نمود و بر بدیهه آغاز نهاد و آن اینست «  
دیوان انوری که در حدود (۱۰۰۰) بیت شعر دارد و بسال ۱۲۶۶ در تبریز چاپ گردیده و چون مشتمل بر اصطلاحات حکمی و فلسفی و ریاضی و نجومی میباشد و فهمیدن آنها مشکل بوده بعضی بحل مشکلات وی پی داخته اند و در این فصل دو شرح آنرا معرفی خواهم نمود .  
آغاز هر يك از نسخ را در جای خود نقل مینمائیم .

(۱۱۶۴)

این نسخه است کهنه و شاید از خطوط اوائل قرن هفتم هجری باشد ، صفحه نخستین و اوراقی از آخر کتاب افتاده ، چند بیت صفحه نخستین را بر ورقی نوشته و به نسخه پیوسته اند ، شامل قصائد و غزلیات و مقطعات و مثنوی هجو قاضی بلخ (۱۶۲ بیت) و رباعیات (۳۰۵ رباعی) میباشد ، اطراف صفحه دوم تذهیب و نقاشی کهنه ایست و این برگ و کمال شده و نسخه در حدود (۱۳۱۰۰) بیت دارد و بقصیده ای شروع شده که آغاز آن اینست :  
مقداری نه بآلت بقدره بطلق کند بشکس بخارنی چو گنبد ازرق .  
جلدمش دور گرفته . تاغده سمرقندی . وائف سمرقندی . قطع و در بری . شماره اوراق (۳۵۹) .  
صفحه ای (۱۹) سطر . طوی (۲۵ سانسور) . غرض (۱۶۶ - ۱۷۱) . شماره نسخه (۲۰۹) .

(۱۱۶۵)

این نسخه بخط نستعلیق خوب خط است در قرن یازدهم هجری نوشته شده ، سه سر لوح زیاده دارد و صفحه ای که شامل آنست و دیگری که مقابل آن میباشد تذهیب و نقاشی گردیده . سه سر لوح اول پس از نوشتن نسخه به صفحه اول پیوسته شده و گذشته از اینکه بر آن نوشته شده : مقطعات مولانا انوری بر یک اول و برگ شامل مقطعات گواهی میدهند که سه سر لوح های آنها جابجا شده ، تمام فاصله های میان دو قصیده یا قطعه یا غزل یا رباعی تذهیب و نقاشی شده و صفحات مجدول بطلا و زنگار و شنکرف میباشد و اوراق متن و حاشیه است و از آخر نسخه اوراقی افتاده و مطلع اولین قصیده اینست :

ای قاعده تازه زدست تو کرم را  
وی مرتبه تو زبان تو قلم را  
و شعر آخر نسخه اینست :  
ای محنت هجر بردلم سرنائی  
وی دولت وصل از درم درنائی  
در پشت جلد دست چپ شرحی بسال ۱۲۵۷ بخط شکسته نستعلیق خوب  
در معرفی از نسخه نگارش یافته و نسخه نفیسی است عبارت نثری که در نسخه کهن  
سال موجود است و بالای این سطرها در ص ۱۵ و ۵۶۶ نقل گردیده با تصحیف  
واسقاط برخی از کلمات در این نسخه نیز نگاشته شده و این نسخه در حدود (۱۱۳۵۰)  
بیت را شامل است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ متن خان بالغ . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق  
(۲۲۷) . صفحه ای (۲۶) بیت درمن و حاشیه . طول (۱۴ - ۲۴ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر)  
شماره کتابخانه (۲۱۱) .

(۱۱۶۶)

دیوان انوری  
این نسخه را بسال ۱۰۰۵ علیجان بن حیدر علی بخط نستعلیق  
نوشته ، دارای دو سر لوح کوچک (یکی در اول نسخه  
و دیگری در اول بخش غزلیات) میباشد و در ابتداء مقاطعات و رباعیات سر سوره های  
مینا کاری ظریفی است ، صفحات مجدول بطلا و لاجورد و عناوین باشعرف است ،  
پشت صفحه نخستین جلال الدین محمد منجم مالک بودن خود را تذکر داده ، در  
حواشی چند صفحه از صفحاتیکه شامل مقاطعات میباشد ، ابیاتی از منجم مذکور بخطوی  
نوشته شده ، تمام اوراق با کمال استادی متن و حاشیه گردیده و این نسخه در حدود  
(۱۴۰۰) بیت شعر دارد و آغاز آن اینست :

صبا بسبزه ییار است دارد نبی را  
نمونه گشت زمین مرغزار عقبی را  
جلد میشن . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری کوچک . شماره اوراق (۳۴۲) .  
صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۱۴ - ۲۴ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شماره کتابخانه  
(۲۱۲) .

(۱۱۶۷)

دیوان انوری  
این نسخه بخط نستعلیق نویسنده بدخطی که از خود سال کتابت  
نام نبرده ، نگارش یافته (ظاهراً در قرن دهم نوشته شده) ، دو برگ

از اول نسخه افتاده بوده اخیراً نگاشته اند، بر گهائی هم از میات نسخه افتاده و برخی از آنها هم جایجا شده، قصائد و غزلیات آن مرتب بحروف تهجی بر حسب ردیف ها و شامل مقطعات و رباعیات نیز میباشد، در حدود (۷۹۰۰) بیت شعر است، بعضی از صفحات آن مجدول بر سرخی و رنگار گردیده و بیت اول آن اینست:

باز این چه جوانی و جمال است جهانرا / وین حال که نوگشت زمین را و زمان را  
جلد تیماجی. کاغذ سرقدی. واقف سیهالار. قطع وزیری کوچک. شماره اوراق (۱۹۴).  
صفحه ای (۲۱) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر). عرض (۱۳ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۰۷).  
(۱۱۶۸)

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، نویسنده از خود دیوان انوری و سال نگارش نام نبرده، ظاهراً در اوایل قرن یازدهم هجری نگاشته شده، شامل قصائد و مقطعات و رباعیات و غزلیات میباشد و در حدود (۸۲۰۰) بیت دارد و بدین بیت شروع شده است:

ای ملک تورا عرصه عالم سر کوئی / با حجت عدل توستم بیهده کوئی.  
یک سر لوح کوچک ظریف دارد و صفحات مجدول بطالاست.

جلد ساغری نیم ضربی. کاغذ شمشیری. واقف سیهالار. قطع وزیری کوچک. شماره اوراق (۲۳۲). صفحه ای (۱۸) سطر. طول (۲۳ سانتیمتر). عرض (۱۳ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۱۰).

(۱۱۶۹)

این نسخه را سال ۱۲۳۰ محمد رضی بن محمد رحیم آشتیانی دیوان انوری قلمی بخط شکسته نستعلیق نوشته و شامل قصائد و مقطعات و مشنوی هجو قاضی و غزلیات و رباعیات میباشد. در متن و حاشیه نوشته شده و در حدود (۱۲۰۰۰) بیت شعر است و نخستین بیت آن اینست:

مقدری نه بآلت بقدرت مطلق / کند ز شکل بخاری چو گنبد ازرق.

جلد تیماجی. کاغذ فرنگی. واقف سیهالار. قطع خشنی. شماره اوراق (۲۳۸). صفحه ای (۱۸) سطر در متن (۸) در حاشیه. طول (۲۲ سانتیمتر). عرض (۱۶ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۲۰۸).

(۱۱۷۰)

**دیوان انوری** این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده (ظاهرأ در اوائل قرن سیزدهم)، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده، شامل قصائد و مقطعات و غزلیات و در حدود (۹۸۵۰) بیت میباشد و بدین شعر شروع گردیده: صبا بسبزه بیار است دار دنیی را نمونه گشت زمین مرغزار عقبی را يك سر لوح در اول کتاب موجود، صفحات مجددول به اکیلل میباشد، و قفنامه مدرسه را که پشت صفحه نخستین بوده محو کرده اند، یادداشتی مورخ بسال ۱۲۳۰ محمد حسین طباطبائی نائینی در این صفحه نوشته و بر این صفحه و بر گک پیش از آن بسال ۱۳۱۵ نیز یادداشت‌هایی شده است.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سبھسالار . قطع و زیری . شماره اوراق (۳۱۴) . صفحه ای (۱۶) سطر . طول (۲۸ سانتیمتر) . عرض (۱۷ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۱۳) .

(۱۱۷۱)

**دیوان انوری** این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، (ظاهرأ در قرن سیزدهم)، شرح حال انوری از تذکره آشکده در دو صفحه پیش از دیوان نقل گردیده و شامل قصائد و مقطعات مثنوی و رباعیات میباشد و در حدود (۱۲۴۰۰) بیت شعر دارد و بدین بیت شروع شده: باز این چه جوانی و جمال است جهان را وین حال که نو گشت زمین را و زمان را و بر گک نخستین و صالی گردیده است .

جلد تیماجی مستعمل . کاغذ فرنگی . واقف سبھسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۲۵۷) . صفحه ای (۲۳) سطر . طول (۲۰  $\frac{1}{8}$  سانتیمتر) . عرض (۱۲  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۰۵) .

[۵۱۷] دیوان اهلی خراسانی (فارسی)

اهلی خراسانی از اهالی ترشیز و معاصر اهلی شیرازی است و بنابر تصریح ادوارد برون (۱) بسال ۹۳۶ در تبریز وفات یافته مردی عاشق پیشه و عاشق فریدون حسین میرزا (۲) پسر سلطان حسین بایقرا گردید و در عشق وی از پا در افتاده و بخون و ار

(۱) ترجمه . ج ۴ تاریخ ادبیات ص ۱۰۵-۱۰۶ .

(۲) در ص ۱۳ و ۱۴ تحفه سامی جابی معرفی گردیده و گوید بسال ۹۲۵ در جنک با ازبکها کشته شده است .



موی شولیده بر سر گذاشته غزلیات زیاد انشاء نمود و این مطلع یکی از آنهاست:

موی ژولیده که بر سر من ابتر دارم      سایه دولت عشق است که بر سر دارم  
شاهزاده از این دلبستگی آگاهی یافت و بر خلاف سیره دیرینه دلبران، دوستدار را  
دلجوئیها مینمود پس از انقراض آن دودمان بتبریز رفته و تا آخر عمر در آنجا  
گذرانید، در شمع انجمن شماره ایات وی بیست هزار معین گردیده و معاصر وی  
سام میرزا در تحفه سامی (۱) و امین احمد رازی در هفت اقلیم (۲) و خوشگو در  
تذکره (۳) خود ایاتی از غزلهای وی نقل کرده اند و جز غزل ساقی نامه، آثار شعری  
دیگری از او ننشیده و در جائی ندیده ام و این دیوان وی همه غزلیات و ساقی نامه ای  
در مدح ائمه اثنی عشر شیعه علیهم السلام در ۸۵ بیت است که صریح در تشیع  
وی میباشد (۴) و غزلیات آن که بحسب ردیف ها مرتب بحروف تهجی است بنا  
بر شماره (۳۱۴۸) بیت شعر است.

آغاز: دو چشم فرش آن منزل که سازد (سازی) جلوه گاه آنجا

بهر جا پانهی خواهم که کردم خاک راه آنجا

چو خوش بزمیست رنگین صحبت جانان چه سود اما

که نتوان شد سفید از شومی بخت سیاه آنجا (۵)

(۱) در س ۱۰۷ تحفه سامی چاپی معرفی از اهلی نریشیزی خراسانی شده و همین مت از چندین  
غزل او را هم نقل نموده است.

(۲) درس ۶۵۶ نسخه خطی کامل این مدرسه ناه برده شده و چند بیت از او را هم آورده است.

(۳) صاحب این تذکره در حرف همزه دو اهلی را نام برده یکی اهلی نوالی و گوید سال  
۹۰۲ بدرود زندگانی گفته و دیگری اهلی شیرازی و گوید این همین اهلی نریشیزی است و حالات  
این دو را با یکدیگر مخلوط و ایبانی از این دو نقل نموده و تصور نموده که دو نفر به اهلی  
آنهم در یک عصر نمیشود در صورتیکه معاصرین این دو هریک را با خصوصیت مخصوصه بخود معرفی  
کرده اند.

(۴) این بیت از ساقی نامه اهلی خراسانی:

عین است پیش و احوان من

الهی توئی واقف از حال من

عایه الصلوة و عبیه السلام

یعق محمد رسول انام

محبته ارم توهر لافیه

علی ولی سرور اوایا

عنی الرضا طبعه هشتمین

باعزاز سلطان دنیا و دین

۱ بقیه حاشیه در ص ۵۷۱

(۱۱۷۲)

ديوان

اهلی خراسانی

این نسخه در مجموعه ایست که شامل پنج دیوان و بخط نستعلیق میباشد: ۱- دیوان کاتبی، ۲- دیوان شاهی، ۳- دیوان همایون، ۴- دیوان اهلی خراسانی و ۵- دیوان لسانی. و همه آنها را در این فصل معرفی کامل خواهم نمود و این دیوان از ص ۲۶۱-۴۰۰ مجموعه را شامل میباشد و در ابتدای هر يك از دیوانهای پنجگانه يك سرلوح بسیار ظریف است و میان سطرهای صفحه سرلوح دار و صفحه مقابل آن طلااندازی و نقاشی ظریف شده و کاتب در هیچ جا از خود و سال کتابت نام نبرده و ظاهراً در نیمه اول قرن دهم هجری نگارش یافته و تمام صفحات مجدول و در اثر همین کار بسیار از آنها بریده شده است.

جلد میشن . کاغذ بخارائی . واقف سبھسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۳۴۷) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۲-۱۳ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۹) .

[۵۱۸] دیوان بیدل (فارسی)

میرزا عبدالقادر متخلص به بیدل از شعرا و مربیان قرن یازدهم و دوازدهم هجری و پسر میرزا عبدالخالق میباشد، بسال ۱۰۵۴ متولد و بسال ۱۱۳۰ (۱) وفات یافته، در سرودن انواع اشعار طبع وی توانا و در انشاء نظم برنا بود، در سیر و سلوک و عرفان قدمها زده و مراتبی یافته، کلیات وی که شامل قصائد و غزلیات و مثنویات و رباعیات و ترکیب بند و نثرهای متعدد چون نکات و مراسلات و غیره

(بقیه حاشیه در صفحه ۵۷۰)

بمهدی هادی امام انام که یابد ازو ملک و ملت نظام

(۵) در تحفه سامی گوید: روزی شاهزاده بیایگی فرموده و میرزا بخت نام غلام سیاهپرا بر در باغ گذاشته تا کس را آنجا نگذارد. مولانا بامید دیدار بدر باغ شتافته موکل مذکور مانع دخول شده مولانا در بدپه غزلی گفته که این دو بیت از آنست (همین دوبیت را که اول غزل این دیوانست نقل نموده) در کاغذ نوشته و در میان موم یاسیب کرد و از عمر آب باندرون فرستاد، بعد از اطلاع میرزا او را طلب کرده و در لطف برویش گشاد. (ای کاش همه معشوقها این رویه پسنیدنه را داشتند تا این بلبلان در مقابل گل رویشان هزار دستان خوانند).

(۱) در مقدمه کلیات چاپی وفات بیدل بسال ۱۱۳۳ و در تذکره خوشگو بسال ۱۱۳۰ ضبط گردیده و چون خوشگو معاصر و مستفید از بیدل بوده قول او مقدم است.

و در حدود (۷۲۰۰) بیت کتابت دارد سال ۱۲۹۹ در هند چاپ گردیده و در مقدمه آن شرح حال بیدل نگارش یافته و خوشگو در تذکره خویش در اوائل حرف باء شرح بسیار مفصلی در بیان حالات و نمونه‌ای از آثار وی نگاشته و شاگردی و ملازمت خود را در مجلس افاده ایشان صریحاً اظهار نموده و اصل این جناب را مغولی و تورانی و موطن ایشانرا اکبر آباد معین کرده و در مقدمه کتبات و فات بیدل در دهلی ثبت گردیده است.

نسخه زیرین بر حسب شماره تقریباً شامل ۱۶۰۰۰ بیت میباشد و غزلیات بیدل را مرتب بحروف تهجی از الف تا یاء و مثنوی و غنچه‌ری بنام ، قسم نامه ، و چندین رباعی را نیز در بر دارد .

آغاز: بسمله

باج کبریا کز پهلوی عجز است راه آنجا

سرموئی گر اینجا خم شوی بشکن کلاه آنجا

(۱۱۷۳)

دیوان بیدل این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده و بیشتر کلمات را بی نقطه نگاشته ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده ، از قرائن احتمال قوی دارد که برای خود مؤلف نوشته شده و اضافاتی که در حواشی نگاشته شده بخط بیدل باشد و در حاشیه بر گ ۲۳۵-۲۸۷ . نکات بیدل « که یکی از منشآت نثری وی میباشد کاتب نسخه بخط نستعلیق نوشته ، و بر سه برگگی که در آخر نسخه ننوشته بوده يك نو مکتوب و مطالب متفرقه نظم و نثر موجود که ظاهراً نیز بخط بیدل و انشاء اوست و در بعضی از جاها کلام بلاغ که حاکی از مقابله گردیدن نسخه است دیده میشود .

جلد روغنی کل و بوته ضریف کار هند . تاغذ کشمیری . و اصف . سبزه . لار . وضع . وزیري کونج . شماره اوراق ( ۴۰۷ ) . صفحه‌ای ( ۱۷ ) سطر . طول ( ۲۳ ۱/۲ ) . عرض ( ۱۳ ۱/۲ ) سانتیمتر . شماره کتابخانه ( ۴۰۳ ) .

## [ ۵۱۹ ] دیوان ( کلیات ) تأثیر ( فارسی )

میرزا محسن (۱) تأثیر تخلص از تبریزیهای متولد شده در اصفهانست که شاه عباس خانواده آنها را باصفهان آورده و چنانکه از این رباعی وی :

( در پنجه و پنج عمر در باختنی  
يك گوهرم افتاد و نشد ساختنی  
تاریخ بجا خالی دندان آمد  
انداختنی یکی ز انداختنی )  
بدست می آید ، سال ۱۰۶۰ متولد شده و نابرتصریح در تذکرة خوشگوبسال ۱۱۲۹ وفات یافته .

این شاعر چنانکه از مندرجات این دیوان ظاهر است چندی از مستوفیان دربار صفوی و هنگامی رئیس يك قسمت از تحویل خانه بوده و چند سال وزیر یزد گردیده و در سال ۱۱۲۰ چنانکه خود در این قطعه تصریح کرده :

چون خلاص از عمل یزد شدم  
گشتم آسوده فتادم به بهشت  
پی تاریخ یکی ز اهل سخن  
قلم آورد و قضا بنوشت  
از این مقام معزول و در تذکرة المعاصرین است « در آخر عمر مدتی دست از مهمات دنیا بازداشت بعزت و احترام در اصفهان معتكف منزل خویش بود تا بجزوار ملك علام رحلت نمود » .

این دیوان شامل ۱- قصائد در توحید و مناقب پیغمبر اکرم و ائمه مکرّم علیهم صلواة الله و مرثیه حضرت سید الشهداء ۴ و مدح شاه سلیمان و تاریخ ورود عبدالعزیز پادشاه بخارا به ایران و ورود محمدخان وزیر سابق و وزارت وحید و ترکیب بندی بنام « رموز العاشقین » مزیل به منقبت حضرت امام زمان علیه السلام و تمام اینها بر حسب شماره دقیق ( ۱۶۰۰ ) بیت است . ۲- مقطعات و تواریخ در ۲۱۶ بیت . ۳- مثنوی در بیان معراج حضرت پیغمبر ص بیحر تقارب در ( ۴۳۹ ) بیت و بنام « منهاج المعراج » میباشد آغاز : ستایش همان حد فرزانه ایست که از سبحة اش نه فلك دانه ایست .

(۱) تأثیر در آخر غزلی بنام خود تصریح نموده و گوید :

خند به بسرافکنی محسن مسمند خود  
هیچ حذر نمیکنی از دم واپسین او  
و آقای نریت هم در دانشمندان آذربایجان ( ص ۷۷-۸۱ ) که شرح مفصلی در معرفی از این شاعر و آثار وی نگاشته اند نیز نام ویرا محسن ثبت نموده ، در تذکرة خوشگو بنام محمد محسن و در تاریخ یزدآینی محمد حسن ثبت گردیده است .

- ۴ - مثنوی بیجر غزن الاسرار بنام « جهان نما » در (۶۸۹) بیت  
 آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم نیزه خطیست بقصد غنیم
- ۵ - « دعوة العاشقین » بیجر خسرو شیرین در (۲۶۷) بیت  
 آغاز: بیا ای بلبل فرخ پرو بال که از گل گشته شوریده احوال
- ۶ - مثنوی در تعریف باغات و عمارات قصر سعادت آباد اصفهان بنام  
 « گلزار سعادت » در (۵۲۷) بیت
- آغاز: بسر دارد هوای خامه دولت ز وصف گلشن باغ سعادت
- ۷ - مثنوی در مقابل هفت پیکر بنام « ثمره الحجاب » در (۱۴۸) بیت  
 آغاز: شبی از همدان ایمانی غفلت کردم بود روحانی
- ۸ - مثنوی برای مقدمه رساله در معما در (۲۴) بیت
- آغاز: بنام آنکه در اجمال و تفصیل خرد ها رفت از کنهش بتجلیل
- ۹ - مثنوی در وصف تفت یزد و شکر گذاری از وزارت یزد و ثنای پادشاه بنام  
 « حسن اتفاق » در (۲۸۵) بیت
- آغاز: تفتست و فرشته بلبل او چون آتش تفتت هر گل او
- ۱۰ - مثنوی در راستی و درستی و اخلاق بنام « میمنت نامه » در (۲۹۳) بیت  
 آغاز: بنام خداوند فرد قدیم که بنموده ما را ره مستقیم
- ۱۱ - غزلیات مرتب بحروف تهجی موافق ردیف ها در (۱۰۲۴۰) بیت
- آغاز: ای در کف حمد تو سر رشته عنوانها دارند سرفرازی از نام تو دیوانها
- ۱۲ - فُردها و ابیات متفرقه مرتب بحروف تهجی موافق ردیف هادر (۱۰۰۰) بیت.
- ۱۳ - رباعیات (۱۳۰ رباعی).
- ۱۴ - قصائد و غزلیات و قطعات که بتراکی انشاء کرده در (۴۴۷) بیت.
- بنابر تعیین تحقیقی بالا این دیوان یا کلیات شامل (۱۶۴۳۵) بیت میباشد ولی از خلاصه الافکار، آقای تربیت نقل کرده اند که دیوانش ده هزار بیت خواهد بود و بنابر شماره بالا مرادش فقط غزلیات بوده است و خوشگو نوشته که تأثیر دیوان خود را خدمت حکیم الممالک شیخ حسین شهرت بهند فرستاد و منظوم نظر همه را کردید و منهم از آن بهره ها گرفتیم.

(۱۱۷۴)

**دیوان تاثیر** این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده ، از قرائن بدست می آید که در زمان حیات شاعر نوشته شده و بنظر او رسیده و در چند جا کلمه **بلغ** دیده میشود و از حاشیه ای که نویسنده در کنار صفحه اول اشعار ترکی نوشته اند این احتمال تأیید میشود ، برگ اول نسخه را چون سرلوح داشته بریده و برده اند و بهمین صورت وقف گردیده ، سه سرلوح مذهب در اوائل قسمت ۲ و ۵ و ۱۱ موجود و صفحات جدول بطلا میباشد و پاره ای از اوراق و صالی گردیده است . جلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۴۵۵ ) . صفحه ای ( ۱۲ ) سطر . طول ( ۲۴ سانتیمتر ) . عرض (  $10\frac{1}{4}$  سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۸۳ ) .

### [ ۵۲۰ ] دیوان ثنائی (فارسی)

خواجه حسین متخلص به ثنائی (۱) پسر غیاث الدین محمد مشهدیست و از شعرای اواخر قرن دهم هجری و مداح ائمه اثنی عشر علیهم السلام میباشد و بنا بر ضبط در تذکره خوشگو بسال ۹۹۶ در لاهور بسرای آخرت شتافته و خالوزاده وی میر محمد باقر بن میر عرب شاه مشهدی جنازه او را بمشهد برده و در آستان مقدس دفن نموده ، بعضی از شعرای معاصر ، او را خاقانی وقت و حسان زمان یاد میکنند اگر چه بعضی از شعرای وقت چون میرزا قلی میلی (۲) و ولی دشت بیاضی با وی می پیچیدند و او را به خامی طبع و نقصان فطرت منسوب می ساختند و مباحثه ایشان مشهور است ، درج تاریخ عالم آرای عباسی نام برده شده و در باره وی گوید : شاعر قصیده گوئیست معانی بلند دارد و اما در شعر قصیده پیچیده میگوید که طبع اکثر سخن سنجان روزگار از درك معنی آن قاصر است . و آذر در آتشکده در باره ثنائی گوید : دیوانش ملاحظه شد بزعم فقیر یا کسی فهم معنی کلام ایشان ندارد یا کلام ایشان معنی ندارد . (۳)

(۱) در تذکره خوشگو و شاعریرا که نیز متخلص به ثنائی و معاصر اکبر شاه بوده نام برده شده و از او سه بیت نقل نموده است .

(۲) میرزا قلی میلی در تذکره خوشگو معرفی شده و گوید بسال ۹۸۴ میل گل گشت عالم بالا نمود .

(۳) آتشکده آذر ص ۹۰ چاپی

در تذکرة حسینی است که با فیضی و عرفی مشاعره نموده و از پهلوانان  
 عرصه سخنوری است و دیوانش تخمیناً پنجهزار (۱) بیت بوده است .  
 در مقدمه دیوان دیباچه‌ای به تشریح خود وی نگاشته و بنام و نسب و تخلص و  
 وطن خویش تصریح نموده و خود را ندیم (هم‌باز) ابراهیم میرزای صفوی  
 حاکم خراسان معرفی و در مدح و ثنای وی قصائد و اشعار متعدد دارد و دیوان او  
 مرکب از قصائد و غزلیات و قطعات و رباعیات و ساقی‌نامه است .  
 آغاز دیباچه : حمدی که متکلمان سخن‌گذار فصاحت شعار و نادره گویان  
 بلاغت دثار الخ .  
 آغاز دیوان :

در روش حسن و ناز هست کسی خوش‌نما

غمزه بطرز ستم عشوه برنگ جفا .

(۱۱۷۵)

این نسخه را بسال ۱۰۱۴ محمد حسین مشهدی بخط نستعلیق  
 نوشته ، در ابتداء قصائد و قطعات و غیره باز گذارده شده  
 ثنائی مشهدی که تاریخ انشاء و مورد آن که در دیباچه تذکر داده شده  
 نگارش شود ، « دیوان ولی دشت بیاض » که در همین فصل معرفی خواهد شد بخط  
 همین نویسنده بسال ۱۰۲۵ نوشته شده و پیوسته به این دیوان است ، پشت صفحه  
 نخستین نسخه و در آخر دیوان ولی یادداشت‌هایی گردیده است .

جلد میشن ، کاغذ نامی ، واقف سه‌الار ، قطع ویری لوح ، شماره اوراق دو - ۳۳۳ .  
 این دیوان (۱۱۰) ، صفحه ای (۱۴) سطر ، حول ( ۲۲ - ۳۳ ) ، ۱۵۱ - ۱۵۲ ، شماره ( ۲۸۴ ) .

(۱۱۷۶)

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، دیوان نظام‌الستراپادی  
 (قصائد) پیوسته بآنست ، پشت صدهجده بیت مجنون تریف  
 ثنائی مشهدی این صفی قلی آمدک خوش‌نما یادداشت نموده و در یادداشت  
 (۱) نسخه اول دیوان نام برده در این فصل است شامل ۲۸۵ - ۲۸۶ ، ۲۸۷ - ۲۸۸ ، ۲۸۹ - ۲۹۰ ، ۲۹۱ - ۳۱۲ ، ۳۱۳ - ۳۱۴ ، ۳۱۵ - ۳۱۶ ، ۳۱۷ - ۳۱۸ ، ۳۱۹ - ۳۲۰ ، ۳۲۱ - ۳۲۲ ، ۳۲۳ - ۳۲۴ ، ۳۲۵ - ۳۲۶ ، ۳۲۷ - ۳۲۸ ، ۳۲۹ - ۳۳۰ ، ۳۳۱ - ۳۳۲ ، ۳۳۳ - ۳۳۴ ، ۳۳۵ - ۳۳۶ ، ۳۳۷ - ۳۳۸ ، ۳۳۹ - ۳۴۰ ، ۳۴۱ - ۳۴۲ ، ۳۴۳ - ۳۴۴ ، ۳۴۵ - ۳۴۶ ، ۳۴۷ - ۳۴۸ ، ۳۴۹ - ۳۵۰ ، ۳۵۱ - ۳۵۲ ، ۳۵۳ - ۳۵۴ ، ۳۵۵ - ۳۵۶ ، ۳۵۷ - ۳۵۸ ، ۳۵۹ - ۳۶۰ ، ۳۶۱ - ۳۶۲ ، ۳۶۳ - ۳۶۴ ، ۳۶۵ - ۳۶۶ ، ۳۶۷ - ۳۶۸ ، ۳۶۹ - ۳۷۰ ، ۳۷۱ - ۳۷۲ ، ۳۷۳ - ۳۷۴ ، ۳۷۵ - ۳۷۶ ، ۳۷۷ - ۳۷۸ ، ۳۷۹ - ۳۸۰ ، ۳۸۱ - ۳۸۲ ، ۳۸۳ - ۳۸۴ ، ۳۸۵ - ۳۸۶ ، ۳۸۷ - ۳۸۸ ، ۳۸۹ - ۳۹۰ ، ۳۹۱ - ۳۹۲ ، ۳۹۳ - ۳۹۴ ، ۳۹۵ - ۳۹۶ ، ۳۹۷ - ۳۹۸ ، ۳۹۹ - ۴۰۰ ، ۴۰۱ - ۴۰۲ ، ۴۰۳ - ۴۰۴ ، ۴۰۵ - ۴۰۶ ، ۴۰۷ - ۴۰۸ ، ۴۰۹ - ۴۱۰ ، ۴۱۱ - ۴۱۲ ، ۴۱۳ - ۴۱۴ ، ۴۱۵ - ۴۱۶ ، ۴۱۷ - ۴۱۸ ، ۴۱۹ - ۴۲۰ ، ۴۲۱ - ۴۲۲ ، ۴۲۳ - ۴۲۴ ، ۴۲۵ - ۴۲۶ ، ۴۲۷ - ۴۲۸ ، ۴۲۹ - ۴۳۰ ، ۴۳۱ - ۴۳۲ ، ۴۳۳ - ۴۳۴ ، ۴۳۵ - ۴۳۶ ، ۴۳۷ - ۴۳۸ ، ۴۳۹ - ۴۴۰ ، ۴۴۱ - ۴۴۲ ، ۴۴۳ - ۴۴۴ ، ۴۴۵ - ۴۴۶ ، ۴۴۷ - ۴۴۸ ، ۴۴۹ - ۴۵۰ ، ۴۵۱ - ۴۵۲ ، ۴۵۳ - ۴۵۴ ، ۴۵۵ - ۴۵۶ ، ۴۵۷ - ۴۵۸ ، ۴۵۹ - ۴۶۰ ، ۴۶۱ - ۴۶۲ ، ۴۶۳ - ۴۶۴ ، ۴۶۵ - ۴۶۶ ، ۴۶۷ - ۴۶۸ ، ۴۶۹ - ۴۷۰ ، ۴۷۱ - ۴۷۲ ، ۴۷۳ - ۴۷۴ ، ۴۷۵ - ۴۷۶ ، ۴۷۷ - ۴۷۸ ، ۴۷۹ - ۴۸۰ ، ۴۸۱ - ۴۸۲ ، ۴۸۳ - ۴۸۴ ، ۴۸۵ - ۴۸۶ ، ۴۸۷ - ۴۸۸ ، ۴۸۹ - ۴۹۰ ، ۴۹۱ - ۴۹۲ ، ۴۹۳ - ۴۹۴ ، ۴۹۵ - ۴۹۶ ، ۴۹۷ - ۴۹۸ ، ۴۹۹ - ۵۰۰ ، ۵۰۱ - ۵۰۲ ، ۵۰۳ - ۵۰۴ ، ۵۰۵ - ۵۰۶ ، ۵۰۷ - ۵۰۸ ، ۵۰۹ - ۵۱۰ ، ۵۱۱ - ۵۱۲ ، ۵۱۳ - ۵۱۴ ، ۵۱۵ - ۵۱۶ ، ۵۱۷ - ۵۱۸ ، ۵۱۹ - ۵۲۰ ، ۵۲۱ - ۵۲۲ ، ۵۲۳ - ۵۲۴ ، ۵۲۵ - ۵۲۶ ، ۵۲۷ - ۵۲۸ ، ۵۲۹ - ۵۳۰ ، ۵۳۱ - ۵۳۲ ، ۵۳۳ - ۵۳۴ ، ۵۳۵ - ۵۳۶ ، ۵۳۷ - ۵۳۸ ، ۵۳۹ - ۵۴۰ ، ۵۴۱ - ۵۴۲ ، ۵۴۳ - ۵۴۴ ، ۵۴۵ - ۵۴۶ ، ۵۴۷ - ۵۴۸ ، ۵۴۹ - ۵۵۰ ، ۵۵۱ - ۵۵۲ ، ۵۵۳ - ۵۵۴ ، ۵۵۵ - ۵۵۶ ، ۵۵۷ - ۵۵۸ ، ۵۵۹ - ۵۶۰ ، ۵۶۱ - ۵۶۲ ، ۵۶۳ - ۵۶۴ ، ۵۶۵ - ۵۶۶ ، ۵۶۷ - ۵۶۸ ، ۵۶۹ - ۵۷۰ ، ۵۷۱ - ۵۷۲ ، ۵۷۳ - ۵۷۴ ، ۵۷۵ - ۵۷۶ ، ۵۷۷ - ۵۷۸ ، ۵۷۹ - ۵۸۰ ، ۵۸۱ - ۵۸۲ ، ۵۸۳ - ۵۸۴ ، ۵۸۵ - ۵۸۶ ، ۵۸۷ - ۵۸۸ ، ۵۸۹ - ۵۹۰ ، ۵۹۱ - ۵۹۲ ، ۵۹۳ - ۵۹۴ ، ۵۹۵ - ۵۹۶ ، ۵۹۷ - ۵۹۸ ، ۵۹۹ - ۶۰۰ ، ۶۰۱ - ۶۰۲ ، ۶۰۳ - ۶۰۴ ، ۶۰۵ - ۶۰۶ ، ۶۰۷ - ۶۰۸ ، ۶۰۹ - ۶۱۰ ، ۶۱۱ - ۶۱۲ ، ۶۱۳ - ۶۱۴ ، ۶۱۵ - ۶۱۶ ، ۶۱۷ - ۶۱۸ ، ۶۱۹ - ۶۲۰ ، ۶۲۱ - ۶۲۲ ، ۶۲۳ - ۶۲۴ ، ۶۲۵ - ۶۲۶ ، ۶۲۷ - ۶۲۸ ، ۶۲۹ - ۶۳۰ ، ۶۳۱ - ۶۳۲ ، ۶۳۳ - ۶۳۴ ، ۶۳۵ - ۶۳۶ ، ۶۳۷ - ۶۳۸ ، ۶۳۹ - ۶۴۰ ، ۶۴۱ - ۶۴۲ ، ۶۴۳ - ۶۴۴ ، ۶۴۵ - ۶۴۶ ، ۶۴۷ - ۶۴۸ ، ۶۴۹ - ۶۵۰ ، ۶۵۱ - ۶۵۲ ، ۶۵۳ - ۶۵۴ ، ۶۵۵ - ۶۵۶ ، ۶۵۷ - ۶۵۸ ، ۶۵۹ - ۶۶۰ ، ۶۶۱ - ۶۶۲ ، ۶۶۳ - ۶۶۴ ، ۶۶۵ - ۶۶۶ ، ۶۶۷ - ۶۶۸ ، ۶۶۹ - ۶۷۰ ، ۶۷۱ - ۶۷۲ ، ۶۷۳ - ۶۷۴ ، ۶۷۵ - ۶۷۶ ، ۶۷۷ - ۶۷۸ ، ۶۷۹ - ۶۸۰ ، ۶۸۱ - ۶۸۲ ، ۶۸۳ - ۶۸۴ ، ۶۸۵ - ۶۸۶ ، ۶۸۷ - ۶۸۸ ، ۶۸۹ - ۶۹۰ ، ۶۹۱ - ۶۹۲ ، ۶۹۳ - ۶۹۴ ، ۶۹۵ - ۶۹۶ ، ۶۹۷ - ۶۹۸ ، ۶۹۹ - ۷۰۰ ، ۷۰۱ - ۷۰۲ ، ۷۰۳ - ۷۰۴ ، ۷۰۵ - ۷۰۶ ، ۷۰۷ - ۷۰۸ ، ۷۰۹ - ۷۱۰ ، ۷۱۱ - ۷۱۲ ، ۷۱۳ - ۷۱۴ ، ۷۱۵ - ۷۱۶ ، ۷۱۷ - ۷۱۸ ، ۷۱۹ - ۷۲۰ ، ۷۲۱ - ۷۲۲ ، ۷۲۳ - ۷۲۴ ، ۷۲۵ - ۷۲۶ ، ۷۲۷ - ۷۲۸ ، ۷۲۹ - ۷۳۰ ، ۷۳۱ - ۷۳۲ ، ۷۳۳ - ۷۳۴ ، ۷۳۵ - ۷۳۶ ، ۷۳۷ - ۷۳۸ ، ۷۳۹ - ۷۴۰ ، ۷۴۱ - ۷۴۲ ، ۷۴۳ - ۷۴۴ ، ۷۴۵ - ۷۴۶ ، ۷۴۷ - ۷۴۸ ، ۷۴۹ - ۷۵۰ ، ۷۵۱ - ۷۵۲ ، ۷۵۳ - ۷۵۴ ، ۷۵۵ - ۷۵۶ ، ۷۵۷ - ۷۵۸ ، ۷۵۹ - ۷۶۰ ، ۷۶۱ - ۷۶۲ ، ۷۶۳ - ۷۶۴ ، ۷۶۵ - ۷۶۶ ، ۷۶۷ - ۷۶۸ ، ۷۶۹ - ۷۷۰ ، ۷۷۱ - ۷۷۲ ، ۷۷۳ - ۷۷۴ ، ۷۷۵ - ۷۷۶ ، ۷۷۷ - ۷۷۸ ، ۷۷۹ - ۷۸۰ ، ۷۸۱ - ۷۸۲ ، ۷۸۳ - ۷۸۴ ، ۷۸۵ - ۷۸۶ ، ۷۸۷ - ۷۸۸ ، ۷۸۹ - ۷۹۰ ، ۷۹۱ - ۷۹۲ ، ۷۹۳ - ۷۹۴ ، ۷۹۵ - ۷۹۶ ، ۷۹۷ - ۷۹۸ ، ۷۹۹ - ۸۰۰ ، ۸۰۱ - ۸۰۲ ، ۸۰۳ - ۸۰۴ ، ۸۰۵ - ۸۰۶ ، ۸۰۷ - ۸۰۸ ، ۸۰۹ - ۸۱۰ ، ۸۱۱ - ۸۱۲ ، ۸۱۳ - ۸۱۴ ، ۸۱۵ - ۸۱۶ ، ۸۱۷ - ۸۱۸ ، ۸۱۹ - ۸۲۰ ، ۸۲۱ - ۸۲۲ ، ۸۲۳ - ۸۲۴ ، ۸۲۵ - ۸۲۶ ، ۸۲۷ - ۸۲۸ ، ۸۲۹ - ۸۳۰ ، ۸۳۱ - ۸۳۲ ، ۸۳۳ - ۸۳۴ ، ۸۳۵ - ۸۳۶ ، ۸۳۷ - ۸۳۸ ، ۸۳۹ - ۸۴۰ ، ۸۴۱ - ۸۴۲ ، ۸۴۳ - ۸۴۴ ، ۸۴۵ - ۸۴۶ ، ۸۴۷ - ۸۴۸ ، ۸۴۹ - ۸۵۰ ، ۸۵۱ - ۸۵۲ ، ۸۵۳ - ۸۵۴ ، ۸۵۵ - ۸۵۶ ، ۸۵۷ - ۸۵۸ ، ۸۵۹ - ۸۶۰ ، ۸۶۱ - ۸۶۲ ، ۸۶۳ - ۸۶۴ ، ۸۶۵ - ۸۶۶ ، ۸۶۷ - ۸۶۸ ، ۸۶۹ - ۸۷۰ ، ۸۷۱ - ۸۷۲ ، ۸۷۳ - ۸۷۴ ، ۸۷۵ - ۸۷۶ ، ۸۷۷ - ۸۷۸ ، ۸۷۹ - ۸۸۰ ، ۸۸۱ - ۸۸۲ ، ۸۸۳ - ۸۸۴ ، ۸۸۵ - ۸۸۶ ، ۸۸۷ - ۸۸۸ ، ۸۸۹ - ۸۹۰ ، ۸۹۱ - ۸۹۲ ، ۸۹۳ - ۸۹۴ ، ۸۹۵ - ۸۹۶ ، ۸۹۷ - ۸۹۸ ، ۸۹۹ - ۹۰۰ ، ۹۰۱ - ۹۰۲ ، ۹۰۳ - ۹۰۴ ، ۹۰۵ - ۹۰۶ ، ۹۰۷ - ۹۰۸ ، ۹۰۹ - ۹۱۰ ، ۹۱۱ - ۹۱۲ ، ۹۱۳ - ۹۱۴ ، ۹۱۵ - ۹۱۶ ، ۹۱۷ - ۹۱۸ ، ۹۱۹ - ۹۲۰ ، ۹۲۱ - ۹۲۲ ، ۹۲۳ - ۹۲۴ ، ۹۲۵ - ۹۲۶ ، ۹۲۷ - ۹۲۸ ، ۹۲۹ - ۹۳۰ ، ۹۳۱ - ۹۳۲ ، ۹۳۳ - ۹۳۴ ، ۹۳۵ - ۹۳۶ ، ۹۳۷ - ۹۳۸ ، ۹۳۹ - ۹۴۰ ، ۹۴۱ - ۹۴۲ ، ۹۴۳ - ۹۴۴ ، ۹۴۵ - ۹۴۶ ، ۹۴۷ - ۹۴۸ ، ۹۴۹ - ۹۵۰ ، ۹۵۱ - ۹۵۲ ، ۹۵۳ - ۹۵۴ ، ۹۵۵ - ۹۵۶ ، ۹۵۷ - ۹۵۸ ، ۹۵۹ - ۹۶۰ ، ۹۶۱ - ۹۶۲ ، ۹۶۳ - ۹۶۴ ، ۹۶۵ - ۹۶۶ ، ۹۶۷ - ۹۶۸ ، ۹۶۹ - ۹۷۰ ، ۹۷۱ - ۹۷۲ ، ۹۷۳ - ۹۷۴ ، ۹۷۵ - ۹۷۶ ، ۹۷۷ - ۹۷۸ ، ۹۷۹ - ۹۸۰ ، ۹۸۱ - ۹۸۲ ، ۹۸۳ - ۹۸۴ ، ۹۸۵ - ۹۸۶ ، ۹۸۷ - ۹۸۸ ، ۹۸۹ - ۹۹۰ ، ۹۹۱ - ۹۹۲ ، ۹۹۳ - ۹۹۴ ، ۹۹۵ - ۹۹۶ ، ۹۹۷ - ۹۹۸ ، ۹۹۹ - ۱۰۰۰ ، ۱۰۰۱ - ۱۰۰۲ ، ۱۰۰۳ - ۱۰۰۴ ، ۱۰۰۵ - ۱۰۰۶ ، ۱۰۰۷ - ۱۰۰۸ ، ۱۰۰۹ - ۱۰۱۰ ، ۱۰۱۱ - ۱۰۱۲ ، ۱۰۱۳ - ۱۰۱۴ ، ۱۰۱۵ - ۱۰۱۶ ، ۱۰۱۷ - ۱۰۱۸ ، ۱۰۱۹ - ۱۰۲۰ ، ۱۰۲۱ - ۱۰۲۲ ، ۱۰۲۳ - ۱۰۲۴ ، ۱۰۲۵ - ۱۰۲۶ ، ۱۰۲۷ - ۱۰۲۸ ، ۱۰۲۹ - ۱۰۳۰ ، ۱۰۳۱ - ۱۰۳۲ ، ۱۰۳۳ - ۱۰۳۴ ، ۱۰۳۵ - ۱۰۳۶ ، ۱۰۳۷ - ۱۰۳۸ ، ۱۰۳۹ - ۱۰۴۰ ، ۱۰۴۱ - ۱۰۴۲ ، ۱۰۴۳ - ۱۰۴۴ ، ۱۰۴۵ - ۱۰۴۶ ، ۱۰۴۷ - ۱۰۴۸ ، ۱۰۴۹ - ۱۰۵۰ ، ۱۰۵۱ - ۱۰۵۲ ، ۱۰۵۳ - ۱۰۵۴ ، ۱۰۵۵ - ۱۰۵۶ ، ۱۰۵۷ - ۱۰۵۸ ، ۱۰۵۹ - ۱۰۶۰ ، ۱۰۶۱ - ۱۰۶۲ ، ۱۰۶۳ - ۱۰۶۴ ، ۱۰۶۵ - ۱۰۶۶ ، ۱۰۶۷ - ۱۰۶۸ ، ۱۰۶۹ - ۱۰۷۰ ، ۱۰۷۱ - ۱۰۷۲ ، ۱۰۷۳ - ۱۰۷۴ ، ۱۰۷۵ - ۱۰۷۶ ، ۱۰۷۷ - ۱۰۷۸ ، ۱۰۷۹ - ۱۰۸۰ ، ۱۰۸۱ - ۱۰۸۲ ، ۱۰۸۳ - ۱۰۸۴ ، ۱۰۸۵ - ۱۰۸۶ ، ۱۰۸۷ - ۱۰۸۸ ، ۱۰۸۹ - ۱۰۹۰ ، ۱۰۹۱ - ۱۰۹۲ ، ۱۰۹۳ - ۱۰۹۴ ، ۱۰۹۵ - ۱۰۹۶ ، ۱۰۹۷ - ۱۰۹۸ ، ۱۰۹۹ - ۱۱۰۰ ، ۱۱۰۱ - ۱۱۰۲ ، ۱۱۰۳ - ۱۱۰۴ ، ۱۱۰۵ - ۱۱۰۶ ، ۱۱۰۷ - ۱۱۰۸ ، ۱۱۰۹ - ۱۱۱۰ ، ۱۱۱۱ - ۱۱۱۲ ، ۱۱۱۳ - ۱۱۱۴ ، ۱۱۱۵ - ۱۱۱۶ ، ۱۱۱۷ - ۱۱۱۸ ، ۱۱۱۹ - ۱۱۲۰ ، ۱۱۲۱ - ۱۱۲۲ ، ۱۱۲۳ - ۱۱۲۴ ، ۱۱۲۵ - ۱۱۲۶ ، ۱۱۲۷ - ۱۱۲۸ ، ۱۱۲۹ - ۱۱۳۰ ، ۱۱۳۱ - ۱۱۳۲ ، ۱۱۳۳ - ۱۱۳۴ ، ۱۱۳۵ - ۱۱۳۶ ، ۱۱۳۷ - ۱۱۳۸ ، ۱۱۳۹ - ۱۱۴۰ ، ۱۱۴۱ - ۱۱۴۲ ، ۱۱۴۳ - ۱۱۴۴ ، ۱۱۴۵ - ۱۱۴۶ ، ۱۱۴۷ - ۱۱۴۸ ، ۱۱۴۹ - ۱۱۵۰ ، ۱۱۵۱ - ۱۱۵۲ ، ۱۱۵۳ - ۱۱۵۴ ، ۱۱۵۵ - ۱۱۵۶ ، ۱۱۵۷ - ۱۱۵۸ ، ۱۱۵۹ - ۱۱۶۰ ، ۱۱۶۱ - ۱۱۶۲ ، ۱۱۶۳ - ۱۱۶۴ ، ۱۱۶۵ - ۱۱۶۶ ، ۱۱۶۷ - ۱۱۶۸ ، ۱۱۶۹ - ۱۱۷۰ ، ۱۱۷۱ - ۱۱۷۲ ، ۱۱۷۳ - ۱۱۷۴ ، ۱۱۷۵ - ۱۱۷۶ ، ۱۱۷۷ - ۱۱۷۸ ، ۱۱۷۹ - ۱۱۸۰ ، ۱۱۸۱ - ۱۱۸۲ ، ۱۱۸۳ - ۱۱۸۴ ، ۱۱۸۵ - ۱۱۸۶ ، ۱۱۸۷ - ۱۱۸۸ ، ۱۱۸۹ - ۱۱۹۰ ، ۱۱۹۱ - ۱۱۹۲ ، ۱۱۹۳ - ۱۱۹۴ ، ۱۱۹۵ - ۱۱۹۶ ، ۱۱۹۷ - ۱۱۹۸ ، ۱۱۹۹ - ۱۲۰۰ ، ۱۲۰۱ - ۱۲۰۲ ، ۱۲۰۳ - ۱۲۰۴ ، ۱۲۰۵ - ۱۲۰۶ ، ۱۲۰۷ - ۱۲۰۸ ، ۱۲۰۹ - ۱۲۱۰ ، ۱۲۱۱ - ۱۲۱۲ ، ۱۲۱۳ - ۱۲۱۴ ، ۱۲۱۵ - ۱۲۱۶ ، ۱۲۱۷ - ۱۲۱۸ ، ۱۲۱۹ - ۱۲۲۰ ، ۱۲۲۱ - ۱۲۲۲ ، ۱۲۲۳ - ۱۲۲۴ ، ۱۲۲۵ - ۱۲۲۶ ، ۱۲۲۷ - ۱۲۲۸ ، ۱۲۲۹ - ۱۲۳۰ ، ۱۲۳۱ - ۱۲۳۲ ، ۱۲۳۳ - ۱۲۳۴ ، ۱۲۳۵ - ۱۲۳۶ ، ۱۲۳۷ - ۱۲۳۸ ، ۱۲۳۹ - ۱۲۴۰ ، ۱۲۴۱ - ۱۲۴۲ ، ۱۲۴۳ - ۱۲۴۴ ، ۱۲۴۵ - ۱۲۴۶ ، ۱۲۴۷ - ۱۲۴۸ ، ۱۲۴۹ - ۱۲۵۰ ، ۱۲۵۱ - ۱۲۵۲ ، ۱۲۵۳ - ۱۲۵۴ ، ۱۲۵۵ - ۱۲۵۶ ، ۱۲۵۷ - ۱۲۵۸ ، ۱۲۵۹ - ۱۲۶۰ ، ۱۲۶۱ - ۱۲۶۲ ، ۱۲۶۳ - ۱۲۶۴ ، ۱۲۶۵ - ۱۲۶۶ ، ۱۲۶۷ - ۱۲۶۸ ، ۱۲۶۹ - ۱۲۷۰ ، ۱۲۷۱ - ۱۲۷۲ ، ۱۲۷۳ - ۱۲۷۴ ، ۱۲۷۵ - ۱۲۷۶ ، ۱۲۷۷ - ۱۲۷۸ ، ۱۲۷۹ - ۱۲۸۰ ، ۱۲۸۱ - ۱۲۸۲ ، ۱۲۸۳ - ۱۲۸۴ ، ۱۲۸۵ - ۱۲۸۶ ، ۱۲۸۷ - ۱۲۸۸ ، ۱۲۸۹ - ۱۲۹۰ ، ۱۲۹۱ - ۱۲۹۲ ، ۱۲۹۳ - ۱۲۹۴ ، ۱۲۹۵ - ۱۲۹۶ ، ۱۲۹۷ - ۱۲۹۸ ، ۱۲۹۹ - ۱۳۰۰ ، ۱۳۰۱ - ۱۳۰۲ ، ۱۳۰۳ - ۱۳۰۴ ، ۱۳۰۵ - ۱۳۰۶ ، ۱۳۰۷ - ۱۳۰۸ ، ۱۳۰۹ - ۱۳۱۰ ، ۱۳۱۱ - ۱۳۱۲ ، ۱۳۱۳ - ۱۳۱۴ ، ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ ، ۱۳۱۷ - ۱۳۱۸ ، ۱۳۱۹ - ۱۳۲۰ ، ۱۳۲۱ - ۱۳۲۲ ، ۱۳۲۳ - ۱۳۲۴ ، ۱۳۲۵ - ۱۳۲۶ ، ۱۳۲۷ - ۱۳۲۸ ، ۱۳۲۹ - ۱۳۳۰ ، ۱۳۳۱ - ۱۳۳۲ ، ۱۳۳۳ - ۱۳۳۴ ، ۱۳۳۵ - ۱۳۳۶ ، ۱۳۳۷ - ۱۳۳۸ ، ۱۳۳۹ - ۱۳۴۰ ، ۱۳۴۱ - ۱۳۴۲ ، ۱۳۴۳ - ۱۳۴۴ ، ۱۳۴۵ - ۱۳۴۶ ، ۱۳۴۷ - ۱۳۴۸ ، ۱۳۴۹ - ۱۳۵۰ ، ۱۳۵۱ - ۱۳۵۲ ، ۱۳۵۳ - ۱۳۵۴ ، ۱۳۵۵ - ۱۳۵۶ ، ۱۳۵۷ - ۱۳۵۸ ، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۰ ، ۱۳۶۱ - ۱۳۶۲ ، ۱۳۶۳ - ۱۳۶۴ ، ۱۳۶۵ - ۱۳۶۶ ، ۱۳۶۷ - ۱۳۶۸ ، ۱۳۶۹ - ۱۳۷۰ ، ۱۳۷۱ - ۱۳۷۲ ، ۱۳۷۳ - ۱۳۷۴ ، ۱۳۷۵ - ۱۳۷۶ ، ۱۳۷۷ - ۱۳۷۸ ، ۱۳۷۹ - ۱۳۸۰ ، ۱۳۸۱ - ۱۳۸۲ ، ۱۳۸۳ - ۱۳۸۴ ، ۱۳۸۵ - ۱۳۸۶ ، ۱۳۸۷ - ۱۳۸۸ ، ۱۳۸۹ - ۱۳۹۰ ، ۱۳۹۱ - ۱۳۹۲ ، ۱۳۹۳ - ۱۳۹۴ ، ۱۳۹۵ - ۱۳۹۶ ، ۱۳۹۷ - ۱۳۹۸ ، ۱۳۹۹ - ۱۴۰۰ ، ۱۴۰۱ - ۱۴۰۲ ، ۱۴۰۳ - ۱۴۰۴ ، ۱۴۰۵ - ۱۴۰۶ ، ۱۴۰۷ - ۱۴۰۸ ، ۱۴۰۹ - ۱۴۱۰ ، ۱۴۱۱ - ۱۴۱۲ ، ۱۴۱۳ - ۱۴۱۴ ، ۱۴۱۵ - ۱۴۱۶ ، ۱۴۱۷ - ۱۴۱۸ ، ۱۴۱۹ - ۱۴۲۰ ، ۱۴۲۱ - ۱۴۲۲ ، ۱۴۲۳ - ۱۴۲۴ ، ۱۴۲۵ - ۱۴۲۶ ، ۱۴۲۷ - ۱۴۲۸ ، ۱۴۲۹ - ۱۴۳۰ ، ۱۴۳۱ - ۱۴۳۲ ، ۱۴۳۳ - ۱۴۳۴ ، ۱۴۳۵ - ۱۴۳۶ ، ۱۴۳۷ - ۱۴۳۸ ، ۱۴۳۹ - ۱۴۴۰ ، ۱۴۴۱ - ۱۴۴۲ ، ۱۴۴۳ - ۱۴۴۴ ، ۱۴۴۵ - ۱۴۴۶ ، ۱۴۴۷ - ۱۴۴۸ ، ۱۴۴۹ - ۱۴۵۰ ، ۱۴۵۱ - ۱۴۵۲ ، ۱۴۵۳ - ۱۴۵۴ ، ۱۴۵۵ - ۱۴۵۶ ، ۱۴۵۷ - ۱۴۵۸ ، ۱۴۵۹ - ۱۴۶۰ ، ۱۴۶۱ - ۱۴۶۲ ، ۱۴۶۳ - ۱۴۶۴ ، ۱۴۶۵ - ۱۴۶۶ ، ۱۴۶۷ - ۱۴۶۸ ، ۱۴۶۹ - ۱۴۷۰ ، ۱۴۷۱ - ۱۴۷۲ ، ۱۴۷۳ - ۱۴۷۴ ، ۱۴۷۵ - ۱۴۷۶ ، ۱۴۷۷ - ۱۴۷۸ ، ۱۴۷۹ - ۱۴۸۰ ، ۱۴۸۱ - ۱۴۸۲ ، ۱۴۸۳ - ۱۴۸۴ ، ۱۴۸۵ - ۱۴۸۶ ، ۱۴۸۷ - ۱۴۸۸ ، ۱۴۸۹ - ۱۴۹۰ ، ۱۴۹۱ - ۱۴۹۲ ، ۱۴۹۳ - ۱۴۹۴ ، ۱۴۹۵ - ۱۴۹۶ ، ۱۴۹۷ - ۱۴۹۸ ، ۱۴۹۹ - ۱۵۰۰ ، ۱۵۰۱ - ۱۵۰۲ ، ۱۵۰۳ - ۱۵۰۴ ، ۱۵۰۵ - ۱۵۰۶ ، ۱۵۰۷ - ۱۵۰۸ ، ۱۵۰۹ - ۱۵۱۰ ، ۱۵۱۱ - ۱۵۱۲ ، ۱۵۱۳ - ۱۵۱۴ ، ۱۵۱۵ - ۱۵۱۶ ، ۱۵۱۷ - ۱۵۱۸ ، ۱۵۱۹ - ۱۵۲۰ ، ۱۵۲۱ - ۱۵۲۲ ، ۱۵۲۳ - ۱۵۲۴ ، ۱۵۲۵ - ۱۵۲۶ ، ۱۵۲۷ - ۱۵۲۸ ، ۱۵۲۹ - ۱۵۳۰ ، ۱۵۳۱ - ۱۵۳۲ ، ۱۵۳۳ - ۱۵۳۴ ، ۱۵۳۵ - ۱۵۳۶ ، ۱۵۳۷ - ۱۵۳۸ ، ۱۵۳۹ - ۱۵۴۰ ، ۱۵۴۱ - ۱۵۴۲ ، ۱۵۴۳ - ۱۵۴۴ ، ۱۵۴۵ - ۱۵۴۶ ، ۱۵۴۷ - ۱۵۴۸ ، ۱۵۴۹ - ۱۵۵۰ ، ۱۵۵۱ - ۱۵۵۲ ، ۱۵۵۳ - ۱۵۵۴ ، ۱۵۵۵ - ۱۵۵۶ ، ۱۵۵۷ - ۱۵۵۸ ، ۱۵۵۹ - ۱۵۶۰ ، ۱۵۶۱ - ۱۵۶۲ ، ۱۵۶۳ - ۱۵۶۴ ، ۱۵۶۵ - ۱۵۶۶ ، ۱۵۶۷ - ۱۵۶۸ ، ۱۵۶۹ - ۱۵۷۰ ، ۱۵۷۱ - ۱۵۷۲ ، ۱۵۷۳ - ۱۵۷۴ ، ۱۵۷۵ - ۱۵۷۶ ، ۱۵۷۷ - ۱۵۷۸ ، ۱۵۷۹ - ۱۵۸۰ ، ۱۵۸۱ - ۱۵۸۲ ، ۱۵۸۳ - ۱۵۸

دیگر تولد خود را بسال ۱۰۵۱ در ماه ربیع الاول نیز ذکر نموده بنابراین و شہادت کاغذ و مرکب بایستی نسخه در اوائل قرن یازدہم نگارش یافتہ باشد، دیباچہ ایکہ خود ثنائی بر این دیوان نوشتہ (در پنج ورق) این نسخہ شامل، سہ برگ اول نسخہ وصالی شدہ و از آخر آن اوراقی افتادہ و آثار آبدیدگی در برگہا ظاہر ولی خطوط آن ضایع نگردیدہ است.

جلد تہاجی . کاغذ بخارائی . واقف سپہ سالار . قطع وزیری کوچک . شمارہ اوراق کلیہ (۱۰۹).  
 این دیوان (۱۰۵). صفحہ ای (۱۷) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۲-۱۳ سانتیمتر).  
 شمارہ کتابخانہ (۳۷۵).

### [ ۵۲۱ ] دیوان جامی (فارسی)

عبدالرحمن جامی از مشاہیر علما و شعرا و متصوفہ نقشبندیہ است و در ص ۳۵۷-۳۵۹ شرح حال و مؤلفاتی از ایشان را نگاشته ایم، خود وی در مقدمہ نفیس این دیوان نگاشتنہ کہ پیش از این دیوان خود را بر نہج ترتیب حروف تہجی مرتب کردہ بودم و اکنون بر آن شدم کہ آنرا بترتیبی کہ شایستہ است مرتب نمایم و قصائد را بدین ترتیب: حمد و ثناء الہی، نعت حضرت رسالت پناہی ص و حضرت مولی الموالی ع و ائمہ ہدی ع، مدح پادشاہ عصر (سلطان حسین)، نصائح و مواعظ بدون رعایت قوافی منظم نمودہ و در تاریخ این ترتیب گوید:

« و شروع در این ترتیب در تاریخی بود کہ واقفان قواعد معما از این رباعی

استخراج توانند نمود:

رباعی

بادل گفتم کای بصفای گشتہ سمر      هستی صدف پراز گھر چیست خبر

از گوهر سال نظم این عقد درر      بروی صدف نہاد یکدانہ گھر »

بنابر این بسال ۸۸۴ کہ چہار دہ سال پیش از مرگ وی باشد این کار انجام

یافتہ است.

این دیوان جامی گذشتہ از قصائد شامل غزلیات مرتبہ بحر و تہجی بر حسب قوافی و مقطعات و رباعیات می باشد و در حدود (۸۷۵۰) بیت شعر دارد و قطعاً پس از این تاریخ ہم شاعر بیکار ننشستہ و از اینگونہ اشعار سرودہ و در ذیل «ہفت اورنگ» در این باب سخنی خواهیم راند.



آغاز دیباجه : بسم الله الرحمن الرحيم      هست صلاي سر خوان کريم  
 خوان کرم کرده کريم آشکار      گوید بسم الله دستي بيار  
 پا کا پرورد گاري که زبان سخن گذار در دهان سخن وران شیرین کار شکر  
 گفتار الخ.

آغاز غزلیات : بسم الله الرحمن الرحيم      اعظم اسماء عظیم حکیم  
 محترمان حرم انس را      تازه حدیثیست ز عهد قدیم  
 یامن بداجالک فی کتابی ما بیدا ..... با دها هزار روح مقدس تر افدا  
 (۱۱۷۷)

**دیوان جامی**  
 این نسخه بخط نستعلیق خوب نگارش یافته ، شامل فصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات است ، اطراف دو صفحه نخستین تذهیب و مینا کاری و نقاشی بسیار ضریف گردیده و آیات کریمه ای که در دیباجه بآنها تمثال جسته باطلا نگارش یافته ، آیاتی از قصائد و یک برگ از غزلیات و هشت رباعی از آخر آن افتاده ، چهار برگ یک از قصائد در ردیف الف از غزلیات صحافی شده ، و در اقبال غزلیات سرلوح ضریفی دارد ، پشت برگ اول ترنجی مینا شده و مذّهب میباشد و این برگ و صالّی گردیده ، و پیش از شروع به دیباجه دو صفحه نقاشی چینی بسیار ضریف که مجلس بر سر سلطان را بخشمه مینماید و هر یک تمام صفحه را گرفته موجود ، غریز خمد و تذهیب و نقاشی - سا که است که نسخه در اواخر قرن نهم و شاید در زمان خود جامی و یا ای سلطان حسین میرزا نگارش یافته آیاتی که از قصیده اول دیوان افتاده در سبزه آخر برگ دیباجه نوشته شده و تمام برگها بخودول بطل است .

جلد تیماحی . تصفیه بخارائی . واقف سیدالار . قطع وزیری . شماره اوزنی (۲۵۶) . صفحه ای (۱۷) سطری . طول (۲۲) عرض (۱۵) . شماره اوزنی (۳۳۴) .

(۱۱۷۸)

**دیوان جامی**  
 این نسخه را بخط نستعلیق حسن ۵۵۹ مقصود تربتی نوشته و شامل غزلیات و مقطعات و رباعیات ، برگ اول دارای

ساراح ظریف و صفحات مجدول بطلا و لاجورد ، پشت برگ اول و آخر  
یادداشت‌هایی موجود و برخی از اوراق و صالی گردیده است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ بخارانی . واقف سبسالار ، قطع وزیری . شماره اوراق ( ۲۶۱ ) .  
صفحه ای ( ۱۵ ) سطر . طول ( ۲۴ ۱/۲ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۵ ۱/۲ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه  
( ۳۳۳ ) .

( ۱۱۷۹ )

دیوان جامی این نسخه را میر ( ۱ ) علی کاتب مشهور ، بخط نستعلیق بسیار  
خوب سال ۹۳۵ در بخارا نوشته و شامل ترکیب بند جامی  
( ترکیب بند ) است که آغاز آن اینست :

صبحدم باده شبانه زدیم ساغر عیش جاودانه زدیم  
و از نسخ بسیار نفیس کتابخانه شمرده میشود و نگارش این ترکیب بند که  
هشتاد و هفت بیت میباشد با مرکب و طلا و سفید آب و مرکب الوان گردیده  
و سر لوح بسیار ظریف کوچکی دارد ، پشت برگیکه پیش از برگ نخستین است  
یادداشت‌هایی بوده محو گردیده و آثار آن می‌رساند که در کتابخانه سلاطین صفویه  
بوده و از یادداشت‌های پشت آخرین صفحه استفاده میشود که چندبهم این نسخه  
در هند بوده و در آن هنگام دو مجلس نقاشی هم در جلو آن بوده و لیکن اکنون  
نیست مهر های مختلفی هم در اول و آخر کتاب بوده محو گردیده يك برگ که  
گلهائی بر آن رسم شده و يك برگ زرافتان در اول و آخر نسخه است .

جلد روغنی دورو و مینا کاری . کاغذ مهم الوان حاشیه انشان . واقف سبسالار . قطع خشی .  
شماره اوراق ( ۱۶ ) . صفحه ای ( ۶ ) سطر . طول ( ۲۳ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۶ سانتیمتر ) . شماره  
کتابخانه ( ۲۷۴۸ ) .

[ ۵۲۲ ] دیوان حافظ شیرازی ( فارسی )

شمس الدین محمد بن کمال الدین متخلص به حافظ و مشهور به خواجه مطلق  
( در زبان ادبا ) و خواجه حافظ ، از مشاهیر شعرا و معاریف سخنوران ایران میباشد ،  
از آثار موجوده او کمال نفسانی و اطلاعات حکمی و عرفانی وی هویدا و سایر تصریح

( ۱ ) در آخر صفحه نویسنده رقم نموده و بیش از نام وی ( علی ) کلمه ای بوده محو گردیده پشت ورق  
اول و آخر تصریح گردیده که خط اسناد خط میر علی است . و میر علی هروی در سنکلاخ و خط و  
خطاطان ص ۱۷۷ معرفی شده .

خود وی قرآن کریم را با چهارده قرائت در حفظ داشته و آنچه نصیبتش گردیده همه را از دولت قرآن دانسته و بدین مناسبت تخلص خود را حافظ قرار داده و مدّعی شده که چون وی کسی لطائف حکمی را بانکات قرآنی جمع ننموده، خداوندگار نگارنده حضرت آقای حاج شیخ یوسف حدائق ادب الله ظلّه العالی که شصت سال از شصت و شش سال عمر خویش را در تعلّم و تعلیم اخبار مأثورّه از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و تفسیر قرآن کریم و فقه و اصول و حکمت صرف نموده و با اصول و مبانی و آثار عرفا همواره سروکار داشته چندینست که بمطالعه این دیوان اشتغال و ادّعای این بزرگ را تصدیق و مخالفین را بشرح آیات و مقالات این لسان الغیب و تطبیق آنها با آیات و اخبار و فواید حکمی مستفید میفرمایند.

بنابر مقدمه ای که معاصرویی محمد گل اندام که از نگارش وی ظاهرست در مجلس درس قوام الدّین عبدالله با خواجه شریک در استفاده بوده، خواجه بنظم و ترتیب اشعار خود پرداخته و استاد مکرر دستور فرموده که گل اندام بدین کار مبادرت نماید ولی تاپس از مرگ استاد و خواجه موفق بدین کار نگردیده و پس از آن بجمع و ترتیب آن پرداخته عین عبارت مقدمه اینست: «حافظت درس قرآن و ملازمت شغل سلطان و تحشیه کشف و مصباح و مضالعه مطالع و مفتاح (۱) و تحصیل قوانین ادب و تحسین دوانین عرب از جمع آیات و غریباتش مانع آمدی و از تدوین و اثبات ابیاتش و از عر گشتی الخ».

بنابر این نسبت تألیف تفسیری بخواجه درست خواهد بود ولی بدیختانه تاکنون نسخه‌ای از آن بدست نیامده است و از جمله: «ملازمت شغل سلطان» که در مقدمه است معلوم میشود که در دستگاه شیخ ابواسحاق و آل مظفر مقام دبیری داشته و نگارنده مجموعه‌ای که شامل چند رساله و چندین مکتوب مرکب از نظم و نثر میباشد و بسال ۷۸۶ نگاشته شده در کتب خطی مجلس شورای ایران یافته و باادله‌ای که در فهرست آنها خواهد نوشت آنرا از خواجه میدانند، و مؤید کامل بر صحت

(۱) مفتاح تألیف سید علی متوفی بسال ۶۲۶ و بام مطالع کنایه‌ای بسید است و در ۴۵۲-۴۵۴

ج ۲ کشف الطنون نامیده شده اند ظاهراً مراد مطالع الانوار سراج الدین ارموی متوفی بسال ۶۸۹ میباشد که در حکمت و منطق میباشد.

قول گل اندام خواهد بود .

تولد خواجه مسلماً بسال ۷۲۸ بوده چرا که در کاغذیکه پیداشاه هند نوشته و معذرت از رفتن خود خواسته شمار عمر خود را پنجاه و پنج معین نموده و مرحوم فرصت الدوله در « دریای کبیر » دعوت شاه محمود بهمنی پادشاه دکن را از خواجه و قصد رفتن و عدم موفقیت او را بسال ۷۸۳ معین نموده ( این قسمت را شاعر شهیر و دانشمند نحریر و خطاط کم نظیر معاصر محمد حسینی متخلص به قدسی که از شعرای معمر و بزرگوار کنونی شیرازند از کتاب مذکور در مقدمه دیوان حافظ که بخط ایشان در بمبئی چاپ گردیده نگاشته اند ) و سال وفات ایشان را شعرا « خاك مصلى » که سال ۷۹۱ را می‌رساند یافته اند ولی جامی در نفحات الانس و سلطان حسین بایقرا در مجالس و هدایت در ریاض العارفین بسال ۷۹۲ نوشته اند و این اختلاف ناشی از اینست که قطعه ایرا که گل اندام در اواخر مقدمه خود بر دیوان نوشته :

( بسال ذال و صاد و حرف اول	ز دور هجرت میمون احمد
بسوی جنت اعلی روان شد	فرید عهد شمس الدین محمد
بخاك پاك او چو ن برگزیدم	نگه کردم صفا و نور مرقد

و برخی آنرا بسال باو صاد و ذال ابجد ثبت کرده اند ، بنابراین ۷۹۲ میشود چنانکه بنابر روایت اول ۷۹۱ خواهد بود و مرحوم اعتصام در ص ۲۱۳ فهرست کتب خطی مجلس نقل از تذکره نویسان سال ۷۹۴ و ۷۹۵ را نیز در وفات خواجه نقل کرده اند ولی در مآخذیکه (۱) نگارنده در این هنگام بآنها مراجعه نموده این دو سال اخیر ثبت نگردیده است .

معاصرین خواجه شاه داعی الله ، شاه نعمت الله ، سید ابوالوفا ، شیخ علی کلا ، شیخ زین الدین خوافی ، کمال خجندی و شاه ابو اسحق و شاه منصور و شاه شجاع و شاه محمود پادشاه دکن بوده و در دیوان وی بنام بعضی از ایشان اشعار و مدایحی ثبت گردیده است .

(۱) تذکره دولتشاه سمرقندی جاب اروپا ص ۳۰۲-۳۰۸ ، نفحات الانس خطی کتابخانه ص ۷۲۵ مجالس-المشاق مجلس چهارم ، مجالس المؤمنین ص ۳۰۳-۳۰۴ ، هفت اقلیم ص ۱۸۰-۱۸۳ ، ریاض العارفین (چاپ اول) ص ۱۶۷-۱۸۵ ، مجمع الفصحا ج ۲ ص ۱۱-۱۴ ، فارسنامه ناصری ص ۱۴۵ و ۱۴۶ گفتار دوم ، آثار عجم فرصت الدوله ص ۱۶۹-۱۷۳ ، طرائق الحقائق ص ۳۰۵-۳۰۷ ج ۲ ، مقدمه دیوان جاب قدسی و مقدمه جاب آقای بزمان .

اشعار خواجه از همان عصر و او انشاء مطلوب عام و خاص گردیده و خواجه را هم شهره آفاق کرده ، گروهی از معاصرین هم به وی رشک برده و خود وی در مقطع غزلی گفته :  
 حسد چه میری ای سست نظم بر حافظ قبول خاطر و لطف سخن خدا داد است  
 و همین مطلوبیت و زیادی نسخه برداشتن از آن باعث تحریف و تشنج بسیار در آن گردیده و اشعار دیگران هم که اندک شباهتی با اشعار حافظ داشته (در بعضی از موارد هم بسیار مبائن با سبک و روش اوست) در دیوان او داخل شده و تشخیص آن بسیار کاری دشوار و جز از ادیب با رع و سخن شناس ماهه نمیتواند غث را از سمین و اصل را از بدل تشخیص دهد ، خوشبختانه در این عصر «رخنده جناب آقای محمد علی فروغی (ذکا، الملک) کسه آثار فلسفی و ادبی ایشان چون آفتاب درخشانده در آسمان ، بدانشندان ایران جان بخش میکند آنجا که در مدت سی سال از دیوان حافظ نموده و ذوق سلیم ایشان حاکم بر صحت نسبت آنها بدان شاعر آسمانی بوده ، چاپ و نشر داده اند .

محمد مؤمن در فائده چهارم از مقدمه عروس خود گویند : شیوخ اشعار که از خواجه بنظر رسیده دریاست و سه بحر زیاده نیست .

خواجه اگر چه در فن غزل مهارت کامل نداشته ولی مساند و مقدمات و رباعیات و شمسات و ترجیع بند و ساقی نامه (منوی) و غیره نیز شایسته دیوان وی مگرد چاپ شده و بزبانهای زنده ترجمه گردیده و چندین بار (۱) آن کتاب را یافته است .  
 (۱۱۸۰)

دیوان این نسخه را محمد الدین اوحدی شیرازی که مشهور به صاحب نویسی میباشد ، بحضرت سیدعلیق خورشید سال ۱۳۷۹ هجری قمریه ، حافظ شیرازی اطراف دو صفحه نخستین با بهترین خط نسخ نقاشی و تذهیب و مینا کاری نموده ، در فاصله غزلیات و قصائد و مقطعات و رباعیات و شمس نامه ها ۲۷۰ رباعی از خیام را که تناسب معنوی با مطالب حافظ داشته باطلای نوشته و خود دیوان در حدود (۹۴۵۰) بیت است .

پیچ نقاشی دارد (یکی از آنها چینی و ظریف است) که مطالب و معانی (۱) دوشاخ از دیوان حافظ در آنجا به عین موجود و در فقه است آنجا به عین موجود شده .

پنج غزل را که در ذیل آنها کشیده شده اند بحسب مینماید، نسخه در قرن دوازدهم متعلق بدانشمندانی ترك نژاد بوده و یادداشتهای و مهرهای اسم آنها پشت صفحه نخستین و اطراف صفحات دیده میشود.

جلد تیماجی ضربی . کاغذ دولت آبادی . واقف سبسالار . قطع ربعی . شماره اوراق (۲۲۷) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۰ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۹۹) .

(۱۱۸۱)

دیوان حافظ این نسخه بسال ۱۰۰۵ بامر علی بن نظام در شهر لار (از توابع

فارس است) بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده صفحه

و دیوان

دست راست را اشعار حافظ (در حدود ۵۰۰ بیت است)

قاسم انوار

و دست چپ را دیوان قاسم انوار (قاسمی) (نیز در همان

حدود از ابیات است) نوشته و تا پنج برگ باخرمانده همین کار را کرده و چون

دیوان خواجه باخر رسیده تمام پنج ورق را از اشعار قاسمی پر کرده و ملتزم شده

که در آخر صفحه غزل هر يك را تمام کند ، دو صفحه اول هر يك دارای سرلوحی

زیبا و اطراف آنها تذهیب و نقاشی گردیده و میان سطرهای آنها طلا اندازی و نقاشی

شده ، چندین برگ از اول و آخر و صالی شده و نام کاتب از میان رفته است .

جلد تیماجی . کاغذ کشمیری . واقف سبسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۳۱۰) صفحه ای

(۲۰) سطر . طول (۲۸  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر) . عرض (۱۴  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۰۲) .

(۱۱۸۲)

این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب عرشاه بن محمد

دیوان

حسینی الاستادی (کذا) بسال ۱۰۴۷ نوشته ، در آغاز دیباچه

وقصائد و غزلیات هر يك يك سرلوح زیباست و اطراف دو

حافظ شیرازی

صفحه اول هر کدام تذهیب برگ موی اعلا گردیده و میان سطرهای آنها طلا

اندازی شده و ابتداء غزلها نیز تذهیب گردیده و صفحات مجدول بطلا و لاجورد و

زنگار میباشد ، شماره غزلیات این نسخه از دو نسخه پیشین کمتر و در حدود

(۴۱۵۰) بیت میباشد ، چند برگ از آخر نسخه با کمال مهارت و استادی و صالی

شده ، دو برگ از دیباچه میان قصائد صحافی شده ، پشت صفحه اول نسخه و آخر صفحه آخر یادداشتهائی بوده نحو گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سیهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۱۷۳ ) . صفحه ای ( ۱۴ ) سطر . طول ( ۲۵ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۳ ۱/۲ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۴۱۴ ) .

( ۱۱۸۳ )

**دیوان حافظ شیرازی** این نسخه بخط نستعلیق ( خوب ظاهرا در قرن دهم ) نوشته شده ، مالک نسخه در مقابل بسیاری از غزلها تاریخ حافظ شیرازی تفال و قصد خود را ذکر نموده و قدیمترین تاریخیکه در آن

واضح است بسال ۱۰۸۸ و در مقابل این غزل است : دیدم بخواب خوش که بدستم پیاله بود الخ . اوراقی از اول و آخر آن افتاده ، صفحه اول و آخر نسخه نو نویس و بخشی از دیباچه حمد گل اندام و رباعیات بر این دو نگارش یافته ، پاره ای از برگها وصالی شده ، برخی هم نیازمند میباشد ، بیش از شروع غزلیات قصائد و ترکیب بند و مخمس حافظ نوشته شده و در اول غزلیات سر لوحی موجود و اصراف و میان سطرهای دو صفحه اول غزلیات تذهیب گردیده ، ابیات افتاده و نسخه بدلهائی در حاشیه نگارش یافته و در حدود ( ۷۱۵۰ ) بیت است .

جلد روغنی کل و بوته و اصراف داخل در کس . نامه خانای . واقف سیهسالار . قطع وزیری ( لوجک . شماره اوراق ( ۲۲۷ ) . صفحه ای ( ۱۵ ) سطر . طول ( ۳۱ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۲ ۱/۲ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۴۱۳ ) .

( ۱۱۸۴ )

**دیوان حافظ شیرازی** این نسخه را بخط نستعلیق نوشته اند ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده ، ظاهرا در نیمه اول قرن سیزدهم نگاشته شده ، شامل غزلیات و مقطعات و سابق نامه ها و رباعیات است

و در حدود ( ۴۷۰۰ ) بیت میباشد ، يك سر لوح دارد و تمام صفحات بجدول بطلا و لاجورد است سال ۱۲۸۲ داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و پشت صفحه نخستین یادداشت گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع بلی . شماره اوراق (۱۹۸) . صفحه ای (۱۴) سطر . طول (  $۱۳\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۸ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه (۱۹۸) .

### [۵۲۳] دیوان حسان بن ثابت (عربی)

حسان بن ثابت بن المنذر بن حزام انصاری مدنی متوفی بسال ۵۴ (۱) شاعر و مداح حضرت محمد بن عبدالله پیغمبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله می باشد ، مورخین اتفاق دارند که یکصد و بیست سال چون پدران خویش زندگانی نمود ، نیمی از آنرا در جاهلیت گذرانیده بود و نیم دیگر را در اسلام بپایان رساند ، نابغه جعدی و اعشی را دریافته و شعر خود را بآنها عرضه داشته و هر دو اعتراف بخوبی آن نموده اند . گویند که چند نفر از قریش چون ابن الزبیری ، ابی سفیان ، نوفل بن حرث ، عمرو بن العاص و ضار بن الخطاب پیغمبر اکرم را هجا میگفتند ، حسان مقابله به مثل نمود و آنها را هجاها گفت ( در دیوان وی بسیار هجای این اشخاص دیده میشود ) ، آنها پس از این ترك هجا کردند و این چند بیت از قصیده ایست که در فتح مکه و هجاء کفار سروده است :

فَأَنْتَ جَوْفُ نَخْبِ هَوَاءٍ	الْأَبْلَغُ أَبَاسُفَيَّانِ عَنِّي
وَعَبْدُ الدَّارِ سَادَتُهَا أَلِإِمَاءِ	بِأَنَّ سُبُوقَنَا تَرَكْتُكَ عَبْدًا
وَعِنْدَ اللَّهِ فِي ذَاكَ الْجَزَاءِ	هَجَوْتَ مُحَمَّدًا فَأَجَبْتُ عَنْهُ
فَشَرُّكُمْ لِيخِيرَ كَمَا الْفِدَاءِ	اتَّهَجَوْهُ وَكَسَتْ لَهُ يَكْفُو

در دیوان وی مدائح و هجاها و مرثی ثبت شده ، صاحب روضات از شیخ مفید نقل نموده که حسان پس از پیغمبر ص از حضرت علی بن ابی طالب بسیار انحراف داشت و از تابعین عثمان بن عفان بود و مردم را از آن حضرت برمی گردانید و معاویه میخواند . در دیوان وی رثاهای متعدد درباره خلیفه سوم دیده میشود اگر چه تصریحی

(۱) در معجم المطبوعات ۵۲۲ نقل از اغانی و خزائن الادب و جهره وفات حسان بسال ۵۴ ثبت گردیده و در شذرات الذهب (ج ۱ ص ۶۰) و روضات الجنات (ص ۳۹ ج ۲) نیز در همین سال ضبط گردیده ولی در این کتاب اخیر گوید که وفات ویرا بسال ۴۰ نیز نهشته اند .



بر آن معنی که نقل گردید در مطالعه مختصر خویش نیافتیم ولی توجه کامل و اعتقاد زیاد وی از رثاهای متعدد بخوبی واضح و آشکار است .  
این دیوان شامل از اقسام شعر مذکور می‌باشد و مکرر در اروپا و تونس و بمبئی و مصر و لاهور چاپ گردیده است .

آغاز : قال حسان رضی الله عنه یوم فتح مکه

عَفَّتْ ذَاتُ الْأَصَابِعِ فَأَلْجَؤُا إِلَيَّ عَذْرَاءُ مَنَزَلِهَا خَلَاءُ

(۱۱۸۵)

دیوان این نسخه بختی نیست علیق خوب بدون تاریخ نگارش یافته ، پست صفحه نخستین بسال ۱۲۸۴ و روت آن به کتابخانه حسان بن ثابت اعتضاد السلطنه یادداشت شده ، از مزار کتابت کاغذ بایستی در همین سال یا کمی پیش از آن نگاشته شده باشد در حاشیه برخی از صفحات معانی بعضی از لغات مشکله اشعار از کتب لغت نقل گردیده است .

جلد تیماج . ناغد فرنگی . واقف سرسار . قطع ورنی . صوحت . شماره اوراق ( ۹۰ ) .  
صفحه ای ( ۱۲ ) سفر . طول ( ۲۲ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۴ سانتیمتر ) . شماره خطی ( ۳۳۶۶ ) .

[ ۵۲۴ ] دیوان حسن دهلوی ( فارسی )

نجم الدین حسن بن علی سانجری دهلوی معاصر بامیر خسرو دهلوی است و هر دو دست ارادت به نظام الدین اولیا داده اند . در شرح حال این دو ناماعز سخن مسج مذکور است که روزی امیر خسرو بانظام الدین اولیا میگذشت در درب دکان نانوائی حسن را دید که در منتهی درجه لطافت و حسن صورت مسند و آن شعر میخواند و پیش رفت و پرسید نان چگونه میفروشی حسن گفت : نان در تر از تو میفروشند و دارا می فرمایم تا مقابل آن زر می نهند هر گاه زر گران تر می آید مشتری را روان میکنند خواهجه خسرو گفت اگر خریدار مناس باشد مصلحت چیست گفت درد و یار را بوجه بر میگیریم خسرو از این گونه سخنان موزون حسن حیران ماند و کیفیت بشیخ عرضه کرد . خواهجه حسن را درد طلب دامن گیر شد و بختگاه شیخ در آمده ترک دکان داری نمود . آتش عشق حسن در امیر خسرو شعله ور گردید ، حسن نیز او را

دوست داشت چون دومی در یک پوست و یک جان در دو قالب شدند ، داستان عشق آنها زبان زد مردم گردید ، بگوش پادشاه زمان علاءالدین فیروز شاه رسید ، حسن را که مقام ملازمت پیدا کرده بود از رفتن بخانه امیر خسرو بازداشت ، ولی سودی نه بخشید و باز با خسرو آمد و شد داشت و شهرت این عاشقی روز افزون میگشت پادشاه روزی برای نافرمانی بردست حسن تازیانه زد ، پس از آن از همان راه بخانه امیر خسرو در آمد ، چون این خبر بپادشاه رسید عشق مجازی را بنیور حقیقت آراسته یافت خسرو را طلبید و حسن را نیز بحضور خراسان و تحقیق نمود که عشق آنها شایبه هوا و هوس دارد یا از این نقص بری است از بوته امتحان چون ز رخالص و ناب پاک بدر آمدند باوجود این از خسرو برهان و دلیل خواست ، گفت دوئی از میان ما برخواسته و دست از آستین بیرون آورده که « گواه عاشق صادق در آستین باشد » و نمود که اثر تازیانه که بر بدن حسن زده شده بر بدن وی ظاهر گردیده و این رباعی از شیخ عراقی خواند :

عشق آمد و شد چو خونم اندر رگ و پوست    تا کرد ز من تهی و پر کرد ز دوست  
اجزای وجودم همگی دوست گرفت    نامیست ز من بر من و باقی همه اوست  
در تذکره دولت شاه (ص ۲۴۷-۲۴۹) و بحال العشاق (مجلد ۳۴) و مجمع الفصحا (ج ۱ ص ۱۹۶-۱۹۷) و تذکره خوشگو و هفت اقلیم ص ۳۰۰-۳۰۲ که در هنگام نگارش این شرح مراجعه گردیده از تاریخ حیات و زمان مرگ و دیوان وی معرفی نشده ، در تاریخ مفصل ایران آقای اقبال شرحی در باره این شاعر عارف نوشته و مرگ او را بسال ۷۲۷ در دولت آباد هند معین نموده و در هفت اقلیم وفات او در دیو گهر ثبت شده است نسخه این کتابخانه در حدود ( ۶۴۰۰ ) بیت شعر و شامل قصائد و غزلیات و مقطعات و چند مثنوی و رباعیات این شاعر میباشد و قصائد و غزلیات در مدح سلطان علاءالدین محمد بسیار دارد و در غزلی علاقه خود را باهل بیت پیغمبر اکرم ص اشکار کرده و گوید:

کوبنده محمد و آل محمد است

آزاد شد دل حسن از بند هر غمی

درباره خط خوب خود گوید :

بنده حسن ز خط خوشش نسخه کند هر که که عرصه داشت کند پادشاه را .  
حسن دهلوی را سعدی هندوستان گویند و خود وی هم خواسته که چنین باشد  
و در مقطع غزل گوید :

از نظم حسن نوشد دیباچه عشق آری حلد سخنش دارد شیرازه شیرازی .  
و چنانکه در ض ۵۱۷ نقل گردید امیر خسرو هم نظیر این بیت را در بساره خود  
گفته بود .

آغاز : ای حاکم جهان و جهان داور حکیم حدوث همه ادایع و تو مبدع قدیم .  
( ۱۱۸۶ )

دیوان این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، برگ آخر نسخه  
که ظاهر را شامل تاریخ نگارش و نام نویسنده بوده بر داشته اند ،  
حسن دهلوی پشت صفحه نخستین یادداشت هایی با تاریخ میاشد که بیشتر از  
همه آنها آنست که بسال ۱۰۵۰ ( کذا ) که ظاهر ا مراد از آن ۱۰۰۵ بوده نگاشته  
شده و تصور میکنم که از خطوط اوائل قرن دهم هجری باشد . دو صفحه اول کتاب  
تذهیب و نقاشی بسیار ظریفی دارد و صفحات نسخه جدولی است .  
حلد تیماجی . تاعد سر فندی . واقف سیه سالار . قطع وزیری لوح . شماره اوزان ( ۲۶۸ ) .  
صفحه ای ( ۱۴ ) سطر . طول ( ۲۲ ۱/۲ ) سانتیمتر . عرض ( ۱۳ ) سانتیمتر . شماره ابجدخانه  
( ۱۹۰ ) .

[ ۵۲۵ ] دیوان حسن غزنوی ( فارسی )

سید حسن بن ناصر علموی ملقب به اشرف الدین از شعرا و عرفای عصر بهرامشاه  
غزنوی و معاصر حکیم سنائی بوده و در مقام سیر و سوانح مقاماتی یافته ، پادشاه هم  
سبب بوی لطف و محبت داشته ، چون دید که یای منبر ارشاد و افاده وی هر روز  
در حدود هفتاد هزار کس می نشیند و بیشتر آنها از مریدان و پیروان وی اند صلاح  
کشورداری خود ندید که در غزنین باشد ، سدد هم چون این معنی را دریافت بعزم  
زیارت کعبه از آنجا رخت بر بست ، چون به مدینه حطبه رسید توجیع بندی در نعمت

حضرت رسالت ص انشاء و این يك بيت را در تاریخ گزیده حمدالله مستوفی از آن نقل نموده :

لاف فرزندى نیارم ز ددرین حضرت ولی خدمتى گفتم ز حضرت خلعتی بیرون فرست.  
دیوان وی شامل مدائح بسیار از بهرامشاه میباشد و در قصیده ای که این بیت مطلع آنست :

چون ز غزنین کردم آهنگ ره هندوستان

از سپاه روم و خیل زنگ می بستد جهان  
تشریح نموده که در این سفر بهرامشاه نیز باو در يك کشتی بوده و او را مدح بسیار نموده و گوید :

اینچنین راهی مرا خوشتر ز بر کشتن بود

در پناه رایت منصور سلطان جهان

هدایت در ریاض العارفین (ص ۱۸۵-۱۸۶) که معرفی از این عارف شاعر نموده وفات ویرا بسال ۵۳۵ پس از بر کشتن از خج و تکریماتی که از طرف سلاطین عصر نسبت بوی شده در جوین اسفرائین ثبت نموده و همو در ص ۲۹۲ ج ۱ مجمع الفصحا که دوباره بمعرفی وی پرداخته گوید بسال ۵۶۵ وفات یافته و دیوانش پنجهزار بیت است و در حاشیه ص ۲۲۰ ج ۲ سخن و سخنوران وفات سید حسن غزنوی مطابق مجمع الفصحا ثبت گردیده و بطلان قول اول را این بیت که در ص ۴ نسخه زیرین دیوان اوست ثابت میکند :

از بعد پانصد و چهل و پنج گویا در من نگر که معجزه جد خود منم  
و در آتشکده چاپی (ص ۱۰۶) وهفت اقلیم ص ۲۶۱-۲۶۶ و تذکره دولتشاه ص ۱۰۴-۱۰۶ تاریخ وفات وی ثبت نگردیده است .

(۱۱۸۷)

این نسخه بخط نستعلیق بدون تاریخ نوشته شده ، نویسنده از خود نام نبرده ، ظاهراً از خطوط نیمه اول قرن سیزدهم هجری است ، دیوان مختاری بدین نسخه پیوسته است و در

دیوان  
حسن غزنوی

همین فصل معرفی خواهد شد، و این دیوان که بدین بیت شروع شد:

داند جهان که قره عین پیمبرم      شایسته میوه دل زهرا و حیدرم  
بر حسب شماره دقیق (۱۲۸۰) بیت از قصیده و غزل و ترجیع بند میباشد و بسال ۱۲۶۱  
داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده است.

جلد تیماج، کاغذ نرمه، واقف سپهسالار، قطع وزیری، شماره اوزاق دیوان (۱۱۸)، این  
نسخه (۳۷)، صفحه (۱۹) سطر، طول (۲۶ سانتیمتر)، عرض (۱۷ سانتیمتر)، شماره کتابخانه (۱۸۵).

### [ ۵۲۶ ] دیوان خاقانی شروانی (فارسی)

خاقانی را در ص ۴۶۳ - ۴۶۶ معرفی کرده ایم، دیوان وی شامل قصائد و غزلیات و  
مقطعات و رباعیات میباشد چنانکه در ص ۴۶۶ نقل کرده شده شماره ابیات دیوان ویرا  
(۲۲۰۰۰) نوشته اند، دیوان وی بنام کلیات سه بار که آخرین آنها بسال ۱۳۲۵ بوده در هند  
چاپ گردیده و شامل (۲۲۰۰۰) بیت عربی و فارسی میباشد، در سخن و سخنوران  
(بخش اول از جلد دوم ح ص ۳۲۲) تذکره کرده شده که در نسخه چاپ هد اشعار  
دیگران نیز مندرج گردیده و نیز سال ۱۳۱۷ خورشیدی بتصحیح دانشمند معاصر  
آقای عبدالسولی استاد ادبیات دانشگاه دیوانی از خاقانی در حدود (۱۷۰۰۰) بیت  
در طهران چاپ ممتازی گردیده است.

در اشعار خاقانی مشکلاتی از حیث لغت و معنی وجود دارد دانشمندی بشرح  
آنها پرداخته اند و در این فصل و در فهرست کتابخانه شمس چند شرح بر این دیوان  
را معرفی خواهیم نمود.

#### آغاز:

دل من پیر تعلیم است و من طفل زبان دانش      دم تسلیم بر عشق و سر زانو دبستانش  
نه مردی این دبستان است هرگز جنبش دردی      بهر ده چارخو فانیست در بنیاد ارکانش (۱)

(۱۱۸۸)

این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۰۰۲ نوشته شده،  
نویسنده از خود نام نبرده، در گهائی از اول آن افتاده،  
برخی از برگهای کنونی در اول نسخه نویسی و پاره ای از

(۱) در نسخه این کتابخانه بیت دوم بدین نحو نوشته شده و نویسنده در صحیف و بحریف آن  
اعجاز کرده است.

برکها و صالی شده، بر حواشی نیمه اوّل بر گهای دیوان تعلیقات و حواشی نگاشته شده، بر برگت ننوشته‌ای که پیش از نسخه بوده و وقفنامه مدرسه بر آن نوشته شده یادداشتی بوده نحو گردیده و بر حسب شماره دقیق در این نسخه از قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات در حدود (۱۴۲۰۰) بیت میباشد و ابیاتی چند از معاصرین که موجب انشاء قصائد یا قطعه‌هائی بوده نیز در این نسخه از دیوان وجود دارد.

جلد تیماجی مذهب . کاغذ دولت آبادی . وافق سبھسالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۳۵۹) . صفحه ای (۲۱) سطر . طول (۲۷ -  $\frac{1}{4}$  سانیمتر) . عرض (۱۶ سانیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۳) .

(۱۱۸۹)

این نسخه بخط مستعلیق خوب بسال ۱۰۱۳ نوشته شده پیش از شروع به نگارش دیوان، تحفة العراقین خاقانی نوشته شده خاقانی شروانی و خصوصیات آن در ص ۶۷ گذشت، این دیوان شامل قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات و در حدود (۱۳۷۵۰) بیت میباشد، دو سرلوح زیبا یکی در ابتداء قصائد و دیگری در آغاز غزلیات دارد نسخه زیر شماره (۴۱۰) در کتابخانه ثبت گردیده و در ص ۶۷ خصوصیات دیگر آن زیر معرفت تحفة العراقین زیر شماره (۱۱۰۶) نگاشته شده است.

[۵۲۷] دیوان امیر خسرو دهلوی تحفة الصغر (فارسی) شرح حال و آثار امیر خسرو دهلوی را در ص ۵۱۶-۵۲۰ نگاشته‌ام و در آنجا تذکر داده شد که چهار دیوان داشته، نسخه‌های زیرین «تحفة الصغر» یا نخستین دیوان وی میباشد و در حدود (۱۴۰۰۰) بیت از غزل (مرتب بحروف تهجی بحسب ردیف‌ها میباشد) و قطعه و رباعی میباشد و خود بر آن دیباجة‌ای نیز نگاشته ولی نسخ این کتابخانه فاقد آنست.

آغاز: حمد رانم بر زبان لله رب العالمین

آنك جان بخشید در قرآن هدی للمتقین الخ.

(۱۱۹۰)

## دیوان

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، در میان اوراق  
غزلیات ردیف و او یک صفحه مجلس نقاشی چینی بسیار ظریف  
امیر خسرو و دهلی که مجلس بزم پادشاه و رقص دائره ای را محسم مینماید و از  
تحفة الصغر بالا تا پائین صفحه را فرا گرفته موجود و در قسمت بالای

آن، این جمله بخط ثلث بسیار خوب نگارش یافته:

بشارة السلطان الاعظم والخاقان المعظم ابوالغازی سلطان حسین بهادر خلد  
ملکه فی شهور سنة ست و ثمانین و ثمان مائه .

دو صفحه نخستین نسخه دارای دو سر لوح و اطراف آن تذهیب و نقاشی های  
بسیار ممتاز و مینا کاریهای ظریف گردیده ، دست حوادث چون بسیاری از صفحات  
این دو صفحه را ناقص کرده ولی با کمال مهارت و استادی و صالی گردیده و با  
دقت کامل تشخیص داده میشود ، عناوین غزلها و قطعات با لزجورد و طلا  
نوشته شده و ظاهراً نگارش آن بسال ۸۸۶ که تاریخ مجلس نقاشی مذکور میباشد،  
بوده است .

چند غزل اول سائر نسخ در این نسخه نیست و بدین بیت شروع گردیده :

ای بدر ماند کنی پناه همه رحمت تست عذر خواه همه

از رباعیات هم بخشی افتاده و آخرین رباعی که در آخر نسخه کنونی میباشد  
کلماتی از آن محو شده و بواقص آن درست تکمیل شده و در نسخه زیرین صحیح  
آن نگاشته شده ، تمام صفحات بدون بطل و لزجورد و اطراف عناوین غزلیات  
و غیره تذهیب گردیده و بسیاری از صفحات و صالی گردیده است .

جلد روغنی کلی و بونه دورو . ناغذ خان بالغ . و اف سیدالار . قطع و ربری . شمره اوراق  
( ۴۴۲ ) . صفحه ای ( ۱۷ ) سطر . طول ( ۲۷ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۶ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه  
( ۴۶۱ ) .

(۱۱۹۱)

دیوان  
امیر خسرو دهلوی  
این نسخه در اواخر قرن نهم هجری بخط نستعلیق خوب نوشته شده، از شماره سال تاریخ ۸۹۰ باقی مانده و آحاد آن محو گردیده، بر کک نخستین نو نویس و پاره از برگها و صالی گردیده رطوبت تحفة الصغر بعضی از سطرها را خراب نموده و شامل غزلیات و مقطعات و رباعیات و فردهاست، دیباچه نثری را نیز ندارد، عناوین بالا جور و طلا نوشته شده و صفحات مجدول بطلاست.

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سه سالار . قطع وزیری کوچک . شماره برگها (۳۶۰) . صفحه ای (۱۴) سطر . طول (۲۲ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴ ۱/۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۷۱) .

(۱۱۹۲)

دیوان  
امیر خسرو دهلوی  
این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، اطراف دو صفحه نخستین با طرزی خوش و ظریف تذهیب و نقاشی و مینا کاری گردیده و میان سطرها طلا اندازی شده، اطراف چند صفحه تحفة الصغر در اوائل نسخه تذهیب گردیده، صفحات مجدول بطلا و عناوین نیز باطلاست، برگهائی از آخر نسخه افتاده و بعضی از اوراق هم و صالی گردیده و ظاهراً در اوائل قرن دهم هجری نگارش یافته است.

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۵۳۱) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۴ ۱/۲ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۶۸) .

[ ۵۲۸ ] دیوان امیر خسرو - غرة الکمال (فارسی)

غرة الکمال سومین دیوان امیر خسرو دهلوی است که در ص ۵۱۶ - ۵۲۰ بشرح حال او پرداخته ایم، چنانکه خود در دیباچه این دیوان نوشته اشعاری که از سال ۶۸۵-۶۹۳ که ارسال ۳۴ تا ۴۰ (۱) عمر خود سروده در يك مجلد گذارده

(۱) تاریخ سنه خمس و نمایین و سمائیه که سی و چهار سال بودم که تا غایت شهرور سنه ثلث و تسعين و سمائیه که چهل سال شدم هر نقدی که محرران در دیوان کارخانه خرج شود انشاء الله درین دیوان کارخانه خرج شود آنانکه طغرای بی مال دارد اگر بیشتر توقعات کالبدیست (عین عبارات ورق ۳۶ نسخه است و چنانکه دیده میشود اغلاطی در تاریخ مذکور و عبارات یافت میشود) .



و آنرا «غرة الکمال» نام نهاده چنانکه دو دیوان انشائی پیش از این را «تحفة الصغر» و «وسط الحیات» نامیده است این دیوان شامل چند بخش میباشد که زیر این سطر نگاشته میشود :

۱ - دیباچه ای بشر و نظم که در آن ابیات عربی امیر خسرو دیده میشود و خود اعتراف نموده که از عهده شعر عربی گفتن بر نیامده و معذرت خواسته است و اطلاعات سودمندی از حالات خود و خانواده اش در اینجا یافت میشود و این بخش در چهل برگ در متن و حاشیه نوشته شده و در حدود (۱۹۰۰) بیت میشود .

۲ - قصائد و چند قطعه است که از برگ ۴۱ تا ۱۰۶ شامل و در حدود (۳۷۰۰) بیت است .

۳ - قطعات شامل مطالب توحیدی و نعت و منقبت و عرفان و تصوف و غیره از برگ ۱۰۶ تا ۱۱۵ در حدود (۵۰۰) بیت .

۴ - در متفرقات از قبیل هزل و ذم و استهزاء و مطایبات و شکایات و غیره از برگ ۱۱۵ تا ۱۱۸ در حدود (۱۷۰) بیت .

۵ - فتحنامه یا «مفتاح الفتوح» که به وزن مثنوی و بسال ۶۹۰ انشاء آن خاتمه یافته از ص ۱۱۸ تا ۱۳۲ و در حدود (۸۰۰) بیت میباشد و آغاز آن اینست .  
سخن بر نام شاهی کردم آغاز      که بر شاهان در دولت کند باز

۶ - نامه ایست که به برادر خود تاج الدین زاهد بیز بوزن مثنوی انشاء و از برگ ۱۳۳ تا ۱۳۷ را فرا گرفته و در حدود (۲۵۰) بیت میباشد و آغاز آن اینست :

عنوان      این نامه که جان درو سرشتم      هر حرف بحون دل نبشتم  
در خدمت مکرّم گرامی      زاهد بهمه هنر تمامی .

توحید      سر نامه بنام ایزد پاک      کاورت دیدم مردم از خاک .  
آغاز نامه      عذوم برادر کرامی      چون خود بهمه هنر تمامی

۷ - چند مثنوی کوچک در وصف اسب و عمارات شاهی است در (۲۳۰) بیت از برگ ۱۳۷ تا ۱۴۳ .

۸ - مثنوی بنام « بازنامه » است که در برگ ۱۴۴ تا ۱۴۸ نسخه نوشته شده و در آن بمدح و اندرز پادشاه وقت پرداخته و در حدود (۲۲۰) بیت میباشد .  
 ۹ - غزلیات است که از برگ ۱۴۷ تا ۱۸۰ میباشد و در حدود (۱۸۵۰) بیت میباشد و مرتب بترتیب حروف تهجی برحسب ردیفها نیست و بدین بیت شروع میشود :

ای ز خیال ما برون در تو خیال کی رسد      با صفت تو عقل را لاف کمال کی رسد  
 ۱۰ - رباعیات امیر خسرو است و چند ورق آخر نسخه جای آن پیشتر است و از میان رباعیات يك یا چند برگ افتاده و این بخش از برگ ۱۸۰ تا ۱۹۳ نسخه میباشد و در حدود (۲۸۰) بیت است .  
 و بنا بر محاسبه نام برده این دیوان در حدود (۱۰۰۰۰) بیت میباشد .

(۱۱۹۳)

دیوان      این نسخه بدون تاریخ و نام نویسنده بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، از اسلوب آن بدست می آید که نویسنده آن هندی و يك سرلوح ظریف بسبك هندی دارد ، ظاهراً در قرن نهم هجری نگارش یافته ، صفحات مجدول بطلا و لاجورد و عناوین باشعور نگارش یافته بدبختانه اغلاط زیاد دارد و برخی از برگها و صالی گردیده است .

حلد ، بجاجی . کاغذ دوات آبادی . واقف سیهالار . تطم و ریری . شماره اوراق (۱۹۳) . صفحه ای (۱۷) سطر در متن ۲۶ در حاشیه . طول ( ۲۸۰<sup>۲</sup> سانتیمتر ) . عرض ( ۱۷ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۱۷۰ ) .

### [ ۵۲۹ ] دیوان داود ( فارسی )

محمد داود فرزند میرزا عبداللّه است که از اجلّه سادات عالی درجات اصفهان بوده و عشق (۱) تخلص میکرد . چنانکه خود محمد داود در قطعه ای از قطعه های این

(۱) در این بیت :

( زاده عشق مصرعی حواید برسم تعبه      قصر جهان نما شده آئینه جهان نما )  
 که در آخر قطعه است اشاره به تخلص پدر کرده است .

دیوان تصریح نموده بسال ۱۰۶۵ در اصفهان متولد شده و از مثنوی وی که در شرح مسافرت بخراسان بعنوان تولیت آن آستان سروده شده و در این دیوان موجود است مسلم میشود که این مقام را دارا شده و در ص ۳۲۷ ج ۲ مطلع الشمس نوشته شده که بسال ۱۱۰۹ دارای این مقام گردیده و در آتشکده آذر (ص ۱۸۰) ثبت شده که در همانجا وفات یافته ولی در این دو مأخذ که نام و نشانی از این شاعر یافتیم معلوم نشد که تا چه سال در اینجهان بوده ولی از قطعه‌ای که در تاریخ فوت میرزا محسن نام سروده و جمله «آه از تأثیر آه» را که سال ۱۱۳۱ معین میکند ماده تاریخ وفات وی یافته بدست آمد که ۶۶ سال مستمراً در این جهان بوده و در حاشیه ص ۱۵۵ نسخه تذکره دولتشاه شماره ۲۷۲۷ این کتابخانه این ماده تاریخ موجود: ذیحجه فغان (۱۱۳۱) بود و محرم (۱۱۳۲) افغان. به این شاعر مثنوی مشهد نسبت داده شده است. و پس از این معلوم نیست که چند سال زندگانی کرده و چنانکه خود و دیباچه نویسنده او تصریح کرده اند نام وی محمد داود (۱) است.

محمد رضی بن محمد شفیع (در یکی از ابیات مثنوی موسوم به نمکدان دین که در وصف مجلس خصوصی شاه سلطان حسین و افراد این محفل میباشد از میرزا رضی نام برده و گوید: گرمی هنگامه بر می شوی بود دیگر حضرت میرزا رضی) بر حسب خواست شاعر دیباچه‌ای با کمال پیچیدگی که اساسی بسیاری از شعرای پیشین تا معاصرین در آن گنجانیده شده بر این دیوان نگاشته و در آن اشاره بلکه تصریح گردیده که این دیوان شاهلی قصائد و غزلیات مثنوی‌ها و مقدمات و ترکیب‌بند و ترجیع‌ها و رباعیات میباشد و تاریخ این نگارش را در آخر چنین نگاشته:

«در صفحه روزی که راقم دیوان روزگار بقلم زربین خورشید در ورق اول جزو چهارم محمد دهم دفتر اول کتاب دوم زمانه سطر چهاردهم را می‌نگاشت صورت تسوید یافت... بنا بر این صبح چهاردهم محرم سال ۱۰۵۴ به انشاء این دیباچه مبادرت نموده و بنا بر دانستن سال تولد وی و این تاریخ، تناقض در این سال ۲۹ سال داشته و مدراجات دیوان که ۷۰ کی از موی سفید و پیری و ناتوانی تناقض میباشد و ماده تاریخهای متعدده که همه از سال هزار و صد و الیست و مثنوی

(۱) بیت اول قطعه اینست: طالع تند سرکش محمد داود غاصی رو به باد غفو و غفران

مسافرت نامه وی به خراسان که بنابر ضبط در مطلع الشمس بسال ۱۱۰۹ بوده منافات با این تاریخ دارد بنابراین یا این عبارات معنی دیگری را می‌رساند که فهم نگارنده بدان نرسیده و یا اینکه در ایام جوانی و آغاز شاعری که شاعر شور جوانی و انتساب به سلاطین صفویه هم داشته محمد رضی را وادار بر دیباچه نویسی کرده و آنچه پس از آن بر دیوان اضافه شده نیز بران دیوان پیشین افزوده است

و از این بیت : « بود بزم شه خورشیدشان بنده بیقدر هم از حاضران » که در مثنوی « نمکدان دین » می‌باشد معلوم می‌شود که از مقربان پادشاه بوده، آذر در آتشکده هجومی از وی کرده و گوید : « در اکثر اوقات بصحبت فضلالی شعرا مشغول و خود نیز صاحب دیوان بوده دیوانش مطالعه شد این يك شعر از تمامی دیوان وی انتخاب گشت و باسم تخلص می‌کند ازوست :

نگوید آنکه بدانند چگوید آنکه نداند      بحیرتم که سراغ و صالت از که بگیرم  
و این شعر نیز از قصیده اوست که در مذمت دنیا گفته بد نگفته :  
دارد برخ این دخترک از پاره دلها برك  
اشك یتیمان زرك خون شهیدانش حنا (۱) »

شماره اییات این دیوان موافق مندرجات نسخه زیرین در حدود (۸۰۰) بیت است .

آغاز دیباچه : لوامع حمد و ثنائی که چون کوکبه تابشیر در مطلع بندگی  
ظهور نماید الخ .  
آغاز غزایات :

نیست با عفو تو پرواز کند کردنها      مدّ غفران تو گردیده رگ گردنها  
(۱۱۹۴)

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، از طرز نگارش دیوان داود و اینکه در برخی از جاها بخشهایی ننوشته و بخش بعد را

(۱) بیت اول را در دیوانش پیدا نکردم و بیت دوم از قصیده ایست که ۱۹۵ بیت می‌باشد و مطلع آن اینست :

شد موبر خسارت سفید ای خواجه مدانی حرا      یعنی که باید رو نهی زین جاده نا شهر فنا

نگاشته اند استفاده میشود که از روی نسخه اصل که هنوز کامل نشده نوشته شده و پس از دیباچه شامل چند قصیده، غزلیات مرتب بحروف تہجی بر حسب ردیفها، مثنوی مسافرت نامه از اصفهان تا مشهد مقدس (این مثنوی گذشته از اینکه ابیاتی لطیف دارد نام يك بیک منازل میان این دو شهر نامی ایران را در آن زمان معین مینماید و بسیاری از امثال را در آن مندرج ساخته)، زبور العاشقین این نیز مثنوی است و شامل تعریف سر تاپای محبوب میباشد و خود وی در انجام آن گوید: چو تعریف سراپا یافت اتمام زبور العاشقینش ساخته ام. (مقطعات در تاریخ بناهای شاهی و وفیات اشخاص، مآثور، «نمکدان شیرین» در بیان مجلس خاص پادشاه و افراد آن و نقل مطالب دینی که در آن مجلس گردیده است، ترجمه بند و ترکیب بند) (فقط این قسمت به ترکیب است).

دارای هفت سرلوح زیباست و اطراف صفحه ایکه سرلوح نخستین میباشد و صفحه مقابل آن تذهیب و نقاشی شده و تمام صفحات مجدول بطلا و زنجور میباشد. چند میشن ضریبی. کاغذ دولت آبادی. و افق سبب الارزاق. قطع وزیری. شماره در کها (۴۱۹). صفحه ای (۱۵) سطر، طول (۲۴ سانتیمتر)، عرض (۱۵ سانتیمتر). شماره نامنامه (۲۵۶).

### [ ۵۳۰ ] دیوان ذوالرّمه (عربی)

ابوالحرث (۱) غیلان بن عقیقه بن مسعود بن حماد بن نصر بن ربیعہ عدوی (۷۷-۱۱۷) (۲) مشہو بہ ذوالرّمہ (۳) از مشاہیر شاعرانی تدبیرمند و گویندوی شاعرترین عرب میباشد و شعر بہ ادب و القیس آغاز و بہ ذوالرّمہ تاخیر رسیده است در ص ۱۷۸ فهرست ابن الندیم کتابی بنام اختصار ذی الرّمہ بہ ہارون بن موسی بن (۱) در فهرست دارالکتب کتبہ ذوالرّمہ ابوالعباس صاحب دیندار در صورتیکہ در مسموعه مأخذ ابوالحرث ثبت شده است.

(۲) در ص ۴۰۴-۴۰۶ ح ۱ وفیات الاعیان و ص ۱۷۱ ح ۳ روشت و ص ۹۱۳ معجم المصنوعات ازین شاعر معرفی گردیده و سال و اوقات بدین گونه کہ در اینجا ثبت گردیده است.

(۳) در روشت نقل از شرح شواهد سیوطی انتشارش مابین این شاعر را بمناسبت اینکه روزی بندی بردوش داشت و رن خود را کہ مسموعه داشتہ و بر او آن جوابہ آید داشته و بدو گفته: اشرب یا ذالرّمہ این لقب داده شد و برخی گویند بمناسبت این مصرعوی اشعث باقی رمة التقليد او را ذوالرّمہ گفته اند و رّمہ بعد اول و تشدید و تخفیف دوم ضبط گردیده است.

عبدالملك كه يكى از رواة و جامعين اخبار بوده و از آنهائى است كه ابن نديم بدون واسطه رسائل او را نقل نموده ، نسبت داده شده است .

اصمعى گفته كه ذوالرّمه به تشنگى جان داد و آخرين حرفى كه زد اين بيت بود :

يَا مُخْرِجَ الرُّوحِ مِنْ نَفْسِي إِذَا احْتَضَرْتُ

وَفَارِجَ الْكَوْبِ زَحْرِ حَنِي مِنَ النَّارِ

پشت نسخه زيرين زير عنوان **الجزء الثانى من شهر ذى الرّمه (۱)** نوشته شده **عن الاصمعى** و در ذيل ابيات بشرح لغات و توضيح مطالب و مراد آنها پرداخته شده و بدين سبب آنرا شرح اين ديوان توان خواند ولى در فهرست ابن النديم (ص ۸۲) و **بغية الوعاة** (ذيل عبدالملك) كه بشرح حال اصمعى و ذكر آثار او پرداخته شده ، شرح يا توضيح مشكلات اين ديوان بدو نسبت داده نشده و اين ديوان بسال ۱۹۱۹ م. در لندن در چاپخانه دانشگاه كمبريج چاپ گرديده است .

نسخه زيرين زير ابيات كلمات مشكله آنها شرح و بيان گرديده و چنانكه از مطالب مندرجه در فهرست دار الكتب العربيه (ج ۳ ص ۱۲۹) برمبايد نسخه چاپى هم با اين تقديرات است و استاد كارليل انگليسى حواشى بر متن و اين تعليقات و مقدمه اى براين ديوان به انگليسى نگاشته و در همين صفحه تدكر داده شده كه يكى از دو نسخه خطى آن كتابخانه شامل قسمتهاى است كه مانند شرح ميباشد و منشى آنها ابو الفتح حسين بن على بن ابى منصور عائدى (۲) است .

نسخه زيرين بخش دوم از اين ديوان ميباشد و با تعليقات در حدود (۷۰۰۰) بيت كتابت دارد و بدين بيت شروع شده و بيان عائدى (ظاهراً) كه در ذيل آن نگارش يافته اينست :

أَغَاظُ : بِسْمِلهَ عَوْ' نَكَ اللّٰهَمْ وَقَالَ ذُو الرّمه اَيْضاً :

أَمِنْ دَمَنَةٍ جَرَّتْ بِهَا ذَيْلُهَا الصَّبَا لَصِيدَاءَ مَهَلًا مَا عَيْنِكَ سَافِحَ

(۱) پس از اين كلمه بوده زير وصله رفته و محو گرديده است .

(۲) در وفيات الاعيان و شذرات الذهب و بغية الوعاة و روضات بنام و زمان و شرح حال اين دانشمند دست نيافته ام ، وجود تعليقات در اين نسخه ثابت ميكند كه پيش از قرن هفتم بر آن نگاشته شده است .

يُرِيدُ مَا عَيْنُكَ سَافِحِ اِي سَائِلٌ مِنْ اَجَلِ دَمَنَةٍ لَصِيدَةٍ ثُمَّ قَالَ مَهْلًا اَي  
كُفَّ وَ ذِيلِ الرِّيحِ مَا خَيْرُهَا .

(۱۱۹۵)

دیوان ذوالرّمه این نسخه بخط نسخ خوب نگارش یافته ، پشت صفحه نخستین نوشته شده : کتبه جعفر بن شمس الخلافه . (۱) و

در همین صفحه محمد مهدی عبدالرب آبادی که از دانشمندان قرن سیزدهم هجری و یکی از مؤلفین نامه دانشوران بوده شرحی در معرفی از نویسنده نام برده ، بنقل از وفیات الاعیان نوشته و یکی از مالکین نسخه اتماک خود را بهمال تشمس و هشتاد و اندی ( مرتبه آحاد تاریخ سوراخ شده و بجای آن وصله رده شده است ) نوشته و یادداشت‌های دیگری نیز در این صفحه موجود است .

جلد جرمی ضربی بسیار خریف ، کاغذ خانی ، واقف سه سالار ، وضع خوشی ، شماره اوراق ( ۱۴۶ ) ، صفحه ای ( ۱۵ ) سطر ، ( طول ۲۳ ۱/۲ سانتیمتر ) ، عرض ( ۱۷ ۱/۲ سانتیمتر ) ، شماره کتابخانه ( ۳۳۳۷ ) .

## ۵۳۱ | دیوان رشید و طواط ( فارسی )

رشید و طواط در ص ۳۳۹ - ۴۴۰ معرفی کرده ام و این دیوان شامل قصیده و غزل و قطعه و ترکیب بند و رباعی اوست نسخه زیرین در حدود ( ۵۳۰۰ ) بیت میباشد و بیت هسانی عربی از رشید در این دیوان هست و از ابتدا قصیده ای که در برگ هفتم نوشته شده ( ۲۷ ) بیت ، افتاده و از حسن اتفاق ابیات در ص ۲۲۳ ج ۱ بجمع القصص آن ابیات چاپ شده است .

آغاز : ای جاد توافر و خسته اعلام کمربا صاعست اعتقاد تو از کبر و از ریا

( ۱۱۹۶ )

دیوان این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده ، مظهر آذر قرن دوازدهم نگارش یافته ، صفحات جدول به اکلیل و عنابین باشعرف است .

( ۱ ) در ص ۱۱۳ - ۳۱۴ وفیات الاعیان کوینوی اردانشاهان به شرح خط بود و ابیهای بسیار نوشته و چون خوب و صحیح نوشته و خوب است و دیوانی لطیف دارد سال ۵۴۳ هجری و سال ۶۲۲ وفات یافته است .

جلد مقوایی ، کاغذ ترمه . واقف سپهسالار . قطع ربعی . شماره اوراق ( ۱۶۵ ) . صفحه ای ( ۱۵ ) سطر . طول ( ۱۹ ۱/۲ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۱ ۱/۲ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۴۲ ) .

### [ ۵۳۲ ] دیوان سید رضی ( عربی )

درس ۱۴۹-۱۵۵ بشرح حال و مؤلفات سید رضی جامع نهج البلاغه پرداخته شد و در حاشیه ص ۱۵۳ از ابن خلکان نقل گردید که جمعی بجمع دیوان سید رضی مبادرت کرده اند و بهتر از همه آنست که ابوالحکیم خیری فارسی متوفی بسال ۷۶۶ ( ۱ ) ( در چهار مجلد ) گرد آورده است .

درس ۵۱۳ ج ۱ کشف الظنون نگارش یافته که یکی از ادبا دیوان سید رضی را مختصر نموده و آنرا « انشراح الصدر » نامیده است .

این دیوان بسال ۱۳۰۶ در بمبئی و بسال ۱۳۰۷ در بیروت در دو جلد چاپ گردیده و در حاشیه ص ۱۵۳ و ۱۵۴ راجع باین دیوان مطالبی است .

آغاز :

( ۱۱۹۷ )

این نسخه بخط نسخ نوشته شده ، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده ، ظاهر آ در قرن سیزدهم نگاشته شده ، مرتب بترتیب حروف هجا بر حسب ردیف های ایات میباشد و در آغاز آن بنام « جزء اول از دیوان » نویسنده نسخه آنرا معرفی کرده و تاقوافی حرف عین را شامل و بدین بیت نگارش نسخه خاتمه می یابد :

يُهَابُ وَيُرْجِي لِرَيْسِ الزَّمانِ      كَالْمَصْلِ رَاقٍ عِيوناً وِ راعاً

جلد روغنی کُل و بوته و از طرف درون نرکس ( نیازمند تعمیر است ) . کاغذ فرنگی مهره زده . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق ( ۲۰۰ ) . صفحه ای ( ۲۰ ) سطر . طول ( ۳۱ سانتیمتر ) عرض ( ۲۱ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۷۴۷ ) .

( ۱ ) در حاشیه ص ۱۵۳ و ۱۵۴ معرفی از این دانشمند گردیده است .

( ۲ ) بحاشیه ص ۱۵۴ مراجعه گردد .



## [ ۵۳۳ ] دیوان رودکی (فارسی)

رودکی از مشاهیر شعرای بزرگ ایران و به زیادی اشعار مشهور، رشیدی شاعر گوید اشعار او را شماره کردم يك میلیون و سیصد هزار بشمار آمد:

«گرسری یابد بعالم کس بنیکو شاعری رودکی را بر سر آن شاعران زبید سری شعر او را من شمردم سیزده ره صد هزار هم فرون آید اگر چونان که باید بشمری» ولی بدبختانه از آنهمه اشعار جز آنکه در دست مانیت در تاریخ گزیده مؤلفه در حدود سال ۷۳۰ نوشته شده که اشعار بسیار داشته و اما اندکی مشهور است ولی اهمیت و مقام شعر رودکی را از بیانات شعرای مشهور معاصر و متأخر او میتوان دریافت:

دقیقی گوید:

کرا رودکی گفته باشد مدیح      امام فنون سخن بود ور  
دقیقی مدیح آورد نزد او      چو خرما بود برده سوی هجر  
سوزنی گوید:

رودکی واریکی بیت زمن بشمودست      بلغمی وار بدونده صندم هر موندست  
عنصری گوید:

غزل رودکی وار نیمکو بود      غزلها، هن رودکی وار نیست  
اگرچه بگویم بیاریک و هم      بدین پرده اندر ما اسار نیست  
نظامی عروضی گوید:

ای آنکه طعن کردی در شعر رودکی

این سخن کردن تو رجهتست و کود کیمست

کان کس که شعر داند داد که در جهان

صاحب قران شاعری نماند رودکیست

ار عبارت عوفی که در دودوم قرن هفتم هجری تألیف شده استفاده میشود که در آزمان اشعار وی زیاد مشهور و دیوانش در دست بوده است.

بر حسب تحقیق آقای نفیسی اینک در حدود ۸۴۰ بیت از رودکی بدین تفصیل:

قصائد و مقطعات ۳۶۲ بیت، رباعیات ۶۴، ابیات پراکنده از قصائد و غیره ۲۲۴، مثنوی ۱۴۵ بدست آمده و دیوانی شامل ۱۱۵۴ بیت بسال ۱۳۱۵ هجری قمری بنام رودکی در طهران چاپ گردیده که بر حسب تحقیق دانشمند بزرگوار آقای دهخدا و یادداشت در حواشی نسخه‌ای از آن که اینک در دست نگارنده می‌باشد کمتر از نصف این ابیات در کتب بی‌هقی و غیره به رودکی نسبت داده شده است.

از ابیات مسلمة رودکی نام و کنیه و لقب وی بدست نمی‌آید و عوفی که نزدیکترین تذکره نویسان به او بوده وی را زیر عنوان ابو عبدالله جعفر محمدالروذکی السمرقندی: معرفی و گوید او را سلطان شعرا گفتندی و در تأیید خویش از معروف بلخی این بیت را نقل نموده:

از رودکی شنیدم سلطان شاعران  
کاندر جهان بکس مگرو جز بفاطمی  
و در چهارمقاله نظامی عروضی (ص ۳۱ و ۳۲ و ۳۳) که در حدود سال ۵۵۰ تألیف گردیده بعنوان رودکی و ابو عبدالله الروذکی نامیده شده و سماعی (۵۰۶-۵۶۲) در الاساب او را بدینگونه: ابو عبدالله جعفر بن محمد بن حکیم بن عبدالرحمن بن آدم الروذکی الشاعر السمرقندی نام برده و گوید دیوان او در ایران موجود و رواج می‌باشد و وفات او بسال ۵۲۹ (۱) بوده و بلخی وزیر گوید که مانند رودکی را در عرب و عجم نظیری نیست.

در تواریخ ثبت گردیده که رودکی بفرمان نصر بن احمد سامانی کلایه و دمنه را بنظم در آورده ولی بدبختانه جزایماتی چند از آن که در فرهنگ های فارسی با تشهاد آورده شده از آن اثری نیست آقای نفیسی در «احوال و اشعار رودکی» بر حسب محاسبه‌ای احتمال داده‌اند که این کتاب در حدود هیجده هزار بیت بوده است. رودکی که رودکی بدانجا منسوب است در معجم البلدان (ص ۸۳۳ ج ۲) بضم

(۱) در تاریخ وفات رودکی اقوال چند است سال ۳۲۹ را سماعی و شیخ منینی اختیار و نزدیک میان ۳۲۹ و ۳۳۰ قول صاحب سخن و سخبران و سال ۳۰۴ در مجمع الفصحا و در هفت آسمان از مفناح الزواریخ سال ۳۴۳ نقل گردیده و گوید که در سلم السموات است که نظم کلایه را بسال ۳۲۰ نموده و از واه داغستانی نقل نموده: کتابی را بسال ۳۳۰ تمام کرده. شاید مراد واه داغستانی همان کلایه و دمنه باشد و در مقدمه دیوان چاپ طهران سال ۳۴۳ ترجیح داده شده است.

اول و سکون دوم و ذال معجمه مفتوحه و آخر آن کاف ثبت گردیده و گوید از دهات سمرقند است .

در باب الالباب با کاف فارسی تشکیل گردیده و دلیل آنرا ندانستیم .

آقای سعید نفیسی بسال ۱۳۰۹ و ۱۳۱۰ خورشیدی کتابی در ۷۸۸ صفحه بنام « احوال و اشعار رودکی » با مراجعه به ۷۱ کتاب تألیف و در اضراف این شاعر مفصلاً بحث نموده اند و گذشته از مراجعه به این کتاب باب الالباب ج ۲ ص ۶-۹ و حواشی آقای قزوینی بر ج ۱ باب ص ۲۹۱ و چهارمقاله نظامی ص ۳۱-۳۳ و حواشی و تعلیقات آن (ص ۱۲۵ و ۱۲۶) و تاریخ گردیده ( ورق ۳۱۸ نسخه مندرج ) و تذکره دولتشاه (ص ۳۱-۳۳ چاپی و هفت اقلیم ص ۱۱۱۵-۱۱۲۲ و آتشکده اذر ص ۳۳۵-۳۳۹ و مجمع الفصحای ج ۱ ص ۲۳۶-۲۴۰ و هفت آسمان ص ۶-۱۳ و سخن و سخنوران ج ۱ ص ۳-۱۰ مراجعه گردیده است .

(۱۱۹۸)

دیوان رودکی این نسخه را در ۳ رمضان المبارک بسال ۱۲۸۳ بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته اند، در غیره الجرامه ۱۲۸۴ داخل کتابخانه

اعتضاد السلطنه گردیده و پشت صفحه نخستین باد داشت شده، ترتیب آن چون دیوان چاپ سال ۱۳۱۵ میباشد ولی تمامه ایات این نسخه ۸۰۴ و ایاتی چند در اینجا است که در آن نسخه نیست و آن نسخه در حدود نصف این دیوان ایات بیشتر دارد که برخی از آنها از قطران و دیگر شاعران میباشد .

حدک ابماچی . ناغاسرینکی . واقف سیه-الار . قطم و زبری . شماره اوراق ( ۲۹ ) . صفحه های ( ۱۵ ) سطر . طول ( ۲۱ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۴ سانتیمتر ) . شماره انجمن ( ۳۸۶ ) .

[ ۵۳۴ ] دیوان سحاب ( فارسی )

سید محمد حسینی متخلص به سحاب منوفی سال ۱۲۲۲ ( ۱۱ ) یسر سید احمد

ها تفت اصفهانی است که از مشاهیر تجران متأخر بوده و در این فصل بمعرفی ایشان

( ۱ ) شرح حال این شاعر در انجمن سیر انجمن خاندان و ص ۲۰۷ . ۲۱۲ . مجمع الفصحای درج گردیده است .

خواهیم پرداخت، سحاب پیش پدر بتحصيل کمالات اشتغال داشته و از فن عروض و قوافی و شعر خصوصاً بهره‌ای یافته و از فن طب که پدر وی بدان مشهور و معروف بوده نیز بهره‌ای داشته، در اوائل جوانی بمقتضیات آن میپرداخته، در اواسط عمر بمکه معظمه و مدینه طیبه مشرف گردیده و پس از برگشتن از آن آستان مقدس بمعرفی فتحعلی خان صبا ملک الشعرا قصائد و غزلیات وی بنظر پادشاه وقت فتحعلیشاه قاجار رسید مورد قبول یافت و ملقب به مجتهد الشعراء گردید و به مقام داروغگی دفتر خانه سرافراز گردیده و پس از ملک الشعراء صبا کس بیایه و منزلت وی نبوده، در اواخر عمر از کارهای جوانی پشیمان شده و در انجام طاعات و عبادات سعی گشته و پس از مرگ جسد او را به نجف اشرف برده‌اند.

مشغول نوشتن تذکره شعرا بنام «رشتات سحاب» بوده ولی باخر رسانده رشته زندگانش باخر رسید، رساله‌ای بنام «سحاب البکاء» در مرثی و جنگهای حضرت سیدالشهداء ع. بنظم و نشر تألیف و راوی گروسی شهادت داده که پاکیزه انشا گردیده و دیوان شعر وی در میان خاص و عام شهرت کامل دارد.

شماره ابیات سحاب را راوی در انجمن خاقان در حدود هشت هزار بیت و هدایت در مجمع الفصحای قریب پنجهزار بیت دانسته‌اند و دو نسخه زیرین که نظیر یکدیگر اند هر يك شامل در حدود (۴۰۰) بیت میباشد و ۲۰۰ بیت از اشعار سحاب در مجمع الفصحای چاپ گردیده است.

آغاز:

زهی طغرای نام نامیت عنوان دیوانها نیابد زیب بی نام همایون تو عنوانها

(۱۱۹۹)

دیوان سحاب این نسخه بخط شکسته نستعلیق بسال ۱۲۳۰ نوشته شده، دیوان هاتف را که در همین فصل از آن معرفتی خواهد شد همین نویسنده بسال ۱۲۳۱ نوشته و پیوسته بدین نسخه میباشد، در آخر این نسخه اخیر کلمه ضیائی نوشته شده و ظاهراً نویسنده دو نسخه بوده است.

جلد هفتمش : کاغذ قرنگی . واقف سیهالار . قطع خشتی . شماره اوراق کلیه (۲۰۵) . این نسخه (۱۵۱) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شماره کتبخانه (۲۶۱) .

(۱۲۰۰)

**دیوان سحاب** این نسخه بسال ۱۲۴۷ بحضرت تعلیق نوشته شده ، نویسنده از خود نام نبرده و چون نسخه پیتین شامل غزلیات و قصائد و قطعات میباشد و صفحه نخستین مختصر تذکره ای دارد و صفحات مجداول به اکلیل و پشت صفحه نخستین کلمات بهجگانه نوشته شده است .

جلد نهمی . کاغذ قرنگی آبی رنگ . واقف سیهالار . قطع خشتی . شماره برگها (۱۸۳) صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۹۲) .

### [۵۳۵] دیوان سلمان ساوجی (فارسی)

جمال الدین سلمان بن علاء الدین محمد ساوجی (۱) از شعری مشهور قرن هشتم هجری است (۲) و بنام تخلص میکند ، مداح شیخ حسن ایلمکانی و پسر و زرش سلطان اویس و دلشاد خاتون و مداح سلطان حسین (۳) و علاء الدین علی (۴) و شاه محمود (۵)

(۱) تذکره دولتشاه ص ۲۵۸ - ۲۶۳ جلدی . هفت افعی ص ۸۱۷ - ۸۲۰ بحال المؤمنین ص ۵۲۳ - ۵۲۵ ، آشکده آذر ص ۲۲۳ - ۲۲۶ جلدی و مجمع الفصاح ص ۲ - ۱۹ - ۲۰ . باجمه شده است .

(۲) هجریات وفات وی را بسال ۶۶۹ دولتشاه بسال ۷۶۹ - در ده سال در دیار ماخذ نام برده تاریخ نگارش نیافته ولی مسلماً این دو تاریخ غلط است و در دیوان وی تاریخ سال ۷۷۵ موجود است :

جمال هفصد و هفتاد و پنج گشت حراب  
بآب خطه بغداد خاک بر سر آب  
و گذشته از این مرثیه سلطان اویس متوفی بسال ۷۷۶ در دیوان وی در بدین مطلع ثبت است :  
ای سهر آهسته روکاری به آسان کرده  
مات ایران را به خاک شاه ویران کرده .  
بنابر این و مندرجات دیگر دیوان وی ثابت میشود که نامگذاری پس ازین تاریخ (۷۷۶) زندگی میکرده و شاید اصل دو تاریخ نام برده ۷۷۹ بوده و نویسندگان غلط نوشته و نقل کرده اند و در آخر بحث راجع به زمان در تذکره دولتشاه وجود وی در هنگام ملک سلطان اویس تصریح گردیده است .  
(۳) در دیوان است :

باد باقی بر سریر حضرت سلطان حسین  
آن که او آمد سواد ملک را نور عین .  
(۴) نیز در آجاست :

خسرو عادل علاء الدین والدینا علی  
این بیت در مدح اوست :

قصب دین شاه فکام به محمود که او سر  
بومه سمرقند محمود مجاهد مداور .

و امرای معاصر خویش بوده ، دولت شاه سمرقندی از علاءالدوله سمنانی نقل نموده که گوید « همچون انار سمنان و شعر سلمان در هیچ جا نیست » ، از اشعار خواجه سلمان محبت اهل بیت کاملاً ظاهر و هویداست و برخی از آنها در مجالس المؤمنین نقل گردیده ، گذشته از دیوان قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات و ترکیب و ترجیع بند دو مثنوی بنام « جمشید و خورشید » و « فراق نامه » از سلمان بیادگار مانده و نسخه ای از این دو مثنوی در کتابخانه مجلس موجود و در فهرست آنجا معرفی خواهم گردید .

سلطان اویس نسبت بوی محبت زیاد داشت و از یمن تربیت این شاه و مادر و پدرش شهره آفاق گردید و در اواخر عمر از خدمت کناره گرفته و از پادشاه دهی که ایرن نام داشت و در حوالی ری بود درخواست کرد پادشاه بر کنار عریضه وی این بیت را نوشت :

ده ایرن که از حدود ری است      بدهیدش که التماس وی است .

(۱۲۰۱)

دیوان      این نسخه بخط نستعلیق ظاهراً در قرن نهم نوشته شده ، شامل قصائد و مقطعات و غزلیات و رباعیات و ترکیب بند و ترجیع سلمان ساوجی بند میباشد و در حدود (۱۱۵۰۰) بیت است ، پاره ای از برگها وصال گردیده و اوراقی از اول و آخر آن افتاده و نخستین بیت نسخه اینست :

از طبع تو زاده است دریا      وز نسبت تست گوهرش پاک .

و آخرین بیت نسخه اینست :

در راه هوا بسر همی پوید شمع      پروانه هم از حسن تو میجوید شمع .

جلد تیماجی . کاغذ دوات آبادی . واقف سیه سالار . قطع خشتی باریک . شماره اوراق (۲۹۵) . صفحه ای (۲۰) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴ ۱/۲ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۷۸) .

(۱۲۰۲)

دیوان      این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، برگهائی از آخر آن افتاده ، ظاهراً در قرن دهم نگارش یافته و شامل اقسام اشعار نام سلمان ساوجی برده در شماره پیش میباشد ، و در حدود (۶۹۰۰) بیت است .

برگهائی از آن و صالی گردیده و بدین بیت شروع شده :  
 آسمان ساخت در آفاق یکی سورچه سور که از آن سور شد اضرای ممالک مسرور .  
 و آخرین بیت نسخه اینست :  
 خواهم شبکی چنانکه تو دانی و من بزمی که در آن بزم تو وامانی و من .  
 در اول نسخه پیدمانی ظریفی میباشد ولی اندکی غموشدگی دارد و پشت صفحه  
 نخستین ابیاتی نگارش یافته است .

جلد میشن مستعمل . کاغذ دولت آبادی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۲۴۰ )  
 صفحه ای ( ۱۵ ) سطر . طول ( ۲۴ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۵ - ۱۶ سانتیمتر ) . شماره نسخه ( ۳۰۳ ) .

### [ ۵۳۶ ] دیوان سنائی ( فارسی )

حکیم سنائی را در ص ۴۹۲ - ۴۹۹ مفصلاً معرفی کرده ام ، این دیوان که  
 شامل قصائد و غزلیات و قطعات و رباعیات میباشد و در حدود ( ۷۵۰۰ ) بیت میباشد  
 از آثار آن حکیم بزرگ و شاعر عالی مقام است ، قصائد و غزلیات آن بر حسب قوافی  
 مرتب بحروف تهجی است ، سنائی بر این دیوان مقدمه ای نشر نوشته و فهرست  
 قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات آنرا نیز در آخر آن دیباچه مدرج ساخته  
 و نسخه از این دیوان که شامل این دیباچه نفیس میباشد در کتابخانه مکتب ملک در  
 طهران موجود ، طرز خط و کاغذ حاکم است که نزدیک به قصور سنائی نگارش  
 یافته است .

این دیوان سال ۱۲۷۴ در طهران چاپ گردیده .

( ۱۲۰۳ )

این نسخه بخط نستعلیق ظاهراً در قرن دوازدهم هجری نوشته  
 شده ، از خط برمیآید که دونه آنرا نگاشته اند . سال ۱۲۷۵  
 داخل کتابخانه اعتدال السلطنه شده ، یک برگ از اول و یک برگ از آخر آن افتاده  
 و بیت نخستین کنونی این :

مر زمین و آسمانرا نسبت جز تو خالق خلق غلوقند و تو خالق و هم را بخلقون

و دو بیت آخر نسخه اینست :

ای قامت سرو گشته کوتاه بتو در شب مرو ای خجل شده ماه بتو

گر رنج رسد مباد ناگاه بتو آن رنج بمن رسد پس آنگاه بتو

جلد میشن دور گرفته . کاغذ فرنگی . واهف سه سالار . قطع وزیری کوچک . شماره اوراق (۲۵۶) .  
صفحه ای (۱۴) سطر . طول (۲۱ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۴۶) .

### [۵۳۷] دیوان سوزنی (فارسی)

حکیم سوزنی از مشاهیر شعرای قرن ششم هجری بوده و قصائد غرا دارد ،  
نصف دیوان وی مشتمل بر اهاجی رکیکه میباشد ، ولی در اواخر عمر پیشیمان شده  
و توبه نموده و در قصیده ای که بدین مطلع است :  
ای خداوندی که اکرام تو جاه آورده ام زانکه تو دستم گرفتی پایگاه آورده ام  
گوید :

پنج ره روزی بدر که خواندیم پنجاه سال

رو بسوی در گه تو گاه گاه آورده ام

توبه کردم توبه کردم فضل کن رحمت نمای

چون بدر گاه تو خود را در پناه آورده ام

بنابر این در ۶۵ سالگی توبه نموده و در اشعار خود مکرر به هفتاد سالگی (۱) و  
به هشتاد سالگی خود تصریح نموده گذشته از اینکه در بسیاری از ایسات اشاره  
به پیری و موی سفید خود کرده است .

نام سوزنی چنانکه از این بیت وی :

(نام من مسعود و القابم بخوانی سوزنی نیک نامستم گنه کارم پناه آورده ام) .

که در قصیده توحیدی او میباشد مسعود (۲) پدر او بنا بر ضبط در تاریخ گزیده

(۱) هفتاد ساله گشتی توحید و زهد گوی کم خای ژاژ و بیش مدوجون خزان عنک

و نیز گوید : در باغ عمر سوزنی ای صدر روزبه هفتاد شد خزان و تموز و دی و بهار

(۲) در تاریخ گزیده (ص ۸۲۰ چاپی) سوزنی بنام ابوبکر بدون نام پدر ولی در نسخه کهن سال این

کتابخانه و نسخه خطی مجلس ابوبکر بن السلانی معرفی شده و در لباب الالباب (ص ۱۹۱-۱۹۸ ج ۲)

وهفت اقلیم (ص ۱۱۵۸) بنام محمد بن علی و آذر اورا (ص ۳۴۸) شمس الدین محمد و از اولاد های

(بنیه حائیه در صفحه ۶۸۰)



اسلانی است و ممدوحین او طمغاج خان مسعود (۱) بن حسین و وزراء او [ویژه  
سعد الملك مسعود بن اسعد (۲)] و سلطان سنجر سلجوقی و طغان شاه (۳) و افتخار الدین  
وحید الدین جوهری مستوفی (۴) و غیر از اینهاست .

(بقیه حاشیه از صفحه ۶۰۷)

سلمان فارسی دانسته خود وی نیز باین انتساب تصریح کرده و گوید :

اگر به نسبت سلمانیم ز روی بدر که تا بسرت سمن شود دعائی گوی  
و در جای دیگر گوید :

بزهده سلمان اندر رسان ما مدحا جو یافت ز بدر از نژاد سلمانم

(۱) عوفی در ص ۴۲ ح ۱ طمغاج خان را سلطان الدین ابراهیم بن حسین معرفی نموده و عین این شرح را  
که عوفی نوشته در هفت اقلیم می بینم ولی سوزی مکرر نام طمغاج خان را مسعود و سرش را حسین  
گفته از آنهاست :

فتح طمغاج خان مسعود ساهنشاه مشرق را ،

طمغاج خان اعظم مسعود رکن دین ، فتح طمغاج خان مسعود رکن الدین و الدنیا  
شهنشاه مسعود ابن حسین ،

خدایکازا بخت کسی که نام تو گفت شود خوانم و مسعود هم در آن کهن  
شاه جهان رکن الدین و دنیا (کذا) مسعود و غیر از اینهاست .

آقای قزوینی در حواشی ابواب (ص ۳۰۰-۳۰۱) گوید : فتح طمغاج خان ماقبل آخرین  
ارمیک خانه ماوراالنهر است که ایشان را خاقانیه و ابدشاهیه و آل ابراساب بر گویند و مدت  
سلطنت ایشان در ماوراالنهر بعد از سامانیه و قبل از مغولان ۲۳۰ سال است از حدود سال ۲۸۰  
تا سال ۶۰۹ . . . و وفات فتح طمغاج خان در حدود ۶۰۰ بوده است .

(۲) در نسخه ای که منضم آن است .

رسید ماه مجرمه بسال با صد و شصت  
گوید : سرور بران صدر بزرگ سعدالملت  
و در جای دیگر گوید :

وریر شاه سعد الملك مسعود بن اسعد را  
(۳) در دیوان سوزنی در دو جا نام طغان حسین را به نام یکی :

نیغ قدر طغان خان راست مقامش در دماغ و سوسه انعامست  
و دیگری این :

شاه ایچ به بروزی شه شاه مجور شد برین برورده حرکات

طغان خاقان سر شاهان مغرب خداوند گش و خطبه و کلام

آقای قزوینی در ص ۳۶۱ ح ۱ ابواب (بخش حواشی) سلطنت طغان شاه بن مؤید را از سال

۵۶۹ - ۵۸۱ دانسته اند و در ص ۱۵۲ - ۱۵۳ ح ۱۱ شامل الوازع سال ۵۶۸ - ۵۸۲  
نوشته شده است .

دولت‌شاه سمرقندی و تقی‌الدین کاشی (۱) و آذر وفات سوزنی را بسال ۵۶۹ هـ نقل کرده‌اند و در تاریخ گزیده سوزنی را از کلاش توابع سمرقند شناسانده و آذر گوید عمر او از هشتاد گذشته بود و چنانکه گفتیم خود وی هشتاد سالگی خود را یاد نموده بنابراین پیش از سال ۴۸۹ متولد شده است.

دیوان حکیم سوزنی را آذر قریب ده هزار بیت و صاحب‌جمع الفصحا (ج ۱ ص ۲۴۹ - ۲۵۲) دوازده هزار بیت دانسته و نسخه زیرین در حدود (۸۲۰۰) بیت است.

### آغاز:

در هر گناه سخره دیوم بخیر خیر یارب مرا خلاص ده از دیو سخره گیر

(۱۲۰۴)

این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۰۳۳ نوشته شده، پیش از شروع بنگارش نسخه دو مجلس نقاشی ظریف که مجلس بزم شاه عباس را مجسم مینماید موجود و در آخر نسخه هم شکارگاه شاه عباس و هنگام شکار در دو صفحه بوده، پیش از ورود نسخه به کتابخانه اعتضادالسلطنه يك صفحه آن برداشته شده، اطراف این سه مجلس صورت سازی که تمام صفحه را فرا گرفته تذهیب بسیار ظریف و نقاشی ممتاز گردیده، دارای سه سرلوح بسیار زیباست، اطراف صفحه ای که سرلوح دارد دو صفحه مقابل آن نقاشی بسیار ظریفی گردیده و نسخه سه بخش است: ۱ - مدائح. ۲ - هجویات. ۳ - رباعیات. تمام برگها متن و حاشیه و مجدول بطلا و لاجورد و شنجرف و غیره و زرافشان و اطراف مطالع آن و میان مصرعها تذهیب ظریف گردیده و از قرائن موجوده در نسخه بدست می‌آید که مخصوص کتابخانه شاه عباس تهیه شده و چند یادداشت از اشخاص پشت برگ نخستین نسخه است.

جلد ساغری ضربی مینا شده و طرف اندرون سوخته. کاغذ متن خان بالغ حاشیه بخارائی. و اف سیه سالار. قطع وریری. شماره اوراق (۲۸۵). صفحه ای (۱۵) سطر. طول (۱ - ۲۵ سانتیمتر). عرض (۱۵ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۴۱۸).

## [۵۳۸] دیوان سیف اسفرنگ (فارسی)

سیف‌الدین اعرج اسفرنگی (اسفرنگ که آنرا اسفره نیز گویند بنا بر نوشته یاقوت در معجم البلدان (ج ۱ ص ۲۴۸) از توابع سغد سمرقند است و امین احمد نوشته که تا مرغنان نه فرسنگ است) از شعرای قصیده سرای قرن هفتم هجری است و چنانکه خود وی تصریح نموده (۱) بسال ۵۸۱ متولد شده و درمآخذ نگارش این مختصر (۲) هشتاد و پنج سال عمر برای وی معین گردیده بنابر این بسال ۶۶۶ (۳) وفات یافته در شمع انجمن نوشته که صدسال عمر کرد و بسال ۶۵۲ وفات یافت و بطلان این قول واضح است.

این دیوان شامل مدائح خوارزمشاهیان از سلطان علاءالدین محمد (۴) بن تکش بن

(۱) در ورق ۳۰۲ نسخه شماره (۲۸۲) این کتابخانه است :

سرا مادر پس از تاریخ هجرت	بسال پانصد و هشتاد و یث زاد
نهال عمر من هفتاد و نه سال	جو طفولی هر زمانی نوبری داد
اکر فرزند جسمانی نبوده	که کبر در جیهان از نام من یاد
سرا فرزند روحانی بسی هست	که جان غمزده زیشان شود شد
تن من کبر بهر د تا قیامت	بقای جان فرزندان من یاد

(۲) تذکره دولتشاه ص ۱۲۶-۱۲۸ هفت اقلیم ۱۲۰۵-۱۲۰۹ ، آتشکده آذر ص ۲۳۲-۲۳۳ مجمع الفصحا ج ۱ ص ۲۵۲-۲۵۴ ، مقدمه دیوان سیف (اولین نسخه این فهرست) (از هدایت شمع انجمن ص ۲۱۳ و تاریخ مفصل ایران (مقول) آقایی اقبال ص ۵۳۴ ، شامل شرح حال این شاعر میباشند . (۳) در آتشکده (فقط در نسخه خطی شماره (۲۶۸۲) این کتابخانه تاریخ فوت را دارد و در نسخ دیگر خطی و نسخه چاپی سال وفات نوشته نشده است) و تاریخ ایران (مقول) وفات سیف‌الدین بسال ۶۶۶ ثبت گردیده و در مقدمه این دیوان و مجمع الفصحا هدایت با آنکه عمر او را ۸۵ سال تصریح نموده و خود او تولدش را نیز بسال ۵۸۱ نقل نموده ، گویند بسال ۶۷۲ وفات یافته و این مسلماً اشباه است .

(۴) سلطان محمد بن تکش بن ایل ارسلان که پیش از سلطنت منقب به قطب‌الدین بوده و پس از آن علاءالدین گردید از سال ۵۹۶ تا ۶۱۷ خلیفه در ص ۱۷۷ خط چهارم سند دوم حبیب‌السیر و تاریخ گزیده ۴۹۴-۴۹۸ عکسی ص ۸-۹ تاریخ مقول آمده ، زبان تصریح گردیده ، سلطنت داشته و بواسطه فتح‌های بی دریغ او را سحر و اسکندری خوانده اند و اینکه در نامه‌هاست نام برده وی را مداح ایل ارسلان (موقی) سال ۵۵۸ بنابر ضبط تاریخ گزیده ص ۴۹۲ و بسال ۵۶۷ بنابر قول حبیب‌السیر و بسال ۵۶۸ بنا بر نوشته تاریخ ابوالفدا) معرفی کرده و نوشته اند که بهر آن بنده قصیده ای از خاقانی را جواب گفت ، مسامحه اشبه است چرا که بنابر تصریح خود وی سیف‌الدین ۲۳ سال یا ۱۳ سال پس از مرگ آن پادشاه متولد شده و در دیوان وی نامی از او و حتی از جیس تکش که از سال ۵۹۶ تا ۵۵۸ سلطنت داشته نیست .

البارسلان (۵۹۶-۶۱۷) که او را سلطان سنجر و اسکندر ثانی خوانده اند تا سلطان جلال الدین آخرین پادشاه این دودمان و درباریان و دانشمندان این عصر و سلطان تاج الدین محمود پادشاه کرمان (۱) و امیر عمید قطب الدین حبش که از امراء مغول و از طرف جغتای و جانشینان او اداره ماوراءالنهر بدو برگذار بوده و غزلیات و مقطعات و رباعیات و ترکیب بند و غیره میباشند و دولتشاه شماره ایات آنرا دوازده هزار و هدایت ده هزار معین نموده اند و نخستین نسخه زیرین تقریباً شامل ۱۱۰۰۰ بیت میباشد با اینکه بر گهائی هم از آن افتاده و ایاتی در نسخ دیگر از این دیوان یافت میشود که در این نسخه نیست.

سیف الدین بیشتر بطرز خاقانی و ظهیر فاریابی راغب بوده و اشعار حماسی زیاد دارد در تمام دیوان او تخلصی نیست و از طرفداران و دوستان اهل بیت پیغمبر اکرم ص بوده و در این باب ایاتی چند در این دیوان موجودست و از آنهاست:

تو دانی که بر اهل دین سخت باشد بجای علی دیدن آل مروان  
زانکه در باب امامت ز پیمبر بیقین هست بر جمله اولاد علی نص علی

آغاز: (۲)

(۱۲۰۵)

دیوان این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده، بر گهائی از اول و میان و آخر آن افتاده، بسال ۱۲۷۳ داخل کتابخانه اعتضادیه شده و بر کنار برگ ۱۱ یادداشت شده، پس از آن بدست رضاقلیخان هدایت داده شده، بخط خود شرح حال سیف الدین را در پنجاه بیت در دو صفحه نوشته و اول کتاب گذارده و يك صفحه هم پس از آن ایاتی از سیف الدین نوشته

- (۱) در این دیوان قصائدی چند در مدح ابن پادشاه دیده میشود از آنهاست:
- تاج دین محمود شاه سمنو کرمان آنکه هست ملک و ملت را معین و دین و دولت را نصیر  
و در جای دیگر از توقف سمرقند که موطن وی بوده و بسیار از آن نام برده قصد کرمان کرده و گوید:
- من و خدمت شاه کرمان ازین بس  
کاشان یکی از شهرهای اسفرنگ است ( )
- (۲) دو نسخه این کتابخانه و نسخه کتابخانه مجلس هریک بطرزی غیر از طرز دیگری تنظیم شده و هریک بقصیده ای شروع گردیده است.

شده و متصل به ابیات صفحه کهنه گردیده و برگ ۱۹۵ و چند بیت آخر نسخه (برگ ۷۳۸) نیز بخط هدایت است برگ ۱۰۹ و ۷۶ و ۱۳۹ و ۲۴۱ کنونی نسخه نوشته است. کتابت نسخه بشهادت کاغذ و مرکب در قرن دهم بوده و در اواخر سیزدهم هدایت (پس از تألیف مجموع الفصحا) در این نسخه نظر و آنرا تکمیل کرده است. جلد تیماجی، کاغذ سمرقندی، واقف سه سالار، قطع وزیری، کجواحت، شماره برگها ۳۷۸، صفحه ای (۱۵) سطر، طول (۲۰ ۱/۲ سانشیر)، عرض (۱۲ - ۱۰ سانشیر)، شماره نسخه (۲۸۲)، (۱۲۰۶)

**دیوان سیف اسفرنگ**  
این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، برگ اول و بخشی از آخر آن افتاده، طاهرا در قرن یازدهم انکارش یافته، سال ۱۲۶۱ داخل کتابخانه اعتقادیه شده، میان سفرهای نخستین صفحه کنونی طلائع اندازی شده و تمام صفحات جدول بطلان و زنگار و زاجورن میباشد و بیست نخستین نسخه اینست:

عندلیب خوش نوایم گر جهان سیدی کند

لوح اسرار معانی بس بود گذر از من  
و چنانکه از هفت اقلیم بدست می آید هشت بیت بیش از این بوده و مصلح این فتیله اینست:

شب چو بر دارد نقاب از هودج اسرار من

خفته گیرد صبح را راه دل به دار من

و آخر نسخه این رباعی است:

پیموده دریایی آنم که به نام از خود  
خود را بحیران باز و هاله از خود  
از چشم خیال خویش تن بینی خویش  
چون مردمک دیده تهنات از خود

جلد تیماجی، کاغذ بخارائی، واقف سه سالار، قطع وزیری، شماره ورق ۲۵۵، صفحه ای (۱۷) سطر، طول (۲۴ ۱/۲ سانشیر)، عرض (۱۴ - ۱۰ سانشیر)، شماره نسخه (۲۸۱).

۵۳۹ | دیوان شادان (فارسی)

مهرج (۱) شادان تخلص که گذشته از تخریج نویسنده نسخه در اول دیوان از

(۱) درس دیوانست: از طبعی جلال قدس او (شبه مشهور)، من مهرج.

اشعار او بر می آید که وزیر (۱) یکی از پادشاهان هند که از او شاه اسکندر تعبیر میکنند و ظاهراً نام وی **مهاراجه چندولعل** بوده غزلیات و ترکیب بند و غیره در حدود (۲۰۰۰) بیت انشاء نموده که از نقل ایاتی از آن پایه شاعری او بدست می آید، در غزلیات بیشتر معاشقه او با خالق است و با مخلوق سروکاری ندارد و میخواست که قدم دروادی عرفان گذارده باشد و در یکی از رباعیات خود گوید :

### شادان تو محقق می عرفان خور •

در کتب رجال و سیرنامی و آثاری از شادان نیافتم از ماده تاریخی که برای تعمیر پل ساخته وزیر این سطر نگاشته میشود معلوم میگردد که در نیمه اول قرن سیزدهم زندگانی مینموده و آن اینست :

بعهد شاه اسکندر بشد تعمیر پل یکسر

ز سعی راجه چند ولعل از سابق بود بهتر

بشادان شد ندا جای غریبی بهر تاریخش

ز سیل اینک بود محفوظ چون اندر صدف گوهر

و جای غریبی سال ۱۲۳۶ را میسراند •

و در این دیوان بمدح حضرت پیغمبر ص و حضرت علی بن ابیطالب ع پرداخته و از آنها این دوبیت است :

سرور کائنات فخر رسل      از طفیلش باو شده معراج

هم ز فضلش علی عالیقدر      مقتدا گشته از علو مزاج

آغاز: بسمله

ناحیه خود ز عجز بردرجانان بسا      شرط غلامی بود بندگی باوفا

(۱۲۰۷)

دیوان شادان      این نسخه را بخط نستعلیق خوب نوشته اند (ظاهراً در زمان خود شاعر و برای پادشاه تهیه شده باشد) ، عنوان با طلا و

(۱) در حاشیه ص ۴ گوید :

تا بعد سال ز الطاف سه اسکندر      گفت امروز بشادان که وزارت فرما

و در عنوان صفحه نخستین دیوانست : دیوان وزیر ارسطو دبیر مهاراج راجه چندولعل بهادر •

و حواشی و میان سطرهای دو صفحه اول نسخه تذهیب گردیده، و تمام صفحات بخودول بطلاست، بسال ۱۲۸۲ داخل کتابخانه اعتقاد السلطنه گردیده است.

جلد تیماجی . کاغذ ترمه . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۴۳) . صفحه ای در متن و حاشیه (۳۶) بیت . طول (۲۹ سانتیمتر) . عرض (۱۸ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۸۹) .

### [ ۵۴۰ ] دیوان شاهی سبزواری (فارسی)

امیرشاهی ( آقا ملک (۱) بن جمال الدین فیروز کوهی متوفی بسال ۸۵۷ (۲) از اولاد سرداران می باشد ، پس از آنکه سرداران را شاهزاده بایسنقر بر انداخت امیرشاهی به نادمیت بایسنقر رسید و املاک آنها را که ضبط گردیده بودند بر گردانند ، پس از چندی ترک ملازمت نمود و در سبزوار بترتیب و نقطه املاک خود پرداخت و در هنگامیکه از هفتاد سال بیشتر داشت در استرآباد وفات یافت و جسد او را به سبزوار آورده در خانقاهی که از بناهای اجداد او در بیرون دیوارزه بود بخاک سپردند .

دیوان شاهی را امین احمد رازی بیت دانسته و نسخ این کتابخانه کمتر از این اندازه را شامل می باشد ، دولت شاه گوید : فضلا متفقند که شور خسروی و لطافت حسن و ناز کیهای که مال و صفای سخن خواجه در کلام امیرشاهی جمع است . و در تذکره خود غزلی که در دیوان او نیست و آنرا از غزلیات جدید او معرفی کرده نقل نموده و راستی اسماء او لطافت و حفا دارت و شاهی تخلص او می باشد و این دیوان شامل غزلیات و قطعات و رباعیات است .

آغاز : ای نقش بسته نام خطت با سرتبت ما این حرف شد ز روز اول سر نوشت ما

(۱۲۰۸)

این نسخه بخط سمدیق بسیار خوب و از خطوط ممتاز میر علی هروی (۳) و در لای یک سر لوح بسیار ظریف و در ابتدا هر غزل و قطعه سر صوره هایی می باشد . صفحات بخودول ،

دیوان شاهی

سبزواری

(۱) نام امیرشاهی در نسخه آرمیتاژ در نسخه هندی . دولت شاه گوید : این نسخه از بن مکتب جمال الدین ضبط گردیده است .

اوراق متن و حاشیه گردیده و حواشی زرافشان شده و موریا نه برخی از اوراق را  
سوراخ کرده و بعضی از میناهای سرسوره ها هم ریخته است .

جلد تیماجی نیم ضربی . کاغذ خان بالغ . واقف سه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۴۳)  
صفحه (۱۰) سطر . طول (۲۰  $\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر) . عرض (۱۴  $\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۴۲۱) .

(۱۲۰۹)

این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، نویسنده  
از خود و سال نگارش نام نبرده ، پشت صفحه نخستین و جلد  
مسمز واری کتاب بنام خط میر علی معرفتی شده ، بی شباهت بخط نسخه  
پیشین نیست ولی بآن استحکام و ظرافت هم نیست اگر این نسبت درست باشد از خطوط  
متوسط میر علی است ، دارای یک سر لوح زیباست و اوائل غزلیات و قطعه ها  
سرسوره های مینائی ظریف دارد و صفحات متن و حاشیه و جدول بطلا و لاجورد  
و غیره است .

جلد روغنی گل و بوته دورو . کاغذ متن خان بالغ و حاشیه افشان زده . واقف سه سالار . قطع  
ربعی . شماره اوراق (۵۱) . صفحه ای (۹) سطر . طول (۱۹ سانتیمتر) . عرض (۱۳  $\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر) .  
شماره کتابخانه (۴۵۷) .

(۱۲۱۰)

این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب بسال ۹۸۳ نوشته شده  
نویسنده نامی از خود نبرده ، شاید که آنرا که خط میر عماد  
خطاط معروف بدانیم ، برگها آبدیده و برخی وصال شده ،  
یک سر لوح کوچک دارد و صفحات جدول بطلا و لاجورد و غیره است .

جلد ساغری ضربی . کاغذ متن خان بالغ و حواشی الوان . واقف سه سالار . قطع وزیری کوچک .  
شماره اوراق (۴۱) . صفحه ای (۱۰) سطر . طول (۲۱  $\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) .  
شماره کتابخانه (۳۸۸) .

(بقیه حایه اوجه ۶۱۶)

(۲) امیر شاهی در تذکره دولتشاه و ص ۶۴۲ - ۶۴۳ هفت اقلیم و ص ۸۴ آنسکده معرفتی و  
بدانها مراجعه شده است .

(۳) میر علی از مشاهیر نستعلیق نویسان میباشد و در امتحان الفضل ( سنگلاخ ) ج ۱ شرح حال  
مفضل ایشان مندرج و در آنجاست که بسال ۹۷۶ وفات یافته است .



(۱۲۱۱)

دیوان شاهی این نسخه بخط نستعلیق (ظاهراً در قرن دهم هجری) نوشته شده، دارای يك سرلوح زیباست، صفحات جدول به رنگهای سبز و آبی کوناگون میباشد، با چهار دیوان دیگر در يك مجلد است که بشماره (۲۷۹) در کتابخانه ثبت گردیده، خصوصیات دیگر آنرا در ص ۵۷۱ نگاشته‌ام.

## [ ۵۴۱ ] دیوان شریف (فارسی)

شریف تبریزی (۱) از شعرای معروف آذربایجان و در زمان شاه طهماسب صفوی میزیسته، سام میرزا گوید بسال ۹۵۶ به اردبیل آمد و در مدرس و با، که در آنجا واقع شد از پای درآمد، شاگرد اسانی تیرازی بوده گویند کتابی بنام سهو اللسان (۲) در این باب که از لسانی بنظر او بی معنی رسیده و یا خود از زبان لسانی ساخته، نوشته و پس از آن از استاد عذر خواسته، آذر گوید تخلص باسم میکند و در دیگر ه اخذ کوی از نام وی و پدرش نیست، در هفت اقلیم ترکیب بندی که در هجو غنایث که از مستوفیان شاهی بوده مندرج و قصیده ای که یس از ترکیب بند نام برده در مدح غیاث مذکور انشانموده و چندین بیت از غزلیات او نیز در این تذکره موجود است. در دانشمندان آذربایجان شرح مفصلی در شرح حال شریف نگاشته یافته و در آنجا نیز از دیوان وی چند بیت انتخاب کرده و در آنجا است که دیوان غزلیات او را مؤلف آن کتاب دارند و تقریباً ۱۲۰۰ بیت مدح و در دیوان قصائد و اشعار او مشهور است.

آغاز: ای نخل تمّا قدر عیای تو ما را از پانی در آورد بمائی تو ما را

(۱) در عتقه سیمی ص ۱۲۱ حاشی هفت اقلیم ص ۱۲۰۸ - ۱۰۳۱ - اثر جواد آذر ص ۳۳ - ۳۴ و دانشمندان آذربایجان ص ۱۹۲ - ۱۹۷ از این شعر و قدرت بیان او معرفی گردیده و هریث ابیانی از او اعجاب کرده اند.  
(۲) در دانشمندان آذربایجان درباره این کتاب و دهان که آن بوده و مدح شعر و قدرت انبارس یافته است.

(۱۲۱۲)

**دیوان شریف** این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب زینب دختر مقصود علی نوشته ، تاریخ ندارد ولی نسخه گواهی میدهد که در اواخر قرن دهم نگارش یافته ، سرلوح ظریفی دارد ، صفحات مجدول تبریزی بطلا ولاجورد میباشد ، سلیمان بن محمد خان قاجار پشت صفحه نخستین تملک خود را یادداشت و پس از آن یادداشتی مورخ سال ۱۲۸۵ از طرف اعتضاد السلطنه و پس از آن وقفنامه نسخه نگاشته شده و مهریکه در پایان آخرین صفحه بوده محو گردیده است .

جلد روغنی دور و گل و بوته دار و تصویر حیوانات برجسته ، کاغذ کشمیری رنگارنگ . واقف سیه سالار . قطع وزیری کوچک . شماره اوراق ( ۴۴ ) . صفحه ای ( ۱۰ و ۱۱ ) بیت . طول ( ۲۰ - ۱۰ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۳ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۴۰۷ ) .

### [ ۵۴۲ ] دیوان شهاب اصفهانی (فارسی)

میرزا نصرالله اصفهانی شهاب تخلص از شعرای نامدار میباشد ، سال ۱۲۵۴ بطهران آمده ، مورد لطف و عنایت حاجی میرزا آقاسی ابروانی صدراعظم وقت گردید و ملقب به **تاج الشعرا** شد ، در زمان ناصرالدین شاه تهنیت ها گفته و انعامها گرفته و مأمور نظم مرثی حضرت سیدالشهدا ع گردیده و انجام داده و هدایت گوید (۱): « از شعرای معین کثیرالفضل بدیع النظم ایدولت همایونست ، اشعار بسیار بوزن تقارب و قطعات و قصائد منظوم نموده که همه در نهایت ممانت است و کمال رزانت اگر چه دیوانش حاضر نیست این اشعارش در این کتاب مرقوم میشود (در حدود ۳۰۰ بیت از قصائد و مسمطات وی را نقل نموده) » .

#### آغاز:

ای نام همایونت دیباجه دیوانها بی نام تو نامی نیست نه نامه نه عنوانها (۲)

(۱) در س ۲۱۹-۲۲۴ ج ۲ مجمع الفصحای معرنی مخصری از این شاعر گردیده و جل نقل شده مخصری از عبارات آن کتاب است و در س ۲۴۴ - ۲۲۴ گنج شایگان شرح حال مفصل و انتخاب زیادی نیز از اشعار او شده است .

(۲) این آغاز نسخه این کتابخانه است که شامل قسمتی از قصائد شهاب میباشد و دیوان کامل او را

(۱۲۱۳)

## دیوان

این نسخه بسال ۱۲۷۲ بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، شامل قصائدیست که شهاب در مدح صدراعظم نظام الملک (۱) شهاب اصفهانی سروده و مرتب بترتیب حروف تہجی از الف تا یاء بر حسب

قوافی میباشد و پیش از شروع بقصائد در مدح صدراعظم سه قصیده در توحید و نعت که نیز مذیل بمدح پادشاه و صدراعظم میباشد گذارده شده و این دیوان قصائد در حدود (۸۰۰) بیت است و مرز تذهیب و جدول کشی ها و اینسکه نام پادشاه عصر و صدراعظم در هر بیت که بوده با خطا نوشته شده حاکی است که نسخه برای صدراعظم مذکور تهیه شده و اعتضاد السلطنه پشت صفحه نخستین یادداشت نموده که از ورثه میرزا داودخان پسر میرزا آقاخان صدراعظم نوری خریداری شده و این نیز مؤید احتمال مذکور است ، دارای یک سر لوح ظریف میباشد و حواشی دو صفحه نخستین تذهیب گردیده و تمام صفحات جدول با خط لاجورد و شنجرف است . حد دروغنی گل و بونه یکترو ، غنچه ربه ، وافی سید سناز ، قطع وزیری ، شهر اوراق (۳۳۹) . صفحه ای (۱۲) - ضرر - طول ( ۲۴ - ۱۵ ) - درش ( ۱۵ - ۱۰ ) - شماره ۱ - بهانه ( ۲۵۷ ) .

## [ ۵۴۳ | دیوان سید صالح قزوینی الدرر الغرویہ ( عربی ) ]

ناظم و شاعر این دیوان چنانکه در مقدمه تصریح شده سید صالح بن سیده هندی بن رضا حسینی قزوینی است که از شعرای قرن سیزدهم هجری و در نجف اشرف متوطن بوده در کتب سیر و رجالی بنام این دانشمند بهرورد نام و بحر در ص ۶۵ ج ۲ احسن الودیعہ در ذیل شاعران شیخ عبدالحمید طریحی ( ۱۲۳۵-۱۲۹۲ ) گوید : نزد این جناب گروهی از اهل ادب و کمال استعاده کرده اند از آنها سید صالح قزوینی متوفی بسال ۱۲۹۷ (چنین شده شده) میباشد . و بحر این چند کلمه درباره وی چیزی در این کتاب نگارش نیافزوده است .

این دیوان که آنرا «الدرر الغرویة فی العترة المصطفویة» نامیده شامل چهارده قصیده در مداح و مناقب وراثت حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت فاطمه زهرا ع و حضرت امیر المؤمنین علی و یازده فرزندش علیهم صلوات الله در (۳۰۰) بیت میباشد و مقدمه ای مرکب از نثر و نظم بر آن نگاشته و این سه بیت را برای نشان دادن قریحه و نمودار اشعار وی در اینجا می آورم:

والله جاد علیکم متفصلاً      یولیّه و هو الجواد الموسع  
و لطلّ ما اوصی بحفظ ولائّه      خیر الا نام فخالقوه و ضیعوا  
یا من تسبح باسمه الاملاک فی      افلاکیها و اذا دعاها تسرع  
(۱۲۱۴)

دیوان سید صالح این نسخه را بسال ۱۲۶۸ (۱) بخط نسخ خوب ناجی بن محمد قفطانی نوشته ، قصیده دیگری ( ۴۹ بیت ) که ناظم این (الدرر الغرویة) کتاب در هنگام مسافرت شیخ مشکور بآستان حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام بسال ۱۲۶۹ انشاء نموده بر دو صفحه ای که پیش از دیوان ننوشته بوده نیز همین نویسنده نوشته ، ۱۵ سرلوح زیبا که طرز هریک با دیگری مخالف در ابتداء مقدمه و چهارده قصیده گذارده شده و حواشی صفحه سرلوح دار و صفحه مقابل آن تذهیب و نقاشی گردیده و پشت نخستین صفحه بسال ۱۲۹۷ یادداشت اعتضاد السلطنه و وقفنامه نسخه موجود و تمام صفحات مجدول بطلا و عناوین قصائد با جوهر قرمز نوشته شده است .

جلد روغنی گل و بونه دورو . کاغذ فرنگی . وافف سیه سالار . قطع خستی باریک . شماره اوراق (۱۲۵) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۰ سانتیمتر) . عرض ( ۱۴  $\frac{۱}{۳}$  سانتیمتر ) . شماره کتابخانه (۲۷۳۹) .

(۱) نویسنده در آخر نسخه نوشته : تاسع ذی الحجة من السنة الثامنة من المائة الثالثة من الالف الثاني من الهجرة النبویه ص . و تاریخ قصیده ای که بخط همین نویسنده و بشهادت مرکب و طرز نگارش نزدیک بزمان نگارش اصل نسخه است بیش از مقدمه کتاب بسال ۱۲۶۹ نوشته شده بنابر این جمله من العشر السابع از عبارت آخر نسخه مسلماً افتاده است .

## [ ۵۴۴ ] دیوان صائب (فارسی)

میرزا محمد علی ابن میرزا عبدالرحیم تبریزی متخلص به صائب متولد به سال ۱۰۱۶ و متوفی بسال ۱۰۸۱ (۱) یکی از سخن سرايان معروف قرن یازدهم هجری است ، اشعار وی در هندوستان و عثمانی ( ترکیه کنونی ) بیشتر از وطن خویش شهرت دارد ، اگرچه آرزوی این را داشته که چون سعدی باشد چنانکه خود گفته :

صائب از خاك پاك تبريز است هست سعدی گير از كن شیراز  
 شماره اشعار او را دویست هزار بیت نوشته اند و گویند هفت دفتر و دیوان  
 ترتیب داده و فتح نامه قندهار وی که بوزن مثنوی است ۱۳۵ (۲) بیت میباشد و  
 گذشته از این قصیده ای در همان هنگام فتح (شاه عباس ثانی فاتح است ) سروده  
 و این بیت از آن تاریخ فتح را میسراند : (از دل زدود زلف اله فتح قندهار ۱۰۵۹)  
 و مثنوی در معاشقه محمود و اباز دارد ، مجموعه از انتخاب اشعار خود و شعری  
 معاصر و پیشین در حدود ۲۵۰۰ بیت ترتیب داده که بگفته شبلی نعمان اینک  
 در حیدرآباد دکن موجود است و خوشگو دیدن آنرا در تذکره خود تذکر داده .  
 صائب در فن غزل سرائی از دیگر فنون شعر برتری دارد و از اشعار خود  
 انتخاباتی نموده و هریک را نامی گذارده : ۱- واجب الحفظ بخیه ای از مطالب  
 غزلیات اوست و نسخه از آن بیوسمه به نسخه زیرین میباشد و با دقت و مراجعه  
 این نگارنده معلوم شد که این انتخاب از غزلیات غیر این دیوان حاضر اوست و  
 شامل ۳۹۰ بیت مطلع است . ۲- مرآت الخیال در وصف اوصاف سر تابی محبوب  
 است و نسخی از آن در مجموعات این کتابخانه و کتابخانه مجلس میباشد . ۳- آرایش  
 نگار مشتمل بر ابیاتی است که در آنها آینه و شانه آورده شده . ۴- میخانه ابیات  
 راجعه به می و میخانه را از اشعار خود گرد آورده و بدین نام نامیده است .

(۱) این تاریخ وفات دو مانده تاریخ که در دانشنامه آذربایجان نقل گردیده مؤید دارد و در س  
 ۱۷۶-۱۸۱ ترجمه ادبیات ادوار سرون ۱۰۸۰ و ۱۰۸۱ و ۱۰۸۸ نوشته شده و غیر از این دو کتاب  
 تذکره خوشگو و مجمع الفسحاج ۲ ص ۲۴ و ۲۵ و آتشکده ص ۳۴ و ۳۵ در هنگام نگارش این شرح  
 دیده شده است .

(۲) در تذکره خوشگو شماره ادبیات این مجموعه ۱۳۵ بیت و در دانشنامه آذربایجان صد و  
 سی و پنجهزار ضبط گردیده است .

۵ - متفرقات زیر این عنوان در حدود ۲۳۰۰ بیت از اشعار خویش انتخاب نموده و نسخه‌ای از آن پیوسته به نسخه زیرین دیوان اوست و با مراجعه ودقت معلوم شد که اینها را نیز از دیوان دیگر خود انتخاب کرده است .

از سال ۱۲۶۴ تا کنون در حدود ۴۰۰۰ بیت از صائب در هندوستان چاپ شده و منتخبی از اشعار او در این او آخر در طهران و اسلامبول نیز بچاپ رسیده و نگارنده نسخه ای از دیوان صائب را که خط آن عیناً نسخه زیرین و بسیار شبیه نمونه ایست که از خط صائب در تاریخ ادبیات برون و دانشمندان آذربایجان گراور شده ، در کتابخانه دانشمند محترم آقای محمد جواد ارگانی نماینده خوزستان در مجلس شورای ملی ایران دیده و در حدود (۸۵۰۰۰) بیت میباشد .

دانشمند محترم آقای تربیت شرح حال مفعلی از صائب درص ۲۱۷ - ۲۲۶ دانشمندان آذربایجان (با گراور نمونه خط وی) نگاشته اند و یکی از مآخذ نگارنده در نگارش این شرح بوده و ۲۵ کتاب را برای مراجعه بشرح حال این شاعر نشان داده اند . این دیوان که زیر این سطرها خصوصیات آن نگاشته میشود جز ضمائ آن در حدود (۱۷۰۰۰) و با آنها تقریباً (۱۹۶۹۰) بیت است .

آغاز :

اگر نه مدّ بسم الله بودی تاج عنوانها      نگشتی تا قیامت نو خط شیرازه دیوانها (۱)  
(۱۲۱۵)

دیوان      این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده ، بسیار شبیه خط صائب نگارش یافته ولی غزلهایی که در حاشیه برگشت صائب تبریزی هفتم و دیگر برگهای نسخه زیر عنوان : لراقمه صائب نگارش یافته و عیناً نمونه ایست که از خط صائب گراور شده ثابت میکند که اصل دیوان خط شاعر نیست و میدانیم که عارف تبریزی اصفهانی نویسنده دیوان صائب بوده و مسلماً این نسخه خط اوست

(۱) خوشگو در تذکره خود گوید : این بیت آغاز یکی از دیوانهای صائب است و شماره ایات صائب را سیصد هزار نوشته و از نصر آبادی یکصد و بیست هزار نقل نموده و نیز گوید که فقط دوازده قصیده یک مثنوی در فتح نامه قندهار دارد و باقی اشعار او غزلیات است و در دانشمندان غزلیات ترکیبوی نسبت داده شده و قول بشنرازیك لك (صد هزار) در شماره ایات صائب از حسینی نقل گردیده است .

و پس از اتمام غزلیات که موافق قوافی از الفتایا مرتب گردیده، واجب الحفظ و متفرقات اشعار صائب که معرفی از آن دو گردید نگارش یافته، نسخه بدست بچه افتاده و در آخر هر بخشی کلماتی نوشته از آن جمله مکرر سته ۱۲۲۲ و ۱۲۳۵ را رقم نموده و طرز خط و مرکب این یادداشتها در اینکه نسخه از نظر خود شاعر گذشته و حواشی آن بخط اوست، تردیدی ایجاد نمیکند.

یادداشتها تا یک سال ۱۱۱۷ و ۱۲۱۴ نوشته شده اند پشت برگ آخر نسخه موجود و چندین برگ از اول و آخر وصال گردیده و بسال ۱۲۸۵ داخل کتابخانه اعتضادیه شده و پشت برگ اول یادداشت شده است.

جلد تیماجی منسوب به نافذ دوات آبادی. واقف سربساز. وضع وزیری. شماره اوراق (۴۲۵). صفحه ای (۱۷) سطر. طول (۲۴ سانتیمتر). عرض (۱۴ سانتیمتر). شماره نسخه (۲۷۷).

### [ ۵۴۵ ] دیوان صاحب علی آبادی (فارسی)

میرزا محمد تقی ابن میرزا زکسی مازندرانی متوفی بسال ۱۲۵۶ (۱) از درباریان فتحعلیشاه قاجار بوده، در قضا و غزلیات گامی صاحب و هنگامی صاحب دیوان تخلص میکرده، در اوائل جوانی ده سال وزارت عبدالله میرزا حاکم و فرمانفرمای خراسان و سمرقند و سجاس را داشته بسال ۱۲۳۴ بطهران احضار گردیده و مقام منشی الممالکی را پادشاه عصر بوی برگذار نمود، در شیراز رضا قلیخان هدایت را دیده و میخواست او را بطهران آورد بعللی معذرت خواسته، قصائد غرا و غزلیات شیوادارد، راوی گروسی ۵۵ بیت از چند قصیده وی در مؤلفه خود نقل و هدایت در حدود ۱۰۰۰ بیت از قصائد وی که در نعت حضرت پیغمبر و حضرت علی بن ابی طالب و پادشاهان معاصر و امرا میباشد و از رباعیات او انتخاب و در مجمع المنجد چاپ کرده است.

دیوان صاحب شامل قصائد و قصعات و غزلیات و رباعیات و مشویات میباشد و بشماره دقیق نسخ زیر در حدود (۵۵۰) بیت است، ماده تاریخی که بسال ۱۲۵۵ گفته در اینجا موجود و پیش از شروع به اشعار منشآت نثری صاحب دیوان که عبارت

(۱) انجمن سوء انجمن خاندان و ۲۹۸-۳۱۶ ج ۲ مجمع الفقهیه - اجازه نگردیده است.

از شرح حالی از فتحعلیشاه واجداد وی و طائفه قاجاربان شاه فتحعلیشاه و قلم صاحب و حکایاتی بطرز گلستان و مراسلات دوستانه و قبالة نکاح اردشیر میرزا و غیر از اینهاست و این بخش در حدود (۱۰۰۰) بیت میشود.

این شاعر همت و هوس این را داشته که سعدی ثانی باشد و تاحدی هم شایستگی آنرا دارد ولی همه گویند سخن گفته سعدی دگر است و در این معنی گوید:

باقبال دارای یزدان برست      به نظم و به نثر آمدم چیر دست  
چنین ساحری شیخ شیراز کرد      که بانظم خوش نثر انباز کرد  
بدوران صاحبقران آن منم      که گویم درین هر دوفن يك فتم

آغاز:

کرا شاید ثنازان پس که زیدآل یاسین را      جهان مجدو تمکین آسمان دانش و دین را

(۱۲۱۶)

دیوان صاحب این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، ۲۳ برگ از اول آن شامل نثریات علی آبادی است، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده مسلماً در نیمه دوم قرن سیزدهم نگارش یافته و عناوین باشنجر ف نگاشته شده و یادداشتی پشت صفحه نخستین بوده عموماً گردیده است.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سبهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۹۱) . صفحه ای (۱۷) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۵ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۵۹).

(۱۲۱۷)

دیوان صاحب این نسخه نیز بخط نستعلیق بدون ذکر نام نویسنده و سال نگارش نوشته شده، بسال ۱۲۶۱ داخل کتابخانه اعتضادیه علی آبادی شده و پشت نخستین صفحه یادداشت گردیده، بخشی از نثریات در آخر نسخه میباشد و شرح حال فتحعلیشاه را که به انشاء خود وی نگاشته و در نسخه پیشین نیست در آغاز نسخه موجود و بخشی از نثریات نسخه بالا را ندارد.

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سبهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۸۲) . صفحه ای (۱۵) سطر . طول (۲۲ سانتیمتر) . عرض (۱۴<sup>۱</sup>/<sub>۲</sub> سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۶۰).



## [ ۵۴۶ ] دیوان صبا (فارسی)

فتحعلی خان ملك الشعرا متخلص به صبا از مشاهیر شعرای قرن سیزدهم هجری میباشد ، گذشته از مقام ملك الشعرائی چندی حكومت كاشان كه وطن اصلی وی بوده و حكومت قم و مقام احتساب الممالكی را دارا بوده ، و قایع سلطنت فتحعلیشاه قاجار و مختصری از تاریخ نیاكان او را بنام «شاهنشاه نامه» در چهل هزار بیت در مدت سه سال برشته نظم آورده و **راوی گروسی** شرحی در ترجیح این كتاب بر شاهنامه فردوسی نوشته و گوید در جوانی مثنوی لیلی و معجون گفته كه در میان است و هفت پیکری كه در یکی از سفرها از میان رفته و خداوند نامه كه شامل اخبار صحیحه در معجزات احمدی و غزوات حیدری است و در حدود سی هزار بیت میباشد و آنرا در مدت سه سال بانجام رسانیده و مثنوی عبرت نامه و دیوان قصائد و مقطعات و رباعیات و غیره از آثار آن جناب بیادگار مانده و بنا بر ضبط در مجمع الفصحا بسال ۱۲۳۸ جهانرا بدروود گفته و «كلامش فسیح و مضبوط و زیبا و متین است ، اشعارش بلیغ و جزیل و مصنوع و رنگین ، كمال قدرت را داشته و از موطنه سخن را درین روزگار او كاشته ، تجدید شیوه و قانون استادان قدیم را كرده .

نسخه زیرین از دیوان او شامل در حدود (۱۲۰۰۰) بیت میباشد و هدایت گذشته از مثنویهای وی پانزده هزار بیت شعر بوی نسبت داده است .

آغاز:

تعالی الله خداوند جهاندار جهان آرا

كبر و شد آشكارا گل ز خار و گهر از خار

(۱۲۱۸)

این نسخه شامل قصائد و مقطعات و غزلیات و رباعیات و مثنویات پندنامه و خلاصه از احكام و عبرت نامه صبا میباشد و ظاهراً در زمان خود شاعر نگارش یافته نام نویسنده و سال نگارش نوشته نشده و بر صفحه نخستین نویسنده ای آنرا خداوند نامه معرفی کرده ولی مسلماً آن كتاب نیست .

جلد روغنی گل و بوته دار و طرف داخل نر گس . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شمارهٔ اوراق (۳۹۱) صفحه‌ای (۱۶) سطر . طول (۱ - ۲۷ سانتیمتر) . عرض (۱۹ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۴۰۴) .

### [ ۵۴۷ ] دیوان صهبا (فارسی)

صهبا محمد تقی (آقاتقی) بن ملایدالله از معاصرین آذر وهر دو در تحت تربیت سید علی مشتاق بوده و شاگردی او را داشته‌اند ، این تخلص را هم استاد بوی داده ، اجداد صهبا از دماوند بقم مهاجرت کرده و صهبا در این شهر متولد و نشو و نما یافته در اواخر عمر باصفهان رفته و بیست سال در آنجا بوده و بسال ۱۱۹۱ در شیراز وفات یافته و بیشتر بغزل سرائی و رباعی گوئی مایل بوده و درانجمن خاقان است که «دوسه هزار بیت شعر گفته و در شاعری نیز (کذا فی النسخ) بطرزخوش میسروده» و هدایت نوشته‌اند که سه هزار بیت دیوان شعر جمع کرده و شاعری غزل سرای بوده است .

نسخهٔ زیرین شامل غزلیات (۱۰۵۰ بیت) و رباعیات (۱۶۰ رباعی) میباشد بنابراین در حدود ۱۴۰۰ بیت است .

#### آغاز:

نه تنها روشن است از پرتو روی تو محفلها

کزین شمع است روشن بزم جانها محفل دلها

(۱۲۱۹)

نسخهٔ این دیوان و دیوان هاتف و دیوان عبدالمجید درویش را که با یکدیگر پیوسته‌اند بخط شکسته نستعلیق خوب

دیوان صهبا

محمد رفیع بن محمد صادق شیرازی بسال ۱۲۳۱ نوشته و در آخر دیوان هاتف بدین تاریخ تصریح کرده ، در ابتداء هر يك از دیوانها سرلوحی ظریف میباشد و میان سطرهای دو صفحه اول هر يك طلا اندازی شده و صفحات مجدول به اکلیل است .

برگ ۳۹ - ۸۸ شامل این دیوان میباشد .

جلد روغنی گل و بلبل و طرف درون نر کس . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع خشتی نازک . شمارهٔ اوراق کلیه (۱۳۰) . صفحه‌ای (۱۵) سطر . طول (۱ - ۲۰ سانتیمتر) . عرض (۱۳ سانتیمتر) . شمارهٔ کتابخانه (۴۰۱) .

(۱) شرح حال و معرفی از صهبا با مجموعهٔ ص ۴۱۱-۴۱۲ آتشکده آذر اجمین پنجم انجمن خافان و ص ۳۳۰ ج ۲ مجمع الفصحا و بعضی از ابیات وی خود وی نگارش یافته است .

## [ ۵۴۸ ] دیوان طالب آملی (فارسی)

طالب آملی (۱) از شعرای مازندران است که به هندوستان رفته و در آنجا بسال ۱۰۲۸ بمقام ملك الشعرائی شاه جهان رسیده و در عنوان جوانی بسال ۱۰۳۶ وفات یافته است.

مدعی است که در علوم هندسه و منطق و هیئت و حکمت و عرفان و خط و شعر سرآمد زمان می باشد، و در شعر سبکی خوش و بسوز دارد و در هند بسیار مطلوب شده ولی در ایران چندان پسند نیامده و به همین سبب در آثار بسیار خود را سیاه بخت خوانده و رخت خویش به هندوستان کشیده و گویند:

هندو نبرد تحفه کسی بجانب هند      بخت سیه خویش را بر آن بگذار  
بزرگتر نسخه‌ای از دیوان طالب را که نگارنده ندیده و منعلق بکتابخانه مجلس شورای ملی است شامل (۱۷۰۰) بیت از قصیده و قطعه و غزل و رباعی و مثنوی است.

## آغاز: غزلیات

خدایا بر سر ناز آری ما کج کلاه‌ها را      بسحر غمده در مافتنه کن جادو نکاه‌ها را  
(۱۲۲۰)

## دیوان

## طالب آملی

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، نویسنده از خود و سال نگارش نامی نبرده، ظاهر آن در نیمه اول قرن یازدهم نگاشته شده. شامل غزلیات و مقطعات و رباعیات و مثنوی و رباعیات می باشد و در حدود (۳۵۰۰) بیت می باشد. در ابتدا هر بیت از بحرهای مربعی که از طالع پوشیده شده نام موضوع آن بخش بخارس یافته است.

جدد اباحتی، نغمه دوازده آهنگی، وائف سینه، لار، قطع یعنی، سوره اوراق (۱۵۲) صفحه ای (۱۴) سطر، ضول (۱۶ سطر)، عرس (۹ سطر)، شماره (۱۳۷).

(۱) در عنوان نسخه زیرین تصریح شده که طالب آملی است و در آخر صفحه‌ای (پس ۱۰۴۲ نوشته) از دیوان طالب، مستحق یک نسخه مجلس شد طالب بیت شده و آخر در ۱۷۰۱-۱۷۱۱ آتشکده او را از شعرای آمل مازندران معرفی کردند و در ۳۷۲-۳۷۴ سمع جامن و لی در ۱۷۱۱-۱۷۱۲ اثبات ادوارد برون (ج ۴ ص ۱۶۹-۱۷۱) عامی (عین میانه که مسووب به او شده) بیت گردیده است.

## [ ۵۴۹ ] دیوان طوفان هزار جریبی (فارسی)

طوفان هزار جریبی (۱) نامش میرزا طیب و از اهالی مازندران متوفی بسال ۱۱۹۰ (۲) میباشد ، معاصر آذر مؤلف آتشکده بوده و در باره وی گوید « جوانی غیور باستغنائی طبع و شکفتگی خاطر مشهور مکرر ملاقاتش اتفاق افتاد » ، این مؤلف و هدایت هر دو تذکر داده اند که آهاجی رکیکه گفته ولی در آخر عمر توبه نمود و در نجف اشرف مجاور و در همانجا بسرای آخرت شتافت و آذر در تاریخ وفات او يك رباعی گفته و این مصراع آن ( طوفان در دریای نجف شد ز صفا ) تاریخ وفات او را می رساند .

هدایت نوشته اند که دیوان او شامل هفت هزار بیت و بیشتر آن غزلیات میباشد عبدالله نامی که از دوستان معاصر طوفان در نجف اشرف بوده مقدمه ای بر دیوان او نوشته و در آنجا پس از معرفی و شرح حال مختصری از مؤلف تذکر داده که طوفان امید این داشت که دیوان متفرق وی جمع گردد بوی گفتم کسی در این روزگار که بازار علم و ادب نارواست بدینکار مبادرت نخواهد نمود بهتر آنست که خود این کار را انجام دهی ، بنا بر این در او اخر ماه شوال سال ۱۲۷۵ بجمع آنها پرداخت و نیز گوید : « این دیوان شامل قصائد و غزلیات و مثنوی و رباعیات و شکرپاره و جنگ نامه و هجو بات بنوعی که متقدمین ترتیب بنا نهاده اند اقتدا بایشان نمود و چون تمام کلیات او هنوز بزیور جمع آوری مزین نگشته بود بتوضیح بعضی مراتب از فهرست نپرداخت » و در این مقدمه مراسله ای که میرزا مهدیخان منشی نادرشاه بوی نوشته و نظم او را ستوده مندرج گردیده است .

نسخه زیرین در حدود ۳۳۰۰ بیت میباشد .

آغاز دیباجه : بسمله جواهر حمدی که صیرفیان بازار نقود معانی و ناظران سلسله

عقود و لآلی الخ .

- (۱) در دیباجه نسخه زهرین هزار جریب را از توابع استرآباد معرفی کرده ولی اینک از نواب مازندران میباشد شاید که سهو قلم دیباجه نویس باشد و یا بیش از این جزء آنجا بوده است .  
(۲) در ص ۴۱۳ آتشکده آذر و انجمن خاقان و ص ۳۴۱-۳۴۳ ج ۲ بجم الفصحا شرح حال طوفان نگارش یافته و انتخابی از ابیات وی گردیده است .

(1221)

هزار جریبی سیزدهم نوشته شده ، در ابتدا دینچه ... اوحی دارد و در

جلد روشنی گل و پودہ دورو ، انگل فریادی ، واقف سے سبب لار ، بھٹیم پوز ، شہ ، اوزاق (۷۰) .  
صفحات ۱۴ - ۱۵ طرہ درہ و ۱۲ بیت درجائیدہ ، ضمیمہ ( ۲۴ ) ، ج ۱ ، ص ۱۸۳ - ۱۸۴ .  
شمارہ : ۱۸۶ ( ۲۷۴۳ ) .

نورالدین محمد (۱) ظهیری تخصص بگفته اند و نقش مترجمین را او تر شیری است ولی امین احمد او را در هفت ولیم از دانشمندان شهر تربیت تمام شده و در باردوی گوید: باوصاف جمیده و انوار پسندیده موصوف بودند و غیرت و کجوات و حوش اخلاق است، پیوسته شیوه اس اینکه کار فقیری پسند و همواره خود را شش اینکه مراد درویشی بر آرد الخ و چند بیت از این که در این باره در تاریخ ادبیات خود گوید: ظهیری از بهترین بشارت و صفا و با عزیز این بیت شعر از او در شعر است در شورش که در دکن واقع شد گفته شده است و ظهیری نیز در این باره میگوید: و خونی سابقه مدائن الخ

سابقہ نامہ مضمونی بسیار مشہور و درجہ اول (۴۱۰۰) ... عربی و ملی را این  
اشتهار انرا اورا چندان نیت دیده و دیوان او بسیار مفاہات و لطایف است  
و از آثار عربی و ملی به دیباچہ است که بعد از ... و ... و ...  
... گلزار این اشعار مشہور میباشد و مستحضرین این مفاہات و لطایف را مضمونی از مضمونی

(۱) در غنای این مین ۵۷۵ و ۷۶ و ۷۵ و ۷۴ و ۷۳ و ۷۲ و ۷۱ و ۷۰ و ۶۹ و ۶۸ و ۶۷ و ۶۶ و ۶۵ و ۶۴ و ۶۳ و ۶۲ و ۶۱ و ۶۰ و ۵۹ و ۵۸ و ۵۷ و ۵۶ و ۵۵ و ۵۴ و ۵۳ و ۵۲ و ۵۱ و ۵۰ و ۴۹ و ۴۸ و ۴۷ و ۴۶ و ۴۵ و ۴۴ و ۴۳ و ۴۲ و ۴۱ و ۴۰ و ۳۹ و ۳۸ و ۳۷ و ۳۶ و ۳۵ و ۳۴ و ۳۳ و ۳۲ و ۳۱ و ۳۰ و ۲۹ و ۲۸ و ۲۷ و ۲۶ و ۲۵ و ۲۴ و ۲۳ و ۲۲ و ۲۱ و ۲۰ و ۱۹ و ۱۸ و ۱۷ و ۱۶ و ۱۵ و ۱۴ و ۱۳ و ۱۲ و ۱۱ و ۱۰ و ۹ و ۸ و ۷ و ۶ و ۵ و ۴ و ۳ و ۲ و ۱ و ۰ و ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ و ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۸۷ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۰ و ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۲۸ و ۱۲۹ و ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۲ و ۱۳۳ و ۱۳۴ و ۱۳۵ و ۱۳۶ و ۱۳۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۱۴۲ و ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ و ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ و ۱۶۵ و ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۱۷۱ و ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۷۵ و ۱۷۶ و ۱۷۷ و ۱۷۸ و ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۸۵ و ۱۸۶ و ۱۸۷ و ۱۸۸ و ۱۸۹ و ۱۹۰ و ۱۹۱ و ۱۹۲ و ۱۹۳ و ۱۹۴ و ۱۹۵ و ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۲۰۱ و ۲۰۲ و ۲۰۳ و ۲۰۴ و ۲۰۵ و ۲۰۶ و ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۲۱۳ و ۲۱۴ و ۲۱۵ و ۲۱۶ و ۲۱۷ و ۲۱۸ و ۲۱۹ و ۲۲۰ و ۲۲۱ و ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۴ و ۲۲۵ و ۲۲۶ و ۲۲۷ و ۲۲۸ و ۲۲۹ و ۲۳۰ و ۲۳۱ و ۲۳۲ و ۲۳۳ و ۲۳۴ و ۲۳۵ و ۲۳۶ و ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹ و ۲۴۰ و ۲۴۱ و ۲۴۲ و ۲۴۳ و ۲۴۴ و ۲۴۵ و ۲۴۶ و ۲۴۷ و ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۰ و ۲۵۱ و ۲۵۲ و ۲۵۳ و ۲۵۴ و ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۵۷ و ۲۵۸ و ۲۵۹ و ۲۶۰ و ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ و ۲۶۴ و ۲۶۵ و ۲۶۶ و ۲۶۷ و ۲۶۸ و ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۲۷۱ و ۲۷۲ و ۲۷۳ و ۲۷۴ و ۲۷۵ و ۲۷۶ و ۲۷۷ و ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۲۸۰ و ۲۸۱ و ۲۸۲ و ۲۸۳ و ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۲۸۸ و ۲۸۹ و ۲۹۰ و ۲۹۱ و ۲۹۲ و ۲۹۳ و ۲۹۴ و ۲۹۵ و ۲۹۶ و ۲۹۷ و ۲۹۸ و ۲۹۹ و ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۳ و ۳۰۴ و ۳۰۵ و ۳۰۶ و ۳۰۷ و ۳۰۸ و ۳۰۹ و ۳۱۰ و ۳۱۱ و ۳۱۲ و ۳۱۳ و ۳۱۴ و ۳۱۵ و ۳۱۶ و ۳۱۷ و ۳۱۸ و ۳۱۹ و ۳۲۰ و ۳۲۱ و ۳۲۲ و ۳۲۳ و ۳۲۴ و ۳۲۵ و ۳۲۶ و ۳۲۷ و ۳۲۸ و ۳۲۹ و ۳۳۰ و ۳۳۱ و ۳۳۲ و ۳۳۳ و ۳۳۴ و ۳۳۵ و ۳۳۶ و ۳۳۷ و ۳۳۸ و ۳۳۹ و ۳۴۰ و ۳۴۱ و ۳۴۲ و ۳۴۳ و ۳۴۴ و ۳۴۵ و ۳۴۶ و ۳۴۷ و ۳۴۸ و ۳۴۹ و ۳۵۰ و ۳۵۱ و ۳۵۲ و ۳۵۳ و ۳۵۴ و ۳۵۵ و ۳۵۶ و ۳۵۷ و ۳۵۸ و ۳۵۹ و ۳۶۰ و ۳۶۱ و ۳۶۲ و ۳۶۳ و ۳۶۴ و ۳۶۵ و ۳۶۶ و ۳۶۷ و ۳۶۸ و ۳۶۹ و ۳۷۰ و ۳۷۱ و ۳۷۲ و ۳۷۳ و ۳۷۴ و ۳۷۵ و ۳۷۶ و ۳۷۷ و ۳۷۸ و ۳۷۹ و ۳۸۰ و ۳۸۱ و ۳۸۲ و ۳۸۳ و ۳۸۴ و ۳۸۵ و ۳۸۶ و ۳۸۷ و ۳۸۸ و ۳۸۹ و ۳۹۰ و ۳۹۱ و ۳۹۲ و ۳۹۳ و ۳۹۴ و ۳۹۵ و ۳۹۶ و ۳۹۷ و ۳۹۸ و ۳۹۹ و ۴۰۰ و ۴۰۱ و ۴۰۲ و ۴۰۳ و ۴۰۴ و ۴۰۵ و ۴۰۶ و ۴۰۷ و ۴۰۸ و ۴۰۹ و ۴۱۰ و ۴۱۱ و ۴۱۲ و ۴۱۳ و ۴۱۴ و ۴۱۵ و ۴۱۶ و ۴۱۷ و ۴۱۸ و ۴۱۹ و ۴۲۰ و ۴۲۱ و ۴۲۲ و ۴۲۳ و ۴۲۴ و ۴۲۵ و ۴۲۶ و ۴۲۷ و ۴۲۸ و ۴۲۹ و ۴۳۰ و ۴۳۱ و ۴۳۲ و ۴۳۳ و ۴۳۴ و ۴۳۵ و ۴۳۶ و ۴۳۷ و ۴۳۸ و ۴۳۹ و ۴۴۰ و ۴۴۱ و ۴۴۲ و ۴۴۳ و ۴۴۴ و ۴۴۵ و ۴۴۶ و ۴۴۷ و ۴۴۸ و ۴۴۹ و ۴۵۰ و ۴۵۱ و ۴۵۲ و ۴۵۳ و ۴۵۴ و ۴۵۵ و ۴۵۶ و ۴۵۷ و ۴۵۸ و ۴۵۹ و ۴۶۰ و ۴۶۱ و ۴۶۲ و ۴۶۳ و ۴۶۴ و ۴۶۵ و ۴۶۶ و ۴۶۷ و ۴۶۸ و ۴۶۹ و ۴۷۰ و ۴۷۱ و ۴۷۲ و ۴۷۳ و ۴۷۴ و ۴۷۵ و ۴۷۶ و ۴۷۷ و ۴۷۸ و ۴۷۹ و ۴۸۰ و ۴۸۱ و

[illegible]

نیز در دست است ۱ - مکتوبیکه به فیضی (۱۰۰۴ مرده) نوشته و دیگری در شکوه از اهل کرم و این هر دو نیز پیش از دیوان وی (نسخه زیرین) نگارش یافته و پنج مکتوب او با سه دیباچه‌های نام برده در زیر شماره ۲۸۸ در کتابخانه مجلس موجود است. دیوان قصائد و غزلیات ظهوری موافق نسخه زیرین در حدود (۱۰۴۰۰) بیت میباشد و با ساقی نامه (۱۴۵۰۰) بیت خواهد بود و در این دیوان مدح و ثنای ائمه اثنی عشر علیهم السلام و عادل شاه ابیات بسیاری است.

آغاز غزلیات :

آنکه خواهد داشت فر دار حمتش دیوان ما گشته و صفش آفتاب مطلع دیوان ما  
(۱۲۲۲)

دیوان این نسخه بخط شکسته نستعلیق نوشته شده ، نامی از نویسنده و سال نگارش در نسخه نیست ، در عبارات دیباچه های سه گانه :  
ظهوری ترشیزی ( دیباچه نورس - خوان خلیل - گلزار ابراهیم ) و بعضی از ابیات دیوان اصلاحی بقلم غیر از نویسنده نسخه دیده میشود شاید بنظر خود ظهوری رسیده و باصلاح آن پرداخته ، کهنه بودن نسخه این احتمال را ناپدید مینماید و گذشته از دیباچه های نام برده و دو مکتوب مذکور شامل ساقی نامه و قصائد ( غیر مرتب است ) و غزلیات و یک صفحه شامل چند رباعی از شاعر میباشد و اسلوب خط هندی است و در اثر صحافی ایبانی از آن از میان رفته و چند برگ آنهم وصال شده است .  
حلد تیماجی . کاغذ دولت آبادی . واقف سبها لار . قطع خشتی نازک . شماره اوراق ( ۲۹۲ ) .  
صفحه ای ( ۲۸ ) بیت در متن و حاشیه . ( طول ۲۰ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۳ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۸۲ ) .

### [ ۵۵۱ ] دیوان ظهیر فاریابی (فارسی)

ظهیر فاریابی ( ظهیرالدین طاهر بن محمد الفاریابی ) (۱) متخلص به ظهیر متوفی

(۱) فاریاب چنانکه در ص ۸۴۰ ج ۳ معجم البلدان ثبت شده بکسر راء و یا ، خطی و در آخر آن باء است و از شهرهای حراسان در نزدیکی جوزجان و نزدیک بلخ میباشد و از آنجا تا بلخ شش روز راه و از فاریاب تا طالقان سه روز راه است و ظهیرالدین بدانجا منسوب میباشد و فاریاب که حکیم معروف ابونصر از آنجاست نیز در ص ۸۳۳ ج ۳ معجم معرفی گردیده و گوید آنطرف سیحون در اواسط بلاد ترک واقع و از شاتش دورتر است و جوهری و ابوالراهم صاحب دیوان الادب از آنجا میباشد .

بسال ۵۹۸هـ (۱) از مشاهیر شعرای قرن ششم هجری میباشد، بمداحی سلاطین معاصر خود: طغانشاه پادشاه نیشابور و اتابک قزل ارسلان و ابوبکر و نصرالدین و پدراو محمد بن ایلدگز پرداخته و معاصر خاقانی و جمال الدین اصفهانی و شرف الدین شفرویه بوده و به نیشابور و اصفهان و آذربایجان مسافرت نموده و در هر هنگام طبع آزمائی کرده، گروهی وی را بر انوری ترجیح داده، برخی از امامی هروی (۲) درباره وی استفتاء کرده اند سؤال و جواب ایشان اینست:

ای عالم زمانه که بر آسمان فضل	ماه خجسته پیکر خورشید منظری
قومی ز ناقدان سخن گفته ظهیر	ترجیح می نهند بر اشعار انوری
قوم دیگر برین سخن انکار میکنند	فی الجملة در مثل نرا اندو داوری
ترجیح یکطرف تو بدیشان نما که هست	زیر نگین حکم تو مذک سخن وری

امامی در جواب گوید:

ای سالک مسالک فکرت درین سؤال معذور نیستی بحقیقت چو بنگی  
تمیز را ز بعد تناسب درین دو شور هیچ احتیاج نیست بدین شرح پروری  
کین معجزست و آن سحر، این نور و آن چراغ \*

این ماه و آن ستاره ماین حور و آن پری  
و دبگری (۳) گفته:

هر مبتدی که بپندده ترجیح میدهد	شعر ظهیر بر سخن سالک انوری
ماند بدان گروه که شناختند باز	اتجار موسوی را از سحر ساهری

دولتشاه گوید درباره دیوان ظهیر فضیلا گفته است:

دیوان ظهیر فارابی در کعبه بدشت اگر بباسی

(۱) تاریخ گزیده در فصل شعرای فارسی زین برگ ۳۲۰ (۲) «معنی» ۱، شماره دولتشاه سن ۱۰۹-۱۱۴ هفت، قلمه در ذیل شهر حبیبکو در اواخر چهارم سن ۴۹۰-۴۹۳، آشکده آذر سن ۳۲۷ مجمع الفصاح ۱ سن ۳۳۰-۳۳۶ و ترجمت قلمه وفات وی سن ۵۹۲ میباشد.

(۲) در هفت اقلیم امامی نوشته شده وی در زندان بوده و در آن زمان هماد است و این ابیات در هفت اقلیم نقل گردیده است.

(۳) دولتشاه گوید این داوری را بیش چه همکار شریازی بدو داد و این شد - این دو بیت را که گوینده آن معین نگردیده از او باشد.

هدایت گوید این بیت که در ضمن شرح حال ظهیر نویسند از قطعه یکی از متأخرین است که در هجو عبدالرحمن جامی معاصر خود گفته و ابیات دیگر او را هم نقل نموده است .

از مقدمه نثری که نخستین نسخه زیرین دارد معلوم میشود که نویسنده آن که از خود نام نبرده ، شاعری معاصر ظهیر بوده ، شهرت او را شنیده ، از وطن خود بقصد دیدار این استاد حرکت کرده ، چون باذربایجان رسیده استاد را در این جهان نیافته ، بران شده که آثار او را جمع آوری کند ، چون این کار را بانجام رسانید گوید بران شدم که آنرا تقدیم بصاحب هنری نمایم که شایسته این در های یتیم باشد در اکناف و اطراف هر چه نظر انداختم کسی را شایسته ندیدم تا اینجا که میگوید :

« تا عاقبت عزم کرد که این دفتر که مستودع چندین گهرست و مستجمع چندین درر بخزانة صدر روزگار صاحب مطلق ولی الانعام بحق عالم عادل مؤید مظفر منصور مجدالدولة والدين عمادالاسلام والمسلمين اخيارالملوك والسلطين ملك الصدور في العالمين كهف ائمةالمهتدين نظامالملوك باسط - العدل والنعمة ناشر الجود والكرم قاصم الاعادی قاسم الايادی ملاذالفقراء والزهاد وملجاءالعلماء والعباد حميد الاخلاق كريم الاغراق ملك رؤساءالافاق مدالله ظلاله وضاعف اقباله فرسند چه جوهر را جوهری داند و گوهر را گوهری شناسد -

قدرسخن در زمانه طبع تو داند قیمت در زمین بنزد کرامت .

هدایت نوشته اند که دیوان ظهیر تخمیناً چهار هزار بیت میباشد و کهنه ترین نسخه درین کتابخانه و بزرگترین آنها دارای ۳۵۰۰ بیت از قصائد فارسی و عربی و قطعه و غزل و ترکیب بند و رباعی میباشد و این دو بیت عربی از او در تاریخ گزیده نقل گردیده :

و هي اصل فن الفارسي معظم	أعرف الفرق بين دال و ذال
فدال فما سواه معجم	كل ما قبل سُكون بلا وای
آغاز :	

چو زهره وقت صبح از افق بسازد چنگ      زمانه تیز کند ناله مرا آهنگ (۱)

(۱) این آغاز دیوانی است که در اول بار گردآوری شده ولی دیگری قصائد و غزلیات آنرا موافق حروف او آخر مرتب نموده و نسخه این کتابخانه موافق این ترتیب اخیر است .



(۱۲۲۳)

این نسخه را بخط نستعلیق بسال ۸۹۵ نوشته اند ، نویسنده دیوان  
 از خود نام نبرده ولی خط نسخه بسیار شریف بخط منعم الدین  
 ظهیر فاریابی اوحدی شیرازی نویسنده دیوان حافظ بسال ۹۱۷ میباشد که  
 درص ۵۸۲ و ۵۸۳ خصوصیات آن نگارش یافت ، دیباچه جامع را فقط این نسخه داراست  
 و درابتداء آن سرلوح ظریفی میباشد ، درابتداء قصائد سرسوده است که وسط آن  
 از طلا پوشیده شده و بر آن باسفید آب « دیوان ظهیر فاریابی » نوشته شده و تمام  
 صفحات بخود بطلا و لاجورد است .

جلد تیماجی ، کاغذ بخارائی ، واقف سیدسالار ، قطع وزیری بزرگ ، شماره اولین ( ۱۷۳ ) .  
 صفحه ای ( ۱۲ ) سطر ، طول ( ۳۰ سانتیمتر ) عرض ( ۱۲ - نیمبر ) ، شماره دوم ( ۳۷۸ ) .

(۱۲۲۴)

این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده (عاشق از نیمه اول قرن سیزدهم)  
 طرز آن چون نسخه پیشین است ولی دیباچه را ندارد ، نویسنده  
 ظهیر فاریابی از خود و سال نگارش نام نبرده ، نویسنده قدس الامیر العشق  
 شرف را نیز بخط نستعلیق نوشته و بدان رسوخات و این دو کتاب سال ۱۲۸۰  
 داخل کتابخانه اعتضادیه شده ، از انیس العشق در قدس اشعار موجود است و خواهد شد  
 و این نسخه از دیوان ظهیر در حدود ( ۳۵۰۰ ) بیت شعر است .

جلد تیماجی ، کاغذ فرائی ، واقف سیدسالار ، قطع وزیری متوسط ، شماره اول ( ۱۲۵ ) ،  
 شماره ( ۴۷ ) ، صفحه ای ( ۱۶ ) سطر ، طول ( ۲۲ - سانتیمتر ) عرض ( ۱۳ - نیمبر ) ، شماره  
 کتابخانه ( ۳۸۱ ) .

(۱۲۲۵)

این نسخه را بخط نستعلیق حسن بن حسین بن حسین نقاشی  
 بسال ۱۲۵۷ نوشته ، قضاوت آن محاسب بهر سبب معروف آخر آنها  
 بر حسب ترتیب حروف حقایق است و این نسخه آن نیست :  
 سفر گزیده و اشکست عهد قریب را مکتب بخیریه به پادشاه جهان علمی را

و در حدود (۳۵۰۰) بیت را شامل است، پشت صفحه نخستین یادداشتی بوده نحو گردیده است.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی. واقف سهسالار. قطع وزیری کوچک. شماره اوراق (۱۱۷). صفحه ای (۱۶) سطر. طول (۲۲ سانتیمتر). عرض (۱۴ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۷۹).  
(۱۲۲۶)

**دیوان** این نسخه ظاهر آ در قرن دوازدهم نگاشته شده، اوراقی از اول و آخر آن افتاده، نویسنده ای بر چند برگ چندین قصیده ظهیر ظهیر فاریابی را نوشته به اول نسخه پیوسته و ابیاتی چند هم در آخر آن نوشته و طرز اصل نسخه چون نسخه اصلی غیر مرتب است ولی اینک آغاز آن موافق دیوان مرتب شده ظهیر میباشد.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی. واقف سهسالار. قطع ربعی بزرگ. شماره اوراق (۱۲۰). صفحه ای (۱۴) سطر. طول (۱۹ سانتیمتر). عرض (۹  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۸۰)

### [۵۵۲] دیوان عبدالمجید درویش (فارسی)

عبدالمجید مشهور به درویش از خطاطین معروف میباشد و خط شکسته را بیایه ای رسانیده که تا کنون کسی بدان نتوانست رسید و رونق خط شفیعا و میرزا حسن را که در باره آنها گفته اند ایشان ثلاث لهما برانداخته، حاجب شیرازی در باره وی گفته:

«ای گشته مثل بخوش نویسی ز نخست  
مفتاح خزائن هنر خامه تست  
تا کرده خدا لوح قلم را ایجاد  
ننوشت کسی شکسته را چون ثودرست»  
در اشعار مجید تخلص دارد، راوی گروسی شماره ابیات دیوان او را هزار و پانصد بیت ضبط کرده و نسخه زیرین در حدود (۱۲۳۰) بیت را شامل میباشد، بسال ۱۱۸۵ وفات یافته و آذر، شده ایوان جناب منزل درویش مجید را ماده تاریخ وی یافته و چند شعر از دیوان وی انتخاب نموده و هدایت و راوی نیز چند بیت از و در کتاب خود آورده اند (۱).

(۱) آتشکده آذر ص ۴۲۴، انجمن خاقان در انجمن چهارم و مجمع الفصحا ج ۲ ص ۴۴۵ دیده شود.

## آغاز:

نبود باورت ای آنکه (کذا) زخم کاری ما کنوت بیایتمشای جان سیاری ما  
شب فراقی روا نیست منع زاری ما چرا که زاری ما نیست اختیاری ما.  
(۱۲۲۷)

و ان عبدالمجید این نسخه را بخط شکسته نستعلیق محمد رفیع بن محمد صادق  
شیرازی بسال ۱۲۲۱ نوشته و بادیوان صهبا و دیوان هاتف  
درویش به شماره (۴۰۱) در این کتابخانه ثبت گردیده (بر کت ۸۹-۱۳۰)  
خصوصیات دیگر آن در ص ۶۲۷ نگاشته شد.

## [ ۵۵۳ ] دیوان عبدالواسع جبلی (فارسی)

عبدالواسع جبلی تخلص از شعرای مشهور قرن ششم هجری میباشد (۱) بنابر ضبط  
در هفت اقلیم لقب وی بدیع الزمان بوده و هدایت پدر آن اورا عبد الجامع بن عمران بن  
ربیع نامیده و گوید جبلی بسال ۵۵۵ هجری ابرود گفته و خود وی بسادات و انتساب  
خویش بحضرت پیغمبر اکرم ص اشاره موده :

نکرد باید با من بقصد جباری که من را رسول خدای جبارم  
در تاریخ گردیده آمده که عبدالواسع جوانی بزرگ بوده و روزی سلطان سنجر  
گذرش بر ربنه زاری افتاده که عبدالواسع در آن بوته و بدین بیت مقرر نم :  
اشتر دراز گردنا دانم چه خواهی گردنا

گردن در زنی میکنی پس خواهی خوردنا  
سلطان در او بوی لطیف یافت او را ملازم کرد و تزیینت کرد و تا بدان مرتبه  
رسید که طرز شعر او تا غایت چون او نگفته اند.

آقای بدیع الزمان در سخن و سخنوران این قول را بیاوردند و شواهد تاریخی  
رد کرده اند.

در اشعار جبلی جنبه حسن الفاظ و صنایع رباعیه زیاد ملاحظه گردیده و باوجود  
این تقدیر لطافت خود را از دست نداده و سلطان سنجر ۵۱۱ - ۵۵۲ و بهرامشاه بن

(۱) ابیات الابواب ج ۱ ص ۱۰۸-۱۰۹، تاریخ ابرود ص ۶۴۰-۶۴۱، (۲) خطی (۳) تذکره  
دولشاد ص ۷۶-۷۷، هفت اقلیم ۵۲-۵۲۳، مجمع الفصحی ج ۱ ص ۱۸۵-۱۹۳ و سخنوران  
ج ۱ ص ۳۳۴-۳۲۷ مراجعه گردیده است.

مسعود غزنوی ۵۱۲-۵۴۴ هـ ( در تاریخ سلطنت این پادشاه دولت‌شاه و حمدالله و بدیع الزمان اختلاف دارند ) و ارسلان‌شاه بن کرمانشاه از سلاجقه کرمان ۴۹۴-۵۳۶ هـ را مدح گفته و این بیت عبدالواسع زبان زد همه است :

منسوخ شد مروت و معدوم شد وفا      وزهر دو نام ماند چو سیمرغ و کیمیا  
و بدین مناسبت تخلص خود را جبلی قرار داده که از اهالی غرjestان میباشد  
که از طرف مغرب بهرات و از مشرق بغور و از جنوب به غزنه و از شمال بهر و محدود  
میگردد و غرج بمعنی گوه و غرjestان کوهستانست .

نسخه زیرین که شامل قصائد و مقطعات و غزلیات جبلی است در حدود ( ۷۰۰ )

بیت میباشد .

آغاز :

که دارد چون تو معشوق و نگار و چابک و دلبر

بنفسته زلف و نرگس چشم و لاله روی و سرین بر

( ۱۲۲۸ )

دیوان      این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، آخر آن افتاده ،  
ظاهر آن در اوائل قرن دهم هجری نگارش یافته ، يك سرلوحی  
عبدالواسع جبلی      ظریف که باسفیداب بر قسمت طلایی وسط آن نوشته شده :  
( دیوان افصح المتکلمین عبدالواسع جبلی ) در آغاز نسخه میباشد و صفحات بمجدول  
بطلا و لاچورد است و آخرین بیت نسخه کامل اینست :

فخر دارد بر همه سادات کیتی از شرف      فضل دارد بر همه اشراف عالم در محل

چندین برگ اول و آخر نسخه و صالی گردیده و پشت برگ اول یادداشت‌هایی

با تاریخ و بی تاریخ وجود دارد .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سبها لار . قطع خشتی باریک . شماره اوراق ( ۱۵۱ ) .  
صفحه ای ( ۱۶ ) سطر . طول ( ۲۲ سانیمتر ) . عرض ( ۱۴ سانیمتر ) . شماره کبابخانه ( ۳۹۳ ) .

[ ۵۵۴ ]      دیوان ( کلیات ) عرفی ( فارسی )

سید محمد ابن خواجه زین الدین علی بن جمال الدین شیرازی متخلص به

عرفی از مشاهیر شعرای قرن دهم هجری بوده (متولد بسال ۶۶۳ هـ متوفی بسال ۹۹۹ هـ) پدرش مقام داروغه گی شیراز را داشته، عرفی پس از اینکه بسن رشد رسید و کسب فضائل نمود علم شاعری برافراخت و بامعاصرین خود چون غیرقی شیرازی و دیگر پهلوانان، سخن پردازیها و کشتی گیریها کرده و همه ازو حساب میبرده اند، چون آوازه شعر دوستی و شاعرپروری خان خان سپهسالار (عبدالرحیم) را شنید رو بهند آورد و بوسیله حکیم ابوالفتح کیلانی که او را نیز مدائج بسیار گفته به خان مذکور شناسانده شد و بدان آستان راه یافت و مغلوب نظر او گردید و کار او در دوستی خان خانان بجائی رسید که در هنگام ملازمت از آداب و رسومیکه بجای سلام هندیان و دیگران بجا میآوردند معاف گردید و نامشکلات ملاقات و جواب و سؤال بافیضی شاعر هندی را درص ۵۲۴ نگاشتنیم.

عرفی بسال ۹۹۶ نخستین دیوان خود را مرثیاتی نموده و مصرع : اول دیوان عرفی شیرازی تاریخ این جمع را میسراند و گذشته ازین صنعتی که در آن بکار برده اینست : بشماره حروف آحاد این مصرع (۲۷) قصائد و عشرت آن (۲۷۰) غزل و مات آن (۷۰۰) رباعی و مقطعات در آنست.

عبدالمباقی نهایندی در مقدمه دیوان کامل عرفی که شامل چهارده هزار بیت میباشد و در کتابخانه مجلس موجود است گوید:

چون عرفی دچار ناخوشی امثال شد و خود را نزدیک به بدرود کردن جهان دید مسودات اشعار خود را بکتابخانه خان خانان فرستاد، چون از جهان رفت خان خان هم عهد قاسم ابن خواجه محمد علی اصفهانی مشهور و متخلص به سراج را که از شعرا و دانشمندان و سر حلقه مستعدان بود مأمور جمع و ترتیب و تدوین اشعار عرفی فرمود، سراجا یکسان و بیه پس از مشقت بسیار این دیوان که شامل قصائد و غزلیات و ترکیب و ترجیع بد و قطعه و رباعی و مشوی میباشد ترتیب داد و نویسنده مقدمه گوید در باز دای از وفات در هنگام جمع این دیوان حضور داشتم و میدیدم که بیرون آوردن و مرتب کردن آنها از مسودات عرفی تاچه

(۱) تذکره خوشگو حرف عین و مقدمه نسخه دیوان معنی مجلس شورای ملی بقمه عبدالمباقی نهایندی معاصر عرفی و س ۲۰۰-۲۰۵ هفت اربعه و س ۲۴-۲۵ ح ۲۲ نیمه مقدمه ملاحظه شد است.

حد زحمت داشت در آخر مقدمه قطعه ای که سراجا در تاریخ این جمع و ترتیب انشا نموده، گذارده شده و بیت آخر آن که سال نظم را می‌رساند اینست:

از خرد خواستم چو تاریخش گفت قریب دادم تا دانی = ۱۰۲۶  
طبع عرفی در انشاء قصائد و غزلیات ید بیضاء داشته و دو مثنوی که برابر مخزن الاسرار (مجمع الابرار) و خسرو شیرین نظامی ساخته بسیار سلیس و متین میباشد و اول دیوان وی با مجمع الابرار که در حدود ۵۶۰۰ بیت میباشد دوبار (سال ۱۳۰۸ و ۱۳۳۳) در بمبئی و کانپور هندوستان چاپ گردیده ولی تمام دیوان او چاپ نشده و رساله نفیسه وی که در عرفان (در ۲۵۰ بیت) نوشته قدرت کامل نثر نویسی ویرا نیز می‌رساند: و آغاز آن اینست: بسمله جدیکه از غایت شایستگی منزه از شایبه تعین و تخصیص آمده الخ.

عرفی در قصیده ای که خود آنرا «ترجمة الشوق» نامیده اظهار نموده:  
بکاوش مژه از گور تا نجف بروم اگر بهند بخساکم کنند یا بتبار  
پس از سی سال از وفات عرفی سال ۱۰۲۸ استخوانهای او بوسیله درویشی بنجف فرستاده شد، دو سال هم درین راه استخوانها در مشهد مقدس حضرت رضاء بود، چون بنجف رسید در بیرون دروازه بجائیکه آنرا بهچیره گویند دفن نمودند و رونقی همدانی قطعه ای در تاریخ آن گفت و ماده تاریخ آن اینست:  
رقم زد از پی تاریخ رونقی کلکم بکاوش مژه از هند تا نجف آمد  
(در دو نسخه از تذکره خوشگو در مصرع ماده تاریخ «از گور» نوشته شده و بر حسب محاسبه مسلماً غلط و صحیح «از هند» میباشد)

(۱۲۲۹)

دیوان این نسخه از دیوان بدون تاریخ نوشته شده، پشت صفحه نخستین تاریخ هائی دارد که از همه پیشتر سال ۱۰۷۷ میباشد عرفی شیرازی که نسخه در این تاریخ از کتابخانه دولتی بیرون آورده شده و مسلماً خود دیوان در نیمه اول قرن یازدهم نگارش یافته و گذشته از مندرجات «اول دیوان عرفی» «رساله نفیسه عرفی» و مجمع الابرار و بخشی از «خسرو شیرین» عرفی

(در حدود ۳۰ بیت) وقصائد و غزلیات چندی را شامل و گذشته از رساله نفیسه (در حدود ۶۵۰۰ بیت شعر میباشد).

از یادداشت‌های پشت صفحه اول و آشنائی بخطوط کتابدارهای دربار صفوی معلوم میشود که نسخه متعلق به آن کتابخانه بوده، چهار سال و لوح بسیار شریف که خرز آنها مختلف و چون خط کتاب از آثار هندی میباشد در آغاز رساله نفیسه، قصائد و مقطعات، غزلیات، و مجموع الابدکار رسم گردیده و میان سطرهایی آن صفحه و صفحه مقابل آن طلائع اندازی و نقاشی گردیده است.

جلد سوخته مرقع صلابوش بسیار شریف، باغش شمیری، و کتب بسیار، و قلم و زری، شماره اوراق (۲۶۲)، صفحه‌های (۱۵) سطر، طول (۲۶) سانتیمتر، عرض (۱۵) سانتیمتر، شماره کتابخانه (۲۹۷).

(۱۲۳۰)

## دیوان

این نسخه شعریست به سال ۱۰۵۹ در مقام مدح و مبالغه خوب نوشته خرز و درجات آن با نسخه پیشین تفاوت و از لحاظ معنی شبیه آنست (رساله نفیسه، مجموع آثار، خسرو شیرین، قصائد و مقطعات، غزلیات، و رباعیات) سطرهای لوح نیز بقدری که قسمت بالائی آنها نوساز میباشد در ابتدای بخش بخش شده میباشد و میان ابیات دو صفحه نخستین هر يك با خط نقاشی شده و نیز میان ابیات تمام صفحه و فواصل قصائد و غزلیات و غیره آرایش گردیده و تمام، گاهی با فواصل استغنیای متن و حاشیه‌ها گردیده در پایان آخرین صفحه جمله «اندر این موده شو گردیده و بدست دیگری جای آن نگارش یافته و جز رساله هم برده شامل در حدود ۶۳۵۰ بیت است.

جلد نیمای صریح، باغش شمیری، و کتب بسیار، و قلم و زری، شماره اوراق (۲۱۱)، صفحه‌های (۱۶) سطر، طول (۲۵) سانتیمتر، عرض (۱۵) سانتیمتر، شماره کتابخانه (۲۹۸).

(۱۲۳۱)

## دیوان

این نسخه شعری از اول آن قصیده و سطرهای نخستین آن که عرفی شیرازی از دربار شاهان و ابیات و رباعیات است:

و برگهائی میان برگ اول و دوم آن افتاده ، این قسمت موجود کسه شامل بخشی از غزلیات و قصائد و مقطعات و رباعیات میباشد در حدود ۴۲۰۰ بیت میباشد و اشعاریکه عرفی پس از دیوان اول خود ، سروده در این نسخه موجود و از آنها این قطعه است .

یکتا گهر محیط اخلاص      از بحر محیط پادشا زاد  
تاریخ تولدش چه پرسى      « آرایش روزگار مازاد »

و این مصرع چهارم موافق حساب ابجد سال ۹۹۹ را معین میکند ، برگهائی از نسخه و صالی شده و ایبائی هم در حواشی نگارش یافته و اگر در زمان حیات شاعر نگاشته نشده باشد مسلماً در سال های اوائل قرن یازدهم هجری نگارش یافته است . جلد تیماجی ، کاغذ حنائی . واقف سیه سالار . قطع خشتی باریک . شماره اوراق ( ۱۴۲ ) . صفحه ای ( ۱۴ ) سطر . طول ( ۲۲ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۱ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۹۶ ) .  
( ۱۲۳۲ )

دیوان این نسخه فقط بمجمع الابرار و خسرو شیرین عرفی میباشد بخط نستعلیق بسیار خوب نورالدین محمد لاهیجی بسال ۱۰۱۴ نگارش عرفی شیرازی یافته ، در آغاز هر يك از دو كتاب يك سر لوح زیبارسم شده ، چهار مجلس صورت سازی بسیار قشنگ که هر يك نصف صفحه را فرا گرفته دارا ، برخی از صفحات مختصر و صالی شده و بنام « منظومه نورالدین لاهیجی » داخل کتابخانه اعتضادیه و این کتابخانه گردیده و مسلماً غلط است .

جلد روغنی دورو ، درون مجلس حضرت یوسف ع و زلیخا و زنان مصر و کارد و ترنج و برون آن گل و بلبل . کاغذ کشمیری . واقف سیه سالار . قطع ربعی . شماره اوراق ( ۶۷ ) . صفحه ای ( ۱۵ ) سطر . طول ( ۱۹ - ۱ ) سانتیمتر . عرض ( ۱۲ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۴۶۲ ) .

[ ۵۵۵ ] دیوان علی نقی ( فارسی )

زین الدین شیخ علی نقی کمره ای متولّد بسال ۹۵۸ ( ۱ ) و متوفی بسال

( ۱ ) در اواخر بخش قصائد و مقطعات در تاریخ ولادت خود از زبان پدر گوید :  
فرزند علی نقی گزین در ثمین      آمد بوجود و حظّ وافر بیقین  
از دانش و دین و دولتش هست که هست      تاریخ « امام دانش و دولت و دین »





## [ ۵۵۶ ] دیوان عماد فقیه کرمانی (فارسی)

عماد فقیه چنانکه در آخر نخستین نسخه زیر تصریح گردیده علی نام و عماد الدین لقب داشته، تخلص او عماد است از عرفا و علمای معاصر آل مظفر میباشد در کرمان که وطن او بوده خانقاهی داشته و بسال ۷۷۳ (۱) در همانجا وفات یافته است، داستان گریه وی مشهور و معارضه خواجه حافظ در اشعار با صوفی ظاهر آباوی بوده و تصور میکنم که عبید زاکانی هم موش و گریه خود را در اشاره بکار همین عماد ساخته باشد، دولت شاه در تذکره خود از جواهر الاسرار شیخ آذری نقل نموده: «فضلاً بر آنند که در سخن متقدمان و متأخران احیاناً حشوی واقع شده الا سخن خواجه فقیه کرمانی که اکابر اتفاق کرده اند که در آن سخن اصلاً فتوری واقع نیست نه در لفظ و نه در معنی». و با چنین شهادتی نیازمندی دیگر بر معرفی ندارد و این دیوان وی که شامل دو قصیده در توحید و نعت و غزلیات و مقطعات و رباعیات و فردهای شیوا میباشد در حدود (۵۰۰۰) بیت است.

آغاز:

ای هر دم از عطای تو کامی دگر مرا      وز شکر نعمت تو دهن پر شکر مرا.

(۱۲۳۴)

دیوان      این نسخه در زمان حیات شاعر بسال ۷۶۳ بخط نسخ خوب  
نوشته شده، مرتب بترتیبی نیست، در اینجا عین عبارت  
عماد فقیه      نویسنده که در آخر نسخه نوشته نقل مینمائیم:

تمت کتابه الغزلیات المجموعة في هذا المجلد من مقولات شيخ الاسلام  
الاعظم قدوة اکابر مشايخ العالم مرشد اعظم السلاطين عماد الملة والشریعة  
والدين على الفقيه ادام الله ميامن      انقاسه الشریفه باشارة صاحب الاعظم  
سلطان الحاج والحرمين افتخار اکابر الخاقین جمال الدولة والدين مقبول

(۱) تذکره دولتشاه ص ۲۵۴-۲۵۶ جایی، هفت اقلیم ص ۲۲۷-۲۲۹ و آتشکده آذر ص ۱۲۵

مراجعه شده است.

و در حاشیه همین صفحه انتقال آن بسال ۱۰۶۴ بنویسند که بدینسان گویا بدست گردیده و دو صفحه نخستین دارای دو مربع مستطیل (پوشانی) مذکور و نقاشی شده نیز یک از همان قرن هشتم و هنگام کتابت نسخه میبایند و تمام صفحات عدول، تفاوت و اجزای است. پشت صفحه نخستین یادداشت‌هایی موجود و یادداشت‌هایی از آنجا که کرده‌اند. جواد اجماعی نیم ضریبی، کاغذ بخاراکی، و اصف، پستاندار، قدیم و ضریبی، شمران و راق (۱۸۷)، صفحه‌ای (۱۴) ضریبی، ضریبی (۲۳۳/۱۰۰)، ضریبی (۱۰۰/۱۰۰)، ضریبی (۱۸۲/۱۰۰)،

(1440)

دیوان  
عماد فقیه

در این باب، در کتابهای مختلف و اغلب معجزات و قدرت‌ها و شایسته و غیره ذکر شده است که در اینجا به آن اشاره نمی‌کنیم. بلکه فقط به ذکر بعضی از آنها اکتفا می‌نماییم.

در این باب (۹) در حدیث آمده است: «مَنْ رَأَى نَارًا فِي بَيْتٍ أَوْ فِي مَسْجِدٍ أَوْ فِي سَبِيلٍ أَوْ فِي مَرْجَلِ» (کسی که آتش را در خانه یا مسجد یا راه یا در پای)

۵۵۱ | دیوان غنصیری (شعر ۱۰۰۰)

عزیمبری، ابو الفداء، حسین بن احمد بن محمد بن ابی اسحاق، ۱۱۹۳/۱۱۹۴، در کوچکی  
سایه پدر و مادر از سرش گوناگون شد، در زمان کودکی، از سرش کلاه می زد و با  
بشخصیل سر مایه می روی پرده داشت، از قیاسی با مادرش، به وقت انوار سلطانی شهید  
غزنوی، گردیده و در آن زمان در حصار حبس، در آن حبس، در آن حبس، در آن حبس

[illegible]

و عسجری و غضائری و منجیک و اسدی طوسی و منوچهری و زبنتی سکزی و ابو حنیفه اسکافی و راشد و ابوالفرج سکزی و غیر از اینها امیر بوده و برتری داشته و از راه مدح و ثنای پادشاه تمول و دارائی بی نهایت یافته و سلطنت سلطان مسعود بن محمود را ده سال درك کرد و با عزت در اثر حسن خلق و کرامت زندگانی نمود و پیش پادشاه و مردم معزز و محترم بود، گویند سی هزار بیت انشا نموده ولی اشعار او در دست نیست، بزرگترین نسخه‌ای که نگارند دیده متعلق به کتابخانه مجلس میباشد که در حدود ۵۰۰ بیت است و هدایت دیوان سه هزار بیتی آنرا پیش خود داشته عنصری گذشته از قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات چند مثنوی بنام وامق و عذرا، «شاد بهر و عین الحیوة»، «سرخ بت و خنگ بت» نسبت میدهند ولی نسخه آنها در دست نیست، آقای تربیت در ص ۳۱۹ شماره ۴ مجله مهر سال پنجم (۱۳۱۶ خورشیدی) نوشته اند که ایباتی از مثنویات عنصری را از جاهای مختلف گرد آورده اند و از عبارت عوفی در ذیل شرح حال نظامی (۱) نگارنده استفاده میکند که او را کتابی بنام خسرو شیرین و یا بدان وزن و بحر بوده ولی بدین نام کتابی بدو نسبت نداده اند.

(۱۲۳۶)

این نسخه بخط نستعلیق بدون تاریخ نوشته شده، بسال ۱۲۸۲ دیوان عنصری داخل کتابخانه اعتضادیه گردیده، ظاهراً چند سالی پیش از این تاریخ نوشته شده، دیوان منوچهری بخط همان نویسنده بدان پیوسته میباشد و اعتضاد السلطنه در حاشیه بعضی از صفحات دیوان دوم یادداشت‌هایی بسال ۱۲۸۳ نموده و این نسخه از دیوان عنصری که شامل قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیاتی چند میباشد در حدود (۲۰۰) بیت است.

جلد تیماجی نیم ضربی. کاغذ قرنگی. واقف سپهسالار. قطع خستی باریک. شماره او را ق کتبه (۱۵۴). این دیوان (۷۵). صفحه ای (۱۵) سطر. طول (۲۱-۱) سانتیمتر. عرض (۱۳-۱) سانتیمتر. شماره کتابخانه (۳۸۹).

(۱) عبارت لباب اینست: قصه خسرو شیرین چنان نظم کرد که روان عنصری تلخ کام شد.



علاقه‌مندی فضولی باهل بیت و تشیع وی از آثارش ظاهر و گذشته از قصائدی که در مدح حضرت مولی علی بن ابی طالب علیه السلام دارد در اوائل بنگ و باده (نسخه دوم این فهرست) گوید :

اولدر آئینه درار صورت حق	نه وصی نفس مصطفی مطلق
ناظم شرع ساقی کوثر	باب شیرو والد شبر
ربنا لا تعسر و اولسی	ربنا شربت بکف علی
یار سلمان و خواجه قنبر	والی روضه ساقی کوثر

آغاز (دیباچه) : بسمله حمد یحید اول متکام نطق آفرینه که سفینه امید ساکن بحار بحور نظمی الخ .

آغاز (دیوان) :

قد انار العشق للعشاق منهاج الهدی      سالک راه حقیقت عشقه ایلمر اقتدا .

آغاز (بنگ و باده) : ای ویون بزم کایناته نسق      براقن جام عشق نشاء حق .

(۱۲۳۷ و ۱۲۳۸)

دیوان فضولی      این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، از طرز نگارش

و تذهیب احتمال میدهم که در قرن دهم و زمان حیات فضولی

نگاشته شده باشد ، سه سرلوح ظریف که طرز آنها بایکدگر

مختلف میباشد در اول دیباچه و دیوان و بنگ و باده میباشد ،

میان سطرهای دو صفحه اول دیباچه و دیوان طلاندازی شده و تمام صفحات باطلا

و غیره جدول کشی شده و تذهیب و نقاشی گردیده ، و مهرهایی پشت صفحه نخستین

بوده محو کرده اند ، بامقابل به نسخه دیگر معلوم شد که دو برگ از آخر نسخه هم

برداشته شده و برخی از اوراق و صالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سبها لار . قطع وزیری . شماره اوراق (۱۵۱) . صفحه ای

(۱۲) سطر . طول (۲۶  $\frac{۱}{۴}$  سانیمتر) . عرض (۱۶ سانیمتر) . شماره کتابخانه (۳۰۷) .

(۱۲۳۹ و ۱۲۴۰)

دیوان فضولی      این نسخه را سال ۱۰۶۹ بر حسب امر زال بیک یوزباشی ،

رجب بن محب علی شاه ملو بخط نستعلیق نوشته و شامل قصیده‌ای

در مدح حضرت مولی امیر المؤمنین علی علیه السلام و قصائد

و بنگ و باده

دیگر میباشد و بنگ و باده آن تمام است، دوسر لوح زیبا در اول دیباچه دیوان و بنگ و باده دارد، دو صفحه نخستین دیوان اطراف آن تذهیب و نقاشی گردیده در پایان صفحه آخر و پشت آخرین برگ یاد داشته‌هایی شده و برگ نخستین مختصر و صالی گردیده و مهر زال بیک در چند جا زده شده است.

جلد هیشم، کاغذ دولت آبادی، واقف سیه سالار، قطع مشی، ورق (۱۴۲)، صفحه‌ای (۱۵) سطر، طول (۲۲-۲۳ سانتیمتر)، عرض (۱۴-۱۵ سانتیمتر)، شماره ثبت (۳۰۵).

(۱۲۴۱)

این نسخه بخط نستعلیق خوب (ظاهر اثر در ۱۱۳۰ هجری قمری) نوشته شده، نویسنده از خود و سالار سلطان محمد شاه بوده، دیباچه در اواخر کتاب ولی ناقص و برگ‌های آن متفرق شده و جلد صحنه دیوان هم نویسنده میباشد، برگ اول که شامل غزل نخستین بوده و ورق اول از نسخ افتاده، عناوین غزلها و سر فتن ردیف‌ها با خطا نوشته شده است.

جلد تیماجی، کاغذ بخارا، واقف سیه سالار، قطع مشی، ورق (۱۱۳)، صفحه‌ای (۱۵) سطر، طول (۲۲-۲۳ سانتیمتر)، عرض (۱۳-۱۴ سانتیمتر)، شماره ثبت (۳۰۶).

(۱۳۴۲)

این نسخه بخط نستعلیق (ظاهر اثر در ۱۱۳۰ هجری قمری) نوشته شده، شامل غزلیات و رباعیات فضولی و سالار محمد شاه و ورق از دیباچه آن افتاده و بر ورق اوایل کتب یاد داشته‌هایی است که از آنجا آمده و کتب پیش ازین آنها سال ۱۱۹۸ بوده است.

جلد تیماجی، کاغذ صفه‌ای، واقف سیه سالار، قطع مشی، ورق (۸۵)، صفحه‌ای (۱۵) سطر، طول (۲۴-۲۵ سانتیمتر)، عرض (۱۴-۱۵ سانتیمتر)، شماره ثبت (۳۰۸).

[ ۵۶۰ ] دیوان فغانی شیرازی (فرس)

شاعر شیرین سخن نابافغانی شیرازی و وفی سال ۱۱۹۳ هجری قمری صاحب ذوق و شاعری ظریف بوده، ظاهر آن در شیراز شغل مونسازی داشته و در آن هنگام

(۱) تجلده سیمای من ۱۰۲-۱۰۳ هجری قمری، کتابخانه مؤرخین من ۵۳۹-۵۴۰ هجری قمری، ص ۱۸۷-۱۹۰ مراجعه شود.

سکاکی تخلص داشته ، چون صیت شعر دوستی و شاعر پروری سلطان یعقوب از تبریز بلند شد ، فغانی بدانجا رفته و سالها در آن خطه مانده و خوش بوده و چون بواسطه مرگ آن پادشاه آن رشته ذوق و معرفت پاشیده شد بشیراز برگشته ، پس از چندی بخراسان رفته و در اواخر عمر از شرب باده و گذرانیدن عمر بدانگونه که رویه وی بود پشیمان شده و توبه نموده و این حالات وی از آثار وی هویدا و در مدح حضرت امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه التحیه و الثناء قصائدی انشاء و بیشتر از اشعار او غزل و گاهی قصیده و قطعه و رباعی و ترجیع بند نیز ساخته است و روش فغانی در نظم معانی و تلفیق الفاظ روشی خاص میباشد و غزل بلکه بیتی از دیوان او نیست که سوز و گداز عاشقی نداشته باشد .

دیوان وی بسال ۱۳۱ خورشیدی بتصحیح جوان دانشمند آقای سهیلی خونساری و مقدمه ای در شرح حال وی در طهران چاپ گردیده و شامل غزلیات (۵۸۲ غزل) و غیره میباشد و در حدود (۴۰۰) بیت شعر است .

آغاز : ای سر نامه نام تو عقل گره گشایرا ذکر تو مطلع غزل طبع سخن سرایرا  
(۱۲۴۳)

دیوان این نسخه بخط نستعلیق بسیار خوب عبدالرشید (۱) بدون تاریخ نوشته شده ، شامل غزلیات و مقطعات و رباعیات فغانی شیرازی میباشد و در حدود (۳۸۰۰) بیت شعر است ، غزلیات تمام و ابیاتی از غزلهای نسخه چایی بیشتر دارد ، سرلوحی کهنه و ظریف دارد و پشت صفحه نخستین اعتضاد السلطنه در معرفی نسخه و نویسنده آن و سال دخول آن بکتابخانه ایشان شرحی نگاشته اند ، صفحات مجدول و تمام اوراق متن و حاشیه است . جلد میشن ضربی طلا بوش . کاغذ متن خان بالغ حاشیه فرنگی آبی رنگ . واقف سه سالار ، قطع

(۱) نویسنده در آخر نسخه فقط عبدالرشید امضا کرده و اعتضاد السلطنه او را دایمی معرفی کرده و در صفحه ۱۹۵ بدیش خط و خطاطان قطعه ای بخط این نویسنده گراور شده و درص ۱۹۴ گوید بشرح حال وی دست نیافتم .

در تذکره الخطاطین ( اواخر ج ۱ ) گوید : میرزا رشید خواهرزاده میرعماد مالک افسر و دیهم سلطنت بمالك خط گشت ..... و بسال ۱۰۴۸ در کشمیر وفات یافت . ( بایستی مراد همین عبدالرشید باشد ) .



وزیری . شماره برگها (۱۷۶) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۵ سانتیمتر) . عرض (۱۶  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۲۹۱) .

(۱۲۴۴)

**دیوان** این نسخه را بخط نستعلیق خیلی خوب میر حسین صفوی بی تاریخ نوشته ، ظاهراً در اوایل قرن یازدهم نگارش یافته ، چنانکه در دیباجه نسخه نوشته شده 'منتخباتی از دیوان فغانی میباشد که باشاره امیرخان (۱) نام گردیده و در آخر دیباجه مختصر قطعه ای در مدح امیرخان مدکور گذارده شده بیت آخر آن که اندکی کلمات آن غور گردیده چنین خوانده میشوند :

رسد ای کاش به رازی شریف تربیت  
که بود بدکیت عیالات فرخنده مال  
بنابر اینکه کلامه در مصراع اول رازی باتمد بایستمن مقدمه و پس وانتخاب کننده رازی شاعر باشد و این دیوان منتخب در حدود ( ۱۸۰۰ ) بیت میباشد و پیش از شروع بغزلیات دو صفحه اول نسخه نقاشی بسیار ظریف کرده و در میان تزیینی که در میان صفحه است چند سطر از دیباجه نوشته شده و پس از دیباجه و قطعه نام برده ، ترجیع بند چاپ شده در دیوان و قطعه ای در ردیف آفتاب نیز در مدح حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام که مطلع آن اینست :

ای صورت بدیع تو را مظهر آفتاب  
آینه ایست روی تو را در خور آفتاب

نیز گذارده شده ، در ابتداء دیوان سیرالوح ظریفی میباشد و میان سطرهای دو صفحه اول آن خلا اندازی شده ، فواصل غزلها تذشیب گردیده و حواشی بیشتر از اوراق باضلا نقاشی کلی و بزرگ و مربع و آهوی و نرگ گردیده و صفحات اصول باضلا و لا جور دو پشت آخرین صفحه دخول آن بکتابخانه محمود میر را بسال ۱۲۴۲ بخط نستعلیق خیلی خوب یادداشت گردیده و در پایان آخرین صفحه هفدهمین نام (ظاهراً کتابدار شاهزاده بوده) نوشته که بسال نام برده خط کتابخانه گردیده و برخی از اوراق حواشی آنها و صالی شده است و پشت صفحه هجدهمین یادداشتی بنقش از سیدعلیخان والیه راجع به

(۱) باجسج و پیش از حل و حل و زمان و مقام این شخص دست نوشته

فغانی نقل گردیده و هم در اینجا است که بسال ۱۱۶۰ داخل در عرض شد .  
جلدها روغنی گل و بوته دار دورو . کاغذ خان بالغ . واقف سیه سالار . قطع وزیری کوچک . شماره  
برگها (۹۳) . صفحه ای (۱۲) سطر . طول (۲۳ سانتیمتر) . عرض (۱۴ سانتیمتر) . شماره  
کتابخانه (۲۷۴۱) .

### [ ۵۶۱ ] دیوان فیض (فارسی)

ملا محسن فیض کاشانی ره (محمد بن مرتضی بن شاه محمود ۱۰۰۷-۱۰۹۱) یکی  
از معارف علمای و عرفای قرن یازدهم هجری بوده و مؤلفات مهمی در فنون فقه  
و اخبار و عرفان و غیره از ایشان بفارسی و عربی بیادگار مانده و ما درص ۲۴ و  
۵۴۹ - ۵۵۱ ج ۱ فهرست بمعرفی ایشان پرداخته ایم و در صفحات ۲۴ و ۸۰ و ۱۳۴  
و ۳۲۳ و ۳۳۱ و ۳۳۲ و ۳۳۵ و ۳۵۱ و ۵۲۵ و ۵۴۹ آن مجلد ده مؤلفه ایشان را معرفی  
کرده ایم و در اشعار فیض تخلص دارد و دو نسخه زیرین شامل قصائد و مثنویها  
و غزلیات و رباعیات عالمانه و عارفانه ایشان میباشد و چنانکه از آخر نخستین نسخه  
معلوم میشود جمع و ترتیب دیوان غزلیات فیض بسال ۱۱۰۲ یعنی ۱۱ سال پس از  
مرگ وی انجام گرفته است .

آغاز غزلیات : ای دره‌وای وصل تو ، جانها گشوده بالها

تو در دل ما بوده ، در جستجوها سالها

(۱۲۴۵)

دیوان  
فیض کاشانی  
این نسخه مشتمل بر چند قصیده و چندین مثنوی از فیض کاشانی  
میباشد ، بخط نستعلیق ظاهراً در قرن دوازدهم نوشته شده ،  
بسال ۱۲۷۷ در دست رضاقلیخان هدایت بوده و پشت  
برگیکه پیش از برگ نخستین بوده یادداشت نموده و یکی از مثنویها را خود  
فیض «آب زال» نامیده و دیباچه مختصری بنظم بر آن نگاشته و آنرا به دو جرعه  
تقسیم کرده اول در خطاب به حضرت حق و دوم در خطاب بنفس و این نسخه از  
دیوان شامل (۱۳۵۰) بیت شعر میباشد و بدین شعر شروع گردیده :  
کتاب آفرینش را بچشم سراگر خوانی به بینی حق تعالی را در این آیات نورانی

جلد تیماج . کاغذ قرنکی . واقف سه سالار . قطع یمنی . شماره اوراق (۷۰) . صفحه‌های (۱۰)  
 سطر . طول (۱۵ سانتیمتر) . عرض (۱۰ ۱/۲ سانتیمتر) . شماره نسخه (۳۲۱) .  
 (۲۴۶)

## دیوان

این نسخه شامل غزلیات مرقمه بحروف تهجی بر حسب ردیفها  
 و رباعیات در حدود ۳۷۰ بیت شعر از فیض میباشد ، سال  
 ۱۲۳۲ بخط شکسته نستعلیق نوشته شده ، يك مثنوی سه

## فیض کاشانی

ظاهراً این از فیض میباشد در جواتی اوراقی از آخر این دیوان وی همین نویسنده  
 نگاشته و فروها و تیرین و سشی ، که پس از این از آنجا که معین خواهد شد نیز همین  
 نویسنده نوشته و بدین دیوان پیوسته است .

دو سر لوح زیبا در اول دیوان و فغان و سرورن میباشد و احوال دو صفحه  
 اول هر يك از دو نسخه و میان سطرهایی دو صفحه اول و دوم در عیب و املا اندازی  
 گردیده و تمام صفحات جدول بظلال و انجور رنگ است .

جلد وسط ترمه دوز تیماج . کاغذ برمه و واقف سه سالار . قطع یمنی . شماره اوراق دو نسخه  
 (۱۳۴) . اوراق دیوان (۹۶) . صفحه‌های (۱۴) . شماره نسخه (۱۵۱) . عرض (۹ ۱/۲)  
 سانتیمتر . شماره نسخه (۲۳۲) .

## [۵۶۲] دیوان فیضی (د س)

ناظم این اشعار ابوالمفضل فیضی است که در س ۵۳-۵۲ در شماره [۵۰۴]  
 شرح حال ویرا نگاشته ایم و نیز در آنجا از نام و بابت دیوان فیضی که خود در ترتیب  
 داده و ظاهراً این بخش از آن دیوان است ، ملاحظه فرمائید و این بخش در حدود  
 (۱۱۲۰) بیت میباشد و در صفحه ۱۵۵ در املا و بابتی راجع به دیوان و اشعار  
 فیضی داده شده است .

## آغاز (این بخش) :

بوسه‌ات خیال فیضی را	از آن فیضی نمره و س بین
هر چه پیش بدک و زلف درو	همه را در فر و تر بین
نخندها تا فداک آید در کلا	در همه کار و بین بر این بین

(۱۲۴۷)

دیوان

این نسخه شامل قطعات و ماده تاریخها و رباعیات فیضی است

چنانکه در ص ۵۲۴ زیر عنوان خمسه فیضی که پیوسته به این

فیضی

نسخه میباشد نگارش یافت ، در اوائل قرن یازدهم نگارش

یافته ، خصوصیات دیگر نسخه را در آن صفحه زیر شماره (۱۱۴۱) نگاه کنید و شماره

این کتاب در این کتابخانه (۳۲۰) است .

[۵۶۳] دیوان (یا کلیات) قاسمی یا قاسم انوار (فارسی)

علی بن نصیر بن هارون بن ابی القاسم حسینی مشهور به قاسمی (۱) و ملقب به معین الدین (۲) و متخلص به قاسم و قاسمی از مشاهیر شعرا و عرفای ایران میباشد ، در بدو سلوک دست ارادت به شیخ صفی الدین اردبیلی داده و پس از آن به صحبت شیخ صدرالدین علی یمنی رسیده و چنانکه قاضی نورالله نوشته در اثر اینکه در خواب دیده نور قسمت میکند شیخ صدرالدین او را قاسم انوار نامیده و بدین نام مشهور گشت ، پس از تکمیل کمالات صوری و معنوی از آذربایجان به گیلان و از آنجا به خراسان رفته و در هرات رحل اقامت انداخته و مردم نسبت بوی ارادت ورزیده اند ، شاهرخ صلاح پادشاهی را در این دید که سبب با این مطلوبیت و محبوبیت در آن شهر نماند ، سبب انوار از آنجا بسمرقند رفت و السخ یک نسبت بوی کمال همراهی را نشانت داد ، پس از چند سالی دوباره به هرات برگشته و از آنجا به خراجرجدام رهسپار گردید و در آنجا بسال ۸۳۷ بسرای جاویدان شتافت و در همان باغی که منزل داشت به خاک سپرده شد و امیر نافذ الامر امیر علی شیرنوائی در او آخر قرن نهم عمارتی زیبا بر سر قبر وی بنا نموده و دولت شاه گوید « گردون بهزار چشم بزبائی آن ندیده است » هدایت تولد این عارف را بسال ۷۷ و عمر او را نود سال

(۱) دانشمندان آذربایجان ص ۳۰۴ ، تذکرة دولتشاه ص ۳۴۶-۳۵۲ ، مجمع الفصحا ج ۲ ص ۲۷-۲۸ و مجالس المؤمنین ص ۳۷۳-۳۷۵ ملاحظه گردیده است .

(۲) در دانشمندان و مجالس المؤمنین لقب وی معین الدین ولی در تذکرة دولتشاه صفی الدین ثبت گردیده و در مقدمه انیس العارفین قاسم انوار خود را حسینی و مشهور به قاسمی معرفی کرده است .



رسیده از دنیا مرواد بالنبی و آله الامجاد روزی چند ست که سلطان جمال معشوق حقیقی  
از افق دل ..... باتور مزی بگویم.

الای شاه باز ملک لاهوت      مقید مانده در دام ناسوت  
دیوان غزلیات و رباعیات و مقطعات و غیره انوار در حدود (۶۰۰) بیت میباشد.

آغاز:      من بیچاره سودا زده سرگردانم  
که باوصاف خداوند سخن چون رانم

(۱۲۴۸)

این نسخه از دیوان که گذشته از غزلیات و مقطعات و رباعیات  
شامل دو مثنوی « مقامات العارفین » و « انیس العارفین » میباشد  
قاسم انوار      در حاشیه دیوان کمال خجندی از اول تا آخر نوشته شده  
( مقامات العارفین ۲۷ برگ باخر مانده شروع و ۲۰ برگ مانده خاتمه می یابد و بخش  
اول آنها مکرر نوشته شده و انیس العارفین از ۲۰ برگ باخر مانده تا صفحه آخر  
دیوان نگاشته شده و حواشی آخرین صفحه که شامل اواخر این مثنوی اخیر بوده  
اند کمی محو گردیده است ) نویسنده دیوان خود را علی دامغانی و سال نگارش را  
۸۲۱ معین نموده و بخط نستعلیق خوب میباشد ، در کتابخانه زیر شماره ( ۲۶۶ )  
ثبت گردیده و خصوصیات دیگر آنرا زیر عنوان دیوان کمال خجندی ذکر  
خواهم نمود .

(۱۲۴۹)

این نسخه که بسال ۱۰۰۵ نوشته شده ، شامل غزلیات و مقطعات  
و رباعیات قاسم انوار میباشد و نویسنده نسخه ملتزم شده که  
قاسم انوار      صفحه راست را شامل غزلیات و مقطعات و رباعیات حافظ  
قرار دهد و صفحه چپ را از قاسم انوار و تا باخر پیش رفته و شش ورق باخر مانده  
دیوان حافظ باخر رسیده و این دیوان در حدود ۵۳۰۰ بیت است ، و در آنجا سال  
نگارش موجود و تمام این اوراق آخر شامل اشعار قاسم انوار است هر دو نسخه در  
کتابخانه زیر شماره ( ۲۰۲ ) ثبت گردیده و در ص ۵۸۳ خصوصیات دیگر آنرا  
نگاشته ام .



اساس هستی حیدر بهی خراب اولی که این خرابه ندارد بنامگر بر آب خراب  
این دیوان که بترتیب حروف تهجی موافق ردیف های غزلیات مرتب گردیده  
در حدود ۲۷۰ بیت شعر میباشد .

آغاز: بیارب یاربم تاروز بی ماه رخت شها

شب و روز از خدا وصل تومیخواهم بیاربها

(۱۲۵۰)

## دیوان

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، برگ آخر افتاده،

ظاهراً از خطوط اوائل قرن دهم هجری میباشد، چندین

قطب الدین حیدر برگ از اول نسخه هم پاره شده و وصالی گردیده، یادداشت‌هایی

که پشت صفحه نخستین بوده محو گردیده، شاهزاده اعتضاد السلطنه بنام دیوان  
قطب الدین حیدر آنرا معرفی نموده و بهمین نام وقف گردیده، یک سر لوح بسیار  
ظریف در اول نسخه میباشد و تمام صفحات تذهیب و نقاشی و جدول کشی بسیار ممتاز  
گردیده است .

جلد تیماجی ظریف طلائی . کاغذ مټن خان‌الغ حاشیه بخارائی . واقف سپهسالار . قطع ربعی .  
شماره اوراق (۳۱) . صفحه ای (۹) سطر . طول (۱۸ سانتیمتر) . عرض (۱۱  $\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر) .  
شماره کتابخانه (۲۴۸) .

## [۵۶۵] دیوان قطران تبریزی (فارسی)

حکیم قطران از شعرای قصیده سرای معروف قرن پنجم هجری میباشد، هدایت  
وفات او را بسال ۴۶۵ ثبت نموده و شواهد تاریخی بر وجود او تا اینسال موجود،  
نام او را تذکره نویسان از عوفی تا کنون (۱) کسی ثبت ننموده شاید قطران تخلص  
و نام وی بوده، پدر او را در هفت اقلیم منصور و او را اجلی معرفی، ناصر خسرو او را  
در تبریز ملاقات (۲) و گوید که دیوان منجیک و دقیقی را پیش من آورد و خواند  
و مشکلات آنهارا حل نمود و زبان فارسی نیکو نمیدانست و اشعار خود بر من خواند .

(۱) اباب الالباب ج ۲ ص ۲۱۴، تذکره دولتشاه ص ۶۷-۶۹ جایی، هفت اقلیم ص ۱۰۱۷ -  
۱۰۲۱، آتشکده آذر ص ۳۶-۳۷، مجمع الفصحا ج ۱ ص ۴۶۶-۴۷۶، سخن و سخنوران  
ص ۱۳۰-۱۶۰ بخش اول ج ۲ و دانشمندان آذربایجان ص ۳۰۷-۳۰۹ .  
(۲) ص ۸ سفرنامه ناصر خسرو چاپ برلن .



بهر حال قطران شاعری قصیده سرا و دارای صنایع لفظی و لطائف معنویست و دیوان وی گذشته از قصائد شامل ترکیب بند و تغزلات میباشد و آقای تربیت در دانشمندان نگاشته اند که دیوان او را تا دوازده هزار بیت دیده ام و هدایت از هشت هزار تاده هزار و دولتشاه قطران صاحب ترکیب بند ذوقافیه بین را که نزد سائر تذکره نویسان تبریزی است ترمذی و استاد انوری معرفی کرده و آذره هم در آتشکده اشاره باین اختلاف کرده و تبریزی بودن او را ترجیح داده و برخی تصور کرده اند که دو نفر شاعر قطران نام و تخلص بوده یکی ترمذی و دیگری تبریزی و بگفته امین احمد قطران تبریزی چند مثنوی نیز انشا نموده و یکی از آنها «فوس نامه» میباشد که بنام امیر محمد بن امیر قماج و ابی بلخ انشا کرده است.

نسخه ای از دیوان قطران که شامل ده هزار بیت می باشد جناب آقای تقوی رئیس ششم این دانشکده مکتب فرموده و در کتابخانه شخصی ایشان موجود و تذکر دیگر که سابقین نیز نگاشته اند اینکه اشعار قطران بارون کی بسیار شبیه و دیوانیکه بنام رودکی بسال ۱۳۱۵ در طهران چاپ نموده بیشتر آن از قطران میباشد. نسخه زیرین در حدود ۳۰۰۰ بیت میباشد و اشعار آن اینست:

تابوشید بلؤلوی ثمن باغ سمن      بگن سرج بافتوت یار است چمن.

(۲۵۱)

دیوان این نسخه را بسال ۱۲۵۰ محمد بن علی شاعر عماد باقر تنکابن در حساب امر محمد بن حسین میرزا سرسبز در عهد ناصرالدین شاه قاجار بنویسده و بنا بر ادعای شصت صفحه بحسب حساب نویسنده را ملا باشد خود معرفی کرده و معین خود را هم در این نسخه نام نهاده و در کتب موجود گردیده و بسال ۱۲۸۲ داخل کتابخانه اعتمادیه شده و برخی از اشعار آن را جمیع آورده و از ترکیب بند مشهور بخشی را بیشتر انشای و افزائی و نوشته ای دیگری آن گذارده شده است.

حدید بیماچی - تلفظ فرنگی - و اوقات سیه سالار - قطع خطی - در دست - شماره انوار (۱۰۴) -  
صفحه ای (۱۶) - سطر - حوال (۲۱ پ - ۵۵ خط) - سطر (۱۵ - ۱۶) - شماره درج (۲۵۰) -

## [۵۶۶] دیوان کاتبی (فارسی)

محمد بن عبدالله متخلص به کاتبی (۱) از ترشیز خراسان می باشد و چون به نیشابور آمده و در خط شاکردی نسیمی را کرده مشهور به نیشابوری شده ، چندی ملازم بایسنقر بن شاهرخ را نموده و قصیده ردیف نرگس را حسب الامر وی تتبع نموده ولی چنانکه باید در اثر حسد معاصرین مورد قبول نیافته و کار با سته را کشیده ، پس از آن از خدمت استعفا کرده و رو به شروان کرده ، و امیر ابراهیم که مرای بتریت دانشمندان بوده او را پذیرائی کرده ، کاتبی قصیده ای بر ردیف گل در مدح وی ساخته و انعام بسیار یافته و در هنگام مراجعت بمرض طاعون در استرآباد در گذشته و صاحب مجمع الفصحا وفات او را سال ۸۳۸ ثبت نموده و گوید دومثنوی یکی بنام « مجمع البحرین » و دیگری بنام « حب و محبوب » دارد و همین مجمع البحرین وی می باشد که ذوقافیتین است و اهلی شیرازی « سحر حلال » خود را در مقابل آن ساخته است .

آغاز : آفاق پر صداست ز کوه گناه ما کوه گناه چند بود سنگ راه ما .

(۱۲۵۲)

## دیوان

این نسخه در ابتداء نسخه شماره ( ۲۷۹ ) این کتابخانه می باشد ( ص ۱ - ۹۵ ) ، و خصوصیات دیگر آن در ص ۵۷۱ زیر کاتبی نیشابوری شماره ( ۱۱۷۲ ) نگارش یافت ، شامل غزلیات مرتب بحروف تهجی و مقطعات و رباعیاتی چند است و تمام آن در حدود ۱۰۰۰ بیت شعر است .

## [۵۶۷] دیوان کلیم کاشانی (فارسی)

ابوطالب کلیم از شعرای قرن یازدهم هجری بوده ، با صائب تبریزی و میر معصوم کمال الفت و دوستی داشته ، و صائب در این معنی که دوستی و صمیمیت سه نفر گوینده معاصر باشد با اظهار تعجب از این توافق گفته :

(۱) هفت اقلیم ص ۶۲۸-۶۳۱ ، آتشکده آذر ص ۷۵ و مجمع الفصحا ج ۲ ص ۲۸-۲۹ ، مراجعه

شده است .

بغیر صائب و معصوم نکته سنج و کلیم  
 و چنانکه خود کلیم تصریح کرده  
 ( در دامن الوند اگر غنچه شود گل      ز قهقار مگوئید کلیم از همدانیست )  
 اصلاً همدانی است ولی در کاشان تربیت شده از اینرو کاشانی مشهور گردید و چنانکه  
 خوشگو در تذکره خود گفته « ظفر نامه شاه جهانی » نغمه اوست .

ادوارد برون در تاریخ ادبیات خود ( ص ۱۷۲ - ۱۷۵ ترجمه ج ۴ ) وفات  
 کلیم را بسال ۱۰۶۱ مطابق ۱۶۵۱ م معین نموده و همین تاریخ را خوشگو در سینه  
 خود ذکر نموده و در بعضی از تذکرهاست که کلیم مقام ملک الشعراء ای شاه جهان را  
 یافته و چنانکه از چند قطعه انشائی وی که در دیوان او موجود است در این آید چندی  
 با اتهام جاسوسی در قلعه شاهرک زندان بوده و اتمام او منتهی به در کیب بند و  
 ترجیع بند و غزل و قطعه و رباعی است و نسبت اهل بیت عتیقه الاسلام را آنها ظاهر و این  
 نسخه از دیوان او که زیر این سطر ها معرفی میشود در حدود ۸۰۰ بیت از اشعار او را  
 شامل میباشد و خوشگو کلیات کلیم را ( با مشوایات او ) ۳۰ هزار بیت ( ۳۰۰۰۰ ) معین  
 نموده است .

( ۱۲۵۳ )

این نسخه ظاهر از دیوان خود کلیم نوشته نموده و بر کنار بخش  
 غزلیات و غزلیاتی در زیر عنوان راقی که کلیم به صاحب بخط خود  
 تاعر مینویسد نوشته نموده و بخط اصل نسخه مغازیت دارد ،  
 برگهائی از اول دیوان که شامل بخش ارقه اند و در کتبخانه ای که شامل برخی  
 از رباعیات بوده ، افزوده و نخستین بیت صفحه اول نسخه ایست :

ز بس که شوق کنایت بحرفه نموده اند      ز بس که در بحر و بحرین غزل می خوانند  
 چند برگ که تاغی چند برگ کشیده      نوشته در راه ای که شکر دیوان گدازده شده  
 و بر صفحه اول آنها در اوج کشیده اند و این شعر در این نسخه  
 یادداشت اعتدال السعده سال ۱۰۶۳ هجری در این نسخه است .

چند ابیاتی که در این نسخه است و در نسخه ای دیگر ( ۲۵۶ )  
 صفحه ای ( ۱۷ ) نیز در نسخه ای دیگر ( ۱۱۱ ) نیز در نسخه ای دیگر ( ۱۲۴۷ )

## [ ۵۶۸ ] دیوان کمال الدین اصفهانی (فارسی)

کمال الدین اسمعیل پسر جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی از مشاهیر سخن سرایان قرن ششم و اوائل هفتم هجری میباشد ، بمداحی خوارزمشاهیان و صاعدیّه (۱) که مربی این شاعر بوده اند و ملوک نصره الدین ورشید الدین و شهاب الدین و فخر الدین احمد و صدر الدین عمر خجندی ( که از همه صدر تعبیر کرده ) و عمید الدین فارسی پرداخته ، چون در شعر و شاعری مرتبه ای عالی یافت او را « خلاق المعانی » لقب دادند ، برخلاف دانشمندان ثروتی بسزا داشته و ظاهراً پدر یا جدش از زرگری و کسب در طریق تحصیل علوم و فضائل پانهاده و در عالم علم و ادب زرافشان شده و در او آخر عمر دست ارادت بشهاب الدین سهروردی داده (۲) و بسال ۶۳۵ در اصفهان مغولان او را شهید کرده اند (۳) .

عمر کمال الدین را از روی تحقیق بدست نیاوردم ولی در یکی از قصائد که شکایت از پیری کرده گوید :

در بسغ و غم که پس از شصت و اند سال ز عمر بنا گهان بسفر میروم نه برگ و نه ساز

- (۱) در دیوان کمال الدین مدائجی بسیار از صاعدیّه موجود و تاریخ یکی از قصائد که در مدح رکن الدین صاعدی میباشد و از او صدر تعبیر شده و بدین مطلع میباشد :
- خفته یدار بودم دوش گزدار السلام      مسرع باد صبا آورد سوی من پیام .
- ایشست : بر تو میمون باد این تحویل فرخ کاو فتاد      در سنه خمس ثمانین غره ماه صیام
- و همین رکن الدین مسعود صاعدی را مرآتیه متعدی گفته و در دیوان وی موجود است . و ابو العلاء صاعدی را نیز بقصیده ای مدح نموده است .
- (۲) در قصیده ای که بدین مطلع میباشد :
- دلا بکوش که باقی عمر در بایی      که عمر باقی ازین عمر به گذر بایی .
- علاقه مندی خود را به سیر و سلوک و تهنیب و نرییت نفس بیان و بمدح شیخ سهروردی پرداخته و گوید :

ازین بزرگان امروز در زمانه یکست      که مثل او نه همانا بیجو و بر بایی

شهاب دین عمر سهروردی آن ره رو      که از مسالك او دیو بر حذر یایی

و از ابیات آخر قصیده معلوم میشود که خدمت شیخ مشرف نشده و از دور مشتاق گردیده است .

(۳) تاریخ کزیده ( ورق ۳۲۲ نسخه کهنه خطی ) ، تذکره دولتشاه ۱۸ - ۱۵۴ چابکی هفت اقلیم ص ۷۱۰ - ۷۲۰ ، آشکده آذر ص ۱۹۱ - ۲۰۱ و مجمع الفصحا ج ۱ ص ۴۸۹ - ۴۹۴ مراجعه شده و فقط در تذکره دولتشاه تصریح بمال وفات وی شده است .



در آخر مکتوبی از شاعر نیز نگارش یافته ولی از آخر آن افتاده ، بر حسب محاسبه نگارنده در حدود ۱۲۸۰۰ بیت شعر میباشد و دو بیت اول نسخه اینست :

دست از طلب بدار گرت بر گت این رهست کانرا که راه توشه نه فقر است بینواست  
نه فقر صورتی که بود همعنان کفر بل فقر معنوی که بدو فخر انیاست .  
جلد تیماجی . کاغذ بخارائی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریک . شماره اوراق ( ۴۱۵ ) .  
صفحه ای ( ۱۷ ) بیت . طول ( ۲۱ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۱ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۶۵ ) .

( ۱۲۵۶ )

دیوان کمال الدین از این نسخه نیز اول و آخر افتاده و چون نسخه پیشین بی ترتیب نگارش یافته و ظاهراً در قرن دهم نوشته شده و بر حسب شماره

اصفهانی نگارنده در حدود ۵۰۰۰ بیت میباشد و بیت اول نسخه اینست :  
دردمندان غمت را در بیابان بسلا مرغ شوقت مغر خورده استخوان انداخته .  
بر برگ نوشته ای که در اول نسخه بوده نگارنده مطلع این قصیده را از روی نسخه دیگر این کتابخانه نقل و تذکر داده ام که در توحید باری تعالی است و بعضی از برگهای نسخه و صالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع وزیری باریک . شماره اوراق ( ۱۵۱ ) .  
صفحه ای ( ۱۸ ) بیت . طول (  $۲۴\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۱۲ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۲۶۳ ) .

[ ۵۶۹ ] دیوان کمال خجندی ( فارسی )

کمال الدین خجندی از معاریف عرفا و سالکین و شعرای این سرزمین میباشد ، در آتشکده و مجمع الفصحان نام وی مسعود ثبت گردیده ولی در مآخذ دیگر نام وی ذکر نگردیده وفات او در نفحات ( ص ۷۲۳-۷۲۴ خطی ) و هفت اقلیم ( ص ۱۲۱۰ ) بسال ۸۰۳ و در مجالس العشاق ( مجلس ۴۴ ) بسال ۸۰۸ و دولتشاه ( ص ۳۳۱-۳۳۵ ) و آتشکده ( ص ۳۴۶-۳۴۷ ) و مجمع الفصحان ( ج ۲ ص ۲۹ ) بسال ۷۹۲ نوشته اند و این تاریخ اخیر مسلماً غلط است چرا که در مقدمه دیوان وی که یکی از معاصرین خجندی نوشته تصریح کرده که بسال ۷۹۸ از شهر سرای و دشت قیچاق به تبریز برگشته و سابقین بر دولتشاه و آذروهدایت هم بسال ۸۰۳ و ۸۰۸ نوشته اند و بایستی یکی از این دو قول صحیح باشد .

در مقدمه این دیوان مقام عرفان و ارشاد خجندی و علاقمندی مریدان بآثار وی تذکر داده شده و جامع گوید که این دیوان وی شامل اشعار و غزلیاتی است که پیش از رفتن از تبریز و در هنگام هجران از این شهر سروده اند و اینک که مر اجعت کرده اند برای استفاده علاقمندان مرتب گردید.

سلطین وقت نسبت به شیخ کمال توجه داشته و سلطان حسین بن سلطان اویس ایلکانی برای وی خانقاهی ساخته و امیرانشاه بن امیر تیمور که از طرف پدر یازده سال حکومت آذربایجان را داشته نیز نسبت به شیخ اهتمام میکرده و روزی کسان پادشاه بیایغ او رفته و میوه هایی از آن گرفته و در عوض امیرانشاه ده هزار دینار قرض شیخ را همانجا بداد.

خواجه حافظ و شیخ یکدیگر را اندیدند و دستدارها شده و غرض از این بود که بداند  
و غرض از این که شیخ کمال خدمت خواجه فرستاده بدین مصلحت بود :

یار گفت از غیر ما یوشان نظر گفتم چشم و انگلی و ز عید نه در ما من بگر گفتم چشم.  
و دولت شاه نقل نمود که : گوید شریعه چون این منبر را

(تشنه کاذب امیخته از مایه گشاده بچشم) ، از این غرض در بر رهن و مخالفت کرد و گفت مشرب این بزرگوار بسیار تعلیقات و معجزات از حریفان

امین احمد گوید : تبارقان کہ بعد از چند سال شیخ کمال و شیخ احمد و شیخ ابوالکلام گھنٹہ اند  
کہ صحبت شیخ کمال بہ اتنے بڑی ہوئی کہ وہ شیخ احمد و شیخ ابوالکلام سے جدا ہو گئے ۔

شیخ کمال را در تخریب که استوار و بنیادین است و به سبب این که در بحرهای  
سبک و ردیف و قایم های غریب که شیخ و صاحب این روزگار گفته اند

و از این جهت :

کس از این شیخ و خدای گفت مراد و معلوم شد که شیخ چون گفت که این است که

که در زمان شروع این کار، در هر یک از این دو طرف، یک نفر از کارکنان به عنوان نماینده

از مجموع ضرایب  $x^2$  در  $(1+x)^{20}$  و  $(1+x)^{10}$  و  $(1+x)^5$  و  $(1+x)$  عبارت است از

که داشته پس از مرگ در مسکن او جز بوریائی و خشتی که زیر سر داشته چیزی نبوده است .

چنانکه گفته شد این دیوان شیخ کمال پس از سال ۷۹۸ مرتب گردیده و شامل غزلیات مرتبه بحروف تهجی بر حسب ردیف‌ها میباشد و در حدود (۳۴۰۰) بیت است و تخلص وی در تمام غزلیات **کمال** میباشد و وفات وی بنا بر تصریح تذکره نویسان پیش از آذروهدایت در تبریز است و این دو در دارالعباد یزد نوشته اند.

**آغاز:** افتتاح سخن آن به که کند اهل کمال      بشای ملک الملک خدای متعال.

(۱۲۵۷)

**دیوان**      این نسخه بسال ۸۲۱ بخط نستعلیق نوشته شده و بخشی از مقدمه ای که بر آن نوشته شده در سه برگ پس از سه برگ **کمال خجندی** اول نسخه میباشد و میان برگ اول و دوم کنونی هم افتاده دارد، چنانکه در ص ۶۵۵ گذشت دیوان قصائد و غزلیات قاسمی تبریزی در حاشیه این نسخه نگارش یافته و خصوصیات دیگر آن نسخه را در آن صفحه یاد نمودیم . جلد روغنی کل و برگ یک رو است ابیاتی در اطراف آن نوشته شده و میرساند که پیش از این کتاب جلد قرآن بوده . کاعذ حنائی . واقف سبها لار . قطع ربعی . شماره اوراق (۱۴۳) . صفحه‌ای (۱۴) بیت در متن و ۱۴ در حاشیه . طول (  $۱۶\frac{1}{4}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۱۰ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه (۲۶۶) .

(۱۲۵۸)

**دیوان**      این نسخه بسال ۸۵۹ بخط نستعلیق **محمد جامی** نوشته ، شامل غزلیات و رباعیات و قطعات و فردهای کمال میباشد و در حدود ۲۸۵۰ بیت است ، يك پیمانی مذهبی است که بسم الله باخط کوفی بر آن نوشته شده در آغاز نسخه و پشت صفحه نخستین بر ترنج ظریف مذهبی این عبارت بخط ثلث نوشته شده : برسم خزانه الکتب السلطان الاعظم ابوالقاسم بابر بهادر خان خلد الله له که و سلطان به سعید العبد الضعیف شیخ حاجی حسن حاندار ( کذا ) وجود دارد و این نسخه گذشته از قدمت و خط و تذهیب از این لحاظ نفاست دارد .



[ ۵۷۰ ] دیوان اسانی شیرازی (۱۹۲۵)

شریف تبریزی (۲) که از آن گم شده و نیز بوده و در پیش شاه میرزا  
اعتراف کرده و او در احمد شاه بوشهری و در احمد شاه قاجار  
میدانسته اند و مغرض بوده اند که این دو شاه را از این  
«سهو اللسان» نامیده و در کتابی که در این باره نوشته اند

1. *Chrysomelidae* (1000)

(۲) در صورتی که در هر یک از این موارد،

(۱۲۵۹)

دیوان این نسخه از دیوان درص ۴۰۳ - ۵۰۷ نسخه شماره (۲۷۹) کتابخانه میباشد ، شامل غزلیات و قطعاتی از لسانی است ، لسانی شیرازی خصوصیات دیگر آنرا در ص ۵۷۱ زیر شماره (۱۱۷۲) نگاشته شده مراجعه نمایند .

## [ ۵۷۱ ] دیوان لطفی ( ترکی )

این دیوان که خصوصیات آن زیر این سطرها نگارش خواهد یافت غزلیات ترکی لطفی میباشد ، در کتب تذکره بشرح حال و آثار این شاعر دست نیافتیم ، از قصیده ای که پس از حمد و ثنای الهی و نعت حضرت رسالت پناهی در مدح شاهرخ پسر امیر تیمور گورگان (۱) سروده زمان و عصر او معلوم شد و در این قصیده به مرض شاهرخ و بهبودی او و شکر این نعمت از طرف خود و عموم مردم ، اشاره نموده و اظهار داشته که محمد جوکی میرزا و میرزا عبداللطیف و علاءالدوله (۲) از این کسالت بی نهایت متألم و متأثر بوده اند .

درص ۴۵ ج ۳ طرائق الحقائق گوید :

« مولانا لطفی از سخنوران روزگار و در نظم اشعار فارسی و ترکی با اقتدار درس نود و نه سالگی قصیده ردیف آفتاب را در سلك نظم کشیده و مطلعش اینست : ای زلف شب مثالت سایه پرور آفتاب شام زلفت را بجای ماه در بر آفتاب . و مولانا در جوانی نخست بتحصیل علوم قیام نمود بعد از آن روی سلوک بطریق درویشان در آورد و در آن روش ثابت قدم میبود تا وقتی که از این عالم رحلت

(۱) شاهرخ پسر امیر تیمور گورگان بوده و ۷۸ سال زندگانی کرده و ۴۲ سال سلطنت نموده و بسال ۸۵۰ در شهر ری بدان سرای رهسپار شده و این دو بیت راجع به تاریخ مختصر حیات او در جلد ششم روضة الصفا مندرج است :

سلطان جهان شاهرخ آن مظهر نور	در هفصد و هفتاد و دو آمد بظهور
در هشتصد و هشت شد بشاهی مشهور	در هشتصد و پنجاه شد از دار غرور .

(۲) محمد جوکی پسر شاهرخ بوده که در زمان حیات وی بدرود زندگانی گفته و عبداللطیف پسر الف بیک بن شاهرخ و علاءالدوله پسر بایسنقر بن شاهرخ بوده اند .

نمود و در آخر زندگانی این مطلع را منظوم ساخته به دست مولانا عبدالرحمن جامی (۸۱۷-۸۹۸) فرستاد که غزلی نماید و در دیوان خویش ثبت کند و چنین نمود:

گر کار دل عاشق با کافر چین افتد  
به زانکه بد خویش میبهر چنین افتد

احتمال قوی و خان نزدیک به یقین دارم که لطفی صاحب دیوان زیرین همین لطفی صاحب قصیده و این بیت میباشد.

این دیوان غزلیات و رباعیات در حدود (۱۶۰۰) بیت و چهارمیه است.

آغاز : ای ایکسی جهان بیولیکیتک اونیون کور

شرف و شرف و شرف و شرف

(127.)

**دیوان اطفی** این نسخه که شامل غزلیات مرثیه و مثنوی است به وفای خوبی در جمیع قوافی میباشد و پس از آن در رعایت آرایه‌های ادبی برادر دسال

۱۲۷۵ بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، دارای یک لوح و جوش و میان  
سطرهای دو صفحه اول دیوان تهویب و قشاش و طرازهای کمالی و تمام صفحات  
شودول خطا و زنگار است .

در آخر نسخه آثار خود چند سفر که به بلاد مشرق و غرب بوده که نسخه برای وی نگارش یافته موجود و شامل سه کتبه باشد و عبارتند از:

جاده ساحلی از صرایی و البوش، منطقه فرنگی، و بعضی مزارع و آبادی و دریا، و بعضی شماره اوراق (۶۱)، صفحه ای (۱۲ و ۱۱)، و بعضی دیگر (۲۲)، و بعضی دیگر (۱۱ و ۱۰)، و بعضی دیگر (۱۷۴).

کرده و حاکم حصص که لوژو نام داشته بر او تاخته و تابعینش را متفرق کرده و خود او را چندی زندانی نموده و پس از توبه دادن رها کرده است .

گویند پدر متنبی مردی سقا بود که با شتر خویش مردمان بغداد را آب می آورد و ابوالطیب در محله کنده آن شهر باین جهان پا گذارده ، از آنجا با پدر بشام آمده و بتحصیل علوم پرداخته ، حافظه ای غرا داشته ، در شعر و شاعری درجه ای عالی یافته ، برخی او را برابی تمام و پاره ای ابو تمام را بروی ترجیح میدهند ، مداح سیف الدوله آل حمدان و عضد الدوله دیلمی و کافور اخشیدی بوده و از ایشان جائزه ها گرفته در هنگامیکه از فارس به بغداد می آمده خود و فرزند و همراهانش را در راه کشته اند دیوان متنبی بیش از چهل شرح شده و تا کنون چهار یا پانزده بار در شهرهای هندوستان و مصر و بیروت و اروپا چاپ گردیده و در ص ۵۲۰ - ۵۲۲ ج ۱ کشف الظنون و ص ۶۱-۶۴ روضات گروهی که بشرح این دیوان پرداخته اند نام برده شده و چنانکه در معجم المطبوعات تذکر داده شده چاپ سال ۱۲۶۱ کلکته دیوان متنبی شامل شرح فارسی آن میباشد.

آغاز :

أَمِنْ أَرْدِيَارِكْ فِي الدَّجِي الرُّقْبَاءِ إِذْ حَيْثُ كُنْتِ مِنَ الظَّلَامِ ضِيَاءِ .

(۱۲۶۱)

دیوان متنبی خط نیمه نخستین این نسخه ظاهر از قرن دهم و نیمه دوم ظاهر از قرن دوازدهم نوشته شده ، تقریباً شامل ۴۱۵۰ بیت شعر میباشد ، پشت صفحه نخستین دو یادداشت که یکی بتاریخ ۱۱۱۷ و دیگری ۱۱۳۴ نوشته شده ، موجود و برگ اول دیوان نیازمند وصالی و تمام دیوان مرتب بترتیب وافی موافق حرف تهجی میباشد ، پشت صفحه اول و آخر یادداشت هائی موجود و عناوین نیمه اول باشند جرف است .

جلد تیماجی . کاغذ بخارائی و فرنگی . و اف سبسالار . قطع خشتی . شماره اوراق ( ۱۸۳ ) .  
صفحه ای ( ۱۵ ) بیت . طول ( ۲۰ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۴ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۳۲۵ ) .



نموده و ۱۸۶ بیت میباشد و آغاز آن اینست :

بامابتاهل زسر این پس عتبرا بر عاشقان خواه زهجران عذابرا  
دارای يك سرلوح زیباست و میان سطرهای تمام صفحات طلا اندازی شده  
و فاصله غزلیات تذهیب ظریفی گردیده و پشت صفحه نخستین دخول آن بکتابخانه  
اعتضادیه بسال ۱۲۹۳ یادداشت شده است .

جلد تیماجی . کاغذ متن خان بالغ وحاشیه الوان . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره برگها  
( ۸ ) ، صفحه ای ( ۱۴ ) بیت . طول ( ۲۷ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۶ سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۱۶۶ ) .

### [ ۵۷۴ ] دیوان مجمر ( فارسی )

سید حسین طباطبائی زواری متخلص به مجمر از شعرای معاصر فتحعلیشاه  
قاجار میباشد ، راوی کروی در انجمن سوم انجمن خاقان اورا نام برده و گوید :  
بسال ۱۲۱۸ که برای انجام مهمی باصفهان رفته بودم در مجلس صاحب کافی معتمدالدوله  
این سید جلیل را ملاقات و در همان مجلس عقد الفت چنان استحکام یافت که  
گسستن نپذیرد و بکرات در حجره مدرسه کاسه گران که منزل سید بود دریافت  
فیض صحبت کرده از اخلاق مهذب و اوراق مذهب ( پیش از این هم تصریح کرده  
که گاهی بشغل تذهیب مشغولی داشت ) ایشان دل و دیده را مسرت میداد .

راوی تصریح نموده که معتمدالدوله برسم منادمت این سید جلیل را باخود  
بطهران و از آنجا به ایروان که در آن هنگام پادشاه در آنجا بود ، بر دو وسیله  
ملك الشعرا پیشگاه پادشاه معرفی شد و مورد تفقد گردید و لقب مجتهد الشعرائی  
یافت و بمنادمت شاهزاده حسنعلی میرزا برقرار و در عین جوانی بسال ۱۲۲۵ جهانرا  
وداع گفت و در خاک پاک قه دفن گردید و دیوان وی در حدود پنج شش هزار بیت  
است و ۵۹۰ بیت از قصائد و غزلیات و ترکیب بند او را انتخاب و در این کتاب  
جاء داده است .

در ص ۴۶۵ ج ۲ مجمع الفصحا نیز مختصری از شرح حال مجمر نگارش یافته  
و ۳۹۵ بیت از دیوان او انتخاب گردیده و ص ۴۶۵ - ۴۷۳ شامل این منتخبات  
است .

در مقدمه دیوان بجمر که سال ۱۳۱۲ در طهران چاپ سنگی شده مرحوم میرزای جلوه که از حکمای اوائل قرن چهاردهم هجری بودند اند شرح حال مختصری از بجمر نوشته اند و در آنجاست که باریشان نسبت داشته و تقریباً ۳۰ سال زندگانی کرده بنابراین تولد وی سال ۱۱۹۰ بوده است.

پیش از دیوان بجمر حکایاتی بفرز کدستان شیخ بنظم و شرح از بجمر چاپ گردیده است.

(۱۳۶۳)

این نسخه بخط شکسته نستعلیق (ناظر اندر روزگار زندگانی  
دیوان بجمر شاعر نوشته شده) نگارش یافته بهشتی از او و وسط و آخر  
نسخه افتاده و کاغذهای نوشته بجای آنها گذار شده و بابت نخستین صفحه اینست:  
یکی بدل همه تابش ز روی او منگر که ملک خارده شد از مهر گوهر لالا.  
و آخرین بیت اینست:

چه خصمی باشدت ای عشق با عقل کزین سر چون شدی در آن سری تو.  
و باقیی که دارد شامل ۳۹ بیت شعر میباشد و بسال ۱۳۶۳ داخل کتابخانه  
اعتضاد السلطنه شده و بر کنار صفحه نخستین یادداشت کرده است.

جلد تجمعی وسط پرچم کاغذ از کتب مطبوعه و دست سروده دارد و درج معنی باریش، شماره  
اوراق (۱۵۵)، صفحه ای (۱۳)، بیت (۲۱)، سطر (۱۴)، سطر (۱۴)، سطر (۱۴)، شماره  
کتابخانه (۲۷۳).

### [ ۵۷۵ ] دیوان مختاری (شعر)

عثمان بن محمد غزنوی از شعرائی و شاعران عصری (۱) آلوده چندی در کرمان (۲)  
متوطن، نام اختص میگردیده و پس از آن مختاری، مختصر شده و دیوان او بهر دو  
تخلص اشعاری موجود است.

(۱) در کتاب تاریخ غزنویان، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۶، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹، ۱۴۹۰، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۴، ۱۴۹۵، ۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴، ۱۵۰۵، ۱۵۰۶، ۱۵۰۷، ۱۵۰۸، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴، ۱۵۱۵، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۱۸، ۱۵۱۹، ۱۵۲۰، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶، ۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۵۲۹، ۱۵۳۰، ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۳، ۱۵۳۴، ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۳۹، ۱۵۴۰، ۱۵۴۱، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳، ۱۵۴۴، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۷، ۱۵۴۸، ۱۵۴۹، ۱۵۵۰، ۱۵۵۱، ۱۵۵۲، ۱۵۵۳، ۱۵۵۴، ۱۵۵۵، ۱۵۵۶، ۱۵۵۷، ۱۵۵۸، ۱۵۵۹، ۱۵۶۰، ۱۵۶۱، ۱۵۶۲، ۱۵۶۳، ۱۵۶۴، ۱۵۶۵، ۱۵۶۶، ۱۵۶۷، ۱۵۶۸، ۱۵۶۹، ۱۵۷۰، ۱۵۷۱، ۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۵، ۱۵۷۶، ۱۵۷۷، ۱۵۷۸، ۱۵۷۹، ۱۵۸۰، ۱۵۸۱، ۱۵۸۲، ۱۵۸۳، ۱۵۸۴، ۱۵۸۵، ۱۵۸۶، ۱۵۸۷، ۱۵۸۸، ۱۵۸۹، ۱۵۹۰، ۱۵۹۱، ۱۵۹۲، ۱۵۹۳، ۱۵۹۴، ۱۵۹۵، ۱۵۹۶، ۱۵۹۷، ۱۵۹۸، ۱۵۹۹، ۱۶۰۰، ۱۶۰۱، ۱۶۰۲، ۱۶۰۳، ۱۶۰۴، ۱۶۰۵، ۱۶۰۶، ۱۶۰۷، ۱۶۰۸، ۱۶۰۹، ۱۶۱۰، ۱۶۱۱، ۱۶۱۲، ۱۶۱۳، ۱۶۱۴، ۱۶۱۵، ۱۶۱۶، ۱۶۱۷، ۱۶۱۸، ۱۶۱۹، ۱۶۲۰، ۱۶۲۱، ۱۶۲۲، ۱۶۲۳، ۱۶۲۴، ۱۶۲۵، ۱۶۲۶، ۱۶۲۷، ۱۶۲۸، ۱۶۲۹، ۱۶۳۰، ۱۶۳۱، ۱۶۳۲، ۱۶۳۳، ۱۶۳۴، ۱۶۳۵، ۱۶۳۶، ۱۶۳۷، ۱۶۳۸، ۱۶۳۹، ۱۶۴۰، ۱۶۴۱، ۱۶۴۲، ۱۶۴۳، ۱۶۴۴، ۱۶۴۵، ۱۶۴۶، ۱۶۴۷، ۱۶۴۸، ۱۶۴۹، ۱۶۵۰، ۱۶۵۱، ۱۶۵۲، ۱۶۵۳، ۱۶۵۴، ۱۶۵۵، ۱۶۵۶، ۱۶۵۷، ۱۶۵۸، ۱۶۵۹، ۱۶۶۰، ۱۶۶۱، ۱۶۶۲، ۱۶۶۳، ۱۶۶۴، ۱۶۶۵، ۱۶۶۶، ۱۶۶۷، ۱۶۶۸، ۱۶۶۹، ۱۶۷۰، ۱۶۷۱، ۱۶۷۲، ۱۶۷۳، ۱۶۷۴، ۱۶۷۵، ۱۶۷۶، ۱۶۷۷، ۱۶۷۸، ۱۶۷۹، ۱۶۸۰، ۱۶۸۱، ۱۶۸۲، ۱۶۸۳، ۱۶۸۴، ۱۶۸۵، ۱۶۸۶، ۱۶۸۷، ۱۶۸۸، ۱۶۸۹، ۱۶۹۰، ۱۶۹۱، ۱۶۹۲، ۱۶۹۳، ۱۶۹۴، ۱۶۹۵، ۱۶۹۶، ۱۶۹۷، ۱۶۹۸، ۱۶۹۹، ۱۷۰۰، ۱۷۰۱، ۱۷۰۲، ۱۷۰۳، ۱۷۰۴، ۱۷۰۵، ۱۷۰۶، ۱۷۰۷، ۱۷۰۸، ۱۷۰۹، ۱۷۱۰، ۱۷۱۱، ۱۷۱۲، ۱۷۱۳، ۱۷۱۴، ۱۷۱۵، ۱۷۱۶، ۱۷۱۷، ۱۷۱۸، ۱۷۱۹، ۱۷۲۰، ۱۷۲۱، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۷۲۴، ۱۷۲۵، ۱۷۲۶، ۱۷۲۷، ۱۷۲۸، ۱۷۲۹، ۱۷۳۰، ۱۷۳۱، ۱۷۳۲، ۱۷۳۳، ۱۷۳۴، ۱۷۳۵، ۱۷۳۶، ۱۷۳۷، ۱۷۳۸، ۱۷۳۹، ۱۷۴۰، ۱۷۴۱، ۱۷۴۲، ۱۷۴۳، ۱۷۴۴، ۱۷۴۵، ۱۷۴۶، ۱۷۴۷، ۱۷۴۸، ۱۷۴۹، ۱۷۵۰، ۱۷۵۱، ۱۷۵۲، ۱۷۵۳، ۱۷۵۴، ۱۷۵۵، ۱۷۵۶، ۱۷۵۷، ۱۷۵۸، ۱۷۵۹، ۱۷۶۰، ۱۷۶۱، ۱۷۶۲، ۱۷۶۳، ۱۷۶۴، ۱۷۶۵، ۱۷۶۶، ۱۷۶۷، ۱۷۶۸، ۱۷۶۹، ۱۷۷۰، ۱۷۷۱، ۱۷۷۲، ۱۷۷۳، ۱۷۷۴، ۱۷۷۵، ۱۷۷۶، ۱۷۷۷، ۱۷۷۸، ۱۷۷۹، ۱۷۸۰، ۱۷۸۱، ۱۷۸۲، ۱۷۸۳، ۱۷۸۴، ۱۷۸۵، ۱۷۸۶، ۱۷۸۷، ۱۷۸۸، ۱۷۸۹،

معاصر امیر معزی و مسعود سعد سلمان و سنائی بوده و مداحی سلطان معزالدین ارسلان از سلاجقه کرمان (۴۹۴ - ۵۳۶) و ابوالملوک ارسلان بن مسعود غزنوی که از سال ۵۰۹ تا ۵۱۱ سلطنت داشته و عضدالدوله (۱) و علاءالدوله محمدخان (۲) و بهرامشاه غزنوی (از سال ۵۱۱ - ۵۵۲ سلطنت داشته) و طغانشاه (۳) را کرده است. دیوان مختاری شامل قصائد و ترکیب و ترجیع بند و غزلیات و رباعیات و مثنوی (۴) میباشد و هدایت شماره آیات آن را در حدود ۸۰۰۰ هشت هزار معین نموده و نسخه‌ای

(۱) در دیوان مختاری قصائد و آیاتی در مدح عضدالدوله موجود، هدایت این مدوح را عضدالدوله دیلمی دانسته و این سهوی ظاهر است چرا که وی سال ۳۷۲ وفات یافته و شاعر که در اواخر نیمه اول قرن ششم زندگانی را بدرود گفته نمیشود مداح این پادشاه باشد و علامه مقضال آقای قزوینی در حواشی چهارمقاله (ص ۱۵۱) نوشته اند: معلوم نشد عضدالدوله کیست، نگارنده احتمال قوی میدهد که این مدوح عضدالدوله شیرزاد ابن مسعود غزنوی است که سال ۵۰۸ - ۵۰۹ (یکسال) پس از بدر سلطنت کرده و مختاری از او فنا خسرو تعبیر کرده و چنانکه آقای قزوینی تصور کرده اند این تصرف (این شاه را فنا خسرو خواندن) از هدایت نیست و این بیت از دیوان او در این موضوع است.

شاهنشاه نوین عضدالدوله عالی	شاهی که جهان را بر او هیچ خطر نیست
گفتم که بهای تو بشعر از که سنابم	رخ سوی سرای عضد دولت و دین کرد
کوئی خرد و بقش و نجو، و نلک و طبع	شاهنشاه بی مثل فنا خسرو غازیست

(۲) مختاری گوید:

نا جهان باشد محمد خان علاءالدوله باد  
برخواه و باده نوش و رزجوی و فتیاب  
و آقای قزوینی ارسلان خان محمد بن سلیمان بن داود بغراخان ابن ابراهیم طغناج خان بن ایلک نصر ارسلان بن علی بن موسی بن سنق از ملوک نرک خانیته ماوراءالنهر را که از سال ۴۹۵ - ۵۲۴ سلطنت کرده از مدوحین مختاری معرفی کرده اند.

(۳) در نسخه‌ای از دیوان مختاری که در مجلس شورای ملی میباشد چند قصیده در مدح طغانشاه موجود و این دوبیت از قصائد اوست:

سختی شمس دولت گزین کجف ملت	ملک بوالفوارس طغانشاه صفدر
----------------------------	----------------------------

خجسته شمس دولت را همایون زین ملت را  
مبارک کجف امت را طغانشاه است و فخر

(۴) در این مثنوی گوید:

بیش تخت مز دولت و دین	ارسلان شاه پادشاه زمین
-----------------------	------------------------

سال من خون بسی و هفت رسید	بر دلم آفتنی بتفت رسید
---------------------------	------------------------

و میدام که معزالدین لقب ارسلان بن کره اشاهان سلجوقی است (۴۹۴ - ۵۳۶).





## [ ۵۷۶ ] دیوان مخمور (فارسی)

مخمور تخلص شاعری از شعرای قرن سیزدهم هجری میباشد (۱)، در کتب تذکره‌های این عصر بنام و آثار او دست نیافتیم، از قصیده‌ای که در شکر گذاری از حکومت اسدالله خان بر نویسندگان و ملایر انشاء نموده و در ورق ۶ نسخه میباشد استفاده میشود که ملأی ری یا نویسگانی است، آثار زیرین چند قصیده ایست که در مدح شاهزاده اعتضاد السلطنه گفته و تخلص مخمور در همه آنها موجود، و ۲۵۰ بیت میباشد، برای نشان دادن طرز فکر و طبع وی چند بیت از اول و آخر نسخه را در اینجا می‌آورم:

## آغاز:

بردردت ایدوست روی اضطرار آورده‌ام  
 فقر و مسکینی و عجز و انکسار آورده‌ام  
 لنگ لنگان دست بسته دل شکسته سرنگون  
 چشم خونین جان غمگین جسم زار آورده‌ام  
 آه حیرت اشک حسرت تاب محنت سوز غم  
 سینه محزون درونی سوگوار آورده‌ام

## انجام:

کزین سپس پس مدح علی و آل علی  
 بود بود همه تادل بسینه تنگم  
 بود دعای شه و پادشاه تبیانم  
 مدائح علی و آل او انیس دلم  
 بود دعای پادشه و شاه مونس جانم

(۱۲۶۶)

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، نویسنده از خود و سال نگارش نام نبرده، بسال ۱۲۹۳ داخل کتابخانه

دیوان مخمور

(۱) درس ۳۳۹-۳۴۰ دانشمندان آذربایجان میرزا الطاف الدین شکرالله تبریزی (۱۰۹۰-۱۱۶۴)

مخمور تخلص از شعرای قرن دوازدهم نام برده شده و این دوبیت را از او نقل کرده اند:  
 تعجب نیست بد طینت اگر حاجت روا گردد      که زخم کهنه را خاکستر عقیق دوا گردد  
 زدن آن کی بخود درماندگان را تار بکشد      که امکان ندارد باز با انگشت پا گردد.

اعتقاد السلطان گردیده و پشت صفحه نخستین یادداشت شده است .  
جلد تیماج - کاغذ فرنگی . واقف سید - لار . قطع خوش پرست . شماره اوراق ( ۱۰ ) . صفحه ای  
( ۱۵ ) بیت . طول ( ۲۱ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۴ سانتیمتر ) . شماره نسخه ( ۱۵۱ ) .

## [ ۵۷۷ ] دیوان مسعود سلمان ( فارسی )

مسعود بن سعد بن سلمان که بنابر روش پارسی مسعود بن سعد سلمان خوانده میشود  
از مشاهیر شعرای فارسی زبان است ، در دیوان غزلیات مقام امیرت و فرمانفرمائی داشته ،  
بکسب کمال و فضائل پرداخته و در باب استیکه ( ح ۲ ص ۲۳ ) از شاهنامه فردوسی  
انتخابی کرده و چنانکه از ابیات موجود در دیوان معلوم میشود در نظام و نشر  
پارسی و تازی دستی قوی داشته ، مگر برهان تصحیح آن در اول از آثار شری وی  
چیزی در دست نیست و در این دیوان ، تصحیح و مندرج و در ( ۲ ) خطب به الله الله الملك  
طاهر بن علی گوید :

هیچکس راهست اصناف ده ای حاکم حقی

این زمان وفاد و فکر و جمل که مراست

از بزرگان هم روز همه اسواج ده

کسب و کار و امور و جمل که مراست

امیر خسرو دهلوی در مقدمه دیوان سلمان که در دیوان سلمان تا اتمه جاری نموده

که چنان کسی را که دیوان سلمان را در دست مسعود سلمان که دیوان سلمان داشت یکی

پارسی و شیگری عربی و سومی ششوی بود و از آن همه سرچشمی است

از دو دیوان دیگر مسعود سلمان که در دیوان سلمان تا اتمه جاری است .

بیش از این دیوان پیش شاهنامه و کویار افکار و فرس | که گفته از آنچه در

( ۱ ) از آنچه در

مراستان و در دیوان سلمان

مراستان و در دیوان سلمان

مراستان و در دیوان سلمان

مراستان و در دیوان سلمان

مراستان و در دیوان سلمان

مراستان و در دیوان سلمان

مراستان و در دیوان سلمان

مراستان و در دیوان سلمان

مراستان و در دیوان سلمان

مراستان و در دیوان سلمان

مراستان و در دیوان سلمان

مراستان و در دیوان سلمان

مراستان و در دیوان سلمان

مراستان و در دیوان سلمان

حواشی چهارمقاله (۱۷۸-۱۸۲) دربارهٔ این شاعر شهیر نگاشته‌اند [مقاله‌ای در شرح حال مسعود سعد مرقوم و شادروان ادوارد برون خاورشناس مشهور انگلیسی آنرا به انگلیسی ترجمه و بسال ۱۹۰۵ م در مجله آسیائی درج و بسال ۱۹۰۶ م نیز آن ترجمه را جداگانه منتشر کرده است و بسال ۱۳۱۷ خورشیدی جوان دانش پژوه آقای سهیلی خونساری بنام «حصارنای» شرح حال مفصلی از این شاعر با ذکر معاصرین و مدو حین و قصائد حبسیات وی تألیف و منتشر کرده‌اند و این سه نگارش ما را بی‌نیاز از بحث در حالات وی مینماید.

مسعود سعد سلمان گاهی از خود در اشعار بهمین سه جمله و گاهی مسعود سعد و هنگامی مسعود تنها تعبیر نموده و آقای سهیلی تولد وی را در حدود سال ۴۳۵ دانسته‌اند و وفات او را صاحبان تذکره‌ها بسال ۵۱۵ و ۵۲۵ ثبت نموده‌اند و برخی سال ۵۱۵ را که شاعر هشتاد سال داشته ترجیح داده‌اند، در مقدار حبس مسعود سعد هم اختلاف است در یکی از اشعار خود وی نوزده سال آن تصریح شده (مر ترا هیچ باک نامد از آنک نوزده سال بوده ام بندی)

تاسی سال هم نوشته‌اند، بیشتر از ربع اشعار دیوان وی ظاهراً در زمان ابوالملوک ارسلان بن مسعود غزنوی میباشد که بنا بر تصریح خود مسعود سعد بسال ۵۰۹ بسطنت نشسته و بنا بر ضبط مورخین بسال ۵۱۱ بدان سرافشافته.

حکیم سنائی بجمع و ترتیب دیوان مسعود سعد سلمان در زمان حیوة وی پرداخته و ثقة‌الملک طاهر بن علی بدو تذکر داده که اشعاری از دیگران را نیز در دیوان وی گدارده و سنائی در ضمن قطعه‌ای که خطاب به مسعود سعد میباشد از این غفلت عذرخواهی نموده و (در ص ۱۴۹ حواشی چهارمقاله این قطعه نقل گردیده) و مندرجات این دیوان عبارتست از:

۱ - قصائد و مقطعات بترتیب حروف تهجی بر حسب قوافی، ۲ - مثنوی در وصف امرا و درباریان و حواشی سلطان مسعود، ۳ - ایضاً مقطعات در مدائح



## [ ۵۷۸ ] دیوان مشتاق (فارسی)

سید علی حسینی اصفهانی مشتاق تخلص از شعرای قرن دوازدهم هجری بوده و شعرای معروف معاصری چون آذرو عاشق و هاتف و صهبا باستانی وی معترف اند، بیشتر به غزل سرائی و رباعی سازی رغبت داشته، آذر گوید « پس از مرگ سید مرحوم برفاقت هاتف و صهبا دیوان اذکار او را مرتب ساخته » و راوی گروسی گوید « قریب به شش هزار بیت دیوان مرتب داشته اند مکرر بنظر رسیده (۱) در سنه یک هزار و یکصد و هفتاد و یک از شهر اصفهان بروضه رضوان رفت و مصراع این بیت، در تاریخ وفات اوست :

بهر تاریخ او نوشت رفیق جای مشتاق در جنان ادا = ۱۱۷۱.

(۱۲۶۹)

**دیوان** این نسخه را بسال ۱۲۰۱ محمد هادی قزوینی بخط نستعلیق نوشته و شامل غزلیات مشتاق میباشد، پس از غزلیات قصیده‌ای **مشتاق اصفهانی** و چند غزل دیگر و ترجیع بند شاعر را دیگری بخط شکسته نستعلیق نوشته است و تمام این نسخه از دیوان در حدود ۳۰۰ بیت میباشد.

جلد تیماج، کاغذ سمرقندی، واقف سه‌الار، قطع بیاضی، شماره اوراق ( ۹۱ )، صفحه ای (۱۷) بیت، طول ( ۲۲ ۱/۲ سانتیمتر )، عرض ( ۱۱ سانتیمتر )، شماره کتابخانه ( ۲۵۴ )،

(۱۲۷۰)

**دیوان** این نسخه بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۳۵ نوشته شده، شامل قصائد و غزلیات و مقطعات و ترجیع و ترکیب بند و رباعیات مشتاق میباشد و در حدود ۳۳۰ بیت است.

جلد تیماجی، کاغذ ترمه، واقف سه‌الار، قطع خشتی باریک، شماره اوراق (۱۲۸)، صفحه ای (۱۳) بیت، طول ( ۲۱ ۱/۲ سانتیمتر )، عرض ( ۱۳ ۱/۲ سانتیمتر )، شماره کتابخانه ( ۲۵۵ )،

(۱) درس ۴۲۵-۴۲۸ آتشکده ۱۳۱ بیت انتخاب و چاپ گردیده و ۶۶ بیت در انجمن خاقان نیز انتخاب گردیده است.

## [ ۵۷۹ ] دیوان امیر معزی (قزلبی)

امیر معزی از معاریف شعرای قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم هجری می باشد، در آتشکده آذر و جمیع الفصحا نام او محمد و پدرش عبد الملك معزی گردیده و چنانکه از مندرجات چهارمقاله معلوم میشود پدر معزی برهانی تخلص بوده است و خود وی مداح سلطان سنجر سلجوقی بوده و چون لقب وی مع الدین بوده شاعر را معزی تخلص داد، ملك الشعراى سنجر نام و در حدود ده بیست شاعر در زیر دست وی بوده و نسبت بهمه انواع مهربانی نموده و در هنگام های مناسب آثار آنانرا بعرض میرسانیده و صدهای غنیمت، این آسود و آن فرید را بجهت محبوب همه آنها بوده است.

وفات امیر معزی را بیشتر از تسکیر و تسلیت و تسکین ۳۵۰ هجری ضبط کرده اند و استاد بزرگوار آقای قزوینی در حواشی چهارمقاله اش بر این معادبت نموده ولی در حواشی خاتمه الطبع تفسیر ابوالقموح (ص ۳۵ ج ۵) بر این عقیده برگشته و گویند:

«و آن اینست که تاریخ ۳۵۰ در حواشی وفات معزی و در حفظ مشهور است و ظاهر ابتدا از تقی کاشانی شده است و قس از وی است و اما در قلم بطور اذملاع دارم هیچ يك از او باب تذکرة معزی در تاریخ و در معزی نشده است و چنانکه دوست فاضل من آقای اقبال آشتیانی در رساله تفسیری که همین اواخر در خصوص شرح حال و مدح و معایب وی نوشته اند، گفته اند که در تاریخ معزی ثبت کرده اند وفات معزی بحوالطبع و یقین مؤخر است و در این کتاب تذکرة معزی آمده است و در دیوان او مدح هیچيك از ملوک و امراى آن عهد نشده است و در تاریخ و واقعۀ ازوقایع تاریخی آن عهد بعد از تاریخ مذکور هیچ من المرحوم نیست و چون از طرف دیگر باز ازوقایع تاریخی مذکور در دیوان مذکور نیست و در تاریخ معزی ثبت شده است و یقین در این بود که در ۳۵۰ هجری وفات یافته است»

(۱) مجمع الفصحا ج ۱ ص ۵۷۰ و ۵۹۳ و تذکرة الشعرا ج ۱ ص ۳۵۰ و تاریخ گزیده ص ۸۲۵ عسکری، و تذکرة الشعرا ج ۱ ص ۵۷ و ۵۹۳ و تاریخ گزیده ص ۸۲۵ عسکری.

معاصرین و متأخرین، به استادی امیرمعزی اعتراف داشته و سنائی او را مرثیه گفته و انوری و غنّاری ایاتی از او را تضمین کرده اند و همه اعتراف به استادی و فصاحت او دارند و آثار وی شاهی بزرگ بر مقام استادی وی میباشد.

دیوان امیرمعزی تا کنون چاپ نشده و مرتب بترتیب حروف تهجی است و امین احمد رازی گوید دیوان او پانزده هزار بیت میباشد و نگارنده بزرگترین نسخه ای از آنرا که دیده در کتابخانه مجلس و در حدود (۱۳۳۰) بیت است.

آغاز: ستاره سجده برد طلعت منیرتورا زمانه بوسه دهد پایه سریرتورا.

(۱۲۷۱)

این نسخه را بخط شکسته نستعلیق خوب محمد هادی ابن حاجی عبدالله آشتیانی بسال ۱۲۵۲ نوشته، شامل قصائد و مقطعات و چند ترجیع و ترکیب بند میباشد و در حدود (۸۴۰۰) بیت است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنکی. واقف سه سالار. قطع خشتی باریک. شماره اوراق (۱۸۵). صفحه ای (۲۳) بیت. طول (۲۱ -  $\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر). عرض (۱۳ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۱۹۴).

(۱۲۷۲)

این نسخه را بخط نستعلیق اسدالله بن میرزا خلیل بسال ۱۲۶۶ نوشته، نظیر نسخه پیش است مرتب بترتیب حروف تهجی است و ترجیع و ترکیب بند آخر آن نسخه و قصائد و مقطعات آنرا این نسخه ندارد، برگ نخستین به جلد چسبانیده شده و بر حسب شماره (۵۰۰۰) بیت در این نسخه است.

جلد تیماجی. کاغذ فرنکی. واقف سه سالار. قطع خشتی باریک. شماره اوراق (۱۷۳). صفحه ای (۱۵) بیت. طول (۲۱ -  $\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر). عرض (۱۲ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۱۹۵).

[ ۵۸۰ ] دیوان مغربی (فارسی و عربی)

محمد بن عزالدین بن عادل بن یوسف تبریزی مشهور به محمد شیرین و متخلص به





میان ترجیع بند مغربی برگی نیز افتاده و بجای آن برگ نوشته‌ای اخیراً گذارده‌اند، تمام این نسخه در حدود (۲۸۰۰) بیت میباشد که در حدود (۲۳۴) بیت آن عربی است.

جلد تیماجی ظریف . کاغذ حنائی . واقف سیهسالار . قطع ربعی . شمارهٔ اوراق ( ۱۰۱ ) . صفحه ای ( ۱۴ ) بیت . طول ( ۱۸  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر ) . عرض ( ۱۱  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر ) . شمارهٔ کتابخانه ( ۲۸۵ ) .

### [ ۵۸۱ ] دیوان ملک قمی (فارسی)

ملک قمی از معاصرین امین احمد رازی بوده ، وی با احترامی زیاد در هفت اقلیم اورا زیر عنوان : مولانا ملک نام برده و گوید :

« دراوان جوانی غبار حرص از رخسارهٔ خاطر و لوح پیشانی بآب بی تعلقی شسته و گرد از چهرهٔ صفحه بدستارچه نیاز رفته امروز در ملک دکن ، ملک فلک ریاضت و ملک ملک قناعت است نظم :

دارد بجعد طره خوبان مشابعت کاندرشکسته گئی بودش قیمت و بها  
و بالاین نسبت در فضیلت شاعری بخشی تمام و نصیبی وافر دارد و شعرش عموماً در جودت چون صورت شاهدان آراسته و چون معانی خردمندان پیراسته است آنچه نوشته میشود فصلی از آن کتاب وسطری از آن باب است الخ »  
امین احمد ایبانی از غزلیات و رباعیات و مثنوی «ساقی نامه» ملک انتخاب ، ابیات غزلیات منتخبه اورا در نسخهٔ زیرین یافتیم و آذر در آتشکده ( ص ۲۴۱ ) نیز ذیل شهرقم این ملک را نام برده و گوید دیوانش ملاحظه شد و بعد از زحمت بسیار این چند بیت ( ۸ بیت ) از دیوانش پیدا کرده در اینجا ثبت شد .

نگارنده معتقد است که هر دو نویسنده جنبهٔ افراط و تفریط را دربارهٔ این شاعر اختیار کرده‌اند، اشعار ملک نه آن اندازه ستایش امین احمد رازی را در خورو نه این قدر سرزنش را شایسته است ، مضامین لطیف درمیان غزلیات او یافت میشود و بتأثیر نگارش امین احمد در سال ۱۰۰۲ که هفت اقلیم تألیف شده ملک دردکن متوطن بوده و مقام و مرتبهٔ ارشاد و عرفان داشته است .



هدایت گوید شنیده‌ام که سی هزار بیت شعر داشته ولی جز سه هزار از آنرا (از قصائد و مقطعات و مسمطات و رباعیات و غزل) بدست نیاورده و دیوانیکه از منوچهری اینک متداول و نسخ خطی و چاپی آن در دست رس میباشد همان گرد آورده و ترتیب داده هدایت میباشد و در این دیوان قصائدی از دیگران نیز مندرج از آنجمله قصیده ایستکه نیز در لغزشمع و مدح وزیر بدین مطلع:

(چیت آنشخص چوزرین سرو چون سیمین بدن

خویشتن سوزان و گریان و گدازان همچو من)

موجود و خود هدایت در حاشیه ص ۵۴ ج ۱ مجمع الفصحا چنین نوشته:

این قصیده بدان ماند که از رافعی نیشابوری است چه لغزشمع بیک وزن و قافیه از یک شاعر عجیب نماید. و در حاشیه نسخه ای از دیوان منوچهری که در کتابخانه مجلس موجود است با ادله‌ای قصیده‌ای که بدین مطلع میباشد:

ای پیکر منور محرور خوی چکان      ثعبان آتشین دم روئینه استخوان

از خواجو دانسته شده و در ص ۲۰۰-۲۶۰ تذکره کاظم (نسخه کتابخانه مجلس) اشعاری از منوچهری میباشد که در این نسخه از دیوان او نیست. منوچهری مخصوصاً در انشاء مسمط دستی قوی داشته و مضامین بسیار عالی در آن بکار برده است.

دیوان منوچهری گرد آورده هدایت دوبار بسال ۱۲۸۵ و بی تاریخ در طهران و بسال ۱۸۸۶م در پاریس چاپ شده و در مجمع الفصحا در حدود ۱۷۰۰ بیت از منوچهری انتخاب شده است.

(۱۲۷۵)

این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، نویسنده از خود دیوان و سال نگارش نامی نبرده، بسال ۱۲۹۵ داخل کتابخانه منوچهری دامغانی اعتضاد السلطنه شده و نگارش آن ظاهراً ده پانزده سال پیش از تاریخ مذکور میباشد و همان دیوان گرد آورده هدایت است.

جلد تیماج. کاغذ فرنگی آبی رنگ. واقف سیه سالار. قطع خشتی باریک. شماره اوراق (۸۵). صفحه ای (۱۴) بیت. طول (۲۱ سانتیمتر). عرض (۱۴-۱۳ سانتیمتر). شماره کتابخانه (۳۹۱).

دیوان این نسخه پیوسته بدیوان عامه‌نویس و عهد دوم شماره (۳۸۹) در این کتابخانه ثبت گردیده است و این نسخه نیز همان‌گونه منوچهری دامغانی آورده هدایت می‌باشد و تاریخ نگارش و مشخصات دیگر نسخه در ص ۶۴۵ زیر شماره (۱۵۷۹) نگارش یافته است.

[illegible]

۱۳۱۴ در طهران و بسال ۱۳۴۰ در برلن چاپ شده و دیگری زادالمسافرین ( آقای تقی زاده معتقداند که نام اصل کتاب « زادالمسافر » است ) میباشد که موافق عقاید اسمعیلیّه از روی قواعد حکمی و فلسفی تألیف شده و بسال ۱۳۴۰ نیز در برلن چاپ گردیده و دیگری منظومه « روشنائی نامه » و « سعادت نامه » و « وجهه دین » و غیر از اینهاست (۱).

ناصر خسرو « حجت » تخلص میکرد و تا کنون اشعار عربی و غزلیات وی یافت نشده و جامع ترین دیوانهای این شاعر نسخه ایست که جناب آقای حاج سید نصرالله تقوی رئیس محترم این دانشکده و رئیس دیوان کشور ( دیوان عالی تمیز ) بسال ۱۳۳۹ مشتمل بر ( ۱۱۰۴۷ ) بیت گرد آورده ( آقای تقی زاده تذکر داده اند جزایاتی که در این دیوان ضبط گردیده اشعاری از ناصر خسرو در دست هست ) و بایست نسخه مقابله و تصحیح فرموده اند و همین نسخه است که مأخذ چاپ اخیر این دیوان بوده و دیوان ناصر پیش از این سه بار: نخست در تبریز و بسال ۱۳۱۴ قمری در تهران و بی تاریخ در هندوستان ( ظاهراً ) چاپ شده. ولی هریک از آنها در حدود نصف این دیوان اخیر از حیث ایات میباشد.

این دیوان جامع با مقدمه آقای تقی زاده و آقای مینوی و تعلیقات و حواشی فاضلانّه و محققانّه آقای علی اکبر دهخدا، به ضمیمه روشنائی نامه و سعادت نامه و رساله حکیم ناصر خسرو به نشر در جواب نود و نه سؤال فلسفی و منطقی و طبیعی و لغوی و دینی و تأویلی و غیره بسال ۱۳۰۴ - ۱۳۰۶ خورشیدی در تهران چاپ گردیده است.

(۱۲۷۷)

این نسخه را بخط نستعلیق خوب بسال ۱۲۵۸ یعقوب بن ابوالحسن دیوان ناصر خسرو و علوی میباشد و انشاء این رساله یا اصل عربی آن بخود وی نسبت در آشتیان نوشته، رساله ای که در شرح حالات ناصر خسرو

(۱) راجع به این مؤلفات و معرفی از مندرجات آنها و مؤلفات دیگر این حکیم به مقدمه آقای تقی زاده بر دیوان ناصر خسرو جناب طهران ص ۵۳ - ۵۴ مراجعه شود.

داده شده درشش برگ نیز همین نویسنده نوشته و در مقدمه این دیوان گذارده شده ، مصرعها و کلمات برخی از ابیات قصائد در اثر اینک که در نسخه ای که اصل نگارش بوده نداشته و یا خوانا نبوده در این نسخه نگارش شده و جای آنها سفید گذارده شده .

و این نسخه که شامل قصائد و مقطعاتی از این شاعر مشرق در حدود ۷۴۰ بیت میباشد و بیت نخستین آن اینست :

در بند مدا را کن در بند میاز  
در اند مکن خیره نه در ملکات دارا .  
چند آماجی ، ناغده نرنگی ، بافت در پستان ، اندامه مشایخ  
صفحه ای (۲۳) بیت ، طول (۲۱-۲۲) ، عرض (۱۳-۱۴) ، شماره ثبت (۱۹۲۰) ،  
(۱۳۱۱)

**دیوان**  
این نسخه بخط استعلیق معروف است ، در مقدمه نوشته شده ،  
ظاهر آن در اواخر نیمه دوم قرون اخیر ، در دهه اول بیستمی و پس از  
ناصر خسرو و علوی ۱۲۵۰ داخل کتابخانه آستان قدس شده ، به بیت صد و اول  
یادداشت شده ، ترتیب آرایه ها چون ابیات و سطرهای و سطرهای و سطرهای  
از آخر آن نوشته شده و آخرین بیت بر آن درج شده و در یک انوفیق  
نیافته اینست :

پیمبر خدایت حقیقت و ما  
در این بیت از قصیدهاست که مطلع آن این است :  
اگر باختر حقیقت و ما را خوریم  
چند آماجی ، ناغده نرنگی ، بافت در پستان ، اندامه مشایخ  
(۱۹) بیت ، طول (۲۲) ، عرض (۱۴) ، شماره ثبت (۱۹۱۱) ،  
صفحه ای

| ۵۸۴ | دیوان نظام المشرابیادی (۱۰۰۰)

نظام الدین المشرابیادی از نویسندگان و شاعران قرن دهم و یازدهم هجری است و او بیشتر  
قصائد او در شرح حضرت یحیی (ع) و امامان ائمه اربعه و ائمه اثنی عشریه و در این موضوع  
(۱) نسخه سمی (۱۰۰۰) ، طول (۲۲) ، عرض (۱۴) ، شماره ثبت (۱۹۱۱) ،  
آشکده بی ۱۵۹ و در تمام نسخه ها ۲۰ بیت و ۱۰۰۰ بیت و ۱۰۰۰ بیت و ۱۰۰۰ بیت

کمتر شعر گفته، در اوائل به فنّ معمار غبّتی داشته و بدین صنعت معروف شده و سام میرزا اورا زیر عنوان «نظام معنّائی» معرفی نموده و گوید بسال ۹۲۱ (۱) وفات یافته و يك مثنوی بنام «بلقیس و سلیمان» بدین شاعر نسبت داده و نگارنده تاکنون نسخه‌ای از این کتاب را سراغ نیافته، آذر و هدایت این کتاب را بنام «سلیمان و بلقیس» معرفی کرده‌اند و هدایت گوید نسخه آن دیده نشده.

این نسخه از دیوان که زیر این سطرها معرفی میشود در حدود (۱۷۰۰) بیت میباشد.

(۱۲۷۹)

دیوان این نسخه پیوسته به دیوان ثنائی مشهدی است که زیر شماره (۱۱۷۶) معرفی گردید و در کتابخانه با آن دیوان زیر شماره نظام استرآبادی (۳۷۵) ثبت شده، فقط شامل قصائد نظام میباشد، خصوصیات

دیگر نسخه را در ص ۵۷۶-۵۷۷ نگاه کنید و آغاز نسخه این بیت است:

الحمد للقدیم له العزّ والجلال شاه سریر لم یزلی حی لایزال

[ ۵۸۵ ] دیوان نظیری نیشابوری (فارسی)

نظیری از شعرای قرن دهم هجری و نام وی محمد حسین (۲) میباشد، از وطن خویش نیشابور به هندوستان رفته، گویند نخستین شاعر ایرانی است که به آنجا رفته و از امراء شعر دوست هند محبت دیده و بمدح و ثنای آنها مخصوصاً خان خانان عبدالرحیم سپهسالار (در قرن یازدهم هجری مرده است) پرداخته و غزلیات دانشین ساخته، پس از مراجعت از زیارت مکه معظمه و مدینه طیبّه در گجرات احمد آباد توطن اختیار کرده و چنانکه از هفت اقلیم استفاده میشود این مسافرت پیش از سال ۱۰۰۲

(۱) در هفت اقلیم نگارش یافته که دختر نظام الدین یس از مرگ پدر قطعه‌ای در طلب سنگ قبر پدر اشا نموده و برای سلطان حسین میرزا فرستاد و چون میدانیم که سلطان مذکور بسال ۹۱۱ وفات یافته و وفات نظام الدین هم مسلماً بسال ۹۲۱ بوده واضح میشود که برای این پادشاه نمیشود که اشا شده باشد و در آتشکده نوشته شده یکی از برادران وی قطعه‌ای موزون و بخواجه سیف الدین فرستاد و قطعه مذکور در هر دو مأخذ نگارش یافته است.

(۲) تذکره خوشکُو، هفت اقلیم ص ۶۳۷ - ۶۳۹ و شمع انجمن ص ۴۵۳ مأخذ نگارش این شرح حال میباشد.



داده شده درشش برگ نیز همین نویسنده نوشته و در ابتداء این دیوان گذارده شده ، مصرعها و کلمات برخی از ابیات قصائد در اثر اینکه در نسخه ای که اصل نگارش بوده نداشته و یا خوانا نبوده در این نسخه نگارش نیافته و جای آنها سفید گذارده شده .

و این نسخه که شامل قصائد و مقطعاتی از این شاعر میباشد در حدود ۷۴۰۰ بیت میباشد و بیت نخستین آن اینست :

در بند مدا را کن در بند میا ترا در بند مکی خیر و مطلب ملکیت دارا .  
جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سید سالار . قطع خطی بهرستان . شماره اوراق ( ۱۷۲ ) .  
صفحه ای ( ۲۳ ) بیت . طول ( ۲۱ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۳ سانتیمتر ) . شماره شپاره ( ۱۹۲ ) .  
( ۱۲۷۸ )

**دیوان** این نسخه بخط نستعلیق خلوط با کلمات تکمسته نوشته شده ، ظاهراً در اواخر نیمه دوم قرن سیزدهم نگارش یافته و بسال ناصر خسرو و علوی ۱۲۹۵ داخل کتابخانه اعتضادیه شده و پشت صفحه اول یادداشت شده ، ترتیب تنظیم آن چون نسخه پیشین میباشد و در حدود ۵۰۰ بیت از آخر آن نوشته نشده و آخرین بیت را که نویسنده نوشته و دیگر توفیق نیافته اینست :

« پیمبر سزدین حقاقت و ما ازین نامور تر مضمیع سریم »  
و این بیت از قصیده ایست که مطلع آن این بیت میباشد :  
اگر باخرد جفت و اندر خوریم غم بخور چو خور چند تا کی خوریم .  
جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سید سالار . قطع خطی . شماره اوراق ( ۱۸۹ ) . صفحه ای ( ۱۹ ) بیت . طول ( ۲۲ سانتیمتر ) . عرض ( ۱۵ سانتیمتر ) . شماره شپاره ( ۱۹۱ ) .

[ ۵۸۴ ] دیوان نظام استرآبادی ( فارسی )

نظام الدین استرآبادی از شعرای قصیده سرای قرن دهم هجری بوده ( ۱ ) و بیشتر قصائد او در مدح حضرت پیغمبر اکرم ص و ائمه اثنی عشره بوده و در جز این موضوع

( ۱ ) تحفه سامی ( چاپی ) ص ۱۰۰ و ۱۰۱ ، هفت آفرین ص ۹۳۲-۹۳۳ ، بیاس الوعین ص ۵۳۶-۵۳۸ ، آتشکده ص ۱۵۹ و مجمع الفصحی ج ۲ ص ۵۰۰ را دیده شده است .

کمیتر شعر گفته، در اوائل به فنّ معمار غبّتی داشته و بدین صنعت معروف شده و سام میرزا اور ازیر عنوان « نظام معّمائی » معرفی نموده و گوید بسال ۹۲۱ (۱) وفات یافته و يك مثنوی بنام « بلقیس و سلیمان » بدین شاعر نسبت داده و نگارنده تاکنون نسخه ای از این کتاب را سراغ نیافته، آذرو هدایت این کتاب را بنام « سلیمان و بلقیس » معرفی کرده اند و هدایت گوید نسخه آن دیده نشده.

این نسخه از دیوان که زیر این سطر ها معرفی میشود در حدود (۱۷۰۰)

بیت میباشد.

(۱۲۷۹)

دیوان این نسخه پیوسته به دیوان ثنائی مشهدی است که زیر شماره (۱۱۷۶) معرفی گردید و در کتابخانه با آن دیوان زیر شماره نظام استر ابادی (۳۷۵) ثبت شده، فقط شامل قصائد نظام میباشد، خصوصیات دیگر نسخه را در ص ۵۷۶-۵۷۷ نگاه کنید و آغاز نسخه این بیت است:

الحمد للقدیم له العزّ والجلال شاه سریر لم یزلی حی لایزال

[ ۵۸۵ ] دیوان نظیری نیشابوری (فارسی)

نظیری از شعرای قرن دهم هجری و نام وی محمد حسین (۲) میباشد، از وطن خویش نیشابور به هندوستان رفته، گویند نخستین شاعر ایرانی است که به آنجا رفته و از امراء شعر دوست هند محبت دیده و بمدح و ثنای آنها مخصوصاً خان خانان عبدالرحیم سپهسالار (در قرن یازدهم هجری مرده است) پرداخته و غزلیات دلنشین ساخته، پس از مراجعت از زیارت مکه معظمه و مدینه طیبّه در گجرات احمد آباد توطن اختیار کرده و چنانکه از هفت اقلیم استفاده میشود این مسافرت پیش از سال ۱۰۰۲

(۱) در هفت اقلیم نگارش یافته که دختر نظام الدین یس از مرگ پدر قطعه ای در طلب سنگ قبر پدر انشا نموده و برای سلطان حسین میرزا فرسناد و چون میدانیم که سلطان مذکور بسال ۹۱۱ وفات یافته و وفات نظام الدین هم مسلماً بسال ۹۲۱ بوده واضح میشود که برای این یادشاه نمیشود که انشا شده باشد و در آتشکده نوشته شده یکی از برادران وی قطعه ای موزون و بخواجه سیف الدین فرسناد و قطعه مذکور در هر دو مأخذ نگارش یافته است.

(۲) تذکره خوشگو، هفت اقلیم ص ۶۳۷ - ۶۳۹ و شمع انجمن ص ۴۵۳ مأخذ نگارش این شرح حال میباشد.

بوده و در این تاریخ اشعار وی مطلوب و متداول بوده و پس از مراجعت گوشه نشینی اختیار و بخود پرداخته و از آثار این بخش از زندگانی وی بوی زهد و تصوف آشکار و بمدح و ثنای نبیؐ غتار و ائمه اطهار علیهم صلوات الله پرداخته و علم حدیث و تفسیر را از مولانا حسین جوهری آموخته و باخواجه حسین ثنائی دوستی کامل داشته و او را مرثیه گفته و چنانکه در شمع انجمن ثبت شده بسال ۱۰۲۳ بخلوتکده عدم آرامیده و از دیوان وی چنین معلوم میشود که خود شاعر آنرا مرتب کرده است. نسخی که از دیوان نظیری نگارنده دیده شامل قصائد و غزلیات مرتبه بحروف تهجی و ترجیع بند و غزلیات و ترکیب بند (دوازده بند) در مدح ائمه اثنی عشر و غیر از ایشان و رباعیات میباشد و تمام دیوان او در حدود (۱۰۰۰۰) بیت است. غزلیات مرتبه نظیری که در حدود ۵۰۰۰ بیت میباشد بسال ۱۹۲۸ م در لاهور هند چاپ شده و پشت جلد نسخه چاپی تذکر داده شده که این غزلیات به اردو ترجمه و چاپ گردیده است.

#### آغاز قصائد :

ای جلالت خلوت از اغیار تنها ساخته حکمت تو از کرم دی کارفردا ساخته  
آغاز غزلیات مرتبه :

اذا ما شئت ان تُحيي حيو حلوۃ الـمـحيا بر سوائی بر آور سر زمستوری برون نه پا  
آغاز ترکیب بند در مدح ائمه ۴:

وقتی که شکل دائرة کن فکان نبود جز نقطه حقیقت حق در میان نبود

(۱۲۸۰)

دیوان این نسخه را بخط نستعلیق بسال ۱۰۸۵ در حیدر آباد هند نوشته اند، شامل قصائد و غزلیات مرتبه و ترکیب و ترجیع بند و رباعیات نظیری نیشابوری میباشد و در حدود (۸۴۰۰) بیت است، پشت صفحه آخر چند سطر که نگاشته بوده اند نحو گردیده ولی آثاری از آن باقی میباشد و چند برگ از اول و آخر نسخه و صالی شده و صفحات مجدول بطل است.

جلد تیماجی منهدب گل و بوته قدیمی ، رنگ روغن رفته و طرف درون نیم ضریبی طلا کشیده .  
کاغذ دولت آبادی . واقف سپهسالار . قطع وزیری . شماره اوراق ( ۲۴۸ ) . صفحه ای ( ۱۷ )  
بیت . طول ( ۲۵ سانتیمتر ) . عرض (  $۱۳\frac{1}{4}$  سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۸۴ ) .

( ۱۲۸۱ )

دیوان این نسخه ظاهر آ در اوائل قرن یازدهم نگارش یافته ، ۲۸ بیت  
از اول نسخه و ۲۶ رباعی و یک بیت از آخر آن افتاده و در  
نظیری نیشابوری حدود ( ۷۰۰۰ ) بیت میباشد ، اوراقی از اول و آخر نسخه  
وصالی گردیده است .

جلد تیماجی . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع خشتی باریک . شماره اوراق ( ۲۶۲ ) . صفحه ای  
( ۱۳ ) سطر . طول ( ۲۲ سانتیمتر ) . عرض (  $۱۲\frac{1}{4}$  سانتیمتر ) . شماره کتابخانه ( ۳۸۳ ) .

[ ۵۸۶ ] دیوان نوائی = نوادر الشباب ( ترکی )

امیرعلیشیر نوائی که در ص ۵۳۸ - ۵۴۰ بمعرفی ایشان پرداخته ایم چنانکه  
در « تحفه سامی » تذکر داده شده چهار دیوان ترکی داشته و هر یک را بنامی نامیده  
( غرائب الصغر ، نوادر الشباب ، بدایع الوسط ، فوائد الکبر ( ۱ ) ) و نسخ زیرین  
بنابر آنچه در آخر نسخه شماره ۱۲۸۴ این فهرست نویسنده تصریح نهوده نوادر الشباب  
میباشد و مقدمه ای بنثر ترکی خود امیر بر این دیوان نوشته و بنام سلطان حسین میرزا  
موشح گردیده و در اینجا تذکر داده که مقتضیات جوانی را در هنگام فراغت از  
کارها به انشاء و نظم جلوگیری مینموده و این دیوان مشتمل بر غزلیات مرتبه بحر و ف  
تهجی بر حسب ردیف ها ، مستزاد ، خمس ، مسدس ، ساقی نامه ، ترجیع بند ،  
مشوی ، مقطعات و رباعیات میباشد و در حدود ( ۵۷۰۰ ) بیت است و دیباچه آن  
هم در حدود ( ۳۵۰ ) بیت میباشد .

آغاز دیباچه : حمد آنکا کلام خیر مال قیلدی ایلکار سول دین ارسال . . . ( ۲ )

- ( ۱ ) در تحفه سامی چاپی نام این چهار دیوان غلط و تصحیف چاپ گردیده و این نام ها از روی نسخه  
خطی این کتابخانه نقل شد و در حاشیه نسخه اول این فهرست و دیباچه سنگلاخ نیز به همین نحو ثبت گردیده .
- ( ۲ ) در یکی از نسخه های زیرین ( سومین نسخه از دیوان ) دیباچه به پنج شعر شروع گردیده که  
این بیت یکی از آنها میباشد ولی در نسخ دیگر نیست .

فصاحت دیوانك غزل سرالاری طبع غزنی دین شوریده حال عاشق لارخرمن الخ

آغاز دیوان :

اشرت من عکس شمس الکس انوار الهدی

یار عکسین می دا کور دیب جام دین چتقی صدا

(۱۲۸۲)

**دیوان نوائی** این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده ، تاریخ و نام نویسنده چون برگ آخر آن افتاده معلوم نشد ، برگ ۷۷ ( نوادر الشباب ) دارای يك مجلس نقاشی چینی ظریف میباشد كه شکارگاه

و حالت شکار یکی از بزرگان امیرساند و برگ ۱۰ نیز بطرز چینی تصویر شیرین و خسرو را در حال گردش و سواراسب و تماشای فرهاد دارد و هر دو تصویر تقریباً بعرض و طول صفحه اند ، تمام دو صفحه اول نسخه که شامل چند سطر از دیباچه میباشد که باطلا نوشته شده ، تذهیب و نقاشی بسیار خوب ظریفی گردیده در آغاز غزلیات و سائر بخشها پیشانی ( مربع مستطیل ) بسیار ظریف تذهیب شده و سر سوره هائی ظریف موجود و پا صفحه های برخی از برگها بابرگ بعد مطابقه نمیکند و میرساند که اوراقی از میان نسخه افتاده و از یادداشتی که پشت نسخه شامل شماره میباشد با شماره کنونی آنها ، بدست می آید که ۱۹ برگ از نسخه افتاده است .

پشت صفحه نخستین یادداشتهای زیادی بوده و میباشد برخی را محو کرده اند از آثار محوشده ها بر می آید که نسخه در کتابخانه سلاطین صفویه بوده و در کنار بیشتر از برگهای برگ ۱۲۵ تا آخر نسخه مطالب زیرین نگارش یافته و از اینکه از سام میرزا به « اعلیحضرت سام میرزا » تعبیر کرده چنین استفاده میشود که این مطالب پیش از سال ۹۷۵ که سام میرزا مرده ، نگارش یافته و اصل نسخه ظاهراً در اوائل قرن دهم نوشته شده است .

مندرجات حواشی برگ ۱۲ تا آخر عبارت است از - ۱ - مکتوب ترکی امیر علیشیر به سلطان حسین میرزا و اجازه تشریف به مکه معظمه خواستن ، ۲ - جواب پادشاه بوی ، ۳ - فرمان پادشاه به راه داران در هنگام حرکت امیر مند کور بمکه ، ۴ - حالات امیر

علیشیر به نقل از تحفه سامی، ۵ - دلیلی بر تشیع امیرعلیشیر از ابیات وی و ۶ - صورت عهدنامه محمد شاه پادشاه هند بانادرشاه افشار. و بر این اوراق و بعضی از برگهای پیشین ابیاتی فارسی و ترکی بخط نویسنده همین مطالب نگارش یافته است.

تمام صفحات مجدول بطلا و عناوین بخشها باسفیداب و عباراتی که در فواصل غزلیات و غیره نوشته شده بترتیب یکی بالاچورد و دیگری باطلاست.

جلد مرغش مذهب دورو. کاغذ بخارائی. واقف سهسالار. قطع وزیری. شماره اوراق (۱۴۸) صفحه ای (۱۷) بیت. طول (۲۷ سانتیمتر). عرض (۱۸ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۳۶۸).  
(۱۲۸۳)

**دیوان نوائی** این نسخه را سال ۹۲۴ بخط نستعلیق خیلی خوب در قسطنطنیه نوشته اند، دیباچه را در آغاز نیز دارد، يك سر لوح بسیار (نوادر الشبواب) ظریف در اول دیباچه و دیگری که نیز با کمال ظرافت تذهیب و نقاشی شده در اول غزلیات موجود و پشت برگ نخستین ترنج منمنی که با کمال استادی تذهیب و نقاشی گردیده موجود و در دایره ای که در وسط آن میباشد و طلا اندازی شده این بیت باسفیداب نوشته شده:

دیدانکه در این دیوان اوصاف پری رویان

دیوان سلیمان گفت دیوان نوائی را.

تمام صفحات مجدول بطلا و عناوینی که در فاصله غزلیات و غیره نوشته شده نیز باطلاست.

جلد ساغری ضربی داخل سرخه معرق بسیار ظریف. کاغذ بخارائی. واقف مشیرالسلطنه، قطع وزیری. شماره اوراق (۱۸۹). صفحه ای (۱۳) بیت. طول (۲۵ سانتیمتر). عرض (۱۵  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر). شماره (۵۱۷). قفسه مدرسه مشیرالسلطنه.  
(۱۲۸۴)

**دیوان نوائی** این نسخه را سال ۱۱۱۲ (۱) علی اکبر تبریزی متخلص به مسکین نوشته، دیباچه را هم داراست، پس از اتمام کتاب (نوادر الشبواب) قصیده ای بترکی نگارش یافته و پس از آن رساله ای بترکی

(۱) در آخر دیوان بحروف سال نگارش را در این سال نوشته ولی در آخر رساله پیوسته با عدد سال ۱۱۱۰ را معین کرده و مسلماً نگارش رساله پس از دیوان بوده بنابراین نویسنده در یکی از دو مورد اشتباه کرده است.

در بیان معانی لغات مستعمله در ابیات امیرعلیشیر میباشد و مرتب بترتیب بحروف تهجی باملا حظه مفتوح و مضموم و مکسور بودن آنها که بالف و و او و یا موافق رسم و انشاء امیرنگارش یافته و نام مؤلف در مقدمه و آخر این رساله نیست و این رساله بایستی یکی از آن رساله هائی باشد که در معانی لغات امیرعلیشیر تألیف گردیده و میرزا مهدی خان در مقدمه سنگلاخ بدانها اشاره نموده ، این رساله در حدود (۱۷۰۰) بیت میباشد و آغاز آن اینست : بسمله عشق و محبت پیمانه سی نیک رند قدح پیمائی و شعر و بلاغت کاشانه الخ .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی . واقف سپهسالار . قطع رحلی . شماره اوراق کلیه (۱۹۷) . صفحه ای (۱۷) بیت . طول (۲۹  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر) . عرض (۲۰ سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۳۶۷) .

(۱۲۸۵)

**دیوان نوائی** این نسخه بخط نستعلیق نوشته شده ، در آغاز دیوان يك سرلوح ظریف دارد ، ظاهر آن در قرن یازدهم هجری نگارش یافته ، (نوادرالشباب) صفحات مجدول بطلا و لاجورد و شنجراف میباشد ، دیباچه را ندارد و برخی از برگها و صالی گردیده است .

جلد میشن مستعمل ، طرف داخل مرق سوخته . کاغذ سمرقندی . واقف سپهسالار . قطع خشتی . شماره اوراق (۱۳۹) صفحه ای (۱۱) بیت . طول (۲۳  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر) . عرض (۱۷  $\frac{1}{4}$  سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۹۷) .

[ ۵۸۷ ] **دیوان نوائی** ( ترکی )

چنانکه گفته شد امیرعلیشیر نوائی که درص ۵۳۸-۵۴۰ بمعرفی وی پرداخته ایم چهار دیوان داشته و نام آنها را نقل کرده ایم از مندرجات فهرست ترکی کتابخانه خدیویه (ص ۱۲۶-۱۲۷) معلوم میشود که چهار دیوان وی موجود میباشد و آغاز هر کدام را هم نقل نموده و آن نقل شده ها چون از مقدمه نثری دیوان های مذکور میباشد و این نسخه زیرین چون دیباچه را ندارد ندانم مطابق کدام يك از شماره های دیوانهای نام برده میباشد و در صورت دانستن هم چون نام دیوانها در فهرست مذکور نیست معلوم نمیشود این نسخه زیرین کدام يك از آن دیوانهاست .

این دیوان که شامل غزلیات مرتبه بترتیب حروف تهجی بر حسب قوافی و محاسنات و رباعیات میباشد در حدود (۳۸۰۰) بیت است .

آغاز: یارب اولغان چاغدا جانیم جسم ویرا بدن جدا

او بولوب موندین جدا سین بولما غیل اندین جدا .

(۱۲۸۶)

**دیوان نوائی** این نسخه بخط نستعلیق خیلی خوب نوشته شده ، تاریخ نگارش ندارد ولی ظاهراً در اوائل قرن دهم هجری نگاشته شده ، در زیر آخر صفحه و حاشیه آن یادداشتی با تاریخ بوده محو گردیده یادداشتی که بسال ۱۱۴۱ نوشته شده پشت صفحه نخستین موجود ، اطراف دو صفحه نخستین که شامل پنج بیت از اولین غزل این دیوان میباشد با بهترین طرزی نقاشی و تذهیب گردیده و تمام صفحات مجدول بطلا و زنگار میباشد و برگ اول و آخر و صالی گردیده است .

جلد سوخته و طرف درون سوخته معرق طلا پوش ظریف . کاغذ بخارائی . واقف سیه سالار . قطع وزیری . شماره اوراق (۱۴۸) . صفحه ای (۱۲) بیت . طول (  $۲۴\frac{1}{4}$  سانتیمتر ) . عرض (  $۱۵\frac{1}{4}$  سانتیمتر ) . شماره کتابخانه (۳۷۰) .

### [ ۵۸۸ ] دیوان نورعلیشاه (فارسی)

نورعلیشاه یکی از مشاهیر متأخرین صفویه نعمت الهی است و در ص ۴۸۹-۴۹۱ همین جلد معرفی ایشان گردید ، و دیوان وی شامل غزلیات و رباعیات و قصائد و مقطعات و ترجیع بند و ساقی نامه و مثنوی هائیکه در جواب سؤال مظفرعلیشاه انشاء کرده و غیر از اینها میباشد و نسخه زیرین که شامل غزلیات قدیم و جدید بحروف تهجی است با سائر ابیات وی در حدود (۴۰۰۰) بیت است .

(۱۲۸۷)

**دیوان نورعلیشاه** این نسخه بخط نستعلیق بسال ۱۲۵۶ نوشته شده ، پیش از شروع به غزلیات قدیم ، ترجمه خطبه الیابان از نورعلیشاه نگارش یافته و بر ابتداء آن بخط نستعلیق درشت نوشته اند :



کلیات نورعلی شاه ولی این نسخه را نمیتوان بدین نام نامید و از آخر ترجمه خطبة البیان و اول غزلیات افتاده دارد .

جلد تیماجی . کاغذ فرنگی رنگا رنگ . واقف سپهسالار . قطع بغلی . شماره اوراق (۱۶۶) صفحه ای (۱۴) سطر . طول (۱۵  $\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر) . عرض (۱۰  $\frac{۱}{۲}$  سانتیمتر) . شماره کتابخانه (۱۳۸) .

### [ ۵۸۹ ] دیوان والہ اصفهانی (فارسی)

آقا محمد کاظم اصفهانی متخلص به والہ چنانکه معاصروی «راوی» گروسی در انجمن چهارم ، انجمن خاقان نوشته (عین عبارات و معانی اورا با اندک اسقاطی هدایت در مجمع الفصحا (ج ۲ ص ۵۵۹) آورده) ، از اعیان اصفهان بوده چندی برای تجارت و زیارت باعتبار مقدسه ائمه عراق علیهم السلام مشرف شده چون از آنجا بوطن خود برگشته در مدرسه جدّه حبره ای اختیار و در آنجا مسکن گزیده ، مرجع اصحاب حال و مجمع ارباب کمال گردید ، اسباب و لوازم حبره را از بهترین امتعه و پاکیزه ترین اوانی تهیه نموده ، راوی گروسی که خود آن وضعیت را مشاهده کرده گوید : « در آن پاکیزه مقام از صاحب مجربّه مهذبّه و کتب مصدّحه مذّهّبه و صحف محشّا و فرش موّشا چندان یافتیم که در کمتر جای عالم نشان توان داد و خود آدمی متمکن و شیخی متعین بنظافت جامه و قبول عامه فرید اصفهان بل و حید زمان بود الخ » :

حاج محمد حسین خان نظام الدوله صدر اصفهانی (متوفی بسال ۱۲۳۸) که در آن عصر حاکم اصفهان بوده و از مردان خیر و متدین و سخی الطبع روزگار بشمار است نسبت به والہ کمال رعایت و مبالغه در احترام مینموده که غسود اقران گردید و تکیه ای بنام « الهیه » برای وی بساخت که در ظرفت و قشنگی کم نظیر بود و چون بسال ۱۲۲۹ والہ به آنجهان خرامید در همانجا بخاک سپرده شده و اینک مزار دانشمندان است .  
نسخه زیرین از دیوان وی از قرائن موجوده در آن در زمان حیات شاعر نوشته شده و شامل قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات و یک مثنوی میباشد و در حدود (۵۲۰۰) بیت شعر است .

آغاز قصائد: مرا دست فراق دلبری افکنده است از پا

که گر بریا فلک اندازدش سر نبودش پروا.

آغاز غزلیات: سر کوئی که هریگانه را باشد پناه آنجا

چه میبود آشنائی را اگر میبود راه آنجا

(۱۲۸۸)

## دیوان

چنانکه گفته شد از قرائن بدست می آید که این نسخه در زمان

حیات والده نوشته شده، در حاشیه چندین برگ غزلیات

و ابیات دیگری از وی بخط خوب نوشته شده، هدایت نوشته والده

خطی نیکو داشته و علم عروض نیکو میدانسته بنابراین احتمال قوی میدهم که

حواشی خط خود ایشان باشد، سه سر لوح زیبا در آغاز قصائد و غزلیات و منوی

مختصر وی رسم شده و صفحات مجدول بطلا و لاجورد میباشد و میان سطرهای

دو صفحه نخستین طلا اندازی شده است.

در پایان آخرین صفحه دخول آن بسال ۱۲۴۷ بکتابخانه دارائی (شاهزاده دارا)

و پشت صفحه نخستین دخول آن بسال ۱۲۷۰ در کتابخانه اعتضادیه و پس از آن بسال

۱۲۹۷ وقف شدن آن یاد داشت گردیده و دو برگ مجدول ننوشته در آخر

نسخه است.

جلد روغنی دورو، گل و بوته و رنگی مهره زده. واقف سپهسالار. قطع خشتی.

شماره اوراق (۲۷۷). صفحه ای (۹) بیت. طول (۲۰  $\frac{۱}{۴}$  سانتیمتر). عرض (۱۵ سانتیمتر).

شماره کتابخانه (۴۲۰).

## [ ۵۹۰ ] دیوان وحشی کرمانی (فارسی)

وحشی کرمانی از شعرای عاشق پیشه پرسوز و گداز نیمه دوم قرن دهم هجری

بوده و چنانکه تقی الدین اوحدی مؤلف «تذکره عرفات» گفته بسال ۹۹۱ (۱)

(۱) در تحفه سامی که بسال ۹۵۶ تألیف شده از این شاعر نام برده نشده بنابراین معلوم میشود که در

آن سال هنوز شهرت نداشته ولی درص ۱۳۶-۱۳۷ هفت اقلیم، تذکره خوشگودر حرف و او، ص

۱۲۶-۱۳۵ آتشکده، ص ۵۱ ج ۲ مجمع الفصحا و ترجمه تاریخ ادبیات ادوارد برون (۱۵۹ ج ۴)

و هفت آسبان ۱۰۹-۱۱۱ شرح حال این شاعر نگارش یافته و مرآجه شده است.

وفات یافته و نگارنده در دیوان وی ماده تاریخ فوت خان قلی را که بسال ۹۹۰ (۱) بوده یافتیم، در هیچ يك از تذکره‌ها و مآخذ نام وحشی و پدر وی ثبت نشده و همه او را در زیر عنوان وحشی که تخلص شاعر می‌باشد ذکر کرده‌اند، اصل وی از کرمان ولی چندی در یزد زندگانی کرده و شاگرد شرف‌الدین علی یزدی بوده، در اوائل سلطنت اکبر شاه (۲) به هندوستان رفته و در آنجا مشهور شده، چنانکه تقی‌الدین اوحدی ادعا نموده دیوان وحشی را وی جمع و تدوین کرده و در حدود نه هزار بیت می‌باشد ولی کاملترین نسخه‌ای که نگارنده دیده نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای ملی می‌باشد که در حدود ۸۰۰۰ بیت و بدین تفصیل است:

۱ - غزلیات مرتب بترتیب حروف تہجی بر حسب ردیف‌ها در حدود ۲۲۵۰ بیت، ۲ - قصائد و مقطعات در حدود ۲۲۰۰ بیت، ۳ - ترکیب بند و مسقط در حدود ۱۰۰ بیت، ۴ - رباعیات در حدود ۱۰۰، ۵ - مثنوی به بحر خسرو شیرین بنام «ناظر و منظور» در حدود ۱۵۰۰ بیت، ۶ - خلد برین بوزن مخزن الاسرار در حدود ۵۳۰ بیت، ۷ - مثنوی مشتمل بر مدح غیاث‌الدین و غیره در حدود ۲۴۰ بیت، ۸ - فرهاد و شیرین که ناتمام مانده (۳) در حدود ۱۰۰۰ بیت است و خود در قطعه‌ای که پس از نسخه ناظر و منظور متعلق به مجلس شورای ملی (جزء کلیات وحشی است) گذارده انشاء آنرا بسال ۹۶۶ معین نموده است.

بسال ۱۳۴۷ دیوان غزلیات و قصائد و رباعیات و ناظر منظور و خلد برین و فرهاد و شیرین و وحشی در حدود ۷۰۰۰ بیت چاپ سنگی شده و دانشمندی بنام اسمعیل و ملقب به «حمیدالملک» مقدمه‌ای در شرح حال و وحشی با تحقیق شایسته‌ای در سبک

(۱) در مقطعات دیوان خطی وحشی (ص ۳۳۱ نسخه مجلس) است:

طلب کردم چو تاریخش فرو گفت «شہید دشتہ جور زمانہ» = ۹۹۰.

(۲) اکبر شاه پادشاه هند که تاریخ اکبری را ابوالفضل بن مبارک بنام وی نوشته چنانکه در تذکره خوشگو تصریح شده بسال ۹۵۲ متولد شده و بسال ۹۶۴ پادشاه شد و بسال ۱۰۱۴ رخت برآی دیگر بست.

(۳) در ص ۵۲۸ ج ۲ مجمع‌الفصحا ذکر شده که میرزا کوچک متخلص به وصال که از شعرای قرن سیزدهم هجری بوده و بسال ۱۲۶۲ وفات یافته نقص این کتاب را تکمیل کرده است.

وروش این شاعر بامراجعه به تذکرة هائی فارسی و فهرست های فرنگی نوشته و مأخذ نگارش این بنده نگارش ایشان نیز بوده است.

آغاز غزلیات: ازگاه کهر با بگریزد به بخت ما

خنجر بجای برگ بر آرد درخت ما

(۱۲۸۹)

دیوان  
وحشی کرمانی  
این نسخه بخط نستعلیق خوب نوشته شده، تاریخ و نام نویسنده ذکر نشده، ظاهر آن نویسنده هندی و در نیمه اول قرن یازدهم نگاشته شده، شامل غزلیات و قصائد وحشی میباشد و «فرهاد و شیرین» را هم نیز دربردارد، یک پیشانی (مربع مستطیل) مذهب در اول غزلیات و یکی در اول «فرهاد و شیرین» رسم شده و صفحات جدول بطلال و لاجورد میباشد و تمام برگها و صالی شده و متن و حاشیه است. جلد روغنی گل و بوته دورو. کاغذ دولت آبادی و فرنگی. واقف سه سالار. قطع خشتی باریک. شماره اوراق (۹۹). صفحه ای (۱۵) بیت. طول (۲۱ سانتیمتر). عرض (۱۳ -  $\frac{1}{4}$ ) سانتیمتر. شماره کتابخانه (۲۶۸۰).

[ ۵۹۱ ] دیوان وحید قزوینی (فارسی)

میرزا محمد طاهر متخلص به وحید منشی و مورخ عصر شاه عباس ثانی صفوی (۱۰۵۲-۱۰۷۸) بوده، تاریخ و وقایع سلطنت این پادشاه را نوشته (۱) مثنوی هائی مفصل و مختصر بنام: فتحنامه قنبرهار (۲)، خلوت راز، ناز و نیاز، گلزار عباسی، ساغر سرشار، مثنوی در وصف همایون تپه (۳)، ایضاً در تعریف نرد، ایضاً در ذکر و معرفی یک به یک از ادوات جنگ و مثنوی عاشق و معشوق (در آخر این مثنوی بوصف اصفهان و ذکر یک به یک از اصناف آن شهر و تعریف آنها پرداخته است) نشان داده و نسخی از آنها در کتابخانه مجلس موجود و در فهرست آنجا ذیل «کلیات وحید» معرفی کامل خواهد شد، بنا بر ضبط رضا قلیخان هدایت در جلد هشتم روضة الصفا

(۱) نسخه ای از این تاریخ در کتابخانه آقای ملک الشعراء (بهار) موجود است.

(۲) در تمة روضة الصفا (جلد هشتم) این فتح بسال ۱۰۵۸ معین گردیده است.

(۳) در تمة روضة الصفا عمارت همایون تپه بسال ۱۰۶۴ معین گردیده است.

(متمم روضه الصفا) «پس از اینکه بسال ۱۱۰۹ شیخعلیخان زنکنه وزیر شاه سلیمان بن شاه عباس شاه (۱۰۷۸-۱۱۰۵) بدرود زندگانی گفت میرزا طاهر قزوینی متخلص به وحید که غزول و منکوب و خانه نشین بود برمسند وزارت تکیه نمود، مرجع امرا و سفرا و مطبوع عرب و عجم و ترک و دیلم گردید، چون او از اصحاب و ارباب افضال بوده دیوانی مشحون بنظم و نثر ترکیه و عربیه و فارسیه قریب بنود هزار بیت باتمام رسانیده و در هنگام تذکره نگاری مکرر دیده شد «ادوارد برون در تاریخ ادبیات (۱) بمعرفی وی پرداخته و گوید در حدود سال ۱۱۲۰ وفات یافته و بنقل از آله خاور شناس معروف مؤلف فهرست کتب فارسی «ایندیا فیس»، نقل نموده که وحید از دوستان صائب بوده و خوشگو در تذکره خود چندین بیت از وحید را بنام اینکه انتخاب کرده صائب میباشد نقل نموده و آقای جواهر الکلام درص ۱۰۰ جزء چهارم آثار الشیخة الامامیه وحید را معرفی و گوید که صد سال عمر کرده و در اواخر ایام انحلال سلطنت شاه سلطان حسین صفوی از وزارت استعفا داد و خوشگو وفات وحید را بسال ۱۰۸۳ ثبت کرده و بنابر آنچه گذشت مسلماً این تاریخ اصلی ندارد.

و مؤلف شمع انجمن (ص ۵۱۳) و وحید را نام برده و گوید «درفنون و علوم و نظم و نثر گوی از هم عصران می برد ۱۰۰۰ دیوان غزل قریب سی هزار بیت از وی بنظر رسیده» و ایبانی چند از آن انتخاب کرده است.

و نویسندگان نام برده تألیف رساله هائی در علوم مختلفه به وحید نسبت داده اند و تاکنون نگارنده از نثر و نظم عربی و نثر و نظم ترکی و وحید چیزی نیافته جز مکتوبی عربی که در آخر یکی از نسخ کلیات وی در مجلس وجود دارد.

آغاز دیوان غزلیات :

کرامت کن عیاری یارب این نایض عیاران را

بده دستی که گیرم دامن پرهیز کاران را

(۱۲۹۰)

## دیوان

این نسخه بخط شکسته نستعلیق خوب نوشته شده، از طرز نگارش بدست می آید که برای خود شاعر نوشته شده، و در وحید قزوینی برکها تتمه برخی از ردیف ها سفید گذارده شده که پس از انشا در آنجاها نوشته شود و در پاره ای از موارد هم غزلیاتی نگارش یافته و در حاشیه دو برگ اول نسخه غزلیاتی بخط غیر کاتب متن بردیف الف نوشته شده، گذشته از غزلیات، فردها و رباعیات و غزلیات ناتمام وحید نیز پس از غزلها و ردیف های خود مندرج گردیده و تقریباً در حدود (۳۶۰۰۰) بیت میباشد، برگ آخر کنونی شامل غزلیات ردیف خاء معجمه میباشد و برای اینکه نسخه بدون نقص نشان داده شود در آخر گذارده شده و شش برگ پیش از آنهم بایستی بیشتر از اینجایکه اکنون صحافی شده گذارده شود و از ردیف یاء هم بایستی برکهای افتاده باشد.

صفحه نخستین دارای یک سرلوح و تمام اوراق مجدول بطلا و لاجورد و شنجرف میباشد.

جلد تیماجی ظریف، کاغذ دوات آبادی، واقف سپهسالار، قطع رحلی بزرگ، شماره اوراق (۴۳۷)، صفحه ای (۴۴) بیت، طول (۳۴ سانتیمتر)، عرض (۲۳ سانتیمتر)، شماره کتابخانه (۱۶۲).

(۱۲۹۱)

## دیوان

این نسخه تقریباً شامل (۲۲۰۰۰) بیت غزل و قطعه و فرد و رباعی میباشد (در حدود ۲۰۰ بیت مثنوی نیز شامل است) بخشی از غزلها (از اول غزل ردیف الف تا اواسط حرف تاء در آخر نسخه گذارده شده و اوائل نسخه جز سه ورق که شامل ابیاتی از یک مثنوی میباشد از غزلیات به ردیف دال شروع و تا حرف نون خاتمه میابد و میان این دو بخش مقطعات و ماده تاریخ هاست و فردها و رباعیات هم در میان غزلها موافق ردیف هاست، برگهایی از نسخه وصالی شده و بنام «جنگ اشعار» داخل کتابخانه اعتضاد السلطنه شده و بهمین نام وقف و در دفاتر مدرسه ثبت گردیده است.

جلد تیماجی نیم ضربی (۱). کاغذ اصفهانی. واقف سپهسالار. قطع رحلی بزرگ: شماره اوراق (۲۷۵). صفحه ای (۸۰) بیت. طول (۳۶ سانتیمتر). عرض (۲۵ سانتیمتر) شماره کتابخانه (۱۶۴).

## [ ۵۹۲ ] دیوان ولی دشت بیاضی (فارسی)

ولی دشت بیاضی از شعرای شاه طهماسب صفوی تا اوائل شاه عباس اول بوده و چنانکه در سقیه خوشگو ثبت شده دیوان قصائد و غزلیات او در حدود پنجهزار (۲) بیت میباشد و بسال ۱۰۱۵ (۳) غنیم (۴) بیک اوزبک بچرم تشیع او را شهید کرده است دشت بیاضی از توابع قائن خراسان میباشد و در اثر سفیدی خاک بدین نام نامیده شده است این رباعی در هفت اقلیم از ولی نقل شده و در دیوان وی (نسخه زیرین) با کمی تغییر نیز موجود است:

امی لقبی که ز انبیا اعلم بود      احمد نامی که سرور عالم بود  
زان سایه بدو نبود همراه که بود      محرم جائی که سایه ناعمرم بود.

آغاز: ای حریمت کعبه حاجت روای جبرئیل

نقش نعلین تو عراب دعای جبرئیل.

(۱۲۹۲)

دیوان  
ولی دشت بیاضی (۲۸۴) بنام «دیوان اثیرالدین اومانی» ثبت و وقف گردیده،  
(۱۱۷۵) معرفی گردید و در کتابخانه با آن دیوان زیر شماره

(۱) پشت جلد با شتجرف ایبانی که مطلع آنها نوشته میشود و آنچه روی یکی از جلدها بوده تراشیده شده است اینست: این چه شور است که در دور قمر میبینم الخ.  
(۲) درس ۱۲۲ آتشکده آذر معرفی مختصری از ولی گردیده و گوید: دیوانش دو هزار بیت بنظر رسیده اشعار دیوانش یکدست است.

(۳) درس ۶۶۹ - ۶۷۰ هفت اقلیم معرفی و در باره وی پس از تعریف و توصیف زیاد گوید: «روزگاری مهنداشت نالوای عالم بخلد بر افراشت» و چون هفت اقلیم بسال ۱۰۰۲ تألیف شده بایستی در همین سال وفات یافته باشد و بیش ازین نخواهد بود چرا که در دیوان وی مرتبه از اضان علی که از او مکرر سلطان علی خلیفه تعبیر کرده موجود و این مرد چنانکه در عالم آراست بسال ۱۰۰۲ کشته شده است.

(۴) در تذکره یاسقینه خوشگو غنیم ثبت شده ولی در تاریخ عالم آرا (نسخه خطی مدرسه) یکجا تلیم و جای دیگر تمیم نگاشته شده است.

شامل قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات میباشد و بر حسب شماره نگارنده ۳۰۴۸ بیت میباشد، بسال ۱۰۲۵ نوشته شده و خصوصیات دیگر نسخه را به ص ۵۷۶ نگاه کنید.

### [ ۵۹۳ ] دیوان هاتف اصفهانی (فارسی)

سید احمد اصفهانی متخلص به هاتف پدر سید محمد سحاب میباشد که در ص ۶۰۵ - ۶۰۶ معرفی گردید، هاتف بگفته راوی گروسی (۱) در فنون حکمی و علوم ریاضی مسلم زمان و وحید دوران بوده و بحسن اخلاق شهرة آفاق و در اثر رفاقت و دوستی با آذر و صباحی متوطن در کاشان شده و بسال ۱۱۹۸ در قم بجوار رحمت الهی رهسپار گردید و راوی در ذیل شرح حال سحاب طبیب بودن این شاعر را نیز تذکر داده، آذر و هدایت قدرت هاتف را بر نظم و شعر عربی تذکر داده اند ولی نگارنده تاکنون به نظم و نثر تازی وی و نثر فارسیش دست نیافته است.

دیوان هاتف شامل قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات و ترجیع بند میباشد و شهرت هاتف بیشتر بواسطه ترجیع بند معروف وی میباشد که در این بخش هیچیک از متقدمین و متأخرین بپایه هاتف نرسیده و هدایت گوید که دیوان مختصری دارد شماره ایات دو نسخه زیرین را در ذیل معرفی هریک خواهیم نگاشت.

آغاز: سحر از کوه خاور تیغ اسکندر جوشد پیدا

عیان شد رشحه خون از شکاف جوشن دارا.

(۱۲۹۳)

این نسخه را بخط شکسته نستعلیق خوب محمد رفیع بن محمد صادق شیرازی بسال ۱۲۲۱ نوشته و باد دیوان صهبا و دیوان عبدالمجید هاتف اصفهانی درویش که بدان پیوسته است زیر شماره (۴۰۱) در این کتابخانه ثبت گردیده و برگ ۱-۳۸ نسخه این دیوانست و خصوصیات دیگر آنرا در ص ۶۲۷

(۱) انجمن خاقان در انجمن چهارم و آتشکده آذر ص ۴۳۶-۴۴۵، مجمع الفصحا ج ۲ ص ۵۶۷-۵۷۲ و ترجمه تاریخ ادبیات ادوارد برون ص ۱۸۷-۱۹۱ شامل شرح حال و منتخبی از اشعار هاتف میباشد.



نگاشته ام و این نسخه در حدود (۱۱۵۰) بیت از قصائد و غزلیات و مقطعات و رباعیات و ترجیع بند میباشد.

(۱۲۹۴)

**دیوان** این نسخه پیوسته به دیه آن سحاب میباشد که در ص ۶۰۵-۶۰۶ معرفی گردید و در این کتابخانه هر دو نسخه زیر شماره (۲۶۱) **هاتف اصفهانی** ثبت گردیده اند، خصوصیات دیگر را به صفحه نام برده در سطر بالا مراجعه نمائید و تقریباً شامل ۱۵۰۰ بیت از قصیده و غزل و قطعه و رباعی و ترجیع بند میباشد.

### [ ۵۹۴ ] دیوان همایون اسفرائینی (فارسی)

امیر همایون (۱) از نیکو طبعان اسفرائین بوده و امین احمد رازی در وصف وی گوید: «در شعر از شعری گذشته و در نثر نثرین را باز پس گذاشته» و آذرنوشته «در اوائل شباب از اسفرائین حرکت و به تبریز رفته و در آنجا بجوانی شیخ ولی بیك نام از ملازمان سلطان یعقوب (۲) فریفته شده و میل بگفتن شعر برده . . . . . و بعد از فوت سلطان و قتل قاضی عیسی که حضرات ارباب دانش ناچار از تبریز حرکت کردند چون شیخ ولی بیك در قریه از ملک من اعمال قم ساکن و در آن اوان باصوفی خلیل دم از مخالفت زده امیر مشارالیه خود را بآنجا رسانید از حضرت معشوق نهایت مراعات یافته و سه سال در آنجا بوده هم در آنجا سنه ۹۰۲ جان بجان آفرین تسلیم کرد الخ».

این نسخه از دیوان همایون که شامل غزلیات مرتبه بترتیب حروف تهجی بر حسب ردیف هاست در حدود ۹۰۰ بیت میباشد و اشعاری لطیف دارد و در آن تبریزیان را بر خراسانیان که هموطنان او بوده اند ترجیح داده و گوید:

(۱) درس ۶۵۱ هفت اولیم، آتشکده آذر ص ۷۱، تذکره خوشگو در حرف ها، و مجمع الفصحا

ج ۲ ص ۵۵ شامل شرح حال این شاعر میباشد و مراجعه شده است.

(۲) سلطان یعقوب بسال ۸۹۶ وفات یافته و در تحفه سامی و دانشمندان آذربایجان نام برده شده است.

همایون باسگان کوی تبریز آنچنان گشتم که در دل هم نیاید یاد یاران خراسانم.  
و این بیت را در هنگام حبس، که در اثر عشق به ولی بیک متهم به جنون شده  
و در زنجیرش کرده اند گفته و بسیار لطیف میباشد :

بزنجیرم چو کزد از بی قراری دلستان من دل زنجیر شد سوراخ سوراخ از فغان من  
آغاز: بی ترجائی که شود خاک دل چاک آنجا

تا ابد ناله بر آید ز دل خاک آنجا

(۱۲۹۵)

دیوان این نسخه با چهار دیوان دیگر در این کتابخانه زیر شماره  
(۲۷۹) ثبت شده، و ص ۱۷۷-۲۶۰ شامل این دیوان است،  
همایون اسفرائینی خصوصیات دیگر نسخه را در ص ۵۷۱ زیر شماره (۱۱۷۲)  
معرفی کرده ایم بد آنجا مراجعه شود.

سپاس و ستایش فراوان مر خداوند را که این نگارنده نازوان را توانائی داد تا  
بخش دوم از فهرست را بپایان رساند و از وی نیز امیدوارم که در چشم دانشمندان  
آنها بخوبی جلوه دهد.

و این کار در روز شنبه سی و یکم شهر یورماه یک هزار و سیصد و هجده خورشیدی  
که برابر با هشتم ماه شعبان سال ۱۳۵۸ هجری قمری است انجام پذیرفت.

طهران - ابن یوسف شیرازی

## فهرست اماکن

شماره های سیاه که برابر نامها گذارده شده می‌رسانند که در آن صفحه  
آن شهر یا محل معرفی گردیده است

### الف

آذربایجان - ۶۳۲، ۶۱۸، ۵۳۰، ۴۴۰، ۱۴۴  
 آ - ۶۶۴، ۶۵۳، ۶۳۳  
 آستان قدس رضوی علیه السلام (مشهد) - ۳۲۹  
 آسنانه - ۳۴۹، ۳۳۱، ۳۲۱، ۳۱۳، ۳۰۴  
 آ - ۴۱۷، ۳۶۹  
 آشتیان - ۶۸۷  
 آک - ۲۵۷  
 آمد - ۷۶  
 آمل - ۶۳۸، ۵۷  
 آوه - ۲۱۶  
 ابرقو - ۴۸۴  
 ایورد (باورد) - ۵۶۴ ح  
 احمد نگر - ۳۱۲ ح  
 اردبیل - ۶۱۸، ۱۴۵، ۷۷  
 ارمن - ۲۱۰  
 اروپا - ۵ ح، ۱۹، ۱۳، ۷، ۹۲، ۸۹، ۷۱، ۷۰، ۱۹  
 ۵۸۶، ۵۵۱، ۴۷۶، ۳۹۸، ۳۹۱، ۳۰۹  
 ۶۶۹  
 از ملک - ۷۰۴  
 اسپانیا - ۵۴۹  
 استرآباد - ۶۲۹، ۶۱۶، ۴۴۲ ح، ۶۵۹  
 اسدیه حلب - ۳۶۹  
 اسفراین - ۷۰۴، ۵۸۹، ۳۲۰  
 اسفرنگ - ۶۱۳  
 اسفرورین - ۳۵۸، ۳۵۷  
 اسکوریال (کتابخانه ایست در اسانیا) - ۲۸۸  
 اسلامبول - ۱۰۳، ۹۲، ۸۷، ۷۰، ۶۸، ۲۶، ۷  
 ۴۴۱، ۴۳۴، ۱۴۵، ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۲۹  
 ۴۷۶

اسیوط (سیوط) - ۳۳۷ ح

اصطخر - ۱۵۳  
 اصطهبانات - ۱۵۳  
 اصفهان - ۱۰۷، ۱۰۶، ۵۵، ۲۸، ۱۷، ۹، ۸  
 ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۴۳، ۱۵۳ ح، ۱۷۴ ح  
 ۱۷۶ ح، ۳۵۸، ۳۲۵، ۲۳۱ ح، ۴۵۲  
 ۴۵۳، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۸۴، ۴۸۹، ۴۵۰  
 ۵۷۳، ۵۶۱، ۵۷۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۸  
 ۶۰۴، ۶۲۷، ۶۳۲، ۶۴۳، ۶۶۱، ۶۷۱  
 ۶۶۹، ۶۹۶، ۶۷۹  
 اکبرآباد - ۵۷۲  
 اکسفورد - ۲۳۱  
 اندلس - ۳۷ ح، ۳۰۳، ۳۸۲، ۴۳۶، ۵۰۸  
 ۵۴۸، ۵۹۴  
 ایتالیا - ۳۰۴، ۶۶  
 ایران - ۷۰، ۶۶، ۴۷، ۳۱، ۲۸، ۲۶، ۲۴، ۴  
 ۸۹، ۹۵، ۹۲، ۹۷، ۱۰۰، ۱۳۶، ۱۴۸  
 ۱۵۴، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۸۴، ۱۹۰، ۱۹۱  
 ۱۹۷، ۲۰۷، ۲۱۴، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۳  
 ۲۳۴، ۲۳۷، ۲۴۲، ۲۵۲، ۲۶۱، ۲۷۵، ۲۸۳ ح  
 ۲۹۲، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۳۱  
 ۳۳۸، ۳۴۴، ۳۴۹، ۳۵۱، ۳۵۸، ۳۶۱ ح  
 ۳۸۴، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۵، ۴۲۰، ۴۵۲  
 ۴۶۰، ۴۸۴، ۴۹۲، ۵۷۳، ۵۹۸، ۶۰۳  
 ۶۰۷، ۶۲۳، ۶۲۸  
 ب  
 بالس - ۳۳۳ ح  
 بادکوبه (بادکوبه) - ۲۵  
 بحرین - ۷۵، ۵۰  
 بحریر - ۶۹۳

بخارا - ۰۵۷۳۰۴۱۶۰۱۷۰

بر الطویل - ۵۴۸ .

پران - ۲۰۵، ۲۳۶، ۸۰

ایران - ۳۳۴،۳۳۱،۳۰۷،۲/۸،۲۳۶،۲۰۵

.78V.70V.3V7

پرونده - ۲۵۱.

۲۲۷۔ ہریانپور ہندوستان۔

خطام - ۵۰۰.

بصره - ۷ ح، ۱۹، ۵۶، ۵۸، ۶۲، ۷۹، ۸۹، ۹۱،

٢٨١

بصرة الصنرى (زوزن) ۲۸۲ ح.

٣٣٥ - ك

میداد ( دارالسلام ) - ۱۵۳۰۱۴۹۰۴۷۰۴۲

٢٦٤ ، ٢٦٧ ، ٢٦١ ، ٢٦٥ ، ٢٥٤ ، ٢٦٤

.779,087,018

لخ - ٢٢٠٠٣١٦ ح ٨٠٦٥٠

• 0 { A - 4-221 }

مشی - ۷۷، ۱۵۲ ح، ۱، ۵۸۶، ۱۰۶، ۶۳۹.

تاریخ - ۱۴۴۰

تذکرہ پوشہ - ۱۴۸، ۲۳۳ ح .

ولاق مصر - ٧١، ٢٤٠، ٣٥٧.

هار هندوسان - ۱۹۰ .

۲۳۳ - ۲۳۳

بازارک - ۴۸۴ .

بيت المقدس - مصر - ٢٣٤ .

ت. ا. مقدس - ۵۰۵ .

بروت - ۸۰۶ ح ۲۰۱۰

100108707237.217.3.2.127

. 779:008

ملفات - ٤٦٥ .

١٠

رس (دارس دیده شود)

پریس-۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲

41

2. 1000

۹۰ (شماره) - ۹۰

طرد بوج ( انہیں دراد )

• 679 (09) 41

دشت بیاض - ۱۸۹ ح ۷۰۲ .  
 دشتستان - ۳۵۸ ح .  
 دشت قیچاق - ۶۶۳ .  
 دکن - ۶۳۰، ۵۸۱، ۴۸۶، ۴۴۲، ۲۰۵، ۹۹ .  
 ۶۸۳ .  
 دماوند - ۶۲۷ .  
 دمشق شام - ۳۶۹، ۳۳۵، ۳۳۱، ۳۳۰، ۸۵، ۸۰ .  
 ۵۰۴، ۴۱۶ .  
 دولت آباد هند - ۵۸۷ .  
 دیوگیر - ۵۸۷ .  
 دملی - ۵۷۲ .  
 دیاربکر - ۷۶ .  
 دینور - ۲۸۱، ۴ .  
 ر  
 رامند - ۲۵۸، ۳۵۷ .  
 راوند - ۱۰۳ .  
 رودن - ۶۰۳ .  
 روسیه - ۳۹۱ .  
 روم - ترکیه (عثماني) - ۲۴۷، ۲۳۴، ۱۰۰ .  
 ۶۲۲، ۵۱۴، ۴۲۹، ۴۱۶، ۳۶۴، ۲۶۹ .  
 ری - ۶۰۷، ۴۸۴، ۲۸۶ ح ۲۸۵، ۲۱۰ .  
 ۶۶۷ ح .  
 رینجن (ریجن اریجنجن) - ۳۵۹ .  
 ز  
 زاویه شاهی (در مصر است) - ۳۲۳ .  
 زید - ۱۸۱ ح ۲۴۳، ۲۳۴، ۱۸۳ .  
 زنجان - ۶۵۸، ۱۳۶ .  
 زوزن - ۲۸۲ ح .  
 س  
 سامرا - ۱۲۴ .  
 سبزوار - ۶۱۶ .  
 سپاهان (اصفهان) - ۲۱۰ .  
 سنجاس - ۶۲۴ .  
 سنجستان - ۸۸ .  
 سنجله اسده - ۳۹ .  
 سرای (شهر سرای) - ۶۶۳ .  
 سرخس - ۵۶۴ ح .  
 سروج - ۹۰ .

## ح

حجاز - ۵۰۸، ۴۶۶ .  
 حسین آباد - ۲۵۷ .  
 حلب - ۲۶۵ ح ۳۳۳، ۲۹ ح .  
 حله - ۵۱، ۵۰ .  
 حمص - ۶۶۹، ۵۰۴ .  
 حیدر آباد - ۲۰۵ .  
 حیدر آباد دکن - ۶۲۲ .  
 حیدر آباد هند - ۶۹۰ .

## خ

خانقاه نوریه - ۵۵۹ .  
 خاوران - ۵۶۴ ح .  
 ختن - ۳۶۵ .  
 خراسان - ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۰، ۸۸، ۶۹، ۵۱ .  
 ۵۱۴، ۴۸۴، ۲۹۵، ۱۸۹، ۱۸۴، ۱۸۱ .  
 ۵۹۶، ۵۷۶، ۵۶۴، ۵۵۵، ۵۴۳، ۵۲۳ .  
 ۷۰۳، ۶۵۹، ۶۵۳، ۶۴۹، ۶۳۱، ۵۹۷ .  
 ۷۰۵ .  
 خبزه - ۲۳۶ .  
 خرد جام - ۶۰۳، ۵۴۳، ۳۰۸ .  
 خروزان - ۲۵۷ .  
 الخضریه - ۳۳۷ ح .  
 خفر (خیر) - ۱۵۳ ح .  
 خلیج فارس - ۴۵۲ .  
 خمسه (زنجان) - ۶۲۴ .  
 خوارزم - ۵۵۵، ۳۹ .  
 خوزستان - ۶۲۳، ۴۷۴، ۴۱۹، ۲۰۵ .  
 خیارج - ۲۵۷ .

## د

دارابجرد - ۱۵۳ ح .  
 دارالعباد (یزد) - ۶۶۵ .  
 دارالعلم (مدرسه شخصی سید رضی) - ۱۵۱ .  
 دارالکتب مرو - ۱۷۰ .  
 دامغان - ۱۹۳ .  
 دانشگاه صیدا - ۱۸۴ .  
 دان اصفهان - ۲۵۷ .  
 دردشت - ۳۵۸ .

سعادت آباد اصفهان - ۵۷۴ .

سعيد ( یرت سعيد ) ۳۷۱ .

سُغد - ۶۱۴، ۲۹۵ .

سلامه - ۴۴۶ .

سمرقند - ۳۶۷، ۳۲۰، ۲۹۵، ۲۷۱، ۱۷۰، ۹۴ .

۶۵۳، ۶۱۳، ۶۱۲، ۶۱۱ .

سمنان - ۶۰۷ .

سنجارشام - ۲۹۵ .

سند - ۶۱۳، ۲۱۷ .

سهرورد - ۶۲۴ .

سیاه دهن - ۲۵۸، ۴۵۷ .

سیحون - ۶۳۱ .

سیواس - ۴۳۰ .

سیوط ( اسیوط ) - ۳۳۷ ح .

ش

شاربن - ۲۵۷ .

شاهبران ( قلعه است ) ۴۶۵ .

شاش - ۶۳۱ .

شال - ۲۵۸، ۴۵۷ .

شاطیبه - ۵۴۸ .

شام - ۴۷۳ ح، ۴۱۸، ۲۲۴، ۲۹۵، ۴۱۷، ۴۳۰ .

۴۵۳ ح، ۴۶۶، ۵۰۸، ۵۲۹، ۵۵۳ .

شاه درك ( قلعه است ) - ۶۶۰ .

شدونه - ۳۷ ح .

شروان - ۶۰۹، ۴۶۵، ۴۶۳ .

شریش - ۳۷ ح .

شط العرب - ۳۲۵ .

سفروه - ۹ .

سفر - ۵۴۸ .

شوشتر - ۴۷۵، ۴۷۴، ۴۷۳ .

شهر ری ( قصبة حضرت عبدالعظیم ) - ۲۶۶ .

شیراز - ۲۱۲، ۲۱۰، ۲۰۵، ۱۴۸، ۱۴۱، ۷۷ .

۳۲۵، ۳۲۳، ۲۹۱، ۲۴۲، ۲۳۴، ۲۳۳ .

۴۳۰، ۴۲۹، ۴۲۱، ۳۷۰، ۳۶۷، ۳۵۱ .

۵۵۹، ۵۱۷، ۵۱۵، ۵۱۰، ۵۰۹، ۴۵۲ .

۶۴۲، ۶۳۸، ۶۲۷، ۶۲۴، ۵۸۱، ۵۶۱ .

۶۴۹، ۶۴۸ .

ص

صباغیه - ۳۲۵ .

صفد - ۷۳ ح .

صقلیه ( جزیره ) - ۵۰۸ .

صیره - ۲۸۱ .

ط

طائف - ۲۳۶ .

طالقان خراسان - ۶۳۱ ح .

طهران - ۵۳، ۵۱، ۴۰، ۳۹، ۳۱، ۲۵، ۲۱، ۱۶ .

۹۵، ۹۴، ۸۹، ۸۷، ۸۰، ۷۱، ۶۹، ۵۶، ۵۵ .

۹۶ ح، ۱۳۴، ۱۲۹، ۱۲۶، ۱۰۴، ۹۸ .

۱۴۷، ۱۴۶، ۱۴۳، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۵ .

۲۰۴، ۲۰۳، ۲۰۱، ۱۹۱، ۱۴۹، ۱۴۸ .

۲۶۳، ۲۴۱، ۲۴۰، ۲۳۱، ۲۰۷، ۲۰۵ .

۳۶۲، ۳۵۴، ۳۰۵، ۳۰۰، ۲۹۲، ۲۶۶ .

۴۶۰، ۴۳۴، ۴۳۱، ۴۰۷، ۴۰۱، ۳۸۱ .

۴۹۰، ۴۸۸، ۴۸۳، ۴۷۹، ۴۷۸، ۴۶۲ .

۶۰۳، ۵۹۰، ۵۱۵، ۴۹۹، ۴۹۵، ۴۹۴ .

۶۵۸، ۶۴۹، ۶۲۴، ۶۲۳، ۶۱۹، ۶۰۸ .

۶۷۰ ح، ۶۸۷، ۶۸۶، ۶۷۱ .

ع

عامل شام - ۶۲۸ ح .

عراق - ۴۶۶، ۴۴۰، ۲۳۴، ۱۰۰، ۵۱، ۴۷ .

۵۴۳، ۵۰۸، ۴۷۷ .

عراق عرب - ۶۹۸، ۴۵۰، ۴۱۲، ۱۳۷ .

غ

غجدوان - ۴۱۶ ح .

غرجستان - ۶۳۷ .

غرماني ( گرماني - آلمان ) - ۹۶ .

غری ( نجف اشرف ) - ۳۵۸ .

غزین - ۵۸۸، ۸۸ .

غوطا - ۲۸۳ .

ف

فاریاب - ۶۳۱، ۱۸۱ .

فارس ( یارس ) - ۱۵۳، ۱۳۶ ح، ۲۱۲، ۲۱۰ .

۴۸۳، ۴۳۰، ۴۲۶ ح، ۳۲۳، ۲۱۵، ۲۱۴ .

۶۶۹ .

فاس - ۲۳۹ .

فدشکو - ۴۳۶ ح .

فرانسه - ۵۴۹ .

قسا ( بسا ) - ۴۲۶، ۱۵۳ ح .

فلسطین - ۵۰۸ .  
فیروز آباد فارس - ۲۳۲ .  
ق  
قائن خراسان - ۱۸۹ ح، ۷۰۲ .  
قاهره ( مصر نیز دیده شود ) - ۷۳، ۱۶۳۰۹ .  
۳۷۶، ۳۳۰ .  
قرش - ۳۰۰ ح .  
قبر آقا - ۶۷۰ ح .  
قرطبه - ۴۳۶ ح .  
قرقه - ۲۵۷ .  
قزوین - ۳۸۹، ۲۵۷، ۲۱۰ .  
قسطنطنیه ( اسلامبول نیز دیده شود ) - ۱۹۷،  
۲۶، ۲۶۴، ۲۸۸ ح، ۲۴، ۸۰، ۶۹۳ .  
قصر احمد بهمن شاه - ۳۹۱ .  
قصر زر استر اباد - ۳۶۷ .  
ققاز - ۲۵ .  
قهقهه ( قلعه ) - ۴۶۱ .  
قم - ۲۱۰، ۴۴۰، ۵۲۴، ۵۲۶، ۶۲۶، ۶۲۷ .  
۷۰۴، ۷۰۳، ۶۸۳، ۶۷۱ .  
قوس ( کرمانشاهان ) - ۱۹۴ .  
قونیه - ۲۹۶ .  
ق  
کانپور - ۶۳۹ .  
کاشان - ۱۰۳، ۱۷۶ ح، ۶۲۶، ۶۶۰، ۷۰۳ .  
کاشان ( از شهرهای افسر نک ) - ۶۱۳ ح .  
کارزین - ۲۳۳ .  
کازرون - ۲۳۲ ح، ۴۸۴ .  
کاشغر - ۲۰۲ ح .  
کازمین - ۱۳۴ .  
کتابخانه آستانه - ۲۳۸ .  
کتابخانه آستانه مقدس علی بن ابی طالب ع - ۱۳۸ .  
کتابخانه آصفیه دکن - ۱۹۰ .  
کتابخانه آقای تقوی - ۶۵۸ .  
کتابخانه احمدیه حلب - ۱۶۹ .  
کتابخانه اسمعیل پاشا در اسلامبول - ۱۲۹ .  
کتابخانه اسکوریان - ۱۵۴ ح .  
کتابخانه الجزائر - ۲۳۷ .  
کتابخانه اهلایه یاریس - ۵۰۸ .  
کتابخانه ادا صوفیا - ۱۶۹ .

مسجده جامع نیشابور - ۱۹۶ .  
 مسجده شاه تهران - ۵۵ .  
 مشان - ۱۹ .  
 مشهد مقدس - ح ۵۵، ح ۱۲۳، ح ۱۲۶، ح ۱۲۹،  
 ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۳۷، ۲۷۴، ۲۷۹، ۵۷۵، ۵۹۶،  
 ۶۳۹، ۵۹۸ .  
 مصر - ۴، ۸، ۷۰، ۵۰، ۸، ۱۲، ۱۳، ۱۹، ۳۷، ۴۷،  
 ۷۳، ۷۷، ۷۹، ۸۰، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۲،  
 ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۵۴، ۱۹۸،  
 ۲۰۷، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۸،  
 ۲۴۰، ۲۸۲، ۲۸۸، ۲۹۲، ۳۰۱، ۳۰۴،  
 ۳۰۷، ۳۱۰، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۲۱، ۳۳۱،  
 ۳۳۳، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۷، ۳۵۷، ۳۶۹،  
 ۳۷۰، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۸۱، ۳۸۳،  
 ۳۸۸، ۳۹۱، ۳۹۳، ۳۹۵، ۳۹۸، ۴۰۲،  
 ۴۲۰، ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۳۳، ۴۳۶، ۴۴۰،  
 ۴۵۷، ح ۴۵۷، ۵۰۴، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۰۴، ۵۰۴، ۵۰۹،  
 ۵۸۶، ۶۱۰، ۶۱۶، ۶۶۹ (قاهره نیز دیده شود)  
 مطبعه احمدی شیراز - ۱۴۰ .  
 مکتب هندی - ۳۷۶ .  
 مکه ( بیت الله حرام ) - ۳۵، ۴۸، ۵۰، ۲۱۲، ح  
 ۲۳۴، ۲۴۵، ۲۷۳، ۳۹۴، ۴۰۰، ۴۵۷،  
 ۴۵۸، ۴۶۶، ۴۷۸، ۵۳۰، ۵۵۱، ۵۸۶،  
 ۶۰۵ .  
 ملطیه - ۴۳۰ .  
 ملایر - ۶۷۵، ۴۷۲ .  
 مندو - ۴۸۶ .  
 منیر - ۱۹۰ ح .  
 موریان - ۴۱۹ ح .  
 موزور - ۳۷ ح .  
 موزه بریتانیا - ۱۰ .  
 موزه لندن - ۳۱۵ ح .  
 موصل - ۳۶۴، ۴۱۶، ۴۶۶، ۵۰۸، ۵۲۶، ح  
 ۵۲۹ ح .  
 مؤمن آباد هند - ۵۱۶ .

ن

نائین - ۲۸ .

لاهیجان - ۵۵۸ .  
 لبنان - ۲۸۲ .  
 لقانطه - ۳۱ .  
 لکنو - ۳۶ .  
 لکنهو - ۱۹۰، ۲۱۵، ۳۷۲، ۵۱۹ .  
 لندن - ۸۰ .  
 لوزقه - ۳۸۳ ح .  
 لیزیک - ۳۰۳، ۷۱ .  
 لیدن - ۳۳۱، ۳۵۶، ۳۷۶ .  
 م  
 مازندران - ۶۲۹، ۶۲۸، ۵۰۸ .  
 ماوراءالنهر - ۲۰۰ ح، ۴۳۲، ۶۱۰، ۶۱۳،  
 ۶۷۳ .  
 محمود آباد هند - ۲۵۷ .  
 مدائن - ۴۶۳ .  
 مدرس ( یکی از شهرهای هندوستان ) - ۸۹ .  
 مدرسه جده اصفهان - ۶۹۶ .  
 مدرسه جعفریه اصفهان - ۴۲۱ .  
 مدرسه خواجه تاج الدین حسین - ۴۰۸ .  
 مدرسه دارالشفاء شیراز - ۳۶۸ .  
 مدرسه صالحیه ( مدرسه نواب ) - ۴۷۹، ۴۸۰ .  
 مدرسه صدر تهران - ۹۳ .  
 مدرسه عمادیه ( در دمشق ) - ۵۰۴ .  
 مدرسه قنبر علیخان - ۳۵۳ .  
 مدرسه کاسه گران اصفهان - ۶۷۱ .  
 مدرسه محمدیه امپریه مصر - ۷۴ .  
 مدرسه مروی - ۲۹۲ .  
 مدرسه مقیمیه شیراز - ۴۲۱ .  
 مدرسه منصوریه شیراز - ۴۱۲ .  
 مدرسه نجم آبادی دربخش سنگلج تهران - ۱۴۸ .  
 مدرسه نظامیه بغداد - ۲۳۴ .  
 مدینه طیبه - ۲۰۵، ۲۱۲، ح ۲۱۷، ح ۲۳۴،  
 ۲۳۹، ۲۶۵، ۲۸۹، ح ۴۵۸، ۵۰۵، ۶۸۹،  
 مراغه - ۲۱۹، ۴۸۷، ۵۲۹ .  
 مرغان - ۶۱۳ .  
 مرو - ۶۳۷ .  
 مسجد بنی حرام - ۹۰ .  
 مسجد جامع عتیق شیراز ( مسجد جمعه ) - ۴۲۱ ح،  
 ۴۲۹ .



هزار جریب - ۶۲۹ .  
 همدان - ۴۶۶، ۴۵۹، ۲۸۶، ۸۷، ۸۶ .  
 هند - ۱۴۰، ۱۰۰، ۹۵، ۹۲، ۸۹، ۸۰، ۳۶ .  
 ۱۹۰، ۱۶۳، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۱ .  
 ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۱۹ .  
 ۲۲۰، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۸۳، ۲۸۴ .  
 ۲۹۳، ۳۰۴، ۳۲۴، ۳۳۱، ۳۳۸، ۳۷۵ .  
 ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۹۱، ۳۹۵، ۳۹۸، ۴۰۸ .  
 ۴۲۰، ۴۵۲، ۴۶۶، ۴۷۳، ۴۷۶، ۴۸۵ .  
 ۴۹۷، ۵۱۴، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۲۱، ۵۲۳، ۵۲۸، ۵۷۲، ۵۷۴، ۵۷۹، ۵۸۱ .  
 ۵۸۸، ۵۹۰، ۶۱۵، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۸ .  
 ۶۳۹، ۶۶۹، ۶۸۲، ۶۸۷، ۶۸۹ .  
 هیرمند - ۲۱۰ .  
 ی  
 یزد - ۴۸۴، ۴۵۷، ۴۵۷، ۴۹۸ .  
 یکی جامع (کتابخانه) - ۱۹۶ .  
 یمن - ۱۸۱، ۲۳۴، ۲۳۹، ۳۷۵، ۳۸۰ .

نجف اشرف - ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۳۸، ۶۵، ۵۴ .  
 ۳۶۱، ۶۰۵، ۶۲۹ .  
 زرجه - ۲۵۷ .  
 نسا - ۵۶۴، ۵۶۵ .  
 نطنز - ۱۷۶، ۱۷۷ .  
 نظامیه - ۳۱ .  
 نواج - ۷۳، ۷۴ .  
 نوقان (محلّه در مشهد) - ۱۳۳، ۱۳۴ .  
 نوقان - نزدیک نیشابور - ۱۲۳ .  
 نیشابور - ۸۷، ۱۲۳، ۱۹۳، ۲۸۲، ۳۲۰، ۳۲۱ .  
 ۴۴۷، ۴۳۲، ۶۳۲، ۶۵۹، ۶۹۴ .  
 و  
 واسط - ۵۰۸ .  
 ولازیکرد - ۲۵۷ .  
 وین - ۱۲ .  
 ه  
 هرات - ۸۸، ۲۸۲، ۲۸۳، ۶۵۳، ۶۳۷، ۵۵۸ .  
 هزاره بلخ - ۵۱۶ .

## فهرست کتب مشرقیه

کتابهاییکه بمناسبت در این مجلد از فهرست نام برده شده در اینجا بترتیب حروف تهجی با قید صفحات مرتب گردید و چون اندک معرفی از آنها شده باشد شماره صفحات را با شماره های سیاه معین کرده ایم .

- |  |  |
|--|--|
| <p>الاختيارات من شعر الشعراء - ۵۵۳ .</p> <p>اخلاق النبي ( سيرة النبي ) - ۲۸۹ .</p> <p>ادب الکاتب ( ابن انباری ) - ۷ .</p> <p>ادب الکاتب ( ابن دريد ) - ۷ .</p> <p>ادب الکاتب ( ابو جعفر احمد بن محمد نجاس ) - ۷ .</p> <p>ادب الکاتب ( صفدي ) - ۷ .</p> <p>ادب الکاتب علی الحقيقة ( شرح ادب الکاتب ) - ۷ .</p> <p>اداة الفضلا - ۲۲۱، ۱۹۱ .</p> <p>اربعة ( ميرفيض الله حسيني تفرشي ) - ۱۰۴ .</p> <p>اربعة ( شيخ طريحي ) - ۲۷۳ .</p> <p>اربعة ( شهيد اول ) - ۱۰۴ .</p> <p>اربعة ( منظوم - امير عيشير ) - ۵۳۹ .</p> <p>الازمنة - ۲۷۰ .</p> <p>اساس السياسة ( شرح عهدنامه الكاشغر ) - ۱۴۱ .</p> <p>الاستفاهة الى الاخوان الثلاثة - ۹۳ .</p> <p>استقصاء النظر في امامة الائمة الاثني عشر - ۵۲ .</p> <p>استنجاز الوعد - ۷۹ .</p> <p>الاستيعاب ( تأليف ابن عبد البر ) - ۱۲۷ .</p> <p>اسرار البلاغة - ۳۱۵ .</p> <p>اسرار الشهود - ۵۶۰ .</p> <p>اسرار فاتحه - ۶۸۲ .</p> <p>الاسعاد بالاصعاد الى درجة الاجتهاد - ۲۳۶ .</p> <p>اسماء السراح في اسماء النكاح - ۲۳۶ .</p> <p>الاسمي في الاسماء - ۲۹۶ .</p> | <p>آثار البلاد ( از مآخذ است ) - ۴۶۳ .</p> <p>آثار المعجم فرصت ( از مآخذ است ) - ۵۸۱ .</p> <p>آداب البحث قاضي عضد ايجي - ۳۲۱ .</p> <p>آداب العشرة - ۵ .</p> <p>آرايش نگار - ۶۲۲ .</p> <p>آئينه اسکندري ( از خسه امير خسرو دهلوی ) - ۵۱۹ .</p> <p>ابتهاج النفوس بذکر مافات القاموس - ۲۳۷ .</p> <p>ابواب الجنان - ۳۱۷ .</p> <p>ابواب الحكم ( ترجمه فارسی کلمات قصار ) - ۱۴۷ .</p> <p>الاتباع والمزاوچه - ۲۸۸ .</p> <p>اثارة اللجون في زيارة الحجون - ۲۳۶ .</p> <p>اثني عشرية ( اصول ) - ۲۷۳ .</p> <p>اجروميته - ۳۱۰ .</p> <p>الاحتجاج في مسائل الاحتياج - ۲۷۳ .</p> <p>احسن التواريخ - ۴۱۲ .</p> <p>احوال الصغابة والنايعين - ۲۰۵ .</p> <p>احياء العلوم - ۴۲۴ .</p> <p>اخ القرآن ( نهج البلاغه ) - ۴۳ .</p> <p>اخبار ذوالرمة - ۵۹۸ .</p> <p>اخبار قضاء بغداد - ۱۵۳ .</p> <p>اختلاف تأويل الحديث ( تأويل مختلف الحديث ) - ۵ .</p> <p>اختلاف النجوين - ۲۸۸ .</p> <p>اختيارات بديعي - ۲۵۲ .</p> |
|--|--|

- ۵۶۱ . اشارات ابوعلی - ۱۲۷ .  
 الاشارة الى ما في كتب الفقه من الاسماء والاماكن  
 واللغات - ۲۳۷ .  
 الاشباح والنظائر - ۳۴۰ .  
 الاشتقاق ( قطرب ) - ۲۷۰ .  
 اشعه قدسيه - ۹۸ .  
 اشعة اللمعات - ۳۵۸ .  
 اشك وآه - ۵۱۸ .  
 اصباح ( شرح مصباح مطرزی ) - ۳۷۳ .  
 الاصباح ( در فقه ) - ۶۱ ح .  
 اصناف الدرر ( ترجمه غرر الحكم ) - ۷۷ .  
 اصلاح غلط ابی عبید ( در غریب حدیث ) - ۵ .  
 الاصلاح للخلل الواقع فی الصحاح - ۱۹۵ .  
 اصلاح المنطق - ۲۹۷، ۳۹ .  
 الاضام - ۷۹ .  
 اصول آدمیت و اصول مذهب دیوانیان - ۶۸ .  
 اصول دین ( رکن الدین استرآبادی ) - ۳۶۴ .  
 اصول الفصول - ۴۹۱ .  
 اصول الفقه - ۲۸۹ .  
 اصول الملاحم ( ملجمه دانیال ) - ۲۴۷ ح .  
 الاصول المنطقیه - ۳۶۷ .  
 اضافة الادموس و رياضة النفوس - ۲۳۸ .  
 اضافة الادموس و رياضة الشموس - ۴۳۸ .  
 اضافة الراموس و افاضة التاموس - ۲۳۸ .  
 الاضداد ( قطرب ) - ۲۷۰ .  
 الاطول ( شرح تلخیص المفتاح ) - ۳۲۰ .  
 الاعتبار - ۴۲ .  
 اعجاز خسروی - ۵۱۸ .  
 اعجاز القرآن صغیر - ۳۱۵ .  
 اعجاز القرآن کبیر - ۳۱۵ .  
 اعراب الفیه ابن مالک - ۳۱۰ .  
 الاعراب عن قواعد الاعراب - ۲۰۷ .  
 اعراب القرآن - ۵ .  
 الاعلام ( اکمال الاعلام ) - ۳۰۴ .  
 اعلام نهج البلاغه ( شرح نهج البلاغه ) - ۱۳۹ .  
 اغانی - ۵۸۵ ح .  
 اقتتاح ( شرح مصباح مطرزی ) - ۳۷۳ .  
 اقتنار الملوک ( نام یکی از قصائد اظهری است ) -
- ۵۶۱ .  
 افسانه شیرین ( خسرو شیرین منشور ) - ۵۲۸ .  
 الانصاح ( الايضاح ) - ۳۹ .  
 الانصاح - ۳۰۹ .  
 الانصاح فی زوائد القاموس علی الصحاح - ۲۴۰ .  
 اقبال ( سید ابن طاوس ) - ۱۵۶ .  
 الاقتضاب ( شرح ادب الکتاب ) - ۶ .  
 اقرب الموارد - ۸۷ .  
 اقلید ( شرح مفصل ) - ۳۹۸ .  
 الاقناع لما حوی تحت القناع - ۳۹ .  
 اقنوم عجم - ۲۶۵ .  
 الاقبانوس البسيط فی ترجمة القاموس المحيط -  
 ۲۳۸ .  
 اکمال الاعلام ( الاعلام ) - ۳۰۴ .  
 الهی نامه حسینی - ۵۱۱، ۵۱۰ .  
 السنه ثلاثه - ۲۴۹ .  
 الفیه ابن شحنه - ۴۳۳ .  
 الفیه و شلفیه - ۵۵۷ .  
 امالی بدیع همدانی - ۸۸ .  
 الامالی النجوبه ( ابن حاجب ) - ۳۳۱ .  
 الامامة والسياسة - ۵ .  
 امتحان الفضلاء سنگلاخ ( از ماخذ است ) - ۶۱۷ .  
 امتضاء السهاده فی اقتراض الجهاد - ۲۳۶ .  
 امثال علی ( ترجمه کلمات قصار ترکی ) - ۱۴۵ .  
 امثال وحکم ( دهخدا ) - ۲۹۴ .  
 امواج العباد ( نام یکی از قصائد اظهری است ) -  
 ۵۶۱ .  
 الانتصار لشعب - ۲۸۸ .  
 الانتقاد - ۳۷۳ .  
 انساب سماعی - ۶۰۴ .  
 انس اللهقان ( صد کلمه از عثمان - رض ) - ۴۴۰ ح .  
 انشراح الصدر ( مختصر دیوان رضی ) - ۱۵۴ ح .  
 الانصاف - ۱۱۷ .  
 الانصاف فی الجمع بین الكشف والكشاف - ۲۹۹ .  
 انموزج - ۳۹۸، ۳۴۰ .  
 انموزج جلیل من اسئلة واجوبه من غرائب آی -  
 التنزیل - ۲۷۸ .  
 الانواء - ۵ .  
 انواء الغیث فی اسماء الملیث - ۲۳۶ .

انوار العیون ( نام یکی از قصائد اظهری است ) - ۵۶۱ .

انوار الفصاحه و اسرار البلاغه ( شرح نهج البلاغه نظام الدین گیلانی ) - ۱۴۱ .

انوار ناصریه - ۱۷۵ .

الانوار النعمانیة - ۳۲۵ .

انهار جاریه - ۷۷ .

اوستا - ۲۵۹ .

الایضاح ( ابن حاجب ) - ۳۳۱ .

ایضاح ( ظاهر آ از ابوعلی است ) - ۳۱۵ ح .

## ب

البارع - ۵۰۶ .

الباهر فی الفروق فی النحو - ۲۹۹ .

البایوس ( احمد ابن صکر ) - ۲۴۰ .

البحر الخضم - ۵۲ .

البحر - ۷۹ .

بدایع الجمال - ۵۱۳ .

بدایع الوسط - ۵۳۹ .

البدیع فی شرح الفصول - ۲۹۹ .

بدرة المعانی فی ترجمة الآلی ( ترجمه منظوم

نثر الآلی ) - ۱۴۵ .

البرق الشامی - ۵۰۴ .

بساتین الفضلا و ریاحین العقلا ( شرح تاریخ عتبی ) -

۴۴۵ .

بسحق اطعمه - ۱۹۱ .

البسیط ( شرح کبیر کافیه کن الدین استرآبادی )

۳۶۵ .

بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز - ۲۳۵ .

بلاغ المنهج ( شرح نهج البلاغه شهرستانی ) -

۱۴۷ .

البلغة فی تراجم ائمة النجاة واللغة - ۲۲۶ .

بلغة المترجم فی اللغة - ۲۹۶ .

بلقیس و سلیمان ( سلیمان و بلقیس - نظام اسنر آبادی )

۶۸۹ .

البنین و البنات و الآباء و الامهات ( المرصع فی -

الآباء و الامهات ) - ۳۰۰ .

بوستان - ۴۵۳ .

بهارستان ( جامی ) - ۳۵۸ .

بهر روز و بهرام ( سنائی ) - ۴۹۴ .

بهجة الحدائق ( شرح نهج البلاغه گلستانه ) - ۱۳۳ .

بهجة النفوس فی المحاکمه بین الصحاح و القاموس

( شرح قاموس ) - ۲۳۹ .

بیان الاعراب - ۱۹۴، ۱۸۱ .

بیان التصریف - ۲۴۴ .

بیان الصناعات - ۲۴۷ .

بیان الطب - ۲۴۷ .

بیان مذاهب شیعه - ۷۹ .

اللیان و التبیین - ۷۹ .

## پ

پازند ( شرح زند ) - ۲۵۹ .

پولتیکهای دولتی - ۶۸ .

پیدایش خط و خطاطان ( از مأخذ است ) - ۶۴۹ ح .

## ت

تأویلات ملا عبد الرزاق - ۳۵۰ .

تأویل مختلف الحدیث ( اختلاف تأویل الحدیث ) - ۵۰ .

تأهیل الغریب - ۷۳ .

تاج العروس من جواهر القاموس - ۴۳۸ .

التاج فی اخلاق الملوك - ۷۹ .

تاج المآثر - ۱۹۱ .

تاج المصادر - ۲۸۲ .

تاریخ الآداب العربی ( از مأخذ است ) - ۹۱ .

تاریخ آل عثمان ( ابن کمال باشا ) - ۲۶۰ .

تاریخ اخبار البشر - ۳۲۰ ح .

تاریخ ادبیات ( دکتر رضا زاده شفق ) - ۱۳ .

تاریخ الاسلام - ۳۰۳ .

تاریخ اکبری - ۵۲۱ .

تاریخ انبیا ( نوائی ) - ۵۳۹ .

تاریخ بغداد - ۲۹۵ .

تاریخ جهانگشای جوینی - ۱۷۰ .

تاریخ حلب - ۴۳۳ .

تاریخ خاتون آبادی - ۶۰ ح .

تاریخ دهلی - ۵۱۸ .

- تاریخ سحاب - ۴۶۱ .  
تاریخ سلاجقه (زبدة النصرة ونخبة العصور) - ۵۰۵ .  
تاریخ طبری - ۱۲۷ .  
تاریخ عتبی - ۴۴۵ .  
تاریخ علائی ( خزائن الفتوح ) - ۵۱۸ .  
تاریخ غزالی - ۵۵۴ ح .  
تاریخ ملوک عجم (امیرعلیشیر) - ۵۳۹ .  
تبیان نافع - ۱۶۳ .  
المنته - ۳۱۵ .  
تجارب السلف - ۲۱ .  
التجاریخ فی فوائد متعلقة باحداث المصاییح - ۲۳۶ .  
تجريد - ۳۶۷ .  
تجريد التجريد - ۲۶۰ .  
تجريد الموشين فی مایقال بالسين والشين - ۲۳۶ .  
تحرير مجسطی - ۳۵۰ .  
التحصيل والتفصيل لكتاب التكمیل (شرح تسهيل الفوائد است) - ۳۰۷ .  
التحفة - ۳۲۵ .  
تحفة الاراد (سید حسین بن مساعد) - ۱۳۸ .  
تحفة ابن حجر - ۲۳۹ .  
تحفة الایه فی من نسب الی غیرایه - ۴۳۷ .  
تحفة الاحباب - ۲۲۰ .  
تحفة الحرمين - ۴۷۸ .  
تحفة خاقانی - ۱۸ .  
تحفة سایمانیه (شرح عهدنامه مالک اشتر) - ۱۴۵ .  
تحفة الشاهیه - ۴۳۱ .  
تحفة الصديق (صد کلمه ابوبکر- رض) - ۴۴۰ .  
تحفة العالم - ۴۵۲ .  
تحفة القمائل فی من یرسمی من الملائکة والناس باسماعیل - ۲۳۶ .  
تحفة المورد فی المقصور والممدود - ۳۰۴ .  
تحفة الوارد و عقال الشارد - ۲۷۳ .  
تذکره تقی الدین کاشی - ۱۸۹ ح .  
تذکره عرفات - ۶۹۷ .  
التذکره فی الفوائد النادرة - ۲۰۶، ۲۰۵ .  
تذکره المعاصرين (تألیف محمد علی حزين) - ۵۷۳ .  
التربیع والتدوير - ۷۹ .
- ترتيب خلاصة العلامة - ۲۷۳ .  
الترجمان - ۲۸۰ .  
ترجمان القرآن ( ترجمه فارسی لغات قرآن کریم - مير سيد شريف جرجاني ) - ۳۶۸ .  
ترجمان القرآن (تألیف زوزنی) - ۲۸۳ .  
ترجمان اللغة قزوینی - ۲۳۹ .  
ترجمان المترجم بمنتهی الارب فی لغة الترك والعجم والعرب - ۲۵۴ ح .  
ترجمة ادب الكبير - ۱۴۱ .  
ترجمة اطواق الذهب - ۱۳ .  
ترجمة توحيد مفصل - ۱۴ .  
ترجمة جوك - ۲۵۵ .  
ترجمة شرح نهج البلاغه ابن ابی الحديد - ۱۳۰ .  
ترجمة شرح ابن عقيل ( آلمانی ) - ۳۳۴ .  
ترجمه كتاب شرح جامی ( ترکی ) - ۳۵۹ .  
ترجمه الشوق (قصیده ای از عرفی است) - ۶۳۹ .  
ترجمه صحیفه سجادیه بفارسی ( محمد هادی مازندرانی ) - ۳۵۲ .  
ترجمه صیدنه ابوریحان - ۲۲۳ .  
ترجمه الضوء ( ترکی ) - ۳۷۲ .  
ترجمه قاموسی فارسی (ضاهر آاز شیروانی است) - ۲۴۰ .  
ترجمه قرآن کریم بفارسی (محمد هادی مازندرانی) - ۳۵۲ .  
ترجمه کافی (محمد هادی مازندرانی) - ۳۵۲ .  
ترجمه کلمات قصار (هزار کلمه بفارسی) - ۱۴۶ .  
ترجمه کلمات قصار ترکی (امثال علی) - ۱۴۵ .  
ترجمه لغات ترکی بفارسی - ۱۶۱ .  
ترجمه مأثرة کلمه ( ترکی ) - ۱۴۴ .  
ترجمه مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه - ۴۹۱ ح .  
ترجمه معالم الاصول بفارسی ( محمد هادی مازندرانی ) - ۳۵۲ .  
ترجمه نثر اللالی (نوائی بفارسی) - ۵۳۹ .  
ترجمه نثر اللالی ( درة العمانی فی ترجمة اللالی ) - ۱۴۵ .  
ترجمه نثر اللالی (رشته جواهر) ترکی - ۱۴۵ .  
ترقیق الاسل فی تضییف العمل - ۲۳۶ .  
ترویج الارواح فی تهذیب الصحاح - ۱۶۶ .

- تقویم اللسان (محمد الخوارزمی) - ۸۲ .  
تقویم اللسان (محمد ذکاء الله) ۸۲ .  
تکمله (شرح تسهیل) - ۳۳۵ .  
تکمله الاخبار - ۴۶۲ .  
تکملة الحياة - ۱۳۴ .  
تکملة نفحات الانس - ۳۵۷ ح .  
تلخیص بیان عن مجازات القرآن - ۱۵۲ .  
تلخیص دیوان الادب (ابوسعید محمد بن جعفر) -  
۱۸۳ .  
تلخیص دیوان الادب (حسن بن مظفر) - ۱۸۳ .  
تلخیص القاموس - ۲۴۰ ح .  
تلخیص نامه - ۲۵ .  
تمثیلات - ۲۵ .  
تمرین الطلاب - ۳۱۰ .  
تمیز المنشأه من اسماء الرجال - ۲۷۲ ح .  
تنظیم لشکر و مجلس اداره - ۶۸ .  
تنبیه المقباس فی تفسیر ابن عباس - ۲۳۵ .  
التوضیف (حاشیه بر شرح تصریف) - ۳۱۸ ح .  
توضیح (ابن هشام) - ۷۳ ح .  
توضیح التذکره (شرح تذکره) - ۳۵۰ .  
توفیق امانت - ۶۸ .  
تهذیب الاسماء والکناة - ۱۷۰ .  
تهذیب الفصول - ۲۹۹ .  
تهیج الغرام الی بلد الحرام - ۲۳۶ .  
تیسیر فاتحة الالهاب بتفسیر فاتحة الكتاب - ۲۳۵ .  
تیغ تیز - ۱۶۳ .  
تیغ تیز تر - ۱۶۳ .

### ج

- الجاسوس علی القاموس - ۲۳۷ .  
جامع الاصول فی احادیث الرسول - ۳۰۰، ۲۹۹ .  
جامع التأویل فی تفسیر القرآن - ۲۸۹ .  
جام جهان نما - ۶۸۲ .  
جامع الرواة - ۶۰ .  
جامع الشواهد - ۳۳۸ .  
الجامع الصغير (ابن هشام) - ۳۰۷ .  
جامع الفقه - ۵ .  
جامعة الفوائد - ۲۷۳ .

- التسوية بين العرب والعجم - ۵ .  
تسهیل - ۳۳۵ .  
تسهیل طریق الوصول الی الاحادیث الزائدة علی  
جامع الاصول - ۲۳۶ .  
تصحیح المقیاس فی تفسیر القسطاس - ۳۱۳ .  
التطریف (حاشیه ابن هلال بر شرح تصریف) -  
۳۱۸ ح .  
تعريفات العلوم - ۳۶۷ .  
التعريف علی تغلیط التطریف - ۳۱۸ ح .  
تعلق نامه - ۵۱۸ .  
تعلیق خلاف الفقهاء  
التعليقات الوافية (شرح الدررة الالفيه ابن معط) - ۳۷ .  
التعليق الوجيز علی الكتاب العزيز - ۳۳۳ .  
تلخیص الاعراب الشافیه فی حل التركيب الکافی -  
۳۰۹ .  
تعلیم نامه در عمل آیه زدن - ۱۷۵ .  
تعیین الغرانات للمعین علی عین عرفات - ۲۳۶ .  
تفسیر آیه فارهبون - ۳۵۹ .  
تفسیر آیه الكرسي (عبد الوهاب استر ابادی) -  
۴۱۵ .  
تفسیر اسماء النبی - ۲۸۸، ۲۸۹ ح .  
تفسیر التحرير (حاشیه تحریر مجسطی) - ۳۵۰ .  
تفسیر قرآن (سوره بقره بنظم) - ۴۸۹ .  
تفسیر قرآن (ابن عباس) ۲۳۵ .  
تفسیر قرآن کریم (ابن کمال باشا) - ۲۶۰ .  
تفسیر قرآن (ابو الفتوح رازی) - ۴۹۳ .  
تفسیر قرآن (ثعلب) - ۲۹۹ .  
تفسیر قرآن کریم (جامی) - ۳۵۹ .  
تفسیر قرآن جزائری (حواشی قرآن) - ۳۲۶ .  
تفسیر قرآن (عکبری) - ۲۷۸ .  
تفسیر قرآن (علی بن ابراهیم) - ۱۲۸ .  
تفضیل النطق علی الصمت - ۷۹ .  
تقدمة دارات العرب - ۲۸۸ .  
تقدمة الفرائض - ۲۸۸ .  
التقريب (ازهری) - ۱۶۷ .  
تقویم اللسان (ابن جوزی) ۸۱، ۸۵ .  
تقویم اللسان (ابن قتیبه) ۸۲ .  
تقویم اللسان (زین الدین قاسم ابن قطلوبغا) - ۸۲ .

حاشیه بر تجرید العقاید ( رکن الدین استرابادی ) -  
۳۶۴

حاشیه بر تفسیر بیضاوی ( چلبی ) - ۴۰۲ .  
حاشیه بر توضیح - ۷۳ .

حاشیه بر تهذیب المنطق صغیر ( ملا عبدالله یزدی ) -  
۴۲۴

حاشیه بر تهذیب المنطق کبیر ( ملا عبدالله یزدی ) -  
۴۲۴

حاشیه بر جاربردی - ۷۳ .

حاشیه بر حاشیه ملا جلال بر تهذیب المنطق  
( ملا عبدالله یزدی ) - ۴۱۲ .

حاشیه بر حاشیه میرسید شریف بر شمسیه - ۳۲۱ .  
حاشیه بر حاشیه عبدالغفور ( مولی نور محمد ) -

۳۲۴

حاشیه بر حاشیه عبدالغفور ( سیالکوتی ) - ۳۲۴ .  
حاشیه بر رساله وضعیه - ۳۲۱ .

حاشیه بر شرح اصفهانی بر تجرید ( جرجانی ) -  
۲۶۷

حاشیه بر شرح تصریف تفتازانی ( التطریف ) -  
۳۱۸

حاشیه بر شرح تصریف ( شیخ ناصر الدین ) -  
۳۱۸ ح

حاشیه بر شرح توحید صدوق ملاخلیل ( شرح  
عربی ) - ۳۷۳ .

حاشیه بر شرح جامی ( جزائری ) - ۳۲۶ .  
حاشیه بر خطبه شفقیه ( سید عباس شوشتری ) -

۱۴۰

حاشیه بر شرح رضی بر کافیه ( جرجانی ) - ۳۶۷ .  
حاشیه بر شرح شمسیه قطبی ( اسفرائینی ) - ۳۲۱ ،

حاشیه بر شرح شمسیه ( جرجانی ) - ۳۶۷ .  
حاشیه بر شرح شمسیه ( ملا عبدالله یزدی ) -

۴۱۲

حاشیه بر شرح عقاید نسفی - ۳۲۱ .

حاشیه بر شرح متوسط کافیه ( جرجانی ) -  
۳۶۷

جامع کبیر - ۳۸۳ .

الجامع الکبیر ( ابن هشام ) - ۳۰۷ .

جامع اللغات ( فرهنگ نیاززی حجازی ) - ۲۲۱ .

جامع المقال فی تمییز المشتركة من الرجال - ۲۷۲ .

جامع المقدمات - ۳۴۴ .

جامع النحو - ۵ .

الجلید الانیس فی اسماء الخندیس - ۲۳۶ .

جرات - ۹۸ .

چشید و خورشید ( سلمان ) - ۶۰۷ .

الجمع بین المباب والمحكم - ۱۷۴ ح

جل ( ابو عبدالله محمد بن هشام ) - ۶۶۸ .

جل ( تألیف حسین بن احمد ) - ۳۱۵ .

الجل الکبیر زجاجی - ۳۱۵ .

الجبهره ( ابن درید ) - ۶۹۰ .

الجنة الغالیة و الجنة الغالیة - ۱۲۱ .

جواهر - ۳۳ .

جواهر الاسرار ( آذری ) - ۶۴۲ .

جواهر البحور - ۳۷۶ .

جواهر الكلمات فی العقود والایقاعات - ۲۸۱ .

جواهر المطالب فی فضائل علی بن ابی طالب ع -

۲۷۳

جواهر النصوص فی حل کلمات الفصوص - ۳۵۸ ح

جهانگشای نادری - ۲۶۸ .

الجبید من شعر ابی تمام - ۱۵۳ .

ح

حاسد و محسود - ۷۹ .

حاشیه بر ارشاد ( از عباسی و درقه شافعی است ) -

۴۳۵

حاشیه بر اسنبصار ( جزائری ) - ۳۲۶ .

حاشیه بر اوضاع المسالك - ۳۰۸ .

حاشیه بر ايضاح ابوعلی فارسی - ۱۵۳ .

حاشیه بر بحث موضوع از حاشیه ملاجلال -

۴۱۲

- حاشیه بر شرح مطالع ( جرجانی ) - ۳۶۷ .  
 حاشیه بر شرح مفتاح سید شریف - ۴۰۷ .  
 حاشیه بر شرح مواقف ( چلبی ) - ۴۰۳ .  
 حاشیه بر شرح هدایة اثیریة میبدی - ۳۲۳ .  
 حاشیه بر شرح هدایة اثیریة ( میرک ) - ۴۱۵ .  
 حاشیه بر شفا ( شمنی ) - ۳۸۰ .  
 حاشیه بر عوامل ملا محسن ( نظر علی جیلانی ) - ۳۹۴ .  
 حاشیه بر فوائد شیخ میثم بحرانی - ۳۶۷ .  
 حاشیه قاموس ( شمس العلماء ) - ۲۴۱ .  
 حاشیه قاموس ( چلبی ) - ۲۴۰ .  
 حاشیه بر کبری - ۳۲۱ .  
 حاشیه بر کشف - ۲۶۰ .  
 حاشیه بر کشف ( جابر دی ) - ۳۴۹ .  
 حاشیه بر کشف ( جرجانی ) - ۳۶۷ .  
 حاشیه بر کشف ( حافظ ) - ۵۸۰ .  
 حاشیه بر مختصر ( چلبی ) - ۴۰۲ .  
 حاشیه بر مختصر ( مولانا زاده خطائی ) - ۴۰۶ .  
 حاشیه بر مختصر ( ملا عبد الله یزدی ) - ۴۱۲ .  
 حاشیه بر مطول ( جرجانی ) - ۳۶۷ .  
 حاشیه بر مطول ( خطائی ) - ۴۰۵ .  
 حاشیه بر مطول ( میرزا کمالا ) - ۴۲۷ .  
 حاشیه بر معتبر محقق ( طریحی ) - ۲۷۳ .  
 حاشیه بر مغنی ( جزائری ) - ۳۲۶ .  
 حاشیه بر هدایه - ۲۶۰ .  
 حاصل کورة الخلاص فی فضائل سورة الاخلاص - ۲۳۵ .  
 حاسن اللطائف فی محاسن الطائف - ۲۳۶ .  
 الحاوی - ۳۶۴ .  
 العجر - ۲۸۸ .  
 حدائق - ۳۳ .  
 حدائق الحقائق فی فسر قسائق احسن الخلائق ( شرح نهج البلاغه قطب کیدری ) - ۱۲۴ ، ۱۲۵ .  
 حدیقه ( نظامی ) - ۵۳۱ .  
 حرف غریب - ۶۸ .
- حسن المحاضره - ۳۰۳۷ .  
 الحسن من شعر الحسين ( منتخب شعر ابن الحجاج ) - ۱۵۲ .  
 حصار نای - ۶۷۷ .  
 حقائق التأویل فی متشابه التنزیل ( تفسیر سید رضی ) - ۱۵۳ .  
 الحکایه و المحکمی - ۵۰ .  
 حکم الامثال - ۵۰ .  
 حلیة الفقها - ۲۸۸ .  
 الجماسة المجدده - ۲۸۸ .  
 الحین الى الاوطان - ۷۹ .  
 حنین المستجیر الى حضرت المجیر - ۹۳ .  
 حیوة الحيوان - ۷۹ .  
 خ  
 خداوند نامه صبا - ۶۲۶ .  
 خزانه الادب - ۵۸۵ ح .  
 خزائن الفتوح ( تاریخ علائی ) - ۵۱۸ .  
 خسرو شیرین ( عنصری ) - ۶۴۵ .  
 خسرو شیرین مشهور ( افسانه شیرین ) - ۵۲۸ .  
 خصائص الائمة - ۱۵۳ .  
 الخطط الجديده ( الخطط النوفقيه الجديده ) - ۷۲ .  
 خلاصة الاشعار - ۴۴۰ .  
 خلاصة الاقوال - ۱۲۶ .  
 خلاصة الترجمان ( شرح خطیة البیان ) - ۱۴۰ .  
 خلاصه الترفیف بدقایق شرح التصریف - ۳۱۸ ح .  
 خلاصه لطایف الخیال ( تلخیص خالص ) - ۴۸۱ .  
 خلاصة المجموع ( مختصر مجمع الفرس سروری ) - ۳۲۳ .  
 خلد برین - ۶۹۸ .  
 خلع العذار فی وصف العذار - ۷۳ .  
 خلق الانسان ( ابن فارس ) - ۲۸۸ .  
 خلق الانسان ( ابن قتیبه ) - ۵۰ .  
 خلق الانسان ( قطرب ) - ۲۷۰ .  
 خلق الفرس - ۲۷۰ .  
 خلوت راز ( وحید قزوینی ) - ۶۹۹ .



- دیوان اشعار ( یدیع الزمان همدانی ) - ۸۸ .  
 دیوان شعر ( حریری ) - ۱۹ .  
 دیوان خواجو ( صنایع الکمال ) - ۵۱۳ .  
 دیوان سعدی - ۲۱۱ .  
 دیوان ( شیخ طریحی ) - ۲۷۳ .  
 دیوان شعر ( عماد کاتب ) - ۵۰۴ .  
 دیوان دوبیتی و رباعی ( عماد کاتب ) - ۵۰۴ .  
 دیوان منجیک - ۶۵۷ .  
 دیوان منصور شیرازی - ۲۱۱ .  
 دیوان مهیار دلیلی - ۵۴۹ .  
 دیوان ( قصائد و غزلیات هاتفی ) - ۵۴۳ .  
 دیوان کتاب - ۵ .  
 ذخیره الکلمات - ۲۸۸ .  
 الذریعة فی اصول الشریعة - ۴۲ .  
 ذکر حیب ( منتخب دیوان ابوتام ) - ۵۵۴ .  
 ذیل شقائق النعمانیة ( ترکی ) - ۳۳۳ .  
 ذم الخطاء فی الشعر - ۲۸۸ .  
 الذهب الابریز فی تقدیر کتاب العزیز - ۲۷۸ .  
 راز و نیاز ( وحید قزوینی ) - ۶۹۹ .  
 الراموز فی اللغة العربیة - ۱۹۶ .  
 ربیع الابرار - ۱۲۷ .  
 رجال نجاشی - ۵ .  
 رجل الطائوس فی اغلاط القاموس - ۲۳۸ .  
 الرجل و المنزل - ۵ .  
 رد بر قاموس ( مناوی ) - ۲۳۹ .  
 الرد علی المشبهه - ۵ .  
 الرد علی المنعبدین فی مشابه القرآن - ۲۷۰ .  
 رشنه جواهر ( ترجمه نشر البلای بر کی ) - ۱۴۵ .  
 رشحات سحاب - ۶۰۵ .  
 رفع الخساسة عن قراء الخلاصة - ۳۰۷ .  
 رفع الستور و الارائک - ۳۰۷ .  
 رفیق و وزیر - ۶۸ .  
 روشنائی نامه - ۶۸۷ .  
 روض الازهار - ۳۳۶ .  
 الروض المسلول فی ما له اسماء الی الوف - ۲۳۶ .  
 الروضة - ۴۷۳ .

- خمسہ المتحیرین - ۵۰۳۹ .  
 خنکیت و سرخیت - ۶۴۵ .  
 ۵  
 دائرة المعارف ( فرید وجدی ) - ۱۱۴ .  
 دافع هذیان - ۱۶۳ .  
 درایه شهید - ۲۰۶ ح .  
 الدرہ ( ترجمه عربی کبری ) - ۳۶۷ ح .  
 الدرۃ الفایقه فی العلم العربیة ( الفیه ابن معط ) - ۳۰۳ .  
 درۃ التاج لغرة الدبیاج - ۴۳۱ .  
 الدرۃ الفاخره فی تحقیق مذهب الصوفیة - ۳۵۹ .  
 درۃ نادری - ۲۶۸ .  
 الدرۃ النجفیة ( شرح نهج البلاغه ) - ۱۳۵ .  
 درۃ النوء ( شرح خطبة الضوء ) - ۳۷۳ ح .  
 الدرجات الرئیعة فی طبقات شیعة الامامیة - ۲۰۵ .  
 الدرر الغریبه فی المآثر المصطفویة - ۶۲۱ .  
 درر غرر ( در الکلم و غرر الحکم ) - ۱۱۰ .  
 الدرر الغالی فی الاحادیث الغوالی - ۲۳۶ .  
 درر الفرید فی معرفت التوحید - ۶۸۲ .  
 الدرر الکامنه - ۳۰۶ .  
 الدرر اللوامع علی معجم التهوامع - ۳۴۷ .  
 الدرر النثیر - ۳۰۱ .  
 الدرر النظیم الی فضائل القرآن المظیم - ۲۳۵ .  
 الدرر اللقیط فی اغلاط القاموس المحیط - ۳۳۷ .  
 دریای کبیر - ۵۸۱ .  
 دلائل الاعجاز - ۳۱۵ .  
 دلائل النبوه - ۵ .  
 دمیة القصر و عصرة اهل العصر - ۵۰۵ .  
 ده نامه ( منطق العشاق ) - ۴۸۷ .  
 دول رانی و خضر خانی - ۵۱۸ .  
 دیوان الادب فی نواذر شعر العرب - ۱۸۴ .  
 دیوان الارباب ( مختصر مغنی اللیب ) - ۳۹۵ .  
 دیوان رسائل و مکاتیب ( ابن اثیر ) - ۲۹۹ .  
 دیوان رسائل ( حریری ) - ۱۹ .  
 دیوان رسائل عربی ( عماد کاتب ) - ۵۰۴ .  
 دیوان رسائل فارسی ( عماد کاتب ) - ۵۰۴ .  
 دیوان شعر ( اثیر الدین اومانی ) - ۷۰۲ .

- الروضة الادبیه - ۳۰۷ .  
 روضة الانوار ( شرح نهج البلاغه زواری ) -  
 ۱۳۹ .  
 روضة الانوار ( یکی از کتابهای خمسة خواجه  
 است ) - ۵۱۵ .  
 روضة الرضا فی مدح ابی الرضا - ۹۳ .  
 روضة الشهداء - ۶۱ .  
 روضة الشهداء ( منظوم ) - ۴۸۹ .  
 روضة الفصاحة - ۲۷۸ .  
 روضة المجالس فی البديع المجانس .  
 روضة الناظر فی ترجمه شیخ عبدالقادر - ۲۳۶ .  
 روزنامه ارشاد - ۲۵ .  
 روزنامه دولتی - ۹۶ ح .  
 روزنامه شفق سرخ - ۳۵۸ ح .  
 روزنامه علمی - ۹۶ ح .  
 روزنامه ملت - ۹۶ ح .  
 ریاض الانشاء - ۱۰۱ .  
 ریاض السالکین ( شرح صحیفه سجادیه ) - ۲۴ ح .  
 ریاض الشعراء - ۲۱۹ .  
 رسائل بديع الزمان - ۱۸ .  
 رسائل جاحظ - ۷۹ .  
 رسائل سید رضی - ۱۵۳ .  
 رسائل طریحی - ۲۷۳ .  
 رساله در آداب بحث - ۵۲ .  
 رساله ابوحفص سوزی ( فرهنگ ) - ۲۲۱ .  
 رساله ابونصر علی طوسی ( فرهنگ اسدی ) -  
 ۲۲۱ .  
 رساله در اثبات خلافت علی علیه السلام ( غدیریّه ) -  
 ۳۴۲ .  
 رساله استعارات بديعیه - ۳۲۱ .  
 رساله استعارات سمرقندی ( الفرائد والقوائد =  
 سمرقندیّه ) - ۴۰۹ .  
 رساله الاضحویه ( ابوعلی ) - ۱۲۷ .  
 رساله در اغلاط قاموس - ۲۳۸ .  
 رساله در انتقاد از انشاء مجتهدات سه گانه روضة  
 الصفا - ۲۵ .  
 رساله در بیان نسب میان قضایا - ۳۲۱ .
- رساله در بند و موعظه - ۴۸۹ .  
 رساله در تحقیق لفظ جلاله - ۳۷۳ .  
 رساله در تحقیق مصورات اربع - ۳۲۱ .  
 رساله در تحقیق معنی حرف - ۳۶۷ .  
 رساله در تصور و تصدیق ( از قطب شیرازی  
 یا قطب رازی ) - ۴۳۱ ح .  
 رساله در تقسیم قضیه - ۲۲۱ .  
 رساله حسنیه - ۵۷ .  
 رساله در حکم فتاویل النبویه - ۲۳۷ .  
 رساله در رجعت - ۱۳۲ .  
 رساله در رضاع ( ابو الحسن عاملی ) - ۳۳ .  
 رساله در شرح حال امیر معزی و ممدوحین وی -  
 ۶۸۰ .  
 الرسالة الشریعیه ( در آداب البحث ) - ۳۶۷ .  
 رساله در طریقه سادات نقشبندیّه - ۳۵۸ .  
 رساله در عروض ( ادیب صابر ) - ۴۴۶ .  
 رساله در عروض ( جامی ) - ۳۵۹ .  
 رساله در علم - ۵۲ .  
 رساله در علم حساب ( نظام الدین نیشابوری ) -  
 ۳۵۰ .  
 رساله در علم فراست یا قیانه - ۱۴۱ .  
 رساله غیبیه - ۶۸ .  
 رساله در فن اصول حدیث - ۳۶۷ .  
 رساله در کلامه لاله الاالله - ۳۹۵ .  
 رساله معادیه ( ابوعلی ) - ۱۲۷ .  
 رساله محمد هندوشاه ( صحاح العجم ) - ۲۲۱ .  
 رساله در موسیقی ( جامی ) - ۳۵۹ .  
 رساله معربات - ۲۱۸ .  
 رساله در معرفت تقویم ( پیوسته به شماره ده  
 کتابخانه و ۸۹۱ فهرست است ) - ۲۶۸ .  
 رساله در معانی ( نائیر ) - ۵۷۴ .  
 رساله در معانی صغیر و متوسط و کبیر ( جامی ) -  
 ۳۵۹ .  
 رساله در مؤنثات سماعی ( محمد مهدی قزوینی ) -  
 ۳۷۳ .  
 رساله در موسیقی ( امیر خسرو دهلوی ) -  
 ۵۱۸ .

- رساله ناصر و خسرو در جواب نودونه سؤال - ۶۸۷ .
- رساله در وجود - ۳۵۹ .
- رساله در وحی و الهام - ۵۲ .
- روضه المناظر فی اخبار الاولایل والاواخر - ۴۳۳ ح .
- ریاض الابرار فی مناقب الائمة الاطهار - ۳۲۵ .
- ز
- زاد السالکین ( طریق التحقيق ) - ۴۹۴ .
- زاد المسافرین - ۶۸۷ .
- زاد المعاد ( بروزن بانت سعاد ) - ۲۳۶ .
- زبدة الحقایق - ۱۴۷ .
- زبدة النصرة ونجدة المعصرة ( مختصر نصرة الفترة ) - ۵۰۵ .
- زند - ۲۵۹ ح .
- الزهره - ۲۰۵ .
- زهر الربیع - ۲۰۴ ح .
- زینة الدهر فی عصرة اهل المعصر - ۵۰۶ ح .
- زینت المسالك ( شرح الفیه ابن مالک ) - ۳۸۸ .
- س
- ساطع برهان - ۱۶۳ .
- سافر سرشار ( وحید قزوینی ) - ۶۹۶ .
- ساقی نامه ( اهلی خراسانی ) - ۵۷۰ ح .
- ساقی نامه ( ملک قمی ) - ۶۸۳ .
- سالار نامه - ۱۴۹ .
- سام نامه - ۵۱۴ .
- السامی فی الاسامی - ۲۹۶ .
- سمعه معلقه - ۲۸۲ .
- سحاب البکا - ۶۰۵ .
- سحر حلال - ۶۵۹ .
- سخن نامه نظامی ( فرهنگ سعد بن نصیر غزنوی ) - ۲۱۳ .
- سراط السطور - ۲ .
- سرخ بت و خنگ بت - ۶۴۵ .
- سعادت نامه - ۶۸۷ .
- سفر السعاده - ۲۳۶ .
- سفر نامه ناصر خسرو - ۶۸۶ .
- سفینه الشعراء - ۴۷۶ .
- سلاسل الحديد فی تقیید ابن ابی الحديد - ۴۴ .
- السلالة البهية فی الترجمة الميمنية - ۵۲ .
- سلالة المعصر - ۲۰۴ .
- سلسلة الذهب - ۲۰۹ .
- سلم السموات - ۴۲۹ .
- سليمان و بلقيس ( یکی از کتابهای خمسة فیضی است ) - ۵۲۲ .
- سليمان و بلقيس یا ( بلقيس و سليمان ) نظام استرآبادی - ۶۸۹ .
- سلوة الحریف بمناظرة الربیع والغریف - ۷۹ .
- سلوة الغریب و اسوة الادیب - ۲۰۵ .
- سمرقندیہ ( رساله استعارات ابو القاسم سمرقندی ) - ۴۰۹ و ۴۲۳ .
- سند باد - ۵۵۷ .
- سواطع الالهام ( تفسیر بی نقطه ) - ۵۲۱ .
- سهو اللسان - ۶۱۸ - ۶۶۶ .
- سیاحی گوید - ۶۸ .
- سیرة الرسول ( ابن هشام بصری ) - ۳۰۸ .
- سیرة النبی ( ظ = اخلاق النبی است ) - ۲۸۹ ح .
- سیرة الطاهر ( تألیف سید رضی ) - ۱۵۲ .
- سیر العباد الی المعاد - ۴۹۴ .
- سیف الرسائل - ۴۷۸ .
- السيف الصارم علی عنق عضد الضالم - ۳۴۸ .
- السيف الصقيل - ۳۳۳ .
- ش
- شاد بهر وعین الحیات - ۶۴۵ .
- الشافی فی شرح مسند الشافعی - ۲۹۹ .
- الشامل - ۱۹۶ .
- شاهنامه ( فردوسی ) - ۱۹۰ ح .
- شاهنامه ( هاتفی ) - ۵۴۳ .
- شاهنشاه نامه - ۶۲۶ .
- شذور الذهب فی معرفة کلام العرب - ۳۰۶ .
- شرح آداب البحث ( عصام اسفراینی ) - ۳۲۱ .
- شرح آداب المریدین - ۱۸۹ .
- شرح اتنی عشره شهید - ۲۷۳ .
- شرح اجرومیه ( خالد ازهری ) - ۳۱۰ .
- شرح احتیاج ( قاطع اللجلاج ) - ۳۲۵ .
- شرح الاحتشام علی نهج بلاغة الامام ( شرح جواد طارمی ) - ۱۳۶ .

- شرح ادب الکاتب (احمد بن داود جذامي) - ۷.  
 شرح ادب الکاتب (اسحق بن ابراهيم فارابی) - ۷.  
 شرح ادب الکاتب (ابو اسحق فارابی) - ۱۸۱.  
 شرح ادب الکاتب (ابی علی حسن بن محمد - بطلمیوسی - ۷.  
 شرح ادب الکاتب (ابی منصور موهوب بن احمد جوالقی) - ۶-۴۶۶۰۵۲۹.  
 شرح ادب الکاتب (جوهری) - ۱۹۴.  
 شرح ادب الکاتب (زجاجی) - ۷.  
 شرح ادب الکاتب (سليمان بن محمد زهرای) - ۷.  
 شرح ادب الکاتب (مبارک بن فلخر) - ۷.  
 شرح ادب الکاتب (الاقضاب) - ۶.  
 شرح ارشاد (موضع الرشاد) - ۲۰۵.  
 شرح الازهرية - ۳۱۰ ح.  
 شرح استبصار (کشف الاسرار) جزائری - ۳۲۵.  
 شرح اسماء الحسنی - ۳۲۵.  
 شرح اسماء الله حسنی (ابو منصور ازهری) - ۱۶۷.  
 شرح اشارات (شرح اشارات شيخ علی بحرانی از ابن میثم) - ۵۲.  
 شرح اصلاح المنطق ابن سکیت (ازهری) - ۱۶۷.  
 شرح الفاظ المزنی - ۱۶۷.  
 شرح الفیه ابن شحنة - ۴۳۳.  
 شرح الفیه ابن مالک (ابن مقاسم) - ۳۸۴ ح.  
 شرح الفیه ابن مالک (ابن عقيل) - ۳۸۴ ح.  
 شرح الفیه ابن مالک (سلوستر دسائی) - ۳۰۴.  
 شرح الفیه ابن مالک = زینت المسالك (ملا محسن قزوینی) - ۳۸۸.  
 شرح الفیه ابن مالک (ابن ناظم) - ۳۸۴ ح.  
 شرح الفیه ابن مالک (عبد الله طوسی) - ۳۴۲.  
 شرح الفیه ابن مالک (محمد بن علی کاشانی) - ۳۴۳.  
 شرح الفیه ابن مالک (محمد بن سلیم گیلانی) - ۳۴۳.  
 شرح الفیه ابن معط (ابن النجوى) - ۳۳۶ ح.  
 شرح الفیه ابن معط الدرّة الالفیه (التعليقات الوفیه) - ۳۷.  
 شرح الايضاح (شریعی) - ۳۷.  
 شرح ايضاح ابو علی (المغنی) - ۳۱۵.  
 شرح ايضاح (المقصد = الفقصا) - ۳۱۵.  
 شرح باب حادی عشر - ۷۱.  
 شرح تأییه ابن فارس - ۳۵۸.  
 شرح تسهیل (ابن عقيل = المساعد) - ۳۳۳.  
 شرح تسهیل الفوائد (التحصیل و التفصیل) - ۳۰۷ ح.  
 شرح تسهیل (دمامینی) - ۳۷۶.  
 شرح تصريف عزى (جرجانی) - ۳۶۷.  
 شرح تلخیص المفتاح (خطیب قزوینی) = ايضاح - ۴۱۷.  
 شرح توحيد صدوق (جزائری) - ۳۲۵.  
 شرح تهذيب الاحکام (صغير) سيد نعمة الله - ۳۲۵.  
 شرح تهذيب الاحکام (کبير) سيد نعمة الله - ۳۲۵.  
 شرح تهذيب الاحکام (جزائری = غاية المرام) - ۳۲۵.  
 شرح تهذيب بهائي در نحو جزائری - ۳۲۵.  
 شرح الجمل (جرجانی) - ۳۱۵.  
 شرح الجمل (شریعی) - ۳۷.  
 شرح جمل ملا خليل (محمد مهدی قزوینی) - ۳۷۳.  
 شرح جواهر البحور - ۳۷۶.  
 شرح حاجیه (شرح شافیه ابن ناظم) - ۳۳۶ ح.  
 شرح حال امير معزی - ۶۸۰.  
 شرح حاوی (رکن الدین اسنر ابادی) - ۳۶۴.  
 شرح حديث كساء - ۱۰۴.  
 شرح حکمة العين (جرجانی) - ۳۶۷.  
 شرح حکمة الاشراف (قطب شیرازی) - ۴۳۱.  
 شرح خيصى - ۳۶۶.  
 شرح خزرجیه (عباسی = بدر الدین اسلامبولی) - ۴۲۵.  
 شرح خزرجیه (العيون الفاخرة الناعمة) - ۳۷۶.  
 شرح خطب نهج البلاغه (شيخ محمد علی اصفهانی) - ۱۴۴.  
 شرح خطب و مکاتیب حضرت علی علیه السلام (تأليف سپهر - لسان الملك) - ۱۴۴.

- شرح ادب الکاتب (احمد بن داود جذامي) - ۷.  
 شرح ادب الکاتب (اسحق بن ابراهيم فارابی) - ۷.  
 شرح ادب الکاتب (ابو اسحق فارابی) - ۱۸۱.  
 شرح ادب الکاتب (ابی علی حسن بن محمد - بطلمیوسی - ۷.  
 شرح ادب الکاتب (ابی منصور موهوب بن احمد جوالقی) - ۶-۴۶۶۰۵۲۹.  
 شرح ادب الکاتب (جوهری) - ۱۹۴.  
 شرح ادب الکاتب (زجاجی) - ۷.  
 شرح ادب الکاتب (سليمان بن محمد زهرای) - ۷.  
 شرح ادب الکاتب (مبارک بن فلخر) - ۷.  
 شرح ادب الکاتب (الاقضاب) - ۶.  
 شرح ارشاد (موضع الرشاد) - ۲۰۵.  
 شرح الازهرية - ۳۱۰ ح.  
 شرح استبصار (کشف الاسرار) جزائری - ۳۲۵.  
 شرح اسماء الحسنی - ۳۲۵.  
 شرح اسماء الله حسنی (ابو منصور ازهری) - ۱۶۷.  
 شرح اشارات (شرح اشارات شيخ علی بحرانی از ابن میثم) - ۵۲.  
 شرح اصلاح المنطق ابن سکیت (ازهری) - ۱۶۷.  
 شرح الفاظ المزنی - ۱۶۷.  
 شرح الفیه ابن شحنة - ۴۳۳.  
 شرح الفیه ابن مالک (ابن مقاسم) - ۳۸۴ ح.  
 شرح الفیه ابن مالک (ابن عقيل) - ۳۸۴ ح.  
 شرح الفیه ابن مالک (سلوستر دسائی) - ۳۰۴.  
 شرح الفیه ابن مالک = زینت المسالك (ملا محسن قزوینی) - ۳۸۸.  
 شرح الفیه ابن مالک (ابن ناظم) - ۳۸۴ ح.  
 شرح الفیه ابن مالک (عبد الله طوسی) - ۳۴۲.  
 شرح الفیه ابن مالک (محمد بن علی کاشانی) - ۳۴۳.  
 شرح الفیه ابن مالک (محمد بن سلیم گیلانی) - ۳۴۳.  
 شرح الفیه ابن معط (ابن النجوى) - ۳۳۶ ح.  
 شرح الفیه ابن معط الدرّة الالفیه (التعليقات الوفیه) - ۳۷.  
 شرح الايضاح (شریعی) - ۳۷.

- شرح خطبه شقشقیه (سید عباس شوشتری) - ۱۴۰  
 « شقشقیه (سید مرتضی علم الهدی متوفی ۴۳۶) - ۱۴۰  
 « طنجیه (سید کاظم رشتی) - ۱۴۳  
 « قاصعه - ۱۴۳  
 « خطبه البیان (محمد بن محمود دهمدار بنام «خلاصة الترجان») - ۱۴۰۱۳۹  
 شرح خطبه البیان (معالم التبیان) - ۱۴۰۱۳۹  
 « خطبه قاموس (تألیف ابوالروح عیسی) - ۲۳۹  
 « خطبه القاموس (فتح القدوس) - ۲۳۸  
 « خطبه قاموس (محمد بن شحنة) - ۲۳۹  
 « (میرزا علی شیرازی) - ۲۳۹  
 « خطبه القاموس (تألیف مناوی) - ۲۳۸  
 « خطبه الکشاف - ۲۳۵  
 « خطبه همام (میر آصف قزوینی) - ۱۴۳  
 « (شیخ مهدی آلهی) - ۱۴۳  
 « دیباجه دفاتر ششگانه مثنوی مواوی رومی - ۵۱۰  
 « دیوان حماسه ابوتمام (ابن فارس) - ۵۵۳  
 « ابی تمام (ازهری) - ۱۶۷  
 « ذوالرمة - ۵۹۹  
 « رباعیات لوایح - ۳۵۸  
 « رساله استعاره سمرقندی (عصام اسفرائینی) - ۳۲۱  
 « زهری الی عبد الملك بن مروان - ۲۸۸  
 « در هندسه - ۴۳۱  
 « روضة کافی (جزائری) - ۳۲۵  
 « شرح زاد المعاد - ۲۳۶  
 « سامی فی الاسامی - ۲۲۱  
 « سمرقندی (عصام اسفرائینی) - ۴۰۹  
 « شاطبیة (علم الدین اندلسی) - ۳۸۲  
 « شافیه (خود ابن حاجب) - ۳۳۰  
 « ابن حاجب (ابن باضم) - ۳۳۶  
 « (شیخ رضی) - ۳۶۱  
 « (رکن الدین اسیر ابادی) - ۳۶۴  
 شرح شافیه ابن حاجب (میرزا کمالات) - ۴۲۷  
 « (نقره کار) - ۳۶۹  
 « شذور الذهب - ۳۰۶  
 « شرایع (شیخ مفلح صیمری) - ۳۸۱  
 « شرح تصریف - ۳۱۸ ح  
 « کانیه ابن حاجب - ۳۹۰  
 « شمسیه منطق (اسفرائینی) - ۳۲۱  
 « منطق (رکن الدین اسیر ابادی) - ۳۶۶  
 « شواهد الانتقاد - ۲۷۳  
 « شواهد خلیصی - ۳۷۴  
 « عینی (المقاصد النجویه فی شرح شواهد شروح الافیه) - ۳۸۴ ح  
 « مفنی صغری (ابن هشام) - ۳۰۷  
 « مفنی کبری  
 « صحیح بخاری (بدر الدین عباسی) - ۴۲۴  
 « (ار حید) - ۳۷۶  
 « صحیفه سجادیة (النکت النضیفة) - ۲۷۳  
 « سجادیة صغیر (جزائری) - ۳۲۵  
 « صمدیه سید عقیخان (منوسط) - ۳۵۴  
 « عبارت قدح جرات عذات المصطفین - ۳۲۱  
 « عروش الشعر - ۳۷  
 « عهدنامه مالک اشتر (ترکی) - ۱۴۳  
 « (ابولحسن عاملی) - ۱۴۹  
 « عهدنامه مالک اشتر (بدایع نکاح) - ۱۴۳  
 « یا تحفه سلیمانی (سید هاجد بحرانی) - ۱۴۰  
 « (اساس السیاسة فی - ۱۴۱  
 « (مجمع باقر مجلسی) - ۱۴۱  
 « مالک (هدایات الحسام فی عجائب الهدایات النجفیه) - ۱۴۱  
 « مالک اشتر (مقدمات السیاسة) شیخ محمد عبده - ۱۴۱

- شرح عهدنامه مالک اشتر (شیخ محمد هادی بیرجندی) - ۱۴۱.
- » عهدنامه مالک اشتر (وقارین وصال) ۱۴۱.
- » عبون اخبار الرضا (جزائری) - ۳۲۵.
- » عصام بر فریده - ۳۲۱.
- » غوالی اللالی - ۳۲۵.
- » فرائض سر اجیه - ۳۶۷.
- » فصوص الحکم - ۳۵۸.
- » فصول نصیریة (عبد الوهاب استرآبادی) - ۴۱۵.
- » قاموس (سعدی افندی) - ۲۳۹.
- » (کسر التاموس) - ۲۳۹.
- » (مقدسی) - ۲۳۹.
- » قانون ابوعلی (قطب شیرازی) - ۴۳۱.
- » قصائد سبعة ابن ابی الحدید (شیخ رضی) - ۳۶۱.
- » قصیده بانث سعاد - ۳۰۶.
- » پرده - ۳۱۰.
- » (مهلب بن حسین) - ۳۱.
- » دعبل خزاعی (میرزا کمالات) - ۴۲۷.
- » قواعد الاعراب ازهری (موصل الصلاب الی قواعد الاعراب) - ۳۱۰ ح.
- » قواعد العقاید (رکن الدین استرآبادی) - ۳۶۴.
- » قواعد علامه (ملا عبد الله یزدی) - ۴۱۲.
- » قوانین دمامینی (ابن عمر بلخی) - ۳۷۶.
- » کافیہ (خود ابن حاجب) - ۳۳۰.
- » کافیہ (ابن ناظم) - ۳۳۵.
- » ابن حاجب (جزائری) - ۳۲۵.
- » = البسیط (رکن الدین - استرآبادی) - ۳۶۶، ۳۶۴.
- » = صغیر (رکن الدین - استرآبادی) - ۳۶۴.
- » کافیہ بقارسی (محمد امین هروی) - ۳۶۸.
- » (هندی) - ۳۹۱.
- » کشف (تفتازانی) - ۴۲۲.
- » کلمات خواجه محمد یار سا - ۳۵۸.
- شرح کل ج - ب - ۳۲۱.
- » گلشن راز (لاهیجی) - ۵۵۹.
- » لامیة ابن مالک (ابن ناظم) - ۳۵۵.
- » لامیة المعجم صفدی - ۳۷۶.
- » لباب اسفراینی (محمد بن مسعود سیرانی قالی) - ۳۷۰.
- » مبادی علامه - ۲۷۳.
- » مثنوی (لطائف المثنوی) - ۲۲۷.
- » محصل - ۴۲.
- » مختصر الاصول عضدی (جرجانی) - ۳۶۷.
- » ابن حاجب (رکن الدین - استرآبادی) - ۳۶۴.
- » ابن حاجب (قطب شیرازی) - ۴۳۱.
- » مختصر الشرایع (الضوء الاعم) - ۲۷۳.
- » مختصر الوقایه - ۳۸۰.
- » مرآة الارواح (دیکنفوز) - ۳۹۳.
- » (الفلاح) - ۳۹۴.
- » مرآة (المفراج) - ۳۹۴.
- » مشککات القرر - ۴۲.
- » مصباح (الافتتاح) - ۳۷۱.
- » شرح المصباح (ابن النحوی) - ۳۳۶ ح.
- » شرح مطالع (رکن الدین استرآبادی) - ۳۶۴.
- » (قطب رازی) - ۴۳۱ ح.
- » شرح المظنون به علی غیر اهله - ۳۱۳.
- » شرح معلقات سبعة (زوزنی) - ۲۸۲.
- » مغنی (مختصر دمامینی) - ۳۷۷.
- » مفتاح میرسید شریف (الاطول) - ۳۶۷.
- » ۴۲۱.
- » مقامات حریری (محمد بن ابی بکر رازی) - ۲۷۸.
- » مقامات حریری (عباسی = عبد الرحیم - اسلامبولی) - ۴۲۴.
- » مقامات حریری (مظهر الدین شیرازی) - ۹۱.
- » مقدمه جزیریة (خالد ازهری) - ۳۱۰.
- » شرح الملحہ - ۳۰۷.
- » شرح ملحہ الاعراب (ابن ناظم) - ۳۳۶.

شرح نهج البلاغه - جواد طارمی (شرح الاحتشام

علی نهج الامم) - ۱۳۶ .

(سلطان محمود طوسی - مختصر شرح

ابن ابی الحدید) - ۱۳۳ .

(عبدالباقی صوفی) - ۱۳۱ .

(علامه حنفی) - ۱۳۶ .

(علی بن ناصر - اعلام نهج البلاغه) -

۱۳۹ .

(عمادالدین قاری استرآبادی) -

۱۳۹ .

(فخرالدین - مختصر شرح ابن

ابی الحدید - القصد التلخیص یا در-

التلخیص) - ۱۳۳ .

(فضل الله راوندی) - ۱۳۵ .

(قضب راوندی) - ۱۳۴ .

(قضب راوندی - منهاج البراءه) -

۱۳۵ .

(قضب بدری - حقائق الحقائق

فی فسر دقایق احسن الخلائق) -

۱۳۵، ۱۳۴ .

(قوادالدین شیرازی) - ۱۳۹ .

(کجکچی) - ۱۳۳ .

(گلزارنه - بیجة الحدائق) -

۱۳۴ .

شرح یا ترجمه نهج البلاغه (لاهیجی) - ۱۳۴ .

شرح نهج البلاغه (سید منجد بحرانی) - ۱۳۳ .

(سید محمد تقی فروزینی) - ۱۳۴ .

(محمد رفیع جیلانی) - ۱۳۳ .

(شیخ محمد عبده) - ۱۳۵ .

(محمد بن حبیب الدین) - ۱۳۹ .

(محمد محی الدین) - ۱۳۹ .

(محمد بن حسین خلیفه) - ۱۳۹ .

(مختصر قدیمی مجهول المؤلف) -

۱۳۷ .

(مختصر قدیمی) - ۱۳۸ .

(میر صفی) - ۱۳۶ .

(منهاج الولاية) مؤلف مجهول

است - ۱۳۷ .

شرح ملحقات صحفه (جزائری) - ۳۲۰ .

» منهاج بیضاوی - ۳۴۸ .

» مواقف قاضی عضد ایچی (جرجانی) -

۳۶۷ .

» موجز (شیخ مفلح صیمری) - ۲۸۱ .

» نصاب (دشت بیاضی) - ۱۸۹ .

» نظام الغریب - ۲۳۹ .

» نظم النخبة - ۳۸۰ .

» نهج البلاغه (سید ابن طاوس) - ۱۳۶ .

» (ابن متاتقی) - ۱۳۶ .

» (ابن العنقا) - ۱۳۸ .

» الهی اردبیلی (منهج الفصاحة) -

۱۳۹ .

» (اصفهانی) - ۱۳۸ .

» (نصیح الدین = تحفة العلویة) -

۱۳۸ .

» (امام فخر رازی) - ۱۳۵ .

» (امام وبری) - ۱۳۴ .

» (برغانی) - ۱۳۵ .

» (بیهقی) - ۱۳۴ .

» (تفتازانی) - ۱۳۶ .

» (جرموزی) - ۱۳۳ .

» (سید جزائری) - ۱۳۳ .

» (جهانگیر خان قشقه‌آبی) - ۱۳۶ .

» (شیخ حسین عاملی) - ۱۳۳ .

» (خوئی = الدررة النجفیة) - ۱۳۵ .

» (حبيب الله خوئی - منهاج البراءه

فی شرح نهج البلاغه) - ۱۳۶ .

» (دزفولی) - ۱۳۵ .

» (سید ذا کر حسین اختر هندی

دهلوی) - ۱۳۷ .

» (زواری = روضة الانوار) -

۱۳۹ .

» (صغیر) شبر - ۱۳۴ .

» (کبیر) شبر - ۱۳۴ .

» (شهرستانی) بلاغ المنهج -

۱۳۷ .

» (صنغانی) - ۱۳۸ .

- شرح نهج البلاغه (المولوی الهندی) - ۱۳۷۴ .
- » » (مهابادی) - ۱۳۵ .
- » » (نظام الدین گیلانی = انوار - الفصاحه واسرار البلاغه) - ۱۳۱ .
- » » (نفائس) - ۱۳۶ .
- شرح وترجه نهج البلاغه (نور محمد) - ۱۳۰ .
- نهج البلاغه (یحیی بن حمزه علوی) - ۱۳۶ .
- شرح وصایای حضرت علی علیه السلام (تألیف میرزا جهانگیر خان آذربایجانسی ضیائی) - ۱۴۴ .
- شرح الهادی = (الکافی) - ۳۱۳ .
- » » (الصغیر) - ۳۴۸ .
- شرح هدیاه (خطائی) - ۴۰۷ .
- شرح باقوت ابن نوبخت - ۴۲ .
- شریعة الشیعه و دلائل الشریعه (شرح مفاتیح فیض) - ۳۳ .
- الشعر و الشعراء - ۵ .
- شفا (ابوعلی سینا) - ۱۲۷ .
- الشفاء فی بدیع الاکتفا - ۷۳ .
- شمس المغرب فی الرقص و المطارب - ۳۷۶ .
- شمسیه - ۳۲۱ .
- شوارق الاسرار العلیه فی شرح مشارق الانوار النبویه - ۲۳۵ .
- شواهد التوضیح و التصحیح لمشکلات الصحیح ۳۰۴
- شواهد عینی - ۳۸۴ .
- شواهد النبوه - ۳۵۹ .
- الشهاب السعیدی - ۲۹۶ .
- الشببات والعلی - ۲۸۹ .
- شیرین و خسرو (یکی از کتابهای خمسہ امیر خسرو دهلوی است) ۵۱۸
- شیرین و خسرو (یکی از منظومات هاتقی است) ۵۴۴ ح .
- ص
- الصاحبسی (فقه اللغة) - ۲۸۸ .
- صبح صادق - ۵۲۵ ح .
- صبح گلشن - ۲۱۹ .
- صحاح بخاری - ۳۰۰ .
- صحاح اخبار - ۱۱۸ .
- صحاح مسلم - ۳۰۰ .
- صحاح الجمع - ۲۱ .
- صحاح عجم جدید - ۲۶۵ .
- صحاح عجم دیرینه - ۲۶۵ ح .
- صحائف الحسنات - ۷۳ .
- صحائف العالم - ۲۸ .
- صحفة الابدان - ۲۴۷ .
- صد خطابه (میرزا آقا خان کرمانی) - ۲۵۰ .
- صد کلمه (حاج شیخ عباس قمی) - ۱۴۶ .
- صدور زمان الفتور و فتور زمان الصدور - ۹۱ .
- الصراط المستقیم - ۲۳۶ .
- صرف میر - ۳۶۷ .
- صغری - ۳۶۷ .
- الصفات - ۲۷۰ .
- صحف ابراهیم - ۴۸۷ .
- صفو الراح من مختار الصحاح - ۱۹۶ .
- الصلوات والبشر فی الصلاة علی خیر البشر - ۲۳۶ .
- ض
- ضالة الادیب فی الجمع بین الصحاح و التهذیب - ۱۷۰ .
- الضوء (تألیف برهان الدین باعونی) - ۷۳ ح .
- الضوء اللامع فی اعیان القرن التاسع - ۲۳۴ .
- الضوء اللامع فی شرح مختصر الشرایع - ۲۷۳ .
- ضیاء القلوب (نام یکی از قصائد اظهیری است) - ۵۶۱ .
- ط
- طبقات اکبری - ۹۹ .
- طبقات سیوطی - ۱۹۲ ح .
- طبقات الشافیه (اسدی) - ۷۲ .
- طبقات الشعراء - ۵ ، ۴ .
- طبقات المعنین - ۷۹ .



- العنايه خفاجي - ۲۳۹ .  
عنوان الزمان - ۷۳ .  
عواطف الاستبصار - ۲۷۳ .  
عود الشباب - ۵۰۷ .  
العین (خايل) - ۱۶۷ .  
عين الحيات (دهاميني) - ۳۷۶ .  
(محمد مهدي قزوینی) - ۳۷۳ .  
عيون الاخبار (مشمول برده كتاب) - ۵ .  
عيون الشرف - ۴۴۳ .  
عيون الشعر (مشمول برده كتاب) - ۴ .  
العيون والمحاسن (عيون الحكمة والمواعظ) -  
۷۴ ح .

### غ

- الغاز نجويه - ۳۰۶ .  
غاية المرام - ۲۸۶ .  
غرائب الاخبار و نوادر الآثار - ۳۲۵ .  
غرائب الصغر - ۵۳۹ .  
غرائب القرآن (تفسير نيشابوري) - ۳۵۰ .  
غرر الاذهان - ۴۲ .  
الغرر المنه والدرر المبهمة - ۲۳۷ .  
الغره (ترجمه عربي صغرى) - ۳۶۷ ح .  
غريب الحديث (ابن عديمه) - ۵ .  
غريب الحديث (ابن عديمه) - ۲۹۰ .  
(صريحي) - ۲۷۴ .  
(فطرب) - ۲۷۰ .  
غريب القرآن (ابن فارس) - ۲۸۸ .  
(ابن عديمه) - ۵ .  
غريب القرآن والحديث (ابن عديمه) - ۳۰۰ .  
(زهرة الخفايا و سرور الناصر) -  
۲۷۳ .  
غريب المعنى (بيباي) - ۲۹۷ .  
غريب نامه - ۴۹۴ .  
غنية الصلاب - ۳۷۳ .  
غنيمة الاغانى - ۲۰۶ .

### ف

- فائق (زمخشري) - ۴۰۰ .  
فناوى قديم العرب - ۲۸۸ .

- الطراز (تأليف امام يحيى) - ۷۴ .  
الطراز فى الحقيقة والمجاز - ۷۴ .  
الطراز الموشى فى صناعات الانشا (شيخ محمد  
نجار) - ۷۴ .  
طريق التحقيق (زاد السالكين) - ۴۹۴ .  
طوطى نامه - ۲۰۹ .  
طيف الخيال - ۱۵۴ ح .  
ظ  
ظفر الاماني فى مختصر الجرجاني - ۳۶۷ .  
ظفر نامه تيمورى (شرف السدين يزدى) -  
۵۴۳ ح .  
ظفر نامه شاه جهانى - ۶۶۰ .

### ع

- عاشق و معشوق (وحيد قزوینی) - ۶۹۹ .  
العياب (در لغت است) - ۱۷۴ .  
العياب فى علم الاعراب - ۳۷۰ .  
المعبرى الحسنان - ۴۲ .  
عجائب البلدان - ۹۱ .  
المرجان والبرصان والقرمان - ۷۹ .  
عروض سيفى - ۴۴۹ .  
عشق نامه (سنائى) - ۴۹۴ .  
العشق والنساء - ۷۹ .  
عشقيه يا عشيقه - ۵۱۸ .  
العقد الفريد - ۴۳۶ .  
عقد الجواهر - ۳۳۷ .  
العقد النضيد بالدر النضيد المستخرج من شرح  
ابن ابي الحديد - ۴۶ .  
العقود و المرجان (تفسير جزائرى) - ۳۲۶ .  
العلل فى النحو - ۲۷۰ .  
علل القرآن - ۱۶۷ .  
علل القوافى - ۳۷ .  
العلم والحال - ۲۸۹ ح .  
العمده (در صرف) - ۳۱۵ .  
عمدة الاحكام فى شرح عمدة الاحكام - ۲۳۶ .  
عمدة الطالب فى انساب آل ابي طالب - ۱۲۰ .  
فى تحقيق صرف ابن حاجب - ۳۰۶ .

- فتح الجلید (شرح شواهد ابن عقیل) - ۲۳۴ .  
 الفتح الموبانی فی الرد علی البینانی - ۳۷۶ .  
 الفتح القدسی فی الفتح القدسی - ۵۰۵ .  
 فتح القدوس فی شرح خطبة القاموس - ۲۳۸ .  
 الفتح القریب (حاشیه معنی الیب) - ۳۸۵ .  
 ۳۸۶ ح .  
 فتح نامه (مفتاح الفتوح) - ۵۹۴ .  
 فتح نامه قندهار (صائب) - ۶۲۲ .  
 فتح نامه قندهار (وحید قزوینی) - ۶۹۹ .  
 الفتن والملاحم - ۲۴۲ .  
 فتوح الشعر - ۵۵۳ .  
 فخر السودان علی البیضان - ۷۹ .  
 فخریه صغری - ۲۷۳ .  
 فخریه کبری - ۲۷۳ .  
 فراق نامه (سلمان) - ۶۰۷ .  
 فرائد الدر - ۵ .  
 الفرائد والفلاذ - ۱۴۷ .  
 فرائض سر اچیه - ۳۶۷ .  
 الفرق - ۲۸۸ .  
 فروغستان - ۲۹ .  
 فرهنگ ابراهیمی - ۲۱۳ .  
 فرهنگ ابو حفص سنندی - ۲۱۳ .  
 فرهنگ ابو منصور علی طوسی (اسدی) - ۲۱۳ .  
 فرهنگ اداة الفضلاء - ۲۱۳ .  
 اسکندری - ۲۱۳ .  
 اویهی (تحفة الاحباب) - ۲۱۳ .  
 تحفه السعاده - ۲۲۰ .  
 حسنی - ۲۱۳ .  
 حسین وفائی (نسخة حسین وفائی) - ۲۲۱ .  
 دستور - ۲۱۳ .  
 دستور الافاضل - ۲۱۳ .  
 دستور الفضلاء - ۲۱۳ .  
 دیوان خاقانی - ۲۱۳ .  
 رساله النصیر - ۲۱۳ .  
 زبان گویا (هفت بخش) - ۲۱۳ .  
 سعدین نصیر (سخن نامه نظامی) - ۲۱۳ .  
 شاهنامه - ۲۱۳ .  
 شیخ زاده عاشق - ۲۱۳ .  
 فرهنگ ضمیر یا ضمیری - ۲۱۳ .  
 » ظہیر - ۲۱۳ .  
 » عاصمی - ۲۱۳ .  
 » عالمی - ۲۱۳ .  
 » شیخ عبدالرحیم بهاری - ۲۱۳ .  
 » عبدالله نیشابوری - ۲۱۳ .  
 » عجائب - ۲۱۳ .  
 » علی نیک بی - ۲۱۳ .  
 » میرزا فتح الله رازی - ۲۲۷ .  
 » فتنه الفتیان - ۲۱۳ .  
 » فتنه الطالبین - ۲۱۳ .  
 » فخر غواس (مشهور بفخر غواس) - ۲۱۴ .  
 » فوائد برهانی - ۲۱۳ .  
 » فوائد الفوائد - ۲۱۴ .  
 » قطران - ۲۱۳ .  
 » لسان الشعراء - ۲۱۳ .  
 » محمد بن قیس - ۲۱۴ .  
 » محمد ابن هندو شاه (صحاح المعجم) - ۲۱۴ .  
 » شیخ محمود بهاری - ۲۱۳ .  
 » مختصر - ۲۱۴ .  
 » منصور شیرازی - ۲۱۴ .  
 » مؤید الفضلاء - ۲۱۴ .  
 » نیازی (جامع اللغات) - ۲۱۳ .  
 » فرهنگ مولانا الهداد سرهنندی - ۲۱۴ .  
 فصل الخطاب (صد کلمه عمر) - ۴۴۰ ح .  
 فصل الدر من الخزره فی فضل السلامه علی الخبزہ - ۲۳۶ .  
 الفصول (ابن دھان) - ۲۹۹ .  
 فصل الائمہ - ۷۹ .  
 فصول نصیریہ - ۳۶۵ .  
 القصیح - ۲۸۹ .  
 فقر البلقا - ۵۵۳ ح .  
 فضائل الاتراک - ۷۹ .  
 الفضل الوقفی فی العدل الاشرفی - ۲۳۶ .  
 فقه اللغة (الصاحبی) - ۲۸۸ .  
 الفلاح لشرح المراح (شرح مراح الارواح) - ۳۹۳ .  
 الفلک الدائر علی المثل السائر - ۴۲ .

القواعد الکبری ( قواعد الاعراب = الاعراب  
عن قواعد الاعراب ) - ۳۰۷ ح .  
قواعد المرام - ۵۲ .  
القول المأنوس ( حاشیه قاموس ) - ۲۴۰ .  
شرح مفلق القاموس - ۲۳۸  
فی تحریر القاموس - ۲۳۸ .  
فی صفات القاموس - ۲۴۰ .  
القوافی ( دماینی ) - ۳۷۶ .  
القوافی ( قطب ) - ۲۷۰  
الفتح القدسی فی فتح القدسی ( الفتح القدسی )  
- ۵۰۵ .

### ل

کارنامه بلخ - ۴۹۴ .  
نقانی فی شرح الیادی - ۳۱۳ .  
کافیہ ( بیدیہ صفی حنی ) - ۳۷۳ .  
کامل التمجید - ۳۴۷ ح .  
کامل میرد - ۵۰ .  
کبری - ۳۶۷ .  
کتاب الاشراف - ۵۰ .  
کتاب النقیه ( درسیه جازین ضبط شده شاید النقیه  
باشد ) - ۵۰ .  
کتاب التلاوه - ۲۸۸ .  
کتاب الحیوان ( جاحظ ) - ۷۹ .  
کتاب الخیل - ۵۰ .  
کتاب در جمع هدایه و محار - ۴۰۷ .  
کتاب در معما - ۳۶۷ .  
کتاب الروح - ۱۶۷ .  
کتاب الزیادات فی شعر ابن تمام - ۱۵۳ .  
کتاب الشعر - ۵۵۳ .  
کتاب صغیر الحجج - ۲۸۹ .  
کتاب المعجم - ۵۰ .  
کتاب المعجم والخیال - ۲۸۹ .  
کتاب عنی علیه السلام - ۱۳۲ .  
کتاب فعل و انفع - ۲۷۰ .  
کتاب المعارف - ۵۰ .  
کتاب المیزه - ۲۷۰ .

قوائد الاصول - ۲۷۳ .  
الفواکه البدریه - ۳۷۶ .  
قوائد غریبه - ۳۳ .  
قوائد القلائد ( مختصر شرح شواهد عینی ) -  
۳۸۴ ح .  
قوائد الکبر - ۵۳۹ .  
فهرست اسپرنگر - ۸ ح .  
فهرست ایندیا افس - ۷۰۰ .  
» شواهد مغنی - ۳۷۴ .  
» کافیہ - ۳۷۳ .

### ق

قائمه لطف الله حلیمی - ۲۶۵ .  
قاطع برهان - ۱۶۳ .  
قانون ( مقالات متوالیه ملک ) - ۶۸ .  
قانون استیفا - ۵۱۸ .  
القدح القدسی فی فتح القدسی ( الفتح القدسی ) -  
۵۰۵ .  
قدح المغنی فی مدح المعنی - ۹۳ .  
القراح بنکمیل الدجاج - ۲۰۱ .  
قرآن سمدین - ۵۱۸ .  
قسطاس - ۲۱۳ .  
قصائد مشهوره عرب - ۳۶ .  
قصائد هفتگانه - ۴۲ .  
قصص الانبیاء - ۳۲۵ .  
قصه شیخ صنعان - ۵۳۹ .  
القصیده الموشحه بالاسماء المواته - ۳۳۱ .  
قطرانندی - ۳۵۶ .  
قطرانندی منظوم - ۳۵۶ .  
قلائد الادب فی شرح طباق الذهب - ۱۳ .  
قلائد الشرف - ۵۵۳ .  
قلائد العقیان - ۵۰۸ .  
قراضة الذهب فی علم النجوم والادب ( مختصر  
مغنی اللیب ) - ۳۹۵ .  
قوس نامه - ۶۵۸ .  
قواعد الاعراب - ۳۱۰ .

- کشف الستاره عن نهج البلاغه - ۱۴۸ .  
 کشف غوامض القرآن - ۲۷۳ .  
 کشف الکشاف - ۲۴۲ .  
 کشف اللغات - ۲۲۷ .  
 کفایه سز واری - ۳۳ .  
 کفایة الطب - ۲۴۸ .  
 کفایة المتعلمین فی اختلاف النحویین - ۲۸۸ .  
 کلمات علیه غرا - ۱۴۷ .  
 الکلم الطیب - ۲۰۴ ح .  
 کلیات ملکم - ۶۸ .  
 کلیله و دمنه منظوم (رودکی) - ۶۰۳ .  
 کنز الاسامی - ۲۹۶ .  
 کنز الرموز (سیر المباد الی المعاد) - ۴۹۴ ح .  
 کنز العلوم واللغة (دائرة المعارف فريد وجدي) - ۱۲۱ .  
 الكنز المذکور فی عمل الساعات والایام الالبالی والشهور - ۲۷۳ .
- گ
- گانهامه - ۵۱۲ ح .  
 گلستان سعدی - ۶۷ .  
 گنج شایگان - ۳۰ .  
 گنجینه الحق - ۴۵۳ .  
 گنجینه معارف (مجله) - ۷۰ .  
 گلشن راز - ۱۳۱ .
- ل
- لا اله الا الله (جواهر خسروی) - ۵۱۸ .  
 لامیه الاعمال (المفتاح - بنية الافعال) - ۳۰۴ .  
 لب الالباب یا لباب اسرارینی - ۳۶۹ .  
 اب التأویل - ۳۵۰ .  
 لسان الشعراء - ۱۶۱ .  
 لسان العرب - ۲۴۱ .  
 لطائف الخیال - ۴۸۰ .  
 لطائف المشنوی (شرح مشنوی) - ۱۲۷ .  
 لطائف اللغة - ۲۲۸ .  
 لطیفه العرفان (الکلی نامه سنائی) منتخب حدیقه - ۴۹۹ .  
 اللامع المعلم العجائب الجامع بین لم حکم والاعباب - ۲۳۶ .  
 الالباب والنین - ۵۰ .
- اللمع فی شرح الجمع - ۲۷۳ .  
 لعمه مظفریه - ۸۶ .  
 لوائج - ۳۵۸ .  
 لیلادقی - ۵۲۱ .  
 اللیل والنهار - ۲۸۸ .
- م
- مادار بین الرضی و ابی اسحق الصابی (مباحثات رضی و صابی) - ۱۵۳ .  
 مبادی فی التصریف - ۳۱۳ ح .  
 منجز الالفاظ -  
 المنشاه فی القرآن (حقائق التأویل) - ۵۲ ح .  
 المتفق وضماً المتخلف صقماً - ۲۳۶ .  
 المثلث المتفق المعنی - ۲۳۷ .  
 المثلث الكبير - ۲۳۶ .  
 المثل السائر - ۴۲ .  
 مشوی ملای روم - ۲۲۷ .  
 مجازات الآثار النبویه - ۱۵۲ .  
 مجازات الحدیث (مجازات الآثار النبویه) - ۱۵۲ ح .  
 مجالس النفائس (بیوسته به شماره ده کتابخانه و ۸۹۱ فهرست است) - ۲۶۸ .  
 مجامیع نواجی - ۷۲ .  
 مجله ارمغان - ۴۶۲ .  
 مجله المقتبس (المقتبس) - ۵۰ .  
 مجمع البحرين (محب و محبوب) - ۶۵۹ .  
 مجمع الحكمین و جامع الطین - ۱۷۵ .  
 مجمع السؤالات من صحاح الجوهری - ۲۳۷ .  
 مجمع الشتات - ۲۷۳ .  
 مجموعة رباعیات (دقائق الخیال) از اشخاص مختلف - ۴۸۰ .  
 مجموع المتون الكبير - ۴۳۳ .  
 مجمل اللغة - ۳۸۹، ۳۹۰ .  
 مجنون و لیلی (یکی از کتابهای خمسة امیر خسرو دهلوی است) - ۵۱۸ .  
 مجیب الندی الی شرح قطر الندی (شرح قطر) - ۳۵۷ ح .  
 المحاسن والاضداد - ۷۹ .  
 محب و محبوب (محب و محبوب) - ۶۵۹ .  
 محبوب القلوب (امیر علشیر نوائی) - ۵۳۹ .

- محبوب القلوب ( اشکوری ) - ۴۹ ح .  
 محرر - ۴۰۷ .  
 محرق قاطع برهان - ۱۶۳ .  
 محصل ( امام فخر رازی ) - ۴۲ .  
 المحصل دیباجی ( شرح مفصل زنجشیری ) - ۳۸۲ ح .  
 محصول - ۴۲ .  
 محفظة الانوار - ۱۴۸ .  
 المحکم - ۱۷۴ .  
 محمود و ایاذ ( صائب ) - ۶۲۲ .  
 مختار الشعر ( ابی اسحق صابی ) - ۱۰۳ .  
 مختصر الاصول ( ابن حاجب ) - ۲۳۱ ح .  
 مختصر در فقه ( ابن حاجب ) - ۲۳۰ .  
 مختصر اصلاح المنطق ( معارزی ) - ۳۹ .  
 مختصر حیوة البیوان دمیری ( مقاطع الشرب ) - ۳۷۶ .  
 مختصر درة الفواص - ۲۰ .  
 مختصر شرح ابن میثم بر نهج البلاغه - ۵۳ .  
 مختصر الشرح الكبير والجامع النفیس - ۳۳۳ .  
 مختصر شرح مقامات شریشی ( شهاب الدین - حجازی ) - ۲۷ .  
 مختصر شرح نهج البلاغه ( علامه ) - ۱۳۶ .  
 مختصر الصحاح ( شیخ مفصح صیمری ) - ۲۸۸ .  
 مختصر قاموس ( تقی الدین کرمانی ) - ۲۳۹ .  
 مختصر القاموس - ۲۴۰ .  
 مختلف الحديث - ۵ .  
 مختصر مجمع الفرس ( خلاصة المجموع ) - ۲۲۳ .  
 مختصر المصباح - ۳۹ ح .  
 مختصر مفتاح در علم معانی ( المصباح ) تألیف ابن - ناظم - ۳۳۵ .  
 مختصر منظومه نسفی ( الفیه ) - ۴۳۳ .  
 مختصر نوادر القالی - ۳۷ .  
 مخلاة - ۲۰۴ .  
 مدار الخطوط - ۲ .  
 مدار الافاضل - ۲۲۷ .  
 مدح التجار و ذم عمل السلطان - ۷۹ .  
 مدخل منظوم - ۱۹۱ .  
 مرآت الخیال ( صائب ) - ۶۲۲ .  
 مرآت الصفا - ۴۷۵ ح .  
 مرآت العالم - ۲۱۹ .  
 مرآت الشنوی - ۲۲۷ ح .  
 المراتب والمناقب ( جزء عیون الشعر است ) - ۵۰ .  
 مرآة الغرلان - ۷۳ .  
 مرآة الحسین ( کبیر ، صغیر ، وسیط ) - ۲۷۳ .  
 مرآة النجاة فی قواعد الکتابه - ۱۴۵ .  
 مرج البحرين اوسی - ۲۴۰ .  
 مرزبان نامه - ۹۴ .  
 المرصع فی الالباء والامهات ( البنین والبنات والالباء والامهات ) - ۳۰۰ .  
 مرآة الادب ( نصیری ) - ۱۷۸ .  
 المرآة الارغمية فی طبقات الشافعية - ۲۳۷ .  
 مرآة اللغة - ۱۷۷ ح .  
 المرآة الوضیة فی طبقات الجفیه - ۲۳۶ .  
 الزهر - ۲۸۹ .  
 المسائل والجوابات - ۵ .  
 مسائل مغریه ( ابن هشام ) - ۳۰۷ .  
 مسائل فی الفقه - ۲۸۹ .  
 مسائل ابن فضل الله - ۱۹۲ .  
 مستطرات نهج البلاغه - ۲۷۳ .  
 مستوجبة الشریف بتوضیح الشرح التصریف - ۳۱۸ ح .  
 مسرح الفؤاد - ۶۹ .  
 مشارب التجارب - ۱۲۴ .  
 مشایخ الشیعه - ۲۸۱ .  
 المشکل - ۵ .  
 مشکال القرآن - ۵ .  
 مشکال الوسیط - ۱۹۵ .  
 مشکوة الانوار ( تفسیر قرآن کریم است ) - ۳۳ .  
 مشکوة الحجة - ۴۹۰ .  
 المشوق المعلم فی تلخیص الجمع بین العباب والمحکم - ۱۷۴ ح .  
 المصباح ( مختصر مفتاح تألیف ابن ناظم ) - ۳۳۵ .  
 مصباح در نحو - ۳۹ .  
 مصباح الارواح - ۴۸۷ .  
 مصباح السالکین ( شرح ابن میثم بر نهج البلاغه ) - ۵۳ .

مصباح البئیر - ۲۴۲ .  
 مصباح ناصر الدین مطرزی - ۳۷۲ .  
 المصطفی والمختار - ۲۹۹ .  
 مصنف الفریب (ابی عید) - ۲۹۰ .  
 مطالع الانوار - ۵۸۰ ح .  
 مطلع الانوار (یکی از کتب خمسہ امیر خسرو است  
 ونسخہ آن در این کتابخانہ نیست) - ۵۱۸ .  
 مطلوب کل طالب (صد کلمہ امیر المؤمنین علیہ  
 السلام) - ۴۴۰ ح .  
 المظنون بہ علی غیر اہلہ (عز الدین) - ۳۱۳ .  
 » » » » (غزالی) - ۳۱۳ ح .  
 مظهر البینات و مظهر الدلالات - ۴۵۰ .  
 معارج نہج البلاغہ (شرح نہج البلاغہ بیہقی) -  
 ۱۲۴ .  
 المعارف (ابن قتیبہ) - ۱۲۷ .  
 معالم التأویل والتبیان (شرح خطبۃ البیان) - ۱۴۰ .  
 معانی الشعر (دارای ۱۲ کتاب است) - ۴ .  
 معانی القرآن (سید رضی) - ۱۵۳ .  
 » » (قطرب) - ۲۷۰ .  
 المعراج السماوی - ۵۲ .  
 معرب الکافیہ (تألیف مرعشی) - ۳۰۹ .  
 المعرب (لغۃ فقہی تألیف مطرزی است) - ۳۹ .  
 معیار جمالی - ۲۲۰ .  
 المعانی المطاہرہ فی معالم طاہرہ - ۲۳۶ .  
 المعرب فی ترتیب المعرب - ۳۹ .  
 المعنی (= اسماء النبی) - ۲۸۹ ح .  
 : (جاربردی) - ۳۴۹ .  
 المعنی (شرح ایضاح ابوعلی) - ۳۱۵ .  
 مفاتیح فیض - ۳۳ .  
 مفردات در فن معما و عروض - ۵۳۹ .  
 المفتاح (شرح بزرگ مصباح - تألیف ناضل  
 اسفراینی) - ۳۷۲ .  
 المفتاح (جرجانی) - ۳۱۵ .  
 مفتاح البدایع - ۴۴۱ .  
 مفتاح التواریخ - ۵۲۶ .  
 مفتاح العلوم - ۴۳۱ .  
 مقاتل الطالبیین

المقاصد النحویہ فی شرح شواہد شروح الالفیہ  
 (شرح شواہد عینی) - ۳۸۴ ح .  
 مقاطع الشرب (مختصر حیات الحيوان دمیری) -  
 ۳۷۶ .  
 مقالات ز مخشری - ۸۰ .  
 مقامات فیروز آبادی - ۲۳۷ .  
 المقتبس (مجلہ المقتبس) - ۵ .  
 مقتبس السیاسیہ (شرح عهدنامہ مالک اشتر) -  
 ۱۴۱ .  
 المقتبس فی توضیح ما التبس فخر اسفندری -  
 ۳۸۲ ح .  
 مقدمہ ازہریہ - ۳۱۰ .  
 مقدمہ فی العروض - ۳۳۶ .  
 مقدمہ فی المنطق - ۳۳۶ .  
 مقدمہ فی النحو (ابن فارس) - ۲۸۸ .  
 » » (جوہری) - ۱۹۴ .  
 المقصد الجلیل فی علم الخلیل - ۳۳۱ .  
 مقصود ذوی الالباب فی علم الاعراب - ۲۳۶ .  
 مکتوب وحید قزوینی - ۷۰۰ .  
 ملقط الصحاح - ۲۸۱ ، ۲۸۰ .  
 ملحۃ الاعراب - ۱۹ .  
 ملحمہ دانیال (اصول الملاحم) - ۲۴۷ .  
 ملل و نحل - ۷۸ .  
 ملوک الکلام (سلطان محمد بن فتحعلیشاہ) - ۴۷۸ .  
 مناسک حج (جامی) - ۳۵۹ .  
 مناقب مولانای روم - ۳۵۹ .  
 مناقب خواجہ عبداللہ انصاری - ۳۵۹ .  
 منتخب الخلاف - ۲۸۱ .  
 منتخب دیوان سید رضی (انشراف الصدر) -  
 ۱۵۴ .  
 المنتخب فی الزیارات والخطب (مرآئی الحسین) -  
 ۲۷۳ .  
 منتهی الارب فی لغات العرب - ۲۴۰ .  
 منتهی السؤل والعمل فی علمی الاصول والجدل -  
 ۳۳۱ ح .  
 منتهی عمل الادیب من الکلام علی معنی اللیب  
 (شرح معنی اللیب) - ۳۷۹ .

- منشور الادب الهی و دستور العمل کار آگاهی - ۶۴  
منهج الباری بالسیح الفصیح الجاری فی شرح صحیح البخاری - ۲۳۵  
منشآت (امیر علیشیر) - ۵۳۹  
منطق العشاق (دهنامه) - ۴۸۷  
منظومه جزری (الهدایه) - ۲۰  
منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه (سید حبیب الله خوئی) - ۱۳۶  
منهاج شبانی - ۳۷۶  
منهاج البراعه (قطب راوندی) - ۱۲۴  
منهاج العارفین فی شرح کلام امیر المؤمنین (شرح مائة کلمة الجاحظ تألیف ابن میثم) - ۸۰  
منهاج الولایه (شرح نهج البلاغه) - ۱۳۱  
منهاج الفصاحه (شرح نهج البلاغه تألیف الهی اردبیلی) - ۱۳۹  
منهاج البقین - ۶۱  
منیة الراعی فی الجوهر الناجی - ۹۳  
منیة السؤل فی دعوات الرسول - ۲۳۶  
ماهون نهج البلاغه - ۱۱۰  
موارد الکلم - ۵۲۱  
موصول (شرح مفصل) - ۳۹۸  
موقد الازهار و موقد الوستان - ۳۰۶  
مؤید الفضلا (فرهنگ مؤید الفضلا) - ۲۲۱  
مهر و ماه حسینی - ۵۱۰، ۵۱۱  
میخانه (صائب) - ۶۲۲  
میزان الادب - ۳۲۱  
میزان الاعتدال - ۱۱۴  
میزان البلاغه - ۴۲۸  
المیسر والقداح - ۵  
ن  
ناظر و منظور - ۶۹۸  
الناموس (شرح قاموس) - ۲۳۹  
نتایج الافکار - ۵۲۵ ح  
نثر اللالی در فقه - ۱۰۳  
نرسنخهی از دیوان انوری و کمان اسمعیل و سلمان - ۱۰۱  
نجاه القیامه فی تحقیق اسرار الامامه - ۵۲  
نجد الفلاح - ۲۸۰  
نخبه التواریخ - ۵۵ ح  
النخب الطرائف فی النکت الشرائف - ۲۳۶  
نزول الغیث - ۳۷۶  
نزهة الخواطر - ۱۸۹  
نزهة الخواطر و سرور الناظر (غریب القرآن) - ۲۷۳  
نزهة الازهار فی تاریخ اصفهان - ۲۳۶  
نزهة الساسانیة - ۶۸۲  
نزهة القلوب (حمد الله مسوئی) - ۵۶۵ ح  
نزهة الناظر بالضریف قمی شرح علم العریف - ۳۱۸ ح  
نظام المجبة - ۵۳۹  
نسخه حسین و فاطی (نسخات حسین و فاطی) - ۲۲۱  
نسمة السحر - ۱۳۳  
نصاب الصبیان - ۱۸۷  
نصاب مشح - ۲۷۱  
نصایح الملوك و آداب السیوف - ۳۳  
نصرة الغر و عصرة القصرة - ۵۰۵  
نظام الغریب - ۲۳۹  
نظم الجواهر (نوائی) - ۵۳۹ ح  
نظم القرآن - ۷۹  
نظم کفایه (از خود ابن حنیبل) - ۳۳۱  
نظم زبیری و منطق - ۴۹۰  
نظم (شرح نهج البلاغه) - ۱۳۶  
النفحة المبریه فی مولد خیر البریه - ۲۳۶  
نقد الشعر - ۲۸۹  
نقد النصوص - ۳۵۸  
نقض المصنوع - ۴۲  
النکت الضیفة (شرح النسخة) - ۲۷۳  
نکارستان (ابن کمال یاشا - نصر ککستان) - ۲۶۰  
نکارستان دارا - ۲۲۴  
نمکات دین (نمک یبکی از منوی های محمد داود است) - ۵۹۸  
نواذر (ابو عنی قالی بغدادی) - ۵

- الواد ( قطرب ) - ۲۷۰ .  
 نوادر الشباب - ۵۳۹ .  
 نور الصباح فی اغلاط الصحاح - ۱۹۵ .  
 نهاية الادراك - ۴۳۱ .  
 نیرنات فصاحت ( شرح نهج البلاغه ) - ۱۳۷ .  
 و  
 الوافیہ ( نظم کافیہ از ابن حاجب ) - ۲۹۱ .  
 وامق و عذرا ( عنصری ) - ۶۴۵ .  
 وجه دین - ۶۸۷ .  
 الوجیز ( تفسیر ابن عثاقی ) - ۱۲۸ .  
 وسط الحیات ( دیوان امیر خسرو ) - ۵۹۴ .  
 وسیله العفاة الى اكفی الكفاة - ۹۳ .  
 وسیلة المقاصد - ۲۶۵ .  
 الوشاح ( تألیف بیهقی ) - ۴۴۷ .  
 الوشاح وتنقیف الرماح - ۲۴۰ .  
 وصف الحال ( حسینی ) - ۵۱۰ ، ۵۱۱ .  
 الوصل والمنی فی فضل منی - ۲۳۶ .  
 وقوف قرآن کریم ( نظام الدین نیشابوری ) - ۳۵۰ .
- الوکلاء ( جاحظ ) - ۷۹ .  
 ویس ورامین - ۵۳۱ .  
 ه  
 هادی ( شرح تصریف عزى ) - ۳۱۳ .  
 الهادی ( تألیف عبدالغفار قزوینی ) - ۳۴۹ .  
 هدايات الحسام فی عجائب الهدیات للحکام =  
 ( شرح عهدنامه مالک اشتر ) - ۱۴۱ .  
 الهدایه ( منظومه جزری ) - ۲۰ .  
 هدایه اثیریہ - ۴۰۷ .  
 هفت اورنگ - ۳۵۸ .  
 ( فرهنگ زبان گویا و جهان یویا ) هفت بخشى -  
 ۲۱۳ .  
 هفت پیکر ( صبا ) - ۶۲۶ .  
 هفت کشور ( یکی از خمسة فیضی است ) - ۵۲۲ .  
 ی  
 یتیمۃ الدهر ( از مآخذ است ) - ۵۰۶ .  
 ینایع اللغة - ۱۹۶ .  
 یوسف و زلیخا ( آذر ) - ۴۵۲ .



## فهرست اعلام

در این مجلد چون مجلد پیشین نامهای کسانی که مؤلف کتابی و یا نویسنده نسخه ای بوده اند و یا بمناسبت از آنها نام برده شده بترتیب حروف تهجی مرتب گردید و برای اینکه نگاه کنندگان بزودی مطلوب خویش را بیابند اصطلاحاتی را که بکار برده ایم یاد آور میشویم :

۱ - نامی که باحروف سیاه نوشته بشرح حال وی پرداخته شده و صفحه ای که شامل شرح حال اوست در این علامت [ ] گذارده ایم و چون مؤلفه دیگری نیز از وی در این فهرست معرفی شده باشد شماره صفحه آن در این علامت ( ) قرار داده شده و شماره هائیکه در یکی از این دو علامت نباشد میرساند که فقط نام آن شخص در آن صفحات یاد گردیده است .

۲ - چون کسی دارای لقب و کنیه و نام و شهرت باشد در ذیل نام مشهور وی معرفی کامل و در ذیل دیگر نامها نیز معرفی و یا حواله بنام مشهور وی گردیده است .

۳ - کسیکه مؤلفه ای از او در این مجلد نبوده ولی بمناسبت مختصر معرفی گردیده باشد شماره صفحه ای که شامل آنست با شماره سیاه نمایانده شده .

۴ - چون کسی را در حاشیه صفحه ای نام برده باشیم پس از شماره صفحه حرف ح گذاره ایم .

۵ - پس از نام یا شماره ای چون حرف ه کت « بوده باشد میرساند که آن شخص نویسنده نسخه است .

أمدى (مؤلف غرر الحكم ودرر الكام - ناصح -  
الدين أبو الفتح عبد الواحد بن محمد تميمي) - ٣٤،

ابن ابی جمهور الاحسایی - ۳۲۵ .  
**ابن ابی الحدید** (عزالدین عبدالحمید بن هبة الله) -  
 [۴۱-۴۹] ۵۶، ۶۱، ۶۲، ۶۵، ۱۱۵،  
 ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۷،  
 ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۹،  
 ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۶،  
 ۳۶۱ .  
 ابن ابی الشحنة - ۱۱۷ .  
 ابن ابیر جزری (ضیاء الدین نصر الله) - ۴۳ و ۲۹۹ .  
 » » (عزالدین علی - ابو الحسن) - ۲۹۹ .  
**ابن اثیر جزری** (ابو السعادات مجد الدین مبارک  
 بن عبدالکریم) - [۲۹۷-۳۰۲] .  
 ابن ام قاسم - ۳۸۴ ح .  
 ابن انباری (ابوبکر محمد بن قاسم) - ۷ .  
 ابن الاهدل - ۵۵۳ .  
 ابن ایاس - ۷۲ .  
 ابن بابویه (بنی بابویه) - ۲۹۸ .  
 ابن البهلوان (اندریس بن حاج سلیمان) - ۵۴۵ .  
**ابن النعناوی** (محمد بن عید الله بن عبد الله) -  
 [۵۴۶-۵۴۸] .  
 ابن جزری - ۷۳ .  
 ابن جنی - ۱۵۴ ح ۳۸۳ .  
**ابن جوزی** (ابو الفرج بن جوزی) - [۸۱-۸۵] ،  
 ۲۸۵ ح .  
**ابن حاجب** (جمال الدین ابو عمر و عثمان بن عمر  
 مالکی) - ۳۰۶ ، ۳۰۸ ، ۳۰۹ ، ۳۲۱ ،  
 [۳۳۰-۳۳۲] ، (۳۹۰-۳۹۲) ، ۴۱۹ ،  
 ۴۳۷ ، ۴۳۱ .  
 ابن الحاج - ۱۵۳ .  
 ابن حجر - ۲۳۳ ، ۲۳۹ ، ۲۶۹ ، ۴۳۳ ح .  
 ابن حجره حوثی (تقی الدین) - ۵۰۱ ، ۳۷۶ .  
 ابن حنبلی (محمد بن ابراهیم حنبلی) - ۳۱۸ ح .  
 ابن خالویه (حسین بن احمد) - ۳۱۵ .  
 ابن الخشاب (ابو محمد عبد الله بن احمد) - ۱۱۶ ،  
 ۱۵۳ ، ۳۹۳ .  
**ابن خفاجه** (ابو اسحق ابراهیم بن ابو الفصح) -  
 [۵۴۸-۵۵۰] .  
 ابن خلدون (تاریخ تألیف وی از ماخذ است و نام

وی بسیار تکرار شده) .  
 ابن درید (محمد بن الحسن اللغوی) - ۷ .  
 ابن الدهان (یحیی بن سعدون قرطبی) - ۲۹۸ ،  
 ۲۹۹ .  
 ابن الزبیری - ۵۸۵ .  
**ابن السعفی** (احمد بن علی بن مسعود) - [۳۹۳-۳۹۴] .  
 ابن السکیت - ۳۹ ، ۱۶۷ ، ۲۹۰ ، ۲۹۷ .  
 ابن السمعانی - ۵۰۶ .  
 ابن سید بطلیوسی (عبد الله بن محمد بن سید بطلیوسی) -  
 ۶ .  
 ابن سیده - ۱۷۴ ح .  
 ابن سینا (ابو علی - شیخ الرئیس) - ۱۲۷ ، ۴۳۱ ،  
 ۵۲۵ ح .  
**ابن الشحنة** (محمد بن محمد بن محمد بن محمد) - ۴۱۷ ،  
 [۴۳۲-۴۳۴] .  
 ابن شهر آشوب - ۱۳۰ ، ۷۶ .  
 ابن صائغ دمشقی (شمس الدین محمد بن حسن بن  
 سباع) - ۲۷۹ .  
 ابن صلاح - ۱۹۵ .  
 ابن طاوس - سید - ۱۳۶ ، ۲۹۸ .  
 ابن عباس - ۱۱۶ ، ۲۳۵ ح .  
 ابن عبدالبر - ۱۲۷ ، ۱۲۸ .  
 ابن عثاقی - ۱۲۴ ، ۱۲۵ ، ۱۳۷ ، ۱۳۸ ، ۱۳۹ ،  
 ۱۳۸ .  
 ابن عتیق (شریف نقی) - ۴۵۸ .  
**ابن عیدرریه** (ابو عمر و احمد بن محمد بن عبد ربه) -  
 ۳۱۱ ، [۴۳۶-۴۳۷] .  
 ابن العربی - ۱۳۱ .  
**ابن عقیل** (بیاد الدین عبد نقی بن عبد الرحمن) -  
 ۳۰۳ ، [۳۳۳-۳۳۵] ، ۳۳۸ ، ۳۳۹ ،  
 ۳۴۰ ، ۳۸۴ ح .  
 ابن علقمی - ۴۳ ، ۴۷ ، ۴۸ .  
 ابن عمر بلخی - ۳۷۶ .  
 ابن عمید - ۲۸۸ .  
 ابن العتقا - ۱۳۸ .  
**ابن فارس** (ابو العبدین محمد بن فارس بن زکریا) -  
 ۸۵ ح ، ۸۷ ، ۸۸ ، ۱۳۱ ، ۱۹۶ ، [۲۸۵-  
 ۲۹۳] ، ۵۵۳ .



ابو سفیان - ۵۸۵ .  
 ابو الشرف بن صفی الدین زواری - ۳۲۱ و ۳۲۲ .  
 ابوطالب - ک - ۳۰۵ .  
 ابو طالب اصفهانی - میرزا (صاحب حاشیه بر -  
 سیوطی) - [۳۲۹-۳۳۰] ۳۳۸ و ۳۴۰ .  
 ابوطالب بن میرزا علی رضای اصفهانی - میرزا -  
 ۳۲۹ .  
 ابوطالب بن فخرالدوله دلمی - ۲۸۶ .  
 ابو طالب کلیم (کلیم کاشانی) - [۶۶۰-۶۵۹] .  
 » بن کنعان تبریزی انصاری - ک - ۳۶۲ .  
 ابو الطیب (متنبی احمد بن حسین) - ۱۰۱ و  
 ۱۵۳ ح و [۶۶۸-۶۶۹] .  
 ابو عبدالله اللقیانی - ۳۱۸ ح .  
 ابو عبید - ۲۷۹ و ۲۹۰ .  
 ابو العتاهیه - ۳۸ .  
 ابو العلاء صاعدی - ۶۶۱ ح .  
 » گنجی ای - ۴۶۵ .  
 » المعری - ۵۵۴ .  
 ابو علی طبرسی - [۱۰۴-۱۰۳] ۱۴۴ .  
 » طبری - ۴۴۶ .  
 » فارسی - ۳۱۵ و ۳۱۴، ۱۹۳ و ۱۵۳ .  
 » قالی بغدادی - ۵۰ .  
 ابو الفتح (آمدی دیده شود) .  
 » (دخترزاده نطنزی) - ۱۷۶ ح .  
 » اسکندری - ۸۵ و ۸۷ و ۹۰ .  
 » بستی - ۶۹ .  
 » گیلانی - حکیم - ۶۳۸ .  
 ابو الفتوح رازی - شیخ - ۴۹۳ ح .  
 ابو الفدا - ۱۱۴ و ۱۲۰ .  
 ابو الفرج اصفهانی - ۱۲۷ .  
 ابو الفرج ابن جوزی (ابن جوزی) - [۸۱-۸۵] و  
 ۲۸۵ ح .  
 » سکرزی - ۶۴۵ .  
 ابو الفضل ساوجی - حاج میرزا (مجد الدین  
 محمد بن فضل الله) - [۶۷۰-۶۷۱] .  
 ابو الفضل طبیب - میرزا - ۵۳۶ .  
 » کاشانی - میرزا - ۲۶۲ .  
 ابو الفضل قرشی (محمد بن خالد) - [۴۴۵] .

ابو الفضل بن مبارک - ۵۲۱ و ۵۲۲ ح و ۶۹۸ ح .  
 ابو الفیض (فیضی هندی دیده شود) .  
 ابو القاسم (امام جمعه طهران در اول مشروطه) - ۵۵۰ .  
 » بلخی - ۱۱۶ ح و ۱۱۷ .  
 » بن حسقلی - ک - ۲۹۴ .  
 » سکوت - ۵۱۰ .  
 ابو القاسم سمرقندی - ۳۳۱ و [۴۱۰-  
 ۴۱۱] ۴۲۱، ۴۲۲ و ۴۲۳ .  
 ابو القاسم - میرزا (قائم مقام) - ۲۶۱ .  
 » کازرونی - ۴۲۹ .  
 » بن مجد الاشراف شیرازی - ۱۴۰ .  
 » بن محمد - ک - ۱۵۹ .  
 » نائینی - سید - ک - ۹۲ .  
 » هجری - ۴۵۵ .  
 ابو الحسن شنجی - ۵۰۵ ح .  
 ابو محمد بن التعاویذی - ۵۴۷ .  
 » شیخ صنعان - ک - ۱۱۸ و ۱۵۵ .  
 » (نظامی گنجوی دیده شود) .  
 » یعنی عبدالله - یاقمی - ۱۱۴ و ۱۹۲ .  
 و ۳۳۰ .  
 ابو المعالی (سعد بن علی وراق خطیری) - ۵۰۶ .  
 ابو نصر اخت الیث - ۲۹۰ .  
 » علی طوسی (اسدی طوسی دیده شود) .  
 » فارابی - ۶۳۱ .  
 ابو نعیم بصری (علی بن حمزه) - ۵۵۳ ح .  
 ابو الوفا - سید - ۵۸۱ .  
 ابو وهفان - ۷۸ .  
 ابو یوسف (یعقوب اسفراینی) قاضی - ۱۴۷ .  
 ابیوردی - ۴۱۴ .  
 اتابک سعد زنگی - ۴۲۹ .  
 اتسر بن اوق غزی - ۱۸۴ .  
 اتسر بن خوارزمشاه - ۱۸۳ و ۱۸۴، ۵۵۰ و  
 ۵۵۶ .  
 » آینه - ۷۰۰ .  
 اثیر الدین اومانی - ۷۰۲ .  
 احمد (خواججه میرزا - پدر امین احمد رازی) - ۴۸۳ .  
 احمد بن ایراهیم الممدانی - ابو العباس - ۲۹۰ .  
 احمد بن محمد علی (رجوع به تاج الدین عراقی شود) .

- ۵۳۱ .  
 احمد بن محمد علی سهر (مورخ الدوله) - ۱۴۸ .  
 » بن علی بن مسعود (ابن السقا) - [۳۹۳-۳۹۴].  
 » » مفری بیهقی (بوجعفرک) - ۱۹۶ و ۲۸۳ .  
 » فارس معروف به شد یاق - ۳۳۸ .  
 » قسطنطینی - تقی الدین (شبنی) - [۳۸۰-۳۸۲].  
 » کاشانی - شیخ - ۱۴۸ .  
 » کرمانی - شیخ - ادیب - ۱۴۹ .  
 احمد بن محمد حجازی (شهاب الدین) - ۳۷ .  
 » بن محمد خازرنجی - ۷ .  
 » » خفاجی - ۳۱۸ .  
 » » محمدرضا - ک - ۳۰۸ .  
 » حاج محمد سنان (وهبی) - ۵۵۰ .  
 احمد شاه بن محمد شاه بن مظفر شاه - ۳۷۷ .  
 » بن محمد بن عرب شاه دمشق - ۴۵۴ .  
 » ملا محمد کاتب - ک - ۲۰۲ .  
 » محمد النحاس النحوی - ابو جعفر - ۷ .  
 » هروی - ابو عبد الله - ۳۰۰ .  
 » محمود بن علی النحوی - ۱۰ .  
 » مرکز - ۲۴۰ .  
 » المستضی و عباسی (الناصر لدین الله) - ۵۰۵ .  
 » مصطفی الالبیدی - ۲۲۸ .  
 » مفضل کاشانی - علاء الدین - ۳۴۴ .  
 » منیری - شرف الدین - ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۱۳ و ۲۲۰ .  
 » بن موسی م - شاه چراغ - ۲۰۵ .  
 » مهذب - میرزا سید - ۲۰۴ و ۳۵۴ .  
 » بن مهنا - ۱۳۰ .  
 » میدانی - ۲۹۶ .  
 نظام الدین (پدر سید علیخان کبیر) - ۲۰۶ .  
 احمد هاتف اصفهانی - سید - ۶۰۴ و [۷۰۳-۷۰۴].  
 » هندی - شهاب الدین - ۳۹۱ .  
 احمد بن یوسف السلاویکی - ۳۰۹ .  
 احمدی کرمانی - ۱۷۸ ح .
- احمد بن محمد علی بکر البریهی - صفی الدین - ۲۳۵ .  
 احمد ابی وردی - ملا - [۲۲۷-۲۲۹].  
 احمد احسانی - شیخ - ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۱۴۳ .  
 » » بن امین شقیطی - ۳۴۷ .  
 احمد بیجوری - شمس الدین - ۳۹۵ .  
 احمد بن حاج عبد الواحد کرمانی (رجوع به نظامیشاه شود) .  
 احمد بهمن شاه - ۳۹۱ .  
 » تبریزی - میرزا (صاحب پایخانه احمدی) - ۷۷ .  
 » چنگیزی - ۷۳ .  
 » حریری - خان - ۴۱۰ .  
 احمد بن حسن (رجوع به فخر الدین - جابر دی شود) .  
 احمد بن حسین (ابو الطایب متنبی) - ۱۰۱، ۱۰۲ ح . [۶۶۸-۶۶۹].  
 احمد بن شیخ حمزه - ک - ۴۲۰ .  
 احمد بن عبد الله بن من - ابو العباس (شریعی) - [۳۶-۳۸].  
 » حنبل - امام - ۴۳۳ .  
 » خان - میرزا - ۴۷۴ .  
 » بن خضر اسکوبی علوی - ۲۶۰ .  
 » داود جدائی - ۷ .  
 » دیکنوز - شمس الدین - ۳۹۳ .  
 احمد زین عامی - شیخ - ۲۷۵ .  
 احمد بن سلیمان (ابن کمال پاشا) - [۲۵۹-۲۶۱].  
 » [۲۶۱-۲۶۲] و ۳۹۳، ۳۹۹، ۴۰۰ .  
 » شیرازی - شیخ - ۴۳۴ .  
 » صفوة المورخین - ۱۲۲ .  
 » عاصم افندی - ۲۳۸ .  
 » عاصم عتایی - ۱۶۳ .  
 » عبادی - شهاب الدین - ۳۱۸ ح .  
 » بن عبد الله - ابو جعفر - ۴ .  
 » عبد العزیز سجدی - ابو العباس - ۲۳۸ .  
 » فیلاسی - ۲۳۹ .  
 » عیسی - ک - ۴۱ .  
 احمد علی احمد (مؤلف هفت آسمان و بیاشد) -

اخلف - ۵۶ .  
 اختری (فره‌حصاری - مصطفی بن شمس الدین) -  
 [۲۶۴-۲۶۵] و ۲۶۵ .  
 اخستان بن منوچهر - شروانشاه - ۵۳۸ .  
 اختری فرج زنجانی - ۵۳۱ .  
 ادريس بن حاج سليمان (ابن الیهوان) - ۵۴۵ .  
 ادوارد برون - ۴۷۶، ۴۸۳ و ۶۷۷ .  
 ادوارد فاندیک - ۱۱۴، ۱۲۰ و ۱۲۱ .  
 ادیب صابیر (صابر بن اسمعیل) - ۴۴۶، [۵۰۴-۵۰۵] و ۵۰۷ .  
 اردشیر میرزا قاجار - ۳۷۸ و ۶۲۵ .  
 ارسطو - ۶۱۵ ح .  
 ارسلان سلجوقی - مزل الدین - ۶۷۳ .  
 بن کرمانشاه - ۶۳۷ و ۶۷۳ .  
 بن مسعود غزنوی (ابو الملوک) - ۶۷۳، ۶۷۴ و ۶۷۷ .  
 ارسلان - نورالدین پادشاه موصل - ۵۲۶ ح .  
 ارسلان خان (محمد بن داود) - ۶۷۳ ح .  
 ارگانی (محمد جواد) - ۲۰۵ و ۶۲۳ .  
 ازرقی (ابوبکر بن اسمعیل رزاقی) - [۵۰۷-۵۰۸] .  
 ازهری (ابو منصور محمد بن احمد بن ازهر) - [۱۶۶-۱۷۳] ۳۱۰، ۳۰۰، ۱۹۶، ۱۸۴ و ۳۱۰ .  
 اسحق بن ابراهیم فارابی (صاحب دیوان الادب) -  
 [۱۸۰-۱۸۵]، ۱۹۳، ۱۹۴ و ۶۳۱ .  
 اسحق بیسنگ (عذری) - ۴۵۳ و [۴۶۹-۴۷۳] .  
 بن محمود القرشی - ۳۰۹ .  
 مراد شیانی - ۳۹۷ .  
 اسدالله - سید - ۳۵۳ .  
 اسدالله خان (حاکم توسرکان) - ۶۷۵ .  
 (غالب دهنوی) - ۱۶۳ .  
 گلبایگانی - شیخ - ۱۳۶ .  
 بن میرزا خلیل - ک - ۶۸۱ .  
 نازینی - ۲۸، ۲۹ و ۳۲ .  
 اسدی طوسی - ۱۹۱، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۲۱ و ۲۶۱ .  
 اسدی (مؤلف طبقات الشافعیه) - ۷۲ .  
 اسد پاشا - ۴۴۱ .

اسفر اینی (عصام الدین - ابراهیم) - [۳۲۰-۳۲۲] ۲۲۲، ۴۱۰، ۳۲۳ و [۴۲۳-۴۲۴] .  
 اسفر اینی (شیخ نورالدین عبدالرحمن) - ۶۸۲ .  
 اسفندیاری (جناب حاج محشم السلطنه - حسن) -  
 ۱۵ ح، ۴۵، ۶۵، ۱۳۰، ۱۳۱ و ۳۲۲ .  
 اسکندر - ۵۲۹ .  
 بیگ - ۲۳۱ .  
 خان - ۳۶۷ .  
 شاه - ۶۱۵ .  
 اسکندری - ۲۱۳ .  
 اسمعیل بن اسحق قاضی - ۷۸ .  
 اسمعیل اشرف (پادشاه یمن) - ۲۳۴ و ۲۳۶ ح .  
 بن حسن دزنولی - ک - ۵۵۴ .  
 اسمعیل بن جاد (جوهری صاحب معجم) - دیده شود .  
 حمید ابله - ۶۹۸ .  
 خان - میرزا - ۴۷۴ .  
 - - - - - دیر - ۵۵ ح .  
 خورشید شیرازی - ۴۷۱ .  
 سیسی - شیخ - ۶۸۲ .  
 بن عقی - ۳۶۵ .  
 محمد نیشابوری - ابو محمد - ۱۹۴ .  
 موسوی - حبیبی - ک - ۲۷۶ و ۲۷۷ .  
 بن نورالدین - پادشاه دمشق - ۵۰۴ .  
 وراق - ۵۵۸ .  
 اسپیری (شمس الدین محمد بن یحیی لاهیجی) -  
 [۵۵۸-۵۶۰] .  
 اشراق - میرزا - ۴۷۵ .  
 اصفهانی (شارح توحید البلاغه) - ۱۳۸ .  
 اصفهانی - استخری - ۱۵۳ ح .  
 اصمعی - ۵۹۹ .  
 اظهري (بوداق) - [۵۶۱-۵۶۲] ک .  
 اعتضاد السلطنه (در بیشتر اوصاف نام ایشان برده  
 شده و در ص ۴۵۴ و ۴۵۵ و ۴۶۱ خط  
 ایشان موجود است) .  
 اعتمادالدوله - حاتم بیگ - ۲۲۲ .  
 اعجاز حسین - سید - ۱۲۳ .  
 اعشی - ۵۸۵ .  
 افتخارالدین - ۶۱۰ .  
 افتخارالدین - ۱۳۸ .

امیر کبیر (میرزا تقی خان) - ۸۶ -  
 امیر معزی (معزی - محمد بن عبد الملك) - ۲۶۱ -  
 ۶۷۳، ۵۵۷، ۵۵۴ و [۶۸۱-۶۸۰].

امیر نجم ثانی - ۹۷ -  
 امیری فیروز کوهی - ۱۳۱ و ۱۳۲ -  
 امین احمد رازی - [۴۸۲-۴۸۶] (گذشته از  
 ایشکه در این دو صفحه، هفت اقلیم او معرفی  
 شده چون کتاب او از مآخذ است بسیار از  
 وی نام برده شده است).

امین الدین کازرونی - شیخ - ۴۸۴ -  
 امین عراقی (عبدالحسین) - ۴۷ و ۳۱۹ -  
 اندلس بن نوح علیه السلام - ۵۴۸ -  
 آنوری (علی بن اسحق یا محمد بن محمد) - ۹۵ -  
 ۱۷۷، ۱۰۱، ۱۹۱، ۲۶۱، ۲۹۵، ۲۹۶، ۴۴۵  
 [۵۶۹-۵۶۴]، ۶۳۲، ۶۵۸ و  
 ۶۸۱.

انوشیروان - ۴۶، ۴۶۵ ح -  
 بن محمد کاشانی وزیر - ۹۰ و ۹۱ -  
 اوباش (نظام الدین حیدر) - ۱۶۵ -  
 اوبهی - ۲۱۳ -  
 اوحده الدین کرمانی - ۲۹ ح و ۴۸۶ -  
 اوحدی شیرازی (منعم الدین) - ک - ۵۸۲ و  
 ۶۳۴.

اوحدی مراغی اصفهانی - [۴۸۶-۴۸۹] -  
 اورنگ زیب - ۲۰۳ -  
 اولان رمضان - ک - ۴۷۳ -  
 اویس بهادرخان (سراچان اویس = شاه اویس) -  
 ۴۹، ۲۲، ۲۳، ۶۰، ۶۰ و ۹۰۷ -

اویس بن محمد - ۴۴۰ -  
 اهلای خراسانی - [۵۶۹-۵۷۱] -  
 اهنی شیرازی - ۵۶۹، ۵۷۰ و ۶۰۹ -  
 اهلای نوائی - ۵۷۰ ح -  
 اهوازی - ۹۳ -  
 ایدمانی (طالع هروی) - [۱۶۰-۱۶۱] و  
 ۲۶۷ -

افضل بن قاضی محمد نظام الدین - ک - ۲۸۴ -  
 اقبال آشتیانی (عباس) - ۲۲ ح، ۷۰، ۷۱، ۷۰۰  
 ۱۰۲، ۱۵۲ ح، ۴۳۸، ۴۳۹ ح، ۵۱۲ ح،  
 ۵۱۳ ح، ۵۸۷، ۶۱۲ ح و ۶۸۰ -  
 اکبر شاه - ۲۱۲، ۲۲۰، ۲۲۱، ۵۲۲ و ۶۹۸ ح -  
 الله داد سرهندی - شیخ - ۲۲۷ -  
 الب ارسلان - ۵۵۸ -  
 الغ بیگ بن شاه رخ - ۱۷، ۵۱۷، ۶۵۳ و ۶۶۷ -  
 القاس میرزا - ۴۶۱ -  
 الهی اردبیلی (حسین) - ۱۲۹ -  
 الهی قمشه‌ای (مهدی) - ۱۴۳ -  
 امام جمعه طهران (حاج سید محمد) - ۵۵ -  
 امام جمعه طهران (محمد مهدی دیده شود) -  
 نقیر رازی - ۴۲ و ۱۳۵ -

قی - ۲۱۹ -  
 استر ابدی - ک - ۳۵۱ -  
 فیضان - ۳۱۰ -  
 ویری (احمد بن محمد - الشیخ الجلیل) - ۱۲۳ و  
 ۱۳۴ -

امامی هروی ۲۶۱ و ۶۳۲ -  
 امیر القاس - ۲۸۳، ۴۳۷ و ۵۹۸ -  
 امیر الشاه بن ناصر یومور - ۶۶۴ -  
 امیر ابو راب رازی - ۴۷۵ -  
 امیر تیمور گورکان - ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۳۳ ح،  
 ۴۳۸، ۴۵۲ ح و ۶۶۷ -  
 امیرخان - ۶۵۰ -

امیر خسرو شهلوی (خسرو - ابوالحسن -  
 محمد - الدین - اویس - رستمی) - ۲۰۹، ۲۰۹، ۵۱۴  
 [۵۱۶-۵۲۰]، ۵۳۰، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۹۱  
 (۵۹۳-۵۹۵) و ۶۷۶ -  
 امیر شاهین - بیروزی (شهی - آق‌نوش) - ۶۱۶ -  
 [۶۱۸] -

امیر شایمشیر نوآیی (نوائی - عیسی) - ۱۰۳ -  
 ۱۱۶، ۱۶۱، ۱۷۴، ۱۷۶، ۲۶۷، ۲۶۸،  
 ۴۱۰، ۴۳۲، ۴۷۵، ۵۴۱، ۵۴۸ -  
 ۶۵۳، ۶۹۱-۶۹۴ و (۶۹۵-۶۹۴) -



## پ

- بابافغانی شیرازی - [۶۴۸-۶۵۱] .  
 بابر بهادر خان (سلطان ابوالقاسم) - ۶۶۵ .  
 بابوتاریخزن متر - ۱۶۵۰ .  
 البارع بن الدباس النحوی - ابو عبدالله - ۵۰۷ .  
 باقی (عبدالباقی صوفی) - ۶۹ ح .  
 بایزید خان پادشاه عثمانی - سلطان - ۴۲۴ .  
 سلطان بایزید ابن سلطان محمد - ۴۰۲ .  
 » » بن سلطان مراد - ۳۷۱ .  
 بایستقر ابن شاهرخ - ۵۱۷، ۶۵۹ و ۶۶۷ ح .  
 بتول - ۱۹۳ .  
 بختری - ۱۵۳ ح .  
 بحر العلوم (آقا سید مهدی بروجردی) - ۲۲۴ .  
 ۲۲۵ .  
 بحرینی - سید هاشم - ۴۴ و ۲۸۶ .  
 بخاری - ۳۰۴، ۳۰۶ و ۳۷۶ .  
 بخت - ۵۷۱ ح .  
 بدایع نگار - ۱۴۳ .  
 بدر محمد دهلوی - قاضی خان ۲۱۳، ۲۲۱ .  
 بدرشاهی - ۱۹۱ .  
 بدرالدین (مؤلف فرهنگ زبان گویا) - ۲۱۳ .  
 بدرالدین محمود - عینی - ۳۸۴ ح .  
 بدرالدین خبوشانی - ۴۴۷ .  
 بدرالدین قرانی - ۳۳۸ .  
 بدوانی - ۵۲۱ .  
 بدیع الزمان - ۹ .  
 » » بن سلطان حسین میرزا - ۵۳۹ ح .  
 » » خراسانی - ۶۳۷، ۴۶۴ .  
 » » (عبد الواسع جبلی دیده شود) .  
 بدیع الزمان ابو عبدالله حسین بن ابراهیم نطنزی -  
 [۱۸۰۱، ۱۷۶] .  
 بدیع الزمان همدانی - ابوالفضل احمد بن  
 حسین - [۹۰۰، ۸۵۰] و ۹۴۰ و ۷۸۵ .  
 بدیهی حکیم - [۲۷۲، ۲۷۱] .

- بدیعی تبریزی - ۲۷۱ .  
 بدیعی سمرقندی (مولانا زاده) - ۲۷۱ .  
 برکیارق (برادر سنجر سلجوقی) - ۲۹۵ .  
 بروکلان آلمانی - ۵۰ .  
 برهان الدین - ۲۴۰ ح .  
 » » ابراهیم ابن احمد بن ناصر بن خلیفه  
 مقدسی شافعی ناصری باعونی دمشقی - ۷۳ .  
 برهان بن ابی ذرغفاری - ۴۰۵ .  
 برهان الدین (ابوالمظفر ناصر بن المطرزی) - ۴۱ .  
 برهان نظام الدین شاه هندوی - ۲۱۲ ح .  
 برهانی - ۲۱۳ .  
 (عبدالله لک پندرا برهمیزی) - ۶۸۰ .  
 بشیر خان - [۲۰۹-۲۱۱] .  
 بلعی - ۶۰۳ .  
 بابا ابن میرزا محمد - میرزا ک - ۱۶۴ .  
 بشانی - ۳۷۶ .  
 بتو (مستشرق) - ۳۰۴ .  
 بتدارین لؤة الاصفهانی - ۲۹۰ .  
 بتدینجی - ۵۰ .  
 بنی المظفر - ۵۴۷ .  
 بوجعفرک - بیهقی - ۲۸۳ .  
 بهاء الدوله دیلمی - ۱۵۰ و ۱۵۲ .  
 بهاء الدین - ۴۱ .  
 بن علی النجفی الشهبزبانی صاوی - ۲۷۵ .  
 محمد بغدادی - ۲۱ .  
 (محمود بن عزالدین یوسف) - ۵۱۵ .  
 بهائی - شیخ - (بهاء الدین محمد بن حسین بن عبدالصمد  
 حارثی جبائی عاملی) - ۲۹ ح - ۴۹۰ ح - ۵۴ ،  
 ۸۱، ۸۲ ح - ۸۳، ۳۲۵، ۳۵۳، ۳۸۹ -  
 [۳۹۰] و ۳۸۹ و ۵۵۱ .  
 بهرام چوبینه - ۴۶۵ ح .  
 بهرامشاه - ۴۹۵ .  
 بهرامشاه رومی - ۵۲۷ .  
 بهرامشاه غزنوی - ۴۹۷، ۴۹۸، ۵۸۹ و ۶۳۶ .  
 ۶۷۳ .

بهرام گورد - ۵۲۹، ۵۱۹.  
 بهمن بن اسفندیار - ۱۷۷ ح.  
 بهمن میرزا پسر نایب السلطنه عباس میرزا - ۵۰۰.  
 بیدل (رجوع به عبدالقادر شود).  
 بیدل (رجوع به محمدحسن پروجیدی شود).  
 بیضاوی (قاضی) - ۴۵۸، ۴۵۷، ۳۴۸.  
 بیهقی - ۲۸۲ ح.  
 (صاحب تاریخ) - ۶۰۳.  
 (علی بن ابوالقاسم) - ۱۲۵.  
 ابوالحسن علی - ۱۳۴.  
 (شارح نهج البلاغه) - ۱۲۳.  
 وحیدی - ۴۴۸.  
 ب  
 یزیدان - ۵۸۱ ح.  
 بندت شمشیری - ۲۵۵.  
 ربیع محمد بن یوسف الانقروی - ۲۸۱، ۲۸۰.

پ

ت

تبارخان - ۴۸۴.  
 قاضی (میرزا محسن) - [۵۷۵-۵۷۳].  
 تاج الدین ابن محمد اسفرائینی (فاضل اسفرائینی) - ۳۶۹.  
 تاج الدین حسین - ۴۰۸.  
 زاهد - ۵۹۴، ۵۱۷.  
 تراقی (احمد بن محمد بن علی) - ۵۱۳.  
 ۵۱۴.  
 ۵۶۵ - زاده.  
 ۳۸۳، ۳۸۲ - زیدی.  
 محمود پادشاه کرمان - سلطان - ۶۱۳.  
 بن عبدالعزیز آقوی - ۱۷۰.  
 تاج الشیراز (شهاب اسفغانی) - ۶۱۹.  
 تارابی - ۱۷۰.  
 تربیت (محمد علی) - کمتر صفحه ایست که نام ایشان را ندانم. باشد چنانکه مؤلفه ایشان از ما آخذ است.  
 تبرک الله (امیر خسرو دهلوی دیده شود).  
 تبرمندی - ۶۵۸.  
 تفتازانی (محمد الدین مسعود) - ۳۱۳، ۱۳۶.

۳۴۴، ۳۴۶، ۳۲۷، ۳۲۱، ۳۱۹، ۳۱۸.  
 ۳۶۷، ۳۸۰، ۴۰۲، ۴۱۲، ۴۱۶، ۴۲۰.  
 ۴۳۲ و ۴۲۷، ۴۲۳.  
 تقریری - ۱۹۵.  
 تقی صانع - ۳۳۳.  
 تقی عبقری منشی - ۶۸.  
 تنکابنی (محمد طاهر) - ۲۰۶، ۹۱، ۷۴، ۶۲، ۶۱.  
 ۴۳۱.  
 تقوی - حاج سید نصر الله رئیس دانشکده - ۶۴ ح.  
 ۶۸۷ و ۶۵۸، ۲۴۱، ۲۲۷، ۸۶، ۶۹، ۶۵.  
 تقی الدین کاشانی - ۸ ح، ۱۸۹ ح، ۵۲۵ ح.  
 ۴۸۰ و ۶۱۱.  
 کرمانی - ۲۴۰، ۲۳۹.  
 اوحیدی (مؤلف عرفات) - ۶۹۸، ۶۹۷.  
 تقی زاده - سید حسن - ۶۸۷، ۶۸۶.

ث

ثعالبی - ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۹۳، ۱۹۶.  
 ۲۸۸ ح - ۵۰۶.  
 ثعلب - ۲۸۹ ح.  
 ثعلبی - ۲۹۹.  
 ثقة الملك (طاهر بن علی) - ۶۷۷، ۶۷۶.  
 ثنائی مشهدی (خواجہ حسین) - [۵۷۷-۵۷۵].  
 ۷۰۲ و ۶۹۰.

ج

جاحظ (ابو عثمان عمرو بن بحر بن محبوب کنانی لبنی) - ۷۶، ۷۲، ۷۱، ۶۸، ۵، ۷۸-۸۱.  
 ۵۵۲ و ۱۴۴، ۱۲۷.  
 جار الله (زنجشیری دیده شود).  
 جابر ددی (نضر الدین احمد بن حسن) - ۳۱۳ ح و [۳۴۹-۳۴۸].  
 جامی (عبد الرحمن بن احمد - نور الدین) - ۷۱.  
 ۳۲۰، ۳۱۰، ۲۱۱، ۲۰۹، ۱۰۰، ۹۹.  
 ۳۲۹، ۳۴۱، [۳۶۰-۳۵۷]، ۳۹۱.  
 (۴۴۹)، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴ ح، ۵۳۹ ح.  
 ۵۴۰ ح، ۵۴۲، (۵۷۹-۵۷۷)، ۶۳۳ ح و ۶۶۸.

جر جانی (ابوبکر عبدالقاهر بن عبدالرحمن) -  
[۳۱۶-۳۱۷] ۳۸۳ و ۳۶۷.

جر جانی (رجوع به میرسید شریف شود).  
جر جی زیدان - ۱۱۴، ۱۵۰، ۱۶۹ و ۲۳۷.

جعفر بن شمس الخلفه ك - ۶۰۰.

» عباس ك - ۴۱۹، ۴۲۳.

» صادق علیه السلام (امام ششم شیعه) - ۱۹۹.

» قراچه داغی - میرزا - ۲۵.

» همدانی مختص به ریاض - میرزا - ۸۶.

جغتای - ۶۱۳.

جلال بن خضر بن داود - ۲۴۲.

جلال الدین اوبهی - ۴۰۷.

جلال الدین بن شریف حسن (آل ظفر) - ۳۴۸.

جلال الدین خوارزمشاهی - سلطان - ۶۱۳.

جلال - ملا (دوانی) - ۱۳۹، ۳۵۰ و ۴۱۱.

جلال الدین رومی - ۴۲۶، ۴۹۴.

جلال الدین (سیوطی) - ۱۸۳، ۳۲۹، ۳۳۳.

[۳۴۱ - ۳۴۶]، (۳۴۸ - ۳۴۶).

(۳۸۵ - ۳۸۶)، ۳۹۸، ۳۹۹ و ۴۲۵.

جلال الدین ابن شریف حسن عباسی (آل ظفر)

ك - ۳۴۸.

جلال الدین طهرانی - سید - ۳۶۴، ۵۱۲، ح.

جلال الدین قزوینی - ۳۳۳.

جلال محدث ارومی - ۳۹۹، ح.

جلال همائی - ۵۱۲، ح.

جلوه - میرزا - ۶۷۳.

جمال الدین - ۴۲۱.

» (ابن هشام دیده شود).

» (اسد آبادی همدانی ایرانی افغانی).

سید - ۱۳۵.

انجو - میر - ۲۲۰.

عبدالرزاق اصفهانی - ۴۴۵، ۹.

۶۶۱ و ۶۳۲.

جمال الدین وزیر - ۴۶۶.

جمال قرشی (ابوالفضل جمال الدین محمد بن خالد

قرشی) - [۲۰۴ - ۲۰۰].

جمال الدین محمد مطرزی - ۴۴۸.

محمود - ۴۱۱.

جهیل بیک - ۳۳۷.

جنیدین عوض سالار - ك - ۶۴۴.

جواد طارمی - شیخ - ۱۳۶.

عراقی - شیخ - ۱۲۶.

جوالقی یا جوالیقی - ۱۹۵.

جواهر الکلام - عبدالعزیز (مکرر نام برده شده).

جوهری (اسمعیل بن حماد جوهری فارابی) -

۴۰، ۱۷۰، ۱۷۸، ح ۱۸۰، ۱۸۳، ۱۸۴،

[۱۹۲ - ۲۰۰]، ۲۰۱، ۲۴۰، ۲۷۸،

۲۷۹ و ۶۳۱، ح.

جوهری سمرقندی - ۴۴۹ و ۴۵۰.

جهانگیر خان قشقایی - ۱۳۶.

جهانگیر خان آذربایجان (مضائی) - میرزا -

۱۴۴.

جیان - ابومنصور - ۱۹۴.

### چ

چلبی (حسن بن محمد شاه قنری) - ۳۳۸، ۴۴۰،

۳۴۵، ۳۹۱، [۴۰۵ - ۴۰۲]، ۴۱۴،

۴۲۰، ۴۲۱ و ۴۲۲.

چنگیز خان - ۵۶۰، ح.

### ح

حاجم طائی - ۵۵۲.

حاج بن منصور احسانی - ۲۰.

حاج میرزا حسن (صاحب فرستاده) - ۲۰۶.

حاجب سمرانی - ۶۲۵.

حاجی بابا الخوسری - ۳۰۸.

حاجی نوری (محدث نوری - حسن) - ۳۲۶.

حافظ اوبهی - ۲۲۱.

حافظ شیرازی (شمس الدین شاه) - ۱۰۱.

۱۱۳۱، ۱۹۱، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۶۱،

۴۵۵، ۵۱۳، [۵۷۹ - ۵۸۵]، ۶۴۲، ۶۴۳،

۶۵۴، ۶۵۵ و ۶۶۴.

حامد بن برهان غفاری - [۴۰۶ - ۴۰۵].

۴۰۸، ۴۱۳.

حجیب بن اوس (ابوالمود) - ۱۶۷، [۵۵۲ - ۵۵۴].

حسین بن علی - ابوعلی - ۱۹۳ ح .  
 حسن غزنوی - سید - [۵۸۸-۵۹۰].  
 حسن فتری (چلبی حسن بن محمد) - ۴۰۲ ح .  
 حسن بن قاسم مرادی - شیخ شمس الدین - ۳۸۴ ح .  
 حسن مجتبی علیه السلام - ۴۴۰، ۶۴۰، ۱۲۱۲ ح .  
 حسن بن محمد بن ابی الشحنا - ۱۸۴ .  
 « بطلیدوسی - ابوعلی - ۷ ح .  
 « البورینی شافعی - ۳۹۰ .  
 حسن بن محمد بن حسین النیشابوری (نظام الدین اعرج) - [۳۵۰-۳۵۲] .  
 حسن بن محمد حکمی - ۲۴ .  
 حسن بن محمد زیاری - [۴۰۹-۴۱۰] .  
 « صنعانی - ۱۷۴ ح .  
 حسین بن محمد قناری (چلبی) - [۳۳۸، ۲۴۰، ۳۴۵، ۳۹۱، ۴۰۲-۴۰۵]، ۴۱۴، ۴۲۰، ۴۲۲، ۴۲۱ .  
 حسن بن مظفر نیشابوری - ۱۸۳ .  
 حسن - حاج میرزا (مؤلف فارسنامه) - ۲۰۶ .  
 حسین آقای ملک - حاج - ۲۱ .  
 حسین بن ابراهیم - ابو عبد الله - ۸۷ .  
 حسین بن ابی الحدید - ۴۱ ح .  
 حسین اصفهانی - میرزا شاه - ۲۲۹ ح .  
 حسین انجو - [۲۱۲-۲۱۷] .  
 حسین ایلکانی - سلطان - ۶۶۴، ۶۰۶ .  
 حسین بایقرا - (سلطان حسین بایقرا دیده شود) .  
 حسین بلگرامی حسینی - ۱۶۵ .  
 حسین (تاج الدین) - ۴۰۸ .  
 حسین جوهری - ۶۹۰ .  
 حسین بن الهانک - ۲۸۲ ح .  
 حسینخان - میرزا - ۲۶ .  
 حسین خونساری (آقا حسین دیده شود) .  
 حسین شهرت (حکیم الممالک) - شیخ - ۵۷۴ .  
 حسین صفوی - میر - ۶۵۰ .  
 حسین عاملی کرکی - شیخ - ۲۹ ح ۱۳۳ .  
 حسینعلی خان - ۳۵۲ .  
 حسین بن علی (سید الشهداء علیه السلام) - ۴۸۹، ۴۹۷، ۵۰۱، ۵۷۳، ۶۰۵، ۶۱۹ .  
 حسین بن علی بن منصور عائدی - ۵۹۹ ح .

حسین الدین محمد خوئی (شارح نهج البلاغه) - ۱۳۶ .  
 حسین الله بن محمود - ۴۰ .  
 حسین بن ابراهیم بن محمد التفلیسی - [۲۴۷-۲۵۰] و (۲۵۰-۲۵۱) .  
 الحجاج - ۸۹ ح .  
 حجة الاسلام رشتی - ۷۴ .  
 حر عاملی (شیخ حر) - [۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۱، ۱۴۰] .  
 ۲۷۲، ۳۴۲ و ۳۷۳ .  
 حر بن یزید ریاحی - ۲۶۶ .  
 حریری (ابو محمد قاسم بن علی بن عثمان البصری) - [۱۹-۲۱]، ۳۶۰، ۳۸۰، ۳۹۰، ۴۱۰، ۴۸۱، ۹۰-۹۳، ۹۴۰، ۱۰۰۹، ۲۷۸، ۲۸۹ ح .  
 ۴۲۴ .  
 حسان بن ثابت - [۵۸۵-۵۸۶] .  
 حسان عجمی (خاقانی دیده شود) .  
 حسن - حاج - [۲۵۴-۲۵۵] .  
 حسن بن ابی نمی بن برکت - ابوعلی - ۴۵۷ و ۴۵۸ .  
 حسن بن احمد بلخی (عنصری) - ۱۹۱، ۶۰۲ و [۶۴۴-۶۴۵] .  
 حسن الجوی شیرازی - شاه - ۲۱۲ ح .  
 حسن ایلهابی - شیخ - ۶۰۶ .  
 حسن بیاض دوهو - ۴۱۲ و ۴۱۳ .  
 حسن یاشان بن علی الدین اسود - [۳۷۱-۳۷۲] .  
 حسن جرهوزی یمانی - ۱۳۳ .  
 حسن چلبی قناری زاده - [۴۷۲-۴۷۳] .  
 حسن خاندان - حاج شیخ - ۶۶۵ .  
 حسن خضاع معروف (معاصر درویش) - ۶۳۵ .  
 حسن خان (امیرزین الدین هروی مالک الشعرا) - ۱۹۱ .  
 حسن دهلوی - ۵۴۳، [۵۸۶-۵۸۸]، ۶۶۴ .  
 حسن بن شهید ثانی عاملی - ۲۷۳ .  
 حسن (صاحب فرهنگ) - ۲۱۳ .  
 حسن بن صدقه وزیر انوشیروان - ۹۰ ح .  
 حسن بن عبدالمجید واعظ اصفهانی - ۱۳۰، ۱۱ .  
 حسامی میرزا - ۶۷۱ .

حسین بن عیسی حسینی تفریشی ک - ۶۳۴ .  
 حسین بن محمد خشنامی - ابوعلی - ۸۸ ح .  
 حسین بن حاج محمد کاشانی - ۱۸۵ .  
 حسین بن ساعد حائری - سید - ۱۳۸ .  
 حسین مسرور - ۵۱۲ ح .  
 » مصری ک - سید - ۷۴ .  
 » بن مفلح - ۲۸۱ .  
 » وفائی - ۲۱۳، ۲۲۱ .  
 » بن یوسف هروی - ۱۴۷ .  
 حسینی - ۶۲۳ ح .  
**حقانی** (خاقانی شیروانی دیده شود) .  
 حکمت علی اصغر - ۲۰۷، ۲۶۲ .  
 حکیم باشی - ۲۶۳ .  
 حکیم الممالک (شیخ حسین شهرت) - ۵۷۴ .  
 حکیم المملک (نظام الدین دیده شود) .  
 الحلو نسیم - ۱۸۴ .  
 حلبی - ۲۵۴ .  
 حمید الدین جوهری - ۶۱۰ .  
**حمیدالدین** عمر بن محمود محمودی مشهور به  
**حمیدی**، **بلخی** - [۹۳-۹۵] .  
 حمیدی (قاضی حمیدالدین) - ۵۶۵ .  
 حمیدی (از رجال قرن چهارم) - ۲۸۵ ح .  
 حمید بن افضل الدین حسین - ۴۰۵ .  
**حیدر** (قطب الدین) - [۶۵۶-۶۵۷] .  
 حیدر علی - مولوی - ۱۶۵ .  
 حیدر علی ک - ۳۳۸ .  
 حیدر کرار (رجوع به علی بن ابی طالب شود) .  
 حیدر میرزای صفوی - ۴۴۲ .  
 حیرتی - ۴۴۰ .  
**خ**  
**خاقانی** شیروانی (بدیل بن علی) - ۹ ح، ۱۹۱،  
 ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۶۱، ۴۵۰، [۴۶۳-  
 ۴۶۹]، ۴۷۷، (۵۰۲-۵۰۳)، ۵۴۳،  
 ۵۵۴، (۵۹۰-۵۹۱)، ۶۰۲ و ۶۳۲ .  
**خالد** بن عبدالله ازهری - [۳۰۹-۳۱۲]،  
 (۳۱۳-۳۱۴)، ۳۳۲ و ۳۳۹ .  
 خالد بن یزید شیبانی - ۵۵۴ .  
 خالص - ۴۸۱ .  
 خان خانان (عبدالرحیم سیه-الار) - ۵۳۰ و ۶۳۸ .

خان قلی - ۶۹۸ .  
 خبری - خیری - خفزی - خیری (ابوالحکیم) -  
 ۱۵۴ ح .  
 خبیصی - ۳۶۶، ۳۷۴ .  
 خسته (رجوع به ولی محمد میرزا شود) .  
 خش قدم - ۷۴ .  
 خضر بن داود - ۲۴۲ .  
**خضربن** عطاءالله موصلی - [۴۵۷-۴۵۹] .  
 خضری خونساری - ۲۱۰ .  
 لاری - ۲۱۰ .  
**خطائی** (نضالدین عثمان) - [۴۰۶-۴۰۹] .  
 ۴۱۹، ۴۲۰ .  
 خطیب بغدادی - ۱۱۴، ۵۰۶ .  
 خطیب رستم مولوی - ۲۶۵ ح .  
 خطیب قزوینی (جلال الدین محمد بن عبدالرحمن) -  
 ۴۱۶، ۴۳۲ .  
 خفاجی (شهاب الدین خفاجی) - ۲۳۹ .  
**خلاق المعانی** (امام الدین اسماعیل دیده شود) .  
 خلیفه زنجیری (مغززی دیده شود) .  
 خلیل - صوفی - ۷۰۴ .  
 خلیل (مؤلف کتاب الامین) - ۱۶۷ .  
 بن احمد - ۲۹۰، ۴۳۷ .  
 ایبک (صلاح الدین صفدی) - ۳۷۶، ۷ و  
 ۵۵۳ ح .  
 خلیل قزوینی - ۳۷۳، ۳۷۴ .  
 خواجده بیگ - ۴۹۹ .  
**خواجده جهان** (احمد الدین محمود بن محمد کابلانی) .  
 [۹۹، ۱۰۲] .  
 مرشد پسر خواجده مراد شیرازی - ۵۳۳ ح .  
 مراد شیرازی - ۵۳۳ ح .  
**خواجوه کرمانی** (امام الدین ابوالفضل محمود بن  
 عیسی کرمانی) - ۱۹۱، ۲۶۱، ۴۵۵، [۵۱۲-  
 ۵۱۶] .  
 خوارزمشاه - ۵۵۵ .  
 خوارزمی (ابوبکر) - ۸۸ .  
**خوشگو** مؤلف فتوح و شکو [۴۷۳-۴۷۵] (در  
 بسیاری از صفحات نام وی نیز آمده شده است) .  
 خیام - ۵۸۲ .

۵

- داود (محمد داود ابن میرزا عبدالله) - [۵۹۸-۵۹۵].  
 داود خان وزیر لشکر - میرزا - ۶۲۰، ۶۶.  
 داود بن نصیر طائی - ۵۵۲.  
 دبستانی کرمائی - ۶۶.  
 دبیر (اسمعیل) - ۵۵.  
 درویش اشرف - ۷۱.  
 درویش (عبدالمجید) - [۶۳۵-۶۳۶]، ۷۰۳.  
 درویش بن مظفر - ۱۳۰.  
 درویش یوسف سنان - ۵۵۰.  
 درّی شو شتری (جامع تذکره خوشگو) - ۴۷۳، ۴۷۵.  
 دسامی (سنوسنر) - مستشرق - ۳۰۴ و ۹۲.  
 دشنی - (جامعی دیده شود).  
 دشنی - غنی - ۳۵۸ ح.  
 دعبل خرائی - ۴۲۷.  
 دقبقی - ۶۵۷، ۶۰۲، ۲۶۱.  
 دلشاد خاتون - ۶۰۶.  
 دماغمینی (بدرالدین محمد بن ابی بکر غنومی) - [۳۷۸-۳۷۹]، ۳۷۹.  
 دهمری (صاحب حیات الجوان) - ۳۷۶ و ۷۹.  
 دوانی (ملاحلال) - ۴۱۱ و ۳۵۰، ۱۲۹.  
 دوستی ابی قنبر - ۴۷۶.  
 دولتشاه ابن تارا، الدین بختشاه سمرقندی - [۴۷۵-۴۷۷] (تألیف از اینجا در بیشتر از صفحات نام وی برده شده).  
 دهخدا (علی اکبر) - ۶۸۷-۶۰۳، ۲۹۴.

۶

- ذوالرحمن هندی دهموی - سید - ۱۳۷.  
 ذوالرحمه (ابوالجرح غیلان بن عقبه بن مسعود) - [۶۰۰-۵۹۸]، ۲۰۱.  
 ذوالفقار - سید - ۴۷۷.  
 ذوالقرنین - ۱۰۵ ح.  
 ذواللسانین قطری (بدیع الزمان ابو عبدالله حسین بن ابراهیم) - [۱۸۰-۱۷۶].  
 ذوالنقبین (سید رضی دیده شود).  
 ذهبی (مؤلف میزان الاعتدال) - ۳۰۳ و ۱۱۴.

۷

- رازی - سید - ۱۲۱.  
 « شاعر - ۶۵۰.  
 راشدی - ۶۴۵.  
 رافعی نیشابوری - ۶۸۵.  
 راوی گروسی، بایندری (محمد ملقب بغاضل) - [۴۵۹-۴۶۱] (گذشته از اینجا مکرر نام او برده شده).  
 رجب برسی - شیخ - ۱۳۹.  
 رجب بن محمد علی شاملو - ۶۴۷، ۲۶۸.  
 رشید الدین (صدر اعظم بوده) - ۶۶۱.  
 رشید (خواجه غیاث الدین رشید) - ۲۱۴.  
 رشید الدین (وطواط) - ۲۲، ۲۱ ح، ۷۱، ۷۰، ۹۳، ۲۶۱، ۴۳۸، [۴۴۰-۴۳۹]، ۵۵۴ و (۶۰۱-۶۰۰).  
 رشیدی شاعر - ۶۰۲.  
 رضا زاده شفق - دکتر - ۱۳.  
 رضا شفاء تبریزی - ملا - ۲۲۴.  
 رضاقلیخان هدایت - ۶۱۳ و ۶۵۱ (بسیار نام وی در این کتاب برده شده و چندین نسخه از این فهرست شامل خط وی است).  
 رضی - سید رضی - رضی ذوالحسین - رضی موسوی - ابو الحسن موسوی - ۴۷، ۴۴، ۵۸، ۶۲، ۷۶، [۱۱۳-۱۰۹] (خصوصاً در ص ۱۵۴-۱۰۹ و ۶۰۱).  
 رضی استرآبادی (نیج الماهر رضی الدین محمد بن حسن) - ۴۲، ۴۴، ۳۲۶، ۳۵۶، [۳۶۱-۳۶۳]، ۳۶۶.  
 رضی الدین خوارزمی - ۳۷۳ ح.  
 « خشاب - ۲۲، ۲۱ ح.  
 رضی کنابداری - ۵۰۰.  
 رضی الدین (محمد بن محمد شفیح طباطبائی) - [۴۵۰-۴۵۱].  
 رضیه حدائق - ۵۲۸.  
 رفیعا نائینی - میرزا (محمد بن سید حیدر) - ۳۱۷.  
 رفیع الدین لنبانی - ۶۰۳ و ۹۹.  
 (محمد بن ملافتح الله قزوینی) واعظ - ۳۱۷.



سعدی انندی - ۲۳۹ .  
 سعد بن علی وراق (ابوالعالی دیده شود) .  
 سدید بن محمد ابراهیم رازی ک - ۴۱۷ .  
 سعید نقیسی - ۴۹۴، ۲۲۰ ح ۵۱۲، ۶۰۲، ۶۰۳ و ۶۰۴ .  
 سعید بن هبة الله (قطب راوندی دیده شود) .  
 سعبی - ۳۶۶ .  
 سکاکی (بابا قنایی نیز دیده شود) - ۶۰۴۹ .  
 صاحب محتاج (یوسف - سراج الدین  
 ابویعقوب) - ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۳۱، ۵۸۰ .  
 سکوت (ابوالقاسم) - ۵۱۰ .  
 سلعان احمد ثالث - ۲۵۰ .  
 احمد خان - ۴۶۱، ۱۴۷ .  
 اویس اینکائی - ۴۳۸، ۲۳۰، ۲۲۰، ۴۱ .  
 ۶۰۷ و ۶۰۶ .  
 بیگم بنت سلطان سنبهان - ۵۴۱ .  
 حسین ابن سلطان اویس اینکائی - ۶۰۶  
 و ۶۶۴ .  
 حسین میرزا باقر - ۴۷۶، ۱۶۰، ۱۵۹ .  
 ۵۳۹، ۵۳۸ ح ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۸۱ .  
 ۶۹۲، ۶۹۱، ۶۸۹، ۵۹۲ .  
 سلعان سنجانی - ۴۵۵، ۱۲۹ .  
 سلعان - ۴۲۵ .  
 سلعان ابن - هضن سلیم - ۵۴۱ .  
 سلعان العبد (حلیقه العبد) - ۴۸ .  
 سلعان عینی خلیفه - ۷۰۲ ح .  
 شهیدی - ۲ .  
 تاریخ - ۴۶۱ .  
 محمد ددشاه دین - ۹۹ .  
 (بدر سلعان بایزید) - ۴۰۲ .  
 (بدر - ادر - هضن - سنج) - ۲۹۵ .  
 (بدر شاد هضماسب) - ۴۸۴ .  
 سلطان محمد (بدر فخره شاه معقب به سیف -  
 انوار و هضن سلعان) - [۴۷۷ -  
 ۴۷۹] .  
 محمود بن غلامعینی حبسی - ۱۳۳، ۴۶ .  
 مراد ثالث - ۴۷۲ .

سلطان مراد ابن سلطان محمد - ۴۷۲ .  
 سلطانی بهبهانی نماینده مجلس - ۲۳۳ .  
 سلمان ساوجی (سلمان بن علاء الدین محمود  
 ساوجی جمال الدین) - ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳ .  
 سلمان فارسی - ۶۱۰ ح .  
 سلوستر دسائی (مستشرق) - ۳۰۴ و ۹۲ .  
 سلیمان بن ابراهیم علوی (نقیس الدین) - ۲۳۵ .  
 ابی سلیمان (ابوایوب مورانی) - ۴۱۹ .  
 بیدگلی کاشانی (صباحی) - ۷۰۳، ۴۶۱ .  
 بن محمد خان قاجار - ک - ۶۱۹ .  
 » » » زهر اوی - ۷ .  
 سماعی - ۱۷۶ ح ۶۰۳ .  
 سمرانی حکیم (ابوالمجد مجدود بن آدم غزنوی) -  
 ۴۶۶، ۱۹۱، [۴۹۳ - ۵۰۰]، ۵۸۸ .  
 (۶۰۸ - ۶۱۰)، ۶۷۲، ۶۷۷ و ۶۸۰ .  
 سنجر سلجوقی - سلطان - ۴۹۵، ۴۹۴، ۵۵۵،  
 ۵۵۶، ۵۶۰، ۶۱۰، ۶۳۶ و ۶۸۰ .  
 سنجر خراسانی - ۲۹۶، ۲۹۵ .  
 سنگلاخ - میرزای سنگلاخ - ۲ .  
 سودی - ۳۷۲ .  
 سوزنی (محمد بن علی یا ابوبکر ابن السلانی یا  
 السامانی) - ۶۰۲، ۱۹۱، [۶۰۹ - ۶۱۱] .  
 سهیلی خوانساری - ۶۷۷، ۶۴۹ .  
 سیبویه نجوی - ۸۳، ۲۷۰، ۳۰۶، ۳۷۳،  
 ۳۸۳ .  
 سید رضی (محمد بن حسین موسوی شریف رضی  
 رضی دیده شود) .  
 سید مرتضی (علی بن طاهر عالم لهدی دیده شود) .  
 سید الشهدا (حسین بن علی علیه السلام دیده شود) .  
 سیرافی - ۳۸۳، ۱۹۳ .  
 سیف الدوله آل حمدان - ۶۶۹ .  
 سیف الدین - خواجه - ۶۸۹ ح .  
 سیف الدین اعرج (سیف اسفرنگ) - [۶۱۲ -  
 ۶۱۴] .





- شمس العلماء مگر کانی - ۲۴۱ .  
 شهنشاهی - ۱۹۲ ح و [۳۸۲-۳۸۰] .  
 شهاب اصفهانی (نصرت الله - میرزا) - [۶۱۹-۶۲۰] .  
 شهاب الدین سهروردی - ۶۶۱ .  
 (رجوع به احمد بن محمد حجازی شود) .  
 (صدر اعظم بوده) - ۶۶۱ .  
 احمد بن محمد حجازی - شیخ - ۳۷ .  
 احمد ملا زاده سمرقندی خطابی - ۴۰۷ .  
 حکیم کرمانی - امیر - ۱۹۱ .  
 شهابی - محمود (استاد دانشکده) - ۶۹ .  
 شهرت (شیخ حسین حکیم الممات) - ۵۷۴ .  
 شهید نائی - ۲۰۶ ح - ۲۷۳ .  
 ثالث (محدث قزوینی) - ۱۳۵ .  
 شهرستانی (مؤلف مدال و نعل) - ۷۸ .  
 (سید هبة الدین) - ۱۱۵۷۴۰۵۸ .  
 ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴ .  
 ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰ .  
 شیخ الاسلام - ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۱۹ .  
 اصفهانی - ۶۴۲ .  
 شیخ زاده (عاشق) - ۲۱۳ .  
 طوسی (محمد بن حسن) - ۱۲۳، ۱۲۰، ۷۶ .  
 ۲۷۳ .  
 عرفی - ۲۹ .  
 علی میرزا - ۴۷۲ .  
 مفید (محمد بن محمد) - ۵۸۵۰۱۵۱ .  
 تهرانی - ۴۵۶ .
- ص
- صاحب جوهر (شیخ محمد حسن) - ۱۴۹، ۳۳ .  
 صدائق صاحب مؤلف (شیخ یوسف بحرینی) - ۵۲، ۴۴، ۴۳، ۴۰، ۳۳ .  
 دیوان الادب (اسحق بن میرزا ابراهیم قزاقی دیده شود) .  
 ربیع (سید علی) - ۲۳۵، ۲۲۴ .
- صاحب ریاض العلماء - ۱۳۸، ۱۳۰ .  
 صاحب الزنج - ۵۷ .  
 ابن عباد - ۲۸۸، ۲۸۶، ۲۸۷ ح .  
 صاحب علی آبادی (میرزا محمد تقی) - ۲۶۲، [۶۲۵-۶۲۴] .  
 مدارک (سید محمد) - ۴۱۱، ۴۲ .  
 معالم (شیخ حسن) - ۴۱۱ .  
 حضرت صادق ع (امام ششم شیعه) - ۴۹۱ ح .  
 صادق بن امین ک - ۴۲۱ .  
 انصاری - ۱۸۹ ح .  
 صالح بن سعید بحرانی ک - ۱۷ .  
 صالح قزوینی سید - [۶۲۱-۶۲۰] .  
 مازندرانی - ملا - ۳۵۲ .  
 صالحی خراسانی - ک - ۵۴۱ .  
 صائب میرزا محمد علی ابن میرزا عبدالرحیم تبریزی - [۶۲۴، ۶۲۳]، ۶۶۰، ۶۵۹ .  
 صبا (فتحعلیخان ملک الشعرا) - ۳۶۲، ۲۶۱ .  
 ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶

طغناج خان (مسعود بن حسین) - ۶۱۰  
طلحه - ۶۲  
طوئان هزارجریبی (میرزا طیب) [۶۲۹ - ۶۳۰]

## ظ

ظهوری ترشیزی (نورالدین محمد) - [۶۳۰ - ۶۳۱]  
ظهیرالدین مرعشی - ۲۵۱ ح  
ظهیر قاریابی - ۱۱۱، ۱۱۱، ۱۱۱، ۱۱۱، ۱۱۱، ۱۱۱  
[۶۳۰ - ۶۳۱]  
ظهیر قاضی - ۲۱۲

## ع

عادل - [۶۸ - ۷۱] [۷۱ - ۷۱] [۷۱ - ۷۱]  
(از شعرای خراسان) - ۶۹  
(پادشاه لار) - ۶۹  
عادلشاه - ۶۳۱  
عادل بن علی - ۶۹  
میراد اردستان - ۶۹  
عارف تبریزی اصفهانی - ۶۲۴  
عاشق اصفهانی - ۴۷۰  
عاشق - ۶۷۹  
عاصمی - ۳۵۶  
علاء الدین المشرق (میرزا) - ۳۶۷  
علاء دینی (ابن میرزا) - ۳۶۷  
علاء دینی - ۲۱۷  
عالمی (شیخ حاتم) - ۲۱۳  
عالمی - ۱۴۶  
عباس میرزا - ۱۷۵، ۱۷۵، ۱۷۵، ۱۷۵، ۱۷۵، ۱۷۵  
۵۰۰، ۲۳۵

عباس بن نجف - ۴۱۸  
عباسی (میرزا) - ۸۹، ۱۳۰، ۱۱۱  
عباسی (میرزا) - ۸۹، ۱۳۰، ۱۱۱  
ابن عباس (میرزا) - ۸۹، ۱۳۰، ۱۱۱  
[۴۲۶ - ۴۲۷]

صفی الدین طریحی - ۲۷۴، ۲۷۲  
«علاء بن صفی الدین علی بسطامی» - ۴۵۰  
«محمود بن ابی بکر ارموی» - ۳۰۱  
صلاح الدین پادشاه مصر - ۵۰۴  
«خلیل بن ابی بکر (صفدی)» - ۳۷۶، ۳۷۷  
ح ۵۰۳  
«یوسف» - ۵۰۵  
صنعان - شیخ ک - ۴۸  
صنعانی (شارح نهج البلاغه) - ۱۳۸  
صوفی خلیل - ۷۰۴  
صهبا (محمد تقی) - [۶۲۷ - ۶۲۷] [۶۲۷ - ۶۲۷]  
صیرفی - خواجه عبدالله - ۸۵ ح

## ض

ضار بن خطاب - ۵۸۵  
ضمیری - ۲۱۳  
ضیاء الدین نصر الله (ابن اثیر) - ۲۹۹، ۴۲  
«یوسف بن خواجه اصیل الدین بن خواجه»  
نصیر الدین طوسی - خواجه - ۴۸۷

## ط

طالب آملی - [۶۲۸]  
طالع هروی (ایمانی) - [۱۶۱ - ۱۶۱] [۱۶۱ - ۱۶۱]  
طالها بن خرام ک - ۵۵۲  
طاهر بن محمد الفارابی (ظهیر قاریابی) - ۱۰۱  
[۶۳۰ - ۶۳۱] و [۶۳۰ - ۶۳۱]  
طاهر بن علی (نقعة الملك) - ۶۷۷، ۶۷۶  
الطائغ خلیفه عباسی - ۱۵۰  
طبری - ۵۷  
طریحی - شیخ - ۱۹۲، ۱۵۴ ح [۲۷۲ - ۲۷۲]  
[۲۷۸]  
طرقاج - ۱۵۷  
طغانشاه بن ارسلان - ۵۵۸، ۵۵۷  
طغانشاه ابن مؤید - ۶۷۳، ۶۳۲، ۶۱۰، ۵۵۸  
طغرل بن ارسلان سلجوقی - ۵۲۸  
طغرل بن ملکشاه - ۹  
طغناج خان (جلال الدین ابی ابراهیم بن حسین) - ۶۱۰ ح

- عبدالباقی تهاوندی - ۶۳۸ .  
عبدالجوامع بن عمر بن ربيع - ۶۳۶ .  
عبدالجبار شيعی - قاضی - ۱۲۸ .  
عبدالجلیل بن حسن ک - ۳۷۱ .  
نصیری - میرزا - ۲۶۷ .  
عبدالحجة ايرواني - سيد - ۱۰۷ .  
عبدالحسين اصفهانی ک - ۱۶۶ .  
حلی ک - ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴ .  
عبدالحسين (ذوالرياسين) نعمه اللهی شیرازی -  
حاج میرزا - ۱۳۱، ۵۰۹، ۵۱۰ .  
عبدالحسين طریقی - شيخ - ۶۲۰ .  
(فيض علی شاه) - میرزا - ۴۸۹ .  
عبدالحكيم سبلكوتی - ۳۲۴ .  
عبدالحی بن عماد (مؤلف شذرات الذهب) - ۱۱۴ .  
عبدالحق (ميريدل هندی) - ۵۷۱ .  
عبدالقادر حمن (نامی دیده شود) .  
بن سید الزحاحی - ابدالقاسم - ۷ .  
عبدالقادر حمن (سبوحی دیده شود) .  
بن عبدالعزیز - شيخ - ۲۴۰ .  
بن عبدی الامير - ۲۴۰ .  
بن شمس - ۱۹۶ .  
عبدالقادر بن علی - شيخ - ۲۱۳ .  
عبدالحی - سيد - ۱۳۱ .  
سوزیازی - ۲۲۷ .  
ابن عبدالکريم صفی پوری - ۳۴۰ .  
ابن علی بن حسن نعمی میسنی عسقلانی  
مصری (فوتی فضل) - ۵۰۶ .  
بن خروزمی - ۲۳۷ .  
هندی - شيخ - ۱۶۳ ح .  
عبدالقادر بن علی - حاج الدین - ۲۳۸ .  
عبدالرزاق بن شيخ داود - ۳۸۹ .  
غوثی - ۴۱ ح ۴۲ و ۴۶ .  
کاشانی - متر - ۳۵۰ .  
بن محمد الامینی ک - ۲۴۲ .  
عبدالرزاق الویری ک - ۲۵۳ .  
عبدالرسولی - ۵۹۰ .  
عبد الرشید دیلمی خطاط معروف ک - ۴۹۹ و ۶۴۹ .  
عبد الرشید بن عبدالغفور حسن مدنی تنوی [۲۱۷ - ۲۱۹] ، (۲۹۳ - ۲۹۴) .  
عبدالرضا بن محمد مبارک موسوی - ۲۹۱ .  
عبدالسلام احمد القویسنی - شيخ - ۱۴۵ .  
عبدالصانع ابن حاج علی خونساری - ۳۹۲ .  
عبدالصمد بن حمید عالمی - ۳۹۰ .  
عبدالعالی کرکی - شيخ - ۱۳۹، ۳۵۸ .  
عبدالعزیز پادشاه بخارا - ۵۷۳ .  
عبدالعزیز پادشاه عثمانی - سلطان - ۲۸، ۲۶ .  
جواهر الکلام - ۳۸۹، ۳۹۰ .  
حلی - ۲۳۸ .  
ابن عمر - ۱۷۰ .  
فرغی انصاری - شيخ - ۳۵۶ .  
عبدالعلی بن ملاعلی ک - ۳۸۶ .  
عبدالقادر - ۲۸۲ .  
عبدالقادر - ۴۴۸ .  
عبدالقادر نویسرکانی ک - ۱۴۲ .  
عبدالقادر بن عبدالکريم قزوینی - ۳۴۸ .  
عبدالقادر لاری - ملا - [۳۲۳ - ۳۲۴] .  
عبدالقادر فیصلی - [۵۷۱ - ۵۷۲] .  
عبدالقادر - شيخ - ۲۳۶ .  
بن محمد شریف مکی ک - ۵۴ .  
عبدالقادر نحوی جرجانی - شيخ - [۳۱۴ - ۳۱۶] و (۳۸۷ و ۳۸۸) .  
عبدالکريم حلبی ک - ۱۹۸ .  
عبدالکريم سعادت - شيخ - ۱۴۸ .  
بن عطاءالله اسکندری - ۱۷۱ .  
ابن میرزا محمد سعید اردستانی ک - ۱۵۶ .  
عبدالکريم بن محمد یحیی قزوینی - [۷۷، ۱۰۵ - ۱۱۲] ، ۱۴۳، ۱۴۶ .  
عبدالکريم بن معصوم ک - ۴۹ .  
عبدالله (از دوستان و معاصرین طوفان) - ۶۲۹ .  
عبدالله - میرزا - ۵۹۵ .

عبدالله بن احمد مکی = جمال الدین یاعقیف الدین - ۴۵۷ ح .

عبدالله انصاری - خواجه - ۳۵۹ .

» بهجانی - حاج سید - ۱۴۸ .

» یك ( جراح باشی نظام ) - ۱۰۵ .

» خونساری ك - ۴۰۲ .

» بن شاه منصور قزوینی طوسی - ۳۴۲ .

» شیر - سید - ۱۳۴ ، ۲۷۴۰ .

» بن شرف الدین حسن یادشاه یمن - ۲۳۹ .

» بن شریك - ۶۲ .

» شوشنری - ملا - ۴۱۲ .

» بن عبد الجلیل ك - ۴۴۸ .

» بن عبد الرضا - ۲۹۱ .

» ابن عبدالملی جزائری ك - ۴۲۱ .

عبدالله عبیدی - ۳۱۳ .

عبدالله بن غلامعلی آل محسن - ۲۳۲ .

» کردی حسینی - ملا - ۴۱۰ .

» بن محب الدین ابن شعبه - ۴۳۳ .

» المحمديهك - ۹۲ .

» بن المدی حوالی حمیدی - ۳۳۹ .

» منشی طبریك - ۴۵۹ .

عبدالله بن محمد بن احمد حسینی - سید جمال الدین

نقره کار - [ ۳۶۹ - ۳۷۱ ] .

عبدالله میرزا - ۶۲۴ .

» بن نور الدین بن نعمه الله - سید - ۳۲۵ .

» نیشابوری - ۲۱۳ .

» یاقعی - شیخ - ۱۹۳ ح .

عبدالله یزدی - ملا - ۴۰۸ ، ۴۰۶ ، ۴۱۱ [ ۴۱۳ ] .

عبداللطیف - میرزا - ۶۶۷ .

» تسنری - سید - ۴۵۲ .

عبداللطیف بن عبدالله کبیر - [ ۲۲۹ - ۲۲۶ ] .

عبدالمجید درویش - ۴۵۳ [ ۶۳۶ - ۶۳۵ ] .

۷۰۳ .

عبدالمحسن صوری - ۵۴۹ .

عبدالمحمد همدانی - ۴۷۲ .

عبدالمملک ( اصمعی ) - ۵۹۹ .

عبدالمملک برهانی - ( بدر معزی ) - ۶۸۰ .

عبدالمملک بن مروان - ۲۸۸ .

عبدالمطلب کاشانی - میرزا - [ ۲۶۱ - ۲۶۳ ] .

عبدالنعم جرجاری - ۳۳۴ .

عبدالواحد ( عالم عصر صفوی ) - ۷۱ .

عبدالواسط بقینی - ۲۳۹ .

عبدالواسع جبلی - ۱۹۱ [ ۶۳۶ - ۶۳۷ ] .

عبدالوهاب مشهور بواغظه مکی اصفهانی ك - ۱۷ .

عبدالوهاب بن عسی استر ابادی حسینی -

[ ۴۱۰ - ۴۱۶ ] .

عبدالوهاب بن وحید الدین ( عقیف الدین ) -

۲۴۳ .

عبدان بن عفان ( رن ) - ۵۸۵ .

عبدان بن محمد قزوینی - [ ۶۷۲ - ۶۷۴ ] .

عذری ( اسحق بیگك ) - ۴۵۳ [ ۴۶۹ - ۴۷۲ ] .

عرب شاه ابن محمد حسینی اسفندی ك - ۵۸۳ .

عرفی شرازی سیده محمد بن خواجه زین الدین -

۵۲۴ [ ۶۳۷ - ۶۴۱ ] .

عزالدوله عبدالصمد میرزا - ۱۴۱ .

عزالدین آملی - [ ۵۷ - ۶۰ ] [ ۶۴۰ ح - ۱۲۹۰ ] .

( ابن آبر ) - ۲۹۸ و ۲۹۹ .

زنجانی - ۳۴۵ .

عزالدین عبدالمهاب بن ایرامه زنجانی -

[ ۳۱۲ - ۳۱۳ ] .

ممود پاشا بن سلطان نورالدین ارسلان

شاهان - ممود صاحب مودج - ۵۳۶ ح - ۵۳۰ .

عزالدین مودج صاحب مودج - ۳۳۰ .

عزیز الرحمن - ۲۱۷ ح - ۲۱۸۰ .

عسجدی - ۶۴۵ .

عصاه الدین اسفندی ( ایرامه بن محمد دیده شود )

عصمت - ۳۶۶ .

عصاه الدین ایچی ( غرضی عصبه ) - [ ۲۱۹۱ - ۲۲۱۰ ] .

۳۶۷ و ۳۴۸ .

عصاه الدین شیخی - ۲۱۲ ح - ۶۶۹ و ۶۷۳ .

شیراز - ۶۷۳ ح .

عطار - ۴۹۳ و ۱۳۱ .

عصائی - ۳۲۳ .

عقیف الدین ( عبدالوهاب بن وجه الدین برهانی ) -

۸۴۱ .

- عکبری - ۲۷۸.  
 علاءالدین جوینی (عضدیت) - ۵۲۰۵۱.  
 علاءالدوله - ۶۶۷.  
 سمنانی - ۵۱۵ و ۶۰۷.  
 محمد خان - ۶۷۳.  
 علاءالدین علی - ۶۰۶.  
 عیدشاه - ۵۱۷.  
 فیروزشاه - ۵۸۷.  
 فاضلی (مؤلف تاریخ حباب) - ۴۳۳.  
 قزلباش از - ۵۲۹.  
 علاءالدین کاسه (علاءالدوله بن محمد بن -  
 الامام شاه ابو تراب) - ۶۰۱-۶۲۳.  
 ۱۱۵، ۱۳۳، ۱۵۶، ۱۵۷.  
 علاءالدین محمد بن نکش بن ارسلان - ۶۱۲، ۶۱۳.  
 محمد خجی - ۵۸۷.  
 محمد شاه بهمنی - ۵۹۸.  
 محمد شاه هندی - ۵۱۹.  
 علاء قونوی - ۳۳۳.  
 علاءالموت محمود خان ضابطه‌های تبریزی - ۳۶۱.  
 علاءه حنی (حسن بن منصور) - ۱۹۶، ۱۳۶، ۵۲.  
 ۲۷۳.  
 علامه شیرازی (محمود بن مسعود - قطب‌الدین  
 دیده‌شود).  
 علامه شمس (محمد باقر بن محمد تقی) - ۷۴، ۵۵۰.  
 ۱۲۱، ۱۳۴، ۱۴۱، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷.  
 علم‌الدین فاسه بن احمد - ۳۸۲-۳۸۴.  
 علم‌الهدی بن صفی‌اک - ۲۹۱.  
 سر قیش - ۷۶.  
 علوی (احمد بن خضر اسکویی) - ۲۶۰.  
 علی بن ابی طالب علیه‌السلام - ۴۰۷، ۴۲۰، ۴۳۰، ۴۴۰، ۴۵۰، ۴۶۰، ۴۷۰، ۴۸۰، ۴۹۰، ۵۰۰، ۵۱۰، ۵۲۰، ۵۳۰، ۵۴۰، ۵۵۰، ۵۶۰، ۵۷۰، ۵۸۰، ۵۹۰، ۶۰۰، ۶۱۰، ۶۲۰، ۶۳۰، ۶۴۰، ۶۵۰، ۶۶۰، ۶۷۰، ۶۸۰، ۶۹۰، ۷۰۰، ۷۱۰، ۷۲۰، ۷۳۰، ۷۴۰، ۷۵۰، ۷۶۰، ۷۷۰، ۷۸۰، ۷۹۰، ۸۰۰، ۸۱۰، ۸۲۰، ۸۳۰، ۸۴۰، ۸۵۰، ۸۶۰، ۸۷۰، ۸۸۰، ۸۹۰، ۹۰۰، ۹۱۰، ۹۲۰، ۹۳۰، ۹۴۰، ۹۵۰، ۹۶۰، ۹۷۰، ۹۸۰، ۹۹۰، ۱۰۰۰.  
 علی بن حسن - سید (مؤلف صحیح روشن) - ۲۱۹.  
 علی بن حسن زواری - ۶۴، ۱۳۹.  
 کرازی ک - ۳۳۹.
- ۶۱۵، ۶۱۳، ۵۹۰، ۵۸۵، ۵۵۷، ۵۵۶.  
 ۶۷۵ و ۶۶۶، ۶۴۷، ۶۲۴، ۶۲۱.  
 علی بن الحسین زین‌العابدین ع - ۱۹۹.  
 علی بن موسی الرضا ع - ۵۷، ۱۲۱، ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۴۲، ۲۷۳، ۴۲۰، ۴۸۰، ۶۲۱.  
 ۶۹۳ و ۶۵۰، ۶۴۹.  
 علی - شیخ - ۱۷.  
 علی آقای ابروآنی - حاج سید - ۱۰۷.  
 علی بن ابراهیم - ۱۲۸.  
 قطان - ۲۹۰.  
 احمد حسینی ک - ۱۵۹.  
 (سید علیخان کبیر دیده‌شود).  
 علی بن احمد الساوی - ۲۹۰.  
 احمد سنکی رازی ک - ۴۰۳.  
 علمی بن محمد استرآبادی (رجوع به میر سید شریف  
 شود).  
 علی بن محمد استرآبادی الفنجک‌کردی - ۴۴۷.  
 مه‌آبادی - ابو الحسن -  
 ۱۳۵.  
 الهیتی - ۲۴۰.  
 علمی بن اسحق (انوری دیده‌شود).  
 علی اصغر ک - ۴۵۴.  
 علمی اکبر مؤلف میزان البلاغه - ۴۳۴-۴۳۵.  
 ک - ۳۳۶.  
 میرزا - ۱۶۵.  
 تبریزی - ۶۹۳.  
 دهجد - ۶۸۷، ۶۰۳، ۲۹۴.  
 نه‌آوندی - ۱۲۱.  
 علیجان بن حیدر علی ک - ۵۶۷.  
 علی بن جعفر بن حسین قدامه موسوی - ابو القاسم  
 مجدالدین - ۵۵۶، ۵۵۵.  
 علی بن حسام‌الدین هندی مشهور بهشتی - شیخ -  
 ۳۰۱.  
 علی حسن - سید (مؤلف صحیح روشن) - ۲۱۹.  
 علی بن حسن زواری - ۶۴، ۱۳۹.  
 کرازی ک - ۳۳۹.

- علی قاضی ک - ۷۲ .  
 علی بن نظام ک - ۵۸۳ .  
 دلی نقی بن اسمعیل موسوی ک - ۴۱۸ .  
 علمیه نقی کمره ای (زین الدین) - [۶۴۱-۶۴۲] .  
 علی نقی بن بهرام ک - ۳۳۴ .  
 علی نقی (مؤید دیوان) - ۴۹۹ .  
 علی نیک پی - ۲۱۳ .  
 علی واعظ تبریزی - حاج ملا - ۱۲۴۰۱۱۱ .  
 علی همدانی - سید - ۱۳۱ .  
 علی بن یوسف قفقی - ۱۹۵ .  
 علی بن یونس عاملی نهبی - ۲۸۱ .  
 عماد خطاط مبروف - میر - [۴۰۲-۴۱۷] .  
 عماد خواجه (نظام الدین ثانی) - ۵۳۰ ح .  
 عماد الدین ناشی - ۲۴۲ .  
 عماد فقیه - ۱۹۱ [۶۴۲-۶۴۴] .  
 عماد کاتب اصفهانی (ابو عبدالله عماد الدین محمد بن محمد بن حامد بن محمد) - ۹۱ [۵۰۴-۵۰۹] و ۵۴۶ .  
 عثمانی - ۲۶۱۰۱۹۱ .  
 عمر بن بحر بن محبوب (حافظ درید شود) .  
 عمر بن بهار الدین بشری - ۳۷۸ .  
 عمر بن خطیب رش - ۱۱۸ .  
 عمر ابن سید غریز - سید - ۵۴۷ .  
 عمر وین عباس - ۵۸۵ .  
 عمید الدین فرسی - ۶۶۱ .  
 عبدالایب (محمد حسن سرمد النور اصحاب) - ۲۶۲ .  
 حمصی ابو الفاسم حسن بن احمد باغی - ۱۹۱ .  
 ۶۰۲ [۶۴۴-۶۴۵] .  
 عوفی - ۱۶۹، ۱۷۰، ۴۶۳ .  
 عهده بن - مس ابفدانی - ۴۴۹ .  
 عیسی بن عبدالکریم کجری - ابو الروح - ۲۳۹ .  
 عیسی بن محمد صفدی - ۳۰۱ .  
 عیسی بن محمد بن عبد السلام - حضرت - ۴۵۴ .  
 - قاضی - ۷۰۴ .  
 بن هشام - ۸۶، ۸۹، ۹۰ .
- علی بن حمزه اصفهانی - ۵۵۳ .  
 « » بن عماره بن حمزه اصفهانی - ۵۵۳ ح .  
 علیخان زنگنه - شیخ - ۷۰۰ .  
 ژنرال - ۲۸ .  
 علیخان کبیر - سید (علی بن احمد نظام الدین) -  
 ۱۰۳ [۲۰۴-۲۰۹]، (۲۵۳-۲۵۴) ،  
 ۳۵۵، ۳۸۱ ک، (۴۰۱-۴۰۲) - ۴۱۱ ک  
 و ۴۲۸ .  
 علی خیر آبادی - منشی - امام - ۱۶۵ .  
 علی بن سلطان هروی - ملا - ۲۳۹ .  
 « » سلیمان بخرانی ۵۲ .  
 علی سهل بن شیخ ابواسحق - ۵۱۳ .  
 علی شیرازی - میرزا - ۲۳۹ .  
 « » (متخصص به نیاز) - ۱۶۵ .  
 علی بن طاهر (سید مرتضی علم الهدی) - ۴۲ ،  
 ۷۶ [۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۵۱] .  
 ۲۶۵ .  
 علی بن عبدالعالی کرکی - ۲۸۱ .  
 علی بن فضل الله حسینی راوندی - سید - ۱۰۳ ،  
 ۱۴۴ .  
 علی قاری استرآبادی - عماد الدین - ۱۴۹ .  
 علی قلی خان گروسی - ۴۷۴ .  
 علی قلینخان واله - ۶۰۳ و ۶۵۰ .  
 علی کلا - شیخ - ۵۸۱ .  
 علی محمد باب - میرزا - ۱۳۵ .  
 علی محمد ناجر دهشلی - حاج میرزا - ۴۲۱ ح .  
 علی بن محمد رضائی رومی - ۵۰۷ .  
 علی محمد حکمی اصفهانی - میرزا - ۴۳۹، ۴۴۹ .  
 علی بن محمد بن الفرات - ابو الحسن - ۱۱۷ متن و ج .  
 علی بن محمد بن لیلی واسطی - [۷۴-۷۵] ۱۴۶ .  
 علی بن مطرز - ۳۹ .  
 علی بن محمد مصوم حسینی قاسی - ۲۳۹ .  
 علی ابن محمد ناشری - قاضی - ۲۳۵ .  
 علی مشناق - سید - ۶۲۷ .  
 علی بن ناصر - ۱۳۹ .  
 علی بن ناصر غزنوی (برهان الدین) - ابو الحسن -  
 ۴۹۸ .

- فخر رازی - امام - ۴۲ .  
 فخرالدین عبدالله بن المؤید بالله - ۴۶ ، ۱۳۳ .  
 فخرالدین گرگانی - ۵۳۱ .  
 فخرالدین ماستری - خواجه - ۴۳۸ .  
 فخری قاجار - ۲۱۶ .  
 فخرالملک وزیر بهاءالدوله - ۱۵۰ .  
 فراغی - ۲۶۷ .  
 فردوسی - ۱۹۰ ح ، ۱۹۱ ، ۲۱۱ ، ۲۶۱ ، ۴۴۵ ، ۵۵۸ ، ۶۴۴ .  
 فرصت الدوله - ۲۰۴ ح ، ۵۸۱ .  
 فرمانفرما (فریدون میرزا) - ۳۷۸ .  
**فروغ اصفهانی** (میرزا محمد مهدی بن محمد باقر اصفهانی نائینی) - [۲۸-۳۲] .  
 فروغی (محمد حسین) - ۱۴۹ .  
 فروغی (محمد علی) - ۵۸۲ .  
 فرهاد - ۴۵۶ .  
 فرهاد میرزا - معتمد الدوله - حاج - ۱۵۸ ، ۳۴ ، ۵۵۲ ، ۶۶۷ ، ۲۹۱ ، ۲۴۲ ، ۲۱۱ .  
 فریدون - ۱۹۰ .  
 فریدون حسین میرزا - ۵۶۹ .  
 فریدوندی - ۱۱۴ ، ۱۲۱ ، ۱۲۲ ، ۱۵۰ ح ، ۱۵۴ .  
 فضال - ۲۹ ح .  
 فضل الله بن ابراهیم انصاریک - ۳۲۸ .  
 فضل الله راوندی (سید) - ۱۲۵ ، ۱۲۷ .  
 فضل الله ساوجی - حج میرزا - ۶۷۰ .  
 فضل الله شرف الملک رضی الدین ابو الرضا - ۹۴ .  
 فضل الله کاتبک - ۲۶۶ .  
 فضل الله نصیر الملک - میرزا - ۲۴۲ .  
 فضل الله مستوفی - میرزا - ۲۱۷ .  
 فضل مولی خان متخلص به فضل - ۱۶۵ .  
 فضلعلی قاجار - ۵۶۰ .  
**فضولی** (محمد بن سلیمان) ۲۱۱ و [۶۴۶-۶۴۸] .  
**فغانی** (بابا فغانی دیده شود) .  
 فلاشر - ۷۱ .  
 فلک الممالی (منوچهر بن قابوس) - ۶۸۴ .  
 فلورگل - ۸۲ ، ۳۳۷ ، ۳۹۹ .  
 فندرسکی - مبر - ۲۵۵ .  
 فؤاد پاشا صدر اعظم دولت عثمانی - ۲۶ .

## غ

- غالب دهلوی (اسد الله) - ۱۶۳ .  
 غزالی - ۵۵۴ ح .  
 غضائری - ۶۴۵ .  
 غفور - ۳۲۱ .  
 غلام قادر - مواوی - ۱۶۵ .  
 غنیم بیک اوزبک - ۷۰۲ .  
 غیاث الدین (مدوح وحشی) - ۶۹۸ .  
 غیاث الدین محمد رشیدی (وزیر) - ۲۱ ، ۲۲ ، ۴۴۵ ، ۵۱۴ .  
 غیاث الدین رشید - خواجه (رشید) - ۲۱۴ .  
 محمد (یدر ثنائی) - ۵۷۵ .  
 بن محمد حسنی حسینی - ۴۱ .  
 منصور دشمنکی شیرازی - ۲۰۵ ، ۴۱ .  
 غیرتی شیرازی - ۶۳۸ .  
**ف**  
 فارس بن زکریا - ۲۹۰ .  
 فاضله زهرا علیها سلام - حضرت - ۵۵۶ ، ۵۳ .  
 ۶۲۱ ، ۵۹۰ .  
 فارض - ۵۵۰ ح .  
 فتاحی - ۴۶۲ .  
 فتح الله رازی - میرزا - ۲۲۷ .  
**فتح الله کاشی** - ملا - [۱۶-۱۷] ، ۶۴ ، ۱۳۰ ح ، ۱۵۷ .  
 فتح بن خاقان - ۵۴۸ ، ۷۸ .  
 فتحعلی (آخوند زاده دیده شود) .  
**فتح محمد خان** (صبا) - ۳۶۲ ، ۴۶۰ ، ۲۶۱ .  
 ۶۰۵ ، ۴۶۸ [۶۲۶-۶۲۷] .  
 فتحعلیشاه قاجار - ۳۱۳۰ ، ۲۹۰ ، ۲۸۰ ، ۱۷ .  
 ۴۵۶ ، ۳۲۹ ، ۲۰۳ ، ۱۷۴ ، ۵۵۰ ، ۳۲ .  
 ۴۶۰ ، ۴۶۱ ، ۴۷۱ ، ۴۷۷ ، ۴۷۸ .  
 ۴۷۹ ، ۴۹۱ ح ، ۶۰۵ ، ۶۲۴ ، ۶۲۵ و ۶۲۶ .  
 فتوحی - ۲۹۶ .  
 فتح بن علی بن محمد بنداری - ۵۰۵ .  
 فخر اسفندی - عی بن عمر - قبیله - ۳۸۲ ح .  
 فخرالدین احمد (صدر اعظم بوده) - ۶۶۱ .



۱۷۰، ۱۶۶، ۱۶۳، ۱۶۰، ۱۵۷، ۱۵۴، ۱۵۱، ۱۴۸، ۱۴۵، ۱۴۲، ۱۳۹، ۱۳۶، ۱۳۳، ۱۳۰، ۱۲۷، ۱۲۴، ۱۲۱، ۱۱۸، ۱۱۵، ۱۱۲، ۱۰۹، ۱۰۶، ۱۰۳، ۱۰۰، ۹۷، ۹۴، ۹۱، ۸۸، ۸۵، ۸۲، ۷۹، ۷۶، ۷۳، ۷۰، ۶۷، ۶۴، ۶۱، ۵۸، ۵۵، ۵۲، ۴۹، ۴۶، ۴۳، ۴۰، ۳۷، ۳۴، ۳۱، ۲۸، ۲۵، ۲۲، ۱۹، ۱۶، ۱۳، ۱۰، ۷، ۴، ۱، ۰

قزوینی (صاحب آثار البلاد) بسیار نام برده شده -

۴۶۲

قطب الدین حبش - امیر - ۶۱۳

حقی مکی - ۲۴۲

رازی - ۴۳۱، ۳۶۷

راوندی (سید بن هبة الله بن حسن نقیبه) -

۱۳۰۱، ۱۲۷۰، ۱۳۵۰، ۱۳۴۰، ۱۲۳۰، ۸۰، ۴۴

۱۴۴۴

قطب الدین سرخسی - ۱۷۰

قطب الدین شیرازی (ابو الفداء محمد بن محمود) -

۳۵۰۰ [۴۳۲-۵۲۹]

قطب الدین (فتح ارسلان) - ۲۵۱، ۲۵۰

بدری (ابو الحسن محمد بن حسین) -

۱۲۸۱، ۱۲۷۰، ۱۲۵۰، ۱۲۴۰، ۱۲۳۰، ۱۲۲۰، ۱۲۱۰، ۱۲۰۰، ۱۱۹۰، ۱۱۸۰، ۱۱۷۰، ۱۱۶۰، ۱۱۵۰، ۱۱۴۰، ۱۱۳۰، ۱۱۲۰، ۱۱۱۰، ۱۱۰۰، ۱۰۹۰، ۱۰۸۰، ۱۰۷۰، ۱۰۶۰، ۱۰۵۰، ۱۰۴۰، ۱۰۳۰، ۱۰۲۰، ۱۰۱۰، ۱۰۰۰، ۹۹۰، ۹۸۰، ۹۷۰، ۹۶۰، ۹۵۰، ۹۴۰، ۹۳۰، ۹۲۰، ۹۱۰، ۹۰۰، ۸۹۰، ۸۸۰، ۸۷۰، ۸۶۰، ۸۵۰، ۸۴۰، ۸۳۰، ۸۲۰، ۸۱۰، ۸۰۰، ۷۹۰، ۷۸۰، ۷۷۰، ۷۶۰، ۷۵۰، ۷۴۰، ۷۳۰، ۷۲۰، ۷۱۰، ۷۰۰، ۶۹۰، ۶۸۰، ۶۷۰، ۶۶۰، ۶۵۰، ۶۴۰، ۶۳۰، ۶۲۰، ۶۱۰، ۶۰۰، ۵۹۰، ۵۸۰، ۵۷۰، ۵۶۰، ۵۵۰، ۵۴۰، ۵۳۰، ۵۲۰، ۵۱۰، ۵۰۰، ۴۹۰، ۴۸۰، ۴۷۰، ۴۶۰، ۴۵۰، ۴۴۰، ۴۳۰، ۴۲۰، ۴۱۰، ۴۰۰، ۳۹۰، ۳۸۰، ۳۷۰، ۳۶۰، ۳۵۰، ۳۴۰، ۳۳۰، ۳۲۰، ۳۱۰، ۳۰۰، ۲۹۰، ۲۸۰، ۲۷۰، ۲۶۰، ۲۵۰، ۲۴۰، ۲۳۰، ۲۲۰، ۲۱۰، ۲۰۰، ۱۹۰، ۱۸۰، ۱۷۰، ۱۶۰، ۱۵۰، ۱۴۰، ۱۳۰، ۱۲۰، ۱۱۰، ۱۰۰، ۹۰، ۸۰، ۷۰، ۶۰، ۵۰، ۴۰، ۳۰، ۲۰، ۱۰، ۰

قطران تبریزی - ۱۲۱۳ [۶۵۸-۶۵۷]

قطرب ابو علی محمد بن محمد بن احمد بصری -

۲۸۲۰ [۲۷۱-۲۶۹]

قفطی - ۱۸۳۱، ۱۸۱۰، ۱۲۵۰

فتح ارسلان بن محمود - ۲۵۰، ۲۴۷

قنالی زاده (حسن بن) - [۴۷۳-۴۷۲]

قونم الدین عبدالله - ۵۸۰

قزوینی - ۴۳۴

یوسف شیرازی - ۱۲۹

ل

کاتبی (محمد بن عبدالله) - [۶۵۹]

کازانلیک سلطان محمد - ۲۵۱

کازانلیک سلطان محمد - ۲۵۱

کازانلیک سلطان محمد - ۵۹۹

کازانلیک سلطان محمد - ۱۷۵

کاضم رشتی - سید - ۲۹۰، ۲۸۰، ۱۴۳

کاضم بن میرزا - ۲۱۶

کاضم بن میرزا - ۱۶۵

کافور اخشییدی - ۶۶۹

فیروز آبادی ابوطاهر محمد الدین محمد شیرازی

شافعی - ۲۰۸، ۲۰۵ [۲۴۷-۲۳۲]

۳۱۶، ۲۷۰

فیشر - ۹۶

فیض کاشانی (ملاحسن) - ۷۶، ۳۳، ۲۴

۳۲۵ [۳۸۹-۳۸۸]، (۶۵۲، ۶۵۱)

فیضی (ابو الفیض بن شیخ مبارک ناگوری) -

۶۳۸، ۵۳۱ [۵۲۴-۵۲۰]

(۶۵۳-۶۵۲)

فیلسوف الدوله (کافم بن محمد گیلانی) - ۱۰۴

ق

قادر - ۱۵۰

قاورک آقا ایوردی - ۴۶۷

قاسم آغا - ۴۵۶

قاسم (قاسم انوار - قاسمی) - ۲۰۹، ۱۳۱

۵۴۳، ۵۸۳ [۶۵۶-۶۵۳]

قاسمی تبریزی - ۶۶۵

قاسم علی - ۲۶۸

قاسم بن قطلوبغا الحنفی - ۳۱۸، ۸۳

قاضی فاضل - ۵۰۵

قاضی نورالله - ۶۵۳، ۵۵۹، ۵۵۲

قالی (ابوعلی) - ۳۷

قائم آل محمد علیه السلام - ۵۷۳، ۲۸۶

قاسم بن احمد اندلسی - علم الدین - [۳۸۴-۳۸۲]

قدسی شیرازی (محمد حسینی) - ۵۸۱

قرة الدین - ۱۳۵

قرشی - ۴۴۶

قره حصار - (اختری مصلح الدین مصطفی بن

شمس الدین) - ۲۲۰، [۲۶۴-۲۶۳]

۲۶۵

قره دده (کمال الدین دده خلیفه) - [۳۱۸]

[۳۲۰]

قرل ارسلان - اتابک - ۵۲۹، ۵۲۸، ۶۳۲

قزوینی (میرزا محمد خان) - ۸، ۹، ۹۴، ۱۶۹

لطیفی - [۶۶۷-۶۶۸].

لواؤ ( حاکم حمص ) - ۶۶۹ .

لیث بن ادريس - ۲۹۰ .

### م

ماجد بحرانی - سید - ۱۴۳، ۱۴۰ .

مالک - امام - ۳۳۰ .

مالک اشتر ( مالک ابن حارث ) - ۳۳، ۱۵۱، ۱۴ .

۱۵۸، ۱۴۹، ۱۴۳، ۱۴۰ .

مبارز الدین مظفری - امیر - ۵۱۳ .

مبارک ( بدر فیضی است ) - ۵۲۴ .

مبارک شاه غزنوی ( فخر قواس ) - ۲۱۴ .

مبارک بن عبد الکریم ( ابن اثیر ) - [۳۰۲-۲۶۷] .

مبارک بن فاخر نحوی - ۷ .

مبرد - ۵ .

متقی ( علی بن حسام الدین ) - ۳۰۱ .

متقی ( ابو الطیب احمد بن حسن دیده شود ) .

مجتبی مینوی - ۶۸۷ .

مجد الدوله - ۴۸۵ ک .

مجد الدین خواجه نصیری - ۴۹ ح ۵۱ .

مجد الدین - ابو الفضل ساوجی [۶۷۱-۶۷۰] .

مهر - ۶۳۲، ۲۶۱ ح .

مجنوب علی شاه - ۴۹۰ .

مجلسی اول - محمد تقی - ۱۳۲ .

محمد الشاهر = مجمر ( حسین طباطبائی

زواری ) - [۶۷۱-۶۷۲] .

مجیر الدین - ۱۷۰ ح ۹ .

مجیر یلقانی - ۹ .

محب الدین حسن ک - ۶۴۴ .

محب الدین ابو الولید محمد بن محمد ابن شهنه -

۲۳۹، [۴۳۴-۴۳۲] .

مجتشم السلطنه - جناب ( اسفندیاری دیده شود ) .

مجتشم کاشی - ۳۲۷ .

محدث ثوری - ۱۲۳ .

محدث نیشابوری - ۲۸۶ .

کا کوپار - ۳۵۶ .

کرمانی ( اوجده الدین ) - ۲۹ ح ۴۸۶ .

کلهان هواد فرانسوی ( خاور شناس ) - ۱۱۴ ،

۳۳۷ .

کلیم ( ابو صالب ) - [۶۶۰-۶۵۹] .

کمال الدوله محمد حسن قاجار - ۱۴۷ .

کمال الدین - ۳۶۶ .

کمال اسماعیل اصفهانی ( خلاق المعانی ) -

۱۰۱-۱۹۱، ۲۰۹، ۲۶۱، [۶۶۳-۶۶۱] .

کمال الدین ( بن مینم دیده شود ) .

کمال خجندی مسعود - ۶۵۵، ۵۸۱، ۱۹۱ .

[۶۶۵-۶۶۳] و ۶۸۲ .

کمال الدین محمد ( پسر ابن فارض ) - ۵۵۱ .

کمال الدین محمد بن محمد بن محمد بن محمد

فدشکونی فسادنی مشهور بهیرزا کمالا - [۴۲۶-۴۲۷] .

[۴۲۷] .

کمال الدین بن محمود کرمانی ک - ۴۹۹ .

کوی خیالانی ( میر قازی ) - ۱۴۷ .

کوی - مینو - ۳۰۶ .

کوهی کرمانی - ۴۹۴، ۱۴۷ ح ۵۱۲ ح .

### گ

گپ - واقف انکبسی - ۹۳ ح .

گرسب - ۱۹۰ ح .

گندام ( محمد - جامع دیوان حافظ ) - ۵۸۱ .

### ل

لاد دعوی - شج - ۲۲۹ .

لادن الدین سیف - ۱۴۶ .

لسان شیرازی - ۶۱۸، [۶۶۷-۶۶۶] .

لطف الله حیممی - ۲۶۵ .

لطف الله بن محمد بن عبد الهادی البحرانی ک - ۴۸ .

لطف الدین شکر الله تبریزی ( مخمور تخلص )

شیراز مخمور معاصر اعتضاد السلطنه است -

۶۷۵ .

- محسن - حاج سید - ۳۵۳ .  
 محسن - میرزا - ۳۱ .  
 محسن خوشنویس (عمادالقرآن متخلص به حالی) -  
 ۱۴۵۰۷۷ .  
 محسن بن عبدالله بن فتحعلیشاه - ۶۷۴ ک .  
 محسن بن محمد طاهر قزوینی - ملا - ۳۸۸ .  
 محسن نعمت‌اللهی - ۱۰۷۰۱۰۶ .  
 محسن نواب - میرزا - ۴۷۹ .  
 محقق ثانی - ۳۵۸، ۵۷ .  
 محقق حلی (ابوالقاسم) - ۲۷۳ .  
 محمد اکبر عظیم‌آبادی - ۱۶۵ .  
 محمد بن عبدالله ص - ۱۸، ۳۴، ۳۸، ۶۵، ۸۲،  
 ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۷، ۱۵۵،  
 ۱۷۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۹۷، ۲۰۶، ۲۲۳،  
 ۲۳۶، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۹۰،  
 ۲۹۱، ۳۰۸، ۳۱۶، ۳۲۲، ۳۳۸، ۳۴۱،  
 ۳۴۷، ۳۵۲، ۳۷۷، ۳۸۷، ۳۹۵، ۴۰۱،  
 ۴۳۳، ۴۴۱، ۴۴۶، ۴۴۸، ۴۴۹، ۵۴۲،  
 ۵۷۳، ۵۷۷، ۵۸۵، ۶۲۱، ۶۲۴، ۶۳۶ و  
 ۶۸۸ .  
 محمد جلال‌الدین - ۱۴۳ .  
 محمد بن ابراهیم بن اولغ‌خانک - ۴۶۸ .  
 محمد بن ابراهیم سبزواری - ۱۷۶ .  
 محمد بن ابراهیم طهرانی - شیخ - ۱۹۹ .  
 محمد بن ابی بکر - ۱۴۲ .  
 محمد بن ابی بکر مخدومی (دهامینی) - [۳۷۵-  
 ۳۷۸]، ۳۷۹ .  
 محمد بن ابی بکر مخدومی اصفهانی - ابو موسی -  
 ۳۰۰ .  
 محمد بن ابی بکر بن عبدالقادر رازی حنفی  
 (زین‌الدین) [۲۷۸-۲۷۹] - ۲۸۰ .  
 محمد بن ابوالحسن - ۵۱۸ .  
 محمد بن ابوالقاسم ک - ۸۹ .  
 محمد بن ابی نصر - ۱۵۷ .  
 محمد بن احمد ازهری - ازهری - [۱۶۶-۱۷۳]،  
 ۱۸۴، ۱۹۶، ۳۰۰، ۳۱۰ .  
 محمد بن احمد اصفهانی - ابوبکر - ۲۹۰ .  
 محمد بن محمد علقمی (ابن علقمی) - ۴۲ .  
 ۴۷ و ۴۳ .  
 ادريس بن الیاس العربی - ۳۰۹ .  
 اسمعیل - ۶۵۰ .  
 اشرف ک - ۲۵۳ .  
 افضل سرخوش - میرزا - ۴۷۳ .  
 اکبر - ۴۳۴ ح .  
 جلال‌الدین - ۲۱۴ .  
 بیات - ۲۵۲ .  
 امین ک - ۱۸۶، ۱۸۷، ۲۷۲ .  
 - مبر - ۲۵۳ .  
 اسرارآبادی - ۲۷۳ .  
 نجفی ک - ۳۹۶ .  
 محمد باقر ک - ۲۹۷ .  
 بن حسنعلی - حبیبی ضایب اصفهانی ک -  
 ۱۸ .  
 محمد باقر خونساری - میرزا - ۱۲۶، ۱۵۴ .  
 مدرس رضوی - ۴۷۹ .  
 بن ملا ولی اسرارآبادی ک - ۳۱۱ .  
 ۴۳۷ .  
 بن عبدالرشید منیدی - مبر - ۵۷۵ .  
 محمد باقر لامعی نواب - [۱۷-۱۹]، ۱۳۴۰ .  
 بقا ک - سید - ۱۰۴ .  
 محمد تقی ک - ۱۸۵، ۲۷۶ .  
 محمد تقی - میرزا - ۲۸ .  
 - حاج - ۴۳۹ و ۴۴۹ .  
 اسرارآبادی ک - ۴۸ .  
 ابن حاج باقر ک - ۳۹۱ .  
 جلال‌الدین حیدری - ۴۳۹ و ۴۴۹ .  
 محمد تقی ابن میرزا زکی و سرائی (صاحب  
 عی آبدی) - ۲۶۲، [۶۲۴-۶۲۵] .  
 رشید ک - ۱۳۵ .  
 مدرس رضوی - ۴۷۹ ح .  
 ابن سید حسین نصر آبدی - ۳۷۰ .  
 محمد بن یحیی - (شرح مفصّله شود) .

- محمد تقی بن شاه محمد ك - ۲۱ .  
ابن امیر مؤمن قزوینی - ۱۳۴ .  
محمد تقی ابن ملا علی الله صاحب - [۶۲۷] ۶۷۹ .  
۷۰۲ .  
محمد جامی ك - ۶۶۵ .  
جزیر طبری - ۱۲۷ .  
جعفر ك - ۳۵۵ .  
بن جعفر - ابوسعید - ۱۸۳ .  
جعفر البصری - ۴۸۰ .  
بن عنایت الله شیرازی ك - ۶۴۲ .  
بن حاجی محمد اردستانی ك - ۳۵۱ .  
مهدور الاحسانی - شیخ - ۱۰۳ .  
داود ازگانی - ۲۰۵ و ۶۲۳ .  
جوگی - میرزا - ۶۶۷ .  
جهان بیوان - ۵۲۸ و ۵۲۹ .  
حافظ - ابوالفضل - ۱۵۳ ح .  
بن حبیب الدین - ۱۳۹ .  
حباب الله - ۲۳۸ .  
محمد بن حسن نواجی - [۷۲-۷۴] و (۵۰۰) - ۵۰۲ .  
ابن سید حسن - سید - ۱۹۶ .  
حسن پروین - سید - ۴۷۵ .  
۳۶۶ .  
بن حسن - ابواسی (علامه برزا) - ۲۴۱ .  
فرسی - ابو - بن - ۳۱۴ .  
حسن بن آقا - سید - (حکیم سامانی) - ۹۹ ح .  
فاجار (امام ادبوك) - ۱۴۷ .  
فائل مرصفی - ۱۳۶ .  
محمد بن ك - ۴۴۰ .  
محمد بن حسن (قنبر ابوری شیهه شود) .  
محمد حسین - حاج ملا - ۲۳۴ ح .  
محمد حسین بن محمد حسن مجتهد - حاج - [۵۱۲-۵۰۹] .  
خان - پوی - حاج - ۳۰۵ .
- محمد حسین میرزا (حشمت الدوله) - ۴۷۴ .  
استرآبادی ك - ۳۱۲ .  
خاتون آبادی - امیر - ۳۵۸ .  
خان (نظام الدوله صدر اصفهانی) - ۶۹۶ و ۶۹۸ .  
طباطبائی نائینی ك - ۵۶۹ .  
طیب کاشانی - میرزا - ۲۶۳ و ۳۶۲ .  
عندلیب - ۲۶۲ .  
فروغی (ذکاء الملك) - ۱۴۹ .  
مشهدی ك - ۵۷۶ .  
نیریزی ك - ۴۵۹ .  
محمد بن حسین موسوی (شریف رضی) - سید رضی - [۱۴۴-۱۵۵] رضی نیز دیده شود محمد بن حسین ك - ۳۱۱ .  
محمد حسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان - [۱۶۵-۱۶۱] .  
محمد حسین بن علی نقی همدانی - ۱۴۱ .  
فضل الله حسینی - ۲۹۴ .  
محشم - ۳۲۷ .  
محمد حسین (نظیری نیشابوری) - [۶۹۱-۶۸۹] .  
محمد حسین بن نورالدین موسوی حسینی جزائری - ۳۶ .  
محمد حکیم باشی شیرازی - میرزا - ۳۶۲ .  
محمد حلبی (رضی الدین ابوالبقا) - ۳۷۹ .  
محمد حنفیه - ۶۴ .  
خوارزمی - ۸۳ .  
خان - آغا - ۴۶۱ .  
قزوینی - میرزا (قزوینی دیده شود) .  
(وزیر) - ۵۷۳ .  
محمد خفزی - شیخ - ۲۱۰ .  
محمد خوئی (حکیم قلی) - [۱۷۳-۱۷۶] .  
داود حسینی - ۲۶۴ .  
محمد داود بن عبدالله (داود تغلص) - [۵۹۵-۵۹۸] .

محمد شاه هندی - ۲۳۸، ۴۷۳، ۶۹۳.  
 محمد شریف ابهری ک - ۳۱۲.  
 ابن حاج حسن آمی ک - ۴۱۴.  
 ابن صفی قلی ک - ۵۷۶.  
 شفیع - میرزا - ۲۰۹، ۳۰۲.  
 طباطبائی - ۴۵۰، ۴۵۱.  
 صادق ک - ۳۴۵.

(زری و اخبر افغانی و بغزور - ۴۵۵).  
 سیزواری ک - ۱۷۶.  
 صالح برغانی قزوینی - ۱۳۵.  
 صالح حسینی (خانوند آبادی) - ۳۳.  
 محمد صالح رونقی - [۱۶-۱۶] - (۶۳).  
 ۱۴۰۱۳۳-۶۶.  
 محمد صالح بن عبدالوهاب خوشه‌ای ک - ۲۲۳.  
 محمد رفیع طیب رشتی ک - ۳۹۰.  
 محمد ناصر هزاره حسینی - ۳۱۲.  
 محمد صالح نواب رضوی - [۴۸۲-۴۷۹].  
 صدرالدین شرازی (ولا صدر شرازی) - ۲۴۳.

محمد طاهر (تندانی) - ۱۰۶۲، ۹۱۰۶، ۲۰۶ ح.  
 محمد طاهر و جید قزوینی - [۶۹۹-۷۰۲].  
 محمد بن طاهر حسینی - ۱۶۰.  
 محمد بن حبیب بن محمد دسی - ۲۳۸ و ۳۳۹.  
 محمد ظفر ابن حاج محمد روم ک - ۳۵۲.  
 محمد عباس شوشتری - ۱۴۰.  
 عبده - سراج - ۸۷، ۸۹، ۱۳۶، ۱۳۹.  
 ۱۴۱، ۱۵۴.

محمد بن عبدالله آشتیانی ک - ۴۶۸.  
 محمد بن عبدالله (کاتبی) - [۶۵۹].  
 عبدالجبار بن معروف - [۲۵۱-۲۵۳].  
 محمد بن عبدالرحیم ک - ۳۷۵.  
 امیری الازی - ۳۴۹.  
 محمد بن عبدالصبور طیب حکیم‌باشی قلی - محمد  
 خونی - [۱۷۳-۱۷۶].

محمد بن داود (ارسلان خان) - ۶۷۳ ح.  
 « درخشان - ۱۸۰ ح.  
 « دشتی اصفهانی - شمس‌الدین - ۳۵۸، ۳۵۷ ح.  
 « (ذکاء الدوله) - ۸۲.  
 « بن میرزا الفقار کریمی ک - ۳۳۹.  
 « رحیم ک - ۶۶.  
 « رسول برزنجی - سید - ۲۳۸ ح.  
 « رضا - ۲۷۶، ۵۲۸.  
 محمد رضا کاتب اصفهانی ک - ۴۵۴.  
 « رضا ابن علیخان طریش ک - ۱۵۶.  
 « « حاج بیگلر ک - ۵۳۶.  
 « رضی بن محمد رحیم آشتیانی قلی ک - ۵۶۸.  
 « محمد شفیع - ۵۹۶، ۵۹۷.  
 « رفیع بن محمد صادق شیرازی ک - ۶۲۷، ۶۳۶.  
 ۷۰۳.  
 محمد زمان - سید امیر - ۷۷.  
 « ابن حاج عبداللطیف تبریزی ک - ۳۴۲.  
 محمد بن زید واسطی - ابو عبدالله - ۱۳۵ ح.  
 محمد صاحب - سید - [۶۰۴-۶۰۶] و ۷۰۳.  
 : سعد الله - زاد آبادی - ۲۴۰.  
 « سعید ک - ۶۴۰.  
 سلطان - آقا - ۵۸.  
 « حاج شیخ - ۱۴۱.  
 « سلمان بن عبدالباقی ک - ۲۵۲.  
 محمد بن سلیمان بغدادی (فضولی) - [۶۴۸-۶۴۹].  
 محمد بن سلیم کیلانی - ۳۴۳.  
 محمد سنان - حاج - ۵۵۰.  
 « سنجر حسینی - ۳۳۹.  
 « بن شاکر بن جیعان - ابوالقاسم - ۴۲۵ ح.  
 محمد بن شمس‌الدین ابی بکر رازی حنفی  
 (زین‌الدین) [۲۷۸-۲۷۹] و ۲۸۰.  
 محمد بن میر سید شریف جرجانی - شمس‌الدین -  
 ۳۶۷ ح.  
 محمد شاه قاجار - ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۱۷۴ ح.  
 ۴۶۰، ۱۷۵.

محمد یونس عبد الغنی اردیبی - [۳۴۴-۳۴۳].

محمد بن عبد القی (عبد المظفر حسنی) - [۳۵۵ -

1306

• ۴۷۳ - چای و قند

محمد بن عبد الله بن كمال - ٢٧١ .

282,201 - 282,201

1960-1961

1947-1950

[illegible]

• 397 - 10

189-20-441-1

۴۲

• 72 •

100

144-24012

097,280 - 295 - 4.7

• 759-1119 •

4. 7. 2. 1911 - 1911 - 1911 - 1911

امروز روز

(711.904)

780

281 - (234) 2000 000

012-244-1242

130 - 2nd 2nd 1st

18-000000

*[Faint handwritten notes at the bottom of the page]*

مفتی محمد رفیع - بیروت - ۱۳۸۸ھ

مجلسه ۲۱ - ۱۳۸۸

٥٣٥ - ٥٣٦

101 - 131

1911-12-13-14-15-16-17-18-19-20-21-22-23-24-25-26-27-28-29-30-31-32-33-34-35-36-37-38-39-40-41-42-43-44-45-46-47-48-49-50-51-52-53-54-55-56-57-58-59-60-61-62-63-64-65-66-67-68-69-70-71-72-73-74-75-76-77-78-79-80-81-82-83-84-85-86-87-88-89-90-91-92-93-94-95-96-97-98-99-100-101-102-103-104-105-106-107-108-109-110-111-112-113-114-115-116-117-118-119-120-121-122-123-124-125-126-127-128-129-130-131-132-133-134-135-136-137-138-139-140-141-142-143-144-145-146-147-148-149-150-151-152-153-154-155-156-157-158-159-160-161-162-163-164-165-166-167-168-169-170-171-172-173-174-175-176-177-178-179-180-181-182-183-184-185-186-187-188-189-190-191-192-193-194-195-196-197-198-199-200-201-202-203-204-205-206-207-208-209-210-211-212-213-214-215-216-217-218-219-220-221-222-223-224-225-226-227-228-229-230-231-232-233-234-235-236-237-238-239-240-241-242-243-244-245-246-247-248-249-250-251-252-253-254-255-256-257-258-259-260-261-262-263-264-265-266-267-268-269-270-271-272-273-274-275-276-277-278-279-280-281-282-283-284-285-286-287-288-289-290-291-292-293-294-295-296-297-298-299-300-301-302-303-304-305-306-307-308-309-310-311-312-313-314-315-316-317-318-319-320-321-322-323-324-325-326-327-328-329-330-331-332-333-334-335-336-337-338-339-340-341-342-343-344-345-346-347-348-349-350-351-352-353-354-355-356-357-358-359-360-361-362-363-364-365-366-367-368-369-370-371-372-373-374-375-376-377-378-379-380-381-382-383-384-385-386-387-388-389-390-391-392-393-394-395-396-397-398-399-400-401-402-403-404-405-406-407-408-409-410-411-412-413-414-415-416-417-418-419-420-421-422-423-424-425-426-427-428-429-430-431-432-433-434-435-436-437-438-439-440-441-442-443-444-445-446-447-448-449-450-451-452-453-454-455-456-457-458-459-460-461-462-463-464-465-466-467-468-469-470-471-472-473-474-475-476-477-478-479-480-481-482-483-484-485-486-487-488-489-490-491-492-493-494-495-496-497-498-499-500-501-502-503-504-505-506-507-508-509-510-511-512-513-514-515-516-517-518-519-520-521-522-523-524-525-526-527-528-529-530-531-532-533-534-535-536-537-538-539-540-541-542-543-544-545-546-547-548-549-550-551-552-553-554-555-556-557-558-559-560-561-562-563-564-565-566-567-568-569-570-571-572-573-574-575-576-577-578-579-580-581-582-583-584-585-586-587-588-589-590-591-592-593-594-595-596-597-598-599-600-601-602-603-604-605-606-607-608-609-610-611-612-613-614-615-616-617-618-619-620-621-622-623-624-625-626-627-628-629-630-631-632-633-634-635-636-637-638-639-640-641-642-643-644-645-646-647-648-649-650-651-652-653-654-655-656-657-658-659-660-661-662-663-664-665-666-667-668-669-670-671-672-673-674-675-676-677-678-679-680-681-682-683-684-685-686-687-688-689-690-691-692-693-694-695-696-697-698-699-700-701-702-703-704-705-706-707-708-709-710-711-712-713-714-715-716-717-718-719-720-721-722-723-724-725-726-727-728-729-730-731-732-733-734-735-736-737-738-739-740-741-742-743-744-745-746-747-748-749-750-751-752-753-754-755-756-757-758-759-760-761-762-763-764-765-766-767-768-769-770-771-772-773-774-775-776-777-778-779-780-781-782-783-784-785-786-787-788-789-790-791-792-793-794-795-796-797-798-799-800-801-802-803-804-805-806-807-808-809-810-811-812-813-814-815-816-817-818-819-820-821-822-823-824-825-826-827-828-829-830-831-832-833-834-835-836-837-838-839-840-841-842-843-844-845-846-847-848-849-850-851-852-853-854-855-856-857-858-859-860-861-862-863-864-865-866-867-868-869-870-871-872-873-874-875-876-877-878-879-880-881-882-883-884-885-886-887-888-889-890-891-892-893-894-895-896-897-898-899-900-901-902-903-904-905-906-907-908-909-910-911-912-913-914-915-916-917-918-919-920-921-922-923-924-925-926-927-928-929-930-931-932-933-934-935-936-937-938-939-940-941-942-943-944-945-946-947-948-949-950-951-952-953-954-955-956-957-958-959-960-961-962-963-964-965-966-967-968-969-970-971-972-973-974-975-976-977-978-979-980-981-982-983-984-985-986-987-988-989-990-991-992-993-994-995-996-997-998-999-1000-1001-1002-1003-1004-1005-1006-1007-1008-1009-1010-1011-1012-1013-1014-1015-1016-1017-1018-1019-1020-1021-1022-1023-1024-1025-1026-1027-1028-1029-1030-1031-1032-1033-1034-1035-1036-1037-1038-1039-1040-1041-1042-1043-1044-

1752

*(Faint handwritten notes at the bottom of the page)*

1940

١٠٠

[illegible]

- محمد حسن موسوی - ۵۳۷ .  
 محمد حسن میرزا - ۶۵۸ .  
 محمد بن محمد (فاضل اسفراینی) - [۳۷۲-۳۷۳].  
 « بن محمد رضای مشهدی - میرزا - ۳۷۵ .  
 محمد بن محمد شفیع طباطبائی (رضی الدین) - [۴۵۱-۴۵۰].  
 محمد بن محمد شریف - ک - ۳۳۸ .  
 محمد بن محمد شفیع شیبانی اثیر الدین ابوالکرم - ۲۹۸ .  
 محمد بن محمد صالح لاهوری - ۲۴۶ .  
 محمد بن محمد عبدالکریم - ابوالکرم (پدر این اثیر) - ۲۹۱ .  
 محمد بن محمود دهمدار - ۱۴۰ .  
 محمد محی الدین - ۱۳۹ .  
 محمد مرتضی زبیدی - ۳۳۸ .  
 محمد مروزی دیباجی (منتخب الدین) ۳۸۲ ح .  
 محمد بن المنیر بن احمد بصری - ابوعلی - قطرب - ۲۷۰، ۲۷۱ و ۲۸۲ .  
 محمد بن مسعود سیرانی قالی - ۳۷۰ .  
 محمد مسیح بن نویدی شیرازی - ۴۶۷ .  
 محمد مشکوة - ۴۷۰، ۴۷۱ ح، ۸۰، ۱۳۴، ۱۳۵ .  
 محمد بن مصطفی - سید - ۱۹۸ .  
 محمد بن مصطفی (داود زاده) - ۳۳۷ .  
 بن مصطفی الوانی (وان تالی) - ۱۹۷ .  
 محمد معصوم حسینی نعموری دستکی - ک - ۲۹۱ .  
 مناوی - ۲۳۹ .  
 منجم - جلال الدین - ۵۶۷ .  
 بن منصور - ابوسعید - ۸۷ .  
 مؤمن - ۴۴۴ .  
 اسرار ابادی - ۵۸۲ .  
 حسینی - ۴۴۳ .  
 قاینی ک - ۴۱۳، ۴۰۸ .  
 محمد مؤمن بن علی حسینی اسرار ابادی - [۴۴۲-۴۴۳].  
 محمد مهدی امام جمعه طبران - میر - ۱۳۴ و [۵۸-۵۵].  
 عبدالرب ابادی - ک - ۶۰۰، ۴۱۳، ۳۸۱ .  
 محمد مهدی کجکی - شیخ - ۱۳۳ .  
 محمد مهدی ابن علی اصفهانی - [۳۷۳-۳۷۵].  
 محمد مهدی بن محمد باقر - فروغ اصفهانی - [۲۸-۳۲].  
 بن محمد علی ک - ۱۶۴ .  
 بن حاج محمد یوسف ک - ۴۱۸ .  
 محمد نبی ک - ۳۷۴ .  
 محمد نجار - شیخ - ۷۴ .  
 محمد نصیر (نصرت) - [۴۷۹-۴۸۲].  
 محمد نصیر (نصیرانی مدانی) - ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴ .  
 بن النعمان مفید (شرح مفید) - [۱۱۷-۱۱۸] ح .  
 نوربخش - سید - ۵۵۸، ۵۶۰ .  
 ولید بن علی اسفر - ک - ۴۲۲ .  
 هادی - ۷۵ .  
 برجندی - شیخ - ۱۴۱ .  
 محمد هادی (ابو هادی) - [۳۵۲-۳۵۳].  
 ضیاب - ۳۸ ح .  
 بن حاجی شمس - ک - ۶۸۱ .  
 قزوینی ک - ۶۷۹ .  
 بن محمد صادق - ک - ۴۲۲ .  
 بن معصوم - ک - ۳۵۵ .  
 شمس بن محمد - ک - ۲۰۳ .  
 بن شمس - ابو عبد الله - ۳۱۵ .  
 محمد بن هند و شاه - [۲۱-۲۲] ح، ۱۷۷، ۲۱۴، ۲۶۵ .  
 بن یحیی اصفهانی شافعی - ک - ۷ .  
 انصاری - ۳۳۹ .  
 محمد یحیی بن سعید - ک - ۲۵۰، ۳۳۹ .  
 [۳۱۶-۳۱۷].  
 بن یحیی شافعی - ک - ۵۵۴ .  
 بن یعقوب دشتقی (بن احمدی) - ۳۳۶ ح .  
 یوسف (ابو یوسف بن یحیی) - ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۳۳ .  
 محمد بن یوسف - ک - [۴۴۵].

محمد يوسف بن محمد قاسم انصاری ک - ۲۴۵،  
محمد د - ک - ۴۸۸.

محمود دین احمد زینجانی - [۱۶۶] : ۲۸۰.

بھاری - شیش - ۲۱۳.

ذات تیریزی ضابطہائی (علاءالہاد) - ۱۴۹ .  
خاضہ - ۲۷۸ .

1. 828.392 - 2. 828.392

شماره ۱۲۵۰ - ۶۱۳ - ج ۱

79 - 100

۲۲۰

٥١٥ - (٢٠١٤)

• 222 •

مجموعه کتب و اسناد خطی و چاپی در زمینه تاریخ و جغرافیه ایران و خاور میانه

2947-2948

789.728.001 - 22 - 24

مجلس شورای ملی - تهران - ۱۳۰۴

١٠٢٤٩

(x)  $\frac{1}{\sqrt{x}}$

. [017-012] . 800.271.191

مجلسه اول، روز شنبه، ۱۳۰۲ (۱۳۰۲) (روز شنبه، ۱۳۰۲)

1. 100. 100. 100. 100. 100.

$\frac{1}{2} \times \frac{1}{2}$

17-1-1934

*[Illegible handwritten notes]*

1. The first step is to identify the problem or question that needs to be answered. This involves understanding the context and the specific requirements of the task.

٢٠٨

782-211

140-5431-4-5

*[Faint handwritten notes at the bottom of the page]*

1. The first part of the document is a list of names and titles, including "The Hon. Mr. Justice" and "The Hon. Mr. Justice".

1. 2. 3. 4. 5. 6. 7. 8. 9. 10. 11. 12. 13. 14. 15. 16. 17. 18. 19. 20. 21. 22. 23. 24. 25. 26. 27. 28. 29. 30. 31. 32. 33. 34. 35. 36. 37. 38. 39. 40. 41. 42. 43. 44. 45. 46. 47. 48. 49. 50. 51. 52. 53. 54. 55. 56. 57. 58. 59. 60. 61. 62. 63. 64. 65. 66. 67. 68. 69. 70. 71. 72. 73. 74. 75. 76. 77. 78. 79. 80. 81. 82. 83. 84. 85. 86. 87. 88. 89. 90. 91. 92. 93. 94. 95. 96. 97. 98. 99. 100. 101. 102. 103. 104. 105. 106. 107. 108. 109. 110. 111. 112. 113. 114. 115. 116. 117. 118. 119. 120. 121. 122. 123. 124. 125. 126. 127. 128. 129. 130. 131. 132. 133. 134. 135. 136. 137. 138. 139. 140. 141. 142. 143. 144. 145. 146. 147. 148. 149. 150. 151. 152. 153. 154. 155. 156. 157. 158. 159. 160. 161. 162. 163. 164. 165. 166. 167. 168. 169. 170. 171. 172. 173. 174. 175. 176. 177. 178. 179. 180. 181. 182. 183. 184. 185. 186. 187. 188. 189. 190. 191. 192. 193. 194. 195. 196. 197. 198. 199. 200. 201. 202. 203. 204. 205. 206. 207. 208. 209. 210. 211. 212. 213. 214. 215. 216. 217. 218. 219. 220. 221. 222. 223. 224. 225. 226. 227. 228. 229. 230. 231. 232. 233. 234. 235. 236. 237. 238. 239. 240. 241. 242. 243. 244. 245. 246. 247. 248. 249. 250. 251. 252. 253. 254. 255. 256. 257. 258. 259. 260. 261. 262. 263. 264. 265. 266. 267. 268. 269. 270. 271. 272. 273. 274. 275. 276. 277. 278. 279. 280. 281. 282. 283. 284. 285. 286. 287. 288. 289. 290. 291. 292. 293. 294. 295. 296. 297. 298. 299. 300. 301. 302. 303. 304. 305. 306. 307. 308. 309. 310. 311. 312. 313. 314. 315. 316. 317. 318. 319. 320. 321. 322. 323. 324. 325. 326. 327. 328. 329. 330. 331. 332. 333. 334. 335. 336. 337. 338. 339. 340. 341. 342. 343. 344. 345. 346. 347. 348. 349. 350. 351. 352. 353. 354. 355. 356. 357. 358. 359. 360. 361. 362. 363. 364. 365. 366. 367. 368. 369. 370. 371. 372. 373. 374. 375. 376. 377. 378. 379. 380. 381. 382. 383. 384. 385. 386. 387. 388. 389. 390. 391. 392. 393. 394. 395. 396. 397. 398. 399. 400. 401. 402. 403. 404. 405. 406. 407. 408. 409. 410. 411. 412. 413. 414. 415. 416. 417. 418. 419. 420. 421. 422. 423. 424. 425. 426. 427. 428. 429. 430. 431. 432. 433. 434. 435. 436. 437. 438. 439. 440. 441. 442. 443. 444. 445. 446. 447. 448. 449. 450. 451. 452. 453. 454. 455. 456. 457. 458. 459. 460. 461. 462. 463. 464. 465. 466. 467. 468. 469. 470. 471. 472. 473. 474. 475. 476. 477. 478. 479. 480. 481. 482. 483. 484. 485. 486. 487. 488. 489. 490. 491. 492. 493. 494. 495. 496. 497. 498. 499. 500. 501. 502. 503. 504. 505. 506. 507. 508. 509. 510. 511. 512. 513. 514. 515. 516. 517. 518. 519. 520. 521. 522. 523. 524. 525. 526. 527. 528. 529. 530. 531. 532. 533. 534. 535. 536. 537. 538. 539. 540. 541. 542. 543. 544. 545. 546. 547. 548. 549. 550. 551. 552. 553. 554. 555. 556. 557. 558. 559. 560. 561. 562. 563. 564. 565. 566. 567. 568. 569. 570. 571. 572. 573. 574. 575. 576. 577. 578. 579. 580. 581. 582. 583. 584. 585. 586. 587. 588. 589. 590. 591. 592. 593. 594. 595. 596. 597. 598. 599. 600. 601. 602. 603. 604. 605. 606. 607. 608. 609. 610. 611. 612. 613. 614. 615. 616. 617. 618. 619. 620. 621. 622. 623. 624. 625. 626. 627. 628. 629. 630. 631. 632. 633. 634. 635. 636. 637. 638. 639. 640. 641. 642. 643. 644. 645. 646. 647. 648. 649. 650. 651. 652. 653. 654. 655. 656. 657. 658. 659. 660. 661. 662. 663. 664. 665. 666. 667. 668. 669. 670. 671. 672. 673. 674. 675. 676. 677. 678. 679. 680. 681. 682. 683. 684. 685. 686. 687. 688. 689. 690. 691. 692. 693. 694. 695. 696. 697. 698. 699. 700. 701. 702. 703. 704. 705. 706. 707. 708. 709. 710. 711. 712. 713. 714. 715. 716. 717. 718. 719. 720. 721. 722. 723. 724. 725. 726. 727. 728. 729. 730. 731. 732. 733. 734. 735. 736. 737. 738. 739. 740. 741. 742. 743. 744. 745. 746. 747. 748. 749. 750. 751. 752. 753. 754. 755. 756. 757. 758. 759. 760. 761. 762. 763. 764. 765. 766. 767. 768. 769. 770. 771. 772. 773. 774. 775. 776. 777. 778. 779. 780. 781. 782. 783. 784. 785. 786. 787. 788. 789. 790. 791. 792. 793. 794. 795. 796. 797. 798. 799. 800. 801. 802. 803. 804. 805. 806. 807. 808. 809. 810. 811. 812. 813. 814. 815. 816. 817. 818. 819. 820. 821. 822. 823. 824. 825. 826. 827. 828. 829. 830. 831. 832. 833. 834. 835. 836. 837. 838. 839. 840. 84

747-750-2922

(الحرف العاشر في بيان ما في قوله تعالى: "وَمَا يَكْفُرُ لَكُمْ بِهِ اللَّهُ مُبْدِي الدُّنْيَا وَأَخِيرُهَا")

170

٥٢٠



مصدق بن شیب واسطی - ابوالخیر - ۱۱۶ .  
 مصطفی آغا پسر قاسم آغا - ۴۵۶ .  
 مصطفی قونوی - حافظ - ۴۰۳ .  
 » بن محمد (خواجگی زاده) - ۱۴۴ .  
 مصطفی بن شمس الدین (قره حصاری اختری) -  
 [۲۶۳-۲۶۵] ۲۶۵ .  
 مصلح الدین لاری - ۳۳۳، ۳۹۲ .  
 مهارزی - خلیفه زنجیری (ابوالفتح ناصربن  
 ابی المکارم عبدالسید بن علی مطرزی) -  
 [۳۹-۴۱] ۲۸۹، ح ۳۷۲ .  
 مظفر الدین شاه قاجار - ۱۴۷، ۲۱۹ .  
 مظفر علیشاه - ۶۹۵ .  
 مظفر الدین شیرازی - ۹۱ .  
 معویه - ۴۹، ۶۲، ۱۵۷، ۵۸۵ .  
 معتمد الدوله - حاج فرهاد میرزا - ۱۵۸، ۳۴  
 ۲۱۱، ۲۴۲، ۲۹۱، ۴۶۷، ۵۵۲ .  
 معتمد الدوله (غیر از فرهاد میرزا) - ۵۵۲ .  
 » (حاکم اصفهان ظاهر) منوچهر خان  
 است - ۶۷۱ .  
 معروف بلخی - ۶۰۳ .  
 معروف بن حسان - ۲۹۰ .  
 معز الدین مخاطب به معز الملک ک - ۷۷، ۷۸ .  
 معزی (امیر معزی دبدبه شود) .  
 معصوم بن ابراهیم الخادم الحبیبی ک - ۳۹۸ .  
 علیشاه - ۴۸۹ .  
 معلم ناجی - ۱۴۵ .  
 مغربی - محمد شیرین - ۲۰۹ [۶۸۴-۶۸۱] .  
 مفاح صیوری - شیخ - ۲۸۱ .  
 مفید اسنر آبادی - سید - ۲۹۱ .  
 المقندر بالله - ۱۱۷ .  
 مقدس اردبیلی - ۴۱۱ .  
 مقصود علی - ۶۱۹ .  
 مکبکی شیرازی - ۱۴۷، ۴۶۷ .  
 ملک الجبال (قطب الدین محمد) - ۵۳۲ .  
 ملک خلایق - ۱۴۱ .  
 ملکشاه - ۵۵۸ .

ملک الشعراء بهار - ۱۴۷، ۶۹۹ ح .  
 ملک الشعراء (فتحعلیخان صبا دیده شود)  
 ملک قلمی - ۶۳۰، [۶۸۳-۶۸۴] .  
 ملکم خان ارمنی اصفهانی (ناصر الدوله) - ۲۶،  
 [۶۸-۶۶] ۸۰ .  
 منتخب الدین محمد مروزی دیباجی - ۳۸۲ ح .  
 منجیک - ۶۴۵ .  
 منصور (ظاهر خلیفه عباسی است) - ۴۱۹ ح .  
 شیرازی - ۱۹۱، ۲۱۱، ۲۱۴ .  
 منظر (یوسف) - ۴۷۴ .  
 منعم الدین (اوحدی شیرازی) ک - ۵۸۲، ۶۳۴ .  
 ملا (ملا) راده - ۴۲۰ .  
 منوچهر شروانشاه - ۴۶۵ .  
 منوچهری دامغانی - ۴۳۵ ح، ۴۷۱، ۶۴۵،  
 [۶۸۴-۶۸۶] .  
 منیری - شرف الدین - ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱  
 ۲۱۳، ۲۲۰ و ۲۲۱ .  
 منیف، اشا - ۲۶ .  
 مورخ الدوله (احمد علی شیر) - ۱۴۸ .  
 موسی بن عباسی ک - ۳۷ .  
 موفق الدین - ۴۲، ۴۶ .  
 مولانا زاده (بدیع سمرقانی) - ۲۷۱ .  
 مولوی رومی - ۲۹ ح، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۶، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹،

ناصرالدین (مطریزی) - [۳۹-۴۱]، ۲۸۹ و ۳۷۲.

ناصر الشریعہ منصور - ۴۱.  
ناصرالدین الله (احمد بن المستنصر بالله عباسی) - ۵۰۵.

ناظم الدوله (ملک خان اردمنی) - [۶۶-۶۸].  
نائب السلطنه (عباس میرزا دیده شود).

نائب الصدر تبریز ابن محمد رضا صدرالدین - تبریزی - [۲۲۴-۲۲۶].

نائب الصدر (مؤلف طرائق الحقائق است که از مأخذ میباشد و مکرر نام برده شده).

نجاشی (نحود بن عمر) - [۴۴۵]، ۴۴۸، ۱۲۳، ۱۳۰.

نجدیدخان حجری - ۱۶۳ ح.

نجم الدین (خواجہ جهان - نحود بن محمد کیلانی) - [۹۹-۱۰۲].

عبد الغفار بن عبد الکرم - ۳۶۴.  
کبری - شیخ - ۲۰.

نقدی - ۲۶۷.

نقدی - ۳۲۱.

نسیمی - ۶۵۹.

نصر آبادی - ۴۴۴، ۲۳.

نصر بن احمد سامانی - ۶۰۳.

نصر الله - ۲۶.

نصر الله بن ابوالقاسم اک - ۲۴۷.

نصر الله تقوی - حاج سید (رئیس دانشکده) -

۶۴-۶۵، ۶۹-۷۰، ۸۶، ۱۰۲، ۲۲۷، ۲۴۱، ۲۵۸.

۶۸۷.

نصر الله (ضیاء الدین - ابن الانیر جزری) - ۴۲۰.

۲۹۹ و

بن ملا محمد علی دزفولی - حاج - ۱۳۵، ۴۵۰.

نصر الدین ابوبکر بن محمد بن ایلدگز - ۵۲۹.

۵۳۰ و ۶۳۲.

ملک - ۶۴۱.

نصرت محمد نصیر نصرت - [۴۷۹-۴۸۲].

نصیر ای همدانی (محمد نصیر) - ۴۴۲.

[۴۴۳]، ۴۴۴.

نصیر الدوله - ۲۵.

میر آصف قزوینی - ۱۴۳.

میرداماد - ۶۹.

میر سید شریف (میرجانی) - بنی بن محمد.

استرآبادی - [۳۶۶-۳۶۸]، ۴۰۶، ۴۰۵.

۴۰۷، (۴۱۴-۴۱۳)، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲.

۴۲۳، ۴۲۴.

میرحی هروی - ۲.

میرحی کتابک - ۵۷۹، ۶۱۶، ۶۱۷.

میرحیدر حسن خلیفه - [۲-۴]، ۶۱۷.

میرقاری او کبیر - بلالی - ۱۴۷.

میرمقصود - ۶۵۹، ۶۶۰.

میرزا آیدین - ۲۵.

۳۱، ۳۰.

۳۷۱، ۳۷۰.

میرزا حسن باغی - ۱۱، ۴۱۴.

۴۲۱.

میرزا قاسم (۱۰۰) - ۵۷۵.

میرزا کمال (که را در این کتاب دیده شود).

میرزا او - ۴۵۳.

(میرزا) - ۱۳، ۴۱، ۶۹۸ ح.

میرزای شریانی (میرزا شمس الدین) - ۱۴۱.

میرزا (میرزا عبد القادر) - ۴۵۳.

بلالی - ۳۴۹.

میر (میرزا عبد القادر) - ۴۷۱.

ن

نورالدین - ۵۱۵.

۳۵۸ ح.

نوری بن محمد نقدی - ۶۲۱.

نورالدین - ۲۶۹، ۲۶۷، ۲۶۶، ۲۶۵.

۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵.

ناصر خسرو - ۲۱۵، ۲۵۷، [۶۸۶-۶۸۸].

ناصرالدین - امام خوانده - ۱۷۰.

نوری - ۳۷۶.

ناصرالدین - ۲۸، ۳۱، ۳۲، ۴۵، ۶۷، ۶۶ ح.

۱۷۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹.

- نصیر الدین طوسی - خواجه - ۴۷، ۴۲ - ۵۰۰، ۳۳۱، ۴۲۹، ۳۶۵، ۳۶۴، ۳۵۰، ۴۳۱، ۴۴۶، ۴۸۸، ۴۸۸ ح .
- نصیر بن فرج ک - ۳۰۸ .
- نظام استرآبادی (نظام معانی) - ۵۷۶، ۴۱۱، ۶۸۹، ۶۸۸ .
- نظام الدین اعرج (حسن بن محمد بن حسین نیشابوری) - [۳۵۲-۳۵۰] .
- نظام الدین افضل بن قاضی محمد - ک - ۲۸۴ .
- اولیا - ۵۸۶، ۵۱۹، ۵۱۷ .
- » پانی پاتی - ۲۵۵ .
- » حیدر (اوباش) - ۱۶۵ .
- نظام الدین عثمان خطائی - [۴۰۹-۴۰۶] .
- » گیلانی (حکیم الملك) - ۵۳، ۲۰، ۱۳۱ .
- » محمد - ک - ۴۸۵ .
- نظام علی شاه (احمد بن حاج عبد الواحد کرمانی) - ۴۹۱، ۴۹۰ .
- نظام الملك - خواجه - ۵۱۵، ۲۱۳، ۱۷۹ .
- » ثانی (عماد خونی) - ۵۳۰ ح .
- » (پسر صدر اعظم نوری) - ۳۷۱، ۳۱، ۶۲۰ .
- نظامی اثیری نیشابوری - ۵۳۲ .
- عروسی - ۶۰۲، ۵۵۵، ۵۳۲، ۵۳۱، ۶۰۳ .
- منبری سمرقندی - ۵۳۲ .
- » کنجوی (ویس بن یوسف) - ۱۹۱، ۵۲۳، ۵۲۱، ۵۱۷، ۵۱۴، ۵۲۰، ۵۲۴ - [۵۳۸]، ۶۳۹، ۵۳۹ .
- نظر علی جیلانی - ملا - ۳۹۴، ۳۸۹ .
- نظیری نیشابوری (محمد حسین) - [۶۹۱-۶۸۹] .
- نعمت الله بن احمد بن مبارک رومی - [۲۶۵-۲۶۶]، ۳۶۴ .
- نعمت الله ولی - شاه - ۵۸۱، ۵۱۱ .
- » جزائری سید - ۲۰۴، ۱۳۳، ۳۲۳ - [۳۲۷] .
- نعمت الله (روشنی زاده) - ۲۶۵ .
- نقیب ابوالاحمد (حسین - پدر سید رضی) - ۱۱۶ .
- نقی بن علی ک - ۳۶۰ .
- نوائی (امیر غنچه پیر دیده شود) .
- نواب (محمد باقر لاهیجی) - [۱۷-۱۹] و ۱۳۴ .
- نواجی (محمد بن حسن) - [۷۲-۷۴]، (۵۰۰) - ۵۰۲ .
- نوح اندی - ۴۶۲ .
- نوح بن مصطفی مفتی - ۲۹۶ .
- نور الدین ارسلان شاه یا ندر شاه موصول - ۵۳۶ ح .
- نور الدین محمد ترشیزی (منه وری) - [۶۳۰-۶۳۱] .
- محمد زاهدی - ۶۴۱ .
- منشی - ۲۱ .
- نور علی شاه (محمد علی بن میرزا عبد الحسین) - [۴۸۹-۴۹۲]، [۶۹۵-۶۹۶] .
- نورعلی ابن شاه مقدسی - ۴۳۹ .
- نور محمد علی - ۳۲۴ .
- نور محمد بن قاضی عبد الامری - ۱۳۰ .
- نوفل بن حریف - ۵۸۵ .
- نویندی شیرازی - ۵۷۵، ۴۶۷ .
- نیاز (سید علی شیرازی) - ۱۶۵ .
- نیازی حجازی - ۱۲۱، ۲۱۲ .
- و
- واحدی محقق - شریح - ۱۹۱ .
- والد اشقهای - (محمد - پسر) - ۲۸۸ و ۶۹۶ - [۶۹۷] .
- واله دانشمندی - ۶۰۳ - ۶۵۰ .
- ویری - امام - ۱۲۷، ۱۲۴، ۱۲۳ .
- وحشی کرمانی - [۶۹۷-۶۹۹] .
- وحید دستگردی - ۴۶۲، ۴۸۷، ۴۸۸ .
- ۵۲۵ ح - ۵۳۳، ۵۲۸، ۵۳۹ ح .
- وحید قزوینی (محمد حسین) - [۶۹۹-۷۰۲] .
- وحید الدین محمد (سراوری) - ۵۶۵ .
- وحید علی بیله قندی - [۴۲۶-۴۲۷]، ۴۴۷، ۴۴۹، ۴۴۸ .

١٩٢٠ ح ٣٣٠ .  
ياقوت (صاحب معجم البلدان) - ١٧٦ ح ١٨١ .  
١٨٣ ، ١٨٤ ، ١٩٢ ح .

یاقوت ابن زبخت - ۴۲ .  
 یاقوت مستعصمی - ۸۴ ، ۸۵ ح .  
 یحیی بن ابراهیم بن فرش - ۳۶۵ .

حمزة العلوي - ١٢٦ .  
سعدون قرطبي ( ابن الدهان ) - ٢٩٨ .  
٢٩٩ .

معضی بن عبدالنور - ۱۹۷ .  
یزید بن معاویہ - ۱۹۳ .

يعقوب اسقر - اينى - ابو يوسف - ۱۴۷.  
يعقوب - سلطان - ۶۹، ۷۰، ۷۱ ح.

ابن ابوالحسن ك - ٦٨٧ .  
 هذيانبي - ٤٣٠ .  
 يوسف بن يوسف - ٦٤١ .

اعتصامي (اعتصام الملك) - ۱۳ و ۱۷۷ ح.

ابن شیخ اویس چشتی ک - ۲۱۶.

بدرانی - شیخ - ۲۰۴ ح .  
- حاج شیخ (یدر مؤلف) - ۵۸۰، ۴۲۱ -  
- شیخ - ۲۴۴ ح .

عروض نیشابوری - ۴۴۵ ، ۴۴۶ ، ۴۴۸

بن مؤید (یدر نظامی) - ۵۲۵ ح .  
نجیب - ۱۴۵ .

بو سفي - ٢٠٩ .  
 مؤنس بن عبد الأعلى - أبو موسى - ٤٥٦ .

ب. مفرقه را بصورتی تنظیم خواهد نمود که در تمام تیریه و حباب دچار ناخوشی درازی گردد.

## فهرست کتب این مجلد

کتابهای راکه در این مجلد از فهرست در شش فصل معرفی کرده ایم اینک  
بترتیب حروف تهجی در اینجا مرتب نموده و عربی بودن کتابی را بدین نشانه  
(+) و ترکی بودن آنرا بدین (×) علامت و فارسی بودن هر یک را بهنداشتن چیزی  
نشان داده ایم و چون نسخه ای پیوسته یکی از این کتابها باشد و در این مجلد جای  
معرفی از آن نبوده با حروف سیاه نگاشته شده است .

|   |         |
|---|---------|
| آتشکده آذر ( تذکره ) . . . . .                                    | ۴۵۶-۴۵۲ |
| آداب المشق . . . . .  | ۴-۲     |
| + الایات الحسان المجردة من وفيات الاعیان . . . . .                | ۴۵۷-۴۵۶ |
| × اختری = لغت کبیر اختری . . . . .                                | ۲۶۴-۲۶۳ |
| + ادب الکاتب . . . . .  | ۸-۴     |
| + الاسعاف . . . . .   | ۴۵۹-۴۵۷ |
| اسکندرنامه ( یکی از کتابهای خمسه نظامی است آن کتاب دیده شود )     | ۵۲۹     |
| اشترنامه ( یکی از کتابهای خمسه حسینی است ) . . . . .              | ۵۱۲-۵۰۹ |
| + اطباق الذهب . . . . .   | ۱۱-۸    |
| + اطواق الذهب . . . . .   | ۱۴-۱۱   |
| + اغناء الادیب - شرح مغنی اللیب . . . . .                         | ۳۷۵-۳۷۳ |
| افتخار الملوك ( نام یکی از قصائد اختری است ) . . . . .            | ۵۶۱     |
| اقبال نامه ( یکی از کتابهای خمسه نظامی و جزئی از اسکندرنامه است ) | ۵۳۰     |
| + الفیه ابن مالک . . . . .  | ۳۰۶-۳۰۳ |
| القاب العروض . . . . .  | ۴۴۸     |
| امواج العباد ( نام یکی از قصائد اختری است ) . . . . .             | ۵۶۱     |

|  |         |
|--|---------|
| انجمن خاقان  | ۴۵۹-۴۶۱ |
| + الانموذج == موجز البیان (رساله در معانی و بیان و بدیع)       | ۴۱۵-۴۱۶ |
| + انوار الربیع   | ۴۰۱-۴۰۲ |
| انوار العیون (نام یکی از قصائد اظهري است)                      | ۵۶۱     |
| انیس العارفین (پیوسته دیوان قاسم انوار شماره ۲۶۶ کتابخانه است) | ۴۵۳-۴۵۶ |
| انیس العشاق (پیوسته شماره ۳۸۱ کتابخانه است)                    | ۶۳۴     |
| + اوضح المسالك (شرح الفیه ابن مالک) = التوضیح                  | ۳۰۶-۳۰۸ |

## ب

|                                    |         |
|------------------------------------|---------|
| بدایع الاسحار                      | ۴۴۸     |
| بدایع اللغه                        | ۱۶۰-۱۶۱ |
| برهان قاطع                         | ۱۶۱-۱۶۵ |
| بزم خاقان == تذکره السلاطین        | ۴۷۷-۴۷۹ |
| بزرنگ و باده                       | ۶۴۶-۶۴۸ |
| + البهجة المرضیة (شرح الفیه سیوطی) | ۳۳۷-۳۴۱ |

## ت

|  |         |
|--|---------|
| تحفة الاغنیاء (نام یکی از قصائد اظهري است)   | ۵۶۱     |
| تحفة الخیال (» » » » )   | ۵۶۱     |
| تحفة سامی (تذکره شعراست)   | ۴۶۱-۴۶۳ |
| تحفة الشعراء   | ۴۴۹     |
| تحفة الصخر (یکی از دیوانهای امیر خسرو است)   | ۵۹۱-۵۹۲ |
| تحفة العراقین  | ۴۶۳-۴۶۹ |
| تحفة الغریب = شرح مغنی اللیب   | ۳۷۵-۳۷۸ |
| تذکره الاولیاء = مقامات العارفین (پیوسته دیوان قاسم انوار شماره ۲۶۶ کتابخانه میباشد) | ۶۵۳-۶۵۶ |
| تذکره السلاطین بزم خاقان   | ۴۷۷-۴۷۹ |

|         |   |
|---------|---|
| ۳۲-۲۸   | تذکره الشباب = سفینه الانشاء                                |
| ۴۷۲-۴۶۹ | تذکره اسحق  |
| ۴۷۳-۴۷۲ | × تذکره حسن چلبی = تذکره قتالی زاده                         |
| ۴۷۵-۴۷۳ | تذکره خوشگو = سفینه خوشگو                                   |
| ۴۷۷-۴۷۵ | تذکره دولتشاه سمرقندی ( تذکره الشعراء )                     |
| ۴۷۳-۴۷۲ | × تذکره قتالی زاده = تذکره حسن چلبی                         |
| ۴۸۲-۴۷۹ | تذکره نصرت = خلاصه لطائف الخيال                             |
| ۴۸۶-۴۸۲ | تذکره هفت اقلیم   |
| ۶۹۵     | ترجمه خطبة البيان ( از نورعلی شاه و پیوسته دیوان اوست )     |
| ۱۶-۱۴   | ترجمه عهدنامه مالک اشتر ( یا شرح آن )                       |
| ۱۷-۱۶   | ترجمه نهج البلاغه ( شرح ملافتح الله کاشانی ) تنبيه الغافلین |
| ۱۹-۱۷   | ترجمه نهج البلاغه ( شرح محمد باقر لاهیجی )                  |
| ۳۱۴-۳۱۳ | + ترکیب الفیه = تمرین الطلاب                                |
| ۵۷۹     | ترکیب بند جامی ( قسمتی از دیوان اوست )                      |
| ۳۰۹-۳۰۸ | + ترکیب کافیه   |
| ۴۴۰     | توزوگ تیهوری ( پیوسته شماره ۱۵۰۲ کتابخانه است )             |
| ۳۱۲-۳۰۹ | + التصريح بمضمون التوضيح ( شرح اوضح المسالك )               |
| ۳۱۳-۳۱۲ | + تصريف - العزى فى التصريف                                  |
| ۴۵۰     | + تقریرات شریف العلما ؟                                     |
| ۴۱۶     | + تلخیص المفتاح ( بمناسبت شروع آن بمعرفی آن پرداخته شده )   |
| ۵۴۶-۵۴۲ | تمرنامه = ظفرنامه هاتفی ( یکی از کتابهای خمسة هاتفی است )   |
| ۳۱۴-۳۱۳ | + تمرین الطلاب ( ترکیب الفیه ابن مالک )                     |
| ۱۶۶     | + تنقیح الصباح  |
| ۱۷-۱۶   | تنبيه الغافلین ( ترجمه یا شرح نهج البلاغه )                 |
| ۳۰۸-۳۰۶ | + التوضيح - اوضح المسالك                                    |

+ تهذیب اللغة . . . . . ۱۷۳-۱۶۶

### ث

ثمره الحجاب ( یکی از بخشهای دیوان یا کلیات تأثیر است ) . . . ۵۷۴

### ج

جام جم اوحدی . . . . . ۴۸۹-۴۸۶  
 جامع الاسرار ( از نورعلیشاه و نظیر گلستان میباشد و پیوسته بنسخه‌ای  
 از جنات الوصال است ) . . . . . ۴۸۹  
 الجمّل جر جانیه - . . . . . ۳۱۶-۳۱۴  
 - الجموع والمصادر . . . . . ۳۱۷-۳۱۶  
 جنّات الوصال . . . . . ۴۹۲-۴۸۹  
 - الجوهره الثانیه فی اعار یض الشعر . . . . . ۴۳۷-۴۳۶  
 جهان‌نما ( یکی از بخشهای دیوان یا کلیات تأثیر است ) . . . ۵۷۴

### ح

حاشیه بر حاشیه خطائی بر مختصر ( حامد ) . . . . . ۴۰۶-۴۰۵  
 « « « « ( ملا عبدالله یزدی ) . . . . . ۴۱۳-۴۱۱  
 « « « « حاشیه میرزا ابوطالب ) . . . . . ۳۳۰-۳۲۹  
 « « « « تصریف - دده جنگی . . . . . ۳۲۰-۳۱۷  
 « « « « جامی ( عصام اسفراینی ) . . . . . ۳۲۱-۳۲۰  
 « « « « ( عبد الغفور ) . . . . . ۳۲۴-۳۲۳  
 « « « « ( سید نعمت الله جزائری ) . . . . . ۳۲۷-۳۲۴  
 « « « « سمر قندیه ( زیباری ) . . . . . ۴۱۰-۴۰۹  
 « « « « کافیّه ( ابی وردی ) . . . . . ۳۳۹-۳۲۷



- + حاشیه بر مختصر تفتنازانی (خطائی یا خطابی) . . . . . ۴۰۶-۴۰۹
- + « بر مطلول » (چلبی) . . . . . ۴۰۲-۴۰۵
- + « » « (سمرقندی) . . . . . ۴۱۰-۴۱۱
- + « » « (میرسید شریف) . . . . . ۴۱۳-۴۱۴
- حاشیه میرزا ابوطالب (حاشیه بر شرح الفیه سیوطی) . . . . . ۳۲۹-۳۳۰
- + حاشیه بر هدایه اثیری (مصلح الدین لاری) [پیوسته بکتاب شماره ۳۱۶۲ کتابخانه است] . . . . . ۳۹۲
- حدائق الحقائق (شرف رامی) . . . . . ۴۳۷-۴۳۹
- + « » (شرح نهج البلاغه گلستانه) . . . . . ۶۰-۶۲
- حدائق السحر فی دقائق الشعر . . . . . ۴۳۹-۴۴۰
- + الحدائق النديه (شرح صمدیه کبیر سید علیخان) . . . . . ۳۵۳-۳۵۶
- حذیقہ الحقیقہ = حذیقہ سنائی - فخری نامه . . . . . ۴۹۳-۵۰۰
- حسن اتفاق (بخش از دیوان یا کلیات تأثیر است) . . . . . ۵۷۴
- + حلیة الکمیت . . . . . ۵۰۰-۵۰۲
- × حیرت الابرار (یکی از کتابهای خمسة نوائی است) . . . . . ۵۴۰

## خ

- ختم الغرائب . . . . . ۵۰۲-۵۰۳
- خرد نامه اسکندری - اقبال نامه (یکی از کتابهای خمسة نظامی است) . . . . . ۵۳۰
- + خریده القصر و جریده اهل العصر . . . . . ۵۰۴-۵۰۹
- خسر و شیرین عرفی (پیوسته دیوان عرفی است دیوان وی دیده شود) . . . . . ۶۳۷-۶۴۱
- « » (یکی از کتابهای خمسة نظامی است) . . . . . ۵۲۸
- الخلاص = دستور اللغة نظری . . . . . ۱۷۶-۱۸۰
- خلاصة عباسی . . . . . ۱۷۳-۱۷۶
- خمسہ حسینی (از این کتاب در این کتابخانه فقط اشتر نامه و واق و عذر امید باشد) ۵۰۹-۵۱۲

- ۵۱۶-۵۱۲ . . . . . خنمه خواجو  
 ۵۲۰-۵۱۶ » دهلوی - امیر خسرو ( فقط هشت بهشت آن در این کتابخانه است )  
 ۵۲۴-۵۲۰ » فیضی ( نل دمن و مرکز ادوار ) . . . . .  
 ۵۲۸-۵۲۴ » نظامی . . . . .  
 ۵۴۱-۵۳۸ X » نوائی . . . . .  
 ۵۴۶-۵۴۲ » هاتفی ( لیلی مجنون ، هفت منظر و تمرنامه یا ظفرنامه ) . . .  
 ۶۳۱ خوان خلیل ظهوری ( پیوسته کتاب شماره ۳۸۲ کتابخانه است ) .

د

- ۳۲۰-۳۱۷ . . . . . دوده جنگی ( حاشیه بر شرح تصریف )  
 ۲۱-۱۹ . . . . . درة الغواص فی اوهام الخواص  
 ۶۲۱-۶۲۰ . . . . . الدرّة الغرویه ( دیوان سید صالح قزوینی )  
 ۲۴-۲۱ . . . . . دستور الکاتب فی تعیین المراتب  
 ۱۸۰-۱۷۶ . . . . . دستور اللغة نظری = الخلاص  
 ۵۷۴ . . . . . دعوت العاشقین ( بخشی از دیوان یا کلیات تأثیر است )  
 ۲۶۱-۲۵۹ . . . . . دقائق الحقائق ( لغت فارسی بترکی )  
 ۶۳۱ دیبچه نورس ظهوری ( پیوسته به کتاب شماره ۳۸۲ کتابخانه است )  
 ۵۴۸-۵۴۶ . . . . . دیوان ابن التماویذی  
 ۵۵۰-۵۴۸ » ابن خفاجه . . . . .  
 ۵۵۲-۵۵۰ » ابن فارض . . . . .  
 ۵۵۴-۵۵۲ . . . . . ابوتمام طائی  
 ۱۸۵-۱۸۰ . . . . . دیوان الادب  
 ۵۵۷-۵۵۴ . . . . . دیوان ادیب صابر  
 ۵۵۸-۵۵۷ » ازرقی هروی . . . . .  
 ۵۶۰-۵۵۸ » اسیری لاهیجی . . . . .  
 ۵۶۴-۵۶۱ » اظهیری . . . . .

- دیوان انوری . . . . . ۵۶۹-۵۶۴
- » اهلی خراسانی . . . . . ۵۷۱-۵۶۹
- » بیدل (عبدالقادر) . . . . . ۵۷۲-۵۷۱
- » تأثیر = کلیات تأثیر . . . . . ۵۷۵-۵۷۳
- » ثنائی مشهدی (خواجه حسین) . . . . . ۵۷۷-۵۷۵
- » جامی . . . . . ۵۷۹-۵۷۷
- » حافظ شیرازی . . . . . ۵۸۵-۵۷۹
- +» حسان بن ثابت . . . . . ۵۸۶-۵۸۵
- » حسن دهلوی . . . . . ۵۸۸-۵۸۶
- » حسن غزنوی . . . . . ۵۹۰-۵۸۸
- » خاقانی شیروانی . . . . . ۵۹۱-۵۹۰
- » امیر خسرو دهلوی = تحفة الصغر . . . . . ۵۹۳-۵۹۱
- » » » غرة الکمال . . . . . ۵۹۵-۵۹۳
- » داود (محمد داود اصفهانی صفوی) . . . . . ۵۹۸-۵۹۵
- +» ذوالرّمه . . . . . ۶۰۰-۵۹۸
- » رشید و طواط . . . . . ۶۰۱-۶۰۰
- » رودکی . . . . . ۶۰۴-۶۰۲
- » سحاب (سید محمد پسر هاتف) . . . . . ۶۰۶-۶۰۴
- » سلمان ساوجی . . . . . ۶۰۸-۶۰۶
- » سنائی (مجدود بن آدم غزنوی) . . . . . ۶۰۹-۶۰۸
- » سوزنی . . . . . ۶۱۱-۶۰۹
- » سیف اسفرنگ . . . . . ۶۱۴-۶۱۲
- » شادان . . . . . ۶۱۶-۶۱۴
- » شاهی = امیر شاهی سبزواری . . . . . ۶۱۸-۶۱۶
- » شریف تبریزی . . . . . ۶۱۹-۶۱۸

|   |         |
|---|---------|
| دیوان شهاب اصفهانی . . . . .              | ۶۱۹-۶۲۰ |
| » سید صالح قزوینی الدرر الغریبه . . . . . | ۶۲۰-۶۲۱ |
| » صائب تبریزی . . . . .                   | ۶۲۲-۶۲۴ |
| » صاحب علی آبادی . . . . .                | ۶۲۴-۶۲۵ |
| » صبا (ملک الشعرا فتحعلیخان) . . . . .    | ۶۲۶-۶۲۷ |
| » صهیبا . . . . .                         | ۶۲۷     |
| » طالب آملی . . . . .                     | ۶۲۸     |
| » طوفان هزار بحرین . . . . .              | ۶۲۹-۶۳۰ |
| » (کلیات) ظهوری . . . . .                 | ۶۳۰-۶۳۱ |
| » ظهیر فاریابی . . . . .                  | ۶۳۱-۶۳۵ |
| » عبدالعزیز درویش . . . . .               | ۶۳۵-۶۳۶ |
| » عبدالواسع جبلی . . . . .                | ۶۳۶-۶۳۷ |
| » (کلیات) عرفی . . . . .                  | ۶۳۷-۶۴۱ |
| » علی نقی کمره‌ای . . . . .               | ۶۴۱-۶۴۲ |
| » محمد فقیه . . . . .                     | ۶۴۳-۶۴۴ |
| » شادری . . . . .                         | ۶۴۴-۶۴۵ |
| » فضل‌ولی بغدادی . . . . .                | ۶۴۶-۶۴۸ |
| » فغانی (بابا فغانی) شیروانی . . . . .    | ۶۴۸-۶۵۱ |
| » فیض کاشانی . . . . .                    | ۶۵۱-۶۵۲ |
| » فیض همدی . . . . .                      | ۶۵۲-۶۵۳ |
| » (کلیات) قاسم انوار (قاسمی) . . . . .    | ۶۵۳-۶۵۶ |
| » قطب‌الدین حیدر . . . . .                | ۶۵۶-۶۵۷ |
| » قطران تبریزی . . . . .                  | ۶۵۷-۶۵۸ |
| » کاتبی . . . . .                         | ۶۵۹     |
| » کلیم کاشانی . . . . .                   | ۶۵۹-۵۶۰ |

|         |                                |       |
|---------|--------------------------------|-------|
| ۶۶۳-۶۶۱ | دیوان کمال اسمعیل اصفهانی      | ..... |
| ۶۶۵-۶۶۳ | » کمال خجندی                   | ..... |
| ۶۶۷-۶۶۶ | » لسانی شیرازی                 | ..... |
| ۶۶۸-۶۶۷ | » لطفی                         | ..... |
| ۶۶۹-۶۶۸ | » متنبی                        | ..... |
| ۶۷۱-۶۷۰ | » محمدالدین ساوجی              | ..... |
| ۶۷۲-۶۷۱ | » مجمر                         | ..... |
| ۶۷۴-۶۷۲ | » غمتاری                       | ..... |
| ۶۷۶-۶۷۵ | » غمور                         | ..... |
| ۶۷۸-۶۷۶ | » مسعود سعد سلمان              | ..... |
| ۶۷۹     | » مشتاق                        | ..... |
| ۶۸۱-۶۸۰ | » امیر معزی                    | ..... |
| ۶۸۳-۶۸۱ | » مغربی                        | ..... |
| ۶۸۴-۶۸۳ | » ملک قمی                      | ..... |
| ۶۸۶-۶۸۴ | » منوچهری دامغانی              | ..... |
| ۶۸۸-۶۸۶ | » ناصر خسرو                    | ..... |
| ۶۸۹-۶۸۸ | » نظام استرآبادی (نظام معنائی) | ..... |
| ۶۹۱-۶۸۹ | » نظیری نیشابوری               | ..... |
| ۶۹۴-۶۹۱ | » نوائی (نوادرالشباب)          | ..... |
| ۶۹۵-۶۹۴ | »                              | ..... |
| ۶۹۶-۶۹۵ | » نورعلیشاه                    | ..... |
| ۶۹۷-۶۹۶ | » واله اصفهانی                 | ..... |
| ۶۹۹-۶۹۷ | » وحشی کرمانی                  | ..... |
| ۷۰۲-۶۹۹ | » وحید قزوینی                  | ..... |
| ۷۰۳-۷۰۲ | » ولی دشت بیاضی                | ..... |

- دیوان هاتف اصفهانی . . . . . ۷۰۳-۷۰۴  
 « همایون اسفراینی . . . . . ۷۰۴-۷۰۵

ر

- رباعیات خیام (پیوسته شماره ۱۹۹ کتابخانه است) . . . . . ۵۸۲  
 رساله در الفاظ مفرده . . . . . ۱۸۶  
 « « « « و مرکبه . . . . . ۱۸۶-۱۸۷  
 رساله در شرح حال ناصر خسرو (پیوسته کتاب شماره ۱۹۲ کتابخانه است) ۶۸۷  
 رساله در لغات جغتائی نوائی (پیوسته کتاب شماره ۳۹۷ کتابخانه است) ۶۹۳  
 رساله در بحاز واستعاره . . . . . ۴۱۵-۴۱۴  
 رساله در محل اعراب جمله (پیوسته کتاب شماره ۳۱۵۰ کتابخانه است) ۳۹۸  
 رساله در معرفت تقویم (پیوسته کتاب شماره ۱۰۰ کتابخانه است) . . . . . ۲۶۸  
 رساله در معانی و بیان و بدیع = الانموزج = موجز الی بیان . . . . . ۴۱۵-۴۱۶  
 رساله نفسیه عرفی (پیوسته دیوان شماره ۲۹۷ و ۲۹۷ این کتابخانه است) ۳۹۹  
 رسم الخط آخوند زاده . . . . . ۲۸-۲۴  
 رموز العاشقین (ترکیب بند تأثیر و جزء دیوان اوست) . . . . . ۵۷۳  
 روضه التوار (یکی از کتابهای خسه خواجو است) . . . . . ۵۱۶-۵۱۲

ز

- زبور العاشقین (مثنوی محمد داود و پیوسته دیوان اوست) . . . . . ۵۹۸

س

- ساقی نامه ظهوری (پیوسته دیوان ظهوری شماره ۳۸۲ کتابخانه است) . . . ۶۲۰  
 سبحة الالات (مقاله‌ای از تحفة العراقین است) . . . . . ۴۶۲  
 سبعة سیاره (نام یکی از کتابهای خسه نوائی است) . . . . . ۵۴۰

- ۵۴۰ . . . . . (نام یکی از کتابهای خمسة نوائی است)
- ۳۲-۲۸ . . . . . سفینه الانشاء ( تذکرة الشباب )
- ۴۷۵-۴۷۳ . . . . . سفینه خوشگو ( تذکره خوشگو )
- ۴۴۷ . . . . . + سلوة الشیعه
- ۵۶۲ . . . . . سويداء الضمير ( نام یکی از قصائد اظهري است )

### ش

- ۳۳۲-۳۳۰ . . . . . + شافیه ابن حاجب
- ۴۶۲ . . . . . شبستان خیال فتاحی ( پیوسته کتاب شماره ۲۷۲ این کتابخانه است )
- ۳۳۳-۳۳۲ . . . . . + شرح الاعراب عن قواعد الاعراب ( موصل الطلاب )
- ۳۳۵-۳۳۳ . . . . . + شرح الفیه ( شرح ابن عقیل )
- ۳۳۷-۳۳۵ . . . . . + » » ( شرح ابن ناظم )
- ۳۴۱-۳۳۷ . . . . . + » » ( شرح سیوطی : البهجة المرضیه )
- ۳۴۲-۳۴۱ . . . . . » » ( توسرکانی )
- ۳۴۳-۳۴۲ . . . . . » » ( ترجمه الفیه )
- ۳۴۴-۳۴۳ . . . . . + شرح انموزج
- ۳۱۲-۳۰۹ . . . . . + شرح اوضح المسالك ( التصريح بمضمون التوضیح )
- ۳۴۶-۳۴۴ . . . . . + » » تصرف
- ۴۲۰-۴۱۶ . . . . . + » » تلخیص المفتاح ( مختصر )
- ۴۲۳-۴۲۰ . . . . . + » » » ( مطول )
- ۳۶۰-۳۵۷ . . . . . + » » جامی ( شرح کافیة الفوائد الخیاتیة )
- ۳۴۸-۳۴۶ . . . . . + » » جمع الجوامع ( جمع الهوامع )
- ۳۶۳-۳۶۱ . . . . . + » » رضی ( بر کافیة است )
- ۳۷۴ . . . . . شرح زیارت رحیمیه ( پیوسته بکتاب شماره ۳۲۳۱ کتابخانه است )
- ۴۲۴-۴۲۳ . . . . . + شرح سمرقندیة
- ۳۴۹-۳۴۸ . . . . . + » » شافیه ( شرح جابریدی )
- ۳۵۲-۳۵۰ . . . . . + » » ( شرح نظام )

|         |   |
|---------|---|
| ۳۵۳-۳۵۲ | شرح شافیه (شرح محمد هادی)                               |
| ۳۵۳     | » بر شرح جامی   |
| ۴۲۶-۴۲۴ | » شرح شواهد التلخیص (معاهد التنصيص)                     |
| ۳۸۵-۳۸۴ | » شواهد سیوطی   |
| ۴۲۷-۴۲۶ | » » مطول (کمال الدین فسائی)                             |
| ۳۸۶-۳۸۵ | » » مغنی اللیب  |
| ۳۴-۳۳   | » عهد نامه مالک اشتر (ابوالحسن عاملی)                   |
| ۳۶-۳۴   | » غرر الحکم و درر الکلم                                 |
| ۳۵۴-۳۵۳ | » فوائد الصمدیه (شرح صمدیه = الحدائق النديه)            |
| ۳۵۵-۳۵۴ | » فوائد الصمدیه (شرح صمدیه = الفوائد البهیة - شرح صغیر) |
| ۳۵۶-۳۵۵ | » » » (» » = شرح عبدالعظیم)                             |
| ۳۵۷-۳۵۶ | » قطر الندی   |
| ۳۶۰-۳۵۷ | » کافیه (شرح جامی - الفوائد الضیائیة)                   |
| ۳۶۳-۳۶۱ | » » (شرح رضی)   |
| ۳۶۶-۳۶۳ | » » (شرح متوسط استرآبادی = الوافیه)                     |
| ۳۶۸-۳۶۶ | » » (شرح کیمیائی)                                       |
| ۳۷۱-۳۶۹ | » لب الالباب (العباب)                                   |
| ۳۷۲-۳۷۱ | » مرآة الزواح (المفراح)                                 |
| ۳۷۳-۳۷۲ | » المنبج (النفوس)                                       |
| ۴۲۸-۴۲۷ | » معانی و بیان و بدیع                                   |
| ۳۷۵-۳۷۳ | » مغنی الدیب (غناء الدیب)                               |
| ۳۷۸-۳۷۵ | » » (تحفة الغریب)                                       |
| ۳۸۰-۳۷۹ | » » (منهه من الدیب)                                     |
| ۳۸۲-۳۸۰ | » » (المنتف من الکلام)                                  |
| ۴۳۲-۴۲۹ | » مفتاح العلوم مفتاح المفتاح                            |



|         |       |  |
|---------|-------|--|
| ۳۸۴-۳۸۲ | ..... | + شرح مفصل زنجشیری (المحصل)                                    |
| ۳۸-۳۶   | ..... | + « مقامات حریری (شریعی)                                       |
| ۴۱-۳۹   | ..... | + « « « (مطرزی = الايضاح)                                      |
| ۱۸۹-۱۸۷ | ..... | « نصاب   |
| ۴۹-۴۱   | ..... | + « نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)                               |
| ۵۴-۴۹   | ..... | + « « « (ابن میثم)   |
| ۵۷-۵۵   | ..... | « « « (امام جمعه طهران)  |
| ۶۰-۵۷   | ..... | « « « (عزالدین آملی)   |
| ۶۳-۶۰   | ..... | + « « « (علاءالدین گلستانه)                                    |
| ۱۱۰-۱۶  | ..... | « « « (ملا فتح الله کاشی)                                      |
| ۱۹-۱۷   | ..... | « « « (محمد باقر لاهیجی)                                       |
| ۶۶-۶۳   | ..... | « « « (محمد صالح روغنی)  |
| ۵۳۰-۵۲۹ | ..... | شرفنامه (یکی از کتابهای خمسة نظامی است)                        |
| ۱۰۲-۱۸۹ | ..... | شرفنامه احمد منیری   |
| ۴۶۶     | ..... | شوارد الاوراد و خزانه الاوتاد (مقاله‌ای از تحفة العراقرین است) |
| ۶۸-۶۶   | ..... | شیخ و وزیر   |

## ص

|         |       |                                   |
|---------|-------|-----------------------------------|
| ۲۰۰-۱۹۲ | ..... | + صحاح اللغة                      |
| ۷۲-۶۸   | ..... | صد کلمه یا ترجمه مائة کلمة الجاحظ |
| ۲۰۴-۲۰۰ | ..... | + صراح اللغة = الصراح من الصحاح   |
| ۳۸۷-۳۸۶ | ..... | صرف منظوم = رساله در صرف          |
| ۳۹۰-۳۸۹ | ..... | + صمدیه = الفوائد الصمدیه         |

## ض

|         |       |                     |
|---------|-------|---------------------|
| ۳۷۳-۳۷۲ | ..... | الضوء . شرح المصباح |
|---------|-------|---------------------|

ضیاء القلب (نام یکی از قصائد اظهري است) . . . . . ۵۶۱

ط

طراز اللغة . . . . . ۲۰۹-۲۰۴

الطراز الموشى فى الانشاء . . . . . ۷۴-۷۲

ظ

ظفر نامه تمر نامه (یکى از کتابهای خمسة هاتفسى است) . . . . . ۵۴۳-۵۴۶

ع

العباب شرح لب الالباب . . . . . ۳۶۹-۳۷۱

عبرت نامه صبا (پیوسته به کتاب شماره ۴۱۱ کتابخانه است) . . . . . ۴۶۸

عرائس الفكر و مجالس الذکر (مقاله‌ای از تحفة العراقيين است) . . . . . ۴۶۶

عراضة العروضيتين . . . . . ۴۴۵-۴۴۶

عروض اندلسی . . . . . ۴۴۸

عروض محمد مؤمن حسینی . . . . . ۴۴۲-۴۴۳

عروض نجاتی الکافیة فى العروض والصنعة القافیة . . . . . ۴۴۴-۴۴۵

عروض و قافیة و حیدى تبریزی = مختصر و حیدى = جمع مختصر ۴۴۰-۴۴۲ و ۴۴۶ و ۴۴۹

العزى فى التصريف (تصريف) . . . . . ۳۱۲-۳۱۳

عقل نامه سنائی (پیوسته شماره ۳۴۷ کتابخانه است) . . . . . ۴۹۹

عهد نامه مالک اشقر (پیوسته به شماره ۳۰۸۷ کتابخانه است) . . . . . ۱۵۸

عهد نامه محمد شاه با نادر شاه (پیوسته به شماره ۳۶۸ کتابخانه است) . . . . . ۶۹۳

عوامل جرجانی العوامل المائة . . . . . ۳۸۷-۳۸۸

عوامل ملا عسکری . . . . . ۳۸۸-۳۸۹

عوامل منظوم (پیوسته به کتاب شماره ۲۷۶ کتابخانه است) . . . . . ۴۶۸

عیون الحكم و المواعظ العیون و المحاسن . . . . . ۷۴-۷۶

غ

غرة الکمال سیّدین دیوان امیر خسرو دهلوی . . . . . ۵۹۳-۵۹۵

غررالحکم و دررالکلم ..... ۷۸-۷۶

### ف

- فخرالسالکین ( نام یکی از قصائد اظهري است ) ..... ۵۶۱
- + الفرائدالبهيه ( شرح صغير صمديه ) ..... ۳۵۵-۳۵۴
- فخرى نامه = حديقه الحقيقه سنائى ..... ۵۰۰-۴۹۴
- فرهاد و شیرين ( نام یکی از کتابهای ختمه نوائى است ) ..... ۵۱۱-۵۳۸
- فرهاد و شیرين وحشى ( پيوسته شماره ۲۶۸۰ کتابخانه است ) ..... ۶۹۹
- فرهنگ بشير خانى ..... ۲۱۱-۲۰۹
- » جهانگیرى ..... ۲۱۷-۲۱۲
- » رشيدى ..... ۲۱۹-۲۱۷
- » سرورى ( مجمع الفرس ) ..... ۲۲۴-۲۱۹
- » عباسى ..... ۲۲۶-۲۲۴
- » مثنوى = لطائف اللغات ..... ۲۲۹-۲۲۶
- » ميرزا ابراهيم اصفهانى - نسخه ميرزا ..... ۲۳۲-۲۲۹
- + الفوائد الصمديه = صمديه ..... ۳۹۰-۳۸۹
- + الفوائد الضيائيه ( شرح جامى برکافيه ) ..... ۳۶۰-۳۵۷

### ق

- قافيه جامى ..... ۴۴۹
- القاموس المحيط ( قاموس فيروز آبادى ) ..... ۲۴۷-۲۳۲
- قانون الادب ..... ۲۵۰-۲۴۱
- قصيده بدرالدين خبوشانى ..... ۴۴۶
- + قصيده حرباويه ..... ۴۴۷
- قصيده همام تبريزى ..... ۴۴۷-۴۴۶
- قوافى ..... ۲۵۱-۲۵۰

ك

- کافیة ابن حجاج ..... ۳۹۰-۳۹۲  
 الکافیة فی العروض والصنعة القافیة = عروض نجاتی ..... ۴۴۴-۴۴۵  
 کمال نامه ( یکی از کتابهای خمسة خواجو است ) ..... ۵۱۵  
 کایات تأثیر - دیوان تأثیر ..... ۵۷۳-۵۷۵  
 ظهوری - دیوان ظهوری ..... ۶۳۰-۶۳۱  
 عرفی - دیوان عرفی ..... ۶۳۷-۶۴۱  
 قائم انوار - دیوان قاسم انوار ..... ۶۵۳-۶۵۶  
 کیم اللغات ..... ۶۵۱-۶۵۳

گ

- گلزار ابراهیم ( بیوسنه شماره ۳۸۲ کتابخانه است ) ..... ۶۳۱  
 سعادت ( پیوسته و جزء دیوان تأثیر است ) ..... ۵۷۴  
 شبلی ( پیوسته و جزء دیوان وحید قزوینی است ) ..... ۶۹۹  
 گهر نامه ( نام یکی از کتابهای خمسة خواجو است ) ..... ۵۱۵

ل

- لطائف اللغات فرهنگ مثنوی ..... ۲۲۶-۲۲۹  
 لعل قصص حاشیه بر عروض محمد مؤمن ..... ۴۴۳-۴۴۴  
 لغات ثلثه ترجمان معارف ..... ۲۵۴-۲۵۵  
 جویشت ..... ۲۵۵-۲۵۶  
 دساتیر ..... ۲۵۶-۲۵۷  
 راجات قزوین ..... ۲۵۷-۲۵۸  
 زان و بزانت و اوشتا ..... ۲۵۹  
 لغات فارسی و عربی ..... ۲۶۱-۲۶۳

|         |  |
|---------|--|
| ۲۶۴-۲۶۳ | لغت کبیر اخترى = اخترى                             |
| ۲۶۶-۲۶۵ | نعمت الله رومى                                     |
| ۲۶۸-۲۶۷ | لغت نوائى  |
| ۴۶۷     | لیلى و مجنون مکتبى (پیوسته شماره ۴۶۳ کتابخانه است) |
| ۵۲۸     | لیلى و مجنون (یکى از کتابهای خسه نظامى است)        |
| ۵۴۰     | » » » (نوائى است)                                  |
| ۵۴۲     | » » » (هاتفى است)                                  |

م

|         |  |
|---------|--|
| ۸۱-۷۸   | + مائة كلمة الجاحظ                                 |
| ۲۶۹-۲۶۸ | مبانى اللغة = مقدمه سنگلاخ                         |
| ۲۷۱-۲۶۹ | مثلثات قطرب (ترجمه فارسى)                          |
| ۲۷۲-۲۷۱ | مثلث منظوم   |
| ۶۹۹     | مثنوى در تعريف نرد (جزء ديوان وحيد است)            |
| ۶۹۹     | » در ذكر ومعرفى ادوات جنگ (جزء ديوان وحيد است)     |
| ۶۹۹     | » در وصف همايون تپه (جزء ديوان وحيد است)           |
| ۲۶۸     | محاسن النفائس (پیوسته کتاب شماره ۱۰۰ کتابخانه است) |
| ۶۳۹     | مجمع الابكار (مثنوى عرفى و جزء ديوان اوست)         |
| ۲۷۸-۲۷۲ | + مجمع البحرين طريحي                               |
| ۲۲۴-۲۱۹ | مجمع الفرس (فرهنگ سرورى)                           |
| ۴۴۹-۴۴۴ | مجموعه عروض و غيره                                 |
| ۴۵۰-۴۴۹ | » » وقافيه   |
| ۳۸۴-۳۸۲ | + المحصل - شرح مفصل زغشرى                          |
| ۲۷۹-۲۷۸ | + مختار الصحاح                                     |
| ۴۲۰-۴۶۱ | + مختصر تفتازانى (شرح تلخيص المفتاح)               |
| ۸۵-۸۱   | + مختصر تقويم اللسان                               |
| ۲۸۲-۲۷۹ | + مختصر الصحاح                                     |

|  |         |
|--|---------|
| مختصر وحیدی = عروض وقافیه وحیدی تبریزی = جمع مختصر ۴۴۰-۴۴۲ و ۴۴۶ و ۴۴۹ |         |
| غزن الاسرار ( یکی از کتابهای خسه نظامی است )                           | ۵۲۷-۵۲۸ |
| مراح الارواح   | ۳۹۳-۳۹۴ |
| مرکز ادوار ( یکی از کتابهای خسه فیضی است )                             | ۵۲۳     |
| المصادر زوزنی  | ۲۸۲-۲۸۵ |
| مصادر مخالف قیاس   | ۴۴۶     |
| مصباح السالکین ( شرح نهج البلاغه ابن میثم )                            | ۴۹-۵۴   |
| مطلع   | ۴۵۰-۴۵۱ |
| مطلول ( شرح تلخیص المفتاح )  | ۴۲۰-۴۲۳ |
| معاهد التنصيص ( شرح شواهد التلخیص )                                    | ۴۲۴-۴۲۶ |
| معراج العقول و منهاج الفحول ( مقاله ای از تحفة العراقرین است )         | ۴۶۶     |
| مغنی اللیب عن کتب الاعاریب   | ۳۹۴-۳۹۷ |
| مفتاح المفتاح شرح مفتاح العلوم   | ۴۲۹-۴۳۲ |
| المفراح شرح مراح الارواح   | ۳۷۱-۳۷۲ |
| مفضل زنجشیری   | ۳۹۷-۳۹۸ |
| مقامات بدیع الزمان همدانی  | ۸۵-۹۰   |
| حریری  | ۹۰-۹۳   |
| حمیدی  | ۹۳-۹۶   |
| مقامات المعارفین تذکرة الاولیا ( پیوسته دیوان قاسم انوار است )         | ۶۵۳-۶۵۶ |
| مقائیس اللغة   | ۲۸۵-۲۹۳ |
| المقدمة الجزریة ( پیوسته به شماره ۳۱۸۹ کتابخانه است )                  | ۳۰۸     |
| مکتوب آخوند زاده   | ۹۶-۹۷   |
| مکتوب امیر علیشیر نوائی به سلطان حسین میرزا ( پیوسته شماره ۳۶۸         |         |
| کتابخانه است )   | ۶۹۲     |
| مکتوب سلطان حسین میرزا در جواب امیر علیشیر پیوسته شماره ۳۶۸            |         |
| کتابخانه است )   | ۶۹۲     |

- مکتوب سنائی به بهرامشاه (پیوسته شماره ۳۴۵ کتابخانه است) . . . ۵۰۰
- مکتوب ظهوری (پیوسته شماره ۳۸۲ کتابخانه است) . . . . . ۶۳۱
- مکتوب « به فیضی (پیوسته شماره ۳۸۲ کتابخانه است) . . . ۶۳۱
- مکتوب کمال الدین اسمعیل (پیوسته شماره ۲۶۵ کتابخانه است) . . ۶۶۳
- مکتوب مرتضی قلی خان . . . . . ۹۹-۹۸
- مکتوب میرزا مهدیخان نادری (پیوسته شماره ۲۷۴۳ کتابخانه است) ۶۲۹
- ملحقات برهان قاطع (پیوسته شماره ۶۹ کتابخانه است) . . . ۱۶۵
- مناظر الانشاء . . . . . ۱۰۲-۹۹
- + منتخب شرح شواهد سیوطی . . . . . ۳۹۹-۳۹۸
- منتخب اللغات شاهجهانی . . . . . ۲۹۴-۲۹۳
- منتخب النفائس (نام یکی از قصائد اظهري است) . . . . ۵۶۱
- + منتهی امل الادیب = شرح مغنی الملیب . . . . . ۳۸۰-۳۷۹
- + المصنف من الکلام علی مغنی ابن هشام شرح مغنی الملیب . . . ۳۸۲-۳۸۰
- + منظومه ابن شحنه در معانی و بیان و بدیع . . . . . ۴۳۴-۴۳۲
- منهاج المعراج = معراج نامه (جزء دیوان تأثیر است) . . . ۵۷۳
- + مؤلفات سماعی ابن حاجب (پیوسته شماره ۲۹۵۳، ۳۱۵۵ کتابخانه است) . ۴۱۹ و ۳۶۰
- + موصل الطلاب (شرح الاعراب عن قواعد الاعراب) . . . . ۳۲۳-۳۲۲
- مذهب الاسماء . . . . . ۲۹۷-۲۹۴
- + میزان البلاغه و بیان الرشاقه . . . . . ۴۳۵-۴۳۲
- میمنت نامه (جزء دیوان تأثیر است) . . . . . ۵۷۴

## ن

- + نثر الآلی . . . . . ۱۰۴-۱۰۲
- نسخه میرزا = فرهنگ میرزا ابراهیم اصفهانی . . . . . ۲۳۲-۲۲۹
- + نصائح حضرت امیرم . . . . . ۱۰۵-۱۰۴
- نظم الغرر و نضد الدرر . . . . . ۱۱۲-۱۰۵

|   |         |
|---|---------|
| نکات بیدل ( پیوسته دیوان بیدل است )         | ۵۷۲     |
| نل و دمن ( یکی از کتابهای خمسة فیضی است )   | ۵۲۲     |
| نمکدان دین ( نام یکی از قصائد محمد داودست ) | ۵۹۸     |
| النهایه فی غریب الحدیث والخبر               | ۳۰۲-۲۹۷ |
| نهج البلاغه                                 | ۱۵۹-۱۱۳ |

و

|   |         |
|---|---------|
| واجب الحفظ ( جزء دیوان صائب است )             | ۵۲۴-۵۲۳ |
| الوافیه ( شرح مقبوله استرآبادی برکافیه )      | ۳۶۶-۳۶۳ |
| واقف و عذرا ( یکی از کتابهای خمسة حسینی است ) | ۵۱۲-۵۰۹ |
| وزد القیام ( نام یکی از قصائد اظهري است )     | ۵۶۱     |

ه

|   |         |
|---|---------|
| هسایه المیهندی "الی الهادی" ( مقاله ای از تحفة العراقین است ) | ۴۶۶     |
| هشت بهشت ( نام یکی از کتابهای خمسة دهلوی است )                | ۵۲۰-۵۱۶ |
| هفت اقلیم ( نام یکی از قصائد اقلیم )                          | ۴۸۶-۴۸۲ |

ی

|                     |         |
|---------------------|---------|
| یانیه ابن کمال پاشا | ۴۰۰-۳۹۹ |
|---------------------|---------|



در روز شنبه اول مهر ماه سال یکهزار و سیصد و هیجده خورشیدی برابر یازدهم ذیقعده الحرام یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری قمری در چاپخانه مجلس شورای ملی ایران چاپ گردید .







## فهرست

بد بخانه یا کوشش زیاد مؤلف و مصحح باز هم نشد کتاب بی غلط بیرون آید،  
از خوانندگان خواستار است که پیش از خواندن کتاب را تصحیح و چون جز اینها نیز  
کلمه یا جمله ای نادرست یا بیست بدرست کردن آن مبادرت فرمایند.

| صفحه | موضوع | موضوع | صفحه | موضوع | موضوع |
|------|-------|-------|------|-------|-------|
| ۱۳   | ۴     | ۱۶    | ۴    | ۱۶    | ۴     |
| ۱۷   | ۵     | ۱۷    | ۵    | ۱۷    | ۵     |
| ۲۰   | ۶     | ۲۰    | ۶    | ۲۰    | ۶     |
| ۲۱   | ۷     | ۲۱    | ۷    | ۲۱    | ۷     |
| ۲۲   | ۸     | ۲۲    | ۸    | ۲۲    | ۸     |
| ۲۳   | ۹     | ۲۳    | ۹    | ۲۳    | ۹     |
| ۲۴   | ۱۰    | ۲۴    | ۱۰   | ۲۴    | ۱۰    |
| ۲۵   | ۱۱    | ۲۵    | ۱۱   | ۲۵    | ۱۱    |
| ۲۶   | ۱۲    | ۲۶    | ۱۲   | ۲۶    | ۱۲    |
| ۲۷   | ۱۳    | ۲۷    | ۱۳   | ۲۷    | ۱۳    |
| ۲۸   | ۱۴    | ۲۸    | ۱۴   | ۲۸    | ۱۴    |
| ۲۹   | ۱۵    | ۲۹    | ۱۵   | ۲۹    | ۱۵    |
| ۳۰   | ۱۶    | ۳۰    | ۱۶   | ۳۰    | ۱۶    |
| ۳۱   | ۱۷    | ۳۱    | ۱۷   | ۳۱    | ۱۷    |
| ۳۲   | ۱۸    | ۳۲    | ۱۸   | ۳۲    | ۱۸    |
| ۳۳   | ۱۹    | ۳۳    | ۱۹   | ۳۳    | ۱۹    |
| ۳۴   | ۲۰    | ۳۴    | ۲۰   | ۳۴    | ۲۰    |
| ۳۵   | ۲۱    | ۳۵    | ۲۱   | ۳۵    | ۲۱    |
| ۳۶   | ۲۲    | ۳۶    | ۲۲   | ۳۶    | ۲۲    |
| ۳۷   | ۲۳    | ۳۷    | ۲۳   | ۳۷    | ۲۳    |
| ۳۸   | ۲۴    | ۳۸    | ۲۴   | ۳۸    | ۲۴    |
| ۳۹   | ۲۵    | ۳۹    | ۲۵   | ۳۹    | ۲۵    |
| ۴۰   | ۲۶    | ۴۰    | ۲۶   | ۴۰    | ۲۶    |
| ۴۱   | ۲۷    | ۴۱    | ۲۷   | ۴۱    | ۲۷    |
| ۴۲   | ۲۸    | ۴۲    | ۲۸   | ۴۲    | ۲۸    |
| ۴۳   | ۲۹    | ۴۳    | ۲۹   | ۴۳    | ۲۹    |
| ۴۴   | ۳۰    | ۴۴    | ۳۰   | ۴۴    | ۳۰    |
| ۴۵   | ۳۱    | ۴۵    | ۳۱   | ۴۵    | ۳۱    |
| ۴۶   | ۳۲    | ۴۶    | ۳۲   | ۴۶    | ۳۲    |
| ۴۷   | ۳۳    | ۴۷    | ۳۳   | ۴۷    | ۳۳    |
| ۴۸   | ۳۴    | ۴۸    | ۳۴   | ۴۸    | ۳۴    |
| ۴۹   | ۳۵    | ۴۹    | ۳۵   | ۴۹    | ۳۵    |
| ۵۰   | ۳۶    | ۵۰    | ۳۶   | ۵۰    | ۳۶    |
| ۵۱   | ۳۷    | ۵۱    | ۳۷   | ۵۱    | ۳۷    |
| ۵۲   | ۳۸    | ۵۲    | ۳۸   | ۵۲    | ۳۸    |
| ۵۳   | ۳۹    | ۵۳    | ۳۹   | ۵۳    | ۳۹    |
| ۵۴   | ۴۰    | ۵۴    | ۴۰   | ۵۴    | ۴۰    |
| ۵۵   | ۴۱    | ۵۵    | ۴۱   | ۵۵    | ۴۱    |
| ۵۶   | ۴۲    | ۵۶    | ۴۲   | ۵۶    | ۴۲    |
| ۵۷   | ۴۳    | ۵۷    | ۴۳   | ۵۷    | ۴۳    |
| ۵۸   | ۴۴    | ۵۸    | ۴۴   | ۵۸    | ۴۴    |
| ۵۹   | ۴۵    | ۵۹    | ۴۵   | ۵۹    | ۴۵    |
| ۶۰   | ۴۶    | ۶۰    | ۴۶   | ۶۰    | ۴۶    |
| ۶۱   | ۴۷    | ۶۱    | ۴۷   | ۶۱    | ۴۷    |
| ۶۲   | ۴۸    | ۶۲    | ۴۸   | ۶۲    | ۴۸    |
| ۶۳   | ۴۹    | ۶۳    | ۴۹   | ۶۳    | ۴۹    |
| ۶۴   | ۵۰    | ۶۴    | ۵۰   | ۶۴    | ۵۰    |
| ۶۵   | ۵۱    | ۶۵    | ۵۱   | ۶۵    | ۵۱    |
| ۶۶   | ۵۲    | ۶۶    | ۵۲   | ۶۶    | ۵۲    |
| ۶۷   | ۵۳    | ۶۷    | ۵۳   | ۶۷    | ۵۳    |
| ۶۸   | ۵۴    | ۶۸    | ۵۴   | ۶۸    | ۵۴    |
| ۶۹   | ۵۵    | ۶۹    | ۵۵   | ۶۹    | ۵۵    |
| ۷۰   | ۵۶    | ۷۰    | ۵۶   | ۷۰    | ۵۶    |
| ۷۱   | ۵۷    | ۷۱    | ۵۷   | ۷۱    | ۵۷    |
| ۷۲   | ۵۸    | ۷۲    | ۵۸   | ۷۲    | ۵۸    |
| ۷۳   | ۵۹    | ۷۳    | ۵۹   | ۷۳    | ۵۹    |
| ۷۴   | ۶۰    | ۷۴    | ۶۰   | ۷۴    | ۶۰    |
| ۷۵   | ۶۱    | ۷۵    | ۶۱   | ۷۵    | ۶۱    |
| ۷۶   | ۶۲    | ۷۶    | ۶۲   | ۷۶    | ۶۲    |
| ۷۷   | ۶۳    | ۷۷    | ۶۳   | ۷۷    | ۶۳    |
| ۷۸   | ۶۴    | ۷۸    | ۶۴   | ۷۸    | ۶۴    |
| ۷۹   | ۶۵    | ۷۹    | ۶۵   | ۷۹    | ۶۵    |
| ۸۰   | ۶۶    | ۸۰    | ۶۶   | ۸۰    | ۶۶    |
| ۸۱   | ۶۷    | ۸۱    | ۶۷   | ۸۱    | ۶۷    |
| ۸۲   | ۶۸    | ۸۲    | ۶۸   | ۸۲    | ۶۸    |
| ۸۳   | ۶۹    | ۸۳    | ۶۹   | ۸۳    | ۶۹    |
| ۸۴   | ۷۰    | ۸۴    | ۷۰   | ۸۴    | ۷۰    |
| ۸۵   | ۷۱    | ۸۵    | ۷۱   | ۸۵    | ۷۱    |
| ۸۶   | ۷۲    | ۸۶    | ۷۲   | ۸۶    | ۷۲    |
| ۸۷   | ۷۳    | ۸۷    | ۷۳   | ۸۷    | ۷۳    |
| ۸۸   | ۷۴    | ۸۸    | ۷۴   | ۸۸    | ۷۴    |
| ۸۹   | ۷۵    | ۸۹    | ۷۵   | ۸۹    | ۷۵    |
| ۹۰   | ۷۶    | ۹۰    | ۷۶   | ۹۰    | ۷۶    |
| ۹۱   | ۷۷    | ۹۱    | ۷۷   | ۹۱    | ۷۷    |
| ۹۲   | ۷۸    | ۹۲    | ۷۸   | ۹۲    | ۷۸    |
| ۹۳   | ۷۹    | ۹۳    | ۷۹   | ۹۳    | ۷۹    |
| ۹۴   | ۸۰    | ۹۴    | ۸۰   | ۹۴    | ۸۰    |
| ۹۵   | ۸۱    | ۹۵    | ۸۱   | ۹۵    | ۸۱    |
| ۹۶   | ۸۲    | ۹۶    | ۸۲   | ۹۶    | ۸۲    |
| ۹۷   | ۸۳    | ۹۷    | ۸۳   | ۹۷    | ۸۳    |
| ۹۸   | ۸۴    | ۹۸    | ۸۴   | ۹۸    | ۸۴    |
| ۹۹   | ۸۵    | ۹۹    | ۸۵   | ۹۹    | ۸۵    |
| ۱۰۰  | ۸۶    | ۱۰۰   | ۸۶   | ۱۰۰   | ۸۶    |
| ۱۰۱  | ۸۷    | ۱۰۱   | ۸۷   | ۱۰۱   | ۸۷    |
| ۱۰۲  | ۸۸    | ۱۰۲   | ۸۸   | ۱۰۲   | ۸۸    |
| ۱۰۳  | ۸۹    | ۱۰۳   | ۸۹   | ۱۰۳   | ۸۹    |
| ۱۰۴  | ۹۰    | ۱۰۴   | ۹۰   | ۱۰۴   | ۹۰    |
| ۱۰۵  | ۹۱    | ۱۰۵   | ۹۱   | ۱۰۵   | ۹۱    |
| ۱۰۶  | ۹۲    | ۱۰۶   | ۹۲   | ۱۰۶   | ۹۲    |
| ۱۰۷  | ۹۳    | ۱۰۷   | ۹۳   | ۱۰۷   | ۹۳    |
| ۱۰۸  | ۹۴    | ۱۰۸   | ۹۴   | ۱۰۸   | ۹۴    |
| ۱۰۹  | ۹۵    | ۱۰۹   | ۹۵   | ۱۰۹   | ۹۵    |
| ۱۱۰  | ۹۶    | ۱۱۰   | ۹۶   | ۱۱۰   | ۹۶    |
| ۱۱۱  | ۹۷    | ۱۱۱   | ۹۷   | ۱۱۱   | ۹۷    |
| ۱۱۲  | ۹۸    | ۱۱۲   | ۹۸   | ۱۱۲   | ۹۸    |
| ۱۱۳  | ۹۹    | ۱۱۳   | ۹۹   | ۱۱۳   | ۹۹    |
| ۱۱۴  | ۱۰۰   | ۱۱۴   | ۱۰۰  | ۱۱۴   | ۱۰۰   |
| ۱۱۵  | ۱۰۱   | ۱۱۵   | ۱۰۱  | ۱۱۵   | ۱۰۱   |
| ۱۱۶  | ۱۰۲   | ۱۱۶   | ۱۰۲  | ۱۱۶   | ۱۰۲   |
| ۱۱۷  | ۱۰۳   | ۱۱۷   | ۱۰۳  | ۱۱۷   | ۱۰۳   |
| ۱۱۸  | ۱۰۴   | ۱۱۸   | ۱۰۴  | ۱۱۸   | ۱۰۴   |
| ۱۱۹  | ۱۰۵   | ۱۱۹   | ۱۰۵  | ۱۱۹   | ۱۰۵   |
| ۱۲۰  | ۱۰۶   | ۱۲۰   | ۱۰۶  | ۱۲۰   | ۱۰۶   |
| ۱۲۱  | ۱۰۷   | ۱۲۱   | ۱۰۷  | ۱۲۱   | ۱۰۷   |
| ۱۲۲  | ۱۰۸   | ۱۲۲   | ۱۰۸  | ۱۲۲   | ۱۰۸   |
| ۱۲۳  | ۱۰۹   | ۱۲۳   | ۱۰۹  | ۱۲۳   | ۱۰۹   |
| ۱۲۴  | ۱۱۰   | ۱۲۴   | ۱۱۰  | ۱۲۴   | ۱۱۰   |
| ۱۲۵  | ۱۱۱   | ۱۲۵   | ۱۱۱  | ۱۲۵   | ۱۱۱   |
| ۱۲۶  | ۱۱۲   | ۱۲۶   | ۱۱۲  | ۱۲۶   | ۱۱۲   |
| ۱۲۷  | ۱۱۳   | ۱۲۷   | ۱۱۳  | ۱۲۷   | ۱۱۳   |
| ۱۲۸  | ۱۱۴   | ۱۲۸   | ۱۱۴  | ۱۲۸   | ۱۱۴   |
| ۱۲۹  | ۱۱۵   | ۱۲۹   | ۱۱۵  | ۱۲۹   | ۱۱۵   |
| ۱۳۰  | ۱۱۶   | ۱۳۰   | ۱۱۶  | ۱۳۰   | ۱۱۶   |
| ۱۳۱  | ۱۱۷   | ۱۳۱   | ۱۱۷  | ۱۳۱   | ۱۱۷   |
| ۱۳۲  | ۱۱۸   | ۱۳۲   | ۱۱۸  | ۱۳۲   | ۱۱۸   |
| ۱۳۳  | ۱۱۹   | ۱۳۳   | ۱۱۹  | ۱۳۳   | ۱۱۹   |
| ۱۳۴  | ۱۲۰   | ۱۳۴   | ۱۲۰  | ۱۳۴   | ۱۲۰   |
| ۱۳۵  | ۱۲۱   | ۱۳۵   | ۱۲۱  | ۱۳۵   | ۱۲۱   |
| ۱۳۶  | ۱۲۲   | ۱۳۶   | ۱۲۲  | ۱۳۶   | ۱۲۲   |
| ۱۳۷  | ۱۲۳   | ۱۳۷   | ۱۲۳  | ۱۳۷   | ۱۲۳   |
| ۱۳۸  | ۱۲۴   | ۱۳۸   | ۱۲۴  | ۱۳۸   | ۱۲۴   |
| ۱۳۹  | ۱۲۵   | ۱۳۹   | ۱۲۵  | ۱۳۹   | ۱۲۵   |
| ۱۴۰  | ۱۲۶   | ۱۴۰   | ۱۲۶  | ۱۴۰   | ۱۲۶   |
| ۱۴۱  | ۱۲۷   | ۱۴۱   | ۱۲۷  | ۱۴۱   | ۱۲۷   |
| ۱۴۲  | ۱۲۸   | ۱۴۲   | ۱۲۸  | ۱۴۲   | ۱۲۸   |
| ۱۴۳  | ۱۲۹   | ۱۴۳   | ۱۲۹  | ۱۴۳   | ۱۲۹   |
| ۱۴۴  | ۱۳۰   | ۱۴۴   | ۱۳۰  | ۱۴۴   | ۱۳۰   |
| ۱۴۵  | ۱۳۱   | ۱۴۵   | ۱۳۱  | ۱۴۵   | ۱۳۱   |
| ۱۴۶  | ۱۳۲   | ۱۴۶   | ۱۳۲  | ۱۴۶   | ۱۳۲   |
| ۱۴۷  | ۱۳۳   | ۱۴۷   | ۱۳۳  | ۱۴۷   | ۱۳۳   |
| ۱۴۸  | ۱۳۴   | ۱۴۸   | ۱۳۴  | ۱۴۸   | ۱۳۴   |
| ۱۴۹  | ۱۳۵   | ۱۴۹   | ۱۳۵  | ۱۴۹   | ۱۳۵   |
| ۱۵۰  | ۱۳۶   | ۱۵۰   | ۱۳۶  | ۱۵۰   | ۱۳۶   |
| ۱۵۱  | ۱۳۷   | ۱۵۱   | ۱۳۷  | ۱۵۱   | ۱۳۷   |
| ۱۵۲  | ۱۳۸   | ۱۵۲   | ۱۳۸  | ۱۵۲   | ۱۳۸   |
| ۱۵۳  | ۱۳۹   | ۱۵۳   | ۱۳۹  | ۱۵۳   | ۱۳۹   |
| ۱۵۴  | ۱۴۰   | ۱۵۴   | ۱۴۰  | ۱۵۴   | ۱۴۰   |
| ۱۵۵  | ۱۴۱   | ۱۵۵   | ۱۴۱  | ۱۵۵   | ۱۴۱   |
| ۱۵۶  | ۱۴۲   | ۱۵۶   | ۱۴۲  | ۱۵۶   | ۱۴۲   |
| ۱۵۷  | ۱۴۳   | ۱۵۷   | ۱۴۳  | ۱۵۷   | ۱۴۳   |
| ۱۵۸  | ۱۴۴   | ۱۵۸   | ۱۴۴  | ۱۵۸   | ۱۴۴   |
| ۱۵۹  | ۱۴۵   | ۱۵۹   | ۱۴۵  | ۱۵۹   | ۱۴۵   |
| ۱۶۰  | ۱۴۶   | ۱۶۰   | ۱۴۶  | ۱۶۰   | ۱۴۶   |
| ۱۶۱  | ۱۴۷   | ۱۶۱   | ۱۴۷  | ۱۶۱   | ۱۴۷   |
| ۱۶۲  | ۱۴۸   | ۱۶۲   | ۱۴۸  | ۱۶۲   | ۱۴۸   |
| ۱۶۳  | ۱۴۹   | ۱۶۳   | ۱۴۹  | ۱۶۳   | ۱۴۹   |
| ۱۶۴  | ۱۵۰   | ۱۶۴   | ۱۵۰  | ۱۶۴   | ۱۵۰   |
| ۱۶۵  | ۱۵۱   | ۱۶۵   | ۱۵۱  | ۱۶۵   | ۱۵۱   |
| ۱۶۶  | ۱۵۲   | ۱۶۶   | ۱۵۲  | ۱۶۶   | ۱۵۲   |
| ۱۶۷  | ۱۵۳   | ۱۶۷   | ۱۵۳  | ۱۶۷   | ۱۵۳   |
| ۱۶۸  | ۱۵۴   | ۱۶۸   | ۱۵۴  | ۱۶۸   | ۱۵۴   |
| ۱۶۹  | ۱۵۵   | ۱۶۹   | ۱۵۵  | ۱۶۹   | ۱۵۵   |
| ۱۷۰  | ۱۵۶   | ۱۷۰   | ۱۵۶  | ۱۷۰   | ۱۵۶   |
| ۱۷۱  | ۱۵۷   | ۱۷۱   | ۱۵۷  | ۱۷۱   | ۱۵۷   |
| ۱۷۲  | ۱۵۸   | ۱۷۲   | ۱۵۸  | ۱۷۲   | ۱۵۸   |
| ۱۷۳  | ۱۵۹   | ۱۷۳   | ۱۵۹  | ۱۷۳   | ۱۵۹   |
| ۱۷۴  | ۱۶۰   | ۱۷۴   | ۱۶۰  | ۱۷۴   | ۱۶۰   |
| ۱۷۵  | ۱۶۱   | ۱۷۵   | ۱۶۱  | ۱۷۵   | ۱۶۱   |
| ۱۷۶  | ۱۶۲   | ۱۷۶   | ۱۶۲  | ۱۷۶   | ۱۶۲   |
| ۱۷۷  | ۱۶۳   | ۱۷۷   | ۱۶۳  | ۱۷۷   | ۱۶۳   |
| ۱۷۸  | ۱۶۴   | ۱۷۸   | ۱۶۴  | ۱۷۸   | ۱۶۴   |
| ۱۷۹  | ۱۶۵   | ۱۷۹   | ۱۶۵  | ۱۷۹   | ۱۶۵   |
| ۱۸۰  | ۱۶۶   | ۱۸۰   | ۱۶۶  | ۱۸۰   | ۱۶۶   |
| ۱۸۱  | ۱۶۷   | ۱۸۱   | ۱۶۷  | ۱۸۱   | ۱۶۷   |
| ۱۸۲  | ۱۶۸   | ۱۸۲   | ۱۶۸  | ۱۸۲   | ۱۶۸   |
| ۱۸۳  | ۱۶۹   | ۱۸۳   | ۱۶۹  | ۱۸۳   | ۱۶۹   |
| ۱۸۴  | ۱۷۰   | ۱۸۴   | ۱۷۰  | ۱۸۴   | ۱۷۰   |
| ۱۸۵  | ۱۷۱   | ۱۸۵   | ۱۷۱  | ۱۸۵   | ۱۷۱   |
| ۱۸۶  | ۱۷۲   | ۱۸۶   | ۱۷۲  | ۱۸۶   | ۱۷۲   |
| ۱۸۷  | ۱۷۳   | ۱۸۷   | ۱۷۳  | ۱۸۷   | ۱۷۳   |
| ۱۸۸  | ۱۷۴   | ۱۸۸   | ۱۷۴  | ۱۸۸   | ۱۷۴   |
| ۱۸۹  | ۱۷۵   | ۱۸۹   | ۱۷۵  | ۱۸۹   | ۱۷۵   |
| ۱۹۰  | ۱۷۶   | ۱۹۰   | ۱۷۶  | ۱۹۰   | ۱۷۶   |
| ۱۹۱  | ۱۷۷   | ۱۹۱   | ۱۷۷  | ۱۹۱   | ۱۷۷   |
| ۱۹۲  | ۱۷۸   | ۱۹۲   | ۱۷۸  | ۱۹۲   | ۱۷۸   |
| ۱۹۳  | ۱۷۹   | ۱۹۳   | ۱۷۹  | ۱۹۳   | ۱۷۹   |
| ۱۹۴  | ۱۸۰   | ۱۹۴   | ۱۸۰  | ۱۹۴   | ۱۸۰   |
| ۱۹۵  | ۱۸۱   | ۱۹۵   | ۱۸۱  | ۱۹۵   | ۱۸۱   |
| ۱۹۶  | ۱۸۲   | ۱۹۶   | ۱۸۲  | ۱۹۶   | ۱۸۲   |
| ۱۹۷  | ۱۸۳   | ۱۹۷   | ۱۸۳  | ۱۹۷   | ۱۸۳   |
| ۱۹۸  | ۱۸۴   | ۱۹۸   | ۱۸۴  | ۱۹۸   | ۱۸۴   |
| ۱۹۹  | ۱۸۵   | ۱۹۹   | ۱۸۵  | ۱۹۹   | ۱۸۵   |
| ۲۰۰  | ۱۸۶   | ۲۰۰   | ۱۸۶  | ۲۰۰   | ۱۸۶   |
| ۲۰۱  | ۱۸۷   | ۲۰۱   | ۱۸۷  | ۲۰۱   | ۱۸۷   |

| صفحه | سطر  | غلط                  | صحیح                 | صفحه        | سطر          | غلط              | صحیح             |
|------|------|----------------------|----------------------|-------------|--------------|------------------|------------------|
| ۲۱۱  | ۲    | قناد                 | قناد                 | ۲۹۸         | ۵            | ابو السعادات     | ابو السعادات     |
| ۲۱۳  | ۱۴   | معروف به             | معروف به ؟           | ۲۹۹         | ۲۳           | اکشاف            | الکشاف           |
| ۲۲۷  | ح ۵  | ص ۲۸۰ و ۲۸۱          | ص ۲۵۰ و ۲۵۱          | ۳۰۰         | ۱            | البین والبيان    | البین والبيان    |
| ۲۳۱  | ۵    | این فرهنگ کورده      | این فرهنگ آورده      | ۳۰۱         | ۷            | تذیل             | تذیل             |
| ۲۳۵  | ۱۸   | نسخه ۸۹۵ ذیل         | نسخه ۸۶۳ این فهرست   | ۳۰۴         | ۱۴           | خلاصه نمود       | خلاصه نمود       |
| ۲۳۶  | ۱۳   | تهییج العزام         | تهییج العزام         | ۳۰۷         | ح ۹          | الماسی           | الماسی           |
| »    | ۱۵   | روضة الناظر          | روضة الناظر          | ۳۰۸         | ۱۵           | روضة المسائل     | روضة المسائل     |
|      | ۲۰   | فہم                  | فی من                | ۳۰۹         | ۸            | باشا ز ۲ -       | باشا ز ۲ -       |
| ۲۳۸  | ۱    | معروف به یاق         | معروف به شدياق       | ۳۱۰         | ۹            | بر جرد و ۲ -     | بر جرد و ۲ -     |
| ۲۳۸  | ۱۳   | شرح قاموس            | شرح قاموس            | ۳۱۵         | ۲            | عبد القادر       | عبد القادر       |
| ۲۳۹  | ۳۰   | فیروز آبادی قاموس را | قاموس فیروز آبادی را | ۳           | -            | المقصد           | المقصد           |
| ۲۴۰  | ۲۵   | ترجمه فارسی و        | ترجمه فارسی و        | ۳۱۹         | میان ۱۷ و ۱۸ | الغروشه شون      | الغروشه شون      |
| ۲۴۸  | ۱    | کامله التعبير        | کامله التعبير        | ۱۵۰۶ و ۱۵۰۷ | -            | معهده لغات و شده | معهده لغات و شده |
|      | ح ۲  | (ج ۲ ص ۴۱۳)          | (ج ۲ ص ۴۱۳)          | ۱۲۸۸        | -            | در آستانه حده    | در آستانه حده    |
| ۲۵۱  | ۱۸   | نویسنده نسخه         | نویسنده نسخه         | ۹۷۵         | -            | وقت زیاد است     | وقت زیاد است     |
| ۲۵۶  | ۲۶   | الهییت               | الهییت               | ۳۲۰         | ۳            | هو المشهور       | هو المشهور       |
| ۲۵۹  | ۶    | زاشت بهرام           | زاشت بهرام           | ۳۳۱         | ح ۳          | شده به           | شده به           |
| ۲۶۸  | ۱۰   | شماره کتابخانه (۱۰)  | شماره کتابخانه (۱۰)  | ۳۳۳         | ح ۱          | معهده لغات       | معهده لغات       |
| ۲۶۸  | ۱۴   | آورده و آن را        | آورده و آن را        | ۳۴۰         | ۱۶           | معهده لغات       | معهده لغات       |
| ۲۷۳  | ۳    | در صلوة شیخ حسن      | در صلوة شیخ حسن      | ۳۵۹         | ۱            | مناقب سوانه      | مناقب سوانه      |
| ۲۸۳  | ۱۵   | به جعفر زک           | به جعفر زک           |             |              | الدرة الفاخره    | الدرة الفاخره    |
|      | ۱۹   | اعترفتها             | اعترفتها             | ۳۶۱         | ۱۰           | فوق حقیق         | فوق حقیق         |
|      | ح ۲  | قسمتی از آن          | تمام آن              | ۳۶۴         | ۱۶           | شرح شمس          | شرح شمس          |
| ۳۸۴  | ۳    | بشود                 | بشود                 | ۳۶۶         | ح ۱          | ص ۲۵۹            | ص ۲۵۹            |
| ۳۸۹  | ح ۲۲ | فقهیه                | فقهیه                | ۳۷۰         | ۸            | فوق حقیق         | فوق حقیق         |
| ۳۹۰  | ۱۴   | و اشعار فیه          | و اشعار فیه          | ۳۷۳         | ح ۲          | شرح              | شرح              |
|      | ۱۹   | ابی نصر اکت          | ابی نصر اکت          | ۳۷۷         | ۹            | معنی السی        | معنی السی        |
|      |      | عن ابن السکیت        | عن ابن السکیت        | ۳۸۵         | ۱            | الاملا           | الاملا           |
| ۳۹۲  | ۲۱   | ابن السکیت           | ابن السکیت           | ۳۸۶         | ۲۷           | شرح صمد          | شرح صمد          |
| ۳۹۳  | ۱۷   | مصادر صحاح           | مصادر صحاح           | ۳۹۶         | ۲۶           | (۱۰۲۱)           | (۱۰۲۱)           |
| ۳۹۵  | ۱۴   | تاریخ بغداد          | تاریخ بغداد          | ۴۰۵         | ۱۸           | تاریخ            | تاریخ            |
| ۳۹۶  | ۲۵   | شده است              | شده است              | ۴۲۱         | ۸            | از مؤلف          | از مؤلف          |
| ۳۹۷  | ۱۰   | فی مرتب              | فی مرتب              | ۴۳۰         | ۲۳           | رمضان            | رمضان            |
|      | ۲۳   | (ابو السعادات)       | (ابو السعادات)       | ۴۴۰         | ۷            | (۱۰۷۷)           | (۱۰۷۷)           |

| صفحه   | موضوع           | صفحه   | موضوع           | صفحه   | موضوع  |
|--------|-----------------|--------|-----------------|--------|--|
| ۱۰ ۵۷۶ | کسی خوش نما     | ۱۰ ۵۸۲ | جان بخش         | ۳ ۶۲۰  | نظام الملك (۱)                                   |
| ۲ ۶۲۲  | ابوبکرو         | ۱۳     | تمیز را         | ۱۳ ۶۲۳ | که نویسنده . . . . (نویسنده آن از خود نام نبرده) |
| ۵      | معاصر ظهیر بوده | ۱۶ ۶۳۳ | کرامت           | ۱۷     | ظهر  |
| ۲۱     | فن الفارسی      | ۵ ۶۳۸  | خان خان         | ۱۹     | »  |
| ۴ ۶۴۶  | بر اندازند      | ۵ ۶۴۹  | حالات وی        | ۱ ۶۵۷  | بر آب خراب                                       |
| ۲۰ ۶۵۸ | زده ولی         | ۲۱ ۷۵۷ | علی بن اسحق ( ) | ۱۸ ۷۹۱ | مهر ماه  |
| ۱۰ ۵۷۶ | اسیانه          | ۱۱ ۵۸۲ | بستان           | ۲ ۶۲۰  | حاجت الشعرا                                      |
| ۱۳ ۶۲۲ | از سر           | ۸ ۴۷۶  | آوارش بدن       | ۲۴     | دوسه از آخر شعر آن دوسه شعر از آخر آن            |
| ۹ ۴۷۹  | از سر           | ۱۰ ۴۸۸ | ۷۰۰۰            | ۹ ۵۰۵  | ۱۰ ۵۱۰   |
| ۲۰ ۴۸۹ | ۱۰ (۲)          | ۹ ۵۰۵  | ۱۰ ۵۱۰          | ۱۳ ۵۱۲ | ۱۳ ۵۱۳   |
| ۳ ۵۱۷  | در نیت و . . .  | ۳۰ ۵۱۹ | کتابخانه        | ۱۳ ۵۲۲ | ۱۳ ۵۲۳   |
| ۱۳ ۵۲۳ | ۱۳ ۵۲۴          | ۱۳ ۵۲۵ | ۱۳ ۵۲۶          | ۱۳ ۵۲۷ | ۱۳ ۵۲۸   |
| ۱۳ ۵۲۹ | ۱۳ ۵۳۰          | ۱۳ ۵۳۱ | ۱۳ ۵۳۲          | ۱۳ ۵۳۳ | ۱۳ ۵۳۴   |
| ۱۳ ۵۳۵ | ۱۳ ۵۳۶          | ۱۳ ۵۳۷ | ۱۳ ۵۳۸          | ۱۳ ۵۳۹ | ۱۳ ۵۴۰   |
| ۱۳ ۵۴۱ | ۱۳ ۵۴۲          | ۱۳ ۵۴۳ | ۱۳ ۵۴۴          | ۱۳ ۵۴۵ | ۱۳ ۵۴۶   |
| ۱۳ ۵۴۷ | ۱۳ ۵۴۸          | ۱۳ ۵۴۹ | ۱۳ ۵۵۰          | ۱۳ ۵۵۱ | ۱۳ ۵۵۲   |
| ۱۳ ۵۵۳ | ۱۳ ۵۵۴          | ۱۳ ۵۵۵ | ۱۳ ۵۵۶          | ۱۳ ۵۵۷ | ۱۳ ۵۵۸   |
| ۱۳ ۵۵۹ | ۱۳ ۵۶۰          | ۱۳ ۵۶۱ | ۱۳ ۵۶۲          | ۱۳ ۵۶۳ | ۱۳ ۵۶۴   |
| ۱۳ ۵۶۵ | ۱۳ ۵۶۶          | ۱۳ ۵۶۷ | ۱۳ ۵۶۸          | ۱۳ ۵۶۹ | ۱۳ ۵۷۰   |
| ۱۳ ۵۷۱ | ۱۳ ۵۷۲          | ۱۳ ۵۷۳ | ۱۳ ۵۷۴          | ۱۳ ۵۷۵ | ۱۳ ۵۷۶   |
| ۱۳ ۵۷۷ | ۱۳ ۵۷۸          | ۱۳ ۵۷۹ | ۱۳ ۵۸۰          | ۱۳ ۵۸۱ | ۱۳ ۵۸۲   |
| ۱۳ ۵۸۳ | ۱۳ ۵۸۴          | ۱۳ ۵۸۵ | ۱۳ ۵۸۶          | ۱۳ ۵۸۷ | ۱۳ ۵۸۸   |
| ۱۳ ۵۸۹ | ۱۳ ۵۹۰          | ۱۳ ۵۹۱ | ۱۳ ۵۹۲          | ۱۳ ۵۹۳ | ۱۳ ۵۹۴   |
| ۱۳ ۵۹۵ | ۱۳ ۵۹۶          | ۱۳ ۵۹۷ | ۱۳ ۵۹۸          | ۱۳ ۵۹۹ | ۱۳ ۶۰۰   |
| ۱۳ ۶۰۱ | ۱۳ ۶۰۲          | ۱۳ ۶۰۳ | ۱۳ ۶۰۴          | ۱۳ ۶۰۵ | ۱۳ ۶۰۶   |
| ۱۳ ۶۰۷ | ۱۳ ۶۰۸          | ۱۳ ۶۰۹ | ۱۳ ۶۱۰          | ۱۳ ۶۱۱ | ۱۳ ۶۱۲   |
| ۱۳ ۶۱۳ | ۱۳ ۶۱۴          | ۱۳ ۶۱۵ | ۱۳ ۶۱۶          | ۱۳ ۶۱۷ | ۱۳ ۶۱۸   |
| ۱۳ ۶۱۹ | ۱۳ ۶۲۰          | ۱۳ ۶۲۱ | ۱۳ ۶۲۲          | ۱۳ ۶۲۳ | ۱۳ ۶۲۴   |
| ۱۳ ۶۲۵ | ۱۳ ۶۲۶          | ۱۳ ۶۲۷ | ۱۳ ۶۲۸          | ۱۳ ۶۲۹ | ۱۳ ۶۳۰   |
| ۱۳ ۶۳۱ | ۱۳ ۶۳۲          | ۱۳ ۶۳۳ | ۱۳ ۶۳۴          | ۱۳ ۶۳۵ | ۱۳ ۶۳۶   |
| ۱۳ ۶۳۷ | ۱۳ ۶۳۸          | ۱۳ ۶۳۹ | ۱۳ ۶۴۰          | ۱۳ ۶۴۱ | ۱۳ ۶۴۲   |
| ۱۳ ۶۴۳ | ۱۳ ۶۴۴          | ۱۳ ۶۴۵ | ۱۳ ۶۴۶          | ۱۳ ۶۴۷ | ۱۳ ۶۴۸   |
| ۱۳ ۶۴۹ | ۱۳ ۶۵۰          | ۱۳ ۶۵۱ | ۱۳ ۶۵۲          | ۱۳ ۶۵۳ | ۱۳ ۶۵۴   |
| ۱۳ ۶۵۵ | ۱۳ ۶۵۶          | ۱۳ ۶۵۷ | ۱۳ ۶۵۸          | ۱۳ ۶۵۹ | ۱۳ ۶۶۰   |
| ۱۳ ۶۶۱ | ۱۳ ۶۶۲          | ۱۳ ۶۶۳ | ۱۳ ۶۶۴          | ۱۳ ۶۶۵ | ۱۳ ۶۶۶   |
| ۱۳ ۶۶۷ | ۱۳ ۶۶۸          | ۱۳ ۶۶۹ | ۱۳ ۶۷۰          | ۱۳ ۶۷۱ | ۱۳ ۶۷۲   |
| ۱۳ ۶۷۳ | ۱۳ ۶۷۴          | ۱۳ ۶۷۵ | ۱۳ ۶۷۶          | ۱۳ ۶۷۷ | ۱۳ ۶۷۸   |
| ۱۳ ۶۷۹ | ۱۳ ۶۸۰          | ۱۳ ۶۸۱ | ۱۳ ۶۸۲          | ۱۳ ۶۸۳ | ۱۳ ۶۸۴   |
| ۱۳ ۶۸۵ | ۱۳ ۶۸۶          | ۱۳ ۶۸۷ | ۱۳ ۶۸۸          | ۱۳ ۶۸۹ | ۱۳ ۶۹۰   |
| ۱۳ ۶۹۱ | ۱۳ ۶۹۲          | ۱۳ ۶۹۳ | ۱۳ ۶۹۴          | ۱۳ ۶۹۵ | ۱۳ ۶۹۶   |
| ۱۳ ۶۹۷ | ۱۳ ۶۹۸          | ۱۳ ۶۹۹ | ۱۳ ۷۰۰          | ۱۳ ۷۰۱ | ۱۳ ۷۰۲   |
| ۱۳ ۷۰۳ | ۱۳ ۷۰۴          | ۱۳ ۷۰۵ | ۱۳ ۷۰۶          | ۱۳ ۷۰۷ | ۱۳ ۷۰۸   |
| ۱۳ ۷۱۰ | ۱۳ ۷۱۱          | ۱۳ ۷۱۲ | ۱۳ ۷۱۳          | ۱۳ ۷۱۴ | ۱۳ ۷۱۵   |
| ۱۳ ۷۱۷ | ۱۳ ۷۱۸          | ۱۳ ۷۱۹ | ۱۳ ۷۲۰          | ۱۳ ۷۲۱ | ۱۳ ۷۲۲   |
| ۱۳ ۷۲۳ | ۱۳ ۷۲۴          | ۱۳ ۷۲۵ | ۱۳ ۷۲۶          | ۱۳ ۷۲۷ | ۱۳ ۷۲۸   |
| ۱۳ ۷۲۹ | ۱۳ ۷۳۰          | ۱۳ ۷۳۱ | ۱۳ ۷۳۲          | ۱۳ ۷۳۳ | ۱۳ ۷۳۴   |
| ۱۳ ۷۳۵ | ۱۳ ۷۳۶          | ۱۳ ۷۳۷ | ۱۳ ۷۳۸          | ۱۳ ۷۳۹ | ۱۳ ۷۴۰   |
| ۱۳ ۷۴۱ | ۱۳ ۷۴۲          | ۱۳ ۷۴۳ | ۱۳ ۷۴۴          | ۱۳ ۷۴۵ | ۱۳ ۷۴۶   |
| ۱۳ ۷۴۷ | ۱۳ ۷۴۸          | ۱۳ ۷۴۹ | ۱۳ ۷۵۰          | ۱۳ ۷۵۱ | ۱۳ ۷۵۲   |
| ۱۳ ۷۵۳ | ۱۳ ۷۵۴          | ۱۳ ۷۵۵ | ۱۳ ۷۵۶          | ۱۳ ۷۵۷ | ۱۳ ۷۵۸   |
| ۱۳ ۷۵۹ | ۱۳ ۷۶۰          | ۱۳ ۷۶۱ | ۱۳ ۷۶۲          | ۱۳ ۷۶۳ | ۱۳ ۷۶۴   |
| ۱۳ ۷۶۵ | ۱۳ ۷۶۶          | ۱۳ ۷۶۷ | ۱۳ ۷۶۸          | ۱۳ ۷۶۹ | ۱۳ ۷۷۰   |
| ۱۳ ۷۷۱ | ۱۳ ۷۷۲          | ۱۳ ۷۷۳ | ۱۳ ۷۷۴          | ۱۳ ۷۷۵ | ۱۳ ۷۷۶   |
| ۱۳ ۷۷۷ | ۱۳ ۷۷۸          | ۱۳ ۷۷۹ | ۱۳ ۷۸۰          | ۱۳ ۷۸۱ | ۱۳ ۷۸۲   |
| ۱۳ ۷۸۳ | ۱۳ ۷۸۴          | ۱۳ ۷۸۵ | ۱۳ ۷۸۶          | ۱۳ ۷۸۷ | ۱۳ ۷۸۸   |
| ۱۳ ۷۸۹ | ۱۳ ۷۹۰          | ۱۳ ۷۹۱ | ۱۳ ۷۹۲          | ۱۳ ۷۹۳ | ۱۳ ۷۹۴   |
| ۱۳ ۷۹۵ | ۱۳ ۷۹۶          | ۱۳ ۷۹۷ | ۱۳ ۷۹۸          | ۱۳ ۷۹۹ | ۱۳ ۸۰۰   |



۰۱۴۵۰۹۱

CALL No. { ۰۱۴۵۰۹۱ } ACC. No. ۵۱۲۸

Author ابن یوسف شبرازی

Acc. No. ۵۱۲۸ مجموعت کتابخانه مدرس

No. ۰۱۴۵۰۹۱ Book No. ۲۲ کتاب خطی: فارسی عربی

for ابن یوسف شبرازی

| Lender's No. | Issue Date | Borrower's No. | Issue D. |
|--------------|------------|----------------|----------|
|              |            |                |          |
|              |            |                |          |
|              |            |                |          |
|              |            |                |          |
|              |            |                |          |
|              |            |                |          |
|              |            |                |          |
|              |            |                |          |
|              |            |                |          |
|              |            |                |          |

RECEIVED AT THE TIME



## MAULANA AZAD LIBRARY

### ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

#### RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

